



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# دانشنامه احادیث پزشکی

نویسنده:

محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه دار الحدیث الثقافیه

## فهرست

۵	فهرست
۴۴	دانشنامه احادیث پزشکی
۴۴	مشخصات کتاب
۴۴	جلد ۱
۴۴	پیش‌گفتار
۴۴	اهمیت پزشکی
۴۵	طبابت، کار خداوند است
۴۵	دانش‌نامه احادیث طبی
۴۵	اشاره
۴۶	۱ جایگاه طب در قوانین اسلام
۴۶	اشاره
۴۶	جایگاه طب پیشگیری در اسلام
۴۷	۲ ارزیابی کلی احادیث طبی
۴۷	اشاره
۴۷	۱. مبدأ علم طب
۴۸	۲. اهل بیت و دانش پزشکی
۴۹	۳. دین و حرفه پزشکی
۴۹	ارزیابی احادیث طبی از نگاه شیخ صدوق
۵۰	اقسام احادیث طبی
۵۱	ارزیابی احادیث طبی از طریق آزمایش
۵۱	انگیزه اصلی نگارش دانش‌نامه احادیث پزشکی
۵۱	ارزیابی علمی احادیث «اثمد»
۵۲	مراحل تحقیق و تدوین

۵۲	.....	اشاره
۵۳	.....	۱. نقطه آغاز
۵۳	.....	۲. تنظیم ابتدایی
۵۳	.....	۳. ارجاع به منابع (مصدریابی)
۵۴	.....	۴. نقد متن و تنظیم نهایی
۵۴	.....	۵. تهیه مدخل‌ها و تحلیل‌های مورد نیاز
۵۴	.....	۶. چگونگی نگارش احادیث
۵۵	.....	۷. اقدام‌های بعدی
۵۵	.....	بخش اول: پزشکی
۵۶	.....	اشاره
۵۶	.....	فصل یکم: پزشکی از دیدگاه اسلام
۵۶	.....	۱ / ۱ اهمیت دانش پزشکی
۵۹	.....	۱ / ۲ آگاهی پیامبران و امامان از دانش پزشکی
۶۳	.....	۱ / ۳ هر دردی را درمانی است
۶۴	.....	۱ / ۴ دارو و درمان، از تقدیر است
۶۶	.....	۱ / ۵ شفا از خداوند است
۶۶	.....	قرآن
۶۶	.....	حدیث
۶۷	.....	فصل دوم: آداب طبابت و وظائف طبیب
۶۷	.....	درآمد
۶۸	.....	۱. احساس مسئولیت
۶۸	.....	۲. تقوای پزشکی
۶۹	.....	۳. پاک‌دامنی
۶۹	.....	۴. اهتمام به تشخیص بیماری

۵. تلاش برای شناخت داروهای طبیعی ..... ۶۹
۶. رعایت ضرورت در تجویز دارو ..... ۶۹
۷. حفظ اسرار بیمار ..... ۷۰
۸. ایجاد امیدواری در دل بیمار ..... ۷۰
۹. جلوگیری از طبابت افراد غیر متخصص ..... ۷۰
- آداب الطّباة و أحكامها ..... ۷۱
- آداب طبابت و وظائف طبیب ..... ۷۱
- ۱ / ۲ احساس مسئولیت ..... ۷۱
- ۲ / ۲ تقوای پزشکی ..... ۷۲
- ۳ / ۲ اهتمام به شناخت بیماری ..... ۷۲
- ۴ / ۲ حرام بودن طبابت توسط ناآگاهان ..... ۷۲
- ۵ / ۲ مسئول بودن پزشک در صورت به بار آوردن خسارت ..... ۷۲
- ۶ / ۲ مسئول نبودن پزشک در صورت برخورداری از مهارت و گرفتن براءت ..... ۷۳
- ۷ / ۲ جایز بودن درمان به شرط شناخت بیماری، با وجود احتمال مرگ ..... ۷۴
- ۸ / ۲ انتخاب همجنس برای معاینه و معالجه ..... ۷۵
- ۹ / ۲ جایز بودن معالجه توسط جنس مخالف در هنگام ضرورت ..... ۷۶
- ۱۰ / ۲ عدم جواز معالجه توسط جنس مخالف در حالت عدم اضطرار ..... ۷۷
- ۱۱ / ۲ درمان با آنچه حرام است ..... ۷۷
- قرآن ..... ۷۷
- حدیث ..... ۷۸
- فصل سوم: توصیه‌های پزشکی ..... ۸۱
- ۱ / ۳ آنچه انسان را از پزشک، بی‌نیاز می‌کند ..... ۸۱
- ۲ / ۳ دَفْعُ مُعَالَجَةِ الْأَطْبَاءِ مَهْمَا أَمَكَنَّ ..... ۸۱
- ۲ / ۳ پرهیز از مراجعه به پزشک تا سرحدّ امکان ..... ۸۱

۸۲	راه تندرستی
۸۳	عوامل شادابی
۸۵	عوامل طول عُمر
۸۶	آنچه موجب پیری زود رس می شود
۸۷	آنچه بدن را فرسوده می کند
۸۷	اندوه و بیماری
۸۷	قرآن
۸۷	حدیث
۸۸	پرهیز از سرما، و استقبال از آن
۸۸	خاصیت های بوی خوش
۸۹	پاکیزگی و بهداشت
۸۹	۱ شستن جامه
۹۰	۲ شستن دستمال
۹۰	۳ پوشاندن روی ظرف
۹۱	۴ شستن سر با سدر
۹۱	۵ گرفتن سبیل
۹۱	۶ کوتاه کردن ناخن ها
۹۲	۱۲ نقش کفش در سلامت
۹۲	۱۳ نهی از درمان با چشمه های آب گرم و آب های تلخ
۹۳	بخش دوم: بیماری
۹۳	اشاره
۹۳	درآمد
۹۳	حکمت بیماری
۹۴	۱. تربیت

۹۵	۲. کیفر
۹۵	۳. عامل مرگ
۹۶	فصل یکم: تعریف بیماری
۹۶	۱ / ۱ بازداشتگاه تن
۹۷	۲ / ۱
۹۷	از بزرگ‌ترین گرفتاری‌ها
۹۸	فصل دوم: شماری از حکمت‌های نهفته در بیماری‌ها
۹۸	فصل سوم: منافع بیماری
۹۹	۱ / ۳ تأدیب
۹۹	۲ / ۳ کفاره
۱۰۲	۳ / ۳ گرامیداشت
۱۰۳	۴ / ۳ پاداش
۱۰۵	۵ / ۳ پاداش آنچه در دوران تندرستی انجام می‌داده است
۱۰۷	تحلیلی درباره احادیث پاداش بیماری‌ها
۱۰۸	فصل چهارم: وظایف بیماران
۱۰۹	۱ / ۴ پنهان داشتن بیماری
۱۱۰	۲ / ۴ اظهار بیماری نزد پزشک
۱۱۰	۳ / ۴ شکیبایی
۱۱۲	۴ / ۴ سپاسگزاری
۱۱۳	۵ / ۴ صدقه دادن
۱۱۳	۶ / ۴ دعا کردن
۱۱۵	فصل پنجم: پرستاری
۱۱۵	۱ / ۵ پاداش پرستاری
۱۱۶	۲ / ۵ آداب پرستاری



۱۱۷	توضیح
۱۱۷	۳ / ۵ زنان پرستار در نبردهای پیامبر
۱۲۲	فصل ششم: عیادت بیماران
۱۲۲	۱ / ۶ تشویق به عیادت
۱۲۳	۲ / ۶ پاداش عیادت
۱۲۵	۳ / ۶ آداب عیادت
۱۲۵	الف عیادت، پس از سه روز
۱۲۶	ب عیادت کسی که به عیادتت نیامده است
۱۲۶	ج هدیه دادن به بیمار
۱۲۶	د مهربانی با بیمار
۱۲۷	ه دعا برای بیمار
۱۲۸	و التماس دعا از بیمار
۱۲۸	ز نخوردن چیزی نزد بیمار
۱۲۸	ح کم نشستن نزد بیمار
۱۲۹	ط یک روز در میان عیادت کردن
۱۳۰	۴ / ۶ بیمارانی که بر عیادت آنان تأکید شده است
۱۳۰	الف مؤمن
۱۳۰	ب بنی هاشم
۱۳۱	ج خاندان
۱۳۱	د بینوایان
۱۳۱	۵ / ۶ بیمارانی که نباید عیادت شوند
۱۳۱	۶ / ۶ آنچه رویاروی بیمار، نباید انجام داد
۱۳۲	بخش سوم: مباحث مربوط به اندامها و دستگاههای بدن
۱۳۲	اشاره

۱۳۲	فصل یکم: قلب و عروق
۱۳۲	۱ / ۱ اشاره به حکمت نهفته در این دستگاه
۱۳۴	۲ / ۱ آنچه برای سلامت قلب و تقویت آن، مفید است
۱۳۴	الف سیب
۱۳۴	ب سرکه
۱۳۴	ج انار
۱۳۵	د عدس
۱۳۵	ه به
۱۳۶	و گلابی
۱۳۶	ز عسل
۱۳۶	ح تلپینه [۴۸۶]
۱۳۷	ط بوی خوش
۱۳۷	۱ / ۳ آنچه برای سلامتی رگ‌ها سودمند است
۱۳۷	الف بادنجان
۱۳۷	ب حوک
۱۳۷	ج انجیر
۱۳۸	د نیشکر
۱۳۸	ه روزه
۱۳۸	و شام خوردن
۱۳۹	فصل دوم: مغز و اعصاب
۱۳۹	۱ / ۲ اشاره به حکمت مغز و دستگاه عصبی
۱۴۰	۲ / ۲ آنچه عقل را استحکام می‌بخشد
۱۴۰	الف باقلا
۱۴۰	اشاره

- ۱۴۰ ..... ب روغن مالیدن
- ۱۴۰ ..... ج حجامت
- ۱۴۰ ..... د سرکه
- ۱۴۱ ..... ه سرکه شراب
- ۱۴۱ ..... و سُداب
- ۱۴۱ ..... ز چغندر
- ۱۴۱ ..... ح مسواک زدن
- ۱۴۲ ..... ط خُرفه
- ۱۴۲ ..... ی کدو
- ۱۴۲ ..... ک کرفس
- ۱۴۲ ..... ل کُنْدُر
- ۱۴۳ ..... م گوشت
- ۱۴۳ ..... ۳ / ۲ آنچه بر توان ذهن می افزاید
- ۱۴۴ ..... ۴ / ۲ آنچه حافظه را تقویت می کند
- ۱۴۴ ..... الف مویز
- ۱۴۴ ..... ب عسل
- ۱۴۵ ..... ج کرفس
- ۱۴۵ ..... د حجامت
- ۱۴۵ ..... ه سایر عوامل تقویت حافظه
- ۱۴۵ ..... ۵ / ۲ آنچه فراموشی می آورد
- ۱۴۶ ..... ۶ / ۲ آنچه برای پیشگیری از فراموشی، سودمند است
- ۱۴۷ ..... ۷ / ۲ آنچه اعصاب را استحکام می بخشد
- ۱۴۷ ..... الف خوردن مویز
- ۱۴۸ ..... ب خوردن گوشت گوسفند همراه با شیر

- ۱۴۸ ..... ۸ / ۲ آنچه پی را نرم می‌کند
- ۱۴۸ ..... ۹ / ۲ آنچه برای سردرد، سودمند است
- ۱۴۸ ..... الف شستن سر با خَطْمی
- ۱۴۹ ..... ب نوشیدن آب نیم‌گرم (وَلْم) .....
- ۱۴۹ ..... ج شستن پاها با آب سرد
- ۱۴۹ ..... د مالیدن روغن بنفشه
- ۱۵۰ ..... ه خضاب کردن با حنا
- ۱۵۰ ..... و استعمال انفییه
- ۱۵۰ ..... ز جِجامت
- ۱۵۱ ..... ح کاسنی
- ۱۵۱ ..... ط خوردن ماهی تازه
- ۱۵۱ ..... ۱۰ / ۲ آنچه دیوانگی فرزند را در پی می‌آورد
- ۱۵۲ ..... ۱۱ / ۲ آنچه مانع دیوانگی می‌شود
- ۱۵۲ ..... الف نمک
- ۱۵۲ ..... ب بوییدن نرگس
- ۱۵۳ ..... ج کوتاه کردن سبیل و ناخن در هر جمعه
- ۱۵۳ ..... د آبی که از دهان کودک می‌ریزد
- ۱۵۳ ..... ۱۲ / ۲ آنچه سستی اندام می‌آورد
- ۱۵۴ ..... الف خوردن خربزه در حالت ناشتا
- ۱۵۴ ..... ب غسل با آب سرد پس از خوردن ماهی
- ۱۵۴ ..... ۱۳ / ۲ آنچه مانع سست‌اندami می‌شود
- ۱۵۴ ..... الف خوردن خرما پس از خوردن ماهی
- ۱۵۵ ..... ب سرفه
- ۱۵۵ ..... ج دعا

- ۱۵۵ ..... ۱۴ / ۲
- ۱۵۵ ..... آنچه از کژدهانی ایمنی می دهد -
- ۱۵۶ ..... ۱۵ / ۲
- ۱۵۶ ..... آنچه برای درمان وحشت، سودمند است -
- ۱۵۶ ..... فصل سوم: چشم -
- ۱۵۶ ..... ۱ / ۳ اشاره به حکمت نهفته در چشم -
- ۱۵۸ ..... ۲ / ۳ عوامل برخی از بیماری های چشم -
- ۱۶۰ ..... ۳ / ۳ پیشگیری از برخی بیماری های چشم -
- ۱۶۱ ..... ۴ / ۳ آنچه برای درمان برخی بیماری های چشم سودمند است -
- ۱۶۴ ..... ۵ / ۳ آنچه چشم را جلا می دهد و تقویت می کند -
- ۱۶۴ ..... ۱ ۵ / ۳ به -
- ۱۶۴ ..... ۲ ۵ / ۳ خرما -
- ۱۶۴ ..... ۳ ۵ / ۳ پیاز -
- ۱۶۵ ..... ۵ ۵ / ۳ گوشت -
- ۱۶۵ ..... ۶ ۵ / ۳ مَرزَنگوش -
- ۱۶۵ ..... ۷ ۵ / ۳ آب زمزم -
- ۱۶۵ ..... ۸ / ۵ / ۳ سرمه کشیدن با سنگ سرمه «اُئِمِد» -
- ۱۶۷ ..... ۹ ۵ / ۳ مسواک زدن -
- ۱۶۷ ..... ۱۰ ۵ / ۳ شستن دست ها، پیش و پس از غذا خوردن -
- ۱۶۸ ..... ۱۱ ۵ / ۳ کوتاه کردن موها -
- ۱۶۸ ..... ۱۲ ۵ / ۳ خضاب بستن به حنا -
- ۱۶۹ ..... ۱۳ ۵ / ۳ پوشیدن کفش -
- ۱۶۹ ..... ۱۴ ۵ / ۳ حجامت -
- ۱۶۹ ..... ۱۵ ۵ / ۳ نگریستن به قرآن -

- ۱۷۰ ..... ۱۶ ۵ /۳ نگرستن به زنان زیباروی و سبزه
- ۱۷۰ ..... ۱۷ ۵ /۳ نماز شب
- ۱۷۰ ..... ۱۸ ۵ /۳ آیه الكرسی
- ۱۷۱ ..... ۶ /۳ فایده‌های گریه برای کودکان
- ۱۷۱ ..... فصل چهارم: گوش
- ۱۷۱ ..... ۱ /۴ اشاره به حکمت نهفته در آن
- ۱۷۲ ..... ۲ /۴ حکمت موجود در مایع گوش
- ۱۷۲ ..... ۳ /۴ پیشگیری از برخی بیماری‌های گوش
- ۱۷۲ ..... ۴ /۴ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های گوش، سودمند است
- ۱۷۳ ..... فصل پنجم: دستگاه تنفس
- ۱۷۳ ..... ۱ /۵ اشاره به حکمت نهفته در بینی
- ۱۷۵ ..... ۲ /۵ اشاره به حکمت نهفته در حنجره
- ۱۷۶ ..... ۳ /۵ اشاره به حکمت نهفته در شش‌ها
- ۱۷۶ ..... ۴ /۵ جلوگیری از برخی بیماری‌های بینی و حنجره
- ۱۷۷ ..... ۵ /۵ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های بینی و حنجره، مفید است
- ۱۷۸ ..... ۶ /۵ فواید زُکام
- ۱۷۸ ..... ۷ /۵ آنچه انسان را از زکام حفظ می‌کند
- ۱۷۹ ..... ۸ /۵ آنچه برای درمان زکام، سودمند است
- ۱۷۹ ..... ۹ /۵ فایده‌های عطسه
- ۱۸۱ ..... ۱۰ /۵ عطسه زیانبار
- ۱۸۱ ..... ۱۱ /۵ آنچه برای درمان عطسه‌های فراوان، سودمند است
- ۱۸۱ ..... ۱۲ /۵ آنچه برای درمان سرفه، سودمند است
- ۱۸۲ ..... آنچه سل می‌آورد
- ۱۸۳ ..... ۱۴ /۵ آنچه از سل، پیشگیری می‌کند

- ۱۸۳ ..... آنچه برای درمان سل سودمند است ..... ۱۵ / ۵
- ۱۸۴ ..... آنچه تنگی نفس می آورد ..... ۱۶ / ۵
- ۱۸۴ ..... آنچه برای درمان تنگی نفس، سودمند است ..... ۱۷ / ۵
- ۱۸۵ ..... آنچه برای درمان ذات الجنب سودمند است ..... ۱۸ / ۵
- ۱۸۵ ..... فصل ششم: دهان و دندان ..... ۱۸۵
- ۱۸۵ ..... اشاره ۱ به حکمت نهفته در دهان و دندان ..... ۱ / ۶
- ۱۸۶ ..... بهداشت دهان و دندان ..... ۲ / ۶
- ۱۸۶ ..... ۱۲ خلال کردن ..... ۱۲ / ۶
- ۱۸۶ ..... الف تأکید بر خلال کردن ..... ۱۸۶
- ۱۸۸ ..... ب منافع خلال کردن ..... ۱۸۸
- ۱۸۹ ..... ج آداب خلال کردن ..... ۱۸۹
- ۱۹۰ ..... د چیزهایی که خلال کردن با آنها روا نیست ..... ۱۹۰
- ۱۹۱ ..... ۲۲ شستشوی دهان و بینی ..... ۲۲ / ۶
- ۱۹۱ ..... ۳۲ مسواک زدن ..... ۳۲ / ۶
- ۱۹۲ ..... الف تأکید بر مسواک زدن ..... ۱۹۲
- ۱۹۳ ..... ب نکوهش ترک مسواک زدن ..... ۱۹۳
- ۱۹۳ ..... ج فواید مسواک زدن ..... ۱۹۳
- ۱۹۵ ..... د آداب مسواک زدن ..... ۱۹۵
- ۱۹۶ ..... ه آنچه مسواک زدن با آن شایسته است ..... ۱۹۶
- ۱۹۷ ..... و سیره اهل بیت در استفاده از مسواک ..... ۱۹۷
- ۱۹۷ ..... ز حدّ اقل مسواک ..... ۱۹۷
- ۱۹۸ ..... ۴۲ آنچه دهان را خوشبو می کند ..... ۴۲ / ۶
- ۱۹۸ ..... الف مویز ..... ۱۹۸
- ۱۹۸ ..... ب پنیر ..... ۱۹۸

- ج پیاز ..... ۱۹۸
- د حوک ..... ۱۹۸
- و الشَّعْدُ ..... ۱۹۹
- ه تره ..... ۱۹۹
- و مشکک ..... ۱۹۹
- ز جویدن کُنْدَر ..... ۲۰۰
- ح آویشن و نمک ..... ۲۰۰
- ط. سرمه کشیدن ..... ۲۰۰
- ی خضاب کردن ..... ۲۰۱
- ک آب نیم گرم (وَلَرَم) ..... ۲۰۱
- ۵ / ۲ آنچه دهان و لثه را استحکام می دهد ..... ۲۰۲
- الف سرکه شراب ..... ۲۰۲
- ب پیاز ..... ۲۰۲
- ۶ / ۲ آنچه دندانها را تقویت می کند ..... ۲۰۲
- الف جویدن سَقَز ..... ۲۰۲
- ب جویدن کُنْدَر ..... ۲۰۳
- ج شانه زدن ..... ۲۰۳
- د. مسواک زدن با برخی از ترکیبها ..... ۲۰۳
- ۳ / ۶ برخی از عوامل بیماری های دهان و دندان ..... ۲۰۴
- ۴ / ۶ آنچه برای برخی دردهای دهان، مفید است ..... ۲۰۴
- ۵ / ۶ آنچه برای درمان دندان درد سودمند است ..... ۲۰۶
- ۶ / ۶ آنچه برای درمان بوی بد دهان، سودمند است ..... ۲۰۷
- فصل هفتم: دستگاه گوارش ..... ۲۰۹
- ۱ / ۷ اشاره به حکمت نهفته در دستگاه گوارش ..... ۲۰۹



- ۲ / ۷ سلامت دستگاه گوارش ..... ۲۱۱
- ۱۲ / ۷ پرهیز ..... ۲۱۱
- ۲۲ / ۷ آنچه برای گوارش، سودمند است ..... ۲۱۲
- الف کاهو ..... ۲۱۲
- ب خرما ..... ۲۱۲
- ج پنیر ..... ۲۱۳
- د سوی ق ..... ۲۱۳
- ه مسواک زدن ..... ۲۱۳
- و به پشت دراز کشیدن پس از غذا خوردن ..... ۲۱۳
- ۳۲ / ۷ آنچه معده را می‌پالاید و تقویت می‌کند ..... ۲۱۴
- الف سیب ..... ۲۱۴
- ب انار ..... ۲۱۴
- ج گلابی ..... ۲۱۴
- د پُهِ ..... ۲۱۴
- ه خربزه ..... ۲۱۵
- و باقلا ..... ۲۱۵
- ز خزا ..... ۲۱۵
- ۴۲ / ۷ آنچه به معده زیان می‌رساند ..... ۲۱۶
- الف بدگواری ..... ۲۱۶
- ب پُرخوری ..... ۲۱۶
- د شُرْبُ الْمَاءِ عَتَباً ..... ۲۱۶
- ج آب نوشیدن در میان خوردن غذا ..... ۲۱۷
- د یکسره سر کشیدن آب ..... ۲۱۷
- ه نوشیدن آب سرد و فقّاع در حَمّام ..... ۲۱۷

- ۲۱۷ ..... و خوردن گوشت نمک‌سودِ خشک‌شده
- ۲۱۸ ..... ز خوردن گوشت ناپخته
- ۲۱۸ ..... ح بسیار خوردن تخم‌مرغ
- ۲۱۸ ..... ۳ / ۷ آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است
- ۲۱۸ ..... ۱ ۳ / ۷ گلابی
- ۲۱۸ ..... ۲ ۳ / ۷ برنج و سماق
- ۲۱۹ ..... ۳ ۳ / ۷ آویشن
- ۲۱۹ ..... ۴ ۳ / ۷ عسل و شونیز
- ۲۱۹ ..... ۵ ۳ / ۷ گردوی تف‌داده
- ۲۲۰ ..... ۶ ۳ / ۷ تنقیه کردن
- ۲۲۰ ..... ۷ ۳ / ۷ آرد برنج
- ۲۲۱ ..... ۸ ۳ / ۷ نان برنج
- ۲۲۱ ..... ۹ ۳ / ۷ آرد گاؤزس [۱۰۰۶]
- ۲۲۲ ..... ۱۰ ۳ / ۷ شیر شتر
- ۲۲۲ ..... ۴ / ۷ آنچه بواسیر می‌آورد
- ۲۲۲ ..... ۱ ۴ / ۷ زیاد نشستن به گاه قضای حاجت
- ۲۲۳ ..... ۲ ۴ / ۷ همبستری در حال خودداری از قضای حاجت
- ۲۲۳ ..... ۳ ۴ / ۷ با هم خوردن تخم‌مرغ و ماهی
- ۲۲۴ ..... ۵ / ۷ آنچه برای درمان بواسیر، سودمند است
- ۲۲۴ ..... ۱ ۵ / ۷ انجیر
- ۲۲۴ ..... ۲ ۵ / ۷ تره
- ۲۲۴ ..... ۳ ۵ / ۷ زردک
- ۲۲۵ ..... ۴ ۵ / ۷ برنج
- ۲۲۵ ..... ۵ ۵ / ۷ خرما با روغن گاو

- ۲۲۵ ..... ۶۵ / ۷ هوبره
- ۲۲۵ ..... ۷۵ / ۷ سنجد
- ۲۲۶ ..... ۸۵ / ۷ طهارت گرفتن با آب سرد
- ۲۲۶ ..... ۹۵ / ۷ استنجا با مُشکک
- ۲۲۶ ..... ۶ / ۷ آنچه برای دردهای کَبِد، سودمند است
- ۲۲۶ ..... ۱۶ / ۷ شیر انجیر
- ۲۲۶ ..... ۲۶ / ۷ الفَصْدُ
- ۲۲۷ ..... ۲۶ / ۷ رگزنی
- ۲۲۷ ..... ۷ / ۷ آنچه برای درمان بادهای شکم، سودمند است
- ۲۲۷ ..... ۱۷ / ۷ سیاه‌دانه
- ۲۲۷ ..... ۲۷ / ۷ زیتون
- ۲۲۷ ..... ۸ / ۷ آنچه برای درمان کِرَم‌های شکم، سودمند است
- ۲۲۸ ..... ۱۸ / ۷ سرکه شراب
- ۲۲۸ ..... ۲۸ / ۷ خرما خوردن ناشتا
- ۲۲۸ ..... ۹ / ۷ درمان‌هایی دیگر
- ۲۲۸ ..... الف زرده تخم‌مرغ برای درمان گوارا نیافتن غذا
- ۲۲۸ ..... ب سیب برای درمان مسمومیت
- ۲۲۹ ..... ج آب‌درمانی
- ۲۳۰ ..... د درمان با قی کردن عمدی
- ۲۳۰ ..... ۱۰ / ۷ آنچه برای درمان بی‌اشتهایی سودمند است
- ۲۳۰ ..... الف پنیر
- ۲۳۰ ..... ب حوک
- ۲۳۰ ..... فصل هشتم: خون و سپرز
- ۲۳۱ ..... ۱ / ۸ نشانه‌های بیماری‌های خون

- ۲۳۱ ..... ۲ / ۸ آنچه برای درمان بیماری‌های خون، سودمند است
- ۲۳۱ ..... الف سویق عدس
- ۲۳۱ ..... ب آلو
- ۲۳۱ ..... ج چغندر
- ۲۳۲ ..... د کاهو
- ۲۳۲ ..... ه حجامت
- ۲۳۲ ..... و خوردن ماهی تازه پس از حجامت
- ۲۳۳ ..... ز خوردن انار پس از حجامت
- ۲۳۳ ..... ح رگزنی
- ۲۳۳ ..... ۳ / ۸ آنچه خون تازه تولید می‌کند
- ۲۳۳ ..... الف باقلا
- ۲۳۳ ..... ب انار
- ۲۳۴ ..... ۴ / ۸ آنچه برای درمان درد طحال سودمند است
- ۲۳۵ ..... فصل نهم: پوست
- ۲۳۵ ..... ۱ / ۹ بهداشت پوست
- ۲۳۵ ..... ۱ / ۹ پاکیزگی
- ۲۳۵ ..... ۲ / ۹ مالیدن روغن به بدن
- ۲۳۵ ..... الف خواص چرب کردن پوست
- ۲۳۵ ..... ب بهترین زمان برای روغن زدن
- ۲۳۶ ..... ج چرب کردن با روغن بنفشه
- ۲۳۷ ..... د مالیدن روغن زیتون به بدن
- ۲۳۸ ..... ه استفاده از روغن بان
- ۲۳۸ ..... و استفاده از روغن زنبق
- ۲۳۸ ..... ز استفاده از خیری

- ۲۳۸ ..... استفاده از خطمی ۳ / ۱ / ۹
- ۲۳۸ ..... خضاب کردن ۴ / ۱ / ۹
- ۲۳۹ ..... آغاز کردن غذا با نمک ۵ / ۱ / ۹
- ۲۳۹ ..... نوشیدن سویق با روغن زیتون ۶ / ۱ / ۹
- ۲۳۹ ..... خربزه ۷ / ۱ / ۹
- ۲۴۰ ..... سنجد ۸ / ۱ / ۹
- ۲۴۰ ..... نانخواه و گردو ۹ / ۱ / ۹
- ۲۴۱ ..... پیاز ۱۰ / ۱ / ۹
- ۲۴۱ ..... گیاه سنا [۱۱۲۵] ۱۱ / ۱ / ۹
- ۲۴۱ ..... تأثیر بوییدنی‌ها در پیشگیری از بیماری‌های پوستی ۱۲ / ۱ / ۹
- ۲۴۲ ..... اثر حجامت در پیشگیری و درمان بیماری‌های پوستی ۱۳ / ۱ / ۹
- ۲۴۳ ..... تأثیر زکام و عطسه در پیشگیری از بیماری‌های پوستی ۱۴ / ۱ / ۹
- ۲۴۳ ..... تأثیر برخی از ذکرها در بهداشت پوست ۱۵ / ۱ / ۹
- ۲۴۴ ..... عوامل بیماری‌های پوستی ۲ / ۱ / ۹
- ۲۴۴ ..... الف قرار گرفتن در مقابل آفتاب ۱
- ۲۴۴ ..... ب خوردن گردو در گرمای شدید ۱
- ۲۴۵ ..... ج خوردن خاک ۱
- ۲۴۵ ..... د به جوش آمدن خون ۱
- ۲۴۵ ..... ه خوردن همیشگی تخم‌مرغ ۱
- ۲۴۵ ..... و خوردن ماهی نمک‌سود پس از رگزنی و حجامت ۱
- ۲۴۶ ..... ۳ عوامل ابتلا به جذام ۳ / ۱ / ۹
- ۲۴۶ ..... الف غسل کردن با آبی که پیش‌تر در آن غسل شده است ۱
- ۲۴۶ ..... ب مالیدن سفال بر بدن در حمام ۱
- ۲۴۶ ..... ج خوردن غده ۱

- ۲۴۶ ..... د خوردن تَره تیزک به هنگام شب
- ۲۴۷ ..... ه خلال کردن با چوب و چوب انار
- ۲۴۷ ..... و همبستری با زن حائض
- ۲۴۷ ..... ۴ /۹ پیشگیری از جذام
- ۲۴۷ ..... الف دوری گزیدن از مبتلایان به جذام
- ۲۴۸ ..... ب پرهیز از آمیزش جنسی در آغاز، میان و پایان ماه
- ۲۴۸ ..... ج خوردن شلغم
- ۲۴۹ ..... د خوردن تَره
- ۲۴۹ ..... ه خوردن چغندر
- ۲۴۹ ..... و خوردن خوک
- ۲۴۹ ..... ز خوردن هزاراسپند
- ۲۵۰ ..... ح تأثیر زکام در پیشگیری از جذام
- ۲۵۱ ..... ط کوتاه کردن سبیل و ناخن‌ها
- ۲۵۱ ..... ۵ /۹ عوامل ابتلا به پیسی
- ۲۵۱ ..... الف استفاده از آبی که با آفتاب، گرم شده است
- ۲۵۲ ..... ب مالیدن سفال بر بدن در حمام
- ۲۵۲ ..... ج خوردن از روی سیری
- ۲۵۲ ..... د پنج عامل
- ۲۵۳ ..... ۶ /۹ پیشگیری از پیسی
- ۲۵۳ ..... الف استفاده از خَطْمی
- ۲۵۳ ..... ب خوردن بادنجان
- ۲۵۳ ..... ج بیرون زدن کوزک
- ۲۵۴ ..... ۷ /۹ آنچه برای درمان پیسی سودمند است
- ۲۵۴ ..... الف خوردن گوشت گاو همراه با چغندر

- ب آب‌گوشت گاو ..... ۲۵۴
- ج سوبق ..... ۲۵۴
- ۸ / ۹ آنچه برای درمان بَهک، سودمند است ..... ۲۵۵
- ۹ / ۹ آنچه برای درمانِ گری سودمند است ..... ۲۵۵
- ۱۰ / ۹ آنچه برای درمان تَرَک پوست، سودمند است ..... ۲۵۶
- ۱۱ / ۹ آنچه برای درمان کَک و مَک صورت، سودمند است ..... ۲۵۶
- ۱۲ / ۹ آنچه برای درمان زخم‌های چرکین، سودمند است ..... ۲۵۶
- ۱۳ / ۹ آنچه برای درمان سبوسه (شوره سر) سودمند است ..... ۲۵۷
- ۱۴ / ۹ آنچه برای درمان بدبویی عَرَق، سودمند است ..... ۲۵۷
- فصل دهم: مو ..... ۲۵۸
- ۱ / ۱۰ اشاره به حکمت نهفته در مو ..... ۲۵۸
- الف دفع مواد زاید ..... ۲۵۸
- ب حفظ گرمای بدن ..... ۲۵۹
- ج مهار کردن شهوت جنسی ..... ۲۵۹
- د پیشگیری از جُدام ..... ۲۶۰
- ۲ / ۱۰ بهداشت مو ..... ۲۶۰
- ۱ ۲ / ۱۰ ضرورت رسیدگی به موها ..... ۲۶۰
- ۲ ۲ / ۱۰ شستن سر با سدر ..... ۲۶۱
- ۳ ۲ / ۱۰ خضاب کردن با حنا و وَشِمِه (کَتَم) [۱۲۲۷] ..... ۲۶۱
- ۴ ۲ / ۱۰ شانه کردن مو ..... ۲۶۱
- ۳ / ۱۰ کوتاه کردن موها ..... ۲۶۲
- ۴ / ۱۰ تراشیدن موها ..... ۲۶۳
- ۵ / ۱۰ کندن موها ..... ۲۶۴
- ۶ / ۱۰ گرفتن سیبیل ..... ۲۶۵

- ۲۶۶ ..... ۷ / ۱۰ کوتاه کردن موهای زیر بغل
- ۲۶۶ ..... ۸ / ۱۰ به کار گرفتن نوره برای زدودن موهای بدن
- ۲۶۸ ..... ۹ / ۱۰ دفن موهای زاید
- ۲۶۸ ..... ۱۰ / ۱۰ آنچه برای درمان کم‌مویی سودمند است
- ۲۶۹ ..... فصل یازدهم: ناخن
- ۲۶۹ ..... ۱ / ۱۱ اشاره به حکمت نهفته در آن
- ۲۶۹ ..... ۲ / ۱۱ کوتاه کردن ناخن
- ۲۷۰ ..... ۳ / ۱۱ کوتاه کردن ناخن‌ها در روز جمعه
- ۲۷۱ ..... ۴ / ۱۱ دفن ناخن‌های گرفته شده
- ۲۷۲ ..... فصل دوازدهم: استخوان‌ها
- ۲۷۲ ..... ۱ / ۱۲ اشاره به حکمت نهفته در استخوان‌ها
- ۲۷۴ ..... ۲ / ۱۲ آنچه استخوان را استحکام می‌بخشد
- ۲۷۵ ..... ۳ / ۱۲ آنچه استخوان‌های ساق و پا را محکم می‌کند
- ۲۷۶ ..... ۴ / ۱۲ آنچه مفاصل را نرم می‌کند
- ۲۷۶ ..... ۵ / ۱۲ آنچه مفاصل را سست می‌کند
- ۲۷۶ ..... ۶ / ۱۲ آنچه برای درد پهلو سودمند است
- ۲۷۷ ..... ۷ / ۱۲ آنچه برای کمردرد، سودمند است
- ۲۷۷ ..... ۸ / ۱۲ آنچه نقرس می‌آورد
- ۲۷۷ ..... ۹ / ۱۲ آنچه برای نقرس، سودمند است
- ۲۷۸ ..... فصل سیزدهم: دستگاه تناسل و دفع ادرار
- ۲۷۸ ..... ۱ / ۱۳ اشاره به حکمت نهفته در آن
- ۲۷۹ ..... ۲ / ۱۳ کارکردها
- ۲۷۹ ..... ۱ ۲ / ۱۳ عادت ماهانه
- ۲۷۹ ..... قرآن



- ۲۷۹ ..... حدیث
- ۲۸۰ ..... ۲۲ / ۱۳ نطفه
- ۲۸۰ ..... قرآن
- ۲۸۱ ..... حدیث
- ۲۸۱ ..... ۳۲ / ۱۳ مایع پروستات
- ۲۸۲ ..... ۳ / ۱۳ نمونه‌هایی از بیماری‌های زنان
- ۲۸۲ ..... الف قطع شدن عادت ماهانه
- ۲۸۲ ..... ب شاخک و فنج
- ۲۸۳ ..... ج فقدان دوشیزگی
- ۲۸۳ ..... ۴ / ۱۳ برخی عوامل بیماری‌های دستگاه ادراری و تناسلی
- ۲۸۳ ..... ۱۴ / ۱۳ نگه داشتن پیشاب
- ۲۸۳ ..... ۲۴ / ۱۳ آمیزش بدون انزال
- ۲۸۴ ..... ۳۴ / ۱۳ خوردن قلوه و شکمبه گوسفند
- ۲۸۴ ..... ۴۴ / ۱۳ عادت به حَمَام رفتن
- ۲۸۴ ..... ۵۴ / ۱۳ تکیه زدن در حَمَام
- ۲۸۴ ..... ۵ / ۱۳ برخی عوامل سلامت دستگاه ادراری و تناسلی
- ۲۸۴ ..... ۱۵ / ۱۳ ختنه
- ۲۸۵ ..... ۲۵ / ۱۳ پلییدی‌زدایی و شستن
- ۲۸۶ ..... ۳۵ / ۱۳ خوردن تَرَب
- ۲۸۶ ..... ۴۵ / ۱۳ خوردن خربزه
- ۲۸۷ ..... ۶ / ۱۳ آنچه برای برخی بیماری‌های دستگاه تناسلی سودمند است
- ۲۸۷ ..... ۱۶ / ۱۳ آنچه برای درمان بند نیامدن خون عادت، سودمند است
- ۲۸۷ ..... ۲۶ / ۱۳ آنچه برای بازگشت عادت ماهانه، سودمند است
- ۲۸۸ ..... ۳۶ / ۱۳ آنچه برای درمان ریزش قطره قطره پیشاب، سودمند است

- ۲۸۸ ..... آنچه برای درمان احساس درد به هنگام دفع پیشاب، سودمند است ..... ۴۶ / ۱۳
- ۲۸۸ ..... بهداشت آمیزش ..... ۷ / ۱۳
- ۲۸۸ ..... آنچه باید عروس را در هفته اولش از آن باز داشت ..... ۱۷ / ۱۳
- ۲۸۹ ..... حرمت آمیزش با زن حائض ..... ۲۷ / ۱۳
- ۲۸۹ ..... قرآن ..... ۲۸۹
- ۲۸۹ ..... حدیث ..... ۲۸۹
- ۲۹۰ ..... حرام بودن آمیزش با تازه‌زا ..... ۳۷ / ۱۳
- ۲۹۰ ..... زبان‌های آمیزش با زن حائض ..... ۴۷ / ۱۳
- ۲۹۲ ..... مواردی که در آنها آمیزش مکروه است ..... ۵۷ / ۱۳
- ۲۹۴ ..... آداب آمیزش ..... ۸ / ۱۳
- ۲۹۴ ..... آنچه پیش از آمیزش، بایسته است ..... ۱۸ / ۱۳
- ۲۹۴ ..... الف چیرگی شهوت ..... ۲۹۴
- ۲۹۴ ..... ب انتخاب زمان مناسب ..... ۲۹۴
- ۲۹۶ ..... ج پوشیده داشتن ..... ۲۹۶
- ۲۹۶ ..... د دعا ..... ۲۹۶
- ۲۹۷ ..... ه آرامش ..... ۲۹۷
- ۲۹۸ ..... آنچه به هنگام آمیزش بایسته است ..... ۲۸ / ۱۳
- ۲۹۸ ..... الف بازی ..... ۲۹۸
- ۲۹۹ ..... ب پرهیز از شتاب‌ورزی ..... ۲۹۹
- ۲۹۹ ..... ج خودداری از سخن گفتن ..... ۲۹۹
- ۳۰۰ ..... د وضو برای بازگشتن ..... ۳۰۰
- ۳۰۰ ..... ه غسل پس از احتلام ..... ۳۰۰
- ۳۰۰ ..... آنچه پس از آمیزش، بایسته است ..... ۳۸ / ۱۳
- ۳۰۰ ..... الف پیشاب کردن ..... ۳۰۰

- ب شستن شرمگاه ..... ۳۰۱
- ج غسل ..... ۳۰۱
- د خوردن عسل ..... ۳۰۲
- ۹/۱۳ آنچه انسان را بر آمیزش یاری می دهد ..... ۳۰۲
- ۹/۱۳ خوردن زردک ..... ۳۰۲
- ۹/۱۳ خوردن خرماى بَرَنِى ..... ۳۰۳
- ۹/۱۳ خوردن انجیر ..... ۳۰۳
- ۹/۱۳ خوردن خربزه ..... ۳۰۳
- ۹/۱۳ خوردن پیاز ..... ۳۰۴
- ۹/۱۳ خوردن تخم مرغ ..... ۳۰۴
- ۹/۱۳ خوردن تخم مرغ همراه با پیاز و روغن زیتون ..... ۳۰۴
- ۹/۱۳ خوردن تخم مرغ با گوشت ..... ۳۰۵
- ۹/۱۳ خوردن هوبره ..... ۳۰۵
- ۹/۱۳ خوردن حلیم ..... ۳۰۵
- ۹/۱۳ خوردن سویق با روغن زیتون ..... ۳۰۵
- ۹/۱۳ نوشیدن شیر با عسل ..... ۳۰۶
- ۹/۱۳ استفاده از مُشکک ..... ۳۰۶
- ۹/۱۳ بوی خوش ..... ۳۰۶
- ۹/۱۳ شانه زدن موها ..... ۳۰۷
- ۹/۱۳ سرمه کشیدن ..... ۳۰۷
- ۹/۱۳ خضاب کردن ..... ۳۰۷
- ۹/۱۳ نوره کشیدن ..... ۳۰۸
- ۱۰/۱۳ آنچه از توان جنسی می کاهد ..... ۳۰۸
- ۱۰/۱۳ روزه ..... ۳۰۸

- ۳۰۹ ..... ۲۱۰/۱۳ وا گذاردن مو
- ۳۰۹ ..... ۳۱۰/۱۳ کفش مشکى
- ۳۱۰ ..... فصل چهاردهم: جنين
- ۳۱۰ ..... ۱/۱۴ تحوّل جنين
- ۳۱۰ ..... قرآن
- ۳۱۱ ..... حديث
- ۳۱۴ ..... ۲/۱۴ غذای جنين
- ۳۱۵ ..... ۳/۱۴ غذاهایی که برای جنين، سودمند است
- ۳۱۵ ..... ۴/۱۴ نوع جنين
- ۳۱۵ ..... قرآن
- ۳۱۵ ..... حديث
- ۳۱۶ ..... ۵/۱۴ راز همانندی
- ۳۲۰ ..... ۶/۱۴ مدت بارداری
- ۳۲۰ ..... قرآن
- ۳۲۰ ..... حديث
- ۳۲۱ ..... توضيح:
- ۳۲۲ ..... ۷/۱۴ سقط کردن جنين
- ۳۲۳ ..... ۸/۱۴ شستن نوزاد
- ۳۲۳ ..... ۹/۱۴ گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد
- ۳۲۴ ..... ۱۰/۱۴ گشودن کام نوزاد
- ۳۲۴ ..... ۱۱/۱۴ تراشيدن سر نوزاد
- ۳۲۴ ..... ۱۲/۱۴ عقیقه کردن برای نوزاد
- ۳۲۴ ..... ۱۳/۱۴ غذای تازه‌زا
- ۳۲۵ ..... ۱۴/۱۴ تأکید بر شیر مادر

۳۲۵	انتخاب شیرده مناسب
۳۲۶	کسی که شایسته انتخاب برای شیردهی است
۳۲۶	کسانی که نباید آنان را به دایگی گرفت
۳۲۷	آداب شیردهی
۳۲۷	زمان شیردهی
۳۲۷	قرآن
۳۲۸	حدیث
۳۲۸	فهرست تفصیلی
۴۲۴	جلد ۲
۴۲۴	بخش چهارم: تأثیر خوردن و آشامیدن در سلامت و بیماری
۴۲۴	اشاره
۴۲۵	فصل یکم: کم خوری
۴۲۵	۱ / تشویق به کم خوری
۴۲۶	۲ / فایده‌های ظاهری کم خوری
۴۲۶	الف سلامت تن
۴۲۷	ب شادابی چهره
۴۲۷	ج طول عمر
۴۲۸	۳ / فایده‌های باطنی کم خوری
۴۲۸	الف صفای اندیشه
۴۲۸	ب فروغ دل
۴۲۸	ج رهایی از شیطان
۴۲۸	د در آمدن به ملکوت آسمان‌ها
۴۲۸	ه تقرب به درگاه خداوند
۴۲۹	و مجموعه‌ای از منافع کم خوری

- ۴۲۹ ..... فصل دوم: پرهیز
- ۴۲۹ ..... ۱ / ۲ معنای پرهیز
- ۴۳۰ ..... ۲ / ۲ تشویق به پرهیز
- ۴۳۱ ..... ۳ / ۲ آنچه درباره مدت پرهیز بیمار، روایت شده است
- ۴۳۱ ..... اظهار نظر
- ۴۳۲ ..... فصل سوم: گرسنگی کشیدن
- ۴۳۲ ..... ۱ / ۳ تشویق به گرسنگی کشیدن
- ۴۳۳ ..... ۲ / ۳ فایده‌های جسمی گرسنگی کشیدن
- ۴۳۳ ..... الف سلامت تن
- ۴۳۳ ..... ب خوش مزگی غذا
- ۴۳۴ ..... ۳ / ۳ فایده‌های روحی گرسنگی کشیدن
- ۴۳۴ ..... الف دامن در کشیدن از گناه
- ۴۳۴ ..... ب رهایی از شیطان
- ۴۳۴ ..... ج تقرّب به درگاه خداوند
- ۴۳۵ ..... د [رسیدن به علم و حکمت
- ۴۳۶ ..... ه دیدن خداوند با دیده دل
- ۴۳۶ ..... فصل چهارم: پُرخوری
- ۴۳۶ ..... ۱ / ۴ نکوهش پُرخوری
- ۴۳۸ ..... ۲ / ۴ نکوهش خوردن غذاهای رنگارنگ
- ۴۳۸ ..... أ أنواع الأَسقام
- ۴۳۹ ..... ۳ / ۴ زیان‌های ظاهری پُرخوری
- ۴۳۹ ..... الف انواع ناتن درستی‌ها
- ۴۳۹ ..... ب کاهش تندرستی
- ۴۴۰ ..... ج گندبویی

- ۴۴۰ ..... ۴ /۴ زیان‌های باطنی پُر خوری
- ۴۴۰ ..... الف تباهی پاک‌دامنی
- ۴۴۰ ..... ب تباهی نَفَس
- ۴۴۱ ..... ج پوشیده ماندنِ تیزهوشی
- ۴۴۱ ..... د ظلمت دل
- ۴۴۲ ..... ه آشفتگی خواب‌ها
- ۴۴۲ ..... و کمی عبادت
- ۴۴۴ ..... ز دوری از خداوند
- ۴۴۵ ..... ح گرسنگی در روز قیامت
- ۴۴۶ ..... ۴ /۵ مجموعه‌ای از زیان‌های پُر خوری
- ۴۴۷ ..... ۴ /۶ زیان‌های خوردن پس از سیری
- ۴۴۷ ..... فصل پنجم: آداب غذا خوردن
- ۴۴۷ ..... ۱ /۵ شستن دست‌ها پیش و پس از غذا
- ۴۴۹ ..... ۲ /۵ گذاردن سبزی در سفره
- ۴۵۰ ..... ۳ /۵ درآوردن کفش‌ها
- ۴۵۰ ..... ۴ /۵ بر زبان آوردن نام خدا
- ۴۵۳ ..... بیان
- ۴۵۳ ..... ۵ /۵ خوردن با دست راست
- ۴۵۳ ..... ۶ /۵ آغاز کردن غذا با نمک و به پایان بردن آن با نمک یا سرکه
- ۴۵۵ ..... ۷ /۵ خوردن غذا به هنگام گرسنگی و اشتها
- ۴۵۵ ..... ۸ /۵ آغاز کردن با سبک‌ترین غذا
- ۴۵۶ ..... ۹ /۵ خوردن غذای گرم، پیش از سرد شدن
- ۴۵۶ ..... ۱۰ /۵ برداشتن لقمه‌های کوچک و جویدن کامل غذا
- ۴۵۶ ..... ۱۱ /۵ دست کشیدن از غذا پیش از سیری

- ۴۵۷ ..... ۱۲ /۵ دست کشیدن بر چهره و دعا کردن پس از شستن دستان
- ۴۵۹ ..... ۱۳ /۵ به پشت دراز کشیدن پس از غذا
- ۴۵۹ ..... ۱۴ /۵ پرهیز از زیاده‌روی
- ۴۵۹ ..... قرآن کریم
- ۴۵۹ ..... حدیث
- ۴۶۰ ..... ۱۵ /۵ پرهیز از دمیدن در غذا
- ۴۶۰ ..... ۱۶ /۵ پرهیز از خوردن با دست چپ
- ۴۶۰ ..... ۱۷ /۵ پرهیز از خوردن پس از سیری
- ۴۶۱ ..... ۱۸ /۵ پرهیز از خوردن غذای داغ
- ۴۶۲ ..... ۱۹ /۵ پرهیز از خوردن در حالت جنابت، مگر با وضو
- ۴۶۳ ..... ۲۰ /۵ پرهیز از خفتن، بلافاصله پس از خوردن غذا
- ۴۶۳ ..... توضیح
- ۴۶۳ ..... رهنمودهای اسلام درباره خوردن
- ۴۶۳ ..... اشاره
- ۴۶۴ ..... یک. مهم‌ترین رهنمود
- ۴۶۴ ..... دو. دو وعده غذا خوردن در شبانه‌روز
- ۴۶۵ ..... سه. توصیه به کم‌خوری
- ۴۶۵ ..... چهار. خطر پُرخوری
- ۴۶۵ ..... پنج. مقدار خوراک مفید
- ۴۶۵ ..... شش. برترین خوراکی و بهترین سفره
- ۴۶۵ ..... هفت. آداب سفره
- ۴۶۶ ..... هشت. آداب غذا خوردن
- ۴۶۷ ..... نه. آداب پایان غذا و برجیدن سفره
- ۴۶۸ ..... ده. آداب خوردن گوشت و میوه



- ۴۶۸ ..... اشاره
- ۴۶۸ ..... یکم، آداب خوردن گوشت
- ۴۶۸ ..... دوم، آداب خوردن میوه
- ۴۶۹ ..... فصل ششم: آداب خوردن گوشت
- ۴۶۹ ..... ۱ / ۶ انتخاب سردست یا قسمت‌های جلو
- ۴۷۰ ..... ۲ / ۶ شستن گوشت پیش از پختن آن
- ۴۷۰ ..... ۳ / ۶ گرفتن گوشت با نوک دندان‌ها
- ۴۷۱ ..... ۴ / ۶ پرهیز از خوردن گوشت خشکیده نمک‌سود
- ۴۷۲ ..... ۵ / ۶ نهی از خوردن گوشت خام
- ۴۷۲ ..... ۶ / ۶ پرهیز از اعتیاد به خوردن گوشت
- ۴۷۳ ..... ۷ / ۶ نوبت‌های خوردن گوشت
- ۴۷۳ ..... تکمله
- ۴۷۳ ..... ۸ / ۶ وا نگذارن گوشت به مدت چهل روز
- ۴۷۵ ..... ۹ / ۶ تمیز نکردن کامل استخوان و نخوردن مغز استخوان
- ۴۷۵ ..... توضیح
- ۴۷۶ ..... فصل هفتم: آداب خوردن میوه
- ۴۷۶ ..... ۱ / ۷ شستن میوه با آب
- ۴۷۶ ..... ۲ / ۷ بردن نام خدا به هنگام خوردن
- ۴۷۶ ..... ۳ / ۷ دعا کردن به هنگام دیدن میوه نوبر
- ۴۷۷ ..... ۴ / ۷ خوردن هر میوه در آغاز فصلش و پرهیز از آن در پایان آن فصل
- ۴۷۷ ..... ۵ / ۷ جدا نکردن پوست میوه
- ۴۷۸ ..... ۶ / ۷ پرهیز از خوردن چند میوه با هم
- ۴۷۸ ..... بیان
- ۴۷۹ ..... فصل هشتم: آداب آشامیدن

- ۴۷۹ ..... ۱ / ۸ آنچه در آشامیدن، بایسته است
- ۴۷۹ ..... الف آشامیدن به سه نَفَس
- ۴۷۹ ..... ب ایستاده آب آشامیدن در روز، و نشسته آشامیدن در شب
- ۴۸۰ ..... ج آشامیدن آب نیم‌گرم
- ۴۸۰ ..... ۲ / ۸ آنچه در آشامیدن نابایسته است
- ۴۸۱ ..... الف دمیدن
- ۴۸۱ ..... ب العَبُّ
- ۴۸۱ ..... ب یکجا سر کشیدن
- ۴۸۲ ..... ج آشامیدن آب بسیار داغ
- ۴۸۲ ..... د آشامیدن آب در لابه‌لای غذا خوردن
- ۴۸۲ ..... ه آشامیدن آب بر روی گوشت
- ۴۸۳ ..... و آشامیدن آب بر روی چربی
- ۴۸۳ ..... ز آشامیدن آب از مجاور دسته ظرف یا لبه شکسته آن
- ۴۸۳ ..... ح آشامیدن در ظرف‌های مسی
- ۴۸۴ ..... ط آشامیدن در حالت ناشتا
- ۴۸۴ ..... اظهار نظر
- ۴۸۴ ..... ی آشامیدن آب سرد، پس از خوردن شیرینی
- ۴۸۴ ..... ک نوشیدن آب فراوان
- ۴۸۴ ..... ل نوشیدن آب سرد و آب جو در حَمَام
- ۴۸۵ ..... فصل نهم: نوبت‌های غذا
- ۴۸۵ ..... ۱ / ۹ صبحگاهان و شامگاهان
- ۴۸۵ ..... قرآن
- ۴۸۵ ..... حدیث
- ۴۸۵ ..... ۲ / ۹ تأکید بر خوردن ناشتایی و نهی از وا گذاردن آن

- ۴۸۶ ..... ۳ / ۹ تأکید بر خوردن شام و نهمی از وا گذاردن آن
- ۴۸۹ ..... ۴ / ۹ یک وعده در روز
- ۴۸۹ ..... ۵ / ۹ سه وعده در دو روز
- ۴۸۹ ..... سخنی درباره احادیث مربوط به وعده‌های غذا
- ۴۹۰ ..... بخش پنجم: درمان با غذاها و گیاهان دارویی
- ۴۹۰ ..... اشاره
- ۴۹۱ ..... فصل یکم: تَزْنَج
- ۴۹۱ ..... ۱ / ۱ تأکید بر خوردن تَزْنَج
- ۴۹۱ ..... ۲ / ۱ خواص تَزْنَج
- ۴۹۱ ..... ۳ / ۱ خوردن تَزْنَج پس از غذا
- ۴۹۲ ..... ۴ / ۱ نخوردن تَزْنَج در شب
- ۴۹۲ ..... ۵ / ۱ آنچه تَزْنَج را هضم می‌کند
- ۴۹۳ ..... ۶ / ۱ مَرْتَبای تَزْنَج
- ۴۹۳ ..... ۷ / ۱ نگاه کردن به تَزْنَج
- ۴۹۴ ..... فصل دوم: آلو
- ۴۹۵ ..... فصل سوم: برنج
- ۴۹۵ ..... ۱ / ۳ مهتر همه خوراکی‌ها
- ۴۹۵ ..... ۲ / ۳ خواص برنج
- ۴۹۶ ..... فصل چهارم: بادروج (خوک)
- ۴۹۷ ..... فصل پنجم: بادمجان
- ۴۹۹ ..... فصل ششم: باقلا
- ۴۹۹ ..... ۱ / ۶ خوراک عیسی
- ۴۹۹ ..... ۲ / ۶ خواص باقلا
- ۴۹۹ ..... ۳ / ۶ خوردن باقلا با پوست آن

۵۰۰	فصل هفتم: پیاز
۵۰۱	فصل هشتم: خربزه
۵۰۱	۱ / ۸ خواص خربزه
۵۰۳	۲ / ۸ خوردن خربزه پیش از غذا
۵۰۳	۳ / ۸ نهی از خوردن خربزه در حالت ناشتا
۵۰۳	۴ / ۸ آداب خوردن خربزه
۵۰۴	فصل نهم: تخم مرغ
۵۰۴	۱ / ۹ خواص تخم مرغ
۵۰۵	۲ / ۹ خوردن تخم مرغ با پیاز و روغن زیتون
۵۰۶	۳ / ۹ خوردن تخم مرغ با گوشت
۵۰۶	۴ / ۹ زرده تخم مرغ
۵۰۶	۵ / ۹ نهی از افراط در خوردن تخم مرغ
۵۰۷	۶ / ۹ تخم مرغ های حلال و تخم مرغ های حرام
۵۰۸	فصل دهم: سیب
۵۰۸	۱ / ۱۰ خواص سیب
۵۱۰	۲ / ۱۰ خواص خوردن سیب در حالت ناشتا یا در سحرگاهان
۵۱۱	۳ / ۱۰ بوییدن سیب پیش از خوردن
۵۱۱	۴ / ۱۰ مکروه بودن خوردن سیب ترش
۵۱۱	فصل یازدهم: تلبنه
۵۱۲	فصل دوازدهم: خرما
۵۱۲	۱ / ۱۲ خواص خرما
۵۱۴	۲ / ۱۲ بهترین سحری و افطاری
۵۱۴	۳ / ۱۲ خواص خرما برای زن باردار و تازه‌زا
۵۱۵	۴ / ۱۲ خوردن خرما با خربزه و خیار

۵۱۶	.....	۵ / ۱۲ گشودن کام نوزاد با خرما
۵۱۶	.....	فصل سیزدهم: انجیر
۵۱۷	.....	فصل چهاردهم: سیر
۵۱۸	.....	فصل پانزدهم: پنیر
۵۱۸	.....	۱ / ۱۵ خواص پنیر
۵۱۹	.....	۲ / ۱۵ خوردن پنیر با گردو
۵۱۹	.....	بیان
۵۱۹	.....	۳ / ۱۵ خوردن پنیر با خربزه
۵۲۰	.....	۴ / ۱۵ زیان‌های پنیر
۵۲۰	.....	۵ / ۱۵ خوردن پنیر در صبحگاهان و شامگاهان
۵۲۰	.....	فصل شانزدهم: جرجیر
۵۲۰	.....	۱ / ۱۶ آنچه در نکوهش جرجیر روایت شده
۵۲۱	.....	۲ / ۱۶ آنچه در نهی از خوردن جرجیر به هنگام شب رسیده است
۵۲۱	.....	۳ / ۱۶ آنچه احادیث پیشین را رد می‌کند
۵۲۲	.....	بیان
۵۲۲	.....	فصل هفدهم: زردک
۵۲۳	.....	فصل هیجدهم: گردو
۵۲۴	.....	فصل نوزدهم: هزار اسپند
۵۲۵	.....	فصل بیستم: شنبلیله
۵۲۶	.....	فصل بیست و یکم: شیرینی
۵۲۶	.....	فصل بیست و دوم: نخود
۵۲۷	.....	فصل بیست و سوم: نان
۵۲۷	.....	۱ / ۲۳ خواص نان
۵۲۸	.....	۲ / ۲۳ خواص نان جو

۵۲۸	.....	۳ / ۲۳ خواص نان برنج
۵۲۸	.....	۴ / ۲۳ خواص نان گاوژس
۵۲۹	.....	فصل بیست و چهارم: کاهو
۵۲۹	.....	فصل بیست و پنجم: سرکه
۵۲۹	.....	۱ / ۲۵ خواص سرکه
۵۳۰	.....	۲ / ۲۵ خواص سرکه شراب
۵۳۰	.....	۳ / ۲۵ آغاز کردن غذا با سرکه
۵۳۱	.....	فصل بیست و ششم: انار
۵۳۱	.....	۱ / ۲۶ مهتر میوه‌ها
۵۳۱	.....	۲ / ۲۶ خواص انار
۵۳۳	.....	۳ / ۲۶ خواص انار شیرین
۵۳۴	.....	۴ / ۲۶ خواص انار ترش و شیرین (مَلَس)
۵۳۴	.....	۵ / ۲۶ خواص خوردن انار با پیه آن
۵۳۵	.....	فصل بیست و هفتم: مویز
۵۳۵	.....	۱ / ۲۷ خواص مویز
۵۳۶	.....	۲ / ۲۷ خواص خوردن مویز در حالت ناشتا
۵۳۶	.....	۳ / ۲۷ خواص خوردن بیست و یک دانه مویز
۵۳۷	.....	فصل بیست و هشتم: زیتون
۵۳۷	.....	۱ / ۲۸ خواص زیتون
۵۳۸	.....	۲ / ۲۸ خواص روغن زیتون
۵۳۹	.....	فصل بیست و نهم: آویشن
۵۴۰	.....	فصل سی‌ام: مُشکک
۵۴۱	.....	فصل سی و یکم: به
۵۴۲	.....	۱ / ۳۱ خواص به

۵۴۵	..... ۲ / ۳۱ فایده‌های ناشتا خوردن به
۵۴۵	..... اشاره
۵۴۶	..... ۳ / ۳۱ خواص به برای زنان باردار
۵۴۶	..... فصل سی و دوم: شکر
۵۴۶	..... ۱ / ۳۲ خواص شکر
۵۴۸	..... ۲ / ۳۲ خواص شکر طبرزد
۵۴۸	..... فصل سی و سوم: شلغم
۵۴۹	..... فصل سی و چهارم: چغندر
۵۵۱	..... فصل سی و پنجم: روغن حیوانی
۵۵۱	..... ۱ / ۳۵ خواص روغن گاو
۵۵۱	..... ۲ / ۳۵ مکروه بودن روغن حیوانی برای پیران
۵۵۲	..... فصل سی و ششم: سیبا (سنا)
۵۵۳	..... فصل سی و هفتم: سویق
۵۵۳	..... ۱ / ۳۷ خواص سویق
۵۵۴	..... ۲ / ۳۷ خواص برخی از انواع سویق
۵۵۴	..... الف سویق جو
۵۵۵	..... ب سویق عدس
۵۵۵	..... ج سویق برنج
۵۵۶	..... د سویق سیب
۵۵۷	..... ۳ / ۳۷ خواص سویق خشک
۵۵۸	..... فصل سی و هشتم: پیله
۵۵۹	..... فصل سی و نهم: عدس
۵۶۰	..... فصل چهلم: عسل
۵۶۰	..... ۱ / ۴۰ درمان با عسل

۵۶۱	قرآن
۵۶۱	حدیث
۵۶۲	۲ / ۴۰ خواصّ عسل
۵۶۴	فصل چهل و یکم: انگور
۵۶۵	۱ / ۴۱ تأثیر انگور در از میان رفتن اندوه
۵۶۵	۲ / ۴۱ آداب خوردن انگور
۵۶۶	بیان
۵۶۶	فصل چهل و دوم: عنّاب
۵۶۷	فصل چهل و سوم: سنجد
۵۶۷	فصل چهل و چهارم: تّزّب
۵۶۸	فصل چهل و پنجم: خُرفه
۵۶۸	فصل چهل و ششم: خیار
۵۶۸	۱ / ۴۶ خواصّ خیار
۵۶۹	۲ / ۴۶ آداب خوردن خیار
۵۶۹	فصل چهل و هفتم: کدو
۵۷۱	فصل چهل و هشتم: کباب
۵۷۲	فصل چهل و نهم: تره
۵۷۲	اشاره
۵۷۴	۲ / ۴۹ خوردن تره تازه
۵۷۴	۳ / ۴۹ خوردن تره همراه با نمک
۵۷۵	فصل پنجاهم: کَرَفَس
۵۷۵	فصل پنجاه و یکم: قارچ
۵۷۶	فصل پنجاه و دوم: گلابی
۵۷۷	فصل پنجاه و سوم: کُنْدَر



- ۵۷۷ ..... ۱ / ۵۳ خواص کُنْدَر
- ۵۷۸ ..... ۲ / ۵۳ فایده‌های کُنْدَر برای زنان باردار
- ۵۷۸ ..... فصل پنجاه و چهارم: شیر
- ۵۷۸ ..... ۱ / ۵۴ خواص شیر
- ۵۷۹ ..... ۲ / ۵۴ درمان با شیر گاو
- ۵۸۰ ..... ۳ / ۵۴ شیر شتر
- ۵۸۱ ..... ۴ / ۵۴ ماست چکیده ماده الاغ
- ۵۸۱ ..... ۵ / ۵۴ شیر با عسل
- ۵۸۱ ..... ۶ / ۵۴ ماست و نانخواه
- ۵۸۲ ..... فصل پنجاه و پنجم: گوشت
- ۵۸۲ ..... ۱ / ۵۵ مهتر همه خوراکی‌ها
- ۵۸۲ ..... ۲ / ۵۵ خواص گوشت
- ۵۸۳ ..... ۳ / ۵۵ خواص گوشت همراه با شیر
- ۵۸۴ ..... ۴ / ۵۵ گوشت شتر
- ۵۸۵ ..... ۵ / ۵۵ گوشت گاو
- ۵۸۶ ..... ۶ / ۵۵ گوشت میش
- ۵۸۶ ..... ۷ / ۵۵ گوشت کبک
- ۵۸۷ ..... ۹ / ۵۵ گوشت مرغ
- ۵۸۷ ..... ۱۰ / ۵۵ گوشت کبک‌نجیر
- ۵۸۷ ..... ۱۱ / ۵۵ گوشت سنگخوارک
- ۵۸۸ ..... ۱۲ / ۵۵ گوشت ماهی
- ۵۸۸ ..... ۱ / ۱۲ خوردن گوشت ماهی
- ۵۸۸ ..... ۲ / ۱۲ خوردن خرما یا عسل، پس از خوردن ماهی
- ۵۸۹ ..... ۳ / ۱۲ نهی از خوردن تخم‌مرغ و ماهی با همدیگر

---

۵۸۹	.....	۴ ۱۲ / ۵۵ نهی از اعتیاد به خوردن ماهی
۵۹۰	.....	اظهار نظر
۵۹۰	.....	فصل پنجاه و ششم: لوبیا
۵۹۰	.....	اشاره
۵۹۰	.....	بیان
۵۹۱	.....	فصل پنجاه و هفتم: ماش
۵۹۱	.....	اشاره
۵۹۱	.....	بیان
۵۹۲	.....	فصل پنجاه و هشتم: نمک
۵۹۳	.....	فصل پنجاه و نهم: هلیم
۵۹۴	.....	فصل شصتم: کاسنی
۵۹۵	.....	فهرست منابع و مآخذ
۶۰۶	.....	فهرست تفصیلی

## مشخصات کتاب

- سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -  
 عنوان قراردادی: موسوعه الاحادیث الطیبه. فارسی  
 عنوان و نام پدیدآور: دانش نامه احادیث پزشکی / محمدی ری شهری، با همکاری مرتضی خوش نصیب... [و دیگران]؛ ترجمه حسین صابری.  
 مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۵.  
 مشخصات ظاهری: ۶۷۲ص.  
 فروست: مرکز تحقیقات دارالحدیث؛ ۹۴.  
 شابک: ۳۸۰۰۰ ریال: ۰-۲۹-۴۹۳-۹۶۴؛ ۵۰۰۰۰ ریال (چاپ پنجم)؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ هفتم)؛ ۹۰۰۰۰ ریال: چاپ دهم: ۹۷۸-۴-۲۹-۴۹۳-۹۶۴  
 یادداشت: با همکاری مرتضی خوش نصیب، محمدتقی سبحانی نیا، رسول افقی، احمد سعادت فر.  
 یادداشت: چاپ سوم.  
 یادداشت: چاپ پنجم و هفتم: ۱۳۸۶.  
 یادداشت: چاپ دهم: ۱۳۸۸.  
 یادداشت: کتاب حاضر در چاپ دوم ۱۳۸۳ توسط همین ناشر به صورت دو جلدی چاپ شده و در چاپ حاضر با حذف متن اصلی عربی آن به صورت تک جلدی به چاپ رسیده است.  
 یادداشت: نمایه.  
 موضوع: پزشکی -- احادیث  
 موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴  
 شناسه افزوده: خوش نصیب، مرتضی، ۱۳۴۲-  
 شناسه افزوده: صابری، حسین، ۱۳۴۵-، مترجم  
 شناسه افزوده: موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر  
 رده بندی کنگره: BP۱۴۱/۵ پ/م۴ ۳۳۰۴۱ ۱۳۸۵ الف  
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۴  
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۱۲۰۹

## جلد ۱

## پیش گفتار

## اهمیت پزشکی

در حوزه علوم بشری، پزشکی، سرآمد همه دانش هاست؛ چرا که فلسفه سایر علوم، بهره‌وری انسان از مواهب زندگی است و این

هدف، جز در پرتو سلامت جسم و جان، میسر نیست. [۱] از این رو، امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

بدان که نه هیچ دانشی چون جُستن سلامت است و نه هیچ سلامتی چون سلامتِ دل. [۲]

این سخن، به روشنی نشان می‌دهد که از نگاه اسلام، طبّ روان، ارجمندتر از طبّ تن، و طبّ تن، ارزشمندتر از سایر علوم است.

این حدیث نبوی نیز بدین معنا اشاره دارد که می‌فرماید:

دانش بر دو گونه است: دانش دین‌ها و دانش بدن‌ها. [۳]

### طبابت، کار خداوند است

قرآن کریم، از ابراهیم خلیل علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸

«وَ إِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ». [۴]

و چون بیمار شوم، او (خداوند) شفایم می‌دهد.

این سخن، بدین معناست که طبابت، کار خداوند متعال است و طبیب واقعی اوست. [۵] خداوند است که خواصّ درمانی را در

داروها نهاد و در نظام آفرینش، برای هر دردی دارویی آفرید [۶] و به انسان، استعداد شناخت دردها و داروها و چگونگی درمان

آنها را عنایت کرد و بدین سان، او را مظهر نام‌های «طیب» و «شافی» خود، قرار داد، چنان که پیامبران الهی نیز (برای درمان

بیماری‌های جان) مظهر این نام‌های مقدّس هستند. امام علی علیه السلام، در توصیف پیامبر خدا می‌فرماید:

طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ، وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ، مِنْ قُلُوبٍ عُمِيٍّ، وَ آذَانٍ صُمٍّ، وَ أَلْسِنَةٍ بُكْمٍ. مُتَّبِعٌ

بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْعَقْلَةِ، وَ مَوَاطِنَ الْحَيَرَةِ [۷]

طیبی بود که طبابت را بر بالین بیماران می‌برد، مرهم را درست بر جایی که باید، می‌نهد و آنجا که بایسته بود، داغ می‌نشانند. او

این همه را بدان جا می‌رساند که نیازمندش بود: دل‌های بی‌فروغ، گوش‌های ناشنوا و زبان‌های ناگویا. با درمان خویش،

منزلگاه‌های بی‌خبری و جایگاه‌های سرگشتگی انسان را می‌جست.

بنا بر این، از نگاه اسلام، طبیب و دارو خواه برای روح (جان/ روان)، و خواه برای تن (بدن/ جسم)، تنها نقش یک واسطه را در

نظام حکیمانه آفرینش ایفا می‌کنند و درمان کننده، فقط خداوند متعال است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹

### دانشنامه احادیث طبی

#### اشاره

هر چند از نظر لغت [۸] و متون اسلامی، «طب» شامل درمان بیماری‌های جسم و جان است و درمان کنندگان جسم هم مانند درمان

کننده جان، مظهر اسمای حسناى الهی هستند، و افزون بر این، «طبّ تن» و «طبّ روان»، ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند (به

گونه‌ای با تدبیر روانی می‌توان شماری از بیماری‌های جسمانی را علاج کرد و به عکس، با درمان جسمانی، پاره‌ای از بیماری‌های

روانی را می‌توان درمان نمود)؛ اما طبّ تن و طبّ جان، در نوشتارهای اسلامی دو موضوع مستقل‌اند. «طبّ روان»، موضوع علم

اخلاق است و اصطلاحاً به آن طب اطلاق نمی‌شود. بنا بر این، دانش‌نامه احادیث طبی، تنها احادیثی را در خود جای داده است که

در آنها بهداشت و یا درمان بیماری‌های جسمی مطرح شده است.

پیش از آشنایی با متن این احادیث، لازم است در سه فصل، مطالب زیر توضیح داده شود:

۱. جایگاه طب در قوانین اسلامی؛

۲. ارزیابی کلی احادیث طبّی؛

۳. مراحل تحقیق و تدوین دانش‌نامه احادیث طبّی.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰

## ۱ جایگاه طب در قوانین اسلام

### اشاره

فلسفه احکام و قوانین اسلامی، تکامل مادی و معنوی جامعه انسانی است. از نگاه اسلام، بزرگ‌ترین نعمت الهی، سلامت جسم و بزرگ‌تر از آن، سلامت جان است. همچنین، خطرناک‌ترین بلاها، بیماری جسم و خطرناک‌تر از آن، بیماری جان است. متن سخن امام علی علیه السلام در این باره چنین است:

إِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ، وَ أَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ مَرَضُ الْبَدَنِ، وَ أَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ مَرَضُ الْقَلْبِ، وَ إِنَّ مِنَ النَّعْمِ سَعَةَ الْمَالِ، وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ صِحَّةُ الْبَدَنِ، وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ تَقْوَى الْقُلُوبِ. [۹]

یکی از گرفتاری‌ها تنگ‌دستی است. سخت‌تر از آن، ناتن‌درستی است و سخت‌تر از آن هم بیماری دل؛ و یکی از نعمت‌ها توانمندی مالی است و برتر از آن، تندرستی است و بهتر از آن نیز تقوای دل‌ها.

مسئله این است که اگر بیماری، خطرناک‌ترین بلا و سلامت، بزرگ‌ترین نعمت است، اسلام که تکامل و سعادت انسان را هدف خود قرار داده، برای مبارزه با بیماری‌ها و تأمین سلامت جامعه چه برنامه‌ای دارد؟ و به دیگر سخن، طب در احکام و قوانین اسلامی چه جایگاهی دارد؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱

## جایگاه طبّ پیشگیری در اسلام

بررسی متون اسلامی به روشنی نشان می‌دهد که یکی از اهداف اصلی و حکمت‌های مهم احکام و مقررات اسلامی، طبّ پیشگیرانه، از طریق پیشگیری از بیماری‌ها و تأمین سلامت انسان است. خداوند متعال، تصریح می‌کند که قرآن و برنامه‌های نورانی و حیاتبخش آن، جامعه بشر را به راه‌های تأمین سلامت، رهنمون می‌گردد:

«يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ». [۱۰]

خداوند، هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب به راه‌های سلامت، رهنمون می‌شود.

و بدین سان، انسان می‌تواند با پیوند با خدا و برنامه‌هایی که او برای زندگی بشر ارائه کرده، به بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی دست یابد و نه تنها آخرت، بلکه سلامت و سعادت و خوش‌بختی دنیای خود را نیز تأمین نماید:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». [۱۱]

هر کس پاداش دنیا می‌خواهد، [بداند که پاداش دنیا و آخرت، نزد خداست.

بر این پایه، در اسلام، آنچه برای سلامت جسم و یا جان خطرناک و زیانبار است، حرام یا مکروه است و آنچه برای سلامت انسان، لازم و مفید است، واجب یا مستحب، و آنچه سود و یا زیانی برای جسم و یا جان ندارد، مباح شناخته شده است. این بدان معناست که طب پیشگیری در متن مقررات و احکام پنجگانه اسلام، تنیده شده و اجرای کامل و دقیق قوانین الهی در زندگی، سلامت جسم و جان انسان را به همراه دارد. [۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲

امام رضا علیه السلام، درباره حکمت مقررات الهی که بر انسان حلال و یا حرام شده است، می‌فرماید:

إِنَّا وَجَدْنَا كُلَّ مَا أَحَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ صِلَاحَ الْعِبَادِ وَبِقَاؤُهُمْ، وَ لَهْمُ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ الَّتِي لَا يَسْتَعْنُونَ عَنْهَا، وَ وَجَدْنَا الْمُحَرَّمَ مِنَ الْأَشْيَاءِ لَا حَاجَةَ بِالْعِبَادِ إِلَيْهِ وَ وَجَدْنَاهُ مُفْسِدًا دَاعِيًا لِلْفَنَاءِ وَ الْهَلَاكِ. [۱۳]

ما می‌بینیم هر آنچه که خداوند تبارک و تعالی حلال کرده، در آن، صلاح و بقای بندگان است و بدان نیازی گریزناپذیر دارند، و می‌بینیم همه آنچه که حرام شده است، بندگان، بدان نیازی ندارند و می‌بینیم که همه، موجب تباهی و زمینه نابودی‌اند.

در این سخن، امام تصریح می‌فرماید که آنچه در مقررات الهی در زمینه‌های مختلف (مانند: خوردن، آشامیدن، ازدواج و ...)، حلال شمرده شده، اموری است که مردم برای تأمین سلامت، رفاه و آسایش خود، بدان نیاز دارند و مصالح زندگی و بقای آنها وابسته به آن است و به عکس، آنچه تحریم شده، اموری است که نه تنها مورد نیاز مردم نیست، بلکه به زیان سلامت و آسایش آنان و موجب هلاکت آنهاست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳

## ۲ ارزیابی کلی احادیث طب

### اشاره

پیش از ارزشیابی احادیث طبّی، پاسخ دادن به سه سؤال اساسی در این باره، ضروری است:

سؤال اول: آیا علم پزشکی، مبدأ الهی دارد و متکی به وحی است؟ یا سرآغاز آن، تجربه انسان‌هاست؟

سؤال دوم: آیا پیشوایان دین، یعنی پیامبر اسلام و اهل بیت آن بزرگوار، از دانش پزشکی برخوردار بوده‌اند یا نه؟

سؤال سوم: بر فرض اطلاع آنان از دانش پزشکی، آیا اصولاً بنای دین، ورود به مسائل پزشکی و درمان انواع بیماری‌های جسمی بوده یا نه؟

### ۱. مبدأ علم طب

برخی از دانشمندان بر این باورند که علم طب، مبدأ الهی دارد و متکی به وحی است. اندیشمند و محقق بزرگوار شیخ مفید رحمه‌الله در این باره چنین می‌فرماید:

طب، [دانشی است درست که آگاهی از آن، امری ثابت است و راه دسترس بدان نیز وحی است. آگاهان به این دانش، آن را تنها از پیامبران بهره گرفته‌اند؛ چه آن که نه برای آگاهی یافتن از حقیقت بیماری، جز به کمک سمع (ادله نقلی)، راهی هست، و نه برای آگاه شدن به درمان، راهی جز توفیق. بدین سان، ثابت

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴

می‌شود که یگانه راه این آگاهی، شنیدن از همان خدایی است که به همه نهفته‌ها آگاه است. [۱۴]

به نظر می‌رسد نیاز انسان‌های نخستین، ایجاب می‌کرد که «وحی»، برخی از دانش‌های تجربی ضروری برای زندگی را در اختیار آنان قرار دهد. مؤید این نظریه، مطلبی است که سید بن طاووس نقل کرده است:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَهْبَطَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَعَرَفَهُ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، فَكَانَ مِمَّا عَرَفَهُ النُّجُومَ وَالطُّبَّ.

خداوند، آدم را از بهشت، فرو آورد و او را از آگاهی به همه چیز، برخوردار ساخت. نجوم و پزشکی، از جمله چیزهایی بود که خداوند، وی را از آنها آگاه کرد. [۱۵]

بنا بر این، می‌توان گفت که سرآغاز علم طب، آموزه‌های وحی بوده؛ اما تجربه دانشمندان نیز بدان افزوده شده و تدریجا این دانش، گسترده‌تر شده و می‌شود؛ لیکن این ادعا که وحی، تنها راه رسیدن به این دانش است، علاوه بر این که متکی بر برهان عقلی و یا شرعی نیست، بطلان آن به وسیله تجربه ثابت شده است و آنچه از مرحوم شیخ مفید نقل شده که راه رسیدن به دانش طب، «السمع عن العالم بالخفیات» است، اگر مقصود، یکی از راه‌های رسیدن به این دانش باشد، صحیح است؛ و گر نه نمی‌تواند صحیح باشد.

## ۲. اهل بیت و دانش پزشکی

بررسی دقیق احادیثی که درباره ویژگی‌های علمی، سرچشمه‌های دانش‌ها و نیز

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵

انواع دانش‌های اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، [۱۶] نشان می‌دهد که پیامبر اسلام و اهل بیت آن بزرگوار، نه تنها از دانش پزشکی، بلکه از همه علوم، نه از راه تحصیل، بلکه از طریق الهام الهی برخوردار بوده‌اند، به گونه‌ای که هر گاه اراده می‌کردند چیزی را بدانند، می‌دانستند، چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ [۱۷]

امام، آن گاه که بخواهد بداند، می‌داند.

به دلیل این دانش گسترده و علم خارق العاده بود که امام علی علیه السلام، مکرر خطاب به مردم می‌فرمود: هر چه می‌خواهید، از من بپرسید:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقُدُونِي، فَإِنَّ بَيْنَ جَنَّتِي عُلُومًا كَثِيرَةً كَالْبَحَارِ الزَّوَاخِرِ. [۱۸]

از من بپرسید، پیش از آن که مرا از کف بدهید؛ چرا که در سینه من، به سان دریاها بیکران، دانش‌های فراوان نهفته است.

همه امامان علیهم السلام از چنین دانشی برخوردار بوده‌اند و در پاسخ دادن به هیچ مسئله علمی‌ای در نمی‌ماندند. امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صِدْرَهُ لِتَمْلِكُكَ، وَأَوْدَعَ قَلْبَهُ يَنْبِيعَ الْحِكْمَةِ، وَالْهَمَّهُ الْعِلْمَ الْإِهَامًا، فَلَمْ يَعْى بَعْدَهُ بِجَوَابٍ، وَلَا يُحَيِّرُ فِيهِ عَنِ الصَّوَابِ. [۱۹]

آن گاه که خداوند عز و جل بنده‌ای را برای عهده‌داری کارهای بندگان خویش برگزیند، سینه وی را برای این کار، فراخ می‌سازد و سرچشمه‌های حکمت را در دل او به

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶

ودیعت می‌گذارد و دانش را به تمامی به او الهام می‌کند و از آن پس، او نه در پاسخی فرو می‌ماند و نه از راه صواب، سرگشته

می‌گردد.

بنا بر این، بی‌تردید، پیامبر اسلام و اهل بیت او، از دانش پزشکی برخوردار بوده‌اند و اگر ثابت شود که در هر مسئله‌ای از مسائل مربوط به این دانش، چیزی فرموده باشند، قطعاً کلام آنان، مطابق با واقع است.

### ۳. دین و حرفه پزشکی

هر چند طبّ پیشگیری، چنان که توضیح دادیم، در متن مقرّرات دینی مورد توجه بوده و پیشوایان دینی، از دانش پزشکی برخوردار بوده‌اند؛ اما فلسفه دین، ورود در حرفه پزشکی نبوده است و از این رو، در روایات اسلامی، علم دین، قسیم علم طب است. [۲۰] همچنین اهل بیت علیهم السلام به عنوان یک حرفه، وارد مسائل پزشکی نشده‌اند. جدا کردن فقه (دین‌شناسی) از طب (پزشکی) و حرفه فقیهان از کار طبیبان نیز شاهد دیگری برای جدا بودن حوزه دین و حوزه علم طب است. [۲۱]

بنا بر این، ورود پیشوایان دین در مسائل پزشکی، مانند ورود آنان به سایر علوم، به صورت موردی و گاه به عنوان کرامت و اعجاز بوده، نه به صورت دائم و بدان نحو که مردم به دیگر پزشکان، مراجعه می‌کنند. بدیهی است که اگر مردم، اهتمام می‌ورزیدند و از دانش سرشار اهل بیت علیهم السلام بهره می‌جستند و به صورت متقن، آثار علمی آنان را ثبت و ضبط می‌کردند، امروز، ذخایر علمی و فرهنگی عظیمی در رشته‌های مختلف دانش، در اختیار بشر بود؛ اما متأسفانه، جایگاه علمی اهل بیت علیهم السلام شناخته نشد و آنچه از آنان به یادگار ماند نیز از نیرنگ

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷

سیاست‌بازان و دروغ‌پردازان، مصون نماند، به گونه‌ای که اکنون، دستیابی به میراث علمی آنان، نیاز به تلاش‌های فراوان دارد. با عنایت به آنچه گفتیم، اینک به ارزشیابی احادیثی که از اهل بیت علیهم السلام درباره مسائل پزشکی به ما رسیده می‌پردازیم.

### ارزیابی احادیث طبّی از نگاه شیخ صدوق

بزرگ محدّثان شیعه، محمّد بن علی بن بابویه قمی، معروف به صدوق رحمه‌الله حدیث طبّی را به گونه‌ای ارزیابی می‌کند که جز در موارد خاص، نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. وی می‌نویسد:

عقیده ما درباره اخبار و احادیثی که درباره طب رسیده، آن است که این احادیث، بر چند گونه‌اند:

برخی از آنها با نظر به آب و هوای مکه و مدینه گفته شده‌اند و به کار بستن آنها در دیگر شرایط آب و هوایی، درست نیست؛

در برخی از آنها، معصوم علیه السلام بر پایه آنچه از حال و طبع سؤال کننده می‌دانسته، پاسخ داده و از همان موضع، فراتر نرفته است؛ چه این که امام، بیش از آن شخص به طبع وی آگاهی داشته است؛

برخی از آنها را مخالفان، با هدف زشت نمایاندن چهره مذهب در نگاه مردم در میان احادیث گنجانده‌اند؛

در برخی از آنها، سهوی از راوی حدیث، سر زده است؛

در برخی از آنها بخشی از حدیث حفظ‌شده و بخشی دیگر از آن، فراموش شده است؛

امّا آنچه درباره غسل روایت شده که درمان هر دردی است، روایتی است صحیح و معنایش نیز این است که غسل، شفای هر بیماری‌ای است که از بُرودت طبع برخیزد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸



آنچه نیز درباره استنجا به آب سرد برای مبتلایان به بواسیر رسیده، در موردی است که بواسیر شخص، از حرارتِ طبع، سرچشمه گرفته باشد.

آنچه هم در مورد بادنجان و درمانگر بودن آن روایت شده، ناظر به هنگام رسیدن خرما و در مورد کسانی است که خرما می‌خورند، نه ناظر به دیگر اوقات.

در نهایت باید گفت: آنچه در مورد درمانِ درستِ بیماری از امامان علیهم السلام رسیده، مضمون آیات و سوره‌های قرآن و یا دعاهایی است که به حکمِ سندهای قوی و طُرُق صحیحی که به واسطه آنها به ما رسیده‌اند، پذیرفته خواهند شد. [۲۲]

بر اساس این ارزیابی، تنها بخشی از احادیثِ طَبّی را می‌توان در اختیار افراد خاصّی که آن احادیث مربوط به آنهاست، قرار داد و سایر احادیثِ طَبّی را باید کنار گذاشت و تنها احادیثی که می‌توانند در اختیار عموم مردم قرار گیرند، احادیث صحیحی است که مردم را به درمان از طریق دعا و استشفای آیات قرآن، دعوت کرده‌اند.

به نظر می‌رسد که هر چند سخن شیخ صدوق رحمه‌الله از نظر اصولی صحیح است، چون غالباً احادیثِ طَبّی، فاقد سندند و زمینه جعل در آنها به طور جدّی وجود دارد؛ لیکن حاصل این گونه ارزیابی، بی‌بهره شدن مردم از بخشی از ذخایر علمی اهل بیت علیهم السلام خواهد بود؛ زیرا ضعف سند، بی‌تردید، نشانه عدم صدور حدیث نیست، چنان که درستی سند، نمی‌تواند دلیل صدور قطعی آن باشد. از سوی دیگر، قضاوت درباره این که شماری از درمان‌هایی که در احادیث آمده، ویژه افراد خاصّ است نیز، کار آسانی نیست.

بنا بر این، نه می‌توان همه این احادیث را به عنوان رهنمودهای پیشوایان دین در امر پزشکی در اختیار عموم گذاشت، و نه می‌توان به طور کلی آنها را کنار زد و از کتب حدیثی حذف کرد. پس چه باید کرد؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹

## اقسام احادیثِ طَبّی

برای پاسخ به این پرسش، باید گفت که احادیثِ طَبّی را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

دسته اول: احادیثی که اعجازِ پیشوایان دین در درمان بیماری‌هاست، مانند آنچه قرآن کریم در بیان معجزه حضرت عیسی علیه السلام نقل کرده که می‌فرمود:

«وَأُتِرَى الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ». [۲۳]

به اذن خدا، نابینایان مادرزاد و پیرس را بهبود می‌بخشم.

دسته دوم: احادیثی که در مورد پیشگیری از بیماری‌ها وارد شده است.

دسته سوم: احادیثی که در مورد درمان بیماری‌ها نقل شده است. این احادیث نیز به دو بخش تقسیم می‌شوند:

بخش اول: درمان از طریق شفا خواستن به وسیله قرآن و دعا.

بخش دوم: درمان از طریق دارو.

احادیثی که مربوط به اعجاز در مسائل پزشکی است؛ در واقع، خارج از محدوده احادیثِ طَبّی مورد بحث است.

نکته قابل توجه این که طرح احادیثِ طَبّی پیشگیری، برای عموم، با توجه به این که این احادیث، غالباً منطبق با موازین علمی‌اند و با این توضیح که عواملی که برای پیشگیری در این احادیث مطرح شده، به معنای علّت تامّه پیشگیری نیست، مشکلی ایجاد نمی‌کند. همچنین، بخش اول از احادیثِ طَبّی که به وسیله آیات قرآن و دعا به درمان می‌پردازند را نیز با توجه به شرایط اجابت دعا و مجزّب

بودن دعا در درمان

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰

بسیاری از بیماری‌ها، برای عموم می‌توان مطرح کرد. [۲۴]

بنا بر این، تنها احادیثی که مبنای عمل قرار گرفتن آنها، بدون ارزیابی کامل، صحیح نیست و پیش از ارزیابی دقیق، نمی‌توان آنها را به عنوان رهنمودهای پیشوایان دین به آنها نسبت داد، احادیثی است که درمان بیماری‌ها را از طریق داروهای ویژه‌ای توصیه کرده‌اند. این احادیث را می‌توان از راهی که اینک بدان اشاره می‌کنیم، مورد ارزیابی قرار داد.

### ارزیابی احادیث طبّی از طریق آزمایش

برای ارزیابی دقیق احادیث طبّی و بهره‌گیری کامل از آنها، بهترین راه، آزمایش است. در واقع آزمایش و آزمایشگاه، بهترین گزینه عقلی برای اثبات صحّت و سقم احادیث طبّی است که خوش‌بختانه، در عصر حاضر، امکان بهره‌برداری از آن، بیش از هر وقت دیگر، فراهم است.

### انگیزه اصلی نگارش دانش‌نامه احادیث پزشکی

همین جا مناسب است اشاره شود که این هدف، یعنی ارزیابی احادیث طبّی از طریق آزمودن، انگیزه اصلی نگارنده از برنامه‌ریزی برای تألیف دانش‌نامه احادیث طبّی بوده است.

با توجه به این که ضعف سند احادیث طبّی نمی‌تواند دلیل عدم صدور قطعی آنها باشد و با توجه به وجود زمینه جعل در این احادیث، برای پالایش آنها و بهره‌مند شدن مردم و بخصوص مراکز علمی از ذخایر علمی اهل بیت علیهم السلام، چند سال پیش، مرکز تحقیقات دار الحدیث، تصمیم به جمع‌آوری احادیث طبّی و تنظیم آنها گرفت، به گونه‌ای که زمینه تحقیق پژوهشگران را در آزمایشگاه‌ها تسهیل شود. اینک به فضل خداوند متعال و یاری همکارانی که از آنها نام برده

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱

خواهد شد، این هدف، تحقّق یافت. [۲۵]

بنا بر این، مخاطب اصلی دانش‌نامه احادیث طبّی، پژوهشگران علوم پزشکی‌اند. البته همان‌طور که اشاره شد، این دانش‌نامه، در مورد پیشگیری از بیماری‌ها که «طبّ پیشگیری (الطبّ الوقائی)» نامیده می‌شود، همچنین خواصّ خوراکی‌ها، برای عموم مردم نیز می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد. به سخن دیگر، به استثنای فصل‌های مربوط به درمان بیماری‌ها که در بخش سوم آمده سایر بخش‌های این دانش‌نامه، برای عموم، قابل استفاده است.

### ارزیابی علمی احادیث «اثمد»

اینک در پایان این مبحث، برای ارائه یک نمونه عینی از ارزیابی علمی احادیث پزشکی، توجه خوانندگان گرامی را به خلاصه گزارش دو طرح تحقیقاتی یکی از همکاران دانش‌نامه در مورد ارزیابی احادیثی که در مورد فواید پزشکی سرمه اثمد [۲۶] وارد شده است، جلب می‌نمایم.

طرح اول: تحقیق در مورد سرمه ائمد اسود [۲۷]

در روایات اسلامی، استفاده از سرمه ائمد (سنگ سرمه) برای پیشگیری از ریزش مژه‌ها، توصیه شده است و همچنین، فواید دیگری در جهت سلامت انسان برای آن ذکر شده است. با در نظر گرفتن عوامل مساعد برای ریزش که در

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲

بیماری بلفاریت مزمن دیده می‌شود و با توجه به این که مهم‌ترین عامل یا علت این بیماری، باکتری «استافیلوکوک» است، بر آن شدیم تا اثر سرمه ائمد را بر روی این میکروارگانیسم (خرد سازواره) و دیگر باکتری‌های گرم مثبت و گرم منفی، بررسی نماییم. در این مطالعه، فعالیت ضد میکروبی سرمه ائمد نوع اسود، با روش رقیق‌سازی در محیط جامد علیه دو باکتری گرم مثبت استافیلوکوکوس آرتوس و استافیلوکوکوس اپیدرمیس، و سه باکتری گرم منفی اشیریشیاکلی، انتروباکتریو کلوآسه‌آ و کلبسیلا پنومونیه، با در نظر گرفتن نورفلو کس‌ساین، به عنوان ترکیب شاهد، مورد استفاده قرار گرفت. حد اقل غلظت مهاری سرمه ائمد در سه شرایط مختلف، مورد ارزیابی قرار گرفت:

۱. بلافاصله پس از حل کردن سنگ در OSMD

۲. بیست و چهار ساعت پس از حل کردن سنگ در OSMD

۳. سه روز پس از حل کردن سنگ در OSMD

و نتایج به صورت ۳ CIM ۱ CIM ۲ CIM علیه استافیلوکوک آرتوس به دست آمد:

IM/gu ۱ < ۸۲۱ CLM. IM/gu ۲ ۴۶ CIM, IM/gu ۳ ۲۳ CIM

آزمایش‌های یاد شده، سه بار تکرار شدند. این ترکیب بر روی سایر باکتری‌های مورد استفاده، بی‌اثر بود. نورفلو کس‌ساین بر روی هر پنج باکتری به کار رفته، مؤثر و دارای CIM بین ۱۳/۰ تا یک میکروگرم در میلی لیتر بود. با توجه به این که ترکیب مورد آزمایش به صورت edurC مورد استفاده قرار گرفته است، غلظت CIM ۲۳ IM/gu قابل ملاحظه است و ادامه تحقیقات در مورد این ترکیب، لازم است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳

طرح دوم: تحقیق در مورد سرمه ائمد احمر [۲۸]

سنگ سرمه ائمد نوع احمر، ترکیبی است با درجه خلوص نامشخص که در احادیث اسلامی بر استفاده از آن، تأکید شده و فواید بسیاری برای سلامت دستگاه بینایی برای آن ذکر گردیده است، بخصوص برای جلای چشم، رویانیدن مژه، پیشگیری از ریزش مژه‌ها، گلوکم، اشک ریزش، و از بین بردن آلودگی‌ها و عفونت‌های چشم. لذا در این تحقیق، اثر ضد میکروبی آن بر روی چند باکتری گرم مثبت و گرم منفی که بعضی از آنها از علل بیماری‌های چشمی هستند، بررسی شد. نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که سرمه ائمد احمر، بر روی باسیلوس سابتیلیس مؤثر است و بر روی سایر باکتری‌های مورد استفاده، فاقد اثر است. نورفلو کس‌ساین به عنوان یک ترکیب کنترل مثبت، استفاده شده است.

امید آن که نگارش این دانش‌نامه، زمینه‌ساز تلاش بیشتر پژوهشگران مسلمان علوم پزشکی برای ارائه ذخایر گران‌بهای علمی اهل بیت علیهم السلام به جهانیان گردد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴

مراحل تحقیق و تدوین

اشاره

برای اطلاع پژوهشگران از تلاش‌هایی که برای تهیه دانش‌نامه احادیث طبّی انجام یافته، به سیر جمع‌آوری، تحقیق و تدوین آن از آغاز تا انجام، اشاره‌ای کوتاه می‌شود.

### ۱. نقطه آغاز

جمع‌آوری احادیث طبّی از متون دینی، با هدفی که شرح آن گذشت، از احادیث درباره دستگاه‌های مختلف بدن آغاز شد، بدین ترتیب که طرح جمع‌آوری این احادیث، براساس تقسیم‌بندی فیزیولوژیک بدن، توسط فاضل گرامی جناب آقای احمد سعادتفر تهیه شد و به وسیله یکی از فضلاء همکار در دارالحدیث، جناب آقای مرتضی خوش نصیب، احادیث مربوط از طریق کلید واژه‌های اصلی و مرتبط، جمع‌آوری گردید.

### ۲. تنظیم ابتدایی

پس از جمع‌آوری احادیث و مرتبط ساختن آنها با طرح اولیه توسط آقای سعادتفر، تنظیم اولیه روایات بخش سوم، توسط این جانب انجام شد. در ادامه کار به این نتیجه رسیدم که آنچه جمع‌آوری شد، برای تحقق اهداف مورد نظر

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵

کافی نیست و برای این منظور، لازم است احادیثی که بیانگر دیدگاه‌های پیشوایان اسلام درباره علم پزشکی، آداب آن، رهنمودهای پزشکی، بیماری و حکمت‌های آن، وظایف بیمار، پرستاری، عیادت بیمار و خواص درمانی غذاها و گیاه‌ها وارد شده است، به این مجموعه افزوده شود. بخشی از موارد مورد نیاز را از منابع تهیه شده در دارالحدیث، خود انتخاب کردم و بخش دیگری، توسط یکی دیگر از فضلاء همکار در دارالحدیث، جناب آقای محمد تقی سبحانی‌نیا انجام گرفت. شایان ذکر است که مسئولیت ارزیابی و انتخاب احادیث، عنوان‌دهی و سازماندهی آنها به صورت کتاب، با نگارنده این سطور بوده است.

### ۳. ارجاع به منابع (مصدریابی)

پس از تنظیم ابتدایی دانش‌نامه و رفع نسبی نواقص آن، جهت ارجاع به منابع و تخریج احادیث، به قسمت مربوط تحویل گردید. در این مرحله، از طریق برنامه‌های نرم‌افزاری جستجوهای لازم انجام شد و نشانی مصادر یافت شده، بر اساس میزان اعتبار آنها تنظیم گردید و اگر متن قوی‌تری یافت شد، جایگزین متن اصلی گردید.

در زمینه ثبت احادیث، نکته‌های زیر مورد توجه بوده است:

الف روایات تکرار شده در منابع مختلف، حذف شده است، مگر در موارد ذیل:

۱. وجود داشتن نکته مهمتی در متن حدیث؛

۲. تفاوت لفظی در متون نقل شده از طریق شیعه و سنی.

۳. تکرار در چند باب مختلف، مشروط به این که روایت، طولانی نباشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶

در غیر از این موارد، نشانی روایت‌هایی که در منابع مختلف تکرار شده، طبق آیین‌نامه در پاورقی حدیث اخذ شده، افزوده می‌شود. ب اگر دستیابی به منابع اولیه مقدور باشد، حدیث از آنها نقل می‌شود؛ و گرنه، از منابع واسطه نقل می‌شود. ج با توجه به این که بحارالأنوار از جوامع روایی شیعه و کنز العمال از جوامع روایی اهل سنت به‌شمار می‌رود، لذا نشانی آن دو برای سهولت مراجعه خوانندگان در پایان نشانی‌ها ذکر می‌شود. د پس از ذکر مصادر حدیث در پاورقی، گاه با تعبیر «همچنین، ر. ک.» ارجاعاتی به برخی منابع داده می‌شود. قابل توجه است که در این گونه موارد، متن مورد ارجاع، گاه با متن کتاب، تفاوت فاحش دارد. در عین حال، ملاحظه آن برای محقق، سودمند است.

#### ۴. نقد متن و تنظیم نهایی

پس از تخریج مصادر و حروفچینی ابتدایی، متن کتاب توسط یکی دیگر از فضلاء همکار در دار الحدیث، جناب آقای رسول افقی، مورد بازبینی و نقد قرار گرفت و همراه با پیشنهادهایی به این جانب ارائه گردید. با عنایت به پیشنهادهای ارائه شده، مجدداً متن کتاب، توسط نگارنده مورد بازبینی و دقت قرار گرفت و اصلاحات لازم از نظر شکل و محتوا در آن انجام شد.

#### ۵. تهیه مدخل‌ها و تحلیل‌های مورد نیاز

پس از انجام مراحل یاد شده، آخرین مرحله تدوین دانش‌نامه احادیث طبّی، یعنی تهیه مدخل و تحلیل‌ها و توضیحات مورد نیاز، توسط نگارنده انجام شد و با عنایت به نکات جدیدی که به هنگام تهیه تحلیل‌ها به نظر رسید، ضمن افزوده دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷ شدن برخی از ابواب و عناوین جدید، چینش قبلی در بخشی از کتاب، تغییر کرد.

#### ۶. چگونگی نگارش احادیث

مهم‌ترین نکاتی که در نگارش احادیث لحاظ شده، از این قرار است:  
الف متن انتخابی در صورت امکان، جامع‌ترین، استوارترین و معتبرترین متون است.  
ب از نگاه ما احادیث رسیده از اهل بیت علیهم السلام، در واقع، حدیث رسول خداست. در تصریح به این مطلب، امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ. [۲۹]

ما (اهل بیت)، از خدا و پیامبرش حدیث می‌کنیم.

نیز امام صادق علیهما السلام می‌فرماید:

حدیثی حدیث اُبی، و حدیث اُبی حدیث جدی، و حدیث جدی حدیث الحسین، و حدیث الحسین حدیث الحسین علیه السلام حدیث الحسین علیه السلام، و حدیث الحسین حدیث امیر المؤمنین علیهم السلام، و حدیث امیر المؤمنین حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله، و حدیث رسول الله قول الله عز و جل.

حدیث من حدیث ۳۰] پدرم، و حدیث پدرم حدیث جدّم، و حدیث جدّم حدیث حسین، و حدیث حسین، حدیث حسن، و حدیث حسن، حدیث امیر مؤمنان، و حدیث امیر مؤمنان، حدیث پیامبر خدا، و حدیث پیامبر خدا، سخن خداست.

از این رو، کلمه «حدیث» در عنوان کتاب، این معنا را می‌رساند که

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸

همه احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او مورد استفاده و استناد کتاب، قرار گرفته است.

ج احادیث پیامبر اسلام و اهل بیت آن حضرت تا امام مهدی (عج)، به ترتیب تاریخی ثبت می‌شوند. البته ممکن است گاه هماهنگی چند روایت در مضمون، موجب گردد که این ترتیب، رعایت نشود.

د اگر حدیثی هم از پیامبر صلی الله علیه و آله و هم از اهل بیت علیهم السلام روایت شده باشد، آنچه از پیامبر خدا نقل شده در متن قرار می‌گیرد و به روایت دیگر در پاورقی اشاره می‌گردد.

ه احادیث با نام پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام آغاز می‌شود، مگر آن که متن روایت، مقتضی ذکر نام راوی باشد که در این صورت، نام کتابی که حدیث از آن نقل شده، در آغاز می‌آید.

و پیامبر خدا و اهل بیت آن بزرگوار، اسما و القاب متعددی دارند که در نقل مطالب، یکی از آنها انتخاب شده است.

ز پس از ذکر پیامبر خدا با جمله «صلی الله علیه و آله» و پس از ذکر اهل بیت آن حضرت با جمله «علیه السلام» و پس از ذکر فاطمه زهرا با جمله «علیها السلام»، نسبت به آنان ادای احترام می‌شود، هر چند در منبع اصلی با الفاظ دیگری از آنان تکریم شده باشد.

## ۷. اقدام‌های بعدی

ویرایش، شرح لغات، مقابله و تصحیح، اعراب‌گذاری و ترجمه مدخل‌ها و تحلیل‌ها، اقدامات جنبی مهم دیگری است که توسط کارشناسان خیره، انجام شده، کتاب، آماده انتشار می‌گردد. [۳۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹

در پایان، از همه فضلا و محققان دار الحدیث که در ساماندهی این مجموعه نفیس، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، سهیم بوده‌اند، بویژه برادران فاضل و عزیز آقایان: مرتضی خوش نصیب، محمدتقی سبحانی‌نیا و رسول افقی، صمیمانه سپاسگزارم. همچنین از فاضل گرامی آقای احمد سعادتفر که در تهیه بخش سوم این مجموعه با دار الحدیث همکاری داشتند و نیز از استاد ارجمند جناب آقای مهدی مهریزی که یادداشت‌های خود را در زمینه احادیث طبّی در اختیار این جانب قرار دادند و آقای دکتر حسین صابری، مترجم گران‌قدر این دانش‌نامه، قدردانی و تشکر می‌نمایم و از خداوند متعال برای همه آنان، پاداشی درخور فضل و کرامت خود، مسئلت دارم.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

محمدی ری شهری

۱۲ فروردین ۱۳۸۲

۲۸ محرم ۱۴۲۴

۱ آوریل ۲۰۰۳

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱

## بخش اول: پزشکی

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲

الفصل الأول: الطبابة في منظار الإسلام

۱ / ۱

أَهْمِيَّةُ عِلْمِ الطَّبِّ

۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: العِلْمُ عِلْمَانِ: عِلْمُ الْأَدْيَانِ وَعِلْمُ الْأَبْدَانِ. [۳۲]
  ۲. عنه صلى الله عليه وآله: الْعُلُومُ أَرْبَعَةٌ: الْفِقْهُ لِلْأَدْيَانِ، وَالطَّبُّ لِلْأَبْدَانِ، وَالنَّحْوُ لِلْسَّانِ، وَالنُّجُومُ لِمَعْرِفَةِ الْأَزْمَانِ. [۳۳]
  ۳. الإمام علي عليه السلام: الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: الْفِقْهُ لِلْأَدْيَانِ، وَالطَّبُّ لِلْأَبْدَانِ، وَالنَّحْوُ لِلْسَّانِ. [۳۴]
  ۳. الإمام علي عليه السلام: الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: الْفِقْهُ لِلْأَدْيَانِ، وَالطَّبُّ لِلْأَبْدَانِ، وَالنَّحْوُ لِلْسَّانِ. [۳۵]
  ۴. الإمام الباقر عليه السلام مِنْ وَصِيَّتِهِ لِجَابِرِ الْجَعْفِيِّ: وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا عِلْمَ كَطَلَبِ السَّلَامَةِ، وَلَا سَلَامَةَ كَسَلَامَةِ الْقَلْبِ. [۳۶]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳

## فصل یکم: پزشکی از دیدگاه اسلام

### ۱ / ۱ اهمیت دانش پزشکی

۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: دانش بر دو گونه است: دانش دین‌ها و دانش بدن‌ها.
۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: دانش‌ها بر چهار گونه‌اند: فقه (دین‌شناسی) برای دین‌ها، طب برای بدن‌ها، نحو برای زبان، و نجوم برای شناخت زمان‌ها.
۳. امام علی علیه السلام: دانش، سه گونه است: فقه برای دین‌ها، طب برای بدن‌ها، و نحو برای زبان.
۴. امام باقر علیه السلام در سفارش به جابر جعفی: بدان که نه هیچ دانشی چون جستن [دانش سلامت است، و نه هیچ سلامتی چون سلامت دل.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴

۵. الإمام الصادق عليه السلام: لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثَةٍ يَفْرَعُ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَآخِرَتِهِمْ، فَإِنْ عَدِمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا: فِقْهِهِ عَالِمٍ وَرِعٍ، وَآمِيرٍ خَيْرٍ مُطَاعٍ، وَطَبِيبٍ بَصِيرٍ ثَقَّةٍ. [۳۷]

۲ / ۱

مَعْرِفَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَيْمَّةِ بِعِلْمِ الطَّبِّ

۶. فرج المهموم: رَأَيْتُ فِي رِسَالَتِهِ أَبِي إِسْحَاقَ الطَّرْسُوسِيَّ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَالِكٍ فِي بَابِ مَعْرِفَةِ أَصْلِ الْعِلْمِ مَا هَذَا لَفْظُهُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَهْبَطَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ وَعَرَفَهُ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، فَكَانَ مِمَّا عَرَفَهُ النُّجُومُ وَالطَّبُّ. [۳۸]
۷. علل الشرائع عن الربيع صاحب المنصور: حَضَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَجْلِسَ الْمَنْصُورِ يَوْمًا وَعِنْدَهُ رَجُلٌ مِنَ الْهِنْدِ يَقْرَأُ كُتُبَ

الطَّبِّ، فَجَعَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُنصِتُ لِقِرَاءَتِهِ، فَلَمَّا فَرَغَ الْهِنْدِيُّ، قَالَ لَهُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أُرِيدُ مِمَّا مَعِيَ شَيْئًا؟  
قَالَ: لَا، فَإِنَّ مَعِيَ مَا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا مَعَكَ.

قَالَ: وَ مَا هُوَ؟

قَالَ: ادَاوِي الْحَارَّ بِالْبَارِدِ، وَ الْبَارِدَ بِالْحَارِّ، وَ الرَّطْبَ بِالْيَابِسِ، وَ الْيَابِسَ بِالرَّطْبِ، وَ أَرَدُ الْأَمْرَ كُلَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ أُسْتَعْمِلُ مَا قَالَهُ  
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَعْلَمُ أَنَّ الْمَعْدَةَ بَيْتُ الدَّاءِ، وَ أَنَّ الْحِمِيَّةَ هِيَ الدَّوَاءُ، وَ اعْوَدُّ الْبَدَنَ مَا اعْتَادَ.

فَقَالَ الْهِنْدِيُّ: وَ هَلِ الطَّبُّ إِلَّا هَذَا؟

فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْتَرَانِي مِنْ كُتُبِ الطَّبِّ أَخَذْتُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: لَا وَ اللَّهِ، مَا أَخَذْتُ إِلَّا عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. فَأَخْبِرْنِي أَنَا أَعْلَمُ بِالطَّبِّ أَمْ أَنْتَ؟

قَالَ الْهِنْدِيُّ: لَا، بَلْ أَنَا.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَاسْأَلْكَ شَيْئًا؟

قَالَ: سَلْ.

قَالَ: أَخْبِرْنِي يَا هِنْدِيُّ، لِمَ كَانَ فِي الرَّأْسِ شُؤُونَ؟

قَالَ: لَا أَعْلَمُ.

قَالَ: فَلِمَ جُعِلَ الشَّعْرُ عَلَيْهِ مِنْ فَوْقِ؟

قَالَ: لَا أَعْلَمُ.

قَالَ: فَلِمَ خَلَّتِ الْجَبْهَةُ مِنَ الشَّعْرِ؟

قَالَ: لَا أَعْلَمُ.

قَالَ: فَلِمَ كَانَ لَهَا تَخْطِيطٌ وَ أَسَارِيرٌ؟

قَالَ: لَا أَعْلَمُ.

قَالَ: فَلِمَ كَانَ الْحَاجِبَانِ مِنَ فَوْقِ الْعَيْنَيْنِ؟

قَالَ: لَا أَعْلَمُ.

قَالَ: فَلِمَ جُعِلَتْ [٣٩]

الْعَيْنَانِ كَاللُّوَزَتَيْنِ؟

قَالَ: لَا أَعْلَمُ.

قَالَ: فَلِمَ جُعِلَ الْأَنْفُ فِيمَا بَيْنَهُمَا؟

قَالَ: لَا أَعْلَمُ.

قَالَ: فَلِمَ كَانَ ثَقْبُ الْأَنْفِ فِي أَسْفَلِهِ؟

قَالَ: لَا أَعْلَمُ.

قَالَ: فَلِمَ جُعِلَتِ الشَّفَةُ وَ الشَّارِبُ مِنْ فَوْقِ الْفَمِ؟

قَالَ: لَا أَعْلَمُ.

قَالَ: فَلِمَ احْتَدَّتِ السُّنُّ، وَ عَرَّضَ الضَّرْسُ، وَ طَالَ النَّابُ؟

قَالَ: لَا أَعْلَمُ.



قال: فَلِمَ جُعِلَتِ اللَّحْيَةُ لِلرِّجَالِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ خَلَّتِ الكَفَّانِ مِنَ الشَّعْرِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ خَلَا الظُّفْرُ وَ الشَّعْرُ مِنَ الحَيَاةِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ كَانَ القَلْبُ كَحَبِّ الصَّنَوْبِرَةِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ كَانَتْ ٤٠] الرُّئَةُ قِطْعَتَيْنِ، وَ جُعِلَ حَرَكَتُهَا فِي مَوْضِعِهَا؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ كَانَتْ الكَبِدُ حَدْبَاءً؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ كَانَتْ الكُلْيَةُ كَحَبِّ اللُّوييَا؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ جُعِلَ طَى الرُّكْبَةِ إِلَى الخَلْفِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ تَخَصَّرَتِ القَدَمُ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِكُنِّي أَعْلَمُ!

قال: فَأَجِب.

فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ فِي الرِّأْسِ شُؤْنٌ؛ لِأَنَّ المُجَوَّفَ إِذَا كَانَ بِلا فَصْلِ أُسْرِعَ إِلَيْهِ الصُّدَاعُ، فَإِذَا جُعِلَ ذَا فَصُولٍ كَانَ الصُّدَاعُ مِنْهُ أَبْعَدَ.

وَ جُعِلَ الشَّعْرُ مِنْ فَوْقِهِ؛ لِيُوصَلَ بِوَصُولِهِ الأَدْهَانَ إِلَى الدِّمَاغِ؛ وَ يُخْرِجَ بِأَطْرَافِهِ البُخَارَ مِنْهُ؛ وَ يَرُدُّ عَنْهُ الحَرَّ وَ البَرْدَ الوَارِدِينَ عَلَيْهِ.

وَ خَلَّتِ الجَبْوَةُ مِنَ الشَّعْرِ؛ لِأَنَّهَا مَصَّبُ النُّورِ إِلَى العَيْنَيْنِ. وَ جُعِلَ فِيهَا التَّخْطِيطُ وَ الأَسَارِيرُ؛ لِيَحْبِسَ العَرَقَ الوَارِدَ مِنَ الرِّأْسِ عَنِ العَيْنِ قَدْرَ مَا يُمِيطُهُ [٤١] الإِنْسَانُ عَنْ نَفْسِهِ؛ كَالأَنْهَارِ فِي الأَرْضِ الَّتِي تَحْبِسُ المِياةَ.

وَ جُعِلَ الحَاجِبَانِ مِنَ فَوْقِ العَيْنَيْنِ؛ لِيُورِدَا عَلَيْهِمَا مِنَ النُّورِ قَدْرَ الكِفَايَةِ، أَلَا تَرَى يَا هِنْدِيُّ أَنَّ مَنْ غَلَبَهُ النُّورُ جَعَلَ يَدُهُ عَلَى عَيْنَيْهِ لِيَرِدَ عَلَيْهِمَا قَدْرُ كِفَايَتِهِمَا مِنْهُ؟

وَ جُعِلَ الأنْفُ فِيمَا بَيْنَهُمَا؛ لِيُقَسِّمَ النُّورَ قِسْمَيْنِ إِلَى كُلِّ عَيْنٍ سَوَاءً.

وَ كَانَتْ العَيْنُ كَاللُّوزَةِ؛ لِيَجْرِيَ فِيهَا المِيلُ بِالدَّوَاءِ وَ يُخْرِجَ مِنْهَا الدَّاءَ، وَ لَوْ كَانَتْ مُرَبَّعَةً أَوْ مُدَوَّرَةً مَا جَرَى فِيهَا المِيلُ؛ وَ مَا وَصَلَ إِلَيْهَا دَوَاءً، وَلا خَرَجَ مِنْهَا دَاءً.

وَ جُعِلَ ثَقْبُ الأنْفِ فِي أَسْفَلِهِ؛ لِيُنزَلَ مِنْهُ الأَدْوَاءُ المُنخِذِرَةُ مِنَ الدِّمَاغِ، وَ تَصْعَدَ فِيهِ الرِّوَائِحُ إِلَى المَشَامِ، وَ لَوْ كَانَ فِي أَعْلَاهُ؛ لَمَا أَنْزَلَ دَاءً وَلا وَجَدَ رَائِحَةً.

وَ جُعِلَ الشَّارِبُ وَ الشَّفَةُ فَوْقَ القَمِّ؛ لِيَحْبِسَ مَا يَنْزِلُ مِنَ الدِّمَاغِ عَنِ القَمِّ، لِيَلْمَأَ يَتَنَعَّصَ عَلَى الإِنْسَانِ طَعَامُهُ وَ شَرَابُهُ فَيُمِيطُهُ عَنْ نَفْسِهِ.

و جُعِلَتِ اللَّحْيَةُ لِلرِّجَالِ؛ لِيَسْتَعْنِيَ بِهَا عَنِ الْكَشْفِ فِي الْمَنْظَرِ، وَ يُعَلِّمَ بِهَا الذَّكْرَ مِنَ الْإِنثَى.  
و جُعِلَ السِّنُّ حَادًّا؛ لِأَنَّ بِهِ يَقَعُ الْعَضُّ، وَ جُعِلَ الضَّرْسُ عَرِيضًا؛ لِأَنَّ بِهِ يَقَعُ الطَّحْنُ وَ الْمَضْغُ، وَ كَانَ النَّابُ طَوِيلًا؛ لِيَسْتَدَّ [٤٢] الْأَصْرَاسُ وَ الْأَسْنَانُ كَالْأَسْطُوَانَةِ فِي الْبِنَاءِ.

وَ خَلَا الْكَفَّانَ مِنَ الشَّعْرِ؛ لِأَنَّ بِهِمَا يَقَعُ اللَّمْسُ، فَلَوْ كَانَ بِهِمَا شَعْرًا مَا دَرَى الْإِنْسَانُ مَا يُقَابِلُهُ وَ يَلْمَسُهُ.  
وَ خَلَا الشَّعْرُ وَ الظُّفْرُ مِنَ الْحَيَاءِ؛ لِأَنَّ طَوْلَهُمَا وَسِخٌ يَتَّبِعُ، وَ قَصَّهُمَا حَسَنٌ، فَلَوْ كَانَ فِيهِمَا حَيَاءٌ؛ لَأَلِمَ الْإِنْسَانُ لِقَصِّهِمَا.  
وَ كَانَ الْقَلْبُ كَحَبِّ الصَّنُورِ؛ لِأَنَّهُ مُنَكَّسٌ، فَجُعِلَ رَأْسُهُ دَقِيقًا [٤٣]؛ لِيَدْخُلَ فِي الرَّئِثَةِ فَتَرَوِّحَ [٤٤] عَنْهُ بَبْرِدِهَا، لِيَلَّا يَشِيْطَ الدَّمَاغُ بِحَرِّهِ.

وَ جُعِلَتِ الرَّئِثَةُ قِطْعَتَيْنِ؛ لِيَدْخُلَ فِي مَضَاغِطِهَا فَتَرَوِّحَ عَنْهُ بِحَرِّ كَيْتِهَا.

وَ كَانَتِ الْكَبِدُ حِدْبَاءً؛ لِتُسْتَقِلَ الْمَعِدَةُ وَ تَقَعَ جَمِيعُهَا عَلَيْهَا، فَتَعَصِرُهَا فَيَخْرُجُ مَا فِيهَا مِنَ الْبُخَارِ.

وَ جُعِلَتِ الْكُلْيَةُ كَحَبِّ اللَّوْبِيَا؛ لِأَنَّ عَلَيْهَا مَصَبَّ الْمَنِيِّ نُقْطَةً بَعْدَ نُقْطَةٍ، فَلَوْ كَانَتِ مُرْبَعَةً أَوْ مَدْوَرَةً؛ لَأَحْتَبَسَتِ النَّقْطَةُ الْأُولَى الثَّانِيَةَ فَلَا يَلْتَدُّ بِخُرُوجِهَا الْحَيْ، إِذَا [٤٥] الْمَنِيُّ يَنْزِلُ مِنَ فِقَارِ الظُّهْرِ إِلَى الْكُلْيَةِ، فَهِيَ كَالدُّودَةِ تَنْقَبِضُ وَ تَتَبَسِّطُ، تَرْمِيهِ أَوْلًا فَأَوْلًا إِلَى الْمَثَانَةِ كَالْبُنْدُقَةِ مِنَ الْقَوْسِ.

وَ جُعِلَ طَيُّ الرُّكْبَةِ إِلَى خَلْفِ؛ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ يَمْشِي إِلَى مَا بَيْنَ يَدَيْهِ فَتَعْتَدِلُ الْحَرَكَاتُ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَقَطَ فِي الْمَشْيِ.

وَ جُعِلَتِ الْقَدَمُ مُتَّخِصَّرَةً؛ لِأَنَّ الشَّيْءَ إِذَا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ جَمِيعُهُ ثَقُلَ ثِقَلِ حَجَرِ الرَّحَا، وَ إِذَا كَانَ عَلَى طَرَفِهِ دَفَعَهُ (رَفَعَهُ) الصَّبِي، وَ إِذَا وَقَعَ عَلَى وَجْهِهِ صَعَبَ نَقْلُهُ عَلَى الرَّجْلِ.

فَقَالَ الْهِنْدِيُّ: مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا الْعِلْمُ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخَذْتُهُ عَنِ آبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، عَنِ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنِ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ جَلَالُهُ الَّذِي خَلَقَ الْأَجْسَادَ وَ الْأَرْوَاحَ.

فَقَالَ الْهِنْدِيُّ: صَدَقْتَ، وَ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

وَ عَبْدُهُ، وَ أَنَّكَ أَعْلَمُ أَهْلَ زَمَانِكَ. [٤٦]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٣٥

٥. امام صادق علیه السلام: مردم هیچ آبادی ای از سه گروه، بی نیاز نیستند که در کار دنیا و آخرت خویش به ایشان پناه برند و چون آنان را نداشته باشند، شوربخت باشند: فقیه دانا و پرهیزگار، امیر نیکوکار و فرمانروا، و طیب آگاه و مورد اعتماد.

## ١ / ٢ آگاهی پیامبران و امامان از دانش پزشکی

٦. فرج المهموم: در نامه ابو اسحاق طرطوسی به عبد الله بن مالک درباره شناخت سرچشمه دانش، چنین دیده‌ام: خداوند، آدم را از بهشت فرو فرستاد و او را از دانش همه چیز آگاه ساخت. از جمله چیزهایی که خداوند، وی را از آنها آگاه ساخت، نجوم و طب بود.

٧. علل الشرائع به نقل از ربیع، حاجب منصور عباسی: روزی امام صادق علیه السلام به مجلس منصور درآمد، در حالی که مردی هندی نزد او بود و کتاب‌های طب می‌خواند. امام صادق علیه السلام به خواندن او گوش سپرد. چون آن مرد هندی، خواندن را به پایان برد، به امام صادق علیه السلام گفت: ای ابو عبد الله! آیا از آنچه همراه دارم، چیزی می‌خواهی؟

فرمود: «نه؛ برتر از آنچه تو همراه داری، به همراه دارم».

پرسید: آن چیست؟

فرمود: «گرم را به سرد، سرد را به گرم، خشک را به تر، و تر را به خشک درمان می‌کنم و کار را یکسره به خداوند، باز می‌گردانم و آنچه را پیامبر خدا فرموده است، به کار می‌گیرم و می‌دانم که معده، خانه همه دردها، و پرهیز، یگانه درمان است و بدن را بر همان چه بدان خو گرفته، وا می‌دارم».

مرد هندی گفت: آیا طب، چیزی جز این است؟

امام صادق علیه السلام پرسید: «آیا گمان می‌کنی از کتاب‌های طب، چیزی فرا گرفته‌ام؟».

گفت: آری.

فرمود: «به خداوند سوگند، نه. جز از خداوند سبحان نگرفته‌ام. اینک بگو که آیا من به طب آگاه‌ترم یا تو؟».

گفت: تو نه، بلکه من.

امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا از تو چیزی بپرسم؟».

گفت: بپرس.

فرمود: «ای هندی! به من بگو که چرا در سر، رخنه‌ها و لایه‌هاست؟».

گفت: نمی‌دانم.

پرسید: «چرا موها در بالای سر قرار داده شده‌اند؟»

گفت: نمی‌دانم.

پرسید: «چرا پیشانی از مو تهی است؟».

گفت: نمی‌دانم.

پرسید: «چرا پیشانی دارای چین و چروک است؟».

گفت: نمی‌دانم.

پرسید: «چرا ابروها در بالای چشم‌ها قرار دارند؟».

گفت: نمی‌دانم.

پرسید: «چرا چشم‌ها همانند بادام قرار داده شده‌اند؟».

گفت: نمی‌دانم.

پرسید: «چرا بینی در میان دو چشم، قرار داده شده است؟».

گفت: نمی‌دانم.

پرسید: «چرا سوراخ بینی در پایین آن است؟».

گفت: نمی‌دانم.

پرسید: «چرا لب و سیل، بالای دهان قرار داده شده است؟».

گفت: نمی‌دانم.

پرسید: «چرا دندان‌های پیشین، تیز است، دندان‌های جانبی پهن است و دندان‌نیش، بلندتر است؟».

گفت: نمی‌دانم.

پرسید: «چرا ریش برای مردان قرار داده شده است؟».

گفت: نمی‌دانم.

پرسید: «چرا کفِ دستان، از مو تهی است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا ناخن و مو، فاقد حیات است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا قلب، همانند دانه صنوبر است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا ریه دو پاره است و حرکت آن، تنها در جای ثابت خویش قرار داده شده است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا کبد، قوس دار است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا کلیه، همانند دانه لوبیاست؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا زانو به عقب تا می خورد؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا کف پا دارای گودی است؟».

گفت: نمی دانم.

در این هنگام، امام صادق علیه السلام فرمود: «اما من می دانم».

آن مرد گفت: پس خود پاسخ ده.

امام صادق علیه السلام فرمود: «در سر، رخنه‌ها و لایه‌هاست؛ چون هر چیز درون تهی، هر گاه یک پارچه باشد، شکستن، زودتر به سراغش آید و چون چند تکه قراردادده شود، شکستگی از آن دورتر است.

موی سر، در قسمت بالای آن قرار داده شده است تا با ریشه‌هایش چربی را به مغز برساند و سر موها، بخار را از مغز بیرون ببرد و سرما و گرمایی را که بدان می‌رسد، از آن دفع کند.

پیشانی از مو تهی است، از آن رو که محل رسیدن نور به چشمان است، و در آن، چین و چروک قرار داده شده است، بدان سبب که عرق فرو ریخته از سر را در خود، محبوس سازد و مانع رسیدن آن به چشمان شود تا بدان وقت که انسان، عرق خویش را پاک کند، آن‌سان که نهرها در زمین آب‌ها را در خود محبوس می‌سازند.

ابروها در بالای چشمان قرار داده شده‌اند تا نور را به اندازه کافی به چشمان راه دهند. ای هندی! مگر نمی‌بینی آن که نور بر وی چیره شود، دست خویش را بر فراز چشمان می‌گیرد تا نور به اندازه کافی از زیر آن به چشمان راه بگشاید.

بینی در میان دو چشم قرار داده شده است تا نور را در میان دو چشم مساوی قسمت کند.

چشم، همانند بادام است تا میل بتواند دارو را در داخل آن جریان دهد و بیماری (عفونت) از آن بیرون آید. اگر چشم، مربع شکل یا دایره‌ای بود، نه میل در داخل آن حرکت می‌کرد، نه دارو به همه آن می‌رسید، و نه بیماری از درون آن خارج می‌شد.

سوراخ بینی در پایین آن قراردادده شده است تا بیماری‌هایی (عفونت‌هایی) که از مغز فرو می‌آید، از آن پایین آید و بویها از آن بالا رود و به مشام رسد، در حالی که اگر این سوراخ، در بالای بینی بود، نه بیماری‌ای از آن به زیر می‌آمد و نه بویی را حس می‌کرد. سیل و لب، در بالای دهان قرار گرفته است تا مانع رسیدن آنچه از مغز فرو می‌ریزد، به دهان شود، مبادا که طعم خوراک و

نوشیدن بر انسان مکدر گردد و آن را از خودش دور کند.

ریش، تنها برای مردان قرار داده شده است تا بدین وسیله از زنان متمایز گردند و نیازی به باز گشودن [همه چهره و ملاحظه آن برای شناسایی نباشد.

دندان جلو، تیز قرار داده شده است؛ زیرا به واسطه آن، کار گاز گرفتن صورت می پذیرد و دندان های جانبی پهن قرار داده شده است؛ زیرا آسیاب کردن و جویدن به کمک آنها انجام می گیرد و نیش، بلندتر است تا تکیه گاه دندان جانبی و دندان جلو باشد، به سان ستون در یک بنا.

کف دست از مو تهی است، چون به کمک آنها کار لمس انجام می گیرد؛ اما اگر در آنها مو وجود داشت، انسان نمی دانست آنچه پیش روی اوست و آن را لمس می کند، چیست.

مو و ناخن، فاقد حیات است؛ زیرا بلند شدن آنها مایه کثیفی و زشتی است و کوتاه کردنشان پسندیده است. پس اگر در آنها حیات وجود می داشت، انسان به هنگام کوتاه کردن آنها احساس درد می کرد.

قلب، به شکل دانه صنوبر است؛ زیرا وارونه است و یک سر قلب، باریک

قرار داده شده تا لابه لای ریه برود و با سردی آن، خنک شود، مبادا که مغز از گرمای آن بسوزد.

ریه، دو پاره قرار داده شده است تا قلب در لابه لای فشارگاه های آن قرار گیرد و به کمک حرکت آن، خنک شود.

کبد، قوس دار است تا معده را سنگینی کند و به تمامی بر روی آن قرار گیرد و آن را بفشرد و در نتیجه، بخاری که در آن هست، بیرون برود.

کلیه، به شکل دانه لوبیا قرار داده شده است؛ زیرا مسیر ریزش منی، نقطه به نقطه آن عضو است. پس اگر کلیه به شکل مربع یا دایره بود، نقطه نخست، مانع رسیدن منی به نقطه دوم می شد و موجود زنده نمی توانست با خروج آن، احساس لذت کند؛ چه این که منی از ستون فقرات به سمت کلیه فرو می آید و آن (کلیه) نیز به گرمی می ماند که جمع می شود و باز می شود و تدریجاً منی را به سوی مثانه می راند، به سان تیری که از کمان رها شود.

تا خوردن زانو به سمت عقب قرار داده شده است؛ چرا که انسان به سمت جلو راه می رود و حرکات او با تعادل همراه است، اما اگر این نبود، انسان در هنگام راه رفتن [بر زمین می افتاد.

در کف پا گودی ای قرار داده شده است؛ زیرا هر چیز چون به تمامی سطح بر زمین قرار گیرد، به اندازه سنگ آسیاب سنگین می شود، اگر با لبه اش بر روی زمین باشد، یک کودک هم می تواند آن را جاز جای خویش [براند. اگر هم چیزی به روی بر زمین قرار گیرد، جابه جا کردن آن، حتی بر یک مرد، سنگین می آید».

در این هنگام، مرد هندی پرسید: این دانش برای تو از کجا حاصل آمده است؟

فرمود: «آن را از پدرانم، از پیامبر خدا، از جبرئیل علیه السلام، از پروردگار جهانیان جل جلاله، یعنی همو که تنهاست و جانها را آفریده، فرا گرفته ام.

پس آن هندی گفت: راست گفته ای و من نیز گواهی می دهم که

خدایی جز الله نیست و محمد، پیامبر خدا و بنده اوست و تو آگاه ترین کسان روزگار خویش هستی.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶

۹. عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ الَّذِي خَلَقَ الْأَدْوَاءَ خَلَقَ لَهَا دَوَاءً. [۴۸]

۱۰. عنه صلى الله عليه و آله: تَدَاوَوْا؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُنَزِلْ دَاءً إِلَّا وَ أَنْزَلَ لَهُ شِفَاءً. [۴۹]

۱۱. الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: تَدَاوَوْا؛ فَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ مَعَهُ دَوَاءً إِلَّا السَّامَ يَعْنِي: الْمَوْتَ؛ فَإِنَّهُ لَا دَوَاءَ لَهُ. [۵۰]

۱۲. المستدرک علی الصحیحین عن أبی سعید الخدری عن رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُنَزِلْ دَاءً أَوْ لَمْ يَخْلُقْ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ أَوْ خَلَقَ لَهُ دَوَاءً؛ عِلْمُهُ مَن عِلْمَهُ، وَ جِهَلُهُ مَن جِهَلَهُ إِلَّا السَّامَ.

قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا السَّامُ؟

قال: الْمَوْتُ. [۵۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷

### ۱/۳ هر دردی را درمانی است

۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر دردی را درمانی است. پس چون دارو به درد برسد، به اذن خداوند عز و جل بهبود یابد.

۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: آن که دردها را آفریده، برای آنها درمان نیز آفریده است.

۱۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خود را مداوا کنید؛ چه، خداوند عز و جل هیچ دردی را فرو نفرستاده، مگر این که برای آن، شفایی هم نازل کرده است.

۱۱. امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش عليهم السلام: پیامبر خدا فرمود: «خود را مداوا کنید؛ چه، خداوند، هیچ دردی فرو نفرستاده، مگر این که به همراهش درمانی نیز نازل کرده است، جز مرگ که آن را هیچ درمانی نیست».

۱۲. المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو سعید خدری: پیامبر خدا فرمود: «خداوند، هیچ دردی را فرو نفرستاده (یا هیچ دردی را نیافریده)، مگر این که درمانی نیز برایش فرو فرستاده (یا آفریده) است و کسانی از آن آگاهی یافته‌اند و کسانی نیز از آن ناآگاه مانده‌اند، مگر سام».

پرسیدند: سام چیست؟

فرمود: «مرگ».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸

۱۳. تاریخ بغداد عن جابر: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَادَ مَرِيضًا وَ أَنَا مَعَهُ، فَقَالَ: أَلَا نَدْعُو لَكَ طَبِيْبًا؟ قَالَ: وَ أَنْتَ تَأْمُرُ بِهَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ!؟

قال: نَعَمْ، إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُنَزِلْ دَاءً إِلَّا وَ قَدْ أَنْزَلَ لَهُ دَوَاءً. [۵۲]

۱۴. المصنّف عن هلال بن يساف: جُرِحَ رَجُلٌ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: ادْعُوا لَهُ الطَّيْبَ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ يُغْنِي عَنْهُ الطَّيْبُ؟

قال: نَعَمْ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُنَزِلْ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ مَعَهُ شِفَاءً. [۵۳]

۱۵. الإمام عليّ عليه السلام: لِكُلِّ حَيٍّ دَاءٌ، لِكُلِّ عِلَّةٍ دَوَاءٌ. [۵۴]

۱۶. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْتَلِ الْبَدَنَ بِدَاءٍ؛ حَتَّى جَعَلَ لَهُ دَوَاءً يُعَالِجُ بِهِ، وَ لِكُلِّ صَنِيفٍ مِنَ الدَّاءِ صَنِيفٌ مِنَ الدَّوَاءِ، وَ تَدْبِيرٌ وَ نَعْتٌ. [۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹

۱۳. تاریخ بغداد به نقل از جابر: پیامبر خدا، در حالی که همراهش بودم، بیماری را عیادت کرد و به او فرمود: «آیا برایت طبیعی فرا نخوانیم؟».

گفت: آیا تو، ای پیامبر خدا، به این کار، فرمان می‌دهی؟!

فرمود: «آری. خداوند، هیچ دردی فرو نفرستاده، مگر این که درمانی نیز برایش فرو فرستاده است».

۱۴. المصنّف به نقل از هلال بن یساف: در روزگار پیامبر خدا، مردی مجروح شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «برایش طبیعی بخوانید».

کسی گفت: ای پیامبر خدا! آیا طیب، او را سودی می‌بخشد؟

فرمود: «آری. خداوند تبارک و تعالی هیچ دردی فرو نفرستاده، مگر این که به همراهش شفایی نیز فرو فرستاده است»

۱۵. امام علی علیه السلام: هر زنده‌ای را دردی هست و هر بیماری‌ای را درمانی است.

۱۶. امام رضا علیه السلام: خداوند عز و جل بدن را به هیچ بیماری‌ای گرفتار نساخت، مگر آن هنگام که برایش دارویی قرارداد که بدان، درمان شود؛ و برای هر نوع دردی، نوعی درمان است و چاره‌ای و نسخه‌ای.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰

۴ / ۱

الدَّوَاءُ مِنَ الْقَدْرِ

۱۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: الدَّوَاءُ مِنَ الْقَدْرِ، وَقَدْ يَنْفَعُ بِإِذْنِ اللَّهِ. [۵۶]

۱۸. عنه صلی الله علیه و آله: الدَّوَاءُ مِنَ الْقَدْرِ، وَهُوَ يَنْفَعُ مَنْ يَشَاءُ بِمَا شَاءَ. [۵۷]

۱۹. سنن ابن ماجه عن أبي خزيمة: سئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرَأَيْتَ أَدْوِيَةً تَدَاوَى بِهَا، وَرُقِيَّ نَسْتَرَقِي بِهَا، وَتُقَيَّ نَتَقِيهَا، هَلْ تَرُدُّ مِنَ قَدْرِ اللَّهِ شَيْئًا؟

قَالَ: هِيَ مِنَ قَدْرِ اللَّهِ. [۵۸]

۲۰. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مَرِضٌ، فَقَالَ: لَا أَتَدَاوَى حَتَّى يَكُونَ الَّذِي أَمْرَضَنِي هُوَ الَّذِي يَشْفِينِي.

فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَا أَشْفِيكَ حَتَّى تَتَدَاوَى؛ فَإِنَّ الشِّفَاءَ مِنِّي. [۵۹]

۲۱. إحياء علوم الدين: ذَكَرَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ فِي الْإِسْرَائِيلِيَّاتِ أَنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ اعْتَلَّ بِعِلَّةٍ، فَدَخَلَ عَلَيْهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ فَعَرَفُوا عِلَّتَهُ. فَقَالُوا لَهُ: لَوْ تَدَاوَيْتَ بِكَذَا لَبُرَأْتَ.

فَقَالَ: لَا أَتَدَاوَى حَتَّى يُعَافِنِي هُوَ مِنْ غَيْرِ دَوَاءٍ، فَطَالَتْ عِلَّتُهُ.

فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ دَوَاءَ هَذِهِ الْعِلَّةِ مَعْرُوفٌ مُجَرَّبٌ، وَإِنَّا نَتَدَاوَى بِهِ فَنَبْرَأُ.

فَقَالَ: لَا أَتَدَاوَى، وَاقَامَتْ عِلَّتُهُ، فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، لَا أَبْرَأُكَ حَتَّى تَتَدَاوَى بِمَا ذَكَرْتُمْ لَكُمْ.

فَقَالَ لَهُمْ: دَاوُونِي بِمَا ذَكَرْتُمْ، فَدَاوَوْهُ فَبَرَأَ، فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ مِنْ ذَلِكَ.

فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: أَرَدْتَ أَنْ تُبْطَلَ حِكْمَتِي بِتَوَكُّلِكَ عَلَيَّ؛ مَنْ أَوْدَعَ الْعَقَاقِيرَ مَنَافِعَ الْأَشْيَاءِ غَيْرِي؟ [۶۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱

#### ۴ / ۱ دارو و درمان، از تقدیر است

۱۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درمان، از تقدیر [خداوند] است و ممکن است به اذن خداوند، نافع باشد.

۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درمان، از تقدیر [خداوند] است و هر کس را که او بخواند، به همان گونه که خواهد، سود

می‌رساند.

۱۹. سنن ابن ماجه به نقل از ابو خزامه: از پیامبر خدا پرسیدند: آیا این که با دارویی درمان کنیم یا تعویذی بر خود بندیم یا پرهیزی بکنیم، این کار چیزی از تقدیر خداوند را باز می‌دارد؟ فرمود: «این، خود از تقدیر خداوند است».

۲۰. امام صادق علیه السلام: پیامبری از پیامبران بیمار شد. گفت: درمان نمی‌کنم تا همان کسی که بیمارم کرده است، خود، درمانم کند. سپس خداوند عز و جل به او وحی فرستاد: «شفایت نمی‌دهم، مگر درمان کنی، که شفا از من است».

۲۱. إحياء علوم الدين: یکی از عالمان، در شمار اسرائیلیات، یاد آور شده است که موسی علیه السلام به بیماری گرفتار شد. بنی اسرائیل به حضور او رسیدند و بیماری‌اش را شناختند و به او گفتند: اگر به فلان دارو، درمان کنی، بهبود می‌یابی. اما موسی علیه السلام گفت: درمان نمی‌کنم تا او خود، بدون دارو، مرا عافیت دهد.

پس بیماری‌اش به طول انجامید. دیگر بار به او گفتند: داروی این بیماری شناخته شده و تجربه شده است و ما بدان، درمان می‌کنیم و بهبود می‌یابیم.

موسی علیه السلام گفت: درمان نمی‌کنم. پس بیماری‌اش ماندگار شد. خدا نیز به او وحی فرستاد: «به عزت و جلالم سوگند، تو را بهبود نمی‌دهم، مگر به آنچه برایت گفته‌اند، درمان کنی».

پس موسی علیه السلام به آنان گفت: مرا به آنچه گفته‌اید، درمان کنید.

او را مداوا کردند و بهبود یافت و وی نیز بدین سبب، دلگیر شد. پس خداوند تعالی، [دیگر بار] به او وحی فرستاد: «می‌خواستی با تو کلت بر من، حکمت مرا ابطال کنی. مگر چه کسی جز من، منافع چیزها را در داروها به ودیعت نهاده است؟!».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲

۵ / ۱

الشِّفَاءُ مِنَ اللَّهِ

الكتاب:

«وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ»، [۶۱]

الحديث:

۲۲. الطب النبوی: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا رَبِّ، مِمَّنِ الدَّاءُ؟

قال: مِنِّي.

قال: فَمِمَّنِ الدَّوَاءُ؟

قال: مِنِّي.

قال: فَمَا بِالِطَّبِيبِ؟

قال: رَجُلٌ أَرْسَلَ الدَّوَاءَ عَلَيَّ يَدُهُ. [۶۲]

۲۳. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ يُسَمَّى الطَّبِيبَ: «المعالج»، فَقَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ: يَا رَبِّ، مِمَّنِ الدَّاءُ؟ قَالَ: مِنِّي.

قال: فَمِمَّنِ الدَّوَاءُ؟

قال: مِنِّي.

قال: فَمَا يَصْنَعُ النَّاسُ بِالْمُعَالِجِ؟

قال: يُطِيبُ بِذَلِكَ أَنْفُسَهُمْ فَسُمِّيَ الطَّبِيبَ لِذَلِكَ. [۶۳]



## ۵ / ۱ شفا از خداوند است

## قرآن

«چون بیمار شوم، او (خداوند) شفایم می دهد»

## حدیث

۲۲. الطَّبُّ النَّبَوِيُّ: ابراهیم خلیل علیه السلام گفت: پروردگارا! درد از کیست؟

[خداوند] فرمود: «از من».

پرسید: پس درمان از کیست؟

فرمود: «از من».

پرسید: پس طیب چه کاره است؟

فرمود: «مردی است که دارو به دست او فرستاده شده است».

۲۳. امام صادق علیه السلام: در گذشته، پزشک، «معالج» نامیده می شد. در آن روزگاران، موسی بن عمران علیه السلام پرسید:

پروردگارا! درد از کیست؟

فرمود: «از من».

پرسید: پس درمان از کیست؟

فرمود: «از من».

پرسید: پس مردم با معالج چه می کنند؟

فرمود: «او به این کار، دل آنان را خوش و خرسند می سازد. پس از همین روی، او را طیب [۶۴] نام نهادند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴

۲۴. مسند ابن حنبل عن أبي رمته: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعَ أَبِي فَرَأَى التِّي بَظَهْرِهِ.

فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَا أَعَالِجُهَا لَكَ فَإِنِّي طَيْبٌ؟

قَالَ: أَنْتَ رَفِيقٌ وَاللَّهُ الطَّيِّبُ. [۶۵]

۲۵. دعائم الإسلام: عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يُدَاوِيهِ الْيَهُودِيُّ وَالنَّصْرَانِيُّ، قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ، إِنَّمَا الشِّفَاءُ

بِيَدِ اللَّهِ تَعَالَى. [۶۶][۶۷]

دانشنامه احادیث پزشکی ؛ ج ۱ ؛ ص ۵۴

۲۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ... فَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَ وَصَوَّرْتَ وَقَضَيْتَ وَأَضَلَلْتَ وَهَدَيْتَ، وَأَضْحَكْتَ وَأَبْكَيْتَ، وَ

أَمَّتْ وَأَحْيَيْتَ، وَآمَرَضْتَ وَشَفَيْتَ، وَأَطَعَمْتَ وَسَقَيْتَ. [۶۸]

۲۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ... فَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَ وَصَوَّرْتَ وَقَضَيْتَ وَأَضَلَلْتَ وَهَدَيْتَ، وَأَضْحَكْتَ وَأَبْكَيْتَ، وَ

أَمَّتْ وَأَحْيَيْتَ، وَآمَرَضْتَ وَشَفَيْتَ، وَأَطَعَمْتَ وَسَقَيْتَ. [۶۹]

۲۷. عنه صلى الله عليه وآله في دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ: يَا دَلِيلَنَا يَا مُعِينَنَا، يَا حَبِيبَنَا يَا طَيِّبَنَا... يَا طَيِّبَ مَنْ لَا طَيِّبَ لَهُ. [۷۰]

۲۸. الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْ خَلَقْتَ فَسَوَّيْتَ، وَقَدَّرْتَ وَقَضَيْتَ،

وَأُمَّتٌ وَأَحْيَيْتَ، وَأَمْرَضْتَ وَشَفَيْتَ، وَعَافَيْتَ وَأَبْلَيْتَ [۷۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵

۲۴. مسند ابن حنبل: به نقل از ابو رمله: همراه پدرم به نزد پیامبر خدا رفتم. او آنچه را که بر پشت ایشان بود، دید و گفت: ای پیامبر خدا: آیا آن را درمان نکنم؟ من طیبم.

فرمود: «تو رفیق هستی (نسبت به بیمار، مهربانی و مدارا می کنی) و خداوند، خود، طیب است».

۲۵. دعائم الإسلام: از امام صادق علیه السلام در مورد این که مردی را یک یهود یا مسیحی درمان کند، پرسیدند. فرمود: «در این کار، اشکالی نیست. شفا به دست خداوند متعال است».

۲۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوندا! تو را سپاس، که آفریدی، صورت بخشیدی و تقدیر کردی، گمراه کردی و راه نمودی، خندانندی و گریانندی، میرانندی و زنده گردانندی، بیمار کردی و شفا بخشیدی، خوراک دادی و آب دادی.

۲۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای جوشن کبیر: ای راهنمای ما، ای یاری رسان ما، ای حیب ما، ای طیب ما... ای طیب آن کس که او را طیب نیست!

۲۸. امام سجّاد علیه السلام: خداوندا! تو را سپاس که آفریدی و اعتدال بخشیدی،

تقدیر فرمودی و حکم کردی، میرانندی و زنده ساختی، بیمار کردی و شفا بخشیدی، عافیت دادی و مبتلا ساختی.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶

۲۹. الإمام العسکریّ علیه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي الصَّبَاحِ: يَا مَنْ يَجْعَلُ الشِّفَاءَ فِيمَا يَشَاءُ مِنَ الْأَشْيَاءِ... يَا مَنْ يُزِيلُ بِأَدْنَى الدَّوَاءِ مَا غُلِظَ مِنَ الدَّاءِ. [۷۲]

۳۰. إحياء علوم الدين: رُوِيَ عَن مَوْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يَا رَبِّ، مِمَّنِ الدَّاءُ وَالدَّوَاءُ؟

فَقَالَ: مَنِّي.

قَالَ: فَمَا يَصْنَعُ الْأَطِبَاءُ؟

قَالَ: يَأْكُلُونَ أَرْزَاقَهُمْ وَيُطَيَّبُونَ نَفُوسَ عِبَادِي؛ حَتَّى يَأْتِيَ شِفَائِي أَوْ قَضَائِي. [۷۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷

۲۹. امام عسکری علیه السلام در دعای صبحگاهی خویش می گفت: ای آن که شفا را در آنچه می خواهد، می نهد... ای آن که به کمترین دارو، سخت ترین درد را درمان می بخشد.

۳۰. إحياء علوم الدين: از موسی علیه السلام روایت شده که گفت: پروردگارا! درد و درمان از کیست؟

فرمود: «از من».

پرسید: پس طبیبان چه می کنند؟

فرمود: «روزی خویش می خورند و دل بندگانم خرسند می دارند تا یا شفایم و یا قضایم [به آنان برسد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹

## فصل دوم: آداب طبابت و وظائف طبیب

حرفه پزشکی، از آن رو که با جان، ناموس و اسرار زندگی مردم سر و کار دارد، علاوه بر مقررات اسلامی، در همه حرفه‌ها دارای آداب و احکام ویژه‌ای است که رعایت آن برای پزشک مسلمان، لازم و ضروری است. در این جا اشاره‌ای کوتاه به مهم‌ترین آداب آن خواهیم کرد.

## ۱. احساس مسئولیت

احساس مسئولیت، از مهم‌ترین و اصلی‌ترین آداب پزشکی است؛ زیرا این احساس است که پزشک را به رعایت وظایف اخلاقی، قانونی و شرعی خود در مورد درمان بیمار، وادار می‌سازد.

امام صادق علیه السلام، سخنی سخت‌تکان‌دهنده درباره مسئولیت پزشک از حضرت مسیح علیه السلام نقل فرموده است: مسیح علیه السلام می‌گفت: آن که درمان کردن زخم زخمیده‌ای را وا گذارد، ناگزیر، شریک کسی است که زخم را بر بدن وی نشانده است. [۷۴]

این سخن، متکی بر منطق روشنی است که نه تنها پیروان اسلام و مسیحیت، بلکه هیچ پزشک با وجدانی نمی‌تواند آن را انکار کند. از این رو، ش

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۰

ایسته است همه پزشکان، آن را قاب کنند و در مطب خویش بیاویزند.

بر اساس این منطق، کوتاهی پزشک در درمان بیمار، به معنای سهم بودن او در بیماری و گاه، هلاکت بیمار است. لذا پزشک، مسئول است با همه توان برای درمان بیمار، تلاش کند و با هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند از زیر بار این مسئولیت، شانه خالی نماید. بر همین اساس، معتقدیم یکی از وظایف مهم دانشگاه‌های علوم پزشکی، برنامه‌ریزی برای پرورش حس مسئولیت‌شناسی در دانش‌پژوهان این دانش است.

## ۲. تقوای پزشکی

تقوا در هر حرفه‌ای به معنای رعایت قوانین الهی در انجام دادن آن است. بنا بر این، تقوای پزشکی، شامل همه آداب و احکام اسلامی در مورد این حرفه است؛ لیکن در تقوای پزشکی، دو نکته از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است: یکی خیرخواهی برای بیمار، و دیگری تلاش برای درمان او. از این رو، امام علی علیه السلام، پس از توصیه پزشکان به تقوا، بلافاصله به این دو مصداق بارز تقوای پزشکی اشاره می‌فرماید:

مَنْ تَطَبَّبَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لْيَنْصَحْ وَ لْيَجْتَهِدْ. [۷۵]

هر کس طبابت پیشه کند، باید که از خدا پروا بدارد و خیرخواهی و جدیت به خرج دهد.

«نُصِيح» که در این سخن بدان اشاره شد، به معنای خیرخواهی و «اجتهاد»، به معنای به کارگیری همه توان است. بنا بر این، تقوای پزشکی بدین معناست که پزشک برای حُسن انجام وظیفه، اولاً باید سود بیمار را در نظر بگیرد نه سود خود را. ثانیاً باید از همه توان فکری و عملی خود برای درمان وی استفاده کند و پزشک ب

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱

اتقوا، کسی است که در صرف وقت برای تشخیص بیماری، در تجویز دارو، در چگونگی درمان و طول آن، به چیزی جز سود بیمار

### ۳. پاک‌دامنی

یکی از مصادیق مهم تقوای پزشکی، عفت جنسی و پاک‌دامنی است. پزشک باتقوا، به خود اجازه نمی‌دهد از بیمار، سوء استفاده جنسی کند و حتی در نگاه کردن برای معاینه، حدود اسلامی را رعایت می‌نماید، بدین معنا که اگر از طریقی بجز نگاه کردن به مواضعی که نگران کردن به آن در اسلام ممنوع است، بتواند بیماری را تشخیص دهد، مبادرت به نگاه نامشروع نمی‌ورزد و در صورت نیاز به این کار نیز، به اندازه ضرورت، اکتفا می‌کند.

### ۴. اهتمام به تشخیص بیماری

یکی از نکات آداب پزشکی که در احادیث اسلامی بر آن تأکید شده، اهمیت دادن به تشخیص بیماری است. پیامبر اسلام به یکی از پزشکان معاصر خود، چنین توصیه می‌فرماید:

هیچ کس را درمان مکن، مگر آن‌گاه که بیماری او را بشناسی. [۷۶]

مکرر شنیده می‌شود که به دلیل تشخیص نادرست طیب و داروی نامناسب، بیماری تشدید شده و گاه بیمار، هلاک شده است. رعایت این ادب، اقتضا می‌کند که پزشک، همه توان خود را برای تشخیص بیماری به کار گیرد و پیش از تشخیص آن، اقدام به تجویز دارو نکند و اگر فرصت لازم را برای تشخیص ندارد یا خسته است و یا به هر دلیل دیگر، آمادگی لازم را برای اظهار نظر ندارد، از معاینه بیمار و دادن دارو، به طور جدی خودداری کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲

### ۵. تلاش برای شناخت داروهای طبیعی

احادیث باب سوم از فصل اول تأکید دارند که همه بیماری‌ها به استثنای مرگ، در نظام آفرینش، دارو دارند و قابل درمان‌اند. برخی تصریح می‌کنند که خداوند برای همه بیماری‌ها دارو آفریده و برخی می‌گویند خداوند، برای همه بیماری‌ها دارو نازل کرده است.

ظاهر این دو تعبیر این است که داروی همه بیماری‌ها در طبیعت وجود دارد. بی‌تردید، داروهای طبیعی، زیان کمتر و سود بیشتری برای درمان دارند. با عنایت به این واقعیت است که گیاه درمانی، به تدریج در کشورهای پیشرفته رایج می‌گردد. بنا بر این، یکی از مسئولیت‌های مهم مراکز علمی پزشکی، تلاش برای کشف داروهای طبیعی و آشنا کردن جامعه پزشکی با این داروهاست.

### ۶. رعایت ضرورت در تجویز دارو

در روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام [۷۷] تأکید شده است که تا آنجا که بدن، قدرت تحمل بیماری را دارد، بیمار نباید به پزشک مراجعه کند؛ زیرا مصرف دارو بدون ضرورت برای سلامت انسان، زیانبار است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

با درد خویش تا آن هنگام که با تو مدارا می‌کند، مدارا کن. [۷۸]

و از امام کاظم علیه السلام روایت شده است:

تا زمانی که بیماری به جد با شما درگیر نشده است، درگیر معالجه طیبیان نشوید، که درمان، به مانند ساختمان است که مقدار کمی از آن، شخص را به مقدار فراوانش می‌کشانند. [۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳

طبق دلالت التزام این احادیث، بر فرض، اگر بیماری این رهنمودها را نادیده گرفت و به پزشک مراجعه کرد، پزشک متعهد و با تقوا، کسی است که پس از معاینه، اگر تشخیص داد بیماری او جزئی است و نیازی به دارو ندارد، اقدام به نوشتن نسخه و تجویز دارو نمی‌کند، و اگر تشخیص داد که مصرف دارو ضرورت دارد، بیش از اندازه لازم، دارو تجویز نمی‌نماید تا کیسه تولید کنندگان دارو را پُر کند.

## ۷. حفظ اسرار بیمار

یکی از آداب مهم پزشکی، رازداری است. برخی از بیماری‌ها، راز بیمار محسوب می‌شوند و او مایل نیست دیگران از آن مطلع شوند. روایات اسلامی، از یک سو به بیمار توصیه می‌کنند که بیماری پنهان خود را از پزشک، کتمان نکند، چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

هر کس درد نهفته خویش را پنهان بدارد، طیبیش از درمان وی ناتوان می‌ماند. [۸۰]

و از سوی دیگر، به پزشک تأکید می‌کنند که امانت‌دار باشد و با افشای راز بیمار، به او خیانت ننماید. در حدیث نبوی آمده است:

المَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَإِفْشَاؤُكَ سِرَّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ. [۸۱]

نشستن‌ها به امانت است و افشای راز برادرت نیز خیانت. پس از این کار، پرهیز.

## ۸. ایجاد امیدواری در دل بیمار

یأس و نومیدی، موجب تشدید بیماری است و بیش از بیماری برای بیمار، رنج آور است. به گفته امام علی علیه السلام:

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴

أَعْظَمُ الْبَلَاءِ انْقِطَاعُ الرَّجَاءِ.

سخت‌ترین بلا، گسستن امید است.

بلکه گاه نومیدی، سبب مرگ بیمار می‌گردد، چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

قَتَلَ الْقُنُوطُ صَاحِبَهُ. [۸۲]

نومیدی، آن کس را که دامنگیرش بشود، می‌کشد.

به عکس، امید به درمان، از رنج بیماری می‌کاهد و به بیمار، قدرت غلبه بر بیماری می‌دهد و درمان را تسریع می‌نماید. از این رو، یکی از وظایف مهم پزشکی، بویژه در مورد بیماری‌های خطرناک، تقویت روحیه بیمار و ایجاد امید در اوست.

گفتنی است که بهترین راه امیدوار کردن بیمار، تقویت حس مذهبی، توکل به خدا و اعتقاد به این حقیقت است که طیب واقعی اوست و درمان هیچ دردی برای خداوند متعال، دشوار نیست و چه بسا دردهای بی‌درمان که با دعا شفا یافته و به هر حال، خداوند متعال، چیزی جز خیر و صلاح و سود انسان را نمی‌خواهد.

## ۹. جلوگیری از طبابت افراد غیر متخصص

از نظر اسلام، طبابت افراد غیر متخصص، ممنوع و نظام اسلامی موظف است از کار آنان جلوگیری کند و در صورت سرپیچی، آنان را مانند روحانی‌نمایان فاسق، زندانی کند. امام علی علیه السلام، در این باره می‌فرماید:

بر امام، لازم است عالمان تبهکار و پزشکان ناآگاه را به زندان درافکند. [۸۳]

مقدم داشتن ضرورت زندانی کردن علمای فاسق بر پزشکان جاهل، از آن جهت است که خطر طبیب‌نمایان روحانی برای جامعه اسلامی بیش از ط

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵

یب‌نمایان جسمانی است.

باری، پزشک غیر متخصص، در صورتی که اقدام به طبابت کرد و موجب زیان بیمار گردید، علاوه بر این که مرتکب گناه شده، براساس قانون «ضمان»، ضامن است، چنان‌که از پیامبر اسلام روایت شده:

هر کس بدون سابقه [و تخصص لازم به کار طبابت دست یازد، ضامن است. [۸۴]

همچنین، طبیب متخصص، اگر در انجام دادن وظیفه خود، کوتاهی کند و این کوتاهی به فساد بینجامد، ضامن خواهد بود. [۸۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶

الفصل الثانی: آداب الطبابة و احکامها

## آداب الطبابة و احکامها

۱ / ۲

الشُّعُورُ بِالمَسْئُولِيَّةِ

۳۱. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ المَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ التَّارِكَ شِفَاءَ المَجْرُوحِ مِنْ جُرْحِهِ شَرِيكٌ لِجَارِحِهِ لَا مَحَالَةَ؛ وَ ذَلِكَ أَنَّ الجَارِحَ أَرَادَ فَسَادَ المَجْرُوحِ وَ التَّارِكَ لِشِفَائِهِ لَمْ يَشَأْ صِلَاحَهُ، فَإِذَا لَمْ يَشَأْ صِلَاحَهُ فَقَدْ شَاءَ فَسَادَهُ اضْطِرَارًا.

[۸۶]

۲ / ۲

التَّقْوَى الطَّبِيَّةُ

۳۲. الإمام علي عليه السلام: مَنْ تَطَبَّبَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ، وَ لِيَنْصَحْ وَ لِيَجْتَهِدْ. [۸۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷

## آداب طبابت و وظائف طبیب

### ۱ / ۲ احساس مسئولیت

۳۱. امام صادق علیه السلام: مسیح علیه السلام می‌فرمود: «آن که درمان کردن زخم زخمیده‌ای را وا گذارد، ناگزیر، شریک کسی

است که زخم را بر بدن وی نشانده است؛ چه، آن که زخم رسانده، تباهی مجروح را خواسته است و آن که درمان وی را وا گذارده، بهبود او را نخواسته است. پس اگر که بهبود وی را نخواسته، ناگزیر، تباهی او را خواسته است».

## ۲ / ۲ تقوای پزشکی

۳۲. امام علی علیه السلام: هر کس طبابت پیشه کند، باید از خدا پروا بدارد و خیرخواهی و جدیت به خرج دهد. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸

۳ / ۲

الاهْتِمَامُ بِمَعْرِفَةِ الدَّاءِ

۳۳. رسول الله صلی الله علیه و آله لِلشَّمْرِ دَلِ الْمُتَطَبِّبِ: لَا تُدَاوِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ دَاءَهُ. [۸۸]

۳۴. الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ لَمْ يُعْرِفْ دَاوُهُ، أَفْسَدَهُ دَاوُهُ. [۸۹]

۴ / ۲

حُرْمَةُ طِبَابَةِ الْجَاهِلِ

۳۵. الإمام علي عليه السلام: يَجِبُ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَحْبِسَ الْفُسَّاقَ مِنَ الْعُلَمَاءِ، وَالْجُهَّالَ مِنَ الْأَطِبَّاءِ. [۹۰]

۵ / ۲

ضَمَانُ الطَّيِّبِ إِذَا أَفْسَدَ

۳۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ تَطَبَّبَ وَ لَمْ يُعْلَمْ مِنْهُ طَبُّ قَبْلَ ذَلِكَ، فَهُوَ ضَامِنٌ. [۹۱]

۳۷. عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ تَطَبَّبَ وَ لَمْ يَكُنْ بِالطَّبِّ مَعْرُوفًا، فَأَصَابَ نَفْسًا فَمَا دُونَهَا، فَهُوَ ضَامِنٌ. [۹۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹

## ۳ / ۲ اهتمام به شناخت بیماری

۳۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به شمر دل طیب: هیچ کس را درمان مکن، مگر آن گاه که بیماری او را بشناسی.

۳۴. امام سجاد علیه السلام: کسی که بیماری اش تشخیص داده نشود، دارویش او را تباہ می سازد.

## ۴ / ۲ حرام بودن طبابت توسط ناآگاهان

۳۵. امام علی علیه السلام: بر امام، لازم است عالمان تبهکار و پزشکان ناآگاه را به زندان درافکند.

## ۵ / ۲ مسئول بودن پزشک در صورت به بار آوردن خسارت

۳۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بدون تخصص لازم به کار طبابت دست یازد، [شرعا] ضامن است.

۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در حالی که به طبابت شناخته شده نیست، عهده دار آن گردد و موجب فوت کسی یا

صدمه‌ای کمتر از آن شود، ضامن است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰

۳۸. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ ضَمَّنَ خَتَانًا قَطَعَ حَشْفَهُ غُلَامًا. [۹۳]

۳۹. دعائم الإسلام: ضَمَّنَ [الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ] خَتَانَهُ خَتَنَتْ جَارِيَةً، فَزَفَّ دَمَهَا فَمَاتَتْ.

فَقَالَ لَهَا: وَيْلَكَ! فَهَلَّا أَبْقَيْتِ مِنْ ذَلِكَ؟ فَضَمَّنَهَا الدِّيَةَ، وَجَعَلَهَا عَلَى عَاقِلِهِ الْخَتَانَةَ. [۹۴]

۴۰. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّ عَامِلٍ أُعْطِيَتْهُ أَجْرًا عَلَى أَنْ يُصْلِحَ فَأَفْسَدَ، فَهُوَ ضَامِنٌ. [۹۵]

۶ / ۲

عَدَمَ ضَمَانِ الطَّبِيبِ مَعَ الْحَذَقِ وَ أَخَذِ الْبِرَاءَةِ

۴۱. المصنّف عن الضحّاك بن مزاحم: خَطَبَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ النَّاسَ فَقَالَ:

يَا مَعْشَرَ الْأَطِبَّاءِ الْبَيَاطِرَةِ وَالْمُتَطَبِّبِينَ! مَنْ عَالَجَ مِنْكُمْ إِنْسَانًا أَوْ دَابَّةً، فَلْيَأْخُذْ لِنَفْسِهِ الْبِرَاءَةَ؛ فَإِنَّهُ إِنْ عَالَجَ شَيْئًا وَ لَمْ يَأْخُذْ لِنَفْسِهِ الْبِرَاءَةَ فَعَطِبَ، فَهُوَ ضَامِنٌ. [۹۶]

۴۲. الإمام علي عليه السلام: مَنْ تَطَبَّبَ أَوْ تَبَيَّطَرَ، فَلْيَأْخُذِ الْبِرَاءَةَ مِنْ وَلِيِّهِ، وَإِلَّا فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ. [۹۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۱

۳۸. امام باقر عليه السلام: علی علیه السلام، ختنه‌گری را که سر آلت پسرکی را بریده بود، ضامن دانست.

۳۹. دعائم الإسلام: [امام علی علیه السلام زنی ختنه‌گر را که دختری را ختنه کرده و او در نتیجه آن، خونریزی کرده و مُرده بود، ضامن دانست و به او فرمود: «وای بر تو! چرا هیچ اندکی از آن [عضو] باقی نگذاردی؟». سپس به ضامن بودن او نسبت به دیه حکم کرد و این دیه را بر عاقله [۹۸] ختنه کننده دانست.

۴۰. امام صادق علیه السلام: هر کارگر [و صاحب حرفه‌ای که به وی برای این کاری را درست کند، مزدی دهید، اما آن را خراب کند، ضامن است.

## ۶ / ۲ مسئول نبودن پزشک در صورت برخورداری از مهارت و گرفتن براءت

۴۱. المصنّف به نقل از ضحّاك بن مُزاحم: علی علیه السلام برای مردم سخن گفت و در سخنان خویش فرمود: «ای جماعت پزشکان، دام‌پزشکان و کسانی که به کار پزشکی دست می‌یازید! هر کدام از شما که انسانی یا حیوانی را معالجه می‌کند، باید برای خویش، براءت بگیرد؛ چرا که هر کس در حالی که برای خویش براءت نگرفته، به معالجه چیزی بپردازد و آن چیز هلاک شود، ضامن خواهد بود».

۴۲. امام علی علیه السلام: هر کس به کار طبابت انسان یا حیوان دست می‌یازد، باید از ولی آن [انسان یا حیوان برای خویش، کسب براءت کند، و گرنه ضامن آن است. [۹۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۲

۴۳. الكافي عن زرارة عن أحدهما عليهما السلام: الْقَابِلَةُ مَأْمُونَةٌ [۱۰۰]. [۱۰۱]

۷ / ۲

جَوَازُ الْعِلَاجِ مَعَ الْمَعْرِفَةِ وَ لَوْ احْتَمَلَ الْمَوْتَ

۴۴. الكافي عن إسماعيل بن الحسن المتطبيب: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي رَجُلٌ مِنَ الْعَرَبِ وَلِي بِالطَّبِّ بَصَرٌ، وَ طِبِّي طَبُّ عَرَبِيٍّ



و لَسْتُ آخِذٌ عَلَيْهِ صَفْدًا.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ.

قُلْتُ: إِنَّا تَبَطُّ الْجُرْحَ وَ نَكْوِي بِالنَّارِ!

قَالَ: لَا بَأْسَ.

قُلْتُ: وَ نَسْقِي هَذِهِ السُّمُومَ الْأَسْمَحِيقُونَ، وَ الْغَارِيقُونَ.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

قُلْتُ: إِنَّهُ رُبَّمَا مَاتَ.

قَالَ: وَ إِنْ مَاتَ. [۱۰۲]

۴۵. الکافی عن یونس بن یعقوب: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يَشْرَبُ الدَّوَاءَ وَ يَقَطِّعُ الْعِرْقَ، وَ رُبَّمَا انْتَفَعَ بِهِ، وَ رُبَّمَا قَتَلَهُ؟

قَالَ: يَقَطِّعُ، وَ يَشْرَبُ. [۱۰۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۳

۴۳. امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: قابله، امین [۱۰۴] دانسته شود.

## ۷/۲ جایز بودن درمان به شرط شناخت بیماری، با وجود احتمال مرگ

۴۴. الکافی به نقل از اسماعیل بن حسن که پیشه طبابت داشت: به امام صادق علیه السلام گفتم: من مردی از عرب هستم و به

طبابت، آگاهی ای دارم. طب من طبّی عربی است و بر این کار خویش، مزدی نمی گیرم.

فرمود: «اشکالی ندارد».

گفتم: ما دُمَلِها و غَدَه‌ها را بیشتر می‌زنیم و با آتش، داغ می‌نهم.

فرمود: «اشکالی ندارد».

گفتم: و این زهرهای اسمحیقون [۱۰۵] و غاریقون [۱۰۶] را به مردم می‌خورانیم.

فرمود: «اشکالی ندارد».

گفتم: شاید شخص بمیرد.

فرمود: «هر چند که بمیرد».

۴۵. الکافی به نقل از یونس بن یعقوب: به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی دارویی می‌نوشد یا رگ می‌زند. شاید که بدین کار،

سود برد و شاید هم این کار، او را بکشد. [حکم چیست؟]

فرمود: «بزند و بنوشد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۴

۴۶. طبّ الْأَثَمَةِ عن یونس بن یعقوب: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَشْرَبُ الدَّوَاءَ وَ رُبَّمَا قَتَلَهُ، وَ رُبَّمَا يَسْلَمُ مِنْهُ، وَ مَا يَسْلَمُ

أَكْثَرُ؟

قَالَ: فَقَالَ: أَنْزَلَ اللَّهُ الدَّاءَ وَ أَنْزَلَ الشِّفَاءَ، وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ دَاءً إِلَّا جَعَلَ لَهُ دَوَاءً، فَاشْرَبْهُ وَ سَمَّ اللَّهُ تَعَالَى. [۱۰۷]

۴۷. الکافی عن حمدان بن إسحاق: كَانَ لِي ابْنٌ وَ كَانَ تُصِيبُهُ الْحَصَاةُ، فَقِيلَ لِي: لَيْسَ لَهُ عِلَاجٌ إِلَّا أَنْ تَبْطِئَهُ، فَبَطَّطْتُهُ فَمَاتَ.

فَقَالَتِ الشَّيْعَةُ: شَرِكْتَ فِي دَمِ ابْنِكَ.

قال: فَكَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَقَّعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَحْمَدُ، لَيْسَ عَلَيْكَ فِيمَا فَعَلْتَ شَيْءٌ؛ إِنَّمَا التَّمَسْتَ الدَّوَاءَ وَكَانَ أَجْلُهُ فِيمَا فَعَلْتَ. [۱۰۸]

۸ / ۲

اِخْتِيَارُ الْجِنْسِ الْمُمَائِلِ لِلْفَحْصِ وَالْمُعَالَجَةِ

۴۸. الفضائل عن عمّار بن ياسر وزید بن ارقم عن الإمام علی علیه السلام فی خبر الجاریة العاتی التي اتهمها أبوها بالفجور فقال لها أمير المؤمنين عليه السلام: ما تقولین یا جاریة فیما قال أبوک؟ فقالت: یا مولای، أما قوله: إني عاتق فقد صدق، و أما قوله: إني حامل، فوَحَقَّكَ یا مولای ما عَلِمْتُ مِنْ نَفْسِي خِيَانَةً قَطُّ...

و صَیَّعِدَ الْمِیْبَرِ وَقَالَ: ... عَلَيَّ بِقَابِلِهِ الْكُوفَةَ، فَجَاءَتْ امْرَأَةً يُقَالُ لَهَا: لُبْنَةُ؛ وَ هِيَ قَابِلَةٌ نِسَاءِ أَهْلِ الْكُوفَةِ فَقَالَ لَهَا: اضْرِبِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَ النَّاسِ حِجَابًا، وَ انظري هذه الجارية أ عاتق أم حامل؟ ففعلت ما أمرها به، ثم خرّجت و قالت: نعم، یا مولای هي عاتق حامل...

فقال عليه السلام: ... یا قابله، خذی هذا الثلج و اخرجی بالجارية من المسجد و اترکی تحتها طشتًا، و ضعی هذه القطعة مما يلي الفرج، فسترين علقه و زنها سبعة و خمسون درهمًا و دانقان... فوجدتها كما قال عليه السلام. [۱۰۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۵

۴۶. طب الأئمة عليهم السلام به نقل از یونس بن یعقوب: از امام صادق علیه السلام در این باره پرسیدم که کسی دارویی می نوشد. شاید این دارو او را بکشد و شاید هم از آن به سلامت ماند، ولی بیشتر سالم می ماند. [حکم چیست؟

امام علیه السلام فرمود: «خداوند، درد را فرو فرستاده و شفا را هم فرو فرستاده است. خداوند، هیچ دردی را نیافریده، مگر این که برایش درمانی نیز قرار داده است. آن را بنوش و نام خدای تعالی را بر زبان آور.»

۴۷. الکافی به نقل از حمدان بن اسحاق: پسری داشتم که به سنگ مثانه (حصاة) [۱۱۰] مبتلا می شد. به من گفته شد: او را درمانی نیست، مگر این که وی را بیشتر زنی. او را بیشتر زدم و مُرد. شیعیان گفتند: در خون پسرت شریک شده‌ای!

من [در این باره به ابو الحسن عسکری علیه السلام نامه نوشتم و ایشان، در پاسخ، چنین تویع فرمود: «ای احمد! در آنچه کرده‌ای، بر تو چیزی نیست. تو درصدد درمانش بوده‌ای و اجل وی نیز در آنچه تو کرده‌ای، بوده است.»

## ۸ / ۲ انتخاب همجنس برای معاینه و معالجه

۴۸. الفضائل به نقل از عمّار بن یاسر و زید بن ارقم در ماجرای دوشیزه‌ای که پدرش او را به بدکارگی متهم کرده بود: امیر مؤمنان، از آن دختر پرسید: «ای دختر! درباره آنچه پدرت گفته است، چه می گویی؟».

گفت: سرورم! این که گفته من دوشیزه‌ام، راست گفته است؛ اما اینکه

گفته آبتنم، سرورم به حق تو سوگند، من هیچ خیانتی از خود، سراغ ندارم.

پس امام علیه السلام بر منبر رفت و فرمود: «مامای کوفه را بیاورید!». پس زنی به نام «لُبْنَةُ» که مامای زنان کوفه بود، به حضور آمد. امام علیه السلام به او فرمود: «میان خود و مردم، پرده‌ای بیاویز و بنگر که آیا این دختر، دوشیزه است یا آبتن.»

قابله، آنچه را امام علیه السلام فرموده بود، به انجام رساند. سپس [از پرده بیرون آمد و گفت: آری، سرورم! او هم دوشیزه و هم آبتن است.

فرمود: «ای قابله! این یخ را بگیر و آن دختر را بیرون مسجد ببر و او را در تشتی بنشان و این قطعه یخ را در جلو شرمگاه [او] بگذار. زالویی خواهی دید که ۲۵ درهم و دو دانگ وزن دارد [و از او بیرون می آید].»

آن زن می گوید: من [این کار را کردم و] آن زالو را همان گونه که او فرموده بود، یافتم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۶

۹ / ۲

جَوَازُ مُعَالَجَةِ الْجِنْسِ الْآخِرِ عِنْدَ الضَّرُورَةِ

۴۹. الإصابة عن قيس بن الربيع: نَزَلَ الشَّمْرَدَلُ بَيْنَ يَدَيِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَآمِي، كُنْتُ كَاهِنَ قَوْمِي فِي الْجَاهِلِيَّةِ، وَإِنِّي كُنْتُ أَتَطَبَّبُ، فَمَا يَحِلُّ لِي؟ فَأَنَّنِي تَأْتِنِي الشَّابَّةُ.

قال: فَصَدُّ العِرْقِ، وَتَحْسِيمُ الطَّعْنَةِ، إِنْ اضْطُرَّرت. [۱۱۱]

۵۰. الإمام علي عليه السلام في المرأة يموت ولدها في بطنها فيتخوف عليها: لا بأس أن

يدخل الرجل يده فيقطعها، إذا لم ترقق به النساء. [۱۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۷

## ۹ / ۲ جایز بودن معالجه توسط جنس مخالف در هنگام ضرورت

۴۹. الإصابة به نقل از قیس بن ربیع: شَمْرَدَل در برابر پیامبر خدا زانو زد و گفت: ای پیامبر خدا، پدر و مادرم به فدایت! من در روزگار جاهلیت، کاهن خاندان خود بودم و طبابت می کردم. آیا اکنون برایم حلال نیست، چرا که گاه زن جوان بیماری به من مراجعه می کند؟

فرمود: «تنها در رگ زدن و داغ نهادن بر زخم، اگر که ناچار شدی.»

۵۰. امام علی علیه السلام درباره زنی که فرزندش در شکمش می میرد و آن گاه، بیم جان خود او می رود: اشکال ندارد که مردی دست خویش را به درون [رجم

ببرد] [۱۱۳] و بچه را قطعه قطعه کند، البته اگر زنان را یارای این کار نباشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۸

۵۱. دعائم الإسلام: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمَرْأَةِ تُصِيبُهَا الْعِلَّةُ فِي جَسَدِهَا، أَيْصَلِحُ أَنْ يُعَالَجَهَا الرَّجُلُ؟ قَالَ: إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَى ذَلِكَ فَلَا بَأْسَ. [۱۱۴]

۵۲. الكافي عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ يُصِيبُهَا الْبَلَاءُ فِي جَسَدِهَا، إِمَّا كَسْرًا، أَوْ جَرَّاحًا فِي مَكَانٍ لَا يَصْلُحُ النَّظَرُ إِلَيْهِ، وَيَكُونُ الرَّجَالُ أَرْفَقَ بِعِلَاجِهِ مِنَ النِّسَاءِ، أَيْصَلِحُ لَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا؟

قال: إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ، فَيُعَالَجُهَا إِنْ شَاءَتْ. [۱۱۵]

۱۰ / ۲

عَدَمُ جَوَازِ مُعَالَجَةِ الْجِنْسِ الْآخِرِ عِنْدَ عَدَمِ الضَّرُورَةِ

۵۳. مسائل علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ يَكُونُ بِهَا الْجُرْحُ فِي فِجْدِهَا، أَوْ بَطْنِهَا، أَوْ عَضْدِهَا، هَلْ يَصْلِحُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ يُعَالَجُهَا؟

قال: لا. [۱۱۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۹

۵۱. دعائم الإسلام: از امام صادق علیه السلام روایت شده که از او در این باره پرسیدند که: اگر زنی به بیماری ای جسمی مبتلا شود، آیا درست است که مردی او را درمان کند؟ فرمود: «اگر چاره‌ای جز این نباشد، اشکالی ندارد».

۵۲. الکافی به نقل از ابو حمزه ثمالی: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: زن مسلمانی در جایی از بدنش که نگاه کردن به آن جایز نیست، عارضه‌ای، شکستگی یا زخمی، رخ می‌دهد و در این حال، مردان نیز در درمان وی از زنان توانمندترند. آیا برای مرد [در چنین حالتی جایز است به او بنگرد؟]  
فرمود: «اگر زن، ناچار شود و خودش نیز بخواهد، [جایز است مرد او را درمان کند».

## ۱۰ / ۲ عدم جواز معالجه توسط جنس مخالف در حالت عدم اضطرار

۵۳. مسائل علی بن جعفر: از [برادرم امام کاظم علیه السلام درباره زنی پرسیدم که در ران یا شکم یا بازویش زخمی وجود دارد، آیا برای مرد، درست است در کار درمان این زخم، بدان بنگرد؟

فرمود: «نه». [۱۱۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۰

۵۴. قرب الإسناد عن علی بن جعفر عن الإمام الكاظم علیه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ، لَهَا أَنْ يَحْجُمَهَا رَجُلٌ؟  
قال: لا. [۱۱۸]

۱۱ / ۲

التداوی بالمَحْرَمَاتِ

الکتاب:

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». [۱۱۹]  
«وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرَّرْتُمْ». [۱۲۰]

راجع: المائدة: ۳، الأنعام: ۱۴۵، النحل: ۱۱۵.

الحديث:

۵۵. رسول الله صلى الله عليه وآله: من تداوى بحرام، لم يجعل الله فيه شفاء. [۱۲۱]

۵۶. الإمام الصادق عليه السلام: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عن الدواء الخبيث [۱۲۲] أن يتداوى به. [۱۲۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۱

۵۴. قرب الإسناد به نقل از علی بن جعفر از [برادرش امام کاظم علیه السلام: از او در این باره پرسیدم که آیا زن، حق دارد برای حجامت، نزد مرد برود؟

فرمود: «نه». [۱۲۴]

## ۱۱ / ۲ درمان با آنچه حرام است

قرآن

«مردار، خون و آنچه به نام غیر خدا ذبح شده، بر شما حرام است. پس آن که بدون سرکشی و تجاوز، ناچار شود، بر او گناهی نیست. خداوند بخشایشگر مهربان است»

«چرا از آنچه بر آن، نام خدا بر زبان آورده شده نمی‌خورید، در حالی که آنچه را بر شما حرام کرده بجز آنچه بدان ناچار می‌شوید برایتان به تفصیل، بیان داشته است»

ر. ک: مائده، آیه ۳، انعام، آیه ۱۴۵؛ نحل، آیه ۱۱۵.

### حدیث

۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به حرام درمان جوید، خداوند در آن شفایی قرار نمی‌دهد.

۵۶. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا از مداوا کردن با داروی ناپاک، نهی فرمود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۲

۵۷. مسند ابی یعلی عن ام سلمة: اشتکت ابنة لی فتیدت لها فی کوز، فدخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَغْلِي، فَقَالَ: مَا هَذَا؟! فَقُلْتُ: إِنَّ ابنتي اشتکت فتبذنا لها هذا.

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَجْعَلْ شِفَاءَكُمْ فِي حَرَامٍ! [۱۲۵]

۵۸. صحیح مسلم عن وائل الحضرمی: إِنَّ طَارِقَ بْنَ سُوَيْدِ الْجُعْفِيِّ سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْخَمْرِ، فَهَاهُ أَوْ كَرِهَ أَنْ يَصْنَعَهَا. فَقَالَ: إِنَّمَا أَصْنَعُهَا لِلدَّوَاءِ.

فَقَالَ: إِنَّهُ لَيْسَ بِدَوَاءٍ وَلَكِنَّهُ دَاءٌ. [۱۲۶]

۵۹. الإمام الصادق عليه السلام: لَيْسَ فِي حَرَامٍ شِفَاءٌ. [۱۲۷]

۶۰. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَجْعَلْ فِي شَيْءٍ مِمَّا حَرَّمَ شِفَاءً وَلَا دَوَاءً. [۱۲۸]

۶۱. الكافي: عن قَائِدِ بْنِ طَلْحَةَ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيذِ يُجْعَلُ فِي الدَّوَاءِ فَقَالَ: لَا، لَيْسَ يَتَّبَعِي لِأَخِيذٍ أَنْ يَسْتَشْفِيَ بِالْحَرَامِ. [۱۲۹]

۶۲. الإمام الصادق عليه السلام لَمَنْ سَأَلَهُ عَنِ دَوَاءِ عَجِنَ بِالْخَمْرِ: لَا، وَاللَّهِ مَا أَحَبُّ أَنْ أَنْظَرَ إِلَيْهِ، فَكَيْفَ أَتَدَاوَى بِهِ؟! إِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ شَحْمِ الْخِزْتِيرِ، أَوْ لَحْمِ الْخِزْتِيرِ، وَإِنْ

اناساً لَيَتَدَاوُونَ بِهِ! [۱۳۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۳

۵۷. مسند ابی یعلی به نقل از ام سلمه: یکی از دخترانم بیمار شد و من برایش [شرابی در کوزه‌ای ریختم. در حالی که آن دارو می‌جوئید، پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد و پرسید: «این چیست؟».

گفتم: دخترم بیمار شده و برایش این دارو را گذاشته‌ام.

فرمود: «خداوند عز و جل، شفایتان را در [چیز] حرام قرار نداده است». [۱۳۱]

۵۸. صحیح مسلم به نقل از وائل حضرمی: طارق بن سوید جعفی از پیامبر خدا درباره شراب پرسید. پیامبر صلی الله علیه و آله، او را از این کار، نهی کرد، یا ساختن آن را ناخوشایند داشت. وی گفت: من آن را تنها به عنوان دارو می‌سازم.

فرمود: «این، دارو نیست؛ خود، بیماری است».

۵۹. امام صادق علیه السلام: در هیچ حرامی، شفایی نیست.

۶۰. امام صادق علیه السلام: خداوند، در هیچ چیز از آنچه حرام کرده، نه شفایی قرار داده است و نه دوی.

۶۱. الکافی: از قائد بن طلحه روایت شده است که از امام صادق علیه السلام در این باره پرسیده که: آیا شراب خرما را در دارو قرار دهند؟

فرمود: «نه. برای هیچ کس روا نیست به حرام، درمان بجوید».

۶۲. امام صادق علیه السلام در پاسخ به کسی که درباره دارویی آمیخته شده به شراب پرسیده بود: نه. به خداوند سوگند، دوست ندارم بدان بنگرم؛ چه رسد که با آن، درمان کنم. آن، به منزله پیه خوک یا گوشت خوک است. البته مردمی با آن، دارو و درمان می کنند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۴

۶۳. مسائل علی بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الدَّوَاءِ هَلْ يَصْلُحُ بِالنَّبِيدِ؟ قَالَ: لَا. [۱۳۲]

۶۴. تفسیر العیاشی: عن سیف بن عمیرة، عن شیخ من أصحابنا، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كُنَّا عِنْدَهُ فَسَأَلَهُ شَيْخٌ فَقَالَ: بِي وَجَعٌ وَ أَنَا أَشْرَبُ لَهُ النَّبِيدَ، وَ وَصَفَهُ لَهُ الشَّيْخُ.

فَقَالَ لَهُ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ؟ قَالَ: لَا يُؤَافِقُنِي.

قَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْعَسَلِ، قَالَ اللَّهُ: «فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ»؟ قَالَ: لَا أَجِدُهُ. [۱۳۳]

قَالَ: فَمَا يَمْنَعُكَ مِنَ اللَّبَنِ الَّذِي تَبَّتْ مِنْهُ لِحْمُكَ وَ اشْتَدَّ عَظْمُكَ؟ قَالَ: لَا يُؤَافِقُنِي.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمْ تُرِيدُ أَنْ أَمْرَكَ بِشُرْبِ الْخَمْرِ؟! لَا وَاللَّهِ، لَا أَمْرَكَ. [۱۳۴]

۶۵. الکافی عن المفضل بن عمر: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ! لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْخَمْرَ وَ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لَمْ يُحَرِّمْ ذَلِكَ عَلَى عِبَادِهِ، وَ أَحَلَّ لَهُمْ سِوَاهُ رَغْبَةٍ مِنْهُ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيْهِمْ، وَ لَا زُهْدًا فِيمَا أَحَلَّ لَهُمْ، وَ لِكِنَّهُ خَلَقَ الْخَلْقَ وَ عَلَّمَ عَزَّ وَ جَلَّ مَا تَقَوْمُ بِهِ أْبْدَانَهُمْ وَ مَا يُصْلِحُهُمْ، فَأَحَلَّهُ وَ أَبَاحَهُ تَفْضُلًا مِنْهُ عَلَيْهِمْ بِه تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَصْلَحَتِهِمْ، وَ عَلَّمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَتَهَاؤُهُمْ عَنْهُ وَ حَرَّمَ عَلَيْهِمْ، ثُمَّ أَبَاحَهُ لِلْمُضْطَّرِّ وَ أَحَلَّهُ لَهُ فِي الْوَقْتِ الَّذِي لَا يَقُومُ يَدُّهُ إِلَّا بِهِ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَالَ مِنْهُ بِقَدْرِ الْبُلْغَةِ لَا غَيْرَ ذَلِكَ. [۱۳۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۵

۶۳. مسائل علی بن جعفر: از [برادر امام کاظم علیه السلام درباره درمان پرسیدم که آیا با شراب خرما، درست است؟ فرمود: «نه».

۶۴. تفسیر العیاشی: از سیف بن عمیره، از پیری از شیعیان، از امام صادق علیه السلام روایت شده که روای گفته است نزد امام صادق علیه السلام بودیم که پیرمردی پرسید: دردی دارم و برای درمان آن، شراب خرما می نوشم. پیر، آن گاه، این شراب را برای ایشان توصیف کرد.

امام به او فرمود: «چه چیز تو را از [نوشیدن آبی که خداوند از آن هر چیز زنده‌ای را آفریده است، باز می دارد؟».

گفت: با مزاجم سازگار نمی افتد.

امام علیه السلام پرسید: «چه چیز تو را از [خوردن عسل، باز می‌دارد، در حالی که خداوند فرموده است: در آن برای مردم، شفایابی هست؟».

گفت: آن را نمی‌یابم.

فرمود: «پس چه چیز تو را از شیری که گوشتت از آن رویده و استخوانت از آن استواری یافته است، باز می‌دارد؟».

گفت: با مزاجم سازگار نمی‌افتد.

امام صادق علیه السلام، در این هنگام به وی فرمود: «آیا می‌خواهی که تو را به شراب نوشیدن، امر کنم؟! نه. به خداوند سوگند، تو را به این کار، امر نمی‌کنم».

۶۵. الکافی به نقل از مفضل بن عمرو: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت

شوم! مرا آگاه ساز که چرا خداوند، شراب، مردار، خون و گوشت خوک را حرام ساخته است؟

فرمود: «خداوند سبحانه و تعالی نه از سرِ علاقه‌اش به آنچه بر مردم حرام کرده، و نه از سرِ بی‌رغبتی به آنچه بر آنان حلال ساخته، این چیزها را بر بندگان خویش حرام گردانده و جز آنها را حلال دانسته است؛ بلکه او آفریدگان را آفرید و به آنچه تن آنان، بدان برپاست و به کارشان می‌آید، آگاهی داشت و همین چیزها را از سرِ لطف و برای مصلحت بندگان خویش، بر آنان حلال و مباح کرد و [از سویی از آنچه هم به ایشان زیان می‌رساند، آگاه بوده و آنان را از آن کارها نهی فرمود و آنها را بر ایشان حرام گرداند. سپس همین محرمات را برای هر فرد، ناچار و به هنگامی که تن وی جز به آنها بر پا نمی‌شود، مباح و حلال قرارداد و البته او را بدین نیز امر فرمود که از آن، به قدر نیاز بردارد، نه بیش از آن».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۶

راجع: بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۹ الی ۸۲، باب التداوی بالحرام. جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۴۲۴ الی ص ۴۴۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۷

ر. ک: بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۹ الی ۸۲، باب التداوی بالحرام.

جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۴۲۴ الی ۴۴۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۸

الفصل الثالث: إرشادات طیبیه

۱ / ۳

ما يُغْنِي عَنِ الطَّيِّبِ

۶۶. الخصال عن الأصْبَغِ بنِ نُباتَةَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَسَنِ ابْنِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطُّبِّ؟

فَقَالَ: بَلَى، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

قَالَ: لَا- تَجْلِسَ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ جَائِعٌ، وَلَا- تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ، وَ جَوِّدِ الْمَضْغَ، وَ إِذَا نِمْتَ فَاعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ. فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا اسْتَعْنَيْتَ عَنِ الطُّبِّ. [۱۳۶]

۶۷. الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَكَلَ الطَّعَامَ عَلَى النَّفْسِ، وَ أَجَادَ الطَّعَامَ تَمَضُّغًا، وَ تَرَكَ الطَّعَامَ وَ هُوَ يَشْتَهِيهِ، وَ لَمْ يَحْبِسِ الْغَائِطَ إِذَا أَتَى؛ لَمْ يَمْرُضْ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ. [۱۳۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۹

### فصل سوم: توصیه‌های پزشکی

#### ۱/۳ آنچه انسان را از پزشک، بی‌نیاز می‌کند

۶۶. الخصال به نقل از اصبع بن بُاتِه: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام به فرزند خود حسن علیه السلام فرمود: «پسرم! آیا تو را چهار نکته نیاموزم که به کمک آنها از طب، بی‌نیاز شوی؟».

گفت: چرا، ای امیر مؤمنان!

فرمود: «بر سفره نمی‌نشینی، مگر آن هنگام که گرسنه‌ای؛ و از سفره بر نمی‌خیزی، مگر در آن حال که هنوز، میل خوردن داری؛ خوب بجو؛ و به گاه خفتن، خودت را بر خَلا [۱۳۸] عرضه کن. اگر این چهار نکته را به کار بستی، از طب، بی‌نیاز شوی».

۶۷. امام علی علیه السلام: هر کس در گرسنگی کامل، غذا بخورد، غذا را خوب بجود، در حالی که هنوز میل خوردن دارد، غذا را وا گذارد و چون احساس قضای حاجت کرد، آن را محبوس ندارد، به هیچ بیماری‌ای جز بیماری مرگ، مبتلا نمی‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۰

۶۸. عنه علیه السلام و سِئِلَ قَقِيلَ: إِنَّ فِي الْقُرْآنِ كُلِّ عِلْمٍ إِلَّا الطَّبَّ؟: أَمَا إِنَّ فِي الْقُرْآنِ لَأَيَّةً تَجْمَعُ الطَّبَّ كُلَّهُ: «وَكُلُّوْا وَاشْرَبُوْا وَلَا تُسْرِفُوْا». [۱۳۹]

#### ۲/۳ دفعُ مُعَالَجَةِ الْأَطْبَاءِ مَهْمَا أَمَكْنَ

۶۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: تَجَنَّبِ الدَّوَاءَ مَا احْتَمَلَ بَدَنُكَ الدَّاءَ، فَإِذَا لَمْ يَحْتَمِلِ الدَّاءَ فَالدَّوَاءُ.

۷۰. عنه صلى الله عليه و آله: [۱۴۰] مَنْ عَلَبَتْ صِحَّتُهُ مَرَضَهُ فَلَا يَتَدَاوَى. [۱۴۱]

۷۱. عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ اسْتَقَلَّ بِدَائِهِ فَلَا يَتَدَاوَى؛ فَإِنَّهُ رُبَّ دَوَاءٍ يُوْرِثُ الدَّاءَ. [۱۴۲]

۷۲. الإمام عليّ عليه السلام في الحِكمِ المَنسُوبَةِ إِلَيْهِ: شَرِبُ الدَّوَاءِ لِلجَسَدِ كَالصَّابُونِ لِلتُّوبِ؛ يُنْقِيهِ وَ لَكِنْ يُخْلِقُهُ. [۱۴۳]

۷۳. عنه عليه السلام: امشِ بِدَائِكَ مَا مَشَى بِكَ. [۱۴۴]

۷۴. عنه عليه السلام: لَا يَتَدَاوَى المُسْلِمُ؛ حَتَّى يَغْلِبَ مَرَضُهُ صِحَّتَهُ. [۱۴۵]

۷۵. الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ تُعَقَّبُ مَكْرُوهاً... وَ شَرِبُ الدَّوَاءِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ وَ إِنْ سَلِمَ مِنْهُ. [۱۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۱

۶۸. امام علی علیه السلام در پاسخ به این پرسش که گفتند: [چرا] در قرآن، هر دانشی جز دانش طب هست؟: هان! در قرآن، آیه‌ای است که همه طب را یک‌جا در خود گرد آورده است: «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید».

#### ۲/۳ پرهیز از مراجعه به پزشک تا سرحد امکان

۶۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: تا هنگامی که بدنت درد را تحمل می‌کند، از دارو پرهیز و آن‌گاه که درد را تحمل نکرد، پس دارو.

۷۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس سلامت تنش بر بیماری‌اش چیرگی دارد، مداوا نکند.



۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس می‌تواند با بیماری خود، سر کند، از درمان پرهیزد؛ زیرا بسا دارویی که خود، بیماری بر جای می‌نهد.

۷۲. امام علی علیه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان: نوشیدن دارو برای بدن، به صابون برای جامه می‌ماند؛ آن را تمیز می‌کند، اما کهنه‌اش هم می‌کند.

۷۳. امام علی علیه السلام: با درد خویش، تا آن هنگام که با تو مدارا می‌کند، مدارا کن.

۷۴. امام علی علیه السلام: مسلمان به دارو توسل نمی‌جوید، مگر آن هنگام که بیماری‌اش بر تندرستی‌اش چیرگی یابد.

۷۵. امام صادق علیه السلام: سه چیز، ناخوشایندی در پی می‌آورد: ... و نوشیدن دارو بدون بیماری، هر چند شخص از آن دارو، جان به در ببرد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۲

۷۶. عنه علیه السلام: مَنْ ظَهَرَتْ صِحَّتُهُ عَلَى سُقْمِهِ فَشَرِبَ الدَّوَاءَ؛ فَقَدْ أَعَانَ عَلَى نَفْسِهِ. [۱۴۷]

۷۷. عنه علیه السلام: مَنْ ظَهَرَتْ صِحَّتُهُ عَلَى سُقْمِهِ فَيُعَالِجُ بِشَيْءٍ فَمَاتَ، فَأَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُ بَرِيءٌ. [۱۴۸]

۷۸. الإمام الكاظم عليه السلام: ادفعوا مُعَالَجَةَ الْأَطِبَّاءِ مَا انْدَفَعَ الدَّاءَ عَنْكُمْ؛ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ الْبِنَاءِ قَلِيلُهُ يُجْرُّ إِلَى كَثِيرِهِ. [۱۴۹]

۳ / ۳

حَيْلَةُ الصَّحَّةِ

۷۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: لِكُلِّ شَيْءٍ حَيْلَةٌ، وَ حَيْلَةُ الصَّحَّةِ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعٌ خِصَالٌ: قَلَّةُ الْكَلَامِ، وَ قَلَّةُ الْمَنَامِ، وَ قَلَّةُ الْمَشْيِ، وَ قَلَّةُ الطَّعَامِ. [۱۵۰]

۸۰. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: رُوِيَ: إِذَا جُعْتَ فَكُلْ، وَ إِذَا عَطِشْتَ فَاشْرَبْ، وَ إِذَا هَاجَ بِكَ الْبَوْلُ فَبَلْ، وَ لَا تُجَامِعْ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ، وَ إِذَا نَعَسْتَ فَنَمْ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مَصْحَةٌ لِلْبَدَنِ. [۱۵۱]

۸۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: صوموا تصحوا. [۱۵۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۳

۷۶. امام صادق علیه السلام: هر کس تندرستی‌اش بر بیماری‌اش چیرگی داشته باشد و دارو بنوشد، به زیان خویش، اقدام کرده است.

۷۷. امام صادق علیه السلام: هر کس تندرستی‌اش بر بیماری‌اش غلبه داشته باشد و خود را به چیزی درمانی کند و پس از آن بمیرد، من در پیشگاه خداوند، از او بیزار می‌جویم.

۷۸. امام کاظم علیه السلام: تا زمانی که بیماری، به جد با شما درگیر نشده است، درگیر معالجه طیبیان نشوید، که درمان به مانند ساختمان است که مقدار کمی از آن، شخص را به مقدار فراوانش می‌کشاند.

### ۳ / ۳ راه تندرستی

۷۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کاری را چاره‌ای است و چاره تندرستی در دنیا، چهار چیز است: کم سخن گفتن، کم خفتن، کم راه رفتن و کم خوردن.

۸۰. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: روایت شده است: چون گرسنه شدی، بخور؛ چون تشنه شدی، بنوش؛ چون ادرار بر تو فشار آورد، ادرار کن؛ جز از سر نیاز، نزدیکی مکن؛ و چون احساس خواب‌آلودگی کردی، بخواب، که اینها مایه تندرستی بدن‌اند.

۸۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه بگیرد تا تندرست بماند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۴

۸۲. عنه صلى الله عليه و آله: سافروا تصحوا و تسلموا. [۱۵۳]

۸۳. عنه صلى الله عليه و آله: سافروا تصحوا، و جاهدوا تغنموا، و حجوا تستغنوا. [۱۵۴]

۸۴. الإمام علي عليه السلام: قيام الليل مصلحه البدن. [۱۵۵]

۸۵. الإمام زين العابدين عليه السلام: حجوا و اعتمروا تصح ابدانكم، و تتسع ارزاقكم، و تكفون [۱۵۶] مؤونات عيالكم. [۱۵۷]

۴ / ۳

أسباب النضارة

۸۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: ثلاثة يفرح بهن الجسم و يربو: الطيب، و لباس اللين [۱۵۸]، و شرب العسل. [۱۵۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۵

۸۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: سفر کنید تا تندرست و سالم بمانید.

۸۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: سفر کنید تا تندرست بمانید، جهاد کنید تا غنیمت به چنگ آورید، و حج بگزارید تا بی نیاز شوید.

۸۴. امام علی علیه السلام: شب زنده داری، مایه تندرستی است.

۸۵. امام سجاد علیه السلام: حج و عمره بگزارید تا تندرست بمانید، روزی تان گشاده شود و خرجی خانواده تان تأمین گردد.

### ۴ / ۳ عوامل شادابی

۸۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: سه چیز است که تن، به واسطه آنها شاداب می شود و رشد می کند: بوی خوش، جامه نرم و نوشیدن عسل.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۶

۸۷. عنه صلى الله عليه و آله: الطيب يسر، و العسل يسر، و النظر إلى الخضرة يسر، و الركوب يسر. [۱۶۰]

۸۸. الإمام علي عليه السلام: الطيب نشرة، و العسل نشرة، و الركوب نشرة، و النظر إلى الخضرة نشرة. [۱۶۱]

۸۹. الإمام الصادق عليه السلام: من لبس نعلًا صفراء كان في شورو؛ حتى يلبها. [۱۶۲]

۹۰. الإمام الباقر عليه السلام: من لبس نعلًا صفراء لم يزل ينظر في شورو ما دامت عليه؛ لأن الله عز و جل يقول: «صفراء فاقع لونها تشر الناظرين» [۱۶۳]. [۱۶۴]

۹۱. الإمام الصادق عليه السلام: ثلاثة يسمن و ثلاثة يهزلن: فأما التي يسمن: فإدمان الحمام، و شم الرائحة الطيبة، و لبس الثياب اللينة... [۱۶۵]

۹۲. الكافي عن أحمد بن محمد بن خالد عن بعض أصحابه رفعه، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: ثلاث لا يؤكلن و هن يسمن، و ثلاث يؤكلن و هن يهزلن، و اثنان ينفعان من كل شىء ولا ينفعان من شىء؛ فأما اللواتي لا يؤكلن و يسمن: استشعار الكتان، و الطيب، و التور، و أما اللواتي يؤكلن و يهزلن فهو: اللحم اليابس، و الجبن، و الطلع و في حديث آخر: الجزر، و الكسب و اللذان ينفعان من كل شىء ولا يضران من شىء: فالماء الفاتر، و الرمان، و اللذان يضران من كل شىء ولا ينفعان من شىء: فالحم اليابس، و الجبن [۱۶۶].

قلت: جعلت فداك! ثم قلت: يهزلن، و قلت هاهنا: يضران!

فقال: أما علمت أن الهزال من المضرة؟! [۱۶۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۷

۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، شادی می آورد. عسل، شادی می آورد. نگریستن به سبزه، شادی می آورد. و سواری، شادی می آورد.

۸۸. امام علی علیه السلام: بوی خوش، یک تعویذ (نشاط و شادی) [۱۶۸] است. عسل، یک تعویذ است. سواری، یک تعویذ است. نگریستن به سبزه، یک تعویذ است. [۱۶۹]

۸۹. امام صادق علیه السلام: هر کس کفش زرد بپوشد، تا هنگامی که آن را کهنه کند، در شادمانی است.

۹۰. امام باقر علیه السلام: هر کس کفش زرد بپوشد، تا زمانی که آن کفش را داشته باشد، دل خوش دارد؛ چرا که خداوند می فرماید: «زردی پُرننگ، که دیدنش بینندگان را شاد می کند».

۹۱. امام صادق علیه السلام: سه چیز چاق می کند و سه چیز دیگر، لاغر می کند: آنچه چاق می کند، عبارت است از: پیوسته حمام کردن، استشمام بوی خوش، پوشیدن جامه نرم.... [۱۷۰]

۹۲. الکافی به نقل از احمد بن محمد بن خالد، از یکی از یارانش: امام صادق علیه السلام فرمود: «سه چیز است که خوردنی نیست، ولی چاق می کند؛ سه چیز است که خوردنی است، ولی لاغر می کند؛ دو چیز است که برای هر چیزی سودمند است و

برای هیچ چیز، ضرر ندارد؛ و دو چیز است که از هر جهت، زیان دارد و برای هیچ چیز، فایده ای ندارد. اما آن سه چیز که خوراکی نیست و چاق می کند عبارت اند از: پوشیدن زیرپوش کتان، بوی خوش، و نوره کشیدن. آن سه چیز که خوردنی است و لاغر

می کند، عبارت اند از: گوشت خشک شده، پنیر و خرماي تازه به بار نشسته (و در حدیثی دیگر آمده است: گوشت راسته شتر و لرد روغن). آن دو چیزی هم که برای هر چیزی سودمند است و برای هیچ چیز ضرر ندارد، عبارت اند از: آب نیم گرم و انار. و آن دو

چیزی هم که برای هر چیز زیان دارند و برای هیچ چیز مفید نیستند، عبارت اند از: گوشت خشک شده و پنیر. [۱۷۱]

[راوی می گوید:] گفتم: فدایت شوم! آنجا گفتم لاغر می کنند و اینجا می گویی زیان می رسانند!؟

فرمود: «آیا نمی دانی که لاغری، خود از [مصادق های زیان دیدگی است؟!]. م. م. در مکارم الأخلاق، این دو منبع به جای «جرز» یعنی گوشت راسته شتر، کلمه «جوز» به معنای گردو و به جای، «الماء الفاتر»، یعنی آب ولرم، واژه «السكر»، یعنی شکر آمده است

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۸

۹۳. الإمام الصادق علیه السلام: النَّشْرَةُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ: الْمَشْيِ، وَالرُّكُوبِ، وَالْإِرْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ، وَالنَّظْرَ إِلَى الْخُضْرَةِ، وَالْأَكْلِ وَالشُّرْبِ، وَالنَّظْرَ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ، وَالْجِمَاعِ، وَالسَّوَاكِ، وَغَسْلِ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ فِي الْحَمَّامِ وَغَيْرِهِ، وَ مُحَادَثَةِ الرَّجَالِ. [۱۷۲]

۹۴. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: أَرُوِي أَنَّهُ لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْبَيْدَانِ لَكَانَ الْعَمَزُ يَزِيدُ، وَاللَّيْنُ مِنَ الثِّيَابِ، وَ كَذَلِكَ الطَّيْبُ، وَ دُخُولُ الْحَمَّامِ، وَ لَوْ عَمَزَ الْمَيْتُ فَعَاشَ لَمَا أَنْكَرْتُ ذَلِكَ. [۱۷۳]

۹۵. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُطْفِئَ الْمَرْءَ الصَّفْرَاءَ؛ فَلْيَأْكُلْ كُلَّ بَارِدٍ لَيْنٍ [۱۷۴]، وَ يُرْوِحَ بِيَدْنَهُ، وَ يُقَلِّلَ الْإِنْتِصَابَ [۱۷۵]، وَ يُكْتَبِرِ النَّظْرَ إِلَى مَنْ يُحِبُّ. [۱۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۹

۹۳. امام صادق علیه السلام: تعویذ (نشاط و شادی)، در ده چیز است: قدم زدن، سواری، در آب غوطه خوردن، به سبزه نگریستن، خوردن و آشامیدن، به زن خوش سیما نگاه کردن، آمیزش جنسی، مسواک زدن، سر را با خطمی در حمام و جز آن شستن، و با

مردمان هم سخن شدن. [۱۷۷]

۹۴. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: روایت می کنم که اگر چیزی موجب افزایش [نیرو و نشاط] بدن باشد، ماساژ دادن بدن و لباس نرم، همچنین بوی خوش و استحمام، [جزیی از] آن است، و اگر [گزارش شود که مرده ای در اثر ماساژ دادن زنده شده

است، من آن را انکار نمی‌کنم.

۹۵. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد مزاج صفراوی [۱۷۸] را فرو بنشاند، هر روز، چیزی تر بخورد، بدن خویش را باد بزند، کمتر حرکت کند، و به آن که وی را دوست دارد، فراوان بنگرد. [۱۷۹] دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۰

۵ / ۳

أسبابُ طولِ العُمُرِ

۹۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَرْبَعَةٌ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ: التَّرْوِيجُ بِالْأَبْكَارِ [۱۸۰]، وَ الْاِغْتِسَالُ بِالْمَاءِ الْحَارِّ، وَ النَّوْمُ عَلَى الْيَسَارِ، وَ أَكْلُ التُّفَّاحِ بِالْأَسْحَارِ. [۱۸۱]

۹۷. عنه صلی الله علیه و آله: بَشَّرَ الْمَحْرُورِينَ بِطُولِ الْعُمُرِ. [۱۸۲]

۹۸. کتاب من لا يحضره الفقيه عن رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَلَا بَقَاءَ فَلْيَبَاكِرِ الْعَدَاءَ، وَ لِيَجُودِ الْحِدَاءَ، وَ لِيَخَفِّفِ الرِّدَاءَ، وَ لِيَقِلَّ مُجَامَعَةَ النِّسَاءِ.

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا خِفَةُ الرِّدَاءِ؟

قَالَ: قَلَّةُ الدِّينِ. [۱۸۳]

۹۹. الإمام علی علیه السلام: مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَلَا بَقَاءَ فَلْيَبَاكِرِ الْغِدَاءَ، وَ لِيُوَخِّرِ الْعِشَاءَ، وَ لِيَقِلَّ غِشْيَانَ النِّسَاءِ، وَ لِيَخَفِّفِ الرِّدَاءَ. [۱۸۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۱

### ۳ / ۵ عوامل طول عمر

۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز، بر عمر می‌افزاید: ازدواج با دوشیزگان، غسل کردن با آب گرم، خفتن بر شانه چپ، و خوردن سیب در سحرگاهان.

۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گرم مزاجان را به درازی عمر، مژده ده. [۱۸۵]

۹۸. کتاب من لا يحضره الفقيه پیامبر خدا فرمود: «هر که جاودانگی را می‌خواهد و البته جاودانگی ای [برای غیر خدا] نیست باید که چاشت را زودتر بخورد، کفش خوب (و مناسب) بپوشد، [۱۸۶] ردای سَبُک برگیرد، و کمتر با زنان بیامیزد».

پرسیدند: ای پیامبر خدا! ردای سَبُک چیست؟

فرمود: «کم بودن بدهی».

۹۹. امام علی علیه السلام: هر که خواهان جاودانگی است و البته جاودانگی ای [برای غیر خدا] نیست زود صبحانه بخورد، دیرتر شام بخورد، [۱۸۷] با زنان کمتر درآمیزد، و ردای سَبُک برگیرد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۲

۱۰۰. عنه علیه السلام: غَسَلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ؛ زِيَادَةُ فِي الْعُمُرِ. [۱۸۸]

۱۰۱. الإمام الصادق علیه السلام: اغسِلُوا أَيْدِيَكُمْ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ؛ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَ يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ. [۱۸۹]

۶ / ۳

ما يورثُ الشَّيْبَ الْمُبَكَّرَ

۱۰۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَشْرَةٌ أَشْيَاءُ تَوْرِثُ الشَّيْبَ: كَثْرَةُ مُعَانَقَةِ النِّسَاءِ، وَ غَسْلُ الرَّأْسِ بِالطَّيْنِ، وَ طَوْلُ الْمُقَامِ عَلَى الْخَلَاءِ، وَ الْكَلَامُ عَلَى رَأْسِ الْحَدَثِ، وَ كَثْرَةُ الطَّيْبِ، وَ شُرْبُ الْمَاءِ بِاللَّيْلِ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْفَرْجِ، وَ النَّوْمُ عَلَى الْوَجْهِ، وَ شُرْبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ، وَ

مَسْحُ الْوَجْهِ بِالْكَمِينِ. [۱۹۰]

۱۰۳. عنه صلى الله عليه و آله: لا تَدْعُوا الْعِشَاءَ وَ لَوْ عَلَى حَشْفَةٍ، إِنِّي أَخْشَى عَلَى أُمَّتِي مِنْ تَرْكِ الْعِشَاءِ الْهَرَمِ؛ فَإِنَّ الْعِشَاءَ قُوَّةُ الشَّيْخِ وَ الشَّابِّ. [۱۹۱]

۱۰۴. الإمام الصادق عليه السلام: أَرْبَعَةٌ تُهْرِمُ قَبْلَ أَوَانِ الْهَرَمِ: أَكْلُ الْقَدِيدِ، وَ الْقُعُودُ عَلَى النَّدَاوَةِ، وَ الصُّعُودُ فِي الدَّرَجِ، وَ مُجَامَعَةُ الْعَجُوزِ. [۱۹۲]

راجع: ج ۱ ص ۱۰۴ (الحزن و المرض). [۱۹۳]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۱۰۲

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۳

۱۰۰. امام علی علیه السلام: شستن دست‌ها پیش و پس از غذا خوردن، [موجب فزونی عمر است.

۱۰۱. امام صادق علیه السلام: دست‌هایتان را پیش و پس از غذا خوردن بشوید، که فقر را می‌برد و بر عمر می‌افزاید. [۱۹۴]

### ۳ / ۶ آنچه موجب پیری زود رس می‌شود

۱۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ده چیز پیری به بار می‌آورد: فراوانی آمیزش [جنسی با زنان، شستن سر با گل، توقف زیاد در آبریزگاه، سخن گفتن به گاه قضای حاجت، فراوانی [استعمال بوی خوش، نوشیدن آب به هنگام شب، نگرستن به شرمگاه زن، به رو خفتن، شبانه ایستاده آب نوشیدن، و آستین را به صورت مالیدن.

۱۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شام را وا مگذارید، هر چند به خوردن دانه خرماي خشکیده‌ای باشد. من بر امت خویش از این بیم دارم که از وا گذاردن شام پیری و درهم شکستگی به سراغشان آید؛ چرا که شام، مایه نیرومندی پیر و جوان است.

۱۰۴. امام صادق علیه السلام: چهار چیز [انسان را] پیش از فرارسیدن هنگام پیری پیر می‌کند: خوردن گوشت خشک شده، نشستن بر جای مرطوب، بالا رفتن بر پلکان، و آمیزش با پیر زنان.

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۱۰۵ (اندوه و بیماری)

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۴

۷ / ۳

ما يَهْدِمُ الْبَدَنَ

۱۰۵. الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يَهْدِمَنَّ الْبَدَنَ وَ رُبَّمَا قَتَلَنَّ: دُخُولُ الْحَمَامِ عَلَى الْبِطْنَةِ، وَ الْعِشْيَانُ عَلَى الْاِمْتِلَاءِ، وَ نِكَاحُ الْعَجَائِزِ. [۱۹۵]

۱۰۶. عنه عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يَهْدِمَنَّ الْبَدَنَ وَ رُبَّمَا قَتَلَنَّ: أَكْلُ الْقَدِيدِ الْغَابِّ، وَ دُخُولُ الْحَمَامِ عَلَى الْبِطْنَةِ، وَ نِكَاحُ الْعَجَائِزِ. [۱۹۶]

۱۰۷. عنه عليه السلام: شَيْئَانِ صَالِحَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفَ وَاحِدٍ قَطُّ فَاسِدًا إِلَّا أَصْلَحَاهُ، وَ شَيْئَانِ فَاسِدَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفًا قَطُّ صَالِحًا إِلَّا أَفْسَدَاهُ؛ فَالْصَّالِحَانِ: الرُّمَانُ، وَ الْمَاءُ الْفَاتِرُ، وَ الْفَاسِدَانِ: الْجُبْنُ [۱۹۷]، وَ الْقَدِيدُ. [۱۹۸]

راجع: العنوان الآتي (الحزن و المرض). و أيضا: أسباب النضارة ح ۹۲.

۸ / ۳

الْحُزْنُ وَ الْمَرَضُ

الكتاب:

«وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ» [۱۹۹].

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۵

### ۳ / ۷ آنچه بدن را فرسوده می‌کند

۱۰۵. امام صادق علیه السلام: سه چیز، بدن را فرسوده می‌کند و شاید هم [فرد را] بکشد: حمام رفتن با شکم پُر، آمیزش کردن با شکم پُر [۲۰۰] و همبستری با پیرزنان.

۱۰۶. امام صادق علیه السلام: سه چیز، بدن را فرسوده می‌کند و شاید هم [فرد را] بکشد: خوردن گوشت خشکیده فاسد، حمام رفتن با شکم پُر، و همبستری با پیرزنان.

۱۰۷. امام صادق علیه السلام: دو چیز مناسب‌اند که به هیچ درونِ نادرستی درنیابند، مگر این که آن را به درستی آورند، و دو چیز نامناسب‌اند که به هیچ درونِ سالمی درنیابند، مگر این که آن را نادرست [و ناسالم] کنند. آن دو چیز مناسب، عبارت‌اند از: انار و آب نیم‌گرم؛ و آن دو چیز نامناسب نیز عبارت‌اند از: پنیر و گوشت خشک شده. همچنین، ر. ک: مبحث بعد (اندوه و بیماری) و ج ۱ ص ۹۷ (عوامل شادابی، ح ۹۲).

### ۳ / ۸ اندوه و بیماری

#### قرآن

«به آنان پشت کرد و گفت: «آه و اندوه بر یوسف». و چشمانش از اندوه، سفید شده بود، در حالی که اندوه خود را فرو می‌خورد»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۶

الحدیث:

۱۰۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ كَثُرَ هَمُّهُ، سَقِمَ بَدَنُهُ. [۲۰۱]

۱۰۹. عنه صلی الله علیه و آله: الْهَمُّ نِصْفُ الْهَرَمِ. [۲۰۲]

۱۱۰. الإمام علی علیه السلام: الْهَمُّ أَحَدُ الْهَرَمَيْنِ. [۲۰۳]

۱۱۱. عنه علیه السلام: الْهَمُّ يُذِيبُ الْجَسَدَ. [۲۰۴]

۱۱۲. عنه علیه السلام: الْهَمُّ يُنْجِلُ الْبَدَنَ. [۲۰۵]

۱۱۳. عنه علیه السلام: الْحُزْنُ يَهْدِمُ الْجَسَدَ. [۲۰۶]

۹ / ۳

تَوَقَّى الْبَرْدَ وَ تَلَقَّيْهِ

۱۱۴. الإمام علی علیه السلام: تَوَقَّوْا الْبَرْدَ فِي أَوَّلِهِ، وَ تَلَقَّوْهُ فِي آخِرِهِ؛ فَإِنَّهُ يَفْعَلُ فِي الْأَبْدَانِ كَفِعْلِهِ فِي الْأَشْجَارِ؛ أَوَّلُهُ يُحْرِقُ، وَ آخِرُهُ

يُورِقُ. [۲۰۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۷

#### حدیث

۱۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس اندوه (و دغدغه‌اش) فراوان شود، بدنش بیمار گردد.
۱۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اندوه (و دغدغه)، نیمی از پیری است.
۱۱۰. امام علی علیه السلام: اندوه، یکی از دو پیری است.
۱۱۱. امام علی علیه السلام: اندوه، تن را ذوب می‌کند. [۲۰۸]
۱۱۲. امام علی علیه السلام: اندوه، تن را نحیف می‌کند.
۱۱۳. امام علی علیه السلام: اندوه، بدن را فرسوده می‌کند.

### ۹/۳ پرهیز از سرما، و استقبال از آن

۱۱۴. امام علی علیه السلام: از سرما در آغازش پرهیزید و در پایانش استقبال کنید؛ چه، سرما با بدن، همان کاری را می‌کند که با درختان می‌کند: در آغازش می‌سوزاند و در پایانش شاخ و برگ می‌رویاند.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۸
۱۱۵. الدعوات عن زر بن حُبیش: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعُ كَلِمَاتٍ فِي الطَّبِّ لَوْ قَالَهَا بُقْرَاطُ أَوْ جَالِينُوسُ لَقَدَّمَ أَمَامَهَا مِثَّةَ وَرَقَةٍ، ثُمَّ زَيَّنَهَا بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ، وَ هِيَ قَوْلُهُ: تَوَقَّؤْا الْبَرْدَ فِي أَوَّلِهِ، وَ تَلَقَّؤْهُ فِي آخِرِهِ، فَإِنَّهُ يَفْعَلُ فِي الْأَبْدَانِ كَفَعَلِهِ فِي الْأَشْجَارِ، أَوَّلُهُ يُحْرِقُ، وَ آخِرُهُ يُورِقُ. [۲۰۹]
- ۱۰/۳

### خَوَاصُّ الطَّيِّبِ

۱۱۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: الطَّيِّبُ يَشُدُّ الْقَلْبَ. [۲۱۰]
۱۱۷. عنه صلی الله علیه و آله: مَا طَابَتْ رَائِحَةُ عَبْدٍ إِلَّا زَادَ عَقْلُهُ. [۲۱۱]
۱۱۸. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ الرِّيحَ الطَّيِّبَةَ تَشُدُّ الْقَلْبَ، وَ تَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ. [۲۱۲]
۱۱۹. عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ أَكَلَ قَبْلَ أَنْ يَشْرَبَ وَ تَسَحَّرَ، وَ مَسَّ شَيْئًا مِنَ الطَّيِّبِ؛ قَوِيَ عَلَى الصِّيَامِ. [۲۱۳]
۱۲۰. الإمام الصادق عليه السلام: الرِّيحُ الطَّيِّبَةُ تَشُدُّ الْعَقْلَ، وَ تَزِيدُ فِي الْبَاهِ. [۲۱۴]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۹
۱۱۵. الدعوات به نقل از زر بن حُبیش: امیر مؤمنان، چهار جمله در طب فرموده که اگر بقراط یا جالینوس آنها را گفته بودند، صد ورق، مقابلشان نهاده می‌شد و آنها را بدین سخنان، می‌آراستند. آن سخنان، این است که فرمود:
- «از سرما در آغازش پرهیزید و در پایانش استقبال کنید؛ چه، سرما با بدن، همان کاری را می‌کند که با درختان می‌کند: در آغازش می‌سوزاند و پایانش شاخ و برگ می‌رویاند.»

### ۱۰/۳ خاصیت‌های بوی خوش

۱۱۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را تقویت می‌کند.
۱۱۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده‌ای خوش بو نباشد، مگر آن که عقلش افزون گردد.
۱۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را محکم می‌کند و بر [توان آمیزش می‌افزاید]. [۲۱۵]
۱۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس پیش از نوشیدن چیزی، غذا بخورد و سِخَرِی میل کند و قدری بوی خوش [بر خود]

بمالد، بر روزه گرفتن، توان بیشتری یابد.

۱۲۰. امام صادق علیه السلام: بوی خوش، عقل را استوار می کند و بر توان جنسی می افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۰

۱۲۱. عنه علیه السلام: مَنْ تَطَيَّبَ أَوَّلَ النَّهَارِ؛ لَمْ يَزَلْ عَقْلُهُ مَعَهُ إِلَى اللَّيْلِ. [۲۱۶]

۱۲۲. عنه علیه السلام: مَنْ تَطَيَّبَ بِطِيبِ أَوَّلِ النَّهَارِ وَهُوَ صَائِمٌ؛ لَمْ يَفْقِدْ عَقْلَهُ. [۲۱۷]

۱۲۳. الإمام الرضا علیه السلام: ... وَ لَيْشَمَ النَّرْجِسَ؛ فَإِنَّهُ يَأْمَنُ الزُّكَّامَ [۲۱۸]، وَ كَذَلِكَ الْحَبَّةُ السُّودَاءُ. [۲۱۹]

راجع: ج ۱، ص ۱۰۲ ما یورث الشیب المبکر، ح ۱۰۲. ص ۲۷۰ (ما یمنع من الجنون/ النرجس).

۱۱ / ۳

النَّظَافَةُ وَ الصَّحَّةُ

۱۱۱ / ۳

غَسَلَ الثُّوبِ

۱۲۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ اتَّخَذَ ثَوْبًا، فَلْيَنْظِفْهُ. [۲۲۰]

۱۲۵. الإمام على عليه السلام: مَنْ نَظَّفَ ثَوْبَهُ، قَلَّ هَمُّهُ. [۲۲۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۱

۱۲۱. امام صادق علیه السلام: هر کس در آغاز روز، بوی خوش استعمال کند، تا شب، عقلش او را همراهی می کند.

۱۲۲. امام صادق علیه السلام: هر کس در حالی که روزه است، در آغاز روزه، خوش بو کننده‌ای به کار ببرد، عقل خویش را از

کف ندهد.

۱۲۳. امام رضا علیه السلام: ... گل نرگس بویید؛ زیرا از زکام، ایمنی می بخشد. [۲۲۲] همچنین است سیاه دانه.

ر. ک: ج ۱ ص ۱۰۳، ح ۱۰۲ (آنچه موجب پیری زود رس می شود). ج ۱، ص ۲۷۱ (آنچه مانع دیوانگی می شود، بوییدن نرگس).

### ۱۱ / ۳ پاکیزگی و بهداشت

### ۱۱ / ۳ شستن جامه

۱۲۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس جامه‌ای بر می گیرد، باید آن را تمیز کند.

۱۲۵. امام علی علیه السلام: هر کس جامه خویش را تمیز کند، اندیشه و اندوهش کم شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۲

۱۲۶. عنه علیه السلام: النَّظِيفُ مِنَ الثِّيَابِ؛ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَ الْحُزْنَ، وَ هُوَ طَهْوَرٌ لِلصَّلَاةِ. [۲۲۳]

۱۲۷. عنه علیه السلام: غَسَلَ الثِّيَابِ؛ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَ الْحُزْنَ، وَ هُوَ طَهْوَرٌ لِلصَّلَاةِ. [۲۲۴]

۲۱۱ / ۳

غَسَلَ الْمِنْدِيلِ

۱۲۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: لَا تُؤْوُوا مِنْدِيلَ الْعَمْرِ فِي الْبَيْتِ؛ فَإِنَّهُ مَرِيضٌ لِلشَّيَاطِينِ. [۲۲۵]

۳۱۱ / ۳

تَغْطِيَةُ الْإِنَاءِ



۱۲۹. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعَجِّبُهُ الْإِنَاءُ الْمُطْبِقُ. [۲۲۶]
۱۳۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: غَلَّقُوا أَبْوَابَكُمْ، وَ أَوْكِنُوا أَسْقِيَّتَكُمْ، وَ حَمَّرُوا آيَاتِكُمْ. [۲۲۷]
۱۳۱. عنه صلى الله عليه وآله: أَجِفُوا أَبْوَابَكُمْ، وَ أَكْفُوا آيَاتَكُمْ، وَ أَوْكِنُوا أَسْقِيَّتَكُمْ، وَ أَطْفُوا سُرُجَكُمْ؛ فَإِنَّهُ لَمْ يُؤْذَنَ لَهُمْ بِالتَّسْوِيرِ عَلَيْكُمْ. [۲۲۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۳

۱۲۶. امام علی علیه السلام: جامه تمیز، اندوه و غم را می بزد و مایه طهارت برای نماز است.
۱۲۷. امام علی علیه السلام: شستن جامه، اندوه و غم را می بزد و مایه طهارت برای نماز است.

### ۲۱ / ۳ شستن دستمال

۱۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دستمال آلوده به چربی و بوی گوشت را در خانه مگذارید، که آن، خفتنگاه شیطان هاست.

### ۳۱ / ۳ پوشاندن روی ظرف

۱۲۹. امام باقر علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله، ظرف سرپوش دار را می پسندید. [۲۲۹]
۱۳۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر درهائیان قفل بزیند، دهانه مشک هائیان را ببندید و بر ظرف هائیان درپوش بگذارید.
۱۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در [خانه هائیان را ببندید، ظرف هائیان را وارونه بگذارید، دهانه مشک هائیان را ببندید، و چراغ هائیان را خاموش کنید؛ چه، به آنان (شیاطین) اجازه داده نشده است بر دیوار خانه های در بسته شما بالا روند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۴

۱۳۲. مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِتَغْطِيَةِ الْوُضُوءِ، وَ إِكْفَاءِ السَّقَاءِ، وَ إِكْفَاءِ الْإِنَاءِ. [۲۳۰]
۱۳۳. سنن الترمذی عن جابر الأنصاری عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أَعْلَقُوا الْبَابَ وَ أَوْكِنُوا السَّقَاءَ، وَ أَكْفُوا الْإِنَاءَ أَوْ حَمَّرُوا الْإِنَاءَ وَ أَطْفُوا الْمِصْبَاحَ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَفْتَحُ غَلْقًا، وَ لَا يَحِلُّ وَكَاءً، وَ لَا يَكْشِفُ آيَةً، وَ إِنَّ الْفُؤَيْسِقَةَ تُضْرِمُ عَلَى النَّاسِ بَيْتَهُمْ. [۲۳۱]

۴۱۱ / ۳

غَسَلَ الرَّأْسَ بِالسِّدْرِ

۱۳۴. الإمام علی علیه السلام: لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِإِظْهَارِ الْإِسْلَامِ وَ ظَهَرَ الْوَحْيُ، رَأَى قَلَّةً مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَ كَثْرَةً مِنَ الْمُشْرِكِينَ، فَاهْتَمَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَمًّا شَدِيدًا، فَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِسِدْرٍ مِنْ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، فَغَسَلَ بِهِ رَأْسَهُ؛ فَجَلَا بِهِ هَمَّهُ. [۲۳۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۵

۱۳۲. مسند ابن حنبل به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا به ما فرمود که آب وضو را بپوشانیم، دهانه مشک را ببندیم و ظرف را وارونه بگذاریم. [۲۳۳]

۱۳۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در [خانه هائیان را ببندید، دهانه مشک را ببندید، ظرف را وارونه بگذارید (یا درپوش بگذارید) و چراغ را خاموش کنید؛ زیرا شیطان، در بسته ای را باز نمی کند، سر بسته مشک را نمی گشاید، در ظرفی را بر نمی دارد، و موش، خانه مردم را بر سرشان آتش می زند.

۱۳۴. امام علی علیه السلام: هنگامی که خداوند، پیامبر خویش را به آشکار ساختن اسلام فرمان داد و وحی هویدا شد، کم بودن شمار مسلمانان و فراوان بودن شمار کافران را دید. پس پیامبر خدا به سختی اندوهگین شد. در این هنگام، خداوند، جبرئیل را با قدری سدر از سدره المنتهی فرستاد. وی، سرش را با آن شست و بدین وسیله، اندوهش برطرف شد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۶

۱۳۵. کتاب من لا- یحضره الفقیه: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اغْتَمَّ، فَأَمَرَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَغْسِلَ رَأْسَهُ بِالسُّدْرِ، وَكَانَ ذَلِكَ سِدْرًا مِنْ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى. [۲۳۴]

۵۱۱/۳

أَخَذَ الشَّارِبِ

۱۳۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ وَ أَظْفَارِهِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ، أَدْخَلَ اللَّهُ فِيهِ شِفَاءً، وَ أَخْرَجَ مِنْهُ دَاءً. [۲۳۵]

راجع: ج ۱، ص ۵۴۰ (الشعر / أخذ الشارب).

۶۱۱/۳

تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ

۱۳۷. رسول الله صلى الله عليه و آله: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ؛ يَمْنَعُ الدَّاءَ الْأَعْظَمَ، وَ يُدْرُ الرِّزْقَ. [۲۳۶]

راجع: ج ۱، ص ۵۵۰ (الظفر / تقليم الأظفار).

۱۲/۳

الْحِذَاءُ وَ الصَّحَّةُ

۱۳۸. الإمام الحسين عليه السلام: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا بُنَيَّ... وَ اسْتَجِدِ النَّعَالَ؛ فَإِنَّهَا خَلَاخِيلُ الرَّجَالِ. [۲۳۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۷

۱۳۵. کتاب من لا یحضره الفقیه: پیامبر خدا، اندوهگین شد. پس جبرئیل به او توصیه کرد سر خویش را با سدر بشوید. آن سدر، از سدره المنتهی بود.

### ۵۱۱/۳ گرفتن سیبل

۱۳۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس در هر جمعه، قدری از سیبل و ناخن‌های خود را بگیرد، خداوند به [بدن او شفایی نهد و دردی از او برون برد.

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۵۴۱ (مو / گرفتن سیبل).

### ۶۱۱/۳ کوتاه کردن ناخنها

۱۳۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: کوتاه کردن ناخنها، مانع [بروز] درد بزرگ می‌شود و روزی را سرشار می‌سازد.

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۵۵۱ (ناخن / کوتاه کردن ناخن).

۱۳۸. امام حسین علیه السلام: پیامبر خدا به من فرمود: «فرزندم!... کفش خوب به پا کن که کفش، خلخال (زینت پای) مردان است. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۸

۱۳۹. الإمام علی علیه السلام: اسْتِجَادَةُ الْحِذَاءِ؛ وَقَايَةُ لِلْبَدَنِ، وَ عَوْنٌ عَلَى الصَّلَاةِ وَالطَّهْوَرِ. [۲۳۸]

۱۴۰. الإمام الصادق علیه السلام: إِدْمَانُ الْخُفِّ؛ يَقِي مَيْتَةَ السَّوَاءِ. [۲۳۹]

۱۴۱. عنه علیه السلام وَقَدْ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ وَ عَلَيْهِ نَعْلٌ سَوْدَاءٌ فَقَالَ: مَا لَكَ وَ لِلنَّعْلِ السَّوْدَاءِ؟! أَمَا عَلِمْتَ؛ أَنَّهَا تَضُرُّ بِالْبَصِيرِ، وَ تُرْخِي الذَّكْرَ، وَ هِيَ بِأَعْلَى الثَّمَنِ مِنْ غَيْرِهَا، وَ مَا لَيْسَهَا أَحَدٌ إِلَّا اخْتَالَ فِيهَا؟ [۲۴۰]

راجع: ج ۱، ص ۹۶، أسباب النضارة، ح ۸۹ و ۹۰. ج ۱، ص ۱۰۰، أسباب طول العمر ح ۹۸. ج ۱، ص ۳۰۸ (ما يجلو البصر و يزيد فيه / لبس الخف). ج ۱، ص ۳۴۴ (ما ينفع لعلاج السل). ج ۱، ص ۶۴۶ (ما يضعف عن الجماع / النعل السوداء). ج ۲، ص ۷۲ (آداب أكل الطعام / خلع النعال).

۱۳ / ۳

النَّهْيُ عَنِ الاسْتِشْفَاءِ بِالْعَيْونِ الْحَارَّةِ وَ الْمِيَاهِ الْمُرَّةِ

۱۴۲. الإمام الصادق علیه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنِ الاسْتِشْفَاءِ بِالْحَمَاتِ [۲۴۱]؛ وَ هِيَ الْعَيْونُ

الْحَارَّةُ الَّتِي تَكُونُ فِي الْجِبَالِ الَّتِي تَوْجَدُ فِيهَا رَائِحَةُ الْكَبْرِيتِ. [۲۴۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۹

۱۳۹. امام علی علیه السلام: کفش خوب به پا کردن، مایه نگهداری بدن است و یاری دهنده‌ای است بر نماز و طهارت.

۱۴۰. امام صادق علیه السلام: عادت به پوشیدن کفش، از مرگ‌های بد، جلوگیری می‌کند.

۱۴۱. امام صادق علیه السلام هنگامی که به یکی از اصحاب خود نگریست که کفش سیاه داشت: تو را کفش مشک‌ی به چه کار؟! آیا نمی‌دانی که این کفش به چشم زیان می‌رساند، آلت مردانگی را سست می‌کند، از دیگر انواع، گران‌تر است و هیچ کس آن را نمی‌پوشد، مگر این که با آن، احساس [۲۴۳] نخوت می‌کند؟!]

ر. ک: ج ۱، ص ۹۷ عوامل شادابی، ح ۸۹ و ۹۰، ج ۱، ص ۱۰۱ عوامل طول عمر ح ۹۸، ج ۱، ص ۳۰۹ (آنچه چشم را جلا می‌دهد و تقویت می‌کند / پوشیدن کفش). ج ۱، ص ۳۴۵ (آنچه برای درمان سل، سودمند است). ج ۱، ص ۶۴۷ (آنچه از توان جنسی می‌کاهد / کفش مشک‌ی). ج ۲، ص ۷۵ (آداب غذا خوردن / در آوردن کفش).

### ۱۳ / ۳ نهی از درمان با چشمه‌های آب گرم و آب‌های تلخ

۱۴۲. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، از درمان با چشمه‌های آب گرم، نهی فرموده است، و آنها، چشمه‌هایی از آب گرم در کوهستان‌هاست که بوی گوگرد دارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۰

۱۴۳. عنه علیه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْرَهُ أَنْ يَتَدَاوَى بِالْمَاءِ الْمُرِّ، وَ بِمَاءِ الْكَبْرِيتِ، وَ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ نوحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا كَانَ الطَّوْفَانُ دَعَا الْمِيَاهَ فَأَجَابَتْهُ كُلُّهَا إِلَّا الْمَاءَ الْمُرَّ، وَ مَاءَ الْكَبْرِيتِ، فَدَعَا عَلَيْهِمَا وَ لَعَنَهُمَا. [۲۴۴]

راجع: بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۷۹ باب النهي عن الاستشفاء بالمياه الحارة الكبريتية و المرّة و أشباههما.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۱

۱۴۳. امام صادق علیه السلام: پدرم خوش نداشت به آب تلخ و آب گوگرددار، درمان کند. او می فرمود: «نوح، آن هنگام که توفان به پا شده بود، آبها را فرا خواند و همه آنها به او پاسخ دادند، مگر آبهای تلخ و آبهای گوگرددار. پس، این آبها را نفرین کرد».

ر. ک: بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۷۹ (باب النهی عن الاستشفاء بالمیاء الحارّة الکبریّتیّه و المرّة و أشباههما).  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۳

## بخش دوم: بیماری

### اشاره

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۵

### درآمد

در روایات اسلامی، بیماری به عنوان زندان بدن و یکی از سخت ترین بلاها تعریف شده است. از دیگر سو، همه مردم در طول زندگی خویش، کم و بیش گرفتار این زندان می شوند و طعم تلخِ بلای بیماری را می چشند. از همین جاست که پژوهشگر با پرسش هایی از این دست، رویارو می شود:

حکمت موجود در قرار دادن زندانی به نام «بیماری» در نظام هستی چیست؟

آیا بهتر نیست که خداوند، انسان را به گونه ای بیافریند که در طول زندگی به بلای بیماری گرفتار نشود؟  
اصولاً چرا انسان، بیمار می شود؟ آیا می توان کاری کرد که انسان، هیچ گاه به زندان بیماری گرفتار نیاید؟

پاسخ این پرسش ها را با نگاهی به علت بیماری انسان، آغاز می کنیم: چرا انسان بیمار می شود؟

پاسخ دانش پزشکی به این پرسش، بیان عوامل مادی انواع بیماری هاست، بدین معنا که علت یک بیماری ممکن است وراثت، یا انتقال میکروب، یا تغذیه بد، یا عوامل دیگر از این دست باشد. اما مسئله اصلی این است: آیا آنچه در جهان طب، عوامل بیماری شناخته می شوند، علل تامه اند یا آن که ممکن است

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۶

عوامل ناشناخته دیگری نیز در کنار این عوامل وجود داشته باشند؟

بی گمان، عقل انسان نمی تواند احتمال وجود عوامل ناشناخته بیماری را انکار کند، هر چند اثبات این عوامل هم نیازمند دلیل است. روایات اسلامی، ضمن تأیید علل مادی بیماری ها و تأکید بر این که برخی بخشی از بیماری ها می توان از طریق مبارزه با علل آنها، پیشگیری کرد، در کنار علل مادی، علل ناشناخته ای را برای بیماری ها اثبات می کنند. این علل، در واقع، حکمت بیماری ها در نظام آفرینش است. [۲۴۵]

### حکمت بیماری

تردیدی وجود ندارد که در نظام هستی، هیچ پدیده ای بی حکمت نیست، هر چند این حکمت، بر ما پوشیده مانده باشد. امام صادق

علیه السلام، درباره حکمت بیماری فرموده است:

بیماری بر چند گونه است: بیماری آزمون، بیماری کیفر و بیماری ای که علت مرگ قرارداد شده است. [۲۴۶] امام صادق علیه السلام، در این سخن، سه حکمت برای بیماری ذکر کرده و این هر سه، بر دانش طب، ناشناخته است. در سطوری که پیش رو دارید، مختصراً به حکمت نهفته در بیماری‌ها از دیدگاه روایات، پرداخته شده است: دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۷

## ۱. تربیت

مهم‌ترین حکمت بیماری، نقش سازنده تربیتی آن در زندگی انسان است. از پیامبر خدا روایت شده که در این زمینه فرمود:

بیماری، تازیانه خدا در زمین است که با آن، بندگان خویش را ادب می‌کند. [۲۴۷]

آنچه در سخن امام صادق علیه السلام در تبیین گونه نخست از گونه‌های بیماری آمده، یعنی «بیماری آزمون» و این خود، اشاره‌ای به همین حکمت است؛ زیرا کلمه «بلوی» در متن عربی روایت، به معنای آزمایش است و از سوی دیگر، فلسفه همه امتحان‌های الهی نیز تربیت انسان و رشد و شکوفایی استعدادهای نهفته در درون اوست.

البته، نه فقط حکمت بیماری‌ها تحقق امتحان الهی است؛ بلکه فلسفه تندرستی و سلامت نیز همین است. به دیگر سخن، هر یک از دو حالت تندرستی و ناتن درستی، آثار تربیتی مثبتی دارند و برای تکامل انسان نیز ضروری‌اند. در این موضوع، حکایت جالبی از امام صادق علیه السلام نقل شده که امیر مؤمنان به بیماری‌ای گرفتار شد. جمعی ایشان را عیادت کردند و از حال وی پرسیدند و گفتند: ای امیر مؤمنان، به چه حالتی شب را به روز درآوردی؟ امام علیه السلام، بر خلاف عادت متعارف فرمود:

أَصْبَحْتُ بِشَرٍّ.

با بدی شب را به صبح آورده‌ام.

آنان از این سخن، شگفت‌زده شدند و گفتند: سبحان الله! آیا این، سخن چون تویی است؟

امام علیه السلام در پاسخ آنان فرمود: خداوند متعال می‌فرماید: «وَنَبَلُّوْكُمْ بِالشَّرِّ

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۸

وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» [۲۴۸] فَالْخَيْرِ: الصَّحَّةُ وَ الْغِنَى، وَ الشَّرُّ: الْمَرَضُ وَ الْفَقْرُ، ابْتِلَاءٌ وَ اخْتِبَارٌ. یعنی در این سخن خداوند، خیر، همان تندرستی و بی‌نیازی، و شر نیز همان بیماری و فقر است که آزمون و امتحان هستند. [۲۴۹]

۱ / ۱ پاکسازی جان: در مورد خطاکاران، نقش تربیتی بیماری در پاره کردن پرده‌های غفلت، بیدار کردن آنها و تزکیه جانشان از ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها تجلی می‌یابد، چونان که امیر مؤمنان فرموده است: «چون خداوند، بنده‌ای را مبتلا به بیماری کند، به اندازه بیماری‌اش از گناهان او فرو می‌کاهد». [۲۵۰]

۲ / ۱ تکامل انسان: اما بیماری نیکوکاران و پرهیزگاران، مرتبه آنان در پیشگاه خداوند را بالاتر می‌برد و به تکاملشان می‌انجامد، چنان که از پیامبر خدا نقل شده است که فرمود:

مرد، گاه دارای مرتبه‌ای [منظور] در پیشگاه خداوند است، که به عمل خویش بدان نمی‌رسد تا آن هنگام که به ابتلائی در جسم خود آزموده شود و بدین واسطه به آن مرتبت برسد.

با توجه به آث [۲۵۱] ار تربیتی بیماری در زندگی انسان، این که شخص در همه عمر سالم بماند و هیچ‌گاه بیمار نشود، از دیدگاه روایات رسیده از معصومان، پدیده‌ای نکوهیده است. پیامبر خدا در این باره می‌فرماید:

كَفَى بِالْسَّلَامَةِ دَاءً. [۲۵۲]

درد همین بس که [هماره سلامت باشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۹

همچنین در حدیث دیگری این گونه آمده است:

إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْعَرِيَّةَ النَّفْرِيَّةَ الَّتِي لَمْ يُرْزَأْ فِي جِسْمِهِ وَلَا مَالِهِ. [۲۵۳]

خداوند، آن بد نهاد بد کرداری را که به هیچ بلایی در تن و دارایی خویش گرفتار نمی آید، دوست ندارد.

البته باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که مطلق بیماری، همانند مطلق تندرستی، دارای آثار تربیتی مثبتی در انسان نیست. از

همین رو، موسی علیه السلام در دعای خویش چنین از خداوند، طلب می کرد:

يَا رَبِّ! مَرَضٌ يُضْنِنِي وَلَا صِحَّةٌ تُنْسِنِي، وَ لَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ، أَمْرٌ تَارَةً فَأَشْكُرُكَ، وَأَصِحُّ تَارَةً فَأَشْكُرُكَ. [۲۵۴]

خداوند! نه آن بیماری ای که مرا زمینگیر کند و نه آن تندرستی ای که به فراموشی [تو] در افکند، بلکه حالتی میانه [می خواهم ؛ گاه

بیمار شوم تا پس از آن شکر تو گویم و گاه تندرست باشم تا سپاس تو بگزارم.

از داوود نبی علیه السلام نیز نقل شده است که در دعای خویش چنین می گفت:

اللَّهُمَّ لَا صِحَّةَ تُطْفِنِي وَلَا مَرَضًا يُضْنِنِي وَ لَكِنْ بَيْنَ ذَيْنِكَ. [۲۵۵]

خداوند! نه تندرستی ای می خواهم که به طغیانم کشاند و نه بیماری ای که زمینگیرم سازد؛ بلکه حالتی میان این دو را خواهانم.

امیر مؤمنان نیز چنین دعا می کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... مِنْ سُقْمٍ يَشْعَلُنِي، وَ مِنْ صِحَّةٍ تُلْهِنُنِي. [۲۵۶]

خداوند! به تو پناه می برم... از ناتن درستی ای که به خویش مشغولم دارد و از تندرستی ای که به بازیام سرگرم سازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۰

## ۲. کيفر

در نظام حکیمانه هستی مشاهده می کنیم که بیماری برای کسانی که زمینه تربیتی را در نفس و روان خویش تباه نساخته اند چنان که توضیح داده شد به کنار زدن پرده های غفلت و آگاهی افزون تر و سازندگی می انجامد؛ اما برای کسانی که بدان پایه از آلودگی روحی دچار شده اند که جانشان اصلاح و تربیت را بر نمی تابد، همین بیماری، نوعی کيفر الهی به شمار می رود، چنان که امام صادق علیه السلام، در حدیثی که گذشت، از آن با عنوان «بیماری کيفر» یاد کرد.

امام رضا علیه السلام نیز درباره نقش بیماری برای آنان که استعداد بهره گیری مثبت از آن را دارند و آنان که چنین قابلیت را دارا نیستند، فرموده است:

بیماری برای مؤمن، تطهیر و رحمت، و برای کافر، عذاب و لعنت است. [۲۵۷]

## ۳. عامل مرگ

گاه در بیماری، نه حکمتی تربیتی نهفته است، و نه فلسفه ای کيفری، بلکه مرگ را در پی می آورد. اما در نظام آفرینش، مرگ هم بدون حکمت نیست؛ چه، همه باید بمیرند:

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ». [۲۵۸]

هر کس طعم مرگ را می چشد.

از دیدگاه احادیث اسلامی، هر بیماری ای درمانی دارد و یگانه دردی که هیچ درمانی ندارد، مرگ است. در حدیث نبوی آمده

است:

خداوند، هیچ دردی را فرو نفرستاده (یا هیچ دردی را نیافریده)، مگر این که درمانی نیز برایش فرو فرستاده (یا آفریده) است و کسانی از آن آگاهی یافته‌اند و

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۱

کسانی نیز از آن ناآگاه مانده‌اند، مگر مرگ. [۲۵۹]

در پرتو این رهنمودهاست که می‌گوییم: دانش پزشکی، به قله کمال خویش دست نمی‌یابد، مگر هنگامی که برای همه بیماری‌ها درمان کشف کند. اما با این همه، بی‌گمان، دانش یاد شده نمی‌تواند برای مرگ، دارو و درمانی فراهم سازد.

از همین جاست که امام صادق علیه السلام در گفتگوی خود با مدعی‌ای که می‌پنداشت می‌تواند با مراقبت درست و کامل از بدن و خوردن غذاهای مناسب، مانع مرگ شود، بر این نکته تأکید می‌کند که درمان آن بیماری‌ای که مقرر است به مرگ بینجامد، امکان ندارد. ایشان، به تسلیم شدن سه تن از طبیبان و حکیمان بزرگ در برابر مرگ، اشاره کرد و فرمود:

قَدْ مَاتَ أَرْسَطَاطَالِيْسُ مُعَلِّمُ الْأَطْبَاءِ، وَ أَفْلَاطُونُ رَئِيسُ الْحُكَمَاءِ، وَ جَالِينُوسُ شَاخٍ وَ دَقَّ بَصْرُهُ، وَ مَا دَفَعَ الْمَوْتَ حِينَ نَزَلَ بِسَاحَتِهِ، وَ لَمْ يَأْلُوا [۲۶۰] حِفْظَ أَنْفُسِهِمْ، وَ النَّظَرَ لِمَا يُوَافِقُهَا. [۲۶۱]

ارسطو، که استاد طبیبان بود، و افلاطون، که سرآمد حکیمان بود، و جالینوس، که پیر و پرتجربه بود، اما نتوانست مرگ را آن‌گاه که در آستانه وی فرود آمد، از خویش براند، همه مُردند، در حالی که در حفظ خویش و در اندیشیدن به آنچه با بدن سازگار است، از هیچ کوششی فروگذار نکردند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۲

## الفصل الأوّل: تعريف المرض

۱ / ۱

### حَبْسُ الْبَدَنِ

۱۴۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: لَيْسَ مِنْ عَمَلِ يَوْمِ الْإِلا وَ هُوَ يُخْتَمُ، فَمَاذَا مَرَضَ الْمُؤْمِنُ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبَّنَا، عَبْدُكَ فَلَانٌ قَدْ حَبَسْتَهُ.

فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى: اخْتِمُوا لَهُ عَلَى مِثْلِ عَمَلِهِ حَتَّى يَبْرَأَ، أَوْ يَمُوتَ. [۲۶۲]

۱۴۵. الإمام علي عليه السلام: الْمَرَضُ حَبْسُ الْبَدَنِ. [۲۶۳]

۱۴۶. عنه عليه السلام: الْمَرَضُ أَحَدُ الْحَبْسَيْنِ. [۲۶۴]

راجع: ج ۱، ص ۱۵۴ (منافع المرض / ثواب ما كان يعمل في الصحة).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۳

## فصل یکم: تعريف بیماری

۱ / ۱ بازداشتگاه تن

۱۴۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: عمل هیچ روزی نیست، مگر این که بر آن مهر زده می‌شود. چون بنده مؤمن، بیمار شود،

فرشتگان می گویند: پروردگارا! فلان بنده‌ات را باز داشته‌ای! خداوند متعال در این هنگام می‌فرماید: «برای او بر عملی همانند آنچه همیشه داشته است، مَهر بزیند تا زمانی که از این بیماری بهبود یابد یا بمیرد».

۱۴۵. امام علی علیه السلام: بیماری، بازداشتگاه بدن است.

۱۴۶. امام علی علیه السلام: بیماری، یکی از دو زندان است.

ر. ک: ج ۱، ص ۱۵۵ (منافع بیماری / پاداش آنچه در دوران تندرستی انجام می‌داده است).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۴

۲ / ۱

مِنْ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ

۱۴۷. الإمام علی علیه السلام: أَلَا وَ إِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ، وَ أَشَدُّ مِنَ الْفَاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ، وَ أَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ. [۲۶۵]

۱۴۸. عنه علیه السلام: لَا رَزِيَّةَ أَعْظَمَ مِنْ دَوَامِ سَقَمِ الْجَسَدِ. [۲۶۶]

۱۴۹. عنه علیه السلام: ثَلَاثٌ مِنَ أَعْظَمِ الْبَلَاءِ: كَثْرَةُ الْعَائِلَةِ، وَ غَلَبَةُ الدِّينِ، وَ دَوَامُ الْمَرَضِ. [۲۶۷]

۱۵۰. عنه علیه السلام: مَنْ كَثُرَتْ أَدْوَاؤُهُ لَمْ يُعْرِفْ شِفَاؤَهُ. [۲۶۸]

۱۵۱. الإمام الصادق علیه السلام: أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءُ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ: النَّارُ، وَ الْعَدَاوَةُ، وَ الْفَقْرُ، وَ الْمَرَضُ. [۲۶۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۵

۲ / ۱

### از بزرگ‌ترین گرفتاری‌ها

۱۴۷. امام علی علیه السلام: هان! یکی از گرفتاری‌ها تهی دستی است. سخت‌تر از تهی دستی، بیماری تن است و سخت‌تر از بیماری تن، بیماری دل.

۱۴۸. امام علی علیه السلام: مصیبتی سخت‌تر از استمرار ناتن درستی نیست.

۱۴۹. امام علی علیه السلام: سه چیز از بزرگ‌ترین گرفتاری‌هاست: فراوانی نانخوران، چیرگی بدهی، و استمرار بیماری.

۱۵۰. امام علی علیه السلام: هر کس بیماری‌های فراوان باشد، درمانش شناخته نمی‌شود.

۱۵۱. امام صادق علیه السلام: چهار چیز است که اندکش هم بسیار است: آتش، دشمنی، تهی دستی و بیماری. [۲۷۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۶

الفصل الثانی: وجوه من الحکمة فی الأمراض

۱۵۲. الإمام الصادق علیه السلام لَزِنْدِيقٍ وَ قَدْ سَأَلَهُ: فَبِمَا اسْتَحَقَّ الطُّفْلُ الصَّغِيرُ مَا يُصِيبُهُ مِنَ الْأَوْجَاعِ وَ الْأَمْرَاضِ بِلَا ذَنْبٍ عَمَلَهُ وَ لَا جُرْمٍ سَلَفَ مِنْهُ؟ فَقَالَ: إِنَّ الْمَرَضَ عَلَى وَجْهِ شَتَّى: مَرَضٌ بَلَوِي، وَ مَرَضٌ عَقُوبِيَّةٌ، وَ مَرَضٌ يُجْعَلُ عَلَهُ لِلْفَنَاءِ، وَ أَنْتَ تَزْعُمُ أَنَّ ذَلِكَ مِنْ أَغْذِيَّةِ رَدِيَّةٍ، وَ أَشْرِيَّةٍ وَ بِيَّةٍ أَوْ عَلَهُ كَانَتْ بِأَمِّهِ، وَ تَزْعُمُ أَنَّ مِنْ أَحْسَنِ السِّيَاسَةِ لِبَدَنِهِ وَ أَجْمَلَ النَّظَرِ فِي أَحْوَالِ نَفْسِهِ وَ عَرَفَ الصَّارَّ مِمَّا يَأْكُلُ مِنَ النَّفَائِعِ لَمْ يَمْرُضْ، وَ تَمِيلُ فِي قَوْلِكَ إِلَى مَنْ يَزْعُمُ أَنَّهُ لَا يَكُونُ الْمَرَضُ وَ الْمَوْتُ إِلَّا مِنَ الْمَطْعَمِ وَ الْمَشْرَبِ! قَدْ مَاتَ «أَرْسَطَاطَلِسُ» مُعَلِّمُ الْأَطِيَّاءِ، وَ «أَفَلَاطُونُ» رَئِيسُ الْحُكَمَاءِ، وَ «جَالِينُوسُ» شَاخٌ وَ دَقَّ بَصِيرَتُهُ، وَ مَا دَفَعَ الْمَوْتَ حِينَ نَزَلَ بِسَاحَتِهِ، وَ لَمْ يَأْلُوا حِفْظَ



أَنْفُسِهِمْ، وَالنَّظَرَ لِمَا يُوَافِقُهَا، كَمَ مِنْ مَرِيضٍ قَدْ زَادَهُ الْمُعَالِجُ سُقْمًا؟ وَكَمَ مِنْ طَيِّبٍ عَالِمٍ وَبَصِيرٍ بِالْأَدْوَاءِ وَالْأَدْوِيَةِ مَاهِرٍ مَاتَ، وَعَاشَ الْجَاهِلُ بِالطَّبِّ بَعْدَهُ زَمَانًا؟! فَلَا ذَاكَ نَفَعَهُ عِلْمُهُ بِطَبِّهِ عِنْدَ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِ وَحُضُورِ أَجَلِهِ، وَلَا هَذَا ضَرَّهُ الْجَهْلُ بِالطَّبِّ مَعَ بَقَاءِ الْمُدَّةِ وَتَأَخُّرِ الْأَجْلِ! [۲۷۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۷

### فصل دوم: شماری از حکمت‌های نهفته در بیماری‌ها

۱۵۲. امام صادق علیه السلام در پاسخ به مردی زندیق [۲۷۲] که پرسیده بود: کودک خردسالی که نه گناهی کرده و نه جرمی از او سر زده، به چه سبب، مستحق دردها و بیماری‌هایی شده است که به وی می‌رسد: بیماری بر چند گونه است: بیماری آزمون، بیماری کيفر و بیماری ای که علت مرگ قرارداد شده است. اما تو مدعی هستی که آن از خوراک نامناسب، نوشیدنی آلوده و بیماری‌ای است که در مادر وی وجود داشته است و گمان می‌کنی که هر کس، بدن خویش را درست تدبیر کند و در احوال خود، نیک بنگرد و در آنچه می‌خورد، سودمند و زیان‌آور را از همدیگر باز شناسد، بیمار نمی‌شود. تو در این دعوی خود، به [عقیده کسانی می‌گویی که می‌پندارند بیماری و مرگ، جز از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها نیست. ارسطو، استاد طبیبان بود. افلاطون، سرآمد حکیمان بود و جالینوس، پیر و پُر تجربه بود؛ اما نتوانست مرگ را آن‌گاه که در آستانه وی فرود آمد، از خویش براند. همه مُردند، در حالی که در حفظ خویش و در اندیشیدن به آنچه با بدن سازگار است از هیچ کوششی فروگذار نکردند. چه بسیار بیماری که درمان‌کننده او را ناتن‌درستی افزوده است و چه بسیار طبیب دانای آشنای به دارو و درمان، که خود مُرده و [در برابر] فردی ناآگاه به طب مدتی درازتر پس از او زنده مانده است و نه آن را پس از سرآمدن مدتی [زندگی و فرا رسیدن اجلس، آگاهی به طب، سودی نبخشیده، و نه این را پیش از سرآمدن مدتی [زندگی و به گاه دورتر بودن اجل، ناآگاهی از طب، زبانی رسانده است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۸

### الفصل الثالث: منافع المرض

۱ / ۳

#### التأديب

۱۵۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: الْمَرَضُ سَوْطُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يُؤَدَّبُ بِهِ عِبَادَهُ. [۲۷۳]

۱۵۴. عنه صلى الله عليه و آله: لَوْلَا ثَلَاثٌ فِي ابْنِ آدَمَ مَا طَاطَأَ رَأْسُهُ شَيْءًا: الْمَرَضُ، وَالْفَقْرُ، وَالْمَيُوتُ، كُلُّهُمْ فِيهِ، وَإِنَّهُ مَعَهُنَّ لَوَثَابٌ! [۲۷۴]

۱۵۵. الإمام الباقر عليه السلام: الْجَسَدُ إِذَا لَمْ يَمْرَضْ أَشْرٌ، وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ يَأْشُرُ. [۲۷۵]

۱۵۶. الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ كَانَ الْإِنْسَانُ لَا يُصِيبُهُ أَلَمٌ وَلَا وَجَعٌ، بِمَ كَانَ يَرْتَدِعُ عَنِ الْفَوَاحِشِ وَيَتَوَاضَعُ لِلَّهِ وَيَتَعَطَّفُ عَلَى النَّاسِ؟ أَمَا تَرَى الْإِنْسَانَ إِذَا عَرَضَ لَهُ

وَجَعٌ خَضَعُ وَاسْتَكَانَ، وَرَغِبَ إِلَى رَبِّهِ فِي الْعَافِيَةِ وَبَسَطَ يَدَيْهِ بِالصَّدَقَةِ؟ [۲۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۹

### فصل سوم: منافع بیماری

۱۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیماری، تازیانه خدا در زمین است که با آن، بندگان خویش را ادب می کند.
۱۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر سه چیز در آدمیزاد نبود، هیچ چیز سر او را فرو نمی آورد: بیماری، تهی دستی و مرگ. اینها همه در انسان هست و با این حال، انسان، همچنان گستاخ است.
۱۵۵. امام باقر علیه السلام: تن اگر بیمار نشود، به سرمستی می گراید، و در آن تنی که به سرمستی گراییده، هیچ خیری نیست.
۱۵۶. امام صادق علیه السلام: اگر بنا بود هیچ درد و رنجی به انسان نرسد، به کدامین وسیله از زشتی‌ها دامن در می کشید و در برابر خداوند، فروتنی می کرد و با مردم، مهربانی می ورزید؟ آیا نمی بینی انسان، آن هنگام که دردی دامنگیرش می شود، فروتن می شود، و سر تسلیم فرود می آورد و بر درگاه پروردگار خویش، عافیت می جوید و دست به صدقه می گشاید؟
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۰

۱۵۷. عنه علیه السلام فی دُعَائِهِ لَمَّا اشْتَكَى: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ أَدْبًا لَا غَضَبًا. [۲۷۷]

۲ / ۳

الْكَفَّارَةُ

۱۵۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: السُّقْمُ، يَمْحُو الذُّنُوبَ. [۲۷۸]

۱۵۹. عنه صلی الله علیه و آله: سَاعَاتُ الْوَجَعِ، يُذْهِبْنَ سَاعَاتِ الْخَطَايَا. [۲۷۹]

۱۶۰. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُوجِرُ فِي مَرَضِهِ، وَ لَكِنْ يُكْفِرُ عَنْهُ. [۲۸۰]

۱۶۱. عنه صلی الله علیه و آله: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمْرُضُ مَرَضًا يُحْرِضُهُ الْمَرَضُ إِلَّا غُفِرَ لَهُ. [۲۸۱]

۱۶۲. عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِبَلَاءٍ فِي جَسَدِهِ؛ فَهُوَ لَهُ حِطَّةٌ. [۲۸۲]

۱۶۳. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَهُ السُّقْمُ، ثُمَّ أَعْفَاهُ اللَّهُ مِنْهُ، كَانَ كَفَّارَةً لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ وَ مَوْعِظَةً لَهُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ. [۲۸۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۱

۱۵۷. امام صادق علیه السلام در دعای خویش آن هنگام که بیمار شده بود: خداوند! این را نه [نشان غضب، بلکه] مایه ادب قرار ده.

۱۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیماری، گناهان را محو می کند.

۱۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: لحظه‌های درد، [آثار] لحظه‌های گناه را از میان می برد.

۱۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن در بیماری‌اش پاداش داده نمی شود؛ اما گناه او فرو پوشانده می شود.

۱۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مؤمنی به بیماری‌ای جانکاه مبتلا نمی شود، مگر آن که گناهش بخشوده می گردد.

۱۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که خداوند، او را به گرفتاری جسمی بیازماید، آن گرفتاری برایش مایه فرو ریختن گناهان است.

۱۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انسان مؤمن، چون بیماری به وی برسد و خداوند، او را عافیت دهد، این بیماری، کفاره گناهان

گذشته او و مایه اندرز برای آینده اوست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۲

۱۶۴. عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ لَيَتَلَى عَبْدَهُ بِالسُّقْمِ، حَتَّى يُكْفِرَ ذَلِكَ عَنْهُ كُلَّ ذَنْبٍ. [۲۸۴]

۱۶۵. عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا مَرَضَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي، أَنَا قَيْدْتُ عَبْدِي بِقَيْدٍ مِنْ قِيودي، فَإِنْ أَقْبَضَهُ أَغْفِرْ لَهُ، وَإِنْ أَعَاَفَهُ فَحَيِّئِي يَتَعَدَّى وَلَا ذَنْبَ لَهُ. [۲۸۵]

۱۶۶. عنه صلى الله عليه و آله: مَا مِنْ مُسْلِمٍ وَلَا مُسْلِمَةٍ وَلَا مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ يَمْرُضُ مَرَضًا، إِلَّا حَطَّ اللَّهُ عَنْهُ مِنْ خَطَايَاهُ. [۲۸۶]

۱۶۷. عنه صلى الله عليه و آله: مَا مِنْ عَبْدٍ تُصِيبُهُ زَمَانَةٌ تَمْنَعُهُ مِمَّا يَصِلُ إِلَيْهِ الْأَصْحَاءُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ مُسَدَّدًا، إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِ، وَكَانَ عَمَلُهُ بَعْدَ فَضْلًا. [۲۸۷]

۱۶۸. عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْعَبْدَ لَيُصِيبُهُ مِنَ الْمَصَائِبِ، حَتَّى يَمْشِيَ عَلَى الْأَرْضِ وَ مَا عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ. [۲۸۸]

۱۶۹. عنه صلى الله عليه و آله: أَرْبَعَةٌ يَسْتَأْنِفُونَ الْعَمَلَ: الْمَرِيضُ إِذَا بَرَأَ، وَ الْمُشْرِكُ إِذَا أَسْلَمَ... [۲۸۹]

۱۷۰. عنه صلى الله عليه و آله: يَا عَلِيُّ، أَنْيْنُ الْمُؤْمِنِ تَسْبِيحٌ، وَ صَيَاحُهُ تَهْلِيلٌ، وَ نَوْمُهُ عَلَى الْفِرَاشِ عِبَادَةٌ، وَ تَقَلُّبُهُ مِنْ جَنْبٍ إِلَى جَنْبٍ

جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِنْ عَوْفَى مَشَى فِي

النَّاسِ وَ مَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ. [۲۹۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۳

۱۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، گاه بنده خویش را به ناتن درستی گرفتار می کند تا این ناتن درستی، کفاره هر گناه وی شود.

۱۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده چون بیمار شود، خداوند به فرشتگان خویش چنین وحی کند: ای فرشتگانم! من بنده ام را به بندی از بندهای خویش گرفتار ساخته ام. اینک اگر جانش را بستانم، او را می آمرزم و اگر او را عافیت بخشم، در حالی از بستر بر می خیزد که هیچ گناهی ندارد.

۱۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مرد و زن مسلمان و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که بیمار شود، مگر آن که خداوند، [برخی از گناهانش را از او فرو نهد.

۱۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که بیماری دامنگیرش شود و او را از آنچه تندرستان انجام می دهند، باز دارد، مگر آن که این بیماری کفاره گناهانش شود و هر چه پس از آن انجام دهد، فزونی ای بر کفه اعمالش باشد.

۱۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گاه به بنده خدا برخی از مصائب می رسد تا در حالی بر زمین گام بردارد که هیچ گناهی بر وی نیست.

۱۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار تن هستند که اعمال خویش را در حالی که هیچ گناهی بر آنان نمانده است، از نو می آغازند: بیمار، چون بهبود یابد، مشرک، چون مسلمان شود،....

۱۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! ناله مؤمن [به گناه بیماری «سبحان الله» گفتن است، فریادش «لا اله الا الله» گفتن، خفتنش بر بستر، عبادت است و از پهلو به پهلو چرخیدنش، جهاد در راه خداست؛ و اگر بهبود یابد، در حالی در میان مردم راه می رود که هیچ گناهی بر او نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۴

۱۷۱. تاریخ بغداد عن امّ سلیم الأنصاریة: مَرَضْتُ فَعَادَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَقَالَ: يَا أُمَّ سُلَيْمِ، أَ تَعْرِفِينَ النَّارَ وَ الْحَدِيدَ وَ حَبَّتَ الْحَدِيدِ؟

قُلْتُ: نَعَمْ، يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قال: فَأَبْشِرِي يَا أُمَّ سَلِيمٍ، فَإِنَّكَ إِنْ تَخَلَّصِي مِنْ وَجَعِكَ هَذَا تَخَلَّصِي [٢٩١] مِنَ الذُّنُوبِ، كَمَا يَخْلُصُ الْحَدِيدُ مِنْ حَيْثِهِ. [٢٩٢] ١٧٢. سنن أبي داود عن أمّ العلاء: عاذني رسول الله صلى الله عليه وآله وأنا مريضة، فقال:

أَبْشِرِي يَا أُمَّ الْعَلَاءِ؛ فَإِنَّ مَرَضَ الْمُسْلِمِ يَذْهَبُ اللَّهُ بِهِ خَطَايَاهُ، كَمَا تَذْهَبُ النَّارُ حَبْتِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ. [٢٩٣]

١٧٣. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا مَثَلُ الْمَرِيضِ إِذَا بَرَأَ وَصَحَّ، كَالْبُرْدَةِ تَقَعُ مِنَ السَّمَاءِ فِي صَفَائِهَا وَلَوْنِهَا. [٢٩٤]

١٧٤. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ أَلَمَ اللَّهُ بِهِ الْفَقْرَ وَالْمَرَضَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُرِيدُ أَنْ يُصَافِيَهُ. [٢٩٥]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ١٤٥

١٧١. تاریخ بغداد به نقل از امّ سلیم انصاری: بیمار شدم و پیامبر خدا به عیادت آمد. پرسید: «ای مادر سلیم! آیا آتش و آهن و ناخالصی‌های آهن [به گاه گذاخته شدن را می‌شناسی؟].»

گفتم: آری، ای پیامبر خدا!

فرمود: «پس ای مادر سلیم، تو را مژده باد! اگر که از این درد به سلامت جان به در بری، از گناهان خویش نیز رسته‌ای، آن‌سان که آهن از ناخالصی‌های خود، رها می‌شود.»

١٧٢. سنن ابی داود به نقل از امّ علاء: هنگامی که بیمار بودم، پیامبر خدا به عیادت آمد. او فرمود: «ای مادر علاء! مژدهات باد؛ چرا که بیماری مسلمان، چیزی است که خدا به واسطه آن، گناهان او را از میان می‌برد، آن‌سان که آتش، ناخالصی‌های طلا و نقره را می‌برد.»

١٧٣. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: مَثَلُ [جان بیمار، آن‌گاه که بهبود می‌یابد، همانند شفافیت و [زلالی رنگ تگرگ است هنگامی که از آسمان، فرو می‌ریزد.

١٧٤. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: چون کسی را دیدید که خداوند، او را به ناداری و بیماری در میان گرفته، [بدانید که خداوند متعال، اراده کرده است که او را پاک کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ١٤٦

١٧٥. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَمْرُضُ الْمَرَضَ فَيَرِقُّ قَلْبُهُ، فَيَذْكُرُ بَعْضَ ذُنُوبِهِ الَّتِي سَلَفَتْ مِنْهُ، فَيَقْطُرُ مِنْ عَيْنَيْهِ مِثْلَ الذَّبَابِ [٢٩٦] مِنَ الدَّمْعِ فَيَطَهِّرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذُنُوبِهِ، فَإِنْ بَعَثَهُ بَعَثَهُ مُطَهَّرًا، وَإِنْ قَبَضَهُ قَبَضَهُ مُطَهَّرًا. [٢٩٧]

١٧٦. الإمام علي عليه السلام: إِذَا ابْتَلَى اللَّهُ عَبْدًا أَسْقَطَ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ بِقَدْرِ عِلَّتِهِ. [٢٩٨]

١٧٧. عنه عليه السلام لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ فِي عِلَّةِ اعْتَلَّهَا: جَعَلَ اللَّهُ مَا كَانَ مِنْ شَكْوَاكَ حَطًّا لِسَيِّئَاتِكَ؛ فَإِنَّ الْمَرَضَ لَا أَجْرَ فِيهِ، وَ لَكِنَّهُ يَحُطُّ السَّيِّئَاتِ وَيَحْتُمُّ حَتَّ الْأَوْرَاقِ، وَ إِنَّمَا الْأَجْرُ فِي الْقَوْلِ بِاللُّسَانِ وَ الْعَمَلِ بِالْأَيْدِي وَ الْأَقْدَامِ، وَ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُدْخِلُ بِصَدَقِ النَّيِّهِ وَ السَّرِيرَةِ الصَّالِحَةِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ الْجَنَّةَ. [٢٩٩]

١٧٨. الإمام زين العابدين عليه السلام لِمَرِيضٍ قَدِ بَرَأَ: يَهْنُتُكَ الطَّهْوَرُ مِنَ الذُّنُوبِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُ، وَ أَقَالَكَ فَاشْكُرْهُ. [٣٠٠]

١٧٩. الإمام الرضا عليه السلام: الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ؛ تَطْهِيرٌ وَ رَحْمَةٌ، وَ لِلْكَافِرِ؛ تَعْذِيبٌ وَ لَعْنَةٌ، وَ إِنَّ الْمَرَضَ لَا يَزَالُ بِالْمُؤْمِنِ، حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ. [٣٠١]

راجع: ج ١، ص ١٥٦، ح ١٩٦.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ١٤٧

١٧٥. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: گاه بنده بیمار می‌گردد. پس دلش نازک می‌شود و برخی از گناهانی را که از او سر زده است، به یاد می‌آورد و قطره اشکی، هر چند کوچک، از دیدگانش سرازیر می‌شود و آن‌گاه، خداوند عز و جل، او را از گناهانش

پاک می‌سازد. پس اگر او را از این بستر بیماری برخیزاند، او را پاک شده [از گناه بر می‌خیزاند، و اگر جانش را بستاند، پاکیزه شده [از گناه می‌ستاند.

۱۷۶. امام علی علیه السلام: اگر خداوند، بنده‌ای را گرفتار [بیماری سازد، به اندازه بیماری‌اش از گناهان او فرو می‌کاهد.

۱۷۷. امام علی علیه السلام به یکی از یاران خویش که به بیماری‌ای گرفتار شده بود: خداوند، آن درد و رنجی را که داشته‌ای، مایه ریختن گناهانت قرار دهد؛ چرا که در بیماری، پاداشی نیست؛ اما گناهان را فرو می‌کاهد و چنان که برگ از درخت می‌ریزد، از انسان فرو می‌ریزد. پاداش، تنها در گفتن به زبان، و عمل کردن به دست و پای است و خداوند سبحان، هر یک از بندگان خویش را که بخواهد، به راستی نیت و به نهاد درست، به بهشت درمی‌آورد.

۱۷۸. امام سجّاد علیه السلام خطاب به بیماری که بهبود یافته بود: پاک شدن از گناهان، بر تو مبارک باد! خداوند، تو را یاد کرده است. او را یاد کن، و از تو در گذشته است. او را سپاس گوی.

۱۷۹. امام رضا علیه السلام: بیماری برای مؤمن، تطهیر و رحمت، و برای کافر، عذاب و لعنت است. بیماری، همدم مؤمن می‌ماند، تا هنگامی که هیچ گناهی بر وی نباشد.

ر. ک: ج ۱، ص ۱۵۷ ح ۱۹۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۸

۳ / ۳

الْكَرَامَةُ

۱۸۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ لَهُ الدَّرَجَةُ عِنْدَ اللَّهِ لَا يَلُغُهَا بِعَمَلِهِ؛ حَتَّى يُبْتَلَى بِبَلَاءٍ فِي جَسَمِهِ، فَيَلُغُهَا بِذَلِكَ. [۳۰۲]

۱۸۱. عنه صلی الله علیه و آله: الْأَمْرُ هَدَايَا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْعَبْدِ، فَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ أَكْثَرُهُمْ هَدِيَّةً. [۳۰۳]

۱۸۲. عنه صلی الله علیه و آله: الْمَرَضَى أَجْبَأُ اللَّهُ. [۳۰۴]

۱۸۳. عنه صلی الله علیه و آله: يَسْبِقُ الْمَقْتُولُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ الْمَقْتُولِ الْمُدْبِرَ إِلَى الْجَنَّةِ بِسَبْعِينَ خَرِيفًا، وَ مَرَضَى أُمَّتِي قَبْلَ أَصْحَابِهِمْ بِسَبْعِينَ خَرِيفًا، وَ الْأَنْبِيَاءُ قَبْلَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ بِأَرْبَعِينَ خَرِيفًا؛ لِمَا كَانَ فِيهِ مِنَ الْمَلِكِ. [۳۰۵]

۱۸۴. عنه صلی الله علیه و آله لِسَلْمَانَ: يَا سَلْمَانُ، إِنَّ لَكَ فِي عِلَّتِكَ إِذَا اعْتَلَّتْ ثَلَاثَ خِصَالٍ: أَنْتَ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِجَدِّكَ، وَ دُعَاؤُكَ فِيهَا مُسْتَجَابٌ، وَ لَا تَدْعُ الْعِلَّةَ عَلَيْكَ ذَنْبًا إِلَّا حَطَّتْهُ، مَتَّعَكَ اللَّهُ بِالْعَافِيَةِ إِلَى انْقِضَاءِ أَجَلِكَ. [۳۰۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۹

### ۳ / ۳ گرامیداشت

۱۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انسان، گاه دارای مرتبه‌ای در پیشگاه خداوند است که با عمل خویش، بدان نمی‌رسد تا آن هنگام که به ابتلای در جسم خود، آزموده شود و بدین واسطه، بدان مرتبت برسد.

۱۸۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیماری، هدیه‌هایی از جانب خداوند عز و جل به بنده است. پس محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، کسی است که بیشترین هدیه به وی رسیده باشد.

۱۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیماران، دوستان خدایند.

۱۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که در جهاد در راه خدا، در حالی کشته شده که نه پشت به دشمن، بلکه رو به دشمن داشته است، هفتاد سال [۳۰۷] بر آن که پشت به دشمن کشته شده است، به سوی بهشت، پیشی می‌گیرد. [همچنین بیماران امت من

نیز هفتاد سال پیش از تندرستان امت [به بهشت می‌روند]؛ و پیامبران، چهل سال پیش از سلیمان بن داوود به بهشت درمی‌آیند، بدان سبب که وی [در دنیای خویش سلطنتی داشته است.

۱۸۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به سلمان: ای سلمان! اگر بیمار شوی، در بیماری‌ات سه فایده است: تو به یاد خدای تبارک و تعالی هستی؛ دعایت در این حال، مستجاب است؛ و بیماری، هیچ گناهی را در تو نمی‌گذارد، مگر این که آن را فرو می‌ریزد. خداوند تو را تا پایان مهلت از بیماری به سلامت بدارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۰

۱۸۵. عنه صلی الله علیه و آله: لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ حَالَهُ فِي السُّقْمِ، مَا أَحَبَّ أَنْ يُفَارِقَ السُّقْمَ أَبَدًا. [۳۰۸]

۱۸۶. الإمام الباقر علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يُكْرِمَ عَبْدًا وَ لَهُ ذَنْبٌ؛ ابْتَلَاهُ بِالسُّقْمِ. [۳۰۹]

راجع: ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۳۰۴.

۴ / ۳

الثَّوَابُ

۱۸۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَجِبْتُ مِنَ الْمُؤْمِنِ وَ جَزَعِهِ مِنَ السُّقْمِ، وَ لَوْ يَعْلَمُ مَا لَهُ فِي السُّقْمِ مِنَ الثَّوَابِ؛ لَمَّا أَحَبَّ أَلَّا يَزَالَ سَقِيمًا حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. [۳۱۰]

۱۸۸. الإمام الحسين علیه السلام: عَادَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ، فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، كَيْفَ أَصْبَحْتَ مِنْ عَلَّتِكَ؟

فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَحْمَدُ اللَّهُ كَثِيرًا وَ أَشْكُو إِلَيْكَ كَثْرَةَ الضَّجْرِ.

قَالَ: فَلَا تَضْجِرْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، فَمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا يُصِيبُهُ وَجَعٌ إِلَّا بِذَنْبٍ قَدْ سَبَقَ مِنْهُ؛ وَ ذَلِكَ الْوَجَعُ تَطْهِيرٌ لَهُ.

قَالَ سَلْمَانُ: فَإِنْ كَانَ الْأَمْرُ عَلَى مَا ذَكَرْتَ وَ هُوَ كَمَا ذَكَرْتَ فَلَيْسَ لَنَا فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَجْرٌ خَلَا التَّطْهِيرَ.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سَلْمَانُ، إِنَّ لَكُمْ الْأَجْرَ بِالصَّبْرِ عَلَيْهِ، وَ التَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ اسْمُهُ، وَ الدُّعَاءِ لَهُ، بِهِمَا يُكْتَبُ لَكُمْ الْحَسَنَاتُ، وَ يُرْفَعُ لَكُمْ الدَّرَجَاتُ، وَ أَمَّا الْوَجَعُ فَهُوَ خَاصَّةٌ تَطْهِيرٌ وَ كَفَّارَةٌ.

قَالَ: فَقَبَّلَ سَلْمَانُ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ بَكَى، وَ قَالَ: مَنْ كَانَ يُمَيِّزُ لَنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لَوْلَاكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟! [۳۱۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۱

۱۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر مؤمن از حال خویش در ناتن درستی آگاه بود، هرگز دوست نداشت که از این ناتن درستی جدا شود.

۱۸۶. امام باقر علیه السلام: آن‌گاه که خداوند عز و جل اراده کرده باشد بنده‌ای را که گناهی دارد، گرامی بدارد، وی را به بیماری گرفتار می‌سازد.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۱۷ ح ۳۰۴.

۴ / ۳ پاداش

۱۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از مؤمن و این که از بیماری بی‌تابی کند، در شگفتیم. اگر او می‌دانست که در بیماری چه پاداشی دارد، دوست داشت پیوسته بیمار باشد تا آن هنگام که به لقای پروردگار خویش پیوندد.

۱۸۸. امام حسین علیه السلام: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، سلمان فارسی را عیادت کرد و فرمود: «ای ابو عبد الله! از بیماری خویش، در چه حالی؟».

گفت: ای امیر مؤمنان! فراوان، خدا را سپاس می‌گویم و از دل آزرده‌گی بسیار به تو شکایت می‌آورم.

فرمود: «ای ابو عبد الله! دل آزرده مباش؛ چه، هیچ کس از شیعیان ما نیست که به او دردی رسد، مگر به واسطه گناهی که پیش‌تر از او سر زده و آن بیماری، مایه پاک شدن اوست».

پس سلمان گفت: اگر چنان باشد که تو می‌گویی که چنان نیز هست، پس در این کار برای ما پاداشی جز پاک شدن از گناهان نیست.

علی علیه السلام فرمود: «ای سلمان! به واسطه شکیبایی بر بیماری، نالیدن به درگاه خداوند عزّ اسمه و دعا کردن در پیشگاه او، برایتان پاداش نیز هست و به همین کارهاست که برای شما حسنه نوشته می‌شود و مرتبت‌هایتان فراتر برده می‌شود؛ اما درد، فقط موجب پاک شدن گناه، و یک کفاره است».

سلمان پس از شنیدن این سخن، پیشانی علی علیه السلام را بوسید و گریست و گفت: ای امیر مؤمنان! اگر تو نبودی، چه کسی برای ما این چیزها را از هم باز می‌شناساند؟!

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۲

۱۸۹. الکافی عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام: حُمِي لَيْلَةً تَعْدِلُ عِبَادَةَ سِنِيهِ، وَ حُمِي لَيْلَتَيْنِ تَعْدِلُ عِبَادَةَ سَنَتَيْنِ، وَ حُمِي ثَلَاثِ تَعْدِلُ عِبَادَةَ سَبْعِينَ سَنَةً.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَبْلُغِ سَبْعِينَ سَنَةً؟

قَالَ: فَلَأَمِّهِ وَ أُبِيهِ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَبْلُغَا؟

قَالَ: فَلَقَرَاتِهِ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَبْلُغِ قَرَاتَهُ؟

قَالَ: فَلِجِرَانِهِ. [۳۱۲]

۱۹۰. الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: سَهْرُ لَيْلَةٍ مِنْ مَرَضٍ أَوْ وَجَعٍ، أَفْضَلُ وَ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ. [۳۱۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۳

۱۸۹. الکافی به نقل از ابو حمزه: امام باقر علیه السلام فرمود: «یک شب تب‌داری، با عبادت یک سال، برابر است، دو شب تب‌داری، با عبادت دو سال برابری می‌کند و سه شب تب‌داری، با عبادت هفتاد سال، برابری می‌کند».

پرسیدم: اگر شخصی به هفتاد سالگی نرسد، [چه طور]؟

فرمود: «برای پدر و مادرش خواهد بود».

پرسیدم: اگر آنها نیز به هفتاد سال نرسیده باشند؟

فرمود: «برای خویشاوندانش خواهد بود».

پرسیدم: اگر خویشاوندان او نیز نرسند؟

فرمود: «برای همسایگانش».

۱۹۰. امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام: بیداری یک شب به علت بیماری یا درد، برتر و پُرپاداش‌تر از عبادت یک سال است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۴

۱۹۱. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: رُوي أَنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَرُودُ أَهْلَ الْبَلَاءِ وَ الْمَرْضَى أَنَّ لِحَوْمَهُمْ قَدِ قُرِضَتْ

بِالْمَقَارِيضِ؛ لِمَا يَزُونَ مِنْ جَزِيلِ ثَوَابِ الْعَلِيلِ. [۳۱۴]

راجع: ج ۱، ص ۱۶۸، ح ۲۱۱ و ص ۱۷۲، ح ۲۱۸. ج ۱، ص ۲۰۴، ح ۲۷۶ و ص ۲۰۸، ح ۲۸۳.

۵/۳

ثَوَابُ مَا كَانَ يَعْمَلُ فِي الصَّحَّةِ

۱۹۲. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ مَرِضَ أَوْ سَافَرَ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ مَا كَانَ يَعْمَلُ وَ هُوَ صَاحِبٌ مُقِيمٌ. [۳۱۵]

۱۹۳. عنه صلى الله عليه و آله: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُبْتَلَى فِي جَسَدِهِ إِلَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ: اكْتُبُوا لِعَبْدِي أَفْضَلَ مَا كَانَ يَعْمَلُ فِي

صِحَّتِهِ. [۳۱۶]

۱۹۴. عنه صلى الله عليه و آله: إِذَا ابْتَلَى اللَّهُ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ بِبَلَاءٍ فِي جَسَدِهِ، قَالَ اللَّهُ:

اَكْتُبْ لَهُ صَالِحَ عَمَلِهِ الَّذِي كَانَ يَعْمَلُهُ. فَإِنْ شَفَاهُ عَسَلَهُ وَ طَهَّرَهُ، وَ إِنْ قَبَضَهُ عَفَرَ لَهُ وَ رَحِمَهُ. [۳۱۷][۳۱۸]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۱۵۵

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۵

۱۹۱. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: روایت شده که چون قیامت شود، گرفتار شدگان به بلا و بیماریان، به جهت پاداش

فراوانی که برای بیمار می بینند، آرزو می کنند که کاش در دنیا گوشه نشانی با قیچی، پاره پاره شده بود.

ر. ک: ج ۱، ص ۱۶۹ ح ۲۱۱. ج ۱، ص ۱۷۳ ح ۲۱۸. ج ۱، ص ۲۰۵ ح ۲۷۶. ج ۱، ص ۲۰۹ ح ۲۸۳. ج ۱، ص ۱۶۱ (تحلیلی درباره

احادیث پاداش بیماری ها).

### ۳/۵ پاداش آنچه در دوران تندرستی انجام می داده است

۱۹۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس بیمار شود یا به سفر برود، [اعمالی که در اثر سفر یا بیماری ترک می شود]، پاداشی

همانند آن خواهد داشت که در دوران تندرستی و زمان اقامت در وطن، انجام داده است.

۱۹۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هیچ مسلمانی نیست که به گرفتاری ای جسمی مبتلا شود، مگر آن که خداوند عز و جل، به

فرشتگان خویش می فرماید: «برای او پاداش بهترین کارهایی را که در دوران تندرستی انجام می داده است، بنویسید».

۱۹۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: اگر خداوند، بنده مسلمان را به بلایی در جسمش گرفتار سازد، [به فرشته می فرماید: «برای او

عمل صالحی را که پیش تر انجام می داده است، بنویس»]. پس خداوند، اگر او را شفا دهد، او را می شوید و تطهیر می کند و اگر

جانش بستاند، وی را می آمرزد و رحمت می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۶

۱۹۵. عنه صلى الله عليه و آله: مَا أَحَدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يُصَابُ بِبَلَاءٍ فِي جَسَدِهِ إِلَّا أَمَرَ اللَّهُ الْحَفَظَةَ الَّتِي يَحْفَظُونَهُ فَقَالَ: اكْتُبُوا لِعَبْدِي فِي

كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مِثْلَ مَا كَانَ يَعْمَلُ مِنَ الْخَيْرِ مَا كَانَ مَحْبُوسًا فِي وَثَاقِي. [۳۱۹]

۱۹۶. عنه صلى الله عليه و آله: لِلْمَرِيضِ أَرْبَعُ خِصَالٍ: يُرْفَعُ عَنْهُ الْقَلَمُ، وَ يَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَكَ يَكْتُبُ لَهُ كُلَّ فَضْلٍ كَانَ يَعْمَلُهُ فِي صِحَّتِهِ، وَ

يَسْتَبْعُ مَرَضُهُ كُلَّ عُضْوٍ فِي جَسَدِهِ فَيَسْتَخْرِجُ ذُنُوبَهُ مِنْهُ، فَإِنْ مَاتَ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ، وَ إِنْ عَاشَ عَاشَ مَغْفُورًا لَهُ. [۳۲۰]

۱۹۷. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ، فَتَبَسَّمَ.

فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، رَأَيْنَاكَ رَفَعْتَ رَأْسَكَ إِلَى السَّمَاءِ، فَتَبَسَّمْتَ؟

قَالَ: نَعَمْ، عَجِبْتُ لِمَلَائِكِينَ هَبَطُوا مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ يَلْتَمِسَانِ عَبْدًا مُؤْمِنًا صَالِحًا فِي مِصْلِي كَانَ يُصَلِّي فِيهِ لِيَكْتُبَا لَهُ عَمَلَهُ فِي يَوْمِهِ وَ



لَيْتَهُ فَلَمْ يَجِدْهُ فِي مُصَيِّمَاءُ، فَعَرَجَا إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَا: رَبَّنَا عَبْدُكَ الْمُؤْمِنُ فُلَانُ التَّمَسْنَاهُ فِي مُصَلَّاهُ لِنَكْتُبَ لَهُ عَمَلَهُ لِيَوْمِهِ وَ لَيْتَهُ فَلَمْ نُصِبْهُ، فَوَجَدْنَاهُ فِي جِبَالِكُ؟!

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: اَكْتُبَا لِعَبْدِي مِثْلَ مَا كَانَ يَعْمَلُهُ فِي صِحَّتِهِ مِنَ الْخَيْرِ فِي يَوْمِهِ وَ لَيْتَهُ مَا دَامَ فِي جِبَالِي، فَإِنَّ عَلَيَّ أَنْ أَكْتُبَ لَهُ أَجْرَ مَا كَانَ يَعْمَلُهُ فِي صِحَّتِهِ إِذَا حَبَسْتُهُ عَنْهُ. [۳۲۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۷

۱۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کسی از مسلمانان نیست که به بلایی در جسم خویش گرفتار شود، مگر آن که خداوند به فرشتگان پاسبانی که او را حفظ می کنند، می فرماید: «برای بنده ام، تا زمانی که در بند من (بیماری) گرفتار باشد، در هر روز همانند آن کارهای نیکی را [برایش بنویسید که پیش تر انجام می داده است].»

۱۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای بیمار، چهار ویژگی است: قلم تکلیف از او برداشته می شود؛ خداوند به فرشته فرمان می دهد همه پاداش آنچه را در دوران تندرستی خویش انجام می داده است، بنویسید؛ بیماری وی بر همه اندام هایش گذر می کند و گناهانش را از آن بیرون می برد. پس اگر بمیرد، آمرزیده شده می میرد و اگر زنده بماند، آمرزیده شده زندگی می کند.

۱۹۷. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، سر خود را به سوی آسمان بلند کرد و لبخند زد.

پرسیدند: ای پیامبر خدا! دیدیم سر خویش را به سوی آسمان بلند کردی و لبخند زدی.

فرمود: «آری! از دو فرشته در شگفت شدم که از آسمان به زمین آمدند و بنده مؤمن درستکاری را در جای نماز خویش که همواره در آن نماز می گزارد، جستند تا برای وی، عمل آن شب و روزش را بنویسند؛ اما وی را در مصلای خویش نیافتند. پس به آسمان بازگشتند و گفتند: پروردگارا! فلان بنده مؤمن را در مکان نماز جستیم تا برای وی عملش را در آن روز و شب بنویسیم، ولی آنجا به او دست نیافتیم و او را در بند [بیماری] تو دیدیم. پس خداوند عز و جل [به آنان فرمود]: "تا زمانی که بنده ام در بند من است، برای او در هر شب و روز، همانند آنچه در دوران تندرستی اش انجام می داده است، بنویسید؛ چه، بر من است هنگامی که او را از آنچه در دوران تندرستی انجام می داده، باز داشته ام، برای وی پاداش همان را بنویسم."»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۸

۱۹۸. عنه علیه السلام: إِذَا صَبَدَ مَلَكًا الْعَبْدِ الْمَرِيضِ إِلَى السَّمَاءِ عِنْدَ كُلِّ مَسَاءٍ، يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: مَاذَا كُتِبْنَا لِعَبْدِي فِي مَرَضِهِ؟

فَيَقُولَانِ: الشُّكَايَةُ.

فَيَقُولُ: مَا أَنْصَفْتُ عَبْدِي إِنْ حَبَسْتُهُ فِي حَبْسٍ مِنْ حَبْسِي، ثُمَّ أَمْنَعُهُ الشُّكَايَةَ.

فَيَقُولُ: اَكْتُبَا لِعَبْدِي مِثْلَ مَا كُنْتُمَا تَكْتُبَانِ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ فِي صِحَّتِهِ، وَ لَا تَكْتُبَا عَلَيْهِ سَيِّئَةً حَتَّى أُطَلِّقَهُ مِنْ حَبْسِي، فَإِنَّهُ فِي حَبْسٍ مِنْ حَبْسِي. [۳۲۲]

۱۹۹. الإمام الكاظم عليه السلام: إِذَا مَرَضَ الْمُؤْمِنُ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى صَاحِبِ الشَّمَالِ: لَا تَكْتُبْ عَلَيَّ عَبْدِي مَا دَامَ فِي حَبْسِي وَ وَثَاقِي ذَنْبًا.

وَ يُوْحَى إِلَى صَاحِبِ الْيَمِينِ: أَنْ اَكْتُبْ لِعَبْدِي مَا كُنْتُ تَكْتُبُهُ فِي صِحَّتِهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ. [۳۲۳]

راجع: ج ۱، ص ۱۳۲ (تعريف المرض / حبس البدن).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۹

۱۹۸. امام صادق علیه السلام: چون در هر شامگاه، دو فرشته بنده بیمار به آسمان می روند، پروردگار تبارک و تعالی می پرسد: «برای بنده ام در بیماری اش چه نوشته اید؟»

می گویند: نالیدن.

پس خداوند می فرماید: «با بنده خویش، انصاف روا نداشته‌ام اگر او را در بازداشتی از بازداشت‌های خود بدارم و آن گاه، مانع نالیدن او شوم».

پس [به فرشتگان می فرماید: «برای بنده‌ام، همانند آن کارهای نیکی را که در دوران تندرستی‌اش می نوشتید، بنویسید و هیچ گناهی را بر او ننویسید تا هنگامی که وی را از بازداشت خویش، آزاد کنم؛ چرا که او اکنون، در زندانی از زندان‌های من است»].  
۱۹۹. امام کاظم علیه السلام: چون مؤمن بیمار شود، خداوند عز و جل به آن [فرشته که عهده‌دار جانب چپ است، وحی می فرستد: «بر بنده‌ام، تا زمانی که در بازداشت و در بند من است، چیزی منویس؛» نیز به آن که عهده‌دار جانب راست است، وحی می فرستد که: «برای بنده‌ام، آن حسناتی را که در دوران تندرستی وی می نوشتی، بنویس»].  
ر. ک: ج ۱، ص ۱۳۳ (تعریف بیماری / بازداشتگاه تن).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۱

### تحلیلی درباره احادیث پاداش بیماری‌ها

سید رضی رضوان الله تعالی علیه در ذیل حکمت چهل و دوم نهج البلاغه، یعنی این سخن امیر مؤمنان که فرمود: «خداوند، آن درد و رنجی را که داشته‌ای، مایه ریختن گناهانت قرار دهد؛ چرا که در بیماری، پاداشی نیست»، [۳۲۴] چنین می گوید:  
امام علیه السلام راست فرموده که در بیماری، اجری نیست؛ چرا که بیماری، از قبیل آن چیزهایی است که بنده به موجب آن، مستحقّ عوض می شود؛ زیرا استحقاق عوض، در مقابل چیزهایی پیدا می شود که از قبیل دردها و بیماری‌ها و آنچه در این حکم است، فعل خداوند با بنده خویش باشند. اما استحقاق اجر و ثواب در مقابل فعل بنده تحقّق می یابد. بنا بر این، میان این دو تفاوتی وجود دارد که آن حضرت، چنان که دانش ژرف کاو و رأی درست وی اقتضا می کرده، بیان فرموده است.  
باید گفت: مؤلف گران قدر نهج البلاغه، در تبیین کلام امام علیه السلام، میان «عوض» و «اجر»، در معنا تفاوت قائل شده است.  
از این رو، بیمار را مستحقّ «عوض» دانسته، نه «اجر»؛ چون بیماری، فعل

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۲

خداوند متعال است، لیکن تأمل در احادیث رسیده در مورد پاداش بیماری‌ها، ما را بدین رهنمون می شود که این احادیث، در چند دسته جای می گیرند:

۱. برخی احادیث (همانند احادیث شماره ۱۶۰ و ۱۷۷) بر این تصریح کرده‌اند که در بیماری، هیچ پاداشی وجود ندارد؛ اما بیماری، مایه طهارت شخص از گناهان است.

۲. برخی احادیث (همانند احادیث شماره ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱ و ...) بیان می کنند که بیماری، گناهان انسان را می ریزد، با این تفاوت که این دسته احادیث، نسبت به مسئله اجر و پاداش، سکوت کرده‌اند.

۳. برخی احادیث (همانند حدیث شماره ۱۸۰) بیان می کنند که بیماری، مرتبه انسان را بالا می برد.

۴. برخی احادیث (همانند احادیث شماره ۱۸۷ و ۱۹۰) به وجود پاداش بزرگی برای بیماری تصریح می کند و برخی (مانند حدیث شماره ۱۸۹) از این خبر می دهند که پاداش سه شب تبار بودن، با عبادت هفتاد سال، برابر است.

۵. در برخی احادیث (مانند احادیث باب ۵/۳) آمده که در نامه عمل بیمار، پاداشی معادل انجام دادن اعمالی که به سبب بیماری توفیق انجام دادن آنها را نیافته، نوشته می شود.

۶. حدیث شماره ۱۸۸، در حقیقت، جمع بندی همه انواع احادیث پیش گفته است و در آن، امیر مؤمنان، در پاسخ این پرسش سلمان

که: «آیا اگر بیمار شدیم، بهره‌ای جز پاک شدن از گناهان نیز برایمان هست یا نه؟»، فرمود: «به واسطه شکیبایی بر بیماری، نالیدن به درگاه خداوند عزّ و جمه و دعا کردن در پیشگاه او، برایتان پاداشی نیز هست و به همین کارهاست که برای شما حسنه نوشته می‌شود و مرتبت‌هایتان فراتر برده می‌شود. اما درد، فقط موجب پاک شدن از گناه

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۳

ناه و یک کفّاره است».[۳۲۵]

ناگفته پیداست که بیماری، یک عمل برای انسان نیست تا برای وی پاداش در بر داشته باشد و از همین رو، از دیدگاه امام علیه السلام، آن‌گاه که مؤمنی در برابر درد و بیماری شکیبایی ورزد و در پیشگاه خداوند، دعا و زاری کند، بدان سبب که این شکیبایی و دعا، عملی از اعمال انسان است، پاداش خواهد داشت و به واسطه آن به مرتبت وی در پیشگاه خداوند، افزوده می‌شود و برای او حسنات نوشته خواهد شد.

از همین جاست که می‌بینیم روایت‌های این فصل، به رغم همه اختلافات ظاهری، هیچ تعارضی با همدیگر ندارند؛ چه، روایت‌هایی که از پاداش نداشتن بیماری سخن می‌گویند، نه به عمل و نیت بیمار، بلکه به نفس بیماری نظر دارند، و روایت‌هایی که به ثواب بیمار و بالا رفتن مرتبت او تصریح می‌کنند، به شکیبایی و مقاومت و نیت او ناظرند و از این رو، اگر بیمار در دوران تندرستی، برای مثال، نماز شب می‌خوانده، برای وی در دوران بیماری، پاداش آن نیز نوشته می‌شود. بیماری که علاوه بر این، صبر هم می‌کند، افزون بر این پاداش، پاداش شکیبایی خویش را هم می‌گیرد، و بیماری هم که علاوه بر آن، دعا و تضرّع می‌کند، مرتبت وی نیز نزد خداوند، بالا می‌رود و از مراتب بالا برخوردار می‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۴

#### الفصل الرابع: واجبات المريض

۱ / ۴

#### كِتْمَانُ الْمَرَضِ

۲۰۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ كِتْمَانُ الْمَصَائِبِ، وَ الْأَمْرَاضِ، وَ الصَّدَقَةِ. [۳۲۶]

۲۰۱. عنه صلى الله عليه و آله: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: إِذَا اسْتَكَى عَبْدِي فَأَظْهَرَ الْمَرَضَ مِنْ قَبْلِ ثَلَاثِ، فَقَدْ شَكَانِي. [۳۲۷]

۲۰۲. ربيع الأبرار عن عمران بن الحصين أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ رِجَالًا كَانُوا يَأْتُونَنِي، لَمْ أَرِ أَحْسَنَ وَجُوهًا وَلَا أَطْيَبَ أَرْوَاحًا مِنْهُمْ، ثُمَّ انْقَطَعُوا عَنِّي! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: أَصَابَكَ جُرْحٌ فَكُنْتَ تَكْتُمُهُ؟ فَقَالَ: أَجَل.

[قال:] [۳۲۸] ثُمَّ أَظْهَرْتَهُ؟

قال: كَانَ ذَاكَ.

قال: أَمَا لَوْ أَقَمْتَ عَلَى كِتْمَانِهِ لَزَارَتْكَ الْمَلَائِكَةُ إِلَى أَنْ تَمُوتَ.

وَ كَانَ ذَلِكَ جُرْحًا أَصَابَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. [۳۲۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۵

#### فصل چهارم: وظایف بیماران

۲۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یکی از گنج‌های نیکی، پوشیده داشتن مصیبت‌ها، بیماری‌ها و صدقه است.

۲۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل فرموده است: «وقتی بنده‌ام به درد و رنجی گرفتار شود و بیماری را پیش از سه [روز] آشکار سازد، از من گلاویه کرده است».

۲۰۲. ربیع الأبرار: عمران بن حصین به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای پیامبر خدا! مردانی نزد من می‌آمدند که از آنان، خوش‌سیماتر و خوش‌بوتر ندیده‌ام؛ اما پس از چندی از من بریدند.

پیامبر خدا پرسید: «آیا زخمی به تو رسیده بود و آن را پنهان می‌داشتی؟».

گفت: آری.

جفرمود: [۳۳۰] ج «سپس، آن را آشکار ساختی؟».

گفت: چنین بود.

فرمود: «لیکن اگر همچنان پوشیده می‌داشتی، تا زمانی که زنده بودی، فرشتگان به دیدارت می‌آمدند».

[راوی می‌گوید: آن زخم، جراحی بود که وی در جهاد در راه خدا برداشته بود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۶

۲۰۳. الإمام علی علیه السلام: مَنْ كَتَمَ وَجَعًا أَصَابَهُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ مِنَ النَّاسِ وَ شَكَا إِلَى اللَّهِ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعَافِيَهُ مِنْهُ. [۳۳۱]

۲۰۴. عنه علیه السلام: إِخْفَاءُ الْفَاقَةِ وَالْأَمْرَاضِ مِنَ الْمُرُوءَةِ. [۳۳۲]

۲۰۵. عنه علیه السلام: كَانَ لِي فِيهَا مَضَى أَخٌ فِي اللَّهِ، وَ كَانَ يُعْظِمُهُ فِي عَيْنِي صِعْرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ... وَ كَانَ لَا يَشْكُو وَجَعًا إِلَّا عِنْدَ

بُرْنِهِ. [۳۳۳]

۲۰۶. الإمام الباقر علیه السلام لابنِهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ، مَنْ كَتَمَ بَلَاءً ابْتَلَى بِهِ مِنَ النَّاسِ وَ شَكَا ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، كَانَ

حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعَافِيَهُ مِنْ ذَلِكَ الْبَلَاءِ. [۳۳۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۷

۲۰۳. امام علی علیه السلام: هر کس دردی را که به وی رسیده است، سه روز از مردم پنهان بدارد و تنها به درگاه خداوند شکایت

برد، بر خداوند حق است که او را از این بیماری عافیت دهد.

۲۰۴. امام علی علیه السلام: پوشیده داشتن تهی‌دستی و بیماری‌ها از مردانگی است.

۲۰۵. امام علی علیه السلام: در گذشته، مرا برادری الهی بود؛ خردی دنیا در نگاه وی، او را در نظرم بزرگ می‌ساخت ... او از هیچ

بیماری‌ای، مگر به گاه بهبود، نمی‌نالید.

۲۰۶. امام باقر علیه السلام خطاب به فرزند خویش امام صادق علیه السلام: پسر! هر کس بلایی را که بدان گرفتار آمده است، از

مردم پنهان بدارد و در این باره، تنها به درگاه خداوند عز و جل بنالد، بر خداوند حق است که او را از آن بلا به عافیت برهاند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۸

۲۰۷. الکافی عن ابنِ اَبی عمیر عن بعضِ اصحابه عن الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ مَرَضَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَكَتَمَهُ وَ لَمْ يُخْبِرْ بِهِ أَحَدًا، أُبْدِلَ

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ لَحْمًا خَيْرًا مِنْ لَحْمِهِ، وَ دَمًا خَيْرًا مِنْ دَمِهِ، وَ بَشْرَةً خَيْرًا مِنْ بَشْرَتِهِ، وَ شَعْرًا خَيْرًا مِنْ شَعْرِهِ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! وَ كَيْفَ يُبْدِلُهُ؟

قَالَ: يُبْدِلُهُ لَحْمًا وَ دَمًا، وَ شَعْرًا وَ بَشْرَةً لَمْ يُذْنِبْ فِيهَا. [۳۳۵]

إِظْهَارُ الْمَرَضِ عِنْدَ الطَّيِّبِ

۲۰۸. الإمام علي عليه السلام: مَنْ كَتَمَ الْأَطِبَاءَ مَرَضَهُ، خَانَ بَدَنَهُ. [۳۳۶]

۲۰۹. عنه عليه السلام: مَنْ كَتَمَ مَكُونِ دَائِهِ، عَجَزَ طَبِيبُهُ عَنِ شِفَائِهِ. [۳۳۷]

۲۱۰. عنه عليه السلام: لَا شِفَاءَ لِمَنْ كَتَمَ طَبِيبَهُ دَاءَهُ. [۳۳۸]

الصَّبْرُ

۲۱۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: يُكْتَبُ أَنْيُنُ الْمَرِيضِ، فَإِنْ كَانَ صَابِرًا كُتِبَ حَسَنَاتٍ، وَإِنْ كَانَ جَزِعًا كُتِبَ هَلُوعًا لَا أَجْرَ لَهُ. [۳۳۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۹

۲۰۷. الکافی به نقل از ابن ابی عمیر، از یکی از یاران امام صادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس سه روز بیمار باشد و آن را پنهان کند و هیچ کس را از آن آگاه نسازد، خداوند برای او گوشتی بهتر از آن گوشت [که در بیماری از دست رفته است، خونی بهتر از خونس، پوستی بهتر از پوست وی و مویی بهتر از موی وی، جایگزین می کند».

پرسیدم: فدایت شوم! چگونه جایگزین می سازد؟

فرمود: «برای او گوشت، خون، پوست و مویی را جایگزین می کند که با آنها گناه نکرده است».

#### ۲ / ۴ اظهار بیماری نزد پزشک

۲۰۸. امام علی علیه السلام: هر کس بیماری خود را از طبیبان پنهان دارد، بر بدن خویش، خیانت روا داشته است.

۲۰۹. امام علی علیه السلام: هر کس دردهای نهفته خویش را پنهان بدارد، طبیبش از درمان وی فرو ماند.

۲۱۰. امام علی علیه السلام: برای کسی که بیماری خویش را از طبیب خود پنهان بدارد، درمانی نیست.

#### ۳ / ۴ شکیبایی

۲۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ناله بیمار، نوشته می شود. پس اگر شکیبا باشد، [این ناله حسنه نوشته می شود و اگر بی تاب باشد، ناشکیبا و بی پاداش نوشته می شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۰

۲۱۲. عنه صلی الله علیه و آله: كُذِّلَ عَبْدٌ مُوَكَّلٌ بِهِ مَلَكَانِ فِي مَرَضِهِ، فَإِذَا مَرَضَ قَالَا: يَا رَبِّ، إِنَّ عَبْدَكَ فُلَانًا قَدْ مَرَضَ وَهُوَ أَعْلَمُ بِهِ فَيَقُولُ:

انظروا ما ذا يقول فإن صبر و احتسب و رجا فيه الخير، أديا ذلك إلى الله، فيقول الله: فإني أشهدكم أنه إن رفعته أبدلته دما خيرا من دمه، و لهما خيرا من لحمه، و غفرت له ذنبه. و إن قبضته أدخلته الجنة.

و إن جزع و هلع قال: إن رفعته أبدلته لهما شرًا من لحمه، و دما شرًا من دمه، و عاقبته بدنيه، و إن عاقبته أدخلته النار. [۳۴۰]

۲۱۳. عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ مَرَضَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً فَلَمْ يَشْكُ إِلَى عِيَادِهِ، بَعَثَ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ خَلِيلِهِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ السَّلَام، حَتَّى يَجُوزَ الصُّرَاطَ كَالْبُرْقِ اللَّامِعِ. [۳۴۱]

۲۱۴. عنه صلى الله عليه و آله: قَالَ اللَّهُ عز و جل: مَنْ مَرَضَ ثَلَاثًا فَلَمْ يَشْكُ إِلَى أَحَدٍ مِنْ عَوَادِهِ، أَبَدَلْتُهُ لَحْمًا خَيْرًا مِنْ لَحْمِهِ وَ دَمًا خَيْرًا مِنْ دَمِهِ، فَإِنْ عَافَيْتُهُ عَافَيْتُهُ وَلَا ذَنْبَ لَهُ، وَإِنْ قَبَضْتُهُ قَبَضْتُهُ إِلَى رَحْمَتِي. [۳۴۲]

۲۱۵. الإمام علي عليه السلام: الْمَرِيضُ فِي سِجْنِ اللَّهِ مَا لَمْ يَشْكُ إِلَى عَوَادِهِ تُمَحِّي سَيِّئَاتِهِ. [۳۴۳]

۲۱۶. الإمام الصادق عليه السلام وَ قَدْ سُئِلَ عَنْ حَيْدِ الشُّكَايَةِ لِلْمَرِيضِ فَقَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ يَقُولُ: حُمِمْتُ الْيَوْمَ وَ سَيَّهَرْتُ الْبَارِحَةَ، وَ قَدْ صَدَقَ وَ لَيْسَ هَذَا شِكَايَةً، وَ إِنَّمَا

الشُّكْوَى أَنْ يَقُولَ: قَدْ ابْتَلَيْتُ بِمَا لَمْ يُتَلَّ بِهِ أَحَدٌ، وَ يَقُولَ: لَقَدْ أَصَابَنِي مَا لَمْ يُصَبْ أَحَدًا. وَ لَيْسَ الشُّكْوَى أَنْ يَقُولَ: سَيَّهَرْتُ الْبَارِحَةَ وَ حُمِمْتُ الْيَوْمَ، وَ نَحْوَ هَذَا. [۳۴۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۱

۲۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر هر بنده‌ای در هنگام بیماری، دو فرشته گمارده می‌شود. آنان چون شخص بیمار شود، می‌گویند: پروردگارا! فلان بنده تو بیمار شده است؛ و البته او خود، به این نکته آگاه‌تر است. پس خداوند می‌فرماید: «بنگرید که چه می‌گوید». اگر شکیبایی کند و پاداش خویش از خداوند خواهد و در این بیماری، امید خیر داشته باشد، آن را به بارگاه خدا می‌رساند.

پس خداوند می‌فرماید: «اینک من، شما را گواه می‌گیرم که چنانچه بیماری او را برطرف کنم، برایش خونی بهتر از خون وی، و گوشتی بهتر از گوشت وی، جایگزین می‌سازم و او را می‌آمزم؛ و اگر نیز جان او را بستانم، وی را به بهشت درمی‌آورم. اما اگر بی‌تابی و ناشکیبی کند، خداوند می‌فرماید: «اگر بیماری او را برطرف کنم، بر این، گوشتی بدتر از گوشتش، و خونی بدتر از خونسش جایگزین می‌کنم و او را به گنااهش کیفر می‌دهم و چنانچه او را کیفر دهم، او را به دوزخ درمی‌آورم». [۳۴۵]

۲۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یک شبانه روز بیمار شود و نزد عیادت کنندگانش شکوه نکند، خداوند، او را در روز قیامت، با خلیل خویش، ابراهیم خلیل الرحمن، برمی‌انگیزد، تا به‌سان برقی پُر درخشش، از صراط بگذرد.

۲۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل فرموده است: «هر کس، سه روز بیمار باشد و در این مدت، نزد هیچ‌یک از عیادت‌کنندگان شکوه نکند، برای او گوشتی بهتر از گوشت [پیشین وی، و خونی بهتر از خون وی، جایگزین می‌سازم و اگر او را بهبود بخشم، در حالی عافیت می‌دهم که هیچ گناهی برایش نمانده است، و اگر جان او را بستانم، به سوی رحمت خویش می‌ستانم».

۲۱۵. امام علی علیه السلام: بیمار، تا آن هنگام که نزد عیادت‌کنندگان خویش شکوه نکرده، در زندان خداوند است و گناهایش محو می‌شوند.

۲۱۶. امام صادق علیه السلام هنگامی که از ایشان درباره تعریف شکوه از سوی بیمار پرسیده شد: گاه شخص می‌گوید: «امروز، تب دارم» و «دیشب، بیدار ماندم». این سخن او، راست است و شکوه نیست. شکوه، تنها آن است که بگوید: «به چیزی مبتلا شدم که هیچ کس، بدان گرفتار نیامده است»؛ و بگوید: «چیزی دامنگیرم شده که دامنگیر هیچ کس دیگر نشده است»؛ اما شکوه آن نیست که بگوید: «دیشب، بیدار بودم» و «امروز، تب دارم»، یا سخنی دیگر از این قبیل.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۲

۴/۴

الشُّكْرُ

۲۱۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا مَرَضَ الْعَبْدُ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ مَلَكَينِ، فَقَالَ: انظُرَا مَاذَا يَقُولُ لِعَوَادِهِ؟ فَإِنْ هُوَ إِذَا جَاؤُوهُ حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ، رَفَعْنَا ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عز و جل. وَ هُوَ أَعْلَمُ.

يَقُولُ: لِعَبْدِي عَلِيٍّ إِنْ تَوَفَّيْتُهُ أَنْ ادْخِلَهُ الْجَنَّةَ، وَإِنَّا شَفَّيْتُهُ أَنْ اِبْدِلَ لَهُ لَحْمًا خَيْرًا مِنْ لَحْمِهِ، وَدَمًا خَيْرًا مِنْ دَمِهِ، وَأَنْ أَكْفَرَ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ. [٣٤٦]

٢١٨. الكافي عن العرزمي عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ اشْتَكَى لَيْلَةً فَقَبِلَهَا بِقَبُولِهَا وَأَدَّى إِلَى اللَّهِ شُكْرَهَا، كَانَتْ كَعِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً.

قال أبي: فَقُلْتُ لَهُ: مَا قَبُولُهَا؟

قال: يَصْبِرُ عَلَيْهَا وَلَا يُخْبِرُ بِمَا كَانَ فِيهَا، فَإِذَا أَصْبَحَ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى مَا كَانَ. [٣٤٧]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ١٧٣

#### ٤ / ٤ سپاسگزاری

٢١٧. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون بنده بیمار شود، خداوند، دو فرشته را به سوی او می فرستد و می فرماید: «بنگرید او به عیادت کنندگان خویش، چه می گوید». اگر هنگامی که آنان نزد او آمدند، خداوند را سپاس و ستایش گفت، آن سپاس و ستایش وی را نزد خداوند عز و جل می برند؛ هر چند البته خداوند، خود، آگاه تر است. پس خداوند می فرماید: «بنده ام بر من حق دارد که اگر او را به سوی خویش ببرم، به بهشتش درمی آورم و اگر او را شفا دهم، گوشتی بهتر از گوشت وی، و خونی بهتر از خون وی برایش جایگزین می سازم و از گناهان او درمی گذرم».

٢١٨. الكافي به نقل از عرزمی، از پدرش، از امام صادق علیه السلام: «هر کس شبی بیمار باشد و این بیماری را به جان بپذیرد و سپاس آن را به درگاه خداوند بگزارد، آن شب، برایش همانند عبادت شصت سال است».

از امام علیه السلام پرسیدم: پذیرفتن بیماری چیست؟

فرمود: «بر آن شکیبایی کند، دیگران را از آنچه در این شب بیماری بر او گذشته است، خبر ندهد، و چون شب را به صبح آورد، خداوند را بر آنچه بوده است، سپاس گوید».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ١٧٤

٥ / ٤

الصَّدَقَةُ

٢١٩. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَا عُولَجَ مَرِيضٌ بِأَفْضَلِ مِنَ الصَّدَقَةِ. [٣٤٨]

٢٢٠. عنه صلی الله علیه و آله: دَاوُوا مَرَضَكُمْ بِالصَّدَقَةِ؛ فَإِنَّهَا تَدْفَعُ عَنْكُمْ الْأَمْرَاضَ وَالْأَعْرَاضَ. [٣٤٩]

٢٢١. الإمام علي عليه السلام: الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ. [٣٥٠]

٢٢٢. الإمام الصادق عليه السلام: يُسْتَحَبُّ لِلْمَرِيضِ أَنْ يُعْطِيَ السَّائِلَ بِيَدِهِ، وَيَأْمُرَ السَّائِلَ أَنْ يَدْعُوَ لَهُ. [٣٥١]

٢٢٣. طَبَّ الْأَنْمَةِ: إِنَّ رَجُلًا شَكَا إِلَيْهِ [أَيَ الْإِمَامِ الْكَاظِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ] إِنِّي فِي كَثْرَةِ مِنَ الْعِيَالِ كُلُّهُمْ مَرِيضٌ.

فَقَالَ لَهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَاوُوهُمْ بِالصَّدَقَةِ، فَلَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ إِجَابَةً مِنَ الصَّدَقَةِ، وَلَا أَجْدَى مَنَفَعَةً عَلَى الْمَرِيضِ مِنَ الصَّدَقَةِ. [٣٥٢]

٦ / ٤

الدُّعَاءُ

٢٢٤. الإمام علي عليه السلام: مَرِضْتُ فَعَادَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ:

قُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ، وَصَبْرًا عَلَى بَلِيَّتِكَ، وَخُرُوجًا إِلَى رَحْمَتِكَ».

فَقُلْتُهَا، فَقُمْتُ كَأَنَّمَا نَشَطْتُ مِنْ عِقَالٍ. [۳۵۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۵

#### ۴ / ۵ صدقه دادن

۲۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بیماری ای به چیزی برتر از صدقه، درمان نشده است.
۲۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیمارانتان را با صدقه درمان کنید، که آن، بیماری‌ها و آفت‌ها را از شما دور می‌کند.
۲۲۱. امام علی علیه السلام: صدقه، دارویی مؤثر است.
۲۲۲. امام صادق علیه السلام: مستحب است بیمار به دست خود، صدقه‌ای به سائل بدهد و از او بخواهد برای وی، دعا کند.
۲۲۳. طَبُّ الْأُتْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَرْدِي بِهِ إِمَامُ كَازِمٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ إِيْنِ نَالِيْدِ كِه: نانخور زیادی دارم که همه نیز بیمارند.
- امام کاظم علیه السلام به او فرمود: «آنان را با صدقه درمان کنید؛ زیرا هیچ چیز به اندازه صدقه به اجابت، نزدیک نیست و بیش از صدقه برای بیمار، منفعت در پی نمی‌آورد».

#### ۴ / ۶ دعا کردن

۲۲۴. امام علی علیه السلام: بیمار شدم و پیامبر خدا به عیادتم آمد و فرمود: «بگو: خداوندا! از تو می‌خواهم عافیتی را که می‌دهی، پیش اندازی، بر امتحان خویش، بردباری‌ام بخشی، و مرا به سوی رحمت خویش ببری».
- من، این دعا را خواندم و پس از آن [دعا]، از بستر بیماری برخاستم، گویا که از بندی رسته باشم.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۶
۲۲۵. عنه عليه السلام: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ مَرِيضٍ يَعُوْدُهُ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ادْعُ اللَّهُ لِي. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: قُلْ: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ، رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الْكَبِيرَ».
- فَقَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَقَامَ كَأَنَّمَا نَشَطَ مِنْ عِقَالٍ. [۳۵۴]
۲۲۶. السنن الكبرى عن عبد الله بن حسن: إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جَعْفَرٍ دَخَلَ عَلَيَّ ابْنِ لَهٍ مَرِيضٍ، يُقَالُ لَهُ صَالِحٌ، فَقَالَ: قُلْ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنِّي، اللَّهُمَّ اعْفُ عَنِّي فَإِنَّكَ عَفُوٌّ غَفُورٌ».
- ثُمَّ قَالَ: هُوَ لِإِ الْكَلِمَاتُ عَلَّمْنِيهِنَّ عَمِّي، ذَكَرَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَلَّمَهُنَّ إِيَّاهُ. [۳۵۵]
۲۲۷. الإمام زين العابدين عليه السلام في دُعَائِهِ عِنْدَ الْمَرَضِ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَدَّرُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَحَدَثَتْ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي، فَمَا أَدْرِي يَا إِلَهِي أَيُّ الْحَالِيْنَ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيُّ الْوَقْتِيْنَ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ؟ أَوْ قَتَّ الصَّحَّةَ الَّتِي هَنَأْتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ نَشَطْتَنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ؟ أَمْ وَقَتَّ الْعِلَّةَ الَّتِي مَحَّصْتَنِي بِهَا، وَ النَّعْمَ الَّتِي أَتَحَفَّتَنِي بِهَا تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيرًا لِمَا انْغَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهًا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَ تَذْكَيرًا لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِمَقْدِمِ النَّعْمَةِ؟ وَ فِي خِلَالِ ذَلِكُمْ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ، وَلَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ، وَلَا جَارِحَةٌ تَكَلَّفَتْهُ، بَلْ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانًا مِنْ صَنِيعِكَ إِلَيَّ.



اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضَيْتَ لِي، وَيَسِّرْ لِي مَا أَحَلَلْتَ بِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ دَنَسٍ مَا أَسْلَفْتُ، وَامْحُ عَنِّي شَرًّا مَا قَدَّمْتُ، وَأَوْجِدْنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ وَأَذِقْنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ.

وَاجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عِلَّتِي إِلَى عَفْوِكَ وَمُتَحَوِّلِي عَنْ صِرْعَتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ وَخَلَّاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ وَسَيِّلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ إِلَى فَرَجِكَ؛ إِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ، الْمُتَطَوِّلُ بِالْإِمْتِنَانِ الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. [۳۵۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۷

۲۲۵. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، بر مردی از انصار که بیمار شده بود، وارد شد تا او را عیادت کند. او گفت: ای پیامبر خدا! برای من به درگاه خداوند، دعا کن.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بگو» از خداوند بزرگ، پروردگار عرش بزرگ، مسئلت می‌کنم و از خداوند بزرگ، می‌خواهم».

مرد، این دعا را سه بار خواند و در پی آن، از بستر بیماری برخاست، چنان که از بند، رسته باشد.

۲۲۶. السنن الکبری به نقل از عبد الله بن حسن: عبد الله بن جعفر بن ابی طالب، بر یکی از فرزندان خویش به نام «صالح» که بیمار بود، در آمد و به او گفت: «بگو»: خدایی نیست جز خداوند بردبار بزرگوار. منزه است پروردگار عرش بزرگ! پروردگارا، مرا

بیمارز! پروردگارا، بر من رحمت فرست! پروردگارا، از من درگذر! پروردگارا، بر من ببخشای که تو بخشایشگر آمرزنده‌ای».!

[عبد الله بن جعفر] سپس گفت: اینها کلماتی است که عموم [علی علیه السلام به من آموخته و یادآور شده که پیامبر خدا، آنها را به وی، تعلیم فرموده است.

۲۲۷. امام سجّاد علیه السلام در دعای خویش به گاه بیماری: خداوند! بر سلامت تنم که پیوسته با آن به کار خویش پرداخته‌ام، تو را سپاس می‌گویم، و [نیز] بر آن بیماری‌ای که بر تنم عارض کردی، تو را سپاس می‌گویم. اکنون ای خدای من! نمی‌دانم کدام یک از این دو حال، سزامن‌تر برای سپاس گزاردن توست و کدام یک از این دو وقت، سزاوارتر برای ستودن تو.

زمان تندرستی، که در آن روزی‌های پاک خویش را گوارایم ساختی و مرا به آنها برای جستن خشنودی و فضل خود، شور و نشاط بخشیدی و با برخورداری از آنها، بر آن طاعت‌ها که توفیقش را ارزانی‌ام داشتی توانا ساختی؟ یا زمان بیماری که مرا بدان آزمودی؟ و نعمت‌هایی که به من

ارمغان دادی تا مایه سببک شدن بار گناہانی شود که پُشتم را سنگین کرده بود و مایه طهارت از آن گناہانی باشد که در آن، غوطه‌ور شده بودم، و توجّه دهنده‌ای باشد که به توبه باز گردم، و یادآوری باشد که گناه را به برکت نعمت دیرین تو بزدایم.

و در این مدت بیماری، کاتبان اعمال، برایم آن اندازه اعمال پاک نوشتند که نه به دلی‌خطور کرده است، نه بر زبانی گذشته، و نه اندامی توان انجام دادنش را یافته؛ بلکه این همه فضل تو بر من بوده و احسان و نیکی‌ای بوده است که بر من روا داشته‌ای. پروردگارا! پس بر محمد و خاندانش، درود فرست و آنچه را برایم بدان خرسندی، محبوبم بدار. آنچه را بر من وارد آورده‌ای، آسان و گوارایم ساز و مرا از آلودگی‌هایی که پیش‌تر انجام داده‌ام، پاک بدار و بدی‌هایی را که پیش‌تر فرستاده‌ام، [از نامه معلم بزدای، و شیرینی عافیت و حُکای سلامت را به من بچشان.

برون شد مرا از بیماری به سوی عفو خویش، بازگشت مرا از دوران بسترنشینی‌ام به سوی چشم‌پوشی خویش، رهایی‌ام از درد و رنجم را به فراخنای رحمت خویش، و سلامت یافتنم از این سختی را به آستان گشایش خویش، قرار ده! تویی که نیکی‌ات سرشار است و دست ممتت بر همه، گشاده. بخشنده و بزرگوار و صاحب جلال و اکرامی.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۸

۲۲۸. الإمام الصادق علیه السلام كَانَ يَقُولُ عِنْدَ الْعَلَّةِ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَيَّرْتَ أَقْوَامًا فَقُلْتَ: «قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ رَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ

كَشَفَ الضَّرَّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا» [۳۵۷] فَيَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ ضُرِّي وَلَا تَحْوِيلَهُ عَنِّي أَحَدٌ غَيْرُهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكَشَفَ ضُرِّي وَحَوْلَهُ إِلَى مَنْ يَدْعُو مَعَكَ إِلَهَا آخَرَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ. [۳۵۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۹

۲۲۸. امام صادق علیه السلام دعای ایشان به هنگام بیماری: خداوندا! تو خود، کسانی را سرزنش کردی و فرمودی: «بگو کسانی را که به جای خداوند به خدایی می‌پنداشته‌اید، فرا خوانید تا ببینید که نه نمی‌توانند سختی‌ای از شما بکشایند، و نه شما را به حالتی دیگر درآورند». پس ای آن که هیچ کس جز او نتواند سختی‌ای از من بکشاید و مرا به حالتی دیگر ببرد! بر محمد و خاندانش درود فرست، و سختی را از من بکشای و آن را به سوی کسانی ببر که در کنار تو که خدایی جز تو نیست خدایی دیگر را می‌خوانند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۰

## الفصل الخامس: التَّمْرِیضُ

۱ / ۵

تَوَابُ التَّمْرِیضِ

۲۲۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ قَامَ عَلَى مَرِيضٍ يَوْمًا وَ لَيْلَةً، بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَعَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَازَ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبُرْقِ اللَّامِعِ. [۳۵۹]

۲۳۰. الإمام عليّ عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ قَضَاهَا أَوْ لَمْ يَقْضِهَا، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.

فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: يَا أَبَى أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَإِنْ كَانَ الْمَرِيضُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، أَوْ لَيْسَ ذَلِكَ أَعْظَمَ أَجْرًا إِذَا سَعَى فِي حَاجَةٍ أَهْلِ بَيْتِهِ؟

قَالَ: نَعَمْ. [۳۶۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۱

## فصل پنجم: پرستاری

### ۱ / ۵ پاداش پرستاری

۲۲۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس یک شبانه روز بیماری را پرستاری کند، خداوند، او را همراه با ابراهیم خلیل، برمی‌انگیزد و به سان برقی پُر درخشش، از صراط می‌گذرد.

۲۳۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «هر کس در برآوردن نیاز بیماری بکوشد، خواه آن را برآورد و خواه برنیاورد، از زیر بار گناه خویش بیرون می‌رود، به سان آن روز که از مادر، زاده شده است».

در این هنگام، مردی از انصار گفت: ای پیامبر خدا، پدر و مادرم به فدایت! اگر بیمار از خانواده شخص باشد، آیا در صورتی که در برآوردن نیاز خانواده خویش بکوشد، این کار، پاداش بیشتری ندارد؟  
فرمود: «چرا».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۲

۲۳۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَطْعَمَ مَرِيضًا شَهَوْتَهُ، أَطْعَمَهُ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلًّا مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ. [۳۶۱]

۲۳۲. الكافي عن مرزم بن حكيم: زاملتُ مُحَمَّدَ بْنَ مُصَادِفٍ، فَلَمَّا دَخَلْنَا الْمَدِينَةَ اعْتَلَّتْ، فَكَانَ يَمْضِي إِلَى الْمَسْجِدِ وَ يَدْعُنِي وَحْدِي، فَشَكَوتُ ذَلِكَ إِلَى مُصَادِفٍ، فَأَخْبَرَ بِهِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ:

قُعودَكَ عِنْدَهُ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِكَ فِي الْمَسْجِدِ. [۳۶۲]

۲۳۳. الإمام الصادق عليه السلام في تفسير «الإحسان» في قوله تعالى في قصة يوسف: «بَنَيْنَا بَنَاتًا وَيْلَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» [۳۶۳]: كَانَ [يُوسُفُ يُقِيمُ عَلَى الْمَرِيضِ]. [۳۶۴]

۲ / ۵

أَدَبُ التَّمْرِیضِ

۲۳۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: لَا تُكْرِهُوا مَرَضَاكُمْ عَلَى الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُطْعِمُهُمْ وَ يَسْقِيهِمْ. [۳۶۵]

۲۳۵. سنن ابن ماجه عن ابن عباس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَادَ رَجُلًا، فَقَالَ: مَا تَشْتَهِي؟ قَالَ: أَشْتَهِي خُبْزَ بُرٍّ.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَنْ كَانَ عِنْدَهُ خُبْزُ بُرٍّ فَلْيَبِعْهُ إِلَى أَخِيهِ.

ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِذَا أَشْتَهَى مَرِيضٌ أَحَدَكُمْ شَيْئًا فَلْيُطْعِمْهُ. [۳۶۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۳

۲۳۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس غذایی را که بیمار هوس کرده است، به او برساند، خداوند، از میوه‌های بهشتی به او خواهد خوراند.

۲۳۲. الكافي به نقل از مرزم بن حكيم: با مُحَمَّد بن مصادف همسفر شدم. چون به مدینه وارد شدیم، بیمار شدم. او [در این مدت به مسجد می‌رفت و مرا تنها می‌گذاشت. از این کار به مصادف، گلایه کردم. او هم امام صادق علیه السلام را از این جریان، آگاه کرد.

امام علیه السلام برایش چنین پاسخ فرستاد: «نشستن تو نزد او، از نماز خواندن در مسجد [پیامبر صلى الله عليه و آله برتر است».

۲۳۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر واژه «احسان» در این سخن خداوند در سوره یوسف که فرمود: «ما را از تأویل آن، آگاه کن که تو را از نیکوکاران می‌بینم»: یوسف، از بیماران، پرستاری می‌کرد.

## ۲ / ۵ آداب پرستاری

۲۳۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بیماران را به خوردنی و نوشیدنی وادار مکنید؛ چرا که خداوند، به آنان می‌خوراند و می‌نوشاند.

۲۳۵. سنن ابن ماجه به نقل از ابن عباس: پیامبر خدا، مردی را عیادت کرد و از او پرسید: «چه میل داری؟». گفت: نان گندم، دوست دارم.

پیامبر صلى الله عليه و آله فرمود: «هر کس نان گندمی دارد، برای برادر خویش بفرستد».

سپس فرمود: «اگر بیماری از بیماران، چیزی را هوس کرد، آن را به وی بخورانید».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۴

۲۳۶. الإمام الصادق عليه السلام: اتى أمير المؤمنين عليه السلام بقوم سراقٍ قد قامت عليهم البيئة و أقرؤا.

قَالَ: فَقَطَعَ أَيْدِيَهُمْ، ثُمَّ قَالَ: يَا قَتْبَرُ، ضُمَّهُمْ إِلَيْكَ فِدَاؤِ كُلِّهِمْ، وَأَحْسِنِ الْقِيَامَ عَلَيْهِمْ. [۳۶۷]

۲۳۷. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: أَرَوَى أَنَّ الصَّحَّةَ وَالْعِلَّةَ يَفْتَتِلَانِ فِي الْجَسَدِ؛ فَإِنْ غَلَبَتِ الْعِلَّةُ الصَّحَّةَ اسْتَيْقَظَ الْمَرِيضُ، وَ إِنْ غَلَبَتِ الصَّحَّةُ الْعِلَّةَ اشْتَهَى الطَّعَامَ، فَإِذَا اشْتَهَى الطَّعَامَ فَاطْعِمُوهُ فَلَرُبَّمَا فِيهِ الشِّفَاءُ. [۳۶۸]

۳ / ۵

الممرضات في غزوات النبي

۲۳۸. السنن الكبرى عن الربيع [۳۶۹]: كُنَّا نَغْزُو مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَانْسَقَى الْقَوْمَ وَ نَخِدْمُهُمْ، وَ نَرُدُّ الْجَرْحِي وَ الْقَتْلِي إِلَى الْمَدِينَةِ. [۳۷۰]

۲۳۹. صحيح البخاري عن سهل بن سعد الساعدي: لَمَّا كُسِرَتْ عَلَى رَأْسِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله الْبِيضَةُ، وَ اِدْمَى وَجْهُهُ وَ كُسِرَتْ رِيَاعِيَّتُهُ [۳۷۱]، وَ كَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتَلِفُ بِالْمَاءِ فِي الْمَجْنِّ، وَ جَاءَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَغْسِلُ عَنْ وَجْهِهِ الدَّمَ، فَلَمَّا رَأَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ الدَّمَ يَزِيدُ عَلَى الْمَاءِ كَثْرَةً، عَمَدَتْ إِلَى حَصِيرٍ فَأَحْرَقَتْهَا، وَ أَلْصَقَتْهَا عَلَى جُرْحِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، فَرَقَأَ الدَّمَ. [۳۷۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۵

۲۳۶. امام صادق علیه السلام: طایفه‌ای از دزدان را که دلیل بر ضدشان اقامه شده بود و اقرار کرده بودند، نزد امیر مؤمنان آوردند. پس دستان آنان را برید و سپس فرمود: «ای قنبر! آنان را نزد خود ببر، زخم‌هایشان را درمان ساز و به نیکی از آنان، پرستاری کن».

۲۳۷. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: روایت می‌کنم که تندرستی و بیماری در بدن با همدیگر، پیکار می‌کنند. پس اگر تندرستی بر بیماری چیرگی یابد، بیمار از بستر برمی‌خیزد؛ اما اگر بیماری بر تندرستی چیره شود، بیمار، اشتهاى به غذا پیدا می‌کند. اگر او اشتها پیدا کرد، به او بخورانید، شاید که شفایش در همان باشد.

## توضیح

حدیث نخست در این باب، اشاره به این است که نداشتن اشتها نشانه‌ای از مفید نبودن و یا زیان داشتن غذا و آب برای بیمار است، چنان که مقصود از این بخش حدیث هم که فرموده «خداوند، خود به آنان می‌خوراند و می‌نوشاند»، نبود نیاز طبیعی بیمار به غذا و آب در هنگام بی‌اشتهایی است.

اما بر عکس، اشتها به غذا، نشانه‌ای از نیاز بدن به آن و فایده آن برای بیمار است و از همین رو، حدیث دوم و چهارم، به دادن آب و غذا به بیمار، سفارش کرده است. البته، طبیعی است که این نکته با آن منافات ندارد که برخی از غذاها یا نوشیدنی‌ها برای برخی از بیماران، زیان داشته باشد. بنا بر این، رایزنی با پزشک درباره کیفیت و چگونگی غذای بیمار، ضروری است.

## ۳ / ۵ زنان پرستار در نبردهای پیامبر

۲۳۸. السنن الكبرى به نقل از ربیع [۳۷۳]: ما همراه با پیامبر خدا به پیکار می‌رفتیم و به مردم، آب می‌رساندیم، آنان را خدمت می‌کردیم و معجروحان و کشتگان را به مدینه باز می‌گرداندیم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۶

۲۴۰. السيرة النبوية عن ابن إسحاق: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله قَدْ جَعَلَ سَعْدَ بْنَ مُعَاذٍ فِي حَيَمَةٍ لِامْرَأَةٍ مِنْ أَسْلَمٍ يُقَالُ لَهَا «رُفَيْدَةُ» فِي مَسْجِدِهِ، كَانَتْ تُدَاوِي الْجَرْحِي، وَ تَحْتَسِبُ بِنَفْسِهَا عَلَى خِدْمَةِ مَنْ كَانَتْ بِهِ ضَيْعَةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عليه و آله قَدْ قَالَ لِقَوْمِهِ حِينَ أَصَابَهُ السَّهْمُ بِالْخَنْدَقِ: اجْعَلُوهُ فِي خَيْمَةٍ رُفِيدَةً حَتَّى أَعُوذَهُ مِنْ قَرِيبٍ. [٣٧٤]

٢٤١. المعجم الصغير عن أنس: قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْرِجْ مَعَكَ إِلَى الْغَزْوِ؟

فَقَالَ: يَا أُمَّ سَلَمَةَ، إِنَّهُ لَمْ يُكْتَبْ عَلَى النِّسَاءِ جِهَادٌ.

فَقَالَتْ: اداوی الجرحی، و اعالج العین، و أسقی الماء.

قَالَ: فَتَعَمَّ، إِذَا. [٣٧٥]

٢٤٢. صحيح مسلم عن أنس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَغْزُو بِأُمَّ سَلِيمٍ وَ نِسْوَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ مَعَهُ إِذَا غَزَا، فَيَسْقِيَنَّ الْمَاءَ، وَ

يُدَاوِيَنَّ الْجَرْحَى. [٣٧٦]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ١٨٧

٢٣٩. صحيح البخاری به نقل از سهل بن سعد ساعدی: هنگامی که کلاه خود بر سر پیامبر خدا شکست، چهره وی به خون نشست و

دندان رباعی [٣٧٧] ایشان نیز شکست و زمانی که علی علیه السلام با سپر، آب می آورد و فاطمه علیها السلام، بدان جا آمد و از

چهره ایشان، خون را می شست، چون فاطمه علیها السلام مشاهده کرد که خون بر چهره بیشتر می شود، حصیری را برداشت و

سوزاند و این سوزانده را به زخم پیامبر خدا چسباند و پس از آن، خون، فرو نشست.

٢٤٠. السیره النبویة به نقل از ابن اسحاق: پیامبر خدا، سعد بن معاذ را در خیمه زنی از خاندان اسلم، قرار داده بود که او را «رُفیده»

می نامیدند، و این خیمه را در مسجد، برافراشته بود و در آن، مجروحان را درمان می کرد و به رایگان، به کسانی از مسلمانان که

گرفتاری ای داشتند، خدمت می کرد. پیامبر خدا، هنگامی که در نبرد خندق، تیری به سعد اصابت کرد، به کسان وی چنین فرمان

داده بود: «او را به خیمه رفیده ببرید تا وی را از نزدیک، عیادت کنم».

٢٤١. المعجم الصغير به نقل از انس: ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا! آیا می توانم به همراهت روانه پیکار شوم؟

فرمود: «ای ام سلمه! جهاد بر زنان نوشته نشده است».

ام سلمه گفت: مجروحان را درمان می کنم، چشم را علاج می سازم و آب می رسانم.

فرمود: «در این صورت، آری».

٢٤٢. صحيح مسلم به نقل از انس: پیامبر خدا، ام سلیم و زنانی از انصار را با خود به پیکار می برد و آنان، آب می رساندند و

مجروحان را درمان می کردند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ١٨٨

٢٤٣. الطبقات الكبرى: أَسْلَمَتْ أُمُّ سَلِيمٍ، وَ بَايَعَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، وَ شَهِدَتْ يَوْمَ حُنَيْنٍ وَ هِيَ حَامِلٌ بِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي

طَلْحَةَ، وَ شَهِدَتْ قَبْلَ ذَلِكَ يَوْمَ أُحُدٍ تَسْقِي الْعَطْشَى، وَ تُدَاوِي الْجَرْحَى. [٣٧٨]

٢٤٤. الطبقات الكبرى عن ام سنان الأسلمية: لَمَّا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله الْخُرُوجَ إِلَى حَيْبَرَ جِئْتُهُ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ،

أَخْرِجْ مَعَكَ فِي وَجْهِكَ هَذَا أَخْرُزُ السَّقَاءَ، وَ اداوی المریض وَ الجریح إن كانت جراح و لا تكون، و ابصر الرّحل.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: أَخْرِجِي عَلَيَّ بَرَكَةَ اللَّهِ؛ فَإِنَّ لَكَ صَوَابَ قَدْ كَلَّمَنِي وَ أَذْنُتُ لَهْنٌ مِنْ قَوْمِكَ وَ مِنْ غَيْرِهِمْ، فَإِنْ

شِئْتَ فَمَعَ قَوْمِكَ، وَ إِنْ شِئْتَ فَمَعْنَا.

قُلْتُ: مَعَكَ.

قَالَ: فَكُونِي مَعَ أُمَّ سَلَمَةَ زَوْجَتِي.

قَالَتْ: فَكُنْتُ مَعَهَا. [٣٧٩]

٢٤٥. سنن الترمذی عن یزید بن هرمل: إِنَّ نَجْدَةَ الْحَرُورِيَّ كَتَبَ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ يَسْأَلُهُ: هَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَغْزُو

بِالنِّسَاءِ؟ وَ هَلْ كَانَ يَضْرِبُ لَهُنَّ بِسَهْمٍ؟

فَكَتَبَ إِلَيْهِ ابْنُ عَبَّاسٍ: كَتَبْتَ إِلَيَّ تَسْأَلُنِي هَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَغْزُو بِالنِّسَاءِ؟ وَ كَانَ يَغْزُو بِهِنَّ فَيُدَاوِينَ الْمَرْضَى، وَ يُحَدِّثِينَ مِنَ الْعَنِيمَةِ. [٣٨٠]

٢٤٦. صحیح مسلم عن امّ عطیة الأنصاریة: غَزَوْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله سَبْعَ غَزَوَاتٍ، أَخْلَفُهُمْ فِي رِحَالِهِمْ. فَأَصْنَعُ لَهُمُ الطَّعَامَ، وَ ادَاوِي الْجَرْحَى، وَ أَقُومُ عَلَى الْمَرْضَى. [٣٨١]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ١٨٩

٢٤٣. الطبقات الكبرى: امّ سلیم، اسلام آورد و با پیامبر خدا، بیعت کرد و در نبرد حنین هم، در حالی که به عبد الله بن ابی طلحه آبتن بود، حضور یافت. او پیش تر در نبرد احد به تشنگان، آب می رساند و مجروحان را درمان می کرد.

٢٤٤. الطبقات الكبرى به نقل از امّ سنان اسلمی: هنگامی که پیامبر خدا، آهنگ خبیر داشت، به حضور وی رسیدم و گفتم: ای پیامبر خدا! آیا در این آهنگی که داری، می توانم با تو روانه شوم تا در آنجا مَشْکِ پاره شده ای را بدوزم، بیمار و مجروح را اگر خدای نکرده، مجروحانی باشند درمان کنم و پاسبان زاد و توشه باشم؟

پیامبر خدا به او فرمود: «به برکت خداوند، روانه شو؛ چه، دوستانی از تو از خاندانت و از دیگر کسان، [پیش تر] با من سخن گفته اند و من به آنان اجازه داده ام. اینک، اگر که خواستی، با خاندان خویش روانه می شوی و اگر هم خواستی، با ما». گفتم: با شما.

فرمود: «پس با امّ سلمه، همسرم، همراه باش».

پس من با او (امّ سلمه) بودم!

٢٤٥. سنن الترمذی به نقل از یزید بن هرمز: نجده حروری [٣٨٢] به ابن عباس نوشت و از او پرسید: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله، زنان را به نبردها می برد؟ و آیا برای آنان، سهمی مقرر می داشت؟

ابن عباس، در پاسخ او چنین نوشت: به من نامه نوشته ای و از من پرسیده ای که آیا پیامبر خدا، زنان را به پیکار می برد؟ [آری!]. او زنان را به پیکار می برد و آنان، بیماران را درمان می کردند و از غنیمت نیز بهره ای داده می شدند.

٢٤٦. صحیح مسلم به نقل از امّ عطیة انصاری: همراه پیامبر خدا، در هفت

جنگ، حضور یافتم. من در خیمه گاه آنان می ماندم و برایشان غذا آماده می کردم، مجروحان را درمان می ساختم و بیماران را پرستاری می کردم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ١٩٠

٢٤٧. مسند ابن حنبل عن امیة بنت ابي الصلت عن امرأة من بنی غفار: آتیتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فِي نِسْوَةٍ مِنْ بَنِي غِفَارٍ، فَقُلْنَا لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَدْ أَرَدْنَا أَنْ نَخْرُجَ مَعَكَ إِلَى وَجْهِكَ هَذَا وَ هُوَ يَسِيرُ إِلَى خَيْبَرَ فَنُدَاوِي الْجَرْحَى، وَ نُعِينُ الْمُسْلِمِينَ بِمَا اسْتَطَعْنَا. فَقَالَ: عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ.

قَالَتْ: فَخَرَجْنَا مَعَهُ...

قَالَتْ: فَلَمَّا فَتِيحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله خَيْبَرَ، رَضَخَ لَنَا مِنَ الْفَيْءِ، وَ أَخَذَ هَذِهِ الْقِلَادَةَ الَّتِي تَرَيْنَ فِي عُنُقِي فَأَعْطَانِيهَا، وَ جَعَلَهَا بِيَدِي فِي عُنُقِي، فَوَ اللَّهُ لَا تُفَارِقُنِي أَبَدًا. [٣٨٣]

٢٤٨. السنن الكبرى عن حشر بن زياد عن جدته امّ أبيه: خَرَجْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فِي غُزَاةِ خَيْبَرَ وَ أَنَا سَادِسَةٌ سِتِّ نِسْوَةٍ، فَلَمَّا فَتِيحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَنْ مَعَهُ نِسَاءٌ، فَأَرْسَلَ إِلَيْنَا فَأَتَيْنَاهُ، فَرَأَيْنَا عَلَى وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله الْعَضْبَ.

فَقَالَ لَنَا: مَا أَخْرَجَكُنَّ وَ بِأَمْرِ مَنْ خَرَجْتُنَّ؟

قُلْنَا: خَرَجْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَعَكَ نُنَاوِلُ السَّهَامَ، وَنَسْقِي السَّوِيقَ، وَنُدَاوِي الْجَرْحَى، وَنَغْزِلُ الشَّعْرَ نُعِينُ بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.  
قَالَ: قُمْنَ فَأَنْصُرِفَنَ.

قَالَتْ: فَلَمَّا فَتَحَ اللَّهُ لِرَسُولِهِ خَيْبَرَ أَسْهَمَ لَنَا كَسِهَامِ الرِّجَالِ.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهَا: يَا جَدَّةُ، مَا الَّذِي أَسْهَمَ لَكُنَّ؟

قَالَتْ: التَّمَرُ. [۳۸۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۱

۲۴۷. مسند ابن حنبل به نقل از امیه دختر ابو الصلت، از یکی از زنان خاندان بنی غفّار: همراه با شماری از زنان بنی غفّار، به حضور پیامبر خدا رسیدم. به ایشان گفتم: ای پیامبر خدا! ما می‌خواهیم در این پیکاری که آهنگش را کرده‌ای و در آن زمان، پیامبر صلی الله علیه و آله آهنگ خبیر داشت با تو روانه شویم و آنجا مجروحان را درمان کنیم و به مسلمانان، با آنچه در توانمان هست، یاری رسانیم.

فرمود: «در سایه برکت خداوند!».

پس ما با ایشان، روانه شدیم ....

چون پیامبر خدا، خبیر را گشود، از غنایم، قدری نیز به ما بخشید. او این گردنبند را که اکنون در گردن دارم، [از میان غنایم برداشت و به من داد و به دست خویش، بر گردنم آویخت. به خداوند سوگند، هرگز این گردنبند از من جدا نخواهد شد.

۲۴۸. السنن الکبری به نقل از حشر بن زیاد، از مادر بزرگ وی (مادر پدرش): در نبرد خبیر، در حالی که یکی از شش زن حضور یافته در آن نبرد بودم، شرکت کردم. به پیامبر خدا خبر رسید که تنی چند از زنان با او همراه شده‌اند. او در پی ما فرستاد و ما نیز نزد وی رسیدیم. بر چهره پیامبر خدا، خشم را دیدم.

او به ما فرمود: «به چه سبب و به دستور چه کسی روانه شده‌اید؟».

گفتم: ای پیامبر خدا! همراهت روانه شده‌ایم تا تیری به دست تیراندازان دهیم و سویقی [۳۸۵] به شما بخورانیم و مجروحان را درمان کنیم و مو بیافیم و بدین وسیله، به جهاد در راه خدا، یاری برسائیم.

فرمود: «برخیزید و بروید».

هنگامی که خداوند، فتح خبیر را نصیب پیامبرش کرد، وی به ما سهمی همانند سهم مردان، اختصاص داد.

راوی (حشر) می‌گوید: به او گفتم: مادر بزرگ! سهمی که به شما داد، چه بود؟

گفت: میوه.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۲

۲۴۹. الطبقات الکبری عن محمد بن عمر: حَضَرَتِ أُمُّ أَيْمَنَ الْحُدَّاءِ، وَكَانَتْ تَسْقِي الْمَاءَ وَتُدَاوِي الْجَرْحَى، وَشَهِدَتْ خَيْبَرَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. [۳۸۶]

۲۵۰. الطبقات الکبری: أَسْلَمَتْ أُمُّ عُمَارَةَ وَحَضَرَتْ لَيْلَةَ الْعَقَبَةِ، وَبَايَعَتْ رَسُولَ اللَّهِ وَشَهِدَتْ الْحُدَّاءَ، وَالْحُدَيْبِيَّةَ وَخَيْبَرَ، وَعُمَرَةَ الْقَصِيَّةَ، وَحُنَيْنًا، وَيَوْمَ الْيَمَامَةِ، وَقُطِعَتْ يَدَاهَا، وَسَمِعَتْ مِنَ النَّبِيِّ أَحَادِيثَ. [۳۸۷]

۲۵۱. الطبقات الکبری عن محمد بن يحيى بن حبان: جَرِحَتْ أُمُّ عُمَارَةَ بِأَحْدِ اثْنَيْ عَشَرَ جُرْحًا، وَقُطِعَتْ يَدَاهَا بِالْيَمَامَةِ، وَجَرِحَتْ يَوْمَ الْيَمَامَةِ سِوَى يَدَيْهَا أَحَدَ عَشَرَ جُرْحًا، فَقَدِمَتِ الْمَدِينَةَ وَبِهَا الْجِرَاحَةُ. [۳۸۸]

۲۵۲. الطبقات الکبری عن عبد الله بن زيد في ذكر معركة أحد: جَرِحْتُ يَوْمَئِذٍ جُرْحًا فِي عَضِدِي الْيُسْرَى؛ ضَرَبَنِي رَجُلٌ كَأَنَّهُ الرَّقْلُ وَلَمْ يُعْرِجْ عَلَيَّ وَمَضَى عَنِّي، وَجَعَلَ الدَّمُ لَا يَرَقًا.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: اعْصِبْ جُرْحَكَ، فَتَقْبِلْ أُمَّيَ إِلَى وَمَعَهَا عَصَائِبُ فِي

حَقْوِيهَا قَدْ أَعَدَّتْهَا لِلْجِرَاحِ فَزَبَطْتَ جُرْحِي، وَالنَّبِيُّ وَقِفْ يَنْظُرُ إِلَى. ثُمَّ قَالَتْ: انْهَضْ بَنِي فَضَارِبِ الْقَوْمِ، فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: وَمَنْ يُطِيقُ مَا تُطِيقِينَ يَا أُمَّ عُمَارَةَ! [۳۸۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۳

۲۴۹. الطبقات الكبرى به نقل از محمد بن عمر: ام ایمن در احد حضور یافت. او آب می‌رساند و مجروحان را درمان می‌کرد. وی در نبرد خیبر نیز همراه با پیامبر خدا، حضور یافت.

۲۵۰. الطبقات الكبرى: ام عماره، اسلام آورد و در شب عقبه [۳۹۰] حضور یافت و با پیامبر خدا، بیعت کرد. او در نبردهای احد، حدیبیه، خیبر، عمره القضاء [۳۹۱] حنین و یمامه نیز حضور داشت، دستش قطع شد و از پیامبر صلی الله علیه و آله احادیثی نیز شنید.

۲۵۱. الطبقات الكبرى به نقل از محمد بن یحیی بن حبان: ام عماره در احد، دوازده زخم برداشت و دستش در نبرد یمامه، قطع شد. او افزون بر دستش، در نبرد یمامه، یازده زخم دیگر برداشت و در حالی به مدینه بازگشت که هنوز این زخم‌ها بر او بود.

۲۵۲. الطبقات الكبرى در شرح نبرد احد، از عبد الله بن زید: در آن روز، دست چپ زخمی شد. مردی همانند تنه نخل، ضربتی بر من وارد آورد و بی آنکه کارم را یکسره کند، مرا فرو گذاشت. خون می‌ریخت و توقفی نداشت. در این هنگام، پیامبر خدا فرمود: «زخم خویش را ببند». پس مادرم که باندهایی برای زخم‌ها آماده ساخته و به کمر خویش بسته بود، به سراغم آمد و در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاده بود و او را می‌نگریست، زخم مرا بست. سپس گفت: پسر! برخیز و با این مردمان، پیکار کن. پیامبر خدا که این را دید، فرمود: «ای مادر عماره! چه کسی را این طاقت است که تو داری؟».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۴

۲۵۳. الطبقات الكبرى عن محمد بن عمر: شَهِدَتْ أُمَّ عُمَارَةَ بِنْتُ كَعْبٍ أَحَدًا مَعَ زَوْجِهَا غَزِيَّةَ بْنِ عَمْرٍو وَابْنَيْهَا، وَخَرَجَتْ مَعَهُمْ بِسَهْنٍ لَهَا فِي أَوَّلِ النَّهَارِ تُرِيدُ أَنْ تَسْقِيَ الْجُرْحِي، فَقَاتَلَتْ يَوْمَئِذٍ وَأَبْلَتْ بِلَاءً حَسَنًا، وَجَرِحَتْ اثْنَيْ عَشَرَ جُرْحًا بَيْنَ طَعْنِيهِ بِرُمَحٍ أَوْ ضَرْبِهِ بِسَيْفٍ، فَكَانَتْ أُمَّ سَعِيدٍ بِنْتُ سَعْدِ بْنِ رَبِيعٍ تَقُولُ: دَخَلْتُ عَلَيْهَا فَقُلْتُ: حَدِّثْنِي خَبْرَكَ يَوْمَ الْحُدِّ.

قَالَتْ: خَرَجْتُ أَوَّلَ النَّهَارِ إِلَى الْحُدِّ وَأَنَا أَنْظُرُ مَا يَصْنَعُ النَّاسُ، وَمَعِيَ سِقَاءٌ فِيهِ مَاءٌ، فَانْتَهَيْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ وَهُوَ فِي أَصْحَابِهِ وَالِدَوْلَةَ وَالرَّيْحَ لِلْمُسْلِمِينَ، فَلَمَّا انْهَزَمَ الْمُسْلِمُونَ انْحَزْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ، فَجَعَلْتُ ابْتِشْرَ الْقِتَالِ وَأَذْبُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ وَأَرْمِي بِالْقَوْسِ، حَتَّى خَلَصْتُ إِلَى الْجِرَاحِ. [۳۹۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۵

۲۵۳. الطبقات الكبرى به نقل از محمد بن عمر: ام عماره، دختر کعب، همراه با شوهرش غزیه بن عمرو و نیز دو پسرش در نبرد احد حضور یافت. او اول روز، مشکی با خود برداشت و با سپاه اسلام، همراه شد، بدان هدف که به مجروحان، آب برساند. وی در آن نبرد، پیکار کرد و جانانه جنگید. وی دوازده زخم، از ضربه نیزه تا ضربه شمشیر، برداشت.

ام سعید، دختر سعد بن ربیع، می‌گفت: [روزی بر او وارد شدم و گفتم: از ماجرای خود در نبرد احد برایم بگو.

گفت: در آغاز روز، روانه احد شدم، در حالی که مشک آبی به همراه داشتم و می‌نگریستم که مردم، چه می‌کنند. در این میان به پیامبر خدا رسیدم، در حالی که در میان یارانش بود و هنوز، چیرگی و سرافرازی از آن مسلمانان بود. هنگامی که مسلمانان شکست خوردند، به سمت پیامبر خدا رفتم و دست به کار پیکار شدم و با شمشیر زدن یا با تیر افکندن، از پیامبر خدا، دفاع می‌کردم تا زمانی که آن زخم‌ها به من رسید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۶



الْحَثُّ عَلَى الْعِيَادَةِ

۲۵۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْعِيَادَةُ سُنَّةٌ. [۳۹۳]

۲۵۵. عنه صلى الله عليه وآله: أَطْعَمُوا الْجَائِعَ، وَ عَوَّدُوا الْمَرِيضَ، وَ فُكُّوا الْعَانِيَّ. [۳۹۴]

۲۵۶. عنه صلى الله عليه وآله مِنْ وَصَايَاهُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ... سِرِّ مَيْلًا عُدَّ مَرِيضًا. [۳۹۵]

۲۵۷. عنه صلى الله عليه وآله: عَوَّدُوا الْمَرِيضَ، وَ امشُوا مَعَ الْجَنَائِزِ؛ تَذَكَّرْكُمْ الْآخِرَةَ. [۳۹۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۷

فصل ششم: عیادت بیماران

۱ / ۶ تشویق به عیادت

۲۵۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عیادت، سنت است.

۲۵۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: گرسنه را غذا بدهید، به عیادت بیماران بروید و اسیران را آزاد کنید.

۲۵۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از سفارش‌های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! ... [حتی اگر شده یک فرسخ برو و بیماری را عیادت کن.

۲۵۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بیماران را عیادت کنید و برای تشییع جنازه، همراه شوید که شما را به یاد آخرت می‌اندازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۸

۲۵۸. تاریخ دمشق عن ابن عمر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا صَلَّى بِالنَّاسِ الْغَدَاةَ، أَقْبَلَ عَلَيْهِمْ بِوَجْهِهِ فَقَالَ:

هَلْ فِيكُمْ مَرِيضٌ أَعُوذُ؟ فَإِنْ قَالُوا: لَا.

قَالَ: فَهَلْ فِيكُمْ جِنَازَةٌ أَتَبْعُهَا؟ [۳۹۷]

۲۵۹. الامام علی علیه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَادَ يَهُودِيًّا فِي مَرَضِهِ. [۳۹۸]

۲۶۰. عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: الْمَرِيضُ يُعَادُ، وَ الصَّحِيحُ يُزَارُ. [۳۹۹]

، ۲۶۱. عنه عليه السلام: مِنْ أَحْسَنِ الْحَسَنَاتِ عِيَادَةُ الْمَرِيضِ. [۴۰۰]

۲۶۲. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَ الاجْتِهَادِ، وَ اشْهَدُوا الْجَنَائِزَ، وَ عَوَّدُوا الْمَرَضِيَّ. [۴۰۱]

۲۶۳. حلیة الأولیاء عن وهب بن منبه: قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ، أَيُّ عِبَادِكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ؟

قَالَ: الَّذِينَ يَعُودُونَ الْمَرَضِيَّ، وَ يُعَزِّوْنَ الثَّكَلِيَّ، وَ يُشَيِّعُونَ الْهَلْكَى. [۴۰۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۹

۲۵۸. تاریخ دمشق به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا، هنگامی که نماز صبح را با مردم می‌خواند، رو به آنان می‌کرد و می‌فرمود: «آیا در

میان شما کسی بیمار شده است تا به عیادت او بروم؟».

اگر می‌گفتند: نه، می‌فرمود: «آیا جنازه‌ای هست تا برای تشییع آن حاضر شوم؟».

۲۵۹. امام علی علیه السلام: پیامبر صلى الله عليه وآله، یهودی‌ای را به هنگام بیماری‌اش عیادت کرد.

۲۶۰. امام علی علیه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان: بیمار را عیادت کنند و تندرست را دیدار.

۲۶۱. امام علی علیه السلام: عیادت بیمار، یکی از پسندیده‌ترین کارهای نیک است. [۴۰۳]

۲۶۲. امام صادق علیه السلام: بر شما باد پاک‌دامنی و تلاش در انجام دادن وظایف دینی! در تشییع جنازه، حاضر شوید و به عیادت بیماران بروید.

۲۶۳. حلیه الأولیاء به نقل از وهب بن متبه: موسی علیه السلام گفت: پروردگارا! کدام بنده‌ات در پیشگاه تو محبوب‌تر است؟ فرمود: «کسانی که بیماران را عیادت می‌کنند، به مادران داغدار، تسلیت می‌گویند و مردگان را تشییع می‌کنند».

## ۶ / ۲ پاداش عیادت

۲۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیادت بیمار، پاداشی بزرگ‌تر از تشییع جنازه دارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۰

۲ / ۶

### ثَوَابُ الْعِيَادَةِ

۲۶۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: عِيَادَةُ الْمَرِيضِ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ اتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ. [۴۰۴]

۲۶۵. عنه صلی الله علیه و آله: خُطَا عَائِدُ السَّقِيمِ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ السَّقِيمِ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ. [۴۰۵]

۲۶۶. عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ عَادَ مَرِيضًا لَمْ يَزَلْ يَخْوُضُ الرَّحْمَةَ حَتَّى يَجْلِسَ، فَإِذَا جَلَسَ اغْتَمَسَ فِيهَا. [۴۰۶]

۲۶۷. عنه صلی الله علیه و آله: عَائِدُ الْمَرِيضِ عَلَى مَخَارِفِ الْجَنَّةِ. [۴۰۷]

۲۶۸. صحیح مسلم عن ثوبان مولى رسول الله صلی الله علیه و آله عن رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ عَادَ مَرِيضًا لَمْ يَزَلْ فِي خُرْفَةِ

الْجَنَّةِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا خُرْفَةُ الْجَنَّةِ؟

قَالَ: جَنَاهَا. [۴۰۸]

۲۶۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ عَادَ مَرِيضًا نَادَاهُ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ: يَا فُلَانُ، طِبْتَ

و طَابَ لَكَ مَمَشَاكَ بِثَوَابٍ مِنَ الْجَنَّةِ. [۴۰۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۱

۲۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گام‌هایی که عیادت کننده بیمار از خانه خود تا نزد او برمی‌دارد، در باغ‌های بهشت برداشته شود.

۲۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به عیادت بیماری برود، [تا در راه است] پیوسته به درون رحمت، گام می‌گذارد و

چون [نزد او] بنشیند، به تمامی در رحمت، غوطه‌ور می‌شود. [۴۱۰]

۲۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیادت کننده بیمار، در راه بهشت گام می‌نهد. [۴۱۱]

۲۶۸. صحیح مسلم به نقل از ثوبان (وابسته پیامبر خدا): پیامبر خدا فرمود: «هر کس به عیادت بیماری برود، در "خرفه" [۴۱۲] بهشت

است». پرسیدند: خرفه بهشت چیست؟

فرمود: «چیدن میوه‌هایش».

۲۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بیماری را عیادت کند، منادی‌ای از آسمان او را می‌خواند:

«ای فلانی! خوش باش، و گام برداشتنت به پاداش بهشت، گوارایت باد!».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۲

۲۷۰. مسند ابن حنبل عن أبي فاخته عن الإمام علي عليه السلام: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَا عَادَ مُسْلِمٌ مُسْلِمًا إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنْ حِينَ يُصْبِحُ إِلَى أَنْ يُمَسِّيَ، وَجَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ خَرِيفًا فِي الْجَنَّةِ قَالَ: فَقُلْنَا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَمَا الْخَرِيفُ؟ قَالَ: السَّاقِيَةُ الَّتِي تَسْقِي النَّخْلَ. [۴۱۳]

۲۷۱. الإمام علي عليه السلام: ضَمِنْتُ لِسِتَّةِ الْجَنَّةِ: ... وَرَجُلٌ خَرَجَ يَعُودُ مَرِيضًا فَمَاتَ، فَلَهُ الْجَنَّةُ. [۴۱۴]

۲۷۲. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ فِيمَا نَاجَى بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ أَنْ قَالَ: يَا رَبِّ مَا بَلَغَ مِنْ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ مِنَ الْأَجْرِ؟

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَوْكُلُّ بِهِ مَلَكًا يَعُودُهُ فِي قَبْرِهِ إِلَى مَحْشَرِهِ. [۴۱۵]

۲۷۳. الإمام الصادق عليه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ عَادَ مُؤْمِنًا فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَرَضِهِ، وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا مِنَ الْعُودِ يَعُودُهُ فِي قَبْرِهِ، وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. [۴۱۶]

۲۷۴. عنه عليه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ عَادَ مُؤْمِنًا مَرِيضًا فِي مَرَضِهِ حِينَ يُصْبِحُ شَيْعُهُ سَبْعُونَ

أَلْفَ مَلَكٍ، فَإِذَا قَعَدَ عَمَرَتُهُ الرَّحْمَةُ وَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَتَّى يُمَسِّيَ، وَإِنْ عَادَهُ مَسَاءً كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى يُصْبِحَ. [۴۱۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۳

۲۷۰. مسند ابن حنبل به نقل از ابوفاخته، از امام علی علیه السلام: از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود: «هیچ مسلمانی، مسلمان دیگر را عیادت نکند، مگر این که از پگاه تا شامگاه، هفتاد هزار فرشته بر او درود فرستند و خداوند، برای او "خریفی" در بهشت قرار می دهد».

پرسیدم: ای امیر مؤمنان! مقصود از «خریف» چیست؟

فرمود: «نهری که نخل را سیراب کند».

۲۷۱. امام علی علیه السلام: برای شش تن، بهشت را ضمانت می کنم: ... مردی که به عیادت بیماری روانه شود و بمیرد، برای او بهشت است.

۲۷۲. امام باقر علیه السلام: در مناجات‌های موسی علیه السلام با پروردگار خویش آمده است که پرسید: پروردگارا! پاداش عیادت بیمار به چه مرتبه‌ای رسیده است؟

خداوند عز و جل فرمود: «فرشته‌ای را با او می گمارم که تا رستاخیز، وی را در قبرش عیادت کند».

۲۷۳. امام صادق علیه السلام: هر مؤمنی که مؤمنی دیگر را در هنگام بیماری‌اش برای خداوند عز و جل عیادت کند، خداوند، فرشته‌ای از فرشتگان عیادت کننده را با او می گمارد که در قبرش از وی عیادت نماید و تا روز قیامت برای وی آموزش بطلبد.

۲۷۴. امام صادق علیه السلام: هر مؤمنی که مؤمن دیگری را در زمان بیماری‌اش به هنگام صبح عیادت کند، هفتاد هزار فرشته، او را همراهی کنند و چون

[در نزد او] بنشینند، رحمت، او را در میان می گیرد و فرشتگان برای او از خداوند عز و جل آموزش طلبند تا زمانی که شامگاه فرا رسد؛ و اگر هم او را شامگاهان عیادت کند، او را پاداشی همانند باشد تا زمانی که شب را به صبح برساند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۴

۲۷۵. عنه عليه السلام: مَنْ عَادَ مَرِيضًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَبَدًا سَبْعِينَ أَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَغْشَوْنَ رَحْلَهُ وَيُسَبِّحُونَ فِيهِ وَيُقَدِّسُونَ وَيُهَلِّلُونَ وَيُكَبِّرُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، نِصْفُ صَلَاتِهِمْ لِعَائِدِ الْمَرِيضِ. [۴۱۸]

۲۷۶. الكافي عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام: يَتَّبِعِي لِلْمَرِيضِ مِنْكُمْ أَنْ يُؤْذَنَ إِخْوَانُهُ بِمَرَضِهِ، فَيَعُودُونَهُ فَيُؤَجِّرُ فِيهِمْ وَيُؤَجِّرُونَ فِيهِ.

قَالَ: فَقِيلَ لَهُ: نَعَمْ، هُمْ يُؤَجِّرُونَ بِمَشَاهِمِ إِلَيْهِ، فَكَيْفَ يُؤَجِّرُ هُوَ فِيهِمْ؟

قال: فَقَالَ: بِاِكْتِسَابِهِ لَهُمُ الْحَسَنَاتِ فَيُؤَجَّرُ فِيهِمْ، فَيَكْتَبُ لَهُ بِذَلِكَ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَ يُرْفَعُ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ، وَ يُمَحَى بِهَا عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ. [٤١٩]

٣ / ٦

آدابُ الْعِيَادَةِ

أُ الْعِيَادَةُ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ

٢٧٧. رسول الله صلى الله عليه و آله: لَا يُعَادُ الْمَرِيضُ إِلَّا بَعْدَ ثَلَاثٍ. [٤٢٠]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٢٠٥

٢٧٥. امام صادق علیه السلام: هر کس بیماری از مسلمانان را عیادت کند، خداوند برای همیشه، هفتاد هزار فرشته را با او می گمارد که به خانه او در می آیند و در آن تا روز قیامت، تسبیح و تقدیس خداوند و «لا اله الا الله» و «الله اکبر» می گویند و نیمی از نماز آنان برای عیادت کننده بیمار است.

٢٧٦. الکافی به نقل از عبد الله بن سنان، از امام صادق علیه السلام: «بایسته است بیمار شما، برادران خویش را از بیماری خود، آگاه سازد تا آنان، به عیادت وی بروند و هم او به سبب کار آنان، پاداشی یابد و هم آنان، در برابر آنچه برای او کرده اند، پاداش بگیرند».

در این هنگام گفته شد: آری. [می فهمیم که آنان با رفتن به عیادت بیمار، پاداش می گیرند؛ اما او چگونه به سبب کار آنان، پاداش می یابد؟]

فرمود: «به این سبب که واسطه کسب حسنات از سوی آنان شده است، به سبب آنان پاداش می یابد و بدین واسطه، برای او ده حسنه نوشته می شود، ده مرتبه مقامش بالاتر برده می شود و بدین وسیله، ده گناه از او محو می گردد».

### ٣ / ٦ آداب عیادت

#### الف عیادت، پس از سه روز

٢٧٧. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بیمار عیادت نشود، مگر پس از سه روز.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٢٠٦

ب عِيَادَةُ مَنْ لَا يَعُوذُكَ

٢٧٨. الإمام علي عليه السلام: عُدْ مَنْ لَا يَعُوذُكَ، وَ أَهْدِ إِلَى مَنْ لَا يُهْدِي إِلَيْكَ. [٤٢١]

ج إتحاف المريض

٢٧٩. الکافی عن مولی لجعفر بن محمد علیهما السلام: مَرِضٌ بَعْضُ مَوَالِيهِ فَخَرَجْنَا إِلَيْهِ نَعُوذُهُ، وَ نَحْنُ عِدَّةٌ مِنْ مَوَالِي جَعْفَرٍ، فَاسْتَقْبَلَنَا جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ، فَقَالَ لَنَا:

أَيْنَ تَرِيدُونَ؟

فَقُلْنَا: نُرِيدُ فُلَانًا نَعُوذُهُ.

فَقَالَ لَنَا: قِفُوا، فَوَقَفْنَا. فَقَالَ: مَعَ أَحَدِكُمْ تَفَاحَةٌ أَوْ سَفَرَجَلَةٌ أَوْ تُرْجَةٌ أَوْ لُعَقَةٌ مِنْ طَيْبٍ أَوْ قِطْعَةٌ مِنْ عَوْدٍ بَخُورٍ؟

فَقُلْنَا: مَا مَعَنَا شَيْءٌ مِنْ هَذَا.

فَقَالَ: أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْمَرِيضَ يَسْتَرِيحُ إِلَى كُلِّ مَا ادْخَلَ بِهِ عَلَيْهِ! [٤٢٢]

## د التَّلَطُّفُ لِلْمَرِيضِ

۲۸۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَى مَرِيضٍ فَلْيَصَافِحْهُ، وَ لِيَضَعْ يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ، وَ لِيَسْأَلْهُ كَيْفَ هُوَ، وَ لِيُنْسِئَ لَهُ فِي الْأَجْلِ وَ يَسْأَلْهُ أَنْ يَدْعُوَ لَهُمْ، فَإِنَّ دُعَاءَ الْمَرِيضِ كَدُعَاءِ الْمَلَائِكَةِ. [۴۲۳]

۲۸۱. سنن الترمذی عن أبي امامة عن رسول الله صلى الله عليه وآله: تَمَامُ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ أَنْ يَضَعَ أَحَدُكُمْ يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ أَوْ قَالَ: عَلَى يَدِهِ فَيَسْأَلْهُ كَيْفَ هُوَ. [۴۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۷

## ب عیادت کسی که به عیادت نیامده است

۲۷۸. امام علی علیه السلام: به عیادت کسی که به عیادت نیامده برو، و به کسی که به تو هدیده‌ای نداده هدیه بده.

## ج هدیه دادن به بیمار

۲۷۹. الکافی به نقل از یکی از وابستگان امام صادق علیه السلام: یکی از وابستگان امام صادق علیه السلام بیمار شد و ما که شماری از وابستگان او بودیم، روانه عیادت آن بیمار شدیم. در میانه راه، امام صادق علیه السلام با ما رویارو شد و پرسید: «آهنگ کجا دارید؟».

گفتیم: آهنگ فلان کس داریم تا از او عیادت کنیم.

فرمود: «بایستید».

ما ایستادیم. پس فرمود: «آیا سبب، به، یا قطعه‌ای عود به همراه دارید؟».

گفتیم: هیچ‌یک از این چیزها را همراه نداریم.

فرمود: «آیا نمی‌دانید که بیمار از آنچه نزد وی می‌برند، احساس آرامش می‌کند؟».

## د مهربانی با بیمار

۲۸۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: چون کسی از شما بر بیماری وارد شود، با او دست بدهد، دست خویش بر پیشانی وی نهد، احوالپرسی کند، آرزوی درازتر شدن عمر وی نماید و از او بخواهد برایش دعا کند؛ چرا که دعای بیمار، به سان دعای فرشتگان است.

۲۸۱. سنن الترمذی به نقل از ابو امامه: پیامبر خدا فرمود: «کامل شدن عیادت بیمار، به آن است که هر یک از شما، دست خویش را بر پیشانی بیمار [۴۲۵]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۲۰۷

بگذارد» یا فرمود: «بر روی دست وی بگذارد و از حال او پرسد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۸

## ه الدُّعَاءُ لِلْمَرِيضِ

۲۸۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا دَخَلْتُمْ عَلَى الْمَرِيضِ فَتَنَسَّوْا لَهُ فِي أَجْلِهِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَرُدُّ شَيْئًا وَ يُطَيِّبُ بِنَفْسِهِ [۴۲۶].

۲۸۳. عنه صلى الله عليه وآله في دُعَائِهِ لِمَرِيضٍ عِنْدَ عِيَادَتِهِ لَهُ: اللَّهُمَّ آجِرُهُ عَلَى وَجَعِهِ، وَ عَافِيَهُ إِلَى مُتَهَيِّ أَجَلِهِ. [۴۲۷]

۲۸۴. السنن الكبرى عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا عَادَ الْمَرِيضَ جَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهِ، ثُمَّ قَالَ سَبْعَ مَرَّاتٍ: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيكَ»، فَإِنْ كَانَ فِي أَجَلِهِ تَأْخِيرٌ عَوْفَى مِنْ وَجَعِهِ ذَلِكَ. [۴۲۸]

۲۸۵. صحيح البخاري عن عائشة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا أَتَى مَرِيضًا أَوْ أَتَى بِهِ، قَالَ:

«أَذْهَبِ الْبَأْسَ رَبَّ النَّاسِ، اشْفِ وَأَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لَا يُعَادِرُ سُقْمًا». [۴۲۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۹

### ه دعا برای بیمار

۲۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون بر بیمار درآمدید، برای وی، آرزوی عمر دراز کنید؛ چه، این [دعا] چیزی [از اجل او] را دفع نمی کند، اما مایه خرسندی وی می شود.

۲۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای خود به هنگام عیادت یک بیمار: خداوند! او را بر دردش پاداش ده، و او را تا پایان عمرش عافیت عطا کن.

۲۸۴. السنن الكبرى به نقل از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که به عیادت بیماری می رفت، بالای سر او می نشست و سپس، هفت بار می گفت: «از خداوند بزرگ، پروردگار عرش عظیم، مسئلت دارم که شفایت دهد». پس اگر هنوز اجل آن شخص فرا نرسیده بود، از آن بیماری شفا می یافت.

۲۸۵. صحيح البخاري به نقل از عائشه: پیامبر خدا، چون نزد بیماری می رفت یا بیماری را نزد وی می آوردند، می گفت: «درد را ببر، ای پروردگار مردمان!

شفا ده که تو خود، شفا دهنده ای. شفایی جز شفای تو نیست. شفایی [ده که] چون بیاید، [هیچ بیماری ای بر جای نگذارد].»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۰

۲۸۶. صحيح مسلم عن أبي سعيد: إِنَّ جَبْرَيْلَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، اسْتَكَيْتَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ.

قال: «بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ». [۴۳۰]

و طَلَبَ الدُّعَاءَ مِنَ الْمَرِيضِ

۲۸۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ فَمُرَّهُ أَنْ يَدْعُوَ لَكَ؛ فَإِنَّ دُعَاءَهُ كَدُعَاءِ الْمَلَائِكَةِ. [۴۳۱]

۲۸۸. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ عَادَ مَرِيضًا فِي اللَّهِ، لَمْ يَسْأَلِ الْمَرِيضُ لِلْعَائِدِ شَيْئًا إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ. [۴۳۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۱

۲۸۶. صحيح مسلم به نقل از ابو سعید خدری: جبرئیل، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد! آیا بیمار شده ای؟ فرمود: «آری».

گفت: به نام خدا، تو را از هر آنچه آزارت دهد، از شر هر کس و یا هر چشم حسود، به پناه خداوند در می آورم. خداوند، شفایت دهد. به نام خدا، بر تو تعویذ می نهم.

## و التماس دعا از بیمار

۲۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون بر بیماری وارد شدی، از او بخواه برایت دعا کند؛ چرا که دعای او، به سان دعای فرشتگان است.

۲۸۸. امام صادق علیه السلام: هر کس بیماری را برای خدا عیادت کند، آن بیمار برای عیادت کننده، از خداوند چیزی نخواهد مگر آن که خداوند دعایش را استجابت کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۲

راجع: ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۲۸۰.

ز عَدَمِ الْأَكْلِ عِنْدَ الْمَرِيضِ

۲۸۹. الإمام علي عليه السلام: نهى رسول الله صلى الله عليه و آله أن يأكل العائد عند العليل، فيحبط الله أجر عيادته. [۴۳۳]

ح تخفيف الجلوس عند المريض

۲۹۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: أعظم العيادة أجراً أخفها. [۴۳۴]

۲۹۱. عنه صلى الله عليه و آله: العيادة فوق ناقة. [۴۳۵]

۲۹۲. عنه صلى الله عليه و آله: أفضل العيادة أجراً، سرعه القيام من عند المريض. [۴۳۶]

۲۹۳. عنه صلى الله عليه و آله: خير العيادة أخفها. [۴۳۷]

۲۹۴. الإمام الصادق عليه السلام: أعظمكم أجراً في العيادة أخفكم جلوساً. [۴۳۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۳

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۲۰۷ ح ۲۸۰.

## ز خوردن چیزی نزد بیمار

۲۸۹. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، از این که عیادت کننده نزد بیمار چیزی خورد، نهی فرمود، مبادا که خداوند، پاداش عیادت او را از میان برد.

## ح کم نشستن نزد بیمار

۲۹۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پُر پاداش ترین عیادت، سُبُك ترین آن است.

۲۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیادت به اندازه زمان یک بار فشردن پستان شتر، مناسب است.

۲۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پُر پاداش ترین عیادت، [عیادت همراه با] زود برخاستن از نزد بیمار است.

۲۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین عیادت، سُبُك ترین آن است.

۲۹۴. امام صادق علیه السلام: در عیادت، آن کس از شما بیشترین پاداش را می برد که کمتر از همه بنشیند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۴

۲۹۵. الإمام علي عليه السلام: إن من أعظم العواد أجراً عند الله عز و جل لمن إذا عاد أخاه خفف الجلوس، إلا أن يكون المريض

يحب ذلك ويريدُهُ و يسأله ذلك. [۴۳۹]

ط الإغاب في العيادة

۲۹۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: **أَغْتَبُوا فِي الْعِيَادَةِ**. [۴۴۰]

۲۹۷. عنه صلى الله عليه وآله: **أَغْتَبُوا فِي الْعِيَادَةِ وَ أَرْبَعُوا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَغْلُوبًا**. [۴۴۱]

۲۹۸. عنه صلى الله عليه وآله: **عُودُوا غَيْبًا، فَإِنْ اِغْمَى عَلَى مَرِيضٍ فَحَتَّى يُفِيَقَ**. [۴۴۲]

۲۹۹. عنه صلى الله عليه وآله: **أَغْتَبُوا فِي الْعِيَادَةِ وَ أَرْبَعُوا فِي الْعِيَادَةِ، وَ خَيْرُ الْعِيَادَةِ أَحْفَهَا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَغْلُوبًا فَلَا يُعَاد**. [۴۴۳]

۳۰۰. الإمام الصادق عليه السلام: **لَا تَكُونُ عِيَادَةٌ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، فَإِذَا وَجِبَتْ فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا، فَإِذَا طَالَتْ الْعِلَّةُ تُرِكَ الْمَرِيضُ وَ عِيَالُهُ**. [۴۴۴]

۳۰۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: **عِيَادَةُ الْمَرِيضِ أَوْلَ يَوْمٍ فَرِيضَةٌ، وَ مَا بَعْدَ ذَلِكَ تَطَوُّعٌ**. [۴۴۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۵

۲۹۵. امام علی علیه السلام: **پُر پاداش ترین عیادت کنندگان نزد خداوند عز و جل، کسی است که چون برادر خویش را عیادت کند سُبُک بنشیند، مگر آن که بیمار، خود نشستن نزد وی را دوست داشته باشد، آن را بخواهد و از وی خواستار آن شود.**

### ط یک روز در میان عیادت کردن

۲۹۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: **یک روز در میان، عیادت کنید.**

۲۹۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: **یک روز در میان و دو روز در میان، عیادت کنید، مگر آن که بیمار، شکست خورده بیماری خویش [و حال او وخیم باشد.**

۲۹۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: **یک روز در میان، عیادت کنید و اگر بیماری بیهوش شده باشد، تا زمان به هوش آمدنش.**

۲۹۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: **یک روز در میان، عیادت کنید و سه روز در میان، عیادت کنید. بهترین عیادت‌ها، سُبُک‌ترین آنهاست، مگر آن که [حالش وخیم باشد، که در این صورت، او را عیادت نکنند.**

۳۰۰. امام صادق علیه السلام: **در کمتر از سه روز، عیادتی نیست و آن‌گاه که عیادت لازم شود، یک روز در میان باشد. اگر هم بیماری به درازا انجامد، بیمار به کسانش وا گذارده می‌شود.**

۳۰۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: **عیادت بیمار در روز نخست، واجب است و پس از آن، دل‌بخواه.**

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۶

۴/۶

مَنْ أَكَّدَتْ عِيَادَتُهُ مِنَ الْمَرَضِيِّ

أَلْمُؤْمِنِ

۳۰۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: **لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةُ حُقُوقٍ وَاجِبَةٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ: ... وَ أَنْ يَعُودَهُ فِي مَرَضِهِ**. [۴۴۶]

۳۰۳. عنه صلى الله عليه وآله: **حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ: رَدُّ السَّلَامِ، وَ عِيَادَةُ الْمَرِيضِ وَ...** [۴۴۷]

۳۰۴. عنه صلى الله عليه وآله: **يُعَيِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَقُولُ: عَبْدِي مَا مَنَعَكَ إِذْ مَرَضْتُ أَنْ تَعُودَنِي؟ يَقُولُ: سُبْحَانَكَ! أَنْتَ رَبُّ الْعِبَادِ لَا تَأَلَّمُ وَلَا تَمْرَضُ.**

فَيَقُولُ: **مَرَضَ أَخُوكَ الْمُؤْمِنُ فَلَمْ تَعُدَّهُ، وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَوْ عُدْتَهُ لَوْجَدْتَنِي عِنْدَهُ، ثُمَّ لَتَكَلَّفْتُ بِحَوَائِجِكَ فَقَضَيْتُهَا لَكَ، وَ ذَلِكَ مِنْ كَرَامَةِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، وَ أَنَا الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ**. [۴۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۷



الف مؤمن

۳۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن بر مؤمن، هفت حق دارد که خداوند عز و جل، آنها را بر او واجب ساخته است: ... و یکی آن که او را در بیماری اش عیادت کند.

۳۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حقّ مسلمان بر مسلمان، پنج چیز است: پاسخ دادن سلام، عیادت بیمار و ....

۳۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل، در روز قیامت، بنده‌ای از بندگان خویش را نکوهش می‌کند و می‌گوید: «بنده من! چه چیز تو را از این، باز داشت که چون بیمار شدم، عیادت کنی؟».

بنده می‌گوید: سبحان الله! تو پروردگار بندگان که نه دردی بر تو عارض می‌شود و نه بیمار می‌شوی.

خداوند می‌گوید: «برادر مؤمنت، بیمار شد و او را عیادت نکردی. به عزّت و جلالم سوگند، اگر او را عیادت کرده بودی، مرا نزد او می‌یافتی و پس از آن، خود، عهده‌دار حاجت‌هایت می‌شدم و آنها را برایت بر می‌آوردم؛ و این همه از کرامت بنده مؤمن من است و من، خدای بخشاینده مهربانم».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۸

۳۰۵. عنه صلی الله علیه و آله عن الله عز و جل فی الحدیث القدسی: مَرَضْتُ فَلَمْ يَعُدْنِي ابْنُ آدَمَ، وَ ظَمِئْتُ فَلَمْ يَسْقِنِي ابْنُ آدَمَ. فَقُلْتُ: أَمْ تَمْرُضُ يَا رَبِّ!؟

قال: يَمْرُضُ الْعَبْدُ مِنْ عِبَادِي مِمَّنْ فِي الْأَرْضِ فَلَا- يُعَادُ؛ فَلَوْ عَادَهُ كَانَ مَا يَعُودُهُ لِي، وَ يَظْمَأُ فِي الْأَرْضِ فَلَا يُسْقَى؛ فَلَوْ سَقَيْتَنِي كَانَ مَا سَقَا لِي. [۴۴۹]

ب بنو هاشم

۳۰۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: عِيَادَةُ بَنِي هَاشِمٍ فَرِيضَةٌ، وَ زِيَارَتُهُمْ سُنَّةٌ. [۴۵۰]

ج العشيّة

۳۰۷. الإمام عليّ عليه السلام من وصيته لابنه الحسن عليه السلام: أكرم عشيّرتك؛ فإنّهم جناحك الذي به تطير... و عُد سَقِيمَهُمْ. [۴۵۱]

د المساكين

۳۰۸. رسول الله صلی الله علیه و آله لأبي ذرّ: جالس المساكين، و عُدْهُمْ إِذَا مَرَضُوا. [۴۵۲]

۳۰۹. سنن النسائي عن أبي امامة بن سهل بن حنيف: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَعُودُ الْمَسَاكِينَ وَ يَسْأَلُ عَنْهُمْ. [۴۵۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۹

۳۰۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در گفتگو با خداوند (در حدیث قدسی): خداوند فرمود: «ای آدمی زاده! بیمار شدم و مرا عیادت نکردی. ای آدمی زاده! تشنه شدم و سیرابم نساختی؟».

گفتم: پروردگارا! آیا تو بیمار می‌شوی؟!

فرمود: «بنده‌ای از بندگانم از همه آنها که بر روی زمین‌اند، بیمار می‌شود و او را عیادت نمی‌کنند. اگر کسی او را عیادت می‌کرد، عیادتش برای من می‌بود؛ و بنده‌ام در زمین تشنه می‌شود و او را آبی نمی‌دهند. اگر کسی او را آبی می‌رساند، آب دادن به او [همانند] آب دادن به من بود».

ب بنی هاشم

۳۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیادت بنی هاشم، واجب است و زیارت آنان، مستحب.

### ج خاندان

۳۰۷. امام علی علیه السلام در توصیه‌های ایشان به فرزندش امام حسن علیه السلام: خاندانت را گرامی بدار، که آنان، بال و پر تو اند که با آنها پرواز می‌کنی ... و به عیادت بیمارانشان برو.

### د بینوایان

۳۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به ابو ذر: با بینوایان، همنشین شو و چون بیمار شوند، عیادتشان کن.  
۳۰۹. سنن النسائی به نقل از ابو امامه بن سهل بن حنیف: پیامبر خدا، بینوایان را عیادت می‌کرد و از حال آنان می‌پرسید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۰

۵ / ۶

مَنْ لَا يُعَادُ مِنَ الْمَرَضِيِّ

۳۱۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: ثَلَاثَةٌ لَا يُعَادُونَ: صَاحِبُ الضَّرْسِ، وَ صَاحِبُ الرَّمَدِ، وَ صَاحِبُ الدَّمَلِ. [۴۵۴]

۳۱۱. عنه صلی الله علیه و آله: شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يُعَادُ إِذَا مَرِضَ. [۴۵۵]

۶ / ۶

مَا لَا يَتَّبِعِي فِي مُوَاجَهَةِ الْمَرِيضِ

۳۱۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ بِأَخِيهِ بَلَاءً، فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يُسْمِعْهُ ذَلِكَ. [۴۵۶]

۳۱۳. عنه صلی الله علیه و آله: أَقْلَمُوا مِنَ النَّظَرِ إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ وَلَا تَدْخُلُوا عَلَيْهِمْ، وَإِذَا مَرَرْتُمْ بِهِمْ فَاسْرِعُوا الْمَشَى لَا يُصِيبُكُمْ مَا

أَصَابَهُمْ. [۴۵۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۱

### ۵ / ۶ بیماری‌انی که نباید عیادت شوند

۳۱۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه طایفه عیادت نشوند: گرفتار دندان درد، گرفتار چشم درد، و آن که در بدن، دُملی دارد.

۳۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شرابخوار، چون بیمار شود، او را عیادت نکنند.

### ۶ / ۶ آنچه رویاروی بیمار، نباید انجام داد

۳۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما، برادر خویش را گرفتار بلایی ببیند، خداوند عز و جل را [بر سلامت خویش بستاید، و البته این حمد گفتن را به گوش بیمار نرساند.

۳۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گرفتار شدگان به بلا- را کمتر تماشا کنید و بر آنان، وارد نشوید و چون با آنان برخورد کردید، راه رفتن خویش را تندتر کنید تا آنچه بدانان رسیده است، به شما نیز نرسد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۲

۳۱۴. عنه صلى الله عليه وآله: لا تُدِيمُوا النَّظَرَ إِلَى الْمَجْذُومِينَ. [۴۵۸]

۳۱۵. عنه صلى الله عليه وآله: لا تُدِيمُوا النَّظَرَ إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ وَالْمَجْذُومِينَ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يَحْزَنُهُمْ. [۴۵۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۳

۳۱۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: به جذامیان، نگاه پیوسته می‌فکنید.

۳۱۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: به گرفتار شدگان بلا و جذامیان، نگاه پیوسته می‌فکنید؛ چه، این کار، آنان را اندوهگین می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۵

### بخش سوم: مباحث مربوط به اندام‌ها و دستگاه‌های بدن

#### اشاره

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۶

#### الفصل الأول: القلب و العروق

۱ / ۱

الإشارة إلى ما فيهما من الحكمة

۳۱۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ فِي الرَّجُلِ مُضَعَةً إِذَا صِيحَّتْ صِيحَّ لَهَا سَائِرُ جَسَدِهِ، وَإِنْ سَقَمَتْ سَقِمَ لَهَا سَائِرُ جَسَدِهِ قَلْبُهُ. [۴۶۰]

۳۱۷. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْتَلِ الْبَدَنَ بِدَاءٍ [۴۶۱] حَتَّىٰ جَعَلَ لَهُ دَوَاءً يُعَالِجُ بِهِ، وَ لِكُلِّ صَنِيفٍ مِنَ الدَّاءِ صِنْفٌ مِنَ الدَّوَاءِ وَ تَدْبِيرٌ وَ نَعْتٌ، وَ ذَلِكَ أَنَّ هَذِهِ الْأَجْسَامَ اسْتَسْتِ عَلَىٰ مِثَالِ الْمَلِكِ.

فَمَلِكُ الْجَسَدِ هُوَ الْقَلْبُ، وَ الْعُمَالُ الْعُرُوقُ فِي الْأَوْصَالِ [۴۶۲] وَ الدَّمَاغُ، وَ بَيْتُ الْمَلِكِ قَلْبُهُ، وَ أَرْضُهُ الْجَسَدُ، وَ الْأَعْوَانُ يَدَاؤُهُ وَ رِجَالُهُ عَيْنَاؤُهُ وَ شَفَاتَاؤُهُ وَ لِسَانُهُ وَ أُذُنَاؤُهُ. [۴۶۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۷

#### فصل یکم: قلب و عروق

#### ۱ / ۱ اشاره به حکمت نهفته در این دستگاه

۳۱۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: در انسان، پاره گوستی است که اگر سالم باشد، همه بدن به سلامت آن، سالم است و اگر گرفتار بیماری باشد، همه بدن به بیماری آن، بیمار است: قلب انسان.

۳۱۷. امام رضا علیه السلام: خداوند، بدن را به هیچ دردی گرفتار نساخته، مگر این که برای آن، دارویی هم قرار داده است که بدان، درمان شود. هر نوع درد نیز نوعی درمان و چاره دارد؛ چرا که این بدن‌ها بر سیاق یک مملکت، ساخته شده‌اند. پادشاه این سرزمین، قلب است. رگ‌هایی که در بدن و مغز وجود دارد، کارگران‌اند. خانه آن پادشاه، قلب انسان است. سرزمین آن پادشاه،

بدن انسان است، و دستان، پاها، چشمان، لبها، زبان و گوش‌ها نیز یاران اویند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۸

۳۱۸. الإمام الصادق عليه السلام للطبيب الهندي: كَانَ الْقَلْبُ كَحَبِّ الصَّنَوْبَرِ؛ لِأَنَّهُ مُنْكَسٌ، فَجُعِلَ رَأْسُهُ دَقِيقًا لِيَدْخُلَ فِي الرَّئِثَةِ فَتُرَوِّحَ عَنْهُ بِبَرْدِهَا، لِنَلَا يَشِيْطُ الدِّمَاغُ بِحَرِّهِ. [۴۶۴]

۳۱۹. عنه عليه السلام لِلْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ: أَصِفْ لَكَ الْآنَ يَا مُفَضَّلُ الْفُؤَادَ: اعْلَمْ أَنَّ فِيهِ ثُقْبًا مُوجَّهَةً نَحْوَ الثُّقْبِ الَّتِي فِي الرَّئِثَةِ تُرَوِّحُ عَنِ الْفُؤَادِ، حَتَّى لَوْ اخْتَلَفَتْ تِلْكَ الثُّقْبُ وَ تَرَائِلَ بَعْضُهَا عَنْ بَعْضٍ لَمَا وَصَلَ الرُّوحُ إِلَى الْفُؤَادِ وَ لَهَلَكَ الْإِنْسَانُ، أَيْسْتَجِيزُ ذُو فِكْرٍ وَ رَوِيَّةٌ أَنْ يَزْعُمَ أَنَّ مِثْلَ هَذَا يَكُونُ بِالْإِهْمَالِ، وَ لَا يَجِدُ شَاهِدًا مِنْ نَفْسِهِ يَنْزِعُهُ عَنِ هَذَا الْقَوْلِ؟! [۴۶۵]

۳۲۰. رسول الله عليه السلام: فِي ابْنِ آدَمَ ثَلَاثِمِئَةٌ وَ سِتُّونَ عِرْقًا، مِنْهَا مِئَةٌ وَ ثَمَانُونَ مُتَحَرِّكَةٌ، وَ مِائَةٌ وَ ثَمَانُونَ سَاكِنَةٌ، فَلَوْ سَكَنَ الْمُتَحَرِّكُ لَمْ يَبْقَ الْإِنْسَانُ، وَ لَوْ تَحَرَّكَ السَّاكِنُ لَهَلَكَ الْإِنْسَانُ؟! [۴۶۶]

۳۲۱. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَحْمِدُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثِمِئَةَ مَرَّةٍ وَ سِتِّينَ مَرَّةً عِدَدَ عُرُوقِ الْجَسَدِ، يَقُولُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ». [۴۶۷]

۳۲۲. عنه عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّ فِي ابْنِ آدَمَ ثَلَاثِمِئَةَ وَ سِتِّينَ عِرْقًا، مِنْهَا مِئَةٌ وَ ثَمَانُونَ مُتَحَرِّكَةٌ، وَ مِنْهَا مِئَةٌ وَ ثَمَانُونَ سَاكِنَةٌ، فَلَوْ سَكَنَ الْمُتَحَرِّكُ لَمْ يَنْمَ وَ لَوْ

تَحَرَّكَ السَّاكِنُ لَمْ يَنْمَ، وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ» ثَلَاثِمِئَةَ وَ سِتِّينَ مَرَّةً، وَ إِذَا أَمْسَى قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ. [۴۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۹

۳۱۸. امام صادق عليه السلام خطاب به طیب هندی: قلب، به شکل دانه صنوبر است؛ زیرا وارونه است و یک سر قلب، باریک قرار داده شده است تا به لا به لای ریه برود و با سردی آن، خودش را خنک کند، مبدا مغز از گرمای آن بسوزد.

۳۱۹. امام صادق عليه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! اکنون، قلب را برایت وصف می‌کنم: بدان که در آن، سوراخ‌هایی است، سوداده شده به سمت سوراخ‌هایی که در ریه است، و همین‌هاست که قلب را خنک می‌کند، به گونه‌ای که اگر این سوراخ‌ها با همدیگر تفاوت می‌یافتند و رو به روی هم نبودند، خنکا به قلب نمی‌رسید و انسان می‌مرد. اکنون آیا صاحب اندیشه و تأمل، روا می‌داند که بگوید چنین پدیده‌ای، به اهمال پدید آمده است، و در درون خویش، گواهی نیابد که او را از این پندار، باز بدارد؟!

۳۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آدمی زاده، سیصد و شصت رگ است و از این شمار، صد و هشتاد تا متحرک، و صد و هشتاد تا ساکن‌اند. اگر آن رگ‌های متحرک، ساکن می‌بود، انسان باقی نبود و اگر هم آن رگ‌های ساکن، متحرک می‌یافت، انسان از میان می‌رفت.

۳۲۱. امام صادق عليه السلام: پیامبر خدا، در هر روز، سیصد و شصت بار، به شمار رگ‌های بدن، خداوند را سپاس می‌گفت و می‌فرمود: «پروردگار جهانیان را به فراوانی و در هر حال، سپاس!».

۳۲۲. امام صادق عليه السلام: پیامبر خدا فرموده است: «در بدن آدمیزاد، سیصد و شصت رگ است: صد و هشتاد تای آن متحرک، و صد و هشتاد تای دیگر، ساکن‌اند. اگر آن رگ‌های متحرک، ساکن بودند، انسان نمی‌خفت؛ و اگر آن رگ‌های ساکن، متحرک بودند نیز انسان نمی‌خفت». پیامبر خدا، هر روز

صبح، سیصد و شصت بار می‌گفت: «خداوند جهانیان را به فراوانی و در هر حال، سپاس!» و شامگهان نیز چنین می‌گفت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۰

مَا يَنْفَعُ لِسَلَامَةِ الْقَلْبِ وَقُوَّتِهِ

أَتُفَّاحُ

۳۲۳. الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي التُّفَّاحِ مَا دَاوَوْا مَرَضَاهُمْ إِلَّا بِهِ، أَلَا وَإِنَّهُ أَسْرَعُ شَيْءٍ مَنفَعَةً لِلْفُؤَادِ خَاصَّةً، وَإِنَّهُ نَضُوحُهُ. [۴۶۹]

ب الخَلُّ

۳۲۴. الإمام على عليه السلام: نِعَمَ الإِدَامِ الخَلُّ يَكْسِرُ المِرَّةَ، وَيُطْفِئُ الصَّفْرَاءَ، وَيُحْيِي القَلْبَ. [۴۷۰]

۳۲۵. الإمام الصادق عليه السلام: الخَلُّ يُنِيرُ القَلْبَ. [۴۷۱]

ج الرُّمَانُ

۳۲۶. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَكَلَ رُمَانَةً عَلَى الرَّيْقِ، أَنْارَتْ قَلْبَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. [۴۷۲]

راجع: ج ۲، ص ۳۰۸، ۳۱۰، ح ۱۷۰۶، ۱۷۰۸ و ص ۳۱۲، ح ۱۷۱۵ و ح ۱۷۱۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۱

## ۲ / ۱ آنچه برای سلامت قلب و تقویت آن، مفید است

### الف سیب

۳۲۳. امام صادق علیه السلام: اگر مردم می‌دانستند در سیب چیست، بیمارانشان را جز به آن درمان نمی‌کردند. بدانید که سیب، بویژه، سودمندترین چیز برای قلب و مایه شست‌وشوی آن است.

### ب سرکه

۳۲۴. امام علی علیه السلام: سرکه، نیکو خورشتی است؛ زرداب را می‌شکند، صفرا را فرو می‌نشاند و قلب را زنده می‌کند.

۳۲۵. امام صادق علیه السلام: سرکه، قلب را روشن می‌کند.

### ج انار

۳۲۶. امام صادق علیه السلام: هر کس ناشتا انار بخورد، [آن انار]، قلبش را چهل روز روشن می‌کند.

ر. ک: خواص انار/ ج ۲، ص ۳۰۹، ۳۱۱، ح ۱۷۰۶، ۱۷۰۸

و ص ۳۱۳، ح ۱۷۱۵ و ح ۱۷۱۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۲

د العَدَسُ

۳۲۷. الإمام على عليه السلام: أَكَلُ العَدَسِ، يُرِقُّ القَلْبَ، وَيُكَيِّرُ الدَّمْعَةَ. [۴۷۳]

۳۲۸. الکافی عن فرات بن أحنف: إِنَّ بَعْضَ بَنِي إِسْرَائِيلَ شَكَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَسْوَةَ الْقَلْبِ، وَقِلَّةَ الدَّمْعَةِ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَنْ كُلِّ الْعَدَسِ، فَأَكَلَ الْعَدَسَ؛ فَرَقَّ قَلْبُهُ، وَجَرَّتْ دَمْعَتُهُ. [۴۷۴]  
 راجع: ج ۲، ص ۳۹۲ (العدس).

ه السَّفَرَجَلُ

۳۲۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُوا السَّفَرَجَلَ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْفُؤَادَ. [۴۷۵]

۳۳۰. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالسَّفَرَجَلِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْقَلْبَ، وَيَذْهَبُ بِطَخَاءِ الصَّدْرِ. [۴۷۶]

۳۳۱. عنه صلى الله عليه وآله: كُلُوا السَّفَرَجَلَ؛ فَإِنَّهُ يُجِمُّ الْفُؤَادَ، وَيُسَجِّعُ الْقَلْبَ، وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ. [۴۷۷]

۳۳۲. الإمام الكاظم عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيَجْعَفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: يَا جَعْفَرُ، كُلِّ السَّفَرَجَلَ؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّي الْقَلْبَ، وَيُسَجِّعُ الْجَبَانَ. [۴۷۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۳

## د عدس

۳۲۷. امام علی علیه السلام: عدس، دل را نازک می کند و اشک را می افزاید.

۳۲۸. الکافی به نقل از فرات بن احنف: یکی از [پیامبران بنی اسرائیل، از سنگ دلی و کمی اشک به درگاه خداوند عز و جل نالید. خداوند عز و جل به او وحی فرستاد که: «عدس بخور». او نیز عدس خورد و از آن پس، دلش نازک شد و اشکش جاری گشت. همچنین، ر. ک: ج ۲، ص ۳۹۳ (عدس).

## ه به

۳۲۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: به بخورید، که دل را جلا می دهد.

۳۳۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد خوردن به؛ چرا که دل را جلا می دهد و سنگینی و تاریکی سینه را از میان می برد.

۳۳۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: به بخورید، که دل را استواری و نشاط می بخشد، قلب را شجاعت می دهد و فرزند را نکو می سازد.

۳۳۲. امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا، به جعفر بن ابی طالب فرمود: «ای جعفر! به بخور، که قلب را قوت می دهد و ترسو را شجاعت می بخشد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۴

۳۳۳. الإمام علی علیه السلام: السَّفَرَجَلُ قُوَّةُ الْقَلْبِ، وَحَيَاةُ الْفُؤَادِ، وَيُسَجِّعُ الْجَبَانَ. [۴۷۹]

۳۳۴. عنه عليه السلام: أَكَلُ السَّفَرَجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ، وَيُطَيِّبُ الْمَعِدَّةَ، وَيُدَكِّي الْفُؤَادَ، وَيُسَجِّعُ الْجَبَانَ. [۴۸۰]

راجع: ص ۳۴۰ (خواص السفرجل).

و الكُمَثْرَى

۳۳۵. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا الْكُمَثْرَى؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْقَلْبَ، وَيُسَكِّنُ أَوْجَاعَ الْجَوْفِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. [۴۸۱]

راجع: ج ۲ ص ۴۵۰ (الکُمَثْرَى).

## ز العسل

۳۳۶. الإمام علي عليه السلام: العسلُ شفاءٌ من كلِّ داءٍ ولا داءَ فيه؛ يُقَلُّ البلغمُ، و يجلو القلبَ. [۴۸۲]

۳۳۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: نِعَمَ الشَّرَابِ العَسَلُ يَرعى القلبَ، و يذهبُ بردَ الصِّدرِ. [۴۸۳]

## ح التلین

۳۳۸. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ التَّلِينِ يَجْلُو القلبَ الحَزِينِ، كما تَجْلُو الأصابعُ العَرَقَ مِنَ الجَبِينِ. [۴۸۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۵

۳۳۳. امام علی علیه السلام: به، قوت قلب و حیات دل است و ترسو را شجاعت می بخشد.

۳۳۴. امام علی علیه السلام: خوردن به، نیروی قلب ضعیف است، معده را پاک می سازد، دل را نشاط می دهد و ترسو را شجاعت

می بخشد.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۴۱ (خواص به).

## و کلابی

۳۳۵. امام صادق علیه السلام: کلابی بخورید، که به اذن خداوند متعال، دل را جلا می دهد و دردهای درون را تسکین می بخشد.

ر. ک: ج ۲، ص ۴۵۱ (کلابی).

## ز عسل

۳۳۶. امام علی علیه السلام: عسل، شفای هر بیماری ای است و بیماری ای هم در آن نیست؛ بلغم را کم می کند و دل را جلا می دهد.

۳۳۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عسل، چه خوب نوشیدنی ای است! قلب را مراقبت می کند و سردی سینه را از میان

می برد. [۴۸۵]

## ح تلینه ۴۸۶

۳۳۸. امام صادق علیه السلام: تلینه، دل اندوهگین را جلا می بخشد، چنان که انگشتان، عرق را از پیشانی می زدایند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۶

## ط الزیخ الطیبه

۳۳۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الزَّيخَ الطَّيْبَةَ تُشَدُّ القلبَ، و تَزِيدُ فِي الجِمَاعِ. [۴۸۷]

۳ / ۱

ما يَنْفَعُ لِسَلَامَةَ العُرُوقِ

أ الباذنجان

۳۴۰. الإمام الصادق عليه السلام: أَكثَرُوا مِنَ الباذنجانِ عِنْدَ جَدادِ النَّخْلِ؛ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ داءٍ، و يَزِيدُ فِي بهاءِ الوَجْهِ، و يُلَيِّنُ العُرُوقَ،

و يَزِيدُ فِي ماءِ الصُّلبِ. [۴۸۸]

## ب الحَوَكُ

۳۴۱. الإمام الصادق عليه السلام: الحَوَكُ بَقْلَةٌ الْأَنْبِيَاءِ، أَمَا إِنَّ فِيهِ ثَمَانَ [۴۸۹] حِصَالٍ: يُمْرِئُ، وَيَفْتَحُ السُّدَدَ، وَيُطَيِّبُ الْجِشَاءَ، وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيُشْهِئُ الطَّعَامَ، وَيَسْلُ الدَّاءَ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجَذَامِ، إِذَا اسْتَقَرَّ فِي جَوْفِ الْإِنْسَانِ فَمَعَ الدَّاءُ كُلَّهُ. [۴۹۰]

## ج التَّيْنُ

۳۴۲. الإمام علي عليه السلام: أَكَلُ التَّيْنِ يُلَيِّنُ [۴۹۱] السُّدَدَ. [۴۹۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۷

## ط بوی خوش

۳۳۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را استواری می بخشد و بر توان همبستری می افزاید.

## ۱/ ۳ آنچه برای سلامتی رگها سودمند است

## الف بادنجان

۳۴۰. امام صادق علیه السلام: در هنگام خرماچینی، فراوان بادنجان (/ بادمجان) بخورید؛ چرا که شفای هر درد است، بر روشنی چهره می افزاید، رگها را نرم می کند و آب کمر (نیروی جنسی) را افزون می سازد.

## ب حوک

۳۴۱. امام صادق علیه السلام: حوک [۴۹۳] (/ باذروج) سبزی پیامبران است. بدان که در آن، هشت ویژگی است: هضم کننده است؛ گرفتگی های عروق و مجاری را می گشاید؛ آروغ را خوش بو می سازد؛ دهان را بوی خوش می بخشد؛ غذا را دوست داشتنی می سازد؛ درد و بیماری را از درون بدن، بیرون می کشد؛ و امان انسان از جذام است؛ [و] چون در درون انسان جای گیرد، همه بیماری ها را فرو می نشاند. [۴۹۴]

## ج انجیر

۳۴۲. امام علی علیه السلام: خوردن انجیر، رسوبات مجاری و رگها را نرم می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۸

## د قَصْبُ الشُّكْرِ

۳۴۳. الإمام الكاظم عليه السلام: قَصْبُ الشُّكْرِ يَفْتَحُ السُّدُودَ [۴۹۵]، وَلَا دَاءَ فِيهِ وَلَا غَائِلَةٌ. [۴۹۶]

## ه الصَّوْمُ

۳۴۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ مَحْسَمَةٌ لِلْعُرُوقِ وَمَذْهَبَةٌ لِلْأَشْرِ. [۴۹۷]



## و العشاء

۳۴۵. الإمام الصادق عليه السلام: لا تدع العشاء ولو بثلاث لقم بملح. من ترك العشاء ليلة مات عرق في جسده ولا يحيا أبدا. [۴۹۸]

۳۴۶. الإمام الرضا عليه السلام: إن في الجسد عرقا يقال له: العشاء، فإن ترك الرجل العشاء لم يزل يدعو عليه ذلك العرق إلى أن يصبح، يقول: أجاك الله كما أجتني، وأظمأك الله كما أظمأتني. فلا يدعن أحدكم العشاء ولو بلقمة من خبز أو شربة من ماء. [۴۹۹]

راجع: ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۹

## د نیشکر

۳۴۳. امام کاظم علیه السلام: نیشکر، گرفتگی های مجاری و رگ ها را باز می کند و هیچ بیماری و بدی ای در آن نیست.

## روزه

۳۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد روزه؛ چرا که طغیان رگ ها را فرو می نشاند و سرمستی را می برد. [۵۰۰]

## و شام خوردن

۳۴۵. امام صادق علیه السلام: شام را واگذار، هر چند به سه لقمه نان و نمک باشد. هر کس یک شب شام را واگذارد [۵۰۱]، یک رگ در بدن وی می میرد و این رگ، هرگز زنده نمی شود.

۳۴۶. امام رضا علیه السلام: در بدن، رگی است که آن را «عشا (شام)» گویند. اگر شخص شام خوردن را واگذارد، آن رگ تا صبح او را نفرین می کند و می گوید: «خدا، تو را گرسنه بدارد، چنان که مرا گرسنه بداشتی، و تشنه بدارد، چنان که تشنه ام نگاه داشتی». [۵۰۲] پس مبادا کسی از شما شام را واگذارد، هر چند به یک لقمه نان یا جرعه ای آب باشد.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۳۳ ح ۱۷۵۶

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۰

## الفصل الثانی: الدماغ و الأعصاب

۱ / ۲

## الإشارة إلى ما فيهما من الحكمة

۳۴۷. الإمام الصادق عليه السلام لطيب عجز عن الجواب لما سأله عليه السلام: لِمَ كَانَ فِي الرَّأْسِ سُؤُونَ؟: كَانَ فِي الرَّأْسِ سُؤُونَ؛ لِأَنَّهُ [۵۰۳] الْمُجَوَّفُ إِذَا كَانَ بِلا فَصْلٍ أَسْرَعَ إِلَيْهِ الصُّدَاعُ، فَإِذَا جَعَلَ ذَا فَصُولٍ كَانَ الصُّدَاعُ مِنْهُ أَبْعَدَ. [۵۰۴]

۳۴۸. عنه عليه السلام للمفضل بن عمر: لو رأيت الدماغ إذا كشف عنه لرأيتَه قد لفَّ بحُجْبٍ بعضُها فوق بعضٍ؛ لتصونهُ من الأعراض

و تَمَسِكَهَ فَلَا يَضْطَرِبُ، وَ لَرَأَيْتَ عَلَيْهِ الْجُمُجِمَةَ بِمَنْزِلَةِ الْبَيْضَةِ؛ كَيْمَا يُفْتُهُ هَيْدُ الصَّدْمِيَّةِ وَ الصَّكَّةِ الَّتِي رُبَّمَا وَقَعَتْ فِي الرَّأْسِ، ثُمَّ قَدْ جُلَّتِ الْجُمُجِمَةُ بِالشَّعْرِ حَتَّى صَارَ بِمَنْزِلَةِ الْفَرَوِ لِلرَّأْسِ تَسْتُرُهُ مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ وَ التَّبَرْدِ؛ فَمَنْ حَصَّنَ الدَّمَاعَ هَذَا التَّحْصِينَ إِلَّا الَّذِي خَلَقَهُ وَ جَعَلَهُ يَنْبُوعَ الْحِسِّ وَ الْمُسْتَحَقَّ لِلْحَيْطَةِ وَ الصَّبَاةِ لِعُلُوِّ مَنْزِلَتِهِ مِنَ الْبَدَنِ وَ ارْتِفَاعِ دَرَجَتِهِ وَ حَظَرِ مَرْتَبَتِهِ؟...  
يَا مُفْضَلُ، مَنْ عَيْبَ الْفُؤَادَ فِي جَوْفِ الصَّدْرِ وَ كَسَاهُ الْمِدْرَعَةَ الَّتِي هِيَ غِشَاؤُهُ، وَ حَصَّنَهُ بِالْجَوَازِحِ وَ مَا عَلَيْهَا مِنَ اللَّحْمِ وَ الْعَصَبِ؛ لِنَلَا يَصِلَ إِلَيْهِ مَا يَنْكُوهُ؟...

فَكَرَّ يَا مُفْضَلُ، لِمَ صَارَ الْمُخُّ الرَّقِيقُ مُحْصَنًا فِي أَنْبَابِ الْعِظَامِ، هَلْ ذَلِكَ إِلَّا لِيَحْفَظَهُ وَ يَصُونَهُ؟! [٥٠٥]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٢٤١

## فصل دوم: مغز و اعصاب

### ٢ / ١ اشاره به حکمت مغز و دستگاه عصبی

٣٤٧. امام صادق علیه السلام در پاسخ طبیعی فرومانده از پاسخ به این پرسش امام که: «چرا کاسه سر، از چند استخوان و لایه تشکیل می‌شود؟»: چون هر چیز درون‌تهی اگر یک پارچه باشد، شکستن، زودتر به سراغش می‌آید و چون چند تکه قرار داده شود، شکستگی از آن دورتر است.

٣٤٨. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: اگر جمجمه باز می‌شد و می‌توانستی مغز را ببینی، می‌دیدى که به حجاب‌هایی (لایه‌هایی) که روی همدیگر قرار گرفته‌اند، در میان گرفته شده است تا هم آن را از عارضه‌ها مصون بدارد، و هم آن را استوار نگه دارد، تا بدان، لرزش راه نیابد؛ و می‌دیدى که جمجمه، به سان کله‌خودی بر آن قرار گرفته است تا آن را از اثر ضربت‌های سختی که ممکن است به سر برسد، حفظ کند. سپس، تاجی از مو بر روی جمجمه پوشانده شده و این پوشش، همانند پوستینی برای سر است که آن را از شدت سرما و گرما، نگه می‌دارد. پس چه کسی مغز را در چنین دژی جای داده است، مگر همو که آن را آفرید و سرچشمه احساس ساخت و به واسطه منزلت والایی که در بدن دارد، و نیز به واسطه مرتبه بلند و جایگاه برجسته‌اش آن را سزاند این همه حفظ و مراقبت دانست؟  
ای مفضل! چه کسی قلب را در درون سینه انسان قرار داد و زرهی که پوشش استوار آن است، بر آن قرار داد و آن را به دنده‌ها و گوشت و پی‌ای که بر آن است، مصونیت داد تا جراحت و آزاری بدان نرسد؟

ای مفضل! نیک بیندیش که چرا مغز که جسمی رقیق است، در لابه‌لای استخوان‌ها حصار یافته است. آیا جز برای این است که از آن، حفاظت کند و آن را مصون بدارد؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٢٤٢

٢ / ٢

مَا يَشُدُّ الْعَقْلَ

أُ الْبَاقِلَاءُ

٣٤٩. الإمام الصادق عليه السلام: أَكَلُ الْبَاقِلَى يُمَخِّخُ السَّاقِينَ، وَ يَزِيدُ فِي الدَّمَاعِ، وَ يُؤَلِّدُ الدَّمَ الطَّرِيَّ. [٥٠٦]

ب التدهين

٣٥٠. الإمام على عليه السلام: الدُّهْنُ يُلَيِّنُ الْبَشْرَةَ، وَ يَزِيدُ فِي الدَّمَاعِ، وَ يُسَهِّلُ مَجَارِيَ الْمَاءِ، وَ يُذِيبُ الْقَشْفَ، وَ يُسْفِرُ الْوَنَ. [٥٠٧]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٢٤٣

## الف باقلا

## اشاره

۳۴۹. امام صادق علیه السلام: خوردن باقلا، استخوان‌های ساق را تراکم درونی می دهد، توان مغز را افزون می سازد و خون تازه تولید می کند.

## ب روغن مالیدن

۳۵۰. امام علی علیه السلام: روغن، پوست را نرم می کند، بر توان مغز می افزاید، مجاری آب را در بدن می گشاید، کثافت پوست را از میان می برد و رنگ را روشن می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۴

۳۵۱. الإمام الصادق علیه السلام: دُهْنُ الْبَنْفَسِجِ يَرْزُقُ الدِّمَاغَ. [۵۰۸]

## ج الحجامه

۳۵۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْحِجَامَةُ تَزِيدُ الْعَقْلَ، وَ تَزِيدُ الْحَافِظَ حِفْظًا. [۵۰۹]

۳۵۳. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الْحِجَامَةَ تُصَحِّحُ الْبَدَانَ، وَ تُشَدُّ الْعَقْلَ. [۵۱۰]

## د الخل

۳۵۴. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّا لَنَبْدَأُ بِالْخَلِّ عِنْدَنَا، كَمَا تَبْدَؤُونَ بِالْمَلْحِ عِنْدَكُمْ؛ فَإِنَّ الْخَلَّ لَيَشُدُّ الْعَقْلَ. [۵۱۱]

## ه خل الخمر

۳۵۵. الإمام الصادق علیه السلام: خَلُّ الْخَمْرِ يَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَ يَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ، وَ يَشُدُّ الْعَقْلَ. [۵۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۵

۳۵۱. امام صادق علیه السلام: روغن بنفشه، مغز را نیرو می بخشد.

## ج حجامت

۳۵۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: حِجَامَتِ، عَقْلَ رَا افزُون مِی کِنْد و بَر قَدْرَتِ حَافِظَه مِی افزَايِد.

۳۵۳. امام علی علیه السلام: حِجَامَتِ، بَدَن رَا صَحَّت مِی دِهْد و عَقْل رَا اسْتِحکَام مِی بَخْشَد.

## د سرکه

۳۵۴. امام صادق علیه السلام: ما با سرکه آغاز می کنیم، چنان که شما با نمک آغاز می کنید؛ چرا که سرکه، عقل را استحکام

می بخشد.

**ه سرکه شراب**

۳۵۵. امام صادق علیه السلام: سرکه شراب، لثه را تقویت می کند، جنبندگان شکم را می کشد و عقل را استحکام می بخشد. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۶

و السَّدَابُ

۳۵۶. الإمام الرضا عليه السلام: السَّدَابُ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ. [۵۱۳]

۳۵۷. الكافي: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ: ذُكِرَ السَّدَابُ فَقَالَ: أَمَا إِنَّ فِيهِ مَنَافِعَ: زِيَادَةُ فِي الْعَقْلِ، وَ تَوْفِيرٌ فِي الدِّمَاغِ؛ غَيْرَ أَنَّهُ يُتَيْنُ مَاءَ الظَّهْرِ. [۵۱۴]

ز السَّلْقُ

۳۵۸. الإمام الرضا عليه السلام في ذِكْرِ فَوَائِدِ السَّلْقِ: يَشُدُّ الْعَقْلَ، وَ يُصَفِّي الدَّمَ. [۵۱۵]

ح السَّوَاكُ

۳۵۹. الإمام الباقر عليه السلام: السَّوَاكُ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ. [۵۱۶]

ط الْفَرْخُ

۳۶۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْفَرْخِ؛ فَهِيَ الْمَكْيَسَةُ؛ فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ فَهِيَ. [۵۱۷]

ي الْقَرْعُ

۳۶۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْقَرْعِ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَ يُكَبِّرُ الدِّمَاغَ. [۵۱۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۷

**و سَدَاب**

۳۵۶. امام کاظم علیه السلام: سَدَاب [۵۱۹]، عقل را افزون می کند.

۳۵۷. الكافي به نقل از محمد بن عمرو بن ابراهیم، از امام باقر علیه السلام یا امام کاظم علیه السلام: [نزد او] از سداب نام برده شد. فرمود: «بدانید که در آن، منافی است: افزودن بر عقل و فراوان ساختن هوش، هر چند که آب کمر را بدبو می کند».

**ز چغندر**

۳۵۸. امام رضا علیه السلام درباره فواید چغندر: عقل را استحکام می بخشد و خون را تصفیه می کند.

**ح مسواک زدن**

۳۵۹. امام باقر علیه السلام: مسواک زدن، بلغم را می بزد و عقل را افزون می کند.

۳۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد خرفه، که زیرکی دهد و اگر تنها یک چیز باشد که عقل را افزون می کند، همان است.

## ی کدو

۳۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کدو؛ چرا که عقل را افزون سازد و مغز را بزرگ می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۸

۳۶۲. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَيكُمْ بِالذُّبَاءِ؛ فَإِنَّهُ يُزَكِّي الْعَقْلَ، وَيَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ. [۵۲۰]

۳۶۳. الإمام علي عليه السلام: كُلُوا الذُّبَاءَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ. [۵۲۱]

راجع: ج ۲، ص ۴۲۶ (القرع).

ك الكرفس

۳۶۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيكُمْ بِالْكَرْفَسِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ فَهُوَ هُوَ. [۵۲۲]

ل اللبان

۳۶۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَطْعَمُوا نِسَاءَكُمْ الْحَوَامِلَ اللَّبَانَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي عَقْلِ الصَّبِيِّ. [۵۲۳]

۳۶۶. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَيكُمْ بِاللَّبَانِ؛ فَإِنَّهُ... يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَيُذَكِّي الدَّهْنَ، وَيَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُدْهِبُ النَّسِيَانَ. [۵۲۴]

۳۶۷. الإمام الرضا عليه السلام: اسْتَكْثَرُوا مِنَ اللَّبَانِ وَاسْتَبَقَوْهُ وَامْضَ غَوْهُ، وَ أَحْبَبُهُ إِلَى الْمَضْغِ؛ فَإِنَّهُ يَنْزِفُ بَلْغَمَ الْمَعِدَةِ وَيُنْظِفُهَا، وَيَشُدُّ

الْعَقْلَ، وَيُمِرُّ الطَّعَامَ. [۵۲۵]

راجع: ج ۱، ص ۶۵۸ (ما ينفع الجنين من الأغذية).

م اللحم

۳۶۸. الإمام الصادق عليه السلام: اللَّحْمُ يُنَبِّئُ اللَّحْمَ وَيَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَ مَنْ تَرَكَ أَكْلَهُ أَيْبَانًا فَسَدَ عَقْلُهُ. [۵۲۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۹

۳۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کدو؛ چرا که عقل را می پالاید و مغز را می افزاید.

۳۶۳. امام علی علیه السلام: کدو بخورید؛ چرا که مغز را افزون می کند.

ر. ک: ج ۲، ص ۴۲۷ (کدو).

## ک کرفس

۳۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کرفس؛ چرا که اگر بنا بود تنها یک چیز عقل را افزون کند، آن، همین بود.

۳۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان آبتن خود، کُنْدَر بدهید؛ چرا که عقل کودک را افزون می‌کند.

۳۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کُنْدَر؛ چرا که ... عقل را افزون می‌کند، ذهن را ذکاوت می‌دهد، چشم را جلا می‌بخشد و فراموشی را از میان می‌برد.

۳۶۷. امام رضا علیه السلام: فراوان کُنْدَر بخورید، آن را در دهان نگه دارید و بجوید. برای من، جویدن آن، دوست‌داشتنی‌تر است؛ بلغم معده را می‌زداید و آن را تمیز می‌کند، عقل را استحکام می‌بخشد و غذا را می‌گوارد.

ر. ک: ج ۱، ص ۶۵۹ (غذاهایی که برای جنین، سودمند است).

## م گوشت

۳۶۸. امام صادق علیه السلام: گوشت، گوشت می‌رویانَد و بر عقل می‌افزاید؛ و هر کس آن را چند روز وا گذارد، عقلش تباه شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۰

۳ / ۲

ما یزیدُ فی الذَّهْنِ

۳۶۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَدَمَّنَ أَكَلَ الزَّيْبِ عَلَي الرِّيقِ، رُزِقَ الفَهْمَ وَ الحِفْظَ وَ الذَّهْنَ، وَ نَقَصَ مِنَ البَلْغَمِ. [۵۲۷]

۳۷۰. عنه صلی الله علیه و آله: كُلوْا السَّفْرَجَلْ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الذَّهْنِ... [۵۲۸]

۳۷۱. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَيكُمْ بِاللُّبَانِ؛ فَإِنَّهُ... يَزِيدُ فِي العَقْلِ، وَ يَدْكِي الذَّهْنَ. [۵۲۹]

۳۷۲. الإمام الصادق علیه السلام: كُلوْا الرُّمَانَ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ يَدْبِغُ المَعِدَةَ، وَ يَزِيدُ فِي الذَّهْنِ. [۵۳۰]

۳۷۳. الكافي عن محمّد بن عليّ الهمداني: إِنَّ رَجُلًا كَانَ عِنْدَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخُرَاسَانَ، فَقَدِّمَتْ إِلَيْهِ مَائِدَةٌ عَلَيْهَا خَلٌّ وَ مِلْحٌ، فَافْتَتَحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالخَلِّ فَقَالَ الرَّجُلُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَمَرْنَا أَنْ نَفْتَحَ بِالمِلْحِ؟! فَقَالَ: هَذَا مِثْلُ هَذَا يَعْنِي الخَلُّ وَ إِنَّ الخَلَّ يَشُدُّ الذَّهْنَ، وَ يَزِيدُ فِي العَقْلِ. [۵۳۱]

راجع: ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۳۷۶.

۴ / ۲

ما يورثُ الحِفْظَ

أ الزَّيْبِ

۳۷۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَدَمَّنَ أَكَلَ الزَّيْبِ عَلَي الرِّيقِ، رُزِقَ الفَهْمَ وَ الحِفْظَ وَ الذَّهْنَ، وَ نَقَصَ مِنَ البَلْغَمِ. [۵۳۲]

راجع: ج ۲، ص ۳۲۲ (خواصّ إدمان أكل الزبيب على الريق).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۱

## ۳ / ۲ آنچه بر توان ذهن می‌افزاید

۳۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ناشتا به خوردن مویز مداومت کند، فهم و حافظه و ذهن، روزی او می‌شود و از بلغم وی، کاسته می‌شود.

۳۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به بخورید؛ چرا که ... ذهن را افزون می‌کند.

۳۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کُنْدَر؛ چرا که ... عقل را افزون می کند و ذهن را ذکاوت می دهد.

۳۷۲. امام صادق علیه السلام: انار را با پیه [۵۳۳] آن بخورید؛ چرا که معده را می پالاید و ذهن را افزون می کند.

۳۷۳. الکافی به نقل از محمد بن علی همدانی: مردی در خراسان، نزد امام رضا علیه السلام بود. در این هنگام، نزد ایشان سفره‌ای گسترده که در آن، سرکه و نمک بود. امام علیه السلام با سرکه آغاز کرد. آن مرد گفت: فدایت شوم! به ما فرموده‌ای که با نمک، آغاز کنیم.

فرمود: «این، همانند آن (یعنی نمک) است. سرکه، ذهن را استحکام می بخشد و عقل را افزون می کند».  
ر. ک: ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۳۷۶.

## ۲ / ۴ آنچه حافظه را تقویت می کند

### الف مویز

۳۷۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ناشتا بر خوردن مویز مداومت کند، فهم و حافظه و ذهن، روزی او می شود و از بلغم وی، کاسته می شود.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۲۳ (خواص خوردن مویز در حالت ناشتا).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۲

#### ب العسل

۳۷۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَرَادَ الْحِفْظَ، فَلْيَأْكُلِ الْعَسْلَ. [۵۳۴]

۳۷۶. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: قَالَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. مَنْ لَعِقَ لَعَقَةً عَسَلٍ عَلَى الرَّبِيقِ يَقَطِّعَ الْبَلْغَمَ، وَيَحْسِمُ الصَّفْرَةَ، وَيَمْنَعُ الْمِرَّةَ السَّوْدَاءَ، وَيُصَفِّي الذَّهْنَ، وَيُجَوِّدُ الْحِفْظَ إِذَا كَانَ مَعَ اللَّبَانِ الذَّكْرِ. [۵۳۵]

#### ج الكرفس

۳۷۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْكَرْفَسُ يَفْتِيحُ الشَّدَدَ، وَيُذَكِّي الْقَلْبَ، وَيُرِثُ الْحِفْظَ، وَيَطْرُدُ الْجُنُونََ وَالْجُدَامَ وَالْبَرَصَ وَالْجَبْنَ. [۵۳۶]

۳۷۸. الدروس فی بیان فوائد الكرفس: رَوَى أَنَّهُ يورثُ الْحِفْظَ، وَيُذَكِّي الْقَلْبَ، وَيَنْفِي الْجُنُونََ وَالْجُدَامَ وَالْبَرَصَ. [۵۳۷]

#### د الحجامه

۳۷۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْحِجَامَةُ تَزِيدُ الْعَقْلَ، وَتَزِيدُ الْحَافِظَ حِفْظًا. [۵۳۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۳

### ب غسل

۳۷۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس حافظه می خواهد، غسل بخورد.

۳۷۶. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: عالم (امام رضا علیه السلام) فرمود: «در غسل، درمان هر دردی است. هر کس ناشتا یک قاشق عسل بخورد، این غسل، بلغم را پایان می دهد، صفرا را فرو می نشاند، مانع از تلخه سیاه (سودا) می شود و ذهن را صفا

می‌بخشد، و اگر که همراه با کُندر خورده شود، حافظه را نکو می‌سازد».

## ج کرفس

۳۷۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کرفس، انسدادها را می‌گشاید، دل را طراوت می‌دهد، حافظه می‌آورد و دیوانگی، جذام، پیسی و ترس را دور می‌کند.

۳۷۸. الدروس در بیان فواید کرفس: روایت شده که کرفس، حافظه می‌آورد، دل را طراوت می‌دهد و دیوانگی، جذام و پیسی را دور می‌کند.

## د حجامت

۳۷۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حجامت، عقل را افزون می‌کند و بر قدرت حافظه می‌افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۴

ه أسبابٌ اخرى لِتَقْوِيَةِ الحَافِظَةِ

۳۸۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: ثَلَاثٌ يَزِدْنَ فِي الحِيفِ وَيُذْهِبْنَ بِالْبَلْغَمِ: قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، وَ العَسَلُ، وَ اللُّبَانُ. [۵۳۹]

۳۸۱. الإمام علي عليه السلام: ثَلَاثٌ يُذْهِبْنَ البَلْغَمَ وَيَزِدْنَ فِي الحِيفِ: السَّوَاكُ، وَ الصَّوْمُ، وَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ. [۵۴۰]

راجع: ج ۱، ص ۲۵۶، ح ۳۸۸.

۵ / ۲

ما يورث النسيان

۳۸۲. رسول الله صلی الله علیه و آله مِنْ وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، تِسْعَةُ أَشْيَاءٍ تَوْرِثُ النَّسْيَانَ: أَكْلُ التُّفَّاحِ الحَامِضِ، وَ أَكْلُ الكُرْبُرَةِ، وَ الجُبْنِ، وَ سُورِ الفَأْرَةِ، وَ قِرَاءَةُ كِتَابِيَةِ القُبُورِ، وَ المَشْيُ بَيْنَ امْرَأَتَيْنِ، وَ طَرْحُ القَمَلَةِ، وَ الحِجَامَةُ فِي التُّقْرَةِ، وَ البَوْلُ فِي المَاءِ الزَّاكِدِ. [۵۴۱]

۳۸۳. عنه صلى الله عليه و آله: عَشْرُ حِصَالٍ تَوْرِثُ النَّسْيَانَ: أَكْلُ الجُبْنِ، وَ أَكْلُ سُورِ الفَأْرِ، وَ أَكْلُ

التُّفَّاحِ الحَامِضِ، وَ الجُلْجُلَانِ، وَ الحِجَامَةُ فِي التُّقْرَةِ، وَ المَشْيُ بَيْنَ امْرَأَتَيْنِ، وَ النَّظَرُ إِلَى المَصْلُوبِ، وَ التَّعَارُّ، [وَ] قِرَاءَةُ لَوْحِ المَقَابِرِ. [۵۴۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۵

## ه سایر عوامل تقویت حافظه

۳۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز، حافظه را افزون می‌کند و بلغم را از میان می‌برد: قرائت قرآن، عسل و کُندر.

۳۸۱. امام علی علیه السلام: سه چیز، بلغم را از میان می‌برد و حافظه را افزون می‌کند: مسواک زدن، روزه گرفتن و قرائت قرآن.

ر. ک به: ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۳۸۸.

## ۵ / ۲ آنچه فراموشی می‌آورد



۳۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش‌های ایشان به علی علیه السلام: ای علی! هفت چیز است که فراموشی می‌آورد: خوردن سیب ترش، خوردن گشنیز، پنیر و پس مانده موش، خواندن نوشته‌های روی قبر، راه رفتن میان دو زن، افکندن شپش، حجامت در گودیِ پس سر، و ادرار کردن در آب راکد.

۳۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ده چیز، فراموشی می‌آورد: خوردن پنیر، خوردن پس مانده موش، خوردن سیب ترش و گشنیز، [۵۴۳] حجامت در گودیِ پس سر، راه رفتن میان دو زن، نگرستن به دار آویخته، بیدار خوابی، و خواندن سنگ قبرها.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۶

۳۸۴. الإمام الباقر علیه السلام: إِنَّمَا قُصَّ الْأَطْفَارُ؛ لِأَنَّهَا مَقْبِلُ الشَّيْطَانِ، وَ مِنْهُ يَكُونُ النَّسْيَانُ. [۵۴۴]

۳۸۵. الإمام الرضا علیه السلام: الْإِكْتِثَارُ مِنْ أَكْلِ لُحُومِ الْوَحْشِ وَ الْبَقَرِ؛ يورثُ تَبْيِيسَ الْعَقْلِ وَ تَحْيِيرَ الْفَهْمِ فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ: «... تَغْيِيرَ الْعَقْلِ وَ تَحْيِيرَ الْفَهْمِ». وَ تَلْبُدُ [۵۴۵] الذُّهْنِ وَ كَثْرَةَ النَّسْيَانِ. [۵۴۶]

۳۸۶. مكارم الأخلاق: فِي الْحَدِيثِ: إِنَّ التُّفَّاحَ يورثُ النَّسْيَانَ؛ وَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ يُؤَلِّدُ فِي الْمَعِدَةِ لُزُوجَةً. [۵۴۷][۵۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۲۵۶

۳۸۷. الإمام الكاظم علیه السلام: أَكَلَ التُّفَّاحَ وَ الْكُرْبُرَةَ يورثُ النَّسْيَانَ. [۵۴۹]

۶ / ۲

مَا يَنْفَعُ لِدَفْعِ النَّسْيَانِ

۳۸۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: خَمْسٌ يَذْهَبْنَ بِالنَّسْيَانِ وَ يَزِدْنَ فِي الْحِفْظِ وَ يَذْهَبْنَ بِالْبَلْغَمِ: السُّوَاكُ، وَ الصِّيَامُ، وَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، وَ الْعَسَلُ، وَ اللَّبَانُ. [۵۵۰]

۳۸۹. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَيكُمْ بِاللَّبَانِ؛ فَإِنَّهُ... يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَ يُدَكِّي الذُّهْنَ، وَ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَ يُذْهِبُ النَّسْيَانَ. [۵۵۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۷

۳۸۴. امام باقر علیه السلام: کوتان کردنِ ناخن، از آن رو لازم است که پناهگاه شیطان است و فراموشی از آن پدید می‌آید.

۳۸۵. امام رضا علیه السلام: فراوان خوردن گوشت حیوان وحشی و گاو، خشکیِ عقل، سرگشتگیِ فهم، کندیِ ذهن و فراوانیِ فراموشی می‌آورد.

۳۸۶. مكارم الأخلاق: در حدیث است که سیب، فراموشی می‌آورد؛ چراکه در معده نوعی چسبندگی ایجاد می‌کند.

۳۸۷. امام کاظم علیه السلام: خوردن سیب و گشنیز، فراموشی می‌آورد.

## ۶ / ۲ آنچه برای پیشگیری از فراموشی، سودمند است

۳۸۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز، فراموشی را از میان می‌برد و بر حافظه می‌افزاید و بلغم را نیز می‌برد: مسواک زدن، روزه گرفتن، قرائت قرآن، [و خوردن عسل و کندر.

۳۸۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کندر؛ چرا که ... عقل را افزون می‌کند، ذهن را ذکاوت می‌دهد، چشم را جلا می‌بخشد و فراموشی را از میان می‌برد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۸

۳۹۰. كنز العمال عن عبد الله بن جعفر: جاء رجلٌ إلى علي بن أبي طالبٍ عليه السلام يشتكى إليه النسيان.

فَقَالَ: عَلَيْكَ بِاللَّبَانِ؛ فَإِنَّهُ يُشَجِّعُ الْقَلْبَ، وَيُذْهِبُ النَّسْيَانَ. [۵۵۲]

۳۹۱. الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثٌ يُذْهِبْنَ النَّسْيَانَ وَيُحَدِّثْنَ الذِّكْرَ: قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، وَالسُّوَاكُ، وَالصَّيَامُ. [۵۵۳]

۳۹۲. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُقِلَّ نَسْيَانَهُ وَيَكُونَ حَافِظًا، فَلْيَأْكُلْ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثَ قِطَعٍ زَنْجَبِيلٍ مُرَبَّى بِالْعَسَلِ، وَيَصْطِنِعْ [۵۵۴] بِالْخَرْدَلِ مَعَ طَعَامِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ.

وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَزِيدَ فِي عَقْلِهِ، فَلَا يَخْرُجْ كُلَّ يَوْمٍ حَتَّى يَلُوكَ عَلَى الرَّيْقِ ثَلَاثَ هَلِيلَجَاتٍ سَوْدٍ مَعَ سُكَّرِ طَبْرَزْدٍ [۵۵۵]. [۵۵۶]

۷ / ۲

مَا يَشُدُّ الْعَصَبَ

أَأْكُلُ الزَّيْبَ

۳۹۳. الاختصاص عن أبي هند الداربي: اهْدَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَبَقٌ [۵۵۷] مُعْطَى،

فَكَشَفَ الْغِطَاءَ عَنْهُ، ثُمَّ قَالَ: كُلُوا بِاسْمِ اللَّهِ، نِعَمَ الطَّعَامِ الزَّيْبُ؛ يَشُدُّ الْعَصَبَ ... [۵۵۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۹

۳۹۰. كنز العمال به نقل از عبد الله بن جعفر: مردی نزد علی بن ابی طالب علیه السلام آمد و از فراموشی، اظهار ناراحتی کرد.

فرمود: «بر تو باد کُنْدُر، که دل را شجاعت می بخشد و فراموشی را از میان می برد».

۳۹۱. امام صادق علیه السلام: سه چیز، فراموشی را از میان می برد و حافظه به بار می آورد: قرائت قرآن، مسواک زدن و روزه

گرفتن. [۵۵۹]

۳۹۲. امام رضا علیه السلام: هر کس بخواهد فراموشی اش کم شود و دارای حافظه ای قوی شود، هر روز، سه قطعه زَنْجَبِيلِ به عسل

در آمیخته بخورد و در هر روز، با غذای خویش، چیزی که با خَرْدَل [۵۶۰] تهیه شده نیز میل کند. هر کس هم بخواهد عقل وی

افزون شود، هیچ روزی از خانه بیرون نرود، مگر پس از آن که ناشتا، سه هلیله سیاه با شکر طَبْرَزْدِ بجود. [۵۶۱]

## ۷ / ۲ آنچه اعصاب را استحکام می بخشد

### الف خوردن مویز

۳۹۳. الاختصاص به نقل از ابو هند داری: طَبَقُ رُوی پوشیده‌ای به پیامبر خدا اهدا کردند. پوشش را از آن برداشت و سپس فرمود:

«به نام خدا بخورید.

مویز، چه نیکو خوراکی است، که اعصاب را استحکام می بخشد! ...

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۰

۳۹۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالزَّيْبِ؛ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْمِرَّةَ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيَشُدُّ الْعَصَبَ، وَيَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ، وَيُحَسِّنُ

الْخُلُقَ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ، وَيَذْهَبُ بِالْعَمِّ. [۵۶۲]

ب أَكُلُ لَحْمِ الضَّانِ بِاللَّبَنِ

۳۹۵. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَصَابَهُ ضَعْفٌ فِي قَلْبِهِ أَوْ بَدَنِهِ فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الضَّانِ بِاللَّبَنِ؛ فَإِنَّهُ يُخْرِجُ مِنْ أَوْصَالِهِ كُلَّ دَاءٍ وَغَائِلَةٍ، وَ

يُقَوِّي جِسْمَهُ وَيَشُدُّ لِسْتَهُ. [۵۶۳]

۸ / ۲

مَا يُلَيِّنُ الْعَصَبَ

۳۹۶. الإمام الرضا عليه السلام: ... وَمَنْعِيَةُ الْحَمَامِ تُؤَدِّي إِلَى الْإِعْتِدَالِ، وَتُنْقِي الدَّرَنَ، وَتُلَيِّنُ الْعَصَبَ وَالْعُرُوقَ، وَتُقَوِّي الْأَعْضَاءَ الْكِبَارَ، وَتُذَيِّبُ الْفُضُولَ وَالْعُفُونَاتِ. [۵۶۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۱

۳۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد مویز، چرا که تلخه را می‌زداید، بلغم را می‌برد، پی را استحکام می‌دهد، رنجیدگی و خستگی را از میان بر می‌دارد، خوی را خوش می‌سازد، دل را پاک و پیراسته می‌دارد و اندوه را می‌برد.

### ب خوردن گوشت گوسفند همراه با شیر

۳۹۵. امام صادق علیه السلام: هر کس به ضعفی در قلب یا بدن خویش گرفتار آمد، گوشت گوسفند همراه با شیر بخورد؛ چرا که این خوراک، هر درد و عارضه‌ای را از اندام وی بیرون می‌برد، تن او را تقویت می‌کند و لته‌های او را نیز استحکام می‌دهد.

### ۲ / ۸ آنچه پی را نرم می‌کند

۳۹۶. امام رضا علیه السلام: فایده حمام کردن آن است که به اعتدال می‌انجامد، چرک را می‌زداید، پی و رگ‌ها را نرم می‌سازد، اندام‌های بزرگ را تقویت می‌کند، و مواد زاید و عفونت‌ها را نیز ذوب می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۲

۹ / ۲

مَا يَنْفَعُ لِلصُّدَاعِ

أَغْسَلُ الرَّأْسَ بِالْخَطْمِيِّ

۳۹۷. الإمام الصادق عليه السلام: غَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ. [۵۶۵]

۳۹۸. الإمام الكاظم عليه السلام: غَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِنَ السَّنَةِ، يُدِرُّ الرِّزْقَ، وَيَصْرِفُ الْفَقْرَ، وَيُحَسِّنُ الشَّعْرَ وَالْبَشْرَةَ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ. [۵۶۶]

ب شَرِبُ الْمَاءِ الْفَاتِرِ

۳۹۹. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَفْطَرَ بَدَأَ بِحُلُوَاءٍ يُفِطِرُ عَلَيْهَا، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فُسَيْكِرَةً أَوْ تَمْرَاتٍ،

فَإِذَا أَعْوَزَ ذَلِكَ كُلَّهُ فَمَاءَ فَاتِرٍ، وَكَانَ يَقُولُ: يُنْقِي الْمَعِدَةَ وَالْكَبِدَ... وَيَذْهَبُ بِالصُّدَاعِ. [۵۶۷]

ج غَسَلُ الْقَدَمَيْنِ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ

۴۰۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: غَسَلُ الْقَدَمَيْنِ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ عَقِيبَ الْخُرُوجِ مِنَ الْحَمَامِ أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ. [۵۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۳

### ۲ / ۹ آنچه برای سردرد، سودمند است

### الف شستن سر با خطمی

۳۹۷. امام صادق علیه السلام: شستن سر با خطمی، مایه ایمنی از سردرد است.

۳۹۸. امام کاظم علیه السلام: شستن سر با خطمی در روز جمعه، از سنت است، روزی را سرشار می‌سازد، فقر را باز می‌دارد، مو و پوست را نکو می‌کند و مایه ایمنی از سردرد است.

### ب نوشیدن آب نیم‌گرم (ولرم)

۳۹۹. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا به هنگام افطار، با حلوایی آغاز می‌کرد و بدان، روزه می‌گشود. اگر حلوا نمی‌یافت، با شکرینه‌ای دیگر یا چند دانه خرما؛ و اگر نیز یافت نمی‌شد، با آب نیم‌گرم. آن‌گاه می‌فرمود: «این، معده و جگر را پاک می‌کند ... و سردرد را از میان می‌برد».

### ج شستن پاها با آب سرد

۴۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن پاها با آب سرد پس از بیرون آمدن از حمام، مایه ایمنی از سردرد است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۴

د التَّهْنِ بِدُهْنِ الْبَنْفَسِجِ

۴۰۱. الإمام الصادق علیه السلام: نِعَمَ الدُّهْنِ الْبَنْفَسِجِ! لِيَذْهَبَ بِالذَّاءِ مِنَ الرَّأْسِ وَالْعَيْنَيْنِ، فَأَذْهَبُوا بِهِ. [۵۶۹]

۴۰۲. الكافي عن علي بن أسباط رفعه: دُهْنُ الْحَاجِجِينَ بِالْبَنْفَسِجِ يَذْهَبُ بِالضُّدَاعِ. [۵۷۰]

ه الخِضَابُ بِالْحِنَاءِ

۴۰۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْحِنَاءُ خِضَابُ الْإِسْلَامِ؛ يَزِيدُ فِي الْمُؤْمِنِ عَمَلَهُ، وَيَذْهَبُ بِالضُّدَاعِ، وَيُحَدِّدُ الْبَصِيرَ، وَيَزِيدُ فِي

الْوَقَاعِ، وَهُوَ سَيِّدُ الرِّيَاحِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. [۵۷۱]

و السُّعُوطُ

۴۰۴. الإمام علي عليه السلام: الْمَضْمَضَةُ وَالْاسْتِشْقَاقُ سِنَّةٌ وَ طَهْوَرٌ لِلْفَمِ وَالْأَنْفِ، وَالسُّعُوطُ مَصِيحَةٌ لِلرَّأْسِ، وَ تَنْفِيَةٌ لِلْبَدَنِ وَ سَائِرِ

أَوْجَاعِ الرَّأْسِ. [۵۷۲]

۴۰۵. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ إِذَا اشْتَكَى رَأْسَهُ اسْتَعَطَّ بِدُهْنِ الْجُلْجُلَانِ وَ هُوَ السَّمِسِمُ. [۵۷۳]

۴۰۶. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْتِينٍ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَجِدُ بَرْدًا

شَدِيدًا فِي رَأْسِي، حَتَّى إِذَا هَبَّتْ عَلَيَّ الرِّيَاحُ كِدْتُ أَنْ يُغْشَى عَلَيَّ.

فَكَتَبَ إِلَيَّ: عَلَيْكَ بِسُعُوطِ الْعَبْتَرِ وَ الزَّرْبِقِ بَعْدَ الطَّعَامِ، تُعَافَى مِنْهُ بِإِذْنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ. [۵۷۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۵

### د مالیدن روغن بنفشه

۴۰۱. امام صادق علیه السلام: چه خوب روغنی است روغن بنفشه! درد را از سر و چشمان می‌برد. آن را به خود بمالید.

۴۰۲. الكافي به نقل از علی بن اسباط، در حدیثی که سند آن را به معصوم رساند: مالیدن روغن بنفشه به ابروها، سردرد را از میان

**ه خضاب کردن با حنا**

۴۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حنا، خضاب اسلام است؛ [ثواب عمل مؤمن را می‌افزاید، سردرد را از میان می‌برد، چشم را تیزبین می‌کند، قدرت آمیزش را افزون می‌سازد؛ و مهتر گیاهان خوش بو در دنیا و آخرت است.

**و استعمال انفیه**

۴۰۴. امام علی علیه السلام: شستشوی دهان و بینی، سنت و مایه پاکی دهان و بینی است و انفیه کردن، مایه سلامت سر و پاکسازی بدن و همه انواع سردرد است.

۴۰۵. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، چون سردرد می‌کرد، به روغن کُنجد، انفیه می‌کرد.

۴۰۶. طَبِّ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از علی بن یقطين: به امام رضا علیه السلام نوشتم که در سرم، سردی شدیدی حس می‌کنم، به گونه‌ای که چون بادی به من می‌خورد، چیزی نمی‌ماند که از هوش بروم.

امام در پاسخ برایم چنین نوشت: «بر تو باد انفیه عنبر و زنبق، پس از غذا خوردن، تا به اذن خداوند جلّ جلاله عافیت یابی».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۶

**ز الحجامه**

۴۰۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْحِجَامَةَ فِي الرَّأْسِ دَوَاءٌ مِنْ دَاءِ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْعَشَا وَالْبَرَصِ وَالصُّدَاعِ. [۵۷۵]

۴۰۸. المعجم الكبير عن سَلَمَى خَادِمَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا اشْتَكَى أَحَدٌ مِنْ رَأْسِهِ قَالَ: اذْهَبْ فَاحْتَجِمِ، وَ إِذَا اشْتَكَى رِجْلَهُ قَالَ: اذْهَبْ فَاحْضِبْهَا بِالْحِنَاءِ. [۵۷۶]

راجع: ج ۱، ص ۴۰۲، ح ۶۸۰.

**ح الهندباء**

۴۰۹. الكافي عن محمد بن إسماعيل: سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الْهِنْدَبَاءُ شِفَاءٌ مِنْ أَلْفِ دَاءٍ، مَا مِنْ دَاءٍ فِي جَوْفِ ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَمَعَهُ الْهِنْدَبَاءُ.

قَالَ: وَ دَعَا بِهِ يَوْمًا لِبَعْضِ الْحَشَمِ وَ كَانَ تَأْخُذُهُ الْحُمَى وَ الصُّدَاعُ، فَأَمَرَ أَنْ يُدَقَّ وَ صَيَّرَهُ عَلَى قِرطاسٍ، وَ صَبَّ عَلَيْهِ دُهْنَ الْبَنْفَسِجِ وَ وَضَعَهُ عَلَى جَبِينِهِ.

ثُمَّ قَالَ: أَمَا إِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْحُمَى، وَ يَنْفَعُ مِنَ الصُّدَاعِ وَ يَذْهَبُ بِهِ. [۵۷۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۷

**ز حجامت**

۴۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حجامت در سر، درمانی برای دیوانگی، جذام، شب‌کوری، پسی و سردرد است.

۴۰۸. المعجم الكبير به نقل از سلمی خدمتگزار پیامبر خدا: هر گاه کسی از ما از سردرد، اظهار ناراحتی می‌کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «برو حمامت کن»؛ و چون کسی از ما پادرد داشت، می‌فرمود: «برو آن را به حنا خضاب کن». همچنین بنگرید به: ج ۱، ص ۴۰۳ ح ۶۸۰.

### ح کاسنی

۴۰۹. الکافی به نقل از محمد بن اسماعیل: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «کاسنی، شفای هزار درد است؛ و دردی در درون آدمیزاد نیست، مگر این که کاسنی، آن را به کلی از میان ببرد».

روزی امام علیه السلام برای یکی از خدمتکاران که گرفتار تب و سردرد می‌شد، کاسنی خواست و فرمود تا آن را آرد کنند، سپس آن را بر روی کاغذی قرار داد و روغن بنفشه بر رویش ریخت و این مخلوط را بر پیشانی شخص گذاشت. آن‌گاه فرمود: «بدانید که این، تب را می‌برد، برای سردرد، سودمند است و آن را از میان بر می‌دارد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۸

راجع: ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۶۷۶.

ط أَكْل السَّمَكِ الطَّرِي

۴۱۰. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ حَشَى الشَّقِيقَةَ وَ الشَّوْصَةَ، فَلَا يُؤَخَّرُ أَكْلَ السَّمَكِ الطَّرِيِّ صَيْفًا وَ شِتَاءً. [۵۷۸]

۱۰ / ۲

ما يورثُ جُنُونََ الْوَالِدِ

۴۱۱. الإمام الرضا عليه السلام: الْجِمَاعُ بَعْدَ الْجِمَاعِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا غُسْلٌ؛ يورثُ لِلْوَالِدِ الْجُنُونََ. [۵۷۹]

۴۱۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: يُكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَغْشَى الْمَرْأَةَ وَ قَدِ احْتَلَمَ، حَتَّى يَغْتَسِلَ مِنْ احْتِلَامِهِ الَّذِي رَأَى؛ فَإِنْ فَعَلَ وَ خَرَجَ الْوَالِدُ مَجْنُونًا فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. [۵۸۰]

۴۱۳. عنه صلی الله علیه و آله فی وصایاهُ لِعليٍّ عليه السلام: يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ وَسَيْطِهِ وَ آخِرِهِ؛ فَإِنَّ الْجُنُونََ وَ

الْجُدَامَ وَ الْخَبْلَ لَيْسَرُوعُ إِلَيْهَا وَ إِلَى وَلَدِهَا. [۵۸۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۹

ر. ک: ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۶۷۶.

### ط خوردن ماهی تازه

۴۱۰. امام رضا علیه السلام: هر کس از درد شقیقه و شکم درد می‌ترسد، نباید در تابستان و زمستان، خوردن ماهی تازه را به تأخیر افکند. [۵۸۲]

### ۱۰ / ۲ آنچه دیوانگی فرزند را در پی می‌آورد

۴۱۱. امام رضا علیه السلام: آمیزش پس از آمیزش، بی‌آنکه میان آنها غسلی صورت پذیرفته باشد، دیوانگی فرزند را در پی می‌آورد.

۴۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای مرد، مکروه است که پس از احتلام، با زن همبستری کند، مگر آن که از احتلام پیشین، غسل کرده باشد؛ چه، اگر چنین کند و فرزندش دیوانه زاده شود، جز خویش را نکوهش نکند.

۴۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش‌های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! در آغاز، میان و پایان ماه با همسرت همبستری مکن؛ چه، [در این صورت دیوانگی، جذام و تباه‌مغزی به سوی وی و فرزندش خواهد شتافت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۰

۱۱ / ۲

ما يَمْنَعُ الْجُنُونِ

أ الْمِلْحِ

۴۱۴. رسول الله صلی الله علیه و آله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، افْتَحِ طَعَامَكَ بِالْمِلْحِ وَ اخْتِمِ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّ مَنِ افْتَتَحَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ وَ خَتَمَ بِالْمِلْحِ عَوَفَى مِنْ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، مِنْهُ الْجُدَامُ، وَ الْجُنُونُ، وَ الْبَرَصُ. [۵۸۳]

راجع: ج ۱، ص ۴۸۰ (صحة الجلد/ افتتاح الطعام بالملح).

ب التَّرْجِسِ

۴۱۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: شُمُّوا التَّرْجِسَ وَ لَوْ فِي الْيَوْمِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الْإِسْبُوعِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الشَّهْرِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي السَّنَةِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الدَّهْرِ مَرَّةً؛ فَإِنَّ فِي الْقَلْبِ حَبَّةً مِنَ الْجُنُونِ وَ الْجُدَامِ وَ الْبَرَصِ وَ شَمُّهُ يَدْفَعُهَا. [۵۸۴]

ج أَخَذُ الشَّارِبِ وَ الْأَطْفَارِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ

۴۱۶. الإمام الصادق عليه السلام: خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ أَطْفَارِكَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ؛ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ فَحَكِّهَا لَا يُصِيبُكَ جُنُونٌ وَ لَا جُدَامٌ وَ لَا بَرَصٌ. [۵۸۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۱

## ۱۱ / ۲ آنچه مانع دیوانگی می‌شود

### الف نمک

۴۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در سفارش‌های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! غذا را با نمک، آغاز کن و با نمک، پایان ده؛ چه، هر کس غذای خویش را با نمک آغاز کند و با نمک پایان دهد، از هفتاد و دو نوع از انواع بلا که جذام، دیوانگی و پیسی از آن جمله است، به دور باشد.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۸۱ (بهداشت پوست/ آغاز کردن غذا با نمک).

### ب بوییدن نرگس

۴۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [كُلُّ نَرْغَسٍ رَا بُوِيْدًا، هِرْچِنْدَ دَر رُوْزِ يَكِّ بَارًا، هِرْچِنْدَ دَر هَفْتِه يَكِّ بَارًا، هِرْچِنْدَ دَر مَاه يَكِّ بَارًا، هِرْچِنْدَ دَر سَال يَكِّ بَارًا، وَ هِرْچِنْدَ دَر هَمِه عَمْرٍ، يَكِّ بَارًا؛ چَرَاكِه دَر قَلْبِ، هِسْتِه‌اَي از دِيَوَانْگِي، جَذَامِ وَ پِيْسِي وَ جُوْد دَارْدِ وَ بُوِيْدِن نَرْگَسِ، اَن رَا دُوْر مِي كَنْدِ.

۴۱۶. امام صادق علیه السلام: در هر جمعه، اندکی از سیبل و ناخن‌های خود را بگیر؛ و اگر هم چیزی وجود نداشته باشد، آن را [کمی بسای، دیوانگی، جذام و پیسی به تو نمی‌رسد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۲

د ما یسیل من أفواه الأطفال من الریق

۴۱۷. الإمام الصادق علیه السلام فی بیان النعم التي وهبها الله تعالى للإنسان: فَأَمَّا ما یسیل من أفواه الأطفال من الریق ففی ذلك خروج الرطوبة التي لو بقيت فی أبدانهم، لأحدثت عليهم الامور العظيمة، كمن تراه قد علبت عليه الرطوبة فأخرجته إلى حد البله و الجنون و التخليط إلى غير ذلك من الأمراض المختلفة [۵۸۶] كالفالج و اللقوة و ما أشبههما، فجعل الله تلك الرطوبة تسيل من أفواههم فی صغرهم، لما لهم فی ذلك من الصحة فی كبرهم، فتفضل على خلقه بما جهلوه و نظر لهم بما لم يعرفوه، و لو عرفوا نعمه عليهم لشغلهم ذلك عن التمداد فی معصيته، فسبحانه ما أجل نعمته و أسبغها على المستحقين و غيرهم من خلقه، و تعالى عما یقول المبطلون علواً كبيراً؟! [۵۸۷]

راجع: ج ۱، ص ۴۸۴ (صحة الجلد/ السنا).

۱۲ / ۲

ما یورث الفالج

أ أكل البطح على الریق

۴۱۸. الإمام الرضا علیه السلام: البطح على الریق یورث الفالج نعوذ بالله منه! [۵۸۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۳

## د آبی که از دهان کودک می‌ریزد

۴۱۷. امام صادق علیه السلام: در بیان نعمت‌هایی که خداوند متعال به انسان بخشیده است: امّا آن آبی که از دهان کودکان می‌ریزد، خود، موجب بیرون رفتن رطوبتی است که اگر در بدن‌هایشان می‌ماند، در آنان پدیده‌هایی گران رخ می‌داد. چنان که می‌بینید برخی کسان رطوبت بر آنان غلبه یافته و آنان را به مرز پخمگی، دیوانگی و آشفته‌عقلی و بیماری‌های مختلف دیگری چون: سست‌اندامی و کج‌دهانی و همانند آنها رانده است. از این روی، خداوند، آن رطوبتی را که در خردسالی از دهان کودکان فرو می‌ریزد، زمینه سلامت و تندرستی آنان در بزرگسالی قرار داده، و بدین‌سان، بر خلق خویش به آنچه از آن آگاهی نداشته‌اند، منت نهاده و بدانچه از شناختش فرو مانده‌اند، به ایشان لطف کرده است. آنان، اگر نعمت‌های خداوند بر خویش را می‌شناختند، این شناخت، ایشان را از فرو غلتیدن به نافرمانی او باز می‌داشت. پس، پاک‌خدایی که چه نعمت‌های گرانی داده و بر سزاواران و ناسزاواران، ارزانی داشته است. او از آنچه بی‌عقیدگان می‌پندارند، بسیار والاتر و فراتر است!

ر. ک: ج ۱، ص ۴۸۵ (بهداشت پوست / گیاه سنا).

۱۲ / ۲ آنچه سستی اندام می‌آورد



۴۱۸. امام رضا علیه السلام: خوردن خربزه، ناشتا، سست اندامی پناه بر خدا بر جای می گذارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۴

ب الاغتسال بالماء البارد بعد أكل السمك

۴۱۹. الإمام الرضا عليه السلام: الاغتسال بالماء البارد بعد أكل السمك يورث الفالج. [۵۸۹]

راجع: ج ۱، ص ۶۱۰ (ما ينبغي قبل الجماع / اختيار الأوقات الصالحة).

۱۳ / ۲

ما يمتنع الفالج

أ أكل التمر بعد أكل السمك

۴۲۰. الكافي عن سعيد بن جناح عن مولى للإمام الصادق عليه السلام، قال: دَعَا [عليه السلام بِتَمْرٍ فَأَكَلَهُ، ثُمَّ قَالَ: مَا بِي شَهْوَةٌ، وَ لَكِنِّي

أَكَلْتُ سَمَكًا.

ثُمَّ قَالَ: مَنْ بَاتَ وَ فِي جَوْفِهِ سَمَكٌ لَمْ يَتَّبِعْهُ بِتَمْرَاتٍ أَوْ عَسَلٍ، لَمْ يَزَلْ عِرْقُ الْفَالِجِ يَضْرِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يُصْبِحَ. [۵۹۰]

ب السعال

۴۲۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: لا تَكْرَهُوا أَرْبَعَةً... وَ السُّعَالَ؛ فَإِنَّهُ يَقْطَعُ عُرُوقَ الْفَالِجِ. [۵۹۱]

ج الدعاء

۴۲۲. رسول الله صلى الله عليه و آله لَأَنْسِ: أ لَا اعْلَمُكَ دُعَاءً تَدْعُو بِهِ كُلَّمَا صَلَّيْتَ الْغَدَاةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ دَفَعَ اللَّهُ عَنْكَ الْجُدَامَ وَ الْبِرَصَّ

وَ الْفَالِجَ وَ الْعَمَى فِي الدُّنْيَا؟ قُل:

«اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ، وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَسْبِغْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ». [۵۹۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۵

### ب غسل با آب سرد پس از خوردن ماهی

۴۱۹. امام رضا علیه السلام: غسل کردن با آب سرد پس از خوردن ماهی، سست اندامی در پی می آورد.

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۶۱۱ (آنچه پیش از آمیزش، بایسته است / انتخاب زمان مناسب).

۱۳ / ۲ آنچه مانع سست اندامی می شود

### الف خوردن خرما پس از خوردن ماهی

۴۲۰. الكافي به نقل از سعيد بن جناح، از یکی از وابسته های امام صادق علیه السلام: [امام علیه السلام چند خرمايي خواست و

خورد. سپس فرمود: «اشتهایی نداشتم؛ اما ماهی خورده بودم».

سپس فرمود: «هر کس در حالی بخوابد که ماهی خورده و در پی آن، چند خرما یا مقداری عسل نخورده است، تا صبح، رگ

## ب سرفه

۴۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز را ناخوشایند مدارید: ... و سرفه را؛ چرا که فلج را ریشه کن می‌کند. [۵۹۳]

## ج دعا

۴۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خطاب به انس: آیا نمی‌خواهی دعایی به تو بیاموزم که هر گاه نماز صبح گزاردی، آن را سه بار بگویی تا خداوند، جذام، پیسی، سست‌اندami و کوری را از تو دور کند؟ بگو: «خداوند! از پیشگاه خویش، مرا راه نمایی، از فضل خود، بر من فرو بار، از رحمت خویش، نعمتی سرشارم ده، و از برکات خود، بر من نازل فرمای.»  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۶

۱۴/۲

ما يُؤْمِنُ مِنَ اللَّقْوَةِ

۴۲۳. مکارم الأخلاق: رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ دَعَا بِالْهَاضِمِ وَالسَّعْتَرِ وَالْحَبَّةِ السَّوْدَاءِ، فَكَانَ يَسْتَفُّهُ إِذَا أَكَلَ الْبِيضَ وَطَعَامًا لَهُ غَائِلَةٌ، وَكَانَ يَجْعَلُهُ مَعَ الْمِلْحِ الْجَرِيشِ وَيَفْتَتِحُ بِهِ الطَّعَامَ، وَيَقُولُ: مَا ابَالِي إِذَا تَعَادَيْتَهُ مَا أَكَلْتُ مِنْ شَيْءٍ. وَكَانَ يَقُولُ: يُقَوِّى الْمَعْدَةَ، وَيَقْطَعُ الْبَلْعَمَ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ اللَّقْوَةِ. [۵۹۴]  
راجع: ج ۱، ص ۶۱۰ (ما ينبغي قبل الجماع/ اختيار الأوقات الصالحة).

۱۵/۲

ما يَنْفَعُ لِلْفَرْعِ

۴۲۴. طب الأئمة عن محمد بن مسكان الحلبي: قال أبو عبد الله عليه السلام لرجل من أوليائه وقد سأله الرجل، فقال: يا ابن رسول الله، إن لي بنتاً وأنا أرق لها واشفق عليها، وإنها تفزع كثيراً ليلاً ونهاراً، فإن رأيت أن تدعو الله لها بالعافية. قال: فدعا لها، ثم قال: مرها بالفصد؛ فإنها تنتفع بذلك. [۵۹۵]  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۷

۱۴/۲

## آنچه از کزدهانی ایمنی می‌دهد

۴۲۳. مکارم الأخلاق: درباره پیامبر خدا، چنین روایت شده که داروی هضم کننده [۵۹۶] و آویشن و سیاه‌دانه خواست. چون مواد سفیده‌دار [۵۹۷] یا غذایی که سنگین بود، می‌خورد این موارد را با هم آسیاب کرده، آرد آن را با نمک نیم کوفته همراه می‌کرد و غذای خویش را بدان آغاز می‌کرد و می‌فرمود: «چون این دارو را بخورم، باکی از این ندارم که چه چیزی خورده باشم.»  
او می‌فرمود: «همین دارو معده را تقویت می‌کند، بلغم را از میان برمی‌دارد و مایه ایمنی از کزی دهان است.»

ر. ک: ج ۱، ص ۶۱۱ (آنچه پیش از آمیزش، بایسته است/ انتخاب زمان مناسب).

۱۵/۲

### آنچه برای درمان وحشت، سودمند است

۴۲۴. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از مُحَمَّد بن مسكان حلبی: امام صادق علیه السلام، در پاسخ یکی از دوستاندانش که گفته بود: ای پسر پیامبر خدا! من دختری دارم و پیوسته، نگران و بیدار خواب اویم و او، شب و روز، در بسیاری از اوقات، آشفته‌خاطر است. اگر مصلحت می‌دانی، برای او از خداوند، عافیت مسئلت فرما، برای آن دختر، دعا کرد و سپس فرمود: «به او بگو رگرنی کند؛ چرا که از این کار، سود خواهد برد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۸

الفصل الثالث: العين

۱/۳

الإشارة إلى ما فيها من الحكمة

۴۲۵. الإمام علي عليه السلام: اعجبوا لهذا الإنسان؛ ينظر بشحم، و يتكلم بلحم، و يسمع بعظم، [و] يتنفس من خرم! [۵۹۸]

۴۲۶. الإمام الصادق عليه السلام في مُحاجَّته مع الطَّيِّبِ الهِنْدِيِّ: خَلَّتِ الْجَبْهَةُ مِنَ الشَّعْرِ؛ لِأَنَّهَا مَصَّبُ النَّورِ إِلَى الْعَيْنَيْنِ، وَ جُعِلَ فِيهَا التَّنْخِيطُ وَ الْأَسَارِيرُ؛ لِيَحْتَسِبَ الْعَرَقُ الْوَارِدَ مِنَ الرَّأْسِ عَنِ الْعَيْنِ قَدَرَ مَا يُمِيطُهُ الْإِنْسَانُ عَنِ نَفْسِهِ، كَالْأَنْهَارِ فِي الْأَرْضِ الَّتِي تَحْبِسُ الْمِيَاءَ، وَ جُعِلَ الْحَاجِبَانِ مِنَ فَوْقِ الْعَيْنَيْنِ؛ لِيُرِدَ عَلَيْهِمَا مِنَ النَّورِ قَدَرَ الْكِفَايَةِ.

أَلَا تَرَى يَا هِنْدِيُّ، إِنَّ مَنْ غَلَبَهُ النَّورُ جَعَلَ يَدَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ؛ لِيُرِدَ عَلَيْهِمَا قَدْرُ كِفَايَتِهِمَا مِنْهُ، وَ جُعِلَ الْأَنْفُ فِيمَا بَيْنَهُمَا؛ لِيُقَسِّمَ النَّورَ قِسْمَيْنِ إِلَى كُلِّ

عَيْنٍ سَوَاءً، وَ كَانَتِ الْعَيْنُ كَاللُّوزَةِ؛ لِيَجْرِيَ فِيهَا الْمِيلُ بِالدَّوَاءِ وَ يَخْرُجَ مِنْهَا الدَّاءُ. وَ لَوْ كَانَتْ مُرَبَّعَةً أَوْ مُدَوَّرَةً مَا جَرَى فِيهَا الْمِيلُ، وَ مَا وَصَلَ إِلَيْهَا دَوَاءٌ، وَ لَا خَرَجَ مِنْهَا دَاءٌ. [۵۹۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۹

### فصل سوّم: چشم

#### ۱/۳ اشاره به حکمت نهفته در چشم

۴۲۵. امام علی علیه السلام: از [خلقت این انسان، در شگفت آید! با تکه‌ای پیه می‌بیند، با پاره گوشتی سخن می‌گوید، به کمک قطعه استخوانی، می‌شنود و از سوراخی، نفس می‌کشد.

۴۲۶. امام صادق علیه السلام در مناظره با طیب هندی: پیشانی، از مو تهی است، از آن رو که محلّ رسیدن نور به چشمان است؛ و در آن چین و چروک قرار داده شده است، بدان سبب که عرق فرو ریخته شده از سر را در خود، محبوس سازد و مانع رسیدن آن به چشمان شود، تا بدان وقت که انسان، عرق خویش را پاک کند، آن‌سان که نهرهای زمین، آب‌ها را در خود، محبوس می‌سازند.

ابروها در بالای چشمان قرار داده شده‌اند تا نور را بدان اندازه که بسنده است، به چشمان راه دهند. ای هندی! مگر نمی‌بینی آن که نور بر وی چیره می‌شود، دست خویش را بر فراز چشمان می‌گیرد تا نور، بدان اندازه که بسنده است، از زیر آن به چشمان راه گشاید؟

بینی، در میان دو چشم قرار داده شده است تا نور را در میان دو چشم، به دو بخش مساوی قسمت کند.

چشم، همانند بادام است، تا میل بتواند دارو را در داخل آن جریان دهد و

بیماری (عفونت) از آن بیرون آید. اگر چشم، مربع شکل یا دایره‌ای بود، نه میل در داخل آن حرکت می‌کرد، نه دارو به همه آن می‌رسید، و نه بیماری از درون آن خارج می‌شد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۰

۴۲۷. عنه عليه السلام للمفضل بن عمر: انظر الآن يا مفضل إلى هذه الحواس التي خصص بها الإنسان في خلقه وشرّف بها على غيره، كيف جعلت العينان في الرأس كالمصباح فوق المنارة لئتمكن من مطالعة الأشياء، و لم تجعل في الأعضاء التي تحتهن كاليدين والرجلين فتعرضها الآفات وتصيبها من مباشرة العمل والحركة ما يعللها ويؤثر فيها وينقص منها، ولا في الأعضاء التي وسط اليدين كالبطن والظهر فيعسر تقلبها وإطلاعها نحو الأشياء، فلما لم يكن لها في شيء من هذه الأعضاء موضع، كان الرأس أسنى المواضع للحواس، وهو بمنزلة الصومعة لها.

فجعل الحواس خمساً تلقى خمساً لكيلا يفوتها شيء من المحسوسات، فخلق البصر، ليدرك الألوان؛ فلو كانت الألوان ولم يكن بصر يدركها لم يكن منفعة فيها.

وخلق السمع ليدرك الأصوات، فلو كانت الأصوات ولم يكن سمع يدركها لم يكن فيها إرب، وكذلك سائر الحواس.

ثم هذا يرجع متكافئاً، فلو كان بصير ولم يكن ألوان؛ لما كان للبصير معنى، ولو كان سمع ولم يكن أصوات؛ لم يكن للسمع موضع، فانظر كيف قدر بعضهما يلقي بعضاً، فجعل لكل حاسة محسوس يعمل فيه، ولكل محسوس حاسة تدركه، ومع هذا فقد جعلت أشياء متوسطة بين الحواس

والمحسوسات لا يتيم الحواس إلا بها كمثل الضياء والهواء؛ فإنه لو لم يكن ضياء يظهرو للون للبصر لم يكن البصر يدرك اللون، ولو لم يكن هواء يؤدّي الصوت إلى السمع؛ لم يكن السمع يدرك الصوت.

فهل يخفى على من صبح نظره وأعمل فكره أن مثل هذا الذي وصفت من تهيئه الحواس والمحسوسات بعضهما يلقي بعضاً، وتهيئه أشياء آخر بها تتيم الحواس لا يكون إلا بعمدٍ وتقديرٍ من لطيف خبير؟

فكر يا مفضل، في من عدم البصر من الناس وما يناله من الخلل في اموره؟ فإنه لا يعرف موضع قدمه، ولا يبصر ما بين يديه، فلا يفرق بين الألوان، و بين المنظر الحسن والقيح، ولا يرى حفرة إن هجم عليها، ولا عوداً إن أهوى إليه بسيف، ولا يكون له سبيل إلى أن يعمل شيئاً من هذه الصناعات، مثل الكتابة والتجارة والصياغة، حتى أنه لو نافذ ذهنه لكان بمنزلة الحجر الملقى...

تأمل يا مفضل الجفن على العين كيف جعل كالغشاء، والأشرف كالأشراج وأولجها في هذا الغار، وأظلمها بالحجاب وما عليه من الشعر. [۶۰۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۱

۴۲۷. امام صادق عليه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! اکنون به این حواسی که خداوند از میان همه آفریدگان، آنها را به انسان اختصاص داده و بدین واسطه، او را بر دیگران گرامی داشته است، بنگر. چگونه چشمان انسان به سان چراغ‌هایی که فراز مناره است، در سر انسان قرار گرفته تا قادر بر مطالعه اشیا باشد و در اندام‌های پایین‌تر (از قبیل دست و پا) قرار نگرفته است تا آفت‌ها بدان برسد و از پرداختن مستقیم به کار و حرکت، چیزهایی بدانها برسد که ناتوانش سازد، در آن، اثر گذارد و از آن

بکاهد. چشم‌ها در اندام‌های میانی بدن (چون شکم و پشت) نیز قرار نگرفته است تا چرخش آنها به سوی چیزها و نگاهشان به سوی اشیا، دشوار باشد. بدین سان، از آن رو که جای چشم ما هیچ کدام از این اندام‌ها نبوده، عالی‌ترین جای هواس، همان سر است که خود، به صومعه حواس می‌ماند.

حواس نیز پنج چیز قرار داده شده که پنج چیز را درک می‌کنند تا چیزی از این محسوسات، از کف نرود. چشم آفریده شده است تا رنگ‌ها را درک کند. اگر رنگ‌ها وجود داشتند و در این حالت، چشمی نبود که آنها را درک کند، هیچ سودی در آنها متصور نبود.

گوش آفریده شده تا صداها را درک کند. اگر صداها وجود داشتند و گوش نبود که آنها را ادراک کند، دیگر هیچ نیازی به آنها نبود و هیچ مقصودی را برآورده نمی‌ساختند. دیگر حواس نیز چنین‌اند.

از سویی دیگر نیز همین حقیقت، صادق است. اگر چشم وجود داشت، ولی رنگ‌ها وجود نمی‌داشتند، چشم را هیچ خاصیتی نبود؛ یا اگر گوش وجود داشت، ولی صداها وجود نمی‌داشتند گوش را هیچ جایگاهی نبود. پس ببین که چگونه این حواس و محسوس‌ها با همدیگر اندازه و همسان شده‌اند و هر حسی را محسوسی است که بر آن، اثر می‌گذارد و هر محسوسی را نیز حسی است که آن را درک می‌کند.

با وجود اینها، چیزهایی همانند نور و هوا، واسطه میان حواس و محسوس‌ها آفریده شده‌اند که حواس، جز به کمک آنها کامل نمی‌شوند؛ چه، اگر نوری که رنگ را بر چشم آشکار سازد، نبود، چشم نمی‌توانست رنگ را درک کند و اگر هوایی که صدا را به گوش برساند، نبود، گوش نیز نمی‌توانست صدا را درک کند.

پس آیا بر هر کس که نگاهی درست بیفکند و فکر خویش را به کار گیرد، پوشیده می‌ماند که پدیده‌ای چون فراهم بودن حواس و محسوس‌های همسان و همناخت با یکدیگر، و نیز فراهم شدن چیزهای دیگر که حواس به کمک آنها کامل می‌شود و توصیف آنها را گفتم، می‌تواند از چیزی جز هدفداری و اندازه‌گیری از جانب خدای لطیف آگاه، سرچشمه گرفته باشد؟

ای مفضل! در زندگی ناینایان و خللی که در کارشان روی می‌دهد، اندیشه کن و ببین که چگونه چنین کسی، نه جای گام‌های خویش را می‌بیند، نه پیش روی خود را می‌بیند، نه میان رنگ‌ها تفاوت می‌گذارد، نه چشم‌اندازهای زیبا و زشت را از هم باز می‌شناسد، نه اگر از سویی به او حمله ببرند، گودالی را که پیش پایش هست، می‌بیند، نه اگر ضربه شمشیری به سوی او فرود آید، دشمن و ضربت او را می‌بیند، و نه به انجام دادن کارهایی چون: نوشتن، داد و ستد و زرگری راهی می‌یابد، تا آنجا که اگر کار آبی ذهنی وی نبود، به پاره‌سنگی افتاده بر زمین می‌مانست ...

ای مفضل! در پلک چشم، تأمیل کن و بنگر که چگونه به سان پوشش، بر آن قرار گرفته و چگونه مژه‌ها به آویخته گاه‌های ریسمان می‌مانند و چه سان خداوند، چشم را در درون غار خویش نشانده و پرده موهایی [که اطراف آن است، بر آن افکنده است. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۲

۲/۳

أَسْبَابُ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْعَيْنِ

۴۲۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَثَلُ النَّاطِرِ فِي الْقَدْرِ كَالنَّاطِرِ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ؛ كَلَّمَا اشْتَدَّ نَظْرُهُ فِيهَا ذَهَبَ بَصَرُهُ. [۶۰۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۳

### ۲/۳ عوامل برخی از بیماری‌های چشم

۴۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که در مسئله «قضا و قدر» [۶۰۲] بنگرد، حکایت کسی را دارد که

به خورشید، خیره می‌شود. هر اندازه بیشتر بدان چشم بدوزد، بینایی وی، بیشتر از میان می‌رود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۴

۴۲۹. الإمام الرضا عليه السلام: أكل الأترج بالليل يقلب العين، و يورث الحول. [۶۰۳]

۴۳۰. رسول الله صلى الله عليه و آله في وصاياہ لعلي عليه السلام: يا علي، لا ينظرن أحد إلى فرج امرأته و ليغض بصيرة عند الجماع؛ فإن النظرة إلى الفرج يورث العمى في الولد. [۶۰۴]

۴۳۱. الإمام علي عليه السلام: لا ينظرن أحدكم إلى باطن فرج امرأته؛ فلعله يرى ما يكره و يورث العمى. [۶۰۵]

۴۳۲. رسول الله صلى الله عليه و آله في وصاياہ لعلي عليه السلام: يا علي، لا تجامع امرأتك بعد الظهر، فإنه إن قضيت بينكما ولد في ذلك الوقت يكون أحول، و الشيطان يفرح بالحول في الإنسان. [۶۰۶]

۴۳۳. الإمام الرضا عليه السلام: لا تقرب النساء في أول الليل لا شتاء ولا صيفاً؛ و ذلك أن المعده و العروق تكون ممتلئة و هو غير محمود، يتخوف منه... ضعف البصر و الدماغ. [۶۰۷]

راجع: ج ۱، ص ۳۰۶ (ما يجلو البصر و يزيد فيه / تقصير الشعر).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۵

۴۲۹. امام رضا عليه السلام: خوردن ترنج در هنگام شب، چشم را انحراف می‌دهد و کز چشمی می‌آورد.

۴۳۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله در سفارش‌های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! مبدا کسی در هنگام آمیزش به شرمگاه همسر خویش بنگرد؛ بلکه باید در هنگام آمیزش، چشم فرو هلد؛ چرا که نگرستن به شرمگاه، کوری فرزند را در پی می‌آورد.

۴۳۱. امام علی علیه السلام: مبدا کسی از شما به درون شرمگاه همسر خویش بنگرد؛ چه، شاید چیزی بیند که ناخوشایندش آید و شاید هم کوری بیاورد.

۴۳۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: از سفارش‌های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! بعد از ظهر با همسرت نزدیکی مکن، که اگر در این هنگام برایتان فرزندی تقدیر شود، کز چشم خواهد بود، و شیطان نیز به کز چشمی انسان، شادمان می‌گردد.

۴۳۳. امام رضا علیه السلام: در اوایل شب، چه زمستان و چه پاییز، با زنان نزدیکی مکن؛ چرا که معده و رگ‌ها [در این هنگام، پُر است و این کار، ناستوده است و از آن بیم ... ضعف بینایی و سست‌خردی می‌رود.

ر. ک: ج ۱، ص ۳۰۷ (آنچه چشم را جلا می‌دهد و تقویت می‌کند / کوتاه کردن مو).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۶

۳ / ۳

الوقایة من بعض أمراض العين

۴۳۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: لا تکرهوا أربعة الرمد؛ فإنه يقطع عروق العمى... [۶۰۸]

۴۳۵. عنه صلى الله عليه و آله: من قلم أظفاره يوم السبت و يوم الخميس و أخذ من شارب عوفى من وجع الصرس، و وجع العين. [۶۰۹]

۴۳۶. الإمام الباقر عليه السلام: من أدمن أخذ أظفاره كل خميس لم ترمد عينه. [۶۱۰]

۴۳۷. کتاب من لا يحضره الفقيه: قال عبد الله بن أبي يعفور للصادق عليه السلام: جعلت فداك! يقال: ما استنزله الرزق بشيء مثل التّعقيب فيما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس.

فقال: أجل، و لكن أخبرك بخير من ذلك، أخذ الشارب و تقليم الأظفار يوم الجمعة، و تقليم الأظفار يوم الخميس يدفع الرمد. [۶۱۱]

۴۳۸. الإمام الصادق عليه السلام: تقليم الأظفار يوم الجمعة يؤمن من الجذام و البرص و العمى، و إن لم تحج فحكها. [۶۱۲]

### ۳ / ۳ پیشگیری از برخی بیماری‌های چشم

۴۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز را ناخوشایند مدارید: ... چشم درد؛ چرا که رگ‌های کوری را قطع می‌کند. [۶۱۳]

۴۳۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در روز پنج‌شنبه و شنبه، ناخن‌های خود را کوتاه کند و قدری از سیل خود بگیرد، از دندان درد و درد چشم در امان باشد.

۴۳۶. امام باقر علیه السلام: هر کس به گرفتن ناخن در هر پنج‌شنبه مداومت ورزد، چشم درد نمی‌گیرد.

۴۳۷. کتاب من لا - یحضره الفقیه: عبد الله بن ابی یعفر به امام صادق علیه السلام گفت: فدایت شوم! گفته می‌شود هیچ چیز به اندازه تعقیبات میان طلوع سپیده و طلوع خورشید، سبب نزول روزی نشده است.

فرمود: «آری؛ امیّا تو را از بهتر از این آگاه سازم: گرفتن سیل و کوتاه کردن ناخن در روز جمعه. کوتاه کردن ناخن‌ها در روز پنج‌شنبه نیز چشم درد را دور می‌کند».

۴۳۸. امام صادق علیه السلام: کوتاه کردن ناخن‌ها در روز جمعه، از جذام و پیسی و کوری، ایمن می‌دهد. اگر هم نیازی به کوتاه کردن نبود، آنها را بسای.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۸

۴۳۹. الکافی عن علی بن أسباط عن خلف: رَأَى أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْرُاسَانَ وَ أَنَا أَشْتَكِي عَيْنِي، فَقَالَ: أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى شَيْءٍ إِنْ فَعَلْتَهُ لَمْ تَشْتَكِ عَيْنَكَ؟

فَقُلْتُ: بَلَى.

فَقَالَ: خُذْ مِنْ أَظْفَارِكَ فِي كُلِّ خَمِيسٍ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ، فَمَا أَشْتَكَيْتُ عَيْنِي إِلَى يَوْمٍ أَخْبَرْتُكَ. [۶۱۴]

۴۴۰. الإمام الصادق عليه السلام: الكحلُّ عند النَّوْمِ أَمَانٌ مِنَ الْمَاءِ. [۶۱۵]

۴۴۱. عنه عليه السلام: مَنْ نَامَ عَلَى إِثْمِدٍ غَيْرِ مُمَسِّكٍ أَمِنَ مِنَ الْمَاءِ الْأَسْوَدِ أَبَدًا مَا دَامَ يَنَامُ عَلَيْهِ. [۶۱۶]

۴۴۲. عنه عليه السلام: إِنْ الرَّجُلُ إِذَا صَامَ زَالَتْ عَيْنَاهُ مِنْ مَكَانِهِمَا، فَإِذَا أَفْطَرَ عَلَى الْحُلُوِّ عَادَتَا إِلَى مَكَانِهِمَا. [۶۱۷]

۴۴۳. مكارم الأخلاق عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام: كَثْرَةُ الْعُطَاسِ يَأْمَنُ صَاحِبُهُ مِنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: أَوْلَاهَا: الْجُدَامُ.

وَ الثَّانِي: الرِّيحُ الْخَبِيثَةُ الَّتِي تَنْزِلُ فِي الرَّأْسِ وَ الْوَجْهِ.

وَ الثَّلَاثُ: يَأْمَنُ نَزُولَ الْمَاءِ فِي الْعَيْنِ.

وَ الرَّابِعُ: يَأْمَنُ مِنْ شِدَّةِ [۶۱۸] الْخِيَاسِيمِ.

وَ الْخَامِسُ: يَأْمَنُ مِنْ خُرُوجِ الشَّعْرِ فِي الْعَيْنِ.

قَالَ: وَ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ يَقِلَّ عُطَاسُكَ فَاسْتَعِطْ بِدُهْنِ الْمَرَزَنْجُوشِ.

قُلْتُ: مِقْدَارُ كَمْ؟

قَالَ: مِقْدَارُ دَانِقٍ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ خَمْسَةَ أَيَّامٍ فَذَهَبَ عَنِّي. [۶۱۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۹

۴۳۹. الکافی به نقل از علی بن اسباط، از خلف: امام رضا علیه السلام، مرا در خراسان دید، در حالی که چشم درد داشتم. فرمود: «آیا می‌خواهی تو را به کاری رهنمون شوم که اگر آن را انجام دهی، چشمانت درد نکند؟». گفتم: چرا.

فرمود: «در هر روز پنج‌شنبه، قدری از ناخن‌هایت بگیر».

راوی گوید: من آن کار را انجام دادم و از آن پس تا امروز که این روایت را نقل می‌کنم، به چشم‌درد، مبتلا نشده‌ام.

۴۴۰. امام صادق علیه السلام: سرمه کشیدن در هنگام خواب، مایه ایمنی از آب [چشم است].

۴۴۱. امام صادق علیه السلام: هر کس با سرمه اثمد آمیخته ناشده با مُشک بخوابد، برای همیشه، تا زمانی که بر این حالت می‌خوابد، از آب سیاه در امان می‌ماند.

۴۴۲. امام صادق علیه السلام: مرد، چون روزه بگیرد، چشمانش از جای خویش می‌رود [۶۲۰] و چون با شیرینی روزه بکشاید، دیگر بار، چشمانش به جای خویش باز می‌گردد.

۴۴۳. مکارم الأخلاق به نقل از ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام: فراوانی عطسه، شخص را از پنج چیز، ایمن می‌سازد: نخستین آنها جذام است؛ دوم، بادهای بدخیمی که در سر و صورت، جای می‌گیرد؛ سوم آن که مایه ایمنی از جای گرفتن آب در چشم می‌شود؛ چهارم آن که از سختی حفره‌های بینی، مصنوعیت می‌دهد؛ و پنجم آن که از بیرون آمدن مو از چشم، ایمنی می‌دهد. فرمود: «اگر دوست داشتی که عطسه‌ات کم شود، با روغن مرزنجوش، انفیہ کن».

پرسیدم: چه مقدار؟

فرمود: «به اندازه یک دانگ [۶۲۱]».

راوی گوید: این کار را پنج روز انجام دادم و [عارضه‌ام از میان رفت].

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۰

۴ / ۳

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْعَيْنِ

۴۴۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْكَمَاءُ مِنْ نَبْتِ الْجَنَّةِ، و ماؤها نافع من وجع العين. [۶۲۲]

۴۴۵. عنه صلی الله علیه و آله: الْكَمَاءُ مِنَ الْمَنِّ وَالْمَنْ مِنَ الْجَنَّةِ، و ماؤها شفاء للعین. [۶۲۳]

۴۴۶. مسند ابن حنبل عن عثمان: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَخَّصَ أَوْ: قَالَ فِي الْمُحْرَمِ إِذَا اشْتَكَى عَيْنَهُ أَنْ يُضَمَّهَا بِالصَّبْرِ. [۶۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۱

### ۴ / ۳ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های چشم سودمند است

۴۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قارچ، از گیاهان بهشتی است و آبش برای چشم درد، سودمند است.

۴۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قارچ، از همان «مَنْ» و «مَنْ» از بهشت است [۶۲۵] و آبش نیز شفایی برای چشم است.

۴۴۶. مسند ابن حنبل به نقل از عثمان: پیامبر خدا، درباره مُحْرَمِ اجازه داد (یا فرموده) که اگر چشم درد داشته باشد، مرهم گیاه سَبْر بر چشم خویش بنهد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۲

۴۴۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْمُحْرَمَ إِذَا اشْتَكَى عَيْنَهُ ضَمَّهَا بِالصَّبْرِ. [۶۲۶]



۴۴۸. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَنْ ذُرَيْحٍ: شَكَرَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَاضَا فِي عَيْنَيْهِ، فَقَالَ: خُذْ تَوْتِيَا هِنْدِيَّ جُزْءًا وَإِقْلِيمِيَا الذَّهَبِ جُزْءًا، وَإِثْمِدًا [۱] جَيِّدًا جُزْءًا [و] [۶۲۷] لِيَجْعَلَ جُزْءًا مِنَ الْهَلِيلِجِ الْأَصْفَرِ، وَجُزْءًا مِنْ مِلْحِ أَنْدَرَانِيٍّ، وَاسْحَقْ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهَا عَلَى حِدَّةٍ بِمَاءِ السَّمَاءِ، ثُمَّ اجْمَعُهُ بَعْدَ السَّحْقِ [۶۲۸] فَاصْبِرْ عَلَيْهِ؛ فَإِنَّهُ يَقَطِّعُ الْبِيَاضَ، وَيُصَيِّفِي لَحْمَ الْعَيْنِ وَيُنْقِيهِ مِنْ كُلِّ عِلَّةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. [۶۲۹]

۴۴۹. الكافي عن جميل بن صالح: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لَنَا فِتَاءً كَانَتْ تَرَى الْكَوْكَبَ مِثْلَ الْجَزَّةِ. قَالَ: نَعَمْ، وَتَرَاهُ مِثْلَ الْحُبِّ. قُلْتُ: إِنَّ بَصَرَهَا ضَعْفٌ.

فَقَالَ: أَكْثَلُهَا بِالصَّبْرِ وَالْمُرِّ وَالْكَافُورِ أَجْزَاءً سِوَاءً. فَكَحَلْنَا بِهَا بِهِنَّ فَفَعَلْنَا بِهَا. [۶۳۰]

۴۵۰. الكافي عن ابن محبوب عن رجل: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَشْتَكِي عَيْنَيْهِ. فَقَالَ لَهُ: أَيْنَ أَنْتَ عَنْ هَذِهِ الْأَجْزَاءِ الثَّلَاثَةِ: الصَّبْرِ، وَالْكَافُورِ، وَالْمُرِّ؟ فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَذَهَبَتْ عَنْهُ. [۶۳۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۳

۴۴۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر مُحرَم چشمش درد گرفت، بر آن مرهم گیاه سیر بنهد.

۴۴۸. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِه نَقْلُ مِنْ ذُرَيْحٍ: مَرَدِي نَزِدَ إِمَامَ بَاقِرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ سَفِيدِي أَيِ فِي عَيْنَيْهِ فِي حَالِ رَاحَتِي كَرَدِي. فَرَمُودُ: «قَدَرِي تَوْتِيَا هِنْدِي، قَدَرِي جُوشِ كُورِه (رِيم) سِيمِ وَزَرِ، وَقَدَرِي سَنَكِ سَرْمِه مَرغُوبِ بَرْدَارِ وَ سَهْمِي هَلِيلِه زَرْدِ وَ سَهْمِي نِيْزِ نَمَكِ تَرَكِي (نَمَكِ بَلُورِ) [هَمْرَاهِ أَنْ بَرْدَارِ وَ هَرِ يَكِ مِنْ أَنْهَا رَا جَدَاكَانِه دَرِ آبِ بَارَانِ، خُوبِ بَسَابِ وَ سِپَسِ، هَمِه رَا پَسِ مِنْ سَابِيدِنِ بِه هَمِ دَرِ آمِيْزِ وَ مِنْ أَنْ سَرْمِه سَازِ. إِيْنِ [كَارِ]، بِه إِذْنِ خُدَاوَنْدِ عَزَّ وَ جَلَّ، سَفِيدِي عَارِضِ بَرِ چِشْمِ رَا مِنْ مِيَانِ مِي بَرْدِ، كُوشِ چِشْمِ رَا تَصْفِيَه مِي كَنْدِ وَ مِنْ هَرِ بِيْمَارِي أَيِ مِي پَالَايِدِ».

۴۴۹. الكافي به نقل از جميل بن صالح: به امام صادق عليه السلام گفتم: دختر جوانی داریم که ستاره را به سان کهنکشان می بیند. فرمود: «خوب! و گاه نیز آن را به سان یک دانه می بیند». [۶۳۲] گفتم: چشمش ضعیف شده است.

فرمود: «آن را به گیاه سیر و تلخه [۶۳۳] و کافور، به سهم های برابر، سر مه کن». وی را بدان چیزها سر مه کردیم و برایش سودمند افتاد.

۴۵۰. الكافي به نقل از ابن محبوب، از راوی دیگری: مردی که چشم درد داشت، بر امام صادق علیه السلام وارد شد. امام علیه السلام به او فرمود: «چرا از این سه چیز: گیاه سیر، کافور و تلخه، غافل؟». مرد، آن کار را انجام داد و چشم درد او از میان رفت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۴

۴۵۱. طَبُّ الْأَثْمَةِ: عَنْ عُمَرَ بْنِ تَوْبَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا شَكَرَا إِلَيْهِ بِيَاضَا فِي عَيْنَيْهِ، وَوَجَعَا فِي ضِرْسِيهِ، وَرِيَاحَا فِي مَفَاصِلِهِ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَأْخُذَ فُلْفُلًا أَيْضًا وَ دَارْفَلْفَلَ، مِنْ كُلِّ وَاحِدٍ وَزَنَ دِرْهَمَيْنِ، وَنُشَادْرًا جَيِّدًا صَافِيَا وَزَنَ دِرْهَمًا، وَاسْحَقَهَا كُلَّهَا وَانْخَلَهَا، وَاصْبِرْ عَلَيْهَا سَاعَةً؛ فَإِنَّهُ يَقَطِّعُ الْبِيَاضَ، وَ يُنْقِي لَحْمَ الْعَيْنِ، وَ يُسَيِّكُنُ الْوَجْعَ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى، فَاصْبِرْ [۶۳۴] عَيْنِيكَ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ وَ اتَّبِعْهُ بِالْإِثْمِدِ. [۶۳۵]

۴۵۲. الكافي: عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ سُلَيْمِ مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ يَقْتِينٍ أَنَّهُ كَانَ يَلْقَى مِنْ رَمِيدِ عَيْنَيْهِ أَدْيًى، قَالَ: فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ

السلام ابتداءً من عنده: ما يَمْنَعُكَ مِنْ كَحْلِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ جُزْءُ كَافُورٍ رِبَاحِيٍّ وَ جُزْءُ صَبْرِ اصْقُوطِيٍّ، يُدَقَّانِ جَمِيعًا وَ يُنْخَلَانِ بِحَرِيرَةٍ يُكْتَحَلُ مِنْهُ مِثْلَ مَا يُكْتَحَلُ مِنَ الْإِثْمِدِ، الْكَحْلَةُ فِي الشَّهْرِ تَحْدُرُ كُلَّ دَاءٍ فِي الرَّأْسِ وَ تُخْرِجُهُ مِنَ الْبَدَنِ. قَالَ: فَكَانَ يُكْتَحَلُ بِهِ، فَمَا اشْتَكَى عَيْنَيْهِ حَتَّى مَاتَ. [٦٣٦]

٤٥٣. الإمام الصادق عليه السلام: نِعَمَ الدُّهْنُ الْبَنْفَسُجُ، لِيَذْهَبَ بِالدَّاءِ مِنَ الرَّأْسِ وَ الْعَيْنَيْنِ؛ فَادَّهِنُوا بِهِ. [٦٣٧]

راجع: ج ١، ص ٤٠٠، ح ٦٧٦ و ص ٤٠٤ ح ٦٨١.

ج ٢، ص ٤١٢ (العناب).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٢٩٥

٤٥١. طَبُّ الْأَثْمِيَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از عُمر بن توبه، از پدرش، درباره امام صادق علیه السلام نقل شد که مردی نزد آن حضرت از سفیدی ای در چشمش، دردی در دنداننش و بادی در مفصل هایش اظهار ناراحتی کرد. امام علیه السلام به او فرمود که قدری فُلْفُل سفید و قدری دار فلفل [٦٣٨]، از هر کدام به وزن یک درهم، و نیز به وزن یک درهم، نشادر بر دارد.

[سپس فرمود:] «همه اینها را بساب و غربال کن و در هر چشمی از این مخلوط، سه میل سرمه کن و دمی آن را نگاه دار که به اذن خداوند عز و جل، سفیدی را ریشه کن می کند، گوشت چشم را تمیز می کند و درد را تسکین می دهد. پس چشمانت را با آب سرد بشوی و در پی آن، با سرمه سیاه، سرمه کن.»

٤٥٢. الکافی به نقل از ابن ابی عمیر: از سلیم، وابسته علی بن یقظین، نقل شده که وی (احتمالاً علی بن یقظین)، از درد چشم در رنج بود. پس امام کاظم علیه السلام، خود و بی آنکه وی، اطلاعی داده باشد یا پرسیده باشد، برای وی چنین نوشت: «چه چیز تو را از سرمه ابو جعفر (امام باقر علیه السلام) باز می دارد؟ یک سهم کافور رباحی، [٦٣٩] یک سهم سبر اصقطری [٦٤٠] که با هم آرد و بر پارچه ای حریر، غربال می شوند و به همان اندازه که از سنگ سرمه، بر چشم کنند، از این مخلوط نیز چشم را ماهی یک بار، سرمه کند تا هر دردی را که در سر هست، فرود آورد و از بدن، بیرون برد.»

وی (ابن یقظین)، به این مخلوط سرمه می کرد و از آن پس تا زنده بود، چشم درد نداشت.

٤٥٣. امام صادق علیه السلام: بنفشه، چه نیکو روغنی است! درد را از سر و از چشمان می برد. آن را به خود بمالید.

همچنین، ر. ک: ج ١، ص ٤٠١ ح ٦٧٦ و ص ٤٠٥ ح ٦٨١ و ج ٢، ص ٤١٣ (عناب).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٢٩٦

٥ / ٣

مَا يَجْلُو الْبَصَرَ وَ يَزِيدُ فِيهِ

١٥ / ٣

السَّفَرَجَلُ

٤٥٤. رسول الله صلى الله عليه و آله: كُلُوا السَّفَرَجَلَ وَ تَهَادَوْهُ بَيْنَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَ يُنْبِتُ الْمَوَدَّةَ فِي الْقَلْبِ. [٦٤١]

٤٥٥. عنه صلى الله عليه و آله: أكل السَّفَرَجَلِ يُذْهِبُ ظُلْمَةَ الْبَصَرِ. [٦٤٢]

٢٥ / ٣

التَّمْرُ

٤٥٦. رسول الله صلى الله عليه و آله في حَوَاصِّ التَّمْرِ الْبَرْنِيِّ: هَذَا جَبْرَيْلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ فِي تَمْرَتِكُمْ هَذِهِ تَسْعَ خِصَالٍ... وَ تَزِيدُ فِي

السَّمْعِ وَ الْبَصَرِ... [٦٤٣]

٣٥ / ٣

الْبَصَلُ

۴۵۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا دَخَلْتُمْ بَلَدَهُ وَبَيْتًا فَخِفْتُمْ وَبَاءَهَا فَعَلَيْكُمْ بِبَصَلِهَا... [۶۴۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۷

**۳ / ۵ آنچه چشم را جلا می دهد و تقویت می کند**

**۳ / ۱۵ به**

۴۵۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بِهِ بخورید و به همدیگر هدیه دهید؛ چرا که چشم را جلا می دهد و دوستی را در دل می رویند.

۴۵۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خوردن به، تیرگی چشم را از میان می برد.

**۳ / ۲۵ خرما**

۴۵۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله درباره خواص خرماى بزنى: این جبرئیل است که به من خبر می دهد که در این خرمایتان هفت ویژگی است: ... و بر شنوایی و بینایی تان می افزاید. [۶۴۵]

**۳ / ۳۵ پیاز**

۴۵۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اگر به آبادی ای و بازده در آمدید و از وبای [۶۴۶] آن ترسیدید، بر شما باد پیاز آن؛ چرا که چشم را جلا می دهد... [۶۴۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۸

۴۵ / ۳

اللُّبَانُ

۴۵۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِاللُّبَانِ؛ فَإِنَّهُ يَمَسُّحُ الْحَرَّ عَنِ الْقَلْبِ... وَيَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُذْهِبُ النَّسِيَانَ. [۶۴۸]

۵۵ / ۳

اللَّحْمُ

۴۵۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّحْمُ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَالْبَصْرِ. [۶۴۹]

۴۶۰. الإمام الباقر عليه السلام: أَكُلُ اللَّحْمِ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَالْبَصْرِ وَالْقُوَّةِ. [۶۵۰]

راجع: ج ۲، ص ۴۷۰، ح ۱۹۸۴ و ح ۱۹۸۷، و ص ۴۷۲، ح ۱۹۹۱.

۶۵ / ۳

الْمَرْزَنْجَوْشُ

۴۶۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: نِعَمَ الرَّيْحَانِ الْمَرْزَنْجَوْشُ، يَثْبُتُ تَحْتَ سَاقِي الْعَرْشِ؛ وَ مَأْوَةٌ شِفَاءُ الْعَيْنِ. [۶۵۱]

۷۵ / ۳

مَاءُ زَمَزَمَ

۴۶۲. الدعوات عن ابن عباس: إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ الْمِيَاهَ الْعَذَابَ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ غَيْرَ زَمَمٍ،  
و إِنَّ مَاءَهَا يَذْهَبُ بِالْحَمَى وَالصُّدَاعِ، وَالْإِطْلَافُ فِيهَا يَجْلُو الْبَصَرَ. [۶۵۲]  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۹

۴۵ / ۳

كُنْدُر

۴۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کُنْدُر؛ چرا که گرمزدگی را از قلب می‌زداید ... و دیده را جلا می‌دهد و فراموشی را از میان می‌برد.

### ۳ / ۵۵ گوشت

۴۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوشت، شنوایی و بینایی را افزون می‌کند.  
۴۶۰. امام باقر علیه السلام: خوردن گوشت، شنوایی، بینایی و قدرت را افزون می‌کند.  
ر. ک: ج ۲، ص ۴۷۱، ح ۱۹۸۴ و ۱۹۸۷، ص ۴۷۳، ح ۱۹۹۱.

### ۳ / ۶۵ مرزنگوش

۴۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه نیکو گیاهی است مرزنگوش! در زیر پایه‌های عرش می‌روید و آبش شفای چشم است.

### ۳ / ۷۵ آب زمزم

۴۶۲. الدعوات: از ابن عباس چنین نقل شده است: خداوند، پیش از روز قیامت،  
همه آب‌های شیرین را می‌خشکاند، مگر زمزم، که آبش تب و سردرد را از میان می‌برد و نگریستن در آن، چشم را جلا می‌دهد.  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۰

۸۵ / ۳

الاکْتِحَالُ بِالْإِثْمِدِ

۴۶۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْكُحْلُ فِي الْعَيْنَيْنِ يَجْلُو الْبَصَرَ. [۶۵۳]  
۴۶۴. الإمام الحسين عليه السلام: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا بُنَيَّ، نَمَّ عَلَى قَفَاكَ يَخْمَصُ بَطْنُكَ، وَ اشْرَبِ الْمَاءَ مَصِيًّا  
يَمْرَأَكَ أَكْلُكَ، وَ اكَتِحِلْ وَ تَرَا يُضِي لَكَ بَصْرُكَ، وَ ادَّهِنْ غَبَا تَشَبَّهُ بِسُنَّةِ نَبِيِّكَ. [۶۵۴]  
۴۶۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: ثَلَاثٌ يَزِدْنَ فِي قُوَّةِ الْبَصَرِ: الْكُحْلُ بِالْإِثْمِدِ، وَ النَّظْرُ إِلَى الْخُضْرَةِ، وَ النَّظْرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ. [۶۵۵]  
۴۶۶. عنه صلى الله عليه و آله: عَلَيْكَ بِالْكَحْلِ؛ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَ يَشُدُّ الْعَيْنَ. [۶۵۶]  
۴۶۷. عنه صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْإِثْمِدِ؛ فَإِنَّهُ مَبْتَهٌ لِلشَّعْرِ، مَذْهَبَةٌ لِلْقَدَى، مَصْفَاءَةٌ لِلْبَصَرِ. [۶۵۷]  
۴۶۸. عنه صلى الله عليه و آله: خَيْرٌ مَا اكَتَحَلْتُمْ بِهِ الْإِثْمِدُ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَ يُنْبِتُ الشَّعْرَ. [۶۵۸]  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۱

### ۳ / ۵ / ۸ سرمه کشیدن با سنگ سرمه «انمد»

۴۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سرمه کشیدن چشمان، دیده را جلا می‌دهد.

۴۶۴. امام حسین علیه السلام: پیامبر خدا به من فرمود: «فرزندم! به پشت بخواب تا شکمت کوچک شود، آب را به مکیدن بنوش تا خوردنت بر تو گوارا آید، به شمار دفعات فرد، سرمه بکش تا چشمانت روشن شود و یک روز در میان، روغن بزَن تا به سنت پیامبر خویش، عمل کرده باشی».

۴۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز، قدرت بینایی را افزون می‌کند: سرمه کشیدن به اَثْمِد، نگریستن به سبزی، و نگاه کردن به چهره زیبا.

۴۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر تو باد سرمه؛ چرا که موی را بر می‌رویاند و چشم را تقویت می‌کند.

۴۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد سرمه با اَثْمِد؛ چرا که مایه روییدن مو، از میان رفتن آلودگی و صفا یافتن دیده است.

۴۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اَثْمِد، بهترین چیزی است که با آن، سرمه می‌کنید؛ چرا که دیده را جلا می‌دهد و مو بر می‌رویاند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۲

۴۶۹. عنه صلی الله علیه و آله: اَکْتَحِلُوا بِالْإِثْمِدِ الْمُرْوَحِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ. [۶۵۹] [۶۶۰]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۳۰۲

۴۷۰. الإمام الباقر علیه السلام: الاكْتِحَالُ بِالْإِثْمِدِ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيَشُدُّ أَشْفَارَ الْعَيْنِ. [۶۶۱]

۴۷۱. الإمام الصادق علیه السلام: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَعْرَابِيٌّ يُقَالُ لَهُ: قَلْبٌ، رَطَبُ الْعَيْنَيْنِ.

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي أَرَى عَيْنَيْكَ رَطَبَتَيْنِ يَا قَلْبُ، عَلَيْكَ بِالْإِثْمِدِ؛ فَإِنَّهُ سَرَّاحٌ [۶۶۲] الْعَيْنِ. [۶۶۳]

۴۷۲. عنه عليه السلام: الْإِثْمِدُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيَذْهَبُ بِالْذَّمْعَةِ. [۶۶۴]

۴۷۳. عنه عليه السلام: الْكُحْلُ يُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيُجَفِّفُ الذَّمْعَةَ، وَيُعَذِّبُ الرِّيقَ، وَيَجْلُو الْبَصَرَ. [۶۶۵]

۴۷۴. عنه عليه السلام: الْكُحْلُ يُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيُحِدُّ الْبَصَرَ، وَيُعِينُ عَلَى طَوْلِ السُّجُودِ. [۶۶۶]

۴۷۵. سنن الترمذی عن ابن عباس: كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُكْحَلَةٌ يَكْتَحِلُ بِهَا عِنْدَ

النَّوْمِ ثَلَاثًا فِي كُلِّ عَيْنٍ. [۶۶۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۳

۴۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به سرمه اَثْمِد خوش بو شده با مُشْک، سرمه بکشید، که دیده را جلا می‌دهد و مو بر می‌رویاند.

۴۷۰. امام باقر علیه السلام: سرمه کشیدن به اَثْمِد، بوی را خوش می‌سازد و مژه‌گاه‌ها را استحکام می‌بخشد.

۴۷۱. امام صادق علیه السلام: عربی بادیه‌نشین که او را «قلب» می‌گفتند و آبریزش چشم داشت، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. به او فرمود: «ای قلب! می‌بینم چشمانت آبریزش دارد. بر تو باد سرمه اَثْمِد، که روشنایی چشم است».

۴۷۲. امام صادق علیه السلام: سرمه اَثْمِد، چشم را جلا می‌دهد، موی بر می‌رویاند و اشک‌ریزش را می‌برد.

۴۷۳. امام صادق علیه السلام: سرمه، مو بر می‌رویاند، اشک‌ریزش را می‌خشکاند، آب دهان را گوارا می‌سازد و دیده را جلا می‌دهد.

۴۷۴. امام صادق علیه السلام: سرمه، مو بر می‌رویاند، دیده را تیزی می‌بخشد، و انسان را بر طولانی ساختن سجده، یاری می‌رساند.

۴۷۵. سنن الترمذی به نقل از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله، سرمه‌دانی داشت که با آن،

در هنگام خفتن، هر چشم را سه بار سرمه می کشید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۴

۴۷۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا اِكْتَحَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَكْتَحِلْ وَتَرَا. [۶۶۸]

راجع: ج ۱، ص ۲۹۰ (ما ینفع لعلاج بعض أمراض العین). ج ۱، ص ۳۸۸ (ما یطیب الفم / الکحل).

۹۵ / ۳

السَّوَاكُ

۴۷۷. الإمام الصادق علیه السلام: عَلَیْكُمْ بِالسَّوَاكِ؛ فَإِنَّهُ یَجْلُو البَصَرَ. [۶۶۹]

۴۷۸. عنه علیه السلام: السَّوَاكُ یَذْهَبُ بِالذَّمَعَةِ، وَ یَجْلُو البَصَرَ. [۶۷۰]

راجع: ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۶۱۸ و ص ۳۷۴، ح ۶۲۱ و ۶۲۲.

۱۰۵ / ۳

غَسَلَ الیَدَیْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ

۴۷۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: الوُضوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ یَنْفِی الفَقْرَ، وَ بَعْدَهُ یَنْفِی الهم [۶۷۱]،

و یُصِحِّحُ البَصَرَ. [۶۷۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۵

۴۷۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی از شما سرمه کشید، به شمار دفعات فرد، سرمه بکشد.

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۲۹۱ (آنچه برای درمان برخی بیماری های چشم، سودمند است). ج ۱، ص ۳۸۹ (آنچه دهان را خوش بو

می کند / سرمه کشیدن).

### ۳ / ۹۵ مسواک زدن

۴۷۷. امام صادق علیه السلام: بر شما باد مسواک زدن؛ چرا که دیده را جلا می دهد.

۴۷۸. امام صادق علیه السلام: مسواک زدن، اشک ریزش را می برد و دیده را جلا می دهد.

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۶۱۸ و ص ۳۷۵، ح ۶۲۱ و ۶۲۲.

### ۳ / ۱۰۵ شستن دست ها، پیش و پس از غذا خوردن

۴۷۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن دست پیش از غذا خوردن، فقر را می زداید، و پس از غذا خوردن، غم و اندوه را می برد

و چشم را سلامت می بخشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۶

۴۸۰. الإمام علی علیه السلام: غَسَلَ الیَدَیْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ... یَجْلُو البَصَرَ. [۶۷۳]

۱۱۵ / ۳

تَقْصِیرُ الشَّعْرِ

۴۸۱. الإمام کاظم علیه السلام: إِنَّ شَعْرَ الرَّأْسِ إِذَا طَالَ ضَعْفَ البَصْرِ، وَ ذَهَبَ بَصْوَهُ نوره. وَ طَمَّ الشَّعْرُ؛ یُجْلِي البَصَرَ، وَ یَزِيدُ فی ضَوْءِ

نوره. [۶۷۴]

راجع: ج ۱، ص ۵۳۲، ح ۹۰۷.

۱۲۵/۳

الْخِضَابُ بِالْحِنَاءِ

۴۸۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: اخْتَضَبُوا بِالْحِنَاءِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنَبِّتُ الشَّعْرَ، وَيُطَيِّبُ الرِّيحَ، وَيُسْكِنُ الزَّوْجَةَ. [۶۷۵]

۴۸۳. عنه صلى الله عليه وآله: نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، إِنَّ فِيهِ

أَرْبَعٌ عَشْرَةَ خَصْلَةً: يَطْرُدُ الرِّيحَ مِنَ الْأَذْنَيْنِ، وَيَجْلُو الْغِشَاءَ عَنِ الْبَصَرِ... [۶۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۷

۴۸۰. امام علی علیه السلام: شستن دست‌ها پیش و پس از خوردن غذا ... دیده را جلا می‌دهد.

### ۱۱۵/۳ کوتاه کردن موها

۴۸۱. امام کاظم علیه السلام: موی سر، اگر بلند شود، دیده به ضعف می‌گراید و فروغِ نورش می‌رود؛ اما کوتاه کردن مو، دیده را

جلا می‌دهد و بر فروغ نور آن می‌افزاید.

ر. ک: ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۹۰۷.

### ۱۲۵/۳ خضاب بستن به حنا

۴۸۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: به حنا خضاب بندید؛ چرا که دیده را جلا می‌دهد، مو بر می‌رویانند، بو را خوش می‌سازد و

همسر مرد را آرامش می‌بخشد.

۴۸۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خرج کردن یک درهم برای خضاب، برتر از انفاق یک درهم در راه خداست. این کار،

چهارده فایده دارد: بو را از گوش‌ها دور می‌کند، پرده

[تاریکی را از برابر دیده کنار می‌زند و آن را جلا می‌دهد ...

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۸

۴۸۴. عنه صلى الله عليه وآله: الْحِنَاءُ خِضَابُ الْإِسْلَامِ؛ يَزِيدُ فِي الْمُؤْمِنِ عَمَلَهُ، وَيَذْهَبُ بِالصُّدَاعِ، وَيُحْدِثُ الْبَصِيرَ، وَيَزِيدُ فِي الْوِقَاعِ، وَ

هُوَ سَيِّدُ الرِّيَاحِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. [۶۷۷]

۱۳۵/۳

لُبْسُ الْخُفِّ

۴۸۵. الإمام الصادق عليه السلام: الْخُفُّ مَصْحَةٌ لِلْبَصَرِ. [۶۷۸]

۴۸۶. عنه عليه السلام: لُبْسُ الْخُفِّ يَزِيدُ فِي قُوَّةِ الْبَصَرِ. [۶۷۹]

راجع: ج ۱، ص ۶۴۶ (ما يضعف عن الجماع/ النعل السوداء).

۱۴۵/۳

الْحِجَامَةُ

۴۸۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْحِجَامَةُ فِي الرَّأْسِ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعٍ إِذَا مَا نَوَى صَاحِبُهَا: مِنَ الْجُنُونِ، وَالْحُدَامِ، وَالْبَرَصِ، وَ

التُّعَاسِ، وَوَجَعِ الصُّرْسِ، وَالصُّدَاعِ، وَظُلْمَةٍ يَجِدُهَا فِي عَيْنَيْهِ. [۶۸۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۹

۴۸۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حنا، خضاب اسلام است؛ بر [ثواب عمل مؤمن می‌افزاید، سردرد را از میان می‌برد، چشم را تیزبین می‌کند، قدرت آمیزش را افزون می‌سازد و مهتر گیاهان خوش بو در دنیا و آخرت است.

### ۳ / ۱۳۵ پوشیدن کفش

۴۸۵. امام صادق علیه السلام: کفش، مایه سلامت دیده است.

۴۸۶. امام صادق علیه السلام: به پا کردن کفش، قدرت بینایی را افزون می‌کند.

ر. ک: ج ۱، ص ۶۴۷ (آنچه از توان جنسی می‌کاهد/ کفش مشکی).

### ۳ / ۱۴۵ حجامت

۴۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حجامت در سر، شفای از هفت چیز است، آن گاه که بر شخص، عارض شود: دیوانگی، جذام، پیسی، چرت آلودگی، دندان‌درد، سردرد و تیرگی ای که شخص در چشم احساس می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۰

۴۸۸. عنه صلی الله علیه و آله: نِعَمَ الدَّوَاءِ الْحِجَامَةُ تُذْهِبُ الدَّمَ، وَ تَجْلُو الْبَصَرَ، وَ تُخَفِّفُ الصُّلْبَ. [۶۸۱]

۴۸۹. عنه صلی الله علیه و آله: نِعَمَ الْعَيْدِ الْحِجَامَةُ يَعْنِي الْعَادَةَ، تَجْلُو الْبَصَرَ، وَ تَذْهِبُ بِالذَّاءِ. [۶۸۲]

۳ / ۱۵۵

### النَّظَرُ إِلَى الْمُصْحَفِ

۴۹۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَدَامَ النَّظَرَ فِي الْمُصْحَفِ، مُتَّعَ بِبَصَرِهِ مَا دَامَ فِي الدُّنْيَا. [۶۸۳]

۴۹۱. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ، مُتَّعَ بِبَصَرِهِ، وَ خُفِّفَ عَنِ الْوَالِدِيهِ وَ إِنْ كَانَ كَافِرِينَ. [۶۸۴]

۴۹۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ نَظْرًا مُتَّعَ بِبَصَرِهِ. [۶۸۵]

۳ / ۱۶۵

### النَّظَرُ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَالْخُضْرَةِ

۴۹۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ، وَالْخُضْرَةِ يَزِيدَانِ فِي الْبَصَرِ. [۶۸۶]

۴۹۴. الإمام الكاظم علیه السلام: ثَلَاثَةٌ يُجَلِّينَ الْبَصَرَ: النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ، وَالنَّظَرُ إِلَى الْمَاءِ

الْجَارِي، وَالنَّظَرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ. [۶۸۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۱

۴۸۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه نیکو درمانی است حجامت! خون را می‌برد، دیده را جلا می‌دهد و پشت را سبک می‌کند.

۴۸۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه نیکو عادت است حجامت! دیده را جلا می‌دهد و درد را می‌برد.

### ۳ / ۱۵۵ نگرستن به قرآن

۴۹۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس پیوسته به قرآن بنگرد، تا زنده است، از بهره بینایی برخوردار می‌شود.

۴۹۱. امام صادق علیه السلام: هر کس قرآن را از رو بخواند، از بهره بینایی برخوردار است و از گناه پدر و مادرش کاسته می‌شود،



هر چند کافر باشند.

۴۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس قرآن را با نگرستن در آن بخواند، از بهره بینایی برخوردار می‌شود.

### ۳/ ۱۶۵ نگرستن به زنان زیباروی و سبزه

۴۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نگرستن به صورت زنان زیباروی و به سبزه، بینایی را افزون می‌کند.

۴۹۴. امام کاظم علیه السلام: سه چیز دیده را جلا می‌دهد: نگرستن به سبزه، نگرستن به آب جاری و نگرستن به روی نگو.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۲

۴۹۵. الإمام الصادق علیه السلام لِلْمُفْضَلِ بْنِ عَمْرٍ: فَكَّرَ فِي لَوْنِ السَّمَاءِ وَمَا فِيهِ مِنْ صَوَابِ التَّدْبِيرِ؛ فَإِنَّ هَذَا اللَّوْنَ أَشَدُّ الْأَلْوَانِ مُوَافَقَةً لِلْبَصِيرِ وَتَقْوِيَةً، حَتَّى أَنْ مِنْ صَفَاتِ الْأَطْبَاءِ لِمَنْ أَصَابَهُ شَيْءٌ أَضْرَرَ بِبَصِيرِهِ إِدْمَانَ النَّظْرِ إِلَى الْخُضْرَةِ وَمَا قَرَّبَ مِنْهَا إِلَى السَّوَادِ، وَقَدْ وَصَفَ الْحَدَاقُ مِنْهُمْ لِمَنْ كَلَّ بَصْرُهُ الْأَطْلَاعَ فِي إِجَانَةِ خُضْرَاءَ مَمْلُوءَةٍ مَاءً. [۶۸۸]

۱۷۵ / ۳

صَلَاةُ اللَّيْلِ

۴۹۶. الإمام الصادق علیه السلام: صَلَاةُ اللَّيْلِ تُحَسِّنُ الْوَجْهَ، وَتُذْهِبُ الْهَمَّ، وَتَجْلُو الْبَصَرَ. [۶۸۹]

۱۸۵ / ۳

آيَةُ الْكُرْسِيِّ

۴۹۷. الإمام علي عليه السلام: إِذَا اشْتَكَى أَحَدُكُمْ عَيْنَيْهِ فَلْيَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ، وَلْيُضْمِرْ فِي نَفْسِهِ أَنَّهَا تَبْرَأُ؛ فَإِنَّهُ يُعَافَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ. [۶۹۰]

راجع: ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۳

۴۹۵. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: در رنگ آسمان و درستی تدبیری که در آن است، بیندیش. این رنگ، سازگارترین رنگ با چشم و تقویت کننده‌ترین رنگ برای آن است، تا جایی که یکی از سفارش‌های طبیبان به کسانی که عارضه‌ای بدانان رسیده و به بینایی ایشان ضرر رسانده، این است که پیوسته به رنگ سبز و سبزی که مایل به سیاه است، بنگرند. طبیبان چیره‌دست، برای کسانی که چشمشان خسته است نیز این نسخه را تجویز کرده‌اند که: «در ظرف سبزی که پُر آب است، بنگرید».

### ۳/ ۱۷۵ نماز شب

۴۹۶. امام صادق علیه السلام: نماز شب، روی را نکو می‌سازد، اندوه و غم را می‌برد و دیده را جلا می‌دهد.

### ۳/ ۱۸۵ آیه الکرسی

۴۹۷. امام علی علیه السلام: اگر کسی از شما چشمانش ناراحت بود، آیه الکرسی بخواند و در دل، تبت شفا کند. به خواست خداوند، بهبود خواهد یافت.

همچنین، ر. ک: ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۴

## فَوَائِدُ الْبُكَاءِ لِلْأَطْفَالِ

۴۹۸. الإمام الصادق عليه السلام لِلْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ: اعْرِفْ يَا مُفَضَّلُ، مَا لِلْأَطْفَالِ فِي الْبُكَاءِ مِنَ الْمَنْفَعَةِ؟ وَاعْلَمْ أَنَّ فِي أَدْمِغَةِ الْأَطْفَالِ رُطوبَةً إِنْ بَقِيَتْ فِيهَا أَحَدَتْ عَلَيْهِمْ أَحْدَاثًا جَلِيلَةً وَعَلَلًا عَظِيمَةً مِنْ ذَهَابِ الْبَصِيرِ وَغَيْرِهِ! فَالْبُكَاءُ يُسِيلُ تِلْكَ الرُّطوبَةَ مِنْ رُؤُوسِهِمْ فَيَعْقِبُهُمْ ذَلِكَ الصَّحَّةَ فِي أَبْدَانِهِمْ وَالسَّلَامَةَ فِي أَبْصَارِهِمْ، أَفَلَيْسَ قَدْ جازَ أَنْ يَكُونَ الطِّفْلُ يَنْتَفِعُ بِالْبُكَاءِ وَالإِسْدَاهُ لَا يَعْرِفَانِ ذَلِكَ؟ فَهُمَا دَائِبَانِ لِيَسْكِنَاهُ وَيَتَوَخَّيَانِ فِي الْأُمُورِ مَرْضَاتَهُ لِنَلَّا بِيَكِي، وَهُمَا لَا يَعْلَمَانِ أَنَّ الْبُكَاءَ أَصْلَحَ لَهُ وَأَجْمَلُ عَاقِبَتُهُ. [۶۹۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۵

## ۶ / ۳ فایده‌های گریه برای کودکان

۴۹۸. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! از سودی که در گریه برای کودکان هست، آگاه شو و بدان که در مغز کودکان، رطوبتی است که اگر بماند، برای آنان، رخدادهایی سخت و بیماری‌هایی گران (اعم از نایبایی و جز آن) پدید می‌آورد. از این رو، گریه، آن رطوبت را از سر آنان روان می‌سازد و این خود، تندرستی و سلامت چشم را برایشان در پی می‌آورد. اکنون، آیا این احتمال وجود ندارد که کودک، از گریه سود ببرد و پدر و مادرش، این را ندانند و در تلاش پیگیر باشند که او را ساکت کنند و خواسته‌های وی را برآورند تا گریه نکند، در حالی که نمی‌دانند گریه، برایش کارآمدتر و خوش فرجام‌تر است؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۶

## الفصل الرابع: الأذن

## الإشارة إلى ما فيه من الحكمة

۴۹۹. الإمام علي عليه السلام: اعجبوا لهذا الإنسان؛ ينظرُ بشحم، و يتكلمُ بلحم، و يسمعُ بعظم، [و] يتنفسُ من خرم. [۶۹۲]

۵۰۰. الإمام الصادق عليه السلام لِلْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ: فَكَّرْ يَا مُفَضَّلُ... لِمَ صارَ دَاخِلُ الأذنِ مُلْتَوِيًا كَهَيْئَةِ الكوكبِ [۶۹۳]؟ إِنْ لَمْ يَطْرُدْ فِيهِ الصَّوْتُ، حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى السَّمْعِ، وَ لِيَتَكَسَّرَ حُمَةُ الرِّيحِ فَلَا يُنْكَأُ فِي السَّمْعِ. [۶۹۴]

## حِكْمَةُ السَّائِلِ الْمَوْجُودِ فِي الأذنِ

۵۰۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ... جَعَلَ الْمَرَارَةَ فِي الأذُنِ حِجَابًا مِنَ الدِّمَاغِ، فَلَيْسَ مِنْ دَائِهِ تَقَعُ فِيهِ إِلَّا التَّمَسَّتِ الخُرُوجُ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَوَصَلَتْ إِلَى الدِّمَاغِ. [۶۹۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۷

## فصل چهارم: گوش

## ۱ / ۴ اشاره به حکمت نهفته در آن

۴۹۹. امام علی علیه السلام: از [آفرینش این انسان، در شگفت آید! با تکه‌ای پیه می‌بیند، با پاره گوشتی سخن می‌گوید، با قطعه استخوانی می‌شنود، [و] از سوراخی نفس می‌کشد.

۵۰۰. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! بیندیش... که چرا درون گوش، به سان یک زندان [۶۹۶] پیچ‌درپیچ است؟ مگر جز برای آن است که صدا در آن، پیاپی روان شود و سرانجام، به شنوایی برسد، و نیز برای آن که شتاب باد را درهم شکند و به گوش، صدمه نرساند.

#### ۲ / ۴ حکمت موجود در مایع گوش

۵۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تبارک و تعالی... تلخی را در دو گوش، مانعی برای حفاظت مغز، قرار داد. هیچ جنبده‌ای نیست که در آن بیفتد، مگر این که راه خروج را می‌جوید؛ اما اگر این نبود، آن جنبنده به مغز می‌رسید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۸

۵۰۲. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى... جَعَلَ الْأَذْنَيْنِ مُرَّتَيْنِ؛ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَهَجَمَتِ الدَّوَابُّ وَ أَكَلَتْ دِمَاعَهُ. [۶۹۷]

۵۰۳. عنه علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ... جَعَلَ الْمَرَارَةَ فِي الْأَذْنَيْنِ مَنَّا مِنْهُ عَلَى ابْنِ آدَمَ؛ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَقَحَمَتِ الدَّوَابُّ فَأَكَلَتْ دِمَاعَهُ. [۶۹۸]

۵۰۴. عنه علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الْأَذْنَيْنِ مُرَّتَيْنِ لئَلَّا يَدْخُلَهُمَا شَيْءٌ إِلَّا مَاتَ؛ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَقَتَلَ ابْنَ آدَمَ الْهَوَامُّ. [۶۹۹]

۳ / ۴

الْوَقَايَةُ مِنْ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْأَذْنِ

۵۰۵. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَشْتَكِيَ أُذُنَهُ، فَلْيَجْعَلْ فِيهَا عِنْدَ النَّوْمِ قُطْنَةً. [۷۰۰]

۴ / ۴

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْأَذْنِ

۵۰۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: السَّدَابُ جَيِّدٌ لَوَجَعِ الْأُذُنِ. [۷۰۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۹

۵۰۲. امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی... گوش‌ها را تلخ قرار داد؛ و اگر این نبود، جنبندگان بر آن هجوم می‌بردند و مغز وی را می‌خوردند.

۵۰۳. امام صادق علیه السلام: خداوند، از سرمه، بر آدمی زاده در گوش وی، تلخی قرار داد؛ و اگر این نبود، جنبندگان، بدان در می‌آمدند و مغز وی را می‌خوردند.

۵۰۴. امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل، گوش‌ها را تلخ قرارداد تا هر چه بدانها درمی‌آید، بمیرد؛ و اگر این نبود، حشرات [خزنده آدمی زاده را می‌کشتند.

#### ۳ / ۴ پیشگیری از برخی بیماری‌های گوش

۵۰۵. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد گوش‌هایش درد نگیرد، به هنگام خواب در آنها پنبه بگذارد.

#### ۴ / ۴ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های گوش، سودمند است

۵۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سُداب برای درد گوش، مفید است. [۷۰۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۰

۵۰۷. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَطَبِّبِ: شَكَا رَجُلٌ مِنَ الْأَوْلِيَاءِ إِلَى بَعْضَةِ هِمَّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَجَعَ الْأُذُنَ وَ أَنَّهُ يَسِيلُ مِنْهُ الْقَيْحُ وَ الدَّمُ.

قَالَ لَهُ: خُذْ جُبْنَا عَتِيقًا أَعْتَقَ مَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ، فَدُقَّهُ دَقًّا جَيِّدًا نَاعِمًا، ثُمَّ اخْلِطْهُ بِلَبَنٍ امْرَأَةٍ، وَ سَيِّخُهُ بِنَارٍ لَيِّنَةٍ، ثُمَّ صَبَّ مِنْهُ قَطْرَاتٍ فِي الْأُذُنِ الَّتِي يَسِيلُ مِنْهَا الدَّمُ؛ فَإِنَّهَا تَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. [۷۰۳]

۵۰۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ إِنَّ فِيهِ أَرْبَعَ عَشْرَةَ خَصْلَةً: يَطْرُقُ الرِّيحُ مِنَ الْأُذُنَيْنِ... [۷۰۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۱

۵۰۷. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ: يَكِي مِنْ الْأَوْلِيَاءِ، نَزِدَ يَكِي مِنْ أَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ دَرْدِ الْغُوشِ وَ خُرُوجِ چَرَكِ وَ خُونِ مِنْهُ، أَظْهَرَ نَارَاحَتِي كَرَدَ.

امام علیه السلام فرمود: «قدری پنیر کاملاً کهنه بردار، آن را خوب نرم کن و بساب. سپس با شیر زن درآمیز. آن گاه بر آتش ملایم، گرم کن و سپس، قطره‌هایی از آن را در گوشی که از آن خون می‌آید، بریز. به خواست خداوند عز و جل، بهبود خواهد یافت.»

۵۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خَرَجَ كَرْدَنَ يَكِ دِرْهَمٍ لِإِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، بِرْتَرِ أَنْفَاقِ يَكِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. إِنَّ فِيهِ أَرْبَعَةَ عَشْرَةَ خَصْلَةً: يَطْرُقُ الرِّيحُ مِنَ الْأُذُنَيْنِ... [۷۰۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۲

## الفصل الخامس: جهاز التنفس

۱ / ۵

### الإشارة إلى ما في الأنف من الحكمة

۵۰۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى... جَعَلَ الْبُرُودَةَ فِي الْمِنْخَرَيْنِ؛ لِئَلَّا تَدَعَ فِي الرَّأْسِ شَيْئًا إِلَّا أُخْرِجَتْهُ. [۷۰۵]

۵۱۰. الإمام علي عليه السلام: اعجبوا لهذا الإنسان؛ يَنْظُرُ بِشَحْمٍ، وَ يَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ، وَ يَسْمَعُ بِعَظْمٍ، وَ [۷۰۶] يَتَنَفَّسُ مِنْ خَرَمٍ! [۷۰۷]

۵۱۱. الإمام الصادق عليه السلام: جُعِلَ ثَقْبُ الْأَنْفِ فِي أَسْفَلِهِ؛ لِتَنْزِلَ مِنْهُ الْأَدْوَاءُ الْمُنْحَدِرَةُ مِنَ الدِّمَاغِ، وَ يَصْعَدُ فِيهِ الْأَرَائِيحُ [۷۰۸] إِلَى

الْمَشَامِّ، وَ لَوْ كَانَ عَلَى أَعْلَاهُ لَمَا

انزَلْ دَاءٌ وَلَا وَجَدَ رَائِحَةً. [۷۰۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۳

## فصل پنجم: دستگاه تنفس

### ۱ / ۵ اشاره به حکمت نهفته در بینی

۵۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تبارک و تعالی سردی را در سوراخ‌های بینی قرار داد تا هیچ چیز را در سر و مگذارند، مگر این که آن را بیرون بکشد.

۵۱۰. امام علی علیه السلام: از این انسان، در شگفت آید! با تکه‌ای پیه می‌بیند، با پاره گوشتی سخن می‌گوید، با تکه استخوانی می‌شنود، [و] از سوراخی نفس می‌کشد.

۵۱۱. امام صادق علیه السلام: سوراخ بینی، در پایین آن قرارداد شده است تا بیماری (عفونت) هایی که از مغز فرو می‌آید، از آن پایین بیاید و بوها از آن بالا برود و به مشام برسد، در حالی که اگر این سوراخ در بالای بینی بود، نه بیماری‌ای از آن به زیر می‌آمد و نه بویی را حس می‌کرد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۴

۵۱۲. عنه علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى... جَعَلَ الْمَاءَ فِي الْمِنْخَرَيْنِ؛ لِيَصْعَدَ مِنْهُ النَّفْسُ وَيَنْزِلَ، وَيَجِدَ مِنْهُ الرِّيحَ الطَّيِّبَةَ مِنَ الْخَبِيئَةِ. [۷۱۰]

۵۱۳. عنه علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ... جَعَلَ الْأَنْفَ بَارِدًا سَائِلًا؛ لِئَلَّا يَدَاعَ فِي الرَّأْسِ دَاءٌ إِلَّا أَخْرَجَهُ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَثَقَلَ الدِّمَاغُ وَ تَدَوَّدَ. [۷۱۱]

۲ / ۵

الإشارة إلى ما في الحنجرة من الحكمة

۵۱۴. الإمام الصادق عليه السلام للمفضل بن عمر: أَطَّلِ الْفِكْرَ يَا مُفْضَلُ فِي الصَّوْتِ وَ الْكَلَامِ وَ تَهَيِّئْهُ آلاَتِهِ فِي الْإِنْسَانِ؛ فَالْحَنْجَرَةُ كَالنَّبْوَةِ لِخُرُوجِ الصَّوْتِ، وَ اللِّسَانُ وَ الشَّفَتَانِ وَ الْأَسْنَانُ لِصَيَاغَةِ الْحُرُوفِ وَ النَّعْمِ، أَلَا تَرَى أَنَّ مَنْ سَقَطَتْ أَسْنَانُهُ لَمْ يَقُمْ السِّينَ، وَ مَنْ سَقَطَتْ شَفَتُهُ لَمْ يُصَيِّحْ فَحَّ الْفَاءِ، وَ مَنْ ثَقُلَ لِسَانُهُ لَمْ يُفْصِحِ الرَّاءَ؟ وَ أَشْبَهُ شَيْءٍ بِذَلِكَ الْمِزْمَارُ الْأَعْظَمُ؛ فَالْحَنْجَرَةُ يُشْبَهُ قَصَبَهُ الْمِزْمَارِ، وَ الرَّئَةُ يُشْبَهُ الرِّقَّ الَّذِي يُنْفَخُ فِيهِ، لِتَدْخُلَ الرِّيحُ، وَ الْعَضَلَاتُ الَّتِي تَقْبِضُ عَلَى الرَّئَةِ لِخُرُوجِ الصَّوْتِ كَالْأَصَابِعِ الَّتِي تَقْبِضُ عَلَى الرِّقِّ حَتَّى تَجْرِيَ الرِّيحُ فِي الْمِزْمَارِ، وَ الشَّفَتَانِ وَ الْأَسْنَانُ الَّتِي تَصَوِّغُ الصَّوْتَ حُرُوفًا وَ نِعْمًا كَالْأَصَابِعِ الَّتِي يَخْتَلِفُ فِي فَمِ الْمِزْمَارِ فَتَصَوِّغُ صَفِيرَهُ أَلْحَانًا، غَيْرَ أَنَّهُ وَ إِنْ كَانَ مَخْرُجَ الصَّوْتِ يُشْبَهُ الْمِزْمَارَ بِالذَّلَالَةِ وَ التَّعْرِيفِ، فَإِنَّ الْمِزْمَارَ بِالْحَقِيقَةِ هُوَ الْمُشَبَّهُ بِمَخْرَجِ الصَّوْتِ.

قد أنبأتك بما في الأعضاء من الغناء في صيغته الكلام و إقامة الحروف، و فيها مع الذي ذكرت لك مآرب أخرى، فالحنجرة؛ ليسلك فيها هذا النسيم إلى الرئة فتروخ على الفؤاد بالنفس الدائم المتتابع الذي لو احتبس شيئاً يسيراً لهلك الإنسان، و باللسان تداق الطعوم فيميز بينها و يعرف كل واحد منها؛ حلوها من مرها، و حامضها من مرها، و مالحة من عذبها، و طيبة من خبيثها، و فيه مع ذلك معونة على إساغة الطعام و الشراب.

و الأسنان تمضغ الطعام؛ حتى يلين [۷۱۲] و يسهل إساغته، و هي مع ذلك كالسند للشفتين تمسكهما و تدعماهما من داخل الفم. و اعتبر ذلك بأنك ترى من سقطت أسنانه مسترخي الشفة و مضطربها.

و بالشفتين يترشف الشراب؛ حتى يكون الذي يصل إلى الجوف منه بقصد و قدير، لا يئجج نجاً فيعص به الشارب، أو يئكأ في الجوف، ثم هما بعد ذلك كالباب المطبق على الفم يفتحهما الإنسان إذا شاء و يطبقهما إذا شاء.

ففيما وصفنا من هذا بيان أن كل واحد من هذه الأعضاء يتصرف إلى وجوه من المنافع كما تتصرف الأداة الواحدة في أعمال شتى، و ذلك كالفأس يستعمل في النجارة و الحفر و غيرها من الأعمال....

يا مفضل... من جعل في الحلق منفذين: أحدهما لمخرج الصوت؛ و هو الحلقوم المتصل بالرئة، و الآخر منفذ الغذاء؛ و هو المريء المتصل

بالمعدة الموصلة للغذاء إليها، و جعل على الحلقوم طبقاً يمنع الطعام أن يصل إلى الرئة فيقتل؟

من جعل الرئة مروحة الفؤاد لا تفتت ولا تحل؛ لكيلا تتحيز الحرارة في الفؤاد فتؤدي إلى التلف؟ [۷۱۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۵

۵۱۲. امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی در سوراخ‌های بینی، آب (مخاط) قرار داد تا به کمک آن، نفس، بالا و پایین برود و شخص، بوی خوش را از بد، باز شناسد.

۵۱۳. امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل، بینی را سرد و مخاطی قرار داد تا هیچ دردی را در سر، فرو نگذارد، مگر این که بیرونش آورد؛ و اگر این نبود، مغز سنگین، می شد و کرم می افتاد.

## ۵ / ۲ اشاره به حکمت نهفته در حنجره

۵۱۴. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! در صدا و کلام و فراهم بودن ابزارهای آن در انسان، فراوان اندیشه کن. حنجره، همانند لوله‌ای برای بیرون آمدن صداست و زبان، لب‌ها و دندان‌ها، برای شکل گرفتن حروف و آواها. مگر نمی بینی هر کس دندان‌هایش بیفتند، نمی تواند «سین» را درست ادا کند و هر کس دارای لب نباشد، نمی تواند «فاء» را درست بگوید و هر کس زبانش سنگین باشد نمی تواند «راء» را به فصاحت، ادا کند؟

همانندترین چیز به این پدیده، یک سر سرنای بزرگ است. حنجره به نی آن می ماند. ریه، همانند آن انبانی است که دمیدن را انجام می دهد تا هوا به نی درآید، اندام‌هایی هم که بر ریه فشار وارد می آورند تا صدا [از حنجره بیرون آید، همانند آن انگشت‌هایی است که انبان را می فشرد تا هوا در نی در آید و لب‌ها و دندان‌هایی هم که صدا را به حروف و آواها بدل کنند، به انگشت‌هایی می مانند که در دهانه نی حرکت می کنند تا از نای نی، آهنگ بسازند. البته، هر چند در دلالت و تعریف، مخرج صدا را به این سُرنا تشبیه کنند، اما در حقیقت، این سرناس است که باید به مخرج صدا تشبیه شود.

اکنون تو را از آوایی که برای ساخت کلام و ایجاد حروف در اندام‌ها هست، آگاه ساختم؛ امّا در این اندام‌ها، افزون بر آنچه یاد آور شدم، منافی دیگر نیز هست:

حنجره، جایی است که این نسیم، از آن به سوی ریه راه می گشاید تا با تنفس دائمی که اگر اندکی متوقف شود، انسان می میرد قلب را باد بزند و خنکش گرداند.

با زبان، مزه‌ها احساس می شود و انسان، می تواند آنها را از هم باز شناسد و هر یک را به تنهایی تشخیص دهد: شیرین را از تلخ، تُرش را از ملس، شور را از گوارا، و خوش مزه را از بدمزه؛ افزون بر این که همین اندام، بر فرو بردن آسان خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها یاری می رساند.

دندان‌ها، غذا را می جوند تا نرم شود و گوارش آن، آسان گردد. دندان‌ها با وجود این، تکیه‌گاهی برای لب‌هایند که از درون دهان، آنها را نگه می دارد و تقویت می کند. گواه آن که می بینی کسی که دندان‌هایش ریخته، لب‌هایش نیز افتاده و حرکت آنها نابه‌سامان است.

با لب‌ها نوشیدنی مکیده می شود تا آنچه از نوشیدنی‌ها به درون می رسد، به اندازه و سنجیده باشد؛ نه یک‌باره به درون فرو ریزد و شخص از آن گلوگیر گردد یا درون را بیازارد. دو لب، افزون بر این، به دو لنگه در هماهنگی می مانند که بر روی دهان، بسته می شوند و انسان، هر گاه بخواهد، آنها را باز می کند و هر گاه بخواهد، می بندد.

در آنچه از این حقایق وصف کردیم، این نکته روشن می شود که هر یک از این اندام‌ها، به گونه‌ای ویژه عمل می کنند و هر یک، منافی چند دارند، آن‌سان که یک ابزار، به چند کار می آید؛ همانند تیشه که هم در نجاری از آن استفاده شود، هم در کندن و هم در دیگر کارها ....

ای مفضل! چه کسی در حلق، دو روزن قرار داده است: یکی برای خروج صدا و این، همان حلقوم (نای) است که به ریه می پیوندد

و دیگری برای گذر غذا و این، مری است که به معده می پیوندد و غذا را بدان می رساند؛ و [چه کسی بر حلقوم، سرپوشی قرار داده است (زبان کوچک)، تا نگذارد غذا به ریه برسد و [شخص را] بکشد؟  
چه کسی ریه را خنک کننده سستی ناپذیر و بی توقف قلب، قرار داده است تا نگذارد حرارت در قلب، جای گیرد و به نابودی بینجامد؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۸

۳ / ۵

الإِشَارَةُ إِلَى مَا فِي الرَّئَةِ مِنَ الْحِكْمَةِ  
۵۱۵. الإمام الصادق عليه السلام للطبيب الهندي: كَانَ الْقَلْبُ كَحَبِّ الصَّنَوْبَرِ؛ لِأَنَّهُ مُنَكَّسٌ، فَجُعِلَ رَأْسُهُ دَقِيقًا لِيَدْخُلَ فِي الرَّئَةِ فَتُرَوَّحَ عَنْهُ بِبَرْدِهَا، لِئَلَّا يَشِيْطَ الدَّمَاغُ بِحَرِّهِ.

و جُعِلَتِ الرَّئَةُ قِطْعَتَيْنِ؛ لِيَدْخُلَ بَيْنَ مَضَاغِهَا [۷۱۴] فَيَتُرَوَّحَ عَنْهُ بِحَرِّهَا. [۷۱۵]

۵۱۶. عنه عليه السلام: الْعَقْلُ مِنَ الْقَلْبِ، وَالْحُزْنُ مِنَ الْكَبِدِ، وَالنَّفْسُ مِنَ الرَّئَةِ. [۷۱۶]

۴ / ۵

الْوَقَايَةُ مِنْ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْأَنْفِ وَالْحَنْجَرَةِ

۵۱۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ فِي أَنْفِهِ مَاءً، ثُمَّ لِيَنْتَشِرْ. [۷۱۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۹

### ۳ / ۵ اشاره به حکمت نهفته در شش‌ها

۵۱۵. امام صادق علیه السلام به طیب هندی: قلب به شکل میوه صنوبر است؛ زیرا وارونه است. یک سر قلب، باریک قرار داده شده است تا لابه‌لای ریه برود و با سردی آن خنک شود، مبادا که مغز از گرمای آن بسوزد. ریه، دو پاره قرار داده شده است تا قلب، در لابه‌لای فشارگاه‌های آن قرار گیرد و با حرکت آن، خنک شود.  
۵۱۶. امام صادق علیه السلام: عقل از قلب است، اندوه از جگر، نفس از ریه.

### ۴ / ۵ جلوگیری از برخی بیماری‌های بینی و حنجره

۵۱۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: چون کسی از شما وضو می گیرد، آب را به بینی خویش ببرد و بیرون افکند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۰

۵۱۸. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَنَامِهِ فَتَوَضَّأَ فَلْيَسْتَنْشِرْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَبِيْتُ عَلَى خَيَاشِيمِهِ. [۷۱۸]

۵۱۹. الإمام علي عليه السلام: الْمَضْمَضَةُ وَالْاسْتِنْشَاقُ سُيْتَةٌ، وَ طَهْوَرُ اللَّفْمِ وَالْأَنْفِ، وَالسُّعُوطُ مَصِيحَةٌ لِلرَّأْسِ، وَ تَنْقِيَةُ اللَّيْدَنِ، وَ سَائِرِ أَوْجَاعِ الرَّأْسِ. [۷۱۹]

۵۲۰. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَسْقُطَ أُذُنَاهُ وَلَا لَهَاتُهُ، فَلَا يَأْكُلْ حُلُوهَا إِلَّا تَغْرَعَرُ بِحَلٍّ. [۷۲۰]

۵ / ۵

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْأَنْفِ وَالْحَنْجَرَةِ

۵۲۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ أَنْ أَبْدَأَ بِالْمِلْحِ وَأَخْتِمَ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّ فِي الْمِلْحِ دَوَاءً

من سبعين داءً، أهونها الجنون، والجذام، والبرص، وجع الحلق والأضراس، وجع البطن. [٧٢١]

٥٢٢. المستدرک عن جابر: جاءت امرأة إلى رسول الله صلى الله عليه وآله، فقالت: يا رسول الله، إن ابني هذا به العذرة.

قال: لا تحرقن خلوق أولادكن، عليكن بقسط هندی و ورس، فأسعطنه إياه. [٧٢٢]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٣٣١

٥١٨. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی از شما از خواب برخیزد، وضو بسازد و سه بار آب در بینی بچرخاند و بیرون بریزد؛ چرا که شیطان در بن بینی [٧٢٣] جای می گیرد.

٥١٩. امام علی علیه السلام: شستشوی دهان و بینی، سنت و مایه پاکی دهان و بینی است و انفیہ کردن، مایه سلامت سر و پاکسازی بدن و همه انواع سردرد است.

٥٢٠. امام رضا علیه السلام: هر کس می خواهد گوش هایش و نیز زبان کوچکش فرو نیفتد، هیچ گاه شیرینی نخورد، مگر این که پس از آن، سرکه غرغره کند.

### ٥ / ٥ آنچه برای درمان برخی بیماری های بینی و حنجره، مفید است

٥٢١. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل به موسی بن عمران، وحی فرستاد که: «غذا را با نمک، آغاز کن و با نمک، پایان ده؛ چرا که در نمک، درمان هفتاد درد است که کمترین آنها، دیوانگی، جذام، پیسی، گلودرد، دندان درد و شکم درد باشد».

٥٢٢. المستدرک به نقل از جابر: زنی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! این کودک، گلو درد دارد.

فرمود: «حلق های فرزندان خویش را مسوزانید. بر شما باد قسط [٧٢٤] هندی و برداع [٧٢٥]. با آنها برایش انفیہ کنید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٣٣٢

٥٢٣. المستدرک عن جابر: دخل النبي صلى الله عليه وآله على عائشة و عندها امرأة معها صبى لها يسيل منخراه دما.

فقال النبي صلى الله عليه وآله: ما شأن هذا؟

قالوا: به العذرة.

قال: ويلكن! لا تقتلن أولادكن. أيتها امرأة! يأتي ولدها العذرة فلنأخذ قسطا هندیًا فلتحكه بالماء، ثم تسعطه إياه.

ثم أمر عائشة ففعلته بالصبي فبرئ. [٧٢٦]

٥٢٤. رسول الله صلی الله علیه و آله: علیکم بالمرزنجوش فشموه؛ فإنه جید للخشام. [٧٢٧]

٥٢٥. الإمام الصادق علیه السلام: ما وجدنا لوجع الحلق مثل حسو اللبن. [٧٢٨]

راجع: ج ٢، ص ٣٨٤، ح ١٨٤١ و ١٨٤٢.

٦ / ٥

### فوائد الزكام

٥٢٦. رسول الله صلی الله علیه و آله: الزكام جند من جنود الله عز و جل، يبعثه الله عز و جل على الداء فيزيله. [٧٢٩]

٥٢٧. الإمام الصادق علیه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يتداوى من الزكام، و يقول: «ما من

أحد إلّا و به عرق من الجذام، فإذا أصابه الزكام فمعه». [٧٣٠]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٣٣٣

٥٢٣. المستدرک به نقل از جابر: زنی با فرزندش نزد عایشه بود و از سوراخ های بینی آن کودک، خون می آمد. در این هنگام،

پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد. پرسید: «این را چه شده است؟».



گفت: گلو درد دارد.

فرمود: «وای بر شما! کودکان خویش را مکشید. هر مادری که فرزندش به گلودرد گرفتار شود، قدری بُستک هندی بردارد و در آب بساید و سپس به کودک، انفیہ کند».

پیامبر صلی الله علیه و آله، سپس عایشه را به این کار، امر فرمود. او این کار را با کودک انجام داد و وی، بهبود یافت.

۵۲۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد مرزنگوش! آن را ببوید، که برای ناتوانان از بویایی، خوب است.

۵۲۵. امام صادق علیه السلام: برای گلودرد، چیزی همانند شوربای شیر نیافته ایم.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۱۸۴۱ و ۱۸۴۲.

## ۵ / ۶ فواید زُکام

۵۲۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زُکام، سربازی از سربازان خداوند عز و جل است که خدای عز و جل، آن را به سرکوب درد بر می‌انگیزد و درد را از میان می‌برد.

۵۲۷. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، زکام را درمان نمی‌کرد و می‌فرمود: «هیچ کس

نیست که رگی از جذام در او نباشد؛ و چون زکام به شخص برسد، این رگ را درهم می‌کوبد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۴

راجع: ج ۱، ص ۴۸۸ (دور الزکام و العطاس فی الوقایه من الأمراض الجلدیة). ج ۱، ص ۵۰۴ (دور الزکام فی الوقایه من الجذام).

۷ / ۵

ما یقی مِنَ الزُّکَامِ

۵۲۸. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ دَفَعَ الزُّکَامَ فِي الشِّتَاءِ أَجْمَعَ، فَلْيَأْكُلْ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثَ لُقْمٍ شَهْدٍ... وَ لِيَشْمَ التَّرَجِسَ؛ فَإِنَّهُ يَأْمَنُ الزُّكَامَ، وَ كَذَلِكَ الْحَبَّةُ السُّودَاءُ.

وَ إِذَا جَاءَ الزُّكَامُ فِي الصَّيْفِ، فَلْيَأْكُلْ كُلَّ يَوْمٍ خِيَارَةً وَاحِدَةً، وَ لِيَحْذَرَ الْجُلُوسَ فِي الشَّمْسِ. [۷۳۱]

۸ / ۵

مَا يَنْفَعُ لِإِعْلَاجِ الزُّكَامِ

۵۲۹. الإمام الصادق علیه السلام: تَأْخُذُ دُهْنَ بَنْفَسِجٍ فِي قُطْنَةٍ فَاحْتَمِلْهُ فِي سِفْلَتِكَ عِنْدَ مَنَامِكَ؛ فَإِنَّهُ نَافِعٌ لِلزُّكَامِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. [۷۳۲]

۵۳۰. طَبَّ الْأَثْمَةِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: شَكَّوتُ إِلَيْهِ الزُّكَامَ، فَقَالَ:

صُنْعٌ مِنْ صُنْعِ اللَّهِ، [و] [۷۳۳] جُنْدٌ مِنْ جُنُودِ اللَّهِ، بَعَثَهُ اللَّهُ إِلَى عِلِّيٍّ فِي بَدَنِكَ لِيَقْلَعَهَا، فَإِذَا قَلَعَهَا فَعَلَيْكَ بِوَزْنِ دَانِقِ شُونِيزٍ وَ نِصْفِ دَانِقِ كُنْدُسٍ، يُدَقُّ وَ يُنْفَخُ فِي الْأَنْفِ، فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالزُّكَامِ، وَ إِنْ أَمَكَّنَكَ أَلَّا تُعَالِجَهُ بِشَيْءٍ فَافْعَلْ، فَإِنَّ فِيهِ مَنَافِعَ كَثِيرَةً. [۷۳۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۵

ر. ک: ج ۱، ص ۴۸۹ (تأثیر زکام و عطسه در پیشگیری از بیماری‌های پوستی). ص ۵۰۵ (تأثیر زکام در پیشگیری از جذام).

## ۵ / ۷ آنچه انسان را از زکام حفظ می‌کند

۵۲۸. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد در همه زمستان از زکام ایمن بماند، هر روز، سه لقمه عسل با موم آن بخورد... و

نرگس ببوید؛ چرا که از زکام، ایمنی می دهد. سیاه دانه نیز چنین است. اما اگر زکام در تابستان پیش آید، در هر روز، یک خیار بخورد و از نشستن در آفتاب، خودداری ورزد.

### ۵ / ۸ آنچه برای درمان زکام، سودمند است

۵۲۹. امام صادق علیه السلام: پنبه‌ای را به روغن بنفشه آغشته می کنی و به هنگام خفتن در نشیمنگاهت می گذاری. به خواست خداوند، برای زکام، سودمند است.

۵۳۰. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از ابراهیم بن ابی یحیی، از امام صادق علیه السلام: از زکام نزد امام علیه السلام اظهار ناراحتی کردم. فرمود: «کرده‌ای از کرده‌های خداوند، و سربازی از سربازان خداست که خداوند، آن را به پیکار با بیمارانی در تن تو برانگیخته، تا آن را از جای برکند. پس چون آن را از میان برکند، بر تو باد

به وزن یک دانگ [۷۳۵] شونیز و نیم دانگ گندس، [۷۳۶] که آرد گردد و به بینی رانده شود. این کار، زکام را از میان می برد. اگر هم می توانی هیچ درمانی برایش به کارگیری، این کار را بکن؛ چرا که آن، منافی بسیار دارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۶

۹ / ۵

### فَوَائِدُ الْعَطْسَةِ

۵۳۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْعَطْسُ لِلْمَرِيضِ دَلِيلُ الْعَافِيَةِ، وَ رَاحَةُ اللَّيْدَانِ. [۷۳۷]

۵۳۲. الإمام الصادق علیه السلام: كَثْرَةُ الْعَطْسِ يَأْمَنُ صَاحِبُهُ مِنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: أَوْلَاهَا: الْجُدَامُ.

وَ الثَّانِي: الرِّيحُ الْخَبِيثَةُ الَّتِي تَنْزِلُ فِي الرَّأْسِ وَالْوَجْهِ.

وَ الثَّلَاثُ: يَأْمَنُ نُزُولَ الْمَاءِ فِي الْعَيْنِ.

وَ الرَّابِعُ: يَأْمَنُ مِنْ شِدَّةِ الْخِيَاشِيمِ.

وَ الْخَامِسُ: يَأْمَنُ مِنْ خُرُوجِ الشَّعْرِ فِي الْعَيْنِ. [۷۳۸]

۵۳۳. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: اعلم أن علة العطس، هي أن الله تبارك و تعالی إذا أنعم على عبدٍ بنعمَةٍ فَنَسِيَ أَنْ يَشْكُرَ عَلَيْهَا، سَلَطَ عَلَيْهِ رِيحاً

تَدورُ فِي بَدَنِهِ، فَتَخْرُجُ [۷۳۹] مِنْ خِيَاشِيمِهِ، فَيَحْمَدُ اللَّهُ عَلَى تِلْكَ الْعَطْسَةِ، فَيَجْعَلُ ذَلِكَ الْحَمْدَ شُكْرًا لِتِلْكَ النِّعْمَةِ، وَ مَا عَطَسَ عَاطِسٌ إِلَّا هُضِمَ لَهُ طَعَامُهُ. [۷۴۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۷

### ۵ / ۹ فایده‌های عطسه

۵۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عطسه کردن، برای بیمار، نشان بهبود و راحت بدن است.

۵۳۲. امام صادق علیه السلام: عطسه فراوان، شخص را از پنج چیز، ایمن می بخشد: نخستین آنها جذام است؛ دوم، بادهای بدخیمی که در سر و صورت، جای می گیرند؛ سوم آن که مایه ایمنی از ریزش آب در چشم می شود؛ چهارم آن که از سختی حفره‌های بینی [۷۴۱] مصونیت می دهد؛ و پنجم آن که از بیرون آمدن مو در چشم، ایمنی می دهد.

۵۳۳. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: بدان که علت عطسه آن است که خداوند، چون بنده‌ای را نعمتی دهد و او سپاسگزاری بر آن را از یاد ببرد، خداوند، بادی بر او چیره می‌سازد که در تن وی می‌چرخد و سرانجام، از سوراخ‌های بینی او بیرون می‌آید و شخص، خداوند را بر آن عطسه، سپاس گوید و خدا، این سپاس گفتن را سپاس آن نعمت قرار می‌دهد. همچنین، هیچ کس عطسه نمی‌کند، مگر این که غذایش گوارا می‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۸

۵۳۴. کمال الدین عن نسیم خادمه الإمام العسکری علیه السلام: قَالَ لِي صَاحِبُ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ دَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدَ مَوْلِدِهِ بَلِيلُهُ فَعَطَسْتُ عِنْدَهُ فَقَالَ لِي: يَرْحَمُكَ اللَّهُ.

قَالَتْ نَسِيمٌ: فَفَرِحْتُ بِذَلِكَ.

فَقَالَ لِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا ابْتَشُرُكَ فِي الْعَطَاسِ؟

فَقُلْتُ: بَلَى، يَا مَوْلَايَ.

فَقَالَ: هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ. [۷۴۲]

۵۳۵. الكافي: عن أحمد بن محمد عن بعض أصحابه، رواه عن رجلٍ من العامة قال: كنتُ اجالسُ أبا عبد الله عليه السلام؛ فلا والله، ما رأيتُ مجلساً أتبل من مجلسه.

قال: فقال لي ذات يومٍ: من أين تخرج العطسة؟

فقلتُ: من الأنف.

فقال لي: أصبت الخطأ.

فقلتُ: جعلتُ فداك! من أين تخرج؟

فقال: من جميع البدن، كما أن النطفة تخرج من جميع البدن و مخرجها من الإحليل.

ثم قال: أما رأيت الإنسان إذا عطس نفض أعضاؤه؟ و صاحب العطسة يأمن الموت سبعة أيام. [۷۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۹

۵۳۴. کمال الدین به نقل از نسیم، بانوی خدمتگزار امام عسکری علیه السلام: یک شب پس از میلاد صاحب الزمان علیه السلام، هنگامی که در حضور وی (امام زمان) رسیدم و نزد او عطسه‌ای کردم، به من فرمود: «خدایت رحمت کناد!».

از این دعا، شادمان شدم. پس به من فرمود: «آیا به تو درباره عطسه، مژده‌ای ندهم؟».

گفتم: چرا، سرورم.

فرمود: «آن [به معنای در امان بودن از مرگ تا سه روز است]».

۵۳۵. الكافي از احمد بن محمد، از یکی از دوستانش نقل شده که وی نیز از مردی از اهل سنت روایت کرده است: با ابو عبد الله (امام صادق علیه السلام) همنشینی داشتم؛ و به خداوند سوگند، مجلسی پُربارتر از نشست با او ندیدم.

روزی به من گفت: «عطسه از کجا بیرون می‌آید؟».

گفتم: از بینی.

گفت: «نادرست گفتم».

پرسیدم: فدایت شوم! از کجا بیرون می‌آید؟

گفت: «از همه بدن، آن سان که نطفه از همه بدن، سرچشمه می‌گیرد و از آلت، بیرون می‌زند».

سپس فرمود: «آیا نمی‌بینی که انسان چون عطسه می‌کند همه اندام‌هایش تکان می‌خورد؟ کسی که عطسه کند، تا هفت روز از

مرگ، در امان است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۰

۱۰ / ۵

ما يَضُرُّ مِنَ الْعَطْسَةِ

۵۳۶. الإمام الصادق عليه السلام: العُطَّاسُ يَنْفَعُ فِي الْبَدَنِ كُلِّهِ مَا لَمْ يَزِدْ عَلَى الثَّلَاثِ، فَإِذَا زَادَ عَلَى الثَّلَاثِ فَهُوَ دَاءٌ وَسُقْمٌ. [۷۴۴]

۱۱ / ۵

ما يَنْفَعُ لِإِعْلَاجِ كَثْرَةِ الْعُطَّاسِ

۵۳۷. مكارم الأخلاق عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام: إن أحببت أن يقل عطاشك، فاستعط بدهن المرزنجوش.

قُلْتُ: مِقْدَارُ كَمْ؟

قَالَ: مِقْدَارُ دَانِقٍ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ خَمْسَةَ أَيَّامٍ فَذَهَبَ عَنِّي. [۷۴۵]

۱۲ / ۵

ما يَنْفَعُ لِإِعْلَاجِ السُّعَالِ

۵۳۸. الكافي عن محمد بن اذينة: شكا رجل إلى أبي عبد الله عليه السلام السعال و أنا حاضر، فقال له: خذ في راحتك شيئاً من كاشم

و مثله من سكر، فاستغه يوماً أو يومين.

قال ابن اذينة: فلقيت الرجل بعد ذلك.

فقال: ما فعلته إلا مرة واحدة حتى ذهب. [۷۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۱

### ۱۰ / ۵ عطسه زانبار

۵۳۶. امام صادق عليه السلام: هر عطسه‌ای برای بدن، سودمند است، تا زمانی که شمار آنها از سه افزون نشده است؛ اما چون از سه

افزون شود، درد و بیماری است.

### ۱۱ / ۵ آنچه برای درمان عطسه‌های فراوان، سودمند است

۵۳۷. مكارم الأخلاق به نقل از ابو بصیر: امام صادق عليه السلام فرمود: «اگر دوست داری که عطسه‌هایت کم باشد، با روغن

مرزنگوش، انفیہ کن».

پرسیدم: به چه مقدار؟

فرمود: «به مقدار یک دانگ».

من، این کار را پنج روز انجام دادم و این حالت در من از میان رفت.

### ۱۲ / ۵ آنچه برای درمان سرفه، سودمند است

۵۳۸. الكافي به نقل از محمد بن اذینه: مردی نزد امام صادق عليه السلام از سرفه اظهار ناراحتی کرد، در حالی که من نیز حضور

داشتیم. امام به او فرمود: «در کف دست خود، قدری کاشم (نوعی زیره کوهی) و به همان اندازه، شکر بریز و برای یک یا دو روز، این سفوف [۷۴۷] را بخور.

پس از این ماجرا، آن مرد را دیدم. گفت: تنها یک بار این کار را انجام دادم که آن حالت، از میان رفت. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۲

۱۳/۵

ما یورثُ السَّلَّ

۵۳۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: مُشَاشُ الطَّيْرِ يورِثُ السَّلَّ. [۷۴۸]

۵۴۰. الإمام الصادق علیه السلام: أَكَلُ الحِيتَانِ يورِثُ السَّلَّ. [۷۴۹]

۵۴۱. الكافي عن سعد بن سعد: قُلْتُ لِأَبِي الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ [۷۵۰]: إِنَّا نَأْكُلُ الاشْنَانَ.

فَقَالَ: كَانَ أَبُو الحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَضَّأَ ضَمَّ شَفْتَيْهِ.

و فِيهِ خِصَالٌ تُكْرَهُ: إِنَّهُ يورِثُ السَّلَّ، وَ يَذْهَبُ بِمَاءِ الظَّهْرِ، وَ يوهِي الرُّكْبَتَيْنِ. [۷۵۱]

۵۴۲. الكافي عن سليمان الجعفری: مَرِضْتُ حَتَّى ذَهَبَ لَحْمِي، فَدَخَلْتُ عَلَى الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

أَيَسْرُوكَ أَنْ يَعودَ إِلَيْكَ لَحْمُكَ؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: الزَّمِ الحَمَامَ غَبَاً؛ فَإِنَّهُ يَعودُ إِلَيْكَ لَحْمُكَ، وَ إِيَّاكَ أَنْ تُدْمِنَهُ؛ فَإِنَّ إِدْمَانَهُ يورِثُ السَّلَّ. [۷۵۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۳

۱۳/۵

### آنچه سل می آورد

۵۳۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [خوردن سر استخوان‌های نرم پرندگان، سل می آورد.

۵۴۰. امام صادق علیه السلام: خوردن ماهی، سل [۷۵۳] می آورد. [۷۵۴]

۵۴۱. الكافي به نقل از سعد بن سعد: به امام رضا علیه السلام گفتم: ما اشنان [۷۵۵] می خوریم.

فرمود: ابو الحسن (امام کاظم علیه السلام) چون دست و دهان خود را می شست، لب‌های خویش را جمع می کرد. [۷۵۶] در این

[گیاه، ویژگی‌های ناخوشایندی است: سل می آورد، آب کمر را می برد و زانوها را سست می کند].

۵۴۲. الكافي به نقل از سليمان جعفری: چنان بیمار شدم که گوشت تنم تحلیل رفت. در همین زمان، [روزی بر امام رضا علیه السلام

درودهای خدا بر او باد وارد شدم.

فرمود: «آیا خوش داری که گوشتت باز گردد؟».

گفتم: آری.

فرمود: «یک روز در میان، حمام کن، که گوشتت باز می گردد؛ اما مبادا به این کار [به صورت روزانه عادت کنی؛ چرا که اعتیاد به

حمام، سل می آورد. [۷۵۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۴

۵۴۳. غریب الحدیث: جاء فی الحدیث: غُبَارُ ذَیْلِ المَرَأَةِ الفَاجِرَةِ يورِثُ السَّلَّ. [۷۵۸]

۱۴/۵

ما يَقِي مِنَ السَّلِّ

۵۴۴. الإمام الباقر عليه السلام: لُبْسُ الْخُفِّ أَمَانٌ مِنَ السَّلِّ. [۷۵۹]

۵۴۵. الإمام الصادق عليه السلام: إِدْمَانُ لُبْسِ الْخُفِّ أَمَانٌ مِنَ السَّلِّ. [۷۶۰]

۱۵ / ۵

ما يَنْفَعُ لِإِعْلَاجِ السَّلِّ

۵۴۶. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ بَشَارَةَ: حَجَّجْتُ فَأَتَيْتُ الْمَدِينَةَ، فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِذَا أَبُو إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

جَالِسٌ فِي جَنْبِ الْمِنْبَرِ، فَدَنَوْتُ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَيَدَيْهِ وَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ، فَزَدَّ عَلَيَّ السَّلَامَ، وَقَالَ:

كَيْفَ أَنْتَ مِنْ عَلَّتِكَ؟

قُلْتُ: شَاكِيًّا بَعْدُ. وَكَانَ بِي السَّلُّ.

فَقَالَ: خُذْ هَذَا الدَّوَاءَ بِالْمَدِينَةِ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى مَكَّةَ، فَإِنَّكَ تُؤَافِيهَا [۷۶۱] وَقَدْ عَوِفْتَ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى.

فَأَخْرَجَتْ الدَّوَاءَ وَالْكَأغَذَ وَأَمَلَى عَلَيْنَا:

يُؤْخَذُ سِنْبُلٌ، وَقَاقِلَةٌ، وَزَعْفَرَانٌ، وَعَاقِرُ قَرْحَا، وَبَسِجٌ، وَخَرْبُقٌ أَبْيَضٌ؛ أَجْزَاءً بِالسَّوِيَّةِ، وَإِبْرِيُونٌ جُزْءَيْنِ، يُدَقُّ وَيُنْخَلُ بِحَرِيرَةٍ، وَيُعْجَنُ

بِعَسَلٍ مَنزُوعِ الرِّغْوَةِ، وَيُسْقَى صَاحِبُ السَّلِّ مِنْهُ مِثْلَ الْحَمَّصَةِ بِمَاءٍ مُسَخَّنٍ عِنْدَ النَّوْمِ، وَإِنَّكَ لَا تَشْرَبُ ذَلِكَ إِلَّا ثَلَاثَ لَيَالٍ، حَتَّى تُعَافَى

مِنْهُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى.

فَفَعَلْتُ، فَدَفَعَ اللَّهُ عَنِّي فَعَوِفْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. [۷۶۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۵

۵۴۳. غریب الحدیث: در حدیث آمده: غبار دامن زن بدکار، سل می آورد.

### ۱۴ / ۵ آنچه از سل، پیشگیری می کند

۵۴۴. امام باقر علیه السلام: پوشیدن موزه، [۷۶۳] مایه ایمنی از سل است.

۵۴۵. امام صادق علیه السلام: عادت داشتن به پوشیدن موزه، مایه ایمنی از سل است.

### ۱۵ / ۵ آنچه برای درمان سل سودمند است

۵۴۶. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِنَقْلِ أَحْمَدَ بْنِ بَشَارَةَ: حَجَّ كَرَّارِ دَمٍ وَبِهِ مَدِينَةٌ رَفْتُمْ. آنجا وارد مسجد النبی صلی الله علیه و آله

شدم و به ناگاه، امام کاظم علیه السلام را دیدم که در کنار منبر نشسته است. به او نزدیک شدم، بر سر و دستانش بوسه زدم و به او

سلام کردم. او سلامم را پاسخ داد و فرمود: «با بیماریات چه طوری؟».

گفتم: هنوز، از آن در رنجم. من پیش تر، سل داشتم.

فرمود: «این دارو را در مدینه بگیر، پیش از آن که روانه مکه شوی؛ چه، در این صورت، در حالتی به مکه خواهی رسید که به اذن

خداوند متعال، بهبود یافته‌ای». من دوات و کاغذ بیرون آوردم و او برایمان چنین املا فرمود: «مقادیری همانند از سنبل، قاقله، [۷۶۴]

زعفران، آککرا، [۷۶۵]

بنج [۷۶۶] و پلخم سفید (ابریون) [۷۶۷] و از همین پیمان، دو واحد گاوگشک (فریون) [۷۶۸] برداشته، آرد می شود و بر پارچه‌ای

حریر، غربال می گردد. آن گاه، از آن با عسلی که کف رویش برداشته شده، خمیری ساخته می شود و در هنگام خواب، به اندازه

یک نخود از آن در آب گرم [به بیمار] خورانده می‌شود. از این [محلول، تنها سه شب نخواهی خورد که به اذن خداوند عز و جل بهبود خواهی یافت].

من، این کار را انجام دادم و خداوند، بلا را از من راند و به اذن خداوند متعال، بهبود یافتم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۶

۱۶ / ۵

ما يورثُ الرَّبَّوَ وَ الْبُهْرَ

۵۴۷. الإمام الرضا عليه السلام: الامتلاء من البيض المسلوق يورث الربو والابتهار [۷۶۹]. [۷۷۰]

۱۷ / ۵

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الرَّبَّوِ

۵۴۸. طَبَّ الْأَثْمَةِ عَنِ الْمَفْضَلِ بْنِ عَمْرٍو: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّهُ يُصَيِّبُنِي رَبُّوٌ شَدِيدٌ إِذَا مَشَيْتُ، حَتَّى لَرُبَّمَا جَلَسْتُ فِي مَسَافَةٍ مَا بَيْنَ دَارِي وَ دَارِكِ فِي مَوْضِعَيْنِ.

قَالَ: يَا مَفْضَلُ، اشْرَبْ لَهُ أَبْوَالَ اللَّقَاحِ.

قَالَ: فَشَرِبْتُ ذَلِكَ فَمَسَحَ اللَّهُ دَائِي. [۷۷۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۷

#### ۱۶ / ۵ آنچه تنگی نفس می‌آورد

۵۴۷. امام رضا علیه السلام: پُرخوری از تخم مرغ آب پز، نفس تنگی و نفس بُریدگی می‌آورد. [۷۷۲]

#### ۱۷ / ۵ آنچه برای درمان تنگی نفس، سودمند است

۵۴۸. طَبَّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنِ مَفْضَلِ بْنِ عَمْرٍو: مِنْ أَمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرَسِيدِم:

ای پسر پیامبر خدا! در هنگام راه رفتن، نفس تنگی شدیدی مرا می‌آزارد تا جایی که گاه در فاصله میان خانه خود و خانه شما، دوبار می‌نشینم.

فرمود: «ای مفضل! برای این عارضه، ادرار شتر شیرده بخور».

من از آن خوردم و خداوند، بیماری‌ام را زدود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۸

۱۸ / ۵

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ ذَاتِ الْجَنْبِ

۵۴۹. صحيح البخاری عن أمِّ قيس: دَخَلْتُ بِابْنِ لِي عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَدْ أَعْلَقَتْ عَلَيْهِ مِنَ الْعُدْرَةِ.

فَقَالَ: عَلِيٌّ مَا تَدْعِرْنَ أَوْلَادَكُنَّ بِهَذَا الْعِلَاقِ؟! عَلَيْكُنَّ بِهَذَا الْعَوْدِ الْهِنْدِيِّ؛ فَإِنَّ فِيهِ سَبْعَةَ أَشْفِيَةٍ مِنْهَا ذَاتُ الْجَنْبِ. [۷۷۳][۷۷۴]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۳۴۸

۵۵۰. سنن الترمذی عن زيد بن أرقم: أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْ تَتَدَاوَى مِنْ ذَاتِ الْجَنْبِ بِالْقُسْطِ الْبَحْرِيِّ، وَ الزَّيْتِ. [۷۷۵]

۵۵۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ السَّدَابَ وَ نَامَ عَلَيْهِ؛ أَمِنَ مِنَ الدُّوَارِ وَ ذَاتِ الْجَنْبِ. [۷۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۹

### ۱۸ / ۵ آنچه برای درمان ذات الجنب سودمند است

۵۴۹. صحیح البخاری به نقل از امّ قیس: همراه با یکی از کودکانم و در حالی که به سبب گلودرد، کام وی را با انگشت فشردم، بر پیامبر خدا وارد شدم. فرمود: «چرا کام کودک خود را چنین می‌فشریدی و بالا می‌آوری؟ بر شما باد که از این عود هندی [۷۷۷] بهره برید. در این چوب، هفت درمان است که یکی از آنها [درمان ذات الجنب ۷۷۸] است».

۵۵۰. سنن الترمذی به نقل از زید بن ارقم: پیامبر خدا به ما فرمود: «ذات الجنب را با بستک دریایی و روغن زیتون، درمان کنیم».

۵۵۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس سداب [۷۷۹] بخورد و بر آن بخوابد، از سرگیجه و ذات الجنب، ایمن باشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۰

### الفصل السادس: الفم و الأسنان

۱ / ۶

#### الإشارة إلى ما فيهما من الحكمة

۵۵۲. الإمام الصادق عليه السلام: جُعِلَ الشَّارِبُ وَ الشَّفَّةُ فَوْقَ الفَمِ؛ لِيَحْتَسِبَ مَا يَنْزِلُ مِنَ الدَّمَاعِ عَنِ الفَمِ لئَلَّا يَتَنَغَّصَ عَلَى الإنسانِ طَعَامُهُ وَ شَرَابُهُ فَيَمِيطَهُ عَن نَفْسِهِ ... وَ جُعِلَ السِّنُّ حَادًا؛ لِأَنَّ بِهِ يَقَعُ المَضْغُ، وَ جُعِلَ الضَّرْسُ عَرِيضًا؛ لِأَنَّ بِهِ يَقَعُ الطَّحْنُ وَ المَضْغُ، وَ كَانَ النَّابُ طَوِيلًا لِيَسِنِدَ الأَضْرَاسَ وَ الأسنانَ كَالأَسْطُوَانَةِ فِي البِنَاءِ. [۷۸۰]

۵۵۳. عنه عليه السلام لِلْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ: فَكَّرَ يَا مُفْضَلُ فِي هَذِهِ الطَّوَاغِينِ الَّتِي جُعِلَتْ لِلإنْسَانِ، فَبَعْضُهَا خُرْدَادٌ لِقَطْعِ الطَّعَامِ وَ قَرَضِهِ، وَ بَعْضُهَا عُرَاضٌ لِمَضْغِهِ وَ رَضِّهِ، فَلَمْ يَنْقُصْ وَاحِدًا مِنَ الصَّفَتَيْنِ إِذْ كَانَ مُحْتَاجًا إِلَيْهِمَا جَمِيعًا. [۷۸۱]

راجع: ج ۱، ص ۳۲۴ (الإشارة إلى ما في الحنجرة من الحكمة).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۱

### فصل ششم: دهان و دندان

#### ۱ / ۶ اشاره به حکمت نهفته در دهان و دندان

۵۵۲. امام صادق علیه السلام: سیل و لب، در بالای دهان قرار گرفته است تا مانع رسیدن آنچه از مغز فرو می‌ریزد، به دهان شود، مبادا که طعم خوراک و نوشیدن، بر انسان، ناگوار گردد و آن را وا گذارد...

دندان جلو تیز قرارداد شده است؛ زیرا به واسطه آن، کار قطع کردن صورت می‌پذیرد؛ و دندان‌های آسیا، پهن قرارداد شده‌اند؛ زیرا آسیاب کردن و جویدن، به کمک آنها انجام می‌گیرد؛ و نیش بلندتر است تا تکیه‌گاه دندان جانبی و دندان جلو باشد، به سان استوانه‌ای در یک بنا.

۵۵۳. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! در این آسیاهایی که برای انسان قرارداد شده است، بیندیش. برخی از آنها تیز هستند تا غذا را بپزند و قطعه‌قطعه کنند، برخی پهن‌اند تا غذا را بچوند و نرم کنند. هیچ‌یک از این دو ویژگی،



مفقود نیستند؛ چرا که به هر دو آنها نیاز است.

ر. کک: ج ۱، ص ۳۲۵ (اشاره به حکمت نهفته در حنجره).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۲

۲/۶

صِحَّةُ الْفَمِّ وَالْأَسْنَانِ

۱۲/۶

التَّخَلُّلُ

أ تَأْكِيدُ التَّخَلُّلِ

۵۵۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ بِالْخِلَالِ. [۷۸۲]

۵۵۵. عنه صلى الله عليه و آله: حَبَدَا الْمُتَخَلِّلُونَ مِنْ أُمَّتِي. [۷۸۳]

۵۵۶. عنه صلى الله عليه و آله: رَحِمَ اللَّهُ الْمُتَخَلِّلِينَ مِنَ الطَّعَامِ وَمِنَ الطَّهْوَرِ. [۷۸۴]

۵۵۷. أبو الحسن عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَحِمَ اللَّهُ الْمُتَخَلِّلِينَ!

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا الْمُتَخَلِّلُونَ؟

قَالَ: يَتَخَلَّلُونَ مِنَ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهُ إِذَا بَقِيَ فِي الْفَمِّ تَغَيَّرَ فَأَذَى الْمَلَكِ رِيحُهُ. [۷۸۵]

۵۵۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: يَا حَبَدَا الْمُتَخَلِّلُونَ مِنَ الطَّعَامِ! إِنَّهُ لَيْسَ أَشَدُّ عَلَى الْمَلِكِ مِنْ بَقِيَّةِ تَبْقَى مِنَ الْفَمِّ مِنْ أَثَرِ

الطَّعَامِ. [۷۸۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۳

## ۲/۶ بهداشت دهان و دندان

### ۱۲/۶ خلال کردن

#### الف تأکید بر خلال کردن

۵۵۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: جبرئیل، بر من به [پیام و حیانی درباره خلال، نازل شد.

۵۵۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خوشا بر کسانی از امت من که خلال کنند!

۵۵۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: رحمت خداوند بر کسانی که پس از غذا و در وضو، خلال می کنند!

۵۵۷. امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «رحمت خدا بر خلال کنندگان!»

پرسیده شد: ای پیامبر خدا! خلال کنندگان چه کسانی اند؟

فرمود: «آنان که از غذا، خلال می کنند؛ چه، اگر چیزی از غذا در دهان بماند، تغییر می کند و بویش فرشته را می آزارد.»

۵۵۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خوشا به حال آنان که از غذا، خلال می کنند! بر فرشته، هیچ چیز سخت تر از باقی مانده‌ای

نیست که در پی غذا خوردن، در دهان بر جای می ماند.»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۴

۵۵۹. عنه صلى الله عليه و آله: تَخَلَّلُوا؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ مِنْ أَنْ يَرَوْا فِي أَسْنَانِ الْعَبْدِ طَعَامًا. [۷۸۷]

۵۶۰. عنه صلى الله عليه و آله: تَرَكَ الْخِلَالَ وَهَنْ لِّلْأَسْنَانِ. [۷۸۸]

۵۶۱. عنه صلى الله عليه و آله: نُقُوا أَفْوَاهَكُمْ بِالْخِلَالِ. [۷۸۹]

۵۶۲. الإمام الباقر عليه السلام: شَكَتِ الْكَعْبَةُ إِلَى اللَّهِ مَا تَلَقَى مِنْ أَنْفَاسِ الْمُشْرِكِينَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا: أَنْ قَرَى يَا كَعْبَةُ؛ فَإِنِّي أَبْدِلُكَ بِهِمْ قَوْمًا يَتَخَلَّلُونَ بِقُضْبَانِ الشَّجَرِ.

فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْحَى إِلَيْهِ مَعَ جَبْرِئِيلَ بِالسُّوَائِكِ وَ الْخِلَالِ. [۷۹۰]

۵۶۳. الإمام الصادق عليه السلام: نَزَلَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالسُّوَائِكِ وَ الْخِلَالِ وَ الْحِجَامَةِ. [۷۹۱]

۵۶۴. عنه عليه السلام: مَنْ أَكَلَ طَعَامًا فَلَيْتَخَلَّلْ، وَ مَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ حَرْجٌ. [۷۹۲]

۵۶۵. مكارم الأخلاق: رُوِيَ عَنِ الْإِمَامِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: اللَّهُمَّ بَارِكْ فِي الْخَلَّالِينَ وَ الْمُتَخَلَّلِينَ. وَ الْخَلُّ بِمَنْزِلَةِ الرَّجُلِ الصَّالِحِ يَدْعُو لِأَهْلِ الْبَيْتِ بِالْبَرَكَهَةِ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا الْخَلَّالُونَ وَ مَا الْمُتَخَلَّلُونَ؟

قَالَ: الَّذِينَ فِي بُيُوتِهِمُ الْخَلُّ وَ الَّذِينَ يَتَخَلَّلُونَ. [۷۹۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۵

۵۵۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خلال کنید؛ زیرا نزد فرشتگان، هیچ چیز ناخوشایندتر از آن نیست که در [لابه لای دندان‌های انسان، غذا ببینند.

۵۶۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: وا گذاشتن خلال، مایه سستی دندان‌هاست.

۵۶۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: دهانتان را با خلال کردن، تمیز کنید.

۵۶۲. امام باقر علیه السلام: کعبه از آنچه از نفس‌های مشرکان با آن رویاروی می‌شود، به درگاه خداوند نالید. پس خداوند، بدان وحی کرد که: «ای کعبه! شادمان باش؛ زیرا که برای تو مردمانی را جایگزین این قوم خواهم ساخت که با شاخه‌های درخت، خلال می‌کنند».

هنگامی که خداوند، محمد صلى الله عليه و آله را برانگیخت، توسط جبرئیل، سفارش مسواک زدن و خلال را به او وحی کرد.

۵۶۳. امام صادق علیه السلام: جبرئیل به سفارش بر مسواک، خلال و حجامت، بر پیامبر خدا نازل شد.

۵۶۴. امام صادق علیه السلام: هر کس غذایی بخورد، پس از آن خلال کند؛ و هر کس چنین نکند، مشکل [بهداشتی پیدا خواهد کرد.

۵۶۵. مکارم الأخلاق: از امام کاظم علیه السلام روایت شده است: منادی‌ای از آسمان ندا می‌دهد: «خداوند! خللان و متخللان را برکت ده! سرکه، به‌سان مردی درست کار برای اهل خانه دعای برکت می‌کند.

[راوی می‌گوید: گفتم: فدایت شوم! مقصود از «خللان» و «متخللان» چیست؟

فرمود: «کسانی که در خانه‌هایشان سرکه (خل) هست و کسانی که خلال می‌کنند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۶

ب مَنَافِعِ التَّخَلُّلِ

۵۶۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: تَخَلَّلُوا؛ فَإِنَّهُ نَظَافَةٌ، وَ النَّظَافَةُ تَدْعُو إِلَى الْإِيمَانِ، وَ الْإِيمَانُ مَعَ صَاحِبِهِ فِي الْجَنَّةِ. [۷۹۴]

۵۶۷. عنه صلى الله عليه و آله: تَخَلَّلُوا عَلَى أَثَرِ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهُ صِحَّةٌ لِلنَّابِ وَ النَّوَاجِدِ، وَ يَجْلِبُ عَلَى الْعَبْدِ الرِّزْقَ. [۷۹۵]

۵۶۸. عنه صلى الله عليه و آله: تَخَلَّلُوا عَلَى أَثَرِ الطَّعَامِ، وَ تَمَضَّمُوا؛ فَإِنَّهُ مَصْحَةٌ لِلنَّابِ وَ النَّاجِدِ. [۷۹۶]

۵۶۹. عنه صلى الله عليه و آله: تَخَلَّلُوا؛ فَإِنَّهُ يَنْقِي الْفَمَ وَ مَصْلَحَةٌ لِلثَّنَةِ. [۷۹۷]

۵۷۰. عنه صلى الله عليه و آله: تَخَلَّلُوا؛ فَإِنَّهَا مَصْلَحَةٌ لِلنَّابِ وَ النَّوَاجِدِ. [۷۹۸]

۵۷۱. عنه صلى الله عليه و آله من وصيته لعلي عليه السلام: يا علي... الخلال يحبيك إلى الملائكة؛ فإن الملائكة تتأذى بریح فم من لا يتخلل بعد الطعام. [۷۹۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۷

### ب منافع خلال کردن

۵۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خلال کنید؛ زیرا آن، پاکیزگی است و پاکیزگی به ایمان فرا می‌خواند و ایمان به همراه دارنده‌اش در بهشت است.

۵۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در پی غذا خوردن، خلال کنید؛ چرا که مایه سلامت دندان‌های نیش و نواجذ [۸۰۰] (آسیا) است و برای انسان، جلب روزی می‌کند. [۸۰۱]

۵۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در پی غذا، خلال کنید و آب در دهان بچرخانید؛ چرا که مایه سلامت دندان‌های نیش و آسیاست.

۵۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خلال کنید؛ چرا که دهان را تمیز می‌کند و مایه سلامت لثه است.

۵۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خلال کنید؛ چرا که مایه سلامت [دندان‌های نیش و نواجذ] است.

۵۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش‌های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! خلال کردن، تو را محبوب فرشتگان می‌سازد؛ چرا که فرشتگان، از بوی دهان کسی که پس از غذا خلال نمی‌کند، آزرده می‌شوند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۸

۵۷۲. الکافی عن أحمد بن عبد الله الأسدي عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام: ناول النبي صلى الله عليه و آله جعفر بن أبي طالب عليه السلام خالاً، فقال له:

يا جعفر، تخلل؛ فإنه مصلحة للفم أو قال: للثة، و مَجَلْبَةٌ لِلرِّزْقِ. [۸۰۲]

۵۷۳. الکافی عن وهب بن عبد ربه: رأيت أبا عبد الله عليه السلام يتخلل فنظرت إليه، فقال:

إن رسول الله صلى الله عليه و آله كان يتخلل، و هو يطيب الفم. [۸۰۳]

۵۷۴. الإمام الصادق عليه السلام: الخلال بعد الطعام؛ يشد اللثات، و يجلب الرزق، و يطيب النكهة. [۸۰۴]

### ج آداب التخلل

۵۷۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: من تخلل فليلفظ، من فعل فقد أحسن، و من لم يفعل فلا حرج. [۸۰۵]

۵۷۶. الإمام الصادق عليه السلام: لا يزدردن أحدكم ما يتخلل به؛ فإنه يكون منه الدبيلة. [۸۰۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۹

۵۷۲. الکافی به نقل از احمد بن عبد الله اسدی، از مردی، از امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، خالالی به جعفر بن ابی طالب داد و فرمود: «ای جعفر! خلال کن، که این کار، موجب بهداشت دهان (یا فرمود: لثه) و سبب جلب روزی است».

۵۷۳. الکافی به نقل از وهب بن عبد ربه: امام صادق علیه السلام را دیدم که خلال می‌کرد. به او نگریستم. فرمود: «پیامبر خدا هم خلال می‌کرد؛ و این کار، دهان را خوش بو می‌کند».

۵۷۴. امام صادق علیه السلام: خلال کردن پس از [خوردن غذا، لثه‌ها را محکم می‌کند، روزی می‌آورد و بوی دهان را خوش می‌سازد.

۵۷۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خلال می‌کند، [پس مانده‌ها را] بیرون افکند. هر کس چنین کند، کار خوبی کرده است و هر کس چنین نکند، [بر او] ایرادی نیست.

۵۷۶. امام صادق علیه السلام: مبادا کسی از شما آنچه را با آن خلال می‌کند، فرو دهد؛ چرا که شکم کلن، [۸۰۷] از آن می‌خیزد. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۰

۵۷۷. عنه علیه السلام: ما أدرتَ عَلَيهِ لِسَانَكَ فَأَخْرَجْتَهُ فَابْلَعُهُ، و ما أَخْرَجْتَهُ بِالْخِلَالِ فَارْمِ بِهِ. [۸۰۸]

۵۷۸. الإمام الكاظم عليه السلام للفضل بن يونس: يا فضل، أدِر لِسَانَكَ فِي فَمِكَ؛ فَمَا تَبِعَ لِسَانَكَ فَكَلَهُ إِنْ شِئْتَ، و مَا اسْتَكْرَهْتَهُ بِالْخِلَالِ فَالْفِظَةُ. [۸۰۹]

۵۷۹. عنه علیه السلام: مَنِ حَقَّقَ الْخِلَالَ أَنْ تُدِيرَ لِسَانَكَ فِي فَمِكَ؛ فَمَا أَجَايَكَ تَبَلُّعُهُ، و مَا امْتَنَعَ تَحْرُكُهُ بِالْخِلَالِ، ثُمَّ تُخْرِجُهُ فَتَلْفِظُهُ. [۸۱۰]

۵۸۰. الكافي عن الفضل بن يونس: تَعَدَّى عِنْدِي أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا فَرَّغَ مِنَ الطَّعَامِ اتَّيَ بِالْخِلَالِ، فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! مَا حَدُّ هَذَا الْخِلَالِ؟

فَقَالَ: يَا فَضْلُ، كُلُّ مَا بَقِيَ فِي فَمِكَ فَمَا أَدْرْتَ عَلَيْهِ لِسَانَكَ فَكَلَهُ، و مَا اسْتَكَنَّ فَأَخْرَجَهُ بِالْخِلَالِ فَأَنْتَ فِيهِ بِالْخِيَارِ؛ إِنْ شِئْتَ أَكَلْتَهُ و إِنْ شِئْتَ طَرَحْتَهُ. [۸۱۱]

۵۸۱. المحاسن عن الفضل بن يونس الكاتب: أتاني أبو الحسن موسى بن جعفر عليه السلام في حاجته للحسين بن يزيد، فقلت: إن طعامنا قد حصر، فأحب أن تتعدى عندي.

قال: نحن نأكل طعام الفجاءة.

ثُمَّ نَزَلَ فَجِئْتُهُ بِغَدَاءٍ و وَضَعْتُ مَنِيلاً عَلَى فِخْدَيْهِ، فَأَخَذَهُ فَنَحَّاهُ نَاحِيَةً، ثُمَّ أَكَلَ، ثُمَّ قَالَ لِي:

يَا فَضْلُ، كُلِّ مِمَّا فِي اللَّهْوَاتِ و الْأَشْدَاقِ، و لَا تَأْكُلْ مَا بَيْنَ الْأَضْعَافِ الْأَسْنَانِ. [۸۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۱

۵۷۷. امام صادق علیه السلام: آنچه زبانت را بر آن چرخاندی و از [لای دندان بیرون کشیدی، فرو ده؛ ولی آنچه را با خلال بیرون کشیدی، بیرون افکن.

۵۷۸. امام کاظم علیه السلام به فضل بن یونس: ای فضل! زبان خویش را در دهان بچرخان. آنچه را در پی زبانت به حرکت در آمد، اگر خواستی، بخور، و آنچه را با خلال [بیرون کشیدی و] خوش نداشتی، بیرون افکن.

۵۷۹. امام کاظم علیه السلام: بایسته خلال، آن است که زبان خویش را در دهان بچرخانی و آن گاه، آنچه را بدین سان از جای درآید، بخوری؛ ولی آنچه را سرسختی کند، به خلال جابه‌جا کنی و سپس [از لای دندان‌ها] بیرون آوری و از دهان، بیرون افکنی.

۵۸۰. الکافی به نقل از فضل بن یونس: امام کاظم علیه السلام، نزد من نهار خورد. چون از خوردن فراغت یافت، خلال آوردند. گفتم: فدایت شوم! اندازه این خلال چیست؟

فرمود: «ای فضل! از آنچه در دهانت مانده است، هر چه زبان خویش را بر آن می‌چرخانی، بخور؛ اما هر چه را در جای خود محکم شده است، با خلال بیرون آور و از آن پس نیز خود، انتخابگری. اگر خواستی، آن را می‌خوری [۸۱۳] و اگر خواستی، بیرون می‌افکنی.

۵۸۱. المحاسن به نقل از فضل بن یونس کاتب: امام کاظم علیه السلام، در پی کاری برای حسین بن یزید، نزد من آمد. گفتم:

غذایمان آماده است. دوست دارم نزد ما غذا بخوری.

فرمود: «ما غذای ناگهانی (بدون دعوت قبلی) را می‌خوریم».

سپس، فرود آمد و من برای وی، ناشتایی آوردم و دستمالی نیز روی پای وی گذاردم. او دستمال را برداشت و به کناری انداخت. سپس خورد.

آن گاه به من فرمود: «ای فضل! آنچه را در بالای کام و کناره‌های دهان مانده است، بخور؛ اما آنچه را لابه‌لای دندان‌هاست، نخور». دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۲

۵۸۲. الإمام الحسين عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَمَرَنَا إِذَا تَخَلَّلْنَا أَلَّا نَشْرَبَ الْمَاءَ، حَتَّى نَتَمَضَّمَصَ ثَلَاثًا. [۸۱۴]

۵۸۳. مكارم الأخلاق: عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يُونُسَ أَنَّهُ سَأَلَ الْكَاسِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ حَدِّ الْخِلَالِ، قَالَ: أَنْ تَكْسِرَ رَأْسَهُ؛ لِئَلَّا يُدْمِيَ اللَّثَّةَ. [۸۱۵]  
د ما لا يَتَّبِعِي التَّخَلُّلُ بِهِ

۵۸۴. الإمام الصادق عليه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُتَخَلَّلَ بِالْقَصَبِ وَالرَّيْحَانِ. [۸۱۶]

۵۸۵. عنه عليه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ التَّخَلُّلِ بِالرُّمَّانِ وَالْأَسِّ وَالْقَصَبِ، وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّهُنَّ يُحَرِّكْنَ عِرْقَ الْأَكِلَةِ. [۸۱۷]

۵۸۶. عنه عليه السلام: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُتَخَلَّلُ بِكُلِّ مَا أَصَابَ مَا خَلَا الْخَوْصَ وَالْقَصَبِ. [۸۱۸]

۵۸۷. الإمام الكاظم عليه السلام: لَا تَخَلَّلُوا بِعُودِ الرَّيْحَانِ وَلَا بِقَصَبِ الرُّمَّانِ؛ فَإِنَّهُمَا يَهَيِّجَانِ عِرْقَ الْجَذَامِ. [۸۱۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۳

۵۸۲. امام حسین علیه السلام: امیر مؤمنان، به ما فرموده بود که به هنگام خلال کردن، آب ننوشیم، مگر پس از سه بار چرخاندن آن در دهان.

۵۸۳. مکارم الأخلاق: از فضل بن یونس رسیده که از امام کاظم علیه السلام، درباره اندازه خلال پرسید. فرمود: «این که سر آن را بشکنی [۸۲۰] تا لثه را خونی نکند».

## د چیزهایی که خلال کردن با آنها روا نیست

۵۸۴. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا از این که با نی و [ساقه نازبویه خلال شود، نهی فرمود.

۵۸۵. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، از خلال کردن با [چوب انار، آس و نی، نهی کرد و فرمود: «اینها، رگ خوره را تحریک می‌کنند».

۵۸۶. امام صادق علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله، به هر چه بدان دست می‌یافت، خلال می‌کرد، مگر به برگ درخت خرما و نی.

۵۸۷. امام کاظم علیه السلام: به ساقه سبزی و شاخه انار خلال نکنید؛ چرا که رگ جذام را فعال می‌کنند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۴

۲۲/۶

الْمَضْمَضَةُ وَالْاسْتِنشَاقُ

۵۸۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: مِنَ الْفِطْرَةِ الْمَضْمَضَةُ وَالْاسْتِنشَاقُ. [۸۲۱]

۵۸۹. الإمام علي عليه السلام: الْمَضْمَضَةُ وَالْاسْتِنشَاقُ سُنَّةٌ وَطَهْرٌ لِلْفَمِ وَالْأَنْفِ، وَالسُّعُوطُ مَصِيحَةٌ لِلرَّأْسِ، وَتَنْقِيَةٌ لِلْيَدَيْنِ، وَ سَائِرِ أَوْجَاعِ الرَّأْسِ. [۸۲۲]

۵۹۰. الإمام الكاظم عليه السلام: خَمْسٌ مِنَ الشُّنَنِ فِي الرَّأْسِ، وَخَمْسٌ فِي الْجَسَدِ: فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ: فَالْسَّوَاكُ، وَأَخَذُ الشَّارِبِ، وَفَرَّقُ الشَّعْرَ، وَالْمَضْمَضَةَ، وَالِاسْتِنْشَاقَ. وَأَمَّا الَّتِي فِي الْجَسَدِ: فَالْخِتَانُ، وَحَلَقُ الْعَائِنَةِ، وَنَتْفُ الْإِبْطِينِ، وَتَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ، وَالِاسْتِنْجَاءُ. [۸۲۳]
۵۹۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: لِيُبَالِغَ أَحَدُكُمْ فِي الْمَضْمَضَةِ وَالِاسْتِنْشَاقِ؛ فَإِنَّهُ غُفْرَانٌ لَكُمْ، وَمَنْفَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ. [۸۲۴]
۵۹۲. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا اسْتَنْشَقْتَ فَانْتَشِرْ. [۸۲۵]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۵

## ۶ / ۲۲ شستشوی دهان و بینی

۵۸۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: شستشوی دهان و بینی، از فطرت [توحیدی] است.
۵۸۹. امام علی علیه السلام: شستشوی دهان و بینی، سنت و مایه پاک‌سازی دهان و بینی است و انفیه کردن، مایه سلامت سر و پاک‌سازی بدن و همه انواع سردرد است.
۵۹۰. امام کاظم علیه السلام: پنج چیز درباره سر، از سنت‌هاست و پنج چیز هم درباره تن. اما آنچه درباره سر است، مسواک زدن، گرفتن سیبل، از هم گشودن موها از میانه سر، و شستشوی دهان و بینی است. آنچه درباره تن است: ختنه کردن، تراشیدن موی زهار، زدودن موهای زیر بغل، کوتاه کردن ناخن‌ها، و زدودن پلیدی مخرج است.
۵۹۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بایسته است کسی از شما در چرخاندن آب در دهان و بینی، مبالغه ورزد؛ چرا که این کار، مایه آمرزش برای شما و باعث گریز شیطان است.
۵۹۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: چون آب در بینی چرخانده شود، همه را بیرون بریزد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۶

۵۹۳. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْتَنْشِقْ بِمِنْخَرِيهِ مِنَ الْمَاءِ، ثُمَّ لِيَسْتَنْشِرْ. [۸۲۶]
۵۹۴. عنه صلى الله عليه وآله: اسْتَنْشِرُوا مَرَّتَيْنِ بِالْغَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا. [۸۲۷]

۳۲ / ۶

الاستیاک

أُ التَّأَكِيدُ عَلَى الاستیاک

۵۹۵. الإمام الصادق عليه السلام: مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ السَّوَاكُ. [۸۲۸]
۵۹۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: مِنَ الْفِطْرَةِ... السَّوَاكُ. [۸۲۹]
۵۹۷. عنه صلى الله عليه وآله: مَا زَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُوَصِّنِي بِالسَّوَاكِ حَتَّى خَشِيتُ أَنْ أَدْرَدَ وَاحْفَى. [۸۳۰]
۵۹۸. عنه صلى الله عليه وآله: مَا زَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُوَصِّنِي... بِالسَّوَاكِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَجْعَلُهُ فَرِيضَةً. [۸۳۱]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۷
۵۹۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر گاه کسی از شما وضو گرفت، به سوراخ‌های بینی آب ببرد و سپس، همه را بیرون بریزد.
۵۹۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: دوبار محکم یا سه بار [به صورت عادی بینی را خالی کنید.

## ۶ / ۳۲ مسواک زدن

۵۹۵. امام صادق علیه السلام: مسواک زدن، از سنت‌های پیامبران است.

۵۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسواک زدن... از فطرت [توحیدی] است.

۵۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل، آن اندازه مرا به مسواک زدن سفارش می‌کرد که ترسیدم دندان‌هایم یک‌به‌یک بریزد و بی‌دندان شوم.

۵۹۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل، آن اندازه مرا به... مسواک زدن سفارش می‌کرد که گمان بردم آن را واجب قرار خواهد داد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۸

۵۹۹. عنه صلی الله علیه و آله: أوصاني جبرئيل عليه السلام بالسواك حتى خفت على أسانی. [۸۳۲]

۶۰۰. عنه صلی الله علیه و آله: ما جاءني جبرئيل إلا أوصاني بالسواك، حتى لقد خشيت أن يفرض عليّ و على امتي. [۸۳۳]

۶۰۱. الإمام الصادق عليه السلام: من سنن المرسلين السواك. [۸۳۴]

۶۰۲. عنه عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لَمَّا دَخَلَ النَّاسُ فِي الدِّينِ أَفْوَاجًا، أَتَتْهُمْ الْأَرْذُ أَرْقَهَا قُلُوبًا، وَ أَعَذَّبَهَا أَفْوَاهًا. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذِهِ أَرْقَهَا قُلُوبًا عَرَفْنَا، فَلِمَ صَارَتْ أَعَذَّبَهَا أَفْوَاهًا؟

قَالَ: لِأَنَّهَا كَانَتْ تَسْتَاكُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ. [۸۳۵]

۶۰۳. الإمام الباقر و الإمام الصادق عليهما السلام: صَلَاةُ رَكَعَتَيْنِ بِسِوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بِغَيْرِ سِوَاكِ. [۸۳۶]

۶۰۴. الإمام الباقر عليه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي السِّوَاكِ لَأَبَاتُوهُ مَعَهُمْ فِي لِحَافٍ. [۸۳۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۹

۵۹۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل، چندان مرا به مسواک زدن سفارش کرد که بر دندان‌هایم ترسیدم.

۶۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل، هیچ نزد من نیامد، مگر که مرا به مسواک زدن سفارش کرد تا جایی که ترسیدم این کار بر من و امتم واجب شود.

۶۰۱. امام صادق علیه السلام: مسواک زدن، از سنت‌های فرستادگان [الهی] است.

۶۰۲. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، آن هنگام که مردم، دسته دسته به دین درآمدند، فرمود: «طایفه از د که نازک‌دل‌ترین و خوش‌دهان‌ترین مردم‌اند، به آنان (مسلمانان) در پیوستند».

گفته شد: ای پیامبر خدا! «نازک‌دل‌ترین» را فهمیدیم، اما چرا «خوش‌دهان‌ترین»؟

فرمود: «از آن رو که این طایفه، در روزگار جاهلیت، مسواک می‌زدند».

۶۰۳. امام باقر و امام صادق علیهما السلام: خواندن دو رکعت نماز با مسواک، بافضیلت‌تر از هفتاد رکعت بدون مسواک است.

۶۰۴. امام باقر علیه السلام: اگر مردم می‌دانستند که مسواک زدن چه [فضیلت و فوایدی] دارد، آن را با خود به بستر می‌بردند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۰

ب دَمُ تَرَكَ الْاِسْتِيَاكِ

۶۰۵. رسول الله صلى الله عليه وآله: ما لي أراكم قُلُوحًا! ما لكم لا تستاكون؟! [۸۳۸]

۶۰۶. عنه صلی الله علیه و آله: أتاني جبرئيل عليه السلام فقال: يا مُحَمَّدُ، كَيْفَ نَزَلُ عَلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَسْتَاكُونَ؟! [۸۳۹]

۶۰۷. الخصال: عَن أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَرَى هَذَا الْخَلْقَ كُلَّهُ مِنَ النَّاسِ؟

فَقَالَ: أَلْقِ مِنْهُمْ التَّارِكَ لِلسُّوَائِكِ، وَالْمُتَرَبِّعَ فِي مَوْضِعِ الضَّبِيقِ وَ... [۸۴۰]

ج فَوَائِدُ الِاسْتِيَاكِ

۶۰۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: تَسَوَّكُوا؛ فَإِنَّ السُّوَائِكَ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ، مَرَضَاءٌ لِلرَّبِّ. [۸۴۱]

۶۰۹. عنه صلى الله عليه و آله: السُّوَائِكُ فِي الْفَمِ يُبَيِّتُ الْأَضْرَاسَ. [۸۴۲]

۶۱۰. عنه صلى الله عليه و آله: السُّوَائِكُ يَزِيدُ الرَّجُلَ فَصَاحَةً. [۸۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۱

## ب نکوهش ترک مسواک زدن

۶۰۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: چرا شما را با دندان‌های زرد می‌بینم؟ چرا مسواک نمی‌زنید؟

۶۰۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: جبرئیل، نزد من آمد و گفت: ای محمد! چگونه در حالی که مسواک نمی‌زنید، بر شما نازل شویم؟

۶۰۷. الخصال: از ابو یحیی واسطی، از کسی که این راوی از او نام برده، نقل شده که وی به امام صادق علیه السلام گفته است: آیا همه این خلق را از مردم می‌دانی؟

فرمود: «از این میان، آنان را که مسواک نمی‌زنند و در جای تنگ، چهار زانو می‌نشینند (فضای وسیع‌تری را می‌گیرند) و... بینداز.»

## ج فواید مسواک زدن

۶۰۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: مسواک بزنی؛ چرا که مسواک، مایه پاکیزگی دهان و خشنودی پروردگار است. [۸۴۴]

۶۰۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: مسواک، دندان‌ها را در دهان تثبیت می‌کند.

۶۱۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: مسواک، بر فصاحت مرد می‌افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۲

۶۱۱. عنه صلى الله عليه و آله: السُّوَائِكُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ، وَالسَّامُ: الْمَوْتُ. [۸۴۵]

۶۱۲. الإمام الباقر علیه السلام: السُّوَائِكُ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيَزِيدُ فِي الْعَقْلِ. [۸۴۶]

۶۱۳. عنه علیه السلام: السُّوَائِكُ ... مَنْفَاةٌ لِلْبَلْغَمِ. [۸۴۷]

۶۱۴. الإمام الصادق علیه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ طَهْوَرٌ، وَطَهْوَرُ الْفَمِ السُّوَائِكُ. [۸۴۸]

۶۱۵. عنه علیه السلام: عَلَيْكُمْ بِالسُّوَائِكِ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ وَسَوْسَةَ الصَّدْرِ. [۸۴۹]

۶۱۶. عنه علیه السلام: عَلَيْكُمْ بِالسُّوَائِكِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ. [۸۵۰]

۶۱۷. الإمام الصادق علیه السلام: السُّوَائِكُ يَذْهَبُ بِالْذَّمَعِ، وَيَجْلُو الْبَصَرَ. [۸۵۱]

۶۱۸. الإمام الرضا علیه السلام: السُّوَائِكُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنَبِّتُ الشَّعْرَ، وَيَذْهَبُ بِالْذَّمَعِ. [۸۵۲]

۶۱۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ اسْتَاكَ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ فَقَدْ أَدَامَ سُنَّةَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ صَلَاةٍ يُصَلِّيَهَا ثَوَابَ مِائَةِ رَكَعَةٍ، وَاسْتَعْنَى عَنِ الْفَقْرِ، وَتَطْيَبَ نَكْهَتَهُ، وَزَيْدٌ فِي حِفْظِهِ، وَيَسْتَدُّ لَهُ فَهْمُهُ، وَيَمْرَأُ طَعَامُهُ، وَيَذْهَبُ أَوْجَاعُ أَضْرَاسِهِ، وَيُدْفَعُ

عَنْهُ السُّقْمُ، وَتُصَافِحُهُ الْمَلَائِكَةُ لِمَا يَرَوْنَ عَلَيْهِ مِنَ التَّوَرِّ، وَيَنْقَى أَسْنَانَهُ. [۸۵۳]



دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۳

۶۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسواک، شفای هر دردی است، مگر سام، و سام، مرگ است.

۶۱۲. امام باقر علیه السلام: مسواک زدن، بلغم را از میان می‌برد و عقل را افزون می‌سازد.

۶۱۳. امام باقر علیه السلام: مسواک زدن،... مایه دور کردن بلغم است.

۶۱۴. امام صادق علیه السلام: هر چیز را پاک‌کننده‌ای است و پاک‌کننده دهان، مسواک است.

۶۱۵. امام صادق علیه السلام: بر شما باد مسواک زدن؛ چرا که وسوسه دل را از میان می‌برد.

۶۱۶. امام صادق علیه السلام: بر شما باد مسواک زدن؛ چرا که دیده را جلا می‌دهد.

۶۱۷. امام صادق علیه السلام: مسواک زدن، اشک‌ریزش را می‌برد و دیده را جلا می‌دهد.

۶۱۸. امام رضا علیه السلام: مسواک زدن، دیده را جلا می‌بخشد، مو بر می‌رویانند و اشک‌ریزش را از میان می‌برد.

۶۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در هر روز، دو بار مسواک بزند، سنت پیامبران را استمرار بخشیده است، در برابر هر

نمازی که بخواند، خداوند، برایش پاداش صد رکعت می‌نویسد، از فقر به غنا (و بی‌نیازی) درمی‌آید، دهانش خوش بو می‌شود،

حافظه‌اش فزونی می‌یابد، فهمش استوار می‌گردد، غذایش گوارش می‌یابد، درد دندان‌هایش از میان می‌رود، بیماری از او دور

می‌گردد، و فرشتگان، به واسطه نوری که بر او می‌بینند، با او دست می‌دهند و دندان‌هایش تمیز می‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۴

۶۲۰. عنه صلی الله علیه و آله: فِي السَّوَاكِ اثْنَا عَشْرَةَ خَصْلَةً: مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ، وَ مَرْضَاءٌ لِلرَّبِّ، وَ مَبْيُضُّ الْأَسْنَانَ، وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، وَ يُقَلِّدُ

الْبَلْغَمَ، وَ يُشَدِّهُ الطَّعَامَ، وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ، وَ تُصَابُ بِهِ السُّنَّةُ، وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَ هُوَ يَمُرُّ بِطَرِيقَةِ الْقُرْآنِ، وَ رَكَعَتَيْنِ

بِسَوَاكِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً بغيرِ سَوَاكِ. [۸۵۴]

۶۲۱. عنه صلی الله علیه و آله: فِي السَّوَاكِ عَشْرُ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ الْفَمَ، وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَ يَذْهَبُ الْبَلْغَمَ، وَ يَجْلُو الْبَصِيرَ، وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، وَ

يُصَلِّحُ الْمَعْدَةَ، وَ يُوَفِّقُ السُّنَّةَ، وَ يُفَرِّحُ الْمَلَائِكَةَ، وَ يُرْضِي الرَّبَّ، وَ يَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ. [۸۵۵]

۶۲۲. الإمام الصادق علیه السلام: فِي السَّوَاكِ اثْنَا عَشْرَةَ خَصْلَةً: هُوَ مِنَ السُّنَّةِ، وَ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ، وَ مَجْلَاءٌ لِلْبَصِيرِ، وَ يُرْضِي الرَّبَّ، وَ يَذْهَبُ

بِالْبَلْغَمِ، وَ يَزِيدُ فِي الْحِفْظِ، وَ مَبْيُضُّ الْأَسْنَانَ، وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ، وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَ يُشَدِّدُ الطَّعَامَ، وَ تَفْرَحُ بِهِ

الْمَلَائِكَةُ. [۸۵۶]

۶۲۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: الطَّهَارَاتُ أَرْبَعٌ: قَصُّ الشَّارِبِ، وَ حَلْقُ الْعَانَةِ، وَ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ، وَ السَّوَاكِ. [۸۵۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۵

۶۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در مسواک زدن، دوازده ویژگی است: مایه پاک‌کننده دهان است؛ سبب خشنودی پروردگار است؛

دندان‌ها را سفید می‌کند؛ جرم دندان را از میان می‌برد؛ بلغم را می‌کاهد؛ غذا را مطبوع می‌سازد؛ حسنات را دو چندان می‌کند؛ به

واسطه آن، سنت انجام می‌گیرد؛ فرشتگان بدین وسیله حضور می‌یابند؛ لثه را تقویت می‌کند؛ بر گذرگاه قرآن می‌گذرد و نزد

خداوند، هر دو رکعت نماز با مسواک، دوست داشتنی‌تر از هفتاد رکعت بی‌مسواک است.

۶۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در مسواک زدن، ده ویژگی است: دهان را خوش بو می‌کند؛ لثه را استحکام می‌بخشد؛ بلغم را

می‌برد؛ دیده را جلا می‌دهد؛ جرم دندان را از میان می‌برد؛ معده را سامان می‌بخشد؛ با سنت سازگار است؛ فرشتگان را شاد

می‌کند؛ پروردگار را خرسند می‌سازد؛ و بر حسنات، می‌افزاید.

۶۲۲. امام صادق علیه السلام: در مسواک زدن، دوازده ویژگی است: از سنت است؛ مایه پاکیزگی دهان است؛ مایه جلای دیدگان

است؛ پروردگار را خشنود می‌کند؛ بلغم را می‌برد؛ حافظه را افزون می‌سازد؛ دندان‌ها را سفید می‌کند؛ حسنات را دو چندان

می‌کند؛ جرم دندان را می‌برد؛ لثه را استحکام می‌دهد؛ غذا را مطبوع می‌سازد؛ و فرشتگان، بدان شاد می‌شوند.

۶۲۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پاکیزگی‌ها، چهار چیز است: کوتاه کردن سیبل، تراشیدن موی زهار، گرفتن ناخن‌ها، و مسواک زدن.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۶

۶۲۴. الإمام علی علیه السلام: ثَلَاثٌ يُذْهِبْنَ الْبَلْغَمَ وَيَزِدْنَ فِي الْحِفْظِ: السُّوَاكُ، وَالصَّوْمُ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ. [۸۵۸]

۶۲۵. الإمام الصادق علیه السلام: ثَلَاثٌ يُذْهِبْنَ النَّسِيَانَ وَيُحْدِثْنَ الذُّكْرَ: قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، وَالسُّوَاكُ، وَالصَّيَامُ. [۸۵۹]

د آداب الاستیباک

۶۲۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: اَكْتَحِلُوا وَتَرَاءُ، وَاسْتَاكُوا عَرْضًا. [۸۶۰]

۶۲۷. عنه صلی الله علیه و آله: اسْتَاكُوا عَرْضًا، وَلَا تَسْتَاكُوا طَوَّلًا. [۸۶۱]

۶۲۸. مسند ابن حنبل عن أبي موسى: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَسْتَاكُ، وَهُوَ وَاضِعٌ طَرْفَ السُّوَاكِ عَلَى لِسَانِهِ يَسْتَنُّ إِلَى فَوْقِ. [۸۶۲]

۶۲۹. السنن الكبرى، عن ربيعة بن أكتثم: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْتَاكُ عَرْضًا. [۸۶۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۷

۶۲۴. امام علی علیه السلام: سه چیز، بلغم را از میان می‌برد و حافظه را افزون می‌کند: مسواک زدن، روزه گرفتن و قرائت قرآن.

۶۲۵. امام صادق علیه السلام: سه چیز، فراموشی را از میان می‌برد و حافظه به بار می‌آورد [۸۶۴]: قرائت قرآن، مسواک زدن و روزه گرفتن.

## د آداب مسواک زدن

۶۲۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به شمار دفعات فرد (یک روز در میان) سرمه بکشید و به عرض، مسواک بنزید.

۶۲۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به عرض، مسواک بنزید و به سمت طول [دهان، مسواک بنزید.

۶۲۸. مسند ابن حنبل به نقل از ابو موسی: بر پیامبر خدا وارد شدم، در حالی که مسواک می‌زد و سر مسواک را روی زبان، گذاشته بود و به سمت بالا، مسواک می‌کشید.

۶۲۹. السنن الكبرى به نقل از ربيعة بن أكتثم: پیامبر خدا، به عرض، مسواک می‌زد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۸

۶۳۰. الكافي عن علي بن محمد رفعه: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْتَاكُ عَرْضًا. [۸۶۵]

۶۳۱. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ اسْتَاكَ فَلَيْتَمَّ مَضَمَّصًا. [۸۶۶]

ه ما يَتَّبِعِي أَنْ يُسْتَاكَ بِهِ

۶۳۲. مكارم الأخلاق: كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... يَسْتَاكُ بِالْأَرَاكِ، أَمْرَهُ بِذَلِكَ جَبْرئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. [۸۶۷]

۶۳۳. المعجم الكبير عن أبي خيرة الصّباحي: كُنْتُ فِي الْوَفْدِ الَّذِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... ثُمَّ أَمَرَ لَنَا بِأَرَاكِ، فَقَالَ: اسْتَاكُوا بِهَذَا. [۸۶۸]

۶۳۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: نِعَمَ السُّوَاكُ الزَّيْتُونُ مِنْ شَجَرَةِ مَبَارَكَةٍ، يُطَيِّبُ النَّفْسَ، وَيَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، هُوَ سِوَاكِي وَسِوَاكُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي. [۸۶۹]

۶۳۵. الإمام الرضا علیه السلام: إِنَّ أَجْوَدَ مَا اسْتَكْتَبَ بِهِ لَيْفُ الْأَرَاكِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْأَسْنَانَ وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيَشُدُّ اللَّثَّةَ وَيُسَنِّنُهَا، وَهُوَ نَافِعٌ

مِنَ الْحَفْرِ إِذَا كَانَ بِاعْتِدَالٍ.

وَ الْإِكْتَارُ مِنْهُ يُرِقُّ الْأَسْنَانَ وَ يُزَعِزُّهَا، وَ يُضَعِّفُ أَصُولَهَا فَمَنْ أَرَادَ حِفْظَ الْأَسْنَانِ فَلْيَأْخُذْ قَرْنَ الْإِئِيلِ مُحَرِّقًا وَ كَزْمَازِجًا وَ سُعْدًا وَ وَرْدًا وَ سُبُلَ الطَّيْبِ وَ حَبَّ الْأَثَلِ أَجْزَاءً سَوَاءً وَ مِلْحًا أَنْدَرَانِيًّا رُبْعَ جُزْءٍ، فَيَدُقُّ الْجَمِيعَ نَاعِمًا وَ يَسْتَنْ بِهٖ؛ فَإِنَّهُ يُمْسِكُ الْأَسْنَانَ وَ يَحْفَظُ أَصُولَهَا مِنَ الْآفَاتِ الْعَارِضَةِ. وَ مَنْ

أَرَادَ أَنْ يُبَيِّضَ أَسْنَانَهُ فَلْيَأْخُذْ جُزْءًا مِنْ مِلْحِ أَنْدَرَانِيٍّ وَ مِثْلَهُ زَبَدَ الْبَحْرِ، فَيَسْحَقُهُمَا نَاعِمًا وَ يَسْتَنْ بِهٖ. [۸۷۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۹

۶۳۰. الکافی به نقل از علی بن محمد در حدیثی مرفوع: امیر مؤمنان، به عرض، مسواک می‌زد.

۶۳۱. امام صادق علیه السلام: هر کس مسواک می‌زند، پس از آن، دهان را شستشو دهد.

### ه آنچه مسواک زدن با آن شایسته است

۶۳۲. مکارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله، به چوب اراک، مسواک می‌زد. جبرئیل، او را بدین کار، امر کرده بود.

۶۳۳. المعجم الكبير به نقل از ابو خیره صباحی: من همراه با هیئتی به حضور پیامبر خدا رسیده بودم... ایشان، دستور داد چوب اراکی برای ما آوردند و فرمود: «با این، مسواک بزنید».

۶۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه نیکو مسواکی است زیتون! از درختی خجسته که دهان را خوش بو می‌کند و جرم دندان را از میان می‌برد. این، مسواک من و پیامبران پیش از من است.

۶۳۵. امام رضا علیه السلام: مرغوب‌ترین چیزی که با آن مسواک می‌زنید، تارچه اراک است؛ چرا که چنانچه به اندازه باشد، دندان‌ها را جلا می‌دهد، بوی دهان را خوش می‌سازد، لثه را تقویت می‌کند و مالش می‌دهد و در برابر پوسیدگی، مفید است. اما انجام فراوان‌تر از اندازه آن، دندان‌ها را نازک و لثه می‌کند و بُنِ آن را نیز سست می‌کند.

هر کس می‌خواهد که دندان‌های خویش را حفظ کند، اندازه‌هایی برابر از سوخته شاخ بُزِ نَرِ کوهی، گزمازک، [۸۷۱] مُشکک [۸۷۲] گُل، سنبل رومی، [۸۷۳] حَبِّ الْأَثَلِ (احتمالاً نوعی دیگر از گزمازک) و به یک چهارم این مقدار، نمک اندرانی [۸۷۴] بردارد و همه را نرم آرد کند و با این مخلوط، مسواک بزند؛ چرا که این مسواک، دندان‌ها را محکم می‌سازد و از بُنِ دندان‌ها در برابر آفت‌هایی که بر آنها عارض می‌شود، حفاظت می‌کند.

هر کس هم می‌خواهد دندان‌هایش سفید شود، قدری نمک اندرانی، و به همان اندازه کف دریا، بردارد و نرم بساید و با آن، مسواک بزند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۰

۶۳۶. دعائم الإسلام: إِنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَهَى عَنِ السُّوَاكِ بِالْقَصَبِ، وَ الرَّيْحَانِ، وَ قَالَ: إِنَّ ذَلِكَ يُحَرِّكُ عِرْقَ الْجُدَامِ. [۸۷۵]

و سِيرَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي اسْتِعْمَالِ السُّوَاكِ

۶۳۷. المعجم الكبير عن زيد بن خالد الجهنّي: مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَخْرُجُ مِنْ شَيْءٍ لَشَيْءٍ مِنَ الصَّلَوَاتِ حَتَّى يَسْتَاك. [۸۷۶]

۶۳۸. مکارم الأخلاق: كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَسْتَاكُ كُلَّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: مَرَّةً قَبْلَ نَوْمِهِ، وَ مَرَّةً إِذَا قَامَ مِنْ نَوْمِهِ إِلَى وَرْدِهِ، وَ مَرَّةً قَبْلَ خُرُوجِهِ إِلَى صَلَاةِ الصُّبْحِ. [۸۷۷]

۶۳۹. کتاب من لا- يحضره الفقيه: رَوَى مُعَمَّرُ بْنُ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ وَ هُوَ بِخُرَاسَانَ إِذَا صَلَّى الْفَجْرَ

جَلَسَ فِي مَصَلَّاهُ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ يُؤْتَى بِخَرِيطَةٍ فِيهَا مَسَاوِيكَ فَيَسْتَاكُ بِهَا وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، ثُمَّ يُؤْتَى بِكَنْدُرٍ فَيَمْضُغُهُ، ثُمَّ يَدْعُ ذَلِكَ فَيُؤْتَى بِالْمُصْحَفِ فَيَقْرَأُ فِيهِ. [۸۷۸]

۶۴۰. کتاب من لا يحضره الفقيه: تَرَكَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ السَّوَاكَ قَبْلَ أَنْ يُقْبِضَ بَسْتَيْنِ؛ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَسْنَانَهُ ضَعْفَتْ. [۸۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۱

۶۳۶. دعائم الإسلام: پیامبر صلی الله علیه و آله، از مسواک زدن با نی، [ساقه ریحان و انار، نهی کرد و فرمود: «این چیزها، رگِ جذام را فعال می کنند».

### و سیره اهل بیت در استفاده از مسواک

۶۳۷. المعجم الكبير به نقل از زید بن خالد جُهَنِي: پیامبر خدا، از هیچ نمازی به نماز دیگر در نمی آمد، مگر آن که [در این فاصله مسواک می زد.

۶۳۸. مکارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله، هر شب سه بار مسواک می زد: یک بار پیش از خفتن، یک بار هنگامی که از خواب بر می خاست و آهنگ نیایش شبانه داشت، و یک بار هم پیش از آن که روانه نماز صبح شود.

۶۳۹. کتاب من لا- يحضره الفقيه: معمر بن خلّاد، درباره امام رضا علیه السلام روایت کرده و گفته است: او، در روزگاری که در خراسان بود، پس از گزاردن نماز صبح تا طلوع خورشید، در جای نماز خویش می نشست. سپس خلیطه‌ای را که در آن چند مسواک بود، می آوردند و او با آنها، یک به یک، مسواک می زد. سپس، قدری کُنْدَرِ می آوردند و آن را می جوید. آن گاه، این کار را او می گذاشت و نزد وی قرآنی می آوردند و از آن، می خواند.

۶۴۰. کتاب من لا يحضره الفقيه: امام صادق علیه السلام، دو سال پیش از وفات، مسواک زدن را و نهاد؛ چرا که دندان هایش سست شده بود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۲

زُ أَدْنَى السَّوَاكِ

۶۴۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْأَصَابِعُ تَجْرِي مَجْرَى السَّوَاكِ، إِذْ لَمْ يَكُنْ سِوَاكًا. [۸۸۰]

۶۴۲. عنه صلی الله علیه و آله: تَجْرِي مِنَ السَّوَاكِ الْأَصَابِعُ. [۸۸۱]

۶۴۳. الإمام الباقر علیه السلام: أَدْنَى السَّوَاكِ أَنْ تَدُلَّكَ بِإِصْبَعِكَ. [۸۸۲]

۴۲ / ۶

مَا يُطَيَّبُ الْفَمَ

أُ الزَّيْبُ

۶۴۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: نِعَمَ الطَّعَامِ الزَّيْبُ؛ يُشْدُّ الْعَصَبَ، وَ يَذْهَبُ بِالْوَصْبِ، وَ يُطْفِئُ الْغَضَبَ، وَ يُرْضِي الرَّبَّ، وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَ يُطَيَّبُ النَّكْهَةَ، وَ يُصْفِي اللَّوْنَ. [۸۸۳]

بُ الْجِبْنُ

۶۴۵. الإمام الصادق علیه السلام: نِعَمَ اللَّقْمَةِ الْجِبْنُ؛ تُعَذِّبُ الْفَمَ، وَ تُطَيَّبُ النَّكْهَةَ، وَ تَهْضِمُ مَا قَبْلَهُ، وَ تُشْهِى الطَّعَامَ. [۸۸۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۳

### ز حَدْ أَقْلِ مَسْوَاكٍ

۶۴۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر مسواکی نباشد، انگشتان نیز در حکم مسواک اند.
۶۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انگشتان هم به جای مسواک، بسنده اند.
۶۴۳. امام باقر علیه السلام: کمترین مسواک، آن است که با انگشت خویش، مالش دهی.

## ۶/۲ آنچه دهان را خوش بو می کند

### الف مویز

۶۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مویز، چه نیکو خوراکی است! پی را استحکام می بخشد، بیماری را از میان می برد، خشم را فرو می نشاند، پروردگار را خشنود می سازد، بلغم را می برد، بوی دهان را خوش می سازد و رنگ را صفا می دهد.

### ب پنیر

۶۴۵. امام صادق علیه السلام: چه نیکو لقمه ای است پنیر! دهان را تر و تازه می کند، بوی دهان را خوش می سازد، غذای پیشین را هضم می کند و غذا را مطبوع می سازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۴

### ج البصل

۶۴۶. الکافی عن عبد الله بن محمد الجعفی: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَصْلَ، فَقَالَ:

يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ. [۸۸۵]

### د الحوك

۶۴۷. الإمام الصادق عليه السلام: الحوك بقله الأنبياء أما إن فيه ثمان خصال: يمرئ، ويفتح السدد، ويطيب الجشاء، ويطيب النكهة، ويشهي الطعام... [۸۸۶]

۶۴۸. الکافی عن أيوب بن نوح: حَدَّثَنِي مَنْ حَضَرَ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَائِدَةَ فَدَعَا بِالْبَازِرُوجِ وَقَالَ: إِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسْتَفْتِحَ بِهِ الطَّعَامَ؛ فَإِنَّهُ يَفْتَحُ السُّدَدَ، وَيُشْهِئُ الطَّعَامَ... اخْتِمَ طَعَامَكَ بِهِ؛ فَإِنَّهُ يُمَرِّئُ مَا قَبْلُ كَمَا يُشْهِئُ مَا بَعْدُ، وَيَذْهَبُ بِالثَّقَلِ، وَيُطَيِّبُ الْجِشَاءَ وَ النَّكْهَةَ. [۸۸۷]

راجع: ص ۱۹۶ (البازرودج [الحوك]).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۵

### ج پیاز

۶۴۶. الکافی به نقل از عبد الله بن محمد جعفی: امام صادق علیه السلام، از پیاز یاد کرد و فرمود: «بوی دهان را خوش می سازد، بلغم را می برد و بر توان آمیزش می افزاید».

### د حوک

۶۴۷. امام صادق علیه السلام: حَوْكُكُ (بازرودج)، سبزی پیامبران است. بدانید که در آن، هشت ویژگی است: هضم کننده است؛

گرفتگی‌های عروق و مجاری را می‌گشاید؛ آروغ را خوش بو می‌سازد؛ دهان را بوی خوش می‌بخشد؛ اشتها آور است... [۸۸۸].  
 ۶۴۸. الکافی به نقل از ایوب بن نوح: یکی از کسانی که با ابو الحسن اول (امام کاظم علیه السلام) بر سر سفره‌ای حضور یافته بود،  
 برایم نقل کرد که ایشان، بادروج خواست و فرمود: «دوست دارم غذا را با آن آغاز کنم. انسدادها را باز می‌کند، غذا را  
 دوست داشتنی می‌سازد و... غذای خویش را با آن، پایان ده؛ زیرا آنچه را پیش تر بوده، گوارش می‌دهد و آنچه را پس از آن  
 خواهد بود، دوست داشتنی می‌سازد، سنگینی را از میان می‌برد و بوی آروغ و بوی دهان را خوش می‌سازد». [۸۸۹]  
 ر. ک: ص ۱۹۷ (بادروج [حوک]).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۶  
 ه الْكُرَاتُ

۶۴۹. الکافی عن فرات بن أحنف: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْكُرَاتِ فَقَالَ:  
 كُلُّهُ؛ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعٌ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ... [۸۹۰]

## و السُّعْدُ

۶۵۰. الإمام الصادق عليه السلام: اتَّخَذُوا فِي أَسْنَانِكُمْ السُّعْدَ؛ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الْفَمَ، وَ يَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ. [۸۹۱]  
 راجع: ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۶۳۵.  
 ج ۲، ص ۳۳۶، ح ۱۷۶۰ و ۱۷۶۱.  
 ز مَضْعُ اللَّبَانِ

۶۵۱. الإمام علي عليه السلام: مَضْعُ اللَّبَانِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ، وَ يَنْفِي الْبَلْغَمَ، وَ يَذْهَبُ بِرِيحِ الْفَمِ. [۸۹۲]  
 ح السَّعْتَرُ وَ الْمِلْحُ

۶۵۲. مكارم الأخلاق عن الإمام الصادق عليه السلام: أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَجْلُو الْبَصَرَ وَ يَنْفَعَنَ وَ لَا يَضُرُّنَ، فَسُئِلَ عَنْهُنَّ فَقَالَ:  
 السَّعْتَرُ وَ الْمِلْحُ إِذَا اجْتَمَعَا... يَطْرُدَانِ الرِّيَّاحَ مِنَ الْفُؤَادِ، وَ يَفْتَحَانِ السُّدَدَ،  
 وَ يُحْرِقَانِ الْبَلْغَمَ، وَ يُدْرِزَانِ الْمَاءَ، وَ يُطَيِّبَانِ النَّكْهَةَ، وَ يُلَيِّنَانِ الْمَعِدَّةَ، وَ يُذْهِبَانِ الرِّيَّاحَ الْخَبِيثَةَ مِنَ الْفَمِ، وَ يُصَلِّبَانِ الذِّكْرَ. [۸۹۳]  
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۷

## ه تَرَه

۶۴۹. الکافی به نقل از فرات بن احنف: از امام صادق علیه السلام درباره تره پرسیدند. فرمود: «بخور؛ چرا که در آن، چهار ویژگی  
 است: بوی دهان را خوش می‌سازد...». [۸۹۴]

## و مُشَكَّكٌ

۶۵۰. امام صادق علیه السلام: مُشَكَّكٌ رَا لَابَهَ لَای دَنَدَانِ هَای خَوِیْش کَنِیْد؛ چَرا کِه دِهَان رَا خَوِش بُو مِی کَنَد وَ بَر تَوَان هَمبَسْتَرِی  
 مِی اَفزَایْد.  
 ر. ک: ج ۱، ص ۳۷۹ ح ۶۳۵ ج ۲، ص ۳۳۷ ح ۱۷۶۰ و ۱۷۶۱.

۶۵۱. امام علی علیه السلام: جويدن کُندر، دندانها را استحکام می دهد، بلغم را می راند و بوی [بد] دهان را می بزد.

### ح آویشن و نمک

۶۵۲. مکارم الأخلاق: امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار چیز است که دیده را جلا می دهد و سود دارد و زیانی نمی آورد».

درباره آنها از او پرسیدند.  
فرمود: «آویشن و نمک که چون در بر هم قرار گیرند... بادها را از دل برون می رانند، انسداد را می گشایند، بلغم را می سوزانند، آب را [در بدن

به جریان در آورند، بوی دهان را خوش می سازند، معده را نرمی می دهند، بوهای بد را از دهان ببرند و آلت را سفتی می بخشند».[۸۹۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۸

### ط الكحل

۶۵۳. الإمام الصادق علیه السلام: الكحلُّ یُعذِّبُ الفمَّ.[۸۹۶]

۶۵۴. عنه علیه السلام: الكحلُّ باللیلِ یطیبُ الفمَّ، و منفعتهُ إلى أربعین صباحاً.[۸۹۷]

۶۵۵. مکارم الأخلاق عن الإمام الصادق علیه السلام: علیکم بالكحلِّ؛ فَإِنَّهُ یطیبُ الفمَّ، و علیکم بالسواک؛ فَإِنَّهُ یجلو البصرَ.

قال [الزاوی]: کيفَ هذا؟ قال: لَأَنَّهُ إِذَا استاکَ نزلَ البلغمُ فجلا البصرَ، و إِذَا اکتحلَّ ذهبَ البلغمُ فطیبَ الفمَّ.[۸۹۸]

۶۵۶. الإمام الصادق علیه السلام: الكحلُّ ینبِتُ الشعرَ، و یجففُ الدمعَ، و یُعذِّبُ الریقَ، و یجلو البصرَ.[۸۹۹]

۶۵۷. الإمام الباقر علیه السلام: الاکتحالُ بالایثمِ یطیبُ النکحَةَ، و یشدُّ أشفارَ العینِ.[۹۰۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۹

### ط. سرمه کشیدن

۶۵۳. امام صادق علیه السلام: سرمه کشیدن، دهان را تر و تازه می کند.

۶۵۴. امام صادق علیه السلام: سرمه کشیدن در هنگام شب، دهان را خوش بو می کند و منفعت آن تا چهل روز، استمرار می یابد.

۶۵۵. مکارم الأخلاق: امام صادق علیه السلام فرمود: «بر شما باد سرمه، که دهان را خوش بو می کند؛ و بر شما باد مسواک، که دیده را جلا می دهد».

[راوی پرسید: چگونه؟]

فرمود: «زیرا چون مسواک زند، بلغم فرو نشیند و در پی آن، دیده جلا یابد؛ و چون سرمه کشد، بلغم برود و دهان، خوش بو شود».

۶۵۶. امام صادق علیه السلام: سرمه، مو را می رویاند، اشک ریزش را می خشکاند، آب دهان را گوارا می سازد و دیده را جلا می دهد.

۶۵۷. امام باقر علیه السلام: سرمه کشیدن به اثمِد، بوی را خوش می سازد و مژه گاهها را استحکام می بخشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۰

### ی الخضاب

۶۵۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: نَفَقَهُ دِرْهَمٌ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَتِهِ دِرْهَمٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، إِنَّ فِيهِ أَرْبَعَ عَشْرَةَ خَصْلَةً: يَطْرُدُ الرِّيحَ مِنَ الْأَذْنَيْنِ، وَيَجْلُو الْعِشَاءَ عَنِ الْبَصَرِ، وَيُلَيِّنُ الْحَيَاشِيمَ، وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَيَذْهَبُ بِالْعَشْيَانِ، وَيُقِلُّ وَسْوَءَ الشَّيْطَانِ، وَتَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ، وَيَسْتَبَشِرُ بِهِ الْمُؤْمِنُ، وَيَغِيظُ بِهِ الْكَافِرُ، وَهُوَ زِينَةٌ، وَهُوَ طَيْبٌ، وَبَرَاءَةٌ فِي قَبْرِهِ، وَيَسْتَحْيِي مِنْهُ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ. [۹۰۱]

۶۵۹. الإمام الصادق عليه السلام: الْحِنَاءُ يَذْهَبُ بِالسَّهَكِ، وَيَزِيدُ فِي مَاءِ الْوَجْهِ، وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ. [۹۰۲]

ك الماء الفاتر

۶۶۰. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَفْطَرَ بَدَأَ بِحُلْوَاءٍ يُفْطِرُ عَلَيْهَا، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَسُكَّرَهُ أَوْ تَمْرَاتٍ، فَإِذَا أَعْوَزَ ذَلِكَ كُلَّهُ فَمَاءٌ فَاتِرٌ، وَكَانَ يَقُولُ: يُنْقَى الْمَعِدَةُ وَالْكَبِدُ، وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَالْفَمَ، وَيُقَوِّى الْأَضْرَاسَ... [۹۰۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۱

### ی خضاب کردن

۶۵۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خرج کردن یک درهم برای خضاب، برتر از خرج کردن یک درهم در راه خداست. در خضاب کردن، چهارده خاصیت است: باد (یا بو) را از گوش‌ها می‌برد، تیرگی را از چشمان می‌گیرد، دیده را جلا می‌دهد، حفره‌های بینی را نرم می‌کند، بوی دهان را خوش می‌سازد، لثه را استحکام می‌دهد، حالت غش را از [۹۰۴] بین می‌برد، از وسوسه شیطان می‌کاهد، فرشتگان از آن شادمان می‌شوند، مؤمن از آن خرسند می‌گردد، کافر از آن به خشم می‌آید، زینت است، عطر است، برائتی در قبر است، و منکر و نکیر از آن شرم می‌کنند.

۶۵۹. امام صادق علیه السلام: حنا کردن، بدبویی عرق را از میان می‌برد، بر طراوت و تازگی چهره می‌افزاید، بوی دهان را خوش می‌سازد و فرزند را نکو می‌کند.

### ک آب نیم گرم (ولرم)

۶۶۰. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا به هنگام افطار با حلوایی آغاز می‌کرد و بدان، روزه می‌گشود. اگر حلوا نمی‌یافت، با شکرینه‌ای دیگر یا چند دانه خرما، و اگر این نیز یافت نمی‌شد، با آب نیم گرم. آن گاه می‌فرمود: «معدة و جگر را پاک می‌کند، دهان را خوش بو می‌سازد و دندان‌ها را تقویت می‌کند...» [۹۰۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۲

۵۲/۶

مَا يَشُدُّ الْفَمَ وَاللِّثَّةَ

أَخْلُ الْخَمْرِ

۶۶۱. الإمام الصادق عليه السلام وَذَكَرَ عِنْدَهُ خَلُّ الْخَمْرِ فَقَالَ: إِنَّهُ لَيَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ، وَيَشُدُّ الْفَمَ. [۹۰۶]

۶۶۲. عنه عليه السلام: خَلُّ الْخَمْرِ يَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَيَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ، وَيَشُدُّ الْعَقْلَ. [۹۰۷]

۶۶۳. الإمام الكاظم عليه السلام: خَلُّ الْخَمْرِ يَشُدُّ اللَّثَّةَ. [۹۰۸]

راجع: ج ۲، ص ۳۰۲، ح ۱۶۹۳، وص ۳۰۴، ح ۱۶۹۴.

ب البصل

۶۶۴. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّوا الْبَصَلَ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَيَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَالْجِمَاعِ. [۹۰۹]



مَا يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ

أَمْضُغُ الْعِلَكِ

۶۶۵. الكافي عن محمد بن مسلم: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْضُغُ عِلَكًا، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، نَقَضَتِ الْوَسْمَةُ أَضْرَاسِي فَمَضَعْتُ هَذَا الْعِلَكَ لِأَشُدَّهَا.

قَالَ: وَكَانَتْ اسْتَرَحْتُ، فَشَدَّهَا بِالذَّهَبِ. [۹۱۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۳

### ۶/۲ آنچه دهان و لثه را استحکام می دهد

#### الف سرکه شراب

۶۶۱. امام صادق علیه السلام هنگامی که نزد ایشان از سرکه شراب یاد شد: آن، جنبندگان شکم را می کشد و دهان را استحکام می دهد.

۶۶۲. امام صادق علیه السلام: سرکه شراب، لثه را تقویت می کند، جنبندگان شکم را می کشد و عقل را نیز نیرو می بخشد. [۹۱۱]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۳۹۳

۶۶۳. امام کاظم علیه السلام: سرکه شراب، لثه را تقویت می کند.

ر. ک: ج ۲ ص ۳۰۳، (خواص سرکه، ح ۱۶۹۳ و ص ۳۰۵، ح ۱۶۹۵).

#### ب پیاز

۶۶۴. امام صادق علیه السلام: پیاز بخورید؛ چرا که سه ویژگی دارد: بوی دهان را خوش می سازد، لثه را نیرو می بخشد، و آب و توان آمیزش را افزون می کند.

### ۶/۲ آنچه دندانها را تقویت می کند

#### الف جویدن سقز

۶۶۵. الكافي به نقل از محمد بن مسلم: امام باقر علیه السلام را دیدم که سقز می جوید. او فرمود: «ای محمد! وسمه، [۹۱۲] پایه دندانهایم را سست کرده است. این سقز

را می جوم تا آنها را استحکام ببخشم».

راوی می گوید: دندانهای حضرت، سست شده بود و وی، آنها را با طلا بسته بود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۴

ب مَضُغُ اللَّبَانِ

۶۶۶. الإمام علي عليه السلام: مَضُغُ اللَّبَانِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ، وَيَنْفِي الْبَلْغَمَ، وَيَذْهَبُ بَرِيحَ الْفَمِ. [۹۱۳]

## ج التَّمشِيطُ

۶۶۷. الإمام الصادق عليه السلام: المَشْطُ لِلْحَيَّةِ يَشُدُّ الْأَصْرَاسَ. [۹۱۴]

۶۶۸. عنه عليه السلام: تَسْرِيحُ الرَّأْسِ يَقَطُّعُ الْبَلْغَمَ، وَ تَسْرِيحُ الْحَاجِّينِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ، وَ تَسْرِيحُ الْعَارِضِينَ يَشُدُّ الْأَصْرَاسَ. [۹۱۵]

د الاستيَاكُ بِبَعْضِ الْمَرْكَبَاتِ

۶۶۹. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَنْ خَالِدِ الْقَمَاطِ: أَمَلَى عَلِيٌّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ لِلْبَلْغَمِ.

قال: تَأْخُذُ إِهْلِيلِجَ أَصْفَرَ وَزْنَ مِثْقَالٍ، وَ مِثْقَالَيْنِ خَرْدَلٍ، وَ مِثْقَالَ عَاقِرِ قِرْحَا، فَتَسْحَقُهُ سَدِّحَقًا نَاعِمًا وَ تَسْتَاكُ بِهِ عَلِيُّ الرَّيْقِ؛ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْبَلْغَمَ، وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يَشُدُّ الْأَصْرَاسَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. [۹۱۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۵

## ب جَویدن کُنْدَرُ

۶۶۶. امام علی علیه السلام: جَویدن کُنْدَرُ، دندان‌ها را استحکام می‌دهد، بلغم را می‌راند و بوی [بد] دهان را می‌برد.

## ج شانه زدن

۶۶۷. امام صادق علیه السلام: شانه زدن ریش، دندان‌ها را استحکام می‌بخشد.

۶۶۸. امام صادق علیه السلام: شانه کردن موی سر، بلغم را از میان می‌برد، شانه زدن ابروها، ایمنی از جذام است و شانه زدن موی گونه‌ها، دندان‌ها را استحکام می‌دهد.

## د. مسواک زدن با برخی از ترکیب‌ها

۶۶۹. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنْ خَالِدِ قَمَاطٍ: عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَيْنَ دَارُوهَا رَا بِلِغْمٍ بِهِ مِنْ أَمَلَا كَرْدٍ وَ فَرَمُودٍ: «بِهِ وَزْنَ يَكُ مِثْقَالِ هَلِيلِجِ زَرْدٍ، دُو مِثْقَالِ خَرْدَلٍ [۹۱۷] وَ يَكُ مِثْقَالِ آكْكَرَا [۹۱۸] بِرِ مِی دَارِی وَ هَمَّه رَا نَرْمُ مِی سَايِی وَ نَاشْتَا بَا آن مَسْوَاك مِی زَنِی. بِه خَوَاسْتِ خَدَاوَنَد، بِلِغْمٍ رَا مِی زَدَايِد، بَوِی دِهَان رَا خَوْش مِی سَازَد وَ دَنْدَانِ هَا رَا اسْتِحْكَام مِی بَخْشَد.»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۶

۳ / ۶

بَعْضُ مَا يُسَبِّبُ أَمْرَاضَ الْفَمِّ وَ الْأَسْنَانِ

۶۷۰. الإمام علی علیه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ... عَنِ السَّوَاكِ فِي الْحَمَامِ. [۹۱۹]

۶۷۱. الإمام الصادق علیه السلام: إِيَّاكَ وَ السَّوَاكِ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يُوْرِثُ وَ بَاءَ الْأَسْنَانِ. [۹۲۰]

۶۷۲. الإمام الكاظم علیه السلام: السَّوَاكُ فِي الْخَلَاءِ يُوْرِثُ الْبِحْرَ. [۹۲۱]

۶۷۳. الإمام الرضا علیه السلام: شَرِبُ الْمَاءِ الْبَارِدِ عَقِيبَ الشَّيْءِ الْحَارِّ وَ عَقِيبَ الْحَلَاوَةِ؛ يَذْهَبُ بِالْأَسْنَانِ...

وَ مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَفْسُدَ أَسْنَانُهُ فَلَا يَأْكُلْ حُلُوًّا إِلَّا أَكَلَ بَعْدَهُ كَسْرَةَ خُبْزٍ [۹۲۲]. [۹۲۳]

راجع: ج ۲، ص ۴۸۶ (لحم السمك/ النهی عن الجمع بین البیض و السمك).

۴ / ۶

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ بَعْضِ أَوْجَاعِ الْفَمِّ

۶۷۴. الإمام الكاظم عليه السلام: لَوْ جَعَلَ الْفَمَ وَالِدَمَ الَّذِي يَخْرُجُ مِنَ الْأَسْنَانِ، وَالضَّرْبَانَ وَالْحُمْرَةَ الَّتِي تَقَعُ فِي الْفَمِ: تَأْخُذُ حَنْظَلَهُ رَطْبَةً قَدْ أَصْفَرَتْ فَتَجْعَلُ عَلَيْهَا قَالِبًا مِنْ طِينٍ، ثُمَّ تَتَّقُبُ رَأْسَهَا وَتُدْخِلُ سِكَينًا جَوْفَهَا فَتَحْكُ جَوَانِبَهَا بِرَفِقٍ، ثُمَّ تَصُبُّ عَلَيْهَا حَلًّا تَمْرٍ حَامِضًا شَدِيدَ الْحُمُوضَةِ، ثُمَّ تَضَعُهَا عَلَى النَّارِ فَتُعْلِيهَا عَلَيَانًا شَدِيدًا.

ثُمَّ يَأْخُذُ صَاحِبُهُ مِنْهُ كُلَّمَا احْتَمَلَ ظَفْرُهُ فَيَدْلُكُ بِهِ فِيهِ وَيَتَمَضَّضُ بِحَلٍّ، وَإِنْ أَحَبَّ أَنْ يُحَوَّلَ مَا فِي الْحَنْظَلَةِ فِي زُجَاجَةٍ أَوْ بَسْتَوْقَةٍ فَعَلْ، وَكُلَّمَا فَبِي خَلُّهُ أَعَادَ مَكَانَهُ، وَكُلَّمَا عَتَقَ كَانَ خَيْرًا لَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. [۹۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۷

### ۳ / ۶ برخی از عوامل بیماری‌های دهان و دندان

۶۷۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا از مسواک زدن در حمام، نهی فرمود.

۶۷۱. امام صادق علیه السلام: از مسواک زدن در حمام، حذر کن؛ چرا که وبای دندان‌ها را در پی می‌آورد.

۶۷۲. امام کاظم علیه السلام: مسواک زدن در آبریزگاه، بد بویی دهان را در پی می‌آورد.

۶۷۳. امام رضا علیه السلام: نوشیدن آب سرد در پی چیزهای گرم و نیز در پی شیرینی، دندان‌ها را از میان می‌برد... هر کس می‌خواهد دندان‌هایش فاسد نشود، حتماً هر گاه شیرینی می‌خورد، پس از آن؛ قطعه نانی نیز بخورد. [۹۲۵]

ر. ک: ج ۲، ص ۴۸۷ (گوشت ماهی / نهی از خوردن تخم مرغ و ماهی با همدیگر).

### ۴ / ۶ آنچه برای برخی دردهای دهان، مفید است

۶۷۴. امام کاظم علیه السلام: برای درد دهان و خونی که از لابه‌لای دندان‌ها بیرون می‌آید و نیز درمان شدت درد و سرخه‌ای که در دهان رخ می‌نماید، یک تلخک تازه که زرد شده باشد، بر می‌داری، قالبی از گِل بر آن می‌گذاری، سپس سر آن را سوراخ می‌کنی و چاقویی به درونش می‌بری و آرام، اطراف آن را از داخل می‌تراشی. آن‌گاه، قدری سرکه خرمای بسیار ترش، روی آن می‌ریزی و سپس، همه را روی آتش می‌گذاری و کاملاً می‌جوشانی.

پس از آن، به قدر گنجایش یک ناخن، از این ترکیب بر می‌دارد و دهانش را با آن مالش می‌دهد و سپس، سرکه را در دهان می‌چرخاند. اگر هم دوست داشته باشد که آنچه را درون تلخک هست، در شیشه یا روغن دانی جای دهد، می‌تواند این کار را بکند. هر گاه هم سرکه موجود در این ترکیب از میان برود، آن را جایگزین کند. هر اندازه هم این ترکیب کهنه‌تر باشد، به خواست خداوند، برای شخص بهتر است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۸

۶۷۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام عن عبد الله بن عبد الرحمن المعروف بالصفوانی: قَدْ خَرَجَتْ قَافِلَةٌ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى كِرْمَانَ، فَفَطَعَ اللَّصُوصُ عَلَيْهِمُ الطَّرِيقَ وَ أَخَذُوا مِنْهُمْ رَجُلًا أَتْهَمُوهُ بِكَثْرَةِ الْمَالِ، فَبَقِيَ فِي أَيْدِيهِمْ مُدَّةٌ يُعَذِّبُونَهُ لِيَفْتَدِيَ مِنْهُمْ نَفْسَهُ، وَ أَقَامُوهُ فِي الثَّلْجِ، وَ مَلَأُوا فَاهُ مِنْ ذَلِكَ الثَّلْجِ فَشَدَّوهُ، فَرَحِمَتْهُ امْرَأَةٌ مِنْ نِسَائِهِمْ فَأَطْلَقَتْهُ وَ هَرَبَ، فَانْفَسَدَ فَمُهُ وَ لِسَانُهُ حَتَّى لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْكَلَامِ.

ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَى خُرَاسَانَ وَ سَجَعَ بِخَبْرِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ أَنَّهُ بِنِسَابُورٍ، فَرَأَى فِيهَا يَرَى النَّائِمَ كَأَنَّ قَائِلًا يَقُولُ لَهُ: إِنَّ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَدْ وَرَدَ خُرَاسَانَ فَسَلِّهِ عَنِّي، فَرُبَّمَا يَعْلَمُكَ دَوَاءً تَنْتَفِعُ بِهِ.

قال: فَرَأَيْتُ كَأَنِّي قَدْ قَصَدْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ شَكُوتُ إِلَيْهِ مَا كُنْتُ دُفِعْتُ إِلَيْهِ [۹۲۶] وَ أَخْبَرْتُهُ بِعَلَّتِي، فَقَالَ لِي: خُذْ مِنَ الْكَمُونِ وَ السَّعْتَرِ وَ

المِلْحِ وَدُقَّةً، وَخُذْ مِنْهُ فِي فَمِّكَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا، فَإِنَّكَ تُعَافَى.

فَأَنْتَبَهَ الرَّجُلُ مِنْ مَنَامِهِ، وَ لَمْ يُفَكِّرْ فِيمَا كَانَ رَأَى فِي مَنَامِهِ وَلَا اعْتَدَّ بِهِ حَتَّى وَرَدَ بَابَ نَيْسَابُورَ، فَقِيلَ لَهُ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَدِ ارْتَحَلَ مِنْ نَيْسَابُورَ وَهُوَ بِرِبَاطِ سَعْدٍ، فَوَقَعَ فِي نَفْسِ الرَّجُلِ أَنْ يَقْضِدَهُ وَيَصِفَ لَهُ أَمْرَهُ لِيَصِفَ لَهُ مَا يَنْتَفِعُ بِهِ مِنَ الدَّوَاءِ، فَصَدَّهُ إِلَى رِبَاطِ سَعْدٍ، فَدَخَلَ إِلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ:

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، كَانَ مِنْ أَمْرِي كَيْتٌ وَكَيْتٌ، وَقَدْ انْفَسِدَ عَلَيَّ فَمِي وَ لِسَانِي، حَتَّى لَا أَقْدِرَ عَلَى الْكَلَامِ إِلَّا بِجُهْدٍ، فَعَلَّمَنِي دَوَاءً أَنْتَفِعَ بِهِ.

فَقَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَمْ أَعْلَمَكَ؟! اذْهَبْ فَاسْتَعْمِلْ مَا وَصَفْتُهُ لَكَ فِي مَنَامِكَ.

فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُعِيدَهُ عَلَيَّ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي: خُذْ مِنَ الْكُمُونِ وَالسَّعْتَرِ وَالْمِلْحِ قُدْقَةً وَخُذْ مِنْهُ فِي فَمِّكَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا، فَإِنَّكَ سَتُعَافَى.

قَالَ الرَّجُلُ: فَاسْتَعْمَلْتُ مَا وَصَفَ لِي، فَعُوفِئْتُ. [٩٢٧]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٣٩٩

٦٧٥. عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از عبد الله بن عبد الرحمن، معروف به صفوانی: کاروانی از خراسان، روانه کرمان شد. دزدان به راهزنی آنان آمدند و مردی از میان آنها را که به فراوانی ثروت وی گمان داشتند، در اختیار گرفتند. او مدتی در چنگال آنان بود و او را شکنجه می دادند تا خود را با دادن فدیهای از [دست آنان برهاند. آنها او را در میان یخ گذاردند و دهان وی را نیز از یخ، آکنده و بستند. در این هنگام، یکی از زنان همراه راهزنان، بر او دل سوزاند و او را آزاد کرد و وی نیز گریخت. اما پس از آن، دهان و زبان وی آسیبی سخت دید تا جایی که وی را توان سخن گفتن نبود.

پس از چندی به خراسان بازگشت. آنجا خبر علی بن موسی الرضا علیه السلام و این را که او در نیشابور است، شنید. پس در خواب دید که گویا کسی به وی می گوید: «پسر پیامبر خدا، وارد خراسان شده است. از او درباره بیماری ات پیرس. شاید درمانی به تو تعلیم دهد که بدان، سود بری.»

راوی می گوید: جان شخص گفت: در عالم رؤیاج دیدم که گویا آهنگ او کردم و مشکلی را که بدان گرفتار آمده بودم، نزد وی اظهار ساختم و او را از بیماری خویش، آگاهاندم و او نیز به من فرمود: «قدری زیره و آویشن و نمک، بردار و آرد کن و دو یا سه بار از آن در دهان خود نگه دار. بهبود خواهی یافت.»

مرد از خواب بیدار شد. نه در آنچه در خواب دیده بود، اندیشید و نه بدان اعتنایی کرد تا هنگامی که به دروازه نیشابور رسید. در این هنگام به او گفتند: علی بن موسی الرضا علیه السلام از نیشابور، بار سفر بسته و اکنون در رباط سعد است. در دل آن مرد، چنین افتاد که آهنگ وی کند و [بیماری خویش را برای او بیان دارد تا وی نیز دارویی سودمند برایش نسخه کند.

بدین سان، آهنگ وی در رباط سعد کرد. بر او وارد شد و به وی گفت: ای پسر پیامبر خدا! ماجرای من چنین و چنان بود و اکنون، دهان و زبانم به سختی آسیب دیده است، به گونه ای که با دشواری بسیار می توانم سخن گویم. مرا دارویی تعلیم ده تا از آن سود ببرم.

امام رضا علیه السلام فرمود: «مگر تو را تعلیم ندادم؟ برو و آنچه را در خواب برایت نسخه کردم، به کار گیر.»

آن مرد به امام علیه السلام گفت: ای پسر پیامبر خدا! اگر صلاح می دانی، آن را برایم تکرار کن.

فرمود: «قدری زیره و آویشن و نمک، بردار و آرد کن و دو یا سه بار از آن در دهان خود، نگه دار. بهبود خواهی یافت.»

آن مرد گوید: آنچه را برایم نسخه کرده بود، استفاده کردم و بهبود یافتم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٤٠٠

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ وَجَعِ الْأَسْنَانِ

۶۷۶. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: شَكَوْتُ إِلَيْهِ هَيْجَانًا فِي رَأْسِي وَأُضْرَاسِي وَضَرْبَانًا فِي عَيْنِي، حَتَّى تَوَرَّمْتُ وَجْهِي مِنْهُ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكَ بِهَذَا الْهِنْدَبَاءِ فَأَعِصِرْهُ وَخُذْ مَاءَهُ وَصُبَّ عَلَيْهِ مِنْ هَذَا الشُّكْرِ الطَّبْرَزْدِ وَأَكْثِرْ مِنْهُ؛ فَإِنَّهُ يُسَكِّنُهُ وَيُدْفَعُ ضَرَرَهُ.

قَالَ: فَانصرفتُ إِلَى مَنْزِلِي فَعَالَجْتُهُ مِنْ لَيْلَتِي قَبْلَ أَنْ أَنَامَ وَشَرِبْتُهُ وَنِمْتُ عَلَيْهِ، فَأَصْبَحْتُ وَقَدْ عُوِفْتُ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ مِنْهُ. [۹۲۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۱

## ۶ / ۵ آنچه برای درمان دندان درد سودمند است

۶۷۶. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَزِدُ إِيَّامًا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ نَارِ أَرَامِي سِرِّ وَدندان‌هایم و از دردی شدید در چشم‌هایم تا جایی که صورتم در اثر آن ورم کرده بود اظهار ناراحتی کردم.

فرمود: «بر تو باد این کاسنی. آن را بپشُر و آبش را بگیر و از این شکر طَبْرَزْد، به مقدار فراوان، بر آن بریز؛ چرا که درد را تسکین دهد و ضرر آن را دفع کند».

من به خانه خود رفتم و همان شب، پیش از آن که بخوابم، این دارو را ساختم و خوردم و بر آن خوابیدم. صبح که شد، به حمد و منت الهی بهبود یافته بودم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۲

۶۷۷. الْكَافِي عَنْ حَمْزَةَ بْنِ الطَّيَّارِ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَأَنِي أَتَأَوُّهُ، فَقَالَ: مَا لَكَ؟ قُلْتُ: ضَرَسِي.

فَقَالَ: لَوْ احْتَجَمْتَ!

فَاحْتَجَمْتُ فَسَكَنَ، فَأَعْلَمْتُهُ.

فَقَالَ لِي: مَا تَدَاوَى النَّاسُ بِشَيْءٍ خَيْرٍ مِنْ مَصِّهِ دَمٍ، أَوْ مُزَعَةِ عَسَلٍ.

قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا الْمُزَعَةُ عَسَلٍ؟

قَالَ: لَعَقَةُ عَسَلٍ. [۹۲۹]

۶۷۸. الْكَافِي عَنْ أَبِي وَوَلَادٍ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْحِجْرِ وَهُوَ قَاعِدٌ وَمَعَهُ عِدَّةٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: ضَرَبْتُ عَلِيَّ أَسْنَانِي، فَأَخَذْتُ السُّعْدَ فَدَلَكْتُ بِهِ أَسْنَانِي، فَتَفَعَّنِي ذَلِكَ وَسَكَنَتْ عَنِّي. [۹۳۰]

۶۷۹. الْإِمَامُ الْكَاظِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ضَرَبْتُ عَلِيَّ أَسْنَانِي، فَجَعَلْتُ عَلَيْهَا السُّعْدَ. [۹۳۱]

۶۸۰. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ احْتَجَمَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لِسَبْعِ عَشْرَةَ أَوْ تِسْعِ عَشْرَةَ أَوْ لِإِحْدَى وَعِشْرِينَ مِنَ الشَّهْرِ، كَانَتْ لَهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ مِنْ أَدْوَاءِ السَّنَةِ كُلِّهَا، وَكَانَتْ لِمَا سِوَى ذَلِكَ شِفَاءً مِنْ وَجَعِ الرَّأْسِ وَالْأُضْرَاسِ وَالْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالتَّبَرَصِ. [۹۳۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۳

۶۷۷. الْكَافِي بِهِ نَقَلَ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ طَيَّارٍ: نَزِدُ إِيَّامًا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَاظِمًا عَلَيْهِ السَّلَامُ بُوَدِمَ. دِيدَ كِهْ آهْ وَ نَالِهْ مِي كِنَم. فَرَمُود: «تو را چه شده است؟».

گفتم: دندانم.

فرمود: «چه خوب بود حجامت می‌کردی!».

من نیز حجامت کردم و دردم، فرو نشست. امام علیه السلام را از این موضوع، آگاه کردم. به من فرمود: «مردم به هیچ دارویی بهتر

از یک مکش خون یا یک "مَرَّعَه" عسل، درمان نجسته‌اند».

گفتم: فدایت شوم! یک «مزرعه» عسل چیست؟

فرمود: «یک قاشق عسل».

۶۷۸. الکافی به نقل از ابو ولاد: امام کاظم علیه السلام را دیدم که در حجر اسماعیل [۹۳۳] نشسته است و شماری از خانواده وی نیز با اویند. از او شنیدم که می‌گفت: «دندان‌هایم دردی سخت گرفت. پس قدری مُشکک برداشتم و دندان‌های خویش را با آن، مالش دادم. این درمان، مرا سودمند افتاد و درد، فرو نشست».

۶۷۹. امام کاظم علیه السلام: دندان‌هایم دردی سخت گرفت. پس بر آنها مُشکک نهادم.

۶۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در روز سه‌شنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه، حجامت کند، این حجامت برای وی شفای همه دردهای سال خواهد بود و افزون بر آن، شفای سردرد، دندان‌درد، دیوانگی، جذام و پستی نیز خواهد بود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۴

۶۸۱. عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ السَّبْتِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ عَوْفِيٍّ مِنْ وَجَعِ الضَّرْسِ وَ وَجَعِ الْعَيْنِ. [۹۳۴]

۶ / ۶

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الْبَحْرِ

۶۸۲. الإمام الصادق علیه السلام: السُّوَاكُ يَجْلُو الْبَصَرَ وَ الْإِثْمُدُ يَذْهَبُ بِالْبَحْرِ. [۹۳۵]

۶۸۳. المحاسن عن محمد بن الحسن بن شَمُون: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا يَشْكُو الْبَحْرَ، فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهِ: كُلِّ التَّمْرِ الْبَرْنِيِّ.

قَالَ: وَ كَتَبَ إِلَيْهِ آخَرُ يَشْكُو بَيْسًا، فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهِ: كُلِّ التَّمْرِ الْبَرْنِيِّ عَلَى الرِّيقِ وَ اشْرَبْ عَلَيْهِ الْمَاءَ.

فَفَعَلَ فَسَمِنَ وَ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الرُّطُوبَةُ، فَكَتَبَ إِلَيْهِ يَشْكُو ذَلِكَ.

فَكَتَبَ إِلَيْهِ: كُلِّ التَّمْرِ الْبَرْنِيِّ عَلَى الرِّيقِ وَ لَا تَشْرَبْ عَلَيْهِ الْمَاءَ. فَاعْتَدَلَ. [۹۳۶]

۶۸۴. الإمام الرضا علیه السلام: التَّيْنُ يَذْهَبُ بِالْبَحْرِ، وَ يَشُدُّ الْفَمَ وَ الْعَظْمَ، وَ يُنَبِّتُ الشَّعْرَ، وَ يَذْهَبُ بِالْدَاءِ، وَ لَا يُحْتَاجُ مَعَهُ إِلَى دَوَاءٍ. [۹۳۷]

راجع: ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۱۷۲۵.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۵

۶۸۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در روز پنج‌شنبه و شنبه ناخن‌های خود را کوتاه کند و قدری از سیبیل خود بگیرد، از دندان‌درد و سردرد، در امان باشد.

## ۶ / ۶ آنچه برای درمان بوی بد دهان، سودمند است

۶۸۲. امام صادق علیه السلام: مسواک زدن، دیده را جلا می‌دهد و سرمه، بوی بد دهان را می‌برد.

۶۸۳. المحاسن به نقل از محمد بن حسن بن شَمُون: برای امام کاظم علیه السلام چنین نوشتم: یکی از شیعیان از بوی بد دهان، اظهار ناراحتی می‌کند. برای وی این گونه نوشت: «خرمای بزنی بخور».

یکی دیگر برای وی نوشت و از خشکی مزاج، اظهار ناراحتی کرد. امام علیه السلام برای وی نوشت: «ناشتا، خرمای برنی بخور و بر روی آن نیز آب بنوش».

آن شخص، چنین کرد و از آن پس، چاق شد و رطوبت بر مزاج وی غلبه یافت.

دیگر بار به امام علیه السلام نوشت و از این پیشامد، اظهار ناراحتی کرد. برای وی نوشت: «ناشتا، خرماى برنى بخور؛ اما بر روی آن آب منوش». پس اعتدال یافت.

۶۸۴. امام رضا علیه السلام: انجیر، بوی بد دهان را می‌برد، دهان و استخوان‌ها را استحکام می‌بخشد، مو بر می‌رویاند، درد را می‌برد و با وجود آن، دیگر به دارویی نیاز نیست.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۱۷ (خواص خوردن انار با پیه آن/ ح ۵/ ۱۷۲).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۶

## الفصل السابع: جهاز الهضم

۱ / ۷

### الإشارة إلى ما فيها من الحكمة

۶۸۵. الإمام الصادق عليه السلام للطبيب الهندي: كان الكبد حيداء لثقل المعده ويقع جميعها عليها، فيعصرها ليخرج ما فيها من البخر. [۹۳۸]

۶۸۶. عنه عليه السلام للمفضل بن عمر: فكر يا مفضل في أعضاء البدن أجمع، و تدبير كل منها للإرب... الفم للاغذاء، و المعده للهضم، و الكبد للتخلص، و المنافذ لتنفيذ الفضول، و الأوعية لحملها...

من جعل المعده عصبانية شديدة، و قدرها لهضم الطعام الغليظ؟

و من جعل الكبد رقيقة ناعمة، لقبول الصفو اللطيف من الغذاء، و لتهضم

و تعمل ما هو أطف من عمل المعده، إلا الله القادر؟ أ ترى الإهمال يأتي بشيء من ذلك؟ كلا، بل هو تدبير من مدبر حكيم قادر، عليم بالأشياء قبل خلقه إياها، لا يعجزه شيء و هو اللطيف الخبير...

جعل الله سبحانه المنفذ المهيأ للخلاء من الإنسان في أستر موضع منه، فلم يجعله بارزا من خلفه، ولا ناشرا من بين يديه، بل هو معيَّب في موضع غامض من البدن، مستور محجوب، يلتقى عليه الفخذان، و تحجبهُ الألتان بما عليهما من اللحم فيؤاريانه، فإذا احتاج الإنسان إلى الخلاء و جلس تلك الجلسة ألقى ذلك المنفذ منه منصفاً بما مهيئاً لانحدار الثفل، فتبارك الله من تظاهرت الآؤه و لا تُحصى نعمائهُ...!

تأمل الريق و ما فيه من المنفعة؛ فإنه جعل يجري جريانا دائما إلى الفم، ليئلل الحلق و اللهاوت فلا يجف؛ فإن هذه المواضع لو جعلت كذلك كان فيه هلاك الإنسان، ثم كان لا يستطيع أن يسيع طعاما إذا لم يكن في الفم بلة تُنفذه، تشهد بذلك المشاهدة. و اعلم أن الرطوبة مطية الغذاء. و قد تجرى من هذا البلة إلى موضع آخر من المرة، فيكون في ذلك صلاح تام للإنسان، و لو يبست المرة لهلك الإنسان...

اعلم أن في الإنسان قوتى أربعاً: قوة جاذبة تقبل الغذاء و تورده على المعده، و قوة ممسكة تحبس الطعام حتى تفعل فيه الطبيعة فعلها، و قوة هاضمة؛ و هي التي تطبخه و تستخرج صفة و تثبت في البدن، و قوة دافعة تدفعه و تحدر الثفل الفاضل بعد أخذ الهاضمة حاجتها.

تفكر في تقدير هذه القوى الأربع التي في البدن، و أفعالها و تقديرها للحاجة إليها، و الإرب فيها، و ما في ذلك من التدبير و الحكمة، و لو لا الجاذبة

كيف يتحرك الإنسان لطلب الغذاء التي بها قوام البدن؟ و لو لا الماسكة كيف كان يلبث الطعام في الجوف حتى تهضمه المعده؟ و

لَوْ لَا الْهَاضِمَةُ كَيْفَ كَانَ يَنْطَبِخُ حَتَّى يَخْلُصَ مِنْهُ الصَّفْوُ الَّذِي يَغْدُو الْبَيْدَنَ وَيَسِيدُ خِلَّةً؟ وَ لَوْ لَا الدَّافِعَةُ كَيْفَ كَانَ الثُّفْلُ الَّذِي تُخَلِّفُهُ الْهَاضِمَةُ يَنْدَفِعُ وَيَخْرُجُ أَوْلًا فَأَوْلًا؟

أَفَلَا تَرَى كَيْفَ وَكَلَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِلَطِيفِ صُنْعِهِ وَ حَسَنِ تَقْدِيرِهِ هَذِهِ الْقُوَى بِالْبَدَنِ وَ الْقِيَامِ بِمَا فِيهِ صَيِّلًا حُهُ؟ وَ سَامِئُلٌ لَكَ فِي ذَلِكَ مِثَالًا: إِنَّ الْبَيْدَنَ بِمَنْزِلَةِ دَارِ الْمَلِكِ، وَ لَهُ فِيهَا حَشَمٌ وَ صَبِيئَةٌ وَ قُوَامٌ مُوَكَّلُونَ بِالْأَدَارِ، فَوَاحِدٌ لِإِقْضَاءِ حَوَائِجِ الْحَشَمِ وَ إِبْرَادِهَا عَلَيْهِمْ، وَ آخَرٌ لِقَبْضِ مَا يَرِدُ وَ خَزَنِهِ إِلَى أَنْ يُعَالَجَ وَيُهَيَّأَ، وَ آخَرٌ لِعِلَاجِ ذَلِكَ وَ تَهْيِئَتِهِ وَ تَفْرِيقِهِ، وَ آخَرٌ لِتَنْظِيفِ مَا فِي الدَّارِ مِنَ الْأَقْدَارِ وَ إِخْرَاجِهِ مِنْهَا، فَالْمَلِكُ فِي هَذَا هُوَ الْخَلَّاقُ الْحَكِيمُ مَلِكُ الْعَالَمِينَ، وَ الدَّارُ هِيَ الْبَدَنُ، وَ الْحَشَمُ هِيَ الْأَعْضَاءُ، وَ الْقُوَامُ هِيَ هَذِهِ الْقُوَى الْأَرْبَعُ. وَ لَعَلَّكَ تَرَى ذِكْرَنَا هَذِهِ الْقُوَى الْأَرْبَعُ وَ أفعالها بَعْدَ الَّذِي وَصَفْتُمْ فَضْلًا وَ تَزَادًا، وَ لَيْسَ مَا ذَكَرْتُمْ مِنْ هَذِهِ الْقُوَى عَلَى الْجِهَةِ الَّتِي ذَكَرْتُمْ فِي كُتُبِ الْأَطِبَاءِ وَ لَا قَوْلُنَا فِيهِ كَقَوْلِهِمْ؛ لِأَنَّهُمْ ذَكَرُوا عَلَى مَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي صِنَاعَةِ الطَّبِّ وَ تَصْحِيحِ الْأَبْدَانِ، وَ ذَكَرْنَا عَلَى مَا يُحْتَاجُ فِي صَلَاحِ الدِّينِ وَ شِفَاءِ النَّفْسِ مِنَ الْعَيْ، كَالَّذِي أَوْضَحْتُهُ بِالْوَصْفِ الشَّافِي، وَ الْمَثَلِ الْمَضْرُوبِ مِنَ التَّدْبِيرِ وَ الْحِكْمَةِ فِيهَا... فَكَّرَ يَا مُفَضَّلُ فِي طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ غُرُوبِهَا لِإِقَامَةِ دَوْلَتِي النَّهَارِ وَ اللَّيْلِ... فَلَوْ لَا غُرُوبُهَا لَمْ يَكُنْ لِلنَّاسِ هَيْدَةٌ وَ لَا قَرَارٌ مَعَ عَظَمِ حَاجَتِهِمْ إِلَى الْهَيْدَةِ وَ الزَّاحَةِ، لِشُكُونِ أَبْدَانِهِمْ، وَ جُمُومِ حَوَائِجِهِمْ، وَ انْبِعَاثِ الْقُوَّةِ الْهَاضِمَةِ لِهَضْمِ الطَّعَامِ، وَ تَنْفِيذِ الْغِذَاءِ إِلَى الْأَعْضَاءِ. [٩٣٩]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٤٠٧

## فصل هفتم: دستگاه گوارش

### ٧ / ١ اشاره به حکمت نهفته در دستگاه گوارش

٦٨٥. امام صادق علیه السلام خطاب به طیب هندی: کبد، قوس دار است تا معده را سنگینی کند و به تمامی بر روی آن قرار گیرد و آن را بفشرد و در نتیجه، بخاری که در آن هست، بیرون رود.

٦٨٦. امام صادق علیه السلام خطاب به مُفَضَّلُ بن عمر: ای مُفَضَّلُ! در همه اندام‌های بدن و در این حقیقت بیندیش که چگونه هر کدام از آنها برای هدفی سامان یافته‌اند: ... دهان برای غذا خوردن، معده برای هضم کردن، جگر برای افسرده ساختن، گذرها برای برون شد پس مانده‌ها، و روده‌ها برای انتقال آنها ...

چه کسی معده را درشت و سخت قرار داده و آن را بر گوارش غذاهای دیزهضم، توانمند ساخته است؟ و چه کسی جگر را نازک و نرم قرار داده است تا غذای ناب و نرم را پذیرا شود و گوارشی که دقیق تر و حساس تر از کار معده است، انجام دهد؟ آیا به گمان تو در هیچ کدام از اینها، اهمال و به خود وا گذاشتگی پذیرفته است؟ نه، هرگز! بلکه اینها همه تدبیری است از سوی مدبری حکیم، توانا و آگاه به چیزها، پیش از این که آنها را بیافریند، هیچ چیز او را ناتوان نسازد، و همو لطیف و خبیر است...

خداوند، مخرج انسان را در پوشیده‌ترین جای بدن او قرار داده، نه پیش نشسته از جلو، و نه برجسته از عقب؛ بلکه نهفته در جایی بسته، پوشیده و پنهان از بدن؛ جایی که در آن، دو سرِ ران به هم رسند؛ و سرین‌ها با گوشتی که در آنهاست، بر آن پرده افکند و آن را پوشاند، و چون انسان را به قضای حاجت نیاز افتد و آن‌سان بنشیند، آن مخرج، برای بیرون دادن کُنْجاره، آماده می‌شود. آفرین بر خدایی که منت‌هایش پی‌درپی رسیده و نعمت‌هایش از شمار، بیرون است!...

در آب دهان و سودی که در آن است، تأمیل کن. آن، به گونه‌ای آفریده شده که پیوسته در دهان جریان داشته باشد تا حلق و ملازه‌ها را تر بردارد و نگذارد خشک شوند؛ چه، این جای‌ها اگر بدین [گونه] وا گذاشته شوند، نابودی انسان را در بردارند، افزون بر این که اگر در دهان، رطوبتی نبود که در غذاها نفوذ کند، انسان نمی‌توانست هیچ غذایی را مزه کند و گوارتر را بیابد. تجربه، بر این حقیقت، گواهی می‌دهد...



بدان که رطوبت، مرکب رَهِوارِ غذاست و قدری از این تری در جایی دیگر از مَرّه (۹۴۰) نیز جریان می‌یابد و این خود، تندرستی کامل انسان را میسر می‌سازد، در حالی که اگر مَرّه خشک شود، انسان، نابود می‌شود...

بدان که در بدن انسان، چهار نیرو وجود دارد: نیروی جذب کننده که غذا را می‌پذیرد و به معده می‌رساند؛ نیروی نگه‌دارنده که غذا را حبس می‌کند تا طبیعت، اثر خود را در آن بگذارد؛ نیروی گوارش که غذا را می‌پرورد و افشره آن را بیرون می‌کشد و در بدن می‌پراکند؛ و نیروی دفع کننده که کُنْجاره پس مانده را پس از این که نیروی گوارش کننده، نیاز خود را از آنها بر می‌گیرد، از بدن بیرون می‌راند.

در سامان یافتگی این نیروهای چهارگانه در بدن، در عملکرد آنها و به اندازه بودن آنها با نیازی که بدانها هست و هدفی که از وجودشان هست و سرانجام، در

تدبیر و حکمتی که در این همه هست، بیندیش، اگر آن نیروی جذب کننده نبود، چگونه انسان در جستجوی غذایی که مایه برپایی جسم است، به راه می‌افتاد؟ اگر نیروی نگه‌دارنده نبود، چگونه غذا در درون می‌ماند تا معده، آن را هضم کند؟ اگر نیروی گوارش نبود، چگونه غذا پخته می‌شد تا افشره‌ای که خوراک بدن را تأمین می‌کند و رخنه‌های آن را پُر می‌کند، از آن بیرون کشیده شود؟ و اگر آن نیروی دفع کننده نبود، چگونه کُنْجاره‌ای که هاضمه بر جای می‌گذارد، یک‌به‌یک، از بدن رانده و بیرون فرستاده می‌شد؟

اکنون مگر نمی‌بینی که چگونه خداوند به ضیاع دقیق خود و حُسنِ تقدیر خویش، این نیروها را به خدمت بدن انسان و انجام دادن آنچه درستی‌اش در آن است، گمارد؟ در این باره، برایت مثالی می‌آورم. جسم انسان، سرای پادشاهی را می‌ماند که در آن، خدمتگزاران، غلامان سبک‌پای و سرگماشتگانی هستند و کارِ سرای را بر عهده دارند: یکی، نیازمندی‌های خدمتگزاران را فراهم می‌آورد و در اختیارشان می‌نهد؛ یکی آنچه را آمده است، تحویل می‌گیرد و برای فرآورده شدن و آماده شدن به انبار می‌سپرد؛ دیگری آن را آماده و پرورده می‌سازد و می‌پراکند؛ و دیگری، آلودگی را از خانه می‌پالاید و بیرون می‌برد. در این جا نیز، آفریدگار حکیم و پروردگار جهان و جهانیان، همان پادشاه است. پیکر انسان، آن سرای است. خدمتگزاران، اندام‌های بدن‌اند، و سرگماشتگان نیز همان چهار نیرو هستند.

شاید گمان کنی آنچه درباره این چهار نیرو و عملکرد آنها پس از بیان کلی درباره‌شان آورده‌ام، زیادت و افزونی است؛ اما نه آنچه گفتم، بر سیاق آن چیزی است که در کتاب‌های پزشکان آمده، و نه سخن ما در این باره به‌سان سخن آنان است؛ چه، آنها این آگاهی را به عنوان چیزهایی که در فن طبابت و تندرستی بدان نیاز است، یادآور شده‌اند و ما آنها را به عنوان آنچه در درستی دین و شفای دل‌ها از گم‌راهی بدان نیاز می‌افتد، یادآور شده‌ایم؛ همانند آن تدبیر و حکمتی که در کار بدن است و آن را به توصیفی فراگیر و حکایتی آشنا، باز گفتم...

ای مفضل! در طلوع و غروب خورشید، بیندیش که جابه‌جایی روز و شب را

سامان می‌دهد...؛ چه، اگر غروب نبود، مردم آرام و قرار نداشتند، در حالی که آنان را به آرامش و راحتی، نیازی فراوان است تا بدن‌هایشان بیاساید، حواسشان جمع شود، دستگاه گوارش، به کار گوارش غذا برانگیخته گردد، و غذا به اندام‌ها راه بگشاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۲

۶۸۷. عنه علیه السلام فی حدیث: ثُمَّ أُجْرِي فِي آدَمَ النَّوْرَ وَ النَّارَ وَ الرَّيْحَ وَ الْمَاءَ، فَبِالنَّوْرِ أَبْصَرَ وَ عَقَلَ وَ فَهِمَ، وَ بِالنَّارِ أَكَلَ وَ شَرِبَ. وَ لَوْ لَا أَنَّ النَّارَ فِي الْمَعْدَةِ لَمْ تَطْحَنِ الْمَعْدَةُ، الطَّعَامَ، وَ لَوْ لَا أَنَّ الرَّيْحَ فِي جَوْفِ ابْنِ آدَمَ يَلْهَبُ نَارَ الْمَعْدَةِ لَمْ يَلْتَهَبْ، وَ لَوْ لَا أَنَّ الْمَاءَ فِي جَوْفِ ابْنِ آدَمَ يُطْفِئُ حَرَّ نَارِ الْمَعْدَةِ؛ لَأَحْرَقَتِ النَّارُ جَوْفَ ابْنِ آدَمَ. [۹۴۱]

۶۸۸. الإمام الكاظم عليه السلام: طَبَّاعُ الْجِسْمِ عَلَى أَرْبَعَةٍ: فَمِنْهَا الْهَوَاءُ الَّذِي لَا تَحْيَا النَّفْسُ إِلَّا بِهِ وَ بِنَسِيمِهِ، وَ يُخْرِجُ مَا فِي الْجِسْمِ مِنْ

داء و عُفُونَةٌ، وَ الْأَرْضُ الَّتِي قَدْ تُوَلِّدُ الْيَبْسَ وَ الْحَرَارَةَ، وَ الطَّعَامُ وَ مِنْهُ يَتَوَلَّدُ الدَّمُ. أَلَا تَرَى أَنَّهُ يَصِيرُ إِلَى الْمَعِدَةِ فَتَعَدِّيهِ حَتَّى يَلِينُ، ثُمَّ يَصْفَوُ فَتَأْخُذُ الطَّبِيعَةُ صَفْوَهُ دَمَا، ثُمَّ يَنْحَدِرُ الثُّفْلُ، وَ الْمَاءُ وَ هُوَ يُوَلِّدُ الْبَلْغَمَ. [۹۴۲]

راجع: ج ۱، ص ۳۲۴ (الإشارة إلى ما في الحنجرة من الحكمة).

۲ / ۷

صِحَّةُ جِهَازِ الْهَضْمِ

۱۲ / ۷

الْحِمِيَّةُ

۶۸۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: الْمَعِدَةُ بَيْتٌ كُلُّ دَاءٍ، وَ الْحِمِيَّةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ. [۹۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۳

۶۸۷. امام صادق علیه السلام در روایتی از ایشان: سپس در آدم، نور، آتش، باد و آب را به جریان انداخت. انسان، به نور دید و اندیشید و فهمید، و به آتش خورد و نوشید. اگر در معده آتش نبود، معده غذا را نرم نمی کرد؛ اگر در درون آدمیزاد بادی نبود که آتش معده را شعله‌ور سازد، آن آتش بر نمی افروخت؛ و اگر درون آدمی زاده، آبی نبود که زبانه‌های آتش معده را فرو نشاند، آن آتش، درون آدمی را یکسره می سوزاند.

۶۸۸. امام کاظم علیه السلام: سرشت آدم، بر چهار چیز نهاده است: یکی از آنها هواست که شخص، جز بدان و به نسیم آن، زنده نمی ماند و هر درد و عفونتی را هم که در جسم است، بیرون می راند. دیگری خاک است که ممکن است خشکی و حرارت را پدید آورد. دیگری خوراک است که خون از آن پدید می آید. مگر نمی بینی غذا به معده در می آید و آنجا، معده آن را می پرورد تا نرم و آن گاه، ناب شود و طبیعت، افشرد آن را به عنوان خون می گیرد و سپس، کُنْجَارَه به پایین بدن سرازیر می شود. و چهارم، آب است که بلغم را می سازد.

ر. ک: ج ۱، ص ۳۲۵ (اشاره به حکمت نهفته در حنجره).

## ۲ / ۷ سلامت دستگاه گوارش

### ۱۲ / ۷ پرهیز

۶۸۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: معده، خانه همه دردهاست و پرهیز، ریشه همه درمان‌ها.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۴

۶۹۰. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ الْمَعِدَةَ بَيْتُ الدَّاءِ، وَ الْحِمِيَّةُ هِيَ الدَّوَاءُ. [۹۴۴]

راجع: ج ۲، ص ۱۰ القسم الرابع / دور الأكل و الشرب في الصحة و المرض.

۲۲ / ۷

مَا يَنْفَعُ لِلْهَضْمِ

أَلِ الْخَسِّ

۶۹۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: كُلِّ الْخَسِّ؛ فَإِنَّهُ يورثُ التُّعَاسَ، وَ يَهْضِمُ الطَّعَامَ. [۹۴۵]

ب التَّمْرِ

۶۹۲. رسول الله صلى الله عليه و آله في خواص التمر البرني: إِنَّ هَذَا جَبْرَيْلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ فِيهِ تِسْعَ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يُطَيِّبُ

المَعْدَةَ، وَيَهْضِمُ الطَّعَامَ... [۹۴۶]

۶۹۳. الکافی عن ابي عمرو عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام: خَيْرُ تُمُورِكُمْ الْبَرْنِيُّ؛ يَذْهَبُ بِالذَّاءِ وَلَا دَاءَ فِيهِ، وَيَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَلَا ضَرَرَ لَهُ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَمَعَ كُلِّ تَمْرَةٍ حَسَنَةٌ.

و فی روایهٔ اُخری: یُهْنِئُ وَ یُمِرِّئُ، وَ یَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَ یُشْبِعُ. [۹۴۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۵

۶۹۰. امام صادق علیه السلام: معده، خانه درد است و پرهیز، یگانه درمان.

ر. ک: ج ۲، ص ۹ بخش چهارم/ تأثیر خوردن و آشامیدن در سلامت و بیماری.

## ۷ / ۲ آنچه برای گوارش، سودمند است

### الف کاهو

۶۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کاهو بخور، که خواب آور است و غذا را هضم می کند.

### ب خرما

۶۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره خواص خرما ی برنی: این جبرئیل است که به من خبر می دهد که در آن (خرمای برنی)،

نه ویژگی است: بوی دهان را خوش می سازد، معده را می پالاید و غذا را گوارش می دهد. [۹۴۸]

۶۹۳. الکافی به نقل از ابو عمرو، از مردی، از امام صادق علیه السلام: «بهترین خرما شما، خرما ی برنی است؛ دردها را می برد و

خود، بیماری نمی زاید، خستگی را می زداید و زیانی در بر ندارد، بلغم را از میان می برد، و با هر خرمایی خوبی ای همراه است».

در روایتی دیگر است که فرمود: « [خرما] گوارا و سبک می کند، و خستگی را می برد و سیر می کند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۶

### ج الجبن

۶۹۴. الإمام الصادق علیه السلام: الْجَبْنُ يَهْضِمُ مَا قَبْلَهُ، وَيُشْهِئُ مَا بَعْدَهُ. [۹۴۹]

راجع: ج ۲، ص ۲۶۴ (خواص الجبن).

### د السويق

۶۹۵. الإمام الصادق علیه السلام: السَّوِيقُ يَهْضِمُ الرُّؤُوسَ. [۹۵۰]

۶۹۶. مكارم الأخلاق عن علي بن سليمان: أكلنا عند الرضا عليه السلام رؤوسا فدعا بالسويق، فقلت: إني قد امتلأت.

فقال: إن قليل السويق يهضم الرؤوس وهو دواؤه. [۹۵۱]

### ه السواك

۶۹۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ اسْتَاكَ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ فَقَدْ أَدَامَ سُنَّةَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ... وَ يَمْرَأُ طَعَامُهُ. [۹۵۲]

راجع: ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۶۲۰ و ۶۲۱.

و الاستلقاء بعد الطعام

۶۹۸. الإمام الصادق علیه السلام: الاستلقاء بعد الشبع: يُسْمِنُ الْبَدَنَ، وَ يُمِرِّئُ الطَّعَامَ، وَ يَسْلُ الدَّاءَ. [۹۵۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۷

**ج پنیر**

۶۹۴. امام صادق علیه السلام: پنیر، غذاهای پیش از خود را گوارش می‌دهد و برای پس از خود، اشتها می‌آورد.  
ر. ک: ص ۲۶۵ (خواص پنیر).

**د سوی ق**

۶۹۵. امام صادق علیه السلام: سویق، [۹۵۴] کله‌پاچه را هضم می‌کند.  
۶۹۶. مکارم الأخلاق به نقل از علی بن سلیمان: نزد امام رضا علیه السلام کله‌پاچه خوردیم. پس سویق خواست. گفتم: من سیر شده‌ام. فرمود: «اندکی از سویق، کله‌پاچه را هضم می‌کند و دوی آن است».

**ه مسواک زدن**

۶۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس روزی دو بار مسواک بزند، سنت پیامبران را استمرار بخشیده است... و غذایش گوارا می‌شود.  
ر. ک: ج ۱، ص ۳۷۵ (فواید مسواک زدن/ ح ۶۲۰ و ۶۲۱).

**و به پشت دراز کشیدن پس از غذا خوردن**

۶۹۸. امام صادق علیه السلام: به پشت دراز کشیدن پس از غذا خوردن، بدن را چاق می‌کند، غذا را گوارا می‌سازد و درد را [از درون انسان بیرون می‌کند].

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۸

۶۹۹. کتاب التعریف: رَوِيَ: الاسْتِلقاءُ بَعْدَ الطَّعامِ مُمَرِّئٌ وَ يُدِرُّ العُرُوقَ، وَ النَّوْمُ بَعْدَ الطَّعامِ يَهْضِمُ وَ يُمَرِّئُ. [۹۵۵]  
۳۲/۷

ما يَدْبَغُ المَعِدَةَ وَ يُقَوِّيها

أ التُّفَّاحُ

۷۰۰. الإمام علي عليه السلام: كُلُوا التُّفَّاحَ؛ فَإِنَّهُ يَدْبَغُ المَعِدَةَ. [۹۵۶]

۷۰۱. الإمام الصادق عليه السلام: التُّفَّاحُ نَضُوحُ المَعِدَةَ. [۹۵۷]

ب الرُّمَّانُ

۷۰۲. الإمام علي عليه السلام: كُلُوا الرُّمَّانَ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ دِبَاغٌ لِلْمَعِدَةَ. [۹۵۸]

۷۰۳. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا الرُّمَّانَ المُرَّ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ دِبَاغٌ لِلْمَعِدَةَ. [۹۵۹].

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۹

۶۹۹. التعریف: روایت شده است: به پشت دراز کشیدن پس از غذا خوردن، گوارا کننده است و عروق را به جریان می‌اندازد، و خواب پس از غذا خوردن نیز غذا را هضم می‌کند و گوارا می‌سازد.

## الف سبب

۷۰۰. امام علی علیه السلام: سبب بخورید، که معده را می‌پالاید.

۷۰۱. امام صادق علیه السلام: سبب، پالاینده و خوش‌بو کننده معده است. [۹۶۰]

## ب انار

۷۰۲. امام علی علیه السلام: انار را با پیه آن بخورید؛ چرا که معده را پاک می‌کند.

۷۰۳. امام صادق علیه السلام: انار مَلَس را با پیه آن بخورید؛ چرا که معده را پاک می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۰

۷۰۴. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمَغِيرَةِ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثِقَلًا أُجِدُّهُ فِي فُؤَادِي، وَكَثْرَةَ التُّخْمَةِ مِنْ طَعَامِي.

فَقَالَ: تَنَاوَلْ مِنْ هَذَا الزُّمَيْرِ الْحُلْوِ، وَكُلَّهُ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ يَدْبَعُ الْمَعِدَةَ دَبْعًا، وَيَشْفِي التُّخْمَةَ، وَيَهْضُمُ الطَّعَامَ، وَيُسَبِّحُ [۹۶۱] فِي

الْجَوْفِ. [۹۶۲]

راجع: ج ۲، ص ۳۱۶ (خواص اكل الرمان بشحمه).

## ج الكُمثرى

۷۰۵. الإمام الصادق عليه السلام: الكُمثرى يَدْبَعُ الْمَعِدَةَ وَيَقْوِيهَا، هُوَ وَالسَّفَرَجَلُ سَوَاءٌ، وَهُوَ عَلَى الشَّبَعِ أَنْفَعُ مِنْهُ عَلَى الرَّيْقِ، وَ مَنْ

أَصَابَهُ طَخَاءٌ فَلْيَأْكُلْهُ يَعْنِي عَلَى الطَّعَامِ. [۹۶۳]

## د السَّفَرَجَلُ

۷۰۶. الإمام علي عليه السلام: أكل السَّفَرَجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ، وَ يُطَيِّبُ الْمَعِدَةَ، وَ يُذَكِّي الْفُؤَادَ، وَ يُشَجِّعُ الْجَبَانَ. [۹۶۴]

۷۰۷. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكَ بِأَكْلِ السَّفَرَجَلِ الْحُلْوِ مَعَ حَبِّهِ؛ فَإِنَّهُ يَقْوَى الضَّعْفَ،

وَ يُطَيِّبُ الْمَعِدَةَ، وَ يُزَكِّي الْمَعِدَةَ. [۹۶۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۱

۷۰۴. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ مِنْ حَارِثِ بْنِ الْمَغِيرَةِ: مِنْ سَنَاقِيهِ أَنْ يَكُونَ فِي قَلْبِهِ حَسَاسٌ مِنْ كَرْدٍ وَ مِنْ بَدِغُوَارِيٍّ وَ مِنْ سَوَاءِ هَاضِمَةٍ

كَهَاشِمَةٍ، نَزَدَ إِمَامُ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِظْهَارَ نَارِحَاتِي كَرْدَمٍ. فَرَمُودُ: «أَزِينَ أَنْارِ شِيرِينَ، مِيلَ كَنْ وَ أَنْ رَا بَا پِيه‌اش بِخُور؛ چَرا كِه

مَعِدَهُ رَا كَامَلًا پَاك مِي كَنْد، بَدِغُوَارِي رَا دَرْمَان مِي سَازد، غِذَا رَا هِضْم مِي كَنْد وَ دَر دَرُون بَدَن، تَسِيح مِي كَوِيد.» [۹۶۶]

ر. ك: ج ۲، ص ۳۱۷ (خواص خوردن انار با پیه آن).

## ج گلابی

۷۰۵. امام صادق علیه السلام: گلابی، معده را می‌پالاید و تقویت می‌کند و با پیه، همگون است. خوردنش روی غذا سودمندتر است

تا چاشت‌ناخورده. هر کس هم که احساس سنگینی می‌کند، از آن [بر روی غذا] بخورد.

## د پیه

۷۰۶. امام علی علیه السلام: خوردن به نیروی قلب ضعیف است، معده را پاک می‌سازد، دل را فراست می‌دهد و ترسو را شجاعت می‌بخشد.

۷۰۷. امام صادق علیه السلام: بر تو باد خوردن به شیرین با دانه‌هایش؛ چرا که قلب ضعیف را تقویت می‌کند، معده را می‌پالاید و معده را پاک می‌سازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۲

۷۰۸. عنه علیه السلام: السَّفْرَجْلُ يُفَرِّجُ الْمَعِدَةَ، وَيَشُدُّ الْفُؤَادَ، وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا أَكَلَ السَّفْرَجْلَ. [۹۶۷]  
ه البَطِيخُ

۷۰۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْبَطِيخِ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ: هُوَ طَعَامٌ، وَ شَرَابٌ، وَ اشْنَانٌ، وَ رِيحَانٌ، وَ يَغْسِلُ الْمَثَانَةَ، وَ يَغْسِلُ الْبَطْنَ، وَ يُكَيِّرُ مَاءَ الظَّهْرِ، وَ يَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ، وَ يَقَطِّعُ الْبُرُودَةَ، وَ يُنْقَى الْبَشْرَةَ. [۹۶۸]  
و الباقلاء

۷۱۰. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا الْبَاقِلِيَّ بِقَشْرِهِ؛ فَإِنَّهُ يَدْبُغُ الْمَعِدَةَ. [۹۶۹]  
ز الخزء

۷۱۱. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْخَزَاءَ جَيِّدٌ لِلْمَعِدَةِ بِمَاءٍ بَارِدٍ. [۹۷۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۳

۷۰۸. امام صادق علیه السلام: به، معده را گشایش می‌دهد، [۹۷۱] دل را استحکام می‌بخشد؛ و خداوند، هیچ پیامبری را برنینگیخته، مگر آن که به نیز خورده است.

## ه خربزه

۷۰۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد خوردن خربزه؛ چرا که در آن، ده ویژگی است: غذاست، آب است، شستشو دهنده است، خوش بو کننده است، [۹۷۲] مثانه را می‌شوید، شکم را می‌شوید، آب کمر را فراوان می‌سازد، بر نیروی همبستری می‌افزاید، سردی مزاج را از میان می‌برد، و پوست را تمیز می‌کند.

## و باقلا

۷۱۰. امام صادق علیه السلام: باقلا را با پوستش بخورید؛ چرا که معده را پاک می‌کند.

## ز خزا

۷۱۱. امام صادق علیه السلام: خزا [۹۷۳] به همراه آب سرد، برای معده سودمند است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۴

## ح التلبينه

۷۱۲. رسول الله صلى الله عليه وآله فى مَنْ بِهِ وَجَعٌ لَا يَطْعَمُ الطَّعَامَ: عَلَيْكُمْ بِالتَّلْبِينَةِ فَحَسَّوْهُ إِيَّاهَا، فَوَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ إِنَّهَا لَتَغْسِلُ بَطْنَ أَحَدِكُمْ، كَمَا يَغْسِلُ أَحَدُكُمْ وَجْهَهُ بِالماءِ مِنَ الوَسْخِ. [۹۷۴]

راجع: ج ۱، ص ۲۷۶ (ما يؤمن من اللقوة). ج ۲، ص ۳۳۲ (السعتر). ج ۲، ص ۴۱۴ (الغبيراء). ج ۲، ص ۴۶۲، ح ۱۹۷۰.

۷۱۳. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّ دَاءٍ مِنَ التُّخْمَةِ مَا خَلَا الْحُمَى؛ فَإِنَّهَا تَرُدُّ وَرُودًا. [۹۷۵]

۷۱۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: أَصْلُ كُلِّ دَاءٍ الْبُرْدَةُ. [۹۷۶]

### ب كَثْرَةُ الْأَكْلِ

۷۱۵. الإمام علي عليه السلام: يَا كَمِيلُ، لَا تَوْقِرَنَّ مَعِدَتَكَ طَعَامًا، وَ دَع فِيهَا لِلْمَاءِ مَوْضِعًا، وَ لِلزَّيْحِ مَجَالًا، وَلَا تَرْفَعْ يَدَكَ مِنَ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ؛ فَإِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ

فَأَنْتَ تَسْتَمِرُّهُ؛ فَإِنَّ صِحَّةَ الْجِسْمِ مِنْ قَلَّةِ الطَّعَامِ وَ قَلَّةِ الْمَاءِ. [۹۷۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۵

### ح تَلْبِينُهُ

۷۱۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله درباره کسی که به بیماری بی‌اشتهایی گرفتار آمده بود: بر شما باد [خوردن تلبینه]. [۹۷۸] آن را به وی [جرعه جرعه بخورانید، که سوگند به آن که جانم در دست اوست، شکم هر یک از شما را چونان می‌شوید که کسی با آب، چرک را از صورت خویش، فرو بشوید.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۷۷ (آنچه از کژدهانی ایمنی می‌دهد). ج ۲، ص ۳۳۳ (آویشن). ج ۲، ص ۴۱۵ (سنجد). ج ۲، ص ۴۶۳ (شفا جستن با شیر گاو/ ح ۱۹۷۰).

## ۴۲/۷ آنچه به معده زیان می‌رساند

### الف بدگواری

۷۱۳. امام صادق علیه السلام: هر دردی از بدگواری (سنگین خواری) است، مگر تب، که به خودی خود به بدن در می‌آید.

۷۱۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: سنگینی معده (برده)، [۹۷۹] ریشه هر بیماری‌ای است.

### ب پُر خوری

۷۱۵. امام علی علیه السلام: ای کمیل! مبادا معدهات را از خوراک، سنگین کنی. در آن، جایی برای آب و جایی برای باد و گذار و هنگامی که هنوز به خوردن اشتها داری، از غذا خوردن دست بکش، که اگر چنین کنی، غذا را گوارا خواهی یافت؛ چه، تندرستی، از کم خوردن و کم آشامیدن است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۶

### ج شُرْبُ الْمَاءِ بَيْنَ الطَّعَامِ

۷۱۶. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا تُؤْذِيَهُ مَعِدَتُهُ فَلَا يَشْرَبْ عَلَى طَعَامِهِ مَاءً حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهُ، وَ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ رَطَبَ يَدَيْتَهُ، وَ ضَعَفَتْ مَعِدَتُهُ، وَ لَمْ تَأْخُذِ الْعُرُوقُ قُوَّةَ الطَّعَامِ؛ لِأَنَّهُ يَصِيرُ فِي الْمَعِدَةِ فِجَا [۹۸۰] إِذَا صَبَّ الْمَاءُ عَلَى الطَّعَامِ أَوَّلًا فَأَوَّلًا. [۹۸۱]

## د شُرْبُ الْمَاءِ عِبًا

۷۱۷. رسول الله صلى الله عليه و آله: مُصُوا الْمَاءَ مَصًّا وَ لَا تَعْبُوهُ عَبًّا؛ فَإِنَّهُ يَوْجَدُ مِنْهُ الْكِبَادُ. [۹۸۲]

ه شُرْبُ الْمَاءِ الْبَارِدِ وَالْفُقَّاعِ فِي الْحَمَامِ

۷۱۸. الإمام الصادق عليه السلام: إِيَّاكَ وَ شُرْبَ الْمَاءِ الْبَارِدِ وَالْفُقَّاعِ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يُفْسِدُ الْمَعِدَةَ. [۹۸۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۷

### ج آب نوشیدن در میان خوردن غذا

۷۱۶. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد معده‌اش او را آزار ندهد، میان غذا خوردن، آب ننوشد تا آن را به پایان برساند؛ زیرا که هر کس چنین کند، رطوبت در بدنش می‌نشیند و معده‌اش ضعیف می‌شود و رگ‌ها نمی‌توانند نیروی موجود در غذا را بگیرند؛ چه، اگر پی‌درپی آب به معده ریخته شود، معده، فراخ می‌گردد.

### د یکسره سر کشیدن آب

۷۱۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: آب را به آهستگی بمکید و آن را یکباره سر مکشید؛ زیرا که از آن، بیماری جگر برمی‌خیزد.

### ه نوشیدن آب سرد و فقاع در حمام

۷۱۸. امام صادق علیه السلام: از نوشیدن آب سرد و فقاع [۹۸۴] در حمام، حذر کن؛ چرا که معده را تباه می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۸

و أَكْلُ الْقَدِيدِ

۷۱۹. الإمام الهادی علیه السلام: الْقَدِيدُ لَحْمٌ سَوِيٌّ؛ لِأَنَّهُ يَسْتَرْخِي فِي الْمَعِدَةِ، وَيُهَيِّجُ كُلَّ دَاءٍ، وَلَا يَنْفَعُ مِنْ شَيْءٍ، بَلْ يَضُرُّهُ. [۹۸۵]

ز أَكْلُ اللَّحْمِ النَّيِّ

۷۲۰. الإمام الرضا علیه السلام: أَكْلُ اللَّحْمِ النَّيِّ يورثُ الدُّوْدَ فِي الْبَطْنِ. [۹۸۶]

ح كَثْرَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ

۷۲۱. الإمام الرضا علیه السلام: كَثْرَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ وَ إِدْمَانُهُ يورثُ الطُّحَالَ، وَ رِيَاحًا فِي رَأْسِ الْمَعِدَةِ. [۹۸۷]

۳ / ۷

مَا يَنْفَعُ لِإِعْلَاجِ بَعْضِ أَوْجَاعِ الْبَطْنِ

۱۳ / ۷

الْكُمَثْرَى

۷۲۲. الإمام الصادق علیه السلام: كُلُّوا الْكُمَثْرَى؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْقَلْبَ، وَ يُسَكِّنُ أَوْجَاعَ الْجَوْفِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. [۹۸۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۹

### و خوردن گوشت نمک‌سود خشک‌شده

۷۱۹. امام هادی علیه السلام: گوشت نمک‌سود خشک‌شده، بد گوشتی است؛ زیرا در معده از هم باز می‌شود، هر بیماری‌ای را بر



می‌انگیزد، هیچ سودی در بر ندارد، و تنها، زیان می‌رساند.

### ز خوردن گوشت ناپخته

۷۲۰. امام رضا علیه السلام: خوردن گوشت ناپخته، در شکم، کرم ایجاد می‌کند.

### ح بسیار خوردن تخم‌مرغ

۷۲۱. امام رضا علیه السلام: تخم‌مرغ بسیار خوردن و مداومت بر آن، بیماری سِپَرز می‌آورد و ایجاد کننده بادهایی در سرِ معده است.

### ۳ / ۷ آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است

#### ۱۳ / ۷ گلابی

۷۲۲. امام صادق علیه السلام: گلابی بخورید، که به اذن خداوند عز و جل دل را جلا می‌دهد و دردهای درون را تسکین می‌بخشد. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۰

۲۳ / ۷

الْأَرْزُ وَالسَّمَّاقُ

۷۲۳. الکافی عن حمران: كَانَ بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعُ الْبَطْنِ، فَأَمَرَ أَنْ يُطَبِّخَ لَهُ الْأَرْزُ وَيُجْعَلَ عَلَيْهِ السَّمَّاقُ، فَأَكَلَهُ فَبَرَأَ. [۹۸۹]

۳۳ / ۷

السَّعْتَرُ

۷۲۴. الإمام الكاظم عليه السلام: كَانَ دَوَاءً أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ السَّعْتَرُ، وَكَانَ يَقُولُ: إِنَّهُ يَصِيرُ لِلْمَعْدَةِ خَمَلًا، كَخَمَلِ الْقَطِيفَةِ. [۹۹۰]

۴۳ / ۷

العَسَلُ وَالشُّونِيزُ

۷۲۵. صحيح مسلم عن أبي سعيد الخدري: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: إِنَّ أَحِيَّ اسْتَطَلَقَ بَطْنَهُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «اسْقِهِ عَسَلًا» فَسَقَاهُ، ثُمَّ جَاءَهُ فَقَالَ: إِنِّي سَقَيْتُهُ فَلَمْ يَزِدْهُ إِلَّا اسْتِطْلَاقًا. فَقَالَ لَهُ: ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

ثُمَّ جَاءَ الرَّابِعَةَ فَقَالَ: «اسْقِهِ عَسَلًا».

فَقَالَ: لَقَدْ سَقَيْتُهُ فَلَمْ يَزِدْهُ إِلَّا اسْتِطْلَاقًا.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «صَدَّقَ اللَّهُ وَكَذَّبَ بَطْنُ أَحْيِكَ» فَسَقَاهُ فَبَرَأَ. [۹۹۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۱

### ۲۳ / ۷ برنج و سماق

۷۲۳. الکافی به نقل از عمران: امام صادق علیه السلام، شکم درد داشت. فرمود برای او برنج بپزند و بر آن، سماق بیفزایند. آن گاه، آن را خورد و بهبود یافت.

### ۳۳ / ۷ آویشن

۷۲۴. امام کاظم علیه السلام: داروی امیر مؤمنان علیه السلام، آویشن [۹۹۲] بود. او می فرمود: «آویشن برای معده، پُری همانند پُری پارچه های مخمل می شود».

### ۴۳ / ۷ عسل و شونیز

۷۲۵. صحیح مسلم به نقل از ابو سعید خُدَری: مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: برادرم به اسهال مبتلا شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به او عسل بنوشان».

وی به او عسل نوشاند و دیگر بار نزد پیامبر خدا آمد و گفت: به وی خوراندم؛ اما بر اسهال وی افزود. او سه بار مراجعه کرد و همین را گفت و پیامبر خدا نیز سخن پیشین را به او فرمود. برای چهارمین بار، به حضور رسید و پیامبر خدا فرمود: «به او عسل بنوشان». گفت: به او خورانده ام؛ اما فقط بر اسهالش افزوده است. پیامبر خدا فرمود: «سخن خدایت را باور مدار و شکم برادر خویش را باور مدار». پس، آن مرد دیگر بار به او عسل خوراند و او نیز بهبود یافت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۲

۷۲۶. الإمام علی علیه السلام: إِنَّ رَجُلًا شَكَاَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَعًا يَجِدُهُ فِي جَوْفِهِ فَقَالَ: خُذْ شَرِبَةَ عَسَلٍ وَ أَلِقْ فِيهَا ثَلَاثَ حَبَاتِ شُونِيزٍ أَوْ خَمْسًا أَوْ سَبْعًا، وَ اشْرِبْهُ تَبْرَأَ يَأْذِنُ اللَّهُ. فَفَعَلَ ذَلِكَ الرَّجُلُ فَبَرَأَ. [۹۹۳]

۵۳ / ۷

### الجَوْزُ الْمَسْوِيُّ

۷۲۷. طَبَّ الْأَنْمَةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفِيِّ: شَكَاَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَغْصَا كَادَ يَقْتُلُهُ، وَ سَأَلَهُ أَنْ يَدْعُوَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ فَقَدْ أَعْيَاهُ كَثْرَةُ مَا يَتَّخِذُ لَهُ مِنَ الْأَدْوِيَةِ، وَ لَيْسَ يَنْفَعُهُ ذَلِكَ، بَلْ يَزِدَادُ عَلَيْهِ شِدَّةً. قَالَ: فَتَبَسَّمَ صَيَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَالَ: وَيْحَكَ! إِنَّ دُعَاءَنَا مِنَ اللَّهِ بِمَكَانٍ، وَ إِنِّي أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكَ بِحَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ، فَإِذَا اشْتَدَّ بِكَ الْأَمْرُ وَ التَّوَيْتَ مِنْهُ، فَخُذْ جَوْزَةً وَ اطْرَحْهَا عَلَى النَّارِ، حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهَا قَدِ اشْتَوَى مَا فِي جَوْفِهَا وَ غَيَّرَتِ النَّارُ قَشْرَهَا، كُلِّهَا [۹۹۴]؛ فَإِنَّهَا تَسْكُنُ مِنْ سَاعَتِهَا.

قَالَ: فَوَ اللَّهُ، مَا فَعَلْتُ ذَلِكَ إِلَّا مَرَّةً وَاحِدَةً فَسَكَنَ عَنِّي الْمَغْصُ يَأْذِنُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. [۹۹۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۳

۷۲۶. امام علی علیه السلام: مردی نزد پیامبر خدا از دردی که در درون خویش داشت، اظهار ناراحتی کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «شربت از عسل بردار و سه یا پنج یا هفت دانه شونیز در آن بینداز و بنوش تا به اذن خداوند عز و جل بهبود یابی». او این کار را انجام داد و بهبود یافت.

### ۵۳ / ۷ گردوی تف داده

۷۲۷. طَبُّ الْأَثْمِيَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از محمد بن ابراهیم جعفی: مردی از شکم‌دردی که چیزی نمانده بود باعث مرگش شود، به نزد علی بن موسی الرضا علیه السلام نالید و از ایشان خواست برای او در پیشگاه خداوند عز و جل دعا کند؛ چرا که دارو و درمان‌های فراوانی که به وی داده‌اند، او را به ستوه آورده است و نه فقط او را سودی نرسانده، بلکه بر شدت درد او نیز افزوده است.

امام که درود خدا بر او باد لبخند زد و فرمود: «نیک‌بخت مرد! دعای ما به درگاه خداوند، جای خود دارد و من از خداوند می‌خواهم به مدد و نیروی خود، درد تو را بکاهد، اما چون درد بر تو غلبه کرد و از آن به خود پیچیدی، گردویی بردار و بر آتش بگیر تا هنگامی که بدانی آنچه در درون آن هست، کباب شده و آتش، رنگ پوست آن را نیز دیگرگون کرده باشد. در این هنگام، آن را بخور که در دم، درد را آرام می‌کند.» [۹۹۶]

او می‌گوید: به خداوند سوگند، تنها یک بار این کار را انجام دادم و به اذن خداوند، آن شکم‌درد من، آرام شد. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۴

۶۳/۷

الْحَقْنَةُ

۷۲۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَدَاوَيْتُمْ بِهِ الْحَقْنَةَ، وَ هِيَ تُعْظَمُ الْبَطْنَ، وَ تُنْقَى دَاءَ الْجَوْفِ، وَ تُقَوِّى الْبَدْنَ. [۹۹۷]

۷۲۹. عنه صلى الله عليه وآله: لَا بَأْسَ بِالْحَقْنَةِ؛ لَوْ لَا أَنَّهَا تُعْظَمُ الْبَطْنَ. [۹۹۸]

۷۳۰. الإمام الصادق عليه السلام: الْحَقْنَةُ هِيَ مِنَ الدَّوَاءِ، وَ زَعَمُوا أَنَّهَا تُعْظَمُ الْبَطْنَ، وَ قَدْ فَعَلَهَا رِجَالٌ صَالِحُونَ. [۹۹۹]

۷۳/۷

سَوِيقُ الْأَرْزِ

۷۳۱. المحاسن عن محمد بن مروان: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بِهِ بَطْنٌ ذَرِيعٌ، فَانصَرَفْتُ مِنْ عِنْدِهِ عَشِيَّةً وَ أَنَا مِنْ أَشْفَقِ النَّاسِ عَلَيْهِ، فَأَتَيْتُهُ مِنَ الْعَدِ فَوَجَدْتُهُ قَدْ سَكَنَ مَا بِهِ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَدْ فَارَقْتُكَ عَشِيَّةً أَمْسٍ وَ بِكَ مِنَ الْعِلَّةِ مَا بِكَ؟

فَقَالَ: إِنِّي أَمَرْتُ بِشَيْءٍ مِنَ الْأَرْزِ؛ فَعُغِسِلَ وَ جُفِّفَ وَ دُقَّ، ثُمَّ اسْتَفْتَهُ فَاسْتَدَّ بَطْنِي. [۱۰۰۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۵

### ۶۳/۷ تنقیه کردن

۷۲۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بهترین درمانی که به کار می‌گیرید، تنقیه کردن است. شکم را بزرگ می‌کند، درد درون را می‌شوید و بدن را قوی می‌کند.

۷۲۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: تنقیه کردن، هیچ ایرادی ندارد، جز این که شکم را بزرگ می‌کند.

۷۳۰. امام صادق علیه السلام: تنقیه کردن، نوعی درمان است. گفته‌اند که شکم را بزرگ می‌کند، در حالی که مردان صالحی این کار را انجام داده‌اند.

### ۷۳/۷ آرد برنج

۷۳۱. المحاسن به نقل از محمد بن مروان: نزد امام صادق علیه السلام بودم. ایشان شکم‌درد (اسهال) سختی داشت. شامگاهان، در حالی که بسیار بر حال ایشان نگران بودم، از نزد وی رفتم. فردا روز، نزد ایشان بازگشتم و دیدم دردی که داشته، فرو نشسته است.

گفتم: فدایت شوم! شامگاه دیروز که از تو جدا شدم، آن چنان بیمار بودی؟!

فرمود: «گفتم قدری برنج آوردند، شستند، خشک کردند و آسیاب کردند. سپس از آن، دارویی (سفوفی) ساختم [و خوردم و شکمم، بند آمد].»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۶

۷۳۲. الکافی عن خالد بن نجیح: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَ بَطْنِي، فَقَالَ لِي: خُذِ الْأُرْزَّ فَاغْسِلْهُ، ثُمَّ جَفِّفْهُ فِي الظِّلِّ، ثُمَّ رُضِّهِ وَخُذْ مِنْهُ فِي كُلِّ غَدَاةٍ مِائَةَ رَاحَتِكَ. وَزَادَ فِيهِ إِسْحَاقُ الْجَرِيرِيُّ: تَقْلِيهِ قَلِيلًا وَزَنَ أَوْقِيَّةً وَاشْرَبْهُ. [۱۰۰۱]

۷۳۳. الإمام الصادق عليه السلام: مَرَضْتُ مَرَضًا شَدِيدًا، فَأَصَابَنِي بَطْنٌ، فَمَذَهَبَ جِسْمِي، فَأَمَرْتُ بِأُرْزٍ فَقَلِي، ثُمَّ جُعِلَ سَوِيْقًا، فَكُنْتُ آخِذُهُ، فَزَجَعَ إِلَيَّ جِسْمِي. [۱۰۰۲]

راجع: ج ۲، ص ۳۸۲ (خواص بعض انواع السويق / سويق الأرز).

۸۳/۷

خُبْزُ الْأُرْزِ

۷۳۴. الإمام الصادق عليه السلام: أَطْعَمُوا الْمَبْطُونَ خُبْزَ الْأُرْزِ، فَمَا دَخَلَ جَوْفَ الْمَبْطُونَ شَيْءٌ أَنْفَعَ مِنْهُ، أَمَا إِنَّهُ يَدْبَعُ الْمَعِدَةَ، وَيَسِيلُ الدَّاءَ سَلًّا. [۱۰۰۳]

۹۳/۷

سَوِيْقُ الْجَاوَرِسِ

۷۳۵. الکافی عن عبد الرحمن بن كثير: مَرَضْتُ بِالْمَدِينَةِ فَأَنْطَلَقَ بَطْنِي، فَوَصَفَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَوِيْقَ الْجَاوَرِسِ، وَأَمَرَنِي أَنْ أَخُذَ سَوِيْقَ الْجَاوَرِسِ وَأَشْرَبَهُ بِمَاءِ الْكَمُونِ، فَفَعَلْتُ، فَأَمْسَكَ بَطْنِي وَعَفِيتُ. [۱۰۰۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۷

۷۳۲. الکافی به نقل از خالد بن نجیح: از شکم درد، نزد امام صادق علیه السلام اظهار ناراحتی کردم. به من فرمود: «قدری برنج بگیر، آن را بشوی و در سایه، خشک کن. سپس، آن را آسیاب کن و در هر صبحگاه، به اندازه یک کف دست از آن بردار.»

اسحاق جریری بدین حدیث افزوده است: «آن را در آبی به وزن یک اوقیه [۱۰۰۵] بجوشان و آن گاه بخور.»

۷۳۳. امام صادق علیه السلام: سخت بیمار شدم و در این بیماری به شکم درد گرفتار آمدم و تنم تحلیل رفت. گفتم که قدری برنج در آب جوشاندند و از آن، آشی ساخته شد و من، از آن استفاده می کردم. پس [نیروی تنم به من بازگشت.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۸۳ (خواص برخی از انواع سويق / سويق برنج).

### ۸۳/۷ نان برنج

۷۳۴. امام صادق علیه السلام: به کسی که شکم درد دارد، نان برنج بدهید؛ چرا که هیچ چیز، سودمندتر از آن به شکم چنین بیماری در نیامده است. آن، معده را پاک می کند و درد را به کلی از بدن بیرون می کشد.

### ۹۳/۷ آرد گاوَرِسِ [۱۰۰۶]

۷۳۵. الکافی به نقل از عبد الرحمن بن كثير: در مدینه بیمار شدم و به اسهال، گرفتار آمدم. امام صادق علیه السلام، برایم آرد گاوَرِسِ نسخه کرد و مرا فرمود که

آرد گاورس بگيرم و با آب زيره بخورم. اين كار را كردم و اسهالم متوقف شد و بهبود يافتم.

دانشنامه احاديث پزشكي، ج ۱، ص: ۴۳۸

۱۰۳/۷

أَلْبَانُ الْإِبِلِ

۷۳۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: في ألبان الإبل... دواءٌ لِدَرْبِ كُم. [۱۰۰۷]

۷۳۷. عنه صلى الله عليه و آله: إنَّ في... ألبانها شفاءٌ لِلدَّرْبِ بِطُونُهُمْ. [۱۰۰۸]

۴/۷

ما يورث البواسير

۱۴/۷

طول الجلوس على الخلاء

۷۳۸. الإمام الباقر عليه السلام: طول الجلوس على الخلاء يورث الباسور. [۱۰۰۹]

۷۳۹. الإمام الرضا عليه السلام: ادخل الخلاء لحاجته الإنسان، والبث فيه بقدر ما تقضى حاجتك، ولا تطل فيه؛ فإن ذلك يورث الداء

الدفين [۱۰۱۰]. [۱۰۱۱]

دانشنامه احاديث پزشكي، ج ۱، ص: ۴۳۹

### ۱۰۳/۷ شير شتر

۷۳۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: درمان اسهال شما در شير شتر... است.

۷۳۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: در شير شتر، شفاي اسهال است.

### ۴/۷ آنچه بواسير مي آورد

### ۱۴/۷ زياد نشستن به گاه قضای حاجت

۷۳۸. امام باقر عليه السلام: زياد نشستن در آبريز گاه، بواسير مي آورد.

۷۳۹. امام رضا عليه السلام: برای قضای حاجت، به آبريز گاه برو و در آنجا به همان اندازه که قضای حاجت کنی، بمان و آن را به

درازا مکشان؛ چرا که اين کار، درد نهفته [۱۰۱۲] را در پی می آورد.

دانشنامه احاديث پزشكي، ج ۱، ص: ۴۴۰

۷۴۰. مجمع البيان: قيل: إن مولاة [مولی لقمان دخل المخرج فأطال فيه الجلوس، فناده لقمان: إن طول الجلوس على الحاجة فيجع منه

الكبد، و يورث منه الباسور، و يصعد الحرارة إلى الرأس، فأجلس هونا و قم هونا.

قال: فكتب حكمته على باب الحش. [۱۰۱۳]

۲۴/۷

الجماع حاقناً

۷۴۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: لا يُجامع أحدكم و به حقن من خلاء؛ فإنه يكون منه البواسير، ولا يُجامع أحدكم و به حقن

من بول؛ فإنه يكون النواصير. [۱۰۱۴]

## الْجَمْعُ بَيْنَ الْبَيْضِ وَالسَّمَكِ [۱۰۱۵]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۴۴۰

۷۴۲. الإمام الرضا عليه السلام: يَتَّبِعِي أَنْ تَحَذَرَ... أَنْ تَجْمَعَ فِي جَوْفِكَ الْبَيْضَ وَالسَّمَكَ فِي حَالٍ وَاحِدَةٍ؛ فَإِنَّهُمَا إِذَا اجْتَمَعَا وَلَدَا الْقَوْلَنْجَ، وَرِيَّاحَ الْبُؤَاسِيرِ، وَوَجَعَ الْأَضْرَاسِ. [۱۰۱۶]

راجع: ج ۱، ص ۴۹۴ (أسباب الأمراض الجلدية / أكل الطين).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۱

۷۴۰. مجمع البيان: گفته‌اند که خواجه لقمان، به آبریزگاه رفت و نشستن در آنجا را به درازا کشاند. لقمان، بر او چنین بانگ زد: «از نشستن زیاد به گاه قضای حاجت، جگر به درد می‌آید، بواسیر ایجاد می‌شود، و حرارت، به سر می‌رسد. سَبُكُ بَنَشِينِ وَ سَبُكُ بَرَخِيْزٍ». راوی می‌گوید: از آن پس، خواجه لقمان، این حکمت وی را بر در آبریزگاه نوشت.

## ۲۴ / ۷ همبستری در حال خودداری از قضای حاجت

۷۴۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبدا کسی در حالی که از قضای حاجت خودداری می‌ورزد، نزدیکی کند؛ چرا که این کار، بواسیر می‌آورد؛ و مبدا کسی در حالی که پیشاب خود را نگه می‌دارد، نزدیکی کند؛ چرا که این کار، ناسور می‌آورد.

## ۳۴ / ۷ با هم خوردن تخم مرغ و ماهی

۷۴۲. امام رضا علیه السلام: باید از این بپرهیزی که... تخم مرغ و ماهی را هم‌زمان در معده گردد آوری؛ چه، هر گاه این دو با یکدیگر گردد آیند، قولنج، باد بواسیر و دندان درد به وجود می‌آورند.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۹۵ (عوامل بیماری‌های پوستی / خوردن خاک).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۲

۵ / ۷

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الْبُؤَاسِيرِ

۱۵ / ۷

التَّيْنُ

۷۴۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: كُلُّوا التَّيْنَ الرَّطْبَ وَالْيَابِسَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ، وَيَقْطَعُ الْبُؤَاسِيرَ، وَيَنْفَعُ مِنَ النَّفْرِسِ وَالْإِبْرَدَةِ. [۱۰۱۷]

۲۵ / ۷

الْكُرَاتُ

۷۴۴. الكافي عن فرات بن أحمد: سَئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْكُرَاتِ، فَقَالَ: كُلُّهُ؛ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعَ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيَطْرُدُ الرِّيَّاحَ، وَيَقْطَعُ الْبُؤَاسِيرَ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ لِمَنْ أَدْمَنَ عَلَيْهِ. [۱۰۱۸]

راجع: ج ۲، ص ۴۳۸، ح ۱۹۳۳.

۷۴۵. الإمام الصادق عليه السلام: الْجَزْرُ أَمَانٌ مِنَ الْقَوْلنجِ وَ الْبَوَاسِيرِ، وَ يُعِينُ عَلَى الْجِمَاعِ. [۱۰۱۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۳

### ۷ / ۵ آنچه برای درمان بواسیر، سودمند است

#### ۷ / ۱۵ انجیر

۷۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انجیر، تازه و خشک، بخورید؛ چرا که بر قدرت همبستری می‌افزاید، بواسیر را ریشه کن می‌کند و برای درمان نقرس و سردی مزاج، سودمند است.

#### ۷ / ۲۵ تره

۷۴۴. الکافی به نقل از فرات بن احف: از امام صادق علیه السلام، درباره تره پرسیدند. فرمود: «آن را بخور؛ چرا که در آن، چهار ویژگی است: بوی دهان را خوش می‌سازد؛ بادها را [از بدن می‌راند؛ بواسیر را ریشه کن می‌کند؛ و برای کسی که بر [خوردن آن مداومت ورزد، مایه ایمنی از جذام است]». ر. ک: ج ۲، ص ۴۳۹ (خوردن تره تازه/ ح ۱۹۳۳).

#### ۷ / ۳۵ زردک

۷۴۵. امام صادق علیه السلام: زردک، مایه ایمنی از قولنج و بواسیر است و توان نزدیکی را تقویت می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۴

۷۴۶. الإمام الصادق عليه السلام: نِعَمَ الطَّعَامِ الْأَرْزُ؛ يُوسِّعُ الْأَمْعَاءَ، وَ يَقَطِّعُ الْبَوَاسِيرَ، وَ إِنَّا لَنَغِيظُ أَهْلَ الْعِرَاقِ بِأَكْلِهِمِ الْأَرْزَ وَ الْبُسْرَ؛ فَإِنَّهُمَا يُوسِّعَانِ الْأَمْعَاءَ، وَ يَقَطِّعَانِ الْبَوَاسِيرَ. [۱۰۲۰]

۷۴۷. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَأْمَنَ وَجَعَ الشَّفْلِ، وَ لَا يَضُرَّهُ شَيْءٌ مِنْ أَرْيَاحِ الْبَوَاسِيرِ [۱۰۲۱]، فَلْيَأْكُلْ سَبْعَ تَمَرَاتِ هَيْرُونَ بِسَمْنِ بَقْرٍ، وَ يُدْهَنُ انْتِيَهُ بِرَبِيقِ خَالِصٍ. [۱۰۲۲]

۷۴۸. الإمام الكاظم عليه السلام: لَا أَرَى بِأَكْلِ الْحُبَّارِي بَأْسًا؛ وَ إِنَّهُ جَيِّدٌ لِلْبَوَاسِيرِ، وَ وَجَعَ الظَّهْرِ. [۱۰۲۳]

## الْغُبِرَاءُ

۷۴۹. الإمام الصادق عليه السلام: الْغُبِرَاءُ... يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ، وَ يَدْبِغُ الْمَعِدَةَ، وَ هُوَ أَمَانٌ مِّنَ

الْبُوَاسِيرِ، وَ التَّقْتِيرِ. [۱۰۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۵

## ۴۵ / ۷ برنج

۷۴۶. امام صادق علیه السلام: برنج، خوب خوراکی است! روده‌ها را فراخ می‌کند و بواسیر را ریشه کن می‌سازد. ما بر مردم عراق، غبطه می‌خوریم که برنج و خرما خرک می‌خورند. این دو، روده‌ها را فراخ می‌کنند و بواسیر را ریشه کن می‌سازند.

## ۵۵ / ۷ خرما با روغن گاو

۷۴۷. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد از درد نشیمنگاه در امان بماند و باد بواسیر، هیچ زیانی به او نرساند، هر شب، هفت خرما می‌خورد و روغن گاو بخورد و بیضه‌های خود را با روغن زنبک خالص، چرب کند.

## ۶۵ / ۷ هوبره

۷۴۸. امام کاظم علیه السلام: در خوردن هوبره [۱۰۲۶] اشکالی نمی‌بینم. آن، برای بواسیر و درد کمر، خوب است.

## ۷۵ / ۷ سنجد

۷۴۹. امام صادق علیه السلام: سنجد... کلیه‌ها را گرم می‌کند، معده را پاک می‌سازد و مایه

ایمنی از بواسیر و تنگ‌دستی است. [۱۰۲۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۶

۸۵ / ۷

## الاستِنْجَاءُ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ

۷۵۰. الإمام الصادق عليه السلام: الاستِنْجَاءُ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ يَقَطِّعُ الْبُوَاسِيرَ. [۱۰۲۸]

۹۵ / ۷

## الاستِنْجَاءُ بِالسُّعْدِ

۷۵۱. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ اسْتَنْجَى بِالسُّعْدِ بَعْدَ الْغَائِطِ وَ غَسَلَ بِهِ فَمَهُ بَعْدَ الطَّعَامِ لَمْ تُصَبِّبْهُ عَلَّةٌ فِي فَمِهِ، وَلَا يَخَافُ شَيْئًا مِّنَ

أَرِيَاكِ الْبُوَاسِيرِ. [۱۰۲۹]

راجع: ج ۱، ص ۴۳۸، (ما یورث البواسیر). ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.

۶ / ۷

## مَا يَنْفَعُ لِأَوْجَاعِ الْكَبِدِ

۱۶ / ۷

## لَبْنُ التَّيْنِ



۷۵۲. الإمام الباقر عليه السلام في حزقيل النَّبِيِّ عليه السلام: خَرَجَتْ قَرْحُهُ عَلَى كَبِدِهِ فَأَذَتْهُ فَخَشَعَ لِلَّهِ وَتَذَلَّلَ وَقَعَدَ عَلَى الرَّمَادِ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: أَنْ خُذْ لَبَنَ التَّيْنِ فَحُكَّهُ عَلَى صَدْرِكَ مِنْ خَارِجٍ، فَفَعَلَ فَسَكَّنَ عَنْهُ ذَلِكَ. [۱۰۳۰] دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۷

### ۷/ ۸ طهارت گرفتن با آب سرد

۷۵۰. امام صادق علیه السلام: طهارت گرفتن با آب سرد، بواسیر را از میان می‌برد.

### ۷/ ۹ استنجا با مُشکک

۷۵۱. امام کاظم علیه السلام: هر کس پس از قضای حاجت، با مُشکک، آلودگی مخرج را بزدايد و پس از غذا خوردن نیز دهان خویش را با مُشکک بشوید، نه بیماری‌ای از بیماری‌های دهان به او می‌رسد و نه از باد بواسیر می‌ترسد. ر. ک: ج ۱، ص ۴۳۹ (آنچه بواسیر می‌آورد). ج ۲، ص ۳۳۳ ح ۱۷۵۶.

### ۷/ ۶ آنچه برای دردهای کبد، سودمند است

#### ۷/ ۱۶ شیر انجیر

۷۵۲. امام باقر علیه السلام درباره حزقيل عليه السلام: زخمی بر کبد او رسید و او را آزار می‌داد. وی بر درگاه خداوند، زاری و خشوع کرد و بر خاکستر نشست. پس خداوند به وی وحی فرستاد که: «شیر انجیر بردار و از بیرون، بر سینه خویش بمال». او نیز چنین کرد و آن عارضه از وی برطرف شد. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۸

#### ۷/ ۲۶ الفصد

۷۵۳. مكارم الأخلاق عن محسن الوشاء: سَدَّكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَ الْكَبِدَ، فَدَعَا بِالْفَاصِدِ فَفَصَدَّنِي مِنْ قَدَمِي، وَقَالَ: اشْرَبُوا الْكَاشِمَ لَوْجَعِ الْخَاصِرَةِ. [۱۰۳۱]

۷/ ۷

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ رِيَاكِ الْبَطْنِ

۱۷/ ۷

الْحَبَّةُ السَّوْدَاءُ

۷۵۴. طَبَّ الْأَثَمَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْجَهْمِ: شَكَا ذَرِيحُ الْمُحَارِبِيُّ قَرَاقرَ فِي بَطْنِهِ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: أ تَوْجَعُكَ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْحَبَّةِ السَّوْدَاءِ وَالْعَسَلِ لَهَا. [۱۰۳۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۹

۷۵۳. مکارم الأخلاق به نقل از محسن و شاء: نزد امام صادق علیه السلام از درد کبد، اظهار ناراحتی کردم. امام علیه السلام، رگزی را خواست و او پای مرا رگ زد. همچنین فرمود: «برای درد پهلو، آب زیره کوهی بنوشید».

### ۷/۷ آنچه برای درمان بادهای شکم، سودمند است

#### ۱۷/۷ سیاه‌دانه

۷۵۴. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از عبد الرحمن بن جَهْم: ذریح محاربی، نزد امام صادق علیه السلام، اظهار کرد که شکم وی غُرْغُر می‌کند. امام پرسید: «آیا درد هم داری؟». گفت: آری.

فرمود: «چرا برای درمان آن، از سیاه‌دانه و عسل، بهره نمی‌جویی؟».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۰

۲۷/۷

الزَّيْتُونُ

۷۵۵. الكافي عن إسحاق بن عمار أو غيره، قال: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: الزَّيْتُونُ يُهَيِّجُ الرِّيَّاحَ.

فَقَالَ: إِنَّ الزَّيْتُونَ يَطْرُدُ الرِّيَّاحَ. [۱۰۳۳]

راجع: ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.

۸/۷

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ دَوَابِّ الْبَطْنِ

۱۸/۷

خَلُّ الْخَمْرِ

۷۵۶. الإمام علي عليه السلام: كُلُوا خَلَّ الْخَمْرِ فَإِنَّهُ يَقْتُلُ الدَّيْدَانَ فِي الْبَطْنِ. [۱۰۳۴]

۷۵۷. الإمام الصادق عليه السلام: خَلُّ الْخَمْرِ يَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ. [۱۰۳۵]

۷۵۸. عنه عليه السلام: عَلَيْكَ بِخَلِّ الْخَمْرِ، فَاعْمِسْ فِيهِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى فِي جَوْفِكَ دَابَّةٌ إِلَّا قَتَلَهَا. [۱۰۳۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۱

### ۲۷/۷ زیتون

۷۵۵. الكافي به نقل از اسحاق بن عمار یا راوی دیگری: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم می‌گویند که زیتون، بادآور است. فرمود: «زیتون، بادبر است».

ر. ک: ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۷۵۶.

### ۸/۷ آنچه برای درمان گرم‌های شکم، سودمند است

**۷ / ۱۸ سرکه شراب**

۷۵۶. امام علی علیه السلام: سرکه شراب بخورید؛ چرا که کرم‌ها را در شکم می‌کشد. [۱۰۳۷]
۷۵۷. امام صادق علیه السلام: سرکه شراب، جنیندگان شکم را می‌کشد.
۷۵۸. امام صادق علیه السلام: بر تو باد [خوردن سرکه شراب؛ چرا که هر جنبنده‌ای را در درونت می‌کشد.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۲

۲۸ / ۷

**أَكَلَ التَّمْرَ عَلَى الرَّيْقِ**

۷۵۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: كُلُوا التَّمْرَ عَلَى الرَّيْقِ؛ فَإِنَّهُ يَقْتُلُ الدَّيْدَانَ فِي الْبَطْنِ. [۱۰۳۸]
۷۶۰. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَكَلَ سَبْعَ تَمْرَاتٍ عَجَوْهُ عِنْدَ مَنَامِهِ؛ قَتَلَ الدَّيْدَانَ مِنْ بَطْنِهِ. [۱۰۳۹]

۹ / ۷

**عِلَاجَاتُ أُخْرَى****أُمُحُّ الْبَيْضِ لِعِلَاجِ قَلَّةِ الْاسْتِمْرَاءِ**

۷۶۱. مكارم الأخلاق عن علي بن محمد بن أشيم: شَكَوْتُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَلَّةَ اسْتِمْرَائِي الطَّعَامَ، فَقَالَ: كُلْ مُيْحَ الْبَيْضِ، قَالَ: فَفَعَلْتُ، فَاتْتَفَعْتُ بِهِ. [۱۰۴۰]

**بِالتُّفَّاحِ لِعِلَاجِ السَّمِّ**

۷۶۲. الإمام الكاظم عليه السلام: التُّفَّاحُ يَنْفَعُ مِنْ خِصَالٍ عَدَّةٍ: مِنَ السَّمِّ، وَ السَّحْرِ، وَ اللَّمَمِ يَعْزِضُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَ الْبَلْغَمِ الْغَالِبِ، وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ مِنْهُ مَنَفَعَةً. [۱۰۴۱]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۳

**۷ / ۲۸ خرما خوردن ناشتا**

۷۵۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: ناشنا خرما بخورید؛ چرا که کرم‌های شکم را می‌کشد.
۷۶۰. امام صادق علیه السلام: هر کس به هنگام خواب، هفت خرماى عَجَوْه [۱۰۴۲] بخورد، خرماها کرم‌های شکم او را می‌کشند.

**۷ / ۹ درمان‌هایی دیگر****الف زرده تخم‌مرغ برای درمان گوارا نیافتن غذا**

۷۶۱. مكارم الأخلاق به نقل از علی بن محمد بن اشیم: نزد امام رضا علیه السلام از این شکایت کردم که کمتر غذا را گوارا می‌یابم.

فرمود: «زرده تخم‌مرغ بخور».

من این کار را انجام دادم و از آن، سود بردم.

**ب سیب برای درمان مسمومیت**

۷۶۲. امام کاظم علیه السلام: سبب، برای درمان چند چیز سودمند است: مسمومیت، سحر، جنونی که از زمینیان [۱۰۴۳] پیش می آید، و بلغمی که چیره شده باشد. هیچ چیز منفعتش سریع تر از این نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۴

### ج العِلَّاجُ بِالْمَاءِ

۷۶۳. الکافی عن أبي طيفور المتطبب: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَهَيْتُهُ عَنِ شُرْبِ الْمَاءِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا بَأْسُ بِالْمَاءِ؛ وَهُوَ يُدِيرُ الطَّعَامَ فِي الْمَعِدَةِ، وَيُسَكِّنُ الْعَضَبَ، وَيَزِيدُ فِي اللَّبِّ، وَيُطْفِئُ الْمِرَارَ. [۱۰۴۴]

۷۶۴. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَفْطَرَ بَدَأَ بِحُلْوَاءٍ يُفِطِرُ عَلَيْهَا؛ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَسُكَّرَهُ أَوْ تَمْرَاتٍ، فَإِذَا أَعْوَزَ ذَلِكَ كُلَّهُ فَمَاءٌ فَاتِرٌ. وَكَانَ يَقُولُ: يُنْقَى الْمَعِدَةُ وَالْكَبِدَ، وَيُطَيَّبُ النَّكْهَةَ وَالْفَمَ، وَيُقَوِّي الْأَضْرَاسَ، وَيُقَوِّي الْحَدَقَ وَيَجْلُو النَّيَاطِرَ، وَيَغْسِلُ الذُّنُوبَ غَسْلًا، وَيَسِيءُ كُنَّ الْعُرُوقَ الْهَائِجَةَ وَالْمِرَّةَ الْغَالِيَةَ، وَيَقْطَعُ الْبَلْغَمَ، وَيُطْفِئُ الْحَرَارَةَ عَنِ الْمَعِدَةِ، وَيَذْهَبُ بِالصَّدَاعِ. [۱۰۴۵]

۷۶۵. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: أُرُوِيَ فِي الْمَاءِ الْبَارِدِ أَنَّهُ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ، وَيُسِيءُ كُنَّ الصَّفْرَاءِ، وَيَهْضِمُ الطَّعَامَ، وَيُذِيبُ الْفُضْلَةَ الَّتِي عَلَى رَأْسِ الْمَعِدَةِ، وَيَذْهَبُ بِالْحُمَى. [۱۰۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۵

### ج آبدرمانی

۷۶۳. الکافی به نقل از ابوطیفور طیب: بر امام کاظم علیه السلام وارد شدم و او را از نوشیدن آب، باز داشتم. فرمود: «نوشیدن آب، اشکالی ندارد. آب، غذا را در معده می چرخاند، خشم را فرو می نشاند، بر هوش می افزاید و تلخه را خاموش می کند».

۷۶۴. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، به هنگام روزه گشودن، با حلوا افطار می کرد. اگر حلوا نبود، با شکرینه ای دیگر یا چند دانه خرما، و اگر آن نیز نبود، با آب خالی. می فرمود: «آب، معده و کبید را تمیز می کند، دهان را خوش بو می کند، دندانها را محکم می سازد، چشم را قدرت می دهد و دیده را جلا می بخشد، گناهان را از انسان می شوید، رگهای برآشفته و تلخه تحریک شده را فرو می نشاند، بلغم را از میان می برد، حرارت را از معده برمی دارد، و سردرد را نیز از میان می برد».

۷۶۵. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: درباره آب سرد، روایت می کنم که حرارت بدن را فرو می نشاند، صفرا را آرام می سازد، غذا را هضم می کند، پس مانده ای را که در سر معده هست، ذوب می سازد و تب را از میان می برد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۶

### د العِلَّاجُ بِالتَّقْيِئِ اخْتِيَارًا

۷۶۶. الإمام الباقر عليه السلام: مَنِ تَقَيَّأَ قَبْلَ أَنْ يَتَقَيَّأَ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ سَبْعِينَ دَوَاءً، وَيُخْرِجُ الْقَيْءَ عَنِ هَذَا السَّبِيلِ كُلِّ دَاءٍ وَعَلَّةٍ [۱۰۴۷]. [۱۰۴۸]

۱۰ / ۷

مَا يَنْفَعُ لِعِلَّاجِ انْسِدَادِ الشَّهِيَّةِ

أَلِ الْجَبْنِ

۷۶۷. الإمام الصادق عليه السلام: نِعَمَ اللَّقْمَةُ الْجَبْنُ، تُعَذِّبُ الْفَمَ، وَتُطَيَّبُ النَّكْهَةَ، وَتَهْضِمُ مَا قَبْلَهُ، وَتُشْهِى الطَّعَامَ. [۱۰۴۹]

راجع: ج ۲، ص ۲۶۴ (خواص الجبن).

## ب الحوك

۷۶۸. الإمام الصادق عليه السلام: الحوك بقله الأنبياء، أما إن فيه ثمان خصال: يمرئ، ويفتح السدد، ويطيب الجشاء، ويطيب النكهة، ويشهي الطعام ويسئل الداء... [۱۰۵۰]

راجع: ج ۲، ص ۱۹۶ (البازروج [الحوك]).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۷

## د درمان باقی کردن عمدی

۷۶۶. امام باقر علیه السلام: هر کس پیش از آن که خود به خود، حالش به هم بخورد، عمداً قی کند، [این کار] از هفتاد دارو بهتر است و این نوع قی کردن، هر درد و بیماری‌ای را [که در او هست، از تنش بیرون می‌آورد]. [۱۰۵۱]

## ۱۰ / ۷ آنچه برای درمان بی‌اشتهایی سودمند است

## الف پنیر

۷۶۷. امام صادق علیه السلام: چه نیکو لقمه‌ای است پنیر! دهان را تر و تازه می‌کند، بوی دهان را خوش می‌سازد، غذای پیشین را هضم می‌کند و برای غذای بعد، اشتها را باز می‌کند.

ر. ک: ج ۲، ص ۲۶۵ (خواص پنیر).

## ب حوک

۷۶۸. امام صادق علیه السلام: حوک، سبزی پیامبران است. بدانید که در آن، هشت ویژگی است: هضم کننده است؛ گرفتگی‌های عروق و مجاری را می‌گشاید؛ آروغ را خوش بو می‌سازد؛ دهان را بوی خوش می‌بخشد؛ اشتها آور است؛ و درد را [از بدن بیرون می‌کشد.

ر. ک: ج ۲، ص ۱۹۷ (بادروج [حوک]).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۸

## الفصل الثامن: الدّم و الطّحال

۱ / ۸

## علاماتُ أمراضِ الدّم

۷۶۹. الإمام الصادق عليه السلام: إنّ للدّم و هيجانِهِ ثلاثُ علاماتٍ: البثرةُ [۱۰۵۲] في الجسدِ، وَ الحِكّةُ، وَ ذيببِ الدّوابِّ. [۱۰۵۳]

۷۷۰. أبو الحسن عليه السلام: علاماتُ الدّمِ أربعٌ: الحِكّةُ، وَ البثرةُ وَ النُّعاسُ، وَ الدّورانُ. [۱۰۵۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۹

## فصل هشتم: خون و سپرز

## ۱ / ۸ نشانه‌های بیماری‌های خون

۷۶۹. امام صادق علیه السلام: خون و جوش آمدنش، سه نشانه دارد: جوششی که از اندام بر آید، خارش، و حرکت جنبندگان. [۱۰۵۵]

۷۷۰. امام کاظم علیه السلام: خون (غلبه خون) را چهار نشانی است: خارش، جوش، چرت زدگی و سرگیجه. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۰

۲ / ۸

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ امْرَاضِ الدَّمِّ  
أَسْوِيقُ الْعَدَسِ

۷۷۱. الإمام الصادق عليه السلام إذا هاجَ الدَّمُ بِأَحَدٍ مِنْ حَشَمِهِ قَالَ لَهُ: اشْرَبْ مِنْ سَوِيقِ الْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ يُسَيِّئُ كُنَّ هَيْجَانَ الدَّمِّ وَيُطْفِئُ الْحَرَارَةَ. [۱۰۵۶]

ب الإِجَاصُ

۷۷۲. الكافي عن زياد القندي: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَيْنَ يَدَيْهِ تَوْرٌ مَاءٍ فِيهِ إِجَاصٌ أَسْوَدٌ فِي إِبَانِهِ. فَقَالَ: إِنَّهُ هَاجَتْ بِي حَرَارَةٌ وَأَنَّ الإِجَاصَ الطَّرِيُّ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ، وَ يُسَيِّئُ كُنَّ الصَّفْرَاءِ، وَإِنَّ الْيَابِسَ مِنْهُ يُسَيِّئُ كُنَّ الدَّمِّ، وَيَسِيلُ الدَّاءَ الدَّوِيَّ. [۱۰۵۷]

ج السَّلْقُ

۷۷۳. الإمام الرضا عليه السلام في فَوَائِدِ السَّلْقِ: يَشُدُّ الْعَقْلَ، وَ يُصَفِّي الدَّمَّ. [۱۰۵۸]

د الْحَسُّ

۷۷۴. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْحَسِّ؛ فَإِنَّهُ يُصَفِّي الدَّمَّ. [۱۰۵۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۱

## ۲ / ۸ آنچه برای درمان بیماری‌های خون، سودمند است

### الف سویق عدس

۷۷۱. امام صادق علیه السلام هنگامی که خون کسی از خدمتگزارانش جوش می‌آمد، به وی می‌فرمود: قدری سویق عدس بخور؛ چرا که جوشش خون را آرام می‌کند و حرارت را فرو می‌نشاند.

### ب آلو

۷۷۲. الكافي به نقل از زياد قندي: بر امام کاظم علیه السلام در آمدم، در حالی که نزد وی، ظرف آبی قرار داشت و چند آلوی سیاه که در همان زمان، هنگام چیدنش بود در آن دیده می‌شد. فرمود: «حرارت در من بالا- گرفته و آلوی تازه، حرارت را خاموش می‌کند و صفرا را فرو می‌نشاند. خشک آن نیز خون را آرام می‌کند و دردهای بی‌درمان را از تن، بیرون می‌کشد».

### ج چغندر

۷۷۳. امام رضا علیه السلام در فواید چغندر: عقل را استحکام می‌بخشد و خون را تصفیه می‌کند. [۱۰۶۰]

## د کاهو

۷۷۴. امام صادق علیه السلام: بر شما باد کاهو؛ چرا که خون را تصفیه می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۲

ه الحجامه

۷۷۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: احتجموا إذا هاج بكم الدم؛ فإنَّ الدمَ رُبَّمَا يَبِيعُ بِصَاحِبِهِ فَيَقْتُلُهُ. [۱۰۶۱]

۷۷۶. عنه صلی الله علیه و آله: الداءُ ثلاثَةٌ وَ الدَّوَاءُ ثلاثَةٌ؛ فَأَمَّا الدَّاءُ: فَالدمُ وَ المِرَّةُ وَ البلغمُ؛ فَدَوَاءُ الدَّمِ الحِجَامَةُ، وَ دَوَاءُ البَلغمِ الحَمَامُ،

وَ دَوَاءُ المِرَّةِ المَشِيُّ. [۱۰۶۲]

وَ أَكُلِ السَّمَكِ الطَّرِيَّ بَعْدَ الحِجَامَةِ

۷۷۷. الكافي عن محمد بن يحيى: كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَشْكُو إِلَيْهِ دَمًا وَ صَفْرَاءً، فَقَالَ: إِذَا احْتَجَمْتَ هَاجَتِ

الصَّفْرَاءُ وَ إِذَا أُخِّرْتُ الحِجَامَةَ أَضْرَبَنِي الدَّمُ، فَمَا تَرَى فِي ذَلِكَ؟

فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: احْتَجِمِ وَ كُلْ عَلَى أَثَرِ الحِجَامَةِ سَمَكًا طَرِيًّا كَبَابًا.

قَالَ: فَأَعَدْتُ عَلَيْهِ المَسْأَلَةَ بِعَيْنِهَا.

فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: احْتَجِمِ وَ كُلْ عَلَى أَثَرِ الحِجَامَةِ سَمَكًا طَرِيًّا كَبَابًا بِمَاءٍ وَ مِلْحٍ.

قَالَ: فَاسْتَعْمَلْتُ ذَلِكَ فَكُنْتُ فِي عَافِيَةٍ وَ صَارَ غِذَايَ. [۱۰۶۳]

ز أَكُلِ الرُّمَانَ بَعْدَ الحِجَامَةِ

۷۷۸. مكارم الأخلاق عن زيد الشحام: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَدَعَا بِالحِجَامِ فَقَالَ لَهُ: اغسِلْ مَحَاجِمَكَ وَ عَلِّقْهَا. وَ دَعَا

بِرُمَانِهِ فَأَكَلَهَا. فَلَمَّا فَرَعَ مِنَ الحِجَامَةِ دَعَا بِرُمَانِهِ أُخْرَى فَأَكَلَهَا، وَ قَالَ: هَذَا يُطْفِئُ المِرَارَ. [۱۰۶۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۳

## ه حجامت

۷۷۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر خون در درونتان به جوش می‌آید، حجامت کنید؛ چرا که خون، گاه ممکن است در درون

شخص، طغیان کند و وی را بکشد.

۷۷۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درد، سه چیز است و درمان نیز سه چیز. امّا درد، عبارت است از: خون، تلخه و بلغم. درمان

خون، حجامت است، درمان بلغم، حمام است، و داروی تلخه نیز راه رفتن. [۱۰۶۵]

## و خوردن ماهی تازه پس از حجامت

۷۷۷. الكافي به نقل از محمد بن يحيى: یکی از شیعیان به امام عسکری علیه السلام نامه نوشت و از خون و صفرا به وی اظهار

ناراحتی کرد و نوشت: چون حجامت می‌کنم، صفرا به جوش می‌آید و چون حجامت را به تأخیر می‌افکنم، خون، مرا زیان

می‌رساند. چاره را در چه می‌بینی؟

امام نوشت: «حجامت کن و در پی حجامت، ماهی تازه کباب‌شده بخور».

این پرسش را دیگر بار تکرار کردم. او نوشت: «حجامت کن و در پی حجامت، ماهی تازه کباب شده همراه با آب و نمک بخور». این کار را عیناً انجام دادم و از آن پس، هماره در عافیت بودم و آن، خوراک من شده بود.

### ز خوردن انار پس از حجامت

۷۷۸. مکارم الأخلاق به نقل از زید شحام: نزد امام صادق علیه السلام بودم که حجامتگری را طلبید. پس به او فرمود: «ابزارهای حجامت خود را بشوی و بیاویز».

آن گاه، اناری طلبید و خورد. چون حجامت را به پایان برد، انار دیگری طلبید و خورد و فرمود: «این، تلخه را فرو می‌نشاند». دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۴

۷۷۹. الإمام العسکری علیه السلام: كُلِّ الرُّمَانَ بَعْدَ الْحِجَامَةِ رُمَانًا حُلُوا؛ فَإِنَّهُ يُسَكِّنُ الدَّمَ، وَ يُصَفِّي الدَّمَ فِي الْجَوْفِ. [۱۰۶۶] ح الفَصْدُ

۷۸۰. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا تُحْرِقَهُ السُّودَاءُ، فَعَلَيْهِ بِالْقِيءِ، وَ فَصِدِ الْعُرُوقِ، وَ الْإِطْلَاءِ بِالنُّورَةِ. [۱۰۶۷] ۳ / ۸

مَا يُؤَلِّدُ الدَّمَ النَّقْيَ

أ الْبَاقِلَاءُ

۷۸۱. الإمام الصادق علیه السلام: أَكُلِ الْبَاقِلِيَّ يُمَخِّخُ السَّاقِينَ، وَ يَزِيدُ فِي الدَّمَاغِ، وَ يُؤَلِّدُ الدَّمَ الطَّرِيَّ. [۱۰۶۸] ب الرُّمَانُ

۷۸۲. الإمام الرضا علیه السلام: مُصَّ مِنَ الرُّمَانِ الْإِمْلِسِيُّ [۱۰۶۹]؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّي النَّفْسَ، وَ يُحْيِي الدَّمَ. [۱۰۷۰] راجع: ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۱۸۱۲.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۵

۷۷۹. امام حسن عسکری علیه السلام: پس از حجامت، انار بخور، اناری شیرین؛ چرا که خون را فرو می‌نشاند و خون را در درون، تصفیه می‌کند.

### ح رگزنی

۷۸۰. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد سودا [۱۰۷۱] او را نسوزاند، [۱۰۷۲] بر او باد قی کردن، رگ زدن و نوره کشیدن.

### ۳ / ۸ آنچه خون تازه تولید می‌کند

#### الف باقلا

۷۸۱. امام صادق علیه السلام: خوردن باقلا، استخوان‌های ساق را تراکم درونی می‌دهد، توان مغز را افزون می‌سازد و خون تازه تولید می‌کند.

#### ب انار



۷۸۲. امام رضا علیه السلام: آب انار مَلَسَ بِمَكَ؛ زیرا انسان را قوی می کند و خون را زنده می سازد. [۱۰۷۳]

ر. ک: ج ۲، ص ۳۶۷ ح ۱۸۱۲.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۶

۴ / ۸

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ وَجَعِ الطَّحَالِ

۷۸۳. الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام: شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَجَعَ الطَّحَالِ، وَ قَدْ عَالَجَهُ بِكُلِّ عِلَاجٍ وَ أَنَّهُ يَزِدَادُ كُلَّ

يَوْمٍ شَرًّا حَتَّى أَشْرَفَ عَلَى الْهَلَكَةِ.

فَقَالَ لَهُ: اشْتَرِ بَقِيعَةً فِضَّةً كُرَّاثًا وَ أَقْلِهِ قَلِيًا جَيِّدًا بِسَيِّئِ عَرَبِيٍّ، وَ أَطْعِمْ مَنْ يَهْدَا الْوَجْعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ؛ فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ بَرَأَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

تعالی. [۱۰۷۴]

۷۸۴. الكافي عن موسى بن بكر: اشتكى غلامٌ لأبي الحسن عليه السلام، فسأل عنه، فقيل: به طحال.

فقال: أطعموه الكُرَّاثَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ. فَأَطْعَمْنَاهُ، فَقَعَدَ الدَّمُ [۱۰۷۵]، ثُمَّ بَرِيَ. [۱۰۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۷

#### ۴ / ۸ آنچه برای درمان درد طحال سودمند است

۷۸۳. امام صادق علیه السلام درباره امام باقر علیه السلام: مردی از دوستان وی، نزد او از درد طحال اظهار ناراحتی کرد، در حالی

که پیش تر هر درمانی را برای این درد به کار بسته بود، اما هر روز بر درد وی افزوده می شد تا جایی که در آستانه مرگ قرار گرفته بود.

[امام باقر علیه السلام به او فرمود: «با سگه ای نقره، قدری تره بخر و آن را در روغن عربی، کاملاً بجوشان و هر کس را که چنین دردی دارد، سه روز از این بخوران؛ چرا که اگر چنین کند، به خواست خداوند، بهبود خواهد یافت».

۷۸۴. الكافي به نقل از موسى بن بكر: یکی از غلامان امام کاظم علیه السلام، بیمار شد. امام علیه السلام از حال او پرسید. گفتند: بیماری طحال گرفته است.

فرمود: «سه روز به او تره بخوراند».

ما آن را به او خوراندیم. پس خون فرونشست، [۱۰۷۷] و سپس، بهبود یافت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۸

الفصل التاسع: الجلد

۱ / ۹

صِحَّةُ الْجِلْدِ

۱۱ / ۹

النُّظَافَةُ

۷۸۵. رسول الله صلى الله عليه وآله: حَقَّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَغْتَسِلَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا، يَغْسِلُ فِيهِ رَأْسَهُ وَ جَسَدَهُ. [۱۰۷۸]

۷۸۶. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ تَحْتَ كُلِّ شَعْرَةٍ جَنَابَةٌ؛ فَاغْسِلُوا الشَّعْرَ، وَ أَنْقُوا الْبَشَرَ. [۱۰۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۹

## فصل نهم: پوست

### ۱/۹ بهداشت پوست

#### ۱۱/۹ پاکیزگی

۷۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر هر مسلمان، لازم است که در هر هفت روز یک بار، غسل کند و در آن، سر و تن خود را بشوید.

۷۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در زیر هر مویی جنابتی است. پس موها را بشوید و پوست را پاکیزه کنید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۰

۲۱/۹

التَّذْهِينُ

أَخْوَاصُ التَّذْهِينِ

۷۸۷. الإمام علی علیه السلام: الدُّهْنُ يُلَيِّنُ البَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الدَّمَاغِ، وَيُسَهِّلُ مَجَارِيَ المَاءِ، وَيُذْهِبُ القَشْفَ، وَيُسْفِرُ اللُّونَ. [۱۰۸۰]

۷۸۸. الإمام الصادق علیه السلام: الدُّهْنُ يَذْهَبُ بِالسَّوْءِ. [۱۰۸۱]

۷۸۹. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا تُشَقَّقَ شَفْتَاهُ، وَلَا يَخْرُجَ فِيهَا نَاسُورٌ، فَلْيَدَّهْنْ حَاجِيَهُ. [۱۰۸۲]

ب أَفْضَلُ أَوْقَاتِ التَّذْهِينِ

۷۹۰. الإمام الحسين علیه السلام: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا بُنَيَّ... وَادَّهِنْ غُبَاً تَتَشَبَّهُ بِسُنَّةِ نَبِيِّكَ. [۱۰۸۳]

۷۹۱. الإمام الباقر علیه السلام: دُهْنُ اللَّيْلِ يَجْرِي فِي العُرُوقِ، وَيُرَوِّي البَشْرَةَ، وَيُبَيِّضُ الوَجْهَ. [۱۰۸۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۱

### ۲۱/۹ مالیدن روغن به بدن

#### الف خواصّ چرب کردن پوست

۷۸۷. امام علی علیه السلام: روغن، پوست را نرم می کند، بر توان مغز می افزاید، مجاری آب را در بدن می گشاید، کثافت پوست را از میان می برد و رنگ را روشن تر می کند.

۷۸۸. امام صادق علیه السلام: روغن، بدی را از میان می برد.

۷۸۹. امام رضا علیه السلام: هر کس می خواهد که لب هایش نترکد و از آن ناسور [۱۰۸۵] بیرون نزنند، به ابروهای خود، روغن

بمالد. [۱۰۸۶]

#### ب بهترین زمان برای روغن زدن

۷۹۰. امام حسین علیه السلام: پیامبر خدا به من فرمود: «فرزندم!... یک روز در میان، روغن بمال تا به سنت پیامبرت عمل کرده باشی».

۷۹۱. امام باقر علیه السلام: روغن [مالیدن شبانه، در رگ‌ها جریان می‌یابد و پوست را آبیاری و چهره را سفید می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۲

۷۹۲. الکافی عن إسحاق بن عمار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اخَالِطُ أَهْلَ الْمُرُوءَةِ مِنَ النَّاسِ وَقَدْ أَكْتَفَيْتُ مِنَ الدُّهْنِ بِالْيَسِيرِ، فَأَتَمَسَّحُ بِهِ كُلَّ يَوْمٍ، فَقَالَ: مَا أَحِبُّ لَكَ ذَلِكَ.

فَقُلْتُ: يَوْمٌ وَيَوْمٌ لَّا.

فَقَالَ: وَمَا أَحِبُّ لَكَ ذَلِكَ.

قُلْتُ: يَوْمٌ وَيَوْمَيْنِ لَّا.

فَقَالَ: الْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ يَوْمٌ وَيَوْمَيْنِ [۱۰۸۷]

ج الأدهان بالبنفسج

۷۹۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: ادَّهِنُوا بِالْبَنْفَسَجِ؛ فَإِنَّهُ [۱۰۸۸] بَارِدٌ فِي الصَّيْفِ وَ حَارٌّ فِي الشِّتَاءِ. [۱۰۸۹]

۷۹۴. الإمام الصادق عليه السلام: البَنْفَسَجُ سَيِّدُ أَدِهَانِكُمْ. [۱۰۹۰]

۷۹۵. عنه عليه السلام: مَثَلُ البَنْفَسَجِ فِي الأَدِهَانِ مَثَلُنَا فِي النَّاسِ. [۱۰۹۱]

۷۹۶. عنه عليه السلام: فَضَّلُ البَنْفَسَجِ عَلَى الأَدِهَانِ كَفَضْلِ الإِسْلَامِ عَلَى الأَدْيَانِ. نَعَمْ الدُّهْنُ

البَنْفَسَجُ، لِيَذْهَبَ بِالدَّاءِ مِنَ الرُّؤْسِ وَ العَيْنَيْنِ، فَادَّهِنُوا بِهِ. [۱۰۹۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۳

۷۹۲. الکافی به نقل از اسحاق بن عمار: به امام صادق علیه السلام گفتم: من با مردمانی اهل مروّت (و سرشناس) آمیزش دارم و به

مقدار اندکی روغن بسنده می‌کنم. آیا هر روز، اندکی بر خویش بمالم؟

فرمود: «این را برای تو دوست ندارم».

گفتم: یک روز در میان؟

فرمود: «این را هم برایت نمی‌پسندم».

گفتم: دو روز در میان؟

فرمود: «جمعه تا جمعه، یک روز و دو روز».

### ج چرب کردن با روغن بنفشه

۷۹۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: با روغن بنفشه، بدن خود را چرب کنید؛ چرا که آن در تابستان، سرد و در زمستان، گرم است.

۷۹۴. امام صادق علیه السلام: بنفشه، مهتر همه روغن‌های شماست.

۷۹۵. امام صادق علیه السلام: حکایت بنفشه در میان روغن‌ها، حکایت ما در میان مردم است. [۱۰۹۳]

۷۹۶. امام صادق علیه السلام: برتری بنفشه بر دیگر روغن‌ها به سان برتری اسلام بر دیگر ادیان است. بنفشه، خوب روغنی است!

درد را از سر و چشمان می‌برد.

خود را بدان، چرب کنید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۴

۷۹۷. الکافی عن محمد بن فیض: ذُكِرَتْ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْأَدَهَانُ، فَذَكَرَ الْبَنْفَسِجُ وَفَضَّلَهُ، فَقَالَ: نِعَمَ الدُّهْنُ الْبَنْفَسِجُ! أَدَّهِنُوا بِهِ؛ فَإِنَّ فَضْلَهُ عَلَى الْأَدَهَانِ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ. [۱۰۹۴]

۷۹۸. الإمام الرضا عليه السلام: إِذَا أُرِدْتَ أَلْمَا يَظْهَرُ فِي يَدَيْكَ بِبَثْرَةٍ وَلَا غَيْرِهَا، فَابْدَأْ عِنْدَ دُخُولِ الْحَمَامِ بِبِطْنِ يَدَيْكَ، بِدُهْنِ الْبَنْفَسِجِ. [۱۰۹۵]

۷۹۹. الکافی عن علی بن أسباط رفعه: دُهْنُ الْحَاجِبِينَ بِالْبَنْفَسِجِ يَذْهَبُ بِالصُّدَاعِ. [۱۰۹۶]

د الْأَدَهَانُ بِالزَّيْتِ

۸۰۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: كُلُوا الزَّيْتِ، وَادَّهِنُوا بِالزَّيْتِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ. [۱۰۹۷]

۸۰۱. الإمام علي عليه السلام: ادَّهِنُوا بِالزَّيْتِ وَاتَّدِمُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ دُهْنَةُ الْأَخْيَارِ، وَادَامُ الْمُصْطَفِينَ. [۱۰۹۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۵

۷۹۷. الکافی به نقل از محمد بن فیض: نزد امام صادق علیه السلام از روغن‌ها سخن به میان آوردند و از آن جمله، از بنفشه و برتری آن گفتند.

فرمود: «بنفشه، خوب روغنی است! خود را با آن چرب کنید که برتری آن بر روغن‌ها، به سان برتری ما بر مردمان است».

۷۹۸. امام رضا علیه السلام: اگر می‌خواهی که در بدنت جوش و جز آن رخ ننماید، هنگام در آمدن به حمام، چرب کردن بدن خود را به روغن بنفشه، آغاز کن.

۷۹۹. الکافی به نقل از علی بن اسباط در حدیثی که سند آن را به معصوم رساند: مالیدن روغن بنفشه به ابروها، سردرد را از میان می‌برد.

### د مالیدن روغن زیتون به بدن

۸۰۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: زیتون بخورید و خود را با روغن زیتون چرب کنید؛ چرا که آن، از درختی خجسته است.

۸۰۱. امام علی علیه السلام: به روغن زیتون، خود را چرب کنید و از آن، خورش سازید؛ چرا که آن، روغن نیکان و خورش برگزیدگان است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۶

ه الإِدَهَانُ بِالْبَانِ

۸۰۲. الإمام الصادق عليه السلام: نِعَمَ الدُّهْنُ الْبَانُ! [۱۰۹۹]

۸۰۳. عنه عليه السلام: الْبَانُ دُهْنٌ ذَكَرَ، نِعَمَ الدُّهْنُ الْبَانُ، وَ إِنَّهُ لَيَعْجِبُنِي الْخَلْقُ. [۱۱۰۰]

و الْأَدَهَانُ بِالزَّبْتِ

۸۰۴. الکافی عن السَّيَّارِيِّ رَفَعَهُ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ خَيْرًا لِلْجَسَدِ مِنْ دُهْنِ الزَّبْتِ. يَعْنِي الزَّازِقِيَّ. [۱۱۰۱]

ز الْأَدَهَانُ بِالْخَيْرِيِّ

۸۰۵. الإمام الصادق عليه السلام وَ ذَكَرَ دُهْنَ الْبَنْفَسِجِ فَزَكَاهُ، ثُمَّ قَالَ: وَ إِنَّ الْخَيْرِيَّ لَطِيفٌ. [۱۱۰۲]

۳۱ / ۹

اسْتِعْمَالُ الْخَطْمِيِّ

۸۰۶. الإمام الصادق عليه السلام: غَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ نُشْرَةٌ. [۱۱۰۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۷

### ه استفاده از روغن بان

۸۰۲. امام صادق عليه السلام: خوب روغنی است روغن بان [۱۱۰۴]!

۸۰۳. امام صادق عليه السلام: بان، روغن مردانه است. چه خوب روغنی است بان؛ اما من از خلوق، خوشم می آید.

### و استفاده از روغن زنبق

۸۰۴. الکافی به نقل از سیاری در حدیثی که سند آن را به پیامبر خدا رساند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «برای بدن،

هیچ چیز از روغن زنبق (رازقی) بهتر نیست».

### ز استفاده از خیری

۸۰۵. امام صادق عليه السلام از روغن بنفشه نام برد و آن را ستود و سپس فرمود: خیری، [۱۱۰۵] نرم و لطیف است.

### ۳۱ / ۹ استفاده از خطمی

۸۰۶. امام صادق عليه السلام: شستن سر با خطمی، مایه شادابی است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۸

۸۰۷. عنه عليه السلام: النَّشْرَةُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ: ... وَ غَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ فِي الْحَمَامِ وَ غَيْرِهِ. [۱۱۰۶]

۸۰۸. الإمام علي عليه السلام: غَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ يَذْهَبُ بِالذَّرَنِ، وَ يَنْفِي الْأَقْدَاءَ. [۱۱۰۷]

۴۱ / ۹

### الْخِضَابُ

۸۰۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِسَيِّدِ الْخِضَابِ الْحِنَاءِ؛ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الْبَشْرَةَ، وَ يَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ. [۱۱۰۸]

۸۱۰. عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ أَطْلَى وَ اخْتَضَبَ بِالْحِنَاءِ آمَنَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ: الْجُدَامِ، وَ الْبَرَصِ، وَ الْآكِلَةِ إِلَى طَلِيئِهِ

مِثْلَهَا. [۱۱۰۹]

۸۱۱. الإمام الصادق عليه السلام: الْحِنَاءُ عَلَى أَثَرِ النُّورَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ وَ الْبَرَصِ. [۱۱۱۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۹

۸۰۷. امام صادق عليه السلام: شادابی، در ده چیز است: ... و شستن سر با خطمی در حمام و غیر آن.

۸۰۸. امام علی عليه السلام: شستن سر با خطمی، چرک را می برد و آلودگی ها را از میان برمی دارد.

### ۴۱ / ۹ خضاب کردن

۸۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد مهتر همه خضاب‌ها، حنا، که پوست را پاکیزه می‌کند و بر توان همبستری می‌افزاید.  
 ۸۱۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس حنا بر بدن خود بمالد و با آن خضاب کند، خداوند، او را تا هنگامی که بخواهد دیگر بار خضاب کند، از سه چیز در امان می‌دارد: جذام، پیسی و خوره.

۸۱۱. امام صادق علیه السلام: حنا کردن، در پی نوره کشیدن، مایه ایمنی از جذام و پیسی است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۰

۵۱/۹

اَفْتِتاحُ الطَّعامِ بِالْمِلْحِ

۸۱۲. رسول الله صلی الله علیه و آله لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكَ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِّنْ سَبْعِينَ دَاءً؛ أَدْنَاهَا الْجُدَامُ، وَالْبَرَصُ، وَ

الْجُنُونُ. [۱۱۱۱]

۸۱۳. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْأَبْيَضِ مِنَ الْخُبْزِ وَالرَّقِيقِ، يَعْنِي الْمِلْحَ... وَ إِنَّ فِي الرَّقِيقِ أَمَانًا [۱۱۱۲] مِنَ الْجُدَامِ، وَالْبَرَصِ، وَ

الْجُنُونِ. [۱۱۱۳]

راجع: ج ۲ ص ۴۹۴ (الملح).

۶۱/۹

شُرْبُ السَّوِيقِ بِالزَّيْتِ

۸۱۴. الإمام الصادق عليه السلام: شُرْبُ السَّوِيقِ بِالزَّيْتِ يُبْتِ اللِّحْمَ، وَيَشُدُّ العَظْمَ، وَيُرِقُّ البَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي البَاهِ. [۱۱۱۴]

۷۱/۹

البَطِيخِ

۸۱۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْبَطِيخِ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ: هُوَ طَعَامٌ، وَ شَرَابٌ،

وَ اشْنَانٌ، وَ رِيحَانٌ، وَ يَغْسِلُ المَثانَةَ، وَ يَغْسِلُ البَطْنَ، وَ يُكثِرُ ماءَ الظَّهْرِ، وَ يَزِيدُ فِي الجِمَاعِ، وَ يَقَطِّعُ البُرودَةَ، وَ يُنَقِّي البَشْرَةَ. [۱۱۱۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۱

## ۵۱/۹ آغاز کردن غذا با نمک

۸۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام: بر تو باد نمک؛ چرا که در آن، شفای هفتاد درد است که کمترین آنها جذام، پیسی و دیوانگی است.

۸۱۳. امام صادق علیه السلام: بر شما باد آن دو سفید: نان و نمک... که ایمنی از جذام و پیسی و دیوانگی، در نمک است.  
 ر. ک: ج ۲، ص ۴۹۵ (نمک).

## ۶۱/۹ نوشیدن سویق با روغن زیتون

۸۱۴. امام صادق علیه السلام: نوشیدن سویقی [۱۱۱۶] که با روغن زیتون فراهم آمده باشد، گوشت را می‌رویند، استخوان را استحکام می‌بخشد، پوست را نازک می‌کند و بر توان جنسی می‌افزاید.

۷۱/۹ خربزه

۸۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد خوردن خریزه؛ چرا که در آن ده، ویژگی است: غذاست؛ آب است؛ شستشو دهنده است، [۱۱۱۷] خوش بو کننده است؛ مثانه را می شوید؛ شکم را می شوید؛ آب کمر را فراوان می سازد؛ نیروی همبستری را می افزایش؛ سردی را از میان برمی دارد؛ و پوست را تمیز می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۲

۸۱ / ۹

الْغَبِيرَاءُ

۸۱۶. الإمام الصادق عليه السلام: الْغَبِيرَاءُ لَحْمُهُ يُنَبِّئُ اللَّحْمَ، وَ عَظْمُهُ يُنَبِّئُ الْعَظْمَ، وَ جِلْدُهُ يُنَبِّئُ الْجِلْدَ، ... وَ يَقْمَعُ عِرْقَ الْجُدَامِ. [۱۱۱۸]

۹۱ / ۹

الْتَانِخَوَاهُ وَ الْجَوْزُ

۸۱۷. مكارم الأخلاق عن الإمام الصادق عليه السلام: أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَجْلُو الْبَصَرَ وَ يَنْفَعْنَ وَ لَا يَضُرُّنَّ، فَسُئِلَ عَنْهُنَّ، فَقَالَ: السَّعْتَرُ وَ الْمِلْحُ إِذَا اجْتَمَعَا، وَ الْتَانِخَوَاهُ وَ الْجَوْزُ إِذَا اجْتَمَعَا.

فَقِيلَ لَهُ: وَ لِمَا تَصْلُحُ هَذِهِ الْأَرْبَعَةُ إِذَا اجْتَمَعَتْ؟

فَقَالَ: الْتَانِخَوَاهُ وَ الْجَوْزُ يُحْرِقَانِ الْبُؤَاسِيْرَ، وَ يَطْرُدَانِ الرِّيحَ، وَ يُحَسِّنَانِ اللَّوْنَ ... [۱۱۱۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۳

### ۸۱ / ۹ سنجد

۸۱۶. امام صادق علیه السلام: سنجد، گوشتش گوشت می رویاند، هسته اش استخوان را رشد می دهد، پوستش پوست را می پرورد... رگ جدام را به کلی از میان می برد.

### ۹۱ / ۹ نانخواه و گردو

۸۱۷. امام صادق علیه السلام: چهار چیز، چشم را جلا می دهد، سودمند است و هیچ زبانی ندارد.

درباره آنها از امام علیه السلام پرسیدند. فرمود: «آویشن و نمک، وقتی با هم باشند، و نانخواه [۱۱۲۰] و گردو، وقتی با هم باشند».

به آن حضرت گفتند: این چهار چیز وقتی با هم باشند، به چه کار می آیند؟

فرمود: «نانخواه و گردو، بواسیر را می سوزانند، باد را دور می کنند و رنگ پوست را زیبا می سازند...».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۴

۱۰۱ / ۹

الْبَصْلُ

۸۱۸. الإمام الصادق عليه السلام: الْبَصْلُ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يَشُدُّ الظَّهْرَ، وَ يُرِقُّ الْبَشْرَةَ. [۱۱۲۱]

۸۱۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِذَا دَخَلْتُمْ بَلَدَهُ وَ بِيئًا فَخِفْتُمْ وَ بَاءَهَا، فَعَلَيْكُمْ بِبَصْرِ لَهَا؛ فَإِنَّهُ يُجَلِي الْبَصِيرَ، وَ يُنْقِي الشَّعْرَ، وَ يَزِيدُ فِي

مَاءِ الصُّلْبِ، وَ يَزِيدُ فِي الْخُطَى، وَ يَذْهَبُ بِالْحَمَا وَ هُوَ السَّوَادُ فِي الْوَجْهِ وَ الْإِعْيَاءِ أَيْضًا. [۱۱۲۲]

۱۱۱ / ۹

السَّنَا

۸۲۰. الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي السَّنَا لَبَلَّغُوا كُلَّ مِثْقَالٍ مِنْهُ بِمِثْقَالَيْنِ مِنْ ذَهَبٍ! أَمَا إِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْبَهَقِ وَالْبَرَصِ وَالْجُدَامِ وَالْجُنُونِ وَالْفَالَجِ وَاللَّقْوَةَ... وَيُؤَخِّدُ مَعَ الزَّبِيبِ الْأَحْمَرِ الَّذِي لَا نَوَى لَهُ، وَيُجْعَلُ مَعَهُ هَلِيلَجٌ كَائِلِيٌّ وَأَصْفَرٌ وَأَسْوَدٌ أَجْزَاءً سَوَاءً، يُؤَخِّدُ عَلَى الرَّيْقِ مِقْدَارُ ثَلَاثَةِ دَرَاهِمٍ، وَإِذَا أُوْتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ مِثْلُهُ، وَهُوَ سَيِّدُ الْأَدْوِيَةِ. [۱۱۲۳]

۱۲۱/۹

دَوْرُ الْمَشْمُومَاتِ فِي الْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ

۸۲۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: شُمُوا النَّرَجِسَ وَ لَوْ فِي الْيَوْمِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الْإِسْبُوعِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الشَّهْرِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي السَّنَةِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الدَّهْرِ مَرَّةً؛ فَإِنَّ فِي الْقَلْبِ حَبَّةً مِنَ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ، وَ شَمُّهُ يَدْفَعُهَا. [۱۱۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۵

۱۰۱/۹ پیاز

۸۱۸. امام صادق علیه السلام: پیاز، دهان را خوش بو می کند، پشت را قوی می سازد و پوست را نرمی می دهد.

۸۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه وارد آبادی و با زدهای شدید و از وبای آن ترسیدید، از پیاز آن جا بخورید؛ زیرا که آن، چشم را جلا می دهد، مو را پاکیزه می گرداند، آب کمر را زیاد می کند، گامها را سرعت می بخشد، تیرگی چهره را می برد و خستگی را نیز می زداید.

۱۱۱/۹ گیاه سنا [۱۱۲۵]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۴۸۵

۸۲۰. امام صادق علیه السلام: اگر مردم می دانستند گیاه سنا [۱۱۲۶] چه خواصی دارد، ارزش هر مثقال آن را به اندازه دو مثقال طلا می رسانند. هان! بدانید که این گیاه، مایه ایمنی یافتن از بهک، پسی، جذام، دیوانگی، فلج و لقوه است. باید آن را با کشمش سرخ و بدون هسته، همراه با مقداری برابر از هلیله کابلی، زرد و سیاه، و به صورت ناشتا، به اندازه سه درهم، مصرف کرد و هنگامی که به بستر خواب می روی نیز، همین اندازه مصرف کن، که این، مهتر همه داروهاست.

۱۲۱/۹ تأثیر بوییدنیها در پیشگیری از بیماریهای پوستی

۸۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نرگس را بویید، هر چند روزی یک بار، هر چند هفته ای یک بار، هر چند ماهی یک بار، هر چند سالی یک بار و هر چند در همه عمر، یک بار؛ چرا که در قلب، هسته ای از دیوانگی، جذام و پسی وجود دارد و بوییدن نرگس، آن را دور می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۶

۱۳۱/۹

دَوْرُ الْحِجَامَةِ فِي الْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ وَ مُعَالَجَتِهَا

۸۲۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْحِجَامَةَ فِي الرَّأْسِ دَوَاءٌ مِنْ دَاءِ الْجُنُونِ، وَالْجُدَامِ، وَالْعَشَا، وَالْبَرَصِ، وَالصُّدَاعِ. [۱۱۲۷]

۸۲۳. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْحِجَامَةِ فِي جَوْزَةِ الْقَمَحْدُوَّةِ؛ فَإِنَّهُ دَوَاءٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ دَاءً، وَ خَمْسِيَّةٍ أَدْوَاءِ مِنَ الْجُنُونِ، وَ



الجذام، وَالبَرَصِ، وَوَجَعِ الأَصْرَاسِ. [۱۱۲۸]

۸۲۴. عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ احتَجَمَ يَوْمَ الثَّلَاثَةِ لِسَبْعِ عَشْرَةَ، أَوْ تِسْعِ عَشْرَةَ، أَوْ لِاحْدَى وَ عِشْرِينَ مِنَ الشَّهْرِ كَانَتْ لَهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ مِنْ أَدْوَاءِ السَّنَةِ كُلِّهَا، وَ كَانَتْ لِمَا سِوَى ذَلِكَ شِفَاءً مِنْ وَجَعِ الرَّأْسِ، وَ الأَصْرَاسِ، وَ الجُنُونِ، وَ الجذَامِ، وَ البَرَصِ. [۱۱۲۹]

۸۲۵. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ الحِجَامَةَ... الَّتِي تَوْضَعُ بَيْنَ الكِتْفَيْنِ تَنْفَعُ مِنَ الخَفَقَانِ الَّذِي يَكُونُ مَعَ الامْتِلَاءِ وَ الحِرَارَةِ. وَ الَّتِي تَوْضَعُ عَلَى السَّاقَيْنِ قَدْ يَنْقُصُ مِنَ الامْتِلَاءِ فِي الكُلِيِّ، وَ المَثَانَةِ، وَ الأَرْحَامِ، وَ يُدِرُّ الطَّمْثَ غَيْرَ أَنَّهَا مَنَهَكَةٌ لِلجَسَدِ، وَ قَدْ تَعَرَّضُ مِنْهَا العَشْوَةُ الشَّدِيدَةُ [۱۱۳۰]، إِلَّا أَنَّهَا نَافِعَةٌ لِذَوِي البُثورِ وَ الدَّمَامِيلِ. [۱۱۳۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۷

### ۱۳۱ / ۹ اثر حجامت در پیشگیری و درمان بیماری‌های پوستی

۸۲۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: حجامت در سر، درمانی برای دیوانگی، جذام، شب کوری، پیسی و سزرد است.

۸۲۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بر شما باد حجامت در استخوان پس سر؛ چرا که درمان ۷۲ بیماری است و درمان پنج بیماری، از جمله: دیوانگی، جذام، پیسی و دندان درد است.

۸۲۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس در روز سه‌شنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه حجامت کند، این حجامت برای وی شفای همه دردهای سال خواهد بود و افزون بر آن، شفای سزرد، دندان درد، دیوانگی، جذام و پیسی نیز خواهد بود.

۸۲۵. امام رضا علیه السلام: حجامتی... که میان شانه‌ها صورت می‌گیرد، در بهبود ضربان قلب ناشی از شکم پُری و حرارت، سودمند است. آن [حجامتی که در ساق پا صورت پذیرد، ممکن است از کلیه، مثانه و زهدان بکاهد و خون قاعدگی را به جریان اندازد. تنها مشکلی که دارد، این است که تن را ضعیف می‌کند و ممکن است از آن، شب کوری شدیدی بر شخص عارض گردد. با این همه، برای کسانی که جوش و کورک دارند، سودمند است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۸

۸۲۶. مکارم الأخلاق: رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ الحِكَّةَ، فَقَالَ: احتَجِمِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِي الرَّجْلَيْنِ جَمِيعاً فِيمَا بَيْنَ العُرْقُوبِ وَ الكَعْبِ، فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَذَهَبَ عَنْهُ.

وَ شَكَا إِلَيْهِ آخَرَ، فَقَالَ: احتَجِمِ فِي وَاحِدِ عَقْبَيْكَ، أَوْ مِنَ الرَّجْلَيْنِ جَمِيعاً ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، تَبَرَأَ إِنْ شَاءَ اللهُ. [۱۱۳۲]

۱۴۱ / ۹

دَوْرُ الزُّكَامِ وَ العُطَاسِ فِي الوَقَايَةِ مِنَ الأَمْرَاضِ الجِلْدِيَّةِ

۸۲۷. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ وُلْدِ آدَمَ إِلَّا وَ فِيهِ عِرْقَانِ: عِرْقٌ فِي رَأْسِهِ يُهَيِّجُ الجذَامَ، وَ عِرْقٌ فِي يَدَيْهِ يُهَيِّجُ البَرَصَ؛ فَإِذَا هَاجَ العِرْقُ الَّذِي فِي الرَّأْسِ سَلَطَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ الزُّكَامَ حَتَّى يَسِيلَ مَا فِيهِ مِنَ الدَّاءِ، وَ إِذَا هَاجَ العِرْقُ الَّذِي فِي الجَسَدِ سَلَطَ اللهُ عَلَيْهِ الدَّمَامِيلَ حَتَّى يَسِيلَ مَا فِيهِ مِنَ الدَّاءِ، فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ بِهِ زُكَاماً وَ دَمَامِيلَ فَلْيَحْمَدِ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى العَافِيَةِ.

وَ قَالَ: الزُّكَامُ فَضُولٌ فِي الرَّأْسِ. [۱۱۳۳]

۸۲۸. عنه صلى الله عليه و آله: لَا تَكْرَهُوا أَرْبَعَةً؛ فَإِنَّهَا لِأَرْبَعَةٍ: لَا تَكْرَهُوا الزُّكَامَ؛ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الجذَامِ، وَ لَا تَكْرَهُوا الدَّمَامِيلَ؛ فَإِنَّهَا أَمَانٌ مِنَ البَرَصِ، وَ لَا تَكْرَهُوا الرَّمَدَ؛ فَإِنَّهُ أَمَانٌ

مِنَ العَمَى، وَ لَا تَكْرَهُوا السُّعَالَ؛ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الفَالِجِ. [۱۱۳۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۹

۸۲۶. مکارم الأخلاق: از امام صادق علیه السلام روایت شده که مردی در حضور ایشان از خارش (کَهِیر)، اظهار ناراحتی کرد. امام علیه السلام فرمود: «سه بار در هر دو پا، در فاصله میان پی پا و استخوان قوزک، حجامت کن». آن مرد، این کار را انجام داد و خارش بدن وی از میان رفت. مردی دیگر نیز اظهار ناراحتی کرد. امام علیه السلام فرمود: «در پی پا (یکی از پاها یا هر دو پا) سه بار حجامت کن که به خواست خداوند، بهبود یابی».

### ۱۴۱/۹ تأثیر زکام و عطسه در پیشگیری از بیماری‌های پوستی

۸۲۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «در هر یک از آدمی‌زادگان، دو رگ هست: رگی در سر، که جذام را تحریک می‌کند، و رگی در بدن، که پیسی را می‌انگیزد. چون آن رگی که در سر است، به حرکت آید، خداوند، زکام را بر آن مسلط می‌سازد تا هر بیماری‌ای که در آن است، بیرون رود؛ و چون آن رگی که در تن است، به جنب و جوش آید، خداوند، کورک‌ها را بر بدن مسلط سازد تا هر چه بیماری در آن است، بیرون رود. از این رو، اگر کسی از شما در بدن خود، احساس زکام کرد یا کورکی دید، خداوند را شکر عافیت گوید». همچنین فرمود: «زکام، فضولاتی در سر است».

۸۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز را ناخوشایند مدارید؛ زیرا که برای چهار چیز، سودمندند: زکام را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از جذام است. کورک‌ها را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از پیسی‌اند. چشم‌درد را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از کوری است. و سرفه را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از فلج شدن است. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۰

۱۵۱/۹

دَوْرُ بَعْضِ الْأَذْكَارِ فِي صِحَّةِ الْجِلْدِ

۸۲۹. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ قَالَ بَعْدَ صِيْلَةِ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» يُعِيدُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، وَ مَنْ قَالَهَا إِذَا صَلَّى الْمَغْرِبَ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ أَوْ نَوْنَهَا الْجُدَامُ وَالْبَرَصُ. [۱۱۳۵] راجع: ج ۱، ص ۴۹۸ (الوقایه من الجذام) ج ۱، ص ۵۱۰ (الوقایه من البرص).

۲/۹

أَسْبَابُ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ

أَسْتِقْبَالُ الشَّمْسِ

۸۳۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ فِي الشَّمْسِ؛ فَإِنَّهَا تُبْلِي الثَّوْبَ، وَ تُنْتِنُ الرِّيحَ، وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ. [۱۱۳۶] دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۱

### ۱۵۱/۹ تأثیر برخی از ذکرها در بهداشت پوست

۸۲۹. امام صادق علیه السلام: هر کس پس از نماز صبح و پیش از آن که با کسی سخن بگوید، هفت بار بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، خداوند، هفتاد گونه بلا را از او دفع کند؛ و هر کس این [ذکر] را پس از نماز مغرب

و پیش از آن که با کسی سخن بگویند، بر زبان آورد، خداوند، هفتاد گونه بلا را که کمترین آنها جذام و پسی است، از او دور کند.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۹۹ (پیشگیری از جذام). ج ۱، ص ۵۱۱ (پیشگیری از پسی).

## ۲/۹ عوامل بیماری‌های پوستی

### الف قرار گرفتن در مقابل آفتاب

۸۳۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نشستن در آفتاب، حذر کنید؛ چرا که جامه را کهنه می‌کند، بوی [بدن را بد می‌سازد و درد نهفته را آشکار می‌نماید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۲

۸۳۱. عنه صلی الله علیه و آله: فی الشَّمْسِ أَرْبَعُ خِصَالٍ: تَغْيِيرُ اللَّوْنِ، وَ تَنْبِيْنُ الرِّيحِ، وَ تَخْلِقُ الثِّيَابَ، وَ تَوْرِثُ الدَّاءَ. [۱۱۳۷]

۸۳۲. الإمام علی علیه السلام: لَا تَسْتَقْبِلُوا الشَّمْسَ؛ فَإِنَّهَا مَبْخَرَةٌ، تَسْحَبُ اللَّوْنَ، وَ تُبْلِي الثَّوْبَ، وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ. [۱۱۳۸]

۸۳۳. عنه علیه السلام: إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ فِي الشَّمْسِ فَلْيَسْتَدْبِرْهَا بِظَهْرِهِ؛ فَإِنَّهَا تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ. [۱۱۳۹]

۸۳۴. غریب الحدیث: إِنَّهُ [عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ رَأَى رَجُلًا فِي الشَّمْسِ فَقَالَ: قُمْ عَنْهَا؛ فَإِنَّهَا مَبْخَرَةٌ مَجْفَرَةٌ، تُنْفِلُ الرِّيحَ، وَ تُبْلِي الثَّوْبَ، وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ. [۱۱۴۰]

ب أَكْلُ الْجَوْزِ فِي شِدَّةِ الْحَرِّ

۸۳۵. الإمام علی علیه السلام: أَكْلُ الْجَوْزِ فِي شِدَّةِ الْحَرِّ يُهَيِّجُ الْحَرَّ فِي الْجَوْفِ، وَ يُهَيِّجُ الْفُرُوحَ عَلَى الْجَسَدِ، وَ أَكَلُهُ فِي الشِّتَاءِ؛ يُسَيِّخُنُ الْكُلَيْتَيْنِ، وَ يَدْفَعُ الْبَرْدَ. [۱۱۴۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۳

۸۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آفتاب، چهار چیز است: رنگ را دیگرگون می‌سازد، بوی [بدن را بد می‌کند، جامه را کهنه می‌نماید، و بیماری بر جای می‌نهد.

۸۳۲. امام علی علیه السلام: رو به خورشید قرار مگیرید؛ زیرا بدبو کننده دهان است، رنگ را می‌پراند، جامه را کهنه می‌سازد و دردهای نهفته را آشکار می‌نماید.

۸۳۳. امام علی علیه السلام: هر گاه کسی از شما در زیر آفتاب می‌نشیند، پشت به خورشید قرار گیرد؛ چرا که آفتاب، بیماری‌های نهفته را آشکار می‌سازد.

۸۳۴. غریب الحدیث: امام علی علیه السلام، مردی را در آفتاب دید. فرمود: «از آفتاب برخیز. این حرارت، بدبو کننده دهان و سست کننده شهوت است، بوی بدن را بد می‌کند، جامه را کهنه می‌سازد و دردهای نهفته را آشکار می‌کند». [۱۱۴۲]

### ب خوردن گردو در گرمای شدید

۸۳۵. امام علی علیه السلام: خوردن گردو در گرمای شدید، حرارت را در بدن بر می‌انگیزد و زخم‌های تن را تحریک می‌کند؛ اما خوردن آن در زمستان، کلیه‌ها را گرم می‌کند و سرما را می‌راند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۴

### ج أَكَلُ الطَّيْنِ

۸۳۶. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ أَكَلَ الطَّيْنَ فَإِنَّهُ يَقَعُ الْحِكْمَةُ فِي جَسَدِهِ، وَالبَّوَسِيرُ، وَيُهَيِّجُ عَلَيْهِ السُّوءَ، وَيَذْهَبُ بِالقُوَّةِ مِنْ ساقِيهِ وَ قَدَمِيهِ، وَ ما نَقَصَ مِنْ عَمَلِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ صِحَّتِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَهُ حَوْسَبَ عَلَيْهِ، وَ عُدَّ بِ عَلَيْهِ. [۱۱۴۳]

### د هَيَّجَانُ الدَّمِ

۸۳۷. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ لِلدَّمِ وَ هَيَّجَانِهِ ثَلَاثَ عَلامَاتٍ: البَثْرَةُ فِي الجَسَدِ، وَ الحِكْمَةُ، وَ دَيِّبَ الدَّوَابِّ. [۱۱۴۴]

### ه مُدَاوِمَةُ أَكْلِ البَيْضِ

۸۳۸. الإمام الرضا عليه السلام: مُدَاوِمَةُ أَكْلِ البَيْضِ يَعْرضُ مِنْهُ الكَلْفُ فِي الوَجْهِ. [۱۱۴۵]

وَ أَكْلُ السَّمَكِ المَمْلُوحِ بَعْدَ الفَصْدِ وَ الحِجَامَةِ

۸۳۹. الإمام الرضا عليه السلام: أَكْلُ المَمْلُوحِ وَ اللِّحْمَانِ المَمْلُوحِ وَ أَكْلُ السَّمَكِ المَمْلُوحِ، بَعْدَ الحِجَامَةِ وَ الفَصْدِ لِلعُرُوقِ، يُولِّدُ

البَّهَقَ وَ الجَرَبَ. [۱۱۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۵

## ج خوردن خاک

۸۳۶. امام باقر علیه السلام: هر کس خاک بخورد، تنش به خارش می افتد، به بواسیر گرفتار می شود، بیماری و بدی در درونش برانگیخته می گردد، و نیرو از پاهایش می رود، و هر چه نیز در این فاصله، یعنی از دوره سلامت پیش از خوردن خاک تا بهبود دوباره، از اعمال [عبادی او کم شود، بر آن، بازخواست گردد و کیفر ببیند.

## د به جوش آمدن خون

۸۳۷. امام صادق علیه السلام: خون و جوش آمدنش سه نشانه دارد: جوشی که از اندام برآید، خارش (کهیر)، و حرکت جنبندگان (مور مور شدن بدن).

## ه خوردن همیشگی تخم مرغ

۸۳۸. امام رضا علیه السلام: خوردن همیشگی تخم مرغ، سبب پیدایش کک مک در صورت می شود. [۱۱۴۷]

## و خوردن ماهی نمک سود پس از رگزنی و حجامت

۸۳۹. امام رضا علیه السلام: خوردن غذای نمک سود، گوشت نمک سود و خوردن ماهی نمک سود، پس از رگزنی و حجامت، بَهَك و گری ایجاد می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۶

أسباب الإصابة بالجذام  
أُغْتَسَلُ بِالْمَاءِ الْمُغْتَسَلِ فِيهِ

۸۴۰. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ اغْتَسَلَ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي قَدْ اغْتَسَلَ فِيهِ فَأَصَابَهُ الْجُذَامُ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. [۱۱۴۸]

ب تَدْلِيكَ الْجَسَدِ بِالْخَرْفِ فِي الْحَمَامِ

۸۴۱. الإمام علي عليه السلام كَانَ يَقُولُ: أَلَا لَا يَسْتَلْقَيْنَ أَحَدَكُمْ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يُذِيبُ شَحْمَ الْكَلْبَيْنِ، وَلَا يَدْلُكَنَّ رِجْلَيْهِ بِالْخَرْفِ؛

فَإِنَّهُ يورثُ الْجُذَامَ. [۱۱۴۹]

ج أَكَلَ الْعُدَدِ

۸۴۲. الإمام علي عليه السلام: إِذَا اشْتَرَى أَحَدُكُمْ لَحْمًا فَلْيُخْرِجْ مِنْهُ الْعُدَدَ؛ فَإِنَّهُ يُحَرِّكُ عِرْقَ الْجُذَامِ. [۱۱۵۰]

د أَكَلَ الْجَرَجِيرِ بِاللَّيْلِ

۸۴۳. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَكَلَ الْجَرَجِيرَ بِاللَّيْلِ ضَرَبَ عَلَيْهِ عِرْقَ الْجُذَامِ مِنْ

أَنْفِهِ، وَبَاتَ يُنَزِّفُ الدَّمَ. [۱۱۵۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۷

### ۳ / ۹ عوامل ابتلا به جذام

#### الف غسل کردن با آبی که پیش‌تر در آن غسل شده است

۸۴۰. امام رضا علیه السلام: هر کس با آبی غسل کند که پیش‌تر در آن غسل شده است و بدین سبب به جذام مبتلا شود، کسی جز خود را نکوهش نکند.

#### ب مالیدن سفال بر بدن در حمام

۸۴۱. امام علی علیه السلام: زنه‌ار! مبادا که کسی در حمام، به پشت بخوابد؛ زیرا این کار، چربی کلیه‌ها را ذوب می‌کند؛ و مبادا کسی پاهای خود را سفال (سنگ پا) بکشد؛ زیرا این کار، جذام می‌آورد.

#### ج خوردن غده

۸۴۲. امام علی علیه السلام: هر گاه کسی از شما گوشت خرید، غده‌ها را از آن بیرون آورد؛ زیرا آنها رگ جذام را تحریک می‌کنند.

#### د خوردن تره تیزک به هنگام شب

۸۴۳. امام صادق علیه السلام: هر کس شب هنگام، تره تیزک [۱۱۵۲] بخورد، رگ جذام به بینی او حمله کند و چون شب بخوابد، خون دماغ شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۸

راجع: ج ۲، ص ۲۷۰ (الجرجیر).

ه التَّخَلُّلُ بَعْدَ الرَّيْحَانِ وَ قَضِيبِ الرُّمَانِ

۸۴۴. الإمام الكاظم عليه السلام: لا تَخَلَّلُوا بَعْدَ الرَّيْحَانِ، وَلَا بِقَضِيبِ الرُّمَانِ؛ فَإِنَّهُمَا يَهَيِّجَانِ عِرْقَ الْجُدَامِ. [۱۱۵۳]

و جِمَاعِ الْحَائِضِ

۸۴۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ وَطِئَ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حَائِضٌ فَقَضَى بَيْنَهُمَا وَلَدٌ فَأَصَابَهُ جُدَامٌ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. [۱۱۵۴]

راجع: ج ۱، ص ۶۰۲ (أضرار وطء الحائض).

۴ / ۹

الْوَقَايَةُ مِنَ الْجُدَامِ

أ التَّجَنُّبُ مِنَ الْمُصَابِينَ بِالْجُدَامِ

۸۴۶. رسول الله صلى الله عليه و آله مِنْ وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، كَرِهَ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ لِأُمَّتِي... أَنْ يُكَلِّمَ

الرَّجُلَ مَجْدُومًا إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ قَدْرُ ذِرَاعٍ. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: فَرَّ مِنَ الْمَجْدُومِ فِرَارَكَ مِنَ الْأَسَدِ. [۱۱۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۹

همچنین بنگرید به: ج ۲، ص ۲۷۱ (جرجیر).

### ه خلال کردن با چوب و چوب انار

۸۴۴. امام کاظم علیه السلام: با چوب ریحان [۱۱۵۶] و چوب انار، خلال نکنید؛ زیرا که رگ جذام را تحریک می کنند.

### و همبستری با زن حائض

۸۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با زنش در حالی که وی حائض است، نزدیکی کند و برایشان فرزندی تقدیر شود و

این فرزند به جذام مبتلا گردد، کسی جز خویش را نکوهد.

ر. ک: ج ۱، ص ۶۰۳ (زیان های آمیزش با زن حائض).

### ۴ / ۹ پیشگیری از جذام

### الف دوری گزیدن از مبتلایان به جذام

۸۴۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش های ایشان به امام علی علیه السلام: «ای علی! خداوند برای امت من، این را خوش

ندارد... که کسی با جذامیان سخن گوید،

مگر این که میانشان به اندازه یک ذراع، فاصله باشد».

همچنین فرمود: «از جذامی بگریز، چنان که از شیری می‌گریزی».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۰

۸۴۷. عنه صلى الله عليه و آله: كَلِمَ الْمَجْذُومِ وَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ قَدْرُ رُمْحٍ، أَوْ رُمْحَيْنِ. [۱۱۵۷]

ب الاجْتِنَابِ عَنِ الْجَمَاعِ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ وَسَطِهِ وَ آخِرِهِ

۸۴۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: يَا عَلِيُّ، لَا تَجَامِعِ امْرَأَتَكَ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ وَسَطِهِ وَ آخِرِهِ؛ فَإِنَّ الْجُنُونَ، وَ الْجُذَامَ، وَ الْخَبْلَ،

لَيَسْرُعُ إِلَيْهَا وَ إِلَى وَلَدِهَا. [۱۱۵۸]

ج أَكُلُ السَّلْجَمِ

۸۴۹. الإمام الصادق عليه السلام: مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ فِيهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُذَامِ، فَأَذِيبُوهُ بِالسَّلْجَمِ. [۱۱۵۹]

۸۵۰. الإمام الكاظم عليه السلام: عَلَيْكَ بِاللَّفْتِ فَكُلُّهُ يَعْنِي السَّلْجَمَ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ لَهُ عِرْقٌ مِنَ الْجُذَامِ، وَ اللَّفْتُ يُذِيبُهُ. [۱۱۶۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۱

۸۴۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: در حالی با جذامی سخن بگو که میان تو و او، به اندازه یک یا دو نیزه، فاصله است.

### ب پرهیز از آمیزش جنسی در آغاز، میان و پایان ماه

۸۴۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: ای علی! در آغاز و پایان ماه با همسرت آمیزش مکن؛ چرا که در این صورت، دیوانگی، جذام

و تباه مغزی به سراغ او و فرزندش می‌آید.

### ج خوردن شلغم

۸۴۹. امام صادق علیه السلام: هیچ کس نیست که در او ریشه‌ای از جذام نباشد. این ریشه را با [خوردن شلغم بسوزانید.

۸۵۰. امام کاظم علیه السلام: بر تو باد شلغم! آن (یعنی شلغم) را بخور؛ زیرا هیچ کس نیست که در او رگی از جذام نباشد، اما

شلغم، این رگ را می‌سوزاند. [۱۱۶۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۲

د أَكُلُ الْكَزَاثِ

۸۵۱. الكافي عن فرات بن أحمد: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْكَزَاثِ، فَقَالَ: كَلُّهُ؛ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعِ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يَطْرُدُ

الرِّيَّاحَ، وَ يَقَطِّعُ الْبُؤَاسِيْرَ، وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ لِمَنْ أَدْمَنَ عَلَيْهِ. [۱۱۶۲]

ه أَكُلُ السَّلْقِ

۸۵۲. الإمام الصادق عليه السلام: أَكُلُ السَّلْقِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُذَامِ. [۱۱۶۳]

۸۵۳. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَفَعَ عَنِ الْيَهُودِ الْجُذَامَ بِأَكْلِهِمُ السَّلْقَ، وَ قَلَعَهُمُ الْعُرُوقَ. [۱۱۶۴]

۸۵۴. الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ السَّلْقَ يَقْمَعُ عِرْقَ الْجُذَامِ. [۱۱۶۵]

و أَكُلُ الْحَوْكِ

۸۵۵. الإمام الصادق عليه السلام: الْحَوْكُ بَقْلَةُ الْأَنْبِيَاءِ... وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ، إِذَا اسْتَقَرَّ فِي جَوْفِ الْإِنْسَانِ فَمَعَ الدَّاءُ كُلَّهُ. [۱۱۶۶]

## ز شُرْبِ الْحَرَمَلِ

۸۵۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ شَرِبَ الْحَرَمَلَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا كُلَّ يَوْمٍ مِثْقَالَ لَاسْتِنَارَ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ، وَ عَوْفَى مِنْ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَاءً؛ أَهْوَنُهُ الْجُدَامُ. [۱۱۶۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۳

## د خوردن تره

۸۵۱. الکافی به نقل از فرات بن احنف: از امام صادق علیه السلام درباره تره پرسیدند. فرمود: «آن را بخورید که در آن، چهار ویژگی است: بوی دهان را خوش می‌سازد؛ بادها را از بدن می‌رانند؛ بواسیر را ریشه کن می‌کند؛ و هر کس را که بدان مداومت داشته باشد، از جذام، ایمن می‌دارد».

## ه خوردن چغندر

۸۵۲. امام صادق علیه السلام: خوردن چغندر در برابر جذام ایمنی می‌دهد.

۸۵۳. امام صادق علیه السلام: خداوند، جذام را از میان یهودیان برداشت، بدان سبب که چغندر می‌خوردند و رگ‌ها را بیرون می‌کشیدند. [۱۱۶۸]

۸۵۴. امام کاظم علیه السلام: چغندر، رگ جذام را به کلی از میان می‌برد.

## و خوردن حوک

۸۵۵. امام صادق علیه السلام: حوک (بادروج)، سبزی پیامبران است ... و امان انسان از جذام است. چون در درون انسان جای گیرد، همه بیماری‌ها را فرو می‌نشاند.

## ز خوردن هزار اسپند

۸۵۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس به مدت چهل روز، هر صبح، یک مثقال هزار اسپند حل کرده در آب بخورد، نور حکمت در دلش روشن می‌شود و از ۷۲

بیماری که کمترین آنها جذام است، ایمنی می‌یابد. [۱۱۶۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۴

۸۵۷. الإمام الصادق علیه السلام و سُرِّئِلَ عَنِ الْحَرَمَلِ وَ اللَّبَانِ: أَمَا الْحَرَمَلُ؛ فَإِنَّهُ فَمَا تَعَلَّغَ لَهُ عِرْقٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا ارْتَفَعَ لَهُ فَرْعٌ فِي السَّمَاءِ إِلَّا وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مَلَكًا، حَتَّى يَصِيرَ حُطَامًا، أَوْ يَصِيرَ إِلَى مَا صَارَ إِلَيْهِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَتَنَكَّبُ سَبْعِينَ دَارًا دُونَ الدَّارِ الَّتِي فِيهَا الْحَرَمَلُ؛ وَ هُوَ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً أَهْوَنُهُ الْجُدَامُ، فَلَا يَفُوتَنَّكُمْ. [۱۱۷۰]

ح دَوْرُ الزُّكَامِ فِي الْوَقَايَةِ مِنَ الْجُدَامِ



۸۵۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: لا تَكْرَهُوا أَرْبَعَةً... وَ الزُّكَّامَ؛ فَإِنَّهُ يَقْطَعُ عُرُوقَ الْجُدَامِ. [۱۱۷۱]

۸۵۹. عنه صلى الله عليه و آله: ما من إنسانٍ إلَّا و فى رأسِهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، فَيَبِغُ اللَّهُ عَلَيْهِ الزُّكَّامَ فَيَذِيئُهُ، و إذا وَجَدَ أَحَدَكُمْ فَلْيَدْعُهُ و لا يُدَاوِيهِ، حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ يُدَاوِيهِ. [۱۱۷۲]

۸۶۰. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله لَا يَتَدَاوَى مِنَ الزُّكَّامِ، وَ يَقُولُ: ما من أَحَدٍ إلَّا و بِهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، فَإِذَا أَصَابَهُ الزُّكَّامُ قَمَعَهُ. [۱۱۷۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۵

۸۵۷. امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسشی درباره هزار اسپند و کُنْدُر: اما هزار اسپند، هیچ ریشه‌ای از آن در زمین فرو نمی‌رود و هیچ شاخه‌ای از آن به آسمان بلند نمی‌شود، مگر این که خداوند عز و جل، فرشته‌ای را بر آن گمارد تا آن هنگام که خشک شود یا به سرنوشتی دیگر درآید. شیطان نیز از خانه‌ای که در آن هزار اسپند است، هفتاد خانه دور می‌شود، و آن، شفای هفتاد بیماری است که کمترین آنها جذام است. پس مبدا که آن را از دست بدهید.

### ح تأثیر زکام در پیشگیری از جذام

۸۵۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: چهار چیز را ناخوشایند مدارید:... و زکام را؛ چرا که رگ‌های جذام را به کلی از میان می‌برد.  
۸۵۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هیچ انسانی نیست، مگر این که در سر او رگی از جذام هست. پس خداوند، زکام را به نابودی آن بر می‌انگیزد و زکام آن را می‌سوزاند. هر گاه کسی از شما زکام یافت، آن را واگذارد و درمان نکند، تا آن که خداوند خود، آن را درمان سازد.

۸۶۰. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، زکام را درمان نمی‌کرد و می‌فرمود: «هیچ کس نیست که رگی از جذام در او نباشد؛ اما چون زکام به شخص رسد، این رگ را می‌زداید».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۶

ط أَخَذَ الشَّارِبِ وَ الْأَطْفَارِ

۸۶۱. الإمام الصادق عليه السلام: أَخَذَ الشَّارِبِ وَ الْأَطْفَارِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ. [۱۱۷۴]

راجع: ج ۱، ص ۵۵۴ (تقلیم الأظفار يوم الجمعة). ج ۱، ص ۴۷۸ (صحة الجلد/ الخضاب). ج ۱، ص ۴۸۰ (صحة الجلد/ افتتاح الطعام بالملح). ج ۱، ص ۴۸۲ (صحة الجلد/ الغبراء). ج ۱، ص ۴۸۴ (صحة الجلد/ السنا). ج ۱، ص ۴۸۴ (دور المشومات في الوقاية من الأمراض الجلدية). ج ۱، ص ۴۸۶ (دور الحمامية في الوقاية من الأمراض الجلدية و معالجاتها). ج ۱، ص ۴۹۰ (دور بعض الأذكار في صحة الجلد). ج ۱، ص ۴۹۸ (الوقاية من الجذام).

۵ / ۹

أسباب الإبتلاء بالبَرَصِ

أ استعمال ماءٍ سَخَّنَتْهُ الشَّمْسُ

۸۶۲. رسول الله صلى الله عليه و آله: الماء الَّذِي تُسَخَّنُهُ الشَّمْسُ لَا تَوَضَّؤُوا بِهِ، وَلَا تَغْتَسِلُوا بِهِ، وَلَا تَعَجِنُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ يورِثُ البَرَصَ. [۱۱۷۵]

۸۶۳. الإمام الكاظم عليه السلام: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَلَى عَائِشَةَ وَ قَدْ وَصَّعَتْ قُمَّمَتَهَا فِي الشَّمْسِ، فَقَالَ: يا حُمَيْرَاءُ،

ما هذا؟

قَالَتْ: أُغْسِلُ رَأْسِي وَجَسَدِي.

فَقَالَ: لَا تَعُودِي؛ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ. [۱۱۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۷

### ط کوتاه کردن سبیل و ناخن‌ها

۸۶۱. امام صادق علیه السلام: گرفتن سبیل و ناخن‌ها از جمعه تا جمعه، مایه ایمنی از جذام است.

ر. ک: ج ۱، ص ۵۵۵ (کوتاه کردن ناخن‌ها در روز جمعه). ج ۱، ص ۴۷۹ (بهداشت پوست/ خضاب کردن) ج ۱، ص ۴۸۱ (بهداشت پوست/ آغاز کردن غذا با نمک). ج ۱، ص ۴۸۳ (بهداشت پوست/ سنجد) ج ۱، ص ۴۸۵ (بهداشت پوست/ گیاه سنا). ج ۱، ص ۴۸۵ (تأثیر بوییدنی‌ها در پیشگیری از بیماری‌های پوستی). ج ۱، ص ۴۸۷ (اثر حجامت در پیشگیری و درمان بیماری‌های پوستی). ج ۱، ص ۴۹۱ (تأثیر برخی از ذکرها در بهداشت پوست). ج ۱، ص ۴۹۹ (پیشگیری از جذام).

### ۹/ ۵ عوامل ابتلا به پیسی

#### الف استفاده از آبی که با آفتاب، گرم شده است

۸۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با آبی که به آفتاب گرم شده است، نه وضو سازید، نه غسل کنید و نه خمیر بسازید؛ چرا که پیسی می‌آورد.

۸۶۳. امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا، در حالی که عایشه، قمقمه آب خود را در آفتاب گذاشته بود، بر او وارد شد. فرمود: «ای حُمیرا! این چیست؟».

گفت: سر و تنم را با آن می‌شویم.

فرمود: «دیگر این کار را نکن؛ چرا که پیسی می‌آورد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۸

ب تَدْلِيكَ الْجَسَدِ بِالْخَرْفِ فِي الْحَمَامِ

۸۶۴. الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَتَّكِ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يُذِيبُ سَدْحَمَ الْكَلْبِيِّينَ، وَلَا تُسْرِحَ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الشَّعْرَ... وَلَا تَتَدَلَّكَ بِالْخَرْفِ؛ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ، وَلَا تَمْسَحَ وَجْهَكَ بِالْإِزَارِ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ. [۱۱۷۷]

۸۶۵. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَخَذَ مِنَ الْحَمَامِ خَرْفَةً، فَحَكَ بِهَا جَسَدَهُ، فَأَصَابَهُ الْبَرَصُ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. [۱۱۷۸]

ج الْأَكْلُ عَلَى الشَّبَعِ

۸۶۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْأَكْلُ عَلَى الشَّبَعِ يُورِثُ الْبَرَصَ. [۱۱۷۹]

د خَمْسُ خِصَالٍ

۸۶۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: خَمْسُ خِصَالٍ تُورِثُ الْبَرَصَ: الثَّوْرَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ، وَ التَّوَضُّؤُ وَ الْاِغْتِسَالُ بِالْمَاءِ الَّذِي تُسَخِّنُهُ الشَّمْسُ، وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجَنَابَةِ، وَ غَشْيَانُ الْمَرَأَةِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهَا، وَ الْأَكْلُ عَلَى الشَّبَعِ. [۱۱۸۰]

راجع: ج ۱، ص ۵۷۲ (ما یورث النقرس). ج ۱، ص ۶۰۲ (أضرار وطء الحائض).

### ب مالیدن سفال بر بدن در حمام

۸۶۴. امام صادق علیه السلام: در حمام، تکیه نزن؛ چرا که چربی کلیه‌ها را ذوب می‌کند. در حمام، شانه مزن؛ چرا که مو را باریک می‌کند. سفال (سنگ‌پا) را به تن ممال؛ چرا که پیسی می‌آورد. لُنگ را نیز بر صورت خود مکش؛ چرا که آب روی را می‌برد.

۸۶۵. امام رضا علیه السلام: هر کس از حمام، سفالی بگیرد و تن خود را با آن بسابد و از آن پس به جذام مبتلا شود، مبادا جز خویش را سرزنش کند. [۱۱۸۱]

### ج خوردن از روی سیری

۸۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن از روی سیری، پیسی می‌آورد.

### د پنج عامل

۸۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز است که پیسی می‌آورد: نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه؛ وضو گرفتن و غسل کردن با آبی که به آفتاب گرم شده است؛ خوردن در حال جنابت؛ آمیزش با زن در هنگام حائض بودنش؛ و خوردن در حال سیری.

ر. ک: ج ۱، ص ۵۷۳ (آنچه نقرس می‌آورد). ج ۱، ص ۶۰۳ (زیان‌های آمیزش با زن حائض).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۰

۶ / ۹

الْوَقَايَةُ مِنَ الْبَرَصِ

أَسْتِعْمَالُ الْخَطْمِيِّ

۸۶۸. الإمام الصادق عليه السلام: غَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ؛ أَمَانٌ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُنُونِ. [۱۱۸۲]

ب أَكْلُ الْبَاذَنْجَانِ

۸۶۹. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيكُمْ بِالْبَاذَنْجَانِ الْبُورَانِيِّ؛ فَهُوَ شِفَاءٌ يُؤْمِنُ مِنَ الْبَرَصِ، وَكَذَا الْمَقْلِيُّ بِالزَّيْتِ. [۱۱۸۳]

ج ظُهُورُ الدَّمَامِيلِ

۸۷۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: لَا تَكْرَهُوا أَرْبَعَةً... وَالدَّمَامِيلَ؛ فَإِنَّهَا [۱۱۸۴] تَقَطُّعُ عُرُوقَ الْبَرَصِ. [۱۱۸۵]

راجع: ج ۱، ص ۲۵۲ (ما یورث الحفظ/ الکرفس). ج ۱، ص ۴۷۸ (صحة الجلد/ الخضاب). ج ۱، ص ۴۸۰ (صحة الجلد/ افتتاح

الطعام بالملح). ج ۱، ص ۴۸۴ (صحة الجلد/ السنن). ج ۱، ص ۴۸۴ (دور المشمومات في الوقاية من الأمراض الجلدية). ج ۱، ص

۴۸۶ (دور الحجامة في الوقاية من الأمراض الجلدية و معالجاتها). ج ۱، ص ۴۸۸ (دور الزكام و العطاس في الوقاية من الأمراض

الجلدية). ج ۱، ص ۴۹۰ (دور بعض الأذكار في صحة الجلد). ج ۱، ص ۵۵۴، ح ۹۵۲ و ۹۵۳.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۱

## الف استفاده از خَطْمی

۸۶۸. امام صادق علیه السلام: شستن سر با خَطْمی در هر جمعه، مایه ایمنی از پیسی و دیوانگی است.

## ب خوردن بادنجان

۸۶۹. امام صادق علیه السلام: بر شما باد بادنجان (/ بادمجان) بورانی؛ زیرا شفایی است که از پیسی ایمنی می‌دهد. بادنجانی هم که به روغن زیتون سرخ شود، چنین است.

## ج بیرون زدن کورک

۸۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز را ناخوشایند مدارید: ... و کورک را؛ چرا که ریشه‌های پیسی را قطع می‌کند. ر. ک: ج ۱، ص ۲۵۳ (آنچه حافظه را تقویت می‌کند/ کرفس) ج ۱، ص ۴۷۹ (بهداشت پوست/ خضاب کردن). ج ۱، ص ۴۸۱ (بهداشت پوست/ آغاز کردن غذا با نمک). ج ۱، ص ۴۸۵ (بهداشت پوست/ گیاه سنا). ج ۱، ص ۴۸۵ (تأثیر بوییدنی‌ها در پیشگیری از بیماری‌های پوستی). ج ۱، ص ۴۸۷ (اثر حجامت در پیشگیری و درمان بیماری‌های پوستی). ج ۱، ص ۴۸۹ (تأثیر زکام و عطسه در پیشگیری از بیماری‌های پوستی). ج ۱، ص ۴۹۱ (تأثیر برخی از ذکرها در بهداشت پوست). ج ۱، ص ۵۵۵ (کوتاه کردن ناخن‌ها در روز جمعه/ ح ۹۵۲ و ۹۵۳).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۲

۷ / ۹

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الْبَرَصِ

أَأَكَلَ لَحْمَ الْبَقْرِ بِالسَّلْقِ

۸۷۱. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ شَكَّوْا إِلَىٰ مُوسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا يَلْقَوْنَ مِنَ الْبَيَاضِ، فَشَكَا ذَلِكَ إِلَىٰ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأَوْحَىٰ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: مُرَّهُمْ يَأْكُلُوا لَحْمَ الْبَقْرِ بِالسَّلْقِ. [۱۱۸۶]

۸۷۲. الإمام الصادق عليه السلام: مَرَّقُ السَّلْقِ بِلَحْمِ الْبَقْرِ يَذْهَبُ بِالْبَيَاضِ. [۱۱۸۷]

ب مَرَّقُ لَحْمِ الْبَقْرِ

۸۷۳. الإمام الصادق عليه السلام: مَرَّقُ لَحْمِ الْبَقْرِ يَذْهَبُ بِالْبَيَاضِ. [۱۱۸۸]

۸۷۴. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَكَلَ مَرَّقًا بِلَحْمِ بَقْرٍ أَذْهَبَ اللَّهُ تَعَالَىٰ عَنْهُ الْبَرَصَ وَالْجُدَامَ. [۱۱۸۹]

ج السَّوِيقُ

۸۷۵. الإمام الصادق عليه السلام: السَّوِيقُ الْجَافُّ يَذْهَبُ بِالْبَيَاضِ. [۱۱۹۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۳

### الف خوردن گوشت گاو همراه با چغندر

۸۷۱. امام باقر علیه السلام: بنی اسرائیل، از لگه‌های سفیدی که [بر پوست می‌دیدند، نزد موسی علیه السلام اظهار ناراحتی کردند. پس خداوند به موسی علیه السلام چنین وحی فرستاد: «به آنان بگو که گوشت گاو، همراه با چغندر بخورند».
۸۷۲. امام صادق علیه السلام: آب گوشت چغندر با گوشت گاو، سفیدی [۱۱۹۱] را از میان می‌برد.

### ب آب گوشت گاو

۸۷۳. امام صادق علیه السلام: آب گوشت گاو، پیسی را از میان می‌برد.
۸۷۴. امام کاظم علیه السلام: هر کس آب گوشت گاو بخورد، خداوند، پیسی و جذام را از او دور می‌کند.

### ج سویق

۸۷۵. امام صادق علیه السلام: سویق [۱۱۹۲] خشک، سفیدی را از میان می‌برد.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۴
۸۷۶. الإمام کاظم علیه السلام: السَّوِيقُ وَ مَرَقُ لَحْمِ الْبَقَرِ يَذْهَبَانِ بِالْوَضْحِ. [۱۱۹۳]
۸۷۷. عنه علیه السلام: مَرَقُ لَحْمِ الْبَقَرِ مَعَ السَّوِيقِ الْجَافِّ يَذْهَبُ بِالْبَرَصِ. [۱۱۹۴]
- راجع: ج ۲، ص ۴۹۴، ح ۲۰۳۵ و ۲۰۳۶.

۸ / ۹

### ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الْبَهَقِ

۸۷۸. الكافي عن أحمد بن الحسن الجلاب عن بعض أصحابنا: شكا رجل إلى أبي الحسن عليه السلام البهق، فأمره أن يطبخ الماش و يتحساه و يجعله في طعمه. [۱۱۹۵]
۸۷۹. مكارم الأخلاق عن الإمام الرضا عليه السلام و سأله بعض أصحابه عن البهق: أخذ الماش الرطب في أيامه، و دقه مع ورقه، و اعصر الماء، و اشربه على الريق، و اطله على البهق.
- قال: ففعلت، فعوفيت. [۱۱۹۶]
۸۸۰. طب الأئمة عن عبد الله بن سنان: شكا رجل إلى أبي عبد الله عليه السلام الوضح و البهق، فقال: ادخل الحمام و اخلط الحناء بالنورة و اطل بهما؛ فإنك لا تعاني بعد ذلك شيئا.
- قال الرجل: فوالله ما فعلته إلا مرة واحدة، فعافاني الله منه، و ما عاد بعد ذلك. [۱۱۹۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۵

۸۷۶. امام کاظم علیه السلام: سویق و آب گوشتی که با گوشت گاو فراهم آمده باشد، پیسی را از میان می‌برد.
۸۷۷. امام کاظم علیه السلام: آب گوشت فراهم آمده با گوشت گاو همراه با سویق، پیسی را از میان می‌برد.

همچنین، ر. ک به: ج ۲، ص ۴۹۵ ح ۲۰۳۵ و ۲۰۳۶.

## ۹ / ۸ آنچه برای درمان بَهک، سودمند است

۸۷۸. الکافی به نقل از احمد بن حسن بن جلاب، از یکی از یاران امام کاظم علیه السلام: مردی نزد امام کاظم علیه السلام از بَهک [۱۱۹۸] اظهار ناراحتی کرد. امام علیه السلام، به او فرمود که ماش بپزد و از آن شوربایی بسازد و در خوراک خود، قرار دهد. ۸۷۹. مکارم الأخلاق به نقل از امام رضا علیه السلام در پاسخ و پرسش با یکی از یارانش در مورد بَهک: «ماش تازه را در هنگام خاصّ خودش فراهم کن و آن را با برگش بکوب و آب آن را بگیر و ناشتا بخور و بر روی محلّ بَهک نیز بمال». آن مرد می گوید: این کار را انجام دادم و بهبود یافتم.

۸۸۰. طبّ الأئمّة عليهم السلام به نقل از عبد الله بن سنان: مردی نزد امام صادق علیه السلام از لک و پیسی اظهار ناخرسندی کرد. فرمود: «به حَمَام برو و حنا را به نوره درآمیز و بر محل بمال؛ چه، پس از این کار، هیچ ناراحتی ای نخواهی داشت». آن مرد می گوید: به خداوند سوگند، تنها یک بار این کار را انجام دادم و خداوند، مرا بهبود بخشید و آن بیماری [دیگر] باز نگشت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۶

۹ / ۹

### ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الْجَرَبِ

۸۸۱. مکارم الأخلاق: شَكَا بَعْضُهُمْ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثْرَةَ مَا يُصِيبُهُ مِنَ الْجَرَبِ، فَقَالَ: إِنَّ الْجَرَبَ مِنْ بُخَارِ الْكَبِدِ؛ فَادْهَبْ وَاقْتَصِدْ مِنْ قَدَمِكَ الْيَمْنَى، وَالزَّمْ أَخَذَ دِرْهَمَيْنِ مِنْ دُهْنِ اللَّوْزِ الْحُلْوِ عَلَى مَاءِ الْكَشْكِ، وَاتَّقِ الْحَيْتَانَ وَالْخَلَّ. فَفَعَلَ فَبَرِيءٌ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. [۱۱۹۹]

۱۰ / ۹

### ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الشَّقَاقِ

۸۸۲. الکافی عن عمر بن اذینه: شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَقَاقًا فِي يَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ: خُذْ قُطْنَةً فَاجْعَلْ فِيهَا بَانًا وَضَعَهَا فِي سُرَّتِكَ.

فَقَالَ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! يَجْعَلُ الْبَانَ فِي قُطْنَةٍ وَيَجْعَلُهَا فِي سُرَّتِهِ؟

فَقَالَ: أَمَا أَنْتَ يَا إِسْحَاقُ، فَضَّبَّ الْبَانَ فِي سُرَّتِكَ؛ فَإِنَّهَا كَبِيرَةٌ.

قَالَ ابْنُ أَدِينَةَ: لَقِيتُ الرَّجُلَ بَعْدَ ذَلِكَ، فَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ فَعَلَهُ مَرَّةً وَاحِدَةً فَذَهَبَ عَنْهُ. [۱۲۰۰]

۱۱ / ۹

### ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ نَمَشِ الْوَجْهِ

۸۸۳. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ ذَرَّ عَلَى أَوَّلِ لُقْمَةٍ مِنْ طَعَامِهِ الْمِلْحَ ذَهَبَ عَنْهُ بِنَمَشِ الْوَجْهِ. [۱۲۰۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۷

## ۹ / ۹ آنچه برای درمان گری سودمند است

۸۸۱. مکارم الأخلاق: کسی نزد امام کاظم علیه السلام، از فراوانی گری‌ای که بدان مبتلا بود، اظهار ناراحتی کرد. فرمود: «گری، از بخارِ جگر است. برو و پای راست خود را رگ بزن و بر استفاده کردن از دو درهم روغن بادام شیرین، همراه با آب کشک جو، ملازمت کن و از [خوردن ماهی و سرکه نیز حذر کن]». آن مرد، این کار را انجام داد و به اذن خداوند عز و جل، بهبود یافت.

#### ۹/ ۱۰ آنچه برای درمان تَرَک پوست، سودمند است

۸۸۲. الکافی به نقل از عمر بن اذینه: مردی از تَرَک پوست دست و پای خود، نزد امام صادق علیه السلام اظهار ناراحتی کرد. امام به او فرمود: «پنبه‌ای بردار و یک گیاهِ بان [۱۲۰۲] در میان آن قرار ده و آن را در ناف خود کن». اسحاق بن عمّار گفت: فدایت شوم! گیاهِ بان را در میان پنبه‌ای بیچد و آن را در ناف خود قرار دهد؟ فرمود: «اما تو ای اسحاق! بان را در ناف خود بریز، که بزرگ است [و گنجایش دارد]». ابن اذینه می‌گوید: پس از آن ماجرا، آن مرد را دیدم و به من گفت که آن کار را یک بار انجام داده و ناراحتی او از میان رفته است.

#### ۹/ ۱۱ آنچه برای درمان کک و مک صورت، سودمند است

۸۸۳. امام صادق علیه السلام: هر کس بر نخستین لقمه غذای خود، نمک بپاشد، کک و مک صورت او از میان می‌رود. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۸

۱۲/۹

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الْقَرَحَةِ

۸۸۴. سنن ابن ماجه عن سلمی امّ رافع: كَانَ لَا يُصِيبُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَرَحَةٌ وَلَا شَوْكَةٌ إِلَّا وَضَعَ عَلَيْهِ الْحِنَاءَ. [۱۲۰۳]

۱۳/۹

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الْحَزَاذَةِ

۸۸۵. الإمام الصادق عليه السلام: غَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ، وَ بَرَاءَةٌ مِنَ الْفَقْرِ، وَ طَهْوَرُ لِلرَّأْسِ مِنَ الْحَزَاذَةِ. [۱۲۰۴]

۱۴/۹

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ السَّهَكِ

۸۸۶. الإمام الصادق عليه السلام: الْحِنَاءُ يَذْهَبُ بِالسَّهَكِ، وَ يَزِيدُ فِي مَاءِ الْوَجْهِ، وَ يُطَيِّبُ النِّكْهَةَ، وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ. [۱۲۰۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۹

#### ۹/ ۱۲ آنچه برای درمان زخم‌های چرکین، سودمند است

۸۸۴. سنن ابن ماجه به نقل از سلمی امّ رافع: پیامبر صلی الله علیه و آله، هیچ زخم چرکین یا خار گوشتی‌ای بر بدنش عارض نمی‌شد، مگر این که بر آن، حنا می‌نهاد.

۸۸۵. امام صادق علیه السلام: شستن سر با خَطْمی، مایه ایمنی از سردرد، بر کنار ماندن از فقر، و پاکیزگی سر از سبوسه است.

۸۸۶. امام صادق علیه السلام: حنا، بوی بد عَرَق را از میان می‌برد، بر طراوت صورت می‌افزاید، دهان را خوش بو می‌کند و فرزند را نیکو می‌سازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۰

### الفصل العاشر: الشعر

۱/۱۰

الإشارة إلى ما فيه من الحكمة

أفراز المواد الزائدة

۸۸۷. بحار الأنوار عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عليه السلام في بيان النعم التي وهبها الله تعالى للإنسان: تأمل واعتبر بحسن التدبير في خلق الشعر والأظفار؛ فإنهما لما كانا مما يطول ويكثر حتى يحتاج إلى تخفيفه أولاً فأولاً، جعلاً عديمي الحس؛ لئلا يؤلم الإنسان الأخذ منهما، ولو كان قص الشعر وتقليم الأظفار مما يوجد له مس من ذلك لكان الإنسان من ذلك بين مكروهين: إما أن يدع كل واحد منهما حتى يطول فيثقل عليه، وإما أن يخففه بوجع و ألم يتألم منه.

قال المفضل: فقلت: فلم لم يجعل ذلك خلقه لا تزيد فيحتاج الإنسان إلى التقصان منه؟

فقال عليه السلام: إن لله تبارك اسمه في ذلك على العبد نعماً لا يعرفها فيحمد عليها!

اعلم أن آلام البدن وأدواءه تخرج بخروج الشعر في مسامه، وبخروج الأظفار من أناملها؛ ولذلك أمر الإنسان بالنورة، وخلق الرأس، وقص الأظفار في كل أسبوع؛ ليسرع الشعر والأظفار في النبات، فتخرج الآلام والأدواء بخروجها، وإذا طالا تحيراً وقل خروجهما، فاحتبست الآلام والأدواء في البدن، فأحدثت عللاً وأوجاعاً، ومنع مع ذلك الشعر من المواضع التي يضرب بالإنسان ويحدث عليه الفساد والضرر؛ لو نبت الشعر في العين ألم يكن سيعمي البصير؟ ولو نبت في الفم ألم يكن سيغص على الإنسان طعامة وشرابه؟ ولو نبت في باطن الكف ألم يكن سيعوقه عن صحة اللبس وبعض الأعمال؟ فلو نبت في فرج المرأة أو على ذكر الرجل ألم يكن سيفسد عليهما لذة الجماع؟ فانظر كيف تنكب الشعر هذه المواضع؛ لما في ذلك من المصلحة.

ثم ليس هذا في الإنسان فقط، بل تجده في البهائم والسباع وسائر المناسلات؛ فإنك ترى أجسامهن مجللة بالشعر، وترى هذه المواضع خالية منه لهذا السبب بعينه، فتأمل الخلقه كيف تتحرز وجوه الخطأ والمضرة، وتأتي بالصواب والمنفعة.

إن المناسية [۱۲۰۶] وأشباههم حين اجتهدوا في عيب الخلقه والعمد، عابوا الشعر الثابت على الركب والإبطين، ولم يعلموا أن ذلك من رطوبته تنصب إلى هذه المواضع فتثبت فيها الشعر، كما يثبت العشب في مستنقع المياه. أفلا ترى إلى هذه المواضع أستر وأهياً لقبول تلك الفضله من غيرها.



ثُمَّ إِنَّ هَذِهِ تُعَدُّ مِمَّا يَحْمِلُ الْإِنْسَانُ مِنْ مَوْؤَنِهِ هَذَا الْبَدَنَ وَ تَكَالِيفِهِ لِمَا لَهُ فِي ذَلِكَ مِنَ الْمَصْلَحَةِ؛ فَإِنَّ اهْتِمَامَهُ بِتَنْظِيفِ بَدَنِهِ، وَ أَخْذِ مَا يَعْلُوهُ مِنَ الشَّعْرِ مِمَّا يَكْسِرُ بِهِ شَرَّتَهُ وَ يَكْفُفُ عَادِيَّتَهُ وَ يَشْغُلُهُ عَنْ بَعْضِ مَا يُخْرِجُهُ إِلَيْهِ الْفَرَاغُ مِنَ الْأَشْرِ وَ الْبَطَالَةِ. [۱۲۰۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۱

## فصل دهم: مو

### ۱۰/ اشاره به حکمت نهفته در مو

### الف دفع مواد زاید

۸۸۷. بحار الأنوار به نقل از محمد بن سنان، از مفصل بن عمر، در گفتگو با امام صادق علیه السلام (در بیان نعمت‌هایی که خداوند متعال به انسان بخشیده است): امام صادق علیه السلام فرمود: «در این بنگر و تأمیل کن که چه حُسنِ تدبیری در آفرینش موها و ناخن‌هاست. از آن رو که آنها از چیزهایی اند که بلند می‌شوند و زیاد می‌شوند، به گونه‌ای که نیاز است پیوسته از آنها کاسته شود، فاقد حس آفریده شده‌اند، تا انسان از کوتاه کردن آنها احساس درد نکند؛ در حالی که اگر مو و ناخن از چیزهایی بودند که حس داشتند، انسان، در کوتاه کردن و چیدن آنها، میان دو ناخوشایند، می‌ماند: یا این که آنها را وا گذارد تا بلند شوند و بر او سنگینی کنند، و یا آن که با تحمل درد و رنجی که او را می‌آزارد، آنها را کوتاه کند».

مفصل می‌گوید: گفتم: چرا اصولاً اینها به گونه‌ای آفریده نشده‌اند که زیاد و بلند نشوند تا انسان به کوتاه کردن آنها نیازمند گردد؟ فرمود: «خداوند را در این باره، بر بنده، نعمت‌هایی است که آنها را نمی‌شناسد تا او را بر آنها سپاس گوید. بدان که دردها و بیماری‌های بدن، همراه با درآمدن موها از بستر خود و درآمدن ناخن‌ها از انگشتان، از بدن بیرون می‌روند. از همین رو، انسان به نوره کشیدن، سر تراشیدن و کوتاه کردن ناخن‌ها در هر هفته، فرمان یافته است تا موها و ناخن‌ها رشد شتابان‌تری یابند و با درآمدن آنها، دردها و بیماری‌ها از تن بیرون بروند. اما هنگامی که بلند شوند، سرگردان می‌مانند و درآمدنشان کاهش می‌یابد و بدین سبب، مایه‌های دردها و بیماری‌ها در بدن حبس شوند و بیماری‌ها و دردهایی را پدید آورند. افزون بر این، موها از درآمدن از جاهایی که به انسان زیان می‌رساند و تباهی و ضرر برای او پیش می‌آورد، باز داشته شده‌اند. اگر مو در چشم می‌روید، آیا دیده را نابینا نمی‌کرد؟! اگر در دهان می‌روید، آیا خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را بر انسان، ناگوار نمی‌ساخت؟! اگر در کف دست می‌روید، آیا مانع لمس صحیح توسط انسان و مانع برخی از دیگر کارها نمی‌شد؟! و اگر در شرمگاه زن یا بر آلت مرد می‌روید، آیا لذت آمیزش را بر آنها تباه نمی‌کرد؟! پس بنگر که چگونه به واسطه مصلحتی که بوده، موی بر این جاها نرویده است.

دیگر آن که این پدیده، ویژه انسان نیست؛ بلکه آن را در چارپایان، درندگان و دیگر جانوران پستاندار نیز می‌یابی. می‌بینی که تن آنها به موها شکوهی یافته و جاهای یاد شده، عیناً به همان علت، تهی از موست. در آفرینش، تأمل کن که چگونه از همه نقطه‌های خطا و زیان، دوری می‌گزیند و درستی و سودمندی را می‌آورد.

منانیه (مانویان) [۱۲۰۸] و طوایف همانندشان، آن‌گاه که کوشیده‌اند عیبی در کار آفرینش بیابند، بر موهای عانه و زیر بغل، خُرده گرفته‌اند و ندانسته‌اند که رویش این موها از رطوبتی است که بدین مواضع می‌ریزد و در نتیجه،

آن‌سان که در هر نقطه آبگیز علف می‌روید، در این جاها نیز مو می‌روید. مگر نمی‌بینی که این مواضع، از دیگر جاها پوشیده‌تر و برای پذیرش این زیاده، آماده‌تر است؟

دیگر آن که این موی (موی عانه و زیر بغل) از هزینه‌ها و تکالیف این بدن است، بدان واسطه که در آنها مصلحتی است؛ زیرا

اهتمام انسان به تمیز کردن بدن و گرفتن موهایی که بر آن می‌روید، از چیزهایی است که غرور انسان را در هم می‌شکند، او را از ستم باز می‌دارد، و وی را از بخشی از سرمستی و بطالتی که از بیکاری حاصل می‌آید، می‌رهاند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۴

ب حِفْظُ حَرَارَةِ الْبَدَنِ

۸۸۸. الإمام الصادق عليه السلام في عِلَّةِ جَعْلِ الشَّعْرِ عَلَى الرَّأْسِ مِنْ فَوْقِهِ: جُعِلَ الشَّعْرُ مِنْ فَوْقِهِ لِيُوصَلَ بِوُصُولِهِ الْأَدْهَانَ إِلَى الدِّمَاغِ، وَيُخْرِجَ بِأَطْرَافِهِ الْبُخَارَ مِنْهُ، وَيُرَدُّ الْحَرَّ وَالْبَرْدَ الْوَارِدَيْنِ عَلَيْهِ. [۱۲۰۹]

ج السَّيْطَرَةُ عَلَى الشَّهْوَةِ الْجِنْسِيَّةِ

۸۸۹. الإمام علي عليه السلام: مَا كَثُرَ شَعْرُ رَجُلٍ قَطُّ إِلَّا قَلَّتْ شَهْوَتُهُ. [۱۲۱۰]

۸۹۰. المعجم الكبير عن ابن عباس: شَكَرَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْعُزُوبَةَ فَقَالَ: أَلَا أُخْتَصِي؟

فَقَالَ: لَا، لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَصِيَ أَوْ اخْتَصِيَ، وَلَكِنْ صُمِّمْ وَوَفِّرْ شَعْرَ جَسَدِكَ. [۱۲۱۱]

راجع: ج ۱، ص ۶۴۲ (ما يعين على الجماع/ النورة). ج ۱، ص ۶۴۴، ح ۱۰۹۷.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۵

### ب حفظ گرمای بدن

۸۸۸. امام صادق عليه السلام در تبیین علت رویدن مو بر روی سر: مو بر بالای سر قرار داده شده است تا با بُن خود، روغن‌ها را به مغز برساند و با سرِ خود (سرِ موها)، بخار را از مغز خارج کند و گرما و سرمایی را که بدان می‌رسد، دفع کند.

### ج مهار کردن شهوت جنسی

۸۸۹. امام علی عليه السلام: موی هیچ مردی زیاد نمی‌شود، مگر آن که شهوتش کاهش می‌یابد.

۸۹۰. المعجم الكبير به نقل از ابن عباس: مردی نزد پیامبر خدا از بی‌زنی اظهار ناراحتی کرد و گفت: آیا خود را اخته کنم؟

فرمود: «نه؛ کسی که اخته باشد یا خود را اخته کند، از ما نیست. روزه بدار و موی بدنت را وا گذار.»

ر. ک: ج ۱، ص ۶۴۳ (آنچه انسان را بر آمیزش یاری می‌دهد/ نوره کشیدن). ج ۱، ص ۶۴۵، ح ۱۰۹۷.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۶

د الْوَقَايَةُ مِنَ الْجُدَامِ

۸۹۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: نَبَاتُ الشَّعْرِ فِي الْأَنْفِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ. [۱۲۱۲]

۸۹۲. الإمام الصادق عليه السلام: سَعَةُ الْجُرْبَانِ، وَنَبَاتُ الشَّعْرِ فِي الْأَنْفِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ، ثُمَّ قَالَ: أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الشَّاعِرِ:

وَلَا تَرَى قَمِيصِي إِلَّا وَاسِعَ الْجَيْبِ وَالْيَدِ. [۱۲۱۳]

۲/۱۰

صِحَّةُ الشَّعْرِ

۱۲/۱۰

ضُرُورَةُ الْاهْتِمَامِ بِالشَّعْرِ

۸۹۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: الشَّعْرُ الْحَسَنُ مِنْ كِسْوَةِ اللَّهِ تَعَالَى، فَأَكْرَمُوهُ. [۱۲۱۴]
۸۹۴. تاریخ أصبهان عن ابن عمر: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَقُولُ: مَنْ رَبَّى مِنْكُمْ شَعْرًا فَلْيُكْرِمَهُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا كَرَامَتُهُ؟ قَالَ: يُدَهِّنُهُ وَ يُمَشِّطُهُ كُلَّ يَوْمٍ. [۱۲۱۵]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۷

### د پیشگیری از جذام

۸۹۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: رویدن مو در بینی، مایه ایمنی از جذام است.
۸۹۲. امام صادق علیه السلام: «گشادی گریبان [۱۲۱۶] و رویدن مو در بینی مایه ایمنی از جذام است».
- سپس فرمود: «مگر نشنیده‌ای سخن شاعر را که گفته است: "پیراهن مرا تنها گشاده گریبان و گشاده آستین می بینی؟"».

### ۱۰/۲ بهداشت مو

### ۱۰/۱۲ ضرورت رسیدگی به موها

۸۹۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: موی خوب، از پوشش‌های خدایی است. آن را گرامی بدارید.
۸۹۴. تاریخ أصبهان به نقل از عبد الله بن عمر: از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: «هر کدام از شما که موی خود را بلند می گذارد، آن را گرامی بدارد».

پرسیدند: ای پیامبر خدا! گرامی داشتن آن به چیست؟

فرمود: «آن را هر روز، روغن بزند و شانه کند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۸

۸۹۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ اتَّخَذَ شَعْرًا فَلْيُحْسِنِ وَلَا يَتَّهْ أَوْ لِيَجْزَهُ. [۱۲۱۷]
۸۹۶. الكافي عن أبي العباس البقباق: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ وَفْرَةٌ، أَوْ يَفْرُقُهَا أَوْ يَدْعُهَا؟ فَقَالَ: يَفْرُقُهَا. [۱۲۱۸]

۱۰/۲۲

غَسَلُ الرَّأْسِ بِالسُّدْرِ

۸۹۷. مكارم الأخلاق: كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا غَسَلَ رَأْسَهُ وَ لِحْيَتَهُ غَسَلَهُمَا بِالسُّدْرِ. [۱۲۱۹]

۸۹۸. الإمام الكاظم عليه السلام: غَسَلُ الرَّأْسِ بِالسُّدْرِ يَجْلِبُ الرِّزْقَ جَلْبًا. [۱۲۲۰]

راجع: ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۳۹۸.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۹

۸۹۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس مو می گذارد، خوب بدان برسد، و گرنه، آن را بچیند.

۸۹۶. الكافي به نقل از ابو العباس بقباق: از امام صادق علیه السلام در این باره پرسیدم که اگر مردی موی [۱۲۲۱] فراوان داشته باشد، آیا میان موها فرق باز کند یا آنها را واگذارد؟

### ۲۲/۱۰ شستن سر با سدر

۸۹۷. مکارم الأخلاق: پیامبر خدا، چون سر و ریش خود را می‌شست، آنها را با سدر، شستشو می‌داد.

۸۹۸. امام کاظم علیه السلام: شستن سر با سدر، روزی آور است.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۶۳ (آنچه برای سر درد، سودمند است / شستن سر با خطمی / ح ۳۹۸).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۰

۳۲/۱۰

الْخِضَابُ بِالْحِنَاءِ وَالْكَتْمِ

۸۹۹. الکافی عن أبي شيبه الأسدي: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ خِضَابِ الشَّعْرِ، فَقَالَ: خَضَبَ الْحُسَيْنُ وَأَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ

عَلَيْهِمَا بِالْحِنَاءِ وَالْكَتْمِ. [۱۲۲۲]

۹۰۰. الکافی عن الحلبي: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ خِضَابِ الشَّعْرِ، فَقَالَ: قَدْ خَضَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْحُسَيْنُ بْنُ

عَلِيٍّ، وَأَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِالْكَتْمِ. [۱۲۲۳]

۴۲/۱۰

تَمْشِيْتُ الشَّعْرَ

۹۰۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: كَثْرَةُ تَسْرِيحِ الرَّأْسِ تَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ، وَتَجْلِبُ الرِّزْقَ، وَتَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ. [۱۲۲۴]

۹۰۲. الإمام الصادق عليه السلام: كَثْرَةُ التَّمَشُّطِ تُقَلِّلُ الْبَلْغَمَ. [۱۲۲۵]

۹۰۳. مکارم الأخلاق عن الإمام الصادق عليه السلام: تَسْرِيحُ الرَّأْسِ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ، وَتَسْرِيحُ الْحَاجِبِينَ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ، وَتَسْرِيحُ

الْعَارِضِينَ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ.

وَسُئِلَ عَنِ حَلْقِ الرَّأْسِ، قَالَ: حَسَنٌ. [۱۲۲۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۱

### ۳۲/۱۰ خضاب کردن با حنا و وشمه (کتَم) [۱۲۲۷]

۸۹۹. الکافی به نقل از ابو شيبه اسدي: از امام صادق علیه السلام درباره خضاب کردن موها پرسیدم.

فرمود: «حسین و ابو جعفر (باقر) که درود خدا بر آنها باد به حنا و وشمه خضاب می‌کردند».

۹۰۰. الکافی به نقل از حلبی: از امام صادق علیه السلام درباره خضاب مو پرسیدم. فرمود: «پیامبر خدا، حسین بن علی و ابو جعفر، به

وشمه، خضاب می‌کرده‌اند».

### ۴۲/۱۰ شانه کردن مو

۹۰۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: فراوان شانه زدن موها، و با را از میان می‌برد، روزی می‌آورد و بر قدرت انسان برای نزدیکی می‌افزاید.

۹۰۲. امام صادق علیه السلام: شانه کردن فراوان، از بلغم می‌کاهد.

۹۰۳. مکارم الأخلاق: امام صادق علیه السلام فرمود: «شانه کردن سر، بلغم را از میان می‌برد. شانه زدن ابروها، مایه ایمنی از جدام است، و شانه کردن رُخساره، دندان‌ها را استحکام می‌بخشد».

از ایشان، درباره تراشیدن سر پرسیدند.

فرمود: «خوب است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۲

۹۰۴. الإمام الصادق علیه السلام: الثَّوبُ النَّقِيُّ يَكْبِتُ الْعَدُوَّ، وَ الدُّهْنُ يَذْهَبُ بِالْبُؤْسِ، وَ الْمَشْطُ لِلرَّأْسِ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ، قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا الْوَبَاءُ؟

قَالَ: الْحُمَى، وَ الْمَشْطُ لِلْحَيَّةِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ. [۱۲۲۸]

۹۰۵. عنه عليه السلام: إِيَّاكَ وَ التَّمَشُّطَ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يورِثُ وَ بَاءَ الشَّعْرِ. [۱۲۲۹]

۳/۱۰

تَقْصِيرُ الشَّعْرِ

۹۰۶. الإمام الرضا عليه السلام: ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ: الْعَطْرُ، وَ أَخْذُ الشَّعْرِ، وَ كَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ. [۱۲۳۰]

۹۰۷. الكافي عن إسحاق بن عمار عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: قَالَ لِي: اسْتَأْصِلْ شَعْرَكَ يَقِلَّ دَرَنُهُ وَ دَوَائِبُهُ وَ وَسْخُهُ، وَ تَغْلُظُ رَقَبَتَكَ، وَ يَجْلُو بَصْرَكَ وَ فِي رَوَايَةٍ أُخْرَى: وَ يَسْتَرِيحُ بَدْنُكَ. [۱۲۳۱][۱۲۳۲]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۵۳۲

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۳

۹۰۴. امام صادق علیه السلام: «جامه پاکیزه، دشمن را در هم می‌شکند، چرب کردن پوست، سختی را از میان می‌برد و شانه کردن سر، وبا را دور می‌کند».

راوی گوید که پرسیدم: وبا چیست؟

فرمود: «تب. شانه کردن ریش، دندان‌ها را استحکام می‌بخشد». [۱۲۳۳]

۹۰۵. امام صادق علیه السلام: از شانه کردن در حمام بپرهیز؛ چرا که وبای مو می‌آورد. [۱۲۳۴]

### ۱۰/۳ کوتاه کردن موها

۹۰۶. امام رضا علیه السلام: از سنت‌های پیامبران است: عطر زدن، کوتاه کردن مو و فراوانی آمیزش. [۱۲۳۵]

۹۰۷. الكافي به نقل از اسحاق بن عمار: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «موی خود را از ته بزن تا آلودگی اش و جنبندگان و چرک آن، کم شود، گردنت سبتر گردد و دیده‌ات جلا یابد» و در روایت دیگری است: «و تنت راحت شود».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۴

۹۰۸. الكافي عن ابن سنان: سَأَلْتُ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ إِطَالَةِ الشَّعْرِ، فَقَالَ: «كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَقْصَرِينَ» يَعْنِي الطَّمَّ. [۱۲۳۶]

۹۰۹. الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ شَعْرَ الرَّأْسِ إِذَا طَالَ ضَعُفَ الْبَصْرُ، وَ ذَهَبَ بَصْوَةُ نَوْرِهِ، وَ طَمَّ الشَّعْرُ يُجْلِي الْبَصْرَ، وَ يَزِيدُ فِي ضَوْءِ

نَوْرِهِ. [۱۲۳۷]

۴/۱۰

۹۱۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: احلقوا شعَرَ البطنِ لِلذِّكْرِ وَالانثَى. [۱۲۳۸]

۹۱۱. عنه صلى الله عليه وآله: احلقوا شعَرَ القفا. [۱۲۳۹]

۹۱۲. إسحاق بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! رَبُّمَا كَثُرَ الشَّعْرُ فِي قَفَايَ، فَيَغْمُنِي عَمَّا شَدِيدًا. فَقَالَ لِي:

يَا إِسْحَاقُ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ حَلْقَ القفا يُذْهِبُ بِالْعَمِّ؟ [۱۲۴۰]

۹۱۳. الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى «وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ»: إِنَّهُ مَا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِهِ فِي نَوْمِهِ مِنْ ذَبْحٍ وَلَدِهِ إِسْمَاعِيلَ

أَبِي العَرَبِ، فَأَتَمَّهَا إِبْرَاهِيمُ وَعَزَمَ

عَلَيْهَا وَسَيَلَّمَ لِأَمْرِ اللَّهِ، فَلَمَّا عَزَمَ، [قَالَ [۱۲۴۱] اللَّهُ تَعَالَى ثَوَابًا لَهُ لِمَا صَدَقَ وَعَمِلَ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»، ثُمَّ أَنْزَلَ

عَلَيْهِ الحَنِيفِيَّةَ، وَهِيَ الطَّاهِرَةُ، وَهِيَ عَشْرَةُ أَشْيَاءَ: حَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الرَّأْسِ، وَحَمْسَةٌ مِنْهَا فِي البَدَنِ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ: فَأَخَذَ الشَّارِبَ، وَ

إِعْفَاءَ اللِّحْيِ، وَطَمَّ الشَّعْرَ، وَالسَّوَاكُ، وَالخِلَالَ.

وَأَمَّا الَّتِي فِي البَدَنِ؛ فَحَلَقَ الشَّعْرَ مِنَ البَدَنِ، وَالخِتَانَ، وَتَقْلِيمَ الأظْفَارِ، وَالغُسْلَ مِنَ الجَنَابَةِ، وَالطَّهْوَرَ بِالماءِ.

فَهَذِهِ الحَنِيفِيَّةُ الطَّاهِرَةُ [۱۲۴۲] الَّتِي جَاءَ بِهَا إِبْرَاهِيمُ، فَلَمَّ تَنَسَّخَ وَلَا- تَنَسَّخَ إِلَى يَوْمِ القِيَامَةِ، وَهُوَ قَوْلُهُ: «وَاتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ

حَنِيفًا» [۱۲۴۳]. [۱۲۴۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۵

۹۰۸. الكافي به نقل از ابن سنان: به امام صادق عليه السلام گفتم: درباره بلند کردن موها چه می فرماید؟

فرمود: «یاران محمد صلی الله علیه و آله، موهای خود را می زدند؛ یعنی کوتاه می کردند».

۹۰۹. امام کاظم عليه السلام: موی سر، چون بلند شود، بینایی ضعیف می گردد و نور دیده از میان می رود؛ اما کوتاه کردن موها،

دیده را روشن می سازد و نور آن را افزون می کند».

## ۱۰/۴ تراشیدن موها

۹۱۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زن و مرد! موهای روی شکم را بتراشید. [۱۲۴۵]

۹۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موهای پس گردن را بتراشید».

۹۱۲. الكافي به نقل از اسحاق بن عمار، از امام صادق عليه السلام: به امام صادق عليه السلام گفتم: فدایت شوم! گاه موهای پشت

گردنم زیاد می شود و به سختی مرا اندوهگین می کند. مرا فرمود: «ای اسحاق! آیا نمی دانی که تراشیدن [موهای پشت گردن، اندوه

را از میان می برد؟».

۹۱۳. امام صادق عليه السلام در تفسیر آیه «وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ» [۱۲۴۶]: آن گاه که خداوند او را به رؤیای ذبح نیای

عرب، اسماعیل، آزمود و وی این آزمون را به درستی پشت سر نهاد و تسلیم فرمان خدا شد و آهنگ انجام دادن خواسته او کرد، و

چون خداوند به پاداش صدق و راستی و عمل او برایش چنین مقرر

ساخت که «من تو را برای مردم، امام قرار می دهم» آیین حنیفی را که همان پاکی و طهارت است، بر او فرو فرستاد. این طهارت، ده

چیز است: پنج مورد از آن در سر، و پنج مورد دیگر در تن. اما آن پنج مورد که در سر است، عبارتند از: گرفتن سبیل، واگذار کردن

ریش، کوتاه کردن موها، مسواک زدن، و خلال کردن. آن پنج مورد که در تن است نیز عبارتند از: تراشیدن موهای بدن، ختنه

کردن، کوتاه کردن ناخن ها، غسل جنابت، و طهارت گرفتن با آب. این، همان آیین حنیف پاکی است که ابراهیم آورد و نه نسخ

شده است و نه تا روز قیامت، نسخ خواهد شد. این معنای کلام خداوند است که فرمود: «از آیین حنیف ابراهیم، پیروی کن».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۶

۹۱۴. الإمام الكاظم عليه السلام: حَمَسٌ مِنَ السُّنَنِ فِي الرَّأْسِ، وَ حَمَسٌ فِي الْجَسَدِ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ: فَالْسَّوَاكُ، وَ أَخَذُ الشَّارِبِ، وَ فَرَّقُ الشَّعْرِ، وَ الْمَضْمَضَةُ، وَ الْاسْتِنْشَاقُ.

وَ أَمَّا الَّتِي فِي الْجَسَدِ: فَالْحِثَانُ، وَ حَلْقُ الْعَائِنَةِ، وَ نَتْفُ الْإِبْطِينِ، وَ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ، وَ الْاسْتِنْجَاءُ. [۱۲۴۷]

۵ / ۱۰

نَتْفُ الشَّعْرِ

۹۱۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: أَحْفُوا الشَّوَارِبَ، وَ أَعْفُوا اللَّحَى، وَ انْتَفُوا الشَّعَرَ الَّذِي

فِي الْأَنَافِ [۱۲۴۸]. [۱۲۴۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۷

۹۱۴. امام کاظم علیه السلام: پنج چیز درباره سر و پنج چیز هم درباره تن از سنت هاست: اما آنچه درباره سر است، مسواک زدن، گرفتن سیل، از هم گشودن موها از میانه سر، آب در دهان چرخاندن، و آب در بینی چرخاندن است. آنچه نیز درباره تن است، ختنه کردن، تراشیدن موی زهار، زدودن موهای زیر بغل، کوتاه کردن ناخن ها و زدودن پلیدی مخرج است.

### ۵ / ۱۰ کندن موها

۹۱۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: سبیل ها را از ته بتراشید، [۱۲۵۰] ریش ها را واگذارید، و موهایی را که در بینی است، بکنید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۸

۹۱۶. کتاب من لا- يحضره الفقيه: كَانَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَطْلِي إِبْطِيهِ فِي الْحَمَّامِ وَيَقُولُ: نَتْفُ الْإِبْطِ يُضَعِّفُ الْمِنْكِبِينَ، وَ يُوْهِى وَ يُضَعِّفُ الْبَصَرَ. [۱۲۵۱]

۹۱۷. الكافي عن عبد الله بن أبي يعفور: كُتِبَ بِالْمَدِينَةِ فَلَاحَانِي زُرَّارَةٌ فِي نَتْفِ الْإِبْطِ وَ حَلْقِهِ، فَقُلْتُ: حَلْقُهُ أَفْضَلُ. وَ قَالَ زُرَّارَةٌ: نَتْفُهُ أَفْضَلُ، فَاسْتَأْذَنَّا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَذِنَ لَنَا وَ هُوَ فِي الْحَمَّامِ يَطْلِي، وَ قَدْ أَطْلَى إِبْطِيهِ، فَقُلْتُ لِرُزَّارَةَ: يَكْفِيكَ. قَالَ: لَا، لَعَلَّهُ فَعَلَ هَذَا لِمَا لَا يَجُوزُ لِي أَنْ أَفْعَلَهُ.

فَقَالَ: فِيمَا أَنْتُمَا؟

فَقُلْتُ: إِنَّ زُرَّارَةَ لَاحَانِي فِي نَتْفِ الْإِبْطِ وَ حَلْقِهِ، قُلْتُ: حَلْقُهُ أَفْضَلُ، وَ قَالَ زُرَّارَةٌ: نَتْفُهُ أَفْضَلُ.

فَقَالَ: أَصَبَتْ السُّنَّةُ وَ أَخْطَأَهَا زُرَّارَةٌ؛ حَلْقُهُ أَفْضَلُ مِنْ نَتْفِهِ، وَ طَلِيُّهُ أَفْضَلُ مِنْ حَلْقِهِ.

ثُمَّ قَالَ لَنَا: أَطْلِيَا.

فَقُلْنَا: فَعَلْنَا مُنْذُ ثَلَاثِ.

فَقَالَ: أَعِيدَا؛ فَإِنَّ الْأَطْلَاءَ طَهْرٌ. [۱۲۵۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۹

۹۱۶. کتاب من لا يحضره الفقيه: امام صادق علیه السلام، موی زیر بغل خود را در حمام، نوره می کشید و می زدود و می فرمود: «از ریشه کندن موهای زیر بغل، شانه ها را ضعیف می کند و بینایی را سست و کم قدرت می سازد».

۹۱۷. الكافي به نقل از عبد الله بن ابی يعفور: در مدینه بودیم که میان من و زراره، بر سر تراشیدن یا کندن موهای زیر بغل، بحث پیش آمد. من گفتم: تراشیدن آنها بهتر است. زراره گفت: کندن آنها بهتر است. آن گاه از امام صادق علیه السلام اجازه دیدار

خواستم. در حالی که در حمام، موزدایی می‌کرد و موهای زیر بغل خود را زدوده بود، به ما اجازه دیدار داد. به زراره گفتم: تو را بس است؟

گفت: نه؛ شاید او این کار را به جهتی انجام داده است که انجام دادنش برای من از آن جهت، درست نیست. پس امام علیه السلام پرسید: «درباره چه گفتگو می‌کنید؟».

گفتم: زراره در مورد کندن یا تراشیدن موهای زیر بغل، با من مخالفت کرده است. من گفته‌ام که تراشیدن و زدودن آنها، بهتر است و زراره گفته است که کندن آنها بهتر است.

فرمود: «تو به سنت راه یافته‌ای و زراره، بدان، نرسیده است. تراشیدن آنها از کندنشان بهتر است و زدودن [به نوره و همانند آن، از تراشیدن نیز بهتر].».

سپس به ما فرمود: «موزدایی کنید».

گفتم: سه روز پیش این کار را انجام داده‌ایم.

فرمود: «دوباره انجام دهید؛ چرا که موزدایی، خود، نوعی طهارت است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۰

۹۱۸. الإمام الصادق عليه السلام: لا بأس بِجَزِّ الشَّمْطِ وَتَتْفِهِ، وَجَزِّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَتْفِهِ. [۱۲۵۳]

۶/۱۰

أَخَذُ الشَّارِبِ

۹۱۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: لا يُطَوَّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَارِبَهُ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهُ مَخْبَأً يَسْتَرُّ بِهِ. [۱۲۵۴]

۹۲۰. الكافي عن ابن فضال عمير ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: ذَكَرْنَا الْأَخْذَ مِنَ الشَّارِبِ، فَقَالَ: نُشْرَةٌ، وَهُوَ مِنْ

السُّنَّةِ. [۱۲۵۵]

راجع: ج ۱، ص ۵۵۴ (تقليم الأظفار يوم الجمعة).

۷/۱۰

قَصُّ شَعْرِ الْإِبْطِ

۹۲۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: لا يُطَوَّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَعْرَ إِبْطِهِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهُ مَخْبَأً لِيَسْتَرَّ بِهِ. [۱۲۵۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۱

۹۱۸. امام صادق عليه السلام: قطع کردن و کندن تار موهای سفید، اشکال ندارد؛ اما قطع کردن آنها از کندنشان بهتر است.

### ۶/۱۰ گرفتن سبیل

۹۱۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: مبدا که کسی از شما سبیل خود را [۱۲۵۷] بلند کند؛ زیرا شیطان، آن را مخفیگاه می‌گیرد و در آن، پنهان می‌شود.

۹۲۰. الكافي به نقل از ابن فضال، از راوی‌ای که خود از وی نام برده است: [نزد امام صادق عليه السلام از کوتاه کردن سبیل سخن به میان آوردیم.

فرمود: «این عمل، نوعی پیشگیری از بیماری و عمل به سنت پیامبر صلى الله عليه و آله است».

ر. ک: ج ۱، ص ۵۵۵ (کوتاه کردن ناخن‌ها در روز جمعه).



۹۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبدا کسی از شما موهای زیر بغل خود را بلند بدارد؛ چرا که شیطان، آن را مخفیگاه می گیرد تا در آن پنهان شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۲

۸/۱۰

استعمال التورۃ لإزالة الشعر

۹۲۲. الإمام علی علیه السلام: التورۃ طهورٌ. [۱۲۵۸]

۹۲۳. عنه علیه السلام: التورۃ نُشرۃ و طهورٌ للجسد. [۱۲۵۹]

۹۲۴. الإمام الصادق علیه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يطلي العانة وما تحت الألتين في كل جمعة. [۱۲۶۰]

۹۲۵. الإمام علی علیه السلام: احب للمؤمن أن يطلي في كل خمسة عشر يوماً. [۱۲۶۱]

۹۲۶. الإمام الصادق علیه السلام: التتظف بالموسی في كل سبع، و بالتورۃ في كل خمسة عشر يوماً. [۱۲۶۲]

۹۲۷. عنه علیه السلام: السنۃ فی التورۃ فی كل خمسة عشر يوماً، فإن أتت عليك عشرون يوماً و لیس عندك فاستقرض علی

الله. [۱۲۶۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۳

### ۱۰/۸ به کار گرفتن نوره برای زدودن موهای بدن

۹۲۲. امام علی علیه السلام: نوره، یک پاک کننده است.

۹۲۳. امام علی علیه السلام: نوره، یک تعویذ (نگه دارنده) و مایه پاکی بدن است.

۹۲۴. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا در هر جمعه، موی زهار و زیر سرین را نوره می کشید.

۹۲۵. امام علی علیه السلام: برای مؤمن، این را دوست دارم که در هر پانزده روز یک بار، موزدایی کند.

۹۲۶. امام صادق علیه السلام: زدودن موها با تیغ در هر هفت روز، و با نوره در هر پانزده روز، پسندیده است.

۹۲۷. امام صادق علیه السلام: سنت در مورد نوره، آن است که هر پانزده روز یک بار انجام شود. اگر بیست روز بر تو گذشت و

این کار را انجام ندادی و هیچ چیز هم برای خرید آن نداشتی، به حساب خداوند، قرض کن. [۱۲۶۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۴

۹۲۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فلا يترك عانته فوق أربعين يوماً، ولا يحل لامرأه تؤمن بالله و

اليوم الآخر أن تدع ذلك منها فوق عشرين يوماً. [۱۲۶۵]

۹۲۹. الكافي عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله: دخلت مع أبي عبد الله عليه السلام الحمام، فقال لي: يا عبد الرحمن اطل، فقلت: إنما

أطليت منذ أيام.

فقال: اطل؛ فإنها طهورٌ. [۱۲۶۶]

۹۳۰. الإمام الصادق علیه السلام: طليۃ فی الصیف خیر من عشر فی الشتاء. [۱۲۶۷]

۹۳۱. الإمام الرضا علیه السلام: إذا أردت ألا يبتتر [۱۲۶۸] بدنك، ولا يصيبك قروح ولا شقاق ولا سواد، فأغسل بالماء البارد قبل أن

تتنور.

وَمَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْحَمَامِ لِلنُّورَةِ، فَلْيَتَجَنَّبِ الْجِمَاعَ قَبْلَ ذَلِكَ بِاثْنَيْ عَشْرَةَ سَاعَةً، وَهُوَ تَمَامُ يَوْمٍ، وَلِيَطْرَحَ فِي النُّورَةِ شَيْئًا مِنَ الصَّبْرِ وَالْقَاقِيَا وَالْحُضْضِ، أَوْ يَجْمَعُ ذَلِكَ وَيَأْخُذَ مِنْهُ الْيَسِيرَ إِذَا كَانَ مُجْتَمِعًا أَوْ مُتَفَرِّقًا.

وَلَا يُلْقَى فِي النُّورَةِ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا، حَتَّى تُمَاتَ النُّورَةُ بِالْمَاءِ الْحَارِّ الَّذِي يُطْبَخُ فِيهِ الْبَابُونُجُ وَالْمَرَزَنْجُوشُ، أَوْ وَرَدُ الْبَنْفَسِجِ الْيَابِسِ؛ وَإِنْ جَمَعَ ذَلِكَ

أَخَذَ مِنْهُ الْيَسِيرَ مُجْتَمِعًا أَوْ مُتَفَرِّقًا قَدَرَ مَا يَشْرَبُ الْمَاءَ رَائِحَتَهُ.

وَلِيَكُنْ زَرْنِيخُ النُّورَةِ مِثْلَ ثَلَاثِهَا. وَيَدُلُّكَ الْجَسَدَ بَعْدَ الْخُرُوجِ مِنْهَا مَا يَقْطَعُ رِيحَهَا كَوَرَقِ الْخَوْخِ، وَثَجِيرِ الْعُصْفُرِ، وَالْحِنَاءِ، وَالسُّعْدِ وَالْوَرْدِ.

وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَأْمَنَ النُّورَةَ وَيَأْمَنَ إِحْرَاقَهَا، فَلْيَقِلِّلْ مِنْ تَقْلِيلِهَا، وَلِيَبَادِرْ إِذَا عُمِلَتْ فِي غَسَلِهَا، وَأَنْ يَمَسَّحَ الْبَدَنَ بِشَيْءٍ مِنْ دُهْنٍ وَرَدٍ. فَإِنْ أَحْرَقَتْ وَالْعِيَاذُ بِاللَّهِ اخِذْ عَدَسٌ مُقَشَّرٌ فَيَسْحَقُ بِحَلٍّ وَمَاءٍ وَرَدٍ [۱۲۶۹]، وَيُطْلَى عَلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي أَحْرَقْتَهُ النُّورَةَ؛ فَإِنَّهُ يَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ.

وَالَّذِي يَمْنَعُ مِنْ تَأْثِيرِ النُّورَةِ لِلْبَدَنِ هُوَ أَنْ يُدْلِكَ عَقِيبَ النُّورَةِ بِحَلٍّ عَنَبٍ، وَدُهْنٍ وَرَدٍ ذَلِكَ جَيِّدًا. [۱۲۷۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۵

۹۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به خدا و روز واپسین ایمان دارد، مبادا که موی عانه خود را بیش از چهل روز وا گذارد. برای هر زنی هم که به خدا و روز واپسین ایمان دارد، روا نیست برای بیشتر از بیست روز، این کار را ترک کند.

۹۲۹. الکافی به نقل از عبد الرحمن بن ابی عبد الله: روزی با امام صادق علیه السلام به حمام رفتیم. به من فرمود: «ای عبد الرحمن! موزدایی کن».

گفتم: چند روز پیش، موهای خود را زدوده‌ام.

فرمود: «موزدایی کن؛ چرا که این، یک طهارت است».

۹۳۰. امام صادق علیه السلام: یک بار نوره کشیدن در تابستان، از ده بار در زمستان بهتر است.

۹۳۱. امام رضا علیه السلام: هر گاه خواستی جوش برنیاید [۱۲۷۱] و بر بدنت هیچ زخم یا ترک پوست و یا سیاه لکه‌ای رخ ننماید، پیش از نوره کشیدن، با آب سرد، شستشو کن. هر کس می‌خواهد برای نوره کشیدن به حمام برود، دوازده ساعت، یعنی یک روز

کامل پیش از آن، از نزدیکی خودداری کند. سپس اندکی صبر [۱۲۷۲] یا افاقیا [۱۲۷۳] و یا پیل زهره [۱۲۷۴] و یا قدری از همه آنها را با هم در نوره بریزد. البته این کار را پس از آن انجام دهد که نوره، در آب گرمی حل شده

باشد که در آن، بابونه یا مرزنگوش یا گُل بنفشه خشک و یا اندکی از همه آنها، به اندازه‌ای که بوی خود را به آب بدهد، جوشانده شده است. در این میان، زرنیخ هم باید به اندازه یک ششم نوره باشد.

پس از نوره کشیدن هم باید چیزی همانند برگ هلو، گنجاره گل کاجیره، حنا و مُشکک و گُل سرخ [۱۲۷۵] به بدن مالیده شود تا بوی آن را از میان ببرد. هر کس می‌خواهد از سوختن بدن با نوره در امان بماند، کمتر آن را هم بزند و به محض عمل نمودن، آن

را بشوید و قدری روغن گُل سرخ نیز بر بدن بمالد. و اگر نوره بدن را بسوزاند، مقداری عدس پوست‌کنده بردارد، خوب آرد کند، در گلاب و سرکه حل کند و بر جای زخم بمالد، که به اذن خداوند متعال، بهبود خواهد یافت. آنچه مانع اثر گذاشتن نوره بر بدن

می‌شود، این است که محل، با سرکه انگور، پیاز دشتی کاملاً تُرش و روغن گُل سرخ، خوب مالیده شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۶

راجع: ج ۱، ص ۶۴۲ (ما یعین علی الجماع/ النورة).

۹۳۲. دعائم الإسلام: عَن عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ أَمَرَ بِدَفْنِ الشَّعْرِ، وَقَالَ: كُلُّ مَا وَقَعَ مِنْ ابْنِ آدَمَ فَهُوَ مَيْتَةٌ. [۱۲۷۶]

۹۳۳. الخصال عن عائشة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَأْمُرُ بِدَفْنِ سَبْعَةِ أَشْيَاءَ مِنَ الْإِنْسَانِ: الشَّعْرَ، وَالظُّفْرَ، وَالْدَّمَ، وَالْحَيْضَ، وَالْمَشِيمَةَ، وَالسِّنَّ، وَالْعَلَقَةَ. [۱۲۷۷]

راجع: ج ۱، ص ۵۵۶ (دفن الأظفار).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۷

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۶۴۳ (آنچه انسان را بر آمیزش یاری می دهد/ نوره کشیدن).

### ۱۰/۹ دفن موهای زاید

۹۳۲. دعائم الإسلام: از امام علی علیه السلام روایت شده که به دفن کردن موها فرمان داد و فرمود: «هر چه از آدمیزاد جدا می شود، مردار است».

۹۳۳. الخصال به نقل از عایشه: پیامبر خدا به دفن هفت چیز از انسان، امر می فرمود: مو، ناخن، خون، حیض، جفت جنین، دندان، و خون بسته.

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۵۵۷ (دفن ناخن های گرفته شده).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۸

۱۰/۱۰

ما يَنْفَعُ لِأَنْبَاتِ الشَّعْرِ

۹۳۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: اخْتَضَبُوا بِالْحِنَاءِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيُطَيِّبُ الزِّيْحَ، وَيُسَكِّنُ الزَّوْجَةَ. [۱۲۷۸]

۹۳۵. الإمام الهادي عليه السلام: التَّسْرِيْحُ بِمِشْطِ الْعَاجِ يُنْبِتُ الشَّعْرَ فِي الرَّأْسِ، وَيَطْرُدُ الدَّوْدَ مِنَ الدَّمَاعِ، وَيُطْفِئُ الْمِرَارَ، وَيُنْقِي اللَّئَةَ وَالْعُمُورَ. [۱۲۷۹]

۹۳۶. الإمام الصادق عليه السلام: الْكَحْلُ يُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيُحْدُ الْبَصَرَ، وَيُعِينُ عَلَى طَوْلِ الشُّجُودِ. [۱۲۸۰]

۹۳۷. عنه عليه السلام: الْإِثْمِدُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيَذْهَبُ بِالْدَّمَعَةِ. [۱۲۸۱]

۹۳۸. الإمام الرضا عليه السلام: السُّوَاكُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيَذْهَبُ بِالْدَّمَعَةِ. [۱۲۸۲]

۹۳۹. عنه عليه السلام: التَّيْنُ يَذْهَبُ بِالْبَحْرِ، وَيَشُدُّ الْفَمَ وَالْعَظْمَ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيَذْهَبُ بِالْدَّاءِ، وَلَا يُحْتَاجُ مَعَهُ إِلَى دَوَاءٍ. [۱۲۸۳]

راجع: ج ۱، ص ۳۰۰ ۳۰۲، ح ۴۶۶ إلى ح ۴۶۹، و ح ۴۷۳.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۹

### ۱۰/۱۰ آنچه برای درمان کم مویی سودمند است

۹۳۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: به حنا خضاب بندید؛ چرا که دیده را جلا می دهد، مو بر می رویاند، بو را خوش می سازد و همسر مرد را آرامش می بخشد.

۹۳۵. امام هادی علیه السلام: شانه کردن با شانه عاج، مو را بر سر می رویاند، کرم ها را از مغز، دور می سازد، تلخه را فرو می نشاند، و لته و گوشت میان دندان ها را پاک و تمیز می کند.

۹۳۶. امام صادق علیه السلام: سرمه، مو بر می رویاند، دیده را تیزی می بخشد و انسان را بر طولانی ساختن سجده، یاری می رساند.

۹۳۷. امام صادق علیه السلام: سرمه اثمید، چشم را جلا می دهد، مو بر می رویاند و اشک را می برد.

۹۳۸. امام رضا علیه السلام: مسواک زدن، دیده را جلا می دهد، مو بر می رویاند و آبریزش چشم را از میان می برد.

۹۳۹. امام رضا علیه السلام: انجیر، بوی بد دهان را می برد، دهان و استخوان ها را استحکام می بخشد، مو بر می رویاند، درد را می برد و با وجود آن، دیگر به دارویی نیاز نیست.

همچنین، ر. ک: (آنچه دیده را جلا می دهد/ سرمه) ج ۱، ص ۳۰۳ تا ۴۶۶ و ح ۴۷۳.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۰

## الفصل الحادی عشر: الظفر

۱/۱۱

الإشارة إلى ما فيه من الحكمة

۹۴۰. الإمام الصادق عليه السلام للمفضل بن عمر: فكّر يا مفضل... لِمَ صارت الأظفار على أطراف الأصابع إلا وقاية لها، و معونة على

العَمَلِ؟ [۱۲۸۴]

۲/۱۱

تقليم الأظفار

۹۴۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: خللوا لحاكم، و قصوا أظفائرهم؛ فإن الشيطان يجري ما بين اللحم و الظفر. [۱۲۸۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۱

## فصل یازدهم: ناخن

### ۱/۱۱ اشاره به حکمت نهفته در آن

۹۴۰. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! در این بیندیش که چرا ناخن ها در سز انگشت ها واقع شده اند. جز

برای آن که از انگشت ها حفاظت کنند و در انجام دادن کارها یاری دهند؟

### ۲/۱۱ کوتاه کردن ناخن

۹۴۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میان ریش خود را تمیز کنید و ناخن های تان را بگیرید؛ زیرا شیطان، میان گوشت و ناخن، روان

می شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۲

۹۴۲. عنه صلى الله عليه و آله: يسأل أحدكم عن نخبر السماء و هو يدع أظفاره كأظفائر الطير، يجتمع فيها الجنابة، و الخبث، و

التفت! [۱۲۸۶]

۹۴۳. عنه صلى الله عليه و آله: من لم يحلق عانته، و يقلم أظفاره، و يجز شاربته، فليس منا. [۱۲۸۷]

۹۴۴. عنه صلى الله عليه و آله: تقليم الأظفار يمنع الداء الأعظم، و يدُر الرزق. [۱۲۸۸]

۹۴۵. عنه صلى الله عليه و آله: الفطرة قص الأظفار، و أخذ الشارب، و حلق العانة. [۱۲۸۹]

۹۴۶. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّمَا قُصَّ الْأَظْفَارُ؛ لِأَنَّهَا مَقْبِلُ الشَّيْطَانِ، وَ مِنْهُ يَكُونُ النَّسْيَانُ. [۱۲۹۰]

۹۴۷. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أَسْتَرَ وَأَخْفَى مَا يُسَلِّطُ الشَّيْطَانُ مِنْ ابْنِ آدَمَ أَنْ صَارَ أَنْ يَسْكُنَ تَحْتَ الْأَظْفِيرِ. [۱۲۹۱]

۹۴۸. عنه عليه السلام: مِنَ السُّنَّةِ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ. [۱۲۹۲]

۹۴۹. عنه عليه السلام: السُّنَّةُ فِي الْإِحْرَامِ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ، وَ اخْذُ الشَّارِبِ، وَ حَلْقُ الْعَانَةِ. [۱۲۹۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۳

۹۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برخی از شما از خیر آسمان می پرسند، در حالی که ناخن های خود را به سان ناخن های پرندگان، و می گذارند که در آنها جنابت، آلودگی و چرک، جای می گیرد.

۹۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس موی عانه خود را تراشد، ناخن های خود را کوتاه نکند و سیل خود را از ته نچیند، از ما نیست.

۹۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کوتاه کردن ناخن ها، از بیماری بزرگ، جلوگیری می کند و روزی را سرشار می سازد.

۹۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فطرت، برچیدن ناخن ها، گرفتن سیل و تراشیدن موی عانه است.

۹۴۶. امام باقر علیه السلام: ناخن ها را از آن رو باید کوتاه کرد که جایگاه شیطان است و فراموشی، از آن سرچشمه می گیرد.

۹۴۷. امام صادق علیه السلام: پوشیده ترین و پنهان ترین جایی که شیطان برای چیره شدن بر آدمیزاد می یابد، این است که در زیر ناخن ها جای گیرد.

۹۴۸. امام صادق علیه السلام: کوتاه کردن ناخن ها از سنت است.

۹۴۹. امام صادق علیه السلام: کوتاه کردن ناخن ها، گرفتن سیل و تراشیدن [موی عانه در احرام، از سنت است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۴

۳/۱۱

تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

۹۵۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَمْ تَشَعْتَ أَنَامِلُهُ. [۱۲۹۴]

۹۵۱. الإمام الصادق عليه السلام: أَخَذَ الشَّارِبِ وَ الْأَظْفَارِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجَذَامِ. [۱۲۹۵]

۹۵۲. عنه عليه السلام: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجَذَامِ، وَ الْبَرَصِ، وَ الْعَمَى، وَ إِنْ لَمْ تَحْتَجْ فَحُكَّهَا. [۱۲۹۶]

۹۵۳. عنه عليه السلام: خُذْ مِنَ شَارِبِكَ وَ أَظْفَارِكَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ فَحُكَّهَا لَا يُصِيبُكَ جُنُونٌ، وَلَا جِذَامٌ، وَلَا

بَرَصٌ. [۱۲۹۷]

۹۵۴. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ أَدَمَّنَ أَخَذَ أَظْفَارَهُ كُلَّ حَمِيسٍ لَمْ تَرْمَدْ عَيْنُهُ. [۱۲۹۸]

راجع: (الوقایه من بعض أمراض العین) ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۴۳۷، و ص ۲۸۸، ح ۴۳۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۵

### ۳/۱۱ کوتاه کردن ناخن ها در روز جمعه

۹۵۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس روز جمعه ناخن های خود را کوتاه کند، سرانگشت هایش آشفته نشود.

۹۵۱. امام صادق علیه السلام: گرفتن سیل و ناخن ها از جمعه تا جمعه، مایه ایمنی از جذام است.

۹۵۲. امام صادق علیه السلام: کوتاه کردن ناخن ها در روز جمعه از جذام و پیسی و کوری ایمنی می دهد؛ اگر هم نیازی به کوتاه

کردن نبود، آنها را [کمی بسای.

۹۵۳. امام صادق علیه السلام: در هر جمعه، اندکی از سیبیل و ناخن‌های خود را بگیر؛ و اگر هم چیزی وجود نداشته باشد، جای آن را بسای، [۱۲۹۹] تا دیوانگی، جذام و پیسی به تو نرسد.

۹۵۴. امام باقر علیه السلام: هر کس به گرفتن ناخن در هر پنج‌شنبه عادت داشته باشد، چشم‌درد نگیرد. [۱۳۰۰]  
ر. ک: پیشگیری از برخی بیماری‌های چشم / ج ۱، ص ۲۸۷ ح ۴۳۷ و ص ۲۸۹ ح ۴۳۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۶

۴ / ۱۱

دَفْنُ الْأَظْفَارِ

۹۵۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: ادفنوا دِمَاءَ كُمْ و أشعاركم و أظفاركم، لا تَلْعَبُ بِهَا السَّحْرَةَ. [۱۳۰۲]

۹۵۶. عنه صلی الله علیه و آله: قُصِّوا أَظْفَارَكُمْ، وَ اَدْفِنُوا قُلَامَاتِكُمْ، وَ نَقِّوا بَرَاجِمَكُمْ، وَ نَظِّفُوا لِثَانَتِكُمْ مِنَ الطَّعَامِ، وَ اسْتَاكُوا، وَ لَا تَدْخُلُوا عَلَيَّ فَخْرًا بَخْرًا. [۱۳۰۳]

۹۵۷. الإمام الصادق علیه السلام فی قولِ الله عز و جل: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا\* أَحْيَاءَ وَ أَمْوَاتًا» [۱۳۰۴]: دَفْنُ الشَّعْرِ وَ الظُّفْرِ. [۱۳۰۵]

۹۵۸. عنه علیه السلام: يَدْفِنُ الرَّجُلُ أَظْفِيرَهُ وَ شَعْرَهُ إِذَا أَخَذَ مِنْهَا، وَ هِيَ سُنَّةٌ. [۱۳۰۶]

راجع: ج ۱، ص ۵۴۶ (دفن الشعر).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۷

#### ۱۱ / ۴ دفن ناخن‌های گرفته شده

۹۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خونتان، موهایتان و ناخن‌هایتان را به خاک بسپارید تا ساحران، آنها را بازیچه نگیرند.

۹۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ناخن‌های خود را بچینید و چیده‌های خود را به خاک بسپارید، لای انگشتان خود را تمیز کنید، لته‌های خود را از غذا پاک سازید، مسواک بزنید و با دهان بدبو بر من وارد نشوید.

۹۵۷. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «مگر زمین را محل اجتماع نگردانیدیم؛ چه برای زندگان، چه برای مردگان؟»: مقصود به خاک سپردن مو و ناخن است.

۹۵۸. امام صادق علیه السلام: مرد، چون ناخن و موی خود را می‌گیرد، آنچه را گرفته است، به خاک بسپارد؛ و این کار، سنت (مستحب) است.

ر. ک: ج ۱، ص ۵۴۷ (دفن موهای زاید).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۸

الفصل الثانی عشر: العظام

۱ / ۱۲

الإِشَارَةُ إِلَى مَا فِيهَا مِنَ الْحِكْمَةِ

۹۵۹. الإمام الصادق علیه السلام لِلطَّبِيبِ الْهِنْدِيِّ: جُعِلَ طَبُّ الرُّكْبَةِ إِلَى خَلْفٍ؛ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ يَمْشِي إِلَى بَيْنِ يَدَيْهِ فَيَعْتَدِلُ الْحَرَكَاتُ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَقَطَ فِي الْمَشْيِ.

وَ جُعِلَتِ الْقَدَمُ مُخَصَّرَةً؛ لِأَنَّ الشَّيْءَ إِذَا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ جَمِيعُهُ ثَقُلَ كَثَقَلِ حَجَرِ الرَّحَا، فَإِذَا كَانَ عَلَى حَرْفِهِ رَفَعَهُ الصَّبِيُّ، وَ إِذَا وَقَعَ

۹۶۰. عنه عليه السلام للمفضل بن عمر: يا مفضل، انظر إلى ما خصَّ به الإنسان في خلقه تشریفاً و تفضيلاً على البهائم؛ فإنه خلق ينتصب قائماً و يستوى جالساً

ليستقبل الأشياء بيديه و جوارحه و يمكثه العلاج و العمل بهما، فلو كان مكبواً على وجهه كذات الأربع، لما استطاع أن يعمل شيئاً من الأعمال...

لِمَ حَمَلَ الْإِنْسَانُ عَلَى فَعْدَيْهِ وَ أَيْتِيهِ هَذَا اللَّحْمَ؟ أَلِمَّا لِيَقِيَهُ مِنَ الْأَرْضِ فَلَا يَتَأَلَّمُ مِنَ الْجُلُوسِ عَلَيْهِمَا، كَمَا يَأَلَّمُ مَنْ نَحَلَ جِسْمَهُ وَ قَلَّ لَحْمُهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْأَرْضِ حَائِلٌ يَقِيهِ صَلَابَتَهَا...

فَكَرَّ فِي أُبْيَيْهِ أَبْدَانِ الْحَيَوَانِ وَ تَهَيَّئَتْهَا عَلَى مَا هِيَ عَلَيْهِ، فَلَا هِيَ صَلَابٌ كَالْحِجَارَةِ وَ لَوْ كَانَتْ كَذَلِكَ لَا تَنْشَى وَلَا تَتَصَرَّفُ فِي الْأَعْمَالِ، وَلَا هِيَ عَلَى غَايَةِ اللَّيْنِ وَ الرَّخَاوَةِ فَكَانَتْ لَا تَتَحَامَلُ وَلَا تَسْتَقِيلُ بِأَنْفُسِهَا، فَجُعِلَتْ مِنْ لَحْمٍ رَخْوٍ تَنْشَى تَتِدَاخَلُهُ عِظَامٌ صِلَابٌ يُمَسِّكُهُ عَصَبٌ وَ عُرُوقٌ تَشُدُّهُ وَ يُضْمُّ بَعْضُهُ إِلَى بَعْضٍ، وَ غُلِّفَتْ فَوْقَ ذَلِكَ بِجِلْدٍ يَشْتَمِلُ عَلَى الْبَدَنِ كُلِّهِ.

وَ مِنْ أَشْبَاهِ ذَلِكَ هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي تُعْمَلُ مِنَ الْعِيدَانِ وَ تُلْفُ بِالْخَرْقِ وَ تُشَدُّ بِالْخِيُوطِ وَ يُطْلَى فَوْقَ ذَلِكَ بِالصَّمْغِ، فَيَكُونُ الْعِيدَانُ بِمَنْزِلَةِ الْعِظَامِ، وَ الْخَرْقُ بِمَنْزِلَةِ اللَّحْمِ، وَ الْخِيُوطُ بِمَنْزِلَةِ الْعَصَبِ وَ الْعُرُوقِ، وَ الطَّلَا بِمَنْزِلَةِ الْجِلْدِ، فَإِنْ جَازَ أَنْ يَكُونَ الْحَيَوَانُ الْمُتَحَرِّكُ حَدَثٌ بِالْإِهْمَالِ مِنْ غَيْرِ صَانِعٍ جَازَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ فِي هَذِهِ التَّمَاثِيلِ الْمَيِّتَةِ، فَإِنْ كَانَ هَذَا غَيْرَ جَائِزٍ فِي التَّمَاثِيلِ فَالْحَرِيُّ أَلَّا يَجُوزَ فِي الْحَيَوَانِ...

فَالْإِنْسَانُ لَمَّا قَدَّرُوا أَنْ يَكُونُوا ذَوِي ذَهْنٍ وَ فِطْنَةٍ وَ عِلَاجٍ لِمِثْلِ هَذِهِ الصَّنَاعَاتِ مِنَ الْبِنَاءِ وَ التَّجَارَةِ وَ الصِّيَاغَةِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ، خُلِقَتْ لَهُمْ أَكْفٌ كِبَارٌ ذَوَاتُ أَصَابِعٍ غِلَاطٍ؛ لِيَتِمَّ كُنُوزُ الْقَبْضِ عَلَى الْأَشْيَاءِ، وَ أَوْكَدَهَا هَذِهِ الصَّنَاعَاتُ. [۱۳۰۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۹

## فصل دوازدهم: استخوان‌ها

### ۱/۱۲ اشاره به حکمت نهفته در استخوان‌ها

۹۵۹. امام صادق علیه السلام خطاب به طیب هندی: تا خوردن زانو، به سمت عقب قرار داده شده است؛ چرا که انسان به سمت جلو راه می‌رود و حرکات او با تعادل همراه است؛ اما اگر این نبود، انسان در هنگام راه رفتن [بر زمین می‌افتاد.

در کف پا، گودی‌ای قرار داده شده است؛ زیرا هر چیزی، چون به تمامی سطح بر زمین قرار گیرد، به اندازه سنگ آسیاب سنگین می‌شود. اگر بر لبه‌اش بر روی زمین باشد، یک کودک هم می‌تواند آن را [از جای خویش براند. اگر هم که چیزی به روی بر زمین قرار گیرد، جابه‌جا کردن آن، حتی بر یک مرد، سنگین می‌آید.

۹۶۰. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! بنگر که چگونه انسان در خلقتش ویژگی‌هایی یافته است تا بر چارپایان، برتری و مهتری داده شود. او به گونه‌ای آفریده شده است که راست می‌ایستد و راست می‌نشیند تا با دستان و اندام‌ها، رویاروی چیزها قرار گیرد و بتواند با آنها در آویزد و کاری انجام دهد. اگر او به‌سان چارپایان، صورت به سوی زمین داشت، نمی‌توانست هیچ‌یک از کارها را انجام دهد....

چرا انسان بر ران و سرین خود، این گوشت را حمل می‌کند، جز برای آن که

او را از [درشتی زمین نگه دارد تا از نشستن بر آن، احساس درد نکند، آن سان که چون انسان نحیف و کم گوشت بنشیند و میان او و زمین، حائلی نباشد که او را از درشتی زمین، نگه دارد، احساس درد کند؟ ...

در ساختار بدن جانوران و سامان یافتن آنان بر وضعی که دارند، اندیشه کن. آنها نه به سان سنگ، سخت آفریده شده‌اند؛ و اگر چنین بودند، نه خم می‌شدند و نه می‌توانستند به انجام دادن کاری دست بزنند. همچنین، آنها بسیار نرم و سست نیز آفریده نشده‌اند که نتوانند سنگینی خود را حمل کنند و نه به خویش اتکا ورزند. آنها از گوشتی نرم آفریده شده‌اند که خم می‌شود و در درون آن نیز استخوان‌هایی سخت است و پی و رگ آن را نگه می‌دارد و اینها همه را به یکدیگر، پیوند می‌زند و در کنار هم نگه می‌دارد. بر روی همه اینها غلافی از پوست قرار گرفته است که همه بدن را در بر می‌گیرد.

حکایت بدن، حکایت این تندیس‌هاست که از چوب ساخته و در آنها، پارچه‌ای بر اطراف چوب پیچیده و به کمک نخ، به هم بسته می‌شود و آن‌گاه لایه‌ای از صمغ نیز آنها را می‌پوشاند. چوب‌ها به منزله استخوان، پارچه‌ها به منزله گوشت، و نخ‌ها به منزله پی و رگ و آن لایه نیز به منزله پوست است. اگر این احتمال روا باشد که جانوران متحرک، به خودی خود و بدون آفریدگار، پدید آمده باشند، چنین چیزی درباره این تندیس‌های بی‌جان نیز روا خواهد بود؛ امّا اگر این احتمال درباره تندیس‌ها روا نباشد، سازمان‌تر آن است که درباره جانوران نیز روا نیست...

انسان‌ها چون توانسته‌اند صاحب ذهن و زیرکی و توان دست یازیدن به حرفه‌هایی چون: بنا ساختن، تجارت، رنگرزی و جز آن باشند، برایشان کفِ دستانی بزرگ و برخوردار از انگشتان درشت، قرار داده شده است تا بتوانند چیزها را در دست گیرند و لازم‌ترین [۱۳۰۹] آنها همین حرفه‌هاست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶۲

۹۶۱. المناقب عن سالم الضریر: إِنَّ نَصْرَانِيًّا سَأَلَ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَفْصِيلَ الْجِسْمِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَى اثْنِي عَشَرَ وَوَصَلًّا، وَعَلَى مِئَتَيْنِ وَسِتِّينَ وَرَبْعِينَ عَظْمًا، وَعَلَى ثَلَاثِمِئَةٍ وَسِتِّينَ عِرْقًا. فَالْعُرُوقُ هِيَ الَّتِي تَسْقِي الْجَسَدَ كُلَّهُ، وَالْعِظَامُ تُمَسِّكُهَا، وَاللَّحْمُ يُمَسِّكُ الْعِظَامَ، وَالْعَصَبُ يُمَسِّكُ اللَّحْمَ.

وَجَعَلَ فِي يَدَيْهِ اثْنَيْنِ وَثَمَانِينَ عَظْمًا، فِي كُلِّ يَدٍ أَحَدٌ وَأَرْبَعُونَ عَظْمًا، مِنْهَا: فِي كَفِّهِ خَمْسَةٌ وَثَلَاثُونَ عَظْمًا، وَفِي سَاعِدِهِ اثْنَانِ، وَفِي عَضُدِهِ وَاحِدٌ، وَفِي كَتِفِهِ ثَلَاثَةٌ. وَكَذَلِكَ فِي الْآخَرَى.

وَفِي رِجْلِهِ ثَلَاثَةٌ وَأَرْبَعُونَ عَظْمًا، مِنْهَا: فِي قَدَمِهِ خَمْسَةٌ وَثَلَاثُونَ عَظْمًا، وَفِي سَاقِهِ اثْنَانِ، وَفِي رُكْبَتِهِ ثَلَاثَةٌ، وَفِي فَخِذِهِ وَاحِدٌ، وَفِي وَرِكِهِ اثْنَانِ. وَكَذَلِكَ فِي الْآخَرَى.

وَفِي صُلْبِهِ ثَمَانِي عَشْرَةَ فَقَارَةً. وَفِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ جَنْبَيْهِ تِسْعَةٌ أَضْلَاعٍ. وَفِي عُنُقِهِ ثَمَانِيَةٌ. وَفِي رَأْسِهِ سِتِّينَ وَثَلَاثُونَ عَظْمًا. وَفِي فِيهِ ثَمَانِيَةٌ وَعِشْرُونَ، وَاثْنَانِ وَثَلَاثُونَ [۱۳۱۰]. [۱۳۱۱]

۲/۱۲

مَا يَشُدُّ الْعَظْمَ

۹۶۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّحْمُ وَاللَّبَنُ يُنْبِتَانِ اللَّحْمَ وَيَشُدُّانِ الْعِظَامَ، وَاللَّحْمُ يَزِيدُ فِي

السَّمْعِ وَالْبَصَرِ. [۱۳۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶۳

۹۶۱. مناقب آل ابی طالب به نقل از سالم ضریر: مردی مسیحی از امام صادق علیه السلام درباره تشریح بدن پرسید.

فرمود: «خداوند متعال، انسان را بر دوازده اندام اصلی، بر ۲۴۶ استخوان و بر سیصد و شصت رگ آفرید. رگ‌ها همه بدن را آبیاری می‌کنند، استخوان‌ها اندام‌ها را نگه می‌دارند، گوشت، استخوان‌ها را نگه می‌دارد و پی، گوشت را نگه می‌دارد.

در دستان انسان، ۸۲ استخوان قرار داد: در هر دست، ۴۱ استخوان. از این شمار، ۳۵ استخوان در کف، دو استخوان در فاصله میان میچ و آرنج، یکی در بازو و سه تا در شانه اوست؛ و به همین اندازه نیز در دست دیگر.



در پای او نیز ۴۳ استخوان است. از این شمار، سی و پنج استخوان در قسمت پایین تر از مچ، دو تا در ساق، سه تا در زانو، یکی در ران، و دو تا در سرین اوست؛ و به همین اندازه نیز در پای دیگر. در پشت او هم هجده مهره است، در هر یک از پهلوهای او نه دنده است، در گردنش هشت [استخوان]، در سر وی نیز ۳۶ استخوان، در دهانش ۲۸ استخوان و [آن گاه ۳۲ استخوان است.

## ۱۲/۲ آنچه استخوان را استحکام می بخشد

۹۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوشت و شیر، گوشت می رویند و استخوانها را استحکام می بخشد؛ و گوشت، شنوایی و بینایی را افزون می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶۴

۹۶۳. الإمام الصادق علیه السلام: شَرِبَ السَّوِيقَ بِالزَّيْتِ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ، وَيُرِقُّ الْبَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الْبَاهِ. [۱۳۱۳]

۹۶۴. طَبَّ الْأَثَمِيَّةُ عَنْ بَكِيرِ بْنِ مُحَمَّدٍ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَوْلَدُ الْوَلَدُ فَيَكُونُ فِيهِ الْبَلَّةُ وَالضَّعْفُ.

فَقَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ السَّوِيقِ؟ اشْرَبْهُ وَ مَرِّ أَهْلَكَ بِهِ؛ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ، وَلَا يَوْلَدُ لَكُمْ إِلَّا الْقَوِيُّ. [۱۳۱۴]

۹۶۵. المحاسن عن أحمد بن محمد بن أبي نصر: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَحْمَدُ، كَيْفَ شَهَوْتُكَ الْبَقْلَ؟ فَقُلْتُ: إِنِّي لَأَشْتَهِي عَائِنَهُ.

قال: فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَاعْلَمِكِ بِالسَّوِيقِ؛ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ عَلَى شَاطِئِ الْفِرْدَوْسِ، وَ فِيهِ شِفَاءٌ مِنَ الْأَدْوَاءِ، وَ هُوَ يُغَلِّظُ الْعَظْمَ وَ يُنْبِتُ اللَّحْمَ. [۱۳۱۵]

۹۶۶. الإمام الرضا عليه السلام: التَّيْنُ يَذْهَبُ بِالْبَحْرِ، وَيَشُدُّ الْفَئِمَّ وَالْعَظْمَ، وَ يُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَ يَذْهَبُ بِالدَّاءِ، وَ لَا يَحْتَاجُ مَعَهُ إِلَى دَوَاءٍ. [۱۳۱۶]

راجع: ج ۲، ص ۳۷۴ ۳۷۸، ح ۱۸۲۶، ۱۸۲۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶۵

۹۶۳. امام صادق علیه السلام: خوردن سويق با روغن زيتون، گوشت برمی رویند، استخوان را استحکام می بخشد، پوست را نازک می کند و بر توان جنسی می افزاید.

۹۶۴. طَبَّ الْأَثَمِيَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ مِنْ بَكِيرِ بْنِ مُحَمَّدٍ: نَزَدَ إِيَّامَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَدْمُ. مَرَدِي بِهِ أَوْ كَفْتُ: أَيِ پَسْرِ پیامبر خدا! فرزند، زاده می شود؛ اما در او کم عقلی و سستی است.

پرسید: «چه چیزی تو را از سويق، باز داشته است؟ آن را بخور و همسرت را نیز بدان فرمان ده؛ چرا که گوشت می رویند، استخوان را استحکام می بخشد و سبب می شود که جز فرزندان قوی از شما زاده نگردد».

۹۶۵. المحاسن به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر: امام رضا علیه السلام فرمود: «ای احمد! میل تو به سبزیها چگونه است؟». گفتم: همه را دوست دارم.

فرمود: «اگر چنین است، بر تو باد چغندر؛ چرا که بر ساحل فردوس می روید. در آن، شفای هر دردی است، استخوان را درشت می کند و گوشت می رویند».

۹۶۶. امام رضا علیه السلام: انجیر، بوی بد دهان را می برد، دهان و استخوانها را استحکام می بخشد، مو بر می رویند، درد را می برد و با وجود آن، دیگر به دارویی نیاز نیست.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۷۵ ۳۷۹، ح ۱۸۲۶، ۱۸۲۹.

ما يُقَوِّي السَّاقَيْنِ وَ الْقَدَمَيْنِ

۹۶۷. الإمام الصادق عليه السلام: أَكَلُ الْبَاقِلِيِّ يُمَخِّخُ السَّاقَيْنِ، وَ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ، وَ يُؤَلِّدُ الدَّمَ الطَّرِيَّ. [۱۳۱۷]

۹۶۸. عنه عليه السلام: الْعَبِيرَاءُ لَحْمُهُ يُنَبِّتُ اللَّحْمَ، وَ عَظْمُهُ يُنَبِّتُ الْعَظْمَ، وَ جِلْدُهُ يُنَبِّتُ الْجِلْدَ، وَ مَعَ ذَلِكَ، فَإِنَّهُ... يُقَوِّي السَّاقَيْنِ. [۱۳۱۸]

۹۶۹. عنه عليه السلام: الْمَحْمُومُ يُعَسِّلُ لَهُ السَّوِيقُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ يُعْطَاهُ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْحُمَى، وَ يُنَشِّفُ الْمِرَارَ وَ الْبَلْغَمَ، وَ يُقَوِّي

السَّاقَيْنِ. [۱۳۱۹]

۹۷۰. الإمام الكاظم عليه السلام: السَّوِيقُ إِذَا عَسَلْتَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ قَلْبَتَهُ مِنْ إِنَاءٍ إِلَى إِنَاءٍ آخَرَ، فَهُوَ يَذْهَبُ بِالْحُمَى، وَ يُنَزِّلُ الْقُوَّةَ فِي

السَّاقَيْنِ وَ الْقَدَمَيْنِ. [۱۳۲۰]

۹۷۱. عنه عليه السلام: أَطْعِمُوا الْمَحْمُومَ لَحْمَ الْقَبَاجِ؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّي السَّاقَيْنِ، وَ يَطْرُدُ الْحُمَى طَرْدًا. [۱۳۲۱]

۹۷۲. الإمام الرضا عليه السلام: الْمَاءُ الْمُسَخَّنُ إِذَا غَلَّيْتَهُ سَبْعَ غَلِيَّاتٍ وَ قَلْبَتَهُ مِنْ إِنَاءٍ إِلَى إِنَاءٍ،

فَهُوَ يَذْهَبُ بِالْحُمَى، وَ يُنَزِّلُ الْقُوَّةَ فِي السَّاقَيْنِ وَ الْقَدَمَيْنِ. [۱۳۲۲]

### ۳/۱۲ آنچه استخوان‌های ساق و پا را محکم می‌کند

۹۶۷. امام صادق علیه السلام: خوردن باقلا، استخوان‌های ساق را تراکم درونی می‌دهد، توان مغز را افزون می‌سازد و خون تازه تولید می‌کند.

۹۶۸. امام صادق علیه السلام: گوشتش سنجد، گوشتش می‌رویاند، هسته‌اش استخوان را رشد می‌دهد، پوستش پوست را می‌پرورد ... رگ جدام را به کلی از میان می‌برد و با این همه، ... ساق پا را نیز قوی می‌کند.

۹۶۹. امام صادق علیه السلام: به تب‌دار، سه بار سویق شسته شده، داده می‌شود. این، تب را می‌برد، تلخه و بلغم را می‌خشکاند و ساق پاها را تقویت می‌کند.

۹۷۰. امام کاظم علیه السلام: سویق، چنانچه آن را هفت بار بشویی و از ظرفی به ظرف دیگر بریزی، تب را می‌برد و نیرو را به ساق و پاها و قسمت پایین تر از مچ، سرازیر می‌کند.

۹۷۱. امام کاظم علیه السلام: به تب‌دار، گوشت کبک بخورانید؛ چرا که پاها را نیرو می‌دهد و تب را کاملاً دور می‌کند.

۹۷۲. امام رضا علیه السلام: آب گرم، چنانچه آن را هفت جوش بجوشانی و از ظرفی به

ظرف دیگر درآوری، تب را می‌برد و نیرو را به ساق پاها و قسمت پایین تر از مچ، سرازیر می‌کند.

ما يُلَيِّنُ الْمَفَاصِلَ

۹۷۳. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَنِ الْأَزْرَقِ بْنِ سَلِيمَانَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْإِجَاصِ، فَقَالَ:

نَافِعٌ لِلْمِرَارِ، وَ يُلَيِّنُ الْمَفَاصِلَ؛ فَلَا تُكْثِرْ مِنْهُ فَيُعَقِّبَكَ رِيحًا فِي مَفَاصِلِكَ. [۱۳۲۳]

ما يُرَخِّي الْمَفَاصِلَ

۹۷۴. الإمام الكاظم عليه السلام: شَعْرُ الْجَسَدِ إِذَا طَالَ، قَطَعَ مَاءَ الصُّلْبِ، وَ أَرَخَى الْمَفَاصِلَ، وَ وَرَثَ الضَّعْفَ وَ السَّلَّ. [۱۳۲۴]

۶ / ۱۲

ما يَنْفَعُ لَوْجَعِ الْخَاصِرَةِ

۹۷۵. قصص الأنبياء عن عبد الله بن سنان: سَأَلَ أَبِي أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ كَانَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصِيبُهُ مَا يُصِيبُ وُلْدَ آدَمَ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَ لَقَدْ كَانَ يُصِيبُهُ وَجَعُ الْكِبَارِ فِي صِغَرِهِ، وَ يُصِيبُهُ وَجَعُ الصَّغَارِ فِي كِبَرِهِ، وَ يُصِيبُهُ الْمَرَضُ.

وَ كَانَ إِذَا مَسَّهُ وَجَعُ الْخَاصِرَةِ فِي صِغَرِهِ وَ هُوَ مِنْ عِلَلِ الْكِبَارِ قَالَ لِأُمِّهِ: ابغِي لِي عَسَلًا وَ شُونِيزًا وَ زَيْتًا فَتَعَجِنِي بِهِ، ثُمَّ اثْنِينِي بِهِ. فَأَتَتْهُ بِهِ فَكَرِهَهُ.

فَتَقُولُ: لِمَ تَكْرَهُهُ وَ قَدْ طَلَبْتَهُ؟!

فَقَالَ: هَاتِيهِ، نَعْتَهُ لَكَ بِعِلْمِ التُّبُوَّةِ، وَ أَكْرَهُتَهُ لِجَزَعِ الصَّبَا. وَ يَشُمُّ الدَّوَاءَ، ثُمَّ يَشْرِبُهُ بَعْدَ ذَلِكَ. [۱۳۲۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶۹

#### ۱۲ / ۴ آنچه مفاصل را نرم می کند

۹۷۳. طَبُّ الْأَنْثَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ مِنْ أَسْرَقِ بْنِ سَلِيمَانَ: أَنَّ إِمَامَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، دَرَبَارَهُ أَلُو پَرَسِيدَم. فَرَمُودُ: «بِرَّاءِ تَلَخِهِ، مَفِيدٌ اسْتِ وَ مَفَاصِلَ رَا نَرَمٌ مِي كُنْد. الْبَتَّة، اَزْ آنْ فَرَاوَانِ مَخُورٍ؛ چَرَا كِهْ بَادِهَائِي رَا دَر مَفَاصِلِ تُو دَر پِي مِي آوَرْد.»

#### ۱۲ / ۵ آنچه مفاصل را سست می کند

۹۷۴. امام کاظم علیه السلام: مَوِي بَدَنِ، چُون بَلَنْد شُود، آبِ كَمَرِ رَا قَطَعِ مِي كُنْد، مَفْصَلِ هَا رَا سَسْتِ مِي گِرْدَانْد وَ ضَعْفِ وَ سِلِّ بَرِ جَاي مِي نِهْد.

#### ۱۲ / ۶ آنچه برای درد پهلو سودمند است

۹۷۵. قصص الأنبياء به نقل از عبد الله بن سنان: اَزْ إِمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ پَرَسِيدَم: آيَا عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهْ آنچِهْ آدَمِي زَادگانِ بَدَانِ مَبْتَلَا مِي شُونْد، مَبْتَلَا مِي شُد؟

فَرَمُودُ: «آرِي. اُو دَر خَرْدَسَالِي بِهْ دَرْدِ بَزْرُگِ سَالَانِ وَ دَر بَزْرُگِ سَالِي بِهْ دَرْدِ خُرْدَسَالَانِ، گِرْفَتَارِ مِي شُد وَ بِيْمَارِ هَمِ مِي شُد. چُون دَر دُورَانِ خَرْدَسَالِي بِهْ دَرْدِ پِهَلُو كِهْ اَز بِيْمَارِي هَايِ بَزْرُگِ سَالَانِ اسْتِ مَبْتَلَا- مِي شُد، بِهْ مَادَرَشِ مِي كَفْت: صِ بَرَايِمِ قَدْرِي عَسَلِ وَ سِيَاةِ دَانِهْ وَ رُوعْنِ زَيْتُونِ بِيچُو وَ اَزْ آن، خَمِيرِ بَسَازِ وَ بَرَايِمِ بِيَاوَر. مَادَرَشِ آنْ رَا بَرَايِشِ مِي آوَرْد؛ اَمَّا اُو آنْ رَا خُوشِ نَمِي دَاشْت. مَادَرَشِ اَزْ اُو مِي پَرَسِيد: صِ چَرَا آنْ رَا خُوشِ نَدَارِي، دَر حَالِي كِهْ خُودِ، آنْ رَا طَلِييْدِهْ اِي؟ صِ. اُو دَر پَاسِخِ مِي كَفْت: صِ بَدِهْ بِهْ مَن. بِهْ دَانِشِ نَبُوتِ آنْ رَا بَرَايْتِ نَسْخِهْ كَرْدَمِ وَ بِهْ بِي تَابِي كُودَكَانِ، آنْ رَا خُوشِ نَدَاشْتَمَص. اُو دَارُو رَا مِي بُوِييْدِ وَ پَسِ اَزْ آنْ مِي نُوشِيد.»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۰

۷ / ۱۲

ما يَنْفَعُ لَوْجَعِ الظَّهْرِ

۹۷۶. الكافي عن أحمد بن محمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام: الْحِمَّصُ جَيِّدٌ لَوْجَعِ الظَّهْرِ. وَ كَانَ يَدْعُو بِهِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ

بَعْدَهُ. [۱۳۲۶]

۹۷۷. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَكَاَ إِلَى رَبِّهِ عِزَّ وَجَلَّ وَجَعَ الظَّهْرِ، فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ الْحَبِّ بِاللَّحْمِ، يَعْنِي الْهَرِيْسَةَ. [۱۳۲۷]

راجع: ج ۲ ص ۴۸۰ (لحم الجباري).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۱

### ۷ / ۱۲ آنچه برای کمر درد، سودمند است

۹۷۶. الکافی به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر: امام رضا علیه السلام فرمود: «نخود، برای کمر درد، سودمند است». [درباره ایشان (امام رضا علیه السلام) نیز نقل کرده است که او پیش و پس از غذا، آن را می‌طلبید.

۹۷۷. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، به درگاه پروردگار خویش عز و جل از کمر درد نالید. خداوند به او فرمود که دانه با گوشت بخورد، یعنی هلیم. [۱۳۲۸]

همچنین، ر. ک: ج ۲، ص ۴۸۱ (گوشت هوبره).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۲

۸ / ۱۲

ما يورث النَّقْرَسَ

۹۷۸. الإمام الرضا عليه السلام: التَّيْنُ [۱۳۲۹]، وَ النَّيْبُ الَّذِي يَشْرَبُهُ أَهْلُهُ، إِذَا اجْتَمَعَا وَلَدَا النَّقْرَسَ وَ الْبَرَصَ. [۱۳۳۰]

۹ / ۱۲

ما يَنْفَعُ مِنَ النَّقْرَسِ

۹۷۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُّوا التَّيْنَ الرَّطْبَ وَ الْيَابِسَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ، وَ يَقَطِّعُ الْبَوَاسِيرَ، وَ يَنْفَعُ مِنَ النَّقْرَسِ وَ الْإِبْرَدَةِ. [۱۳۳۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۳

### ۸ / ۱۲ آنچه نقرس می‌آورد

۹۷۸. امام رضا علیه السلام: انجیر [۱۳۳۲] و شراب خرما که اهلش می‌خورند چون با هم جمع شوند، نقرس و پیسی به وجود می‌آورند.

### ۹ / ۱۲ آنچه برای نقرس، سودمند است

۹۷۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: انجیر، تازه و خشک، بخورید؛ چرا که بر قدرت همبستری می‌افزاید، بواسیر را ریشه کن می‌کند و برای درمان نقرس و سردی مزاج، سودمند است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۴

الفصل الثالث عشر: الجهاز البولي و التناسلي

الإشارة إلى ما فيهما من الحكمة

۹۸۰. الإمام الصادق عليه السلام للمفضل بن عمر: فكر يا مفضل، كيف جعلت آلات الجماع في الذكر والانثى جميعا على ما يشاكل ذلك، فجعل للذكر آله ناشرة تمتد، حتى تصل النطفة إلى الرحم، إذ كان محتاجا إلى أن يقذف ماءه في غيره، وخلق للانثى وعاء قعر ليشتمل على الماءين جميعا، ويحمل الولد ويتسع له ويصونه حتى يستحکم، أليس ذلك من تدبير حكيم لطيف؟! سبحانه وتعالى عما يشركون...

من جعل لمنافذ البول والغائط أشراجا تضبطهما، لئلا يجريا جريانا دائما فيفسد على الإنسان عيشه؟ فكم عسى أن يوحى المحصى من هذا؟...

لو كان فرج الرجل مسترخيا كيف كان يصل إلى قعر الرحم حتى يفرغ النطفة فيه؟ ولو كان منعظا أبدا كيف كان الرجل يتقلب في الفراش، ويمشى

بين الناس و شيء شاخص أمامه؟ ثم يكون في ذلك مع قبح المنظر تحريك الشهوة في كل وقت من الرجال والنساء جميعا. فقدّر الله جل اسمه أن يكون أكثر ذلك لما يبدو للبصير في كل وقت، ولا يكون على الرجال منه مؤنة، بل جعل فيه القوة على الانتصاب وقت الحاجة إلى ذلك، لما قدر أن يكون فيه من دوام النسل وبقائه. [۱۳۳۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۵

### فصل سیزدهم: دستگاه تناسل و دفع ادرار

#### ۱/۱۳ اشاره به حکمت نهفته در آن

۹۸۰. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! در این بیندیش که چگونه آلت‌های آمیزش در مرد و زن، به گونه‌ای همخوان این کار، قرار داده شده است. برای مرد، آلتی انبساطپذیر قرار داده شده که دراز می‌شود تا نطفه به زهدان برسد؛ چه این که مرد، بدان نیاز دارد که آب خویش در دیگری بیفکند. برای زن هم ظرفی گود آفریده شده تا هر دو آب را در خود، جای دهد و فرزند را در درون خود بپذیرد، گنجایش او را داشته باشد و او را حفظ کند تا زمانی که استحکام یابد. آیا این، برخاسته از تدبیر خدایی حکیم و پُر مهر نیست؟ از آنچه برایش انباز می‌گیرند، پیراسته و فراتر باد!...

چه کسی گذرگاه پیشاب و مدفوع را خود جمع‌شونده قرار داد تا آنها را مهار کند و نگذارد پیوسته در جریان باشند و زندگی انسان را بر او تباه سازند؟ چه اندازه نعمت از این دست را هر شمارنده‌ای می‌تواند در شمار آورد؟...

اگر آلت تناسلی مرد، همیشه سست و فروهشته بود، چگونه می‌توانست

به ژرفای زهدان برسد تا در آنجا نطفه را خالی کند؟ و اگر نیز همیشه در حالت نعوظ بود، چگونه مرد می‌توانست در بستر، از این پهلو بدان پهلو بچرخد و یا در حالی که چیزی پیش آمده در جلو او هست، در میان مردم راه برود؟ چنین چیزی، افزون بر زشتی چشم‌انداز، تحریک شهوت را در زن و مرد، در همه وقت، در پی می‌آورد.

بدین سان، خداوند جلّ اسمه تقدیر کرد که بیشتر آن در همه اوقات، به چشم نیاید و از آن، دشواری‌ای بر مردان تحمیل نشود؛ بلکه خداوند در آن نیرویی قرار داد که به گاه نیاز، راست شود؛ چرا که او خود تقدیر کرده که استمرار و ماندگاری نسل، از رهگذر آن باشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۶

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» [۱۳۳۴]

۹۸۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَقَلُّ الْحَيْضِ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ، وَ أَكْثَرُهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ [۱۳۳۵]  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۷

### ۲ / ۱۳ کارکردها

### ۱۲ / ۱۳ عادت ماهانه

### قرآن

«از تو درباره خون حیض می پرسند. بگو: آن آزرده گی ای است. پس در ایام حیض از زنان کناره گزینید و نزدیکشان مشوید تا پاک شوند. پس چون پاک شدند، از همان سویی که خداوند فرماتان داده است، به سراغشان روید. خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد و طهارت جویان را دوست دارد»

### حدیث

۹۸۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کمترین ایام حیض، سه روز و بیشترین آن، ده روز است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۸

۹۸۲. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا بَلَغَتِ الْمَرْأَةُ خَمْسِينَ سَنَةً لَمْ تَرَ حُمْرَةً، إِلَّا أَنْ تَكُونَ امْرَأَةً مِنْ قُرَيْشٍ [۱۳۳۶]

۹۸۳. الكافي عن عبد الرحمن بن الحجاج عن الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثٌ يَتَزَوَّجَنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ:

الَّتِي لَمْ تَحِضْ وَمِثْلَهَا لَا تَحِضُ. قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا حَدُّهَا؟

قَالَ: إِذَا أَتَى لَهَا أَقَلُّ مِنْ تِسْعِ سِنِينَ، وَ الَّتِي لَمْ يُدْخَلْ بِهَا، وَ الَّتِي قَدْ يَسَّتْ مِنَ الْمَحِيضِ وَ مِثْلَهَا لَا تَحِضُ.

قُلْتُ: وَ مَا حَدُّهَا؟

قَالَ: إِذَا كَانَ لَهَا خَمْسُونَ سَنَةً [۱۳۳۷]

۹۸۴. الكافي عن حفص بن البختري: دَخَلَتْ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ امْرَأَةً فَسَأَلَتْهُ عَنِ الْمَرْأَةِ يَسْتَمِرُّ بِهَا الدَّمُ فَلَا تَدْرِي حَيْضٌ هُوَ أَوْ غَيْرُهُ؟

قَالَ: فَقَالَ لَهَا: إِنَّ دَمَ الْحَيْضِ حَارٌّ غَيْبٌ أَسْوَدٌ لَهُ دَفْعٌ وَ حَرَارَةٌ، وَ دَمَ الْاسْتِحَاضَةِ أَصْفَرٌ بَارِدٌ، فَإِذَا كَانَ لِلدَّمِ حَرَارَةٌ وَ دَفْعٌ وَ سَوَادٌ، فَلْتَدْعِ الصَّلَاةَ.

قَالَ: فَخَرَجَتْ وَ هِيَ تَقُولُ: وَ اللَّهُ أَنْ لَوْ كَانَ امْرَأَةٌ مَا زَادَ عَلَيَّ هَذَا!! [۱۳۳۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۹

۹۸۲. امام صادق علیه السلام: زن، هنگامی که به پنجاه سالگی برسد، خون نمی‌بیند، مگر آن که زنی از قریش باشد.

۹۸۳. الکافی به نقل از عبد الرحمن بن حجاج: امام صادق علیه السلام فرمود: «سه کس اند که در هر حالتی می‌توان با آنها عقد نکاح بست [۱۳۳۹]: آن که هنوز خون ندیده است و همانند هایش نیز هنوز خون نمی‌بیند».

پرسیدم: اندازه سنی آن چیست؟

فرمود: «وقتی کمتر از نه سال بر او گذشته باشد. [سپس ادامه داد: دوم آن که کس با او دخول نکرده است و [سوم آن که از حیض نوامید شده و همانند هایش نیز حائض نمی‌شوند».

گفتم: حد آن چیست؟

فرمود: «وقتی پنجاه سال داشته باشد».

۹۸۴. الکافی به نقل از حفص بن بختری: زنی بر امام صادق علیه السلام وارد شد و از ایشان در این باره پرسید که زنی، خورش استمرار می‌یابد و نمی‌داند این خون، حیض است یا چیزی دیگر.

امام به او فرمود: «خون حیض، گرم، خالص، سیاه رنگ و دارای جهش و حرارت است؛ اما خون استحاضه، زرد و سرد است. پس اگر خون، دارای حرارت و جهش و سیاهی بود، زن باید نماز را واگذارد».

آن زن پس از شنیدن بیرون رفت، در حالی که می‌گفت: به خداوند سوگند، اگر یک زن هم می‌بود، بر این نمی‌افزود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۰

۲۲/۱۳

النُّطْفَةُ

الکتاب:

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا». [۱۳۴۰]

الحديث:

۹۸۵. رسول الله صلى الله عليه وآله و سئل عن قرار ماء الرجل و ماء المرأة فقال: أما قرار ماء الرجل، فإنه يخرج ماؤه من الإحليل، و هو عرق يجرى في ظهره حتى يستقر قراره في البيضه اليسرى، و أما ماء المرأة، فإن ماءها في التربه يتغلغل لا يزال يدنو، حتى يذوق عسيلتها. [۱۳۴۱]

۳۲/۱۳

سوائل البروستاته

۹۸۶. الکافی عن محمد بن مسلم: قلت لأبي جعفر عليه السلام: رجل بال و لم يكن معه ماء، فقال:

يعصر أصل ذكره إلى طرفه ثلاث عَصْرَاتٍ و ينثر طرفه، فإن خرج بعد ذلك شيء فليس من البول، و لكنه من الحبائل. [۱۳۴۲]

۹۸۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: إن كل فحل يمدى، فإذا كان المنى، ففيه الغسل. [۱۳۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۱

۲۲/۱۳ نطفه

قرآن

«ما انسان را از نطفه‌ای به هم آمیخته که آن را می‌آزماییم، بیافریدیم و آن گاه، او را شنوا و بینا ساختیم»

### حدیث

۹۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسش درباره جایگاه استقرار آب مرد و آب زن: جایگاه استقرار آب مرد؛ آب او از سرِ آلت بیرون می‌آید و آن، رگی است که در پشت او جریان می‌یابد تا هنگامی که در تخم چپ، استقرار بیابد. اما جای آب زن؛ آب او از استخوانِ سینه، آهسته به جنبش در می‌آید و پیوسته نزدیک می‌شود تا هنگامی که زن، کام بیابد.

### ۱۳/۳۲ مایع پروستات

۹۸۶. الکافی به نقل از محمد بن مسلم: به امام باقر علیه السلام گفتم: مردی پیشاب کرده و آبی به همراه ندارد. فرمود: «آلت خود را تا سر آن، سه بار بفشرد و سر آن را نیز سه بار فشار دهد. اگر پس از آن چیزی بیرون آمد، پیشاب نیست؛ بلکه از رگ‌های پشت (وَدی) است».

۹۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر نرینه‌ای مَدی دارد؛ اما اگر مَنی باشد، موجب غسل است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۲

۹۸۸. الإمام الصادق علیه السلام: إِنْ سَالَ مِنْ ذَكَرِكَ شَيْءٌ مِنْ مَيْدِي أَوْ وَدِي وَأَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَلَا تَغْسِلْهُ، وَلَا تَقْطَعْ الصَّلَاةَ، وَلَا تَنْقُضْ لَهُ الْوُضُوءَ وَإِنْ بَلَغَ عَقِيْبِكَ؛ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بِمَنْزِلَةِ النَّخَامَةِ، وَكُلُّ شَيْءٍ يَخْرُجُ مِنْكَ بَعْدَ الْوُضُوءِ؛ فَإِنَّهُ مِنَ الْحَبَائِلِ، أَوْ مِنَ الْبَوَاسِيرِ وَلَيْسَ بِشَيْءٍ، فَلَا تَغْسِلْهُ مِنْ تَوْبِكَ إِلَّا أَنْ تُقَدِرَهُ. [۱۳۴۴]

۹۸۹. کتاب من لا يحضره الفقيه: رَوَى أَنَّ الْمَدَى وَالْوَدَى بِمَنْزِلَةِ الْبُصَاقِ وَالْمُخَاطِ؛ فَلَا يُغْسَلُ مِنْهُمَا التَّوْبُ، وَلَا الْإِحْلِيلُ. [۱۳۴۵]

۹۹۰. الإمام الصادق علیه السلام: يَخْرُجُ مِنَ الْإِحْلِيلِ الْمَنِيُّ وَالْمَدَى وَالْوَدَى وَالْوَدَى:

فَأَمَّا الْمَنِيُّ: فَهُوَ الَّذِي تَسْرَخِي لَهُ الْعِظَامُ وَيَفْتَرُّ بِهِ الْجَسَدُ، وَفِيهِ الْغُسْلُ.

وَأَمَّا الْمَدَى فَيَخْرُجُ مِنَ الشَّهْوَةِ، وَلَا شَيْءَ فِيهِ.

وَأَمَّا الْوَدَى: فَهُوَ الَّذِي يَخْرُجُ بَعْدَ الْبَوْلِ.

وَأَمَّا الْوَدَى: فَهُوَ الَّذِي يَخْرُجُ مِنَ الْأَدْوَاءِ، وَلَا شَيْءَ فِيهِ. [۱۳۴۶]

۳/۱۳

بعض الأمراض النسائية

أانقطاع العادة الشهرية

۹۹۱. الإمام الكاظم علیه السلام: إِنْ الطَّمْتُ قَدْ تَحَبَّسَهُ الرِّيحُ مِنْ غَيْرِ حَبْلٍ. [۱۳۴۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۳

۹۸۸. امام صادق علیه السلام: اگر از آلت چیزی از مَدی یا وَدی بیرون آید و در حال نماز باشی، نه آن را بشوی، نه نماز را بشکن و نه وضوی خود را به سبب آن، باطل بدان، هر چند که [از فراوانی به پس تو نیز رسیده باشد؛ چرا که این آب به منزله آب بینی است. هر چیز هم که پس از وضو از تو بیرون می‌آید، از رگ‌های پشت (غده‌ها) یا از بواسیر است و چیز مهمی نیست. آن را از جامه‌ات مشوی، مگر این که جامه را آلوده کند.

۹۸۹. کتاب من لا يحضره الفقيه: روایت شده که مَدی و وَدی، به منزله آب دهان و آب بینی است؛ نه شستن جامه از آن لازم است



و نه شستن آلت.

۹۹۰. امام صادق علیه السلام: منی، مَدَى، وَدَى و وَدَى، از آلت بیرون می آیند. منی، آن چیزی است که به سبب استخوان‌ها شُل می شوند و بدن سست می گردد و موجب غسل است. مَدَى از شهوت بیرون می آید و در آن چیزی نیست. وَدَى، آن چیزی است که پس از پیشاب بیرون می آید. وَدَى هم آن چیزی است که به سبب بیماری‌ها بیرون می آید و در آن، چیزی نیست.

### ۱۳/۳ نمونه‌هایی از بیماری‌های زنان

#### الف قطع شدن عادت ماهانه

۹۹۱. امام کاظم علیه السلام: خون عادت را گاه باد، بند می آورد، بی آنکه آبستنی در میان باشد. [۱۳۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۵۸۴

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۴

۹۹۲. عنه علیه السلام: ارتفاعِ الطَّمْثِ ضَرْبانٌ: فَسَادٌ مِنْ حَيْضٍ، أَوْ ارْتِفَاعٌ مِنْ حَمَلٍ؛ فَأَيُّهُمَا كَانَ فَقَدَ حَلَّتْ لِلْأَزْوَاجِ إِذَا وَضَعَتْ، أَوْ مَرَّتْ بِهَا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ بِيَضٍ لَيْسَ فِيهَا دَمٌ. [۱۳۴۹]

ب الْقَرْنُ وَالْعَقْلُ

۹۹۳. الإمام الصادق علیه السلام: الْمَرْأَةُ تُرُدُّ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُدَامِ، وَالْجُنُونِ، وَالْقَرْنِ وَهُوَ الْعَقْلُ مَا لَمْ يَقَعْ عَلَيْهَا، فَإِذَا وَقَعَ عَلَيْهَا فَلَا. [۱۳۵۰]

ج فَقْدَانُ الْبِكَارَةِ

۹۹۴. الإمام الصادق علیه السلام فِي رَجُلٍ قَالَ لِامْرَأَتِهِ: لَمْ تَأْتِنِي عَذْرَاءٌ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ؛ لِأَنَّ الْعُدْرَةَ تَذْهَبُ بِغَيْرِ جَمَاعٍ. [۱۳۵۱]

۹۹۵. الإمام الكاظم علیه السلام: إِنَّ رَجُلًا أَقْبَلَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ امْرَأَةٌ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنِّي تَزَوَّجْتُ امْرَأَتِي عَذْرَى، فَدَخَلْتُ بِهَا فَوَجَدْتُهَا غَيْرَ عَذْرَى.

فَقَالَ: وَيْحَكَ! إِنَّ الْعُدْرَةَ تَذْهَبُ مِنَ الْوَثْبَةِ، وَالْقَفْزَةِ، وَالْحَيْضِ، وَالْوُضْوءِ، وَطَوْلِ التَّعْنُسِ. [۱۳۵۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۵

۹۹۲. امام کاظم علیه السلام: از میان رفتن خونریزی زنان، بر دو گونه است: تباهی‌ای که در عادت ماهانه حاصل آمده باشد، و از میان رفتنی که از آبستنی، ناشی شده باشد. و هر یک از اینها که رُخ دهد، زن پس از نهادن فرزند یا پس از گذشتن سه ماه پاکی بر او که در این مدت هیچ خونی نیز نباشد، برای [ازدواج با] مردان حلال شود.

#### ب شاخک و فنج

۹۹۳. امام صادق علیه السلام: زن را به واسطه چهار چیز پس دهند: به واسطه پیسی، جذام، دیوانگی، و شاخک که همان فنج است البته تا زمانی که مرد با او همبستر نشده باشد؛ اما اگر با او همبستر شده باشد، نه.

۹۹۴. امام صادق علیه السلام درباره مردی که به زنش گفته بود: تو دوشیزه به حجله‌ام نیامده‌ای: بر او چیزی نیست؛ [۱۳۵۳] زیرا دوشیزگی بدون آمیزش نیز از میان می‌رود.

۹۹۵. امام کاظم علیه السلام: مردی در حالی که زنی به همراهش بود، رو به امیر مؤمنان علیه السلام کرد و گفت: ای امیر مؤمنان! من با زخم در حالی ازدواج کرده‌ام که دوشیزه بوده است؛ اما چون با او همبستری کرده‌ام، او را نادوشیزه یافته‌ام. فرمود: «وای بر تو! گناه دوشیزگی به واسطه جستن، پرش، [۱۳۵۴] حیض، طهارت گرفتن و در خانه ماندگی دراز مدت، از میان می‌رود».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۶

۴ / ۱۳

بَعْضُ أَسْبَابِ أَمْرَاضِ الْجَهَازِ الْبَوْلِيِّ وَ التَّنَاسُلِيِّ

۱۴ / ۱۳

حَبْسُ الْبَوْلِ

۹۹۶. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَشْتَكِيَ مَثَانَتَهُ، فَلَا يَحْبِسِ الْبَوْلَ وَ لَوْ عَلَى ظَهْرِ دَائِبَتِهِ. [۱۳۵۵]

۲۴ / ۱۳

الْجِمَاعُ مِنْ غَيْرِ إِهْرَاقِ الْمَاءِ

۹۹۷. الإمام الرضا عليه السلام: الْجِمَاعُ مِنْ غَيْرِ إِهْرَاقِ الْمَاءِ عَلَى أَثَرِهِ يورثُ الْحِصَاةَ...

و مَنْ أَرَادَ أَنْ يَأْمَنَ الْحِصَاةَ وَ عُسْرَ الْبَوْلِ، فَلَا يَحْبِسِ الْمَنِيَّ عِنْدَ نَزْوْلِ الشَّهْوَةِ، وَلَا يُطِيلِ [۱۳۵۶] الْمَكْتَّ عَلَى النِّسَاءِ. [۱۳۵۷]

۳۴ / ۱۳

أَكَلَ كُلِّي الْغَنَمِ وَ أَجْوَفِهَا

۹۹۸. الإمام الرضا عليه السلام: إِدْمَانُ أَكْلِ كُلِّي الْغَنَمِ وَ أَجْوَفِهَا، يَعْكِسُ الْمَثَانَةَ. [۱۳۵۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۷

### ۱۳ / ۴ برخی عوامل بیماری‌های دستگاه ادراری و تناسلی

#### ۱۳ / ۴ نکه داشتن پیشاب

۹۹۶. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد مثانه‌اش به عارضه‌ای گرفتار نشود، پیشاب خود را نکه ندارد، حتی اگر که بر پشت مرکب خویش نشسته باشد.

#### ۱۳ / ۲۴ آمیزش بدون انزال

۹۹۷. امام رضا علیه السلام: آمیزش بدون انزال، سنگ [مثانه می‌آورد ... و هر کس می‌خواهد از سنگ و دشواری دفع ادرار در امان باشد، نباید در هنگام حصول شهوت، منی را در خود نکه دارد، و نیز نباید آمیزش با زنان را [بسیار] به درازا بکشاند.

۹۹۸. امام رضا علیه السلام: عادت داشتن به خوردن قلوبه و شکمبه (سیرابی) گوسفند، مثانه را دیگرگون می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۸

۴۴ / ۱۳

إِدْمَانُ الْحَمَامِ

۹۹۹. الإمام الكاظم عليه السلام: الْحَمَامُ يَوْمٌ وَيَوْمٌ لَا، يُكْتَبُ اللَّحْمَ، وَإِدْمَانُهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ يُذِيبُ شَحْمَ الْكَلْبَتَيْنِ. [۱۳۵۹]

۵۴ / ۱۳

الْإِتِّكَاءُ فِي الْحَمَامِ

۱۰۰۰. الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَتَّكِ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يُذِيبُ شَحْمَ الْكَلْبَتَيْنِ. [۱۳۶۰]

۵ / ۱۳

بَعْضُ عَوَامِلِ صِحَّةِ الْجهازِ الْبَوْلِيِّ وَالتَّنَاسُلِيِّ

۱۵ / ۱۳

الْخِتَانُ

۱۰۰۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ خَلِيلَهُ بِالْحَنِيفِيَّةِ، وَأَمَرَهُ بِأَخْذِ الشَّارِبِ، وَقَصِّ الْأَظْفَارِ، وَنَتْفِ الْإِبْطِ، وَ

حَلْقِ الْعَانَةِ، وَالْخِتَانِ. [۱۳۶۱]

۱۰۰۲. عنه صلى الله عليه وآله: حَتَّوْا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ؛ فَإِنَّهُ أَطْهَرُ وَأَطْيَبُ وَأَسْرَعُ لِنَبَاتِ اللَّحْمِ. [۱۳۶۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۹

### ۴۴ / ۱۳ عادت به حمام رفتن

۹۹۹. امام کاظم علیه السلام: حمام رفتن یک روز در میان، گوشت بدن را می افزاید؛ اما عادت به آن در هر روز، بیه کلیه ها را آب می کند.

### ۵۴ / ۱۳ تکیه زدن در حمام

۱۰۰۰. امام صادق علیه السلام: در حمام [به دیوار] تکیه مزین؛ چرا که بیه کلیه ها را آب می کند. [۱۳۶۳]

### ۱۳ / ۵ برخی عوامل سلامت دستگاه ادراری و تناسلی

#### ۱۵ / ۱۳ ختنه

۱۰۰۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوند، خلیل خویش را به آیین راست و درست برانگیخت و او را به کوتاه کردن سبیل، گرفتن ناخن ها، کندن موهای زیر بغل، تراشیدن موی زهار و ختنه، فرمان داد.

۱۰۰۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: فرزندانان را در روز هفتم [تولمد]، ختنه کنید؛ چرا که پاک تر و پاکیزه تر است و گوشت را سریع تر می رویند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۰

۱۰۰۳. الإمام علی علیه السلام: أَسْرَعُوا بِخِتَانِ أَوْلَادِكُمْ؛ فَإِنَّهُ أَطَهَّرَ لَهُمْ. [۱۳۶۴]

۱۰۰۴. عنه علیه السلام: اخْتِنُوا [۱۳۶۵] أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ لَا يَمْنَعُكُمْ حَرٌّ وَلَا بَرْدٌ؛ فَإِنَّهُ طَهَّرَ لِلجَسَدِ، وَإِنَّ الْأَرْضَ لَتَنْصَبُجُ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ. [۱۳۶۶]

۱۰۰۵. الإمام الصادق علیه السلام: المَوْلُودُ يُعَقُّ عَنْهُ، وَ يُخْتَنُ لِسَبْعَةِ أَيَّامٍ. [۱۳۶۷]

۱۰۰۶. عنه علیه السلام: إِنَّ ثَقَبَ أذنِ الْغُلامِ مِنَ السُّنَّةِ، وَ خِتَانَهُ لِسَبْعَةِ أَيَّامٍ مِنَ السُّنَّةِ. [۱۳۶۸]

۱۰۰۷. الكافي عن أبي بصير: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْجَارِيَةِ تُسَبَّى مِنْ أَرْضِ الشَّرِكِ فَتَسْلِمُ، فَتَطْلُبُ [۱۳۶۹] لَهَا مَنْ يَخْفِضُهَا فَلَا تَقْدِرُ عَلَى امْرَأَةٍ.

فَقَالَ: أَمَّا السُّنَّةُ فِي الْخِتَانِ عَلَى الرِّجَالِ، وَ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ. [۱۳۷۰]

۲۵ / ۱۳

الاسْتِنْجَاءُ وَ الْغَسْلُ

۱۰۰۸. الإمام الباقر علیه السلام: لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَرٍ، وَ يُجْزِيكَ مِنَ الْاسْتِنْجَاءِ ثَلَاثَةُ أَحْجَارٍ، بِذَلِكَ جَرَتِ السُّنَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَمَّا الْبَوْلُ، فَإِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ غَسْلِهِ. [۱۳۷۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۱

۱۰۰۳. امام علی علیه السلام: در ختنه فرزندانان شتاب کنید؛ چرا که این کار، برایشان پاک تر است.

۱۰۰۴. امام علی علیه السلام: فرزندانان را در روز هفتم [تولمد] ختنه کنید. نه گرما، شما را از آن، باز دارد، نه سرما؛ چرا که این کار، مایه پاکي تن است و زمین از پیشاب ختنه‌ناشدگان به درگاه خداوند می‌نالد.

۱۰۰۵. امام صادق علیه السلام: نوزاد را در روز هفتم، عقیقه و ختنه کنند.

۱۰۰۶. امام صادق علیه السلام: سوراخ کردن گوش پسریچه از سنت است و ختنه کردن او در هفت‌روزگی هم از سنت است.

۱۰۰۷. الكافي به نقل از ابو بصير: از امام باقر علیه السلام در این باره پرسیدم که کنیزی از سرزمین شرک به بردگی گرفته می‌شود و اسلام می‌آورد. آن گاه، ما برای او کسی را می‌جویم که ختنه‌اش کند؛ اما به هیچ زنی دست نمی‌یابیم.

فرمود: «سنت ختنه، تنها بر مردان است، نه بر زنان». [۱۳۷۲]

### ۱۳ / ۲۵ پلیدی‌زدایی و شستن

۱۰۰۸. امام باقر علیه السلام: نمازی نیست، مگر به پاک کننده‌ای. تو را در پلیدی‌زدایی [از مخرج غائط]، سه سنگ بسنده است. سنت پیامبر خدا بر این جریان یافته است. اما در پیشاب، گریزی از شستن آن نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۲

۱۰۰۹. الإمام الصادق علیه السلام: جَرَتِ السُّنَّةُ فِي الْاسْتِنْجَاءِ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ أَبْكَارٍ، وَ يُتْبَعُ بِالْمَاءِ. [۱۳۷۳]

راجع: ج ۱، ص ۴۴۶ (ما ینفع لعلاج البواسیر / الاستنجاء بالسعد).

۳۵ / ۱۳

أَكَلَ الْفُجْلَ

۱۰۱۰. الإمام الصادق علیه السلام: كُلَّ الْفُجْلِ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: وَرَقْمَهُ يَطْرُدُ الرِّيحَ، وَ لُبُّهُ يَسِّرُ رِبْلَ الْبَوْلِ، وَ أَصْلُهُ يَقْطَعُ

الْبَلْغَمَ. [۱۳۷۴]

۱۰۱۱. عنه عليه السلام: الْفُجْلُ أَصْلُهُ يَقَطُّعُ الْبَلْغَمَ، وَ تُبُّهُ يَهْضِمُ، وَ وَرْقُهُ يَحْدِرُ الْبَوْلَ حَدْرًا. [۱۳۷۵]

۴۵ / ۱۳

أَكْلُ الْبَطِيخِ

۱۰۱۲. الإمام الصادق عليه السلام فِي ذِكْرِ خَوَاصِّ الْبَطِيخِ: يُذِيبُ الْحَصَى فِي الْمَثَانَةِ. [۱۳۷۶]

۱۰۱۳. عنه عليه السلام: كُلُوا الْبَطِيخَ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ مُجْتَمِعَةٍ: هُوَ شَحْمَةُ الْأَرْضِ لَا دَاءَ فِيهِ وَلَا غَائِلَةَ، وَ هُوَ طَعَامٌ، وَ هُوَ شَرَابٌ، وَ

هُوَ فَاكِهَةٌ، وَ هُوَ رِيحَانٌ، وَ هُوَ اشْنَانٌ، وَ هُوَ أَدَمٌ، وَ يَزِيدُ فِي الْبَاهِ، وَ يَغْسِلُ الْمَثَانَةَ، وَ يُدِرُّ الْبَوْلَ. [۱۳۷۷]

راجع: ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۳

۱۰۰۹. امام صادق عليه السلام: سَنَّتْ دَرِ پَلِيدِ زِدَائِي [از مخرج بر استفاده از سه سنگ دست نخورده جریان یافته است و پس از آن

هم از آب استفاده شود.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۴۷ (آنچه برای درمان بواسیر، سودمند است / استنجا با مُشَكَّك).

### ۱۳ / ۳۵ خوردن تَرُب

۱۰۱۰. امام صادق عليه السلام: تَرُبُّ بَخُورٌ؛ چَرَا كِه دَر آن، سِه وِیژگی است: بَرگَش بَادِهَا رَا دُور مِی كِنْد، قَسْمَت مِیَانِی اَش پِیْشَاب

رَا جَامِه مِی شُود [۱۳۷۸] وَ بِيخَش بَلْغَم رَا اَز مِیَان مِی بَرَد.

۱۰۱۱. امام صادق عليه السلام: تَرُبُّ، بِيخَش بَلْغَم رَا اَز مِیَان مِی بَرَد، قَسْمَت مِیَانِی اَش، گُوارَش مِی دِهَد وَ بَرگَش، اَدْرَار رَا بِه طُور

كَامَل بِه جَرِیَان مِی اَنْدَاذَد.

### ۱۳ / ۴۵ خوردن خربزه

۱۰۱۲. امام صادق عليه السلام درباره ویژگی های خربزه: سَنگ رَا دَر مَثَانِه ذُوب مِی كِنْد.

۱۰۱۳. امام صادق عليه السلام: خَرْبَزِه بَخُورِید؛ چَرَا كِه دَر آن، دِه وِیژگی است: پِیِه زَمِیْن است؛ نِه دَرْدِی دَر آن هَسْت وَ نِه فِسادِی؛

خُورَاك است؛ آب است؛ مِیوه است؛ سَبزِی خُوش است؛ شِسْت وَ شُو دِهَنْدِه است؛ خُورَش است؛ تِوَان جِنْسِی رَا مِی اَفزَاید؛ مَثَانِه رَا

مِی شُویْد؛ وَ اَدْرَار آوَر است.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۴

۶ / ۱۳

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْجِهَازِ التَّنَاسُلِيِّ

۱۶ / ۱۳

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ عَدَمِ انْقِطَاعِ دَمِ الْحَيْضِ

۱۰۱۴. الكافي عن علي بن مهزيار: إِنَّ جَارِيَةَ لَنَا أَصَابَهَا الْحَيْضُ وَ كَانَ لَا يَنْقَطِعُ عَنْهَا، حَتَّى أَشْرَفَتْ عَلَى الْمَوْتِ، فَأَمَرَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ

السَّلَامُ أَنْ تُسْقَى سَوِيْقَ الْعَدَسِ، فَسَقِيَتْ فَانْقَطَعَ عَنْهَا وَ عَوِفِيَتْ. [۱۳۷۹]

۲۶ / ۱۳

ما يَنْفَعُ لِعَوْدِ قَطْعِ الْعَادَةِ الشَّهْرِيَّةِ

۱۰۱۵. الكافي عن إسماعيل بن بزيع: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِي فِتْنَةً قَدِ ارْتَفَعَتْ عَلَيَّهَا.

فَقَالَ: اخْضِبْ رَأْسَهَا بِالْحِنَاءِ؛ فَإِنَّ الْحَيْضَ سَيَعُودُ إِلَيْهَا.

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَعَادَ إِلَيْهَا الْحَيْضُ. [۱۳۸۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۵

### ۱۳/۶ آنچه برای برخی بیماری‌های دستگاه تناسلی سودمند است

#### ۱۳/۶ آنچه برای درمان بند نیامدن خون عادت، سودمند است

۱۰۱۴. الكافي به نقل از علی بن مهزیار: یکی از دخترکان ما عادت شد و خونریزی‌اش متوقف نمی‌شد تا جایی که در آستانه مرگ قرار گرفت. امام جواد علیه السلام فرمود تا سویق [۱۳۸۱] عدس به او بخوراند. این سویق به او خورانده شد و پس از آن، خونریزی بند آمد و او بهبود یافت.

#### ۱۳/۲۶ آنچه برای بازگشت عادت ماهانه، سودمند است

۱۰۱۵. الكافي به نقل از اسماعیل بن بزيع: به امام کاظم علیه السلام گفتم: دختری جوان دارم که بیماری (کنایه از عادت ماهانه) او از میان رفته است. فرمود که سر وی را با حنا خضاب کنند؛ عادت ماهانه به وی باز خواهد گشت. این کار را انجام دادم و عادت ماهانه به وی باز گشت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۶

۳۶/۱۳

ما يَنْفَعُ لِعِلاجِ تَقَطِيرِ الْبُولِ

۱۰۱۶. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَنْ أَبِي بصير: شَكَا عَمْرُو الْأَفْرَقُ إِلَى الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَقَطِيرَ الْبُولِ.

فَقَالَ: خُذِ الْحَرَمِيلَ وَاغْسِلْهُ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ سِتِّ مَرَّاتٍ، وَ بِالْمَاءِ الْحَارِّ مَرَّةً وَاحِدَةً، ثُمَّ يُجَفَّفُ فِي الظِّلِّ، ثُمَّ يَلْتُمُ بِبَدْنِهِ جُلًّا خَالِصًا، ثُمَّ يُسْتَفُّ عَلَى الرِّيْقِ سَفًّا؛ فَإِنَّهُ يَقَطُّعُ التَّقَطِيرَ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. [۱۳۸۲]

راجع: ج ۲ ص ۴۱۴، ح ۱۹۰۰.

۴۶/۱۳

ما يَنْفَعُ لِعِلاجِ الْوَجَعِ عِنْدَ الْبُولِ

۱۰۱۷. مكارم الأخلاق عن الفضل: شَكَوتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنِّي أَلْقَى مِنَ الْبُولِ شِدَّةً.

فَقَالَ: خُذْ مِنَ الشُّونِيزِ فِي آخِرِ اللَّيْلِ. [۱۳۸۳]

۷/۱۳

إرشادات صحیة

۱۷/۱۳

ما يَتَّبَعِي أَنْ يُمْنَعَ الْعَرُوسُ فِي اسبوعِهَا

۱۰۱۸. کتاب من لا يحضره الفقيه عن أبي سعيد الخدري: أوصى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَلَيَّ

بَنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ... أَمْنَعِ الْعُرُوسَ فِي اسْبُوعِهَا مِنَ الْأَلْبَانِ، وَالْخَلِّ، وَالْكَزْبُرَةِ، وَالتُّفَّاحِ الْحَامِضِ، مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْيَاءِ.

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ لِأَيِّ شَيْءٍ أَمْنَعُهَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ الْأَرْبَعَةَ؟

قَالَ: لِأَنَّ الرَّحِمَ تَعَقَّمُ وَ تَبْرُدُ مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْيَاءِ....

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا بَالُ الْخَلِّ تُمْنَعُ مِنْهُ؟

قَالَ: إِذَا حَاضَتْ عَلَى الْخَلِّ لَمْ تَطْهَرِ أَبَدًا بِتَمَامٍ، وَالْكَزْبُرَةُ تُثِيرُ الْحَيْضَ فِي بَطْنِهَا وَ تُشَدِّدُ عَلَيْهَا الْوِلَادَةَ، وَ التُّفَّاحُ الْحَامِضُ يَقَطِّعُ حَيْضَهَا فَيَصِيرُ دَاءً عَلَيْهَا. [۱۳۸۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۷

### ۱۳ / ۳۶ آنچه برای درمان ریزش قطره پیشاب، سودمند است

۱۰۱۶. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ مِنْ أَبِي بَصِيرٍ: عَمَرُوا أَفْرَقَ بِهِ إِمَامٌ بَاقِرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ رِيزِشِ قَطْرَةِ قِشَابٍ، أَظْهَرَ نَارَاحَتِي كَرَدَ.

فرمود: «هزار اسپند بردار و شش بار با آب سرد و یک بار هم با آب گرم بشوی. سپس، باید آن را در سایه خشک کرد، آن گاه قدری روغن خالص یاسمین بدان در آمیخت و آن گاه، سفوفی از آن در حالت ناشتا خورد. به اذن خداوند متعال، ریزش پیشاب را قطع خواهد کرد.»

ر. ک: ج ۲، ص ۴۱۵، ح ۱۹۰۰.

### ۱۳ / ۴۶ آنچه برای درمان احساس درد به هنگام دفع پیشاب، سودمند است

۱۰۱۷. مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ بِهِ نَقَلَ مِنْ فَضْلِ: بِهِ إِمَامٌ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَظْهَرَ كَرْدَمَ كِهْ دَرِ هَنْكَامِ اِدْرَارِ كَرْدَنِ بَا سَخْتِي رُويَارُويِ مِي شُومِ. فَرَمُودُ: «دَرِ آخِرِ شَبِّ، قَدْرِي شُونِيْزِ اسْتِعْمَالِ كُنْ».

### ۱۳ / ۷ بهداشت آمیزش

### ۱۳ / ۱۷ آنچه باید عروس را در هفته اولش از آن باز داشت

۱۰۱۸. كِتَابُ مَنْ لَا يَحْضِرُهُ الْفَقِيهَةُ بِهِ نَقَلَ مِنْ أَبِي سَعِيدِ خُدْرِي: پِيَامِبِرِ خُدَا، بِهِ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ سَفَارِشِ كَرْدَ وَ بِهِ اَوْ فَرَمُودُ: «اِي عَلِيُّ! عُرُوسَ رَا دَرِ هَفْتِهٖ اَوْلَشِ اَزِ شِيْر، سِرْكَهٖ، كَشْنِيْزِ، سِيْبِ تُرْشِ، اَزِ اَيْنِ چِهَارِ چِيْزِ، بَازِ بَدَارِ».

عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ پَرَسِيْدُ: اِي پِيَامِبِرِ خُدَا! بَرَايِ چِهْ اَوْ رَا اَزِ اَيْنِ چِيْزِهَازِ بَازِ بَدَارْمُ؟

فَرَمُودُ: «زِيْرَا اَزِ اَيْنِ چِهَارِ چِيْزِ، زِهْدَانِ سِتْرُوْنِ وَ سَرْدِ مِي شُودُ...».

عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ [دِيْگَرِ بَار] پَرَسِيْدُ: اِي پِيَامِبِرِ خُدَا، اَمَّا اَزِ اَيْنِ مِيَانِ، اَزِ سِرْكَهٖ چِرَا بَازِ دَاشْتِهٖ مِي شُودُ؟

فَرَمُودُ: «اِگَرِ دَرِ حَالِي كِهْ سِرْكَهٖ خُورْدِهٖ اسْتِ، عَادَتِ مَاهَانِهٖ شُودُ، هَرْ كَزِ كَامَلِ پَاكِ نِگَرْدَدُ، كَشْنِيْزِ هَمِ حَيْضِ رَا دَرِ شَكْمِ وَيِ بَرْمِي اَنْگِيْزَانْدِ وَ زَادَنِ رَا بَرِ اَوْ سَخْتِ مِي سَازَدِ. سِيْبِ تُرْشِ نِيْزِ حَيْضِ شَدَنِ اَوْ رَا قَطْعِ مِي كَنْدِ وَ اَيْنِ عَارِضِهٖ بَرَايِ وَيِ يَكِ بِيْمَارِي مِي شُودُ».

تَحْرِيمُ وَطْءِ الْحَائِضِ

الکتاب:

«وَيَسْتَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٌّ فَاعْتَرِزُوا النَّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ». [۱۳۸۵]

الحديث:

۱۰۱۹. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تُجَامِعَ امْرَأَةً حَائِضًا. [۱۳۸۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۹

### ۲۷/۱۳ حرمت آمیزش با زن حائض

#### قرآن

«از تو درباره حیض می پرسند. بگو: آن آزرده گی ای است. پس در دوره عادت ماهانه، از زنان کناره گزینید و نزدیکشان مشوید تا پاک شوند. پس چون پاک شدند، از همان سویی که خداوند فرماتان داده است، به سراغشان بروید. خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد و طهارت جویان را دوست دارد»

#### حدیث

۱۰۱۹. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: مبدا با زنی حائض، آمیزش کنی!

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۰۰

۱۰۲۰. الإمام الصادق عليه السلام: الْمَرْأَةُ تَحِيضُ يَحْرُمُ عَلَىٰ زَوْجِهَا أَنْ يَأْتِيَهَا فِي فَرْجِهَا، لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ». [۱۳۸۷]

۱۰۲۱. الإمام الباقر عليه السلام فِي الْمَرْأَةِ يَنْقَطِعُ عَنْهَا دَمُ الْحَيْضِ فِي آخِرِ أَيَّامِهَا، قَالَ: إِذَا أَصَابَ زَوْجَهَا شَبَقٌ، فَلْيَأْمُرْهَا فَلْتَغْتَسِلَ فَرْجِهَا، ثُمَّ يَمْسُهَا إِنْ شَاءَ قَبْلَ أَنْ تَغْتَسِلَ. [۱۳۸۸]

۱۰۲۲. الكافي عن علي بن يقطين عن الإمام الكاظم عليه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَائِضِ تَرَى الطُّهْرَ وَيَقَعُ بِهَا زَوْجُهَا؟ قَالَ: لَا بَأْسَ، وَالْغُسْلُ أَحَبُّ إِلَيَّ. [۱۳۸۹]

۱۰۲۳. الكافي عن عبد الملك بن عمرو: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لِصَاحِبِ الْمَرْأَةِ الْحَائِضِ مِنْهَا؟ فَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ مَا عَدَا الْقُبْلَ بِعَيْنِهِ. [۱۳۹۰]

تَحْرِيمُ وَطْءِ النَّفْسَاءِ

۱۰۲۴. الإمام علي عليه السلام: لَا بَأْسَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا فِي نَفْسِهَا، وَ لَكِنْ لَا يُجَامِعُهَا، حَتَّىٰ تَطْهُرَ مِنْ دَمِ النَّفْسَاءِ. [۱۳۹۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۰۱

۱۰۲۰. امام صادق عليه السلام: زن که حائض شود، بر همسرش حرام گردد که با او از شرمگاه، کاری کند؛ چرا که خداوند متعال



فرموده است: «نزدیکشان مشوید تا پاک شوند».

۱۰۲۱. امام باقر علیه السلام درباره زنی که در آخرین روزهای عادتش خونریزی وی قطع می‌شود: اگر شوهر وی به چیرگی شهوت گرفتار آمد، به زن بگوید که شرمگاه خویش را بشوید. سپس، پیش از آن که غسل کند، اگر خواست، به او دست بزند.

۱۰۲۲. الکافی به نقل از علی بن یقطين: از امام کاظم علیه السلام، درباره زنی که پاکی می‌بیند و شویش با او در می‌آمیزد، پرسیدم. فرمود: «اشکالی ندارد؛ اما نزد من، غسل پسندیده‌تر است».

۱۰۲۳. الکافی به نقل از عبد الملک بن عمرو: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: همسر زن حائض، چه بهره‌ای از او دارد؟ فرمود: «هر چیزی، مگر خود پیش».

### ۱۳/۳۷ حرام بودن آمیزش با تازه‌زا

۱۰۲۴. امام علی علیه السلام: اشکالی ندارد که مرد با زن در دوره پس از زایمان ازدواج کند، اما نباید با او آمیزش کند تا هنگامی که از خون نفاس، پاک شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۰۲

۴۷/۱۳

أضراؤ وطء الحائض

۱۰۲۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: من جامع امرأته و هی حائض، فخرج الولد مجذوماً أو أبرص، فلا يلومنَّ إلا نفسه. [۱۳۹۲]

۱۰۲۶. عنه صلی الله علیه و آله: إنَّ الله تبارک و تعالی کره لكم أيتها الامة أربعاً و عشرين خصلةً و نهاکم عنها: ... کره للرجل أن يغشى امرأته و هی حائض، فإن غشيها فخرج الولد مجذوماً أو أبرص، فلا يلومنَّ إلا نفسه. [۱۳۹۳]

۱۰۲۷. الکافی عن أبي عروه أو شعيب العرقوفی: دخلت علی أبي الحسن الأول علیه السلام و هو يحتجم يوم الأربعاء فی الحبس، فقلت له: إن هذا يوم يقول الناس: إن من احتجم فيه أصابته البرص. فقال: إنما يخاف ذلك علی من حملته أمه فی حیضها. [۱۳۹۴]

۱۰۲۸. الإمام الرضا علیه السلام: إتيان المرأة الحائض يولد الجذام فی الولد. [۱۳۹۵]

۱۰۲۹. الکافی عن عذافر الصیرفی: قال أبو عبد الله علیه السلام: ترى هؤلاء المشوهين خلقهم؟ قلت: نعم.

قال: هؤلاء الذين أبأؤهم يأتون نساءهم فی الطمث. [۱۳۹۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۰۳

### ۱۳/۴۷ زبان‌های آمیزش با زن حائض

۱۰۲۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با زن خود در حالی که وی حائض است، آمیزش کند و فرزند جذامی یا پیس زاده شود، مبادا جز خود را نکوهش کند.

۱۰۲۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای امت! خداوند تبارک و تعالی برای شما امت، ۲۴ چیز را دوست ندارد و شما را از آنها نهی می‌کند: ... برای مرد، این را خوش نمی‌دارد که با زن خویش در حالی که وی حائض است، آمیزش کند. پس اگر چنین کند و فرزند حاصل از آن جذامی یا گرفتار پیسی زاده شود، مبادا جز خویش را نکوهش کند.

۱۰۲۷. الکافی به نقل از ابو عروه یا شعیب عرقوفی: یک روز چهارشنبه در زندان بر امام کاظم علیه السلام وارد شدم، در حالی که وی حجامت می کرد. به او گفتم: این روزی است که مردم می گویند هر کس در آن حجامت کند، گرفتار پیسی می شود. فرمود: «از این پیشامد بر کسی باید بیم داشت که مادرش در حال حیض او را آبستن شده است».

۱۰۲۸. امام رضا علیه السلام: به سراغ زن حائض رفتن، جذام را در فرزند [حاصل از آن به وجود می آورد].

۱۰۲۹. الکافی به نقل از عذافر صیرفی: امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا این ناهنجار آفریده شدگان را می بینی؟». گفتم: آری.

فرمود: «اینان، کسانی اند که پدرانشان با زنان خود در دوران آلودگی آنان، آمیزش می کردند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۰۴

راجع: ج ۱، ص ۴۹۸ (أسباب الإصابة بالجذام/ جماع الحائض).

۵۷/۱۳

الحالات التي يُكره فيها الجماع

۱۰۳۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يُجامِعَنَّ أَحَدُكُمْ وَبِهِ حَقْنٌ مِنْ خَلَاءٍ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ مِنَ الْبَوَاسِيْرِ، وَلَا يُجامِعَنَّ أَحَدُكُمْ وَبِهِ حَقْنٌ مِنْ بَوْلٍ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ النَّوَاصِيْرِ. [۱۳۹۷]

۱۰۳۱. الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يَهْدِمَنَّ الْيَدْنَ وَرُبَّمَا قَتَلْنَ: دُخُولُ الْحَمِيمِ عَلَى الْبِطْنَةِ، وَالْغِشْيَانُ عَلَى الْاِمْتِلَاءِ، وَنِكَاحُ الْعَجَائِزِ. [۱۳۹۸]

۱۰۳۲. الإمام الرضا عليه السلام: الْجِمَاعُ بَعْدَ الْجِمَاعِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا غُسْلٌ، يورثُ لِلوَلَدِ الْجُنُونَ. [۱۳۹۹]

۱۰۳۳. الإمام علي عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْجِمَاعِ قَالَ: حَيَاءٌ يَرْتَفِعُ، وَعَوْرَاتٌ تَجْتَمِعُ، أَشْبَهُ شَيْءٍ بِالْجُنُونَ، الْاِصْرَارُ عَلَيْهِ هَرَمٌ، وَالْاِفَاقَةُ مِنْهُ نَدَمٌ، ثُمَّ رُحْلَةُ حَلَالِهِ الْوَلَدُ؛ إِنْ عَاشَ قَتَنٌ، وَ إِنْ مَاتَ حَزَنٌ. [۱۴۰۰]

۱۰۳۴. رسول الله صلى الله عليه وآله فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، لَا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَوَسَطِهِ وَآخِرِهِ؛ فَإِنَّ الْجُنُونَ وَالْجُدَامَ وَالْحَبْلَ لَيَسْرِعُ إِلَيْهَا وَإِلَى وَلَدِهَا.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ بَعْدَ الطُّهْرِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ يَكُونُ أَحْوَلَ، وَالشَّيْطَانُ يَفْرَحُ بِالْحَوْلِ فِي الْاِنْسَانِ. يَا عَلِيُّ، لَا تَتَكَلَّمْ عِنْدَ الْجِمَاعِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ لَا يُؤْمَنُ أَنْ يَكُونَ أَحْرَسَ، وَلَا يَنْظُرَنَّ أَحَدٌ إِلَى فَرْجِ امْرَأَتِهِ، وَلَيَغُضَّ بَصَرَهُ عِنْدَ الْجِمَاعِ، فَإِنَّ النَّظَرَ إِلَى الْفَرْجِ يورثُ الْعَمَى فِي الْوَلَدِ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ بِشَهْوَةِ امْرَأَةٍ غَيْرِكَ؛ فَإِنِّي أَخْشَى إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ أَنْ يَكُونَ مُخَنَّثًا، أَوْ مُؤَنَّثًا مُخَبَّلًا.

يَا عَلِيُّ، مَنْ كَانَ جُنْبًا فِي الْفِرَاشِ مَعَ امْرَأَتِهِ فَلَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ، فَإِنِّي أَخْشَى أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمَا نَارٌ مِنَ السَّمَاءِ فَتَحْرِقَهُمَا.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ إِلَّا وَ مَعَكَ خَرْقَةٌ وَ مَعَ أَهْلِكَ خَرْقَةٌ وَلَا تَمْسَحْ بِخَرْقَتِهِ وَاحِدَةً فَتَفْتَحَ الشَّهْوَةَ عَلَى الشَّهْوَةِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُعَقِّبُ الْعِدَاوَةَ بَيْنَكُمَا، ثُمَّ يُؤَدِّيَكُمَا إِلَى الْفُرْقَةِ وَالطَّلَاقِ.

يَا عَلِيُّ، لَا- تُجامِعِ امْرَأَتَكَ مِنْ قِيَامٍ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِ الْحَمِيرِ، فَإِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ كَانَ بَوَالًا فِي الْفِرَاشِ كَالْحَمِيرِ الْبَوَالِهِ فِي كُلِّ مَكَانٍ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ فِي لَيْلَةِ الْأَضْحَى؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ لَهُ سِتُّ أَصَابِعَ، أَوْ أَرْبَعُ أَصَابِعَ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ تَحْتَ شَجَرَةٍ مُثْمَرَةٍ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ جَلَادًا قَتَالًا، أَوْ عَرِيفًا.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ فِي وَجْهِ الشَّمْسِ وَ تَلَأُئِهَا إِلَّا أَنْ تُرْحَى سِتْرًا

فَيَسْتَرْكُمَا؛ فَإِنَّهُ أَنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ لَا يَزَالُ فِي بُؤْسٍ وَ فَقْرٍ حَتَّى يَمُوتَ.

يا عَلِيُّ، لا تُجَامِعْ امْرَأَتَكَ بَيْنَ الْأُذَانِ وَالْإِقَامَةِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ حَرِيصًا عَلَى إِهْرَاقِ الدَّمَاءِ.  
يا عَلِيُّ: إِذَا حَمَلَتْ امْرَأَتُكَ فَلَا تُجَامِعْهَا إِلَّا وَأَنْتَ عَلَى وُضوءٍ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ أَعْمَى الْقَلْبِ بَخِيلِ الْيَدِ.  
يا عَلِيُّ، لا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ مَشْؤومًا ذَا شَأْمَةٍ فِي وَجْهِهِ.  
يا عَلِيُّ، لا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي آخِرِ دَرَجَتِهِ مِنْهُ إِذَا بَقِيَ يَوْمَانِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ عَشَّارًا، أَوْ عَوْنًا لِلظَّالِمِينَ وَ يَكُونُ هَلَاكُ  
فَنَامٍ مِنَ النَّاسِ عَلَى يَدَيْهِ.

يا عَلِيُّ، لا تُجَامِعْ أَهْلَكَ عَلَى سُقُوفِ الْبُنْيَانِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ مُنَافِقًا مُرَائِيًا مُبْتَدِعًا.  
يا عَلِيُّ، إِذَا خَرَجْتَ فِي سَفَرٍ فَلَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يُنْفِقُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقٍّ، وَ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ». [١٤٠١]

يا عَلِيُّ، لا تُجَامِعْ أَهْلَكَ إِذَا خَرَجْتَ إِلَى سَفَرٍ مَسِيرَةً ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ لَيَالِيَهُنَّ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ عَوْنًا لِكُلِّ ظَالِمٍ عَلَيْكَ...  
يا عَلِيُّ، لا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي أَوَّلِ سَاعَةٍ مِنَ اللَّيْلِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ لَا يُؤْمَنُ أَنْ يَكُونَ سَاحِرًا مُؤَثِّرًا لِلدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ. [١٤٠٢]  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٦٠٥

همچنین بنگرید به: ج ١، ص ٤٩٩ (عوامل ابتلا به جذام/ همبستری با زن حائض).

### ١٣/ ٥٧ مواردی که در آنها آمیزش مکروه است

١٠٣٠. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبدا کسی در حالی که از قضای حاجت خودداری می‌ورزد، نزدیکی کند؛ چرا که این کار،  
بواسیر می‌آورد؛ و مبدا کسی در حالی که پیشاب خود را نگه می‌دارد، نزدیکی کند؛ چرا که این کار، ناسور می‌آورد [١٤٠٣] د.  
١٠٣١. امام صادق علیه السلام: سه چیز، بدن را فرسوده می‌کند و شاید هم [فرد را] بکشد: حمام رفتن با شکم پُر، آمیزش کردن با  
شکم پُر، و همبستری با پ [١٤٠٤] یرزنان.

١٠٣٢. امام رضا علیه السلام: آمیزش پس از آمیزش، بی‌آنکه میان آنها غسلی صورت پذیرفته باشد، دیوانگی فرزند را در پی  
می‌آورد. [١٤٠٥]

١٠٣٣. امام علی علیه السلام چون درباره آمیزش جنسی از او پرسیدند: شرمی است که از میان می‌رود و شرمگاه‌هایی که در بر هم  
می‌آیند. همانندترین چیز به دیوانگی است. اصرار بر آن، مایه فرسودگی و پیری، و بیرون آمدن از آن حال پشیمانی است. میوه  
حلال آن، فرزند است که اگر زنده بماند، فتنه باشد و اگر بمیرد، اندوهگین سازد.

١٠٣٤. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به امام علی علیه السلام: ای علی! در آغاز، میان و پایان ماه با همسرت نزدیکی  
مکن، که دیوانگی، جذام و تباہ‌مغزی، بسیار زود به سراغ وی و فرزندش می‌آید.  
ای علی! بعد از ظهر با همسرت نزدیکی مکن؛ چرا که اگر در آن هنگام، میانتان فرزندی تقدیر شود، کژ چشم خواهد بود و شیطان،  
از کژ چشمی انسان، شادمان می‌شود.

ای علی! به هنگام آمیزش، سخن مگوی؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، اطمینانی نیست که لال نباشد. هم مبدا کسی از  
شما بر شرمگاه زن خویش بنگرد؛ بلکه باید به هنگام آمیزش، دیده فرو هلد؛ چرا که نگریستن به شرمگاه، کوری را در فرزند بر  
جای می‌نهد.

ای علی! با هوس به زنی غیر همسر خود، با زن خویش آمیزش مکن؛ زیرا از این بیم دارم که اگر برایتان فرزندی تقدیر شود،  
زُنْصفت، یا ماده و تباہ مغز باشد.

ای علی! هر کس جنب با همسر خویش در بستر باشد، نباید قرآن بخواند؛ چه، از این بیم دارم که از آسمان، آتشی بر آنها فرود

آید و آنان را بسوزاند. [۱۴۰۶]

ای علی! با همسرت آمیزش مکن، مگر آن که هر کدامتان دستمالی داشته باشید. خود را با پارچه‌ای مشترک، پاک نکنید که شهوت بر شهوت واقع می‌شود و این کار، دشمنی میان شما را در پی می‌آورد و کارتان را به جدایی و طلاق می‌کشاند.

ای علی! ایستاده با همسرت نزدیکی مکن؛ چرا که این کار، کارِ خران است؛ و اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، ادرار کننده در بستر باشد، چنان که خران در هر مکانی پیشاب می‌ریزند.

ای علی! در شب عید قربان با همسرت نزدیکی مکن؛ زیرا اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، شش انگشت یا چهار انگشت خواهد داشت.

ای علی! در زیر درختی میوه‌ده با همسرت آمیزش مکن؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، جلاد، قاتل یا عریف [۱۴۰۷] خواهد بود.

ای علی! در زیر نور خورشید و تابش آن با همسرت نزدیکی مکن، مگر این که پرده‌ای آویخته باشی که شما را می‌پوشاند؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود تا پایان عمر در تیره‌بختی و تهی‌دستی خواهد بود.

ای علی! میان اذان و اقامه با همسرت نزدیکی مکن؛ زیرا اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، به خونریزی علاقه‌مند خواهد بود.

ای علی! اگر همسرت باردار شد، با او آمیزش مکن، مگر آن که با وضو باشی؛ زیرا اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، کوزدل و ناخن خشک خواهد بود.

ای علی! در نیمه شعبان با همسرت نزدیکی مکن، زیرا اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، بدشگون خواهد بود و نشانی سیاه بر چهره خواهد داشت.

ای علی! با همسرت در آخرین روزهای پاکی و در حالی که تنها دو روز از او مانده باشد، نزدیکی مکن؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، عشار یا یاورِ ستمگران خواهد بود و توده‌هایی از مردم به دست او به کام مرگ خواهند رفت.

ای علی! بر پشتِ بام خانه با همسرت نزدیکی مکن؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، منافق، ریاکار و بدعت‌گذار خواهد بود.

ای علی! چون آهنگ سفر کردی، آن شب با همسرت نزدیکی مکن؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، دارایی خویش را در غیر حق خرج خواهد کرد. (آن‌گاه، پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را خواند:) «ولخرجها، برادران شیاطین‌اند».

ای علی! چون روانه سفری شدی، تا مسافت سه شبانه روز ره پیمودن، با همسرت نزدیکی مکن؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، یار هر ستمگری خواهد بود که بخواهد به تو ستمی برساند.

ای علی! در نخستین ساعت شب، با همسرت نزدیکی مکن؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، اطمینانی نیست که ساحر و از آنان که دنیا را بر آخرت بر می‌گزینند، نباشد. [۱۴۰۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۰

۱۰۳۵. الکافی عن عبد الرحمن بن سالم عن أبيه عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: قُلْتُ لَهُ: هَلْ يُكْرَهُ الْجَمَاعُ فِي وَقْتِ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَ إِنْ كَانَ حَالًا؟

قال: نَعَمْ، مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، وَ مِنْ مَغِيبِ الشَّمْسِ إِلَى مَغِيبِ الشَّفَقِ، وَ فِي الْيَوْمِ الَّذِي تَنَكَّسُ فِيهِ الشَّمْسُ، وَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي يَنْخَسِفُ فِيهَا الْقَمَرُ، وَ فِي اللَّيْلِ وَ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يَكُونُ فِيهِمَا الرِّيحُ السُّودَاءُ، وَ الرِّيحُ الْحَمْرَاءُ، وَ الرِّيحُ الصَّفْرَاءُ، وَ الْيَوْمِ وَ اللَّيْلِ الَّذِي يَكُونُ فِيهِمَا الزَّلْزَلَةُ. [۱۴۰۹]

راجع: ج ۱، ص ۱۰۰، ح ۹۸ و ۹۹.

۱۰۳۶. الإمام الرضا عليه السلام: لا تُجامع إلّا من شَبَقِ. [۱۴۱۰]

ب اختیاری الأوقات الصّالِحَة

۱۰۳۷. رسول الله صلى الله عليه و آله في وصيته لعلي عليه السلام: يا علي، عليك بالجماع ليلة الإثنين؛ فإنه إن قضى بينكما ولد يكون حافظاً لكتاب الله، راضياً بما قسم الله عز و جل.

يا علي، إن جمعت أهلَكَ في ليلةِ الثلاثاءِ فقضيتَ بينكما ولد، فإنه يرزق الشهادة بعد شهادة أن لا إله إلا الله و أنّ محمداً رسول الله ولا يُعذبه الله مع المشركين و يكون طيب النكهة و الفم، رحيم القلب، سخي اليد، طاهر اللسان من الغيبة و الكذب و البهتان. يا علي، إن جمعت أهلك ليلة الخميس فقضيتَ بينكما ولد، فإنه يكون حاكماً من الحكماء، أو عالماً من العلماء، و إن جمعتها يوم الخميس عند زوال الشمس عن كبد السماء فقضيتَ بينكما ولد، فإن الشيطان لا يقربُه حتى يشيب و يكون قِيماً و يرزقه الله عز و جل السّلامَة في الدّين و الدّنيا.

يا علي، و إن جمعتها ليلة الجمعة و كان بينكما ولد، فإنه يكون خطيباً قوالاً مفوهاً، و إن جمعتها يوم الجمعة بعد العصر فقضيتَ بينكما ولد، فإنه يكون معروفاً مشهوراً عالماً، و إن جمعتها في ليلة الجمعة بعد العشاء الآخرة؛ فإنه يرجي أن يكون الولد من الأبدال إن شاء الله تعالى. [۱۴۱۱]

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۱

۱۰۳۵. الكافي به نقل از عبد الرحمن بن سالم، از پدرش: به امام باقر عليه السلام گفتم: آیا وقتی از اوقات هست که در آن، آمیزش در حالی که حلال است، مکروه باشد؟

فرمود: «آری. میان طلوع سپیده تا طلوع خورشید، از غروب خورشید تا پنهان شدن سرخی افق، در روزی که خورشید می گیرد، در شبی که ماه می گیرد، در شب و روزی که در آنها باد سیاه، باد سرخ و باد زرد می وزد، و در روز و شبی که در آن، زلزله رخ می دهد».

ر. ک: (عوامل طول عمر) ج ۱، ص ۱۰۱، ح ۹۸ و ۹۹.

### ۱۳ / ۸ آداب آمیزش

۱۳ / ۸ آنچه پیش از آمیزش، بایسته است

### الف چیرگی شهوت

۱۰۳۶. امام صادق عليه السلام: جز از سر چیرگی شهوت، آمیزش مکن.

### ب انتخاب زمان مناسب

۱۰۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش‌های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! بر تو باد آمیزش در شب دوشنبه؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، حافظ کتاب خدا و خرسند به تقدیر خداوند عز و جل خواهد بود.

ای علی! اگر در شب سه‌شنبه با همسرت نزدیکی کردی و میانتان فرزندی تقدیر شد، پس از گواهی دادن به این که خدایی جز الله نیست و

محمّد، پیامبر خداست، شهادت، روزی او خواهد شد، خداوند، او را همراه با مشرکان، کیفر نخواهد داد و خوش‌بو دهان، دل‌مهربان، گشاده‌دست و پیراسته زبان از غیبت و دروغ و تهمت، خواهد بود.

ای علی! اگر در شب پنج‌شنبه با همسرت نزدیکی کردی و میانتان فرزندی تقدیر شد، حکمرانی از حکمرانان یا عالمی از عالمان خواهد بود؛ و اگر در روز پنج‌شنبه، به هنگام برگشتن خورشید از میانه آسمان با او نزدیکی کردی و میانتان فرزندی تقدیر شد، تا گناه پیری‌اش شیطان به او نزدیک نخواهد شد و انسانی راست و درست خواهد بود و خداوند عز و جل، سلامت دین و دنیا را روزی او خواهد ساخت.

ای علی! اگر شب جمعه با او نزدیکی کردی و میانتان فرزندی بود، سخنوری خوش‌گوی و پُرباز خواهد بود. اگر در روز جمعه، پس از عصر گاهان با او نزدیکی کردی و میانتان فرزند تقدیر شد، ناموری سرشناس و آگاه خواهد بود. اگر هم در جمعه شب، پس از نماز عشا با او نزدیکی کردی، امید است، به خواست خداوند متعال، یکی از ابدال باشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۲

۱۰۳۸. الإمام الرضا علیه السلام: لا تقرب النساء في أول الليل لا شتاء ولا صيفاً؛ و ذلك أن المعدة والعروق تكون ممثلةً وهو غير محمود، يتخوف منه القولنج والفالج واللقوة والنقرس والحصاة والتقطير والفتق وضعف البصر والدماغ.

فإذا أريد ذلك فليكن في آخر الليل؛ فإنه أصح للبدن وأرجى للولد وأذكى للعقل في الولد الذي يقضى بينهما. [۱۴۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۳

۱۰۳۸. امام رضا علیه السلام: در آغاز شب، نه در زمستان و نه در تابستان، با زنان نزدیکی مکن؛ چرا که [در آن هنگام، معده پُر است و این کار، ناستوده، و از آن، بیم قولنج (/ باد کُنج)، سست‌اندami و کژدهانی، نقرس، سنگ، ریزش غیر ارادی ادرار، فتق و ضعف بینایی و هشیاری وجود دارد. اگر چنین کاری را بخواهند، باید در آخر شب باشد؛ چرا که بیشتر موجب سلامت بدن است، در آن بیشتر امید فرزند می‌رود و برای فرزندی که میان زن و مرد تقدیر می‌شود، هوش بیشتری را سبب می‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۴

۱۰۳۹. الإمام علي عليه السلام: يستحب للرجل أن يأتي أهله أول ليلته من شهر رمضان، لقول الله عز وجل: «أحل لكم ليله الصيام الرّفث إلى نساءكم» [۱۴۱۳] والرّفث المجمع. [۱۴۱۴]

راجع: ج ۱، ص ۶۰۴، ح ۱۰۳۴، و ص ۶۱۰، ح ۱۰۳۵.

ج الاستبصار

۱۰۴۰. الإمام علي عليه السلام: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله أن يجامع الرجل امرأته، والصبي في المهدي ينظر إليهما. [۱۴۱۵]

۱۰۴۱. الإمام الصادق عليه السلام: لا يجامع الرجل امرأته ولا جاريته وفي البيت صبي؛ فإن ذلك مما يورث الرّنا. [۱۴۱۶]

۱۰۴۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: تعلموا من الغراب خصالاً ثلاثاً: استتاره بالسفاد، و بكوره في طلب الرزق، و حذره. [۱۴۱۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۵

۱۰۳۹. امام علی علیه السلام: برای مرد، مستحب است در نخستین شب از ماه رمضان به سراغ همسر خویش برود؛ چرا که خداوند

عز و جل فرموده است: «در شب روزه (ماه رمضان)، همخوابگی با زنان، برایتان حلال شده است» و در این آیه، واژه «رفت» به معنای آمیزش است. [۱۴۱۸]

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۶۰۵، ح ۱۰۳۴ و ص ۶۱۱، ح ۱۰۳۵.

### ج پوشیده داشتن

۱۰۴۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا از این نهی فرمود که در حالی مرد با همسرش آمیزش کند که کودکی در گهواره، آنان را می‌نگرد.

۱۰۴۱. امام صادق علیه السلام: انسان، نباید با وجود پسر بچه در خانه، با همسرش یا کنیزش آمیزش کند؛ زیرا این کار، پیامد زنا دارد.

۱۰۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز را از کلاغ بیاموزید: پنهان داشتن آمیزش، سحرخیزی در طلب روزی، و احتیاط‌ورزی او را.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۶

د الدعاء

۱۰۴۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: أما لو أن أحدكم يقول حين يأتي أهله:

«بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبِي الشَّيْطَانَ وَ جَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا» ثُمَّ قَدَّرَ بَيْنَهُمَا فِي ذَلِكَ أَوْ قَضَىٰ وَلَدٌ لَمْ يَضُرَّهُ شَيْطَانٌ أَبَدًا. [۱۴۱۹]

۱۰۴۴. الإمام علي عليه السلام: إذا أراد أحدكم مُجَامَعَةَ زَوْجَتِهِ فَلْيَقُلْ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَحَلَلْتُ فَرْجَهَا بِأَمْرِكَ، وَقَبَلْتُهَا بِأَمَانَتِكَ؛ فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ ذَكَرًا سَوِيًّا، وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا وَلَا شَرِيكًا». [۱۴۲۰]

۱۰۴۵. الإمام الباقر عليه السلام: إذا أزدت الولد فقل عند الجماع:

«اللَّهُمَّ ارزقني ولداً و اجعله تقياً ليس في خلقه زيادة ولا نقصان، و اجعل عاقبته إلى خير». [۱۴۲۱]

۱۰۴۶. الإمام الصادق عليه السلام: من أراد أن يُجَبَلَ لَهُ، فَلْيَصِلْ رَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ يُطِيلُ فِيهِمَا الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ، ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلْتُكَ بِهِ زَكَرِيَّا، يَا رَبِّ

لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» [۱۴۲۲]، اللَّهُمَّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ [۱۴۲۳]، اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحَلَلْتُهَا وَ فِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا، فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُبَارَكًا زَكِيًّا، وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًَا وَلَا نَصِيبًا». [۱۴۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۷

### د دعا

۱۰۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زنهار که اگر کسی هنگام همبستری با همسرش بگوید: «به نام خدا، خداوند! شیطان را از من دور کن و شیطان را از آنچه روزی مان کرده‌ای، دور ساز» و سپس میانشان در این آمیزش یا به هر ترتیب، فرزندی تقدیر شود، هرگز شیطان به او زبانی نخواهد رساند.

۱۰۴۴. امام علی علیه السلام: اگر کسی از شما بخواهد با همسر خویش به هم آید، بگوید: «خداوند! من به فرمان تو شرمگاه او را

بر خویش حلال دانستم و به عنوان امانت تو، او را پذیرفتم. اکنون، اگر از او برایم فرزندی تقدیر کردی، وی را پسری سالم و کامل قرار ده و در او برای شیطان، بهره و سهمی مگذار.»

۱۰۴۵. امام باقر علیه السلام: اگر فرزند خواستی، در هنگام آمیزش بگو: «خداوندا! مرا فرزندی روزی کن و او را پرهیزگاری که در خلقت وی فزونی و کاستی‌ای نیست، قرار ده و عاقبت او را به خیر گردان.»

۱۰۴۶. امام صادق علیه السلام: هر کس بخواهد زنش بچه‌دار شود، پس از نماز جمعه، دو رکعت نماز بگذارد و در آنها رکوع و سجده را طولانی سازد و سپس بگوید: «خداوندا! به حرمت آنچه زکریا بدان از تو مسئلت داشت، از تو می‌خواهم.

پروردگارا! مرا تنها مگذار که تو خود، برترین وارثانی. خداوندا! از نزد خویش، مرا فرزندان پاک ببخش که تو شنوای دعایی. خداوندا! به نام تو او را بر خویش حلال ساختم و به امانت تو، او را در اختیار گرفتم. اکنون، اگر در رحم او برایم فرزندی تقدیر کرده‌ای، او را فرزندی خجسته و پیراسته قرار ده و در او برای شیطان، بهره و سهمی قرار مده.»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۸

ه الطَّمَانِيَةُ

۱۰۴۷. المناقب: سَيَّأَلُ رَجُلٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْوَلَدِ، مَا بَالُهُ تَارَةً يُشْبِهُ أَبَاهُ وَ أُمَّهُ، وَ تَارَةً يُشْبِهُ خَالَهٗ وَ عَمَّهُ؟ فَقَالَ لِلْحَسَنِ: أَجِبْهُ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَّا الْوَلَدُ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَتَى أَهْلَهُ بِنَفْسٍ سَاكِنَةٍ وَ جَوَارِحٍ غَيْرِ مُضْطَرِبَةٍ اِعْتَلَجَتِ النَّطْفَتَانِ كَاعْتِلَاجِ الْمُتَنَازِعِينَ؛ فَإِنْ عَلَتِ نُطْفَةُ الرَّجُلِ نُطْفَةَ الْمَرْأَةِ، جَاءَ الْوَلَدُ يُشْبِهُ أَبَاهُ، وَ إِذَا عَلَتِ نُطْفَةُ الْمَرْأَةِ نُطْفَةَ الرَّجُلِ، شُبِّهَ أُمَّهُ. وَ إِذَا أَتَاهَا بِنَفْسٍ مُنْزَعَجَةٍ وَ جَوَارِحٍ مُضْطَرِبَةٍ غَيْرِ سَاكِنَةٍ، اضْطَرَبَتِ النَّطْفَتَانِ فَسَقَطَتَا عَنْ يَمَنِ الرَّحِمِ وَ يَسْرَتِهِ؛ فَإِنْ سَقَطَتِ عَنْ يَمَنِ الرَّحِمِ سَقَطَتْ عَلَى عُرُوقِ الْأَعْمَامِ وَ الْعَمَّاتِ، فَشُبِّهَ أَعْمَامُهُ وَ عَمَّاتِهِ، وَ إِنْ سَقَطَتِ عَنْ يَسْرَةِ الرَّحِمِ سَقَطَتْ عَلَى عُرُوقِ الْأَخْوَالِ وَ الْخَالَاتِ، فَشُبِّهَ أَخْوَالُهُ وَ خَالَاتِهِ. فَقَامَ الرَّجُلُ وَ هُوَ يَقُولُ: اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ. وَ رُوِيَ أَنَّهُ

كَانَ الْخَضِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. [۱۴۲۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۹

## ۵ آرامش

۱۰۴۷. مناقب آل ابی طالب: مردی در این باره از امیر مؤمنان پرسید که چرا فرزند، گاه همانند پدر و مادر خویش، و گاه همانند دایی و عموست؟

امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود: «او را پاسخ گوی.»

امام حسن علیه السلام فرمود: اما درباره فرزند؛ اگر مرد با دلی آرام و اندامی بدون اضطراب به سراغ همسر خویش برود، دو نطفه با استواری و چنان که دو جنگاور به هم در می‌آویزند، با یکدیگر گلاویز می‌شوند. پس چنانچه نطفه مرد بر نطفه زن چیرگی یابد، فرزند، همانند پدر می‌شود و چنانچه نطفه زن بر نطفه مرد، چیرگی یابد، فرزند با مادر، همانند می‌شود. اما اگر مرد با دلی ناآرام و اندامی آشفته به سراغ زن برود، دو نطفه، آشفته و لرزان می‌شوند و به سمت راست یا چپ زهدان می‌افتند. چنانچه نطفه به سمت راست زهدان بیفتد، بر رگ‌های عموها و عمه‌ها افتد و به عموها و عمه‌ها همانند می‌شود، و چنانچه به سمت چپ زهدان افتد، بر رگ‌های دایی و خاله‌ها می‌افتد و به دایی‌ها و خاله‌ها همانند می‌شود.»

آن مرد برخاست، در حالی که می‌گفت: خداوند، خود می‌داند رسالت خویش را کجا قرار دهد.



روایت شده است که آن مرد، خضر علیه السلام بود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۰

۱۰۴۸. الإمام الحسن عليه السلام لَمَنْ سِئَالَ عَنِ الرَّجُلِ يُشْبِهُ أَعْمَامَهُ وَأَخْوَالَهُ: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَتَى أَهْلَهُ فَبَجَمَعَهَا بِقَلْبٍ سَاكِنٍ، وَعُرُوقٍ هَادِيَةٍ، وَيَدَيْنِ غَيْرِ مُضْطَرِبٍ، فَأُسْكِنَتْ تِلْكَ النُّطْفَةَ فِي جَوْفِ الرَّحِمِ؛ حَرَجَ الْوَلَدُ يُشْبِهُ أَبَاهُ وَامَّةً، وَإِنْ هُوَ أَنَاهَا بِقَلْبٍ غَيْرِ سَاكِنٍ، وَعُرُوقٍ غَيْرِ هَادِيَةٍ، وَيَدَيْنِ مُضْطَرِبٍ، اضْطَرَبَتْ تِلْكَ النُّطْفَةُ فَوَقَعَتْ فِي حَالِ اضْطِرَابِهَا عَلَى بَعْضِ الْعُرُوقِ، فَإِنْ وَقَعَتْ عَلَى عِرْقٍ مِنْ عُرُوقِ الْأَعْمَامِ، أَشْبَهَ الْوَلَدُ أَعْمَامَهُ، وَإِنْ وَقَعَتْ عَلَى عِرْقٍ مِنْ عُرُوقِ الْأَخْوَالِ، أَشْبَهَ الرَّجُلُ أَخْوَالَهُ. [۱۴۲۶]

۲۸ / ۱۳

ما يَتَّبِعِي عِنْدَ الْجَمَاعِ

أَلْمُدَاعِبَةُ

۱۰۴۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَفَاءِ: أَنْ يَصْحَبَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فَلَا يَسْأَلُهُ عَنِ اسْمِهِ وَكُنْيَتِهِ، وَأَنْ يُدْعَى الرَّجُلُ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يُجِيبُ أَوْ يُجِيبُ فَلَا يَأْكُلُ، وَمُوقَعَةُ الرَّجُلِ أَهْلَهُ قَبْلَ الْمُدَاعِبَةِ. [۱۴۲۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۱

۱۰۴۸. امام حسن علیه السلام در پاسخ کسی که پرسیده بود: چگونه گاه شخص به عموها و دایی‌های خود شباهت دارد: اگر مرد به سراغ زن برود و با دلی آرامش یافته و اعصابی آرام و تنی ناآشفته با او نزدیکی کند و در نتیجه، آن نطفه در میانه رجم جایگزین گردد، فرزند با شباهت به پدر و مادر خویش، زاده می‌شود. اما اگر مرد با دلی آرامش نیافته و رگ‌هایی ناآرام و تنی آشفته به سراغ زن برود، آن نطفه نیز لرزان و آشفته می‌شود و در همان ناآرامی و آشفتگی بر یکی از رگ‌ها می‌افتد. اگر بر رگی از رگ‌های عموها بیفتد، فرزند به عموهای خویش همانند می‌شود و اگر بر رگی از رگ‌های دایی‌ها بیفتد، مرد به دایی‌های خود همانند می‌شود.

۲۸ / ۱۳ آنچه به هنگام آمیزش بایسته است

## الف بازی

۱۰۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز از نامهربانی است: این که کسی با کسی همراه شود و از نام و کنیه وی نپرسد؛ این که مردی به غذایی دعوت شود و نپذیرد یا بپذیرد و نخورد؛ و این که مرد پیش از بازی، با همسر خویش نزدیکی کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۲

۱۰۵۰. الإمام الرضا عليه السلام: لَا تُجَامِعْ امْرَأَتَكَ حَتَّى تُلَاعِبَهَا [۱۴۲۸]، وَ تَغْمِرَ ثَدْيَيْهَا، (فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ اجْتَمَعَ مَاؤُهَا وَ مَاؤُكَ فَكَانَ مِنْهَا الْحَمْلُ)، وَ أَشْتَهَتْ مِنْكَ مِثْلَ الَّذِي تَشْتَهِي مِنْهَا، وَ ظَهَرَ ذَلِكَ فِي عَيْنَيْهَا. [۱۴۲۹]

ب تَرَكَ الْأَسْتِجْجَالَ

۱۰۵۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ، فَلَا يُعْجِلْهَا. [۱۴۳۰]

۱۰۵۲. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا جَامَعَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَأْتِيَنَّ كَمَا يَأْتِي الطَّيْرُ، لِيَمْكُثَ وَ لِيَلْبَثَ. [۱۴۳۱]

۱۰۵۳. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا جَامَعَ أَحَدُكُمْ أَهْلَهُ فَلْيَصِدِّقْهَا، ثُمَّ إِذَا قَضَى حَاجَتَهُ قَبْلَ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتَهَا فَلَا يُعْجِلْهَا، حَتَّى تَقْضِيَ

حَاجَتَهَا. [۱۴۳۲]

۱۰۵۴. عنه صلى الله عليه وآله: إذا جامع أحدكم امرأته، فلا يتنح حتى تفضي حاجتها، كما يجب أن يفضي حاجته. [۱۴۳۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۳

۱۰۵۰. امام رضا علیه السلام: با همسرت نزدیکی مکن، مگر آن که با او بازی کنی [۱۴۳۴] و پستان‌های او را بمالی؛ چرا که اگر چنین کنی، آب او و آب تو در هم آید و از آن، بارداری حاصل آید [۱۴۳۵] و همانند آنچه تو از او می‌خواهی، از تو بخواهد و این، در چشمانش هویدا شود.

### ب برهیز از شتاب‌ورزی

۱۰۵۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما خواست به سراغ زن خویش برود، او را به شتاب نیفکند.

۱۰۵۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما آمیزش کند، به سان پرندگان با زنان رفتار نکند، بلکه درنگ ورزد، و لختی بماند.

۱۰۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما [خواست با همسر خویش آمیزش کند، حق او را ادا کند و سپس، اگر پیش از برآوردن نیاز او نیاز خویش را برآورد، با او شتاب نورد تا نیاز او را نیز برآورد.

۱۰۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما با همسر خویش آمیزش کند، کناره نگزیند تا هنگامی که نیاز زن را هم برآورد، چنان که خود دوست دارد نیازش برآورده شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۴

### ج ترک التکلم

۱۰۵۵. رسول الله صلی الله علیه و آله فی وصیته لعلی علیه السلام: یا علی، لا تتکلم عند الجماع؛ فإنه إن قضی بینكما ولد لا یؤمن أن یكون أحرس. [۱۴۳۶]

۱۰۵۶. عنه صلى الله عليه وآله: إن الله تبارک و تعالی کره لكم... الکلام عند الجماع، و قال: یورث الحرس. [۱۴۳۷]

۱۰۵۷. الإمام الصادق علیه السلام: اتقوا الکلام عند التقاء الختائین؛ فإنه یورث الحرس. [۱۴۳۸]

د الوضوء للمعاودة

۱۰۵۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: إذا أتى أحدكم أهله، ثم أراد أن يعود فليتوضأ؛ فإنه أنشط للعود. [۱۴۳۹]

ه الغسل بعد الاحتلام

۱۰۵۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: یکره للرجل أن یغشی المرأة و قد احتلم، حتی یغتسل من احتلامه الذي رأى؛ فإن فعل و خرج

الولد مجنوناً، فلا یلومن إلا نفسه. [۱۴۴۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۵

### ج خودداری از سخن گفتن

۱۰۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به امام علی علیه السلام: ای علی! در هنگام آمیزش، سخن مگوی؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، اطمینانی نیست که لال نباشد. [۱۴۴۱]

۱۰۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «خداوند تبارک و تعالی برایتان این را ناخوشایند می‌دارد که... در هنگام آمیزش، سخن

بگوید».

همچنین فرمود: «این کار، گنگی می آورد».

۱۰۵۷. امام صادق علیه السلام: به گاه به هم رسیدن ختنه گاه‌ها، از سخن گفتن پرهیزید؛ چرا که گنگی می آورد.

### د وضو برای بازگشتن

۱۰۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما به سراغ زن خویش برود و آن گاه بخواهد دیگر بار هم این کار را انجام دهد، وضویی بسازد؛ زیرا این کار، نشاط بیشتری برای بازگشتن، ایجاد می کند.

### ه غسل پس از احتلام

۱۰۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای مرد مکروه است پس از احتلام با زن همبستری کند، مگر آن که از احتلام، غسل کرده باشد؛ چه، اگر چنین کند و فرزندش دیوانه زاده شود، جز خویش را نکوهش نکند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۶

۳۸ / ۱۳

مَا يَتَّبِعِي بَعْدَ الْجِمَاعِ

أَلْبَوْلُ

۱۰۶۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا جَامَعَ الرَّجُلُ فَلَا يَغْتَسِلُ حَتَّى يَبُولَ، مَخَافَةَ أَنْ يَبْرَدَ بَقِيَّةَ الْمَنِيِّ فَيَكُونَ مِنْهُ دَاءٌ لَا دَوَاءَ لَهُ. [۱۴۴۲]

۱۰۶۱. الإمام الرضا علیه السلام في ذكر الجماع و آدابه: فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَلَا تَقُمْ قَائِمًا، وَلَا تَجْلِسَ جَالِسًا، وَ لَكِنْ تَمِيلُ عَلَى يَمِينِكَ، ثُمَّ انْهَضْ لِلْبَوْلِ إِذَا فَرَعْتَ مِنْ سَاعَتِكَ شَيْئًا؛ فَإِنَّكَ تَأْمَنُ الْحَصَاةَ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. [۱۴۴۳]

ب غَسْلُ الْفَرْجِ

۱۰۶۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ أَهْلَهُ فَأَرَادَ أَنْ يَعُودَ، فَلْيَغْسِلْ فَرْجَهُ. [۱۴۴۴]

ج الغسل

۱۰۶۳. الإمام الصادق علیه السلام لَمَّا قَالَ لَهُ الرَّزْدِيُّ: مَا عَلَهُ غُسْلُ الْجَنَابَةِ، وَ إِنَّمَا أَتَى حَلَالًا وَ لَيْسَ فِي الْحَلَالِ تَدْنِيسٌ؟!؛ إِنَّ الْجَنَابَةَ بِمَنْزِلَةِ الْحَيْضِ؛ وَ ذَلِكَ أَنَّ النُّطْفَةَ دَمٌ لَمْ يَسْتَحْكَمْ، وَ لَا يَكُونُ الْجِمَاعُ إِلَّا بِحَرَكَةٍ شَدِيدَةٍ وَ شَهْوَةٍ غَالِيَةٍ، فَإِذَا فَرَّغَ تَنَفَّسَ الْبَدَنُ وَ وَجَدَ الرَّجُلُ مِنْ نَفْسِهِ رَائِحَةً كَرِيهَةً فَوَجِبَ الْغُسْلُ لِذَلِكَ، وَ غُسْلُ الْجَنَابَةِ مَعَ ذَلِكَ أَمَانَةٌ ائْتَمَنَ اللَّهُ عَلَيْهَا عِبِيدَهُ لِيُخْتَبِرَهُمْ بِهَا. [۱۴۴۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۷

۳۸ / ۱۳ آنچه پس از آمیزش، بایسته است

### الف پیشاب کردن

۱۰۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر مردی با همسر خویش نزدیکی کرد، تا پیشاب نکرده است، غسل نکند؛ از این بیم که مبدا باقی مانده منی در آمد و شد باشد و از آن، دردی بی درمان خیزد.

۱۰۶۱. امام رضا علیه السلام درباره آمیزش و آداب آن: پس چون آن کار را کردی، راست مَایست و کامل هم منشین؛ بلکه بر پهلوی راست لم بده و سپس، زمانی پس از آن که کار خویش به پایان برده‌ای، برای پیشاب کردن برخیز. در این صورت، به اذن خداوند عز و جل از سنگ [مثانه در امان خواهی بود.

### ب شستن شرمگاه

۱۰۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما به سراغ زن خویش رفت و آن گاه خواست دیگر بار باز گردد، شرمگاه خویش را بشوید.

### ج غسل

۱۰۶۳. امام صادق علیه السلام در پاسخ زندقی که پرسید: عَلت غسل جنابت چیست؟ همانا آمیزش کننده، کاری حلال انجام داده است و کار حلال هم مایه آلودگی نیست: جنابت، همانند حیض است؛ چرا که نطفه، خونی است استحکام نیافته و آمیزش هم امکانپذیر نیست، مگر به حرکتی سخت و شهوتی چیره. پس، چون به پایان رساند، بدن، نفس می کشد و مرد از نفس آن، در خود بویی بد احساس می کند. غسل برای همین واجب شده است و البته غسل جنابت، افزون بر این، امانتی است که خداوند به بندگان خویش سپرده است تا از این رهگذر، آنان را بیازماید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۸

۱۰۶۴. الإمام الرضا علیه السلام: عَلَّةُ غُسْلِ الْجَنَابَةِ النَّظَافَةُ لِتَطْهِيرِ الْإِنْسَانِ مِمَّا أَصَابَ مِنْ أَذَاهُ وَ تَطْهِيرِ سَائِرِ جَسَدِهِ؛ لِأَنَّ الْجَنَابَةَ خَارِجَةٌ مِنْ كُدِّ جَسَدِهِ فَلِذَلِكَ وَجَبَ عَلَيْهِ تَطْهِيرُ جَسَدِهِ كُلِّهِ، وَ عَلَّةُ التَّخْفِيفِ فِي الْبَوْلِ وَالْغَائِطِ أَنَّهُ أَكْثَرُ وَأَدْوَمُ مِنَ الْجَنَابَةِ، فَرَضِيَ فِيهِ بِالْوَضُوءِ لِكَثْرَتِهِ وَ مَشَقَّتِهِ وَ مَجِيئِهِ بِغَيْرِ إِرَادَةٍ مِنْهُ وَلَا شَهْوَةٍ، وَ الْجَنَابَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا بِالْإِسْتِلْدَاذِ مِنْهُمْ وَ الْإِكْرَاهِ لِأَنْفُسِهِمْ. [۱۴۴۶]

د شُرْبُ الْعَسَلِ

۱۰۶۵. الإمام الرضا علیه السلام في ذِكْرِ الْجِمَاعِ وَ آدَابِهِ: ثُمَّ اغْتَسَلَ وَ أَشْرَبَ مِنْ سَاعَتِكَ شَيْئًا مِنَ الْمَوْمِيائِيِّ بِشَرَابِ الْعَسَلِ أَوْ بَعَسَلٍ مَنزُوعِ الرَّغْوَةِ؛ فَإِنَّهُ يَزُودُ مِنَ الْمَاءِ مِثْلَ الَّذِي خَرَجَ مِنْكَ. [۱۴۴۷]

۹ / ۱۳

مَا يُعِينُ عَلَى الْجِمَاعِ

۱۹ / ۱۳

أَكْلُ الْجَزْرِ

۱۰۶۶. الإمام الصادق علیه السلام: الْجَزْرُ أَمَانٌ مِنَ الْقَوْلَنْجِ، وَ الْبَوَاسِيرِ، وَ يُعِينُ عَلَى الْجِمَاعِ. [۱۴۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۹

۱۰۶۴. امام رضا علیه السلام: عَلت غسل جنابت، پاکیزگی است تا انسان از آنچه از آزرده‌گی آن کار دیده است، تطهیر شود و همه تن او پاک گردد؛ زیرا جنابت، از همه بدن شخص برخاسته و از همین رو، تطهیر همه بدن بر او واجب شده است.

امّا علّت آسان تر گرفتن درباره پیشاب و مدفوع، آن است که از جنابت بیشتر و همیشگی ترند و از همین رو، به سبب فراوانی، مشقت آوری و بیرون آمدن آنها بدون خواست و شهوت، خداوند، در این باره به وضو بسنده داشته است، در حالی که جنابت، تنها از لذت جویی و لذت یابی و وا داشتن خود به این کار از انسان برمی خیزد.

### د خوردن عسل

۱۰۶۵. امام رضا علیه السلام درباره آمیزش و آداب آن: پس، غسل کن و همان دم، قدری مومیایی با شربت عسل یا با عسلی که کف آن را برداشته باشند، بخور؛ زیرا این کار، همانند آن آبی را که از تو بیرون رفته است، به تو باز می گرداند.

### ۱۳/۹ آنچه انسان را بر آمیزش یاری می دهد

### ۱۳/۱۹ خوردن زردک

۱۰۶۶. امام صادق علیه السلام: زردک، مایه ایمنی از قولنج و بواسیر است و به جماع، کمک می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۰

۱۰۶۷. عنه علیه السلام: أكلُ الجَزْرِ يُسَخِّنُ الكُلَيْتَيْنِ، وَ يُقِيمُ الذَّكَرَ. [۱۴۴۹]

راجع: ج ۲، ص ۲۷۶ (الجزر).

۲۹ / ۱۳

أكلُ التَّمْرِ البَرْنِيِّ

۱۰۶۸. رسول الله صلی الله علیه و آله فی حَوَاصِّ التَّمْرِ البَرْنِيِّ: هَذَا جَبْرَيْئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ فِي تَمَرَتِكُمْ هَذِهِ تِسْعَ خِصَالٍ: تَخْبُلُ الشَّيْطَانَ، وَ

تُقَوِّي الظَّهْرَ، وَ تَزِيدُ فِي المُجَامَعَةِ. [۱۴۵۰]

۱۰۶۹. عنه صلی الله علیه و آله: قَالَ جَبْرَيْئِيلُ: التَّمْرُ البَرْنِيُّ... يَزِيدُ فِي مَاءِ فَقَارِ الظَّهْرِ. [۱۴۵۱]

۳۹ / ۱۳

أكلُ التَّيْنِ

۱۰۷۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: كُلُوا التَّيْنَ الرَّطْبَ وَ الْيَابِسَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الجِمَاعِ، وَ يَقَطِّعُ البَوَاسِيرَ، وَ يَنْفَعُ مِنَ النَّفَرِسِ وَ

الإِبْرَدَةِ. [۱۴۵۲]

۴۹ / ۱۳

أكلُ البَطِيخِ

۱۰۷۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيكُمْ بِالْبَطِيخِ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ: هُوَ طَعَامٌ، وَ شَرَابٌ، وَ اشْنَانٌ، وَ رِيحَانٌ، وَ يَغْسِلُ المَثَانَةَ، وَ

يَغْسِلُ البَطْنَ، وَ يُكَثِّرُ مَاءَ الظَّهْرِ، وَ يَزِيدُ

فِي الجِمَاعِ، وَ يَقَطِّعُ البُرُودَةَ، وَ يُنْقِي البَشْرَةَ. [۱۴۵۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۱

۱۰۶۷. امام صادق علیه السلام: خوردن زردک، کلیه ها را گرم می کند و آلت را بر می خیزاند.

ر. ک: ج ۲، ص ۲۷۷ (زردک).

## ۲۹/۱۳ خوردن خرماى بزنى

۱۰۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره خواص خرماى بزنى: اینک این جبرئیل است که به من خبر می دهد که در این خرمايتان، نه ويژگي است. [از آن جمله شیطان را سرگشته می کند، پشت را قوی می سازد و بر توان نزدیکی می افزاید]. [۱۴۵۴]

۱۰۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل می گوید: «خرماى بزنى... بر آبِ ستون فقرات می افزاید».

## ۳۹/۱۳ خوردن انجیر

۱۰۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انجیر، تازه و خشک، بخورید؛ چرا که بر قدرت همبستری می افزاید، بواسیر را ریشه کن می کند و برای درمانِ نقرس و سردی مزاج، سودمند است. [۱۴۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۶۳۱

## ۴۹/۱۳ خوردن خربزه

۱۰۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد خربزه؛ چرا که در آن، ده ويژگي است: خوردنی است؛ آشامیدنی است، شستشو دهنده است؛ خوش بوکننده است؛ مثانه را می شوید؛ شکم را می شوید؛ آب کمر را فراوان می سازد؛ نیروی همبستری را می افزاید؛ سردی مزاج را از میان برمی دارد؛ و پوست را تمیز می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۲

۵۹/۱۳

أَكْلُ الْبَصَلِ

۱۰۷۲. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا الْبَصَلَ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكَهَةَ، وَيَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَيَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَالْجِمَاعِ. [۱۴۵۶]

راجع: ج ۲، ص ۲۱۲، ح ۱۵۳۲ و ص ۲۱۴ ۲۱۲ ح ۱۵۳۵ إلى ۱۵۳۸.

۶۹/۱۳

أَكْلُ الْبَيْضِ

۱۰۷۳. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ عَدِمَ الْوَلَدَ فَلْيَأْكُلِ الْبَيْضَ وَ لِيَكْثِرْ مِنْهُ؛ فَإِنَّهُ يُكْثِرُ النَّسْلَ. [۱۴۵۷]

۱۰۷۴. الإمام الكاظم عليه السلام: كَثْرَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ تَزِيدُ فِي الْوَلَدِ. [۱۴۵۸]

راجع: ج ۲، ص ۲۲۴ (خواص البيض).

۷۹/۱۳

أَكْلُ الْبَيْضِ بِالْبَصَلِ وَالزَّيْتِ

۱۰۷۵. مكارم الأخلاق عن بعض أصحاب الإمام الصادق عليه السلام، قال له: جُعِلْتُ فِدَاكَ!

إِنِّي أَشْتَرِي الْجَوَارِي فَاجِبُ أَنْ تَعْلَمَنِي شَيْئاً أَتَقَوَّى عَلَيْهِنَّ.

قال: خُذْ بَصَلًا وَقَطِّعْهُ صُغَارًا صُغَارًا وَأَقْلِهِ بِالزَّيْتِ، وَخُذْ بَيْضًا فَافْقِصْهُ فِي صَحْفَةٍ وَذَرِّ عَلَيْهِ شَيْئًا مِنَ الْمِلْحِ، فَادْرُرْهُ عَلَى الْبَصَلِ وَالزَّيْتِ وَأَقْلِهِ شَيْئًا، ثُمَّ كُلْ مِنْهُ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ، فَكُنْتُ لَا أَرِيدُ مِنْهُنَّ شَيْئاً إِلَّا قَدَرْتُ عَلَيْهِ. [۱۴۵۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۳

### ۱۳/۵۹ خوردن پیاز

۱۰۷۲. امام صادق علیه السلام: پیاز بخورید؛ چرا که سه ویژگی دارد: بوی دهان را خوش می‌سازد، لثه را استحکام می‌بخشد، و آب و توان آمیزش را افزون می‌کند.

همچنین، ر. ک: ج ۲، ص ۲۱۳، ح ۱۵۳۲ و ص ۲۱۳ ۲۱۵، ح ۱۵۳۵ ۱۵۳۸.

### ۱۳/۶۹ خوردن تخم مرغ

۱۰۷۳. امام باقر علیه السلام: هر کس فرزند ندارد، تخم مرغ بخورد و فراوان از آن بهره برد؛ چرا که نسل را می‌افزاید.

۱۰۷۴. امام کاظم علیه السلام: فراوان خوردن تخم مرغ، فرزند را افزون می‌سازد.

ر. ک: ج ۲، ص ۲۲۵ (خواص تخم مرغ).

### ۱۳/۷۹ خوردن تخم مرغ همراه با پیاز و روغن زیتون

۱۰۷۵. مکارم الأخلاق به نقل از یکی از یاران امام صادق علیه السلام: به امام علیه السلام گفتم: فدایت شوم! من کنیز می‌خرم.

دوست دارم چیزی به من تعلیم فرمایی که

بر [آمیزش با] آنها توانایی یابم.

فرمود: «پیاز را ریز کرده، در روغن سرخ کن، تخم مرغی هم در سینی‌ای بشکن و قدری نمک بر آن پاش. آن گاه، این تخم مرغ را روی پیاز و روغن زیتون بریز و اندکی بجوشان و سپس از آن، بخور».

راوی گوید: این کار را انجام دادم و از آن پس، هر گاه قصد آمیزش با آن کنیزان می‌کردم، بر آن توانایی داشتم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۴

۱۰۷۶. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَكَلَ الْبَيْضَ وَالْبَصَلَ وَالزَّيْتِ، زَادَ فِي جَمَاعِهِ، وَ مَنْ أَكَلَ اللَّحْمَ بِالْبَيْضِ، كَبُرَ عَظْمٌ وَلَدِهِ. [۱۴۶۰]

۱۰۷۷. الكافي عن عمر بن أبي حسنة الجمال: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قِلَّةَ الْوَلَدِ.

فَقَالَ لِي: اسْتَغْفِرِ اللَّهَ، وَ كُلِّي الْبَيْضَ بِالْبَصَلِ. [۱۴۶۱]

۱۳/۸۹

### أَكَلَ الْبَيْضَ بِاللَّحْمِ

۱۰۷۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: اللَّحْمُ بِالْبَيْضِ يَزِيدُ فِي الْبَاءَةِ. [۱۴۶۲]

۱۰۷۹. الإمام الصادق عليه السلام: شَكَا نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قِلَّةَ النَّسْلِ.

فَقَالَ: كُلِّي اللَّحْمَ بِالْبَيْضِ. [۱۴۶۳]

راجع: ج ۱، ص ۶۳۶ ح ۱۰۷۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۵

۱۰۷۶. امام کاظم علیه السلام: هر کس تخم مرغ و پیاز و روغن زیتون بخورد، بر توان جنسی او افزوده شود و هر کس گوشت و

تخم مرغ بخورد، استخوان فرزندش درشت باشد.

۱۰۷۷. الکافی به نقل از عمر بن ابی حسنه جمال: نزد امام کاظم علیه السلام، از کمی فرزند، اظهار ناراحتی کردم. به من فرمود: «از خداوند، آموزش بطلب و تخم مرغ با پیاز بخور».

### ۸۹ / ۱۳ خوردن تخم مرغ با گوشت

۱۰۷۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوشت با تخم مرغ، بر توان جنسی می افزاید.

۱۰۷۹. امام صادق علیه السلام: یکی از پیامبران، از کمی فرزندان به درگاه خداوند عز و جل شکایت بُرد. خداوند فرمود: «گوشت با تخم مرغ بخور».

ر. ک: ج ۱، ص ۶۳۵ ح ۱۰۷۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۶

۹۹ / ۱۳

أَكَلَ الْجُبَّارِي

۱۰۸۰. الإمام الكاظم عليه السلام: لا- أرى بِأَكْلِ الْجُبَّارِي بِأَسَاءَ، وَإِنَّهُ جَيِّدٌ لِلْبَوَاسِيرِ، وَوَجِعِ الظَّهْرِ، وَهُوَ مِمَّا يُعِينُ عَلَى كَثْرَةِ

الجماع. [۱۴۶۴]

۱۰۹ / ۱۳

أَكَلَ الْهَرَيْسِيَّةَ

۱۰۸۱. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ شَكَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الضَّعْفَ، وَقِلَّةَ الْجَمَاعِ، فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ الْهَرَيْسِيَّةِ. [۱۴۶۵]

۱۱۹ / ۱۳

شَرِبُ السَّوِيقِ بِالزَّيْتِ

۱۰۸۲. الإمام الصادق عليه السلام: شَرِبُ السَّوِيقِ بِالزَّيْتِ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ، وَيُرِقُّ الْبَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الْبَاهِ. [۱۴۶۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۷

### ۹۹ / ۱۳ خوردن هویره

۱۰۸۰. امام کاظم علیه السلام: در خوردن هویره، اشکالی نمی بینم. آن، برای بواسیر و درد کمر، خوب است و از چیزهایی است که بر فراوانی آمیزش، انسان را یاری می رساند.

### ۱۰۹ / ۱۳ خوردن حلیم

۱۰۸۱. امام صادق علیه السلام: یکی از پیامبران، از ضعف و کمی توان آمیزش به درگاه خداوند عز و جل اظهار ناراحتی کرد. خداوند، او را به خوردن حلیم، فرمان داد.

### ۱۱۹ / ۱۳ خوردن سویق با روغن زیتون

۱۰۸۲. امام صادق علیه السلام: خوردن سویق [۱۴۶۷] با روغن زیتون، گوشت می رویند، استخوان را استحکام می بخشد، پوست را



نازک می کند و بر توان جنسی می افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۸

۱۲۹/۱۳

شُرْبُ الحَلِيبِ بِالْعَسَلِ

۱۰۸۳. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ تَغَيَّرَ عَلَيْهِ مَاءُ ظَهْرِهِ، يَنْفَعُ لَهُ اللَّبَنُ الحَلِيبُ بِالْعَسَلِ. [۱۴۶۸]

۱۳۹/۱۳

استعمالُ السُّعْدِ

۱۰۸۴. الإمام الصادق عليه السلام: اتَّخِذُوا فِي أَسْنَانِكُمُ السُّعْدَ؛ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الفَمَ، و يَزِيدُ فِي الجِمَاعِ. [۱۴۶۹]

۱۴۹/۱۳

الطَّيْبُ

۱۰۸۵. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الزَّيْحَ الطَّيْبَةَ تَشُدُّ القَلْبَ، و تَزِيدُ فِي الجِمَاعِ. [۱۴۷۰]

۱۰۸۶. الإمام الصادق عليه السلام: الزَّيْحُ الطَّيْبَةُ تَشُدُّ العَقْلَ، و تَزِيدُ فِي البَاهِ. [۱۴۷۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۹

### ۱۲۹/۱۳ نوشیدن شیر با عسل

۱۰۸۳. امام کاظم علیه السلام: هر کس آبِ کمرش بر وی دیگرگون شود، شیر تازه [۱۴۷۲] با عسل برایش سودمند است.

### ۱۳۹/۱۳ استفاده از مُشکک

۱۰۸۴. امام صادق علیه السلام: مُشکک به لابه لای دندان های خویش در آورید؛ چرا که دهان را خوش بو می کند و بر توان همبستری می افزاید.

### ۱۴۹/۱۳ بوی خوش

۱۰۸۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بوی خوش، قلب را استواری می بخشد و بر توان همبستری می افزاید. [۱۴۷۳]

۱۰۸۶. امام صادق علیه السلام: بوی خوش، قلب را استواری می بخشد و بر توان جنسی می افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۰

۱۵۹/۱۳

تَسْرِیحُ الشَّعْرِ

۱۰۸۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: كَثْرَةُ تَسْرِیحِ الرِّاسِ تَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ، و تَجَلِبُ الرِّزْقَ، و تَزِيدُ فِي الجِمَاعِ. [۱۴۷۴]

۱۶۹/۱۳

الكُحْلُ

۱۰۸۸. الإمام الصادق عليه السلام: الكُحْلُ يَزِيدُ فِي المُبَاضَعَةِ. [۱۴۷۵]

۱۰۸۹. الإمام الرضا عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْإِثْمِدِ فَإِنَّهُ يَجْلُو البَصَرَ، و يُنَبِّتُ الأشْفَارَ، و يُطَيِّبُ النِّكْهَةَ، و يَزِيدُ فِي البَاهِ. [۱۴۷۶]

۱۷۹ / ۱۳

الْخِضَابُ

۱۰۹۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِسَيِّدِ الْخِضَابِ؛ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الْبَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ. [۱۴۷۷]

۱۰۹۱. الإمام الكاظم عليه السلام: فِي الْخِضَابِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: مَهْيَبَةٌ فِي الْحَرْبِ، وَ مَحَبَّةٌ

إِلَى النِّسَاءِ، وَ يَزِيدُ فِي الْبَاهِ. [۱۴۷۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۱

### ۱۵۹ / ۱۳ شانه زدن موها

۱۰۸۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: فراوان شانه زدن موها، وَا را از میان می برد، روزی می آورد و بر قدرت انسان برای نزدیکی

می افزاید.

### ۱۶۹ / ۱۳ سر مه کشیدن

۱۰۸۸. امام صادق علیه السلام: سر مه، توان همبستری را افزون می سازد.

۱۰۸۹. امام رضا علیه السلام: بر تو باد سر مه سیاه؛ چرا که دیده را جلا می دهد، مژگان را می رویاند، دهان را خوش بو می سازد و بر

توان جنسی می افزاید.

### ۱۷۹ / ۱۳ خضاب کردن

۱۰۹۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: بر شما باد مهتر همه خضاب ها، که پوست را پاکیزه می کند و قدرت همبستری را می افزاید.

۱۰۹۱. امام کاظم علیه السلام: در خضاب، سه ویژگی است: هیبت آوری در جنگ، مهر آوری

به زنان، و توان جنسی را نیز می افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۲

۱۰۹۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْحِنَاءِ؛ فَإِنَّهُ يُنَوِّرُ رُؤُوسَكُمْ، وَ يُطَهِّرُ قُلُوبَكُمْ، وَيَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ. [۱۴۷۹]

۱۰۹۳. الإمام الصادق عليه السلام: الْكُحْلُ يَزِيدُ فِي الْمُضَاجَعَةِ، وَالْحِنَاءُ يَزِيدُ فِيهَا. [۱۴۸۰]

۱۸۹ / ۱۳

النُّورَةُ

۱۰۹۴. الإمام الكاظم عليه السلام: شَعْرُ الْجَسَدِ إِذَا طَالَ قَطَعَ مَاءَ الصُّلْبِ، وَ أَرْخَى الْمَفَاصِلَ، وَ وَرَثَ الضَّعْفَ، وَ السَّلَّ، وَ إِنَّ النُّورَةَ تَزِيدُ

فِي مَاءِ الصُّلْبِ، وَ تُقَوِّي الْبَدْنَ، وَ تَزِيدُ فِي شَحْمِ الْكَلْبَتَيْنِ، وَ تُسَمِّنُ الْبَدْنَ. [۱۴۸۱]

راجع: ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.

۱۰ / ۱۳

مَا يُضَعْفُ عَنِ الْجَمَاعِ

۱۱۰ / ۱۳

## الصَّيَام

۱۰۹۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ اسْتَطَاعَ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ؛ فَإِنَّهُ أَعْضٌ لِلْبَصْرِ، وَ أَحْصَنُ لِلْفَرْجِ،

و مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ لَهُ وَ جَاءَ. [۱۴۸۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۳

۱۰۹۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بر شما باد حنا؛ چرا که [دیده‌های سرتان را روشن می‌سازد، دل‌هایتان را پاک می‌کند و بر

توان جنسی می‌افزاید.

۱۰۹۳. امام صادق علیه السلام: سرمه، توان همبستری را افزایش می‌دهد. حنا نیز بر آن می‌افزاید.

## ۱۳/۱۸۹ نوره کشیدن

۱۰۹۴. امام کاظم علیه السلام: موی سر، چون بلند شود، آب کمر از جریان می‌افتد، مفاصل، سست می‌شوند و ضعف و سِل به دنبال

می‌آورد. اما نوره، آب کمر را افزون می‌سازد، بدن را تقویت می‌کند، بر پیه کلیه‌ها می‌افزاید و بدن را چاق می‌کند.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۷۵۶.

## ۱۳/۱۰ آنچه از توان جنسی می‌کاهد

## ۱۳/۱۱۰ روزه

۱۰۹۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس توان همسر گرفتن دارد، همسر گیرد؛ چرا که بیشتر، مایه فرو هیلیدن چشمان، و

نگه داشتن دامن است. هر کس هم توان

ندارد، بر او باد روزه؛ چرا که دارای نوعی عقیم‌کنندگی است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۴

راجع: ج ۱، ص ۶۴۴، ح ۱۰۹۷ و ح ۱۰۹۸.

۲۱۰/۱۳

## إِطَالَةُ الشَّعْرِ

۱۰۹۶. الإمام علي عليه السلام: مَا كَثُرَ شَعْرُ رَجُلٍ قَطُّ إِلَّا قَلَّتْ شَهْوَتُهُ. [۱۴۸۳]

۱۰۹۷. الكافي عن محمد بن يحيى رفعه: جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَيْسَ عِنْدِي طَوْلٌ فَأَنْكَحَ النِّسَاءَ؛

فَإِلَيْكَ أَشْكُو الْعُزُوبِيَّةَ.

فَقَالَ: وَفَرَّ شَعْرَ جَسَدِكَ، وَ أَدِمِ الصَّيَامَ.

فَفَعَلَ فَذَهَبَ مَا بِهِ مِنَ الشَّبَقِ. [۱۴۸۴]

۱۰۹۸. المعجم الكبير عن ابن عباس: شَكَا رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله الْعُزُوبِيَّةَ، فَقَالَ: أَلَا أَخْتَصِي؟

فَقَالَ: لَا، لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَصِيَ أَوْ اخْتَصَى، وَ لَكِنْ صُم، وَ وَفَّرَ شَعْرَ جَسَدِكَ. [۱۴۸۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۵

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۶۴۵، ح ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸.

۱۰۹۶. امام علی علیه السلام: موی هیچ مردی زیاد نشود، مگر آن که شهوتش کاهش یابد.  
 ۱۰۹۷. الکافی به نقل از محمد بن یحیی، در حدیثی که سندش را به معصوم علیه السلام رساند: مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من توانایی مالی ندارم تا زنانی به همسری گیرم. اینک از بی همسری به پیشگاه تو شکایت می آورم. فرمود: «موی بدنت را وا گذار تا فراوان شود و پیوسته نیز روزه بگیر.»  
 او این کار را انجام داد و چیرگی شهوت وی از میان رفت.  
 ۱۰۹۸. المعجم الکبیر به نقل از ابن عباس: مردی نزد پیامبر خدا، از بی زنی اظهار ناراحتی کرد و گفت: آیا خود را اخته کنم؟ فرمود: «نه. کسی که اخته باشد یا خود را اخته کند، از ما نیست. روزه بدار و موی بدنت را وا گذار.»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۶

۳۱۰/۱۳

النَّعْلُ السَّوْدَاءُ

۱۰۹۹. الکافی عن حنان بن سدير: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِي رِجْلِي نَعْلًا سَوْدَاءً. فَقَالَ: يَا حَنَّانُ، مَا لَكَ وَلِلَّسَوْدَاءِ؟! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ: تُضَعِّفُ الْبَصِيرَةَ، وَتُرْخِي الذِّكْرَ، وَتُورِثُ الْهَمَّ؟ وَمَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ الْجَبَّارِينَ.

قال: فَقُلْتُ: فَمَا أَلْبَسُ مِنَ النَّعَالِ؟

قال: عَلَيْكَ بِالصَّفْرَاءِ؛ فَإِنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ: تَجْلُو الْبَصِيرَةَ، وَتَشُدُّ الذِّكْرَ، وَتَدْرَأُ الْهَمَّ، وَهِيَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ النَّبِيِّينَ. [۱۴۸۶]

راجع: (إرشادات طبيّة/ الحذاء و الصّحّة) ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۱۴۱.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۷

### ۱۳/۳۱۰ کفش مشکی

۱۰۹۹. الکافی به نقل از حنان بن سدير: در حالی که کفش سیاه پوشیده بودم، بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. فرمود: «ای حنان! تو را به رنگ سیاه، چه کار؟! آیا نمی دانی که در آن، سه ویژگی است: دیده را ضعیف می کند، آلت را سست می سازد، و پیری می آورد و افزون بر این، جامه جباران است؟».

گفتم: پس چه پای افزاری بپوشم؟

فرمود: «بر تو باد زرد؛ چرا که در آن، سه ویژگی است: دیده را جلا می دهد، آلت را استحکام می بخشد، و اندوه را از انسان دور می کند و افزون بر این، از جامه های پیامبران است.» [۱۴۸۷]

ر. ک: (توصیه های پزشکی / نقش کفش در سلامت) ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۱۴۱.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۸

الفصل الرابع عشر: الجنين

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ \* ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ \* ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا \* ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». [۱۴۸۸]

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ \* ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ \* ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ \* ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لَنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى \* ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا \* ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ \* وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى. [۱۴۸۹]

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ \* ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ \* ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ \* ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا \* ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ \* ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا \* وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ \* وَ لِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّى \* وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». [۱۴۹۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۹

## فصل چهاردهم: جنین

### ۱/۱۴ تحول جنین

#### قرآن

«ما انسان را از گِلِ خالص بیافریدیم. سپس او را نطفه‌ای ساختیم در جایگاهی استوار. آن گاه، نطفه را به صورت خون بسته گردانیدیم. سپس، خون بسته را پاره مُضْغَه (چیزی شبیه گوشت جویده شده) کردیم. سپس، مُضْغَه را به صورت استخوان‌هایی در آوردیم و آن گاه، استخوان‌ها را با گوشت پوشانیدیم و سرانجام، آن را آفرینش تازه‌ای دادیم. پس فرخنده آمد خدا که بهترین آفریننده است»

«هان، ای آدمیان! اگر درباره رستاخیز در تردید هستید، بدانید که ما شما را از خاکی، آن گاه از نطفه‌ای، سپس از لخته‌ای، و سرانجام از پاره گوشتی تمام آفریده و ناتمام آفریده است، خلق کردیم تا برایتان روشن گردانیم. آنچه خواهیم تا زمانی معین در رَحِمِها قرار دهیم و سپس، شما را در سیمای کودکی بیرون آوریم تا به رشدتان برسید»

«اوست آن که شما را از خاک، سپس از نطفه و سپس از لخته‌ای بیافرید و سپس، شما را در سیمای کودکی بیرون آورد تا سپس به رشد آن

برسید و از آن پس، پیر شوید. از شما، کسانی هستند که پیش از آن سن می‌میرد و تا آن که به مهلت معینی برسید. باشد که شما بیندیشید»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۰

«وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ \* ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ \* ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا \* وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ \* وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ \* إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ». [۱۴۹۱]

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا». [۱۴۹۲]

الحديث:

۱۱۰۰. الكافي عن الحسين بن خالد: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا رَوَيْنَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ لَمْ يُحْتَسَبْ لَهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا.

قال: فقال: صدقوا.

قُلْتُ: وَ كَيْفَ لَا تُحْتَسَبُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدَّرَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ فَصَيَّرَهُ نُطْفَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ نَقَلَهَا فَصَيَّرَهَا عُلْقَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ نَقَلَهَا فَصَيَّرَهَا مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا. فَهُوَ إِذَا شَرِبَ الْخَمْرَ بَقِيَتْ فِي مُشَاشِهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا عَلَى قَدَرِ انْتِقَالِ خِلْقَتِهِ.

قَالَ: ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ كَذَلِكَ جَمِيعُ غِذَائِهِ، أَكَلِهِ وَ شَرِبِهِ يَبْقَى فِي مُشَاشِهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. [۱۴۹۳]

۱۱۰۱. الإمام الصادق عليه السلام في وصف خلق الإنسان: أَوَّلُ ذَلِكَ تَصْوِيرُ الْجَنِينِ فِي الرَّحِمِ حَيْثُ لَا تَرَاهُ عَيْنٌ وَلَا تَنَالُهُ يَدٌ، وَ يُدَبَّرُهُ حَتَّى يَخْرُجَ سَوِيًّا مُسْتَوِفِيًّا

جَمِيعَ مَا فِيهِ قَتَوَامُهُ وَ صِيْلَاحُهُ مِنَ الْأَحْشَاءِ وَ الْجَوَارِحِ وَ الْعَوَامِلِ إِلَى مَا فِي تَرْكِيبِ أَعْضَائِهِ مِنَ الْعِظَامِ وَ اللَّحْمِ وَ الشَّحْمِ وَ الْمَيْخِ وَ الْعَصَبِ وَ الْعُرُوقِ وَ الْعَضَائِفِ. [۱۴۹۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۱

«خداوند، شما را از خاک و سپس از نطفه آفرید و آن گاه، شما را جفت گردانید. هیچ مادینه‌ای بار نگیرد و هیچ دراز عمری، زندگی‌ای طولانی نمی‌کند و هیچ از عمر کس کاسته نشود، مگر آن که در دیوانی ثبت باشد. این کار، برای خداوند، آسان است» «بی‌گمان، ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته بیافریدیم تا او را بیازماییم. پس او را شنوایی بینا قرار دادیم»

### حدیث

۱۱۰۰. الکافی به نقل از حسین بن خالد: به امام کاظم علیه السلام گفتم: از پیامبر صلی الله علیه و آله برایمان روایت شده که فرموده

است: «هر کس شراب بخورد، تا چهل روز، نماز وی برایش حساب نمی‌شود».

امام علیه السلام فرمود: «درست گفته‌اند».

گفتم: چگونه تنها چهل روز برای وی نمازی حساب نمی‌شود، نه کمتر از آن و نه بیشتر؟

فرمود: «خداوند عز و جل، خلقت انسان را تقدیر کرد. [در این تقدیر] چهل روز او را در حالت نطفه بداشت. سپس، او را از این حالت، نقل داد و چهل روز علقه گردانید. سپس دیگر بار او را به حالی دیگر نقل داد و چهل روز مضغه بداشت. از این رو، اگر انسان شراب بخورد، این شراب، چهل روز، یعنی به اندازه روزهای نقل خلقت وی [از مرحله‌ای به مرحله دیگر] در نرمة استخوان‌های وی می‌ماند».

امام علیه السلام سپس فرمود: «و همه آنچه می‌خورد نیز چنین است: خوراک و نوشاب او به مدت چهل روز در نرمة استخوان‌هایش می‌ماند».

۱۱۰۱. امام صادق علیه السلام در توصیف خلقت انسان: آغاز آن، شکل دادن به جنین در رحم است؛ جایی که نه چشمی آن را

می‌بیند و نه دستی بدان می‌رسد. آن گاه، خداوند آن را تدبیر می‌کند تا به صورت انسانی بیرون آید، کامل و برخوردار از

همه آنچه برپایی و درستی وی، بدانها وابسته است؛ یعنی اندام‌های درونی و اندام‌های بیرونی و کارگر، تا همه آنچه در ترکیب اعضای وی، یعنی ترکیب استخوان، گوشت، پیه، مغز، پی، رگ و غضروف‌ها وجود دارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۲

۱۱۰۲. رسول الله صلی الله علیه و آله وَ سَيَّلَ عَنْ شَرَابِ الْمَوْلُودِ فِي بَطْنِ امِّهِ فَقَالَ: أَمَّا شَرَابُ الْمَوْلُودِ فِي بَطْنِ امِّهِ، فَإِنَّهُ يَكُونُ نُطْفَةً أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ عُلْقَةً أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، وَ مَشِيحًا أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، وَ غَبِيْسًا أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ مُضْغَةً أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ الْعِظْمَ حَنِيكًا أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ جَنِينًا. فَعِنْدَ ذَلِكَ يَسْتَهْلُ فَيَنْفَخُ فِيهِ الرُّوحَ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ أَنْ يَخْرِجَهُ تَامًّا [أَخْرَجَهُ، وَ إِنْ أَرَادَ أَنْ يُؤَخِّرَهُ فِي الرَّحِمِ تَسْعَةَ أَشْهُرٍ فَأَمْرُهُ نَافِذٌ وَ قَوْلُهُ صَادِقٌ، تَجْتَلِبُ عَلَيْهِ عُرُوقُ الرَّحِمِ وَ مِنْهَا يَكُونُ الْوَلَدُ]. [۱۴۹۵]

۱۱۰۳. الإمام الصادق عليه السلام للمفضل بن عمر: نبتدئ يا مفضل بذكر خلق الإنسان فاعتبر به؛ فأول ذلك ما يُدبّر به الجنين في الرحم وهو محبوب في ظلمات ثلاث: ظلمة البطن، و ظلمة الرحم، و ظلمة المشيمة، حيث لا حيلة عنده في طلب غذاء، ولا دفع أذى، و لا استجلاب منفعه، ولا دفع مضره؛ فإنه يجري إليه من دم الحيض ما يغذوه كما يغذو الماء النبات، فلا يزال ذلك غذاءه، حتى إذا كميل خلقه و استحكم يده و قوى أديمه على مباشره الهواء و بصيره على ملاقاه الضياء، هاج الطلق بأمه فأزعجه أشد إزعاج و أعنفه، حتى يولد.

و إذا ولد صرّف ذلك الدم الذي كان يغذوه من دم أمه إلى ثديها، فانقلب الطعم و اللون إلى ضرب آخر من الغذاء، و هو أشد موافقه للمولود من الدم، فيوافيه في وقت حاجته إليه، فحين يولد قد تلمظ و حرّك شفّتيه طلباً للرّضاع، فهو يجد ثدي أمه كالإداوتين المعلقتين لحاجته، فلا يزال يعتدى باللبن ما دام رطب البدن رقيق الأمعاء لين الأعضاء.

حتى إذا تحرّك و احتاج إلى غذاء فيه صلابة ليشتد و يقوى بدنه، طلعت له الطواحين من الأسنان و الأضراس ليضع به الطعام، فيلين عليه و يسهل له إساغته، فلا يزال كذلك حتى يُدرّك، فإذا أدرك و كان ذكراً طلع الشعر في وجهه، فكان ذلك علامة الذكر و عزّ الرّجل الذي يخرج به عن حدّ الصبا و شبه النساء، و إن كانت انثى يبقى وجهها نقياً من الشعر لتبقى لها البهجة و النضارة التي تحرّك الرّجال لما فيه دوام النسل و بقاؤه.

اعتبر يا مفضل، فيما يُدبّر به الإنسان في هذه الأحوال المُختلفة، هل ترى يُمكن أن يكون بالإهمال؟! فرأيت لو لم يجر إليه ذلك الدم و هو في الرحم، ألم يكن سيّدوى و يجف كما يجفّ النبات إذا فقد الماء؟ و لو لم يُزعجه المخاض عند استحكامه، ألم يكن سيّبقى في الرحم كالمؤود في الأرض؟ و لو لم يوافقه اللبن مع ولادته، ألم يكن سيّموت جوعاً أو يعتدى بغذاء لا يلائمه ولا يصلح عليه بدنه؟ و لو لم تطلع عليه الأسنان في وقتها، ألم يكن سيّمتنع عليه مضغ الطعام و إساغته، أو يقيم على الرّضاع فلا يشتد بدنه ولا يصلح لعمل، ثم كان تشتغل أمه بنفسه عن تربيته غيره من الأولاد؟

و لو لم يخرج الشعر في وجهه في وقته، ألم يكن سيّبقى في هيئة الصبيان و النساء فلا ترى له جلاله ولا وقاراً؟ [۱۴۹۶]

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۳

۱۱۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسشی درباره نوشیدنی کودک در شکم مادر خویش: اما نوشیدنی کودک در شکم مادر؛ او چهل شب، نطفه است، چهل شب به صورت یک لخته، چهل شب به صورت یک آمیخته، چهل شب آمیخته ای رنگ به خود گرفته، سپس چهل شب یک پاره گوشت است، چهل شب، استخوانی رو به استحکام، و آن گاه، جنین. در این هنگام است که بانگی می کند و روح در او دمیده می شود. پس اگر خداوند جلّ إسمه بخواهد او را به صورت آفریده ای کامل بیرون آورد [بیرون آورد] [۱۴۹۷] و اگر نیز بخواهد، او را تا نه ماه در رحم همچنان بدارد؛ چرا که فرمان او روا و سخن او راست است. [در همه این مهلت، رگ های رحم به کودک آب می رسانند و از همان جاست که کودک، پدید می آید.

۱۱۰۳. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! با یاد کردن از خلقت انسان، آغاز می کنیم. از آن، پند گیر. آغاز آن، تدبیر جنین در رحم است، در حالی که در سه پرده از ظلمت قرار دارد: ظلمت شکم، ظلمت زهدان و ظلمت یوگان. آنجا که جنین، نه چاره ای برای جستن خوراک دارد، نه راهی برای دور کردن آزار، نه فراهم ساختن منفعت، و نه از خود راندن زیان. در این هنگام، آنچه او را تغذیه کند، از خون حیض به سویس جریان می یابد، چنان که آب، گیاه را تغذیه کند. همین، پیوسته غذای اوست تا آن گاه که خون خلقت وی، کامل شود، بدنش استحکام یابد، پوستش یارای تماس با هوا، و چشمش توان رویارویی با نور بیابد. درد زایش مادر، او را برانگیزد و به سختی بیازارد و بفشرد تا کودک، زاده شود.

پس از زاده شدن کودک، آن خونی که او را از خون مادرش تغذیه می‌رساند، به پستان‌های مادر می‌رود و مزه و رنگ آن به نوعی دیگر از خوراکی

که بیش از خون با کودک سازگاری دارد، بدل می‌شود تا به گاه نیاز، او را همراهی کند. چنین است که چون کودک زاده شود و لب‌های خود را در جستجوی شیر بگشاید و از این سو بدان سو بچرخاند، پستان‌های مادر را به سان دو مَشَكِ کوچک که برای برآوردن نیاز او آویخته شده‌اند، می‌یابد و از آن پس، تا هنگامی که بدنش مرطوب، اندام‌های درونی‌اش نازک و اعضای بدنش نرم است، از این شیر تغذیه می‌کند.

اما آن زمان که این کودک به تحرک آید و به غذایی درشت‌تر نیازمند افتد تا بدان استحکام یابد و تنش نیرومند گردد، دندان‌های آسیا و دندان‌های کناری سر برآورند تا به کمک آنها، غذا را بجود و بدین سان، غذا برای او نرم و آسان و گوارا گردد.

انسان، پیوسته در این وضعیت است تا هنگامی که به بلوغ برسد. پس چون به بلوغ رسید، اگر نرینه باشد، موی در چهره او رُخ نماید و این، نشان مردی وی باشد و کم‌اند مردانی که از مرز خردسالی فراتر برده شده باشند و همانند زنان باشند و اگر هم مادینه باشد، چهره‌اش پیراسته از مو بماند تا همچنان از خوش‌نمایی و شادابی، که مردان را به آنچه استمرار و ماندگاری نسل در آن است، برانگیزد.

ای مفضل! در آنچه انسان در این وضعیت‌های متفاوت، بدان تدبیر می‌شود، بنگر. آیا به گمان تو این همه به اهمال و ولنگاری صورت پذیرفته است؟

به گمان تو، اگر در هنگامی که در رجم بود، آن خون به سوی وی جریان نمی‌یافت، آیا نمی‌چروکید و آن سان که گیاهی به گاه بی‌آبی می‌خشکد، نمی‌خشکید؟

یا آن هنگامی که استحکام یافته بود، اگر درد زایش او را نمی‌فُشرد و نمی‌آزرد، آیا همچنان به سانِ دفن شده‌ای در خاک، در رجم نمی‌ماند؟

یا اگر پیدایش شیر با ولادت او همخوان نبود، آیا او از گرسنگی نمی‌مُرد یا ناگزیر نبود از غذایی تغذیه کند که با وی، سازگاری ندارد و بدنش با آن استواری نمی‌یابد؟

اگر هم در وقت مناسب خود، دندان‌ها بر او نمی‌روید، آیا جویدن و گوارش غذا برای وی ناشدنی نبود؟ یا ناگزیر نمی‌بایست او را بر همان شیرخوارگی نگه می‌داشت تا در نتیجه، بدنش استحکام نیابد و به هیچ کاری نیاید و افزون بر آن، مادرش را به خود مشغول بدارد تا از تربیت دیگر فرزندان بازماند؟

[سرانجام،] اگر در هنگام خود، مو بر چهره او نمی‌روید، آیا همچنان بر ریختن کودکان نمی‌ماند تا هیچ شُکوه و جلالی در وی نبینی؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۶

راجع: ج ۱، ص ۶۷۰ (مدّه الحمل).

۲/۱۴

غِذَاءُ الْجَنِينِ

۱۱۰۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: خَلَقَكُمْ مِنْ سَبْعٍ، يَعْنِي مِنَ: الْعَظْمِ وَالْعَصَبِ وَالْعُرُوقِ وَاللَّحْمِ وَالْجِلْدِ وَالشَّعْرِ وَالزَّوْجِ. وَرَزَقَكُمْ مِنْ سَبْعٍ، يَعْنِي: مِنْ دَمِ الْحَيْضِ أَوَّلًا فِي بَطْنِ الْأُمِّ، ثُمَّ اللَّبَنِ، ثُمَّ الْمَاءِ، ثُمَّ النَّبَاتِ مِنَ الْأَرْضِ، ثُمَّ الثَّمَارِ مِنَ الشَّجَرِ، ثُمَّ اللَّحْمِ مِنَ الْأَغْنَامِ، ثُمَّ الْعَسَلِ مِنَ النَّحْلِ؛ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ عَلَى سَبْعَةِ أَعْضَاءٍ. [۱۴۹۸]

۱۱۰۵. الإمام علي عليه السلام وقد سأله سألما عن رزق الولد في بطن أمه فقال: إن الله تبارك وتعالى حبس عليه الحيضة فجعلها



۱۱۰۶. المناقب عن محمد الصيرفي و عبد الرحمن بن سالم: دَخَلَ ابْنُ شُبْرَمَةَ و أَبُو حَنِيفَةَ عَلَى الصَّيْدِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لِأَبِي حَنِيفَةَ: ... لِمَ لَا تَحِيضُ الْمَرْأَةُ إِذَا حَبِلَتْ؟  
قال: لَا أَدْرِي.

قال: حَبَسَ اللَّهُ الدَّمَ فَجَعَلَهُ غِذَاءً لِلْوَلَدِ. [۱۵۰۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۷  
ر. ک: ج ۱، ص ۶۷۱ (مدت بارداری).

## ۱۴/۲ غذای جنین

۱۱۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: او شما را از هفت چیز آفرید: یعنی از استخوان، پی، رگها، گوشت، پوست، مو، و روح؛ و شما را از هفت چیز، روزی داد: یعنی نخست در شکم مادران، از خون حیض، سپس شیر، سپس آب، سپس رویدنی‌هایی که از زمین برویند، سپس میوه‌های درختان، پس از آن گوشت گوسفندان، و سپس عسل زنبوران عسل. پس بر هفت عضو در پیشگاه خداوند، سجده کنید.

۱۱۰۵. امام علی علیه السلام در پاسخ به پرسش سلمان درباره روزی کودک در شکم مادر: خداوند تبارک و تعالی خون حیض را برای وی در بدن زن، باز بداشت و روزی او را در شکم مادر از آن قرار داد.

۱۱۰۶. مناقب آل ابی طالب به نقل از محمد صیرفی و عبد الرحمن بن سالم: ابن شُبْرَمَةَ و ابو حنیفه به حضور امام صادق علیه السلام رسیدند. امام علیه السلام از ابو حنیفه پرسید: «چرا زن پس از باردار شدن، حیض نمی‌شود؟»  
گفت: نمی‌دانم.

فرمود: «خداوند، خون را [در بدن باز داشته و آن را غذای کودک قرار داده است].»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۸

۳/۱۴

مَا يَنْفَعُ الْجَنِينَ مِنَ الْأَعْدِيَّةِ

۱۱۰۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَطْعَمُوا حَبَالَكُمْ اللَّبَانَ فَإِنَّ الصَّبِيَّ إِذَا غُدِّيَ فِي بَطْنِ امِّهِ بِاللَّبَانِ اشْتَدَّ قَلْبُهُ، وَ زِيدَ فِي عَقْلِهِ، فَإِنَّ يَكُ ذَكَرًا كَانَ شُجَاعًا، وَ إِن وُلِدَتْ اِثْنِي عَشْرَةَ عَجِيزَتُهَا فَتَحْطِي بِذَلِكَ عِنْدَ زَوْجِهَا. [۱۵۰۱]

راجع: ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۹۶۴ (ما يشد العظم). ج ۲، ص ۲۵۲ (خواص الرطب و التمر للحامل و النفساء). ج ۲، ص ۳۵۰ (فوائد أكل السفرجل للحامل). ج ۲، ص ۴۵۴ (فوائد اللبن للحامل).

۴/۱۴

نوع الجنين

الكتاب:

«لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنِائًا وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ\* أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنِائًا وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ». [۱۵۰۲]

الحديث:

۱۱۰۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: ماءُ الرَّجُلِ أبيضٌ و ماءُ الْمَرْأَةِ أَصْفَرٌ، فَإِذَا اجْتَمَعَا فَعَلَا مِثْلُ الرَّجُلِ مِثْلِي الْمَرْأَةِ أَذْكَرًا بِإِذْنِ اللَّهِ، وَ

إِذَا عَلَا مَنِيَّ الْمَرْأَةَ مَنِيَّ الرَّجُلِ آتَا بِإِذْنِ اللَّهِ. [۱۵۰۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۹

### ۱۴/۳ غذاهایی که برای جنین، سودمند است

۱۱۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان باردار خود، کُنْدُر بخورانید؛ زیرا اگر کودک در شکم مادر با کُنْدُر تغذیه شود، قلبش استحکام و عقلش فزونی می‌یابد. پس اگر مردینه باشد، دلیر باشد و اگر ماده زاده شود، سِتْرگ سرین گردد و بدین سبب، نزد همسر خویش، برخوردار باشد.

ر. ک: ج ۱، ص ۵۶۵ (آنچه استخوان‌ها را استحکام می‌بخشد/ ح ۹۶۴). ج ۲، ص ۲۵۱ (خواص خرما برای زن باردار و تازه‌زا). ج ۲، ص ۳۵۱ (خواص به برای زنان باردار). ج ۲، ص ۴۵۵ (فایده‌های کُنْدُر برای زنان باردار).

### ۱۴/۴ نوع جنین

#### قرآن

«فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، از آن خداست. هر چه بخواهد، می‌آفریند و به هر که بخواهد، دخترانی می‌بخشد و به هر که بخواهد، پسرانی عطا می‌کند، یا پسر و دختر، هر دو را جفت یکدیگر قرار می‌دهد و هر کس را هم که بخواهد، عقیم می‌سازد. او دانایی تواناست»

#### حدیث

۱۱۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آب مرد، سفید و آب زن، زرد است. چون در بر هم آیند و منی مرد بر منی زن، چیرگی یابد. به اذن خداوند، نرینه آورند و چون منی زن بر منی مرد برتری یابد، به اذن خداوند، مادینه آورند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۰

۱۱۰۹. الإمام الصادق علیه السلام: عَلَيْكَ بِالْهِنْدَبَاءِ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ، وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ، وَهُوَ حَارٌّ لَيِّنٌ، يَزِيدُ فِي الْوَلَدِ الذُّكُورَةَ. [۱۵۰۴]

۵/۱۴

#### سِرُّ الْمَشَابَهَةِ

۱۱۱۰. مسند أحمد عن أم سلمة: إِنَّ أُمَّ سَلِيمٍ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْمَرْأَةُ تَرَى زَوْجَهَا فِي الْمَنَامِ يَقَعُ عَلَيْهَا، أَعْلِيهَا غُسْلٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِذَا رَأَتْ بَلَلًا.

فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: أَوْ تَفْعَلُ ذَلِكَ [۱۵۰۵]؟!

فَقَالَ: تَرَبَّتْ يَمِينُكَ! أَنِّي يَأْتِي شَبَهُ الْخُوْلَةِ إِلَّا مِنْ ذَلِكَ، أَيُّ النُّطْفَتَيْنِ سَبَقَتْ إِلَى الرَّجْمِ غَلَبَتْ عَلَى الشَّبهِ. [۱۵۰۶]

۱۱۱۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: نُطْفَةُ الرَّجُلِ بِيضَاءٌ غَلِيظَةٌ، وَنُطْفَةُ الْمَرْأَةِ صَفْرَاءٌ رَقِيقَةٌ؛ فَأَيُّهُمَا غَلَبَتْ صَاحِبَتَهُمَا [۱۵۰۷] فَالشَّبَهُ لَهُ، وَإِنْ اجْتَمَعَا جَمِيعًا كَانَ مِنْهَا وَ مِنْهُ. [۱۵۰۸]

۱۱۱۲. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ مَاءَ الرَّجُلِ غَلِيظٌ أَبْيَضٌ، وَ مَاءَ الْمَرْأَةِ رَقِيقٌ أَصْفَرٌ؛ فَمِنْ أَيُّهُمَا عَلَا أَوْ

سَبَقَ يَكُونُ مِنْهُ الشَّبَهُ. [۱۵۰۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۱

۱۱۰۹. امام صادق علیه السلام: بر تو باد کاسنی؛ چرا که آب (منی) را می‌افزاید، فرزند را نکو می‌سازد، و گرم و نرم است و بیشتر، فرزند، پسر می‌شود. [۱۵۱۰]

#### ۱۴/۵ راز همانندی

۱۱۱۰. مسند ابن حنبل به نقل از ام سلمه: ام سلیم گفت: ای پیامبر خدا! گاه زن در خواب می‌بیند که مرد با او آمیزش کرده است. آیا بر او غسل واجب می‌شود؟

فرمود: «آری، چنانچه رطوبتی هم ببیند».

ام سلمه گفت: آیا زن، چنین هم می‌کند؟

فرمود: «دستت درد نکند! پس همانندی با دایی‌ها، جز از این، از کجا حاصل می‌آید؟ هر یک از نطفه‌ها که بر دیگری به سوی زهدان پیشی جوید، بر همانند نیز چیرگی می‌یابد».

۱۱۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نطفه مرد، سفید رنگ و غلیظ است و نطفه زن، زرد است و رقیق. هر کدام از آنها که بر دیگری چیرگی یابد، همانندی را از آن خود می‌کند؛ و اگر هم هر دو در بر هم آیند، شباهت از هر دوی آنها باشد.

۱۱۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آب مرد، غلیظ و سفید است و آب زن، رقیق و زرد است. برتری یا پیشی جویی از هر کدام از آنها باشد، شباهت نیز از همان می‌خیزد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۲

۱۱۱۳. عنه صلی الله علیه و آله: تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ؛ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ. [۱۵۱۱]

۱۱۱۴. قصص الأنبياء عن شهر بن حوشب: لَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَدِينَةَ، أَتَاهُ رَهْطٌ مِنَ الْيَهُودِ، فَقَالُوا: إِنَّا سَائِلُوكَ عَن أَرْبَعِ خِصَالٍ، فَإِن أَخْبَرْتَنَا عَنْهَا صَدَقْنَاكَ وَآمَنَّا بِكَ... قالوا: عَنِ الشَّبهِ كَيْفَ يَكُونُ مِنَ الْمَرْأَةِ وَ إِنَّمَا النُّطْفَةُ لِلرَّجُلِ؟ فَقَالَ: أُنشِدُكُمْ بِاللَّهِ، أَتَعْلَمُونَ أَنَّ نُطْفَةَ الرَّجُلِ بِيضَاءٌ غَلِيظَةٌ وَ أَنَّ نُطْفَةَ الْمَرْأَةِ حَمْرَاءٌ رَقِيقَةٌ؟ فَأَيُّتَهُمَا غَلَبَتْ صَاحِبَتُهَا كَانَتْ لَهَا الشَّبَهُ. قالوا: اللَّهُمَّ، نَعَمْ. [۱۵۱۲]

۱۱۱۵. الإمام الباقر علیه السلام: أتى رجلٌ من الأنصارِ رسولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عليه و آله، فقال: هذه ابنة عمي و امرأتي لا أعلم إلا خيراً، و قد أتتني بولدٍ شديد السوادِ منتشرٍ المنخرينِ جعدٍ قططٍ، أفطس الأنفِ، لا أعرفُ شبههُ في أحوالی و لا في أجدادی. فقال لامرأته: ما تقولين؟

قالت: لا و الذي بعثك بالحق نبياً، ما أعددت مقعده مني منذ ملكني أحداً غيره.

قال: فنكس رسول الله صلى الله عليه و آله برأسه ملياً، ثم رقع بصره إلى السماء، ثم أقبل على الرجل فقال:

يا هذا، إنه ليس من أحدٍ إلا بينه و بين آدم تسعة و تسعون عرقاً كلها تضرب في النسب، فإذا وقعت النطفة في الرحم اضطربت تلك العروق تسأل الله الشبه لها، فهذا من تلك العروق التي لم يدركها أجدادك و لا أجداد أجدادك، خذ إليك ابنك.

فقالت المرأة: فرجت عني يا رسول الله! [۱۵۱۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۳

۱۱۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای نطفه‌های خود، نیکوترین [زن‌ها] را برگزینید؛ چرا که زنان، همانندهای برادران و

خواهران خویش را می‌زایند. [۱۵۱۴]

۱۱۱۴. قصص الأنبياء به نقل از شهر بن حوشب: هنگامی که پیامبر خدا به مدینه درآمد، شماری از یهودیان نزد او آمدند و گفتند: ما درباره چهار چیز از تو می‌پرسیم. اگر درباره آنها به ما آگاهی دادی، تو را باور داریم و به تو ایمان آوریم... گفتند: درباره همانندی، که چگونه کودک با مادر شباهت می‌یابد، در حالی که نطفه از مرد است؟ فرمود: «شما را به خداوند سوگند می‌دهم، آیا [نه این است که خود می‌دانید نطفه مرد، سفید و غلیظ، و نطفه زن، سرخ و رقیق است. هر یکی از آنها که بر دیگری چیرگی یابد، شباهت را از آن خود می‌سازد؟]». گفتند: البته که چرا.

۱۱۱۵. امام باقر علیه السلام: مردی از انصار، نزد پیامبر خدا آمد و گفت: این، دختر عمو و زن من است و از او جز نیکی سراغ ندارم. اما او برایم فرزندی آورده است بسیار سیاه، با سوراخ‌های بینی گشاد، موهای مجعد پُرگِره و بینی پهن و به صورت چسبیده، به گونه‌ای که همانند آن، نه در دایه‌های خود سراغ دارم، نه در نیاکان خویش. پیامبر صلی الله علیه و آله از همسر وی پرسید: «تو چه می‌گویی؟». گفت: سوگند به آن که تو را به حق، به پیامبری برگزیده است، از آن روز که مرا در اختیار گرفته، هیچ کس را در نظر خود، بر جایگاه او قرار نداده‌ام (اشاره به این که به او خیانت نکرده است). پیامبر خدا، مدتی سر فرو افکند و سپس، لختی نگاه خویش را به

سوی آسمان برداشت و آن‌گاه، بدان مرد رو کرد و فرمود: «ای مرد! هیچ کس نیست که میان او و آدم، نود و نه رگ که همه به نسب او بازمی‌گردند نباشد. آن‌گاه که نطفه در رحم جای می‌گیرد، هر یک از آن رگ‌ها به جنب و جوش در می‌آید و از خداوند می‌خواهد که شباهت را به آن دهد. این کودک، از آن رگ‌هایی برخاسته است که اجداد تو و اجداد اجدادت، آنها را درک نکرده‌اند. فرزند خویش را برای خود بردار».

پس آن زن گفت: ای پیامبر خدا! گره از کار من گشودی.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۴

۱۱۱۶. الإمام العسکری عن آبائه عليهم السلام: لَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَدِينَةَ أَتَوْهُ بِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ صُورِيَا، فَقَالَ: ...أَخْبِرْنِي يَا مُحَمَّدُ، الْوَلَدُ يَكُونُ مِنَ الرَّجُلِ أَوْ مِنَ الْمَرْأَةِ؟

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمَّا الْعِظَامُ وَالْعَصَبُ وَالْعُرُوقُ فَمِنَ الرَّجُلِ، وَ أَمَّا اللَّحْمُ وَالِدَّمُّ وَالشَّعْرُ فَمِنَ الْمَرْأَةِ. قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ، ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، فَمَا بَالُ الْوَلَدِ يُشَبِّهُ أَعْمَامَهُ لَيْسَ فِيهِ مِنْ شَبِّهِ أَسْوَالِهِ شَيْءٌ، وَ يُشَبِّهُ أَسْوَالَهُ لَيْسَ فِيهِ مِنْ شَبِّهِ أَعْمَامِهِ شَيْءٌ؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُنِيَهُمَا عَلَا مَاءُ مَا صَاحِبِهِ كَانَ الشَّبُّ لَهُ.

قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ، فَأَخْبِرْنِي عَمَّنْ لَا يُولَدُ لَهُ وَ مَنْ يُولَدُ لَهُ؟

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا مُعَزَّتِ النَّطْفَةُ لَمْ يُولَدْ لَهُ أَيُّ إِذَا أَحْمَرَّتْ وَ كَدَّرَتْ فَإِذَا

كَانَتْ صَافِيَةً وُلِدَ لَهُ. [۱۵۱۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۵

۱۱۱۶. امام عسکری علیه السلام به نقل از پدرانش عليهم السلام: چون پیامبر خدا به مدینه درآمد، عبد الله بن صوریا را نزد او آوردند. گفت: ای محمد! مرا بیاگاهان که فرزند، از مرد خیزد یا از زن.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اما استخوان‌ها، پی و رگ‌ها از مرد است و گوشت، خون و مو از زن».

گفت: راست گفתי، ای محمد! سپس افزود: چرا گاه فرزند با عموهایش همانند می شود و هیچ شباهتی به دایی ها در او نیست؟ یا گاه با دایی ها همانند می شود و هیچ شباهتی به عموها در او نیست؟ پیامبر خدا فرمود: «هر یک از دو طرف (پدر و مادر) که آتش بر آب دیگر چیرگی یابد، همانندی از آن وی است. گفت: راست گفתי، ای محمد؛ اما در این باره مرا بیاگاهان که چه کسی فرزنددار می شود و چه کسی فرزنددار نمی شود. فرمود: «اگر نطفه، تیره رنگ و سرخ رنگ شود، از شخص فرزندی نزاید و اگر ناب باشد، شخص، فرزنددار می شود».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۶

۱۱۱۷. الإمام علی علیه السلام و سُئِلَ عَنْ شَبِّهِ الْوَلَدِ أَعْمَامُهُ وَ أَخْوَالَهُ، فَقَالَ: أَمَا شَبَّهُ الْوَلَدِ أَعْمَامُهُ وَ أَخْوَالَهُ، فَإِذَا سَبَقَ نُطْفَةُ الرَّجُلِ نُطْفَةَ الْمَرْأَةِ إِلَى الرَّحِمِ، خَرَجَ شَبَّهُ الْوَلَدِ إِلَى أَعْمَامِهِ، وَ مِنْ نُطْفَةِ الرَّجُلِ يَكُونُ الْعِظْمُ وَ الْعَصَبُ، وَ إِذَا سَبَقَ نُطْفَةُ الْمَرْأَةِ نُطْفَةَ الرَّجُلِ إِلَى الرَّحِمِ خَرَجَ شَبَّهُ الْوَلَدِ إِلَى أَخْوَالِهِ، وَ مِنْ نُطْفَتِهَا يَكُونُ الشَّعْرُ وَ الْجِلْدُ وَ اللَّحْمُ؛ لِأَنَّهَا صَفْرَاءُ رَقِيقَةٌ. [۱۵۱۶]

۱۱۱۸. مسند ابن حنبل عن ابن عباس: أَقْبَلْتُ يَهُودٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَقَالُوا...: أَخْبِرْنَا كَيْفَ تُؤْنِثُ الْمَرْأَةُ وَ كَيْفَ تُذَكَّرُ؟

قَالَ: يَلْتَقِي الْمَاءُ، فَإِذَا عَلَا مَاءُ الرَّجُلِ مَاءَ الْمَرْأَةِ أَذْكَرَتْ، وَ إِذَا عَلَا مَاءُ الْمَرْأَةِ مَاءَ الرَّجُلِ آنَّثَتْ. [۱۵۱۷]

۱۱۱۹. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَجُلًا أَتَى بِامْرَأَتِهِ إِلَى عُمَرَ (بن الخطاب)، فَقَالَ: إِنَّ امْرَأَتِي هَذِهِ سَوْدَاءُ وَ أَنَا أَسْوَدُ، وَ إِنَّهَا وَكَلَتْ غُلَامًا أَبْيَضًا!

فَقَالَ لِمَنْ بِحَضْرَتِهِ: مَا تَرَوْنَ؟

فَقَالُوا: نَرَى أَنَّ تَرْجُمَهَا؛ فَإِنَّهَا سَوْدَاءُ وَ زَوْجُهَا أَسْوَدُ وَ وَلَدُهَا أَبْيَضُ!

قَالَ: فَجَاءَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ وُجِّهَ بِهَا لِتَرْجَمَ. فَقَالَ: مَا حَالُكُمَا؟ فَحَدَّثَاهُ.

فَقَالَ لِلْأَسْوَدِ: أَ تَنْتَهُمُ امْرَأَتَكَ؟

فَقَالَ: لَا.

قَالَ: فَأَتَيْتَهَا وَ هِيَ طَامِثٌ؟

قَالَ: قَدْ قَالَتْ لِي فِي لَيْلَةٍ مِنَ اللَّيَالِي: إِنِّي طَامِثٌ، فَظَنَنْتُ أَنَّهَا تَتَّقِي الْبَرْدَ فَوَقَعْتُ عَلَيْهَا.

فَقَالَ لِلْمَرْأَةِ: هَلْ أَتَاكَ وَ أَنْتِ طَامِثٌ؟

قَالَتْ: نَعَمْ، سَلَهُ قَدْ حَرَّجْتُ عَلَيْهِ وَ آيْتُ.

قَالَ: فَانْطَلِقَا فَإِنَّهُ ابْنُكُمَا، وَ إِنَّمَا غَلَبَ الدَّمُ النُّطْفَةَ فَأَبْيَضَ وَ لَوْ قَدْ تَحَرَّكَ أَسْوَدٌ. فَلَمَّا أَبْفَعَ أَسْوَدٌ. [۱۵۱۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۷

۱۱۱۷. امام علی علیه السلام هنگامی که از ایشان درباره همانندی فرزند با عموها و دایی هایش پرسیده شده بود: اما همانندی فرزند با عموها و دایی هایش؛ اگر نطفه مرد بر نطفه زن به سوی زهدان پیشی جوید، شباهت فرزند به عموهایش پدید آید و از نطفه مرد، استخوان و پی شکل می گیرد. اما اگر نطفه زن بر نطفه مرد، پیشی گیرد، شباهت فرزند به دایی ها پدید می آید و از نطفه زن، مو، پوست و گوشت، شکل می گیرد؛ چرا که این نطفه، زرد و رقیق است.

۱۱۱۸. مسند ابن حنبل به نقل از ابن عباس: یهودیان، رو به پیامبر خدا کردند و گفتند: ما را آگاه کن که چگونه فرزند، دختر و چگونه پسر می شود؟

فرمود: «دو آب با یکدیگر التقا می‌یابند. پس اگر آبِ مرد بر آبِ زن برتری یابد، نرینه زاید و اگر آبِ زن بر آبِ مرد برتری یابد، مادینه زاید.

۱۱۱۹. امام صادق علیه السلام: مردی، زن خویش را نزد عمر آورد و گفت: این زن من، سیاه است و من نیز سیاه هستم؛ اما اینک او کودکِ سفید، زاده است!

عمر، از کسانی که آنجا حضور داشتند، پرسید: چه نظری دارید؟

گفتند: رأی ما این است که زن را سنگسار کنی؛ چرا که او خود، سیاه است و همسرش نیز سیاه است، اما کودکش سفید!

در حالی که آن زن را آماده کرده بودند که برای سنگسار ببرند، امیر مؤمنان بدانجا آمد و پرسید: «شما دو تن را چه شده است؟» آنها با او [از آنچه رُخ داده بود] سخن گفتند.

امام علیه السلام از مرد سیاه پرسید: «آیا زنِ خود را مَتَّهَم می‌کنی؟». گفت: نه.

پرسید: «آیا در حالی که او حیض بوده با او همبستری کرده‌ای؟».

گفت: شبی از شب‌ها او به من اظهار داشته بود که حیض است، امّا من گمان کرده بودم که از سرما بیم دارد و از همین رو، با او آمیزش کردم.

امام علیه السلام از زن پرسید: «آیا در حالی که حیض بوده‌ای، به سراغت آمده است؟».

گفت: آری، از خود او پرس که چگونه بر او سخت گرفتم و تن نمی‌دادم.

امام علیه السلام فرمود: «بروید، که او فرزند شماست و تنها مسئله، این است که خون بر نطفه چیرگی یافته و سفید شده است، در حالی که اگر امکان تحرّک یافته بود، سیاه می‌شد».

آن کودک، بعدها که به نوجوانی رسید، سیاه شد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۸

۱۱۲۰. الإمام الرضا علیه السلام: إِنَّ الْمَلِكَ قَالَ لِدَانِيَالٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشْتَهِي أَنْ يَكُونَ لِي ابْنٌ مِثْلَكَ.

فَقَالَ: مَا مَحَلِّي مِنْ قَلْبِكَ؟

قَالَ: أَجَلٌ مَحَلٌّ وَأَعْظَمُهُ.

قَالَ دَانِيَالٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِذَا جَامَعْتَ فَاجْعَلْ هِمَّتَكَ فِيَّ.

قَالَ: فَفَعَلَ الْمَلِكُ ذَلِكَ، فَوُلِدَ لَهُ ابْنٌ أَشْبَهُ خَلْقِ اللَّهِ بِدَانِيَالٍ. [۱۵۱۹]

راجع: ج ۱، ص ۶۱۸ (ما ينبغي قبل الجماع / الطمانينة).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۹

۱۱۲۰. امام رضا علیه السلام: پادشاه [وقت به دانیال علیه السلام گفت: دوست دارم فرزندی همانند تو داشته باشم.

پرسید: «من در دل تو چه جایگاهی دارم؟».

گفت: برترین و والاترین جایگاه.

دانیال گفت: «پس آن گاه که آمیزش کردی، همه اندیشه خویش را متوجه من بدار».

پادشاه، این کار را کرد و در پی آن دارای فرزندی شد که همانندترین کسان به دانیال بود.

ر. ک: ج ۱، ص ۶۱۹ (آنچه پیش از آمیزش بایسته است / آرامش).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۰

۱۱۲۱. الكافي عن عبد الرحمن بن سيابة عمّن حدّثه عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنْ غَايَةِ الْحَمْلِ بِالْوَلَدِ فِي بَطْنِ امِّهِ كَمْ هُوَ؟ فَإِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: رُبَّمَا بَقِيَ فِي بَطْنِهَا سِنِينَ؟

فَقَالَ: كَذَبُوا! أَقْصَى حَدِّ الْحَمْلِ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ لَا يَزِيدُ لِحِظَّةً، وَ لَوْ زَادَ سَاعَةً لَقَتَلَ امَّهُ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ. [۱۵۲۱]

۱۱۲۲. المناقب: كَانَ الْهَيْئَمُ فِي جَيْشٍ فَلَمَّا [جاء] [۱۵۲۲] جَاءَتْ امْرَأَتُهُ بَعْدَ قُدُومِهِ بِسِتِّهِ أَشْهُرٍ بَوْلَدٍ فَأَنْكَرَ ذَلِكَ مِنْهَا، وَ جَاءَ بِهِ عُمَرُ وَ قَصَّ عَلَيْهِ فَأَمَرَ بِرَجْمِهَا، فَأَدْرَكَهَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُرْجَمَ.

ثُمَّ قَالَ لِعُمَرَ: أَرْبَعٌ عَلَى نَفْسِكَ، إِنَّهَا صَدَقَتْ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» [۱۵۲۳] وَ قَالَ: «وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» [۱۵۲۴] فَالْحَمْلُ وَ الرِّضَاعُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا.

فَقَالَ عُمَرُ: لَوْ لَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ عُمَرُ! وَ خَلَى سَبِيلَهَا، وَ أَحَقَّ الْوَلَدَ بِالرَّجْلِ.

شرح ذلك: أَقَلُّ الْحَمْلِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَ هُوَ زَمَنُ انْعِقَادِ النُّطْفَةِ، وَ أَقَلُّهُ

لخروج الولد حيّاً ستّة أشهر؛ وَ ذَلِكَ أَنَّ النُّطْفَةَ تَبْقَى فِي الرَّحْمِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَصِيرُ عَلَقَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَصِيرُ مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَتَّصِرُ فِي أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ تَلْجُهَا الرُّوحُ فِي عَشْرِينَ يَوْمًا، فَذَلِكَ سِتَّةُ أَشْهُرٍ، فَيَكُونُ الْفِصَالُ فِي أَرْبَعَةٍ وَ عَشْرِينَ شَهْرًا، فَيَكُونُ الْحَمْلُ

فِي سِتَّةِ أَشْهُرٍ. [۱۵۲۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۱

## ۶ / ۱۴ مدت بارداری

### قرآن

«دوران بارداری و از شیر گرفتن او (نوزاد)، سی ماه است»

### حدیث

۱۱۲۱. الكافي به نقل از عبد الرحمن بن سیابه، از یکی از کسانی که برای وی حدیث کرده: از امام باقر علیه السلام پرسیدم که بیشترین زمان ممکن برای ماندن فرزند در شکم مادر، چه اندازه است؛ چرا که مردم می گویند: شاید فرزند، دو سال هم در شکم مادر بماند؟

فرمود: «دروغ گفته‌اند. بیشترین زمان ممکن برای بارداری، نه ماه است و حتی لحظه‌ای از آن بیشتر نمی‌شود و اگر دمی بر آن بیفزاید، پیش از آن که برون آید، مادر خویش را می‌کشد».

۱۱۲۲. مناقب آل ابی طالب: هیثم در سپاهی [بیرون از وطن بود. چون [بازگشت، شش ماه پس از بازگشت وی، همسرش فرزندی

آورد. او این فرزند را از زن نپذیرفت. او را نزد عمر آورد و مسئله را برای وی بازگو کرد. وی نیز فرمان سنگسار زن را داد. اما پیش از آن که زن سنگسار شود، علی علیه السلام خود را بدان زن رساند. سپس به عمر گفت: لختی درنگ کن! آن زن راست گفته است. خداوند متعال می گوید: «دوران بارداری و از شیر گرفتن او (نوزاد) سی ماه است» و می فرماید: «مادران، کودکان خود را دو سال تمام، شیر دهند». پس، بارداری و شیردهی، سی ماه است».

عمر در این هنگام گفت: اگر علی نبود، عمر تباه شده بود؛ و آن زن را آزاد کرد و فرزند را هم به پدر، ملحق ساخت. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۲

۷/۱۴

### إجهاض الجنین

۱۱۲۳. من لا يحضره الفقيه عن إسحاق بن عمار: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَرْأَةُ تَخَافُ الْحَبْلَ فَتَشْرَبُ الدَّوَاءَ فَتَقْتُلِي مَا فِي بَطْنِهَا. فَقَالَ: لَا.

فَقُلْتُ: إِنَّمَا هُوَ نُطْفَةٌ!

قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَا يُخْلَقُ نُطْفَةٌ. [۱۵۲۶]

۱۱۲۴. الكافي عن محمد بن مسلم: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَضْرِبُ الْمَرْأَةَ فَتَطْرَحُ النُّطْفَةَ؟ فَقَالَ: عَلَيْهِ عَشْرُونَ دِينَارًا.

فَقُلْتُ: يَضْرِبُهَا فَتَطْرَحُ الْعَلَقَةَ.

فَقَالَ: عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ دِينَارًا.

قُلْتُ: فَيَضْرِبُهَا فَتَطْرَحُ الْمُضْغَةَ.

قَالَ: عَلَيْهِ سِتُونَ دِينَارًا.

قُلْتُ: فَيَضْرِبُهَا فَتَطْرَحُهَا وَقَدْ صَارَ لَهُ عَظْمٌ.

فَقَالَ: عَلَيْهِ الدِّيَّةُ كَامِلَةً، وَبِهَذَا قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قُلْتُ: فَمَا صِفَةُ خِلْقَةِ النُّطْفَةِ الَّتِي تُعْرَفُ بِهَا؟

فَقَالَ: النُّطْفَةُ تَكُونُ بِيضَاءَ مِثْلِ النُّخَامَةِ الْعَلِيظَةِ، فَتَمُكُّ فِي الرَّحِمِ إِذَا صَارَتْ فِيهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى عَلَقَةٍ.

قُلْتُ: فَمَا صِفَةُ خِلْقَةِ الْعَلَقَةِ الَّتِي تُعْرَفُ بِهَا؟

فَقَالَ: هِيَ عَلَقَةٌ كَعَلَقَةِ الدَّمِ الْمَحْجَمَةِ [۱۵۲۷] الْجَامِدَةِ؛ تَمُكُّ فِي الرَّحِمِ بَعْدَ تَحْوِيلِهَا عَنِ النُّطْفَةِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَصِيرُ مُضْغَةً.

قُلْتُ: فَمَا صِفَةُ الْمُضْغَةِ وَخِلْقَتِهَا الَّتِي تُعْرَفُ بِهَا؟

قَالَ: هِيَ مُضْغَةٌ لَحْمٍ حَمْرَاءَ فِيهَا عُرُوقٌ خُضْرٌ مُشْتَبِكَةٌ، ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى عَظْمٍ.

قُلْتُ: فَمَا صِفَةُ خِلْقَتِهِ إِذَا كَانَ عَظْمًا؟

فَقَالَ: إِذَا كَانَ عَظْمًا شَقَّ لَهُ السَّمْعُ وَالبَصَرُ وَرُبَّتْ جَوَارِحُهُ، فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَإِنَّ فِيهِ الدِّيَّةَ كَامِلَةً. [۱۵۲۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۳

توضیح:



کمترین زمان بارداری، چهل روز است، و این، زمان انعقاد نطفه است و کمترین زمان لازم برای زنده‌زاده شدن کودک نیز شش ماه است؛ چه این که نطفه، چهل روز در زهدان می‌ماند، سپس چهل روز به لخته‌ای بَدَل می‌شود، سپس چهل روز پاره‌گوشتی می‌شود، آن‌گاه در چهل روز، صورتی به خویش می‌گیرد و در بیست روز هم روح در آن دمیده می‌شود. این، شش ماه است و بدین‌سان، جدا شدن فرزند [از شیر مادر] در ۲۴ ماه صورت می‌پذیرد و دوران بارداری به او نیز شش ماه می‌شود.

#### ۱۴/۷ سقط کردن جنین

۱۱۲۳. کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از اسحاق بن عمار: به امام کاظم علیه السلام گفتم: گاه زن از بارداری می‌ترسد و از همین رو، دارویی می‌خورد و آنچه را در شکم دارد، می‌افکند.

فرمود: «این کار را نکند».

گفتم: آن، تنها یک نطفه است!

فرمود: «نخستین چیزی هم که آفریده می‌شود، همان نطفه است».

۱۱۲۴. الکافی به نقل از محمد بن مسلم: از امام باقر علیه السلام، در این باره پرسیدم که اگر مرد، زن را کتک بزند و در نتیجه، زن، نطفه را بیندازد؟

فرمود: «بر او بیست دینار [دیه است]».

گفتم: [اگر] او را کتک بزند و در نتیجه، وی علقه را بیندازد؟

فرمود: «بر او چهل دینار است».

گفتم: [اگر] او را کتک بزند و وی نیز در نتیجه، مُضْغَه را بیندازد؟

فرمود: «بر او شصت دینار است».

گفتم: [اگر] او را کتک بزند و وی در نتیجه، جنین را که دارای استخوان شده است، بیندازد؟

فرمود: «بر او دیه کامل لازم است و امیر مؤمنان نیز به همین، حکم فرمود».

گفتم: ویژگی ساختار نطفه که بدان از دیگر چیزها باز شناخته می‌شود، چیست؟

فرمود: «نطفه سفید است، به سان خَلِطِ غَلِیظِ سینه. پس زمانی در رَجَم می‌ماند تا این زمان به چهل روز برسد. سپس به علقه تبدیل می‌شود».

گفتم: ویژگی ساختار علقه که بدان باز شناخته می‌شود، چیست؟

فرمود: «لخته، خونی است همانند آن خون که در بادکش ابزار حجامت، لخته شود. پس از بدل شدن از حالت نطفه، چهل روز در همین حالت می‌ماند و سپس به مُضْغَه تبدیل می‌گردد».

گفتم: ویژگی مُضْغَه که بدان باز شناخته می‌شود، چیست؟

فرمود: «پاره‌گوشتی است سرخ‌رنگ، دارای رگ‌هایی سبز و درهم تنیده شده، و سپس به استخوان بدل می‌گردد».

گفتم: ویژگی ساختار او، هنگامی که به استخوان بدل شود، چیست؟

فرمود: «چون استخوان گردد، گوش و چشم برایش شکافته می‌شود و اندام‌هایش ترتیب می‌یابند اگر به چنین حالتی رسیده باشد، در آن یک دیه کامل است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۴

غَسْلُ الْمَوْلُودِ

۱۱۲۵. الإمام الصادق عليه السلام: غَسْلُ الْمَوْلُودِ وَاجِبٌ. [۱۵۲۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۵

#### ۱۴ / ۸ شستن نوزاد

۱۱۲۵. امام صادق علیه السلام: شستن نوزاد، لازم است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۶

۹ / ۱۴

الْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ فِي أَذْنِ الْمَوْلُودِ

۱۱۲۶. الإمام الصادق عليه السلام فيما يُفَعَّلُ بِالْمَوْلُودِ إِذَا وُلِدَ: مُرُّوا الْقَابِلَةَ أَوْ بَعْضَ مَنْ يَلِيهِ أَنْ تُقِيمَ الصَّلَاةَ فِي أذْنِهِ الْيُمْنَى؛ فَلَا يُصِيبُهُ

لَمَمٌ وَلَا تَابِعَةٌ أَبَدًا. [۱۵۳۰]

۱۱۲۷. الكافي عن أبي يحيى الرازي عن الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا وُلِدَ لَكُمْ الْمَوْلُودُ، أُمَّ شَيْءٍ تَصْنَعُونَ بِهِ؟

قُلْتُ: لَا أَدْرِي مَا تَصْنَعُ بِهِ.

قَالَ: خُذْ عَدَسَةً جَاوَشِيرَ فِدْفُهُ بِمَاءٍ، ثُمَّ قَطِّرْ فِي أَنْفِهِ فِي الْمِنْخَرِ الْأَيْمَنِ قَطْرَتَيْنِ، وَفِي الْأَيْسَرِ قَطْرَةً وَاحِدَةً، وَأَذِّنْ فِي أذْنِهِ الْيُمْنَى وَاقِمْ

فِي الْيُسْرَى، تَفَعَّلْ بِهِ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ تَقَطَّعَ سُرَّتُهُ؛ فَإِنَّهُ لَا يَفْرُغُ أَبَدًا وَلَا تُصِيبُهُ أُمُّ الصَّبِيَانِ. [۱۵۳۱]

۱۰ / ۱۴

تَحْنِيكُ الْمَوْلُودِ

۱۱۲۸. الإمام علي عليه السلام: حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْتَّمْرِ، هَكَذَا فَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. [۱۵۳۲]

۱۱۲۹. الكافي عن الإمام الباقر عليه السلام: يُحَنَّكُ الْمَوْلُودُ بِمَاءِ الْفُرَاتِ، وَيُقَامُ فِي أذْنِهِ.

وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِمَاءِ الْفُرَاتِ وَبِتُرْبَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَبِمَاءِ السَّمَاءِ. [۱۵۳۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۷

#### ۱۴ / ۹ گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد

۱۱۲۶. امام صادق علیه السلام درباره آنچه باید پس از زاده شدن کودک برایش انجام داد: به ماما یا یکی از دیگر کسانی که

نزدیک کودک است، بگویند در گوش راست او «اقامه» بگوید تا در نتیجه، هیچ گاه به دیوانگی و جن زدگی گرفتار نیاید.

۱۱۲۷. الكافي به نقل از ابو يحيى رازی: امام صادق علیه السلام فرمود: «چون کودکتان زاده شود، با او چه می کنید؟» [۱۵۳۴]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۶۷۷

گفتم: نمی دانم چه کنیم.

فرمود: «به اندازه یک عدس، گاوشیر بردار و آن را در آب، حل کن. سپس، از آن، دو قطره در سوراخ راست بینی و یک قطره در

سوراخ چپ بینی وی بچکان و در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگوی. این کار، پیش از آن که ناف نوزاد را

ببرند، برایش انجام شود؛ چرا که در این صورت، هرگز پریشانی نبیند و به ام صبیان مبتلا نشود. [۱۵۳۵]

**۱۴ / ۱۰ گشودن کام نوزاد**

۱۱۲۸. امام علی علیه السلام: کامِ کودکان خویش را به خرما بگشایید. پیامبر صلی الله علیه و آله، با حسن علیه السلام و حسین علیه السلام چنین کرد.

۱۱۲۹. الکافی به نقل از امام باقر علیه السلام: «با آب فرات، کام نوزاد گشوده گردد و در گوشش اقامه گفته شود». در روایت دیگری نیز چنین آمده است: «فرزندانتان را با آب فرات و با تربت حسین علیه السلام، کام بگشایید؛ و اگر در اختیار نباشد، با باران آسمان».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۸

۱۱ / ۱۴

حَلَقَ رَأْسَ الْمَوْلُودِ

۱۱۳۰. الإمام الصادق علیه السلام و سُئِلَ عَنْ عَلِيٍّ حَلَقِ رَأْسِ الْمَوْلُودِ: تَطْهِيرُهُ مِنْ شَعْرِ الرَّجْمِ. [۱۵۳۶]

۱۲ / ۱۴

الْعُقُّ عَنِ الْمَوْلُودِ

۱۱۳۱. الإمام الصادق علیه السلام: الْمَوْلُودُ إِذَا وُلِدَ عُقَّ عَنْهُ، وَ حُلِقَ رَأْسُهُ وَ تُصَدِّقَ بِوِزْنِ شَعْرِهِ وَرِقًا، وَ اهْدَى إِلَى الْقَابِلَةِ الرَّجُلُ وَ الْوَرَكُ، وَ يُدْعَى نَفْرًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَيَأْكُلُونَ وَ يَدْعُونَ لِلْغَلَامِ، وَ يُسَمَّى يَوْمَ السَّابِعِ. [۱۵۳۷]

۱۳ / ۱۴

غِذَاءُ النَّفْسَاءِ

۱۱۳۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَا لِلنَّفْسَاءِ عِنْدِي شِفَاءٌ مِثْلُ الرُّطْبِ، وَ مَا لِلْمَرِيضِ مِثْلُ الْعَسَلِ. [۱۵۳۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۹

**۱۴ / ۱۱ تراشیدن سر نوزاد**

۱۱۳۰. امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسشی درباره دلیل تراشیدن سر نوزاد: برای پاک کردن او از موهایی که در زهدان بر وی روییده است.

**۱۴ / ۱۲ عقیقه کردن برای نوزاد**

۱۱۳۱. امام صادق علیه السلام: چون کودک زاده شود، برای وی عقیقه کنند، سر او را بتراشند و هم وزن موی او، نقره صدقه دهند و [از عقیقه هم پاچه و ران را به ماما بدهند و شماری از مسلمانان را دعوت کنند. پس، آنان بخورند و برای نوزاد، دعا کنند. روز هفتم نیز بر کودک، نام نهاده شود.

**۱۴ / ۱۳ غذای تازه‌زا**

۱۱۳۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نزد من برای زن تازه‌زا، درمانی همانند خرما و برای بیمار، درمانی همانند عسل وجود ندارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۰

۱۱۳۳. الإمام علي عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لِيَكُنْ أَوَّلُ مَا تَأْكُلُ النَّفْسَاءُ الرُّطْبَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِمَرْيَمَ: «وَهَزَى إِلَيْكَ بِجَذَعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِّيًّا» [۱۵۳۹]  
 قيل: يا رسول الله، فإن لم يكن أوان الرُّطْبِ؟  
 قال: سَبَعِ تَمْرَاتٍ مِنْ تَمْرِ الْمَدِينَةِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَسَبْعِ تَمْرَاتٍ مِنْ تَمْرِ أَمْصَارِكُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ:  
 وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعَظَمَتِي وَارْتِفَاعِ مَكَانِي، لَا تَأْكُلُ نَفْسَاءَ يَوْمَ تَلِدُ الرُّطْبَ فَيَكُونُ غُلَامًا إِلَّا كَانَ حَلِيمًا، وَإِنْ كَانَتْ جَارِيَةً كَانَتْ حَلِيمَةً. [۱۵۴۰]

راجع: ج ۲، ص ۲۵۲ (خواص الرطب و التمر للحامل و النفساء).

۱۴/۱۴

تأكيد لبن الام

۱۱۳۴. الإمام علي عليه السلام: ما من لبن يرضع به الصبي أعظم بركته عليه من لبن امه. [۱۵۴۱]

۱۵/۱۴

اختيار المرضع الصالحه

۱۱۳۵. الإمام علي عليه السلام: انظروا من ترضع اولادكم؛ فإن الولد يشب عليه. [۱۵۴۲]

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۱

۱۱۳۳. امام علي عليه السلام: پیامبر خدا فرموده است: «باید نخستین چیزی که زن تازه‌زا می‌خورد، خرما باشد؛ چرا که خداوند به مریم فرمود: «تنه درخت را به سوی خود، تکان ده. خرماي تازه‌ای بر تو فرو ریزد».

گفته شد: ای پیامبر خدا! اگر وقت خرما نباشد، چه طور؟

فرمود: «هفت خرما از خرماي مدینه؛ و اگر این نباشد، هفت خرما از خرماي شهر خودتان؛ زیرا خداوند عز و جل می‌گوید: ص به عزت و جلال و عظمت و جایگاه والایی که دارم، سوگند، جز این نیست که اگر زن تازه‌زا در همان روز که فرزند آورده است،

خرما بخورد و آن فرزند، پسر باشد، پسری بردبار می‌شود و اگر نیز دختر باشد، دختری بردبار می‌شود ص.» [۱۵۴۳]

ر. ک: ج ۲، ص ۲۵۳ (خواص خرما برای زن باردار و تازه‌زا).

#### ۱۴/۱۴ تاکید بر شیر مادر

۱۱۳۴. امام علي عليه السلام: هیچ شیری برای تغذیه کودک، پُربرکت‌تر از شیر مادر نیست.

#### ۱۵/۱۴ انتخاب شیرده مناسب

۱۱۳۵. امام علي عليه السلام: بنگرید که چه کسی فرزندانتان را شیر می‌دهد؛ چرا که کودک، به همین شیر، رشد می‌کند.

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۲

۱۶/۱۴

من يتبعني استرضاعه

۱۱۳۶. الإمام الباقر عليه السلام: استرضع لولدك لبن الحسان، و إياك و القباح؛ فإن اللبن قد يُعدى. [۱۵۴۴]

۱۱۳۷. الإمام الباقر عليه السلام: عليكم بالوضاء من الطؤورة؛ فإن اللبن يُعدى. [۱۵۴۵]

مَنْ لَا يَتَّبِعِي اسْتِرْضَاعُهُ

۱۱۳۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ وَلَا الْعَمَشَاءَ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعَدَى. [۱۵۴۶]

۱۱۳۹. الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ، فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعَدَى، وَإِنَّ الْغُلَامَ يَنْزِعُ إِلَى اللَّبَنِ يَعْنِي إِلَى الظَّنِّ فِي الرُّعُونَةِ وَالْحَمَقِ. [۱۵۴۷]

۱۱۴۰. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ يَغْلِبُ الطَّبَاعَ. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ؛ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَشْبُ عَلَيْهِ. [۱۵۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۳

#### ۱۶/۱۴ کسی که شایسته انتخاب برای شیردهی است

۱۱۳۶. امام باقر علیه السلام: برای فرزند خود، از زنان زیبا، شیردهی بخواه و از زشتان پرهیز؛ چرا که شیر، گاه سرایت می کند.

۱۱۳۷. امام باقر علیه السلام: بر شما باد دایه های زیبا و پاکیزه؛ چرا که شیر، سرایت می کند.

#### ۱۷/۱۴ کسانی که نباید آنان را به دایگی گرفت

۱۱۳۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: زن کودن و نیز زنی را که چشمش ضعیف است و آب ریزش دارد، به دایگی مگیرید؛ چرا که شیر، سرایت می کند.

۱۱۳۹. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «زن کودن را به شیردهی مگیرید؛ چرا که شیر، سرایت می کند و کودک به همان شیر، همانند می شود»؛ یعنی در بی خردی و کودنی به دایه شباهت می یابد.

۱۱۴۰. امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان درود خداوند بر او باد می فرمود: «زن کودن را به شیردهی مگیرید؛ چرا که شیر بر سرشت ها چیرگی می یابد».

پیامبر خدا نیز فرموده است: «زن کودن را به شیردهی مگیرید؛ چرا که کودک به همین شیر، رشد می کند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۴

۱۱۴۱. الکافی عن عبيد الله الحلبي: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: امْرَأَةٌ وَلَدَتْ مِنَ الزَّانِي، أَتَّخِذُهَا ظَنْرًا؟ قَالَ: لَا تَسْتَرْضِعُهَا وَلَا ابْتِنَهَا. [۱۵۴۹]

۱۱۴۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: مِنْ سَيِّئَاتِي التَّرْوِيجُ، وَاطْلُبُوا الْوَلَدَ؛ فَإِنِّي أَكَاثِرُ بِكُمْ الْأَمَمَ غَدًا. وَتَوَقَّوْا عَلَى أَوْلَادِكُمْ لَبَنَ الْبَغِيِّ مِنَ النِّسَاءِ، وَالْمَجْنُونَةِ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعَدَى. [۱۵۵۰]

أَدَبُ الْإِرْضَاعِ

۱۱۴۳. الکافی عن أمِّ إسحاق بنت سليمان: نَظَرْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا أَرْضِعُ أَحَدَ بَنِي مُحَمَّدًا أَوْ إِسْحَاقَ.

فَقَالَ: يَا أُمَّ إِسْحَاقَ، لَا تُرْضِعِيهِ مِنْ ثَدِي وَاحِدٍ وَأَرْضِعِيهِ مِنْ كِلَيْهِمَا يَكُونُ أَحَدُهُمَا طَعَامًا وَالْآخَرُ شَرَابًا. [۱۵۵۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۵

۱۱۴۱. الکافی به نقل از عبيد الله الحلبي: به امام صادق علیه السلام گفتم: «زنی از زنا، فرزند آورده است. آیا او را دایه بگیرم؟»

فرمود: «نه او را دایه بگیر و نه دخترش را».

۱۱۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همسر دادن و همسر گرفتن، از سنت من است. فرزند بجوید؛ چرا که من، فردا به شما بر دیگر امت‌ها فراوانی می‌جویم. درباره فرزندان، از شیر زنان بدکاره و دیوانه، اجتناب کنید؛ چرا که شیر، سرایت می‌کند.

#### ۱۴ / ۱۸ آداب شیردهی

۱۱۴۳. الکافی به نقل از امّ اسحاق دختر سلیمان: در حالی که یکی از دو فرزندم (محمد یا اسحاق) را شیر می‌دادم، امام صادق علیه السلام به من نگریست. سپس فرمود: «ای مادر اسحاق! او را از یک پستان شیر مده. از هر دو پستان شیر بده تا یکی خوراک و دیگر نوشاب باشد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۶

۱۹ / ۱۴

مُدَّة الإِرْضَاعِ

الکتاب:

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّمَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تَضَارُّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» [۱۵۵۲]

الحدیث:

۱۱۴۴. الإمام الصادق علیه السلام: الرِّضَاعُ وَاحِدٌ وَعِشْرُونَ شَهْرًا، فَمَا نَقَصَ فَهُوَ جَوْرٌ عَلَى الصَّبِيِّ. [۱۵۵۳]

۱۱۴۵. الإمام الصادق علیه السلام: الْحَبْلَى الْمُطَلَّقَةُ يُنْفَقُ عَلَيْهَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا، وَهِيَ أَحَقُّ بِوَلَدِهَا إِنْ تَرْضِعُهُ بِمَا تَقْبَلُهُ امْرَأَةٌ أُخْرَى، إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «لَا تَضَارُّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ»، قَالَ: كَانَتْ الْمَرْأَةُ مِمَّا تَرْفَعُ يَدَهَا إِلَى زَوْجِهَا إِذَا أَرَادَ مُجَامَعَتَهَا فَتَقُولُ: لَا أَدْعُكَ؛ لِأَنِّي أَخَافُ أَنْ أَحْمِلَ عَلَى وُلْدِي، وَيَقُولُ الرَّجُلُ: لَا اجَامِعْكَ؛ إِنِّي أَخَافُ أَنْ تَعْلَقِي فَأَقْتُلِي وُلْدِي. فَنَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ تَضَارَّ الْمَرْأَةُ الرَّجُلَ، وَأَنْ يُضَارَّ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ.

وَأَمَّا قَوْلُهُ: «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» فَإِنَّهُ نَهَى أَنْ يُضَارَّ بِالصَّبِيِّ أَوْ يُضَارَّ بِأَمِّهِ فِي رِضَاعِهِ، وَلَيْسَ لَهَا أَنْ تَأْخُذَ فِي رِضَاعِهِ فَوْقَ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ، وَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا قَبْلَ ذَلِكَ كَانَ حَسَنًا؛ وَالْفِصَالُ هُوَ الْفِطَامُ. [۱۵۵۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۷

#### ۱۴ / ۱۹ زمان شیردهی

#### قرآن

«و مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر دهند. [این برای کسی که بخواهد شیر دادن را کامل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولّد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را بپردازد،] حتی اگر طلاق گرفته باشد]. هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌شود؛ نه مادر به [خاطر اختلاف با پدر] حقّ ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است

این کار را انجام دهد (هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید). پس اگر آن دو با رضایت و رایزنی یکدیگر خواستند فرزند را از شیر بگیرند، بر آنان گناهی نیست. و اگر هم خواستید برای فرزندانان دایه بگیرید، گناهی بر شما نیست، به شرط این که حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. از خداوند، پروا کنید و بدانید که خداوند، به آنچه می کنید، بیناست»

### حدیث

۱۱۴۴. امام صادق علیه السلام: [حدّ اقل شیردهی، ۲۱ ماه است و آنچه از آن کاسته شود، ستمی است بر نوزاد.  
 ۱۱۴۵. امام صادق علیه السلام: زنی که باردار باشد و طلاق داده شود، خرجی داده می شود تا هنگامی که بار خویش بنهد. او به فرزند خویش و به این سزامنندتر است که او را به [مزدی همانند] آنچه زنی دیگر می پذیرد، شیر دهد. خداوند می فرماید: «نه مادری به واسطه فرزندش زیان ببیند، و نه پدری به واسطه فرزند خویش. بر وارث نیز همانند این است».  
 امام علیه السلام افزود: «پیش تر چنین بود که اگر زنی از خاندان ما، شوهرش می خواست با او آمیزش کند، دست خویش را به سوی شوهر بلند می کرد و می گفت: ص اجازات نمی دهم؛ چرا که می ترسم بر روی فرزندی که دارم، دیگر بار باردار شوم؛ و مرد نیز می گفت: ص با تو آمیزش نمی کنم. می ترسم باردار شوی و من، فرزند خویش را بکشمص. خداوند عز و جل، از این که زن به شوهر خود زیان برساند و از این که مرد به زن خویش زیان برساند، نهی فرمود.  
 اما این که فرموده است: «بر وارث نیز همانند این است»، در این سخن، از این نهی کرده که در شیر دادن کودک، به او یا به مادرش زیان رسانده شود. زن را این حق نیست که به سبب شیردهی فرزند، بیشتر از دو سال کامل، مزد ستاند. و اگر زن و شوهر، هر دو با رضایت، توافق کنند که پیش از این مدت، کودک را از شیر بگیرند، نیکوست و «فصال» در این آیه به معنای از شیر گشودن است.  
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۸

۱۱۴۶. الکافی عن سعد بن سعد الأشعری عن الإمام الرضا علیه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيِّ هَلْ يُرَضَعُ أَكْثَرَ مِنْ سَتِّينَ؟ فَقَالَ: عَامِينَ.

قُلْتُ: فَإِنْ زَادَ عَلَى سَتِّينَ هَلْ عَلَى أَبِيهِ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ؟  
 قَالَ: لَا. [۱۵۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۹  
 ۱۱۴۶. الکافی به نقل از سعد بن سعد اشعری: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: که آیا کودک، بیش از دو سال هم شیر داده می شود؟  
 فرمود: «تنها دو سال».

گفتم: اگر از دو سال افزون شود، آیا بدان سبب، بر پدر و مادر او گناهی است؟  
 فرمود: «نه».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۱

### فهرست تفصیلی

(۱) پیش گفتار\*\*\* (۷ / ۱)

(۲) اهمیت پزشکی\*\*\* (۷ / ۲)

- (۲) طبابت، کار خداوند است \*\*\* (۲ / ۷)
- (۲) دانش نامه احادیث طبی \*\*\* (۲ / ۹)
- (۱) ۲. جایگاه طب در قوانین اسلام \*\*\* (۲ / ۱۰)
- (۳) ۳. جایگاه طبّ پیشگیری در اسلام \*\*\* (۳ / ۱۱)
- (۲) ۲. ارزیابی کلی احادیث طبی \*\*\* (۲ / ۱۳)
- (۱) ۳. مبدأ علم طب \*\*\* (۳ / ۱۳)
- (۲) ۳. اهل بیت و دانش پزشکی \*\*\* (۳ / ۱۴)
- (۳) ۳. دین و حرفه پزشکی \*\*\* (۳ / ۱۶)
- (۳) ارزیابی احادیث طبی از نگاه شیخ صدوق \*\*\* (۳ / ۱۷)
- (۳) اقسام احادیث طبی \*\*\* (۳ / ۱۹)
- (۳) ارزیابی احادیث طبی از طریق آزمایش \*\*\* (۳ / ۲۰)
- (۳) انگیزه اصلی نگارش دانش نامه احادیث پزشکی \*\*\* (۳ / ۲۰)
- (۳) ارزیابی علمی احادیث «اثمد» \*\*\* (۳ / ۲۱)
- (۲) ۳. مراحل تحقیق و تدوین \*\*\* (۲ / ۲۴)
- (۱) ۳. نقطه آغاز \*\*\* (۳ / ۲۴)
- (۲) ۳. تنظیم ابتدایی \*\*\* (۳ / ۲۴)
- (۳) ۳. ارجاع به منابع (مصدریابی) \*\*\* (۳ / ۲۵)
- (۳) ۴. نقد متن و تنظیم نهایی \*\*\* (۳ / ۲۶)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۲
- (۳) ۵. تهیه مدخل ها و تحلیل های مورد نیاز \*\*\* (۳ / ۲۶)
- (۳) ۶. چگونگی نگارش احادیث \*\*\* (۳ / ۲۷)
- (۳) ۷. اقدام های بعدی \*\*\* (۳ / ۲۸)
- (۱) بخش یکم: پزشکی (۱ / ۱)
- (۲) فصل یکم: پزشکی از دیدگاه اسلام \*\*\* (۲ / ۳۳)
- (۱) ۱ / ۳. اهمیت دانش پزشکی \*\*\* (۳ / ۳۳)
- (۱) ۱ / ۳. ۲ آگاهی پیامبران و امامان از دانش پزشکی \*\*\* (۳ / ۳۵)
- (۱) ۳ / ۳. هر دردی را درمانی است \*\*\* (۳ / ۴۷)
- (۱) ۳ / ۴. دارو و درمان، از تقدیر است \*\*\* (۳ / ۵۱)
- (۱) ۳ / ۵. شفا از خداوند است \*\*\* (۳ / ۵۳)
- (۲) فصل دوم: آداب طبابت و وظائف طیب \*\*\* (۲ / ۵۹)
- (۳) درآمد \*\*\* (۳ / ۵۹)
- (۱) ۴. احساس مسئولیت \*\*\* (۴ / ۵۹)
- (۲) ۴. تقوای پزشکی \*\*\* (۴ / ۶۰)



- ۳) ۴) پاک دامنی \*\*\* ۶۱ (۴ /)
- ۴) ۴) اهتمام به تشخیص بیماری \*\*\* ۶۱ (۴ /)
- ۵) ۴) تلاش برای شناخت داروهای طبیعی \*\*\* ۶۲ (۴ /)
- ۶) ۴) رعایت ضرورت در تجویز دارو \*\*\* ۶۲ (۴ /)
- ۷) ۴) حفظ اسرار بیمار \*\*\* ۶۳ (۴ /)
- ۸) ۴) ایجاد امیدواری در دل بیمار \*\*\* ۶۳ (۴ /)
- ۹) ۴) جلوگیری از طبابت افراد غیر متخصص \*\*\* ۶۴ (۴ /)
- ۲) ۱ / ۳) احساس مسئولیت \*\*\* ۶۷ (۳ /)
- ۲) ۲ / ۳) تقوای پزشکی \*\*\* ۶۷ (۳ /)
- ۲) ۳ / ۳) اهتمام به شناخت بیماری \*\*\* ۶۹ (۳ /)
- ۲) ۴ / ۳) حرام بودن طبابت توسط ناآگاهان \*\*\* ۶۹ (۳ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۳
- ۲) ۵ / ۳) مسئول بودن پزشک در صورت به بار آوردن خسارت \*\*\* ۶۹ (۳ /)
- ۲) ۶ / ۳) مسئول نبودن پزشک در صورت برخورداری از مهارت و گرفتن براءت \*\*\* ۷۱ (۳ /)
- ۲) ۷ / ۳) جایز بودن درمان به شرط شناخت بیماری، با وجود احتمال مرگ \*\*\* ۷۳ (۳ /)
- ۲) ۸ / ۳) انتخاب همجنس برای معاینه و معالجه \*\*\* ۷۵ (۳ /)
- ۲) ۹ / ۳) جایز بودن معالجه توسط جنس مخالف در هنگام ضرورت \*\*\* ۷۷ (۳ /)
- ۲) ۱۰ / ۳) عدم جواز معالجه توسط جنس مخالف در حالت عدم اضطرار \*\*\* ۷۹ (۳ /)
- ۲) ۱۱ / ۳) درمان با آنچه حرام است \*\*\* ۸۱ (۳ /)
- ۲) فصل سوم: توصیه‌های پزشکی \*\*\* ۸۹ (۲ /)
- ۳) ۱ / ۳) آنچه انسان را از پزشک، بی‌نیاز می‌کند \*\*\* ۸۹ (۳ /)
- ۳) ۲ / ۳) پرهیز از مراجعه به پزشک تا سرحد امکان \*\*\* ۹۱ (۳ /)
- ۳) ۳ / ۳) راه تندرستی \*\*\* ۹۳ (۳ /)
- ۳) ۴ / ۳) عوامل شادابی \*\*\* ۹۵ (۳ /)
- ۳) ۵ / ۳) عوامل طول عمر \*\*\* ۱۰۱ (۳ /)
- ۳) ۶ / ۳) آنچه موجب پیری زود رس می‌شود \*\*\* ۱۰۳ (۳ /)
- ۳) ۷ / ۳) آنچه بدن را فرسوده می‌کند \*\*\* ۱۰۵ (۳ /)
- ۳) ۸ / ۳) اندوه و بیماری \*\*\* ۱۰۵ (۳ /)
- ۳) ۹ / ۳) پرهیز از سرما، و استقبال از آن \*\*\* ۱۰۷ (۳ /)
- ۳) ۱۰ / ۳) خاصیت‌های بوی خوش \*\*\* ۱۰۹ (۳ /)
- ۳) ۱۱ / ۳) پاکیزگی و بهداشت \*\*\* ۱۱۱ (۳ /)
- ۳) ۱ / ۴) شستن جامه \*\*\* ۱۱۱ (۴ /)
- ۳) ۲ / ۴) شستن دستمال \*\*\* ۱۱۳ (۴ /)

- (۳) ۱۱/۴ پوشاندن روی ظرف \*\*\* ۱۱۳ (۴/)
- (۳) ۱۱/۴ شستن سر با سدر \*\*\* ۱۱۵ (۴/)
- (۳) ۱۱/۴ گرفتن سیبیل \*\*\* ۱۱۷ (۴/)
- (۳) ۱۱/۴ کوتاه کردن ناخن‌ها \*\*\* ۱۱۷ (۴/)
- (۳) ۱۲/۳ نقش کفش در سلامت \*\*\* ۱۱۷ (۳/)
- (۳) ۱۳/۳ نهی از درمان با چشمه‌های آب گرم و آب‌های تلخ \*\*\* ۱۱۹ (۳/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۴
- (۱) بخش دوم: بیماری (۱/)
- (۲) درآمد \*\*\* ۱۲۵ (۲/)
- (۳) حکمت بیماری \*\*\* ۱۲۶ (۳/)
- (۱) ۱) تربیت \*\*\* ۱۲۷ (۴/)
- (۲) ۲) کیفر \*\*\* ۱۳۰ (۴/)
- (۳) ۳) عامل مرگ \*\*\* ۱۳۰ (۴/)
- (۲) فصل یکم: تعریف بیماری \*\*\* ۱۳۳ (۲/)
- (۱) ۱) بازداشتگاه تن \*\*\* ۱۳۳ (۳/)
- (۱) ۲/۳ از بزرگ‌ترین گرفتاری‌ها \*\*\* ۱۳۵ (۳/)
- (۲) فصل دوم: شماری از حکمت‌های نهفته در بیماری‌ها \*\*\* ۱۳۷ (۲/)
- (۲) فصل سوم: منافع بیماری \*\*\* ۱۳۹ (۲/)
- (۳) ۳) تأدیب \*\*\* ۱۳۹ (۳/)
- (۳) ۳) کفاره \*\*\* ۱۴۱ (۳/)
- (۳) ۳) گرامیداشت \*\*\* ۱۴۹ (۳/)
- (۳) ۳) پاداش \*\*\* ۱۵۱ (۳/)
- (۳) ۳) ۵ پاداش آنچه در دوران تندرستی انجام می‌دهد است \*\*\* ۱۵۵ (۳/)
- (۳) ۳) تحلیلی درباره احادیث پاداش بیماری‌ها \*\*\* ۱۶۱ (۳/)
- (۲) ۲) فصل چهارم: وظائف بیماران \*\*\* ۱۶۵ (۲/)
- (۳) ۴) ۱ پنهان داشتن بیماری \*\*\* ۱۶۵ (۳/)
- (۳) ۴) ۲ اظهار بیماری نزد پزشک \*\*\* ۱۶۹ (۳/)
- (۳) ۴) ۳ شکیبایی \*\*\* ۱۶۹ (۳/)
- (۳) ۴) ۴ سپاسگزاری \*\*\* ۱۷۳ (۳/)
- (۳) ۴) ۵ صدقه دادن \*\*\* ۱۷۵ (۳/)
- (۳) ۴) ۶ دعا کردن \*\*\* ۱۷۵ (۳/)
- (۲) ۲) فصل پنجم: پرستاری \*\*\* ۱۸۱ (۲/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۵

- (۵) ۱/۳) ۱۸۱ پرستاری \*\*\* (۳/)
- (۵) ۲/۳) ۱۸۳ آداب پرستاری \*\*\* (۳/)
- (۵) ۳/۳) ۱۸۵ زنان پرستار در نبردهای پیامبر \*\*\* (۳/)
- (۲) فصل ششم: عیادت بیماران \*\*\* ۱۹۷ (۲/)
- (۶) ۱/۳) ۱۹۷ تشویق به عیادت \*\*\* (۳/)
- (۶) ۲/۳) ۱۹۹ پاداش عیادت \*\*\* (۳/)
- (۶) ۳/۳) ۲۰۵ آداب عیادت \*\*\* (۳/)
- (۴) الف عیادت، پس از سه روز \*\*\* ۲۰۵ (۴/)
- (۴) ب عیادت کسی که به عیادت نیامده است \*\*\* ۲۰۷ (۴/)
- (۴) ج هدیه دادن به بیمار \*\*\* ۲۰۷ (۴/)
- (۴) د مهربانی با بیمار \*\*\* ۲۰۷ (۴/)
- (۴) ه دعا برای بیمار \*\*\* ۲۰۹ (۴/)
- (۴) و التماس دعا از بیمار \*\*\* ۲۱۱ (۴/)
- (۴) ز نخوردن چیزی نزد بیمار \*\*\* ۲۱۳ (۴/)
- (۴) ح کم نشستن نزد بیمار \*\*\* ۲۱۳ (۴/)
- (۴) ط یک روز در میان عیادت کردن \*\*\* ۲۱۵ (۴/)
- (۶) ۴/۳) ۲۱۷ بیمارانی که بر عیادت آنان تأکید شده است \*\*\* (۳/)
- (۴) الف مؤمن \*\*\* ۲۱۷ (۴/)
- (۴) ب بنی هاشم \*\*\* ۲۱۹ (۴/)
- (۴) ج خاندان \*\*\* ۲۱۹ (۴/)
- (۴) د بینوایان \*\*\* ۲۱۹ (۴/)
- (۶) ۵/۳) ۲۲۱ بیمارانی که نباید عیادت شوند \*\*\* (۳/)
- (۶) ۶/۳) ۲۲۱ آنچه رویاروی بیمار، نباید انجام داد \*\*\* (۳/)
- (۱) بخش سوم: مباحث مربوط به اندام‌ها و دستگاه‌های بدن (۱/)
- (۲) فصل یکم: قلب و عروق \*\*\* ۲۲۷ (۲/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۶
- (۱) ۱/۳) ۲۲۷ اشاره به حکمت نهفته در این دستگاه \*\*\* (۳/)
- (۱) ۲/۳) ۲۳۱ آنچه برای سلامت قلب و تقویت آن، مفید است \*\*\* (۳/)
- (۴) الف سیب \*\*\* ۲۳۱ (۴/)
- (۴) ب سرکه \*\*\* ۲۳۱ (۴/)
- (۴) ج انار \*\*\* ۲۳۱ (۴/)
- (۴) د عدس \*\*\* ۲۳۳ (۴/)
- (۴) ه به \*\*\* ۲۳۳ (۴/)

- (۴) و گلابی \*\*\* ۲۳۵ (۴ /)
- (۴) ز عسل \*\*\* ۲۳۵ (۴ /)
- (۴) ح تلپنه \*\*\* ۲۳۵ (۴ /)
- (۴) ط بوی خوش \*\*\* ۲۳۷ (۴ /)
- (۱) ۳ / ۳ آنچه برای سلامتی رگ‌ها سودمند است \*\*\* ۲۳۷ (۳ /)
- (۴) الف بادنجان \*\*\* ۲۳۷ (۴ /)
- (۴) ب حوک \*\*\* ۲۳۷ (۴ /)
- (۴) ج انجیر \*\*\* ۲۳۷ (۴ /)
- (۴) د نیشکر \*\*\* ۲۳۹ (۴ /)
- (۴) ه روزه \*\*\* ۲۳۹ (۴ /)
- (۴) و شام خوردن \*\*\* ۲۳۹ (۴ /)
- (۲) فصل دوم: مغز و اعصاب \*\*\* ۲۴۱ (۲ /)
- (۲) ۱ / ۳ اشاره به حکمت مغز و دستگاه عصبی \*\*\* ۲۴۱ (۳ /)
- (۲) ۲ / ۳ آنچه عقل را استحکام می‌بخشد \*\*\* ۲۴۳ (۳ /)
- (۴) الف باقلا \*\*\* ۲۴۳ (۴ /)
- (۴) ب روغن مالیدن \*\*\* ۲۴۳ (۴ /)
- (۴) ج حجامت \*\*\* ۲۴۵ (۴ /)
- (۴) د سرکه \*\*\* ۲۴۵ (۴ /)
- (۴) ه سرکه شراب \*\*\* ۲۴۵ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۷
- (۴) و سُداب \*\*\* ۲۴۷ (۴ /)
- (۴) ز چغندر \*\*\* ۲۴۷ (۴ /)
- (۴) ح مسواک زدن \*\*\* ۲۴۷ (۴ /)
- (۴) ط خُرفه \*\*\* ۲۴۷ (۴ /)
- (۴) ی کدو \*\*\* ۲۴۷ (۴ /)
- (۴) ک کرفس \*\*\* ۲۴۹ (۴ /)
- (۴) ل کُنْدُر \*\*\* ۲۴۹ (۴ /)
- (۴) م گوشت \*\*\* ۲۴۹ (۴ /)
- (۲) ۳ / ۳ آنچه بر توان ذهن می‌افزاید \*\*\* ۲۵۱ (۳ /)
- (۲) ۴ / ۳ آنچه حافظه را تقویت می‌کند \*\*\* ۲۵۱ (۳ /)
- (۴) الف مویز \*\*\* ۲۵۱ (۴ /)
- (۴) ب عسل \*\*\* ۲۵۳ (۴ /)
- (۴) ج کرفس \*\*\* ۲۵۳ (۴ /)

- (۴) د حِجَامَت \*\*\* ۲۵۳ (۴ /)
- (۴) ه سایر عوامل تقویت حافظه \*\*\* ۲۵۵ (۴ /)
- (۲) ۵ / ۳ آنچه فراموشی می آورد \*\*\* ۲۵۵ (۳ /)
- (۲) ۶ / ۳ آنچه برای پیشگیری از فراموشی، سودمند است \*\*\* ۲۵۷ (۳ /)
- (۲) ۷ / ۳ آنچه اعصاب را استحکام می بخشد \*\*\* ۲۵۹ (۳ /)
- (۴) الف خوردن مویز \*\*\* ۲۵۹ (۴ /)
- (۴) ب خوردن گوشت گوسفند همراه با شیر \*\*\* ۲۶۱ (۴ /)
- (۲) ۸ / ۳ آنچه پی را نرم می کند \*\*\* ۲۶۱ (۳ /)
- (۲) ۹ / ۳ آنچه برای سردرد، سودمند است \*\*\* ۲۶۳ (۳ /)
- (۴) الف شستن سر با خَطْمی \*\*\* ۲۶۳ (۴ /)
- (۴) ب نوشیدن آب نیم گرم (وَلَرْم) \*\*\* ۲۶۳ (۴ /)
- (۴) ج شستن پاها با آب سرد \*\*\* ۲۶۳ (۴ /)
- (۴) د مالیدن روغن بنفشه \*\*\* ۲۶۵ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۸
- (۴) ه خضاب کردن با حنا \*\*\* ۲۶۵ (۴ /)
- (۴) و استعمال انفیّه \*\*\* ۲۶۵ (۴ /)
- (۴) ز حِجَامَت \*\*\* ۲۶۷ (۴ /)
- (۴) ح کاسنی \*\*\* ۲۶۷ (۴ /)
- (۴) ط خوردن ماهی تازه \*\*\* ۲۶۹ (۴ /)
- (۲) ۱۰ / ۳ آنچه دیوانگی فرزند را در پی می آورد \*\*\* ۲۶۹ (۳ /)
- (۲) ۱۱ / ۳ آنچه مانع دیوانگی می شود \*\*\* ۲۷۱ (۳ /)
- (۴) الف نمک \*\*\* ۲۷۱ (۴ /)
- (۴) ب بوییدن نرگس \*\*\* ۲۷۱ (۴ /)
- (۴) ج کوتاه کردن سیبل و ناخن در هر جمعه \*\*\* ۲۷۱ (۴ /)
- (۴) د آبی که از دهان کودک می ریزد \*\*\* ۲۷۳ (۴ /)
- (۲) ۱۲ / ۳ آنچه سستی اندام می آورد \*\*\* ۲۷۳ (۳ /)
- (۴) الف خوردن خربزه در حالت ناشتا \*\*\* ۲۷۳ (۴ /)
- (۴) ب غسل با آب سرد پس از خوردن ماهی \*\*\* ۲۷۵ (۴ /)
- (۲) ۱۳ / ۳ آنچه مانع سستی اندامی می شود \*\*\* ۲۷۵ (۳ /)
- (۴) الف خوردن خرما پس از خوردن ماهی \*\*\* ۲۷۵ (۴ /)
- (۴) ب سرفه \*\*\* ۲۷۵ (۴ /)
- (۴) ج دعا \*\*\* ۲۷۵ (۴ /)
- (۲) ۱۴ / ۳ آنچه از کژدهانی ایمنی می دهد \*\*\* ۲۷۷ (۳ /)

- ۲) ۱۵/۳ آنچه برای درمان وحشت، سودمند است\*\*\* ۲۷۷ (۳/)
- (۲) فصل سوم: چشم\*\*\* ۲۷۹ (۲/)
- ۳) ۱/۳ اشاره به حکمت نهفته در چشم\*\*\* ۲۷۹ (۳/)
- ۳) ۲/۳ عوامل برخی از بیماری‌های چشم\*\*\* ۲۸۳ (۳/)
- ۳) ۳/۳ پیشگیری از برخی بیماری‌های چشم\*\*\* ۲۸۷ (۳/)
- ۳) ۴/۳ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های چشم سودمند است\*\*\* ۲۹۱ (۳/)
- ۳) ۵/۳ آنچه چشم را جلا می‌دهد و تقویت می‌کند\*\*\* ۲۹۷ (۳/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۹
- ۳) ۱۵/۴ به\*\*\* ۲۹۷ (۴/)
- ۳) ۲۵/۴ خرما\*\*\* ۲۹۷ (۴/)
- ۳) ۳۵/۴ پیاز\*\*\* ۲۹۷ (۴/)
- ۳) ۴۵/۴ کُنْدُر\*\*\* ۲۹۹ (۴/)
- ۳) ۵۵/۴ گوشت\*\*\* ۲۹۹ (۴/)
- ۳) ۶۵/۴ مَرزَنگوش\*\*\* ۲۹۹ (۴/)
- ۳) ۷۵/۴ آب زمزم\*\*\* ۲۹۹ (۴/)
- ۳) ۸/۵ سرمه کشیدن با سنگ سرمه «اُثْمِد»\*\*\* ۳۰۱ (۴/)
- ۳) ۹۵/۴ مسواک زدن\*\*\* ۳۰۵ (۴/)
- ۳) ۱۰۵/۴ شستن دست‌ها، پیش و پس از غذا خوردن\*\*\* ۳۰۵ (۴/)
- ۳) ۱۱۵/۴ کوتاه کردن موها\*\*\* ۳۰۷ (۴/)
- ۳) ۱۲۵/۴ خضاب بستن به حنا\*\*\* ۳۰۷ (۴/)
- ۳) ۱۳۵/۴ پوشیدن کفش\*\*\* ۳۰۹ (۴/)
- ۳) ۱۴۵/۴ حجامت\*\*\* ۳۰۹ (۴/)
- ۳) ۱۵۵/۴ نگرستن به قرآن\*\*\* ۳۱۱ (۴/)
- ۳) ۱۶۵/۴ نگرستن به زنان زیاروی و سبزه\*\*\* ۳۱۱ (۴/)
- ۳) ۱۷۵/۴ نماز شب\*\*\* ۳۱۳ (۴/)
- ۳) ۱۸۵/۴ آیه الکرسی\*\*\* ۳۱۳ (۴/)
- ۳) ۶/۳ فایده‌های گریه برای کودکان\*\*\* ۳۱۵ (۳/)
- (۲) فصل چهارم: گوش\*\*\* ۳۱۷ (۲/)
- ۴) ۱/۳ اشاره به حکمت نهفته در آن\*\*\* ۳۱۷ (۳/)
- ۴) ۲/۳ حکمت موجود در مایع گوش\*\*\* ۳۱۷ (۳/)
- ۴) ۳/۳ پیشگیری از برخی بیماری‌های گوش\*\*\* ۳۱۹ (۳/)
- ۴) ۴/۳ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های گوش، سودمند است\*\*\* ۳۱۹ (۳/)
- (۲) فصل پنجم: دستگاه تنفس\*\*\* ۳۲۳ (۲/)

- (۵) ۱/۳ اشاره به حکمت نهفته در بینی \*\*\* (۳/۳۲۳)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۰
- (۵) ۲/۳ اشاره به حکمت نهفته در حنجره \*\*\* (۳/۳۲۵)
- (۵) ۳/۳ اشاره به حکمت نهفته در شش‌ها \*\*\* (۳/۳۲۹)
- (۵) ۴/۳ جلوگیری از برخی بیماری‌های بینی و حنجره \*\*\* (۳/۳۲۹)
- (۵) ۵/۳ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های بینی و حنجره، مفید است \*\*\* (۳/۳۳۱)
- (۵) ۶/۳ فواید زُکام \*\*\* (۳/۳۳۳)
- (۵) ۷/۳ آنچه انسان را از زکام حفظ می‌کند \*\*\* (۳/۳۳۵)
- (۵) ۸/۳ آنچه برای درمان زکام، سودمند است \*\*\* (۳/۳۳۵)
- (۵) ۹/۳ فایده‌های عطسه \*\*\* (۳/۳۳۷)
- (۵) ۱۰/۳ عطسه زیانبار \*\*\* (۳/۳۴۱)
- (۵) ۱۱/۳ آنچه برای درمان عطسه‌های فراوان، سودمند است \*\*\* (۳/۳۴۱)
- (۵) ۱۲/۳ آنچه برای درمان سرفه، سودمند است \*\*\* (۳/۳۴۱)
- (۵) ۱۳/۳ آنچه سل می‌آورد \*\*\* (۳/۳۴۳)
- (۵) ۱۴/۳ آنچه از سل، پیشگیری می‌کند \*\*\* (۳/۳۴۵)
- (۵) ۱۵/۳ آنچه برای درمان سل سودمند است \*\*\* (۳/۳۴۵)
- (۵) ۱۶/۳ آنچه تنگی نفس می‌آورد \*\*\* (۳/۳۴۷)
- (۵) ۱۷/۳ آنچه برای درمان تنگی نفس، سودمند است \*\*\* (۳/۳۴۷)
- (۵) ۱۸/۳ آنچه برای درمان ذات‌الجنب سودمند است \*\*\* (۳/۳۴۹)
- (۲) فصل ششم: دهان و دندان \*\*\* (۲/۳۵۱)
- (۶) ۱/۳ اشاره به حکمت نهفته در دهان و دندان \*\*\* (۳/۳۵۱)
- (۶) ۲/۳ بهداشت دهان و دندان \*\*\* (۳/۳۵۳)
- (۶) ۱۲/۴ خلال کردن \*\*\* (۴/۳۵۳)
- (۵) الف تأکید بر خلال کردن \*\*\* (۵/۳۵۳)
- (۵) ب منافع خلال کردن \*\*\* (۵/۳۵۷)
- (۵) ج آداب خلال کردن \*\*\* (۵/۳۵۹)
- (۵) د چیزهایی که خلال کردن با آنها روا نیست \*\*\* (۵/۳۶۳)
- (۶) ۲۲/۴ شستشوی دهان و بینی \*\*\* (۴/۳۶۵)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۱
- (۶) ۳۲/۴ مسواک زدن \*\*\* (۴/۳۶۷)
- (۵) الف تأکید بر مسواک زدن \*\*\* (۵/۳۶۷)
- (۵) ب نکوهش ترک مسواک زدن \*\*\* (۵/۳۷۱)
- (۵) ج فواید مسواک زدن \*\*\* (۵/۳۷۱)

- (۵) د آداب مسواک زدن \*\*\* ۳۷۷ (۵ /)
- (۵) ه آنچه مسواک زدن با آن شایسته است \*\*\* ۳۷۹ (۵ /)
- (۵) و سیره اهل بیت در استفاده از مسواک \*\*\* ۳۸۱ (۵ /)
- (۵) ز حدّ اقل مسواک \*\*\* ۳۸۳ (۵ /)
- (۶) ۴۲ / ۴ آنچه دهان را خوش بو می کند \*\*\* ۳۸۳ (۴ /)
- (۵) الف مویز \*\*\* ۳۸۳ (۵ /)
- (۵) ب پنیر \*\*\* ۳۸۳ (۵ /)
- (۵) ج پیاز \*\*\* ۳۸۵ (۵ /)
- (۵) د حوک \*\*\* ۳۸۵ (۵ /)
- (۵) ه تره \*\*\* ۳۸۷ (۵ /)
- (۵) و مشکک \*\*\* ۳۸۷ (۵ /)
- (۵) ز جویدن کُنْدُر \*\*\* ۳۸۷ (۵ /)
- (۵) ح آویشن و نمک \*\*\* ۳۸۷ (۵ /)
- (۵) ط. سرمه کشیدن \*\*\* ۳۸۹ (۵ /)
- (۵) ی خضاب کردن \*\*\* ۳۹۱ (۵ /)
- (۵) ک آب نیم گرم (وَلْم) \*\*\* ۳۹۱ (۵ /)
- (۶) ۵۲ / ۴ آنچه دهان و لثه را استحکام می دهد \*\*\* ۳۹۳ (۴ /)
- (۵) الف سرکه شراب \*\*\* ۳۹۳ (۵ /)
- (۵) ب پیاز \*\*\* ۳۹۳ (۵ /)
- (۶) ۶۲ / ۴ آنچه دندانها را تقویت می کند \*\*\* ۳۹۳ (۴ /)
- (۵) الف جویدن سَفَر \*\*\* ۳۹۳ (۵ /)
- (۵) ب جویدن کُنْدُر \*\*\* ۳۹۵ (۵ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۲
- (۵) ج شانه زدن \*\*\* ۳۹۵ (۵ /)
- (۵) د. مسواک زدن با برخی از ترکیبها \*\*\* ۳۹۵ (۵ /)
- (۶) ۳ / ۳ برخی از عوامل بیماریهای دهان و دندان \*\*\* ۳۹۷ (۳ /)
- (۶) ۴ / ۳ آنچه برای برخی دردهای دهان، مفید است \*\*\* ۳۹۷ (۳ /)
- (۶) ۵ / ۳ آنچه برای درمان دندان درد سودمند است \*\*\* ۴۰۱ (۳ /)
- (۶) ۶ / ۳ آنچه برای درمان بوی بد دهان، سودمند است \*\*\* ۴۰۵ (۳ /)
- (۲) فصل هفتم: دستگاه گوارش \*\*\* ۴۰۷ (۲ /)
- (۷) ۱ / ۳ اشاره به حکمت نهفته در دستگاه گوارش \*\*\* ۴۰۷ (۳ /)
- (۷) ۲ / ۳ سلامت دستگاه گوارش \*\*\* ۴۱۳ (۳ /)
- (۷) ۱۲ / ۴ پرهیز \*\*\* ۴۱۳ (۴ /)



(۷) ۲۲/۴ آنچه برای گوارش، سودمند است\*\*\* ۴۱۵ (۴/)

(۵) الف کاهو\*\*\* ۴۱۵ (۵/)

(۵) ب خرما\*\*\* ۴۱۵ (۵/)

(۵) ج پنیر\*\*\* ۴۱۷ (۵/)

(۵) د سویق\*\*\* ۴۱۷ (۵/)

(۵) ه مسواک زدن\*\*\* ۴۱۷ (۵/)

(۵) و به پشت دراز کشیدن پس از غذا خوردن\*\*\* ۴۱۷ (۵/)

(۷) ۳۲/۴ آنچه معده را می‌پالاید و تقویت می‌کند\*\*\* ۴۱۹ (۴/)

(۵) الف سیب\*\*\* ۴۱۹ (۵/)

(۵) ب انار\*\*\* ۴۱۹ (۵/)

(۵) ج گلابی\*\*\* ۴۲۱ (۵/)

(۵) د به\*\*\* ۴۲۱ (۵/)

(۵) ه خربزه\*\*\* ۴۲۳ (۵/)

(۵) و باقلا\*\*\* ۴۲۳ (۵/)

(۵) ز خزا\*\*\* ۴۲۳ (۵/)

(۵) ح تلپینه\*\*\* ۴۲۵ (۵/)

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۳

(۷) ۴۲/۴ آنچه به معده زیان می‌رساند\*\*\* ۴۲۵ (۴/)

(۵) الف بدگواری\*\*\* ۴۲۵ (۵/)

(۵) ب پُرخوری\*\*\* ۴۲۵ (۵/)

(۵) ج آب نوشیدن در میان خوردن غذا\*\*\* ۴۲۷ (۵/)

(۵) د یکسره سر کشیدن آب\*\*\* ۴۲۷ (۵/)

(۵) ه نوشیدن آب سرد و فقّاع در حَمّام\*\*\* ۴۲۷ (۵/)

(۵) و خوردن گوشت نمک‌سود خشک شده\*\*\* ۴۲۹ (۵/)

(۵) ز خوردن گوشت ناپخته\*\*\* ۴۲۹ (۵/)

(۵) ح بسیار خوردن تخم مرغ\*\*\* ۴۲۹ (۵/)

(۷) ۳/۳ آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است\*\*\* ۴۲۹ (۳/)

(۷) ۱۳/۴ گلابی\*\*\* ۴۲۹ (۴/)

(۷) ۲۳/۴ برنج و سماق\*\*\* ۴۳۱ (۴/)

(۷) ۳۳/۴ آویشن\*\*\* ۴۳۱ (۴/)

(۷) ۴۳/۴ عسل و شونیز\*\*\* ۴۳۱ (۴/)

(۷) ۵۳/۴ گردوی تَف داده\*\*\* ۴۳۳ (۴/)

(۷) ۶۳/۴ تنقیه کردن\*\*\* ۴۳۵ (۴/)

- (۷ / ۴) ۷۳ آرد برنج\*\*\* (۴ /) ۴۳۵
- (۷ / ۴) ۸۳ نان برنج\*\*\* (۴ /) ۴۳۷
- (۷ / ۴) ۹۳ آرد گاؤرس\*\*\* (۴ /) ۴۳۷
- (۷ / ۴) ۱۰۳ شیر شتر\*\*\* (۴ /) ۴۳۹
- (۷ / ۳) ۴ آنچه بواسیر می آورد\*\*\* (۳ /) ۴۳۹
- (۷ / ۴) ۱۴ زیاد نشستن به گاه قضای حاجت\*\*\* (۴ /) ۴۳۹
- (۷ / ۴) ۲۴ همبستری در حال خودداری از قضای حاجت\*\*\* (۴ /) ۴۴۱
- (۷ / ۴) ۳۴ با هم خوردن تخم مرغ و ماهی\*\*\* (۴ /) ۴۴۱
- (۷ / ۳) ۵ آنچه برای درمان بواسیر، سودمند است\*\*\* (۳ /) ۴۴۳
- (۷ / ۴) ۱۵ انجیر\*\*\* (۴ /) ۴۴۳
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۴
- (۷ / ۴) ۲۵ تره\*\*\* (۴ /) ۴۴۳
- (۷ / ۴) ۳۵ زردک\*\*\* (۴ /) ۴۴۳
- (۷ / ۴) ۴۵ برنج\*\*\* (۴ /) ۴۴۵
- (۷ / ۴) ۵۵ خرما با روغن گاو\*\*\* (۴ /) ۴۴۵
- (۷ / ۴) ۶۵ هوبره\*\*\* (۴ /) ۴۴۵
- (۷ / ۴) ۷۵ سنجد\*\*\* (۴ /) ۴۴۵
- (۷ / ۴) ۸۵ طهارت گرفتن با آب سرد\*\*\* (۴ /) ۴۴۷
- (۷ / ۴) ۹۵ استنجا با مُشکک\*\*\* (۴ /) ۴۴۷
- (۷ / ۳) ۶ آنچه برای دردهای کبِد، سودمند است\*\*\* (۳ /) ۴۴۷
- (۷ / ۴) ۱۶ شیر انجیر\*\*\* (۴ /) ۴۴۷
- (۷ / ۴) ۲۶ رگزنی\*\*\* (۴ /) ۴۴۹
- (۷ / ۳) ۷ آنچه برای درمان بادهای شکم، سودمند است\*\*\* (۳ /) ۴۴۹
- (۷ / ۴) ۱۷ سیاه دانه\*\*\* (۴ /) ۴۴۹
- (۷ / ۴) ۲۷ زیتون\*\*\* (۴ /) ۴۵۱
- (۷ / ۳) ۸ آنچه برای درمان کِرم های شکم، سودمند است\*\*\* (۳ /) ۴۵۱
- (۷ / ۴) ۱۸ سرکه شراب\*\*\* (۴ /) ۴۵۱
- (۷ / ۴) ۲۸ خرما خوردن ناشتا\*\*\* (۴ /) ۴۵۳
- (۷ / ۳) ۹ درمان هایی دیگر\*\*\* (۳ /) ۴۵۳
- (۴) الف زرده تخم مرغ برای درمان گوارا نیافتن غذا\*\*\* (۴ /) ۴۵۳
- (۴) ب سیب برای درمان مسمومیت\*\*\* (۴ /) ۴۵۳
- (۴) ج آب درمانی\*\*\* (۴ /) ۴۵۵
- (۴) د درمان باقی کردن عمدی\*\*\* (۴ /) ۴۵۷

- (۷ / ۳) ۱۰ آنچه برای درمان بی‌اشتهایی سودمند است \*\*\* ۴۵۷ (۳ /)
- (۴) الف پنیر \*\*\* ۴۵۷ (۴ /)
- (۴) ب حوک \*\*\* ۴۵۷ (۴ /)
- (۲) فصل هشتم: خون و سپرز \*\*\* ۴۵۹ (۲ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۵
- (۸ / ۳) ۱ نشانه‌های بیماری‌های خون \*\*\* ۴۵۹ (۳ /)
- (۸ / ۳) ۲ آنچه برای درمان بیماری‌های خون، سودمند است \*\*\* ۴۶۱ (۳ /)
- (۴) الف سویق عدس \*\*\* ۴۶۱ (۴ /)
- (۴) ب آلو \*\*\* ۴۶۱ (۴ /)
- (۴) ج چغندر \*\*\* ۴۶۱ (۴ /)
- (۴) د کاهو \*\*\* ۴۶۱ (۴ /)
- (۴) ه حجامت \*\*\* ۴۶۳ (۴ /)
- (۴) و خوردن ماهی تازه پس از حجامت \*\*\* ۴۶۳ (۴ /)
- (۴) ز خوردن انار پس از حجامت \*\*\* ۴۶۳ (۴ /)
- (۴) ح رگزنی \*\*\* ۴۶۵ (۴ /)
- (۸ / ۳) ۳ آنچه خون تازه تولید می‌کند \*\*\* ۴۶۵ (۳ /)
- (۴) الف باقلا \*\*\* ۴۶۵ (۴ /)
- (۴) ب انار \*\*\* ۴۶۵ (۴ /)
- (۸ / ۳) ۴ آنچه برای درمان درد طحال سودمند است \*\*\* ۴۶۷ (۳ /)
- (۲) فصل نهم: پوست \*\*\* ۴۶۹ (۲ /)
- (۹ / ۳) ۱ بهداشت پوست \*\*\* ۴۶۹ (۳ /)
- (۹ / ۴) ۱۱ پاکیزگی \*\*\* ۴۶۹ (۴ /)
- (۹ / ۴) ۲۱ مالیدن روغن به بدن \*\*\* ۴۷۱ (۴ /)
- (۵) الف خواص چرب کردن پوست \*\*\* ۴۷۱ (۵ /)
- (۵) ب بهترین زمان برای روغن زدن \*\*\* ۴۷۱ (۵ /)
- (۵) ج چرب کردن با روغن بنفشه \*\*\* ۴۷۳ (۵ /)
- (۵) د مالیدن روغن زیتون به بدن \*\*\* ۴۷۵ (۵ /)
- (۵) ه استفاده از روغن بان \*\*\* ۴۷۷ (۵ /)
- (۵) و استفاده از روغن زنبق \*\*\* ۴۷۷ (۵ /)
- (۵) ز استفاده از خیری \*\*\* ۴۷۷ (۵ /)
- (۹ / ۴) ۳۱ استفاده از خطمی \*\*\* ۴۷۷ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۶
- (۹ / ۴) ۴ خضاب کردن \*\*\* ۴۷۹ (۴ /) [۱۵۵۶]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۷۰۶

- ۹ (۴/ ۵۱) آغاز کردن غذا با نمک\*\*\* ۴۸۱ (۴/)
- ۹ (۴/ ۶۱) نوشیدن سویق با روغن زیتون\*\*\* ۴۸۱ (۴/)
- ۹ (۴/ ۷۱) خربزه\*\*\* ۴۸۱ (۴/)
- ۹ (۴/ ۸۱) سنجد\*\*\* ۴۸۳ (۴/)
- ۹ (۴/ ۹۱) نانخواه و گردو\*\*\* ۴۸۳ (۴/)
- ۹ (۴/ ۱۰۱) پیاز\*\*\* ۴۸۵ (۴/)
- ۹ (۴/ ۱۱۱) گیاه سنا\*\*\* ۴۸۵ (۴/)
- ۹ (۴/ ۱۲۱) تأثیر بوییدنی‌ها در پیشگیری از بیماری‌های پوستی\*\*\* ۴۸۵ (۴/)
- ۹ (۴/ ۱۳۱) اثر حجامت در پیشگیری و درمان بیماری‌های پوستی\*\*\* ۴۸۷ (۴/)
- ۹ (۴/ ۱۴۱) تأثیر زکام و عطسه در پیشگیری از بیماری‌های پوستی\*\*\* ۴۸۹ (۴/)
- ۹ (۴/ ۱۵۱) تأثیر برخی از ذکرها در بهداشت پوست\*\*\* ۴۹۱ (۴/)
- ۹ (۳/ ۲) عوامل بیماری‌های پوستی\*\*\* ۴۹۱ (۳/)
- (۴) الف قرار گرفتن در مقابل آفتاب\*\*\* ۴۹۱ (۴/)
- (۴) ب خوردن گردو در گرمای شدید\*\*\* ۴۹۳ (۴/)
- (۴) ج خوردن خاک\*\*\* ۴۹۵ (۴/)
- (۴) د به جوش آمدن خون\*\*\* ۴۹۵ (۴/)
- (۴) ه خوردن همیشگی تخم مرغ\*\*\* ۴۹۵ (۴/)
- (۴) و خوردن ماهی نمک‌سود پس از رگزنی و حجامت\*\*\* ۴۹۵ (۴/)
- ۹ (۳/ ۳) عوامل ابتلا به جذام\*\*\* ۴۹۷ (۳/)
- (۴) الف غسل کردن با آبی که پیش‌تر در آن غسل شده است\*\*\* ۴۹۷ (۴/)
- (۴) ب مالیدن سفال بر بدن در حمام\*\*\* ۴۹۷ (۴/)
- (۴) ج خوردن غده\*\*\* ۴۹۷ (۴/)
- (۴) د خوردن تره تیزک به هنگام شب\*\*\* ۴۹۷ (۴/)
- (۴) ه خلال کردن با چوب و چوب انار\*\*\* ۴۹۹ (۴/)
- (۴) و همبستری با زن حائض\*\*\* ۴۹۹ (۴/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۷
- ۹ (۳/ ۴) پیشگیری از جذام\*\*\* ۴۹۹ (۳/)
- (۴) الف دوری گزیدن از مبتلایان به جذام\*\*\* ۴۹۹ (۴/)
- (۴) ب پرهیز از آمیزش جنسی در آغاز، میان و پایان ماه\*\*\* ۵۰۱ (۴/)
- (۴) ج خوردن شلغم\*\*\* ۵۰۱ (۴/)
- (۴) د خوردن تره\*\*\* ۵۰۳ (۴/)

- (۴) ه خوردن چغندر\*\*\* ۵۰۳ (۴ /)
- (۴) و خوردن حوک\*\*\* ۵۰۳ (۴ /)
- (۴) ز خوردن هزاراسپند\*\*\* ۵۰۳ (۴ /)
- (۴) ح تأثیر زکام در پیشگیری از جذام\*\*\* ۵۰۵ (۴ /)
- (۴) ط کوتاه کردن سیبل و ناخن‌ها\*\*\* ۵۰۷ (۴ /)
- (۹) ۵ / ۳ عوامل ابتلا به پیسی\*\*\* ۵۰۷ (۳ /)
- (۴) الف استفاده از آبی که با آفتاب، گرم شده است\*\*\* ۵۰۷ (۴ /)
- (۴) ب مالیدن سفال بر بدن در حمام\*\*\* ۵۰۹ (۴ /)
- (۴) ج خوردن از روی سیری\*\*\* ۵۰۹ (۴ /)
- (۴) د پنج عامل\*\*\* ۵۰۹ (۴ /)
- (۹) ۶ / ۳ پیشگیری از پیسی\*\*\* ۵۱۱ (۳ /)
- (۴) الف استفاده از خَطْمی\*\*\* ۵۱۱ (۴ /)
- (۴) ب خوردن بادنجان\*\*\* ۵۱۱ (۴ /)
- (۴) ج بیرون زدن کورک\*\*\* ۵۱۱ (۴ /)
- (۹) ۷ / ۳ آنچه برای درمان پیسی سودمند است\*\*\* ۵۱۳ (۳ /)
- (۴) الف خوردن گوشت گاو همراه با چغندر\*\*\* ۵۱۳ (۴ /)
- (۴) ب آب گوشت گاو\*\*\* ۵۱۳ (۴ /)
- (۴) ج سویق\*\*\* ۵۱۳ (۴ /)
- (۹) ۸ / ۳ آنچه برای درمان بَهْک، سودمند است\*\*\* ۵۱۵ (۳ /)
- (۹) ۹ / ۳ آنچه برای درمانِ گری سودمند است\*\*\* ۵۱۷ (۳ /)
- (۹) ۱۰ / ۳ آنچه برای درمان تَرک پوست، سودمند است\*\*\* ۵۱۷ (۳ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۸
- (۹) ۱۱ / ۳ آنچه برای درمان کَک و مَک صورت، سودمند است\*\*\* ۵۱۷ (۳ /)
- (۹) ۱۲ / ۳ آنچه برای درمان زخم‌های چرکین، سودمند است\*\*\* ۵۱۹ (۳ /)
- (۹) ۱۳ / ۳ آنچه برای درمان سبوسه (شوره سر) سودمند است\*\*\* ۵۱۹ (۳ /)
- (۹) ۱۴ / ۳ آنچه برای درمان بدبویی عَرَق، سودمند است\*\*\* ۵۱۹ (۳ /)
- (۲) فصل دهم: مو\*\*\* ۵۲۱ (۲ /)
- (۱۰) ۱ / ۳ اشاره به حکمت نهفته در مو\*\*\* ۵۲۱ (۳ /)
- (۴) الف دفع مواد زاید\*\*\* ۵۲۱ (۴ /)
- (۴) ب حفظ گرمای بدن\*\*\* ۵۲۵ (۴ /)
- (۴) ج مهار کردن شهوت جنسی\*\*\* ۵۲۵ (۴ /)
- (۴) د پیشگیری از جذام\*\*\* ۵۲۷ (۴ /)
- (۱۰) ۲ / ۳ بهداشت مو\*\*\* ۵۲۷ (۳ /)

- (۱۰) ۱۲/۴ ضرورت رسیدگی به موها\*\*\* ۵۲۷ (۴/)
- (۱۰) ۲۲/۴ شستن سر با سدر\*\*\* ۵۲۹ (۴/)
- (۱۰) ۳۲/۴ خضاب کردن با حنا و وَشِمِه (کَتَم)\*\*\* ۵۳۱ (۴/)
- (۱۰) ۴۲/۴ شانه کردن مو\*\*\* ۵۳۱ (۴/)
- (۱۰) ۳/۳ کوتاه کردن موها\*\*\* ۵۳۳ (۳/)
- (۱۰) ۴/۳ تراشیدن موها\*\*\* ۵۳۵ (۳/)
- (۱۰) ۵/۳ کندن موها\*\*\* ۵۳۷ (۳/)
- (۱۰) ۶/۳ گرفتن سیل\*\*\* ۵۴۱ (۳/)
- (۱۰) ۷/۳ کوتاه کردن موهای زیر بغل\*\*\* ۵۴۱ (۳/)
- (۱۰) ۸/۳ به کار گرفتن نوره برای زدودن موهای بدن\*\*\* ۵۴۳ (۳/)
- (۱۰) ۹/۳ دفن موهای زاید\*\*\* ۵۴۷ (۳/)
- (۱۰) ۱۰/۳ آنچه برای درمان کم مویی سودمند است\*\*\* ۵۴۹ (۳/)
- (۲) فصل یازدهم: ناخن\*\*\* ۵۵۱ (۲/)
- (۱۱) ۱/۳ اشاره به حکمت نهفته در آن\*\*\* ۵۵۱ (۳/)
- (۱۱) ۲/۳ کوتاه کردن ناخن\*\*\* ۵۵۱ (۳/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۹
- (۱۱) ۳/۳ کوتاه کردن ناخن ها در روز جمعه\*\*\* ۵۵۵ (۳/)
- (۱۱) ۴/۳ دفن ناخن های گرفته شده\*\*\* ۵۵۷ (۳/)
- (۲) فصل دوازدهم: استخوان ها\*\*\* ۵۵۹ (۲/)
- (۱۲) ۱/۳ اشاره به حکمت نهفته در استخوان ها\*\*\* ۵۵۹ (۳/)
- (۱۲) ۲/۳ آنچه استخوان ها را استحکام می بخشد\*\*\* ۵۶۳ (۳/)
- (۱۲) ۳/۳ آنچه استخوان های ساق و پا را محکم می کند\*\*\* ۵۶۷ (۳/)
- (۱۲) ۴/۳ آنچه مفاصل را نرم می کند\*\*\* ۵۶۹ (۳/)
- (۱۲) ۵/۳ آنچه مفاصل را سست می کند\*\*\* ۵۶۹ (۳/)
- (۱۲) ۶/۳ آنچه برای درد پهلوی سودمند است\*\*\* ۵۶۹ (۳/)
- (۱۲) ۷/۳ آنچه برای کمردرد، سودمند است\*\*\* ۵۷۱ (۳/)
- (۱۲) ۸/۳ آنچه نقرس می آورد\*\*\* ۵۷۳ (۳/)
- (۱۲) ۹/۳ آنچه برای نقرس، سودمند است\*\*\* ۵۷۳ (۳/)
- (۲) فصل سیزدهم: دستگاه تناسل و دفع ادرار\*\*\* ۵۷۵ (۲/)
- (۱۳) ۱/۳ اشاره به حکمت نهفته در آن\*\*\* ۵۷۵ (۳/)
- (۱۳) ۲/۳ کارکردها\*\*\* ۵۷۷ (۳/)
- (۱۳) ۱۲/۴ عادت ماهانه\*\*\* ۵۷۷ (۴/)
- (۱۳) ۲۲/۴ نطفه\*\*\* ۵۸۱ (۴/)

- (۱۳) ۳۲/۴ مایع پروستات\*\*\* ۵۸۱ (۴/)
- (۱۳) ۳/۳ نمونه‌هایی از بیماری‌های زنان\*\*\* ۵۸۳ (۳/)
- (۴) الف قطع شدن عادت ماهانه\*\*\* ۵۸۳ (۴/)
- (۴) ب شاخک و فنج\*\*\* ۵۸۵ (۴/)
- (۴) ج فقدان دوشیزگی\*\*\* ۵۸۵ (۴/)
- (۱۳) ۴/۳ برخی عوامل بیماری‌های دستگاه ادراری و تناسلی\*\*\* ۵۸۷ (۳/)
- (۱۳) ۱۴/۴ نگه داشتن پیشاب\*\*\* ۵۸۷ (۴/)
- (۱۳) ۲۴/۴ آمیزش بدون انزال\*\*\* ۵۸۷ (۴/)
- (۱۳) ۳۴/۴ خوردن قلوه و شکمبه گوسفند\*\*\* ۵۸۷ (۴/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۱۰
- (۱۳) ۴۴/۴ عادت به حَمَام رفتن\*\*\* ۵۸۹ (۴/)
- (۱۳) ۵۴/۴ تکیه زدن در حَمَام\*\*\* ۵۸۹ (۴/)
- (۱۳) ۵/۳ برخی از عوامل سلامت دستگاه ادراری و تناسلی\*\*\* ۵۸۹ (۳/)
- (۱۳) ۱۵/۴ ختنه\*\*\* ۵۸۹ (۴/)
- (۱۳) ۲۵/۴ پلیدی‌زدایی و شستن\*\*\* ۵۹۱ (۴/)
- (۱۳) ۳۵/۴ خوردن تُرْب\*\*\* ۵۹۳ (۴/)
- (۱۳) ۴۵/۴ خوردن خرزهره\*\*\* ۵۹۳ (۴/)
- (۱۳) ۶/۳ آنچه برای برخی بیماری‌های دستگاه تناسلی سودمند است\*\*\* ۵۹۵ (۳/)
- (۱۳) ۱۶/۴ آنچه برای درمان بند نیامدن خون عادت، سودمند است\*\*\* ۵۹۵ (۴/)
- (۱۳) ۲۶/۴ آنچه برای بازگشت عادت ماهانه، سودمند است\*\*\* ۵۹۵ (۴/)
- (۱۳) ۳۶/۴ آنچه برای درمان ریزش قطره قطره پیشاب، سودمند است\*\*\* ۵۹۷ (۴/)
- (۱۳) ۴۶/۴ آنچه برای درمان احساس درد به هنگام دفع پیشاب، سودمند است\*\*\* ۵۹۷ (۴/)
- (۱۳) ۷/۳ بهداشت آمیزش\*\*\* ۵۹۷ (۳/)
- (۱۳) ۱۷/۴ آنچه باید عروس را در هفته اولش از آن باز داشت\*\*\* ۵۹۷ (۴/)
- (۱۳) ۲۷/۴ حرمت آمیزش با زن حائض\*\*\* ۵۹۹ (۴/)
- (۱۳) ۳۷/۴ حرام بودن آمیزش با تازه‌زا\*\*\* ۶۰۱ (۴/)
- (۱۳) ۴۷/۴ زیان‌های آمیزش با زن حائض\*\*\* ۶۰۳ (۴/)
- (۱۳) ۵۷/۴ مواردی که در آنها آمیزش مکروه است\*\*\* ۶۰۵ (۴/)
- (۱۳) ۸/۳ آداب آمیزش\*\*\* ۶۱۱ (۳/)
- (۱۳) ۱۸/۴ آنچه پیش از آمیزش، بایسته است\*\*\* ۶۱۱ (۴/)
- (۵) الف چیرگی شهوت\*\*\* ۶۱۱ (۵/)
- (۵) ب انتخاب زمان مناسب\*\*\* ۶۱۱ (۵/)
- (۵) ج پوشیده داشتن\*\*\* ۶۱۵ (۵/)

- (۵) د دعا\*\*\* ۶۱۷ (۵ /)
- (۵) ه آرامش\*\*\* ۶۱۹ (۵ /)
- (۱۳) ۲۸ / ۴ آنچه به هنگام آمیزش بایسته است\*\*\* ۶۲۱ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۱۱
- (۵) الف بازی\*\*\* ۶۲۱ (۵ /)
- (۵) ب پرهیز از شتاب ورزی\*\*\* ۶۲۳ (۵ /)
- (۵) ج خودداری از سخن گفتن\*\*\* ۶۲۵ (۵ /)
- (۵) د وضو برای بازگشتن\*\*\* ۶۲۵ (۵ /)
- (۵) ه غسل پس از احتلام\*\*\* ۶۲۵ (۵ /)
- (۱۳) ۳۸ / ۴ آنچه پس از آمیزش، بایسته است\*\*\* ۶۲۷ (۴ /)
- (۵) الف پیشاب کردن\*\*\* ۶۲۷ (۵ /)
- (۵) ب شستن شرمگاه\*\*\* ۶۲۷ (۵ /)
- (۵) ج غسل\*\*\* ۶۲۷ (۵ /)
- (۵) د خوردن عسل\*\*\* ۶۲۹ (۵ /)
- (۱۳) ۹ / ۳ آنچه انسان را بر آمیزش یاری می دهد\*\*\* ۶۲۹ (۳ /)
- (۱۳) ۱۹ / ۴ خوردن زردک\*\*\* ۶۲۹ (۴ /)
- (۱۳) ۲۹ / ۴ خوردن خرماى بَرُنَى \*\*\* ۶۳۱ (۴ /)
- (۱۳) ۳۹ / ۴ خوردن انجیر\*\*\* ۶۳۱ (۴ /)
- (۱۳) ۴۹ / ۴ خوردن خریزه\*\*\* ۶۳۱ (۴ /)
- (۱۳) ۵۹ / ۴ خوردن پیاز\*\*\* ۶۳۳ (۴ /)
- (۱۳) ۶۹ / ۴ خوردن تخم مرغ\*\*\* ۶۳۳ (۴ /)
- (۱۳) ۷۹ / ۴ خوردن تخم مرغ همراه با پیاز و روغن زیتون\*\*\* ۶۳۳ (۴ /)
- (۱۳) ۸۹ / ۴ خوردن تخم مرغ با گوشت\*\*\* ۶۳۵ (۴ /)
- (۱۳) ۹۹ / ۴ خوردن هویره\*\*\* ۶۳۷ (۴ /)
- (۱۳) ۱۰۹ / ۴ خوردن حلیم\*\*\* ۶۳۷ (۴ /)
- (۱۳) ۱۱۹ / ۴ خوردن سویق با روغن زیتون\*\*\* ۶۳۷ (۴ /)
- (۱۳) ۱۲۹ / ۴ نوشیدن شیر با عسل\*\*\* ۶۳۹ (۴ /)
- (۱۳) ۱۳۹ / ۴ استفاده از مُشکک\*\*\* ۶۳۹ (۴ /)
- (۱۳) ۱۴۹ / ۴ بوی خوش\*\*\* ۶۳۹ (۴ /)
- (۱۳) ۱۵۹ / ۴ شانه زدن موها\*\*\* ۶۴۱ (۴ /)
- (۱۳) ۱۶۹ / ۴ سرمه کشیدن\*\*\* ۶۴۱ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۱۲
- (۱۳) ۱۷۹ / ۴ خضاب کردن\*\*\* ۶۴۱ (۴ /)



- (۱۳) (۴/ ۱۸۹) نوره کشیدن\*\*\* (۶۴۳ / ۴)
- (۱۳) (۳/ ۱۰) آنچه از توان جنسی می‌کاهد\*\*\* (۶۴۳ / ۳)
- (۱۳) (۴/ ۱۱۰) روزه\*\*\* (۶۴۳ / ۴)
- (۱۳) (۴/ ۲۱۰) وا گذاردن مو\*\*\* (۶۴۵ / ۴)
- (۱۳) (۴/ ۳۱۰) کفش مشکی\*\*\* (۶۴۷ / ۴)
- (۲) فصل چهاردهم: جنین\*\*\* (۶۴۹ / ۲)
- (۱۴) (۳/ ۱) تحوّل جنین\*\*\* (۶۴۹ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۲) غذای جنین\*\*\* (۶۵۷ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۳) غذاهایی که برای جنین، سودمند است\*\*\* (۶۵۹ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۴) نوع جنین\*\*\* (۶۵۹ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۵) راز همانندی\*\*\* (۶۶۱ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۶) مدت بارداری\*\*\* (۶۷۱ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۷) سقط کردن جنین\*\*\* (۶۷۳ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۸) شستن نوزاد\*\*\* (۶۷۵ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۹) گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد\*\*\* (۶۷۷ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۱۰) گشودن کام نوزاد\*\*\* (۶۷۷ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۱۱) تراشیدن سر نوزاد\*\*\* (۶۷۹ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۱۲) عقیقه کردن برای نوزاد\*\*\* (۶۷۹ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۱۳) غذای تازه‌زاد\*\*\* (۶۷۹ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۱۴) تأکید بر شیر مادر\*\*\* (۶۸۱ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۱۵) انتخاب شیرده مناسب\*\*\* (۶۸۱ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۱۶) کسی که شایسته انتخاب برای شیردهی است\*\*\* (۶۸۳ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۱۷) کسانی که نباید آنان را به دایگی گرفت\*\*\* (۶۸۳ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۱۸) آداب شیردهی\*\*\* (۶۸۵ / ۳)
- (۱۴) (۳/ ۱۹) زمان شیردهی\*\*\* (۶۸۷ / ۳)

[۱۵۵۷]

[۱] (۱) چنان که از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده که فرمود: «بِالْعَافِيَةِ تُوَجِّدُ لَبَدَةَ الْحَيَاءِ؛ لَذَّتْ زَنْدَاقِي بَا عَافِيَتِ (سلامت) به دست می‌آید» (غرر الحکم، ح ۴۲۰۷).

[۲] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۳۳ ح ۴.

[۳] (۳) ر. ک: ج ۱، ص ۳۳ ح ۱.

- [۴] (۱) شعرا، آیه ۸۰.
- [۵] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۵۳ (پزشکی از دیدگاه اسلام/ شفا از خداوند است).
- [۶] (۳) ر. ک: ج ۱، ص ۴۷ (پزشکی از دیدگاه اسلام/ هر دردی را درمانی است).
- [۷] (۴) نهج البلاغه: خطبه ۱۰۸، عیون الحکم و المواعظ: ص ۳۱۹ ح ۵۵۶۴.
- [۸] (۱) الطَّبُّ: «مَثَلَةُ الطَّاءِ، علاج الجسم و النفس؛ طب، به معنای درمان تن و روان است» (القاموس المحيط، ج ۱، ص ۹۶).
- [۹] (۱) الأُمَالِي، طوسی، ص ۱۴۶، ح ۲۴۰، تحف العقول، ص ۲۰۳، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۵۱، ح ۸.
- [۱۰] (۱) مائده، آیه ۱۶.
- [۱۱] (۲) نساء، آیه ۱۳۴.
- [۱۲] (۳) به استثنای مواردی که حکمت الهی به دلیل مسائل تربیتی بیماری فردی را اقتضا نماید (ر. ک: ج ۱، ص ۱۲۶، حکمت بیماری).
- [۱۳] (۱) علل الشرائع، ص ۵۹۲، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۶. همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۸۵ ح ۶۵.
- [۱۴] (۱) تصحيح الاعتقاد، ص ۱۴۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۵.
- [۱۵] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۳۵، ح ۶.
- [۱۶] (۱) ر. ک: اهل بیت در قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۲۵۳ (ویژگی‌های علمی اهل بیت علیهم السلام) و ص ۲۷۹ (درهای علوم اهل بیت علیهم السلام) و ص ۳۰۹ (مبادی علوم اهل بیت علیهم السلام)، دانش‌نامه امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۱۰ (دانش‌های امام علی علیه السلام).
- [۱۷] (۲) ر. ک: اهل بیت در قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۳۳۳ (چگونگی علوم اهل بیت علیهم السلام).
- [۱۸] (۳) ر. ک: دانش‌نامه امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۱۰، ص ۳۳۱ (باب دهم: پیش از آن که مرا از دست بدهید، از من بپرسید).
- [۱۹] (۴) الکافی، ج ۱، ص ۲۰۲، ح ۱، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۱، ح ۱، معانی الأخبار، ص ۱۰۱، ح ۲، کمال الدین، ص ۶۸۰، ح ۳۱، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۶.
- [۲۰] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۳۳، ح ۱.
- [۲۱] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۳۳، ح ۲ و ۳ و ص ۳۵، ح ۵.
- [۲۲] (۱) الاعتقادات، صدوق، ص ۱۱۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۴.
- [۲۳] (۱) آل عمران، آیه ۴۹.
- [۲۴] (۱) این بخش به خواست خدا در کتاب نهج الدعاء، خواهد آمد.
- [۲۵] (۱) گفتنی است که شماری از احادیثی که انتساب آنها به اهل بیت علیهم السلام بسیار ضعیف ارزیابی شد، در جمع‌بندی نهایی حذف گردید.
- [۲۶] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۴۴۸. همچنین ر. ک: ج ۱، ص ۳۰۱ (آنچه چشم را جلا می‌دهد و تقویت می‌کند/ سرمه کشیدن با سنگ سرمه ائمه).
- [۲۷] (۳) عنوان طرح: «بررسی آثار ضد میکروبی سرمه ائمه بر روی پنج نوع باکتری گرم مثبت و گرم منفی در محیط ortivnI».
- مجری طرح: آقای احمد سعادتفر. همکاران طرح: دکتر مریم میرزایی، دکتر علیرضا فرومدی و دکتر محمدرضا مشکوه. تاریخ تصویب: ۱۳۷۹/۵/۲۲. پایان طرح: ۱۳۸۰/۶/۴. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان.

- [۲۸] (۱) مجری طرح: آقای احمد سعادتفر. همکاران: دکتر مجید محمودی، دکتر علیرضا فرومدی و دکتر الهه کریمیان.
- [۲۹] (۱) رجال الکشی، ج ۲، ص ۴۹۰، ح ۴۰۱، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵۰، ح ۶۲.
- [۳۰] (۲) الکافی، ج ۱، ص ۵۳، ح ۱۴، منیة المرید، ص ۳۷۳، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۸۶، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۲۸. همچنین، ر. ک: اهل بیت در قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۲۶۱ (حدیث آنها، حدیث پیامبر خداست).
- [۳۱] (۱) گفتنی است طبق معمول، مؤلف، ترجمه کتاب را نیز ملاحظه می کند و اصلاحاتی را که لازم بداند، انجام می دهد.
- [۳۲] (۱) کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۰۷، معدن الجواهر، ص ۲۵، الرواشح السماویة، ص ۲۰۲، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۵۲.
- [۳۳] (۲) معدن الجواهر، ص ۴۰، کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۰۹، أعلام الدین، ص ۸۳، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۳ کلها عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۴۲.
- [۳۴] (۲) معدن الجواهر، ص ۴۰، کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۰۹، أعلام الدین، ص ۸۳، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۳ کلها عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۴۲.
- [۳۵] (۳) تحف العقول، ص ۲۰۸.
- [۳۶] (۴) تحف العقول، ص ۲۸۶ عن جابر بن یزید الجعفی، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۶۴، ح ۱.
- [۳۷] (۱) تحف العقول، ص ۳۲۱، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۳۵، ح ۹.
- [۳۸] (۲) فرج المهموم، ص ۲۲، بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۲۷۵، ح ۶۴.
- [۳۹] (۳) فی المصدر: «جعل»، و التصویب من بحار الأنوار و الخصال.
- [۴۰] (۴) فی المصدر: «کان»، و التصویب من بحار الأنوار و الخصال.
- [۴۱] (۵) فی المصدر: «یَمْتِطِیهِ»، و التصویب من بحار الأنوار و المصدرین الآخرين. و مَطَّتْ غیری و أَمَطَّتُهُ: أی نَحَيْتُهُ (الصحاح، ج ۳، ص ۱۱۶۲).
- [۴۲] (۶) فی الخصال: «لیسند»، و هو الأنسب.
- [۴۳] (۷) فی المصدر «رقيقاً»، و التصویب من بحار الأنوار و الخصال.
- [۴۴] (۸) فی المصدر: «فیتروّج» و التصویب من المصادر الاخری. و الرّواح و الرائحة: من الاستراحة. و قد أراحنی و روّح عَنّی فاسترحت (لسان العرب، ج ۲، ص ۴۶۱).
- [۴۵] (۹) فی بحار الأنوار و المصدرین الآخرين: «إذ» بدل «إذا».
- [۴۶] (۱۰) علل الشرائع، ص ۹۹، ح ۱، الخصال، ص ۵۱۲، ح ۳، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۰، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۵، ح ۹.
- [۴۷] (۱) صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۲۹، ح ۶۹، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۴۵، ح ۸۲۱۹، السنن الكبرى، ج ۹، ص ۵۷۷، ح ۱۹۵۵۸ کلها عن جابر، الفردوس، ج ۳، ص ۳۳۶، ح ۵۰۱۰ عن الإمام علی علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۶، ح ۲۸۰۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۶.
- [۴۸] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۵۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۳، ح ۳۰.
- [۴۹] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۲۴۶۰، الدعوات، ص ۱۸۰، ح ۴۹۸ و ح ۴۹۹ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۸، ح ۲۰.
- [۵۰] (۴) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۳، ح ۴۹۹، السرائر، ج ۳، ص ۱۳۸، الجعفریات، ص ۱۶۷ کلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۵؛ تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۱۹۸، الفردوس، ج ۲، ص ۴۸، ح ۲۲۷۵ کلاهما عن اسامة بن شریک نحوه.

[۵۱] (۵) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۴۵، ح ۸۲۲۰ المصنّف لابن أبی شیبّه، ج ۵، ص ۴۲۱، ح ۵، المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۱۵۶۴، مسند أبی یعلی، ج ۵، ص ۹۳، ح ۵۱۶۱ عن عبد الله بن مسعود، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۳۷ عن أبی هریره و الثلاثة الأخيرة نحوه، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵، ح ۲۸۰۷۹.

[۵۲] (۱) تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۳۴۸.

[۵۳] (۲) المصنّف لابن أبی شیبّه، ج ۵، ص ۴۲۱، ح ۱، مسند الشهاب، ج ۲، ص ۱۷، ح ۷۹۶، مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۵۳، ح ۲۳۲۱۶ نحوه؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۲، ح ۲۷.

[۵۴] (۳) غرر الحكم، ح ۷۲۷۴ و ۷۲۷۵، عیون الحكم و المواعظ، ص ۴۰۱، ح ۶۷۶۳ و ۶۷۶۴.

[۵۵] (۴) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۹ و فيه «العبد المؤمن ببلاء» بدل «البدن بداء».

[۵۶] (۱) المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۱۳۱، ح ۱۲۷۸۴ عن ابن عباس، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵، ح ۲۸۰۸۱.

[۵۷] (۲) کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵، ح ۲۸۰۸۲ نقلًا عن ابن السنی عن ابن عباس.

[۵۸] (۳) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۳۷، ح ۳۴۳۷، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۵۳، ح ۲۱۴۸ نحوه، المصنّف لعبد الرزاق، ج ۱۱، ص ۱۸، ح ۱۹۷۷۷ عن الزهری؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۷.

[۵۹] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۲۴۶۵، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱۱، ح ۳۰.

[۶۰] (۵) إحياء علوم الدين، ج ۴، ص ۴۱۳؛ المحجّة البيضاء، ج ۷، ص ۴۳۲.

[۶۱] (۱) الشعراء: ۸۰.

[۶۲] (۲) الطب النبوی لابن قیم، ص ۱۷.

[۶۳] (۳) علل الشرائع، ص ۵۲۵، ح ۱ عن أحمد بن أبی عبد الله البرقی بإسناده، الاعتقادات، ص ۱۱۶، الكافی، ج ۸، ص ۸۸، ح ۵۲، تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۳۶ كلاهما عن زياد بن أبی الحلال نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۲، ح ۱ و ۲.

[۶۴] (۱) متن عربی منتخب مؤلف، چنین است «یطیب بذلك أنفسهم فسمی الطیب لذلك». مؤلف در پاورقی با نظر به این عبارت، به نقل از علامه مجلسی چنین آورده است: مقصود آن نیست که واژه طیب از ریشه «طیب» مشتق شده است؛ چرا که یکی از این دو واژه، یعنی واژه طیب، از ریشه مضاعف و دیگری از ریشه معتل است؛ بلکه مقصود آن است که نامور شدن طیب به این نام، نه به دلیل درمان بیماری‌های جسم است، بلکه بدان علت است که دل را از اندیشه و اندوه، درمان می‌کند و خوش و خرسند می‌سازد.

در برخی نسخه‌ها هم به جای «یطیب»، «یطب» آمده است. ریشه «طب» به معنای وفق و مدارا در کار و لطف ورزیدن است و طیب را از آن روی طیب نامیده‌اند که با مدارا و با تدبیر لطیف خود، اندوه را از دل می‌گیرد؛ امّا شفای بدن به طیب تعلق ندارد) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۲، با تغییری اندک. همچنین، ر. ک: مرآة العقول، ج ۲۵، ص ۱۹۹.

[۶۵] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۱۵۸، ح ۱۷۴۹۹، سنن أبی داوود، ج ۴، ص ۸۶، ح ۴۲۰۷، المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۲۸۰، ح ۷۱۵، السنن الكبرى، ج ۸، ص ۴۹، ح ۱۵۸۹۷، مسند الحمیدی، ج ۲، ص ۳۸۲، ح ۸۶۶ و راجع: الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۴۲۷. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۵۰۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۳، ح ۳۱.

[۶۶] (۲) البلد الأمين، ص ۳۵۰، المصباح للكفعمی، ص ۳۵۶.

[۶۷] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۶۸] (۲) البلد الأمين، ص ۳۵۰، المصباح للكفعمی، ص ۳۵۶.

[۶۹] (۳) البلد الأمين، ص ۳۵۰، المصباح للكفعمی، ص ۳۵۶.

[۷۰] (۴) البلد الأمين، ص ۴۰۶، بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۳۹۱.

[۷۱] (۵) المصباح للكفعمی، ص ۱۲۳، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۰۰، ح ۳۱.

[۷۲] (۱) المصباح للكفعمی، ص ۱۱۳، البلد الأمين، ص ۶۰، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۱۷۵، ح ۴۵.

[۷۳] (۲) إحياء علوم الدين، ج ۴، ص ۴۱۴؛ المحجّة البيضاء، ج ۷، ص ۴۳۳.

[۷۴] (۱) ر. ك: ج ۱، ص ۶۷، ح ۳۱.

[۷۵] (۱) ر. ك: ج ۱، ص ۶۷، ح ۳۲.

[۷۶] (۱) ر. ك: ج ۱، ص ۶۹، ح ۳۳.

[۷۷] (۱) ر. ك: ج ۱، ص ۹۱، (توصیه‌های پزشکی / پرهیز از مراجعه به پزشك تا سر حدّ امکان).

[۷۸] (۲) ر. ك: ج ۱، ص ۹۱، ح ۷۳.

[۷۹] (۳) ر. ك: ج ۱، ص ۹۳، ح ۷۸.

[۸۰] (۱) ر. ك: ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۲۰۹.

[۸۱] (۲) الأمالی، طوسی، ص ۵۳۷، ح ۱۱۶۲، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۲۶۶۱، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۸۹، ح ۳.

[۸۲] (۱) غرر الحكم، ج ۶۷۳۱ و ح ۶۸۲۳، عيون الحكم و المواعظ، ص ۳۷۰، ح ۶۲۴۷.

[۸۳] (۲) ر. ك: ج ۱، ص ۶۹، ح ۳۵.

[۸۴] (۱) ر. ك: ج ۱، ص ۶۹، ح ۳۶.

[۸۵] (۲) ر. ك: ج ۱، ص ۶۹، (آداب طبابت و وظائف طيب / مسئول بودن پزشك در صورت به بار آوردن خسارت). برای

آگاهی از جزئیات احکام مربوط به ضمان، به کتاب‌های فقهی مربوط به ضمان پزشك و عدم آن مراجعه شود.

[۸۶] (۱) الكافی، ج ۸، ص ۳۴۵، ح ۵۴۵ عن أبان بن تغلب.

[۸۷] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۵۰۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۴، ح ۳۳.

[۸۸] (۱) الإصابه، ج ۳، ص ۲۸۹ عن الشمردل بن قباث.

[۸۹] (۲) أعلام الدين، ص ۲۹۹، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۶۰، ح ۲۱.

[۹۰] (۳) تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۸۷۸، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۱، ح ۳۲۶۶.

[۹۱] (۴) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۴۸، ح ۳۴۶۶، سنن أبي داوود، ج ۴، ص ۱۹۵، ح ۴۵۸۶، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴،

ص ۲۳۶، ح ۷۴۸۴، سنن الدارقطني، ج ۳، ص ۱۹۵، ح ۳۳۵ کلها عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۲،

ح ۲۸۲۲۱.

[۹۲] (۵) سنن الدارقطني، ج ۳، ص ۱۹۶، ح ۳۳۶، السنن الكبرى، ج ۸، ص ۲۴۲، ح ۱۶۵۳۰ كلاهما عن عمرو بن شعيب عن أبيه

عن جدّه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۲، ح ۲۸۲۲۲.

[۹۳] (۱) تهذيب الأحكام، ج ۱۰، ص ۲۳۴، ح ۹۲۸ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، الجعفریات، ص ۱۲۰ عن الإمام

الكاظم عن أبيه عن جدّه عن الإمام زين العابدين عليهم السلام، عوالی اللآلی، ج ۳، ص ۶۱۷، ح ۲۶ عن السكوني عن الإمام الباقر

عن أبيه عليهما السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۱۷، ح ۱۴۵۶.

[۹۴] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۱۷، ح ۱۴۵۶، الجعفریات، ص ۱۲۰ عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام.

[۹۵] (۳) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۳۹۱۷ عن الحلبي.

[۹۶] (۴) المصنّف لعبد الرزّاق، ج ۹، ص ۴۷۱، ح ۱۸۰۴۷، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۵، ح ۴۰۲۰۳.

[۹۷] (۵) الکافی، ج ۷، ص ۳۶۴، ح ۱، التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۳۴، ح ۹۲۵ کلاهما عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، الجعفریات، ص ۱۱۹ عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عنه عليهم السلام، عوالی اللالی، ج ۲، ص ۳۶۳، ح ۱۴، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۱۷، ح ۱۴۵۵ و فی آخره « یعنی إذا لم یکن ماہراً».

[۹۸] (۱) مقصود از عاقله، بستگان پدری شخص (از قبیل: برادران، عموها و عموزادگان) است که دیه خطا بر عهده آنان است.

[۹۹] (۲) در این متن، در پایان روایت، این افزوده به چشم می خورد: « یعنی چنانچه چیره دست نباشد».

[۱۰۰] (۱) قوله علیه السلام: «مأمونته» و لذا یقبل قولها فی کثیر من الامور المتعلقة بالولد و الولاده، و لو ادعی علیها التخصیر فی شیء فالقول قولها (مرآة العقول، ج ۲۱، ص ۹۱ و راجع الکافی، ج ۷، ص ۱۵۶، ح ۴).

[۱۰۱] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۲، ح ۴.

[۱۰۲] (۳) الکافی، ج ۸، ص ۱۹۳، ح ۲۲۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۶، ح ۱۶.

[۱۰۳] (۴) الکافی، ج ۸، ص ۱۹۴، ح ۲۳۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۷، ح ۱۷.

[۱۰۴] (۱) علامه مجلسی می گوید: «از همین روست که در بسیاری از امور مربوط به ولادت و فرزند، سخن قابل پذیرفته می شود، و اگر کسی بر ضدّ وی دعوی تقصیر کند، باز هم آنچه قاعدتاً [و از مواضع انکار] پذیرفته می شود، همان سخن قابل است» (مرآة العقول، ج ۲۱، ص ۹۱).

[۱۰۵] (۲) نوعی دارو است که برای درمان به کار می رود. مجلسی در این باره گفته است: «این نام را در کتاب های طب و لغت نیافته ایم. آنچه در کتب طب یافته ام، اسطمحقون است که دانه ای است مُسهل و برای سودا و بلغم مفید است. شاید هم آنچه در نسخه های متون آمده، تصحیف همین کلمه باشد».

[۱۰۶] (۳) غاریقون یا اغاریقون: ریشه یک گیاه یا چیزی است که در درخت های درون تھی شده ساخته می شود و درمان زهرهاست. گشاینده، به جریان اندازنده اخلاط کدر. این دارو شادی آور و برای سیاتیک و مفاصل کار آمد است و هر که آن را بر خود آویخته باشد، کزدم، نیشش نمی زند.

[۱۰۷] (۱) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۶۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۶، ح ۱۰.

[۱۰۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۳، ح ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۸، ح ۲۲.

[۱۰۹] (۳) الفضائل، ص ۱۳۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۷، ح ۲.

[۱۱۰] (۱) حصاء را در لغت به عارضه ای در مثانه تفسیر کرده اند. در این عارضه، ادرار، آن اندازه غلیظ، خون آلوده یا چرک آلود می شود که به شکل سنگ ریزه ای در می آید (لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۸۳). م.

[۱۱۱] (۱) الإصابه، ج ۳، ص ۲۸۹.

[۱۱۲] (۲) الکافی، ج ۳، ص ۲۰۶، ح ۲، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۴۴، ح ۱۷۶ کلاهما عن وهب بن وهب عن الإمام الصادق علیه السلام، قرب الإسناد، ص ۱۳۶، ح ۴۷۸ عن أبي البختري عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۲، ح ۹.

[۱۱۳] (۱) بدیهی است که این سخن بر فرض صدور از امام علیه السلام مربوط است به شرایط جراحی آن دوران و فقدان امکانات پزشکی.

[۱۱۴] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۵۰۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۴، ح ۳۲.

[۱۱۵] (۲) الکافی، ج ۵، ص ۵۳۴، ح ۱.

[۱۱۶] (۳) مسائل علی بن جعفر، ص ۱۶۶، ح ۲۶۸، قرب الإسناد، ص ۲۲۷، ح ۸۸۸ و لیس فیہ «أو بطنها»، بحار الأنوار ج ۱۰۴، ص

[۱۱۷] (۱) در قرب الإسناد، عبارت «یا شکم» وجود ندارد.

[۱۱۸] (۱) قرب الإسناد، ص ۲۲۷، ح ۸۸۷، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۳۳، ح ۸.

[۱۱۹] (۲) البقرة: ۱۷۳.

[۱۲۰] (۳) الأنعام: ۱۱۹.

[۱۲۱] (۴) الجامع الصغير، ج ۲، ص ۵۸۸، ح ۸۵۸۱، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۲، ح ۲۸۳۱۸ كلاهما نقلًا عن أبي نعيم في الطب عن أبي هريرة.

[۱۲۲] (۵) في بحار الأنوار: «الخبيث» بدل «الخبیثة».

[۱۲۳] (۶) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۶۲ عن إسماعيل بن محمد، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۸۷، ح ۱۳.

[۱۲۴] (۱) امام خمینی قدس سره در تحریر الوسيلة چنین اظهار می‌فرماید: «از اصل حرمت نگاه و لمس میان مرد و زن نامحرم، مقام درمان، آن هم در صورتی که همجنس وجود نداشته باشد، استثنا می‌شود، مثل گرفتن نبض در صورتی که این کار با ابزاری از قبیل درجه و همانند آن امکانپذیر نباشد، یا همانند رگزی، حجامت، درمان شکستگی و کارهایی از این قبیل و نیز مقام ضرورت، از این قبیل که نجات شخص از غرق شدن یا از آتش، متوقف بر نگاه کردن و لمس کردن باشد. اما اگر ضرورت تنها نگاه کردن یا فقط لمس کردن را اقتضا کند و آن دیگری را اقتضا نداشته باشد یا علاج، متوقف بر یکی از اینها باشد، به همان اندازه که اضطرار است، بسنده می‌شود. در مورد اضطرار نیز باید به مقدار اضطرار بسنده کرد و نه انجام دادن آن فعل دیگری که اضطرار ندارد، جایز است و نه تعدی از آن».

[۱۲۵] (۱) مسند أبي يعلى، ج ۶، ص ۲۷۰، ح ۶۹۳۰، صحيح ابن حبان، ج ۴، ص ۲۳۳، ح ۱۳۹۱، مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۴۰، ح ۸۲۸۷، ذم المسکر لابن أبي الدنيا، ص ۳۸، ح ۱۲ و فيه «فدفعه برجله فکسره».

[۱۲۶] (۲) صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۷۳، ح ۱۲، سنن أبي داود، ج ۴، ص ۷، ح ۳۸۷۳، المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۱۴، ح ۱۵، المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۴۳۱، ح ۱ کلهما نحوه، كنز العمال، ج ۵، ص ۵۱۰، ح ۱۳۷۵۶.

[۱۲۷] (۳) الكافي، ج ۸، ص ۱۹۳، ح ۲۲۹ عن إسماعيل بن الحسن المتطبّب، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۷، ح ۱۶.

[۱۲۸] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۴۱۳، ح ۲ عن عمر بن اذينة، عوالي اللآلي، ج ۳، ص ۴۶۲، ح ۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۸۶، ح ۱۰.

[۱۲۹] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۴۱۴، ح ۸، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۶۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۸۷، ح ۱۲.

[۱۳۰] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۴۱۴، ح ۴، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۱۳، ح ۴۹۰ كلاهما عن الحلبي، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۸۹، ح ۱۸.

[۱۳۱] (۱) در ذم المسکر ابن أبي الدنيا آمده است: «... پیامبر صلی الله علیه و آله، آن ظرف را با پای خویش، هل داد و شکست و فرمود:....».

[۱۳۲] (۱) مسائل علی بن جعفر، ص ۱۱۸، ح ۵۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۸۳، ح ۳ و ج ۶۶، ص ۴۹۲، ح ۳۲.

[۱۳۳] (۲) النحل: ۶۹.

[۱۳۴] (۳) تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۶۴، ح ۴۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۸۳، ح ۴.

[۱۳۵] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۲۴۲، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۶۲، ح ۱۱۷۵، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۲۸، ح ۵۵۳، الاختصاص، ص ۱۰۳، علل الشرائع، ص ۴۸۳، ح ۱، الأمالی للصدوق، ص ۵۳۰، ح ۲، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۳۴، ح ۲.

[۱۳۶] (۱) الخصال، ص ۲۲۹، ح ۶۷، الدعوات، ص ۷۴، ح ۱۷۳، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۱۸.

- [١٣٧] (٢) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣١٤، ح ١٠٠٣، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٢٢، ح ٣٧.
- [١٣٨] (١) خلا: آب دست جای. متوضاً، كنیف، مبرز، مستراح (لغت نامه دهخدا).
- [١٣٩] (١) الدعوات، ص ٧٥، ح ١٧٤، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٦٧، ح ٤٢.
- [١٤٠] (٢) مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٩، ح ٢٤٦٤، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٦٦، ح ١٤.
- [١٤١] (٣) اسد الغابة، ج ٦، ص ١٧٦، الإصابة، ج ٧، ص ٢٠٤ كلاهما عن أبي طرفه الكندي.
- [١٤٢] (٤) نثر الدر، ج ١، ص ١٨١.
- [١٤٣] (٥) شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٠٠، ح ٤٢٢.
- [١٤٤] (٦) نهج البلاغة، الحكمة ٢٧، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٠٤، ح ٧.
- [١٤٥] (٧) الخصال، ص ٦٢٠، ح ١٠ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ١١٠، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٧٠، ح ٢٤.
- [١٤٦] (٨) تحف العقول، ص ٣٢١، بحار الأنوار، ج ٧٨، ص ٢٣٤، ح ٥٣.
- [١٤٧] (١) طب الأئمة لابني بسطام، ص ٦١ عن سالم بن أبي خيثمة، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٦٥، ح ٨.
- [١٤٨] (٢) الخصال، ص ٢٦، ح ٩١ عن إسماعيل بن أبي زياد، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٦٤، ح ٥.
- [١٤٩] (٣) علل الشرائع، ص ٤٦٥، ح ١٧ عن بكر بن صالح الجعفری، طب الأئمة لابني بسطام، ص ٤، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٦٣، ح ٤.
- [١٥٠] (٤) الفضائل، ص ١٢٩ عن ابن مسعود، بحار الأنوار، ج ٨، ص ١٤٤، ح ٦٧.
- [١٥١] (٥) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ٣٤٠، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٦٠، ح ٥.
- [١٥٢] (٦) دعائم الإسلام، ج ١، ص ٣٤٢ عن الإمام علي عليه السلام، الدعوات، ص ٧٦، ح ١٧٩، عوالي اللآلي، ج ١، ص ٢٦٨، ح ٧٠، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٦٧، ح ٤٥؛ كنز العمال، ج ٨، ص ٤٥٠، ح ٢٣٦٠٥ نقلًا عن ابن السني و أبي نعيم في الطب عن أبي هريرة.
- [١٥٣] (١) المعجم الأوسط، ج ٧، ص ٢٤٥، ح ٧٤٠٠ عن ابن عمر، سبل الهدى و الرشاد، ج ١٢، ص ١٢٨ نقلًا عن أبي نعيم في الطب عن أبي هريرة.
- [١٥٤] (٢) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٦٥، ح ٢٣٨٧ عن السكوني بإسناده، المحاسن، ج ٢، ص ٧٩، ح ١٢٠٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٥١٣، ح ١٧٨١، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٢٢١، ح ٣؛ مسند ابن حنبل، ج ٣، ص ٣٢٢، ح ٨٩٥٤ عن أبي هريرة، السنن الكبرى، ج ٧، ص ١٦٥، ح ١٣٥٨٨ عن ابن عمر و كلاهما نحوه، كنز العمال، ج ٦، ص ٧٠١، ح ١٧٤٧١.
- [١٥٥] (٣) تهذيب الأحكام، ج ٢، ص ١٢١، ح ٤٥٧، ثواب الأعمال، ص ٦٤، ح ٦، المحاسن، ج ١، ص ١٢٥، ح ١٤٠ كلها عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ١٠١ و في كلها «مصحة للبدن»، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٦٧، ح ٤٨.
- [١٥٦] (٤) في جميع المصادر: «تكفوا» بدل «تكفون».
- [١٥٧] (٥) الكافي، ج ٤، ص ٢٥٢، ح ١ عن خالد القلانسي عن الإمام الصادق عليه السلام، ثواب الأعمال، ص ٧٠، ح ٣، الدعوات، ص ٧٦، ح ١٨١، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٥١٨، ح ١٨٠٥ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام و كلها نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٢،



ص ۲۶۷، ح ۴۷.

[۱۵۸] (۶) فی بحار الأنوار: «و اللباس اللّین».

[۱۵۹] (۷) طبّ النّبیّ صلی الله علیه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۵.

[۱۶۰] (۱) صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۳۹، ح ۱۴۴ عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام.

[۱۶۱] (۲) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۲۶ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام،

مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۲، ح ۱۹۸ و فی «الغسل» بدل «العسل»، الدعوات، ص ۱۵۱، ح ۴۰۳ و لیس فی «و العسل نُشْرَة» و «و

النظر إلی»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۱، ح ۳؛ ربیع الأبرار، ج ۳، ص ۴۶۲ و فی «الغسل» بدل «العسل».

[۱۶۲] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۵ عن أبی البختری، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۷۰، ح ۸۱۹.

[۱۶۳] (۴) البقره: ۶۹.

[۱۶۴] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۶ عن جابر الجعفی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۴۷، ح ۵۹، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۷۴ کلاهما

عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه.

[۱۶۵] (۶) الخصال، ص ۱۵۵، ح ۱۹۴ عن معاویه بن عمّار، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۰۹، روضه الواعظین، ص ۳۳۶،

طبّ الأئمّه لابنی بسطام، ص ۴. انظر تمام الحدیث فی ج ۲، ص ۲۳۰، ح ۱۵۷۰.

[۱۶۶] (۷) راجع: ج ۲ ص ۲۶۴ (الجبن).

[۱۶۷] (۸) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۱۷۹۸، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۱۴۵۳ و فیهما «

الجوز» بدل «الجز» و «السكر» بدل «الماء الفاتر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۸.

[۱۶۸] (۱) علامه مجلسی می گوید: «النشْرَة (تعویذ)»، آن چیزی است که غم و اندوه‌هایی را که خیال می‌کرده‌اند ناشی از جن و

جن زدگی است، برطرف می‌کند. ابن اثیر، آن را چنین تفسیر کرده است: نوعی تعویذ و درمان است و به وسیله آن، کسانی که

گمان جن زده شدن آنان بوده، درمان می‌شده‌اند. از آن رو، آن را «نشره» نامیده‌اند که دردی را که به جان شخص درآمیخته است،

برطرف می‌کند و از میان بر می‌دارد و می‌پراکند. یادآوری دو نکته لازم است: یک. افزون بر ابن اثیر که سخن پیش گفته از او نقل

شد، صاحبان دیگر فرهنگ‌های کهن زبان عربی نیز همین معنا را ذکر کرده‌اند. برای نمونه ر. ک: صحاح اللغه، ج ۲، ص ۸۲۸،

لسان العرب، ج ۵، ص ۲۰۹، مختار الصحاح، ص ۳۲۸، تاج العروس، ج ۳، ص ۵۶۶. دو. از آن رو که این سخن و تشبیه نهفته در

آن، ناظر به فضایی است که از تعویذ و سحر و جز آن برای درمان بهره‌جسته می‌شده و گویا در نگاه عموم مردم، تأثیر نیز داشته،

مقصود استعاری از تعویذ در اینجا، شادی و نشاط است، آن‌سان که چون به تعویذی یا به افسونی بیماری‌ای به سرعت رخت

بریندد، شادی و آسایش بر جایش می‌نشیند. م.

[۱۶۹] (۲). در مکارم الأخلاق و ربیع الأبرار به جای «عسل»، «غُسل» آمده است.

[۱۷۰] (۳). برای دیدن متن کامل حدیث، ر. ک: ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۱۵۷۱.

[۱۷۱] (۴). در این باره ر. ک: ج ۲ ص ۲۶۵ (پنیر).

[۱۷۲] (۱) المحاسن، ج ۱، ص ۷۸، ح ۴۰، الخصال، ص ۴۴۳، ح ۳۷ عن جعفر بن خالد و لیس فی «و غسل الرأس...» و ح ۳۸ عن

صهیب بن عتیاد عن أبیه عن الإمام الصادق عن أبیه عن جدّه علیهم السلام و لیس فی «فی الحَمَام و غیره» و فیهما «النشوة» بدل «

النشرة»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۲۲، ح ۲.

[۱۷۳] (۲) الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۴۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۱، ح ۹.

[۱۷۴] (۳) فی بحار الأنوار: «فلیأکل کلّ یوم شیئا رطبا بارداً».

[۱۷۵] (۴) فی بحار الأنوار: «يقلّ الحركة» بدل «يقلل الانتصاب».

[۱۷۶] (۵) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۴۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۵.

[۱۷۷] (۱). در المحاسن و الخصال، به جای کلمه «النشرة»، یعنی تعویذ، واژه «النشوة»، یعنی شور سرمستی آمده است.

[۱۷۸] (۲) پیشینیان، به چهار مزاج اصلی معتقد بودند: صفاوی گرم و خشک، دموی گرم و مرطوب، سوداوی یا مالخیولیایی سرد و خشک، و سرانجام، بلغمی سرد و مرطوب.

[۱۷۹] (۳). در طب الإمام الرضا عليه السلام به جای «هر روز چیزی تر بخورد»، عبارت «هر چیز سرد و نرم را بخورد» و به جای «حرکت کند» عبارت «راست بایستد»، آمده است.

[۱۸۰] (۱). هکذا فی المصدر، و لعلّ الصحيح: «الترّوج».

[۱۸۱] (۲) المواعظ العددیة، ص ۲۱۱.

[۱۸۲] (۳) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۰ نقلًا عن طبّ النبی صلی الله علیه و آله، ص ۲ و فيه «المحذورین» بدل «المحرورین» و الظاهر أن ما فی بحار الأنوار أصحّ.

[۱۸۳] (۴) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵، ح ۴۹۰۲، صحیفه الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۳۱، ح ۱۲۸ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلی الله علیه و آله و ليس فيه من «و ليقلّ...»، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۱۵۵۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۱، ح ۱؛ غریب الحدیث لابن قتیبه، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳ نحوه.

[۱۸۴] (۵) الدعوات، ص ۷۵، ح ۱۷۶، الأمالی للطوسی، ص ۶۶۶، ح ۱۳۹۵ عن أبي غنندر عن الإمام الصادق عليه السلام، عیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۸، ح ۱۱۲ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام و زاد فيه «و لیجود الحذاء»، طبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۲۹ عن حریر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام و فيها «الغذاء» بدل «الغذاء» و ليس فيها «و لیؤخر العشاء» و کلّها عن الإمام علیّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۴۳ و ص ۲۶۲، ح ۱۹؛ عیون الأخبار لابن قتیبه، ج ۳، ص ۲۷۱ و زاد فيه «و لیلبس الحذاء»، شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۱۲۴ كلاهما نحوه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۸۷، ح ۲۸۴۷۲ عن النّزال بن سبرة.

[۱۸۵] (۱). در طبّ النبی صلی الله علیه و آله به جای «گرم مزاجان»، عبارت «حذر کنندگان» آمده؛ امّا ظاهراً همان که در بحار الأنوار آمده، درست تر است.

[۱۸۶] (۲) ظاهراً این توصیه، ناظر به نظام دو وعده‌ای در تنظیم وعده‌های غذاست که در دیگر متون به نوعی بدان سفارش شده است. م.

[۱۸۷] (۳) ظاهراً مقصود، ترغیب به گرسنه نخوابیدن است.

[۱۸۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۲۹۰، ح ۳ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰، عن أبي بصير و محمّد بن مسلم، المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۱۵۸۹ عن أبي بصير و كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام و فيهما «الرزق» بدل «العمر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۵۳، ح ۶.

[۱۸۹] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۱۵۹۴، الدعوات، ص ۱۴۲، ح ۳۶۵ عن الإمام علیّ عليه السلام و فيه «غسل الیدين قبل الطعام و بعده؛ زیادة فی الرزق و یجلو البصر و یذهبان الفقر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۵۶، ح ۲۰.

[۱۹۰] (۳) المواعظ العددیة، ص ۳۶۸.

[۱۹۱] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۱۵۷۱ عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۳، ح ۱۰.

[۱۹۲] (۵) تحف العقول، ص ۳۱۷، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۳۰، ح ۱۵.

- [۱۹۳] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۱۹۴] (۱) در الخصال و المحاسن به جای «عمر»، «روزی» آمده است.
- [۱۹۵] (۱) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵، ح ۴۹۰۴، الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۱۷۹۷ و فیهما «أكل القديد الغاب» بدل «و الغشيان علی الامتلاء»، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۹۰، ح ۳۲.
- [۱۹۶] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۱۷۹۷، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۸، ح ۱۱۳۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۵، ح ۱۹.
- [۱۹۷] (۳) راجع: ج ۲، ص ۲۶۵ (الجبن).
- [۱۹۸] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۱۷۹۶، الأُمالی للطوسی، ص ۳۶۹، ح ۷۹۰، عن علی بن علی بن رزین عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام زین العابدین علیهم السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۴، ح ۳۲ و ص ۶۵، ح ۳۵.
- [۱۹۹] (۵) یوسف: ۸۴.
- [۲۰۰] (۱) در الکافی و المحاسن به جای «آمیزش کردن با شکم پُر»، عبارت «خوردن گوشت خشک شده» آمده است.
- [۲۰۱] (۱) الأُمالی للطوسی، ص ۵۱۲، ح ۱۱۱۹، عن عبد الله بن محمد بن عمر بن علی بن أبی طالب، عن الإمام الباقر عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۵۸، تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۷۶، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۲۶، ح ۴؛ تاریخ دمشق، ج ۴۷، ص ۴۴۰، عن عبد العزيز بن حصین عن عیسی علیه السلام، الأحكام النبویة فی الصناعة الطبیة، ج ۱، ص ۱۷۹، عن الإمام علی علیه السلام نحوه، کنز العمال، ج ۳، ص ۴۴۲، ح ۷۳۵۶ نقلًا عن الحارث و ابن السنی و أبی نعیم فی الطب عن أبی هريرة.
- [۲۰۲] (۲) مسند الشهاب، ج ۱، ص ۵۴، ح ۳۲، عن عبد الله بن الزبير، الفردوس، ج ۲، ص ۷۵، ح ۲۴۲۱، كلاهما عن الإمام علی علیه السلام، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۲۰، ح ۴۴۱۳۴؛ نهج البلاغة: الحکمة ۱۴۳، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۶، ح ۵۹۰۴، عن زرارة عن الإمام الصادق علیه السلام، الخصال، ص ۶۲۰، ح ۱۰، عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۸۰، ح ۲۵.
- [۲۰۳] (۳) غرر الحکم، ح ۱۶۳۴.
- [۲۰۴] (۴) غرر الحکم، ح ۱۰۳۹، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۳، ح ۵۹۵ و فيه «يُنحل البدن» بدل «يذیب الجسد».
- [۲۰۵] (۵) غرر الحکم، ح ۳۶۷، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۳، ح ۵۹۵.
- [۲۰۶] (۶) غرر الحکم، ح ۶۰۹، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۲، ح ۵۶۳.
- [۲۰۷] (۷) نهج البلاغة، الحکمة ۱۲۸، نزهة الناظر، ص ۶۵، ح ۵۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۱، ح ۶۸.
- [۲۰۸] (۱) در عیون الحکم و المواعظ، به جای «ذوب می کند»، عبارت «تن را نحیف می کند»، آمده است.
- [۲۰۹] (۱) الدعوات، ص ۷۵، ح ۱۷۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۱، ح ۶۹.
- [۲۱۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۶، عن أبی بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام.
- [۲۱۱] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۵۹۳، عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام.
- [۲۱۲] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۳، قرب الإسناد، ص ۱۶۷، ح ۶۱۰ و فيه «الصلب» بدل «القلب» و كلاهما عن علی بن رثاب عن الإمام الصادق علیه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۰، ح ۱۸۹ و ليس فيه ذيله، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۰، ح ۱.
- [۲۱۳] (۵) کنز العمال، ج ۸، ص ۵۱۰، ح ۲۳۸۸۲ نقلًا عن شعب الإيمان عن أنس.
- [۲۱۴] (۶) السرائر، ج ۳، ص ۱۴۱، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۵۹۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۵.

[۲۱۵] (۱) در قرب الإسناد، به جای «قلب»، واژه «صلب» آمده است.

[۲۱۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۷.

[۲۱۷] (۲) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۶، ح ۱۸۰۴ و ص ۱۱۴، ح ۱۸۸۱ و فيه «روی أن من تطیب ... لم یکد یفقد عقله»،

ثواب الأعمال، ص ۷۷، ح ۱ عن یونس بن یعقوب، الدعوات، ص ۷۹، ح ۱۹۶، بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۹۰، ح ۹.

[۲۱۸] (۳) فی بحار الأنوار: «ولا یؤخر شتم النرجس، فإنه یمنع الزکام فی مدّة أيام الشتاء».

[۲۱۹] (۴) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴.

[۲۲۰] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۴۱، ح ۳ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، قرب الإسناد، ص ۷۰، ح ۲۲۳ عن مسعدة بن

صدقة عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۳۰، ح ۶۷۷ عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام

عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۹۷، ح ۱.

[۲۲۱] (۶) کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۸۲، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۹۳، ح ۱۰۴.

[۲۲۲] (۱) این متن در بحار الأنوار به این صورت آمده است: «بويدن گل نرگس را به تأخیر نیندازید؛ زیرا که استشمام آن، از ابتلا

به زکام در ایام زمستان، جلوگیری می کند».

[۲۲۳] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۴ عن أبي بصير عن الإمام الصادق علیه السلام.

[۲۲۴] (۲) الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص

۱۰۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۹۹، ح ۱۸۵ و ليس فيهما «و الحزن» و ص ۲۲۹، ح ۶۷۶، مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۵۸۱ عن أبي بصير

عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام و فيه «المصلاة» بدل «للمصلاة»، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۵۶۱ عن الإمام الصادق عليه

السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۴، ح ۵.

[۲۲۵] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۲۹۹، ح ۱۸، علل الشرائع، ص ۵۸۳، ح ۲۳ و فيه «اللحم» بدل «الغمر»، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۴، ح

۱۷۱۷ و فيه «لا تذروا» بدل «لا تأووا» و کلها عن الإمام علیّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۹۹، ح ۱۵؛ الدرّ المنثور، ج ۶، ص

۲۲۷ نقلًا عن ابن عدیّ عن جابر بن عبد الله نحوه.

[۲۲۶] (۴) المصنّف لابن أبي شیبۀ، ج ۵، ص ۵۲۷، ح ۴ عن أبي الودّاک جبر بن نوف البکالی، سبل الهدی و الرشاد، ج ۸، ص ۳۳

و فيه «النظیف» بدل «المطبّق»، کنز العمال، ج ۷، ص ۱۱۰، ح ۱۸۲۲۰ و فيه «المنطبّق» بدل «المطبّق» و کلاهما نقلًا عن مسدّد عنه عليه

السلام.

[۲۲۷] (۵) صحیح ابن حبان، ج ۴، ص ۹۱، ح ۱۲۷۵، صحیح ابن خزیمۀ، ج ۱، ص ۶۸، ح ۱۳۲، المصنّف لابن أبي شیبۀ، ج ۵، ص

۵۲۷، ح ۲ کلها عن جابر، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۳۱، ح ۴۱۲۶۴.

[۲۲۸] (۶) مسند ابن حنبل، ج ۸، ص ۲۹۶، ح ۲۲۳۲۷ عن أبي امامة، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۲۷، ح ۴۱۲۵۱.

[۲۲۹] (۱) در سبل الهدی و الرشاد، به جای «سروش دار»، عبارت «تمیز» آمده است.

[۲۳۰] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۳، ص ۲۹۶، ح ۸۸۰۸ سنن الدارمی، ج ۱، ص ۵۵۷، ح ۲۰۵۶، صحیح ابن خزیمۀ، ج ۱، ص ۶۷، ح

۱۲۸، السنن الکبری، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۲۱۳، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۲۹، ح ۳۴۱۱ و فيه «الإناء» بدل «الوضوء»، کنز العمال، ج

۹، ص ۴۵۰، ح ۲۶۹۲۱.

[۲۳۱] (۲) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۶۳، ح ۱۸۱۲، الموطأ، ج ۲، ص ۹۲۹، ح ۲۱، مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۲۵، ح ۱۴۲۳۲، الأدب

المفرد، ص ۳۵۷، ح ۱۲۲۱، صحیح ابن حبان، ج ۴، ص ۸۷، ح ۱۲۷۱، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۵۲، ح ۴۱۳۴۲؛ علل الشرائع، ص

۵۸۲، ح ۲۱ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۰۴، ح ۳۰.

- [۲۳۲] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۷ عن محمد بن الحسين العلوی عن أبيه عن جدّه، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۱۳، ح ۴۴.
- [۲۳۳] (۱) در سنن ابن ماجه، به جای «آب وضوء»، واژه «ظرف» آمده است.
- [۲۳۴] (۱) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۲۹۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۴۲، ح ۳۶۷، ثواب الأعمال، ص ۳۷، ح ۲ عن عيسى بن عبد الله العلوی عن أبيه عن جدّه، الدعوات، ص ۱۲۰، ح ۲۸۳ و ليس فيهما ذيله، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۷، ح ۴.
- [۲۳۵] (۲) الفردوس، ج ۳، ص ۵۸۴، ح ۵۸۲۶ عن ابن مسعود و راجع مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۳۹۶ و ح ۳۹۸.
- [۲۳۶] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۱ عن الحسن بن راشد، ثواب الأعمال، ص ۴۲، ح ۴ عن أبي بصير، جامع الأخبار، ص ۳۳۴، ح ۹۴۳ كلاهما عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۹، ح ۲.
- [۲۳۷] (۴) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵۹۱؛ كنز العمال، ج ۱۵، ص ۴۱۲، ح ۴۱۶۲۷ نقلًا عن الديلمي، عن أنس و ابن عمر نحوه.
- [۲۳۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۶۲، ح ۱ عن أبي بصير، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۶۶، ح ۷۹۹ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبي بصير، و محمد بن مسلم، عن الإمام الصادق عن آباءه عنهم عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰، ح ۱.
- [۲۳۹] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۶۷، ح ۶ عن أبي سلمة السراج.
- [۲۴۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۶۵، ح ۱.
- [۲۴۱] (۴) في المصدر: «بالحميات»، و التصويب من نسخة المجلسي في بحار الأنوار و المصادر الاخرى.
- [۲۴۲] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۸۹، ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۰۱، ح ۴۴۱، المحاسن، ج ۲، ص ۴۰۷، ح ۲۴۲۴ نحوه و كلها عن مسعدة بن صدقة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۸۰، ح ۲.
- [۲۴۳] (۱) اين سخن، دلالت دارد که در آن دوران، پوشیدن کفش مشکي، ويژه دولت مردان بوده است.
- [۲۴۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۹۰، ح ۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۸۱، ح ۵.
- [۲۴۵] (۱) همان طور که از دیدگاه روایات اسلامی برای درمان بیماری ها عوامل دیگری در کنار داروهای شناخته شده وجود دارد؛ مانند دعا، صدقه و اموری از این قبیل که شناخت آنها برای دانش طب، امکان پذیر نیست. ر. ک: ج ۱، ص ۱۳۹ (منافع بیماری).
- [۲۴۶] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۱۵۲.
- [۲۴۷] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۱۵۳.
- [۲۴۸] (۱) ما شما را به شرّ و خیر می آزماییم و به سوی ما باز می گردید.
- [۲۴۹] (۲) الدعوات، ص ۱۶۸، ح ۴۶۹، مجمع البيان، ج ۷، ص ۷۴، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۳۰۹، ح ۲۵.
- [۲۵۰] (۳) ر. ک: ج ۱، ص ۱۴۷، ح ۱۷۶.
- [۲۵۱] (۴) ر. ک: ج ۱، ص ۱۴۹، ح ۱۸۰.
- [۲۵۲] (۵) المجازات النبویة، ص ۴۳۰، ح ۳۴۹، تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۷، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۷۴، ح ۱۱؛ مسند الشهاب، ج ۲، ص ۳۰۲، ح ۱۴۰۹، الفردوس، ج ۳، ص ۲۹۰، ح ۴۸۷۱، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۸، ح ۶۶۹۲.
- [۲۵۳] (۱) الدعوات، ص ۱۷۲، ح ۴۸۲.
- [۲۵۴] (۲) إرشاد القلوب، ص ۴۲، الدعوات، ص ۱۳۴، ح ۳۳۴ (در این متن، ذیل روایت نیامده است).

- [۲۵۵] (۳) البیان و التبیان، ج ۳، ص ۱۵۳.
- [۲۵۶] (۴) مهج الدعوات، ص ۱۳۲، بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۲۴۰.
- [۲۵۷] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۱۴۷، ح ۱۷۹.
- [۲۵۸] (۲) انبیاء، آیه ۳۵.
- [۲۵۹] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۴۷، ح ۱۲.
- [۲۶۰] (۲) الألو: الاستطاعة (لسان العرب: ج ۱۴ ص ۴۱).
- [۲۶۱] (۳) الاحتجاج: ج ۲ ص ۲۲۵ ح ۲۲۳، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۱۷۲ ح ۲.
- [۲۶۲] (۱) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۳۴۴، ح ۷۸۵۵، مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۱۲۳، ح ۱۷۳۱۸، المعجم الکبیر، ج ۱۷، ص ۲۸۴، ح ۷۸۲ کلها عن عقبه بن عامر، کنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۴، ح ۶۶۶۶.
- [۲۶۳] (۲) غرر الحکم، ح ۳۷۰، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۸، ح ۸۲۵.
- [۲۶۴] (۳) غرر الحکم، ح ۱۶۳۶.
- [۲۶۵] (۱) نهج البلاغه، الحکمة ۳۸۸، تحف العقول، ص ۲۰۳، الأملی للطوسی، ص ۱۴۶، ح ۲۴۰ عن أبی وجزه السعدی عن أبیه، الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۸۸، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۵۱، ح ۸.
- [۲۶۶] (۲) غرر الحکم، ح ۱۰۷۲۶، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۴۰، ح ۹۹۹۷.
- [۲۶۷] (۳) غرر الحکم، ح ۴۶۷۳، عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۱۲، ح ۴۲۳۳.
- [۲۶۸] (۴) غرر الحکم، ح ۸۱۳۸.
- [۲۶۹] (۵) نثر الدرّ، ج ۱، ص ۳۵۱، الخصال، ص ۲۳۸، ح ۸۴ مضمراً، معدن الجواهر، ص ۴۰ و فی «الوجع» بدل «المرض» و کلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۹، ح ۱.
- [۲۷۰] (۱) در معدن الجواهر، به جای «بیماری»، «درد» آمده است.
- [۲۷۱] (۱) الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۲۵، ح ۲۲۳، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۷۱، ح ۲.
- [۲۷۲] (۱) زندیق، معرب زندیک است و معانی مختلفی برای آن ذکر شده، از جمله: ملحد، بی دین، غیر صالح، دهری، گروهی از مجوس که خدای را دو گویند (ر. ک: لغت نامه دهخدا، ج ۸، ص ۱۴۲۷).
- [۲۷۳] (۱) کنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۶، ح ۶۶۸۰ نقلاً عن الخلیلی عن جریر.
- [۲۷۴] (۲) الخصال، ص ۱۱۳، ح ۸۹ عن مسعدة بن زیاد عن الإمام الصادق عن أبیه علیهما السلام، الدعوات، ص ۱۷۱، ح ۴۷۹، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۵۳، ح ۸۲.
- [۲۷۵] (۳) مشکاة الأنوار، ص ۴۸۷، ح ۱۶۲۶، الکافی، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۸ عن حجاج و فی «لا یمرض بأشْر» بدل «یأشْر»، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۱۴ عن الإمام زین العابدین علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۵۸؛ المصنّف لابن أبی شیبّه، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۲۷ عن حجاج بن محمد نحوه، حلیة الأولیاء، ج ۳، ص ۱۳۴، سیر أعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۶ کلاهما عن حجاج عن الإمام الباقر علیه السلام و کلها عن الإمام زین العابدین علیه السلام.
- [۲۷۶] (۴) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۸۸ نقلاً عن الخیر المشتهر بتوحید المفضّل.
- [۲۷۷] (۱) نثر الدرّ، ج ۱، ص ۳۵۴، الدعوات، ص ۱۷۴، ح ۴۸۹، بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۸، ح ۱۸.
- [۲۷۸] (۲) جامع الأحادیث، ص ۸۵، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۴، ح ۸۳ نقلاً عن الإمامة و التبصرة عن السکونی، عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام.

[٢٧٩] (٣) الجعفریات، ص ٢٤٥ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، جامع الأحاديث، ص ٨٦ بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢٤٤، ح ٨٣؛ الثقات لابن حبان، ج ٦، ص ٩٦، شعب الإيمان، ج ٧، ص ١٨١، ح ٩٩٢٥ كلاهما عن أبي أيوب الأنصاري، وفيهما «الأمراض» بدل «الوجع» و ح ٩٩٢٦، الفرج بعد الشدة لابن أبي الدنيا، ص ١٩، ح ١٢ كلاهما عن الحسن، وفيهما «الأذى» بدل «الوجع»، كنز العمال، ج ٣، ص ٣٠٥، ح ٦٦٧٢ إلى ٦٦٧٤.

[٢٨٠] (٤) تاريخ دمشق، ج ٦٤، ص ١٦١، ح ١٣٠٨٥، الفردوس، ج ١، ص ١٩٠، ح ٧١٣، كنز العمال، ج ٣، ص ٣١٢، ح ٦٧١١ نقلًا عن المعجم الكبير و كلها عن أبي الدرداء.

[٢٨١] (٥) الفردوس، ج ٤، ص ٢٧، ح ٦٠٨٢ عن عمر بن الشريد.

[٢٨٢] (٦) مسند ابن حنبل، ج ١، ص ٤١٤، ح ١٦٩٠، المستدرک علی الصحیحین، ج ٣، ص ٢٩٧، ح ٥١٥٣، المصنّف لابن أبي شيبة، ج ٣، ص ١١٨، ح ٨ وفيه «حظه» بدل «حطه» و كلها عن أبي عبيدة بن الجراح، كنز العمال، ج ١٥، ص ٩٠٢، ح ٤٣٥٥٣ و راجع السنن الكبرى، ج ٣، ص ٥٢٤.

[٢٨٣] (٧) سنن أبي داود، ج ٣، ص ١٨٢، ح ٣٠٨٩، تهذيب الكمال، ج ١٤، ص ٨٧ نحوه و كلاهما عن عامر الرام، كنز العمال، ج ٣، ص ٣٠٧، ح ٦٦٨٦.

[٢٨٤] (١) المستدرک علی الصحیحین، ج ١، ص ٤٩٩، ح ١٢٨٦، تاريخ دمشق، ج ٥٤، ص ١٢٤، ح ١١٤٠٠ وفيه «المؤمن» بعد عبده و «يُخَفَّف» بدل «يُكْفَرُ ذَلِكَ» و كلاهما عن أبي هريرة، المعجم الكبير، ج ٢، ص ١٢٩، ح ١٥٤٨ عن جبير بن مطعم، كنز العمال، ج ٣، ص ٣٣٥، ح ٦٨٢٠.

[٢٨٥] (٢) المستدرک علی الصحیحین، ج ٤، ص ٣٤٨، ح ٧٨٧١، المعجم الكبير، ج ٨، ص ١٦٧، ح ٧٧٠١ نحوه و كلاهما عن أبي امامة، كنز العمال، ج ٣، ص ٣٠٤، ح ٦٦٦٧.

[٢٨٦] (٣) مسند ابن حنبل، ج ٥، ص ١٩٤، ح ١٥١٤٨، صحيح ابن حبان، ج ٧، ص ١٩٠، ح ٢٩٢٧ نحوه، مسند الطيالسي، ص ٢٤٦، ح ١٧٧٣ كلها عن جابر، كنز العمال، ج ٣، ص ٣١٦، ح ٦٧٢٨.

[٢٨٧] (٤) اسد الغابة، ج ٣، ص ٢٥٦ عن عبد الله بن سيرة، كنز العمال، ج ٣، ص ٣١٥، ح ٦٧٢٥.

[٢٨٨] (٥) مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٣، ح ٢٤٣٣.

[٢٨٩] (٦) النوادر للراوندي، ص ١٥٠، ح ٢١٣، الجعفریات، ص ٣٣ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ١، ص ١٧٩ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الدعوات، ص ١٧٣، ح ٤٨٦، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ١٨٦، ح ٤٣؛ الفردوس، ج ١، ص ٣٧٣، ح ١٥٠٤ عن الإمام علي عليه السلام.

[٢٩٠] (٧) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٦٤، ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو، و أنس بن محمّد عن أبيه، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ٣٢٧، ح ٢٦٥٦ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه، عن الإمام علي عليه السلام، ثواب الأعمال، ص ٢٢٨، ح ٣ نحوه، بحار الأنوار، ج ٧٧، ص ٥٤، ح ٣؛ تاريخ بغداد، ج ٢، ص ١٩١ عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال، ج ٣، ص ٣١١، ح ٦٧٠٥.

[٢٩١] (١). في المصدر: «تخلصين»، و التصويب من كنز العمال.

[٢٩٢] (٢) تاريخ بغداد، ج ٣، ص ٤١١، كنز العمال، ج ٣، ص ٣١٧، ح ٦٧٣٦.

[٢٩٣] (٣) سنن أبي داود، ج ٣، ص ١٨٤، ح ٣٠٩٢، المنتخب من مسند عبد بن حميد، ص ٤٥١، ح ١٥٦٤، المعجم الكبير، ج ٢٥، ص ١٤١، ح ٣٤٠، اسد الغابة، ج ٧، ص ٣٥٩ وفيهما «خبث الحديد» بدل «خبث الذهب و الفضّة»، كنز العمال، ج ٣، ص ٣٠٦، ح ٦٦٧٦.

[٢٩٤] (٤) سنن الترمذي، ج ٤، ص ٤١١، ح ٢٠٨٦، المعجم الأوسط، ج ٥، ص ٢٢٩، ح ٥١٦٦، كنز العمال، ج ٣، ص ٣١٦، ح ٦٧٣٢

نقلًا عن البيزاري والديلمي وابن عساكر وكلها عن أنس؛ الدعوات، ص ٢٢٤، ح ٦١٨.

[٢٩٥] (٥) الفردوس، ج ١، ص ٢٦١، ح ١٠١٥ عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال، ج ٦، ص ٤٧٢، ح ١٦٦٠٢.

[٢٩٦] (١) في المصدر «الذنب»، والتصويب من كنز العمال.

[٢٩٧] (٢) معجم السفر، ص ٣٨٧، ح ١٣٠٩، كنز العمال، ج ٣، ص ٣١٢، ح ٦٧١٠ نقلًا عن الحاكم في تاريخه والديلمي وكلاهما عن أنس.

[٢٩٨] (٣) دعائم الإسلام، ج ١، ص ٢١٨، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ١٧٦، ح ١٣.

[٢٩٩] (٤) نهج البلاغة: الحكمة ٤٢، الأمالي للطوسي، ص ٦٠٢، ح ١٢٤٥ عن عبد العظيم بن عبد الله الحسنی عن الإمام الجواد عن آباءه عليهم السلام، تفسير العياشي، ج ٢، ص ١٠٤، ح ٩٩ عن عبد الرحمن بن حرب وكلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ٥، ص ٣١٧، ح ١٥.

[٣٠٠] (٥) تحف العقول، ص ٢٨٠، بحار الأنوار، ج ٧٨، ص ١٣٨، ح ١٠؛ شرح نهج البلاغة، ج ٢٠، ص ٣٠٩، ح ٥٤١ عن الإمام علي عليه السلام نحوه.

[٣٠١] (٦) ثواب الأعمال، ص ٢٢٩، ح ١ عن محمد بن سنان، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧١، ح ٢٤٢٥، عدّة الداعي، ص ١١٦ عن الإمام الصادق عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ١٨٣، ح ٣٥.

[٣٠٢] (١) الدعوات، ص ١٧٢، ح ٤٨٣، دعائم الإسلام، ج ١، ص ٢٢٠ نحوه، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ١٧٤، ح ١١؛ كنز العمال، ج ٣، ص ٣٣٥، ح ٦٨٢٢.

[٣٠٣] (٢) الفردوس، ج ١، ص ١٢٣، ح ٤٢٢ عن أبي امامة.

[٣٠٤] (٣) الفردوس، ج ٣، ص ١٥٧، ح ٤٤٢٤ عن الإمام علي عليه السلام.

[٣٠٥] (٤) المعجم الكبير، ج ١٢، ص ٩٥، ح ١٢٦٥١ عن ابن عباس، كنز العمال، ج ٤، ص ٤٠٧، ح ١١١٤٠.

[٣٠٦] (٥) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٧٥، ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه، الخصال، ص ١٧٠، ح ٢٢٤ عن حماد بن عمرو، وكلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه، عن الإمام علي عليهم السلام، الأمالي للصدوق، ص ٥٥٣، ح ٧٤١ عن أبان بن عثمان، عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، الدعوات، ص ٢٢٤، ح ٦١٦ نحوه، بحار الأنوار، ج ٧٧، ص ٦٠، ح ٣ نقلًا عن مكارم الأخلاق.

[٣٠٧] (١) در متن عربی روایت، هفتاد «خریف» آمده و آن، کنایه از یک سال است؛ اما در روایتی که در الخصال و معانی الأخبار نقل شده، برابر با هفتاد سال معنا گردیده است.

[٣٠٨] (١) إرشاد القلوب، ص ٤٢.

[٣٠٩] (٢) الكافي، ج ٢، ص ٤٤٤، ح ١، التمهيد، ص ٣٨، ح ٣٥، كلاهما عن حمران، المؤمن: ص ١٨، ح ١١، مشكاة الأنوار، ص ٢٧٤، ح ٨٢٠ بحار الأنوار، ج ٨١، ص ١٩٨، ح ٥٤.

[٣١٠] (٣) التوحيد، ص ٤٠١، ح ٣، الأمالي للصدوق، ص ٥٩٠، ح ٨١٧، كلاهما عن محمد بن المنكدر، الدعوات، ص ١٦٦، ح ٤٥٨، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٠٦، ح ١٢.

[٣١١] (٤) طب الأنبياء لابن بسطام، ص ١٥ عن محمد بن سنان، عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ١٨٥، ح ٣٩.

[٣١٢] (١) الكافي، ج ٣، ص ١١٤، ح ٩، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧١، ح ٢٤٢٤، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٠٠، ح ٥٧.

[٣١٣] (٢) الكافي، ج ٣، ص ١١٤، ح ٦، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧١، ح ٢٤٢٣، كلاهما عن زرارة.



- [۳۱۴] (۱) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۴۱ و راجع: كنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۳، ح ۶۶۶۰.
- [۳۱۵] (۲) المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۸۲، ح ۲۳۶، حلیة الأولیاء، ج ۱۰، ص ۲۴، تاریخ دمشق، ج ۵، ص ۲۳۴، ح ۱۲۶۵، کلها عن أبی موسی الأشعری.
- [۳۱۶] (۳) الأمالی للطوسی، ص ۳۸۴، ح ۸۳۲ عن أنس، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۸۳، ح ۳۳؛ كنز العمال، ج ۳، ص ۳۴۰، ح ۶۸۴۳ نقلًا عن ابن النجار عن أنس.
- [۳۱۷] (۴) مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۲۹۷، ح ۱۲۵۰۵، مسند أبی یعلی، ج ۴، ص ۱۹۶، ح ۴۲۱۸، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۶۶۹۵؛ عوالی اللالی، ج ۱، ص ۱۰۰، ح ۱۹ کلها عن أنس.
- [۳۱۸] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۳۱۹] (۱) سنن الدارمی، ج ۲، ص ۷۷۲، ح ۲۶۶۸، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۴۹۹، ح ۱۲۸۷، مسند ابن حنبل، ج ۲، ص ۵۵۱، ح ۶۴۹۲، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۱۵، ح ۶۷۲۴، نقلًا عن هناد، و کلها عن عبد الله بن عمرو.
- [۳۲۰] (۲) ثواب الأعمال، ص ۲۳۰، ح ۱ عن إبراهيم بن عبد الحمید، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۲، ح ۲۴۲۷ کلاهما عن الإمام الكاظم علیه السلام، عدّة الداعی، ص ۱۱۵، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۸۴، ح ۳۵.
- [۳۲۱] (۳) الکافی، ج ۳، ص ۱۱۳، ح ۱ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۸۳، ح ۳۲؛ مسند الطیالسی، ص ۴۶، ح ۳۴۶ عن عبد الله بن مسعود نحوه، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۳، ح ۶۶۶۵.
- [۳۲۲] (۱) الکافی، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۵ عن عبد الحمید، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۸۷، ح ۳۴.
- [۳۲۳] (۲) الکافی، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۷ عن درست، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۲، ح ۲۴۳۰، طبّ الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۶ عن المفصل بن عمر عن الإمام الصادق عن أبيه علیهما السلام و فيه «و هو صحیح فی صحیفته» بدل «فی صحته»، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۸۵، ح ۳۶.
- [۳۲۴] (۱) برای دیدن متن کامل روایت، ر. ک: ج ۱، ص ۱۴۷ ح ۱۷۷.
- [۳۲۵] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۱۵۱، ح ۱۸۸.
- [۳۲۶] (۱) الدعوات، ص ۱۶۷، ح ۴۶۲، الأمالی للمفید، ص ۸، ح ۴ عن عبد الله بن إبراهيم، عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله، تحف العقول، ص ۲۹۵ عن الإمام الباقر علیه السلام، و کلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۰۸، ح ۲۳؛ كنز العمال، ج ۳، ص ۲۹۹، ح ۶۶۴۳ نقلًا عن حلیة الأولیاء، عن ابن عمر.
- [۳۲۷] (۲) المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۸۷۵ عن أبی هریره، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۱۷، ح ۶۷۳۸.
- [۳۲۸] (۳) ما بین المعقوفین أثبتناه من شرح نهج البلاغة.
- [۳۲۹] (۴) ربيع الأبرار، ج ۱، ص ۳۶۹، شرح نهج البلاغة، ج ۱، ص ۹۴.
- [۳۳۰] (۱) این عبارت از شرح نهج البلاغة گرفته شده است.
- [۳۳۱] (۱) الخصال، ص ۶۳۰، ح ۱۰ عن أبی بصیر، و محمد بن مسلم، عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۰، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۰۳، ح ۵.
- [۳۳۲] (۲) غرر الحکم، ح ۱۱۴۶، عیون الحکم و المواعظ، ص ۷۰، ح ۱۷۸۶.
- [۳۳۳] (۳) نهج البلاغة: الحکمة ۲۸۹، الکافی، ج ۲، ص ۲۳۷، ح ۲۶ عن الإمام الحسن علیه السلام، مشکاة الأنوار، ص ۴۲۱، ح ۱۴۱۷، کلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۰۴، ح ۸.

- [۳۳۴] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۲۳۸، ح ۲۵۷۴، جامع الأخبار، ص ۳۱۱، ح ۸۶۰ بحار الأنوار، ج ۸۱ ص ۲۱۱، ح ۲۸.
- [۳۳۵] (۱) الكافي، ج ۳، ص ۱۱۶، ح ۶، الدعوات، ص ۱۶۷، ح ۴۶۶ عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱ ص ۲۰۸، ح ۲۳.
- [۳۳۶] (۲) غرر الحكم، ح ۸۵۴۵، عيون الحكم و المواعظ، ص ۴۵۰، ح ۸۰۱۸.
- [۳۳۷] (۳) غرر الحكم، ح ۸۶۱۲، عيون الحكم و المواعظ، ص ۴۶۰، ح ۸۳۵۴.
- [۳۳۸] (۴) غرر الحكم، ح ۱۰۵۱۶، عيون الحكم و المواعظ، ص ۵۳۲، ح ۹۷۰۷.
- [۳۳۹] (۵) الجعفریات، ص ۲۱۱، عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۱۷؛ الفردوس، ج ۵، ص ۵۳۷، ح ۹۰۱۴، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۱۱، ح ۶۷۰۶ نقلًا عن أبي نعيم، و كلاهما عن الإمام علي عليه السلام و كلها نحوه.
- [۳۴۰] (۱) الزهد لابن المبارك (الملحقات)، ص ۳۰، ح ۱۲۰ عن عبد العزيز بن عمر.
- [۳۴۱] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۶، ح ۴۹۶۸، الأمالي للصدوق، ص ۵۱۷، ح ۷۰۷ كلاهما عن الحسين بن زيد، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۲۶۵۵ كلها عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۸۱ ص ۱۷۷، ح ۱۷.
- [۳۴۲] (۳) الكافي، ج ۳، ص ۱۱۵، ح ۱ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام.
- [۳۴۳] (۴) دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۱۷، بحار الأنوار، ج ۸۱ ص ۲۱۱، ح ۲۹.
- [۳۴۴] (۵) الكافي، ج ۳، ص ۱۱۶، ح ۱، معاني الأخبار، ص ۱۴۲، ح ۱ كلاهما عن جميل بن صالح و ليس فيه من «إن الرجل» إلى هذا شكايه.
- [۳۴۵] (۱) البته اين كيفر، در صورتی است كه بی تابي، او را به كفر گویی و ارتداد، وادار سازد.
- [۳۴۶] (۱) الموطأ، ج ۲، ص ۹۴۰، ح ۵ عن عطاء بن يسار، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۱۰، ح ۶۷۰۴ نقلًا عن الدارقطني في الغرائب، و ابن صخر في عوالي مالك، عن أبي هريرة.
- [۳۴۷] (۲) الكافي، ج ۳، ص ۱۱۶، ح ۵، ثواب الأعمال، ص ۲۲۹، ح ۱ عن أبي عبد الرحمن، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۰، ح ۲۴۲۱، كلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱ ص ۲۰۵، ح ۱۱.
- [۳۴۸] (۱) الفردوس، ج ۴، ص ۱۱۸، ح ۶۳۶۸ عن أنس، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۴، ح ۲۸۱۸۴.
- [۳۴۹] (۲) الجامع الصغير، ج ۱، ص ۶۴۲، ح ۴۱۶۶، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۳، ح ۲۸۱۸۲، كلاهما نقلًا عن الفردوس، عن ابن عمر.
- [۳۵۰] (۳) نهج البلاغة: الحكمة ۷، الدعوات، ص ۱۸۱، ح ۵۰۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۹، ح ۶۲.
- [۳۵۱] (۴) الكافي، ج ۴، ص ۴، ح ۹، عن عبد الله بن سنان، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۶، ح ۱۷۳۲، الدعوات، ص ۲۲۷، ح ۶۳۴، بحار الأنوار، ج ۸۱ ص ۲۰۹، ح ۲۵.
- [۳۵۲] (۵) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۲۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۵، ح ۳۰.
- [۳۵۳] (۶) مسند زيد، ص ۱۸۱، عن زيد بن علي عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، الكافي، ج ۲، ص ۵۶۷، ح ۱۶ عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام، الدعوات، ص ۱۹۲، ح ۵۳۱ كلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۹، ح ۱۹؛ صحيح ابن حبان، ج ۳، ص ۲۰۲، ح ۹۲۲، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۷۰۴، ح ۱۹۱۷، الدعاء للطبرانی، ص ۴۲۸، ح ۱۴۵۲، كلها عن عائشة نحوه، كنز العمال، ج ۲، ص ۱۹۰، ح ۳۶۹۸.
- [۳۵۴] (۱) مسند زيد، ص ۱۸۱ عن زيد بن علي عن أبيه عن جدّه عليهم السلام.
- [۳۵۵] (۲) السنن الكبرى للنسائي، ج ۶، ص ۱۶۵، ح ۱۰۴۸۱، المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۷، ص ۵۶، ح ۸ حلية الأولياء، ج ۷، ص

۲۳۰، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۰۱، ح ۲۸۵۱۹.

[۳۵۶] (۳) الصحیفة السجادیة، ص ۶۵ الدعاء ۱۵، الدعوات، ص ۱۷۴، ح ۴۹۰.

[۳۵۷] (۱) الإسراء: ۵۶.

[۳۵۸] (۲) الکافی، ج ۲، ص ۵۶۴، ح ۱، عدّة الداعی، ص ۲۵۶، الدعوات، ص ۱۹۰، ح ۵۲۸، بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۸، ح ۱۸.

[۳۵۹] (۱) ثواب الأعمال، ص ۳۴۱، ح ۱ عن ابن عباس، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۲۵، ح ۳۵.

[۳۶۰] (۲) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶، ح ۴۹۶۸، الأمالی للصدوق، ص ۵۱۷، ح ۷۰۷، کلاهما عن الحسین ابن زید،

عن الإمام الصادق عن آباءه علیهم السلام، ثواب الأعمال، ص ۳۴۱، ح ۱ عن ابن عباس نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱۷، ح ۹؛

الفردوس، ج ۳، ص ۵۴۸، ح ۵۷۱۱ عن أبی هريرة، و ليس فيه من «فقال رجل...».

[۳۶۱] (۱) المعجم الكبير، ج ۶، ص ۲۴۱، ح ۶۱۰۷ عن سلمان، کنز العمال، ج ۹، ص ۹۷، ح ۲۵۱۵۷؛ الدعوات، ص ۲۳۰، ح ۶۳۹،

بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۲۴، ح ۳۲.

[۳۶۲] (۲) الکافی، ج ۴، ص ۵۴۵، ح ۲۷.

[۳۶۳] (۳) یوسف: ۳۶.

[۳۶۴] (۴) تفسیر القمّی، ج ۱، ص ۳۴۴، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۲۳۰، ح ۵.

[۳۶۵] (۵) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۴۰، ح ۳۴۴۴، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲۰۴۰، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱،

ص ۵۰۲، ح ۱۲۹۶، و ليس فيهما «و الشراب»، و کلّها عن عقبه بن عامر، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۱، ح ۲۸۳۱۵؛ دعائم الإسلام، ج ۲،

ص ۱۴۴، ح ۵۰۶ و ليس فيه «و الشراب»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۲، ح ۱۳.

[۳۶۶] (۶) سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۶۳، ح ۱۴۳۹ و ج ۲، ص ۱۱۳۸، ح ۳۴۴۰، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۵، ح ۲۸۱۴۱.

[۳۶۷] (۱) تهذيب الأحكام، ج ۱۰، ص ۱۲۷، ح ۵۰۹ عن حذيفة بن منصور.

[۳۶۸] (۲) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۴۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۱، ح ۱۴.

[۳۶۹] (۳) هي الرّبيّ بنت مَعُوذ بن عفراء.

[۳۷۰] (۴) السنن الكبرى للنسائي، ج ۵، ص ۲۷۸، ح ۸۸۸۱، مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۲۸۹، ح ۲۷۰۸۵.

[۳۷۱] (۵) الرباعيّة: إحدى الأسنان الأربع التي تلي الثنايا، بين الثنّية و الناب (لسان العرب، ج ۸، ص ۱۰۸).

[۳۷۲] (۶) صحيح البخاري، ج ۵، ص ۲۱۶۲، ح ۵۳۹۰، المعجم الكبير، ج ۶، ص ۱۷۲، ح ۵۸۹۷.

[۳۷۳] (۱) مقصود، ربيّ، دختر معوذ بن عفراء است.

[۳۷۴] (۱) السيرة النبوية لابن هشام، ج ۳، ص ۲۵۰، تاريخ الطبري، ج ۲، ص ۵۸۶، اسد الغابة، ج ۷، ص ۱۱۱ کلاهما نحوه.

[۳۷۵] (۲) المعجم الصغير، ج ۱، ص ۱۱۷، المعجم الكبير، ج ۱، ص ۲۵۶، ح ۷۴۰، حلية الأولياء، ج ۸، ص ۲۶۵.

[۳۷۶] (۳) صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۴۳، ح ۱۳۵، سنن أبي داود، ج ۳، ص ۱۸، ح ۲۵۳۱، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۱۳۹، ح

۱۵۷۵، السنن الكبرى للنسائي، ج ۴، ص ۳۶۹، ح ۷۵۵۷.

[۳۷۷] (۱) چهار دندان واقع میان دندانهای پیشین (ثنايا) و دندانهای نیش را در دو فک بالا و پایین، «رباعي» می نامند.

[۳۷۸] (۱) الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۲۵.

[۳۷۹] (۲) الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۹۲.

[۳۸۰] (۳) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۱۲۵، ح ۱۵۵۶، صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۴۴، ح ۱۳۷، مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۶۶۰، ح

۲۸۱۲؛ الخصال، ص ۲۳۵، ح ۷۵ عن عبيد الله بن عليّ الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام و کلّها نحوه، بحار الأنوار، ج ۹۶، ص

[۳۸۱] (۴) صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۴۷، ح ۱۴۲، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۵۲، ح ۲۸۵۶، سنن الدارمی، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۲۳۳۳، السنن الکبریٰ للنسائی، ج ۵، ص ۲۷۸، ح ۸۸۸۰، و لیس فیها «و أقوم علی المرضی».

[۳۸۲] (۱) مقصود از «حروری»، خارجی یا منسوب به خوارج است. در متون قدیم، از خوارج با واژه حروریه نیز یاد شده است. نجاه نیز همان کسی است که یکی از گروه‌های عمده خوارج را به او نسبت داده‌اند. م.

[۳۸۳] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۳۲۴، ح ۲۷۲۰۶، الطبقات الکبریٰ، ج ۸، ص ۲۹۳.

[۳۸۴] (۲) السنن الکبریٰ للنسائی، ج ۵، ص ۲۷۷، ح ۸۸۷۹، مسند ابن حنبل، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۲۲۳۹۵ و فیہ «تمرّاً بدل الثّمَر».

[۳۸۵] (۱) معنای سوبق در ج ۲ صفحه ۳۷۵ خواهد آمد.

[۳۸۶] (۱) الطبقات الکبریٰ، ج ۸، ص ۲۲۵، الإصابه، ج ۸، ص ۳۶۱.

[۳۸۷] (۲) الطبقات الکبریٰ، ج ۸، ص ۴۱۲، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۷۸ نحوه.

[۳۸۸] (۳) الطبقات الکبریٰ، ج ۸، ص ۴۱۶، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۸۱.

[۳۸۹] (۴) الطبقات الکبریٰ، ج ۸، ص ۴۱۴، سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۸۰، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۲۶۷.

[۳۹۰] (۱) مقصود از شب عقبه همان شبی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن با انصار بر اسلام آوردن آنان و یاری رساندن ایشان به اسلام بیعت کرد.

[۳۹۱] (۲) «عمره القضیه» که «عمره القضاء» نیز نامیده می‌شود، عمره‌ای است که پیامبر خدا در سال هفتم هجرت و به جای عمره‌ای که در سال ششم (در جریان غزوه‌ای که به «صلح حدیبیه» انجامید)، قصد انجام دادن آن را داشت، به جای آورد.

[۳۹۲] (۱) الطبقات الکبریٰ، ج ۸، ص ۴۱، شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۲۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۱۳۲.

[۳۹۳] (۱) الفردوس، ج ۳، ص ۸۱، ح ۴۲۲۶ عن عائشه.

[۳۹۴] (۲) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۰۵۵، ح ۵۰۵۸ و ۲۱۳۹، ح ۵۳۲۵، سنن أبی داوود، ج ۳، ص ۱۸۷، ح ۳۱۰۵، صحیح ابن حبان، ج ۸، ص ۱۱۶، ح ۳۳۲۴، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۶۷، ح ۴۳۴۵۱، نقلًا عن المعجم الکبیر، و کلّها عن أبی موسی الأشعری.

[۳۹۵] (۳) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۱، ح ۵۷۶۲ عن حمّاد بن عمرو، و أنس بن محمّد عن أبیه، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۲۶۵۶، کلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، مصادقه الإخوان، ص ۱۶۴، ح ۹ عن الإمام الصادق عن أبیه

علیهما السلام عنه صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۵۲، ح ۳؛ الإخوان لابن أبی الدنیا، ص ۱۶۱، ح ۱۰۱ عن مکحول، کنز العمال، ج ۹، ص ۲۷، ح ۲۴۷۵۸.

[۳۹۶] (۴) مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۴۷، ح ۱۱۱۸۰، الأدب المفرد، ص ۱۵۸، ح ۵۱۸، صحیح ابن حبان، ج ۷، ص ۲۲۱، ح ۲۹۵۵، کلاهما نحوه، و کلّها عن أبی سعید الخدری، کنز العمال، ج ۹، ص ۹۵، ح ۲۵۱۴۳.

[۳۹۷] (۱) تاریخ دمشق، ج ۳۹، ص ۱۱۴، کنز العمال، ج ۷، ص ۵۰، ح ۱۷۹۰۰.

[۳۹۸] (۲) الجعفریات، ص ۱۵۹ عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۲۴۳۸ و فیہ «عاد صلی الله علیه و آله جاراً له یهودیّاً» و راجع سنن أبی داوود، ج ۳، ص ۱۸۵، ح ۳۰۹۵.

[۳۹۹] (۳) شرح نهج البلاغه ج ۲۰، ص ۲۹۷، ح ۴۰۵.

[۴۰۰] (۴) الجعفریات، ص ۲۴۰ عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام، روضه الواعظین، ص ۴۲۵ و فیہ «أحسن الحسنات عیاده المریض و أمرنا رسول الله صلی الله علیه و آله عیاده المریض»؛ المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۳۳۶، ح ۸۴۳، اسد الغابه، ج ۱، ص ۱۷۴

کلاهما عن أبی رهم السمعی، عن رسول الله صلی الله علیه و آله و فیهما «إنّ من الحسنات»، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۹۶، ح

[۴۰۱] (۵) الکافی، ج ۲، ص ۶۳۵، ح ۳ و ج ۸، ص ۱۴۶، ح ۱۲۱ کلاهما عن حبيب الخثعمی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۹۱ عن ابن سنان نحوه و فيه «سمعته يقول...».

[۴۰۲] (۶) حلیة الأولیاء، ج ۴، ص ۴۵، الدرّ المنثور، ج ۳، ص ۵۴۲ نقلًا عن أحمد.

[۴۰۳] (۱) در روضه الواعظین، به جای عبارت «من أحسن الحسنات عیادة المریض» که متن برگزیده مؤلف است، عبارت «أحسن الحسنات عیادة المریض و أمرنا رسول الله عیادة المریض» آمده است؛ یعنی: «عیادت بیمار، پسندیده‌ترین کارهای نیک است و پیامبر خدا، ما را به عیادت بیمار، امر فرموده است».

[۴۰۴] (۱) الفردوس، ج ۳، ص ۴۴، ح ۴۱۱۱ عن ابن عمر، کنز العمال، ج ۹، ص ۹۷، ح ۲۵۱۵۴.

[۴۰۵] (۲) الفردوس، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۲۹۶۲ عن أبی هریره.

[۴۰۶] (۳) المجازات النبویة، ص ۳۸۰، ح ۲۹۵، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۷۹ عن جابر بن عبد الله الأنصاری نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۲۹، ح ۴۲؛ مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۳۰، ح ۱۴۲۶۴ و فيه «یرجع» بدل «یجلس»، صحیح ابن حبان، ج ۷، ص ۲۲۲، ح ۲۹۵۶، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۰۱، ح ۱۲۹۵، السنن الکبری، ج ۳، ص ۵۳۴، ح ۶۵۸۳ کلها عن جابر بن عبد الله، کنز العمال، ج ۹، ص ۱۰۰، ح ۲۵۱۷۱.

[۴۰۷] (۴) المجازات النبویة، ص ۱۱۳، ح ۸۰؛ مسند ابن حنبل، ج ۸، ص ۳۲۸، ح ۲۲۴۶۷، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۸۹، ح ۳۹، صحیح ابن حبان، ج ۷، ص ۲۲۳، ح ۲۹۵۷ کلها عن ثوبان و کلاهما نحوه، کنز العمال، ج ۹، ص ۹۵، ح ۲۵۱۴۲.

[۴۰۸] (۵) صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۸۹، ح ۴۲، مسند ابن حنبل، ج ۸، ص ۳۲۵، ح ۲۲۴۵۲، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۱۰۱، ح ۱۴۴۵، سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۹۹، ح ۹۶۷ و ص ۳۰، ح ۹۶۸ کلاهما نحوه، کنز العمال، ج ۹، ص ۱۰۱، ح ۲۵۱۷۹.

[۴۰۹] (۶) الکافی، ج ۳، ص ۱۲۱، ح ۱۰ عن مسعدة بن صدقة، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۲۴۵۴ کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام، قرب الإسناد، ص ۱۳، ح ۴۰، و فیهما «تبوّأت من الجنّة منزلاً» بدل «بثواب من الجنّة»، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱۴، ح ۱؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۶۵، ح ۲۰۰۸، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۶۴، ح ۱۴۴۳، تاریخ دمشق، ج ۳۸، ص ۳۷۱، کلها عن أبی هریره نحوه، کنز العمال، ج ۹، ص ۹۴، ح ۲۵۱۳۴.

[۴۱۰] (۱) سید رضی در تفسیر این حدیث می گوید: این یک استعاره است و مقصود از آن نیز بیان فراوانی پاداش سرشار و ثواب بسیاری است که عیادت کننده بیمار از آن برخوردار می شود. از همین روی پیامبر صلی الله علیه و آله عیادت کننده را در این حالت به کسی تشبیه کرده است که در هنگام گام برداشتن به درون دریای رحمت الهی گام برمی دارد و هنگامی که نزد بیمار می نشیند، به تمام وجود در آن دریا غوطه ور می شود.

[۴۱۱] (۲) سید رضی، در تفسیر این روایت، به دو احتمال پرداخته و در این باره، چنین گفته است: «در این روایت، بنا بر هر یک از دو تفسیر، مجازی وجود دارد؛ چه، اگر مقصود از "مخارف" [در متن حدیث یعنی "عائد المریض علی مخارف الجنّة"]، "جمع کلمه "مخرف" به معنای چیدن نخل باشد، در این صورت، گویا پیامبر خدا برای کسی که به عیادت بیماری برود، بر ورود وی به بهشت، گواهی داده و آن را حتمی دانسته است تا جایی که در حالی که هنوز آن بنده در دنیا، یعنی سرای تکلیف به سر می برد، از باب اعتماد کامل به بهشتی بودن وی و جای گرفتن او در این سرای امن، درباره وی با عبارتی به بیان حالش پرداخته که گویا همین اکنون، در بهشت جای گرفته و آن جا استقرار یافته است. همین نکته، خود مجاز موجود در حدیث است. اگر مقصود از "مخارف"، "جمع" مخرفه" به معنای راه باشد، چنان که از یکی از صحابیان نیز نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: "و ترکتکم علی مثل مخرفه النعم؛ شما را بر گذرگاه آشکار نعمت‌ها گذاردم و آن را با گام‌هایی که بر آن نهاده شده و آمد و شد

فراوانی که در آن صورت پذیرفته است، نشانه گذاری کردم،<sup>۹</sup> در این صورت، محلّ مجاز در سخن پیامبر صلی الله علیه و آله این است که ایشان، عیادت کننده بیمار را به سان کسی دانسته که در راهی گام نهاده است که به بهشت می‌رسد و او را به سرای جاودانگی راهبر می‌شود».

[۴۱۲] (۳) مقصود از «خرفه»، میوه‌های نخل است که به گاه رسیده شدن، چیده می‌شود. گویا آن کس که به عیادت بیمار می‌رود، در پاداشی که به چنگ می‌آورد، کسی را می‌ماند که بر نخلی از نخل‌های بهشت است و میوه‌های آن را می‌چیند.

[۴۱۳] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۷۰۲، تاریخ دمشق، ج ۲۱، ص ۲۶۴، ح ۴۷۸۴، شعب الإیمان، ج ۶، ص ۵۳۱، ح ۹۱۷۲ عن عبد الله بن نافع عنه عليه السلام نحوه، كنز العمال، ج ۹، ص ۲۰۸، ح ۲۵۶۹۳.

[۴۱۴] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۴۰، ح ۳۸۴.

[۴۱۵] (۳) الكافي، ج ۳، ص ۱۲۱، ح ۹، ثواب الأعمال، ص ۲۳۱، ح ۱ كلاهما عن أبي الجارود، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۴۰، ح ۳۸۷، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱۷، ح ۱۱.

[۴۱۶] (۴) الكافي، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۴ و ص ۱۲۱، ح ۷ نحوه.

[۴۱۷] (۵) الكافي، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۶ عن وهب بن عبد ربه، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۷، ح ۲۴۵۲، المؤمن، ص ۵۸، ح ۱۴۷ نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۲۴، ح ۳۲ نقلًا عن الدعوات.

[۴۱۸] (۱) الكافي، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۵ عن صفوان الجمال، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۸۷، ح ۳۶.

[۴۱۹] (۲) الكافي، ج ۳، ص ۱۱۷، ح ۱، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۲۴۴۰، مستطرفات السرائر، ص ۸۶، ح ۳۵ و فيه «حسنه» بدل «عشر حسنات»، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱۸، ح ۱۲.

[۴۲۰] (۳) المعجم الأوسط، ج ۴، ص ۱۸، ح ۳۵۰۳، الفردوس، ج ۵، ص ۱۵۹، ح ۷۸۱۱ كلاهما عن أبي هريرة و فيه «لا- تجب عيادة» بدل «لا يعاد»، كنز العمال، ج ۹، ص ۱۰۳، ح ۲۵۱۸۸.

[۴۲۱] (۱) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۰۰، ح ۴۰۷۶؛ التاريخ الكبير، ج ۱، ص ۴۱۰، ح ۱۳۰۷ عن أيوب بن مسيرة و ليس فيه «و أهد...»، كنز العمال، ج ۹، ص ۹۷، ح ۲۵۱۵۰.

[۴۲۲] (۲) الكافي، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۳، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۲۴۵۹، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۲۷، ح ۳۹.

[۴۲۳] (۳) شعب الإیمان، ج ۶، ص ۵۴۱، ح ۹۲۱۴ عن جابر بن عبد الله، كنز العمال، ج ۹، ص ۱۰۳، ح ۲۵۱۹۱.

[۴۲۴] (۴) سنن الترمذی، ج ۵، ص ۷۶، ح ۲۷۳۱، مسند ابن حنبل، ج ۸، ص ۲۹۰، ح ۲۲۲۹۹، المعجم الكبير، ج ۸، ص ۲۱۲، ح ۷۸۵۴ کلها عن أبي امامة، كنز العمال، ج ۹، ص ۹۵، ح ۲۵۱۴۱؛ الكافي، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۵ عن أبي يحيى عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۲۴۳۹ كلاهما نحوه، الأمالی للطوسی، ص ۶۳۹، ح ۱۳۱۹ عن أبي امامة، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۲۳، ح ۲۷.

[۴۲۵] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۴۲۶] (۱) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۱۲، ح ۲۰۸۷، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۶۲، ح ۱۴۳۸، المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۳، ص ۱۲۴، ح ۵ کلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال، ج ۹، ص ۹۱، ح ۲۵۱۲۴؛ كنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۷۹ و فيه «يطيب» بدل «يطيب»، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۲۵، ح ۳۳.

[۴۲۷] (۲) نثر الدرّ، ج ۱، ص ۱۵۵.

[۴۲۸] (۳) السنن الكبرى للنسائي، ج ۶، ص ۲۵۸، ح ۱۰۸۸۲، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۳۶، ح ۷۴۸۷، سنن أبي

داوود، ج ٣، ص ١٨٧، ح ٣١٠٦ نحوه وفيه «عن النبي صلى الله عليه وآله: من عاد...» بدل «كان النبي صلى الله عليه وآله إذا عاد...»، كنز العمال، ج ٩، ص ٩٣، ح ٢٥١٣٢؛ مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ٢٤٥، ح ٢٥٩٤، الدعوات، ص ٢٢٣، ح ٦١٣ عن ابن عباس و كلاهما نحوه وفيهما «قال النبي صلى الله عليه وآله: من دخل على مريض فقال...».

[٤٢٩] (٤) صحيح البخارى، ج ٥، ص ٢١٤٨، ح ٥٣٥١، صحيح مسلم، ج ٤، ص ١٧٢٢، ح ٤٧، سنن الترمذى، ج ٥، ص ٥٦١، ح ٣٥٦٥ عن الحارث عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، كنز العمال، ج ٧، ص ١٣٥، ح ١٨٣٧٢؛ مكارم الأخلاق: ج ٢، ص ٢٤٥، ح ٢٥٩٣، المناقب لابن شهر آشوب، ج ١، ص ١١٦ عن محمد بن خابط، الأمالى للطوسى، ص ٦٣٨، ح ١٣١٥ عن الحارث عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٢٢، ح ٢٤.

[٤٣٠] (١) صحيح مسلم، ج ٤، ص ١٧١٨، ح ٤٠، سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ١١٦٤، ح ٣٥٢٣، سنن الترمذى، ج ٣، ص ٣٠٣، ح ٩٧٢، كنز العمال، ج ١٠، ص ٥٨، ح ٢٨٣٥٣؛ الأمالى للطوسى، ص ٦٣٨، ح ١٣١٦، بحار الأنوار، ج ١٨، ص ٢٦٨، ح ٣١ و راجع الكافى، ج ٨، ص ١٠٩، ح ٨٨.

[٤٣١] (٢) سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٤٦٣، ح ١٤٤١ عن عمر بن الخطاب؛ الكافى، ج ٣، ص ١١٧، ح ٣ عن سيف بن عميرة، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٣، ح ٢٤٣٤، مشكاة الأنوار، ص ٤٨٨، ح ١٦٢٩ كَلَّهَا عن الإمام الصادق عليه السلام و ح ١٦٣٠ عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام و كَلَّهَا نحوه، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢١٩، ح ١٥.

[٤٣٢] (٣) ثواب الأعمال، ص ٢٣٠، ح ٣ عن أبي عبيدة الحذاء، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٨، ح ٢٤٥٧، الدعوات، ص ٢٢٢، ح ٦٠٧، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢١٧، ح ١٠.

[٤٣٣] (١) دعائم الإسلام، ج ١، ص ٢١٨، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٢٨، ح ٤١.

[٤٣٤] (٢) مسند البرّار، ج ٢، ص ٢٥٥، ح ٦٦٣ عن عليّ بن عمر بن الإمام عليّ عليه السلام عن أبيه عن جدّه، كنز العمال، ج ٩، ص ٩٧، ح ٢٥١٤٩.

[٤٣٥] (٣) شعب الإيمان، ج ٦، ص ٥٤٣، ح ٩٢٢٢، الفردوس، ج ٣، ص ٨٠، ح ٤٢٢٤ كلاهما عن أنس، ربيع الأبرار، ج ٤، ص ١٠٥، كنز العمال، ج ٩، ص ٩٧، ح ٢٥١٥٥؛ الكافى، ج ٣، ص ١١٨، ح ٢ عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «العبادة قدر فواق ناقة أو حلب ناقة».

[٤٣٦] (٤) كنز العمال، ج ٩، ص ٩٧، ح ٢٥١٥٣ نقلًا عن الفردوس عن جابر.

[٤٣٧] (٥) مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢١٨، ح ١٢٢١ عن عثمان بن عفّان، شعب الإيمان، ج ٦، ص ٥٤٢، ح ٩٢١٨ عن جابر بن عبد الله، كنز العمال، ج ٩، ص ٩٤، ح ٢٥١٣٩.

[٤٣٨] (٦) مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٨، ح ٢٤٥٥.

[٤٣٩] (١) الكافى، ج ٣، ص ١١٨، ح ٦ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام، قرب الإسناد، ص ١٣، ح ٣٩، مستطرفات السرائر، ص ١٢٤، ح ٤ كلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢١٤، ح ١.

[٤٤٠] (٢) تاريخ بغداد، ج ١١، ص ٣٣٤، كنز العمّال، ج ٩، ص ٩٧، ح ٢٥١٥٢ نقلًا عن مسند أبي يعلى و زاد فيه «و أربعوا» و كلاهما عن جابر بن عبد الله.

[٤٤١] (٣) الأمالى للطوسى، ص ٦٣٩، ح ١٣١٨ عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٢٢، ح ٢٦؛ المرض و الكفّارات لابن أبي الدنيا، ص ١٦٨، ح ٢١٢.

[٤٤٢] (٤) الفردوس، ج ٣، ص ٨١، ح ٤٢٢٦ عن عائشة.

- [۴۴۳] (۵) شعب الإيمان، ج ۶، ص ۵۴۲، ح ۹۲۱۸ عن جابر بن عبد الله، كنز العمال، ج ۹، ص ۱۰۳، ح ۲۵۱۸۷ نقلًا عن الديلمي عن أنس نحوه.
- [۴۴۴] (۶) الكافي، ج ۳، ص ۱۱۷، ح ۱، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۲۴۴۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۲۶، ح ۳۷.
- [۴۴۵] (۷) الفردوس، ج ۳، ص ۴۴، ح ۴۱۱۱ عن ابن عباس.
- [۴۴۶] (۱) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۸، ح ۵۸۵۰ عن مسعدة بن صدقة، الأمالي للصدوق، ص ۸۴، ح ۵۱ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مشكاة الأنوار، ص ۱۴۸، ح ۳۵۲، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۲۲، ح ۳.
- [۴۴۷] (۲) صحيح البخاري، ج ۱، ص ۴۱۸، ح ۱۱۸۳، السنن الكبرى للنسائي، ج ۶، ص ۶۴، ح ۱۰۰۴۹، صحيح ابن حبان، ج ۱، ص ۴۷۶، ح ۲۴۱ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ۹، ص ۲۸، ح ۲۴۷۷۰؛ الكافي، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۶ عن علي بن عتبة عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه.
- [۴۴۸] (۳) الأمالي للطوسي، ص ۶۲۹، ح ۱۲۹۵ عن إسحاق بن جعفر العلوي أخو الإمام الكاظم عليه السلام، جامع الأخبار، ص ۴۶۴، ح ۱۳۰۷ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، المؤمن، ص ۶۱، ح ۱۵۶ عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱۹، ح ۱۸.
- [۴۴۹] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۳، ص ۳۷۰، ح ۹۲۵۳، صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۹۰، ح ۴۳ نحوه و كلاهما عن أبي هريرة.
- [۴۵۰] (۲) جامع الأحاديث للقمي، ص ۱۰۱، بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۳۴، ح ۳۳ نقلًا عن الإمامة و التبصرة.
- [۴۵۱] (۳) تحف العقول، ص ۸۷، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۳۳، ح ۲؛ كنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۸۳، ح ۴۴۲۱۵ نقلًا عن وكيع و العسكري في المواعظ.
- [۴۵۲] (۴) الدعوات، ص ۲۲۴، ح ۶۲۰ و ص ۲۷۷، ح ۸۰۱.
- [۴۵۳] (۵) سنن النسائي، ج ۴، ص ۴۰، الموطأ، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۱۵، تاريخ دمشق، ج ۸، ص ۳۲۶، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۷۲۰، ح ۴۲۸۶۹.
- [۴۵۴] (۱) شعب الإيمان، ج ۶، ص ۵۳۵، ح ۹۱۸۸، المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۵۵، ح ۱۵۲، عيون الأخبار لابن قتيبة، ج ۳، ص ۴۴ كلاهما نحوه و كلها عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ۹، ص ۱۰۳، ح ۲۵۱۸۹.
- [۴۵۵] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۹۶، ح ۴ و ص ۳۹۷، ح ۵ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، الدعوات، ص ۲۶۰، ح ۷۴۳ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۵۸، ح ۵۰۹۱ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۶۷، ح ۲۵.
- [۴۵۶] (۳) ذيل تاريخ بغداد لابن النجار، ج ۱۸، ص ۲۲۲، ح ۷۹۵ عن جابر بن عبد الله، كنز العمال، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۳۵۱۰.
- [۴۵۷] (۴) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۰۶ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۳، ح ۹.
- [۴۵۸] (۱) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۷۲، ح ۳۵۴۳، التاريخ الكبير، ج ۱، ص ۱۳۸، ح ۴۱۷، مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۲۰۷۵ كلها عن ابن عباس و ص ۱۶۹، ح ۵۸۱ عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها الإمام الحسين عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله و زاد فيه «و إذا كلمتموهم فليكن بينكم وبينهم قيد رمح»، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۵، ح ۲۸۳۳۹.
- [۴۵۹] (۲) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۰۶ عن محمد بن سنان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مشكاة الأنوار، ص ۶۷، ح ۱۰۲ عن الإمام الصادق عليه السلام و فيه «لا تنظروا» بدل «لا تديموا النظر» و ليس فيه «و المجدومين»، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۶، ح ۱۱.



- [٤٦٠] (١) كنز العمال، ج ١، ص ٢٤٣، ح ١٢٢٣ نقلًا عن ابن السني وأبي نعيم في الطبّ و شُعب الإيمان عن النعمان بن بشير.
- [٤٦١] (٢) في بحار الأنوار: «العبد المؤمن ببلاء» بدل «البدن بداء».
- [٤٦٢] (٣) في بحار الأنوار: «العروق والأوصال...». وقال المجلسي قدس سره: والمراد بالأوصال: مفاصل البدن وما يصير سببا لوصولها؛ فإنّ بها تتمّ الحركات المختلفة من القيام والعود وتحريك الأعضاء (بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٢٩).
- [٤٦٣] (٤) طبّ الإمام الرضا عليه السلام، ص ١٠، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٠٩.
- [٤٦٤] (١) الخصال، ص ٥١٤، ح ٣، علل الشرائع، ص ١٠٠، ح ١ وفيه «رقيقا» بدل «دقيقا»، المناقب لابن شهر آشوب، ج ٤، ص ٢٦١ كلّها عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ٦١، ص ٣٠٨، ح ١.
- [٤٦٥] (٢) بحار الأنوار، ج ٣، ص ٧٥ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفصل.
- [٤٦٦] (٣) الأُمالي للطوسي، ص ٥٩٧، ح ١٢٤٠ عن يعقوب بن شعيب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٦١، ص ٣١٦، ح ٢٢.
- [٤٦٧] (٤) الكافي، ج ٢، ص ٥٠٣، ح ٣ عن أبي الحسن الأنباري، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ٧٧، ح ٢١٩١ وليس فيه «كلّ يوم»، بحار الأنوار، ج ٦١، ص ٣١٦، ح ٢٤.
- [٤٦٨] (٥) الكافي، ج ٢، ص ٥٠٣، ح ٤، علل الشرائع، ص ٣٥٤، ح ١ كلاهما عن يعقوب بن شعيب، بحار الأنوار، ج ٦١، ص ٣١٦، ح ٢٥.
- [٤٦٩] (١) طبّ الأئمّة لابني بسطام، ص ١٣٥ عن محمّد بن مسلم وص ٥٣ عن الوشاء الحسين بن عليّ بن عبد الله بن سنان، الكافي، ج ٦، ص ٣٥٧، ح ١٠، المحاسن، ج ٢، ص ٣٦٨، ح ٢٢٨٦ وليس فيها «ألا وإنّه أسرع شئ منفعه للفؤاد خاصّة وإنّه نضوحه»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٥، ح ٣٣.
- [٤٧٠] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٣٢٩، ح ٧، المحاسن، ج ٢، ص ٢٨٤، ح ١٩٢٤ كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ٦٣٦، ح ١٠ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٤١٣، ح ١٤٠٠ عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيها «ويطفئ الصفراء»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٠٤، ح ١٧ و ح ٢٢.
- [٤٧١] (٣) المحاسن، ج ٢، ص ٢٨٤، ح ١٩٢٥ عن رفاعه، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٠٢، ح ٩.
- [٤٧٢] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٣٥٤، ح ١١، المحاسن، ج ٢، ص ٣٥٧، ح ٢٢٤٠ كلاهما عن هشام بن سالم، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٦١، ح ٣٥.
- [٤٧٣] (١) الكافي، ج ٦، ص ٣٤٣، ح ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ٢، ص ٣٠٦، ح ٢٠١٧ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام وفيه «يسرع» بدل «يكثر»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٢٥٨، ح ٣.
- [٤٧٤] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٣٤٣، ح ٢، المحاسن، ج ٢، ص ٣٠٧، ح ٢٠٢٠، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٢٥٨، ح ٦.
- [٤٧٥] (٣) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٧٣، ح ١٢٤٢، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٧، ح ٣٧.
- [٤٧٦] (٤) المحاسن، ج ٢، ص ٣٦٤، ح ٢٢٧٠ عن إبراهيم بن عبد الحميد عن الإمام الرضا عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٧٣، ح ١٢٣٥ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٦٩، ح ٨؛ كنز العمال، ج ١٠، ص ٤٠، ح ٢٨٢٥٨ نقلًا عن ابن السني وأبي نعيم عن جابر نحوه.
- [٤٧٧] (٥) كنز العمال، ج ١٠، ص ٤٠، ح ٢٨٢٦٠ نقلًا عن الفردوس عن عوف بن مالك.
- [٤٧٨] (٦) الكافي، ج ٦، ص ٣٥٧، ح ٤، المحاسن، ج ٢، ص ٣٦٦، ح ٢٢٧٥ كلاهما عن حمزة بن بزيع عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٠، ح ١٣.

- [۴۷۹] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۲۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۶، ح ۳۷.
- [۴۸۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱ عن الحسن بن راشد عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۲۲۷۷ عن أبی بصیر عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۰، ح ۱۵.
- [۴۸۱] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۲۲۹۶ کلاهما عن أبی بصیر، الخصال، ص ۶۳۲، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۲۶۵ کلاهما عن الإمام علی علیه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۴، ح ۳۲.
- [۴۸۲] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۹، ح ۱۱۷۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۴، ح ۱۸.
- [۴۸۳] (۵) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۱۶۸، طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۲؛ الفردوس، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۶۷۸۰ و فيه «بوحر» بدل «برد»، كشف الخفاء، ج ۲، ص ۳۱۹، ح ۲۸۱۶ کلاهما عن عائشة.
- [۴۸۴] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۱۴۷۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۹۶، ح ۶.
- [۴۸۵] (۱). در الفردوس، به جای «سردی سینه را از میان می برد»، این عبارت آمده: «کینه را از دل می زدايد و حالت دل چرکینی را از میان می برد».
- [۴۸۶] (۲) تلین، نوعی آش است که از سبوس و شیر و عسل، تهیه می شود (القاموس المحيط: ج ۴ ص ۲۶۵). نیز، ر. ک: ج ۲، ص ۲۴۵ (تلین).
- [۴۸۷] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۳، قرب الإسناد، ص ۱۶۷، ح ۶۱۰ و فيه «الصلب» بدل «القلب» و کلاهما عن علی بن رثاب عن الإمام الصادق علیه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۰، ح ۱۸۹ و ليس فيه ذيله، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۰، ح ۱.
- [۴۸۸] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۳۵۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۳، ح ۷.
- [۴۸۹] (۳) کذا فی جميع المصادر، و القياس: «ثمانی».
- [۴۹۰] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۰۹ و فيه «يسهل الدم» بدل «يسلّ الداء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۳.
- [۴۹۱] (۵) فی المصدر: «تلین»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۴۹۲] (۶) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ح ۳.
- [۴۹۳] (۱) معنای حوک در ج ۲ صفحه ۱۹۷ ح ۱۵۰۷ آمده است.
- [۴۹۴] (۲). در مکارم الأخلاق، به جای «بیماری را از درون بدن، بیرون می کشد»، عبارت «خون را روان می سازد» آمده است.
- [۴۹۵] (۱) فی بحار الأنوار: «السد» بدل «السدود».
- [۴۹۶] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۹۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۹، ح ۲.
- [۴۹۷] (۳) کنز العمال، ج ۸، ص ۴۵۰، ح ۲۳۶۱۰ نقلًا عن أبی نعیم فی الطب عن شداد بن عبد الله.
- [۴۹۸] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۱۴۴۷ و ۱۴۴۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۲۰.
- [۴۹۹] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۱۲ عن سهل بن زیاد عن بعض الأهوازيين، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۷، ح ۲۶.
- [۵۰۰] (۱) ناگفته نماند مؤلف در تبیین معنای عبارت «مَحْسِمَةٌ للعروق» که در روایت آمده، از فیض القدير، چنین نقل کرده است: در المصباح آمده است «حَسِمَةٌ حَسْمًا فَانْحَسَمَ» یعنی: «آن را بُرید و بُریده شد» و «حَسِمْتُ العِرْقَ»، به حذف مضاف گفته می شود و اصل آن، چنین است: «حَسِمْتُ دَمَ العِرْقِ»؛ یعنی آن که: «رگ را بُریدی و با داغ نهادن و با آتش گذاردن بر آن، خونریزی را متوقف ساختی». ابن اثیر در النهاية گفته است: «مَحْسِمَةٌ للعرق»، یعنی: «کاهنده قدرت همبستری»، و «مذهبهُ للأشْر»، یعنی: «از میان

بَرَنده سرمستی»، بدان معنا که روزه، خون رگ‌ها را کاهش می‌دهد و سرچشمه منی را کم می‌کند و سرمستی انسان را در هم می‌شکند.

[۵۰۱] (۲) چنان که پیش‌تر اشاره شد، به نظر می‌رسد این توجّه ناظر به نظام دو وعده‌ای است. م.

[۵۰۲] (۳) علّامه مجلسی می‌گوید: «این دعا، یک مثل است برای بیان زیان دیدن آن رگ و در نتیجه، زیان رساندن آن به بدن، گویا که آن رگ، دعا می‌کند و دعایش هم بر آورده می‌شود» (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۳۴۷).

[۵۰۳] (۱) فی علل الشرائع: «لأنّ» بدل «لأنّه».

[۵۰۴] (۲) الخصال، ص ۵۱۲، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱ کلاهما عن الربیع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۸، ح ۱۷.

[۵۰۵] (۳) بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۲۵، ح ۳۰ و ج ۳، ص ۷۲ کلاهما نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحید المفضّل.

[۵۰۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۲۸ و لیس فی «الطری» و کلاهما عن محمّد بن عبد الله، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۸ و فی «کلوا الباقلی فإِنَّه یمتخ...» بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۳.

[۵۰۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۱ و ح ۴ و فی «یحسن» بدل «یسفر» و کلاهما عن أبی بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام، الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۰ نحوه، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۲۴۸ عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰، ح ۱.

[۵۰۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۸ عن محمّد بن سوقه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۳، ح ۸.

[۵۰۹] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۴، ح ۵۱۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۶، ح ۸۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۵۴، ح ۳۴۸۸، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۳۴، ح ۷۴۷۹ کلاهما نحوه، الفردوس، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۲۷۸۱ کلّها عن ابن عمر.

[۵۱۰] (۳) الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۰ و فی «تُصَحَّح» بدل «تُصَحِّح»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۴، ح ۱۸.

[۵۱۱] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۳، ح ۱۹۱۵ کلاهما عن إسماعیل بن جابر، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۱۳۹۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۱۶.

[۵۱۲] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۱۹۲۷ کلاهما عن سماعه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۲، ح ۱۱.

[۵۱۳] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۲۰۸۸، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۱، ح ۱۳۲۱ و زاد فی ذیل «غیر آنّه ینثر ماء الظهر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۱، ح ۱.

[۵۱۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۱، ح ۴.

[۵۱۵] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۲۱۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۷.

[۵۱۶] (۴) ثواب الأعمال، ص ۳۴، ح ۳ عن یحیی أبی البلاد.

[۵۱۷] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۴ عن حمّاد بن زکریّا، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۴ و لیس فی «فهی المکیسه» و کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۴، ح ۳.

[۵۱۸] (۶) شُعب الإيمان، ج ۵، ص ۱۰۲، ح ۵۹۴۷ عن عطاء، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۴، ح ۲۸۲۷۶.

[۵۱۹] (۱) سَداب: سَداب. سَداب‌ها، دسته‌ای از تیره سدابیان‌اند و مهم‌ترین نوع آن، سَداب کوهی است، دارای برگ‌های باریک و بسیار متعفن که برای گریزانیدن حشرات به کار می‌رود. گیاهی دارویی مانند پودنه است که خوردن آن، دفع قوّت باه و مباشرت

مردان و اسقاط حمل زنان می‌کند. در یونانی آن را «فیجن» و در تنکابن و دیلم، «پیم» می‌نامند (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا).

[۵۲۰] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۳۷۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۹، ح ۱۸ و فيه «یذکی» مکان «یزکی».

[۵۲۱] (۲) الخصال، ص ۶۳۲، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۵، ح ۱.

[۵۲۲] (۳) طبّ النبئی صلی الله علیه و آله، ص ۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۰.

[۵۲۳] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۴، ح ۸؛ الفردوس، ج ۱، ص ۱۰۱، ح ۳۳۱ عن ابن عمر.

[۵۲۴] (۵) طبّ النبئی صلی الله علیه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.

[۵۲۵] (۶) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۴۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۴، ح ۸.

[۵۲۶] (۷) طبّ الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۲، ح ۶۸.

[۵۲۷] (۱) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۱، ح ۷۰ نقلًا عن کتاب الجئنة للكفعمی عن ابن مسعود.

[۵۲۸] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۲۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۷.

[۵۲۹] (۳) طبّ النبئی صلی الله علیه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.

[۵۳۰] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۲ عن صالح بن عقبه، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۰، ح ۲۷.

[۵۳۱] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۶، ح ۱۹۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۳، ح ۱۴.

[۵۳۲] (۶) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۱، ح ۷۰ نقلًا عن کتاب الجئنة للكفعمی عن ابن مسعود.

[۵۳۳] (۱) بیه انار، سپیده‌ای است که در درون انار است و دانه‌ها بر آن تعیی شده‌اند (لغت‌نامه دهخدا).

[۵۳۴] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۱۶۷ عن أنس، طبّ النبئی صلی الله علیه و آله، ص ۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۲؛ الفردوس، ج ۳، ص ۵۹۴، ح ۵۸۶۴ عن أنس.

[۵۳۵] (۲) الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۴۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۳، ح ۱۶.

[۵۳۶] (۳) الفردوس، ج ۵، ص ۳۷۰، ح ۸۴۶۸ عن الإمام الحسین علیه السلام؛ مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۷ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۰.

[۵۳۷] (۴) الدروس للشهید، ج ۳، ص ۴۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۰، ح ۲.

[۵۳۸] (۵) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۴، ح ۵۱۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۶، ح ۸۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۵۴، ح ۳۴۸۸، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۳۴، ح ۷۴۷۹ کلاهما نحوه، الفردوس، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۲۷۸۱ کلها عن ابن عمر.

[۵۳۹] (۱) صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۳۱، ح ۱۲۷ عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۸، ح ۱۱۱ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، الدعوات، ص ۱۵۱، ح ۴۰۲، طبّ الأئمة لابنی بسطام، ج ۶۶ عن فضالة بن إسماعیل عن الإمام الصادق عن أبيه علیهما السلام و کلها عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۳ و ص ۴۴۴، ح ۶.

[۵۴۰] (۲) تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۹۱، ح ۵۴۵ عن غیاث بن إبراهیم، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۲۸۷ کلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه علیهما السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۸ نقلًا عن کتاب اللباس لأبی النضر العیاشی و ص ۳۲۰، ح ۴.

[۵۴۱] (۳) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۱، ح ۵۷۶۲ عن حمّاد بن عمرو و أنس بن محمّد عن أبيه، مکارم الأخلاق، ج

۲، ص ۳۲۶، ح ۲۶۵۶، الخصال، ص ۴۲۳، ح ۲۳ عن أنس بن محمّد عن أبيه و كلّها عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام و ص ۴۲۲، ح ۲۲ عن إبراهيم بن عبد الحميد عن الإمام الكاظم عليه السلام، الدعوات، ص ۱۶۰، ح ۴۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۵، ح ۲.

[۵۴۲] (۴) طبّ النبيّ صلى الله عليه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۵.

[۵۴۳] (۱) جلجلان موجود در متن حدیث، به معنای کُنجد و گشنیز است؛ اما به قرینه حدیث ۳۸۷، در این جا به گشنیز ترجمه شد.

[۵۴۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۶ عن أبي حمزة، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۴، ح ۴۱۰، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۳، ح ۱۲.

[۵۴۵] (۲) فی بحار الأنوار: «تبلّد»، و الظاهر أنّه الصواب. قال الطريحي: بُلِّدَ الرجل فهو بليد: إذا كان غير ذكيّ ولا فطن (مجمع البحرين: ج ۱، ص ۱۸۳).

[۵۴۶] (۳) طبّ الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۲.

[۵۴۷] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۲۴۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۷.

[۵۴۸] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۵۴۹] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱ عن إبراهيم بن عبد الحميد، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۵، ح ۱.

[۵۵۰] (۶) الفردوس، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۲۹۸۰ عن الإمام عليّ عليه السلام؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۲.

[۵۵۱] (۷) طبّ النبيّ صلى الله عليه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.

[۵۵۲] (۱) كنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۸۶، ح ۳۸۳۱۸ نقلًا عن ابن السني و أبي نعيم معاً في الطبّ.

[۵۵۳] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۳۷، ح ۴۸۱، السرائر، ج ۳، ص ۱۴۲ و فيه «يحددن الفكر» بدل «يحدثن الذكر»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۶، ح ۳۹ و ص ۲۷۵، ح ۷۲.

[۵۵۴] (۳) فی بحار الأنوار: «يصبغ» بدل «يصطنع».

[۵۵۵] (۴) فی بحار الأنوار: «و من أراد أن يزيد في عقله يتناول كلّ يوم ثلاث هليلجات بسكر بلوچ».

[۵۵۶] (۵) طبّ الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴.

[۵۵۷] (۶) فی المصدر: «طبقاً» و التصويب من بحار الأنوار.

[۵۵۸] (۷) الاختصاص، ص ۱۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۳، ح ۱۱؛ تاريخ دمشق، ج ۲۱، ص ۶۰، ح ۴۷۲۴، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۱، ح ۲۸۲۶۶.

[۵۵۹] (۱). در السرائر به جای «حافظه به بار می آورد»، عبارت «فکر را تیز می کند» آمده است.

[۵۶۰] (۲) خَرْدَل: گیاهی از تیره چلیپاییان (صلیبیان) که دو نوع سفید و سیاه دارد. برگ هایش شبیه برگ تَرُب، ولی کوچک تر از آن و دارای گل های زرد و دانه های ریز و قهوه ای و طعم تند است. دانه های آن را پس از کوبیدن در آب یا سرکه، خمیر می کنند و با غذا، جهت تحریک اشتها تناول کنند. تخم سپندان، اسپندان، حب الرشاد (فرهنگ معین).

[۵۶۱] (۳). در طبّ الإمام الرضا عليه السلام، بخش دوم روایت، چنین آمده است: «هر کس بخواهد عقل وی افزون شود، هر روز سه هلیله با شکر بلوچ بخورد».

[۵۶۲] (۱) الخصال، ص ۳۴۴، ح ۹ عن أحمد الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، روضة الواعظين، ص ۳۴۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۲۷۲ نحوه و فيه «... و يصبغ الجسم و...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۱، ح ۱؛ كنز العمال، ج ۱۰، ص

- ٤١، ح ٢٨٢٦٥ نقلًا عن أبي نعيم عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله.
- [٥٦٣] (٢) طب الأئمة لابني بسطام، ص ٦٤ عن عبد الرحيم بن عبد المجيد القصير، المحاسن، ج ٢، ص ٢٥٩، ح ١٨١٩ عن عبد الله بن سنان و ليس فيه من «فإنه يخرج...»، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١٩٤، ح ٩.
- [٥٦٤] (٣) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ٢٩، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٢٢.
- [٥٦٥] (١) ثواب الأعمال، ص ٣٦، ح ١ عن عمر بن يزيد، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٨٦، ح ١.
- [٥٦٦] (٢) الاصول الستة عشر، ص ٥٥، جامع الأحاديث للقمي، ص ١٦٠ كلاهما عن زيد النرسي، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٨٨، ح ٩ و ج ٨٩، ص ٣٥٦.
- [٥٦٧] (٣) الكافي، ج ٤، ص ١٥٣، ح ٤، المقنعة، ص ٣١٧ نحوه و كلاهما عن عبد الله بن مسكان، المصباح للكفعمي، ص ٨٣٥.
- [٥٦٨] (٤) الأحكام النبوية في الصناعة الطيبة، ج ٢، ص ٢٦، كنز العمال، ج ١٠، ص ٤٨، ح ٢٨٣٠٠ نقلًا عن أبي نعيم في الطب عن أبي هريرة.
- [٥٦٩] (١) الكافي، ج ٦، ص ٥٢١، ح ٥ عن عبد الرحمن بن كثير، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٢٢، ح ٦.
- [٥٧٠] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٥٢٢، ح ٩، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٢٣، ح ٩.
- [٥٧١] (٣) طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ١٠، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٨٩، ح ٥٥٨ نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٩٩؛ الفردوس، ج ٢، ص ١٥٧، ح ٢٧٩٤ عن عقبه بن عامر نحوه.
- [٥٧٢] (٤) الخصال، ص ٦١١، ح ١٠ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ١٠١ نحوه، بحار الأنوار، ج ١٠، ص ٩٠، ح ١.
- [٥٧٣] (٥) الكافي، ج ٦، ص ٥٢٤، ح ١ عن إسحاق بن عمّار، قرب الإسناد، ص ١١١، ح ٣٨٣ عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٢٩٠، ح ١٥٣.
- [٥٧٤] (٦) طب الأئمة لابني بسطام، ص ٨٧، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ١٤٣، ح ٣.
- [٥٧٥] (١) المعجم الكبير، ج ٢٣، ص ٢٩٩، ح ٦٦٧ عن أم سلمة و ج ١٢، ص ٢٢٥، ح ١٣١٥٠ عن ابن عمر، الفردوس، ج ٢، ص ١٥٤، ح ٢٧٧٩ عن ابن عباس و كلاهما نحوه، كنز العمال، ج ١٠، ص ١٣، ح ٢٨١٢٩؛ بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ١٢٦، ح ٨١.
- [٥٧٦] (٢) المعجم الكبير، ج ٢٤، ص ٢٩٨، ح ٧٥٥، تهذيب الكمال، ج ١٩، ص ١٢٣، مسند ابن حنبل، ج ١٠، ص ٤٤٦، ح ٢٧٦٨٨ نحوه، كنز العمال، ج ٧، ص ١٣١، ح ١٨٣٥٠.
- [٥٧٧] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٣٦٣، ح ٩، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٨٥، ح ١٢٩٤، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢١٦، ح ٤.
- [٥٧٨] (١) بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٢٤ نقلًا عن طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ٣٩ و فيه «من خشى الشقيقة و الشوصة فلا ينم حين يأكل السمك الطري صيفا كان أم شتاء».
- [٥٧٩] (٢) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ٢٨، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٢١.
- [٥٨٠] (٣) تهذيب الأحكام، ج ٧، ص ٤١٢، ح ١٦٤٦ عن محمد بن العيص عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٥٧، ح ٤٩١٤، الخصال، ص ٥٢٠، ح ٩، الأمالي للصدوق، ص ٣٧٨، ح ٤٧٨ كلّها عن الحسين بن زيد بن عليّ بن الحسين عليهما السلام عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٤٥٩، ح ١٥٥٦، بحار الأنوار، ج ١٠٣، ص ٢٨٣، ح ٣.
- [٥٨١] (٤) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٥٢، ح ٤٨٩٩، علل الشرائع، ص ٥١٥، ح ٥، الأمالي للصدوق، ص ٦٦٣، ح ٨٩٦ كلّها عن أبي سعيد الخدری، بحار الأنوار، ج ١٠٣، ص ٢٨١، ح ١.

- [۵۸۲] (۱) در بحار الأنوار، به جای عبارت برگزیده کتاب حاضر، این عبارت آمده است: «هر کس از درد شقیه و شکم درد می‌ترسد، نباید پس از خوردن ماهی تازه بخوابد، خواه تابستان باشد، خواه زمستان».
- [۵۸۳] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۴، ح ۲۴۸۶ کلاهما عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۱۸.
- [۵۸۴] (۲) طبّ النبیّ صلی الله علیه و آله، ص ۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۹؛ تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۳۶، ح ۳۳۶۸ عن شریح عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله نحوه.
- [۵۸۵] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۳، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۳۷، ح ۶۲۸ و فيه «فزکها» بدل «فحکها» و کلاهما عن عبد الله بن هلال، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۳۹۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۲، ح ۱۲.
- [۵۸۶] (۱) فی بحار الأنوار ج ۶۰، ص ۳۸۰: «المتلفه» بدل «المختلفه».
- [۵۸۷] (۲) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۶۶ و ج ۶۰، ص ۳۸۰، ح ۹۸ کلاهما نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحید المفضل.
- [۵۸۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۲۳۱۶ و ليس فيه «نعوذ بالله منه» و کلاهما عن یاسر الخادم، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۱۳۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰۳، ح ۳.
- [۵۸۹] (۱) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ نقلًا عن طبّ الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۶ و فيه «فإنّ الماء» بدل «الاغتسال بالماء».
- [۵۹۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۱۸۶۶، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۰۸، ح ۴۸.
- [۵۹۱] (۳) طبّ النبیّ صلی الله علیه و آله، ص ۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۱. انظر تمام الحديث فی ص ۴۸۸، ح ۸۲۸.
- [۵۹۲] (۴) کنز العمّال، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۳۵۲۰ نقلًا عن أبي الشيخ فی الثواب عن أنس.
- [۵۹۳] (۱) برای دیدن متن کامل حدیث، ر. ک: ج ۱، ص ۴۸۹ ح ۸۲۸.
- [۵۹۴] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱۳۸۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۴، ح ۳.
- [۵۹۵] (۲) طبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۱۰۸، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۹۰، ح ۱۹.
- [۵۹۶] (۱) در متن عربی واژه «هاضوم» آمده و علامه مجلسی، در شرح آن آورده است: «هاضوم، همان است که در [پارسی بدان گوارش دهنده گویند؛ چرا که غذا را هضم می‌کند. در قاموس آمده است: هاضوم، هر دارویی است که موجب هضم غذا شود. گویا در اینجا مقصود از هاضوم، نانخواه است».
- [۵۹۷] (۲) علامه مجلسی می‌گوید: «مقصود از سفیدی، لبنیات است. شاید هم مقصود از آن سفیده تخم مرغ باشد؛ اما احتمال نخست، آشکارتر است».
- [۵۹۸] (۱) نهج البلاغه: الحکمة ۸، عیون الحکم و المواعظ، ص ۸۸ ح ۲۰۹۸، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۷، ح ۱۵.
- [۵۹۹] (۲) الخصال، ص ۵۱۳، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱ کلاهما عن الربیع صاحب المنصور، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۰، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۹، ح ۱۷.
- [۶۰۰] (۱) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۶۹ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحید المفضل.
- [۶۰۱] (۱) الفردوس، ج ۴، ص ۱۴۶، ح ۶۴۴۸ عن أبي هريرة، کنز العمّال، ج ۱۰، ص ۲۱۹، ح ۲۹۱۵۹ و فيه «النجوم» بدل «القدر».
- [۶۰۲] (۱) در کنز العمّال، در متن روایت، به جای «قدر»، «النجوم» آمده است. در این صورت، معنای روایت، نهی از تأمل در علم نجوم است و مقصود از علم نجوم، طالع‌بینی، و پیش‌بینی حوادث آینده از طریق ستارگان است.
- [۶۰۳] (۱) طبّ الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱، ح ۹۰ و فيه «یوجب» بدل «یورث».
- [۶۰۴] (۲) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۲، ح ۴۸۹۹، الأمالی للصدوق، ص ۶۶۳، ح ۸۹۶، علل الشرائع، ص ۵۱۴، ح ۵

- كلّها عن أبي سعيد الخدری، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۱، ح ۱؛ كنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۵۵، ح ۴۴۹۰۳.
- [۶۰۵] (۳) الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰ عن أبي بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۷، ح ۱۹.
- [۶۰۶] (۴) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۲، ح ۴۸۹۹، علل الشرائع، ص ۵۱۵، ح ۵، الأمالی للصدوق، ص ۶۶۳، ح ۸۹۶، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۵۵۲ كلّها عن أبي سعيد الخدری، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۱، ح ۱.
- [۶۰۷] (۵) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۶۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۷ نحوه.
- [۶۰۸] (۱) طب النبی صلی الله علیه و آله، ص ۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۱. انظر تمام الحديث فی: ج ۱، ص ۴۸۸، ح ۸۲۸.
- [۶۰۹] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۳۱۲، الخصال، ص ۳۹۴، ح ۱۰۰ عن السكونی عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلی الله علیه و آله، ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۲ عن السكونی عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلی الله علیه و آله، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۴۰۲، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۰، ح ۷.
- [۶۱۰] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۴ عن عبد الله بن الفضل النوفلي عن أبيه، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۸۴ عن محمد بن أبي الحسن عن الإمام الصادق عليه السلام و ليس فيه «أدمن»، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۱۱ و فيه «لم يرمد ولده»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۱، ح ۱۰.
- [۶۱۱] (۴) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۱۰.
- [۶۱۲] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۲، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۳۰۱، الخصال، ص ۳۹۱، ح ۸۷، ثواب الأعمال، ص ۴۲، ح ۵ كلّها عن هشام بن سالم، الدعوات، ص ۷۸، ح ۱۹۰، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۰، ح ۶.
- [۶۱۳] (۱). برای دیدن متن کامل حدیث، ر. ک: ج ۱، ص ۴۸۹، ح ۸۲۸.
- [۶۱۴] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۳، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۴۰۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۲، ح ۱۲.
- [۶۱۵] (۲) ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۳ عن إسحاق بن عمّار، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۰، ح ۲۴۱ و زاد فی ذيله «الذي ينزل فی العين»، الدعوات، ص ۷۹، ح ۱۹۳، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۴، ح ۵.
- [۶۱۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۹ عن الحسن بن عاصم.
- [۶۱۷] (۴). المقنعة، ص ۳۱۷ عن السكونی، الدعوات، ص ۷۹، ح ۱۹۴ و ليس فيه «علی الخلو»، بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۵۵، ح ۳۳ و ج ۶۲، ص ۱۵۱، ح ۲۴.
- [۶۱۸] (۵) هكذا فی المصدر، و فی بحار الأنوار: «سدة».
- [۶۱۹] (۶) مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۲۴۰۸، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۲، ح ۱.
- [۶۲۰] (۱) به نظر می‌رسد این روایت، به ضعف بینایی و کم شدن قدرت چشمان در هنگام روزه‌داری اشاره دارد؛ چرا که بنا بر روایت، این ضعف و کاستی در هنگام روزه گشودن با چیزهایی شیرین، به علت سرعت هضم آنها و قدرت یافتن بدن به وسیله آنها، به ترمیم و بهبود می‌گراید.
- [۶۲۱] (۲) دانگ یا داتق، واحد اندازه گیری وزن، پول و حجم بوده و غالبا وقتی به عنوان واحد وزن به کار می‌رود، معادل نصف مثقال است. (ر. ک: اوزان و مقیاسها در اسلام، هینس: ص ۱۶ و ۱۷).
- این مقدار را معادل هشت دانه جو نیز دانسته‌اند. (ر. ک: الأوزان و المقادیر، إبراهيم سليمان: ص ۲۶۲۲).
- قطعه‌چی نیز این مقدار را با واحدهای معیار امروزی سنجیده و آن را معادل ۰/۴۹۶ گرم دانسته است. (ر. ک: معجم لغة الفقهاء: ص ۴۴۹). م.



- [۶۲۲] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۲۱۴۹ عن إبراهيم بن عليّ الرافعي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۵، ح ۳.
- [۶۲۳] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۲۱۵۰ كلاهما عن عبد الرحمن بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۸۲ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۵۲، ح ۲۸؛ صحيح البخاري، ج ۵، ص ۲۱۵۹، ح ۵۳۸۱، صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۱۹، ح ۱۵۷ كلاهما عن سعيد بن زيد و ليس فيهما «و المنّ من الجنة»، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۸، ح ۲۸۲۰۱.
- [۶۲۴] (۳) مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۱۵۰، ح ۴۹۷، سنن الدارمي، ج ۱، ص ۵۰۱، ح ۱۸۶۵، كنز العمال، ج ۵، ص ۲۶۶، ح ۱۲۸۳۷ نقلًا عن ابن السني و أبي نعيم في الطب.
- [۶۲۵] (۱) يعني از چیزهایی است که خداوند به آن، بر بندگان خویش، منت نهاده است. همچنين گفته‌اند: پیامبر صلى الله عليه و آله، اين گیاه را به «منّ» تشبيه کرده و آن، عسل شیرینی است که خود به خود و بدون اسباب و عوامل مادی از آسمان نازل می شود. قارچ دنبلان نیز چنین است و هزینه‌هایی چون بذر و آبیاری نمی خواهد.
- [۶۲۶] (۱) صحيح ابن حبان، ج ۹، ص ۲۶۹، ح ۳۹۵۴ عن عثمان، كنز العمال، ج ۵، ص ۴۰، ح ۱۱۹۶۳.
- [۶۲۷] (۲) ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.
- [۶۲۸] (۳) في المصدر: «بالسحق»، و التصويب من بحار الأنوار.
- [۶۲۹] (۴) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۸۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۷، ح ۱۷.
- [۶۳۰] (۵) الكافي، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۵۸۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۹، ح ۲۱.
- [۶۳۱] (۶) الكافي، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۵۸۰، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۸۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۸، ح ۲۰.
- [۶۳۲] (۱) علامه مجلسی، در شرح عبارت «و گاه نیز آن را به سان یک دانه می بیند»، دو تفسیر آورده است. یکی آن که آن دختر اگر درمان نشود، بعدها آن را به سان یک دانه خواهد دید. دیگری آن که در همان حال که ستاره را به سان کهکشان می بیند، آن را همانند یک دانه نیز می بیند. مترجم، ترجمه را بر پایه وجه دوم، انجام داده است.
- [۶۳۳] (۲) واژه عربی متن، «مُرّ» است و در این باره، چند احتمال وجود دارد:
- یکی آن که این واژه به معنای گیاه «تلخه» باشد که بوته‌ای است با رنگ سبز مایل به سیاه و برگ‌های متوسط. این گزیده کنونی مترجم است.
- دیگری آن که این واژه، به معنای گیاه یا درخت میر یا مور باشد.
- دیگری آن که واژه، شکل تغییر یافته مور باشد که در هندی به معنای توتیاست.
- آنچه در این باره در نهایت (ج ۴، ص ۳۱۶) آمده این است که آن را دارویی چون سبر دانسته‌اند. م.
- [۶۳۴] (۱) في المصدر: «ثم فاغسل»، و التصويب من بحار الأنوار.
- [۶۳۵] (۲) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۸۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۷، ح ۱۶.
- [۶۳۶] (۳) الكافي، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۵۸۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۵۰، ح ۲۳.
- [۶۳۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۵ عن عبد الرحمن بن كثير، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۲، ح ۶.
- [۶۳۸] (۱) شكوفه و بهار فلفل آن را فلفل دراز نیز می گویند (لغت نامه دهخدا).
- [۶۳۹] (۲) رباح، نام جایی است که کافور را بدان نسبت داده‌اند. چنان که دهخدا آورده، کافور ریاحی نیز گفته‌اند و برخی نیز ریاح را نام یکی از پادشاهان هند دانسته‌اند که برای نخستین بار، این کافور را شناخت (لغت نامه دهخدا). م.

- [۶۴۰] (۳) اسقطری، جزیره‌ای در اقیانوس هند، در سمت چپ کسی است که از غرب به سمت هند می‌رود. عامه، بدان سقوطه نیز گفته‌اند. گیاه سبر و گیاه خونِ سیاوشان را از آنجا می‌آورند.
- [۶۴۱] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۲۳۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۶، ح ۳۷.
- [۶۴۲] (۲) طب النبئی صلی الله علیه و آله، ص ۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.
- [۶۴۳] (۳) المحاسن، ج ۱، ص ۷۶، ح ۳۷ عن الحسين بن علوان. انظر تمام الحديث و تخريجه فی ج ۲، ص ۲۴۸، ح ۱۶۰۴.
- [۶۴۴] (۴) بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۲، ح ۲۱ نقلًا عن الفردوس عن أبي الدرداء. انظر تمام الحديث فی ج ۱، ص ۴۸۴، ح ۸۱۹.
- [۶۴۵] (۱). برای دیدن متن کامل و منابع حدیث، ر. ک: خواص خرما، ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۱۶۰۴.
- [۶۴۶] (۲) مقصود از وبا، طاعون یا هر بیماری واگیر دیگری است.
- [۶۴۷] (۳). برای دیدن متن کامل حدیث و منابع آن، ر. ک: ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۸۱۹.
- [۶۴۸] (۱) طب النبئی صلی الله علیه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.
- [۶۴۹] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.
- [۶۵۰] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۰۹، ح ۳۵۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.
- [۶۵۱] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۲۲۷ عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۷، ح ۱.
- [۶۵۲] (۵) الدعوات، ص ۱۵۹، ح ۴۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۱، ح ۱۷.
- [۶۵۳] (۱) الفردوس، ج ۳، ص ۳۱۱، ح ۴۹۳۷ عن حذیفه بن الیمان، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۶، ح ۱۷۲۰۸.
- [۶۵۴] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵۹۱.
- [۶۵۵] (۳) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۱، ح ۲۸۳۱۴ نقلًا عن أبي الحسن العراقي فی فوائده عن بریده.
- [۶۵۶] (۴) كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۵، ح ۱۷۲۰۰ نقلًا عن البغوی فی مسند عثمان عن جابر، و مسند ابن حنبل عن أبي هريرة.
- [۶۵۷] (۵) المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۱۱، ح ۱۰۶۴ عن محمد بن الحنفیة، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۶، ح ۱۷۲۰۵ نقلًا عن حلیة الأولیاء و كلاهما عن الإمام علیّ عليه السلام؛ دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۶، ح ۵۱۷ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۵۱، ح ۲۶.
- [۶۵۸] (۶) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۸۹، ح ۲۰۴۸، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۹، ح ۲۸۱۶۲ نقلًا عن المستدرک علی الصحیحین و كلاهما عن ابن عباس.
- [۶۵۹] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۳۸۸، ح ۱۵۹۰۶ عن عبد الرحمن بن النعمان الأنصاری عن أبيه عن جدّه، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۵، ح ۱۷۱۹۸.
- [۶۶۰] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۶۶۱] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۴ عن عبد الله بن الفضل الهاشمی عن أبيه.
- [۶۶۲] (۳). فی الطبعة المعتمدة من المصدر و کذا فی طب الأئمة و بحار الأنوار: «سرجین العین»، و ما فی المتن أثبتناه من الطبقات الاخری للمصدر و مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۵۴، ح ۱.
- [۶۶۳] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۸، ح ۲۲۹، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۸۳ عن عبد الرحمن بن یزید، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۶، ح ۱۱.
- [۶۶۴] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۷، ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۱ و فيه «يقطع» بدل «يذهب»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۴، ح ۳؛ مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۴۹۷، ح ۲۰۴۷، السنن الكبرى، ج ۴، ص ۴۳۶، ح ۸۲۵۷ كلاهما عن ابن عباس عن رسول الله صلی الله

عليه وآله وليس فيهما «و يذهب بالدعوة»، كنز العمال، ج ١٠، ص ١٩، ح ٢٨١٦٣ نقلًا عن التاريخ الكبير للبخاري عن معبد بن هوزة. [٦٦٥] (٦) الكافي، ج ٦، ص ٤٩٤، ح ١٠، الخصال، ص ١٨، ح ٦٣، ثواب الأعمال، ص ٤١، ح ٤، كلها عن حماد بن عثمان، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٠٩، ح ٢٣٥، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٩٤، ح ١ و ص ١٩٥، ح ١١. [٦٦٦] (٧) الكافي، ج ٦، ص ٤٩٤، ح ٦.

[٦٦٧] (٨) سنن الترمذي، ج ٤، ص ٣٨٩، ح ٢٠٤٨، سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ١١٥٧، ح ٣٤٩٩ و ليس فيه «عند النوم»، مسند ابن حنبل، ج ١، ص ٧٥٧، ح ٣٣١٨، كنز العمال، ج ٧، ص ١٢٥، ح ١٨٣٠٥؛ طب الأئمة لابني بسطام، ص ٨٣ عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٩٥، ح ٩ و راجع مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٨٤، ح ١٤٢. [٦٦٨] (١) مسند ابن حنبل، ج ٣، ص ٢٦٤، ح ٨٦١٩ عن أبي هريرة، المعجم الكبير، ج ١٧، ص ٣٣٨، ح ٩٣٢ عن عقبه بن عامر، كنز العمال، ج ٦، ص ٦٤٥، ح ١٧١٩٩.

[٦٦٩] (٢) المحاسن، ج ٢، ص ٣٨٤، ح ٢٣٥٤ عن زكريا، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١١١، ح ٢٤٦، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١٣٤، ح ٤٣.

[٦٧٠] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٤٩٦، ح ٧، المحاسن، ج ٢، ص ٣٨٤، ح ٢٣٥٣ كلاهما عن حماد بن عيسى، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١٣٣، ح ٤٢.

[٦٧١] (٤) في الدعوات و مسند الشهاب و بحار الأنوار: «اللمم» بدل «الهتم». و اللمم طرف من الجنون، و أصله في كلامهم المقاربة للشيء (بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٦٤).

[٦٧٢] (٥) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٠١، ح ٩٥٠، الدعوات، ص ١٤٢، ح ٣٦٤ و ليس فيه «و يصحّ البصر»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٦٤، ح ٤٢؛ مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٠٥، ح ٣١٠ عن سهل بن إبراهيم المروزي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله.

[٦٧٣] (١) الكافي، ج ٦، ص ٢٩٠، ح ٣ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ٦١٢، ح ١٠ عن أبي بصير و محمد بن مسلم، المحاسن، ج ٢، ص ٢٠١، ح ١٥٨٩ عن أبي بصير و كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عنهم السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٥٣، ح ٦.

[٦٧٤] (٢) مستطرفات السرائر، ص ٥٧، ح ١٧ عن علي بن يقطين، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٨٥، ح ١٠.

[٦٧٥] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٤٨٣، ح ٤، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٢١، ح ٢٧٢، روضة الواعظين، ص ٣٣٧، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٩٩، ح ٩.

[٦٧٦] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٤٨٢، ح ١٢، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٢٣، ح ٢٨٥ و ج ٤، ص ٣٦٩، الخصال، ص ٤٩٧، ح ١، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٩٧، ح ٢.

[٦٧٧] (١) طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ١٠، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٨٩، ح ٥٥٨ نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٩٩؛ الفردوس، ج ٢، ص ١٥٧، ح ٢٧٩٤ عن عقبه بن عامر نحوه.

[٦٧٨] (٢) طب الأئمة لابني بسطام، ص ٨٤ عن الحلبي، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ١٤٧، ح ١٥.

[٦٧٩] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٤٦٦، ح ١ عن سلمة بن أبي حنبل، ثواب الأعمال، ص ٤٣، ح ١ عن أبي الجارود، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٢٦٥، ح ٧٩٤ عن الإمام الباقر عليه السلام.

[٦٨٠] (٤) المعجم الكبير، ج ١١، ص ٢٤، ح ١٠٩٣٨ عن ابن عباس، كنز العمال، ج ١٠، ص ١٣، ح ٢٨١٢٨.

[٦٨١] (١) المستدرک علی الصحیحین، ج ٤، ص ٤٥٥، ح ٨٢٥٨، سنن الترمذي، ج ٤، ص ٣٩١، ح ٢٠٥٣، سنن ابن ماجه، ج ٢، ص

- ۱۱۵۱، ح ۳۴۷۸ کلاهما نحوه و کلّهما عن ابن عباس، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۶، ح ۲۸۱۴۶.
- [۶۸۲] (۲) معانی الأخبار، ص ۲۴۷، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۶، ح ۲۶.
- [۶۸۳] (۳) کنز العمال، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۲۴۰۶ نقلًا عن أبي الشيخ عن ابن عباس.
- [۶۸۴] (۴) الکافی، ج ۲، ص ۶۱۳، ح ۱، ثواب الأعمال، ص ۱۲۸، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۱۹۶، ح ۴.
- [۶۸۵] (۵) کنز العمال، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۲۴۰۷ نقلًا عن ابن النجار عن أنس.
- [۶۸۶] (۶) حلیة الأولیاء، ج ۳، ص ۲۰۱ عن ابن أبي فدیک عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن جابر، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۳، ح ۴۴۲۱ وفيه «النظر إلى المرأة...».
- [۶۸۷] (۷) الخصال، ص ۹۲، ح ۳۵، المحاسن، ج ۲، ص ۴۶۱، ح ۲۵۹۶ کلاهما عن إبراهيم بن عبد الحمید، تحف العقول، ص ۴۰۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۴، ح ۱ وراجع: کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۱، ح ۲۸۳۱۳.
- [۶۸۸] (۱) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۱۱ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۶۸۹] (۲) تهذيب الأحكام، ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۴۶۱، ثواب الأعمال، ص ۶۴، ح ۸ مع زیادة و کلاهما عن معاوية بن عمّار الدهنی، بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۵۳، ح ۳۱.
- [۶۹۰] (۳) الخصال، ص ۶۱۶، ح ۱۰ عن أبي بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۶، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۲۰۵، ح ۲۵۲۸، بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۲۶۲، ح ۴.
- [۶۹۱] (۱) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۶۵ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۶۹۲] (۱) نهج البلاغة: الحکمة ۸، عیون الحکم و المواعظ، ص ۸۸، ح ۲۰۹۸، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۷، ح ۱۵.
- [۶۹۳] (۲). فی بعض النسخ: «اللّوَب» بدل «الکوکب»، و هو الأقرب.
- [۶۹۴] (۳) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۷۴ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۶۹۵] (۴) علل الشرائع، ص ۹۲، ح ۶ و ص ۸۸، ح ۴، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۲۳۶، کلّهما عن ابن أبي لیلی عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۸۶، ح ۳.
- [۶۹۶] (۱) در برخی از نسخه‌ها به جای «کوکب (زندانی)» واژه «لَوْب» به معنای پیچ آمده و همین نیز درست تر می‌نماید.
- [۶۹۷] (۱) علل الشرائع، ص ۸۷، ح ۲ عن ابن شبرمه، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۱۱.
- [۶۹۸] (۲) الأمالی للطوسی، ص ۶۴۶، ح ۱۳۳۸ عن ابن شبرمه، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۱۲، ح ۱۳.
- [۶۹۹] (۳) علل الشرائع، ص ۸۶، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۱۴، ح ۲۰.
- [۷۰۰] (۴) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴ و فيه «یؤلمه» بدل «یشتکی».
- [۷۰۱] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۲۰۸۹ عن ابن عباس، الکافی، ج ۶، ص ۳۶۸ ذیل ح ۲ و فيه «و روی أنه جید لوجع الاذن»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۱، ح ۱۳۲۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۴، ح ۲.
- [۷۰۲] (۱). در الکافی آمده است: روایت شده که آن، برای درد گوش، مفید است.
- [۷۰۳] (۱) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۷۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۶، ح ۹.
- [۷۰۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۲، ح ۱۲، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۳، ح ۲۸۵ و ج ۴، ص ۳۶۹، الخصال، ص ۴۹۷، ح ۱، ثواب الأعمال، ص ۳۸، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۸۲، ح ۵۳۵، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۷، ح ۲.
- [۷۰۵] (۱) علل الشرائع، ص ۹۲، ح ۶، عن ابن أبي لیلی، عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۸۶، ح ۳.

- [۷۰۶] (۲) سقطت الواو من الطبعة المعتمدة، و أثبتناها من الطبقات الأخرى.
- [۷۰۷] (۳) نهج البلاغة، الحكمة ۸، عيون الحكم و المواعظ، ص ۸۸ ح ۲۰۹۸، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۷، ح ۱۵.
- [۷۰۸] (۴) كذا في المصدر، و في علل الشرائع: «الروائح» و هو جمع الرائحة.
- [۷۰۹] (۵) الخصال، ص ۵۱۳، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۰، كلها عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۶، ح ۹ و ج ۶۱، ص ۳۰۹، ح ۱۷.
- [۷۱۰] (۱) علل الشرائع، ص ۸۷، ح ۲، الأمالي للطوسي، ص ۶۴۶، ح ۱۳۳۸، و فيه «الردية» بدل «الخيثة»، و كلاهما عن ابن شبرمة، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۱۱.
- [۷۱۱] (۲) علل الشرائع، ص ۸۶، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۱۰.
- [۷۱۲] (۳) في بحار الأنوار: «تلين»، و الصواب ما أثبتناه.
- [۷۱۳] (۴) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۷۱ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۷۱۴] (۱) قوله: «ليدخل» أي القلب «بين مضاعفها» أي بين قطعتي الرئة (بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۱۱).
- [۷۱۵] (۲) الخصال، ص ۵۱۴، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۱، كلها عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۷، ح ۹.
- [۷۱۶] (۳) كفاية الأثر، ص ۲۵۴ عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۱۵، ح ۱۲.
- [۷۱۷] (۴) صحيح مسلم، ج ۱، ص ۲۱۲، ح ۲۰، سنن أبي داود، ج ۱، ص ۳۵، ح ۱۴۰، سنن النسائي، ج ۱، ص ۶۶، الموطأ، ج ۱، ص ۱۹، ح ۲، كلها عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۳، ح ۲۶۱۱۴.
- [۷۱۸] (۱) صحيح مسلم، ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۲۳، صحيح البخاري، ج ۳، ص ۱۱۹۹، ح ۳۱۲۱ و فيه «فتوضأ» بعد «منامه»، سنن النسائي، ج ۱، ص ۶۷، السنن الكبرى، ج ۱، ص ۸۲، ح ۲۲۶، كلها عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۳، ح ۲۶۱۱۱.
- [۷۱۹] (۲) الخصال، ص ۶۱، ح ۱۰، عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱ و فيه «شفاء» بدل «تقية»، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰، ح ۱.
- [۷۲۰] (۳) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۵ و فيه «... حتى يتغرغر بعده بخل».
- [۷۲۱] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۵، ح ۲۴۹۰، عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۲۱.
- [۷۲۲] (۵) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۵۰، ح ۸۲۳۹، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۵، ح ۲۸۱۹۲.
- [۷۲۳] (۱) متن عربی این واژه، «خیاشیم» است و «خیشوم» را در عربی به معنای بُن بینی دانسته‌اند. برخی هم کلّ بینی را خشیوم خوانده‌اند (المصباح المنیر، ص ۱۷۰).
- [۷۲۴] (۲) قُسط: عود هندی و عربی که بدان، علاج کنند. بیخی است شبیه به بیخ لفتح و از نواحی هند خیزد و نباتش مفروش و بی ساق و برگش عریض و بر سه قسم می‌باشد: یکی شیرین و سبک و سفید و با عطریت و قسط بحری و عربی نامند و قسمی مایل به سیاهی و سبک و سطر و کم بوی و تلخ، و او را قسط هندی نامند... (لغت‌نامه دهخدا).
- [۷۲۵] (۳) برداع (ورس): اسپرک را گویند و آن، گیاهی است که چیزها را بدان رنگ کنند و شبیه سمسم است و منبت آن، بلاد یمن است و بس. می‌کارند آن را و تا بیست سال، باقی باشد و جامه‌ای که از آن رنگ کنند، پوشیدنش قوت بسیار دهد (لغت‌نامه دهخدا).
- [۷۲۶] (۱) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۵۰، ح ۸۲۴۱، تاریخ دمشق، ج ۵، ص ۱۵۲، ح ۱۲۲۱، مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۵۳، ح ۱۴۳۹۲، المصنّف لابن أبی شیبّه، ج ۵، ص ۴۲۵، ح ۲ و فیهما بزیاده «سبع مّرات» بعد «بالماء» و كلاهما نحوه، كنز

- العمّال، ج ۱۰، ص ۲۵، ح ۲۸۱۹۱ و ح ۲۸۱۹۳.
- [۷۲۷] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۲۲۵ عن أنس، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۷، ح ۱؛ كنز العمال، ج ۶، ص ۶۷۳، ح ۱۷۳۴۵ نقلًا عن ابن السنّی و أبی نعیم فی الطبّ عن أنس.
- [۷۲۸] (۳) طبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۸۹ عن الحلبي، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۲، ح ۴.
- [۷۲۹] (۴) الكافي، ج ۸، ص ۳۸۲، ح ۵۷۸ عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۲۵۳۲ و فيه « فينزله إنزالاً بدل « فيزيله»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۴، ح ۵.
- [۷۳۰] (۵) الكافي، ج ۸، ص ۳۸۲، ح ۵۷۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۵، ح ۸.
- [۷۳۱] (۱) طبّ الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۷ و ص ۳۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴.
- [۷۳۲] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۲۵۳۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۴، ح ۴.
- [۷۳۳] (۳) ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.
- [۷۳۴] (۴) طبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۶۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۳، ح ۱.
- [۷۳۵] (۱) معنای این واژه در ج ۱، ص ۲۹۱ آمد.
- [۷۳۶] (۲) كُنْدُس یا كُنْدُش، نام فارسی يك گیاه است. همین نام به زبان عربی نیز در آمده و مؤلف، درباره آن از فیروزآبادی چنین نقل کرده است: كُنْدَس: ریشه‌های گیاهی است که درونش زرد و لایه بیرونش سیاه است. چون به صورت گَرْد در آید و در بینی دمانده شود، شخص به عطسه می آید، چشمان خسته، فروغ تازه می یابد و شب کوری از میان می رود.
- [۷۳۷] (۱) الكافي ج ۲ ص ۶۵۶ ح ۹۱ عن مسعدة بن صدقة عن الامام الصادق عليه السلام مكارم الاخلاق ج ۲ ص ۱۶۶ ح ۲۴۱۲ بحار الانوار ج ۷۶ ص ۵۲ ح ۱
- [۷۳۸] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۲۴۰۸ عن أبی بصیر، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۲، ح ۱.
- [۷۳۹] (۳) فی المصدر: « فيخرج»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۷۴۰] (۴) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۹۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۵، ح ۱۳.
- [۷۴۱] (۱) در بحار الأنوار به جای « شدّه (سختی)» « سده» آمده است و آن، بیماری ای است که در بینی رُخ می نماید و مانع بوییدن راحت هوا می شود.
- [۷۴۲] (۱) کمال الدین، ص ۴۳۰، ح ۵، الغيبة للطوسی، ص ۲۳۲، ح ۲۰۰، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۱۱ و فیهما « بعشر لیل» بدل « بلیله»، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۲۴۰۰ و فيه « تسنیم» بدل « نسیم»، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵، ح ۷.
- [۷۴۳] (۲) الكافي، ج ۲، ص ۶۵۷، ح ۲۳، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۶۳، ح ۵۶.
- [۷۴۴] (۱) الكافي، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۲۰ عن حذيفة بن منصور.
- [۷۴۵] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۲۴۰۸، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۲، ح ۱.
- [۷۴۶] (۳) الكافي، ج ۸، ص ۱۹۲، ح ۲۲۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۲، ح ۳.
- [۷۴۷] (۱). هر دارویی را که به صورت غیر معجون استفاده شود، سفوف گویند.
- [۷۴۸] (۱) الثقات لابن حبان، ج ۹، ص ۱۷۰ عن عقبه بن عامر، سير أعلام النبلاء، ج ۹، ص ۹۵، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۴، ح ۴۰۸۸۹ نقلًا عن ابن النجار عن أبی الخیر مرثد بن عبد الله نحوه.
- [۷۴۹] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۱۸۶۵ عن هشام بن سالم، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۱۳۹ و فيه « لحم الحيتان»، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۰۸، ح ۴۷.

- [۷۵۰] (۳) أى الإمام الرضا عليه السلام.
- [۷۵۱] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۲.
- [۷۵۲] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۴، تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۱۶۲.
- [۷۵۳] (۱) از دیدگاه نگارنده، در صورت صحت این روایت، ظاهراً مقصود از آن، خوردن همیشگی ماهی برای برخی مزاج‌ها یا در برخی از مناطق است؛ چه این که شماری از احادیث از عادت کردن به خوردن گوشت ماهی نهی کرده‌اند (ر. ک: ج ۲، ص ۴۸۷). به هر روی، هدف از آوردن این گونه روایات، گشودن باب پژوهش‌های علمی است.
- [۷۵۴] (۲). در مکارم الأخلاق به جای «خوردن»، عبارت «گوشت» آمده است.
- [۷۵۵] (۳). گیاهی که برای شستن دست و جامه به کار برده می‌شود.
- [۷۵۶] (۴) مقصود آن است که امام، علیه السلام هنگامی که پس از غذا خوردن دست‌ها و دهان خود را با آبی که به اشنان آمیخته است، می‌شست، دهان خویش را کاملاً می‌بست تا چیزی از آن به دهان وی نرود.
- [۷۵۷] (۵) ممکن است مقصود، حمام‌های آن عصر باشد که از نظافت کافی برخوردار نبوده است.
- [۷۵۸] (۱) غریب الحدیث لابن قتیبه، ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۱۶.
- [۷۵۹] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۲ عن منیع.
- [۷۶۰] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۳ عن مبارك غلام العرقوفی، الأمالی للطوسی، ص ۶۶۷، ح ۱۳۹۶ عن الحسين عن أبيه و فيه «أدمنوا الخفّ فإنه...».
- [۷۶۱] (۴) فی المصدر: «تعافی فیها» و التصویب من بحار الأنوار.
- [۷۶۲] (۵) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۸۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۹، ح ۱.
- [۷۶۳] (۱) نوعی پافزار که تا ساق پا و زیر زانو را فرا گیرد، چکمه (فرهنگ معین).
- [۷۶۴] (۲) مؤلفان ملحق لسان العرب، واژه «قاقلی» را چنین تعریف کرده‌اند: گیاهی است یک‌ساله که در شنزارهای ساحل، بسیار می‌روید.
- اما ظاهراً از دیدگاه ابو القاسم پرتو، «قاقله» و «قاقلی» دو چیز جدای از هم‌اند. وی در توضیح قاقله می‌آورد: قاقله در فارسی، لاجی آلاچی، سایه‌پرورد. در برخی واژه‌نامه‌ها، قاقله را هل یا هیل دانسته‌اند. در برهان آمده دانه گیاهی همگون با هل است، ولی بزرگ‌تر از آن.
- مؤلف واژه‌یاب، درباره قاقلی نیز آورده که واژه‌ای قبطی تازی شده و به معنای «شورگیا» است (واژه‌یاب، ج ۲، ص ۱۳۷۲). م.
- [۷۶۵] (۳) آککرا: گیاهی از جنس بابونه و از تیره مرکبان که گرد گل‌های خشک شده آن، کُشنده حشرات است. عاقرقرحا، عقار کوهان، فورسیون، [ک طرفون... جنام‌های دیگر آن استج (فرهنگ معین)].
- [۷۶۶] (۴) بنج، گروهی از گیاهان طبّی مخدّر از رسته گیاهان بادمجانی را در بر می‌گیرد.
- [۷۶۷] (۵) خربق: گیاهی است با برگ‌های سبز شبیه برگ خیار [از نوع زینتی آن و البته کوچک‌تر از آن. این برگ‌ها مقداری زبر است و گیاه نیز ساقه‌ای خشن و گل‌هایی سفید دارد. در این گیاه، رنگ خرفه نیز دیده می‌شود و شکل کلی گیاه، همانند گل سرخ است.
- [۷۶۸] (۶) ابرفیون، معرّب فریبون است و گاه، فرفیون هم گفته می‌شود. گفته‌اند: مقصود از آن، صمغ مازربون [muerezaM] (هفت برگ) است. گیاهی است گرم که در سال چهارم، خشک می‌شود. گفته شده در سال سوم، خشک می‌شود. با یک قیراط تا یک دانگ از آن، شربت می‌سازند. بلغم را از کفل، پشت و روده‌ها بیرون می‌برد و برای سیاتیک و قولنج، خوب است.

مترجم افزوده است: در واژه‌یاب نیز در این باره، چنین آمده است: فریون: *muiborohpuE*، لاتین تازی گشته، شیر گیاه، گاوگشک، از گیاهان (واژه‌یاب: ج ۲، ص ۱۳۰۸).

[۷۶۹] (۱) فی بحار الأنوار: «و الانبهار».

و قال: الرُّبُو بالفتح: ضيق النفس، و البُهر: نوع منه. و فی القاموس: هو انقطاع النفس من الإعياء، و قد انبهر. انتهى. و ربما يفرق بين الربو و الانبهار بأن الأوّل يحدث من امتلاء عروق الرئة، و الثانی من امتلاء الشرايين (بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۴۷ و ص ۳۴۸).

[۷۷۰] (۲) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.

[۷۷۱] (۳) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۰۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۲، ح ۵.

[۷۷۲] (۱) گفتنی است در متن عربی واژه «ربو» و «انبهار» و در بحار الأنوار «انبهار» آمده است. ربو، عبارت از مطلقِ نفس تنگی است و بهر نیز خود، نوعی از آن است. در قاموس آمده: آن، عبارت است از بُریدن نفس که از خستگی حاصل آید، مطاوع آن انبهار است. ممکن است میان «ربو» و «انبهار»، این گونه تفاوت گذارده شود که ربو، از پُری عروق ریه حاصل می‌آید و دیگری از پُرشدگی شریان‌ها.

[۷۷۳] (۱) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۵۹، ح ۵۳۸۳، سنن أبی داود، ج ۴، ص ۸، ح ۳۸۷۷، مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۲۸۴، ح ۲۷۰۶۵، المصنّف لعبد الرزاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۴۸۵، کلاهما نحوه، کنز العمال، ج ۹، ص ۵۲۹، ح ۲۷۲۸۵.

[۷۷۴] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۷۷۵] (۲) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۰۷، ح ۲۰۷۹، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲۴، ح ۷۴۴۳، المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۲۰۲، ح ۵۰۹۰ و فيه «قال رسول الله صلى الله عليه و آله: تداووا...»، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۴، ح ۲۸۱۸۷.

[۷۷۶] (۳) طب النبى صلى الله عليه و آله، ص ۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۰.

[۷۷۷] (۱) عود هندی: گفته‌اند همان بُستک دریایی است. همچنین گفته‌اند: عودی است که برای خوشبو کردن، دود می‌کنند.

[۷۷۸] (۲) ذات الجنب: درد پهلو، برسام، نوعی بیماری پهلو، درد و آماس پهلو، ورم حادّ مولم در نواحی صدر، ورم حجاب مستبطن، دردی است به دنده‌ها با سرفه و تب، سینه‌پهلو، ورم حادّ مولم که در نواحی سینه پیدا شود که قسمی از آن را «شوصه»، قسمی را «برساما» و قسمی را «ذات الجنب ساده» گویند (لغت‌نامه دهخدا).

[۷۷۹] (۳) معنای سداب در ج ۱، ص ۲۴۷ آمد.

[۷۸۰] (۱) الخصال، ص ۵۱۳، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱ و فيه «العضّ» بدل «المضغ» و «لیشتدّ» بدل «لیسند» و کلاهما عن

الربیع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۵.

[۷۸۱] (۲) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۷۶ نقلًا عن الخیر المشتهر بتوحید المفضّل.

[۷۸۲] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۲۳۲۱ کلاهما عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق علیه

السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۹، ح ۱۰.

[۷۸۳] (۲) المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۱۵۹، ح ۱۵۷۳، تاریخ دمشق، ج ۵۳، ص ۳۷۵، ح ۱۱۳۱۱، مسند الشهاب، ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۱۳۳۳ کلّها عن أنس؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۲، ح ۲۹.

[۷۸۴] (۳) الفردوس، ج ۲، ص ۲۶۲، ح ۳۲۲۰ عن أبی أيوب، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۵۵، ح ۴۰۸۳۷؛ مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۰۵۸ و فيه «من امتی فی الوضوء و الطعام» بدل «من الطعام و من الطهور»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۶، ح ۱.

[۷۸۵] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۲۳۲۲ عن أبی حمزة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۹، ح ۱۱.



- [۷۸۶] (۵) الفردوس، ج ۵، ص ۳۰۰، ح ۸۲۴۸ عن أبي أيوب و راجع مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۱۰۶۷.
- [۷۸۷] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۱۰۶۶ عن الإمام الكاظم عليه السلام، جامع الأحاديث للقمي، ص ۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۶، ح ۱.
- [۷۸۸] (۲) جامع الأحاديث للقمي، ص ۶۵.
- [۷۸۹] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۰۵۴ عن سعد بن معاذ، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۶، ح ۱.
- [۷۹۰] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۲۳۱۹ عن سدير، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۹، ح ۸.
- [۷۹۱] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۲۳۲۰ كلاهما عن أبي جميلة، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۷، ح ۲۷.
- [۷۹۲] (۶) المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۲۳۵۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۱، ح ۲۰.
- [۷۹۳] (۷) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۰۵۹، مستطرفات السرائر، ص ۴۹، ح ۹ و زاد في ذيله «فإنّ الخلال نزل به جبرئيل مع اليمين و الشهادة من السماء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۱، ح ۲۶.
- [۷۹۴] (۱) المعجم الأوسط، ج ۷، ص ۲۱۵، ح ۷۳۱۱، الفردوس، ج ۲، ص ۵۵، ح ۲۳۰۹ كلاهما عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۰، ح ۲۶۰۹۲؛ طبّ النبي صلى الله عليه و آله، ص ۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۱.
- [۷۹۵] (۲) الجعفریات، ص ۲۸ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۰۶۱ و فيه «مصحة للفم» بدل «صحة للناب»، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۲۳۲۷ نحوه و كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۴۱۰، النوادر للراوندي، ص ۲۱۲، ح ۴۱۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۲، ح ۲۷.
- [۷۹۶] (۳) الفردوس، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۳۰۷ عن عمران الكلاعي، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۵۵، ح ۴۰۸۳۶ عن عمران بن حصين الخزاعي؛ طبّ النبي صلى الله عليه و آله، ص ۳ و فيه «فإنهما» بدل «فإنه»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۱.
- [۷۹۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۵ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام.
- [۷۹۸] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۲۳۲۷ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام.
- [۷۹۹] (۶) تحف العقول، ص ۱۴، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۶۷، ح ۶ و ج ۷۶، ص ۱۳۹، ح ۵۰.
- [۸۰۰] (۱) مقصود از نواجد، همان ضواحک است؛ یعنی دندان‌هایی که هنگام خندیدن، نمایان می‌شوند.
- [۸۰۱] (۲). در مکارم الأخلاق، به جای «سلامت دندان‌های نیش»، عبارت «سلامت دهان» آمده است.
- [۸۰۲] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۲۳۵۷ و ليس فيه «يا جعفر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۱، ح ۱۹.
- [۸۰۳] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۲۳۳۲ و ليس فيه «و هو يطيب الفم»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۹، ح ۱۲.
- [۸۰۴] (۳) إحقاق الحق، ج ۱۲، ص ۲۸۳ نقلًا عن بهجة المجالس.
- [۸۰۵] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۲۳۲۸ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۳۳۷ عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۵۴، ح ۴۰۸۳۵ و راجع مسند ابن حنبل، ج ۳، ص ۳۰۴، ح ۸۸۴۵.
- [۸۰۶] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۸.
- [۸۰۷] (۱) شکم کلن (دبيله)، جوش یا دُمَل بزرگی است که در شکم، رُخ می‌نماید و غالباً شخص را می‌کشد.
- [۸۰۸] (۱) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۷، ح ۴۲۶۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۱۰۵۱.

- [۸۰۹] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۹، ح ۱۷۳۶ عن الفضل بن یونس، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۷، ح ۱.
- [۸۱۰] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۹۹۳ عن محمد بن جعفر بن العاصم عن أبيه عن جدّه، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۱۸، ح ۳۵ و ج ۶۶، ص ۴۲۱، ح ۳۶.
- [۸۱۱] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۲۳۲۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۰، ح ۱۵.
- [۸۱۲] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۸، ح ۱۷۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۷، ح ۱.
- [۸۱۳] (۱) مقصود، موادی است که بلعیدن آن، غیر بهداشتی نیست.
- [۸۱۴] (۱) صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۷۱، ح ۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۰۶۲ کلاهما عن الإمام الرضا عن آباءه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۸، ح ۵.
- [۸۱۵] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۱۰۵۲ عن الفضل بن یونس و راجع: بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۶.
- [۸۱۶] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۹ عن السکونی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۶، ح ۲۳۶۳ عن السکونی عن الإمام الصادق عن آباءه علیهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۱، ح ۲۳.
- [۸۱۷] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۱۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۶، ح ۲۳۶۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۱، ح ۲۵.
- [۸۱۸] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۱۰، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۲۳۶۱ کلاهما عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۱، ح ۲۲.
- [۸۱۹] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۷، علل الشرائع، ص ۵۳۳، ح ۱ کلاهما عن إبراهيم بن عبد الحمید، الخصال، ص ۶۴، ح ۹۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۶، ح ۲۳۶۲ کلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۷، ح ۳.
- [۸۲۰] (۱) مقصود، خلالهای غیر استاندارد آن عصر است.
- [۸۲۱] (۱) سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۲۹۴، سنن أبي داوود، ج ۱، ص ۱۴، ح ۵۴، مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱۸۳۵۵، السنن الکبری، ج ۱، ص ۸۸، ح ۲۴۲ نحوه و کلّها عن عمّار بن یاسر، کنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۴، ح ۱۷۲۳۱.
- [۸۲۲] (۲) الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آباءه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱ نحوه، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰، ح ۱.
- [۸۲۳] (۳) الخصال، ص ۲۷۱، ح ۱۱ عن الحسن بن الجهم، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۶۷، ح ۱ و ج ۸۰، ص ۳۴۵، ح ۲۹.
- [۸۲۴] (۴) ثواب الأعمال، ص ۳۵، ح ۱ عن السکونی عن الإمام الصادق عن آباءه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۳۸، ح ۱۰.
- [۸۲۵] (۵) المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۳۷، ح ۶۳۰۷ عن سلمة بن قیس، کنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۳، ح ۲۶۱۱۰.
- [۸۲۶] (۱) صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۱۲، ح ۲۱، کنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۴، ح ۲۶۱۲۳ نقلًا عن المصنّف لعبد الرزاق و کلاهما عن أبي هريرة.
- [۸۲۷] (۲) سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۴۳، ح ۴۰۸، سنن أبي داوود، ج ۱، ص ۳۵، ح ۱۴۱ کلاهما عن ابن عباس، کنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۳، ح ۲۶۱۱۲.
- [۸۲۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۰، ح ۲۳۳۴ کلاهما عن إسحاق بن عمّار، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۱، ح ۲۵.
- [۸۲۹] (۴) سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۲۹۴، مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱۸۳۵۵، السنن الکبری، ج ۱، ص ۸۸، ح ۲۴۲ کلّها عن عمّار بن یاسر، سنن أبي داوود، ج ۱، ص ۱۴، ح ۵۳ عن عائشة، کنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۴، ح ۱۷۲۳۱.

- [۸۳۰] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۳ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام و ج ۳، ص ۲۳، ح ۳ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۰۸، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۲۵۷ و فيها «أن احفى أو ادرد»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۱، ح ۲۶.
- [۸۳۱] (۶) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۳، ح ۴۹۶۸، الأمالي للصدوق، ص ۵۱۴، ح ۷۰۷ كلاهما عن الحسين بن زيد، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۱۳، ح ۲۶۵۵ كلّها عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.
- [۸۳۲] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۰، ح ۲۳۳۷ كلاهما عن جميل بن درّاج عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۲، ح ۲۸.
- [۸۳۳] (۲) سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۰۶، ح ۲۸۹، المعجم الكبير، ج ۸، ص ۲۲۰، ح ۷۸۷۶ كلاهما عن أبي امامة، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۱۲، ح ۲۶۱۷۴.
- [۸۳۴] (۳) الكافي، ج ۳، ص ۲۳، ح ۲ عن أبي اسامه و ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۲ عن إسحاق بن عمّار و فيه «السواك من سنن المرسلين»، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۱۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۲۶۳.
- [۸۳۵] (۴) علل الشرائع، ص ۲۹۴، ح ۱ عن أبي البختري، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۳، ح ۱۱۵، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۲۶۷ و ليس فيهما «قال رسول الله صلى الله عليه و آله»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۷، ح ۵.
- [۸۳۶] (۵) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۴، ح ۱۱۸، الخصال، ص ۴۸۰، ح ۵۲ عن رسول الله صلى الله عليه و آله نحوه.
- [۸۳۷] (۶) ثواب الأعمال، ص ۳۴، ح ۲ عن عمّار الساباطي عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۵، ح ۱۲۴ و فيه «روى: لو علم...»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۰، ح ۱۷.
- [۸۳۸] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۰، ح ۲۳۳۸ و فيه «تدخلون عليّ قلحاً مُرغاً» بدل «قلحاً»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۲، ح ۲۹.
- [۸۳۹] (۲) الجعفریات، ص ۱۵، النوادر للراوندي، ص ۱۹۲، ح ۳۴۹ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۱۹ و فيه «تنزل عليكم الملائكة» بدل «نزل عليكم»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۹، ح ۵۱.
- [۸۴۰] (۳) الخصال، ص ۴۰۹، ح ۹، المحاسن، ج ۱، ص ۷۵، ح ۳۵، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۱، ح ۱۰.
- [۸۴۱] (۴) سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۰۶، ح ۲۸۹، المعجم الكبير، ج ۸، ص ۲۲۰، ح ۷۸۷۶ و فيه «مطيبه» بدل «مطهرة» و كلاهما عن أبي امامة، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۱۲، ح ۲۶۱۷۴؛ الكافي، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۴ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام و ليس فيه «تسوكوا فإن».
- [۸۴۲] (۵) الفردوس، ج ۳، ص ۳۱۱، ح ۴۹۳۷ عن حذيفة بن اليمان، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۶، ح ۱۷۲۰۸.
- [۸۴۳] (۶) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۲۵۹، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۵، ح ۴۸؛ الفردوس، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۳۵۴۹ عن أبي هريرة.
- [۸۴۴] (۱) در المعجم الكبير، به جای «مايه پاکیزگی»، عبارت «خوش بو کننده» آمده است.
- [۸۴۵] (۱) إتحاف السادة المتّقين، ج ۲، ص ۳۵۰ عن عائشة، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۱۱، ح ۲۶۲۶۴ نقلًا عن الفردوس.
- [۸۴۶] (۲) ثواب الأعمال، ص ۳۴، ح ۳ عن يحيى أبي البلاد.
- [۸۴۷] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۲۳۵۰، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۳، ح ۳۹.
- [۸۴۸] (۴) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۳، ح ۱۱۶، علل الشرائع، ص ۲۹۵، ح ۱ عن أبي البختري، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۲۶۸، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۷، ح ۵.

- [۱۴۹] (۵) الأُمالي للطوسي، ص ۶۶۷، ح ۱۳۹۶ عن أبي غندير، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۹، ح ۵۲.
- [۱۵۰] (۶) المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۲۳۵۴ عن زكريّا، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۲۴۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۴، ح ۴۳.
- [۱۵۱] (۷) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۲۳۵۳ كلاهما عن حمّاد بن عيسى، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۳، ح ۴۲.
- [۱۵۲] (۸) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۸، ح ۲۷۹، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۷ نقلًا عن طبّ الأئمّة لابني بسطام.
- [۱۵۳] (۹) جامع الأخبار، ص ۱۵۱، ح ۳۴۰ عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۸، ح ۴۹.
- [۱۵۴] (۱) الخصال، ص ۴۸۰، ح ۵۲، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۹، ح ۱۳.
- [۱۵۵] (۲) الأحكام النبويّة في الصناعات الطيّبة، ج ۲، ص ۱۱۶، كنز العمّال، ج ۹، ص ۳۱۴، ح ۲۶۱۸۵ نقلًا عن أبي الشيخ في الثواب و أبي نعيم في كتاب السؤال و كلاهما عن ابن عباس.
- [۱۵۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۶، ثواب الأعمال، ص ۳۴، ح ۱ كلاهما عن عبد الله بن سنان، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۵، ح ۱۲۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۷.
- [۱۵۷] (۴) مسند الشاميين، ج ۳، ص ۲۶۴، ح ۲۲۲۲، الفردوس، ج ۲، ص ۴۶۲، ح ۳۹۷۷، كنز العمّال، ج ۶، ص ۶۵۴، ح ۱۷۲۳۳ نقلًا عن المعجم الكبير و مسند أبي يعلى و كلّها عن أبي الدرداء.
- [۱۵۸] (۱) تهذيب الأحكام، ج ۴، ص ۱۹۱، ح ۵۴۵ عن غياث بن إبراهيم، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۲۸۷ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۸ نقلًا عن كتاب اللباس لأبي النضر العياشي و ص ۳۲۰، ح ۴.
- [۱۵۹] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۳۷، ح ۴۸۱، السرائر، ج ۳، ص ۱۴۲ و فيه «يحددن الفكر» بدل «يحدثن الذكر»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۶، ح ۳۹ و ص ۲۷۵.
- [۱۶۰] (۳) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۴، ح ۱۲۰، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۴۰۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۷، ح ۲۷۲، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۷ و راجع كنز العمّال، ج ۹، ص ۳۱۶، ح ۲۶۱۹۷.
- [۱۶۱] (۴) الجعفریات، ص ۱۶۱ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، النوادر للراوندي، ص ۲۰۱، ح ۳۸۲ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، الدعوات، ص ۱۶۱، ح ۴۴۵، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۱۹، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۹، ح ۵۳.
- [۱۶۲] (۵) مسند ابن حنبل، ج ۷، ص ۱۷۳، ح ۱۹۷۵۸.
- [۱۶۳] (۶) السنن الكبرى، ج ۱، ص ۶۶، ح ۱۷۴، المعجم الكبير، ج ۲، ص ۴۸، ح ۱۲۴۲، تاريخ دمشق، ج ۱۱، ص ۴۷۱، ح ۲۸۷۳ كلاهما عن بهُز، كنز العمّال، ج ۷، ص ۴۲، ح ۱۷۸۶۱.
- [۱۶۴] (۱) در السرائر به جای «حافظه به بار می آورد»، عبارت «فکر را تیز می کند» آمده است.
- [۱۶۵] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۲۹۷، ح ۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۴.
- [۱۶۶] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۲۳۵۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۴، ح ۴۵.
- [۱۶۷] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۹۵، ح ۱۸۲، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۵۴ و ج ۷۶، ص ۱۳۵، ح ۴۷.
- [۱۶۸] (۴) المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۳۶۸، ح ۹۲۳، الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۲۶ نحوه، كنز العمّال، ج ۹، ص ۳۲۰، ح ۲۶۲۲۶.
- [۱۶۹] (۵) المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۶۷۸، مسند الشاميين، ج ۱، ص ۵۰، ح ۴۶ كلاهما عن مُعاذ بن جبل، كنز العمّال، ج ۹، ص ۳۲۱، ح ۲۶۶۲۸؛ مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۲۶۱ و ليس فيه «يطيب الفم»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۵، ح ۴۸.
- [۱۷۰] (۶) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۱۷ نقلًا عن: طبّ الإمام الرضا عليه السلام، ص ۵۰، و ذكر الحديث فيه مع تفاوت في الألفاظ.

- [۸۷۱] (۱) گزمازک: بار و میوه درخت گز را گویند و معرب آن «جزمازج» است و به عربی «ثمره الطرفا» خوانند و «حب الاثل»، همان است (لغت نامه دهخدا).
- [۸۷۲] (۲) معنای مُشکک (سُعد) در ج ۲، ص ۳۳۷ خواهد آمد.
- [۸۷۳] (۳) سُنبل: دواست، هندی و رومی دارد، هندی را «سنبل الطیب» و «سنبل عصاره» گویند و رومی را «ناردین» گویند (لغت نامه دهخدا).
- [۸۷۴] (۴) نمک اندرانی (و درآنی)، نمکی است که چنان که در کتاب قانون آمده، به بلور می‌ماند و در فارسی، آن را «نمک ترکی» گویند. «نمک اندرانی»، خطاست و صحیح آن، «درآنی» است، به معنای بسیار سفید (القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۴۰).
- [۸۷۵] (۱) دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۱۹.
- [۸۷۶] (۲) المعجم الكبير، ج ۵، ص ۲۵۴، ح ۵۲۶۱، الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۷۸.
- [۸۷۷] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۹۵، ح ۱۸۲، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۵۴، ح ۳۵.
- [۸۷۸] (۴) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴۵۱، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۷۴، ح ۲۱۸۴، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۱۳۰، ح ۲.
- [۸۷۹] (۵) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۴، ح ۱۲۱، علل الشرائع، ص ۲۹۵، ح ۱، عن مسلم مولى الإمام الصادق عليه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۷، ح ۲۷۳، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۷، ح ۷.
- [۸۸۰] (۱) المعجم الأوسط، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۶۴۳۷، عن عمرو بن عوف المزني، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۱۱، ح ۲۶۱۶۸ و فيه «إذا لم يكن...» و راجع: السنن الكبرى، ج ۱، ص ۶۷.
- [۸۸۱] (۲) السنن الكبرى، ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۷۶، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۱۵، ح ۲۶۱۸۸ نقلًا عن الضياء و كلاهما عن أنس.
- [۸۸۲] (۳) الكافي، ج ۳، ص ۲۳، ح ۵.
- [۸۸۳] (۴) الاختصاص، ص ۱۲۴، عن أبي هند الداربي، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۳، ح ۱۱؛ تاريخ دمشق، ج ۲۱، ص ۶۰ و ليس فيه «يرضى الرب»، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۱، ح ۲۸۲۶۶.
- [۸۸۴] (۵) الدرر الوقية، ص ۴۲، عن سماعه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۵، ح ۱۱.
- [۸۸۵] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۸، ح ۷.
- [۸۸۶] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۴، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۰۹، نحوه و زاد في آخره «إنه يزين به أهل الجنة موائدهم»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۳. انظر تمام الحديث في ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۱۳.
- [۸۸۷] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۳، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۹، ح ۱۳۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۴. انظر تمام الحديث في ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۱۴.
- [۸۸۸] (۱). برای دیدن متن کامل روایت، ر. ک: بادرنگبویه، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۱۵۱۳.
- [۸۸۹] (۲). برای دیدن متن کامل روایت، ر. ک: بادرنگبویه، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۱۵۱۴.
- [۸۹۰] (۱) الكافي ج ۶ ص ۳۶۵ ح ۴ الخصال ص ۲۴۹ ح ۱۱۴ المحاسن ج ۲ ص ۳۱۵ ح ۲۰۸۵ مكارم الاخلاق ج ۱ ص ۳۸۷ ح ۱۳۰۳ عن الامام الباقر عليه السلام نحوه بحار الانوار ج ۶۶ ص ۲۰۰ ح ۱. انظر تمام الحديث في: ج ۲، ص ۴۳۴، ح ۱۹۲۸.
- [۸۹۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۹، ح ۴، عن أبي عزيز المرادي، الخصال، ص ۶۳، ح ۹۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۱۶۰۱ كلاهما عن فضيل بن عثمان، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۹۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۵، ح ۳.
- [۸۹۲] (۳) الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰، عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص

- ۱۰۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۴۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۳، ح ۲.
- [۸۹۳] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۱۴۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۸، ح ۴. انظر تمام الحديث في: ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.
- [۸۹۴] (۱). برای دیدن متن کامل روایت، ر. ک: ج ۲ ص ۴۳۵ ح ۱۹۲۸.
- [۸۹۵] (۲). برای دیدن متن کامل روایت، ر. ک: ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۷۵۶.
- [۸۹۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۵ عن حماد بن عیسی، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲۳۷، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۵، ح ۱۱.
- [۸۹۷] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲۳۹، طَبَّ الأئمة لابنی بسطام، ص ۸۳ و ليس فيه ذيله، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۵، ح ۱۱.
- [۸۹۸] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۲۴۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۶، ح ۱۱.
- [۸۹۹] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۱۰، الخصال، ص ۱۸، ح ۶۳، ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۴ کلها عن حماد بن عثمان، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲۳۵، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۴، ح ۱ و ص ۹۵، ح ۱۱.
- [۹۰۰] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۴ عن عبد الله بن الفضل الهاشمی عن أبيه و عمه.
- [۹۰۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۲، ح ۱۲، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۳، ح ۲۸۵ و ج ۴، ص ۳۶۹، الخصال، ص ۴۹۷، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۷، ح ۲.
- [۹۰۲] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۵، تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۱۶۱، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۲۷۳، ثواب الأعمال، ص ۳۹، ح ۴، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۷.
- [۹۰۳] (۳) الکافی، ج ۴، ص ۱۵۳، ح ۴، المقنعة، ص ۳۱۷ نحوه و كلاهما عن عبد الله بن مسكان، المصباح للكفعمی، ص ۸۳۵. انظر تمام الحديث في ج ۱، ص ۴۵۴، ح ۷۶۴.
- [۹۰۴] (۱) در بعضی از نسخه‌های خطی الکافی عبارت «الغثيان» آمده، و در برخی واژه «الغثيان» به معنای بدنهادی آمده. در برخی از نسخه‌های خطی کتاب من لا يحضره الفقيه «بالصنان» آمده که به معنای «بوی بد زیر بغل» است و سرانجام در برخی از نسخ همین کتاب نیز «بالضنی» آمده که به معنای «ضعف و سستی» است.
- [۹۰۵] (۲). برای دیدن متن کامل روایت، ر. ک: ج ۱، ص ۴۵۵ ح ۷۶۴.
- [۹۰۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۸ عن حنان عن أبيه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۲، ح ۱۰.
- [۹۰۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۱۹۲۷ كلاهما عن سماعه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۲، ح ۱۱.
- [۹۰۸] (۳) طَبَّ الأئمة لابنی بسطام، ص ۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۲، ح ۷.
- [۹۰۹] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۳، الخصال، ص ۱۵۸، ح ۲۰۰ كلاهما عن ميسير بن عمار الزطی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۶ و ليس فيه «و الجماع»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۳۴۲ و ليس فيه «و الماء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۶، ح ۲.
- [۹۱۰] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۲، ح ۳، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۹۸، ح ۳۴.
- [۹۱۱] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگي دار الحديث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۹۱۲] (۱) وَ شِمِجِه: گیاهی است برگش شبیه برگ موزد و ساقش غیر مجوف و ثمرش به قدر فلفلی و بعد از رسیدن، سیاه گردد و

بدان، ابرو و موی را خضاب کنند و در آن، قوه محلّله باشد یا آن برگ نیل است. گیاهی که آن را رنگ و بشکول و خطر و کتم جو حنای مجنونج نیز می گویند (لغت نامه دهخدا).

[۹۱۳] (۱) الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۴۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۳، ح ۲.

[۹۱۴] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۸، ح ۱ عن سفیان بن السمط، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۳۱۹، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۳، ح ۴۵۱ و فيهما «مشط اللحية»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۷، ح ۴.

[۹۱۵] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۷، ح ۴۸۰، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۹ عن داوود بن فرقد نحوه، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۵، ح ۱۶.

[۹۱۶] (۴) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰۴، ح ۶.

[۹۱۷] (۱) معنای خردل در ج ۱، ص ۲۵۹ آمد.

[۹۱۸] (۲) معنای آن در ج ۱، ص ۳۴۵ آمد.

[۹۱۹] (۱) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴، ح ۴۹۶۸، الأمالی للصدوق، ص ۵۰۹، ح ۷۰۷ كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۲۸، ح ۱.

[۹۲۰] (۲) علل الشرائع، ص ۲۹۲، ح ۱ عن عبد الله بن أبي يعفور، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۴، ح ۱۱۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۲۶۹ عن الإمام الباقر عليه السلام و فيهما «يكره» بدل «إياك و»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۱، ح ۵.

[۹۲۱] (۳) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۱۰.

[۹۲۲] (۴) في بحار الأنوار: «فلا يأكل حلواً إلّا بعد كسرة خبز».

[۹۲۳] (۵) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۹ و ص ۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ و ۳۲۵.

[۹۲۴] (۶) الكافي، ج ۸، ص ۱۹۵، ح ۲۳۲ عن سليمان بن جعفر الجعفری، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۳، ح ۹.

[۹۲۵] (۱). در بحار الأنوار، به جای عبارت پایانی حدیث، این عبارت آمده است: «شیرینی نخور، مگر پس از خوردن یک قطعه نان».

[۹۲۶] (۱) في بحار الأنوار: «وقعت فيه».

[۹۲۷] (۲) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۲۱۱، ح ۱۶، إعلام الوری، ج ۲، ص ۵۷، كشف الغمّة، ج ۳، ص ۱۰۴، الثاقب في المناقب، ص ۴۸۴، ح ۴۱۳ کلّها نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۵۹، ح ۱.

[۹۲۸] (۱) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۹، ح ۲۲.

[۹۲۹] (۱) الكافي، ج ۸، ص ۱۹۴، ح ۲۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۳، ح ۸.

[۹۳۰] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۹، ح ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۱، ح ۵.

[۹۳۱] (۳) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۲، ح ۷.

[۹۳۲] (۴) الخصال، ص ۳۸۵، ح ۶۸ عن أبي سعيد الخدری، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۸، ح ۶.

[۹۳۳] (۱) مصطبه ای را گویند که دیواری بر آن محیط است و آن، دو در دارد به دو رکن عراقی و شامی. آن مقدار زمین که حطیم بدو محیط است و قبر هاجر، مادر اسماعیل، در آن است (ر. ک: لغت نامه دهخدا).

[۹۳۴] (۱) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۳۱۲، الخصال، ص ۳۹۴، ح ۱۰۰ عن السكونی عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه و آله، ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۲ عن السكونی عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى

- الله عليه وآله، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۴۰۲، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۶، ح ۵.
- [۹۳۵] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۸، ح ۲۳۰، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۵۵، ح ۳.
- [۹۳۶] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۳، ح ۲۱۸۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰۳، ح ۱ و راجع: طب الأئمة لابن بسطام، ص ۶۶.
- [۹۳۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۲۲۹۸ و فيه «حتى لا» بدل «ولا» و ليس فيه «الفم» و كلاهما عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۲۵۲ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۵، ح ۲.
- [۹۳۸] (۱) الخصال، ص ۵۱۴، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۱، كَلَّهَا عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۱۰، ح ۱۷.
- [۹۳۹] (۲) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۶۷ إلى ص ۱۱۲ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضّل.
- [۹۴۰] (۱) طريحي در مجمع البحرين (ج ۴ ص ۱۹۰) «مُرَّة» را یکی از اخلاط بدن، غیر از خون، معرّفی می کند. شاید همان زرداب یا تلخه باشد. م.
- [۹۴۱] (۱) الاختصاص، ص ۱۰۹، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۶، ح ۱۴.
- [۹۴۲] (۲) الكافي، ج ۸، ص ۲۳۰، ح ۲۹۷ عن ابن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۶، ح ۱۲.
- [۹۴۳] (۳) طبّ النبی صلی الله علیه و آله، ص ۲، عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۳۰، ح ۷۲، الخصال، ص ۵۱۲، ح ۳، علل الشرائع، ص ۹۹، ح ۱، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۰ و الثلاثة الأخيرة عن الربيع صاحب المنصور عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۷، ح ۱۷.
- [۹۴۴] (۱) الخصال، ص ۵۱۲، ح ۳، علل الشرائع، ص ۹۹، ح ۱، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۰، كَلَّهَا عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۵، ح ۹.
- [۹۴۵] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۳۴۴ عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۹، ح ۲؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۴، ح ۴۷۱۷ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلی الله علیه و آله.
- [۹۴۶] (۳) الخصال، ص ۴۱۶، ح ۸ عن الإمام الصادق عليه السلام. انظر تمام الحديث و تخريجه في ج ۲، ص ۲۴۸، ح ۱۶۰۴.
- [۹۴۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۵، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۳، ح ۲۱۸۴ و ليس فيه ذيله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۳۳، ح ۳۳ و راجع: المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲۷، ح ۷۴۵۱.
- [۹۴۸] (۱) برای دیدن متن کامل حدیث و منابع آن، ر. ک: خواصّ خرما ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۱۶۰۴.
- [۹۴۹] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۱۳۹۰، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۱۹۸۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۵، ح ۹.
- [۹۵۰] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۱۰ عن حماد بن عثمان.
- [۹۵۱] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۴، ح ۱۱۵۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۸، ح ۶.
- [۹۵۲] (۴) جامع الأخبار، ص ۱۵۱، ح ۳۴۰ عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۸، ح ۴۹.
- [۹۵۳] (۵) الدعوات، ص ۸۰، ح ۲۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۲، ح ۹.
- [۹۵۴] (۱) معنای سويق در ج ۲، صفحه ۳۷۵ خواهد آمد.
- [۹۵۵] (۱) مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۲۷، ح ۲۰۰۴۷ نقلًا عن كتاب التعريف.
- [۹۵۶] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱۱ عن مسمع بن عبد الملك عن الإمام الصادق عليه السلام.
- [۹۵۷] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۲۲۹۵ كلاهما عن إسماعيل بن جابر و ح ۲۲۹۴ عن الحسن بن راشد عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم



السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱ و فیهما «أكل التفاح نضوح للمعدة»، الجعفریات، ص ۲۴۴ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۳۷۳ و فیهما «عليكم بأكل التفاح فإنه نضوح للمعدة» و الخمسة الأخيرة عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۸، ح ۶.

[۹۵۸] (۴) الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۴۳، ح ۱۵۰ عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۴ و كلاهما عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۴، ح ۱؛ مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۷۲، ح ۲۳۲۹۷ عن ربعي ابنه عياض الكلبي، عيون الأخبار لابن قتيبة، ج ۳، ص ۲۹۴ عن معمر بن خثم عن جدته، كنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۸۷، ح ۳۸۳۲۲.

[۹۵۹] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۳ عن ابن القداح، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۵ عن ابن القداح عن الإمام الصادق عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۰، ح ۳۰.

[۹۶۰] (۱) در الخصال و تحف العقول، حديث به صورت «خوردن سب...» آمده است.

[۹۶۱] (۱) في المصدر: «تسبح»، و الأصوب ما أثبتناه كما في بحار الأنوار.

[۹۶۲] (۲) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۴، ح ۴۹.

[۹۶۳] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۲۶۶ و فيه إلى «و السفرجل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۷.

[۹۶۴] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱ عن الحسن بن راشد عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۲۲۷۷ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۰، ح ۱۵.

[۹۶۵] (۵) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۶، ح ۳۶.

[۹۶۶] (۱) علامه مجلسی می گوید: احتمالاً تسيح گفتن انار در درون بدن، کنایه‌ای از سودمندی فراوان آن است و از این جهت که بر قدرت و حکمت آفریدگار دلالت دارد، گویی همواره در حال تسيح گفتن خداوند است.

[۹۶۷] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۲۲۸۳ عن إسحاق بن مطهر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۱، ح ۲۰.

[۹۶۸] (۲) طب النبى صلى الله عليه و آله، ص ۸ عن ابن عباس، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۷؛ الفردوس، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۴۳۷۱ عن ابن عباس نحوه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۸.

[۹۶۹] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۲۹ كلاهما عن صالح بن عقبه، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۷ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۴.

[۹۷۰] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۲، ح ۱ و راجع: الكافي، ج ۸، ص ۱۹۱، ح ۲۲۰.

[۹۷۱] (۱) مجلسی در ذیل این حدیث گفته است: در بیشتر نسخه‌ها همین عبارت «يفرج المعدة» آمده است، اما این تعبیر دارای معنایی که با این موضع سازگار باشد نیست، مگر آن که گفته شود «يفرج» از ریشه فرج به معنای شکافتن و گشودن است و خود کنایه از وسعت دادن به معده و به وجود آمدن اشتها به غذاست. در برخی از نسخه‌ها نیز «يصوح» آمده که به معنای «خشک می‌کند» است. در برخی دیگر هم «نضوح» یعنی پاک کننده آمده که از سایر ضبطها معنای روشن تری دارد.

[۹۷۲] (۲) در متن حدیث، «اشنان» آمده و آن، نام گیاهی است که به عنوان ماده کمکی در شست و شو از آن استفاده می‌شده است. این واژه، اساساً پارسی است که به زبان عربی درآمده و شکل و تلفظ پیشین خود را نیز حفظ کرده است. م.

[۹۷۳] (۳) حزا، گیاهی است شبیه کرفس، ولی با برگ‌هایی پهن‌تر. در فارسی آن را «دینارویه» می‌گویند. بویی تلخ دارد و دارای دو نوع صحرایی و باغی است. نوع صحرایی را به شیرازی «برگ کازرونی» و نوع باغی را «آهودوستک» می‌نامند (لغت نامه

دهخدا: ج ۶ ص ۸۹۰۵. م.

- [۹۷۴] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۳۵۹، ح ۲۴۵۵۴ وج ۱۰، ص ۸۵ ح ۲۶۱۰۹، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲۸، ح ۷۴۵۵ و ص ۴۵۱، ح ۸۲۴۵، السنن الکبری، ج ۹، ص ۵۸۱، ح ۱۹۵۷۴ کلها عن عائشة نحوه، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۷، ح ۲۸۲۴۵.
- [۹۷۵] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۱۷۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۶، ح ۲۹.
- [۹۷۶] (۳) کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴، ح ۲۸۰۷۵ نقلًا عن الدارقطنی فی العلل عن أنس و ابن السنی و أبی نعیم فی الطبّ عن الإمام علیّ علیه السلام و عن أبی سعید و عن الزهري؛ بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۳۰۶.
- [۹۷۷] (۴) تحف العقول، ص ۱۷۲، بشاره المصطفی، ص ۲۵ عن کمیل بن زیاد نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۲۵، ح ۴۱.
- [۹۷۸] (۱) تلخیص، نوعی آش است که از سبوس، شیر و غسل درست می‌شود. برای توضیح بیشتر، ر. ک: ج ۱، ص ۲۳۵ (تلخیص).
- [۹۷۹] (۲) برده، همان بد گواری یا سنگینی غذاها بر معده است. از آن رو، این بیماری چنین نام گرفته که معده را سرد می‌کند و سبب می‌شود شخص نتواند غذا را گوارا حس کند.
- [۹۸۰] (۱) فی المصدر: «فجأ»، و التصویب من بحار الأنوار. و الفجّ من کلّ شیء: ما لم ينضج (لسان العرب، ج ۲، ص ۳۴۰).
- [۹۸۱] (۲) طبّ الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۳ نحوه.
- [۹۸۲] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۱ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق علیه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۱۰۳، المحاسن، ج ۲، ص ۴۰۲، ح ۲۴۰۴ عن ابن القدّاح و فيه «يأخذ» بدل «يوجد»، الجعفریات، ص ۱۶۱ کلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۳۰، ح ۴۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶۶، ح ۲۳.
- [۹۸۳] (۴) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۲۳۲، الأمالی للصدوق، ص ۴۴۵، ح ۵۹۵ کلاهما عن محمّد بن حرمان، روضة الواعظین، ص ۳۳۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۰، ح ۳.
- [۹۸۴] (۱) مراد از فقّاع در حدیث، نوع حلال آب جوست که امروزه به نام «ماء الشعیر» شناخته می‌شود نه آب جو که نوشیدن آن حرام است، مگر گفته شود نوشیدن آن در حَمَام، علاوه بر حرمت و ایجاد مستی، معده را بیش از پیش از بین می‌برد.
- [۹۸۵] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۴ عن محمّد بن عیسی.
- [۹۸۶] (۲) طبّ الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.
- [۹۸۷] (۳) طبّ الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.
- [۹۸۸] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۲۲۹۶ کلاهما عن أبی بصیر، الخصال، ص ۶۳۲، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۲۶۵ کلاهما عن الإمام علیّ علیه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۴، ح ۳۲.
- [۹۸۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۷ عن حرمان، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۸، ح ۱۶.
- [۹۹۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۵، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲۴۹۳ کلاهما عن زیاد القندی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۴، ح ۲.
- [۹۹۱] (۳) صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۳۶، ح ۹۱، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۵۲، ح ۵۳۶۰، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۰۹، ح ۲۰۸۲ کلاهما نحوه، مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۱۸۳، ح ۱۱۸۷۱، کنز العیال، ج ۱۰، ص ۲۱، ح ۲۸۱۷۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۵، ح ۲۰.
- [۹۹۲] (۱) معنای آویشن در ج ۲ صفحه ۳۳۳ خواهد آمد.
- [۹۹۳] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۳۵، ح ۴۷۶ عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۲، ح ۲۸.

[۹۹۴] (۲) فی بحار الأنوار: «و غيْرته النار، قشْرها و كُلْها».

[۹۹۵] (۳) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۰۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۶، ح ۱۲.

[۹۹۶] (۱) در بحار الأنوار، عبارت چنین است: «... و آتش آن را دیگرگون کرده باشد، آن را پوست بکن و بخور که در دم، درد را آرام می کند».

[۹۹۷] (۱) الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۵ عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۴، ح ۱۹.

[۹۹۸] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۳۴، ح ۱۰۳.

[۹۹۹] (۳) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۵۴ عن سماعه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۷، ح ۳۰.

[۱۰۰۰] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۴، ح ۲۰۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۲، ح ۲ و راجع: الكافي، ج ۶، ص ۳۴۱، ح ۱.

[۱۰۰۱] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۴، ح ۲۰۱۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۳، ح ۳.

[۱۰۰۲] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۴، ح ۲۰۱۱ عن هشام بن سالم، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۴، ح ۵ و راجع: السرائر، ج ۳، ص ۱۴۰.

[۱۰۰۳] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۴، ح ۲.

[۱۰۰۴] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۵، ح ۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۰، ح ۱۴۲۴ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۱، ح ۲۵.

[۱۰۰۵] (۱) اوقيه واحد وزن با مقادير متفاوت در زمان ها و مكان های مختلف بوده و در اصل آن را برابر يك دوازدهم رطل دانسته اند اوقيه شرعی در قرون نخستين اسلامي در مكّه معادل چهل درهم برابر با ۱۲۴ گرم بوده است (ر. ك: اوزان و مقياس ها در اسلام: ص ۵۴ به بعد). م.

[۱۰۰۶] (۲) گاورس، گياهی است از تيره گندميان و از دسته غلّات كه دانه های شبيه ارزَن دارد و با ارزن از يك نوع است و در حقيقت، گونه ای ارزن است كه دانه هایش درشت تر است و پوستش نيز از پوست ارزن، زبرتر است. دانه های اين گياه را بيشر به كيوتران دهند (فرهنگ معين). همچنين، ر. ك: ج ۲، ص ۵۰۱، پاورقی ۱.

[۱۰۰۷] (۱) المصنّف لعبد الرزّاق، ج ۹، ص ۲۵۹، ح ۱۷۱۳۵، كنز العمّال، ج ۱۰، ص ۳۱، ح ۲۸۲۱۹.

[۱۰۰۸] (۲) مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۶۲۹، ح ۲۶۷۷، المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۱۸۴، ح ۱۲۹۸۶ كلاهما عن ابن عباس، كنز العمّال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۶.

[۱۰۰۹] (۳) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۸، ح ۵۶، الخصال، ص ۱۹، ح ۶۵ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليه السلام، علل الشرائع، ص ۲۷۸، ح ۱ و فيه «البواسير» بدل «الباسور»، تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۵۲، ح ۱۰۴۱ و فيه «سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: قال لقمان لابنه...» و زاد فيه «فكتب هذا علي باب الحشّ»، و كلاهما عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۱۸۶، ح ۴۱.

[۱۰۱۰] (۴) فی بحار الأنوار: «يورث داء الفيل». قال العلامة المجلسي قدس سره فی توضيح الحديث: «حدوث داء الفيل لكثرة الجلوس على الخلاء لعلّه لحدوث ضعف في الرجلين يقبل بسببه المواد النازلة من أعالي البدن. و في النسخ «داء الدفين» أي الداء المستتر في الجوف» (بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۴۰).

[۱۰۱۱] (۵) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۴۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۱۷.

[۱۰۱۲] (۱) در بحار الأنوار به جای «داء الدفين» (درد نهفته در داخل انسان) عبارت «داء الفيل» (پاخره و پافیلی) آمده است. علامه مجلسی، در توضیح روایت می گوید: به وجود آمدن پاخره در اثر زیاد نشستن در آبریز گاه، شاید به خاطر موادی باشد که از

قسمت‌های بالای بدن به طرف پاها سرازیر شده و موجب ضعف و سستی آنها می‌شود.

[۱۰۱۳] (۱) مجمع البیان، ج ۷، ص ۴۹۵، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۱۸۴، ح ۳۵.

[۱۰۱۴] (۲) کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۵۵، ح ۴۴۹۰۲، نقلاً عن ابن التّجار عن أنس.

[۱۰۱۵] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۱۰۱۶] (۳) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۶۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ نحوه.

[۱۰۱۷] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۲۵۴ عن کعب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ح ۶.

[۱۰۱۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۴، الخصال، ص ۲۴۹، ح ۱۱۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۵، ح ۲۰۵۸ و فيه «یقمع» بدل «یقطع»،

مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۱۳۰۳ عن الإمام الباقر علیه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۰، ح ۱.

[۱۰۱۹] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۳۵۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۹، ح ۲.

[۱۰۲۰] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۱، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۵، ح ۲۰۱۵ کلاهما عن زراره، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۱، ح

۵.

[۱۰۲۱] (۲) فی بحار الأنوار: «ولا يظهر به وجع البواسیر».

[۱۰۲۲] (۳) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴ نحوه.

[۱۰۲۳] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۳، ح ۶ عن نشیط بن صالح، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۹، ح ۱۱۳۵ و فيه «لأنه جید للبواسیر

...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۴، ح ۶۹.

[۱۰۲۴] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۲۷۷ و فيه «التقطیر» بدل «التقتیر» و کلاهما عن ابن

بکیر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۸، ح ۲.

[۱۰۲۵] (۱) هیرون بر وزن زیتون نوعی از خرماى مرغوب است. در بحار الأنوار به جای این واژه «بَرّنی» آمده که آن نیز نوعی

خرمای مرغوب است.

[۱۰۲۶] (۲) هوبره پرندۀ ای است خاکستری‌رنگ و شبیه مرغابی، با گردنی دراز و منقاری نسبتاً بلند. مذکر و مؤنث آن و نیز جمع و

مفرد آن در زبان عربی یکسان است و «جباری» گفته می‌شود.

[۱۰۲۷] (۳) در مکارم الأخلاق به جای «تقتیر (تنگ‌دستی)»، واژه «تقطیر (قطره قطره آمدن پیشاب)» آمده است.

[۱۰۲۸] (۱) تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۵۴، ح ۱۰۵۶ عن أبی بصیر، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن

الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۲ عن الإمام علیّ علیه السلام و راجع بحار الأنوار، ج ۶۲،

ص ۷۴، ح ۳۵.

[۱۰۲۹] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۵، ح ۵.

[۱۰۳۰] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۲۲۹۷ عن أبی حمزة الثمالی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۵، ح ۱.

[۱۰۳۱] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۵، ح ۵۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۷، ح ۸۹.

[۱۰۳۲] (۲) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۷، ح ۱۳.

[۱۰۳۳] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۰، ح ۱۹۰۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۱، ح ۱۶.

[۱۰۳۴] (۲) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۲۷ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام،

صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۴۰، ح ۱۴۵ عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله و زاد فيه «علی

الريق» بعد «الخمير»، طب الأئمة لابن بسطام، ص ٦٥ نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٠٥، ح ٢٣.

[١٠٣٥] (٣) طب الأئمة لابن بسطام، ص ٦٥ عن مسلم بن يزيد السكوني، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ١٦٦، ح ٥.

[١٠٣٦] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٣٣٠، ح ١١، المحاسن، ج ٢، ص ٢٨٥، ح ١٩٢٨ كلاهما عن سفيان بن السمط، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٤١٣، ح ١٤٠١، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٠٣، ح ١٦.

[١٠٣٧] (١) در صحيفه الإمام الرضا عليه السلام حديث به صورت «... ناشتا بخوريد...» آمده است.

[١٠٣٨] (١) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ٤٨، ح ١٨٥ عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آباءه عليهم السلام، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام، ص ١٠٣، ح ٥٠ عن الإمام الرضا عن آباءه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مسند زيد، ص ٤٨٢، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٦٥، ح ١٢٠٠ عن ابن عباس، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٤١، ح ٥٨؛ كنز العمال، ج ١٠، ص ٢٦، ح ٢٨١٩٧ نقلًا عن أبي بكر في الغيلانيات و الفردوس عن ابن عباس.

[١٠٣٩] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٣٤٩، ح ٢٠، المحاسن، ج ٢، ص ٣٤٣، ح ٢١٨١ كلاهما عن عبد الله بن سنان، طب الأئمة لابن بسطام، ص ٦٥ عن محمد بن مسلم السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام علي عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٦٥، ح ١١٩٧، الجعفریات، ص ٢٤٣ عن الإمام الكاظم عن آباءه عن الإمام علي عليهم السلام و ليس فيهما «عند منامه»، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ١٦٥، ح ٣؛ كنز العمال، ج ١٠، ص ٨٦، ح ٢٨٤٧٢ نقلًا عن المصنف لعبد الرزاق و عن ابن السني و أبي نعيم في الطب.

[١٠٤٠] (٣) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٥٢، ح ١١٤٧، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٨، ح ٢١.

[١٠٤١] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٣٥٥، ح ٢، المحاسن، ج ٢، ص ٣٧٠، ح ٢٢٩٣ و فيه «شفاء» بدل «ينفع» و كلاهما عن الجعفری، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٧٥، ح ١٢٤٩ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٤، ح ٢٩.

[١٠٤٢] (١) نوعی خرمای مرغوب و درشت در مدینه و حوالی آن.

[١٠٤٣] (٢) مقصود، جنّ است.

[١٠٤٤] (١) الكافي، ج ٦، ص ٣٨١، ح ٢، المحاسن، ج ٢، ص ٣٩٨، ح ٢٣٩١، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٣٦، ح ١٠٨٣ كلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٥٦، ح ٤٢.

[١٠٤٥] (٢) الكافي، ج ٤، ص ١٥٣، ح ٤، المقنعة، ص ٣١٧ نحوه و كلاهما عن عبد الله بن مسكان، المصباح للكفعمي، ص ٨٣٥.

[١٠٤٦] (٣) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ٣٤٦، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٣٩، ح ١٠٩٣ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٥٠، ح ١٦.

[١٠٤٧] (١) طب الأئمة لابن بسطام، ص ٦٧ عن حمزة الشمالي، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ١٢٣، ح ٥٣.

[١٠٤٨] (٢) بيان: «قبل أن يتقياً» أي قبل أن يسبقه القىء بغير اختياره، أو المراد به أول ما يتقياً في تلك العلة (هامش بحار الأنوار).

[١٠٤٩] (٣) الدرر الوقية: ص ٤٢ عن سماعة، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٠٥، ح ١١.

[١٠٥٠] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٣٦٤، ح ٤، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٨٨، ح ١٣٠٩ نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٢١٥، ح ١٣.

[١٠٥١] (١) چنان که در حاشیه بحار الأنوار آمده، مقصود از بند نخست روایت، یعنی عبارت «من تقياً قبل أن يتقياً»، آن است که شخص پیش از آن که بی اختیار حالش به هم بخورد، عمداً قی کند و این همان تفسیری است که در ترجمه حاضر دیده می شود یا شاید مقصود از روایت، آن است که هر کس برای نخستین بار در عارضه ای که دارد، قی کند، این پس آوردن، از هفتاد دارو بهتر است (ر. ک: حاشیه بحار الأنوار).

[١٠٥٢] (١) فی المصدر: «النشرة» بدل «البثرة»، و التصویب من بحار الأنوار. و البثر: خُرَاج صِغَار، و خصّ بعضهم به الوجه، واحده بثره و بثره (لسان العرب، ج ٤، ص ٣٩).

- [۱۰۵۳] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۵۵ عن ابن سنان، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۴۸۵ و ليس فيه «و هيجانه»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۱، ح ۲۹.
- [۱۰۵۴] (۳) الخصال، ص ۲۵۰، ح ۱۱۵ عن يونس بن عبد الرحمن، روضة الواعظين، ص ۳۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۷، ح ۱۲.
- [۱۰۵۵] (۱) علّامه مجلسی می گوید: گویا مقصود از حرکت جنبندگان، همان احساس و تخیلی است که به شخص دست می دهد و وی می پندارد که مورچه یا حشره ای دیگر بر روی بدن وی راه می رود. پزشکان، این حالت را «تتمل (مور مور شدن)» خوانده اند.
- [۱۰۵۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۱۴۲۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۲، ح ۲۷.
- [۱۰۵۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۹، ح ۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۲۶۷ نحوه و فيه «دخلت على الرضا عليه السلام...» و «يسكن» بدل «يسل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۹، ح ۲.
- [۱۰۵۸] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۲۱۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۷.
- [۱۰۵۹] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۲۰۸۴ و فيه «يطفي» بدل «يصفي» و كلاهما عن أبي حفص الأبار، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۳۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۹، ح ۱ و ۲.
- [۱۰۶۰] (۱) در المحاسن به جای «تصفیه می کند» عبارت «فرو می نشاند» آمده است.
- [۱۰۶۱] (۱) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۵۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۰، ح ۴۲.
- [۱۰۶۲] (۲) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۲۹۹، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۰۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۷، ح ۸۷.
- [۱۰۶۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۱۰، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۱، ح ۱۱۴۲ و فيه «عن الحميري قال: كتبت إلى أبي محمد عليه السلام أشكو...» و ليس فيه «كبابا» في كلا الموضوعين، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۱۷، ح ۷۵.
- [۱۰۶۴] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۰، ح ۴۹۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۴، ح ۶۱.
- [۱۰۶۵] (۱) مقصود از «مشی» در پایان روایت، هر چیزی است که مسهل باشد. از آن رو، مسهل را «مشی» نامیده اند که شخص را به راه رفتن و رفتن به سمت آبریزگاه، وادار می سازد.
- [۱۰۶۶] (۱) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۵۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۳، ح ۵۲.
- [۱۰۶۷] (۲) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۴۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۵ و فيه «و مداومة النورة».
- [۱۰۶۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۲۸ و ليس فيه «الطري» و كلاهما عن محمد بن عبد الله، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۸ و فيه «كلوا الباقي فإنه يمتخ...» بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۳.
- [۱۰۶۹] (۴) في بحار الأنوار و بعض نسخ المصدر: «المز» بدل «الإليسي». و المز من الرمان ما كان طعمه بين حموضة و حلاوة (انظر لسان العرب، ج ۵، ص ۴۰۹).
- قال العلامة المجلسي قدس سره: قال في القاموس: الإليسي و بهاء: الفلاة ليس بها نبات، و الرمان الإليسي كأنه منسوب إليه، انتهى. و المعروف عندنا الملس بالتحريك و هو ما لا عجم أي نواة له (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۳).
- [۱۰۷۰] (۵) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۶۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۰.
- [۱۰۷۱] (۱) سودا، یکی از اخلاط چهارگانه است که به عقیده قدما جسم انسان بر پایه آنها استوار شده و صلاح و فساد بدن نیز به آنها بستگی داشت.
- [۱۰۷۲] (۲) در بحار الأنوار، عبارت چنین آمده است: «هر کس می خواهد سودا را بسوزاند... و مداومت بر نوره کشیدن کند».
- [۱۰۷۳] (۳) گفتنی است در بحار الأنوار و برخی از نسخ طب الإمام الرضا عليه السلام، به جای «الإليسي (ملس)»، عبارت «المز»

آمده و انار مزّ، اناری است که طعمی میان ترش و شیرین داشته باشد. علامه مجلسی، در توضیح این بخش از روایت می‌گوید: در قاموس آمده است: «املیس، بیابانی است که در آن، کشت صورت نگیرد. انار املیسی، گویا به چنان جایی منسوب است»، اما از دیدگاه ما، آنچه شناخته شده، «مَلَس» است و آن، به معنای انار بی‌دانه است (بحار الأنوار: ج ۶۲ ص ۱۲۳).

[۱۰۷۴] (۱) طَبُّ الْأَثْمَةِ لَابْنِ سِطَامٍ، ص ۳۰ عن الصحّاف الكوفي عن الإمام الكاظم عليه السلام. بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۱، ح ۹. [۱۰۷۵] (۲) قال المجلسی قدس سره: الظاهر أنّ المراد بعود الدم انفصال الدم عنه عند القعود للبراز. وقد ذكر الأطباء أنّه يفتح سدّة الطحال و إسهال الدم بسبب التسخين و التفتيح كما يدرّ دم الحيض. و أمّا نفع إسهال الدم لورم الطحال؛ فلاّنه قد يكون من سوء مزاج الدم و قد يكون من السوداء (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۲).

[۱۰۷۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۱ و ج ۸، ص ۱۹۰، ح ۲۱۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۲۰۶۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۶، ح ۱۳۰۰ و فيه «فقد» بدل «فقعد»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۹، ح ۲ و ج ۶۶، ص ۲۰۲، ح ۸.

[۱۰۷۷] (۱) علامه مجلسی می‌گوید: ظاهراً مقصود از فرونشستن خون، آن است که در هنگام تخلّی، خون از او دفع می‌شود. طیبیان گفته‌اند: تره، مجاری طحال را باز می‌کند و به سبب گرمای فراوان بدن و باز شدن مجاری طحال، خون سرازیر می‌شود، چونان که به گاه عادت ماهانه، خونریزی صورت پذیرد، اما سود این خونریزی برای ورم طحال، آن است که ممکن است این ورم، از بدی مزاج خون یا از سودا سرچشمه گرفته باشد.

[۱۰۷۸] (۱) صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۸۵۶ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۵۸۲، ح ۸۴۹ و فيه «حقّ لله...» و كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۲، ح ۱۷۱۸۵.

[۱۰۷۹] (۲) سنن أبي داود، ج ۱، ص ۶۵، ح ۲۴۸، سنن الترمذی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱۰۶، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۵۹۷، السنن الكبرى، ج ۱، ص ۲۷۰، ح ۸۲۷ کلّها عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۸۵، ح ۲۶۵۹۵.

[۱۰۸۰] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۱ و ح ۴ و فيه «و يحسن» بدل «و يسفر» و كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۰ نحوه، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۲۴۸ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰، ح ۱. [۱۰۸۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۲ عن سفیان بن السمط.

[۱۰۸۲] (۳) طَبُّ الْإِمَامِ الرضا عليه السلام، ص ۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۵ و فيه «... لا- تَنْشَقُّ شَفَاتَهُ، وَلَا يَخْرُجُ فِيهَا بَاسُورٌ، فَلْيُدْهَنَنَّ حَاجِبَهُ مِنْ دُهْنِ رَأْسِهِ».

[۱۰۸۳] (۴) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵۹۱.

[۱۰۸۴] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۵، طَبُّ الْأَثْمَةِ لَابْنِ سِطَامٍ، ص ۹۳ و فيه «و يربّي» بدل «و يروّي» و ليس فيه «و يبيض الوجه» و كلاهما عن أبي حمزة.

[۱۰۸۵] (۱) ناسور، واژه‌ای پارسی و به عربی درآمده و به معنای نوعی عارضه لثه است.

[۱۰۸۶] (۲). در بحار الأنوار، روایت چنین ضبط شده است: «... باید که ابروی خویش را با همان روغنی که به سر خویش می‌مالد، چرب کند».

[۱۰۸۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۰، ح ۲.

[۱۰۸۸] (۲) فی المصدر: «فإنّها» و التصویب من بقیة المصادر.

[۱۰۸۹] (۳) عیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۴، ح ۷۴، مسند زید، ص ۴۸۷ كلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۰۴، ح ۵۱ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، طَبُّ النَّبِيِّ

صلی الله علیه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.

[۱۰۹۰] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۱، طَبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۹۳ نحوه و کلاهما عن هشام بن الحکم؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۷، ح ۱۷۲۱۲ نقلًا عن الشیرازی فی الألقاب عن أنس.

[۱۰۹۱] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۴ عن إسرائيل بن أبي اسامة ببيع الزطی، طَبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۹۳ و فيه « کمثل المؤمن» بدل « مثلنا».

[۱۰۹۲] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۵ عن عبد الرحمن بن كثير، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۵۱، ح ۱۷۱، مسند زید، ص ۴۸۷ عن أحمد بن عامر و کلاهما عن الإمام الرضا عن آباءه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله و فیهما إلى « علی الأديان»، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۲، ح ۶؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۳۰، ح ۲۸۹۲ عن بشر بن عبد الله الخثعمی عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه علیهم السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله و فيه إلى « علی الأديان» و فيه « کفضل ولد عبد المطلب علی سائر قریش» بدل « نعمّ الدهن...»، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۴۴، ح ۳۵۳۲۹.

[۱۰۹۳] (۱) در طَبّ الأئمّة علیهم السلام، به جای « حکایت ما» عبارت « مانند حکایت مؤمن» آمده است.

[۱۰۹۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۳، ح ۱، طَبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۹۳ و فيه من « نعمّ الدهن...».

[۱۰۹۵] (۲) طَبّ الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۱، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۳۲۲ و فيه « فدهن» بدل « بدهن».

[۱۰۹۶] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۹، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۳، ح ۹.

[۱۰۹۷] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۱ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۹۰۶ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه علیهما السلام عنه صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۸۲؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۸۵، ح ۱۸۵۱ عن عمر بن الخطّاب، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۳۵۰۴ عن أبي أسيد، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۸، ح ۲۸۲۹۷.

[۱۰۹۸] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۴ عن أبي داوود النخعی عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۹۰۷ عن أبي داوود النخعی عن الإمام الصادق عن آباءه عنه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۸۲، ح ۱۷.

[۱۰۹۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۳، ح ۳ عن محمد بن الفيض.

[۱۱۰۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۳، ح ۱ عن محمد بن الفيض، طَبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۹۳ عن أبي العيس عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر علیهما السلام نحوه.

[۱۱۰۱] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۳، ح ۱، طَبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۹۴ عن أبي حمزة عن الإمام الباقر علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله نحوه و زاد فی آخره « إنّ فيه لمنافع كثيرة، و شفاء من سبعين داء»، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۴، ح ۱۲.

[۱۱۰۲] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۳، ح ۱۰.

[۱۱۰۳] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۵ عن إسماعيل بن عبد الخالق، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۴، ح ۲۹۲، ثواب الأعمال، ص ۳۶، ح ۲ عن سفيان بن السمط.

[۱۱۰۴] (۱) درختی است نازک و خوش نما که از تخم آن، روغن می گیرند و بسیار نافع و خوش بوست (ر. ک: لغت نامه دهخدا).

[۱۱۰۵] (۲) خیری، که آن را « خیری زرد» نیز می نامند، همان است که مصریان از آن با نام « المنثور» یاد می کنند. دارای نوعی بزی است که « خزامی» و همچنین « بابونه» نامیده می شود (شرح أسماء العقار ابو عمران قرطبی ص ۴۱، شماره ۳۹۴). البته ناگفته نماند، واژه یاب، « خیری البر» را به کشه، اردانه و اروانه ترجمه کرده است. م.

[۱۱۰۶] (۱) المحاسن، ج ۱، ص ۷۸، ح ۴۰، الخصال، ص ۴۴۳، ح ۳۸ عن صهيب بن عباد عن أبيه عن الإمام الصادق عن أبيه عن



جده عليهم السلام و ليس فيه « في الحمام و غيره » و فيه « النشوة » بدل « النشرة » بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٣٢٢، ح ٢. انظر تمام الحديث في ج ١، ص ٩٨، ح ٩٣.

[١١٠٧] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٥٠٤، ح ٣ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٢٥، ح ٢٩٣ و فيه « و ينقى » بدل « و ينقى »، تحف العقول، ص ١٠١ و فيه « و ينقى الأقدار » بدل « و ينقى الأقداء »، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٨٧، ح ٨.

[١١٠٨] (٣) كنز العمال، ج ٦، ص ٦٦٨، ح ١٧٣١٦ نقلًا عن ابن السني و أبي نعيم عن أبي رافع؛ صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ٢٧٧، ح ٢٤ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٨٩، ح ٥٥٩ و ليس فيهما « الحناء ».

[١١٠٩] (٤) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٢١، ح ٢٦٩، ثواب الأعمال، ص ٣٩، ح ٦ عن الحسين بن موسى عن الإمام الكاظم عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٤٥، ح ٣٧٦، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٩٠، ح ٨.

[١١١٠] (٥) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٢١، ح ٢٧٠، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٤٥، ح ٣٨١، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ٤٨، ح ١٨٦ عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام، صحيفة الإمام الرضا

عليه السلام، ص ٢٤٦، ح ١٥٦ عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٨٩، ح ٦؛ كنز العمال، ج ١٠، ص ٩٢، ح ٢٨٤٩٥ نقلًا عن أبي نعيم عن الإمام عليّ عليه السلام.

[١١١١] (١) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ٤٢، ح ١٤٢ عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ٢٤٩، ح ١٦٥ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مسند زيد، ص ٤٨٠، الدعوات، ص ١٤٥، ح ٣٧٧، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٩٧، ح ١٤.

[١١١٢] (٢) في المصدر: «أمان»، و الصواب ما أثبتناه.

[١١١٣] (٣) الاصول الستة عشر، ص ١٢ عن زيد الزرّاد.

[١١١٤] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٣٠٦، ح ٧، المحاسن، ج ٢، ص ٢٨٧، ح ١٩٣٧ كلاهما عن عبد الله بن مسكان، بحار الأنوار، ج ١٠٤، ص ٨٠، ح ١٥.

[١١١٥] (٥) طبّ النبيّ صلى الله عليه و آله، ص ٨ عن ابن عباس، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٩٧؛ الفردوس، ج ٤، ص ١٣٨، ح ٤٣٧١ عن ابن عباس نحوه، كنز العمال، ج ١٠، ص ٤٦، ح ٢٨٢٨٨.

[١١١٦] (١) معنای سويق و روایت های آن، در ج ٢، صفحه ٣٧٥ خواهد آمد.

[١١١٧] (٢) در متن روایت، «اشنان» آمده و آن نام گیاهی است که به عنوان ماده کمکی در شست و شو از آن استفاده می شده است. این واژه، اساساً پارسی است که به زبان عربی درآمده و شکل و تلفظ پیشین خود را نیز حفظ کرده است. م.

[١١١٨] (١) الكافي، ج ٦، ص ٣٦١، ح ١، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٨١، ح ١٢٧٧ و فيه « التقطير » بدل « التقير » و كلاهما عن ابن بكير، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٨٨، ح ٢.

[١١١٩] (٢) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٤١٦، ح ١٤١٠، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٩٨، ح ٤. انظر تمام الحديث في: ص ٥٨١، ح ١٧٥٧.

[١١٢٠] (١) تخمی است خوش بوی و شبیه به زنیان که بر روی خمیر نان می پاشند. سیاه تخمه، حبه السوداء، شونیز، نانخه، نانوخیه، نانخاه و سیاه دانه جنام های دیگر آن استج ( لغت نامه دهخدا).

[١١٢١] (١) الكافي، ج ٦، ص ٣٧٤، ح ٤، المحاسن، ج ٢، ص ٣٣٠، ح ٢١٢٤ كلاهما عن درست و فيه « الفم » بدل « النكهة »، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٢٤٨، ح ٦.

- [۱۱۲۲] (۲) بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۲، ح ۲۱ نقلًا عن الفردوس عن أبي الدرداء.
- [۱۱۲۳] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۱۳۸۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۸، ح ۳.
- [۱۱۲۴] (۴) طبّ النبيّ صلى الله عليه وآله، ص ۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۹؛ تاريخ دمشق، ج ۱۴، ص ۳۶، ح ۳۳۶۸ عن شريح عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه.
- [۱۱۲۵] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگي دار الحديث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۱۱۲۶] (۱) توضیح آن در ج ۲، صفحه ۳۷۳ خواهد آمد.
- [۱۱۲۷] (۱) المعجم الكبير، ج ۲۳، ص ۲۹۹، ح ۶۶۷ عن أم سلمة وج ۱۲، ص ۲۲۵، ح ۱۳۱۵۰ عن ابن عمر، الفردوس، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۲۷۷۹ عن ابن عباس و كلاهما نحوه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۳، ح ۲۸۱۲۹؛ بحار الأنوار ج ۶۲، ص ۱۲۶، ح ۸۱.
- [۱۱۲۸] (۲) المعجم الكبير، ج ۸، ص ۳۶، ح ۷۳۰۶ عن عبد الحميد بن صيفي عن أبيه عن جدّه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۴، ح ۲۸۱۳۳.
- [۱۱۲۹] (۳) الخصال، ص ۳۸۵، ح ۶۸ عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۰، ح ۷ وفيه «أو أربع عشرة» بدل «أو تسع عشرة».
- [۱۱۳۰] (۴) في بحار الأنوار: «العشيّ الشديّد» بدل «الغشوة الشديدة».
- [۱۱۳۱] (۵) طبّ الإمام الرضا عليه السلام، ص ۵۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۱۸ نحوه.
- [۱۱۳۲] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۶، ح ۵۲۶ و ص ۱۷۷، ح ۵۲۹ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۷، ح ۹۰.
- [۱۱۳۳] (۲) الكافي، ج ۸، ص ۳۸۲، ح ۵۷۹ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۴، ح ۶.
- [۱۱۳۴] (۳) الخصال، ص ۲۱۰، ح ۳۲ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الدعوات، ص ۱۲۱، ح ۲۹۴، روضة الواعظين، ص ۳۴۰، طبّ النبيّ صلى الله عليه وآله، ص ۱۲ وفيه «يقطع العروق» بدل «أمان من» في المواضع الأربعة، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۵، ح ۹.
- [۱۱۳۵] (۱) مشكاة الأنوار، ص ۵۱۸، ح ۱۷۴۳، جامع الأخبار، ص ۱۴۴، ح ۳۱۲، الأمالي للطوسي، ص ۴۱۵، ح ۹۳۵ و ص ۷۳۴، ح ۱۵۳۳ كلاهما عن محمد بن مسلم و ليس فيهما من «و من قالها» إلى «من أنواع البلاء»، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۹۵، ح ۱.
- [۱۱۳۶] (۲) المستدرک علی الصحيحين، ج ۴، ص ۴۵۶، ح ۸۲۶۴ عن ابن عباس، كنز العمال، ج ۹، ص ۱۳۹، ح ۲۵۴۰۰.
- [۱۱۳۷] (۱) الخصال، ص ۲۴۹، ح ۱۱۱ عن موسى بن إبراهيم المروزي عن الإمام الكاظم عليه السلام، روضة الواعظين، ص ۳۴۰، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۳، ح ۲.
- [۱۱۳۸] (۲) الخصال، ص ۹۷، ح ۴۴، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۳، ح ۱.
- [۱۱۳۹] (۳) الخصال، ص ۶۱۷، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۷، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۳، ح ۳.
- [۱۱۴۰] (۴) غريب الحديث لابن قتيبة، ج ۱، ص ۳۴۵، الفائق في غريب الحديث، ج ۱، ص ۱۹۱، دستور معالم الحكم، ص ۱۲۶، شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۱۳۲، كنز العمال، ج ۹، ص ۲۲۳، ح ۲۵۷۵۵ وفيه «أنه رأى رجلًا في الشمس قاعدا، فنهاه عن القعود، و قال: قم...».
- [۱۱۴۱] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۱ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۱۹۸۲ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۱۳۹۱ عن الإمام الصادق عليه السلام و

ليس فيه « يهيج الحرّ في الجوف»، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٨١ وج ٦٦، ص ١٩٨، ح ٢.

[١١٤٢] (١) در كنز العمّال، عبارت‌های آغازین روایت، چنین است: «مردی را در زیر آفتاب، نشسته دید. او را از این کار، باز داشت و فرمود: صبرخیز ... ص».

[١١٤٣] (١) ثواب الأعمال، ص ٢٩٣، ح ١، الأمالی للطوسی، ص ٤٣٩، ح ٩٨١ و ليس فيه « و البواسير»، الأمالی للصدوق، ص ٤٨٢، ح ٦٥١، المحاسن، ج ٢، ص ٣٨٨، ح ٢٣٧٤ کلهّا عن زياد بن أبي زياد، بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ١٥٠، ح ١.

[١١٤٤] (٢) طبّ الأئمّة لابن بسطام، ص ٥٥ عن ابن سنان، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٦٩، ح ٤٨٥ و ليس فيه « و هيجانه»، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ١٠٠، ح ٢٥.

[١١٤٥] (٣) بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٢١ نقلًا عن طبّ الإمام الرضا عليه السلام، ص ٦٣، و في الطبعة التي بأيدينا «البصل» بدل «البيض».

[١١٤٦] (٤) طبّ الإمام الرضا عليه السلام، ص ٦٤، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٢١.

[١١٤٧] (١) در چاپی از طبّ الإمام الرضا عليه السلام که در اختیار ماست، به جای «تخم مرغ»، واژه «پیاز» آمده است.

[١١٤٨] (١) الكافي، ج ٦، ص ٥٠٣، ح ٣٨ عن محمد بن عليّ بن جعفر.

[١١٤٩] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٥٠٠، ح ١٩ عن عمر بن يزيد عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٣٤، ح ٣٣٢ و فيه «رجله» بدل «رجليه»، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٨١، ح ٢٢.

[١١٥٠] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٢٥٤، ح ٥، علل الشرائع، ص ٥٦١، ح ١ كلاهما عن مسمع عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ٦١٥، ح ١٠ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، تحف العقول، ص ١٠٥، المحاسن، ج ٢، ص ٢٦٣، ح ١٨٣٥ عن مسمع عن الإمام الصادق عليه السلام و الثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٨، ح ١٦ و راجع طبّ الأئمّة لابن بسطام، ص ١٠٥.

[١١٥١] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٣٦٨، ح ٢ عن السكوني، المحاسن، ج ٢، ص ٣٢٤، ح ٢٠٩٨، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٩٠، ح ١٣١٥ و ليس فيه « و بات ينزف الدم»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٢٣٦، ح ٢. و راجع المجازات النبويّة، ص ١٥٣، ح ١١٥.

[١١٥٢] (١) ترة تيزك يا شاهی، گیاهی است از تیره چلبیایان. قسمی از بقولات خوردنی است که مزه اش کمی تیزی دارد. از این جهت، به تره (سبزی) تيزك نامیده شده و در اصفهان، آن را «شاهی» گویند و در عربی «جرجیر». (لغت نامه دهخدا)

[١١٥٣] (١) الكافي، ج ٦، ص ٣٧٧، ح ٧، علل الشرائع، ص ٥٣٣، ح ١ كلاهما عن إبراهيم بن عبد الحميد، الخصال، ص ٦٤، ح ٩٤، المحاسن، ج ٢، ص ٣٨٦، ح ٢٣٦٢ كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٣٠، ح ١٠٥٦ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٣٧، ح ٣.

[١١٥٤] (٢) المعجم الأوسط، ج ٣، ص ٣٢٦، ح ٣٣٠٠ عن أبي هريرة، كنز العمّال، ج ١٦، ص ٣٥٢، ح ٤٤٨٨٥.

[١١٥٥] (٣) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٥٧، ح ٥٧٦٢ عن حمّاد بن عمرو و أنس بن محمد عن أبيه، و ج ٣، ص ٥٥٧، ح ٤٩١٤، الخصال، ص ٥٢٠، ح ٩ كلاهما عن الحسين بن زيد، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ٣٢٣، ح ٢٦٥٦ نحوه و کلهّا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٧٧، ص ٥٠، ح ٣.

[١١٥٦] (١) گیاهی است علفی از تیره نعناعیان که یک ساله و معطر است و دارای ساقه منشعب از قاعده است. ارتفاعش ٢٥ تا ٣٠ سانتی متر است. صعتر هندی، حبّ ریحانی، نازبویه، شاهسپر (سپرغم) و ... نام‌های دیگر آن است (لغت نامه دهخدا).

[١١٥٧] (١) كنز العمّال، ج ١٠، ص ٥٤، ح ٢٨٣٢٩ نقلًا عن ابن السنی و أبي نعیم فی الطبّ عن عبد الله بن أبي أوفی.

[١١٥٨] (٢) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٥٢، ح ٤٨٩٩، علل الشرائع، ص ٥١٥، ح ٥، الاختصاص، ص ١٣٢ و زاد فیهما و

الخبيل» و کلها عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۱، ح ۱.

[۱۱۵۹] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۲ و ح ۳ عن علي بن أبي حمزة و فيه «فأذيوه بأكل السلجم»، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۲۱۴۳

عن زياد بن بلال، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۰۵ عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۱، ح ۴.

[۱۱۶۰] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۱، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۰۵ و زاد في آخره «قال: نيتاً أو مطبوخاً؟ قال: كلاهما» و

كلاهما عن علي بن المسيب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۱، ح ۵.

[۱۱۶۱] (۱) در طب الأئمة عليهم السلام پایان روایت، با این افزوده است: «پرسید: خام یا پخته؟ فرمود: "هر دو».

علّامه مجلسی در شرح این حدیث چنین آورده است: گویا که رگ جذام کنایه از سودا است؛ چه، با غلبه و تباهی سودا جذام پیش می‌آید. اما طبع شلغم از آن روی که در حالت دوم پخته خشک و در حالت نخست مرطوب است، با طبع سودا مخالفت دارد و بدین ترتیب مانع طغیان سودا می‌شود.

[۱۱۶۲] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۴، الخصال، ص ۲۴۹، ح ۱۱۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۵، ح ۲۰۵۸، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۱۳۰۳ عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، روضة الواعظین، ص ۳۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۰، ح ۱.

[۱۱۶۳] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۹.

[۱۱۶۴] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۲۱۰۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۵، بحار

الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۶، ح ۲.

[۱۱۶۵] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۷ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج

۶۶، ص ۲۱۷، ح ۱۱.

[۱۱۶۶] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۰۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۳. انظر

تمام الحديث في ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۱۳ (البازرورج).

[۱۱۶۷] (۶) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۵، ح ۵ نقلًا عن الفردوس.

[۱۱۶۸] (۱) علامه مجلسی می‌نویسد: مقصود از «بیرون کشیدن رگ‌ها»، بیرون کشیدن رگ از میان گوشت است، چنان که

یهودیان، اکنون نیز این کار را انجام می‌دهند. در برخی از روایت‌های ما هم نهی از خوردن رگ گوشت، آمده است.

[۱۱۶۹] (۲) سند این روایت، ضعیف و مضمون آن، به دلیل مرتبط کردن نور حکمت با خوردن اسپند، غیر قابل قبول به نظر

می‌رسد؛ امّا نقش آن در پیشگیری از بیماری‌ها، نیاز به آزمایش دارد و آوردن این گونه روایات در این دانش‌نامه، بدین منظور

است.

[۱۱۷۰] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۴، ح ۱۳۷۷، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۶۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۴، ح ۴.

[۱۱۷۱] (۲) طب النبي صلى الله عليه و آله، ص ۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۱.

[۱۱۷۲] (۳) الدعوات، ص ۱۲۱، ح ۲۹۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۴، ح ۷؛ المستدرک علی الصحيحین، ج ۴، ص ۴۵۶، ح ۸۲۶۲

عن عائشة، الفردوس، ج ۴، ص ۳۹، ح ۶۱۲۳ عن جابر بن عبد الله و كلاهما نحوه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۴، ح ۲۸۳۳۴.

[۱۱۷۳] (۴) الكافي، ج ۸، ص ۳۸۲، ح ۵۷۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۵، ح ۸.

[۱۱۷۴] (۱) الكافي، ج ۳، ص ۴۱۸، ح ۷، تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۳۶، ح ۶۲۲ كلاهما عن حفص بن البختري، كتاب من لا

يضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۰۵، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۲، ح ۱۲.

[۱۱۷۵] (۲) الكافي، ج ۳، ص ۱۵، ح ۵ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عليه السلام، علل الشرائع، ص ۲۸۱، ح ۲ عن

السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۳۵، ح ۷.

- [۱۱۷۶] (۳) تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۱۱۱۳، الاستبصار، ج ۱، ص ۳۰، ح ۷۹، علل الشرائع، ص ۲۸۱، ح ۱ کلها عن إبراهيم بن عبد الحميد؛ السنن الكبرى، ج ۱، ص ۱۱، ح ۱۴ عن عائشة نحوه.
- [۱۱۷۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۱، ح ۲۴، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۲۴۳، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۳۴، ح ۳۳۳ وفيه من «ولا تتدلّك...» بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۱، ح ۲۲.
- [۱۱۷۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۳، ح ۳۸ عن محمد بن عليّ بن جعفر، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۱۰ عن الإمام الكاظم عليه السلام وفيه «التدلّك بالخزف يبلى الجسد» فقط.
- [۱۱۷۹] (۳) الأمالي للصدوق، ص ۶۳۶، ح ۸۵۴ عن عبد الحميد بن عوّاض الطائي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الكافي، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۷، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۹۳، ح ۳۹۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۱۷۱۰ کلها عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۸.
- [۱۱۸۰] (۴) الخصال، ص ۲۷۰، ح ۹ عن ابن عباس، روضة الواعظين، ص ۳۳۸، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۴، ح ۱۱.
- [۱۱۸۱] (۱) در كتاب من لا يحضره الفقيه با اين تفاوت آمده است: «مالیدن سفال بر پوست، بدن را فرسوده می کند».
- [۱۱۸۲] (۱) الكافي، ج ۳، ص ۴۱۸، ح ۱۰ و ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۲، تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۳۶، ح ۶۲۴ کلها عن ابن بكير، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۴، ح ۲۹۰، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۴۲، ح ۳۶۳، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۷، ح ۸.
- [۱۱۸۳] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۳۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۳، ح ۷.
- [۱۱۸۴] (۳) في المصدر: «فإنه»، و التصويب من بحار الأنوار.
- [۱۱۸۵] (۴) طبّ النبيّ صلى الله عليه و آله، ص ۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۱.
- [۱۱۸۶] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۰، ح ۱ و ص ۳۶۹، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۲۱۰۷ کلها عن محمد بن قيس، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۱۱۲۶ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام وفيه «البرص» بدل «البياض»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۴، ح ۶۹.
- [۱۱۸۷] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۲۱۰۸ عن أبي الصباح الكناني، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۶، ح ۵.
- [۱۱۸۸] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۲ عن أبي الصباح الكناني، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۱۱۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۴، ح ۶۹.
- [۱۱۸۹] (۴) طبّ الأئمة لابني بسطام، ص ۱۰۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۲، ح ۵.
- [۱۱۹۰] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۶ عن إسحاق بن عمّار، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۱۹۴۳ عن أبي الصباح الكناني، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۹، ح ۱۷.
- [۱۱۹۱] (۱) مقصود از سفیدی، همان پیسی است و این احتمال که مقصود از آن، سفیدی چشم باشد، بعید است.
- [۱۱۹۲] (۲) معنای سويق و توضیحات بیشتر در ج ۲، صفحه ۳۷۵ خواهد آمد.
- [۱۱۹۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۷ عن يحيى بن مساور.
- [۱۱۹۴] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۲۲۷، ح ۲۵۴۹.
- [۱۱۹۵] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۱۳۷۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۶، ح ۲.
- قال المجلسي قدس سره: اعلم أنّ البرص نوعان: أبيض و أسود، و كذا البهق، و الفرق بينهما أنّ البهق مخصوص بالجلد ولا يغور في اللحم، و البرص بنوعيه يغور فيه (بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۵۸).
- [۱۱۹۶] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۱۳۷۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۶، ح ۱.

- [۱۱۹۷] (۵) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۷۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۱، ح ۴.
- [۱۱۹۸] (۱) بهک همانند پیسی، سفیدی ای است که بر خلاف رنگ پوست، بر آن ظاهر می شود؛ ولی خود پیسی نیست. علامه مجلسی می گوید: پیسی بر دو گونه است: سفید و سیاه، و همچنین است بهک. تفاوت میان این دو نیز آن است که بهک به پوست محدود می شود و به گوشت نمی رسد؛ اما هر دو نوع پیسی به گوشت نیز سرایت می کند.
- [۱۱۹۹] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۶، ح ۵۲۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۸، ح ۹۰.
- [۱۲۰۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۳، ح ۲، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۴۸، ح ۷۵.
- [۱۲۰۱] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲۴۹۱، و فيه «ذهب الله عنه» بدل «ذهب عنه»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۹، ح ۲۲.
- [۱۲۰۲] (۱) معنای آن در ج ۱ صفحه ۴۷۷ آمده است.
- [۱۲۰۳] (۱) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۵۸، ح ۳۵۰۲، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۹۲، ح ۲۰۵۴ نحوه و كلاهما عن سلمی ام رافع مولاة رسول الله صلى الله عليه و آله، كنز العمال، ج ۷، ص ۱۳۲، ح ۱۸۳۵۳.
- [۱۲۰۴] (۲) ثواب الأعمال، ص ۳۶، ح ۱ عن عمر بن يزيد، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۶، ح ۱.
- [۱۲۰۵] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۵، تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۱۶۱، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۲۷۳، ثواب الأعمال، ص ۳۹، ح ۴، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۷ و ص ۹۹، ح ۹.
- [۱۲۰۶] (۱) و فی نسخه: المانویة (هامش المصدر).
- [۱۲۰۷] (۲) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۷۶ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۱۲۰۸] (۱) در نسخه ای «مانویه» آمده است.
- [۱۲۰۹] (۱) الخصال، ص ۵۱۲، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱ كلاهما عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۶، ح ۹.
- [۱۲۱۰] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۲، ح ۴۶۴۹ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۷۴۴ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، عوالي اللآلي، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱۲۸، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۷، ح ۵۲.
- [۱۲۱۱] (۳) المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۱۱۶، ح ۱۱۳۰۴، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۸۳، ح ۴۵۵۶۹.
- [۱۲۱۲] (۱) المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۶۷۲، مسند أبي يعلى، ج ۴، ص ۲۴۷، ح ۴۳۵۱ كلاهما عن عائشة، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۵، ح ۲۸۳۳۵.
- [۱۲۱۳] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۷۹، ح ۸ عن عليّ القمي، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۰۵ عن إسحاق بن عمار نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۲، ح ۸.
- [۱۲۱۴] (۳) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۹، ح ۳۲۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۴۶۰ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، الجعفریات، ص ۱۵۶ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۲۵، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۳، ح ۱.
- [۱۲۱۵] (۴) تاريخ أصبهان، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۴۳۰، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۶۰، ح ۱۷۲۶۷ نقلًا عن ابن عساكر.
- [۱۲۱۶] (۱) علامه مجلسی می گوید: در بیشتر نسخه ها، «سعة الجنب (فراخی پهلو)» آمده است و مقصود از فراخی سینه، یا گشاده رویی و گشاده خویی است و یا این تعبیر، کنایه از شادی و شادمانی است، آن گونه که در برابر، تنگی سینه، کنایه از اندوه و

اندیشناکی است؛ چرا که فراوانی اندوه و اندیشه، مواد سوداوی ای را ایجاد می کند که خود، به وجود آورنده جذام اند. در برخی از نسخه‌ها نیز «سعة الجیب (گشادگی گریبان)» آمده و این نیز دارای وجهی است؛ چرا که با وجود فراخی گریبان، بخارهایی که در بدن است، امکان خارج شدن می یابند و در بدن، حبس نمی شوند تا خلطهای بد را پدید آورند. در برخی از نسخه‌ها نیز «سعة الجبین (فراخی پیشانی)» آمده و این نیز به معنای حقیقی و معنای مجازی محتمل است.

مقصود از «مویی که در بینی می روید» در این متن، یا فراوانی خود به خودی موها و یا فراوانی حاصل از نچیدن آنهاست؛ چونان که روایت شده که چیدن این موها، سبب جذام می شود، زیرا به کمک موهای بینی، مواد سوداوی از بدن بیرون می روند، در حالی که با چیدن این موها، خروج این مواد از بدن، کاهش می یابد. از همین روی است که غالباً جذام از بینی آغاز می شود.

[۱۲۱۷] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۲ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۹، ح ۳۲۶، مشکاة الأنوار، ص ۴۵۸، ح ۱۵۳۵ عن النوفلی عن الإمام الصادق علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۴۶۱ عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۳، ح ۱؛ المعجم الأوسط، ج ۴، ص ۱۸۷، ح ۳۹۳۳ عن أبي قتادة وفيه «فليحسن إليه أو ليحلقه».

[۱۲۱۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۱.

[۱۲۱۹] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۸۰، ح ۱۲۵، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۶، ح ۲۱.

[۱۲۲۰] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۶ عن منصور بن بزرج، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۲۹۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۴۳، ح ۳۶۸، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۷، ح ۸.

[۱۲۲۱] (۱) مقصود از «وفرة» که در متن عربی آمده، مویی است که بلند شود و بر سر، جمع شود، یا مویی که از گوش‌ها پایین تر آمده و یا تا نرمه گوش رسیده باشد.

[۱۲۲۲] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۱، ح ۹، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۹۸، ح ۳۲.

[۱۲۲۳] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۱، ح ۷، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۵۴۴، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۰۱، ح ۹.

[۱۲۲۴] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۹، ح ۶، ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۸، ح ۷.

[۱۲۲۵] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۹، ح ۹ عن الإمام الكاظم علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۸، ح ۱۰.

[۱۲۲۶] (۵) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۷، ح ۴۸۰، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۹ عن داوود بن فرقد نحوه و زاد فيه «و تسريح اللحية يذهب بالوباء، و تسريح الذؤببتين يذهب ببلابل الصدر»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۵، ح ۱۶.

[۱۲۲۷] (۱) و سمه یا کتم، گیاهی است که آن را با حنا می آمیزند و موها را بدان، خضاب می کنند و رنگش بر جای می ماند. اگر ریشه آن را در آب بپزند، مرکب قلم از آن به دست می آید. همچنین، ر. ک: ص ۲۶۶ ۲۶۷.

[۱۲۲۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۸، ح ۱ عن سفیان بن السمط، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۳۱۹، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۲، ح ۴۵۱ نحوه و فیهما من «المشط للرأس...»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۷، ح ۴.

[۱۲۲۹] (۲) علل الشرائع، ص ۲۹۲، ح ۱، الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۸۶، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۵، ح ۴۶۷ و فيه «لا تتسرح فی الحمّام؛ فإنّه یرقّ الشعر»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۱، ح ۵.

[۱۲۳۰] (۳) الکافی، ج ۵، ص ۳۲۰، ح ۳، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۰۳، ح ۱۶۱۱، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۲، ح ۴۳۴۱ کلها عن معمر بن خلّاد، الخصال، ص ۹۲، ح ۳۴ عن علی بن الحکم یرفعه إلى الإمام الصادق علیه السلام، تحف العقول، ص ۴۴۲ و فیها «و إحقاء» بدل «و أخذ»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۱، ح ۷۶.

[۱۲۳۱] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۲، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۹، ح ۳۲۵، ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۱ و لیس

فيه ذيله، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٨٥ ح ٧.

[١٢٣٢] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ٢ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ١٣٨٥ ه.ش.

[١٢٣٣] (١) در کتاب من لا یحضره الفقیه و مکارم الأخلاق، دو جمله اول روایت، نیامده است.

[١٢٣٤] (٢) در مکارم الأخلاق چنین آمده است: «در حَمَام شانه مکن؛ چرا که این کار مو را ضعیف می کند».

[١٢٣٥] (٣) در تهذیب الأحکام، کتاب من لا یحضره الفقیه، الخصال و تحف العقول، به جای «کوتاه کردن»، عبارت «تراشیدن» آمده است.

[١٢٣٦] (١) مکارم الأخلاق، ج ١، ص ١٣٩، ح ٣٥٠، الکافی، ج ٦، ص ٤٨٥، ح ٦ عن ابن سنان، مستطرفات السرائر، ص ٢٩، ح ١٥ و فیهما «مشعرین» بدل «مقصرین»، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٩١، ح ١٤.

[١٢٣٧] (٢) مستطرفات السرائر، ص ٥٧، ح ١٧ عن علی بن یقظین، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٨٥، ح ١٠.

[١٢٣٨] (٣) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ١، ص ١٢٠، ح ٢٦١، مکارم الأخلاق، ج ١، ص ١٣٩، ح ٣٥٤، الکافی، ج ٦، ص ٤٠، ح ٣، تهذیب الأحکام، ج ٧، ص ٤٤٧، ح ١٧٩١ کلاهما عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام و فیهما «أمر رسول الله صلی الله علیه و آله بحلق شعر البطن»، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٩١، ح ١٤.

[١٢٣٩] (٤) الجعفریات، ص ١٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، دعائم الإسلام، ج ١، ص ١٢٤.

[١٢٤٠] (٥) الکافی، ج ٦، ص ٤٨٥، ح ٨.

[١٢٤١] (٦). سقط ما بین المعقوفین من المصدر، و أثبتناه من بحار الأنوار، وسائل الشیعة، ج ٢، ص ١١٧، ح ٥.

[١٢٤٢] (٧). فی المصدر: «الظاهرة»، و التصویب من بحار الأنوار.

[١٢٤٣] (٨) النساء: ١٢٥.

[١٢٤٤] (٩) مجمع البیان، ج ١، ص ٣٧٧، تفسیر القمّی، ج ١، ص ٥٩ نحوه، بحار الأنوار، ج ١٢، ص ٥٦ و ج ٧٦، ص ٦٨، ح ٣.

[١٢٤٥] (١) در الکافی و تهذیب الأحکام، روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده و چنین آمده است: «پیامبر خدا، به تراشیدن موی شکم، فرمان داده».

[١٢٤٦] (٢) آن گاه که خداوند، ابراهیم را به کلمه های آرمود.

[١٢٤٧] (١) الخصال، ص ٢٧١، ح ١١ عن الحسن بن الجهم، مسند زید، ص ٤٢٤ عن زید بن علی عن أبیه عن جدّه عن الإمام علیّ علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٦٧، ح ١.

[١٢٤٨] (٢) أقول: الروایة غیر قابله للاعتماد، و السنّة تقصیر الشارب كما يدلّ علیها ما یأتی من الأحادیث.

[١٢٤٩] (٣) کنز العیال، ج ٦، ص ٦٥٠، ح ١٧٢١٩ نقلًا عن الكامل فی ضعفاء الرجال و البیهقی فی شعب الإيمان عن عمرو بن شعیب عن أبیه عن جدّه.

[١٢٥٠] (١) این حدیث، همان طور که در منبع بدان اشاره شده، ضعیف و غیر قابل اعتماد است. آنچه سنّت است، چنان که از روایات بعدی نیز استفاده می شود، کوتاه کردن سبیل است، نه تراشیدن آن. نیز، ر. ک: ح ٩١٩ و ٩٢٠.

[١٢٥١] (١) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ١، ص ١٢٠، ح ٢٦٢، الکافی، ج ٦، ص ٥٠٧، ح ٢ عن أبی کهمس نحوه و لیس فیها «و یوهی و یضعف البصر»، مکارم الأخلاق، ج ١، ص ١٤٠، ح ٣٥٦، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٩١، ح ١٤.

[١٢٥٢] (٢) الکافی، ج ٤، ص ٣٢٧، ح ٦ و ج ٦، ص ٥٠٨، ح ٥، تهذیب الأحکام، ج ٥، ص ٦٢، ح ١٩٩، علل الشرائع، ص ٢٩٢، ح ١، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٧١، ح ٥.



- [۱۲۵۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۲، ح ۱ عن عبد الله بن سنان، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۳۴۰، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۴۴۲، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۰۷، ح ۶.
- [۱۲۵۴] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۸، ح ۱۱ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۰۷ وفيه «مجتأ» بدل «مخبا»، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۶، ح ۴۱۹، علل الشرائع، ص ۵۱۹، ح ۱ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ولا عانته ولا شعر إبطيه ... يتخذها مخابئاً»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۲، ح ۱۴.
- [۱۲۵۵] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۷، ح ۸، تحف العقول، ص ۱۰۰ عن الإمام عليّ عليه السلام، مسائل عليّ بن جعفر، ص ۱۳۹، ح ۱۵۴ عن عليّ بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام و كلاهما نحوه و ليس فيهما «نشرة»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۲، ح ۱۴.
- [۱۲۵۶] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۷، ح ۱ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۴۰، ح ۳۶۰، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۱، ح ۱۴.
- [۱۲۵۷] (۱) در علل الشرائع و الجعفریات، موهای «شرمگاه» و «زیر بغل» هم ذکر شده است.
- [۱۲۵۸] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۱ عن سليم الفراء، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۲۵۴، تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱۵۶، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۴۶، ح ۳۸۸ كلاهما عن هارون بن حكيم الأرقط خال الإمام الصادق عليه السلام عن الإمام الصادق عليه السلام و كلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۳، ح ۱۴.
- [۱۲۵۹] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۷، ثواب الأعمال، ص ۳۹، ح ۱ كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۵.
- [۱۲۶۰] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۷، ح ۱۴ عن حذيفة بن منصور.
- [۱۲۶۱] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۸ عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۲۵۸، الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام و زاد في آخره «من النورة»، تحف العقول، ص ۱۲۴ و زاد في آخره «مرّة بالنورة»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۵.
- [۱۲۶۲] (۵) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۳۸، ح ۳۴۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۳، ح ۱.
- [۱۲۶۳] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۹ عن الحسين بن أحمد بن المنقري، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۲۵۹، تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۱۵۷، الخصال، ص ۵۰۳، ح ۷ وفيه «إحدى و عشرين» بدل «عشرون»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۳.
- [۱۲۶۴] (۱) در الخصال به جای «بيست» عدد «بيست و يك» آمده است.
- [۱۲۶۵] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۱ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۲۶۰، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۳۵۲، الجعفریات، ص ۲۹ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه إلى «أربعين يوماً»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۱، ح ۱۴.
- [۱۲۶۶] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۲ و ص ۴۹۸، ح ۹ عن عليّ بن أبي حمزة نحوه.
- [۱۲۶۷] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۲ عن عمّار الساباطي.
- [۱۲۶۸] (۴) في بعض نسخ المصدر، و بحار الأنوار: «استعمال النورة» بدل «ألا يكثر».
- [۱۲۶۹] (۵) في بحار الأنوار: «... يُسَخَّقُ نَاعِمًا، و يُدَأَّفُ فِي مَاءٍ وَّ رَدٍّ وَّ خَلٍّ...».

- [۱۲۷۰] (۶) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۲.
- [۱۲۷۱] (۱) در برخی از نسخ طب الإمام الرضا عليه السلام و همچنین در بحار الأنوار به جای «جوش بر نیاید»، عبارت «نوره بکشی» آمده است.
- [۱۲۷۲] (۲). عصاره‌ای تلخ از درختی که آن را به هندی ایلوا گویند (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا).
- [۱۲۷۳] (۳) در متن عربی، واژه «القایا» آمده که ظاهراً تصحیف «اقایا» است. اقایا، مأخوذ از یونانی، عصاره خاری است که پوست را بدان، دباغی می‌کنند و آن، صلب و سیاه رنگ است و بعضی می‌گویند، صمغ خار مغیلان است اگر به خود برگیرند، قطع خون رفتن می‌کند. عصاره قرظ «سقط»، که آن را خشک کنند و از آن قرص می‌سازند (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا).
- [۱۲۷۴] (۴) پیل زهره: فیل زهرج یا فیل زهره، درخت حضض است و ثمره آن، مثل فلفل است و آن، قسمی از لوف الکبیر است که حضض هندی، عصاره آن و قاتل فیل است (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا).
- [۱۲۷۵] (۵) در بحار الأنوار این افزوده نیز آمده است: «و نیز سنبل، چه جدا و چه مخلوطی از آنها». در برخی از نسخ بحار الأنوار، واژه «السک» هم افزوده شده که خود، به معنای بویه مُشکک است.
- [۱۲۷۶] (۱) دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۲۹، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۰۲، ح ۴۵.
- [۱۲۷۷] (۲) الخصال، ص ۳۴۰، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۵، ح ۲؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۱۲۷، ح ۱۸۳۲۰ نقلًا عن الحکیم.
- [۱۲۷۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۳، ح ۴ عن الإمام زین العابدین علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۲۷۲، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۹، ح ۹.
- [۱۲۷۹] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۷، ح ۴۷۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۱، ح ۹.
- [۱۲۸۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۶.
- [۱۲۸۱] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۷، ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۴، ح ۳؛ مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۴۹۷، ح ۲۰۴۷، السنن الکبری، ج ۴، ص ۴۳۶، ح ۸۲۵۷ کلاهما عن ابن عباس عن رسول الله صلی الله علیه و آله و لیس فیهما و یدهب بالدمعة، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۹، ح ۲۸۱۶۳ نقلًا عن التاریخ الکبیر للبخاری عن معبد بن هودة.
- [۱۲۸۲] (۵) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۸، ح ۲۷۹، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۷ نقلًا عن طب الأئمة لابنی بسطام.
- [۱۲۸۳] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۲۲۹۸ کلاهما عن أحمد بن محمد بن أبی نصر، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۴۷۸ کلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۵، ح ۲.
- [۱۲۸۴] (۱) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۷۵ و ج ۶۱، ص ۳۲۶، ح ۳۰ کلاهما نقلًا عن الخیر المشتهر بتوحید المفضل.
- [۱۲۸۵] (۲) الجامع لأخلاق الراوی و آداب السامع، ج ۱، ص ۵۸۹، ح ۷۶۸، کنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۱، ح ۲۶۱۰۱ نقلًا عن ابن عساکر و کلاهما عن جابر بن عبد الله.
- [۱۲۸۶] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۱۴۰، ح ۲۳۶۰۱، المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۱۸۴، ح ۴۰۸۶ کلاهما عن أبی أيوب الأنصاری، السنن الکبری، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۸۲۹، مسند الطیالسی، ص ۸۱، ح ۵۹۶ عن أبی أيوب الأزدي و لیس فیها «و الخبث»، کنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۹، ح ۱۷۲۶۰.
- [۱۲۸۷] (۲) مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۱۲۵، ح ۲۳۵۳۹ عن یزید بن عمرو المعافری عن رجل من بنی غفّار، کنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۱، ح ۱۷۲۲۰.
- [۱۲۸۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۱ عن الحسن بن راشد، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام، ثواب الأعمال، ص ۴۲، ح ۴ عن أبی بصیر عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام

- عنه صلى الله عليه وآله، جامع الأخبار، ص ٣٣٤، ح ٩٤٣ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، تحف العقول، ص ١٠١ عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١١٩، ح ٢.
- [١٢٨٩] (٤) سنن النسائي، ج ١، ص ١٥ عن ابن عمر، كنز العمال، ج ٦، ص ٦٥٣، ح ١٧٢٢٨.
- [١٢٩٠] (٥) الكافي، ج ٦، ص ٤٩٠، ح ٦ عن أبي حمزة، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٥٤، ح ٤١٠، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١٢٣، ح ١٢.
- [١٢٩١] (٦) الكافي، ج ٦، ص ٤٩٠، ح ٧ عن حذيفة بن منصور.
- [١٢٩٢] (٧) الكافي، ج ٦، ص ٤٩٠، ح ٥ عن ابن عقبة عن أبيه.
- [١٢٩٣] (٨) الكافي، ج ٤، ص ٣٢٦، ح ٢ عن حريز.
- [١٢٩٤] (١) النوادر للراوندي، ص ١٤٨، ح ٢٠٦، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٥٢، ح ٣٩٧ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «تسعف» بدل «تشعث»، الجعفریات: ص ٢٩ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام وفيه «أفصله» بدل «أنامله»، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٢٧، ح ٣٠٨ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١٢٢، ح ١٢.
- [١٢٩٥] (٢) الكافي، ج ٣، ص ٤١٨، ح ٧، تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ٢٣٦، ح ٦٢٢، الخصال، ص ٣٩، ح ٢٤، كَلِّهَا عن حفص بن البختري، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٥٢، ح ٣٩٦، جامع الأخبار، ص ٣٣٤، ح ٩٣٨، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١١٠، ح ٤.
- [١٢٩٦] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٤٩٠، ح ٢، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٢٦، ح ٣٠١، الخصال، ص ٣٩١، ح ٨٧، ثواب الأعمال، ص ٤٢، ح ٥، كَلِّهَا عن هشام بن سالم، الدعوات، ص ٧٨، ح ١٩٠، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١١٠، ح ٦.
- [١٢٩٧] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٤٩٠، ح ٣، تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ٢٣٧، ح ٦٢٨ وفيه «فزكها» بدل «فحكها» و كلاهما عن عبد الله بن هلال، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٥٢، ح ٣٩٨ نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٦٨، ح ٥٦.
- [١٢٩٨] (٥) الكافي، ج ٦، ص ٤٩١، ح ١٤ عن عبد الله بن الفضل النوفلي عن أبيه، طب الأئمة لابن بسطام، ص ٨٤ عن محمد بن أبي الحسن عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٢٧، ح ٣١١ وفيه «لم يرمد ولده»، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ١٤٦، ح ١١.
- [١٢٩٩] (١). در تهذيب الأحكام به جای «بسی»، عبارت «تیز کن» آمده است.
- [١٣٠٠] (٢). در کتاب من لا يحضره الفقيه عبارت «فرزندش چشم درد نبیند» آمده است.
- [١٣٠١] (١) کذا فی المصدر و الصحيح: کی لا تلعب.
- [١٣٠٢] (٢) الفردوس، ج ١، ص ١٠٢، ح ٣٣٦ عن جابر، كنز العمال، ج ٦، ص ٦٥٦، ح ١٧٢٤٥.
- [١٣٠٣] (٣) كنز العمال، ج ٦، ص ٦٥٥، ح ١٧٢٣٩ نقلًا عن الحكيم عن عبد الله بن كثير.
- [١٣٠٤] (٤) المرسلات: ٢٥ و ٢٦.
- [١٣٠٥] (٥) الكافي، ج ٦، ص ٤٩٣، ح ١ عن أبي كهمس، معاني الأخبار، ص ٣٤٢، ح ١ عن حماد بن عيسى نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ٨١، ح ٨.
- [١٣٠٦] (٦) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٢٨، ح ٣١٦، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٥٥، ح ٤١٢، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١٢٣، ح ١٢.
- [١٣٠٧] (١) الخصال، ص ٥١٤، ح ٣، علل الشرائع، ص ١٠١، ح ١، المناقب لابن شهر آشوب، ج ٤، ص ٢٦١، كَلِّهَا عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ١٠، ص ٢٠٧، ح ٩.
- [١٣٠٨] (٢) بحار الأنوار، ج ٣، ص ٦٨ إلى ص ٩٢ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.

[۱۳۰۹] (۱) در متن عربی «اوكدها» آمده و در این باره، چند تفسیر ممکن است: یکی آن که گفته شود این حرفه‌ها، بیش از هر چیز، به چنین ساختار و چنین خلقتی نیازمند است. دیگری آن که ضمیر «ها»، به نوع بشر برگردانده شود و واژه «اوكده» نیز فعل ماضی خوانده شده، چنین معنا شود که خداوند، این حرفه‌ها را به انسان الهام کرد و او را بر آنها بداشت. این احتمال هم دور نیست که ضمیر «ها» به «اوكف» برگردانده شود.

[۱۳۱۰] (۱) قوله عليه السلام: «و في فيه ثمانية و عشرون» أي في بدو الإنبات، ثم تنبت في قريب من العشرين أربعة أخرى، فلذا قال عليه السلام بعده: «و اثنان و ثلاثون». و يحتمل أن يكون باعتبار اختلافها في الأشخاص (بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۲۱۹).

[۱۳۱۱] (۲) المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۵۶، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۲۱۸، ح ۴.

[۱۳۱۲] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.

[۱۳۱۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۱۹۳۷، كلاهما عن عبد الله بن مسكان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۶، ح ۶.

[۱۳۱۴] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۸۸، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۷۹، ح ۴.

[۱۳۱۵] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۲۱۰۹، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۳، نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۶.

[۱۳۱۶] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۲۲۹۸، و ليس فيه «الفم» و كلاهما عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۲۵۲، نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۵، ح ۲.

[۱۳۱۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۲۸، و ليس فيه «الطرى» و كلاهما عن محمد بن عبد الله، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۸، و فيه «كلوا الباقلي فإنه يمتخ...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۳.

[۱۳۱۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۲۷۷، كلاهما عن ابن بكير، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۸، ح ۲.

[۱۳۱۹] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۵۳۷، مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۳۷، ح ۲۰۷۷.

[۱۳۲۰] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۱۹۴۵، كلاهما عن النضر بن قرواش، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۸، ح ۱۴۱۸، عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۹، ح ۱۹.

[۱۳۲۱] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۴، عن محمد بن حكيم، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۴۳، ح ۱.

[۱۳۲۲] (۶) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۰۹۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۱، ح ۱۶.

[۱۳۲۳] (۱) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۹، ح ۱.

[۱۳۲۴] (۲) مستطرفات السرائر، ص ۵۷، ح ۱۸، عن علي بن يقطين، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۱، ح ۱۲.

[۱۳۲۵] (۳) قصص الأنبياء، ص ۲۷۰، ح ۳۱۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۰، ح ۴.

[۱۳۲۶] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۳، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۲۰۲۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۱۳۸۲، عن الإمام الصادق عليه السلام و ليس فيه ذيله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۳، ح ۱.

[۱۳۲۷] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۰، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱۴۶۹، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۷۴، ح ۱۶.

[۱۳۲۸] (۱) معنای هليم و روایت‌های آن در جلد ۲ صفحه ۴۹۹ خواهد آمد.

[۱۳۲۹] (۱) في بحار الأنوار و بعض نسخ المصدر: «اللبن» بدل «التين».

[۱۳۳۰] (۲) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۶۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.

- [۱۳۳۱] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۲۰۴ عن كعب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ح ۶.
- [۱۳۳۲] (۱) در برخی از نسخه‌های طب الإمام الرضا علیه السلام و نیز در بحار الأنوار، به جای «انجیر»، واژه «شیر» آمده است.
- [۱۳۳۳] (۱) بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۲۰، ح ۳۰، ص ۳۲۷ و ج ۳، ص ۶۶، ص ۷۵ کلاهما نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۱۳۳۴] (۱) البقرة: ۲۲۲.
- [۱۳۳۵] (۲) سنن الدارقطني، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۶۱ عن واثله بن الأسقع، المعجم الكبير، ج ۸، ص ۱۲۹، ح ۷۵۸۶ عن أبي امامة، كنز العمال، ج ۹، ص ۴۰۷، ح ۲۶۷۱۹؛ الكافي، ج ۳، ص ۷۵، ح ۲ عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام و ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۱۵۶، ح ۴۴۶ کلاهما عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام و کلّهما نحوه.
- [۱۳۳۶] (۱) تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۲۳۶.
- [۱۳۳۷] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۸۵، ح ۴، تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۶۷، ح ۲۲۲ و ج ۷، ص ۴۶۹، ح ۱۸۸۱ نحوه و فيه «إذا بلغت ستين سنة» بدل «إذا كان لها خمسون سنة»، عوالی اللآلی، ج ۳، ص ۳۸۶، ح ۵۵.
- [۱۳۳۸] (۳) الكافي، ج ۳، ص ۹۱، ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۱۵۱، ح ۴۲۹، عوالی اللآلی، ج ۳، ص ۳۳، ح ۸۸.
- [۱۳۳۹] (۱) مقصود، آن است که عدّه ندارند.
- [۱۳۴۰] (۱) الإنسان: ۲.
- [۱۳۴۱] (۲) تاریخ دمشق، ج ۱۶، ص ۳۷۴، ح ۳۹۷۲ عن خزيمه بن حكيم السلمی، كنز العمال، ج ۱۳، ص ۳۸۶، ح ۳۷۰۴۳.
- [۱۳۴۲] (۳) الكافي، ج ۳، ص ۱۹، ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۲۸، ح ۷۱، مستطرفات السرائر، ص ۷۴، ح ۱۴ عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۰۵، ح ۱۵.
- [۱۳۴۳] (۴) المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۲، نصب الرأية، ج ۱، ص ۹۴ عن محمد بن الحنفية و کلاهما عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۳۴، ح ۲۶۳۰۱.
- [۱۳۴۴] (۱) الكافي، ج ۳، ص ۳۹، ح ۱، علل الشرائع، ص ۲۹۵، ح ۱ کلاهما عن زرارة، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۱۰۲، ح ۵.
- [۱۳۴۵] (۲) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۶۶، ح ۱۵۰.
- [۱۳۴۶] (۳) تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۲۰، ح ۴۸، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۱۸.
- [۱۳۴۷] (۴) الكافي، ج ۳، ص ۱۰۸، ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۶۹، ح ۱۸۷۸ کلاهما عن رفاعه بن موسى، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۹۴، ح ۱۹۹.
- [۱۳۴۸] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۱۳۴۹] (۱) تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۳۰، ح ۴۴۸ عن محمد بن حكيم.
- [۱۳۵۰] (۲) الكافي، ج ۵، ص ۴۰۹، ح ۱۶، تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۲۷، ح ۱۷۰۳، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۳۲ و فيه «و القرن و العفل» و کلّهما عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله.
- [۱۳۵۱] (۳) الكافي، ج ۷، ص ۲۱۲، ح ۱۲، تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۹۶، ح ۶۸۹ کلاهما عن زرارة.
- [۱۳۵۲] (۴) الجعفریات، ص ۱۰۳، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۸۶۸ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۵۱، ح ۱۷۵۰۸.
- [۱۳۵۳] (۱) مقصود، آن است که آنچه گفته است، قذف شمرده نمی‌شود و موجب حدّ قذف نمی‌گردد. م.
- [۱۳۵۴] (۲) در الجعفریات، واژه «الفقرة» آمده و صاحب مستدرک الوسائل آن را به «الفقرة» (پرش) تصحیح کرده است.

- [۱۳۵۵] (۱) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۳.
- [۱۳۵۶] (۲) فی المصدر: «یُطیل»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۱۳۵۷] (۳) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۷ و ص ۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ و ص ۳۲۴.
- [۱۳۵۸] (۴) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۶۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ و ليس فيه «إدمان» و فيه «یغیر» بدل «یعکس».
- [۱۳۵۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۲ عن سلیمان الجعفری، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۷، ح ۲۴۷، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۳۰۳، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۸، ح ۲۱.
- [۱۳۶۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۱، ح ۲۴، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۲۴۳، عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۲، ح ۲۱.
- [۱۳۶۱] (۳) تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۴۵ عن طلحة بن زید عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۶۸، ح ۵.
- [۱۳۶۲] (۴) الخصال، ص ۵۳۸، ح ۶ عن إسماعیل بن مسلم السکونی عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، الکافی، ج ۶، ص ۳۴، ح ۱، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۴۴، ح ۱۷۷۷ کلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق علیه السلام و ليس فیهما «أطیب»، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۰۹، ح ۱۲.
- [۱۳۶۳] (۱) ممکن است این اثر، مربوط به حتم‌های آن دوران باشد.
- [۱۳۶۴] (۱) دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۲۴.
- [۱۳۶۵] (۲) فی المصدر: «اختنوا»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۱۳۶۶] (۳) الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۴، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۱۰، ح ۱۶.
- [۱۳۶۷] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶، ح ۹.
- [۱۳۶۸] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۵، ح ۱، قرب الإسناد، ص ۱۰، ح ۳۲ کلاهما عن مسعدة بن صدقة، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۹۱، ح ۱۷۰۲، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۰۸، ح ۳.
- [۱۳۶۹] (۶) فی المصدر: «فتطلب»، و التصویب من تهذیب الأحکام.
- [۱۳۷۰] (۷) الکافی، ج ۶، ص ۳۷، ح ۱، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۴۶، ح ۱۷۸۴.
- [۱۳۷۱] (۸) تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۶۰۵، الاستبصار، ج ۱، ص ۵۵، ح ۱۶۰ کلاهما عن زرارة.
- [۱۳۷۲] (۱) علامه مجلسی در شرح جمله پایانی روایت می‌گوید: مقصود آن است که ختنه بر زنان واجب نیست.
- [۱۳۷۳] (۱) تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۶۰۷.
- [۱۳۷۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۱، الخصال، ص ۱۴۴، ح ۱۶۸، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۲۱۳۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۱۳۳۱ کلها عن حنان بن سدير. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۰، ح ۱.
- [۱۳۷۵] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۲۱۳۶ کلاهما عن درست بن أبی منصور، الأمالی للطوسی، ص ۳۶۲، ح ۷۵۸ عن التزأل بن سبرة عن الإمام علی علیه السلام و فيه «یهضم الطعام» بدل «لبنه یهضم»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۰، ح ۲.
- [۱۳۷۶] (۴) الخصال، ص ۴۴۳، ح ۳۶.
- [۱۳۷۷] (۵) الخصال، ص ۴۴۳، ح ۳۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۱۳۶۴، روضة الواعظین، ص ۳۴۱ و ليس فيه «و هو اشنان»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۶، ح ۱۲.

- [۱۳۷۸] (۱) علامه مجلسی در شرح عبارت «یسریل البول»، چنین می‌گوید: «سریله»، یعنی شلوار بر او پوشانند. این معنا با این جا سازگار نیست، مگر به مجاز گویی و تکلفی بسیار دور. در برخی از نسخه‌های الکافی، به جای این واژه «یسهل (آسان می‌کند)» و در برخی «یسیل (روان می‌کند)» آمده که این دو واژه، درست‌تر است.
- [۱۳۷۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۱۴۲۸ و لیس فیه «و عوفیت»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۲، ح ۲۸.
- [۱۳۸۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۶، قرب الإسناد، ص ۳۰۱، ح ۱۱۸۴ نحوه و فیه «قد ارتفع حیضها» بدل «قد ارتفعت علتها»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۵۵۰، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۸۹، ح ۹.
- [۱۳۸۱] (۱) معنای سویق در ج ۲، صفحه ۳۷۵ خواهد آمد.
- [۱۳۸۲] (۱) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۶۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۸، ح ۱.
- [۱۳۸۳] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۱۳۷۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۹، ح ۹.
- [۱۳۸۴] (۳) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۱، ح ۴۸۹۹، علل الشرائع، ص ۵۱۴، ح ۵، الاختصاص، ص ۱۳۲ و فیه «تبور» بدل «تثیر»، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۰، ح ۱.
- [۱۳۸۵] (۱) البقرة: ۲۲۲.
- [۱۳۸۶] (۲) الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۳۶.
- [۱۳۸۷] (۱) تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۱۰، ح ۳۲۹ عن عیسی بن عبد الله، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۹۳، ح ۴۳.
- [۱۳۸۸] (۲) الکافی، ج ۵، ص ۵۳۹، ح ۱ عن محمد بن مسلم.
- [۱۳۸۹] (۳) الکافی، ج ۵، ص ۵۴۰، ح ۲، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۶۷، ح ۴۸۱.
- [۱۳۹۰] (۴) الکافی، ج ۵، ص ۵۳۸، ح ۱، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۵۴، ح ۴۳۷.
- [۱۳۹۱] (۵) تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۷۳، ح ۱۸۹۹، الاستبصار، ج ۳، ص ۱۹۱، ح ۶۹۰ کلاهما عن عبد الله الهاشمی عن أبيه.
- [۱۳۹۲] (۱) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲۰۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۱۵۵۷.
- [۱۳۹۳] (۲) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۶، ح ۴۹۱۴، الخصال، ص ۵۲۰، ح ۹، الأموال للصدوق، ص ۳۷۸، ح ۴۷۸ کلها عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۴۱، ح ۱۱۳۱ عن سليمان بن جعفر البصري عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام و ليس فيه صدره، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۳۸، ح ۲.
- [۱۳۹۴] (۳) الکافی، ج ۸، ص ۱۹۲، ح ۲۲۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۵۱۲ و زاد فیه «فلا یلومن إلاً نفسه» بعد «البرص»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۳۰، ح ۹۵.
- [۱۳۹۵] (۴) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ و فیه «یورث الجذام».
- [۱۳۹۶] (۵) الکافی، ج ۵، ص ۵۳۹، ح ۵، علل الشرائع، ص ۸۲، ح ۱ عن ابن أبي عذافر الصيرفي، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲۰۲ نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۸۶، ح ۶.
- [۱۳۹۷] (۱) کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۵۵، ح ۴۴۹۰۲ نقلًا عن ابن النجار عن أنس.
- [۱۳۹۸] (۲) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵، ح ۴۹۰۴، الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۱۷۹۷ و فیهما «أكل القديد الغاب» بدل «و الغشيان علی الامتلاء»، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۹۰، ح ۳۲.
- [۱۳۹۹] (۳) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ و فیه «... من غیر فصل بینهما بغسل».
- [۱۴۰۰] (۴) غرر الحکم، ح ۴۹۴۳، عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۳۴، ح ۴۴۹۳.

[۱۴۰۱] (۵) الإسرائ: ۲۷.

[۱۴۰۲] (۶) کتاب من لا- يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۲، ح ۴۸۹۹، علل الشرائع، ص ۵۱۵، ح ۵، الاختصاص، ص ۱۳۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۵۵۲ کلها عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۱، ح ۱.

[۱۴۰۳] (۱) ناسور، بیماری است که در محاق چشم، اطراف مقعد و بُن دندان، ظاهر می‌شود و موجب جراحی چرکین در موضع بیماری می‌گردد (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا: ذیل «ناسور» و «ناصور»).

[۱۴۰۴] (۲) در الکافی و المحاسن، به جای «آمیزش کردن با شکم پُر»، عبارت «خوردن گوشت خشکیده فاسد» آمده است.

[۱۴۰۵] (۳) در بحار الأنوار، آمده است: «... بدون فاصله افکندن میان آنها به وسیله غسل».

[۱۴۰۶] (۴) شیخ صدوق رحمه‌الله می‌گوید: مقصود از این نهی، خواندن سوره‌های دارای سجده واجب است، نه غیر آن.

[۱۴۰۷] (۵) عریف، به معانی مختلفی آمده است، از جمله: کارگزار قوم، و آن که پایین‌تر از رئیس است و یا رئیس قوم. به‌رحال،

این واژه در عصر صدور روایت، منصبی دولتی بوده که مذموم شمرده شده است و در روایتی آمده است: «العرفاء فی النار» (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا).

[۱۴۰۸] (۶) اموری که در این روایت به‌عنوان حکمتِ نهی از آمیزش جنسی در اوقات یاد شده، آمده، به نحو اقتضاست، نه علتِ

تأمه تا موجب شبهه جبر گردد. همچنین است آنچه که در روایات بعدی، درباره زمان مناسب آمیزش جنسی می‌آید.

[۱۴۰۹] (۱) الکافی، ج ۵، ص ۴۹۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵، ح ۱۰۹۷، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۶۰، ح ۱۵۶۶، الاختصاص، ص ۲۱۸، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۹، ح ۲۸.

[۱۴۱۰] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۱۳۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۹.

[۱۴۱۱] (۳) کتاب من لا- يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۳، ح ۴۸۹۹، علل الشرائع، ص ۵۱۶، ح ۵، الاختصاص، ص ۱۳۴، مکارم

الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱۵۵۲ کلها عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۲، ح ۱.

[۱۴۱۲] (۱) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۶۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۷ نحوه.

[۱۴۱۳] (۱) البقرة: ۱۸۷.

[۱۴۱۴] (۲) الکافی، ج ۴، ص ۱۸۰، ح ۳ عن أبي بصير، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم و كلاهما عن

الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام و فيه «للمسلم» بدل «لرجل»، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۳، ح ۴۶۵۳، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰، ح ۱.

[۱۴۱۵] (۳) الجعفریات، ص ۹۶ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، النوادر للراوندي، ص ۱۲۰، ح ۱۲۹ عن الإمام الصادق

عن أبيه عنه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۳، ح ۷۸۱ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۹۵، ح ۵۱ و راجع اسد الغابة، ج ۶، ص ۴۰۲.

[۱۴۱۶] (۴) تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۱۴، ح ۱۶۵۵ عن أبي راشد عن أبيه.

[۱۴۱۷] (۵) الخصال، ص ۱۰۰، ح ۵۱، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱۰، ص ۲۵۷، ح ۱۰ كلاهما عن سليمان بن جعفر

الجعفری عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۸۲، ح ۱۳۹۴ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۴۱، ح ۳.

[۱۴۱۸] (۱) در الخصال به جای «برای مرد»، عبارت «برای مسلمان» آمده است.

[۱۴۱۹] (۱) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۹۸۲، ح ۴۸۷۰، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۱۸، ح ۱۹۱۹، مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۴۶۵،

ح ۱۸۶۷ کلها عن ابن عباس، المعجم الكبير، ج ۸، ص ۲۰۸، ح ۷۸۳۹ عن أبي امامة نحوه، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۴۸، ح ۴۴۸۶۵؛



- الكافي، ج ٥، ص ٥٠٣، ح ٣ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام نحوه، مجمع البيان، ج ٢، ص ٥٦٥ عن ابن عباس و ليس فيه «أبدأ»، الاختصاص، ص ١٣٤.
- [١٤٢٠] (٢) الخصال، ص ٦٣٧، ح ١٠ عن أبي بصير و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ١٢٥، بحار الأنوار، ج ١٠٣، ص ٢٨٧، ح ١٩.
- [١٤٢١] (٣) الكافي، ج ٦، ص ١٠، ح ١٢، تهذيب الأحكام، ج ٧، ص ٤١١، ح ١٦٤١ كلاهما عن محمّد بن مسلم، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٤٥٥، ح ١٥٥١ و فيه «المباشرة» بدل «الولد».
- [١٤٢٢] (٤) إشارة إلى الآية: ٨٩ من سورة الأنبياء.
- [١٤٢٣] (٥) إشارة إلى الآية: ٣٨ من سورة آل عمران.
- [١٤٢٤] (٦) الكافي، ج ٦، ص ٨، ح ٣، تهذيب الأحكام، ج ٣، ص ٣١٥، ح ٩٧٤، مصباح المتهدّج، ص ٣٧٨، ح ٥٠٤ كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام، جمال الاسبوع، ص ٢٧١ كلّها عن محمّد بن مسلم، بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٧١، ح ١٤.
- [١٤٢٥] (١) المناقب لابن شهر آشوب، ج ٢، ص ٥٣، بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٦٩، ح ٥٤.
- [١٤٢٦] (١) كمال الدين، ص ٣١٤، ح ١، علل الشرائع، ص ٩٧، ح ٦ كلاهما عن أبي هاشم الجعفرى عن الإمام الجواد عليه السلام، الغيبة للنعمانى، ص ٥٩، ح ٢ عن أبي هاشم الجعفرى عن الإمام الجواد عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ٣٥٩، ح ٤٨.
- [١٤٢٧] (٢) قرب الإسناد، ص ١٦٠، ح ٥٨٣ عن أبي البخترى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ١٠٣، ص ٢٨٥، ح ٩؛ الفردوس، ج ٣، ص ٦٣٧، ح ٥٩٩٨ عن الإمام الحسين عليه السلام نحوه، كنز العمال، ج ٩، ص ٣٧، ح ٢٤٨١٤.
- [١٤٢٨] (١) زاد فى بحار الأنوار: «و تكثّر ملاحظتها».
- [١٤٢٩] (٢) طبّ الإمام الرضا عليه السلام، ص ٦٥، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٢٧.
- [١٤٣٠] (٣) الكافي، ج ٥، ص ٥٦٧، ح ٤٨ عن مسمع أبي سيار عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ٦٣٧، ح ١٠ عن أبي بصير و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام و زاد فى ذيله «فإنّ للنساء حوائج»، الجعفرىات، ص ٩٤ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، بحار الأنوار، ج ١٠٣، ص ٢٨٧، ح ١٩.
- [١٤٣١] (٤) الكافي، ج ٥، ص ٤٩٧، ح ٢، تهذيب الأحكام، ج ٧، ص ٤١٣، ح ١٦٤٨ كلاهما عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام.
- [١٤٣٢] (٥) مسند أبي يعلى، ج ٤، ص ١٨٣، ح ٤١٨٦ عن أنس.
- [١٤٣٣] (٦) كنز العمال، ج ١٦، ص ٣٤٤، ح ٤٤٨٤٠ نقلًا عن سنن سعيد بن منصور عن طلق.
- [١٤٣٤] (١) در بحار الأنوار، اين افزوده هم وجود دارد: «و بسيار با او بازى كنى».
- [١٤٣٥] (٢) در برخی از نسخه‌های طبّ الإمام الرضا عليه السلام و همچنين در بحار الأنوار چنين آمده است: «... زیرا آب زن از پستانش بر مى خيزد و شهوت از چهره و چشمانش پيدا مى شود».
- [١٤٣٦] (١) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٥٢، ح ٤٨٩٩، علل الشرائع، ص ٥١٥، ح ٥ و زاد فيه «كثيراً» بعد «الجماع»، الاختصاص، ص ١٣٣ كلّها عن أبي سعيد الخدرى، بحار الأنوار، ج ١٠٣، ص ٢٨١، ح ١.
- [١٤٣٧] (٢) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٥٦، ح ٤٩١٤، الخصال، ص ٥٢٠، ح ٩، الأمالى للصدوق، ص ٣٧٨، ح ٤٧٨ كلّها عن الحسين بن زيد بن عليّ بن الحسين عليهما السلام عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ١٠٣، ص ٢٨٣، ح ٣.

[۱۴۳۸] (۳) تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۱۳، ح ۱۶۵۳ عن عبد الله بن سنان.

[۱۴۳۹] (۴) صحيح ابن حبان، ج ۴، ص ۱۲، ح ۱۲۱۱، صحيح ابن خزيمة، ج ۱، ص ۱۱۰، ح ۲۲۱، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۵۴۲ کلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۴۷، ح ۴۴۸۵۵.

[۱۴۴۰] (۵) تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۱۲، ح ۱۶۴۶ عن محمد بن العيص عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۷، ح ۴۹۱۴، الخصال، ص ۵۲۰، ح ۹، الأمالي للصدوق، ص ۳۷۸، ح ۴۷۸ کلها عن الحسين بن زيد بن علي بن الحسين عليهما السلام عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عن علي بن أبي طالب، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۱۵۵۶، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۳، ح ۳.

[۱۴۴۱] (۱) در علل الشرائع، عبارت آغازین روایت، چنین است: «ای علی! در هنگام آمیزش، زیاد سخن مگوی...».

[۱۴۴۲] (۱) الجعفریات، ص ۲۱، النوادر للراوندي، ص ۲۱۶، ح ۴۳۱ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.

[۱۴۴۳] (۲) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۷ نقلًا عن طب الإمام الرضا عليه السلام، و قد سقطت من الطبعة التي بأيدينا.

[۱۴۴۴] (۳) السنن الكبرى، ج ۷، ص ۳۱۱، ح ۱۴۰۹۰، الثقات لابن حبان، ج ۵، ص ۵۷۱ كلاهما عن عمر، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۴۳، ح ۴۴۸۳۳.

[۱۴۴۵] (۴) الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۳۹، ح ۲۲۳، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۴، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۲۲۰، ح ۶.

[۱۴۴۶] (۱) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۷۶، ح ۱۷۱، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۸۸، ح ۱، علل الشرائع، ص ۲۸۱، ح ۱ كلاهما عن محمد بن سنان، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۵۵، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲، ح ۲.

[۱۴۴۷] (۲) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۷ نقلًا عن طب الإمام الرضا عليه السلام، و كذا في بعض نسخ الكتاب، و لكنّه سقطت من الطبعة التي بأيدينا.

[۱۴۴۸] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۳۵۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۹، ح ۳.

[۱۴۴۹] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۱ عن داوود بن فرق.

[۱۴۵۰] (۲) المحاسن، ج ۱، ص ۷۶، ح ۳۷ عن الحسين بن علوان. انظر تمام الحديث و تخريجه في: خواص التمرج ج ۲، ص ۲۴۸، ح ۱۶۰۵.

[۱۴۵۱] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۲۱۸۹، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۲، ح ۳۱.

[۱۴۵۲] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۲۵۴ عن كعب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ح ۶.

[۱۴۵۳] (۵) طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ۸ عن ابن عباس، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۷؛ الفردوس، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۴۳۷۱ عن ابن عباس نحوه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۸.

[۱۴۵۴] (۱). برای دیدن متن کامل روایت و منابع آن، ر. ک: خواص خرما ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۱۶۰۴.

[۱۴۵۵] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه. ش.

[۱۴۵۶] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۳، الخصال، ص ۱۵۸، ح ۲۰۰ كلاهما عن ميسر بن يعقوب الزطی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۶ و ليس فيه «و الجماع»، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۳۴۲ و ليس فيه «الماء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۶، ح ۲.

[۱۴۵۷] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۰.

[۱۴۵۸] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۵، ح ۴، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۱، ح ۴۲۳۵ كلاهما عن موسى بن بكر.

[۱۴۵۹] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۵، ح ۱۴۵۲، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۴، ح ۴۲.

- [۱۴۶۰] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۵، ح ۱۴۵۱، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۸۴ ح ۴۱.
- [۱۴۶۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱۸۸۵ عن محمد بن عمر بن أبي حسنة الجمال، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶، ح ۱۱.
- [۱۴۶۲] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱، السرائر، ج ۳، ص ۱۳۸ و فيه «روى أن أكل اللحم...»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۳.
- [۱۴۶۳] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۵، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱۸۸۴ و ص ۲۷۵، ح ۱۸۸۳ نحوه و كَلَّها عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶، ح ۱۰.
- [۱۴۶۴] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۳، ح ۶ عن نشيط بن صالح، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۹، ح ۱۱۳۵ و ليس فيه «كثرة»، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۸۵، ح ۵۱.
- [۱۴۶۵] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱۴۶۸ كلاهما عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۶ ح ۱.
- [۱۴۶۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۱۹۳۷ كلاهما عن عبد الله بن مسكان، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۰ ح ۱۵.
- [۱۴۶۷] (۱) سويق، أرد گندم و جو بو داده است. توضیح بیشتر درباره سويق، در ج ۲، ص ۳۷۵ خواهد آمد.
- [۱۴۶۸] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۱۶۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۲.
- [۱۴۶۹] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۹، ح ۴ عن أبي عزيز المرادي، الخصال، ص ۶۳، ح ۹۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۱۶۰۱ كلاهما عن فضيل بن عثمان، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۹۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۷، ح ۶.
- [۱۴۷۰] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۳، قرب الإسناد، ص ۱۶۷، ح ۶۱۰ و فيه «الصلب» بدل «القلب» و كلاهما عن علي بن رثاب عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۰، ح ۱.
- [۱۴۷۱] (۴) السرائر، ج ۳، ص ۱۴۱، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۵۹۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۵.
- [۱۴۷۲] (۱) علامه مجلسي می گوید: در قاموس آمده است: حليب، یعنی شیر دوشیده شده، یا شیری که هنوز مزه اش تغییر نیافته است. همچنین دیگرگون شدن آب کمر، کنایه از عدم انعقاد نطفه فرزند از آن است.
- [۱۴۷۳] (۲) در قرب الإسناد به جای «قلب»، «صلب» آمده است.
- [۱۴۷۴] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۹، ح ۶، ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۸، ح ۷.
- [۱۴۷۵] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۸، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲۳۶، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۰ و فيه «المضاجعة» بدل «المباضعة»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۵، ح ۱۱.
- [۱۴۷۶] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲۳۳، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۵، ح ۱۱.
- [۱۴۷۷] (۴) صحيفه الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۷۷، ح ۲۴ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۸۹، ح ۵۵۹؛ كنز العمال، ج ۶، ص ۶۶۸، ح ۱۷۳۱۶ نقلًا عن ابن السني و أبي نعيم عن أبي رافع و زاد فيه: «الحنأ» بعد «الخصاب».
- [۱۴۷۸] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۱، ح ۶ عن إبراهيم بن عبد الحميد، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۵۵۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۰۲، ح ۹.
- [۱۴۷۹] (۱) تاريخ دمشق، ج ۴۳، ص ۵۶۶، ح ۹۴۱۲ عن وائلة بن الأسقع، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۵، ح ۲۸۲۸۲.
- [۱۴۸۰] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۰.

- [۱۴۸۱] (۳) مستطرفات السرائر، ص ۵۷، ح ۱۸ عن علي بن يقطين، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۱، ح ۱۲.
- [۱۴۸۲] (۴) صحيح البخاري، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۱۸۰۶، صحيح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۱۸، ح ۱۴۰۰، سنن أبي داود، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۲۰۴۶ كلها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۸۸، ح ۴۵۵۹۲ نقلًا عن البغوي في مسند عثمان؛ المجازات النبوية، ص ۸۵ ح ۵۳، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۳۱، ح ۱۴۶۷، روضة الواعظين، ص ۴۰۹ و فيهما «فليدمن الصوم» بدل «فعلية بالصوم» و ليس في الثلاثة الأخيرة «فإنه أغض للبصر و أحصن للفرج»، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰، ح ۲۰.
- [۱۴۸۳] (۱) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۲، ح ۴۶۴۹ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۷۴۴ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، عوالي اللآلي، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱۲۸، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۷، ح ۵۲.
- [۱۴۸۴] (۲) الكافي، ج ۵، ص ۵۶۴، ح ۳۶، عوالي اللآلي، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱۲۹ نحوه.
- [۱۴۸۵] (۳) المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۱۱۶، ح ۱۱۳۰۴، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۸۳، ح ۴۵۵۶۹.
- [۱۴۸۶] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۶۵، ح ۲، الخصال، ص ۹۹، ح ۵۰، ثواب الأعمال، ص ۴۳، ح ۱ و فيهما «تحذ» بدل «تجلو».
- [۱۴۸۷] (۱) در الخصال و ثواب الأعمال به جای «جلا می دهد»، عبارت «تیز می کند» آمده است.
- [۱۴۸۸] (۱) المؤمنون: ۱۲، ۱۴.
- [۱۴۸۹] (۲) الحج: ۵.
- [۱۴۹۰] (۳) غافر: ۶۷.
- [۱۴۹۱] (۱) فاطر: ۱۱.
- [۱۴۹۲] (۲) الإنسان: ۲.
- [۱۴۹۳] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۰۲، ح ۱۲، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۰۸، ح ۴۶۸، علل الشرائع، ص ۳۴۵، ح ۱ و فيه «مثنائه» بدل «مُشاشه» في كلا الموضوعين، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۵۷، ح ۴۱.
- [۱۴۹۴] (۴) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۶۸ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۱۴۹۵] (۱) تاريخ دمشق، ج ۱۶، ص ۳۷۴، ح ۳۹۷۲ عن الزهري، كنز العمال، ج ۱۳، ص ۳۸۷، ح ۳۷۰۴۳.
- [۱۴۹۶] (۲) بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۷۷، ح ۹۸ و ج ۳، ص ۶۲ كلاهما نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۱۴۹۷] (۱) اين استدراك، مستند است به مختصر تاريخ دمشق و كنز العمال.
- [۱۴۹۸] (۱) مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۸۵، ح ۵۲۳۰ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.
- [۱۴۹۹] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۹۱، ح ۱۹۷، علل الشرائع، ص ۲۹۲، ح ۱ عن مقرر عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۴۱، ح ۲۱.
- [۱۵۰۰] (۳) المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۳۳، ح ۱.
- [۱۵۰۱] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۲۳، ح ۶ عن أبي زياد عن الإمام الحسن عليه السلام.
- [۱۵۰۲] (۲) الشورى: ۴۹ و ۵۰.
- [۱۵۰۳] (۳) صحيح مسلم، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۳۴، المستدرک على الصحيحين، ج ۳، ص ۵۴۸، ح ۶۰۳۹ كلاهما عن ثوبان، مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۵۹۷، ح ۲۵۱۴ عن ابن عباس نحوه، كنز العمالي، ج ۱۶، ص ۴۸۳، ح ۴۵۵۶۳؛ علل الشرائع، ص ۹۶، ح ۵، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۳۰ كلاهما عن ثوبان نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۳۶، ح ۱۰.
- [۱۵۰۴] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۳، ح ۲۰۴۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۵، ح ۱۲۹۵، طب

الأئمة لابن بسطام، ص ١٣٠ وفيه «يحسن اللون»، بحار الأنوار، ج ١٠٤، ص ٨٣ ح ٣٨.

[١٥٠٥] (٢) في المعجم الكبير، «أو يكون ذلك من المرأة».

[١٥٠٦] (٣) مسند ابن حنبل، ج ١٠، ص ٢٠٤، ح ٢٦٦٩٣، المعجم الكبير، ج ٢٣، ص ٤١٤، ح ٩٩٨، مسند إسحاق بن راهويه، ج ٤،

ص ١١٦، ح ١٨٨٢ كلها عن أم سلمة وفيهما «جبنك» بدل «يمينك»، كنز العمال، ج ١٦، ص ٤٨٤، ح ٤٥٥٧٥.

[١٥٠٧] (٤) كذا في المصدر، وفي منتخب كنز العمال، ج ٦، ص ٥٦٠ «صاحبها».

[١٥٠٨] (٥) كنز العمال، ج ١٦، ص ٤٨٣، ح ٤٥٥٦٤ نقلًا عن أبي الشيخ في العظمة عن ابن عباس.

[١٥٠٩] (٦) صحيح مسلم، ج ١، ص ٢٥٠، ح ٣٠ عن أم سليم، سنن ابن ماجه، ج ١، ص ١٩٧، ح ٦٠١، مسند ابن حنبل، ج ٤، ص

٢٤٤، ح ١٢٢٢٤ كلها عن أنس وفيهما «أشبهه الولد» بدل «يكون منه الشبه»، كنز العمال، ج ١٦، ص ٤٨٢، ح ٤٥٥٦٢.

[١٥١٠] (١) در طب الأئمة عليهم السلام، به جای واژه «رنگ»، «فرزند» آمده است.

[١٥١١] (١) تاريخ دمشق، ج ٥٢، ص ٣٦٢، ح ١١٠٦٨ عن عائشة، كنز العمال، ج ١٦، ص ٢٩٥، ح ٤٤٥٥٧؛ عوالي اللآلي، ج ١، ص

٢٥٩، ح ٣٢ وفيه «فإن الخال أحد الضجعين» بدل «فإن النساء...».

[١٥١٢] (٢) قصص الأنبياء، ص ٢٩٦، ح ٣٦٩، بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ٣٦٦، ح ٦٤.

[١٥١٣] (٣) الكافي، ج ٥، ص ٥٦١، ح ٢٣، عوالي اللآلي، ج ٣، ص ٤١٩، ح ٢١ وراجع: الجعفریات، ص ٩٠ و النوادر للراوندي،

ص ١٧٨، ح ٢٩٧ و الدرر المنتور، ج ٨، ص ٤٣٩.

[١٥١٤] (١) در عوالي اللآلي عبارت آخر روایت، چنین آمده است: «دایمی، یکی از همخوابان است».

[١٥١٥] (١) الاحتجاج، ج ١، ص ٩٠، ح ٢٦ عن يوسف بن محمّد بن زياد و علي بن محمّد بن سيّار، التفسير المنسوب إلى الإمام

العسكري عليه السلام، ص ٤٥٣، تفسير التبيان، ج ١، ص ٣٦٣، مجمع البيان، ج ١، ص ٣٢٥ عن ابن عباس و ليس فيهما من «فأخبرني

عمن لا يولد...» و زاد فيهما «و الظفر» بعد «و الدم»، بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ٣٧٧، ح ٩٥.

[١٥١٦] (١) علل الشرائع، ص ٢، ح ١، بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ٣٣٨، ح ١٥.

[١٥١٧] (٢) مسند ابن حنبل، ج ١، ص ٥٨٩، ح ٢٤٨٣، السنن الكبرى للنسائي، ج ٥، ص ٣٣٦، ح ٩٠٧٢، المعجم الكبير، ج ١٢، ص

٣٦، ح ١٢٢٢٩؛ المناقب لابن شهر آشوب، ج ٢، ص ٥٣ نحوه، بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ١٦٩.

[١٥١٨] (٣) الكافي، ج ٥، ص ٥٦٦، ح ٤٦، بحار الأنوار، ج ٣٠، ص ١٠٨، ح ٩.

[١٥١٩] (١) قصص الأنبياء، ص ٢٣٠، ح ٢٧٤ عن إسحاق بن إبراهيم، بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ٣٦٦، ح ٦٥.

[١٥٢٠] (١) الأحقاف: ١٥.

[١٥٢١] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٥٢، ح ٣، تهذيب الأحكام، ج ٨، ص ١١٥، ح ٣٩٦، بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ٣٣٤، ح ٥.

[١٥٢٢] (٣) ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.

[١٥٢٣] (٤) الأحقاف: ١٥.

[١٥٢٤] (٥) البقرة: ٢٣٣.

[١٥٢٥] (٦) المناقب لابن شهر آشوب، ج ٢، ص ٣٦٥، بحار الأنوار، ج ١٠٤، ص ٦٦، ح ٢.

[١٥٢٦] (١) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ١٧١، ح ٥٣٩٤، مستدرک الوسائل، ج ١٨، ص ٢١٨، ح ٢٢٥٥٠ نقلًا عن كتاب

حسين بن عثمان بن شريك.

[١٥٢٧] (٢) في عوالي اللآلي: «في المحجمة».

[١٥٢٨] (٣) الكافي، ج ٧، ص ٣٤٥، ح ١٠، تهذيب الأحكام، ج ١٠، ص ٢٨٣، ح ١١٠٣، النوادر للأشعري، ص ١٥٧، ح ٤٠٤ وفيه

- إلى «عليه الدية»، عوالى اللآلى، ج ٣، ص ٦٥١، ح ١٢٢ و ليس فيه من «قلت: فما صفه خلقه العلقه...»، بحار الأنوار، ج ٦٠، ص ٣٥٤، ح ٣٨.
- [١٥٢٩] (١) الكافى، ج ٣، ص ٤٠، ح ٢، تهذيب الأحكام، ج ١، ص ١٠٤، ح ٢٧٠، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٧٨، ح ١٧٦ كلها عن سماعه.
- [١٥٣٠] (١) الكافى، ج ٦، ص ٢٣، ح ٢ عن حفص الكناسى.
- [١٥٣١] (٢) الكافى، ج ٦، ص ٢٣، ح ١، تهذيب الأحكام، ج ٧، ص ٤٣٦، ح ١٧٣٨.
- [١٥٣٢] (٣) الكافى، ج ٦، ص ٢٤، ح ٥ عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، تهذيب الأحكام، ج ٧، ص ٤٣٧، ح ١٧٤١ عن أبى بصير، الخصال، ص ٦٣٧، ح ١٠ عن أبى بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٢٨، ح ١٠.
- [١٥٣٣] (٤) الكافى، ج ٦، ص ٢٤، ح ٣ و ٤، تهذيب الأحكام، ج ٧، ص ٤٣٦، ح ١٧٣٩ و ١٧٤٠، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٤٨٩، ح ١٦٩٥ و فيه من «حكوا أولادكم...»، بحار الأنوار، ج ١٠٤، ص ١٢٣، ح ٧١.
- [١٥٣٤] محمدى رى شهرى، محمد، دانشنامه احاديث يزشكى (رى شهرى)، ٢جلد، مؤسسه علمى، فرهنگى دار الحديث - قم، چاپ: ششم، ١٣٨٥ ه.ش.
- [١٥٣٥] (١) أم صبيان، يعنى بادی كه بر اشخاص، عارض شود و گاه نیز به سبب آن از هوش برونند. همچنين گفته شده كه أم صبيان، نوعى جن است كه كودكان را می آزارد. در فارسى، أم صبيان، برابر نهاد مادر ديو و همچنين ديوزدگى دانسته شده است) واژه ياب، ج ١، ص ٢١٦. م.
- [١٥٣٦] (١) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٤٨٩، ح ٤٧٢٨، علل الشرائع، ص ٥٠٥، ح ١، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٤٨٨، ح ١٦٩٣، بحار الأنوار، ج ١٠٤، ص ١١٢، ح ٢٥.
- [١٥٣٧] (٢) الكافى، ج ٦، ص ٢٨، ح ٥، تهذيب الأحكام، ج ٧، ص ٤٤٢، ح ١٧٧٠ كلاهما عن حفص الكناسى.
- [١٥٣٨] (٣) الفردوس، ج ٤، ص ٨٥، ح ٦٢٦٤، كنز العمال، ج ١٠، ص ٤٤، ح ٢٨٢٧٩ نقلًا عن أبى الشيخ و أبى نعيم فى الطب و كلاهما عن أبى هريره، المصنّف لابن أبى شيبه، ج ٥، ص ٤٦١، ح ٣ نحوه، فتح البارى، ج ٩، ص ٥٦٦ كلاهما عن الربيع بن خيثم من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله.
- [١٥٣٩] (١) مريم: ٢٥.
- [١٥٤٠] (٢) الكافى، ج ٦، ص ٢٢، ح ٤، تهذيب الأحكام، ج ٧، ص ٤٤٠، ح ١٧٥٧ و فيه «حكيمًا» و «حكيمه» بدل «حليماً» و «حليمه»، المحاسن، ج ٢، ص ٣٤٦، ح ٢١٩٤، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤١، ح ١٠٤، ص ١١٦، ح ٤٢.
- [١٥٤١] (٣) الكافى، ج ٦، ص ٤٠، ح ١، تهذيب الأحكام، ج ٨، ص ١٠٨، ح ٣٦٥ كلاهما عن طلحه بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٤٧٥، ح ٤٦٦٣.
- [١٥٤٢] (٤) الكافى، ج ٦، ص ٤٤، ح ١٠ عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام.
- [١٥٤٣] (١) در تهذيب الأحكام، به جای «پسرى بردبار» و «دخترى بردبار»، عبارت های «پسر با حكمت» و «دخترى با حكمت» آمده است.
- [١٥٤٤] (١) الكافى، ج ٦، ص ٤٤، ح ١٢ عن محمد بن مروان، تهذيب الأحكام، ج ٨، ص ١١٠، ح ٣٧٦ عن الهيثم بن محمد بن مروان.
- [١٥٤٥] (٢) الكافى، ج ٦، ص ٤٤، ح ١٣، تهذيب الأحكام، ج ٨، ص ١١٠، ح ٣٧٧، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٤٧٨، ح

۴۶۷۷ کلها عن زرارة.

[۱۵۴۶] (۳) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۴، ح ۶۷ عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۰۰، ح ۴۱ كلاهما عن الإمام الرضا عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳، ح ۱۳؛ ربيع الأبرار، ج ۴، ص ۲۹۳ عن الإمام علي عليه السلام رفعه، الفردوس، ج ۵، ص ۴۱، ح ۷۳۹۸ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه.

[۱۵۴۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۴۳، ح ۸ تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۱۰، ح ۳۷۵، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۸، ح ۴۶۷۹ کلها عن محمد بن قيس.

[۱۵۴۸] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۴۳، ح ۹ عن مسعدة، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۰۷، ح ۱۷۵۹ عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۳۲۴، ح ۱۹ و ۲۰.

[۱۵۴۹] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۲، ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۰۸، ح ۳۶۷، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۴۳، ح ۹۱۱ نحوه.

[۱۵۵۰] (۲) الخصال، ص ۶۱۴، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۵، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۷۹، ح ۱۶۵۵ و ليس فيه صدره، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳، ح ۹.

[۱۵۵۱] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۰، ح ۲، تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۰۸، ح ۳۶۶، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۵، ح ۴۶۶۴.

[۱۵۵۲] (۱) البقرة: ۲۳۳.

[۱۵۵۳] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۴۰، ح ۳، تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۰۶، ح ۳۵۷، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۴، ح ۴۶۶۱ کلها عن سماعة.

[۱۵۵۴] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۱۰۳، ح ۳، تفسير العياشي، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۳۸۵ كلاهما عن الحلبي، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۱۰، ح ۴۷۸۸ عن أبي بصير و كلاهما نحوه و ليس فيهما من « كانت المرأة » إلى « يضار الرجل المرأة »، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۳، ح ۳.

[۱۵۵۵] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۱، ح ۸، تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۰۷، ح ۳۶۳، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۵، ح ۴۶۶۲.

[۱۵۵۶] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۱۵۵۷] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

## جلد ۲

### بخش چهارم: تأثیر خوردن و آشامیدن در سلامت و بیماری

#### اشاره

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰

الْحَثُّ عَلَى قِلَّةِ الْأَكْلِ

۱۱۴۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَقِلُّ طَعْمُهُمْ؛ فَتَسْتَبْرِئُ بِيوتِهِمْ. [۱]
۱۱۴۸. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَثُرَ تَسْبِيحُهُ وَتَمَجِيدُهُ، وَقَلَّ طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ وَمَنَامُهُ، اشْتَاقَتْهُ الْمَلَائِكَةُ. [۲]
۱۱۴۹. الإمام عليّ عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنَسُوبَةِ إِلَيْهِ: لَا تَطْلُبِ الْحَيَاةَ لِتَأْكُلَ، بَلِ اطْلُبِ الْأَكْلَ لِتَحْيَا. [۳]
۱۱۵۰. الإمام عليّ عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنَسُوبَةِ إِلَيْهِ: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَتَذَكَّرَ عِنْدَ حَلَاوَةِ الْغِذَاءِ مَرَارَةَ الدَّوَاءِ. [۴]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱

فصل یکم: کم خوری

۱ / ۱ تشویق به کم خوری

۱۱۴۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: ساکنان یک خانه، در اثر کم خوردن غذا، خانه شان نورانی می گردد.
۱۱۴۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس تسبیح گفتن او و به عظمت یاد کردن او از خداوند، فراوان شود و خوراک و آشامیدن و خفتنش اندک گردد، فرشتگان مشتاق او می شوند.
۱۱۴۹. امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: زندگی را برای خوردن مخواه؛ بلکه خوردن را برای زندگی بخواه.
۱۱۵۰. امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: عاقل را بایسته است که به هنگام شیرینی غذا، تلخی دارو را نیز به یاد داشته باشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲

فَوَائِدُ قِلَّةِ الْأَكْلِ الظَّاهِرِيَّةُ

أَصِحَّةُ الْبَدَنِ

۱۱۵۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: أُمَّ جَمِيعِ الْأَدْوِيَةِ قِلَّةُ الْأَكْلِ. [۵]
۱۱۵۲. الإمام عليّ عليه السلام: قِلَّةُ الْأَكْلِ يَمْنَعُ كَثِيرًا مِنْ أَعْلَالِ الْجِسْمِ. [۶]
۱۱۵۳. عنه عليه السلام: أَقَلُّ طَعَامًا تُقَلِّلُ سَقَامًا. [۷]
۱۱۵۴. عنه عليه السلام: مَنْ قَلَّ طَعَامُهُ قَلَّتْ آلامُهُ. [۸]
۱۱۵۵. عنه عليه السلام: قِلَّةُ الْغِذَاءِ أَكْرَمُ لِلنَّفْسِ، وَأَدْوَمُ لِلصَّحَّةِ. [۹]
۱۱۵۶. عنه عليه السلام: مَنْ اقْتَصَرَ فِي أَكْلِهِ كَثُرَتْ صِحَّتُهُ، وَصَلَحَتْ فِكْرَتُهُ. [۱۰]
۱۱۵۷. عنه عليه السلام: إِنَّ صِحَّةَ الْجِسْمِ مِنْ قِلَّةِ الطَّعَامِ، وَقِلَّةِ الْمَاءِ. [۱۱]
۱۱۵۸. الإمام الرضا عليه السلام: لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَرُوا فِي الطَّعَامِ، لَأَسْتَقَامَتِ أَبْدَانُهُمْ. [۱۲]
۱۱۵۹. عنه عليه السلام: إِنَّ الْجَسَدَ بِمَنْزِلَةِ الْأَرْضِ الطَّيِّبَةِ الْخَرَابِ؛ إِنْ تَعُوذَتْ بِالْإِعْمَارَةِ وَالسَّقْيِ مِنْ حَيْثُ لَا تَزْدَادُ مِنَ الْمَاءِ فَتَغْرَقَ وَلَا تَنْقُصُ مِنْهُ فَتَعْطَشَ، دَامَتْ



عِمَارَتُهَا وَكَثُرَ رَيْعُهَا وَزَكَا زَرْعُهَا. وَإِنْ تَغَاغَلَتْ عَنْهَا فَسَدَتْ وَنَبَتَ فِيهَا الْعُشْبُ. وَالْجَسَدُ بِهَذِهِ الْمَنْزِلَةِ وَالْتَدْبِيرِ فِي الْأَغْذِيَةِ وَالْأَشْرِبَةِ، يَصْلُحُ وَيَصْحُحُ وَتَرْكُو الْعَافِيَةَ فِيهِ.

وَ أَنْظِرْ... مَا يُؤَافِقُكَ وَ مَا يُؤَافِقُ مَعِدَّتَكَ، وَ يَقْوَى عَلَيْهِ بَدْنُكَ وَ يَسْتَمِرُّهُ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ، فَقَدَّرَهُ لِنَفْسِكَ وَ اجْعَلْهُ غِذَاكَ. [۱۳]  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳

## ۲ / ۱ فایده‌های ظاهری کم‌خوری

### الف سلامت تن

۱۱۵۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مادر همه داروها، کم‌خوری است.
۱۱۵۲. امام علی علیه السلام: کم‌خوری، مانع بسیاری از بیماری‌های جسم می‌شود.
۱۱۵۳. امام علی علیه السلام: خوراک را کم کن تا ناتن درستی‌ها را کم کنی.
۱۱۵۴. امام علی علیه السلام: هر کس خوراکش کم باشد، دردهایش نیز کم است.
۱۱۵۵. امام علی علیه السلام: کم‌خوری، مایه گرمی داشتن بیشتر خویش است و سلامت را بیشتر استمرار می‌بخشد.
۱۱۵۶. امام علی علیه السلام: هر کس در خوردن به کم بسنده کند، سلامتیش بیشتر می‌شود و اندیشه‌اش به سامان می‌رسد.
۱۱۵۷. امام علی علیه السلام: سلامت تن، از کمی غذا و کمی آب است.
۱۱۵۸. امام رضا علیه السلام: اگر مردم در خوردن به کم بسنده می‌داشتند، بدن‌هایشان متعادل بود.
۱۱۵۹. امام رضا علیه السلام: بدن، به سان زمین پاک و آماده برای زراعت است که اگر در آبادانی و آبی‌دهی بدان، مراقبت شود، به گونه‌ای که آب، نه فراوان‌تر از نیاز بدان برسد تا آن را غرق کند و نه از اندازه کمتر باشد تا آن را به تشنگی گرفتار سازد، آبادانی‌اش استمرار می‌یابد و خزمی‌اش فزونی می‌گیرد و کشتش بالندگی و برکت می‌یابد؛ اما اگر از آن غفلت شود، به تباهی می‌گراید و علف هرز در آن می‌روید.
- بدن، چنین حکایتی دارد و تدبیر آن در خوراک و نوشاک، چنین است. [پس،] سامان و سلامت می‌یابد و عافیت در آن، ریشه می‌گسترده.
- بنگر که... چه چیز با تو و با معده‌ات سازگار است و تنت با چه چیز نیرو می‌گیرد و بدنت چه خوردنی و نوشیدنی‌ای را می‌گوارد. همان را برای خویش مقرر مدار و خوراک خود گیر.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴
- ب نَصَارَةَ الْوَجْهِ
۱۱۶۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَرَّ أُخِي عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَدِينَةٍ فِيهَا رَجُلٌ وَ امْرَأَةٌ يَتَصَايِحَانِ. فَقَالَ: مَا شَأْنُكُمَا.
- قَالَ [الرَّجُلُ]: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، هَذِهِ امْرَأَتِي وَ لَيْسَ بِهَا بَأْسٌ، صَالِحَةٌ، وَ لَكِنِّي أَحِبُّ فِرَاقَهَا.
- قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ مَا شَأْنُهَا؟
- قَالَ: هِيَ خَلَقَهُ الْوَجْهِ مِنْ غَيْرِ كَبِيرٍ.
- قَالَ: يَا امْرَأَةٌ، أُتَجَبِّينَ أَنْ يَعُودَ مَاءٌ وَجْهِكَ طَرِيًّا؟
- قَالَتْ: نَعَمْ.

قَالَ لَهَا: إِذَا أَكَلْتَ فَايَاكَ أَنْ تَشْبَعِي [١٤]؛ لِأَنَّ الطَّعَامَ إِذَا تَكَاثَرَ عَلَى الصَّدْرِ فَرَادَ فِي الْقَدْرِ ذَهَبَ مَاءُ الْوَجْهِ. فَفَعَلَتْ ذَلِكَ فَعَادَ وَجْهَهَا طَرِيًّا. [١٥]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ١٥

### ب شادابی چهره

١١٦٠. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برادرم عیسی، از شهری گذر کرد که در آن، مرد و زنی به یکدیگر فریاد می کشیدند. پرسید: «شما را چه شده است؟».

[مرد] گفت: ای پیامبر خدا! این، زن من است و او را مشکلی نیست. زنی درستکار است؛ اما دوست دارم از او جدا شوم. گفت: «به هر حال، به من بگوی که او را چه می شود؟».

[مرد] گفت: بی آنکه کهن سال باشد، چهره اش بی طراوت است.

گفت: «ای زن! آیا دوست داری دیگر بار، چهره ات پُر طراوت شود؟».

[زن گفت: آری.

به او گفت: «چون غذا می خوری، از سیر شدن حذر کن؛ زیرا اگر غذا بر سینه سنگینی کند و از اندازه افزون شود، طراوت چهره از میان می رود».

آن زن، چنان کرد و دیگر بار، چهره اش طراوت یافت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ١٦

### ج طولُ العُمُرِ

١١٦١. لقمان علیه السلام: إِذَا قَلَّ طَعْمَةُ الْمَرْءِ عَاشَ طَوِيلًا. [١٦]

٣ / ١

فَوَائِدُ قَلَّةِ الْأَكْلِ الْبَاطِنِيَّةُ

أَصْفَاءُ الْفِكْرِ

١١٦٢. الإمام علي عليه السلام: مَنْ قَلَّ أَكْلُهُ صَفَا فِكْرُهُ. [١٧]

ب نورُ القَلْبِ

١١٦٣. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا أَقَلَّ الرَّجُلُ الطَّعْمَ، مُلِيَ جَوْفُهُ نَوْرًا. [١٨]

ج النَّجَاءُ مِنَ الشَّيْطَانِ

١١٦٤. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ سَيَّرَهُ أَنْ يُخَلِّصَ نَفْسَهُ مِنْ إِبْلِيسَ فَلْيُذِبْ [١٩] شَحْمَهُ وَ لَحْمَهُ بِقَلَّةِ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّ مِنْ قَلَّةِ الطَّعَامِ

حُضُورَ الْمَلَائِكَةِ وَ كَثْرَةَ التَّفَكِيرِ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ عِزِّ وَ جَلِّ. [٢٠]

١١٦٥. عنه صلی الله علیه و آله: جَاهِدُوا أَنْفُسَكُمْ بِقَلَّةِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ، تُظَلِّكُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَ يَفَرَّ عَنْكُمُ الشَّيْطَانُ. [٢١]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ١٧

### ج طول عمر

١١٦١. لقمان علیه السلام: اگر خوراک انسان اندک باشد، زیاد زنده می ماند.

## الف صفای اندیشه

۱۱۶۲. امام علی علیه السلام: هر کس خوراکش کم باشد، اندیشه‌اش صفا می‌یابد.

## ب فروغ دل

۱۱۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی خوراک خود را کم کند، درویش از نور، سرشار می‌گردد.

## ج رهایی از شیطان

۱۱۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس، از این خرسند می‌شود که خویش را از ابلیس برهاند، باید گوشت و چربی خود را با کم‌خوری، آب کند؛ چرا که از کم‌خوری، حضور فرشتگان و فراوان اندیشیدن در آنچه نزد خداوند عز و جل است، حاصل می‌آید.

۱۱۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با کمی خوراک و نوشاک، با نفس خویش جهاد کنید تا فرشتگان بر شما سایه بگسترند و شیطان از شما بگریزد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸

د الدُّخُولُ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ

۱۱۶۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْبَسُوا الصُّوفَ وَ شَمِّرُوا، وَ كُلُوا فِي أَنْصَافِ الْبُطُونِ، تَدْخُلُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ. [۲۲]

۱۱۶۷. عنه صلی الله علیه و آله: لَا يَدْخُلُ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَنْ مَلَأَ بَطْنَهُ. [۲۳]

ه التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ

۱۱۶۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: التَّقْلِيلُ مِنَ الطَّعَامِ بِمَنْزِلَةِ سَيِّئِهِ عِنْدَ اللَّهِ. [۲۴]

۱۱۶۹. عنه صلی الله علیه و آله: أَحْبَبُّكُمْ إِلَيَّ اللَّهُ أَقْلُكُمْ طَعْمًا، وَأَخْفُكُمْ بَدَنًا. [۲۵]

۱۱۷۰. الإمام الصادق علیه السلام: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ. [۲۶]

و جَوَامِعُ مَنَافِعِ قَلْبِهِ الْأَكْلِ

۱۱۷۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ، صَحَّ بَدَنُهُ وَ صَفَا قَلْبُهُ، وَ مَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ، سَقِمَ بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ. [۲۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹

## د در آمدن به ملکوت آسمان‌ها

۱۱۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پشمینه بپوشید و میان بر بندید و به گنجایش نیمه شکم بخورید تا به ملکوت آسمان‌ها در آید.

۱۱۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس شکمش پُر باشد، به ملکوت آسمان‌ها و زمین راه نمی‌یابد.

## ه تقرب به درگاه خداوند

۱۱۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کاستن از خوراک، نزد خداوند، جایگاهی والا دارد.
۱۱۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دوست داشتنی ترین شما نزد خداوند، کم خوراک ترین و سبک بدن ترین شماست.
۱۱۷۰. امام صادق علیه السلام: نزدیک ترین حالت بنده به خداوند عز و جل، هنگامی است که شکم وی، سبک باشد. [۲۸]

### و مجموعه‌ای از منافع کم خوری

۱۱۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خوراکش اندک باشد، تنش سلامت و دلش صفا می‌یابد؛ و هر کس خوراکش فراوان باشد، تنش بیمار و دلش سخت می‌گردد.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰
۱۱۷۲. الإمام علی علیه السلام: عَلَيَّكُمْ بِالْقَصْدِ فِي الْمَطَاعِمِ؛ فَإِنَّهُ أَبْعَدُ مِنَ السَّرَفِ، وَأَصْحَحُ لِلْبَدَنِ، وَأَعْوَنُ عَلَى الْعِبَادَةِ. [۲۹]
۱۱۷۳. مصباح الشریعة: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَلَّةُ الْأَكْلِ مَحْمُودٌ فِي كُلِّ قَوْمٍ؛ لِأَنَّ فِيهِ مَصْلَحَةَ الْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ. [۳۰]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱
۱۱۷۲. امام علی علیه السلام: بر شما باد میانه‌روی در خوردنی‌ها؛ چرا که این کار، از اسراف دورتر است، مایه سلامت بیشتر تن می‌گردد و در پرستش، بیشتر یاری می‌رساند.
۱۱۷۳. مصباح الشریعة در حدیثی که به امام صادق علیه السلام منسوب است: کم خوری، در میان هر طایفه‌ای، ستوده است؛ زیرا منفعت باطن و ظاهر، در آن است.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲

### الفصل الثانی: الحمیة

۱ / ۲

#### مَعْنَى الْحِمِيَّةِ

۱۱۷۴. الإمام الكاظم عليه السلام: لَيْسَ الْحِمِيَّةُ أَنْ تَدَعَ الشَّيْءَ أَصْلًا لَا تَأْكُلَهُ، وَ لَكِنَّ الْحِمِيَّةَ أَنْ تَأْكُلَ مِنَ الشَّيْءِ وَ تُخَفِّفَ. [۳۱]
۱۱۷۵. الإمام الرضا عليه السلام: لَيْسَ الْحِمِيَّةُ مِنَ الشَّيْءِ تَرْكُهُ، إِنَّمَا الْحِمِيَّةُ مِنَ الشَّيْءِ الْإِقْلَالُ مِنْهُ. [۳۲]
۱۱۷۶. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: أَرَوَى عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: ... رَأْسُ الْحِمِيَّةِ الرَّفْقُ بِالْبَدَنِ. [۳۳]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳

### فصل دوم: پرهیز

#### ۱ / ۲ معنای پرهیز

۱۱۷۴. امام کاظم علیه السلام: پرهیز، آن نیست که چیزی را به کلی وا بگذاری و هیچ نخوری؛ بلکه پرهیز، آن است که از چیزی بخوری، اما کم بخوری.
۱۱۷۵. امام رضا علیه السلام: پرهیز از یک چیز، وا گذاردن آن نیست. پرهیز از یک چیز، تنها کم خوردن از آن است.
۱۱۷۶. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: از عالم (امام کاظم علیه السلام) روایت می‌کنم که فرموده است: «سرآمد پرهیزها،

مدارا با بدن است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴

۱۱۷۷. الإمام الكاظم عليه السلام: لَيْسَ مِنْ دَوَاءِ إِبِلًا وَهُوَ يُهَيِّجُ دَاءً، وَ لَيْسَ شَيْءٌ فِي الْبَدَنِ أَنْفَعَ مِنْ إِمْسَاكِ الْيَدِ إِبِلًا عَمَّا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ. [۳۴]

۱۱۷۸. الدعوات: رُوِيَ: لَا تَأْكُلْ مَا قَدْ عَرَفْتَ مَضْرَّتَهُ، وَلَا تُؤْثِرْ هَوَاكَ عَلَى رَاحَةِ بَدَنِكَ. [۳۵]

۲ / ۲

الْحَثُّ عَلَى الْجِمِيَّةِ

۱۱۷۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: الْمَعِدَّةُ بَيْتٌ كُلُّ دَاءٍ، وَالْجِمِيَّةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ. [۳۶]

۱۱۸۰. عنه صلى الله عليه و آله: الْجِمِيَّةُ رَأْسُ الدَّوَاءِ، وَالْمَعِدَّةُ بَيْتُ الدَّاءِ، وَ عَوَّدُوا كُلَّ جِسْمٍ مَا اعْتَادَ. [۳۷]

۱۱۸۱. الإمام علي عليه السلام: الْمَعِدَّةُ بَيْتُ الأَدْوَاءِ، وَالْجِمِيَّةُ رَأْسُ الدَّوَاءِ، وَ عَوَّدَ كُلَّ بَدَنِ مَا اعْتَادَ. لَا صِحَّةَ مَعَ النَّهْمِ. [۳۸]

۱۱۸۲. الإمام الصادق عليه السلام لِلطَّبِيبِ الْهِنْدِيِّ: إِنَّ مَا مَعِيَ خَيْرٌ مِمَّا مَعَكَ... أَسْتَعْمِلُ مَا قَالَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ أَعْلَمُ أَنَّ الْمَعِدَّةَ بَيْتُ الدَّاءِ، وَ الْجِمِيَّةَ هِيَ الدَّوَاءُ، وَ اعْوَدُ الْبَدَنَ مَا اعْتَادَ. [۳۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵

۱۱۷۷. امام کاظم علیه السلام: هیچ دارویی نیست که دردی را بر نینگیزد، و هیچ چیزی برای بدن، سودمندتر از آن نیست که جز از آنچه بدان نیاز دارد، دست بشوید.

۱۱۷۸. الدعوات: روایت شده است که: آنچه را از زیانش آگاهی یافته‌ای، مخور و هوس خویش را بر آسایش بدن، بر مگزین.

## ۲ / ۲ تشویق به پرهیز

۱۱۷۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: معده، خانه همه دردهاست و پرهیز، ریشه همه درمان‌ها.

۱۱۸۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: پرهیز، سرآمد درمان، و معده، خانه درد است. هر بدنی را به همان که بدان خو می‌گیرد، عادت دهید.

۱۱۸۱. امام علی علیه السلام: معده، خانه دردهاست و پرهیز، سرآمد درمان. هر بدنی را به همان که بدان خو می‌گیرد، عادت دهید. با پرخوری، تندرستی‌ای نخواهد بود. [۴۰]

۱۱۸۲. امام صادق علیه السلام خطاب به طبیب هندی: من برتر از آنچه تو همراه داری، به همراه دارم .... آنچه را پیامبر خدا فرموده است، به کار می‌گیرم و می‌دانم که معده، خانه همه دردها و پرهیز، یگانه درمان است. نیز بدن را بر آنچه بدان خو می‌گیرد، عادت می‌دهم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶

۱۱۸۳. الإمام علي عليه السلام: مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى مَضَضِ الْجِمِيَّةِ، طَالَ سَقْمُهُ. [۴۱]

۱۱۸۴. عنه عليه السلام: صَلَاحُ الْبَدَنِ الْجِمِيَّةُ. [۴۲]

۱۱۸۵. عنه عليه السلام: لَا تُتَالُ الصَّحَّةُ إِلَّا بِالْجِمِيَّةِ. [۴۳]

۳ / ۲

مَا رُوِيَ فِي مُدَّةِ جِمِيَّةِ الْمَرِيضِ

۱۱۸۶. معانى الأخبار: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ: كَمْ يُحَمِّي الْمَرِيضُ؟



## الْحَثُّ عَلَى التَّجْوُعِ

۱۱۸۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَفْضَلُكُمْ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى أَطْوَلُكُمْ جَوْعًا وَتَفَكُّرًا، وَأَبْغَضُكُمْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى كُلُّ نَوْمٍ وَ أَكُولٍ وَ شَرُوبٍ. [۵۰]

۱۱۹۰. عنه صلى الله عليه وآله: طَوْبَى لِمَنْ طَوَى وَ جَاعَ، أَوْلَيْكَ الَّذِينَ يَشْبَعُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [۵۱]

۱۱۹۱. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَهْلَ الْجَوْعِ فِي الدُّنْيَا هُمْ أَهْلُ الشَّبَعِ فِي الْآخِرَةِ، وَ إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَّخِمُونَ الْمَلَأُ. [۵۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹

## فصل سوّم: گرسنگی کشیدن

## ۳ / ۱ تشویق به گرسنگی کشیدن

۱۱۸۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: والاجايگاه‌ترین شما نزد خداوند عز و جل آن است که بیش از همه گرسنگی می کشد و بیش از همه می اندیشد؛ و منفورترین شما نزد خداوند متعال، هر پُر خواب پُر خور پُر آشام است.

۱۱۹۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خوشا به حال آنان که شکم، تهی می‌دارند و گرسنگی می‌کشند. آنان کسانی اند که در روز قیامت، سیر می‌شوند.

۱۱۹۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: همدمانِ گرسنگی در این سرای، همدمانِ سیری در سرای دیگرند و منفورترین مردم نزد خداوند، پُر خورانِ آکنده‌شکم اند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰

۱۱۹۲. الإمام عليّ عليه السلام: نِعَمَ الْإِدَامُ الْجَوْعُ. [۵۳]

۱۱۹۳. تنبيه الخواطر: رَوَى بَعْضُهُمْ أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قَالَ: أَدِيمُوا قَرَعَ بَابِ الْجَنَّةِ يُفْتَحُ لَكُمْ. [قَالَ الزَّوَاي: قُلْتُ: وَ كَيْفَ نُدِيمُ قَرَعَ بَابِ الْجَنَّةِ؟

قَالَ: بِالْجَوْعِ وَ الطَّمَا. [۵۴]

## فَوَائِدُ التَّجْوُعِ الْجَسْمِيَّةُ

## أَصِحَّةُ الْبَدَنِ

۱۱۹۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: صَوْمُوا تَصِحُّوا. [۵۵]

۱۱۹۵. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَى إِلَى نَبِيِِّّ مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ: أَنْ أَخْبِرَ قَوْمَكَ أَنْ لَيْسَ عَبْدٌ يَصُومُ يَوْمًا ابْتِغَاءً وَجْهِي، إِلَّا أَصَحَّحْتُ جِسْمَهُ وَ أَعْظَمْتُ أَجْرَهُ. [۵۶]

۱۱۹۶. الإمام عليّ عليه السلام: الصَّيَامُ أَحَدُ الصَّحْتَيْنِ. [۵۷]

۱۱۹۷. عنه عليه السلام: التَّجْوُعُ أَنْفَعُ الدَّوَاءِ. [۵۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱

۱۱۹۲. امام علی علیه السلام: گرسنگی، چه نیکو خورشی است!

۱۱۹۳. تنبیه الخواطر: یکی از صحابه روایت کرده که پیامبر که درود خداوند بر وی و خاندانش باد فرموده است: «پیوسته کوبه در بهشت را بزیند تا برایتان باز شود».

[راوی می گوید: گفتم: چگونه پیوسته کوبه در بهشت را بزینم؟

فرمود: «با گرسنگی و تشنگی».

### ۲ / ۳ فایده‌های جسمی گرسنگی کشیدن

#### الف سلامت تن

۱۱۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه بدارید تا تندرست بمانید.

۱۱۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به یکی از پیامبران بنی اسرائیل، وحی کرد که: «به طایفه‌ات خبر بده هیچ بنده‌ای، یک روز برای خشنودی من روزه نمی گیرد، مگر آنکه تن او را سالم می دارم و او را پاداشی بزرگ می دهم».

۱۱۹۶. امام علی علیه السلام: روزه، یکی از دو [طریق سلامت است.

۱۱۹۷. امام علی علیه السلام: گرسنگی کشیدن، سودمندترین درمان است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲

۱۱۹۸. عنه علیه السلام: لَا يَجْتَمِعُ الْجُوعُ وَالْمَرَضُ. [۵۹]

ب طيبُ الطَّعامِ

۱۱۹۹. الإمام الهادي عليه السلام: السَّهْرُ أَلْذُّ لِلْمَنَامِ، وَالْجُوعُ يَزِيدُ فِي طَيْبِ الطَّعَامِ. [۶۰]

۳ / ۳

فَوَائِدُ التَّجْوَعِ الرَّوْحِيَّةُ

أُ الْوَرَعُ عَنِ الْمَعَاصِي

۱۲۰۰. الإمام علي عليه السلام: نِعَمَ عَوْنُ الْوَرَعِ التَّجْوَعُ. [۶۱]

۱۲۰۱. عنه عليه السلام: نِعَمَ الْعَوْنِ عَلَى أَشْرِ النَّفْسِ وَ كَسْرِ عَادَتِهَا التَّجْوَعُ. [۶۲]

۱۲۰۲. عنه عليه السلام فِي الدِّيَوَانِ الْمَنَسُوبِ إِلَيْهِ:

تَجْوَعُ فَإِنَّ الْجُوعَ مِنْ عَمَلِ التَّقْوَانِ طَوِيلَ الْجُوعِ يَوْمًا سَيْشِعُ [۶۳]

ب النَّجَاةُ مِنَ الشَّيْطَانِ

۱۲۰۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ، فَضَيِّقُوا مَجَارِيَهُ بِالْجُوعِ. [۶۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳

۱۱۹۸. امام علی علیه السلام: گرسنگی و بیماری، با هم گرد نمی آیند.

#### ب خوش مزگی غذا

۱۱۹۹. امام هادی علیه السلام: شب زنده داری، خواب را شیرین تر می کند و گرسنگی، غذا را خوش مزگی می افزاید.



### الف دامن در کشیدن از گناه

۱۲۰۰. امام علی علیه السلام: گرسنگی کشیدن، چه نیکو یاری‌ای برای پاک‌دامنی است! [۶۵]

۱۲۰۱. امام علی علیه السلام: گرسنگی کشیدن، چه نیکو یاری‌دهنده‌ای بر سرکشیِ نفس و شکستن عادت آن است.

۱۲۰۲. امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان:  
خود را گرسنه بدار که گرسنگی، از آثار پرهیزگاری است / آنکه زمان درازی را گرسنگی کشد، سرانجام روزی (روز قیامت) سیر خواهد شد.

### ب رهایی از شیطان

۱۲۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان در درون آدمی زاده به سان خون، جریان می‌یابد. گذرگاه‌های او را با گرسنگی، تنگ کنید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴

ج التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ

۱۲۰۴. الإمام علی علیه السلام فی حَدِيثِ الْمِعْرَاجِ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ: ... يَا رَبِّ، ذُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ أَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَيْكَ.  
قَالَ: اجْعَلْ لَيْلَكَ نَهَارًا وَنَهَارَكَ لَيْلًا.  
قَالَ: يَا رَبِّ، كَيْفَ ذَلِكَ؟  
قَالَ: اجْعَلْ نَوْمَكَ صَلَاةً، وَطَعَامَكَ الْجُوعَ.

یا أَحْمَدُ، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، مَا مِنْ عَبْدٍ ضَمِنَ لِي بِأَرْبَعِ خِصَالٍ إِلَّا أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ: يَطْوِي لِسَانَهُ فَلَا يَفْتَحُهُ إِلَّا بِمَا يَعْنِيهِ، وَيَحْفَظُ قَلْبَهُ مِنْ الْوَسْوَسِ، وَيَحْفَظُ عِلْمِي وَنَظْرِي إِلَيْهِ، وَيَكُونُ قُرَّةَ عَيْنِيهِ الْجُوعَ.  
يَا أَحْمَدُ، لَوْ ذُقْتَ حَلَاوَةَ الْجُوعِ وَالصَّمْتِ وَالْحَلْوَةَ، وَ مَا وَرَثُوا مِنْهَا.

قَالَ: يَا رَبِّ، مَا مِيرَاثُ الْجُوعِ؟

قَالَ: الْحِكْمَةُ، وَحِفْظُ الْقَلْبِ، وَالتَّقَرُّبُ إِلَيَّ، وَالحُزْنُ الدَّائِمُ، وَخِفَةُ الْمُؤَنَةِ بَيْنَ النَّاسِ، وَقَوْلُ الْحَقِّ، وَلَا يُبَالِي عَاشٍ بِسِرِّ أَمٍ يُعْسِرُ.  
يَا أَحْمَدُ، هَلْ تَدْرِي بِأَيِّ وَقْتٍ يَتَقَرَّبُ الْعَبْدُ إِلَيَّ؟

قَالَ: لَا، يَا رَبِّ [۶۶].

قَالَ: إِذَا كَانَ جَائِعًا أَوْ سَاجِدًا. [۶۷]

د الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ

۱۲۰۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْقَلْبُ يَتَحَمَّلُ الْحِكْمَةَ عِنْدَ حُلُوِّ الْبَطْنِ. [۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵

### ج تقرب به درگاه خداوند

۱۲۰۴. امام علی علیه السلام در حدیث معراج: پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج، از پروردگار خود خواست و چنین گفت: پروردگارا! مرا به کاری راه نمای که با آن به تو نزدیک شوم.

فرمود: «شبت را روز، و روزت را شب بدار».

پرسید: پروردگارا! چگونه چنین توان کرد؟

فرمود: «خواب خویش را نماز، و خوراک خود را گرسنگی قرار بده.

ای احمد! به عزت و جلالم سوگند، هیچ بنده‌ای برایم چهار چیز را تضمین نمی‌کند، مگر این که او را به بهشت در می‌آورم: زبان فرو بندد و آن را جز بدانچه به وی مربوط است، نگشاید؛ دل خویش را از وسواس حفظ کند؛ آگاهی من از او و این را که او در زیر نگاه من است، پاس بدارد؛ و نور دیده‌اش، در گرسنگی باشد.

ای احمد! کاش، شیرینی: گرسنگی، سکوت، خلوت و آنچه را از آن به ارث برده‌اند، چشیده بودی!».

پرسید: پروردگارا! ارث گرسنگی چیست؟

فرمود: «حکمت، حفظ دل، تقرب به خداوند، اندوه دائم، کم‌هزینگی برای مردم، حق‌گویی، و اهمیت ندادن به این که در گشایش و آسانی می‌زید یا در سختی و دشواری.

ای احمد! آیا می‌دانی با کدام حالت و وقت، بنده به من تقرب می‌جوید؟».

گفت: نه، ای پروردگارا!

فرمود: «آن هنگام که گرسنه یا در حالت سجده باشد».

### د [رسیدن به علم و حکمت

۱۲۰۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل، به هنگام تهی بودن درون، بار حکمت، بر می‌گیرد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶

۱۲۰۶. عنه صلی الله علیه و آله: إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الْجُوعِ وَ التَّفَكُّرِ فَاقْتَرِبُوا مِنْهُمْ؛ فَإِنَّهُ تَجْرِي الْحِكْمَةُ مَعَهُمْ. [۶۹]

۱۲۰۷. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: وَضَعْتُ خَمْسَةَ فِي خَمْسَةٍ وَ النَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي خَمْسَةٍ فَلَا يَجِدُونَهَا: وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَ الْجَهْدِ وَ النَّاسُ يَطْلُبُونَهُ بِالشَّبَعِ وَ الرَّاحَةِ فَلَا يَجِدُونَهُ. [۷۰]

۱۲۰۸. عِدَّةُ الدَّاعِي: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ: يَا دَاوُدُ إِنِّي... وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ وَ الْجَهْدِ، وَ هُمْ يَطْلُبُونَهُ [۷۱] فِي الشَّبَعِ وَ الرَّاحَةِ فَلَا يَجِدُونَهُ. [۷۲]

راجع: ج ۲، ص ۳۴ (التقرب إلى الله).

ه رُوِيَهُ اللَّهُ بِالْقَلْبِ

۱۲۰۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَجِيعُوا أَكْبَادَكُمْ، وَ أَعْرُوا صُورَكُمْ... لَعَلَّكُمْ تَرَوْنَ الْحَقَّ بِقُلُوبِكُمْ. [۷۳]

۱۲۱۰. عیسی علیه السلام: أَجِيعُوا أَكْبَادَكُمْ، وَ أَعْرُوا أَجْسَادَكُمْ؛ فَلَعَلَّ قُلُوبَكُمْ تَرَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ. [۷۴]

۱۲۱۱. عنه علیه السلام لِلْحَوَارِيِّينَ: يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ، جُوعُوا بَطُونَكُمْ، وَ عَطَّشُوا أَكْبَادَكُمْ، وَ أَعْرُوا أَجْسَادَكُمْ؛ لَعَلَّ قُلُوبَكُمْ تَرَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ. [۷۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷

۱۲۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون همدمان گرسنگی و تفکر را دیدید، به آنان نزدیک شوید؛ چرا که حکمت، آنان را همراهی می‌کند.

۱۲۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل می فرماید: «پنج چیز را در پنج چیز نهادم؛ اما مردم، آنها را در پنج چیز دیگر می جویند و نمی یابند: دانش را در گرسنگی و رنج و تلاش قرار دادم، در حالی که مردم آن را در سیری و آسایش می جویند. در نتیجه آن را نمی یابند.

۱۲۰۸. عدّه الداعی: خداوند متعال به داوود علیه السلام این گونه وحی فرستاد: «ای داوود! ... من دانش را در گرسنگی و رنج و تلاش نهادم؛ اما آنان آن را در سیری و آسایش می جویند و در نتیجه آن را نمی یابند». ر. ک: تقرّب به درگاه خداوند (عنوان پیشین).

## ه دیدن خداوند با دیده دل

۱۲۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جگرهای خود را گرسنه و بدن هایتان را برهنه بدارید ...، [۷۶] شاید که حق را با دل هایتان ببینید.

۱۲۱۰. عیسی علیه السلام: جگرهای خود را گرسنه و تن هایتان را برهنه بدارید، شاید که دل هایتان، خداوند عز و جل را ببیند.  
 ۱۲۱۱. عیسی علیه السلام خطاب به حواریان: ای همراهان همیشگی! شکم های خویش را گرسنه، جگرهای خود را تشنه و تن های خویش را برهنه بدارید، شاید که دل هایتان، خداوند عز و جل را ببیند.  
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸

## الفصل الرابع: كثرة النهم

۱ / ۴

ذَمُّ النَّهْمِ

۱۲۱۲. الإمام الصادق علیه السلام: كَثْرَةُ الْأَكْلِ مَكْرُوهَةٌ. [۷۷]

۱۲۱۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَا مَلَأَ آدَمِيَّ وَعَاءٌ شَرًّا مِنْ بَطْنٍ. حَسْبُ الْآدَمِيِّ لَقِيمَاتٌ يُقِمْنَ صُلْبَهُ؛ فَإِنْ غَلَبَتْ الْآدَمِيَّ نَفْسُهُ، فَتَلَّتْ لِلطَّعَامِ وَتَلَّتْ لِلشَّرَابِ وَتَلَّتْ لِلنَّفْسِ. [۷۸]

۱۲۱۴. عنه صلی الله علیه و آله: سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي سُنَّةٌ يَأْكُلُ الْمُؤْمِنُ فِي مِعَاءٍ وَاحِدٍ، وَيَأْكُلُ الْكَافِرُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ. [۷۹]  
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹

## فصل چهارم: پرخوری

### ۱ / ۴ نکوهش پرخوری

۱۲۱۲. امام صادق علیه السلام: پرخوری، ناخوشایند است.

۱۲۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آدمی هیچ ظرفی را بدتر از شکم، پُر نکرده است. آدمی زاده را چند لقمه بسنده می کند که کمرش را راست بدارد. اگر نفس آدمی بر او چیرگی یافت، یک سوم [معهده برای خوراک، یک سوم برای نوشاک، و یک سوم برای نفس کشیدن خواهد بود.

۱۲۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پس از من، روشی [جدید در جامعه پدید خواهد آمد: مؤمن به اندازه یک معده می خورد و

کافر به اندازه هفت معده.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰

۱۲۱۵. عنه صلى الله عليه و آله: الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مَعِي وَاجِدٍ، وَ الْكَافِرُ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ. [۸۰]

۱۲۱۶. مسند ابن حنبل عن أبي بصرة الغفاري: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله لَمَّا هَاجَرْتُ وَ ذَلِكُ قَبْلَ أَنْ اسْلِمَ، فَحَلَبَ لِي شُوَيْهَةً كَانَ يَحْتَلِبُهَا لِأَهْلِهِ فَشَرِبْتُهَا، فَلَمَّا أَصْبَحْتُ أَسَلَمْتُ.

وَ قَالَ عِيَالُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: نَبِيْتُ اللَّيْلَةَ كَمَا بَتْنَا الْبَارِحَةَ جِيعًا! فَحَلَبَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله شَاءَ فَشَرِبْتُهَا وَ رَوَيْتُ.

فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: أُرَوَيْتُ؟

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ رَوَيْتُ، مَا شَبِعْتُ وَلَا رَوَيْتُ قَبْلَ الْيَوْمِ!

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: إِنَّ الْكَافِرَ يَأْكُلُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ وَ الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مَعِي وَاجِدٍ. [۸۱]

۱۲۱۷. المستدرک عن جَعْدَةَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَقُولُ وَ رَأَى رَجُلًا مُشْبَعًا فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يُومِي بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ وَ يَقُولُ: لَوْ كَانَ هَذَا فِي غَيْرِ هَذَا كَانَ خَيْرًا لَهُ. [۸۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱

۱۲۱۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: مؤمن، به اندازه یک معده می خورد و کافر، به اندازه هفت معده می خورد! [۸۳]

۱۲۱۶. مسند ابن حنبل به نقل از ابو بصره غفاری: چون هجرت کردم، به حضور پیامبر صلى الله عليه و آله رسیدم. در آن زمان هنوز اسلام نیاورده بودم. او برایم از گوسفندی کوچک اندام که همیشه برای خانواده اش از آن می دوشید شیر دوشید. من شیر را نوشیدم و چون آن شب را به صبح رساندم، اسلام آوردم.

[آن شب،] خانواده پیامبر صلى الله عليه و آله گفتند: امشب نیز گرسنه می خوابیم، چنان که دیشب گرسنه خوابیدیم!

پیامبر خدا [در آن دیگر روز نیز] برایم گوسفندی دوشید. شیر آن را خوردم و سیراب شدم.

پیامبر خدا از من پرسید: «آیا سیراب شدی؟».

گفتم: ای پیامبر خدا! سیراب شدم. پیش از این، هیچ وقت، [این اندازه نه سیر و نه سیراب شده بودم!

پیامبر صلى الله عليه و آله فرمود: «کافر، به اندازه هفت معده می خورد و مؤمن، به اندازه یک معده می خورد».

۱۲۱۷. المستدرک به نقل از جعدده: از پیامبر خدا چون مردی بسیار سیر را دید و با دست به شکم وی اشاره کرد شنیدم که فرمود: «اگر این [غذایی که خورده] در غیر این [شکم قرار داشت، برای وی بهتر بود».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲

۱۲۱۸. الإمام علي عليه السلام: كَثْرَةُ الْأَكْلِ مِنَ الشَّرِّهِ، وَ الشَّرُّهُ شَرُّ الْعُيُوبِ. [۸۴]

۱۲۱۹. عنه عليه السلام في حديث المِراج: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، ابْغِضُ الدُّنْيَا وَ أَهْلَهَا وَ احِبُّ الْآخِرَةَ وَ أَهْلَهَا.

قَالَ: يَا رَبِّ، وَ مَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَ مَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ؟

قَالَ: أَهْلُ الدُّنْيَا مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ وَ ضِحْكُهُ وَ نَوْمُهُ وَ غَضَبُهُ. [۸۵]

۲ / ۴

دَمُّ أَكْلِ الْأَلْوَانِ مِنَ الطَّعَامِ

۱۲۲۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: سَيَكُونُ نَاسٌ مِّنْ أُمَّتِي يَوْلِدُونَ فِي النَّعِيمِ وَ يُعَدُّونَ بِهِ، هِمَّتُهُمُ الْوَأْنُ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ، وَ

يُمَدِّحُونَ بِالْقَوْلِ، أَوْلَيْتُكَ شِرَارُ أُمَّتِي. [۸۶]

۱۲۲۱. عنه صلى الله عليه و آله: سَيَكُونُ رِجَالٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْكُلُونَ أَلْوَانَ الطَّعَامِ، وَيَشْرَبُونَ أَلْوَانَ الشَّرَابِ، وَيَلْبَسُونَ أَلْوَانَ اللَّبَاسِ، وَ يَتَشَدَّقُونَ فِي الْكَلَامِ، فَأُولَئِكَ شِرَارُ أُمَّتِي. [۸۷]

۱۲۲۲. عنه صلى الله عليه و آله: شِرَارُ أُمَّتِي قَوْمٌ وُلِدُوا فِي النَّعِيمِ وَ عُدُّوا بِهِ، يَأْكُلُونَ مِنَ الطَّعَامِ أَلْوَانًا، وَ يَلْبَسُونَ مِنَ الثِّيَابِ أَلْوَانًا، وَ يَرَكِبُونَ مِنَ الدَّوَابِّ أَلْوَانًا، يَتَشَدَّقُونَ فِي الْكَلَامِ. [۸۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳

۱۲۱۸. امام علی علیه السلام: پُرخوری، نشانه شکم‌بندگی است و شکم‌بندگی، بدترین عیب‌هاست.

۱۲۱۹. امام علی علیه السلام در حدیث معراج: خداوند متعال فرمود: «... ای احمد! دنیا و همدمانش را منفور بدار و آخرت و همدمانش را دوست بدار».

گفت: پروردگارا! همدمان دنیا چه کسانی، و همدمان آخرت، چه کسانی‌اند؟

فرمود: «همدمان دنیا کسانی‌اند که خوردن، خندیدن، خفتن و خشم آوردنشان، بسیار است».

#### ۴ / ۲ نکوهش خوردن غذاهای رنگارنگ

۱۲۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسانی از ائمت من، پدید خواهند آمد که در آسایش، زاده می‌شوند و در آن، تغذیه می‌گردند. همت آنان، گونه‌های خوراک و نوشاک است. و [یکدیگر را] به زبان می‌ستایند. آنان، بدهای ائمت من هستند. [۸۹]

۱۲۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردانی از ائمت من خواهند بود که غذاهای رنگارنگ می‌خورند، نوشیدنی‌های رنگارنگ می‌نوشند، جامه‌های رنگارنگ می‌پوشند و در سخن گفتن، پُرچانگی می‌کنند. اینان، بدهای ائمت من هستند.

۱۲۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین کسان ائمت من، آنانی هستند که در رفاه، زاده شده

و در آن، تغذیه گردیده‌اند. [آنان،] غذاهای رنگارنگ می‌خورند، لباس رنگارنگ می‌پوشند، بر مرکب‌های گونه‌گون سوار می‌شوند و در سخن گفتن نیز پُرچانگی می‌کنند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴

۱۲۲۳. الإمام علی علیه السلام: الْأَلْوَانُ يُعْظَمَنَّ الْبَطْنَ وَ يُحَدَّرَنَّ الْأَلْيَتَيْنِ. [۹۰]

۳ / ۴

مَضَارُّ النَّهْمِ الظَّاهِرِيَّةُ

#### أَنْوَاعُ الْأَسْقَامِ

۱۲۲۴. الإمام علی علیه السلام: مَنْ غَرَسَ فِي نَفْسِهِ مَحَبَّةَ أَنْوَاعِ الطَّعَامِ، اجْتَنَى ثِمَارَ فُنُونِ الْأَسْقَامِ. [۹۱]

۱۲۲۵. عنه علیه السلام: إِدْمَانُ الشُّبْعِ يورثُ أَنْوَاعَ الْوَجَعِ. [۹۲]

۱۲۲۶. عنه علیه السلام: قَلَّ مَنْ أَكْثَرَ مِنْ فُضُولِ الطَّعَامِ، إِلَّا لَزِمَتْهُ الْأَسْقَامُ. [۹۳]

۱۲۲۷. عنه علیه السلام: الشُّبْعُ يُكْثِرُ الْأَدْوَاءَ. [۹۴]

۱۲۲۸. عنه علیه السلام: إِتَاكَ وَ إِدْمَانُ الشُّبْعِ؛ فَإِنَّهُ يُهَيِّجُ الْأَسْقَامَ وَ يُثِيرُ الْعِلَلَ. [۹۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵

۱۲۲۳. امام علی علیه السلام: غذاهای رنگارنگ، شکم را بزرگ و سرین را سست می‌کند.

#### ۴ / ۳ زیان‌های ظاهری پُرخوری

#### الف انواع ناتن‌درستی‌ها

۱۲۲۴. امام علی علیه السلام: هر کس در دل خود، درخت علاقه به انواع غذاها را بکارد، میوه گونه‌های ناتن‌درستی را می‌چیند.  
 ۱۲۲۵. امام علی علیه السلام: اعتیاد به سیری، انواع دردها را به همراه می‌آورد.  
 ۱۲۲۶. امام علی علیه السلام: اندک‌اند کسانی که به فراوانی، غذای افزون بر نیاز خورده باشند و ناتن‌درستی‌ها همدمشان نشده باشد.

۱۲۲۷. امام علی علیه السلام: سیری، بیماری‌ها را افزون می‌سازد.

۱۲۲۸. امام علی علیه السلام: از اعتیاد به سیری حذر کن؛ چرا که ناتن‌درستی‌ها را تحریک می‌کند و بیماری‌ها را برمی‌انگیزد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶

۱۲۲۹. عنه علیه السلام: قَلَّ مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الطَّعَامِ فَلَمْ يَسْقَمَ. [۹۶]

۱۲۳۰. عنه علیه السلام: كَمِ مِنْ أَكَلِهِ مَنَعَتْ أَكْلَاتٍ. [۹۷]

۱۲۳۱. عنه علیه السلام: كُلُّ دَاءٍ مِنَ التُّخْمَةِ مَا خَلَا الحُمَى؛ فَإِنَّهَا تَرُدُّ وَرُوداً. [۹۸]

ب ضَعْفُ الصَّحَّةِ

۱۲۳۲. الإمام علی علیه السلام: مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ قَلَّتْ صِحَّتُهُ، وَ ثَقُلَتْ عَلَي نَفْسِهِ مُؤَنَّتُهُ. [۹۹]

۱۲۳۳. عنه علیه السلام: لَا صِحَّةَ مَعَ النَّهْمِ. [۱۰۰]

۱۲۳۴. عنه علیه السلام: لَا تَجْتَمِعُ الصَّحَّةُ وَ النَّهْمُ. [۱۰۱]

۱۲۳۵. الإمام الصادق علیه السلام: فَسَادُ الجَسَدِ فِي كَثْرَةِ الطَّعَامِ، وَ فَسَادُ المَعْرِفَةِ فِي تَرْكِ الصَّلَاةِ عَلَي

خَيْرِ الأَنَامِ. [۱۰۲]

ج الذَّفَرُ

۱۲۳۶. الإمام علی علیه السلام: كَثْرَةُ الأَكْلِ تُذْفِرُ. [۱۰۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷

۱۲۲۹. امام علی علیه السلام: اندک‌اند کسانی که غذا بسیار خورده باشند و بیمار نشده باشند.

۱۲۳۰. امام علی علیه السلام: چه بسا خوردنی که مانع خوردن‌ها می‌شود!

۱۲۳۱. امام علی علیه السلام: هر بیماری‌ای از پُرخوری است، مگر تب، که ناگاه به بدن درمی‌آید.

#### ب کاهش تندرستی

۱۲۳۲. امام علی علیه السلام: هر کس خوردنش بسیار شود، تندرستی‌اش کاهش می‌یابد و هزینه‌اش بر وی سنگین می‌گردد.

۱۲۳۳. امام علی علیه السلام: با پُرخوری، تندرستی‌ای نخواهد بود.

۱۲۳۴. امام علی علیه السلام: تندرستی و پُرخوری، با هم گرد نمی‌آیند.

۱۲۳۵. امام صادق علیه السلام: تباهی تن، در فراوانی خوراک است؛ تباهی کشت، در ارتکاب گناه؛ و تباهی شناخت، در واگذارن

صلوات بر برترین مردمان [یعنی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله .

### ج گندبویی

۱۲۳۶. امام علی علیه السلام: بسیار خوردن، گندبویی می آورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸

۴ / ۴

مَضَارُ النَّهْمِ الْبَاطِنِيَّةُ

أَفْسَادُ الْوَرَعِ

۱۲۳۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: بِسَسِ الْعَوْنُ عَلَى الدِّينِ: قَلْبٌ نَخِيبٌ، وَ بَطْنٌ رَغِيبٌ [۱۰۴]، وَ نَعَطٌ شَدِيدٌ [۱۰۵]

۱۲۳۸. الإمام علی علیه السلام: نِعَمَ عَوْنِ الْمَعَاصِي الشُّبْعُ [۱۰۶]

۱۲۳۹. عنه علیه السلام: الشُّبْعُ يُفْسِدُ الْوَرَعَ [۱۰۷]

۱۲۴۰. عنه علیه السلام: الشُّبْعُ يورثُ الْأَشْرَ وَ يُفْسِدُ الْوَرَعَ [۱۰۸]

۱۲۴۱. عنه علیه السلام: بِسَسِ قَرِينِ الْوَرَعِ الشُّبْعُ [۱۰۹]

۱۲۴۲. الإمام الباقر علیه السلام: إِذَا شَبِعَ الْبَطْنُ طَغَى [۱۱۰]

ب فساد النفس

۱۲۴۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: لَا تُمِيتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ؛ فَإِنَّ الْقُلُوبَ تَمُوتُ

كَالزُّرُوعِ إِذَا كَثُرَ عَلَيْهَا [۱۱۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹

### ۴ / ۴ زیان های باطنی پُرخوری

### الف تباهی پاک دامنی

۱۲۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل ترسو، شکم سیری ناپذیر و شهوت جنسی شدید، چه بد همدستانی بر ضد دین هستند!

۱۲۳۸. امام علی علیه السلام: پُرخوری، یار مناسبی برای گناهان است.

۱۲۳۹. امام علی علیه السلام: پُرخوری، پاک دامنی را تباه می کند.

۱۲۴۰. امام علی علیه السلام: پُرخوری، سرمستی می آورد و پاک دامنی را تباه می سازد.

۱۲۴۱. امام علی علیه السلام: پُرخوری، بد همدمی برای پاک دامنی است.

۱۲۴۲. امام باقر علیه السلام: شکم، چون پُر شود، سرکشی می آورد.

### ب تباهی نفس

۱۲۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل ها را با فراوانی خوراک و نوشاک نمی رانید؛ زیرا دل به سان

کشت، اگر آب زیادی بدان رسانده شود، می میرد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰

۱۲۴۴. عنه صلى الله عليه و آله: إِيَّاكُمْ وَ فُضُولَ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهُ يَسِيمُ الْقَلْبَ بِالقَسْوَةِ، وَ يُطَيُّ بِالجَوَارِحِ عَنِ الطَّاعِيَةِ، وَ يُصِمُّ الهِمَمَ عَنِ سَمَاعِ المَوْعِظَةِ. [۱۱۲]

۱۲۴۵. عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ تَعَوَّدَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ، قَسَا قَلْبُهُ. [۱۱۳]

۱۲۴۶. الإمام علي عليه السلام: كَثْرَةُ الأَكْلِ وَ النُّومِ تُفْسِدَانِ النَّفْسَ، وَ تَجْلِبَانِ المَضْرَّةَ. [۱۱۴]  
ج حِجَابُ الفِطْنَةِ

۱۲۴۷. الإمام علي عليه السلام: مَنْ زَادَ شَبَعُهُ كَثْرَتُهُ البِطْنَةَ، مَنْ كَثَرَتْ البِطْنَةُ حَجَبَتْهُ عَنِ الفِطْنَةِ. [۱۱۵]

۱۲۴۸. عنه عليه السلام: لَا فِطْنَةَ مَعَ بِطْنَةٍ. [۱۱۶]

۱۲۴۹. عنه عليه السلام: البِطْنَةُ تَحْجُبُ الفِطْنَةَ. [۱۱۷]

۱۲۵۰. عنه عليه السلام: لَا تَجْتَمِعُ الفِطْنَةُ وَ البِطْنَةُ. [۱۱۸]

د ظَلَمَةُ القَلْبِ

۱۲۵۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: لَا تَشْبَعُوا فِيطْفَأَ نُورُ المَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ. [۱۱۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۱

۱۲۴۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: از زیادی غذا پرهیزید؛ چرا که نشان قساوت بر دل می‌نهد، بدن را در فرمانبری از خدا کند می‌کند و اراده‌ها را از شنیدن اندرز ناشنوا می‌سازد.

۱۲۴۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس به پُر خوردن و پُر نوشیدن خو بگیرد، سنگ دل می‌شود.

۱۲۴۶. امام علی علیه السلام: فراوانی خواب و خوراک، نفس را تباه می‌کند و زیان می‌آورد.

### ج پوشیده ماندن تیزهوشی

۱۲۴۷. امام علی علیه السلام: هر کس سیری اش افزون شود، شکم سیری، او را سنگین می‌سازد و هر کس شکم سیری، او را سنگین سازد، میان او و تیزهوشی، پرده می‌افتد.

۱۲۴۸. امام علی علیه السلام: پُر خوری، با تیزهوشی سازگار نیست.

۱۲۴۹. امام علی علیه السلام: پُر خوری، حجاب تیزهوشی می‌شود.

۱۲۵۰. امام علی علیه السلام: پُر خوری و تیزهوشی، با هم گرد نمی‌آیند. [۱۲۰]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۵۱

### د ظلمت دل

۱۲۵۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: شکم، سیر مدارید، که نور معرفت در دل‌هایتان خاموش می‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۲

۱۲۵۲. الإمام علي عليه السلام في الحِكمِ المَنسُوبَةِ إِلَيْهِ: كَثْرَةُ الطَّعَامِ تُمِيتُ القَلْبَ، كَمَا تُمِيتُ كَثْرَةُ المَاءِ الزَّرْعَ. [۱۲۱]

۱۲۵۳. عنه عليه السلام: إِذَا مَلَأَ البَطْنُ مِنَ المُبَاحِ، عَمِيَ القَلْبُ عَنِ الصَّلاحِ. [۱۲۲]



ه فسَادُ الأحلام

۱۲۵۴. الإمام علی علیه السلام: إِيَّاكَ وَالبِطْنَةَ؛ فَمَنْ لَزِمَهَا كَثُرَتْ أَسْقَامُهُ، وَفَسَدَتْ أَحْلَامُهُ. [۱۲۳]  
وَقَلَّةُ العِبَادَةِ

۱۲۵۵. الإمام علی علیه السلام: لَا یَجْتَمِعُ [۱۲۴] الشُّبُعُ وَالقِيَامُ بِالمُفْتَرَضِ. [۱۲۵]

۱۲۵۶. عنه علیه السلام: لَا تَطْمَعُ فِي ثَلَاثَةٍ مَعَ ثَلَاثَةٍ: فِي سَهْرِ اللَّيْلِ مَعَ كَثْرَةِ الأَكْلِ، وَفِي نُورِ الوَجْهِ مَعَ نَوْمِ أَجْمَعِ اللَّيْلِ، وَفِي الأَمَانِ مِنَ الدُّنْيَا مَعَ صُحْبَةِ الفُسَاقِ. [۱۲۶]

۱۲۵۷. المحاسن عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق علیه السلام: ظَهَرَ إبليسُ لِيحیی بنِ زَكَرِيَّا علیه السلام، وَإِذَا عَلِيهِ مَعَالِيقُ مِنَ كُلِّ شَيْءٍ.

فَقَالَ لَهُ یحیی: مَا هَذِهِ المَعَالِيقُ يَا إبليسُ؟

فَقَالَ: هَذِهِ الشَّهَوَاتُ الَّتِي أَصَبْتُهَا مِنَ ابْنِ آدَمَ.

قَالَ: فَهَلْ لِي مِنْهَا شَيْءٌ؟

قَالَ: رُبَّمَا شَبِعْتَ فَتَقَلَّتْكَ عَنِ الصَّلَاةِ وَالدُّكْرِ.

قَالَ یحیی: لِلَّهِ عَلَيَّ أَلَّا أَمَلَأَ بَطْنِي مِنْ طَعَامِ أَدَا.

وَ قَالَ إبليسُ: لِلَّهِ عَلَيَّ أَلَّا أَنْصَحَ مُسْلِمًا أَدَا.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: يَا حَفْصُ، لِلَّهِ عَلِي جَعْفَرٍ وَ آلِ جَعْفَرٍ أَلَّا يَمَلُؤُوا بَطُونَهُمْ مِنْ طَعَامِ أَدَا، وَ لِلَّهِ عَلِي جَعْفَرٍ وَ آلِ جَعْفَرٍ أَلَّا يَعْمَلُوا لِلدُّنْيَا أَدَا. [۱۲۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۳

۱۲۵۲. امام علی علیه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان: فراوانی خوراک، دل را می‌میراند، چنان‌که فراوانی آب، کشت را می‌میراند.

۱۲۵۳. امام علی علیه السلام: اگر شکم [حتی از مباح پُر شود، دل از یافتن راه درست، کور می‌گردد.

## ه آشفته‌گی خواب‌ها

۱۲۵۴. امام علی علیه السلام: از پُر خوری بپرهیز؛ زیرا هر کس همدم آن شود، ناتن‌درستی‌هایش افزون می‌گردد و خواب‌هایش آشفته می‌شود.

## و کمی عبادت

۱۲۵۵. امام علی علیه السلام: پُر خوری و انجام دادن کارهای واجب، در بر هم، گرد نمی‌آیند.

۱۲۵۶. امام علی علیه السلام: با وجود سه چیز، در سه چیز دیگر، طمع مبند: با پُر خوری در شب‌زنده‌داری، با خفتن همه شب در نوراتیت سیما، و با همراهی با فاسقان در ایمن بودن از دنیا.

۱۲۵۷. المحاسن به نقل از حفص بن غیاث، از امام صادق علیه السلام: «ابلیس برای یحیی بن زکریا چهره آشکار ساخت و ناگاه یحیی دید که از هر چیزی بر او آویزه‌هایی است. از او پرسید: ای ابلیس! این آویزه‌ها چیست؟ گفت: اینها، هوس‌هایی است که آدمی زاده را بدانها گرفتار ساخته‌ام.

پرسید: آیا از اینها چیزی هم برای من هست؟

گفت: شاید [روزی سیر شده باشی و در نتیجه، این سیری، تو را از نماز و یاد خدا، سنگین کرده باشد.

یحیی گفت: با خداوند، عهد می‌بندم که هرگز شکم خویش را از خوراک، پُر نکنم.

ابلیس هم گفت: با خداوند، عهد می‌بندم که هرگز مسلمانی را اندرز ندهم!».

امام صادق علیه السلام سپس فرمود: «ای حَفْص! جعفر و خاندان جعفر را با خدا این عهد است که هیچ گاه شکم خویش را از

خوراک، پُر نکنند و جعفر و خاندان جعفر را با خدا این عهد است که هرگز برای دنیا کار نکنند». [۱۲۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴

۱۲۵۸. عیسی علیه السلام: یا بنی اسرائیل، لا- تَكْثِرُوا الْأَكْلَ؛ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْثَرِ الْأَكْلِ أَكْثَرُ النَّوْمِ، وَ مِنْ أَكْثَرِ النَّوْمِ أَقَلُّ الصَّلَاةِ، وَ مِنْ أَقَلِّ

الصَّلَاةِ كَثَبَ مِنَ الْعَافِلِينَ. [۱۲۹]

۱۲۵۹. حلیه الأولیاء عن وَهَبِ بْنِ الْوَرْدِ: بَلَّغْنَا أَنَّ الْحَبِيبَ ابْلِيسَ تَبَدَّى لِيَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لَهُ: إِنِّي أَرِيدُ أَنْ أَنْصَحَكَ.

فَقَالَ: كَذَبْتَ، أَنْتَ لَا تَنْصَحُنِي، وَ لَكِنْ أَخْبِرْنِي عَنْ بَنِي آدَمَ.

فَقَالَ: هُمْ عِنْدَنَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ.

أَمَّا صِنْفٌ مِنْهُمْ: فَهُمْ أَشَدُّ الْأَصْنَافِ عَلَيْنَا، نُقْبَلُ حَتَّى نَفْتِنَهُ وَ نَسْتَمِكِنَ مِنْهُ، ثُمَّ يَفْزَعُ إِلَى الْاسْتِغْفَارِ وَ التَّوْبَةِ فَيَفْسِدُ عَلَيْنَا كُلَّ شَيْءٍ أَدْرَكْنَا

مِنْهُ، ثُمَّ نَعُودُ لَهُ فَيَعُودُ، فَلَا نَحْنُ نِيَأْسُ مِنْهُ، وَ لَا نَحْنُ نُدْرِكُ مِنْهُ حَاجَتَنَا، فَنَحْنُ مِنْ ذَلِكَ فِي عَنَاءٍ.

وَ أَمَّا الصَّنْفُ الْآخَرُ: فَهُمْ فِي أَيْدِينَا بِمَنْزِلَةِ الْكُرَّةِ فِي أَيْدِي صِبْيَانِكُمْ نُلقِيهِمْ كَيْفَ شِئْنَا، قَدْ كَفَوْنَا أَنْفُسَهُمْ.

وَ أَمَّا الصَّنْفُ الْآخَرُ: فَهُمْ مِثْلَكَ مَعْصُومُونَ لَا نَقْدِرُ مِنْهُمْ عَلَى شَيْءٍ.

فَقَالَ لَهُ يَحْيَى: عَلَى ذَلِكَ، هَلْ قَدَرْتَ مِنِّي عَلَى شَيْءٍ؟

قَالَ: لَا، إِلَّا مَرَّةً وَاحِدَةً؛ فَإِنَّكَ قَدَّمْتَ طَعَامًا تَأْكُلُهُ فَلَمْ أَزَلْ أَشْهِيهِ إِلَيْكَ حَتَّى أَكَلْتَ أَكْثَرَ مِمَّا تُرِيدُ، فَنِمْتَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَ لَمْ تَقُمْ إِلَى

الصَّلَاةِ كَمَا كُنْتَ تَقُومُ إِلَيْهَا.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ يَحْيَى: لَا جَرَمَ، لَا شَبِعْتُ مِنْ طَعَامٍ أَبَدًا حَتَّى أَمُوتَ.

فَقَالَ لَهُ الْحَبِيبُ: لَا جَرَمَ، لَا نَصَحْتُ آدَمِيًّا بَعْدَكَ. [۱۳۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۵

۱۲۵۸. عیسی علیه السلام: ای زادگان اسرائیل! فراوان مخورید؛ زیرا هر کس زیاد بخورد، فراوان نیز می‌خوابد و هر کس فراوان

بخوابد، نماز اندک می‌گزارد و هر کس نماز اندک بگذارد، از غافلان شمرده می‌شود.

۱۲۵۹. حلیه الأولیاء به نقل از وَهَبِ بْنِ وَرْدِ: به ما خبر رسیده که ابلیس ناپاک، برای یحیی بن زکریا آشکار شد و به او گفت:

می‌خواهم تو را اندرزی بدهم.

یحیی گفت: «دروغ می‌گویی. تو خیر مرا نمی‌خواهی؛ اما به هر روی، درباره آدمی زاده به من بگو».

گفت: آنان نزد ما سه دسته اند:

دسته‌ای از آنان در برابر ما سخت‌ترین هستند. آهنگ یکی از آنان می‌کنیم و انتظار می‌کشیم تا او را بفریسیم و بر او توان یابیم.

سپس به استغفار و توبه می‌شتابد و همه چیزهایی را که در او به چنگ آورده‌ایم، بر ما تباه می‌سازد. دیگر بار، به سراغ او می‌رویم و

او نیز دیگر بار [به سراغ آموزش‌خواهی می‌رود. نه از او نومید می‌شویم و نه کار خود را با او برمی‌آوریم و از همین روی، در

رنجیم.

دسته دیگر، در دستان ما، گِردکی را می‌مانند که در دست کودکان است. آنان را بدان جا که می‌خواهیم، می‌افکنیم و آنان خود،

برای ما عهده‌دار خویش شده‌اند.

اما دسته دیگر، همانند تو معصوم‌اند و ما به هیچ خواسته‌ای درباره آنان توان نمی‌یابیم.

یحیی به او گفت: «بدین سان، آیا درباره من به چیزی توانایی یافته‌ای؟».

گفت: نه، مگر یک بار: تو غذایی پیش روی نهاده بودی تا آن را بخوری. من پیوسته آن را نزد تو دوست‌داشتنی ساختم، تا بیش از

آنچه می‌خواستی، از آن خوردی. آن شب، خفتی و بر خلاف هر شب، برای نماز برنخاستی.

یحیی به او گفت: «قطعاً از این پس، تا زنده‌ام، هیچ گاه شکم از غذایی، سیر نمی‌کنم».

ابلیس هم گفت: قطعاً پس از تو، هیچ گاه آدمی زاده دیگری را اندرز نمی‌دهم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶

ز التبعد من الله

۱۲۶۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: نور الحکمة الجوع، و التباعد من الله الشبع. [۱۳۱]

۱۲۶۱. عنه صلی الله علیه و آله: لیس شیء أبغض إلى الله من بطن ملآن. [۱۳۲]

۱۲۶۲. عنه صلی الله علیه و آله: أبغضکم إلى الله تعالی کل نؤوم و أکول و شروب. [۱۳۳]

۱۲۶۳. عنه صلی الله علیه و آله: إن الله عز و جل یبغض الأکل فوق شبعه، و الغافل عن طاعة ربّه، و التارک سنّه نبیّه، و المخفر ذمّته،

و المبیغض عتره نبیّه، و المؤذی جیرانه. [۱۳۴]

۱۲۶۴. عنه صلی الله علیه و آله: جاءنی جبرئیل فی ساعه لم یکن یأتینی فیها، و فی یوم لم یکن یأتینی فیها.

فقلت له: یا جبرئیل، لقد جئتنی فی ساعه و یوم لم تکن تأتینی فیهما، لقد أرعبتینی؟!

قال: و ما یروّعک یا محمّد، و قد غفر الله لک ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر؟

قال: بما ذا بعثک ربّک؟

قال: بنهاک ربّک عن عبادة الأوثان، و شرب الخمر، و ملاحاة الرجال، و اخرى هی للاحرة و الاولى، یقول لک ربّک: یا محمّد، ما

أبغضت و عاء قُط کبغضی بطناً ملآناً. [۱۳۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۷

## ز دوری از خداوند

۱۲۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گرسنگی، نور حکمت است و سیری، [مایه دوری از خداوند.

۱۲۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در پیشگاه خداوند، هیچ چیز منفورتر از شکمی که پُر باشد، نیست.

۱۲۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: منفورترین شما در پیشگاه خداوند متعال، هر پُر خواب پرخور پُر نوش است.

۱۲۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل آن را که فراتر از سیری می‌خورد، آن را که طاعت پروردگار خویش و

می‌گذارد، آن را که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و او می‌نهد، آن را که به پیمان خویش پشت پا می‌زند، آن را که خاندان پیامبر

صلی الله علیه و آله را دشمن می‌دارد و آن را که همسایگان خویش می‌آزارد، دشمن می‌دارد.

۱۲۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [یک بار،] جبرئیل، در ساعت و روزی که پیش‌تر در آن نمی‌آمد، نزد من آمد.

به او گفتم: ای جبرئیل! در ساعت و روزی نزد من آمده‌ای که پیش‌تر نمی‌آمدی! مرا ترساندی!

گفت: «ای محمّد! در حالی که خداوند، همه گناهان پیشین و پسین تو را آمرزیده است، چه چیزی تو را می‌ترساند؟». آن گاه

گفت: «پروردگارت تو را به چه چیز برانگیخته است؟». باز گفت: «پروردگارت تو را از پرستش بُتان، نوشیدن می، ناسزاگویی،

درگیری با مردمان، و از چیزی دیگر که به دنیا و آخرت مربوط شود، باز می‌دارد. پروردگارت به تو می‌گوید: "ای محمد! هیچ چیز را به اندازه شکم پُر، منفور نداشته‌ام."

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۸

۱۲۶۵. الإمام الباقر عليه السلام: ما مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَطْنٍ مَمْلُوءٍ. [۱۳۶]

۱۲۶۶. الإمام الصادق عليه السلام: أَبْعَدُ الْخَلْقِ مِنَ اللَّهِ إِذَا مَا امْتَلَأَ بَطْنُهُ. [۱۳۷]

۱۲۶۷. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ كَثْرَةَ الْأَكْلِ. [۱۳۸]

۱۲۶۸. عنه عليه السلام: إِنَّ الْبَطْنَ لَيَطْغَى مِنْ أَكْلِهِ، وَأَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ جَلًّا وَعَزًّا إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ، وَأَبْغَضُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا امْتَلَأَ بَطْنُهُ.

[۱۳۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۹

۱۲۶۵. امام باقر علیه السلام: نزد خداوند عز و جل، هیچ چیزی منفورتر از شکم پُر نیست.

۱۲۶۶. امام صادق علیه السلام: دورترین مردمان از خداوند، کسی است که شکمش پُر باشد.

۱۲۶۷. امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل پُر خوری را دشمن می‌دارد.

۱۲۶۸. امام صادق علیه السلام: شکم با خوردن، سرکش می‌شود. نزدیک‌ترین حالت بنده به خداوند عز و جل، هنگامی است که شکمش سبک باشد و دورترین حالت بنده از خداوند عز و جل نیز آن هنگام است که شکمش پُر باشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۰

ح جَوْعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

۱۲۶۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا، أَطْوَلُهُمْ جَوْعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [۱۴۰]

۱۲۷۰. عنه صلى الله عليه وآله: أَطْوَلُكُمْ جُشَاءً فِي الدُّنْيَا، أَطْوَلُكُمْ جَوْعًا فِي الْآخِرَةِ أَوْ قَالَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [۱۴۱]

۱۲۷۱. الإمام علي عليه السلام: أتى أبو جَحِيفَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَتَجَشَّأُ، فَقَالَ:

اَكْفُفْ جُشَاءَكَ، فَإِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا شَبَعًا، أَكْثَرُهُمْ جَوْعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ!

قَالَ: فَمَا مَلَأَ أَبُو جَحِيفَةَ بَطْنَهُ مِنْ طَعَامٍ حَتَّى لَحِقَ بِاللَّهِ. [۱۴۲]

۱۲۷۲. الأمامي عن عَطِيَّةِ بْنِ عَامِرِ الْجُهَنِيِّ: سَمِعْتُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ وَقَدْ أَكْرَهَ عَلَيَّ طَعَامًا، فَقَالَ: حَسْبِي، إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ:

إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا، أَكْثَرُهُمْ جَوْعًا فِي الْآخِرَةِ، يَا سَلْمَانَ،

الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ. [۱۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۱

### ح گرسنگی در روز قیامت

۱۲۶۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: آنکه در دنیا از همه سیرتر است، در روز قیامت از همه بیشتر گرسنگی می‌کشد.

۱۲۷۰. الکافی: پیامبر خدا فرمود: «آنکه در دنیا بیشتر از دیگران [از پُر خوری آروغ می‌زند، در آخرت] یا فرمود «در روز قیامت» از همه بیشتر گرسنگی می‌کشد».

۱۲۷۱. امام علی علیه السلام: ابو جَحِيفَةَ، در حالی که آروغ می‌زد، نزد پیامبر صلى الله عليه وآله آمد. پیامبر صلى الله عليه وآله

فرمود: «جلوی آروغ خود را بگیر. سیرترین مردم در دنیا، گرسنه‌ترینشان در روز قیامت هستند». ابو جحیفه، از آن پس تا هنگامی که به دیدار پروردگار شتافت، هیچ گاه شکم خویش را پُر نکرد. ۱۲۷۲. الأمالی به نقل از عطیة بن عامر جُهَنی: از سلمان فارسی، در حالی که او را به غذا خوردن وا داشته بودند، شنیدم که گفت: مرا بس است! از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: «سیرترین مردم در دنیا، گرسنه‌ترین آنان در آخرت هستند. ای سلمان! دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۲

۱۲۷۳. الإمام الصادق علیه السلام: سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا يَتَجَشَّأُ، فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ قَصِّرْ مِنْ جُشَائِكَ، فَإِنَّ أَطْوَلَ النَّاسِ جَوْعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَكْثَرُهُمْ شَبَعًا فِي الدُّنْيَا! [۱۴۴]

۵ / ۴

جَوَامِعُ مَضَارِّ الْبِطْنَةِ

۱۲۷۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ وَالْبِطْنَةَ؛ فَإِنَّهَا مَفْسَدَةٌ لِلْبَدَنِ، وَ مَوْرَثَةٌ لِلْسَّقَمِ، وَ مَكْسَلَةٌ لِلْعِبَادَةِ. [۱۴۵]

۱۲۷۵. الإمام علي عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَالْبِطْنَةَ؛ فَإِنَّهَا مَقْسَاءٌ لِلْقَلْبِ، مَكْسَلَةٌ عَنِ الصَّلَاةِ، مَفْسَدَةٌ لِلْجَسَدِ. [۱۴۶]

۱۲۷۶. عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: مَنْ شَبِعَ عَوْقَبَ فِي الْحَالِ ثَلَاثَ عُقُوبَاتٍ: يُلْقَى الْغِطَاءُ عَلَى قَلْبِهِ، وَ النَّعَاسُ عَلَى عَيْنِهِ، وَ الْكَسَلُ عَلَى بَدَنِهِ. [۱۴۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۳

۱۲۷۳. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، صدای آروغ مردی را شنید. فرمود: «ای بنده خدا! آروغ را کوتاه کن؛ زیرا کسانی که در روز قیامت، بیشترین گرسنگی را می‌کشند، آنانی هستند که در دنیا سیرترین مردم بوده‌اند».

#### ۴ / ۵ مجموعه‌ای از زیان‌های پُر خوری

۱۲۷۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: از شکم‌سیری حذر کنید؛ چرا که مایه تباهی تن، به بار آمدن بیماری و سستی در عبادت است.

۱۲۷۵. امام علی علیه السلام: از شکم‌سیری حذر کنید؛ چرا که مایه: قساوت دل، سستی در نماز و تباهی تن است.

۱۲۷۶. امام علی علیه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان: هر که سیر شود، در همان دم، سه کیفر (مجازات) می‌بیند: بر قلب او پرده افکنده می‌شود، بر چشمش خواب آلودگی می‌افتد و بر بدنش سستی چیره می‌گردد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۴

۱۲۷۷. لقمان عليه السلام لابنه: يَا بُنَيَّ، إِذَا امْتَلَأَتِ الْمَعِدَةُ نَامَتِ الْفِكْرَةُ، وَ خَرَسَتِ الْحِكْمَةُ، وَ قَعَدَتِ الْأَعْضَاءُ عَنِ الْعِبَادَةِ. [۱۴۸]

۱۲۷۸. مصباح الشريعة: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَثْرَةُ النَّوْمِ يَتَوَلَّدُ مِنْ كَثْرَةِ الشُّرْبِ، وَ كَثْرَةُ الشُّرْبِ مِنْ كَثْرَةِ الشَّبَعِ؛ وَ هُمَا يُثْقِلَانِ النَّفْسَ عَنِ الطَّاعَةِ، وَ يُقْسِيَانِ الْقَلْبَ عَنِ التَّفَكُّرِ وَ الْخُضُوعِ. [۱۴۹]

۱۲۷۹. مصباح الشريعة: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ شَيْءٌ أَضَرَّ عَلَى قَلْبِ الْمُؤْمِنِ مِنْ كَثْرَةِ الْأَكْلِ، وَ هِيَ مَوْرَثَةٌ لِشَيْئَيْنِ: قَسْوَةُ الْقَلْبِ، وَ هَيْجَانِ الشَّهْوَةِ. [۱۵۰]

۶ / ۴

مَضَارُّ الْأَكْلِ عَلَى الشَّبَعِ

۱۲۸۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْأَكْلُ عَلَى الشَّبَعِ؛ يُوْرِثُ الْبِرْصَ. [۱۵۱]

۱۲۸۱. الدعوات: رُوِيَ: الدَّاءُ الدَّوِيُّ إِدْخَالَ الطَّعَامِ عَلَى الطَّعَامِ. [۱۵۲]

راجع: ج ۲، ص ۹۸ (اجتناب الأكل على الشبع).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۵

۱۲۷۷. لقمان علیه السلام خطاب به پسرش: پسرم! اگر معده پُر شود، اندیشه خواب می‌رود، حکمت لال می‌شود و اندام‌ها از عبادت فرو می‌نشینند.

۱۲۷۸. مصباح الشریعۀ در حدیثی که به امام صادق علیه السلام منسوب است: بسیار خفتن، از نوشیدن بسیار، و بسیار نوشیدن، از سیری فراوان، زاده می‌شود و این دو، انسان را نسبت به فرمانبری از خدا سنگین می‌کنند و دل را سخت‌تر از آن می‌کنند که تفکر و خضوع داشته باشد.

۱۲۷۹. مصباح الشریعۀ در حدیثی که به امام صادق علیه السلام منسوب است: برای دل مؤمن، هیچ چیزی زیانبارتر از پُر خوری نیست و آن، دو چیز را پدید می‌آورد: سنگ‌دلی و برانگیختگی شهوت.

#### ۴/۶ زیان‌های خوردن پس از سیری

۱۲۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن پس از سیری، پیسی می‌آورد.

۱۲۸۱. الدعوات: روایت شده که وارد ساختن غذا به معده، درحالی که در آن غذایی دیگر وجود دارد، درد بی‌درمان است.

ر. ک: ج ۲، ص ۹۹ (پرهیز از خوردن پس از سیری).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۶

#### الفصل الخامس: آداب أكل الطَّعام

۱ / ۵

غَسَلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ

۱۲۸۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْوُضُوءَ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ شِفَاءٌ فِي الْجَسَدِ، وَ يُمْنٌ فِي الرِّزْقِ. [۱۵۳]

۱۲۸۳. عنه صلی الله علیه و آله: الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَ بَعْدَهُ يَنْفِي الْهَمَّ [۱۵۴]، وَ يُصِحُّ الْبَصَرَ. [۱۵۵]

۱۲۸۴. الأُمَالِي عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكْثُرَ خَيْرٌ

بَيْتِهِ فَلْيَتَوَضَّأْ عِنْدَ حُضُورِ طَعَامِهِ، وَ مَنْ تَوَضَّأَ قَبْلَ

الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ عَاشَ فِي سَعَةٍ مِنْ رِزْقِهِ، وَ عَوَفَى مِنَ الْبَلَاءِ فِي جَسَدِهِ.

قَالَ هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ: قَالَ لِي الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا هِشَامَ بْنَ سَالِمٍ، الْوُضُوءُ هَاهُنَا غَسَلُ الْيَدِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ. [۱۵۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۷

#### فصل پنجم: آداب غذا خوردن

#### ۵ / ۱ شستن دست‌ها پیش و پس از غذا

۱۲۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن [دست‌ها] [۱۵۷] پیش و پس از غذا، شفایی برای تن و مایه برکت در روزی است.

۱۲۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن [دست‌ها] پیش از غذا، فقر را دور می‌کند و شستن [دست‌ها] پس از غذا، اندوه [۱۵۸] را می‌راند و چشم را سلامت می‌دهد.

۱۲۸۴. الأمالی به نقل از هشام بن سالم، از امام صادق علیه السلام، از پدرانش علیهم السلام: «پیامبر خدا فرمود: هر کس از این خرسند می‌شود که خیر و برکت

خانه‌اش بسیار باشد، در هنگام آورده شدن غذا وضو بسازد؛ و هر کس پیش و پس از غذا وضو بسازد، در گشایش روزی بزید و از هر بلایی در تن خویش، بر کنار باشد».

هشام بن سالم گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای هشام بن سالم! مقصود از "وضو" در اینجا، شستن دست‌ها پیش و پس از غذاست».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۸

۱۲۸۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَلَا لَا يَلُومَنَّ امْرُؤٌ إِلَّا نَفْسَهُ؛ بَيْتٌ وَ فِي يَدِهِ رِيحٌ غَمْرٍ. [۱۵۹]

۱۲۸۶. عنه صلی الله علیه و آله: إِذَا نَامَ أَحَدُكُمْ وَ فِي يَدِهِ رِيحٌ غَمْرٍ، فَلَمْ يَغْسِلْ يَدَهُ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. [۱۶۰]

۱۲۸۷. عنه صلی الله علیه و آله: إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا، فَلْيَغْسِلْ يَدَهُ مِنْ وَضِيرِ اللَّحْمِ. [۱۶۱]

۱۲۸۸. عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ أَكَلَ مِنْ هَذَا اللَّحْمِ شَيْئًا، فَلْيَغْسِلْ يَدَهُ مِنْ رِيحٍ وَضْرِهِ، لَا يُؤْذِي مَنْ جِذَاءَهُ. [۱۶۲]

۱۲۸۹. كنز العمیال عن ابن عباس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ صَلَّى ذَاتَ يَوْمٍ فَوَجَدَ مِنْ رَجُلٍ رِيحَ اللَّحْمِ، فَلَمَّا انصَرَفَ قَالَ: أَلَا عَسَلَتْ عَنْكَ رِيحَ اللَّحْمِ؟ [۱۶۳]

۱۲۹۰. دعائم الإسلام: إِنَّهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ أَمَرَ بِغَسْلِ الْأَيْدِي بَعْدَ الطَّعَامِ مِنَ الْغَمْرِ، وَقَالَ: إِنَّ الشَّيْطَانَ يَشْتُمُهُ. [۱۶۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۶۹

۱۲۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که بخوابد و بر دستانش بوی گوشت مانده باشد، جز خویش را نکوهش نکند.

۱۲۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما در حالی خوابید که در دستانش بوی گوشت بود و آن را نشست و آن‌گاه عارضه‌ای به وی رسید، مباد جز خویش را نکوهش کند.

۱۲۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی از شما غذایی می‌خورد، چربی گوشت را از دستان خویش بشوید.

۱۲۸۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی از شما غذایی می‌خورد، چربی گوشت را از دست خود بشوید تا کسانی را که با آنان برخورد می‌کند، نیازارد.

۱۲۸۹. كنز العمیال به نقل از ابن عباس: روزی، پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می‌گزارد. در آن هنگام، از مردی بوی گوشت حس کرد. چون نماز را به پایان برد، [به او] فرمود: «چرا بوی گوشت را از خود نشسته‌ای؟».

۱۲۹۰. دعائم الإسلام: پیامبر خدا به شستن چربی دستان پس از غذا امر کرد و فرمود:

«شیطان، این چربی باقی مانده را بو می‌کشد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۰

۱۲۹۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: اغْسِلُوا صَبَانَكُمْ مِنَ الْغَمْرِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَشْتُمُ الْغَمْرَ فَيَفْرَعُ الصَّبِيَّ فِي رُقَادِهِ، وَ يَتِيَّأُذَى بِهَا الْكَاتِبَانَ. [۱۶۵]

۱۲۹۲. الإمام علي عليه السلام: غَسَلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ زِيَادَةٌ فِي الْعُمْرِ، وَ إِمَاطَةُ لِلْغَمْرِ عَنِ الشَّيْبِ، وَ يَجْلُو الْبَصَرَ. [۱۶۶]

۱۲۹۳. عنه عليه السلام: بَرَكَةُ الطَّعَامِ الْوُضُوءُ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ، وَ الشَّيْطَانُ مُوَلِّعٌ بِالْغَمْرِ، وَ إِذَا أُوِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ، فَلْيَغْسِلْ يَدَيْهِ مِنْ رِيحِ

۱۲۹۴. الإمام الصادق عليه السلام: اغسبوا أيديكم قبل الطعام وبعده؛ فإنه ينفى الفقر، ويزيد في العمر. [۱۶۸]

۱۲۹۵. الكافي عن سليمان الجعفری: قال أبو الحسن عليه السلام: رُبَمَا اتَى بِالْمَائِدَةِ فَأَرَادَ بَعْضُ الْقَوْمِ أَنْ يَغْسِلَ يَدَهُ، فَيَقُولُ: مَنْ كَانَتْ يَدُهُ نَظِيفَةً فَلَا بَأْسَ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَغْسِلَ يَدَهُ. [۱۶۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۱

۱۲۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چربی غذا را از [دستان کودکان بشوید؛ چرا که شیطان، این چربی باقی مانده را بو می کشد و کودک در خواب از او می ترسد و دو فرشته کاتب اعمال نیز آزار می بینند.

۱۲۹۲. امام علی علیه السلام: شستن دست ها پیش و پس از غذا، موجب فزون شدن عمر است و سبب زدودن چربی از جامه هاست و دیده را نیز جلا می دهد. [۱۷۰]

۱۲۹۳. امام علی علیه السلام: برکت غذا، وضو ساختن (شستن دست ها) پیش و پس از آن است. شیطان، بسیار علاقه مند به چربی گوشت است. هر گاه کسی از شما به بستر می رود، باید که بوی چربی گوشت را از دستان خویش بشوید.

۱۲۹۴. امام صادق علیه السلام: دست هایتان را پیش و پس از غذا بشوید؛ چرا که فقر را می برد و بر عمر می افزاید. [۱۷۱]

۱۲۹۵. الكافي به نقل از سليمان جعفری: امام كاظم عليه السلام فرمود: «شاید سفره ای بگسترند و در این میان، یکی بخواهد دست خود را بشوید. مناسب است [میزبان، جهت آسودگی خاطر میهمانان بگوید: هر کس دستانش تمیز است، اشکال ندارد بدون شستن دستان، غذا بخورد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۲

۲ / ۵

وَضَعُ الْبِقْلِ عَلَى الْمَائِدَةِ

۱۲۹۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: زَيَّنُوا مَوَائِدَكُمْ بِالْبِقْلِ؛ فَإِنَّهَا مَطْرَدَةٌ لِلشَّيَاطِينِ مَعَ التَّسْمِيَةِ. [۱۷۲]

۱۲۹۷. الإمام الصادق عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ، وَحَلِيَّةُ الْخِوَانِ الْبِقْلُ. [۱۷۳]

۱۲۹۸. الكافي عن حنان: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْمَائِدَةِ، فَمَالَ عَلِيٌّ الْبِقْلَ وَامْتَنَعْتُ أَنَا مِنْهُ لِعَلِّهِ كَانَتْ بِي، فَالْتَفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ:

يَا حَنَّانُ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُؤْتِ بِطَبَقِي إِلَّا وَ عَلَيْهِ بَقْلٌ؟  
قُلْتُ: وَ لِمَ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟!

فَقَالَ: لِأَنَّ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ خَضِرَةٌ، وَ هِيَ تَحِنُّ إِلَى أَشْكَالِهَا. [۱۷۴]

۱۲۹۹. الكافي عن موفق المدني عن أبيه عن جدّه: بَعَثَ إِلَيَّ الْمَاضِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا فَأَجَلَسَنِي لِلْغَدَاءِ، فَلَمَّا جَاؤُوا بِالْمَائِدَةِ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا بَقْلٌ فَأَمَسَكَ يَدَهُ، ثُمَّ قَالَ لِلْغُلَامِ:

أَمَا عَلِمْتَ أَنِّي لَا أَكُلُ عَلَى مَائِدَةٍ لَيْسَ فِيهَا خَضِرَةٌ، فَأَتَنِي بِالْخَضِرَةِ.

قَالَ: فَذَهَبَ الْغُلَامُ فَجَاءَ بِالْبِقْلِ فَأَلْقَاهُ عَلَى الْمَائِدَةِ، فَمَدَّ يَدَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَئِذٍ وَ أَكَلَ. [۱۷۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۳

## ۲ / ۵ گذاردن سبزی در سفره

۱۲۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سفره هایتان را به سبزی آذین کنید؛ زیرا آن، همراه با گفتن بسم الله، شیطان را می راند.



۱۲۹۷. امام صادق علیه السلام: هر چیز را زیوری است و زیور سفره، سبزی است.

۱۲۹۸. الکافی به نقل از حنان: با امام صادق علیه السلام بر سر سفره‌ای نشسته بودم. ایشان دست به سوی سبزی دراز کرد، در حالی که من به دلیل بیماری‌ای که داشتم، از آن پرهیز نمودم.

امام علیه السلام به من رو کرد و فرمود: «ای حنان! مگر نمی‌دانی نزد امیر مؤمنان علیه السلام هیچ طبقی [۱۷۶] بقی آورده نمی‌شد، مگر این که سبزی هم داشت؟».

گفتم: فدایت شوم! چرا؟

فرمود: «زیرا دل‌های مؤمنان، سبز است [۱۷۷] و به همانند خویش، میل دارد».

۱۲۹۹. الکافی به نقل از موقّ مدینی، از پدرش، از جدّش: روزی، امام کاظم علیه السلام در پی من فرستاد و مرا برای غذا خوردن نزد خود نگه داشت. چون سفره آوردند، در آن سبزی نبود. امام علیه السلام دست برداشت و سپس به غلام فرمود:

«مگر نمی‌دانی که من از سفره‌ای که در آن سبزی نباشد، نمی‌خورم؟ برایم سبزی بیاور.»

آن غلام رفت و سبزی آورد و بر سفره نهاد. پس، امام علیه السلام دست به سفره گشود و خورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۴

۳/۵

خَلَعَ النَّعَالِ

۱۳۰۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: اخَلَعُوا نِعَالَكُمْ عِنْدَ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهَا سُنَّةٌ جَمِيلَةٌ. [۱۷۸]

۱۳۰۱. عنه صلی الله علیه و آله: إِذَا وُضِعَ الطَّعَامُ فَاخْلَعُوا نِعَالَكُمْ؛ فَإِنَّهُ أَرْوَحٌ لِأَقْدَامِكُمْ. [۱۷۹]

۱۳۰۲. عنه صلی الله علیه و آله: إِذَا قُرَّبَ لِأَحَدِكُمْ طَعَامُهُ وَفِي رِجْلَيْهِ نَعْلَانِ، فَلْيَنْزِعْ نَعْلَيْهِ؛ فَإِنَّهُ أَرْوَحٌ لِلْقَدَمَيْنِ، وَهُوَ مِنَ السُّنَّةِ. [۱۸۰]

۴/۵

التَّسْمِيَةُ

۱۳۰۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ وَلَا بَرَكَهَ فِيهِ. [۱۸۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۵

### ۳/۵ در آوردن کفش‌ها

۱۳۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به هنگام غذا، کفش‌هایتان را در آورید؛ چرا که این، رفتاری زیباست.

۱۳۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون غذا نهاده می‌شود، کفش‌های خویش را در آورید؛ زیرا این کار، موجب آسایش بیشتر پاهایتان است. [۱۸۲]

۱۳۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون غذای کسی را نزد وی آوردند و کفش به پا داشت، کفش را از پای در آورد؛ چرا که این کار، موجب آسایش بیشتر پاهاست و آن، از سنت [پیامبر صلی الله علیه و آله] است.

### ۴/۵ بر زبان آوردن نام خدا

۱۳۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر غذایی که بر آن نام خدا برده نشود، درد است و هیچ برکتی در آن نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۶

۱۳۰۴. الإمام علي عليه السلام في وصيته لكميل: إذا أكلت الطعام فسمِّ باسم الذي لا يضرُّ مع اسمه داءٌ، وفيه شفاءٌ من كلِّ الأَسْوَءِ. [۱۸۳]

۱۳۰۵. عنه عليه السلام لابن الحسن عليه السلام: يا بُنَيَّ لا تَطْعَمَنَّ لُقْمَةً مِنْ حَارٍّ وَلَا بَارِدٍ، وَلَا تَشْرَبَنَّ شَرْبَةً وَلَا جُرْعَةً إِلَّا وَأَنْتَ تَقُولُ قَبْلَ أَنْ تَأْكُلَهُ وَقَبْلَ أَنْ تَشْرَبَهُ.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي أَكْلِي وَشُرْبِي السَّلَامَةَ مِنْ وَعَكِهِ، وَالْقُوَّةَ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ فِيمَا بَقِيَتْهُ فِي يَدَيَّ، وَأَنْ تَشَجِّعَنِي بِقُوَّتِهَا عَلَى عِبَادَتِكَ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي حُسْنَ التَّحَرُّزِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ».

فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ أَمِنْتَ وَعَثَهُ وَغَائِلَتَهُ. [۱۸۴]

۱۳۰۶. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ضَمِنْتُ لِمَنْ يُسَمِّي عَلَى طَعَامِهِ أَلَّا يَشْتَكِيَ مِنْهُ.

فَقَالَ لَهُ ابْنُ الْكَوَّاءِ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، لَقَدْ أَكَلْتُ الْبَارِحَةَ طَعَامًا فَسَمَّيْتُ عَلَيْهِ وَأَذَانِي!

فَقَالَ: لَعَلَّكَ أَكَلْتَ أَلْوَانًا فَسَمَّيْتَ عَلَى بَعْضِهَا وَلَمْ تُسَمِّ عَلَى بَعْضِهَا، يَا لُكْعُ. [۱۸۵]

۱۳۰۷. عنه عن آبائه عليهم السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَتَّخَمْتُ قَطُّ.

فَقِيلَ لَهُ: وَ لِمَ؟

قَالَ: مَا رَفَعْتُ لُقْمَةً إِلَى فَمِي إِلَّا ذَكَرْتُ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ. [۱۸۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۷

۱۳۰۴. امام علی علیه السلام در سفارش‌های خود به کمیل: به گاه غذا خوردن، از آن کسی نام ببر که با وجود نام او، دیگر هیچ دردی زیان نمی‌رساند و نامش، شفای همه بیماری‌ها و ناتن‌درستی‌هاست.

۱۳۰۵. امام علی علیه السلام خطاب به فرزند خویش امام حسن علیه السلام: فرزندم! هیچ لقمه سرد و گرمی را مخور و هیچ جرعه کم و زیادی را منوش، مگر آن که پیش از خوردن و نوشیدن بگویی:

«خداوندا! من در خوردن و نوشیدن خویش، سلامت از درد و رنج آن و توان‌یابی با آن برای: انجام دادن طاعت، یاد آوردن و سپاس‌گزاری تو، تا زمانی که این خورده و نوشیده را در بدنم باقی می‌گذاری، می‌خواهم و نیز [می‌خواهم که با نیرویی که از این به من می‌دهی، مرا به پرستش خویش برانگیزی و نیکو پرهیز کردن از نافرمانی‌ات را به من الهام فرمایی».

اگر این کار را کردی، از درد و رنج و از گزنده‌های احتمالی آن، در امان می‌مانی.

۱۳۰۶. امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «برای کسی که بر غذای خود نام خدا ببرد، ضمانت می‌کنم که از آن غذا، به هیچ درد و رنجی گرفتار نمی‌شود».

ابن کَوَّاء که این را شنید پرسید: ای امیر مؤمنان! من دیروز غذایی خوردم و نام خدا را نیز به گاه خوردن آن بردم؛ اما آن مرا آزار داد!

فرمود: «ای نادان! شاید که چند گونه غذا خورده‌ای، و بر برخی گونه‌ها نام خدا برده و بر برخی دیگر نام خدا نبرده‌ای».

۱۳۰۷. امام صادق علیه السلام به نقل از پدران‌ش علیهم السلام: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «هیچ گاه به بدگواری، مبتلا نشده‌ام».

پرسیدند: چرا؟

فرمود: «[زیرا] هیچ لقمه‌ای به سوی دهان نبرده‌ام، مگر این که نام خدا را بر آن، یاد کرده‌ام».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۸

۱۳۰۸. المحاسن عن مسمع بن عبد الملك: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَتَّخِمُّ.

فَقَالَ: أ تُسَمِّي؟

قُلْتُ: إِنِّي قَدْ سَمَّيْتُ!  
فَقَالَ: لَعَلَّكَ تَأْكُلُ أَلْوَانًا؟  
فَقُلْتُ: نَعَمْ.  
قَالَ: تُسَمِّي عَلَى كُلِّ لَوْنٍ؟  
قُلْتُ: لَا.

قَالَ: فَمِنْ ثَمَّ تَتَّخِمْ. [۱۸۷]

۱۳۰۹. الکافی عن مِسْمَعٍ: شَكَّوْتُ مَا أَلْقَى مِنْ أَدَى الطَّعَامِ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَكَلْتُهُ.  
فَقَالَ: لِمَ تُسَمِّي؟  
فَقُلْتُ: إِنِّي لَأَسْمِي وَ إِنَّهُ لِيَضْرُبُنِي!  
فَقَالَ لِي: إِذَا قَطَعْتَ التَّسْمِيَةَ بِالْكَلامِ، ثُمَّ عُدْتَ إِلَى الطَّعَامِ تُسَمِّي؟  
قُلْتُ: لَا.

قَالَ: فَمِنْ هَاهُنَا يَضْرُبُكَ، أَمَا لَوْ أَنْتَ إِذَا عُدْتَ إِلَى الطَّعَامِ سَمَّيْتَ مَا ضَرَّكَ. [۱۸۸]  
۱۳۱۰. الإمام علی علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَضْرِبَهُ طَعَامٌ فَلَا يَأْكُلُ حَتَّى يَجُوعَ، فَإِذَا أَكَلَ فَلْيَقُلْ:  
بِاسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ. [۱۸۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۷۹

۱۳۰۸. المحاسن به نقل از مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ: به امام صادق علیه السلام گفتم: من گاه، احساس بد گواری می کنم.  
فرمود: «آیا نام خدا می بری؟»  
گفتم: بسم الله هم گفته ام!  
فرمود: «شاید غذاهای گوناگون می خوری؟»  
گفتم: آری.  
فرمود: «برای هر گونه، بسم الله می گویی؟»  
گفتم: نه.

فرمود: «از همین جاست که به بد گواری، گرفتار می شوی».

۱۳۰۹. الکافی به نقل از مِسْمَعِ: نزد امام صادق علیه السلام، از این که پس از خوردن غذا از آن آزار می بینم، اظهار ناراحتی کردم.  
فرمود: «بسم الله نمی گویی؟»

گفتم: بسم الله هم می گویم؛ اما غذا مرا آزار می دهد!

فرمود: «آیا هنگامی که با سخن گفتن، رشته آن بسم الله پیشین را می گسلی و سپس دیگر بار به غذا ادامه می دهی، دوباره نام خدا را می بری؟»  
گفتم: نه.

فرمود: «از همین جاست که غذا به تو زیان می رساند. زنهار که اگر به گاه ادامه دادن به غذا، [دیگر بار] نام خدا را می بردی، غذا تو را زیان نمی رساند».

۱۳۱۰. امام علی علیه السلام: هر کس که می خواهد غذایی او را آزار ندهد، تا گرسنه نشده، چیزی نخورد و آن گاه هم که خواست بخورد، بگوید: «بسم الله و بالله».

چنان که در حدیث اخیر اشاره شد، مقصود از احادیثی که می‌گویند «گفتن نام خدا در آغاز غذا خوردن، انسان را از زیان آن غذا حفظ می‌کند»، آن است که یاد خدا، در کنار مراعات آداب بهداشتی مربوط به غذا خوردن، استمداد از درگاه اوست تا انسان را از آثار بد احتمالی غذا مصون بدارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۰

۵ / ۵

الْأَكْلُ بِالْيَمِينِ

۱۳۱۱. مسند ابن حنبل عن عائشة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُفْرَغُ يَمِينَهُ لِمَطْعَمِهِ وَ لِحَاجَتِهِ، وَ يُفْرَغُ شِمَالَهُ لِلِاسْتِنْجَاءِ وَ لِمَا هُنَاكَ. [۱۹۰]

۱۳۱۲. المعجم الكبير عن عمر بن أبي سلمة: كُنْتُ غُلَامًا فِي حِجْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ كَانَتْ يَدِي تَطِيشُ فِي الصَّحْفَةِ. فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا غُلَامُ، سَمِّ اللَّهَ، وَ كُلْ يَمِينَكَ، وَ كُلْ مِمَّا يَلِيكَ. فَمَا زَالَتْ تِلْكَ طِعْمَتِي بَعْدُ. [۱۹۱]

۶ / ۵

افْتِتَاحُ الطَّعَامِ بِالْمِلْحِ وَ اخْتِتَامُهُ بِهِ أَوْ بِالخَلِّ

۱۳۱۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ افْتَتَحَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ وَ خَتَمَ بِهِ، عَوفَى مِنْ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَاءً، مِنْهَا الْجُدَامُ وَ الْبَرَصُ. [۱۹۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۱

بنا بر این، کسی نمی‌تواند به استناد این احادیث، بسم الله بگوید و سپس هر غذایی که هوس کرد و به هر مقداری که خواست، بخورد و انتظار هیچ زیانی نیز از آن نداشته باشد؛ بلکه ذکر نام خدا در آغاز غذا خوردن اگر این یاد کردن، راستین و حقیقی باشد انسان را به مراعات بیشتر آداب شرعی و بهداشتی غذا خوردن، برمی‌انگیزد.

## ۵ / ۵ خوردن با دست راست

۱۳۱۱. مسند ابن حنبل به نقل از عایشه: پیامبر خدا دست راست را به خوردن و برآوردن نیازهای دیگر خویش اختصاص داده و دست چپ را به زدودن آلودگی از مقعد و آنچه در آن ناحیه است، واگذارده بود.

۱۳۱۲. المعجم الكبير به نقل از عمر بن ابی سلمه: به روزگار کودکی خویش، در دامن پیامبر خدا بودم و دستانم در سینی غذا می‌لغزید. پیامبر خدا به من فرمود: «ای نوباوه! بسم الله بگو، با دست راست بخور و از آنچه پیش خودت هست، بخور». از آن پس، شیوه خوردن من همواره همین بود.

## ۵ / ۶ آغاز کردن غذا با نمک و به پایان بردن آن با نمک یا سرکه

۱۳۱۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس غذای خود را با نمک آغاز کند و با نمک به پایان ببرد، از هفتاد و دو درد که جذام و برص (پیسی) از آن جمله است در امان می‌ماند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۲

۱۳۱۴. الإمام علی علیه السلام: اَبْدَوْوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ؛ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارَوْهُ عَلَى التَّرِيقِ الْمُجْرَبِ. مَنْ ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً وَ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. [۱۹۳]

۱۳۱۵. الإمام الباقر علیه السلام: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْ مُرِّ قَوْمَكَ يَفْتَتِحُوا بِالْمِلْحِ وَيَخْتِمُوا بِهِ، وَ إِلَّا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ. [۱۹۴]

۱۳۱۶. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا يَسْتَفْتِحُونَ بِالْخَلِّ وَيَخْتِمُونَ بِهِ، وَ نَحْنُ نَسْتَفْتِحُ بِالْمِلْحِ وَ نَخْتِمُ بِالْخَلِّ. [۱۹۵]

۱۳۱۷. الإمام الكاظم علیه السلام: لَا يُخَصَّبُ خِوَانٌ لَا مِلْحَ عَلَيْهَا، وَ أَصْحُحُ لِلْبَدَنِ أَنْ يُبَدَأَ بِهِ فِي أَوَّلِ الطَّعَامِ. [۱۹۶]

راجع: ج ۱، ص ۴۸۰ (صحة الجلد / افتتاح الطعام بالملح).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۳

۱۳۱۴. امام علی علیه السلام: غذای خود را با نمک آغاز کنید. اگر مردم آنچه را در نمک هست می دانستند، آن را بر تریاق [۱۹۷] تجربه شده برمی گزیدند.

هر کس غذای خود را با نمک آغاز کند، هفتاد درد و نیز دیگر دردهایی که فقط خداوند از آنها آگاه است، از او می رود.

۱۳۱۵. امام باقر علیه السلام: خداوند به موسی بن عمران علیه السلام وحی کرد که: «به طایفه‌ات بفرمای که [غذای خود را] با نمک آغاز کنند و با نمک به پایان ببرند، و گرنه جز خویش را نکوهش نکنند».

۱۳۱۶. امام صادق علیه السلام: بنی اسرائیل، [غذا را] با سرکه آغاز می کردند و با آن نیز به پایان می بردند؛ ولی ما با نمک آغاز می کنیم و با سرکه به پایان می بریم.

۱۳۱۷. امام کاظم علیه السلام: سفره‌ای که در آن نمک نباشد، بی برکت است. آغاز کردن غذا با نمک، برای تندرستی، بهتر است. ر. ک: ص ۴۸۳ (سلامت پوست / آغاز کردن غذا با نمک).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۴

۷ / ۵

الأكل بعد الجوع والشهية

۱۳۱۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ الْأَكْلُ مِنْ غَيْرِ جُوعٍ، وَ النَّوْمُ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ. [۱۹۸]

۱۳۱۹. عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ يَسْتَوْجِبُونَ الْمَقْتَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى: الْأَكْلُ مِنْ غَيْرِ جُوعٍ، وَ النَّوْمُ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ، وَ الضَّحْكُ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ. [۱۹۹]

۱۳۲۰. الإمام علی علیه السلام مَنْ أَرَادَ أَلَّا يُضِرَّهُ طَعَامٌ فَلَا يَأْكُلْ حَتَّى يَجُوعَ وَ تَنْقَى مَعِدَّتُهُ. [۲۰۰]

۱۳۲۱. الإمام الصادق علیه السلام مِنْ وَصِيَّتِهِ لِعُنْوَانَ الْبَصْرِيِّ: أَوْصِيكَ بِتَسْعَةِ أَشْيَاءَ؛ فَإِنَّهَا وَصِيَّتِي لِمُرِيدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَ اللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يُوفِّقَكَ لِاسْتِعْمَالِهِ. ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي رِيَاضَةِ النَّفْسِ ...

أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الرِّيَاضَةِ: فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ؛ فَإِنَّهُ يورثُ الْحَمَاقَةَ وَ الْبَلَهَ، وَ لَا تَأْكُلْ إِلَّا عِنْدَ الْجُوعِ، وَ إِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالًا وَ سَمَّ اللَّهِ. [۲۰۱]

۱۳۲۲. عيسى علیه السلام فِي مَوَاعِظِهِ: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ، لَا تَأْكُلُوا حَتَّى تَجُوعُوا، وَ إِذَا جُعْتُمْ فَكُلُوا وَ لَا تَشَبِعُوا؛ فَإِنَّكُمْ إِذَا شَبِعْتُمْ غَلِظَتْ رِقَابُكُمْ، وَ سَمِنَتْ جُنُوبُكُمْ، وَ نَسِيتُمْ رَبَّكُمْ. [۲۰۲]

راجع: ج ۱، ص ۸۸ (ما یعنی عن الطيب).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۵

## ۵ / ۷ خوردن غذا به هنگام گرسنگی و اشتها

۱۳۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن بدون گرسنگی و خوابیدن بدون بیداری کشیدن [و احساس نیاز به خواب، نزد خداوند، گناهی سهمگین است.

۱۳۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز، موجب خشم خداوند متعال است: خوردن بدون احساس گرسنگی، خفتن بدون بیداری کشیدن [و احساس نیاز به خواب، و خندیدن بدون شگفتی.

۱۳۲۰. امام علی علیه السلام: هر کس که می‌خواهد هیچ غذایی به او زیان نرساند، تنها هنگامی غذا بخورد که گرسنه شده و معده او [از خوراک پیشین،] پاک شده باشد.

۱۳۲۱. امام صادق علیه السلام در سفارش‌هایی به عنوان بَصِیرِی: تو را به نه چیز سفارش می‌کنم و این، سفارش من به همه کسانی است که جویای راهی به سوی خداوند متعال هستند، و از خداوند می‌خواهم که تو را در به کار بستن این سفارش‌ها توفیق دهد. سه تا از این توصیه‌ها در تربیت نفس است ....

اما آنها که در تربیت نفس است: از این حذر کن که آنچه را اشتها نداری، بخوری؛ چرا که این کار، کودنی و نابخردی می‌آورد. جز به گاه گرسنگی مخور، و چون خواستی بخوری، حلال بخور و نام خدا را بر زبان بیاور.

۱۳۲۲. عیسی علیه السلام در اندرزهایش: ای زادگان اسرائیل! مخورید، تا آن هنگام که گرسنه شوید. چون گرسنه شدید، بخورید، ولی سیر نخورید؛ چرا که اگر سیر شوید، گردن‌هایتان ستر می‌شود، پهلوهایتان چاق می‌گردد و پروردگارتان را از یاد می‌برید. ر. ک: ج ۱، ص ۸۹ (آنچه انسان را از پزشک، بی‌نیاز می‌کند).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۶

۸ / ۵

الْبَدءُ بِأَخْفِ الْأَعْدِيَةِ

۱۳۲۳. الإمام الرضا علیه السلام: ابدأ في أول طعامك بأخف الأعدية التي يعغدي [۲۰۳] بدتك، بقدر عادتك و بحسب وطنك [۲۰۴] و نشاطك و زمانك. [۲۰۵]

۹ / ۵

أَكْلُ الطَّعَامِ السُّخَنِ قَبْلَ أَنْ يَبْرُدَ

۱۳۲۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: السُّخُونُ بَرَكَةٌ. [۲۰۶]

۱۳۲۵. المحاسن عن مُرَازِمٍ: بَعَثَ إِلَيْنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطَعَامٍ سَخِنٍ، فَقَالَ: كُلُوا قَبْلَ أَنْ يَبْرُدَ؛ فَإِنَّهُ أَطِيبٌ. [۲۰۷]

۱۰ / ۵

تَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ وَ تَجْوِيدُ الْمَضْغِ

۱۳۲۶. رسول الله صلی الله علیه و آله في بيان آداب الأكل: و أمَّا الأَدْبُ فَتَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ وَ الْمَضْغِ الشَّدِيدُ. [۲۰۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۷

## ۵ / ۸ آغاز کردن با سبک‌ترین غذا

۱۳۲۳. امام رضا علیه السلام: غذای خود را با سبک‌ترین غذایی که بدنت را به اندازه عادتت و بر حسب اقامتگاه و فعالیت‌ها و زمانهات تغذیه می‌کند، آغاز کن.

## ۵ / ۹ خوردن غذای گرم، پیش از سرد شدن

۱۳۲۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گرمی [غذا]، برکت دارد.

۱۳۲۵. المحاسن به نقل از مُرَازِم: امام صادق علیه السلام برای ما غذایی گرم فرستاد و فرمود: «پیش از آنکه سرد شود، بخورید؛ چرا که این، خوش تر است».

## ۵ / ۱۰ برداشتن لقمه‌های کوچک و جویدن کامل غذا

۱۳۲۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آداب غذا خوردن: اما آداب آن، کوچک کردن لقمه و جویدن کامل است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۸

۱۳۲۷. الإمام الحسن علیه السلام: فِي الْمَائِدَةِ اثْنَا عَشْرَةَ حَصْلَةً يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا: أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرَضٌ، وَ أَرْبَعٌ سُنَّةٌ، وَ أَرْبَعٌ تَأْدِيبٌ... أَمَّا التَّأْدِيبُ: فَلَا أَكُلُ مِمَّا يَلِيكَ، وَ تَصْغِيرُ اللَّقْمَةِ، وَ تَجْوِيدُ الْمَضْغِ، وَ قَلَّةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ. [۲۰۹]

راجع: ص ۸۸ (ما یعنی عن الطيب). العنوان الآتي، ح ۱۳۲۹.

۱۱ / ۵

### الإِمْسَاكُ قَبْلَ الشَّبْعِ

۱۳۲۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: كُلْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي، وَ أَمْسِكْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي. [۲۱۰]

۱۳۲۹. الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَضُرَّهُ طَعَامٌ فَلَا يَأْكُلْ، حَتَّى يَجُوعَ وَ تَنْقَى مَعِدَتُهُ، فَإِذَا أَكَلَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ لِيَجِدَ [۲۱۱] الْمَضْغَ وَ لِيَكْفَ عَنِ الطَّعَامِ وَ هُوَ يَشْتَهِيهِ، وَ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ. [۲۱۲]

۱۳۳۰. عنه عليه السلام في وَصِيَّتِهِ لِكَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ: يَا كَمِيلُ، لَا تَوْفِرَنَّ مَعِدَتَكَ طَعَامًا وَ دَعَّ فِيهَا لِلْمَاءِ مَوْضِعًا وَ لِلرِّيحِ مَجَالًا، وَ لَا تَرْفَعْ يَدَكَ مِنَ الطَّعَامِ إِلَّا

وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ، فَإِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ فَأَنْتَ تَسْتَمِرُّهُ؛ فَإِنَّ صِحَّةَ الْجِسْمِ مِنْ قَلَّةِ الطَّعَامِ وَ قَلَّةِ الْمَاءِ. [۲۱۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۸۹

۱۳۲۷. امام حسن علیه السلام: درباره سفره، دوازده نکته است و بر هر مسلمانی لازم است که آنها را بداند. از آنها، چهار چیز، واجب، چهار چیز مستحب، و چهار چیز، جزو آداب است. امّا آنچه از آداب است، عبارت است از: خوردن از آنچه پیش خود تو است؛ کوچک کردن لقمه؛ خوب جویدن؛ و کمتر نگرستن به چهره مردم.

ر. ک: ص ۸۹ (آنچه انسان را از پزشک، بی نیاز می کند)، ح ۱۳۲۹.

## ۵ / ۱۱ دست کشیدن از غذا پیش از سیری

۱۳۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی بخور که میل به خوردن داری و در حالی خوردن را وا گذار که هنوز اشتهایت هست.

۱۳۲۹. امام علی علیه السلام: هر کس می خواهد هیچ غذایی به او زیان نرساند، تنها هنگامی غذا بخورد که گرسنه شده و معده او [از خوراک پیشین] پاک شده باشد. پس چون خواست بخورد، نام خدا را بر زبان آورد، خوب غذا را بجود و در حالی از غذا خوردن دست بکشد که هنوز میل به خوردن دارد و به آن، احساس نیاز می کند.

۱۳۳۰. امام علی علیه السلام در سفارش به کمیل بن زیاد: ای کمیل! مبدا خوراکی، معدهات را سنگین کند. در آن، جایی برای آب

و جایی برای هوا و گذار و هنگامی که هنوز میل به خوردن داری، از غذا خوردن دست بکش، که اگر چنین کنی، غذا را گوارا خواهی یافت؛ چرا که تندرستی، از کم خوردن و کم آشامیدن است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۰

۱۳۳۱. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَخَذَ الطَّعَامَ زِيَادَةً لَمْ يُفِدْهُ، وَ مَنْ أَخَذَ بِقَدْرِ لَا زِيَادَةَ عَلَيْهِ وَلَا نَقْصَ غَدَاةٍ وَ نَفَعَهُ، وَ كَذَلِكَ الْمَاءُ. فَسَيَلُوكَ أَنْ تَأْخُذَ مِنَ الطَّعَامِ مِنْ كُلِّ صِنْفٍ مِنْهُ فِي إِبَانِهِ [۲۱۴]، وَ أَرْفَعَ يَدَكَ مِنَ الطَّعَامِ وَ بِكَ إِلَيْهِ بَعْضُ الْقَرَمِ؛ فَإِنَّهُ أَصْحَحُ لِبَدْنِكَ، وَ أَذْكَى لِعَقْلِكَ، وَ أَخَفُّ عَلَى نَفْسِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. [۲۱۵]

راجع: ج ۱، ص ۸۸ (ما یعنی عن الطيب). ج ۲، ص ۸۴ ح ۱۳۲۲.

۱۲/۵

مَسْحُ الْوَجْهِ وَ الدُّعَاءُ بَعْدَ غَسْلِ الْأَيْدِي

۱۳۳۲. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِذَا غَسَلْتَ يَدَكَ بَعْدَ الطَّعَامِ فَامْسَحْ وَجْهَكَ وَ عَيْنَيْكَ قَبْلَ أَنْ تَمْسَحَ بِالْمِنْدِيلِ، وَ تَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَةَ وَ الْمَحَبَّةَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَقْتِ وَ الْبِغْضَةِ». [۲۱۶]

۱۳۳۳. مكارم الأخلاق: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا فَرَغَ مِنْ غَسْلِ الْيَدِ بَعْدَ الطَّعَامِ مَسَّحَ بِفَضْلِ الْمَاءِ الَّذِي فِي يَدِهِ وَجْهَهُ، ثُمَّ يَقُولُ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا وَ أَطْعَمَنَا وَ سَقَانَا، وَ كُلُّ بَلَاءٍ صَالِحٍ أَوْلَانَا». [۲۱۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۱

۱۳۳۱. امام رضا عليه السلام: هر کس غذای افزون از اندازه بخورد، این غذا او را سودی نمی‌رساند، و هر کس به اندازه (نه بیشتر و نه کمتر) بردارد، این غذا او را تغذیه می‌کند و سود می‌رساند. آب نیز چنین است. روش پسندیده برای تو، آن است که از هر یک از انواع غذا، در فصل و ویژه آن، بهره بگیری.

در حالی که هنوز مقداری میل داری، از غذا دست بکش؛ چرا که این کار، به خواست خداوند، برای بدن سلامت‌آورتر، برای عقل ذکاوت‌بخش‌تر، و برای خود انسان مایه سبکی افزون‌تر است.

ر. ک: ج ۱، ص ۸۹ (آنچه انسان را از پزشک، بی‌نیاز می‌کند). ج ۲، ص ۸۵ ح ۱۳۲۲.

## ۱۲/۵ دست کشیدن بر چهره و دعا کردن پس از شستن دستان

۱۳۳۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: چون پس از غذا خوردن، دست خویش را شستی، پیش از این که آن را با دستمال، خشک کنی، بر صورت و چشمانت نیز دست بکش و بگو:

«خداوندا! من از تو آراستگی و دوستی مسئلت دارم و از دشمنی و کینه‌ورزی، به تو پناه می‌جویم».

۱۳۳۳. مکارم الأخلاق: پیامبر خدا، چون پس از غذا، شستن دست را به پایان می‌برد، با باقی‌مانده آبی که بر دستانش بود، بر صورت خویش دست می‌کشید و سپس می‌گفت:

«ستایش، خدایی را که ما را راه نمود و خوردنی و نوشیدنی داد و به ما هر نعمت نیکویی عنایت کرد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۲

۱۳۳۴. الكافي عن المفضل: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ الرَّمَدَ، فَقَالَ لِي:

أَوْ تَرِيدُ الطَّرِيفَ؟ ثُمَّ قَالَ لِي: إِذَا غَسَلْتَ يَدَكَ بَعْدَ الطَّعَامِ فَامْسَحْ حَاجِبَيْكَ، وَ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ».



قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ، فَمَا زِمَدَتْ عَيْنِي بَعْدَ ذَلِكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. [۲۱۸]

۱۳۳۵. الإمام الصادق عليه السلام: مَسَحَ الْوَجْهَ بَعْدَ الْوُضُوءِ، يَذْهَبُ بِالْكَفِّ، وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ. [۲۱۹]

۱۳۳۶. عنه عليه السلام: إِذَا تَوَضَّأْتَ بَعْدَ الطَّعَامِ فَامْسَحْ عَيْنَيْكَ بِفَضْلِ مَا فِي يَدَيْكَ، فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الرَّمَدِ. [۲۲۰]

۱۳۳۷. كَشَفَ الْعُمَّةَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ عَلَيْهِ بُكَيْرُ بْنُ أَعْيَنَ وَ هُوَ أَرْمَدٌ.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الظَّرِيفُ يَرْمَدُ!؟

فَقَالَ: وَ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قَالَ: إِذَا غَسَلَ يَدَهُ مِنَ الْغَمْرِ مَسَحَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَلَمْ أَرْمَد. [۲۲۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۳

۱۳۳۴. الكافي به نقل از مفصل: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و نزد او از چشم‌درد، اظهار ناراحتی کردم. به من فرمود: «آیا

نکته‌ای تازه می‌خواهی؟».

سپس به من فرمود: «چون پس از غذا خوردن، دست خویش را شستی، بر ابروهایت دست بکش و سه بار بگو: «سپاس، خداوند

نیکوکار زیبا کردار بهره‌رسانِ فضیلت‌بخش را».

من این کار را انجام دادم و از آن پس، چشمانم درد نگرفت. سپاس، خداوند جهانیان راست.

۱۳۳۵. امام صادق علیه السلام: دست کشیدن بر چهره پس از وضو، کنجدک (كَكَمَيْك) را از میان می‌برد و روزی را افزون

می‌کند.

۱۳۳۶. امام صادق علیه السلام: چون پس از غذا دستانت را شستی، با باقی‌مانده آب، دستی بر چشمان خود بکش؛ چرا که مایه

ایمنی از چشم‌درد است.

۱۳۳۷. كَشَفَ الْعُمَّةَ بِه نقل از جمیل بن دَرَّاج: نزد امام صادق علیه السلام بودم. بُكَيْرُ بْنُ أَعْيَنَ، در حالی که چشم‌درد داشت، وارد

شد. امام علیه السلام به او گفت: «انسان زیرک هم چشم‌درد می‌کشد!؟».

[کسی پرسید: چه کند؟]

فرمود: «هنگامی که چربی را از دستان خود شست، دستی بر چشمانش بکشد».

من این کار را انجام دادم و چشم‌درد ندیدم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۴

۱۳ / ۵

الاسْتِلقاءُ عَلَى الْقَفَا بَعْدَ الطَّعَامِ

۱۳۳۸. الإمام الصادق عليه السلام: الاسْتِلقاءُ بَعْدَ الشَّبَعِ: يُسَمِّنُ الْبَدَنَ، وَ يُمَرِّئُ الطَّعَامَ، وَ يُسَلِّئُ الدَّاءَ. [۲۲۲]

۱۳۳۹. الإمام الرضا عليه السلام: إِذَا أَكَلْتَ شَيْئًا فَاسْتَلِقْ عَلَى قَفَاكَ، وَ ضَعْ رِجْلَكَ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى. [۲۲۳]

۱۳۴۰. المحاسن عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عمّن ذكره: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَغَدَّى اسْتَلَقَى عَلَى قَفَاةٍ، وَ أَلْقَى

رِجْلَهُ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى. [۲۲۴]

۱۴ / ۵

الاجْتِنَابُ عَنِ الْإِسْرَافِ

الكتاب:

«وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا». [۲۲۵]

الحديث:

۱۳۴۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنَ السَّرْفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلَّ مَا اشْتَهَيْتَ. [۲۲۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۵

### ۱۳/۵ به پشت دراز کشیدن پس از غذا

۱۳۳۸. امام صادق علیه السلام: دراز کشیدن پس از غذا، بدن را چاق می‌کند، غذا را هضم می‌نماید و درد را [از درون انسان، بیرون می‌کشد.

۱۳۳۹. امام رضا علیه السلام: هرگاه چیزی خوردی، به پشت دراز بکش و پای راست خود را روی پای چپ بگذار.

۱۳۴۰. المحاسن به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر، از راوی دیگر: امام رضا علیه السلام را دیدم که چون غذا می‌خورد، به پشت دراز می‌کشد و پای راست خود را روی پای چپ می‌انداخت.

### ۱۴/۵ پرهیز از زیاده‌روی

#### قرآن کریم

(بخورید و بیاشامید؛ ولی زیاده‌روی نکنید).

#### حدیث

۱۳۴۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: یکی از انواع زیاده‌روی، این است که هر آنچه را دوست داری، بخوری.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۶

۱۳۴۲. الإمام عليّ عليه السلام و سئلَ فقيلَ: إِنَّ فِي الْقُرْآنِ كُفْلَ عِلْمٍ إِلَّا الطَّبَّ؟: أما إِنَّ فِي الْقُرْآنِ لَأَيُّهُ تَجَمُّعُ الطَّبِّ كُلُّهُ: «وَكُلُوا وَ

اشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا». [۲۲۷]

۱۵/۵

اجْتِنَابُ النَّفْخِ فِي الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ

۱۳۴۳. الإمام عليّ عليه السلام في مَنْهِي النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَهَى أَنْ يُنْفَخَ فِي طَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ. [۲۲۸]

۱۳۴۴. عنه عليه السلام: لَا يُنْفَخُ الرَّجُلُ فِي مَوْضِعٍ سُجُودِهِ، وَلَا يُنْفَخُ فِي طَعَامِهِ وَلَا فِي شَرَابِهِ. [۲۲۹]

۱۶/۵

اجْتِنَابُ الْأَكْلِ بِالشَّمَالِ [۲۳۰]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۹۶

۱۳۴۵. صحيح مسلم عن جابر بن عبد الله السلمي: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى أَنْ يَأْكُلَ الرَّجُلُ بِشِمَالِهِ. [۲۳۱]

۱۳۴۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْأَكْلُ بِالشَّمَالِ مِنَ الْجَفَا. [۲۳۲]

۱۳۴۷. الكافي عن سَمَاعَةَ عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ أَوْ يَشْرَبُ بِهَا.

فَقَالَ: لَا يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ، وَلَا يَشْرَبُ بِشِمَالِهِ، وَلَا يَتَنَاوَلُ بِهَا شَيْئًا. [۲۳۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۷

۱۳۴۲. امام علی علیه السلام در پاسخ این پرسش که: «آیا در قرآن، همه دانش‌ها بجز دانش طب هست؟»: زنهارا! در قرآن، آیه‌ای هست که همه طب را یکجا در خود گرد آورده است: (بخورید و بیاشامید؛ ولی زیاده‌روی نکنید).

## ۵ / ۱۵ پرهیز از دمیدن در غذا

۱۳۴۳. امام علی علیه السلام درباره آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله نهی فرموده است: از این نهی کرده که در غذا یا نوشیدنی بدمند.

۱۳۴۴. امام علی علیه السلام: نباید کسی بر محل سجده خود و نه در غذای خود و نه در آنچه می‌نوشد، بدمد.

## ۵ / ۱۶ پرهیز از خوردن با دست چپ

۱۳۴۵. صحیح مسلم به نقل از جابر بن عبد الله سلمی: پیامبر خدا، از این که کسی با دست چپ چیزی بخورد، نهی فرمود.

۱۳۴۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن با دست چپ، از نافرهیختگی است.

۱۳۴۷. الكافي به نقل از سَمَاعَةَ، در گفتگو با امام صادق علیه السلام: از ایشان درباره این که کسی با دست چپ بخورد یا بیاشامد، پرسیدم.

فرمود: «مباد کسی با دست چپ بخورد یا بیاشامد و یا با آن چیزی را بردارد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۸

۱۳۴۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَكَلَ بِشِمَالِهِ أَكَلَ مَعَهُ الشَّيْطَانُ، وَمَنْ شَرِبَ بِشِمَالِهِ، شَرِبَ مَعَهُ الشَّيْطَانُ. [۲۳۴]

۱۳۴۹. عنه صلی الله علیه و آله: لَا تَأْكُلُوا بِالشَّمَالِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِالشَّمَالِ. [۲۳۵]

۱۷ / ۵

## اجتناب الأكل على الشَّعِيعِ

۱۳۵۰. رسول الله صلی الله علیه و آله لِعَلِيِّ عليه السلام: يَا عَلِيُّ، أَرْبَعَةٌ يَذْهَبْنَ ضَيَاعًا: الْأَكْلُ عَلَى الشَّعِيعِ، وَالسَّرَاجُ فِي الْقَمَرِ، وَالزَّرْعُ

فِي السَّبْحَةِ، وَالصَّنِيعَةُ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهَا. [۲۳۶]

۱۳۵۱. الإمام الصادق عليه السلام: أَرْبَعَةٌ يَذْهَبْنَ ضَيَاعًا: الْبَذْرُ فِي السَّبْحَةِ، وَالسَّرَاجُ فِي الْقَمَرِ، وَالْأَكْلُ عَلَى الشَّعِيعِ، وَالْمَعْرُوفُ إِلَى مَنْ

لَيْسَ بِأَهْلِهِ. [۲۳۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۹۹

۱۳۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با دست چپ بخورد، شیطان نیز همراه با او می‌خورد و هر کس با دست چپ بنوشد، شیطان نیز همراه با او می‌نوشد.

۱۳۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با دست چپ نخورید؛ چرا که شیطان با دست چپ می‌خورد.

## ۵ / ۱۷ پرهیز از خوردن پس از سیری

۱۳۵۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام: ای علی! چهار چیز، هدر می‌رود: خوردن پس از سیری، افروختن چراغ در شب مهتابی، کاشتن در شوره‌زار، و نیکی کردن به کسی که شایسته آن نیست.

۱۳۵۱. امام صادق علیه السلام: چهار چیز، هدر می‌رود: بذر در شوره‌زار، چراغ در شب مهتابی، خوردن پس از سیری، و نیکی به کسی که شایسته آن نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۰

۱۳۵۲. عنه علیه السلام: ثَلَاثَةٌ فِيهِنَّ الْمَقْتُ مِنَ اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ: نَوْمٌ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ، وَ ضِحْكٌ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ، وَ أَكْلٌ عَلَى الشَّبَعِ. [۲۳۸] راجع: ج ۲، ص ۶۴ (مضار الأكل على الشبع). ج ۲، ص ۸۴ (الأكل بعد الجوع والشهية).

۱۸ / ۵

اجتنابُ أكلِ الطَّعامِ الحارِّ

۱۳۵۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِيَّاكُمْ وَ الطَّعَامَ الحارَّ! فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالبَرَكَةِ، وَ عَلَيْكُمْ بِالبارِدِ؛ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَ أعْظَمُ بَرَكَةً. [۲۳۹]

۱۳۵۴. عنه صلی الله علیه و آله: بَرِّدُوا طَعَامَكُمْ يُبَارِكْ لَكُمْ فِيهِ. [۲۴۰]

۱۳۵۵. عنه صلی الله علیه و آله: أَبْرِدُوا الطَّعَامَ الحارَّ؛ فَإِنَّ الطَّعَامَ الحارَّ غَيْرُ ذِي بَرَكَةٍ. [۲۴۱]

۱۳۵۶. عنه صلی الله علیه و آله: أَبْرِدُوا طَعَامَكُمْ؛ فَإِنَّهُ أعْظَمُ لِلبَرَكَةِ. [۲۴۲]

۱۳۵۷. شُعبُ الإیمان عن صُهَيْبٍ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَنْ أَكْلِ الطَّعَامِ الحارِّ،

حَتَّى يَسْكُنَ. [۲۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۱

۱۳۵۲. امام صادق علیه السلام: در سه چیز، ناخشنودی خداوند عز و جل است: خفتن بدون بیداری کشیدن [و احساس نیاز به خواب، خندیدن بدون شگفتی، و خوردن پس از سیری.

ر. ک: ج ۲، ص ۶۵ (خوردن غذا به هنگام گرسنگی و اشتها). ج ۲، ص ۸۵ (زیان‌های خوردن، پس از سیری).

## ۱۸ / ۵ پرهیز از خوردن غذای داغ

۱۳۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از غذای داغ حذر کنید؛ چرا که برکت را از میان می‌برد، و بر شما باد غذای سرد؛ چرا که گواراتر و پُربرکت‌تر است.

۱۳۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غذایان را سرد کنید تا در آن به شما برکت داده شود.

۱۳۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غذای داغ را سرد کنید؛ چرا که غذای داغ، بی‌برکت است.

۱۳۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غذایان را سرد کنید؛ زیرا آن پُربرکت‌تر است.

۱۳۵۷. شُعبُ الإیمان به نقل از صُهَيْبٍ: پیامبر خدا از خوردن غذای داغ، تا

هنگامی که داغی آن فرو نشیند، نهی فرمود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۲

۱۳۵۸. الإمام علی علیه السلام: أَقْرُوا الحارَّ حَتَّى يَبْرُدَ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله قُرِبَ إِلَيْهِ طَعَامٌ حارٌّ، فَقَالَ: أَقْرُوهُ حَتَّى يَبْرُدَ.

مَا كَانَ اللَّهُ عِزٌّ وَ جَلٌّ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ، وَ البَرَكَةُ فِي البَارِدِ. [۲۴۴]

۱۳۵۹. الإمام الصادق علیه السلام: اتَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله بِطَعَامٍ حارٌّ، فَقَالَ:

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُطْعِمْنَا النَّارَ، نَحْوَهُ حَتَّى يَبْرُدَ. فَتَرِكَ حَتَّى بَرَدَ. [۲۴۵]

۱۳۶۰. عنه عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَى بِطَعَامٍ حَارًّا جَدًّا، فَقَالَ:

مَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيُطْعِمَنَا النَّارَ، أَقْرَبُ حَتَّى يَبْرُدَ وَ يُمَكِّنَ؛ فَإِنَّهُ طَعَامٌ مَمْحُوقُ الْبَرَكَهَةِ وَ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبٌ. [۲۴۶]

۱۳۶۱. المحاسن عن عائذ بن حبيب بناع الهروي: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاتَيْنَا بِتَرِيدٍ، فَمَدَدْنَا أَيْدِينَا إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ حَارٌّ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نُهِنَا عَنِ أَكْلِ النَّارِ، كُفُّوا فَإِنَّ الْبَرَكَهَةَ فِي بَرْدِهِ. [۲۴۷]

راجع: ج ۲، ص ۸۶ (أكل الطعام الساخن قبل أن يبرد).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۳

۱۳۵۸. امام علی علیه السلام: [غذای داغ را بگذارید تا سرد شود؛ چرا که نزد پیامبر خدا غذایی داغ آوردند و ایشان فرمود: «آن را

بگذارید تا سرد شود. چنین نیست که خداوند عز و جل آتش را خوراکیمان کرده باشد و نیز برکت، در [غذای سرد است].»

۱۳۵۹. امام صادق علیه السلام: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی داغ آوردند. فرمود: «خداوند، آتش را خوراکیمان نکرده است.

کنارش بگذارید تا سرد شود». پس آن را وا گذاشتند تا سرد شد.

۱۳۶۰. امام صادق علیه السلام: برای پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی بسیار داغ آوردند. فرمود: «چنین نیست که خداوند، آتش را

خوراکیمان کرده باشد. آن را در جایی بگذارید تا سرد شود و [جوشش آن] آرام بگیرد؛ چرا که غذای داغ، برکت ندارد و شیطان

را در آن بهره‌ای است.»

۱۳۶۱. المحاسن به نقل از عائذ بن حبيب: نزد امام صادق علیه السلام بودیم. برایمان تریدی آوردند. دستان خود را به سوی آن

دراز کردیم و دیدیم که داغ است. در این هنگام، امام صادق علیه السلام فرمود: «ما از خوردن آتش، نهی شده‌ایم. دست بردارید؛

چرا که برکت در سرد شدن آن است.»

ر. ک: ج ۲، ص ۸۷ (خوردن غذای گرم، پیش از سرد شدن).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۴

۱۹ / ۵

اجْتِنَابُ الْأَكْلِ عَلَى الْجَنَابَةِ إِلَّا مَعَ الْوُضُوءِ

۱۳۶۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: حَمَسُ خِصَالٍ تَوْرَثُ الْبَرَصَ: النَّوْرَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ، وَ التَّوَضُّؤُ وَ الْاِغْتِسَالُ بِالْمَاءِ

الَّذِي تُسَخِّنُهُ الشَّمْسُ، وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجَنَابَةِ، وَ غِشْيَانُ الْمَرَأَةِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهَا، وَ الْأَكْلُ عَلَى الشُّبْعِ. [۲۴۸]

۱۳۶۳. سنن النسائي عن عائشة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَنَامَ وَ هُوَ جُنْبٌ تَوَضَّأَ، وَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَأْكُلَ غَسَلَ

يَدَيْهِ. [۲۴۹]

۲۰ / ۵

اجْتِنَابُ النَّوْمِ بَعْدَ الطَّعَامِ

۱۳۶۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَذْيَبُوا طَعَامَكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ وَ الصَّلَاةِ، وَ لَا تَنَامُوا عَلَيْهِ فَتَقْسُو قُلُوبَكُمْ. [۲۵۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۵

### ۱۹ / ۵ پرهیز از خوردن در حالت جنابت، مگر با وضو

۱۳۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز، بیسی می‌آورد: نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه؛ وضو گرفتن و غسل کردن

با آبی که در آفتاب، گرم شده است؛ خوردن در حال جنابت؛ نزدیکی با زن در دوره قاعدگی‌اش؛ و خوردن در حال سیری.

۱۳۶۳. سنن النسائی به نقل از عایشه: پیامبر خدا، چون در حال جنابت قصد خفتن داشت، وضو می‌ساخت و چون قصد خوردن داشت، دستان خویش می‌شست.

### ۲۰/۵ پرهیز از خفتن، بلافاصله پس از خوردن غذا

۱۳۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غذایتان را با یاد خدا و نماز، ذوب (هضم) کنید و بر آن مخواستید، که دل‌هایتان سخت می‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۶

### توضیح

مستدرک الوسائل، روایتی مرسل از کتاب التعریف نقل کرده که در آن آمده است:

خفتن پس از غذا، غذا را هضم می‌کند و خوشگوار می‌سازد.

این روایت با روایت پیشین، تعارضی ندارد؛ زیرا آن روایت می‌گوید: خفتن پس از غذا، دل را سخت می‌کند؛ امّا این روایت می‌گوید: غذا را هضم می‌کند، با این توضیح که امکان دارد چیزی، هم زمینه سنگ‌دلی را فراهم آورد و هم هضم‌کننده غذا باشد. افزون بر این، چنان که به نظر می‌رسد، مقصود از روایت اینجا، «خفتن شبانه پس از غذا» است، به خلاف روایت مستدرک الوسائل که ناظر به «خواب نیم‌روزی» است، چنان که در ص ۹۵ ذیل عنوان «به پشت دراز کشیدن پس از غذا» گذشت.

به هر روی، در سند هر دو روایت، اشکال شده است، هر چند که ظاهراً روایت این جا به صحت، نزدیک‌تر است.

ر. ک: ج ۱، ص ۳۵۳ (سلامت دهان و دندان/ خلال کردن). ج ۱، ص ۳۶۵ (مضمضه و استنشاق کردن). ج ۱، ص ۳۶۷ (مسواک).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۷

### رهنمودهای اسلام درباره خوردن

### اشاره

رعایت دستورهای بهداشتی در خوردن و آشامیدن، یکی از مهم‌ترین عوامل سلامت، شادابی و طول عمر است. اگر مردم بدانند که چه باید بخورند، چه اندازه بخورند و چگونه بخورند و نیز دانسته خود را به کار ببندند، بی‌تردید، بیشتر بیماری‌ها از جامعه بشری رخت برخواهد بست و انسان‌ها لذت و طراوت زندگی را خواهند چشید.

نخستین نکته برای رعایت دستورهای بهداشتی درباره خوردن، توجه به این حقیقت است که در نظام آفرینش، «خوردن»، ابزاری برای زندگی است، نه آنکه زندگی، ابزاری برای خوردن؛ چنان که در حکمتی منسوب به امام علی علیه السلام آمده است:

لَا تَطْلُبُ الْحَيَاةَ لِتَأْكُلَ، بَلِ اطْلُبِ الْأَكْلَ لِتَحْيَا؛

زندگی را برای خوردن نخواه؛ بلکه خوردن را برای زندگی بخواه.

بسیاری از مردم اگر نگوئیم بیشتر آنان سلامت، شادابی و زندگی خود را فدای شکم خود می‌کنند. از این رو، هیچ‌گاه به فکر این نیستند که چه بخورند، چگونه بخورند و چه اندازه بخورند. پس، هر چه را مزه بهتری دارد، به هر اندازه که میل دارند و به هر شکلی که پیش بیاید، مصرف می‌کنند و بدین‌سان، گرفتار انواع بیماری‌ها می‌شوند، چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ غَرَسَ فِي نَفْسِهِ مَحَبَّةَ أَنْوَاعِ الطَّعَامِ، اجْتَنَى ثِمَارَ فُنُونِ الْأَسْقَامِ؛

هر کس در دل خود، درخت علاقه به انواع غذاها را بکارد، میوه گونه‌های ناتن‌درستی را می‌چیند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۸

رهنمودهای اسلام در این زمینه، فوق‌العاده مهم و ارزشمندند و با در نظر گرفتن عصر صدور آنها، معجزه علمی پیشوایان دین، محسوب می‌شوند. در این باره، توجه به دو نکته، دارای اهمیت است:

۱. رهنمودهای اسلام درباره خوردن، تنها سلامت جسم را تضمین نمی‌کنند؛ بلکه تضمین‌کننده سلامت هم جسم و هم جان انسان هستند.

۲. از آن جا که عقل و علم، بر همه رازهای آفرینش احاطه ندارند، چه بسا حکمت برخی از رهنمودهای اسلام برای دانش امروز، مجهول باشد؛ ولی بی‌تردید، این، به معنای بی‌دلیل بودن آن رهنمودها نیست، چنان که فلسفه شماری از احکام اسلام، در گذشته مجهول بود و امروزه علم به راز آنها پی برده است.

و اینک، اشاره‌ای کوتاه به آن رهنمودها:

### یک. مهم‌ترین رهنمود

نخستین و مهم‌ترین رهنمود اسلام درباره مواد غذایی مورد مصرف، این است که «حلال» باشند، بدین معنا که:

اولاً: آنچه انسان مصرف می‌کند، باید از راه مشروع، تهیه شده باشد. غذایی که از راه نامشروع و تجاوز به حقوق دیگران تهیه گردد، هر چند ممکن است برای سلامت جسم، ضرر نداشته باشد؛ اما بی‌تردید برای سلامت روان، زیانبار است. ثانیاً: غذای انسان باید از «طبیات (آنچه پاک است)» تهیه شده باشد. بر اساس این رهنمود، انسان نباید غذاهایی را که طبع توده مردم، از آن نفرت دارد، یا اسلام، خوردن آن را ممنوع دانسته (مانند: گوشت مردار یا گوشت حیوانات حرام گوشت) مصرف کند، هر چند که تجاوز به حقوق دیگران نباشد.

ثالثاً: غذا برای کسی که مصرف‌کننده است، نباید زیانبار باشد. توضیح، این که: ممکن است غذایی، برای یک نفر مفید باشد؛ اما برای دیگری، به دلیل

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۰۹

آنکه بیمار است، زیانبار باشد.

رابعاً: غذا برای جان انسان و یا جامعه نباید مفسده داشته باشد. توضیح، این که: ممکن است غذایی حلال باشد و برای جسم هم زیانبار نباشد، لیکن چگونگی مصرف آن، برای جان و یا جامعه مفسده داشته باشد (مانند: غذا خوردن در ظروف طلا و نقره، یا غذا خوردن از سفره‌ای که مشروبات الکلی در آن قرار دارد). خوردن این گونه غذاها نیز در اسلام، ممنوع شناخته شده است.

### دو. دو وعده غذا خوردن در شبانه‌روز

در روایات اسلامی، برای تداوم سلامت و شادابی انسان، خوردن دو وعده غذا در صبح و شام، توصیه شده است. اهل بهشت نیز که در دار السلام، جاوید هستند، در همین دو وعده، غذا می‌خورند: «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» [۲۵۱] و در بهشت، هر صبح و شام، روزی آنان آماده است.

### سه. توصیه به کم‌خوری

پیشوایان دین، ضمن تأکید بر کم‌خوری، منافع فراوانی برای آن ذکر کرده‌اند؛ مانند: تداوم سلامت بدن، صفای اندیشه، نورانیت دل، رهایی از دام شیطان، بهره‌گیری از ملکوت هستی، نزدیکی به خداوند متعال و استفاده بهتر از عبادت پروردگار.

### چهار. خطر پُرخوری

بر عکس، پُرخوری، از منظر احادیث، به شدت نکوهیده است. پُرخوری، از سلامت می‌کاهد، و شهوت را می‌افزاید، بدن را بدبو می‌کند و زمینه را برای انواع بیماری‌های جسمی و روحی، فراهم می‌سازد. پُرخوری، جوهر نفَس را تباه دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۰ می‌کند، به نیروی تقوا (پرهیزگاری) و ورع (خویشتن‌داری) ضربه می‌زند، حجاب تیزهوشی است، و دل را سخت و تاریک می‌سازد. شخص پُرخور، خواب‌های آشفته می‌بیند و هنگام عبادت، احساس کسالت می‌نماید. از این رو، عبادتش اندک است و از بساط قُرب حضرت حق، دور. و سرانجام، سیری در دنیا، موجب گرسنگی در آخرت خواهد شد.

### پنج. مقدار خوراک مفید

برای پیشگیری از زیان‌های پُرخوری و بهره‌گیری از منافع کم‌خوری، پیشوایان اسلام توصیه کرده‌اند که انسان، پیش از آن هنگام که اشتها دارد، چیزی نخورد و قبل از آن که اشتهاش کاملاً از بین رفته، از خوردن، دست بکشد: «كُلْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي، وَ أَمْسِكْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي».

### شش. برترین خوراکی و بهترین سفره

از منظر روایات اسلامی، برترین غذاها، غذایی است که دارای چند ویژگی باشد: اول، آن که: از دست‌رنج خود فرد، تهیه شده باشد؛ دوم، آنکه: خانواده او آن را دوست داشته باشند؛ سوم، این که: بوی آن، موجب آزار دیگران نباشد. بهترین سفره‌ها نیز پاکیزه‌ترین، حلال‌ترین و ساده‌ترین آنهاست؛ سفره‌ای که انواع غذاهای رنگارنگ و گران‌قیمت که اهل بیت علیهم السلام از مصرف آنها به خدا پناه می‌بردند بر آن چیده نشده باشد.

### هفت. آداب سفره



آدابی که پیشوایان اسلام برای حضور بر سر سفره غذا توصیه کرده‌اند، عبارت‌اند از: بودن سبزیجات در سفره، شستن دست‌ها و خشک نکردن آنها با حوله، در آوردن کفش‌ها، نشستن بر سر سفره با فروتنی، گرمی داشتن نان، سهم کردن ناظر (اعم از انسان و حیوان) در غذا و آخرین ادب، صدقه دادن از آن غذا و یا همانند آن.

## هشت. آداب غذا خوردن

- آداب غذا خوردن، به چند بخش، تقسیم می‌شود:
- بخش اول. مواردی که باید هنگام خوردن غذا رعایت شوند و آنها عبارت‌اند از:
- الف. تدبیر در این که انواع خوراکی‌های مورد نیاز انسان، چگونه در نظام آفرینش پدید آمده‌اند؟ و چه عواملی دست به دست هم داده‌اند تا آنچه در سفره نهاده شده، آماده گردد که اکنون می‌توان با میل و اشتها از آن استفاده نمود.
- ب. آغاز کردن خوردن با نام و یاد آفریدگار مهربان که انواع غذاهای مفید را برای تأمین نیازهای انسان، در نظام آفرینش قرار داد. نیز تکرار نام خدا به هنگام خوردن هر نوع غذا، و تکرار آن هرگاه که در میان غذا خوردن، سخن گفته شود، و همچنین شکرگزاری فراوان در هنگام خوردن.
- ج. آغاز کردن غذا با نمک، [۲۵۲] البته در صورتی که خوردن نمک برای انسان ضرر نداشته باشد.
- د. آغاز کردن از سبک‌ترین غذاها.
- ه. نخوردن غذای داغ و خوردن غذای نیم‌گرم، پیش از آن که سرد شود.
- و. خوردن با دست راست.
- ز. کوچک گرفتن لقمه.
- ح. خوب جویدن غذا.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۲
- ط. طولانی کردن نشستن بر سر سفره.
- ی. گرمی داشتن نان و نگذاشتن آن زیر ظرف غذا.
- ک. استفاده کردن از آنچه از سفره می‌ریزد. این، برای وقتی است که غذا در منزل میل می‌شود، آن هم در صورتی که آلوده نشده باشد؛ ولی اگر کسی در صحرا غذا میل نمود، بهتر است که آنچه را از سفره می‌ریزد، برای حیوانات بگذارد.
- ل. دست کشیدن از خوردن غذا، پیش از سیر شدن کامل و در حالی که قدری از اشتها باقی است.
- بخش دوم. اموری که هنگام غذا خوردن، ترک آنها شایسته است، و آنها عبارت‌اند از:
- الف. زیاده‌روی در کیفیت و کمیت خوراک.
- ب. نکوهش غذایی که نسبت به آن بی‌میل است.
- ج. دمیدن در غذا.
- د. خوردن با دست چپ.
- ه. خوردن با یک انگشت یا دو انگشت.
- و. بلند آروغ زدن.

ز. پاک کردن زیاد استخوان‌ها.

ح. آب خوردن در میان غذا.

ط. آب خوردن، پس از خوردن گوشت.

ی. خوردن، در حال سیری.

بخش سوم. حالاتی که غذا خوردن در آنها نکوهیده است.

در اسلام، به طور کلی، میل کردن غذا در حالات غیر بهداشتی، یا به شیوه غیر اخلاقی (مانند: غذا خوردن به شیوه متکبران) و یا به گونه‌ای که عرف جامعه

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۳

برنمی‌تابد، نکوهیده است و آنچه در روایات این بخش آمده (مانند: نهی از غذا خوردن در حال: «تکیه زده»، «خوابیده بر شکم»، «دراز کشیده»، «ایستاده»، و در حال «راه رفتن» و یا «جنابت»، در صورتی است که با یکی از این عناوین، منطبق گردد.

بخش چهارم. توصیه به هم‌غذا شدن با دیگران.

در روایات اسلامی، غذا خوردن به تنهایی، مذموم شناخته شده و توصیه شده که انسان هر قدر می‌تواند، دیگران را در غذای خود سهیم نماید. نیز غذا خوردن با خانواده، خدمت‌گزاران و یتیمان، مورد تأکید قرار گرفته است.

آدابی که رعایت آنها به هنگام غذا خوردن با دیگران، ضروری است، عبارت‌اند از:

الف. خوردن از قسمت جلوی خود.

ب. خوردن از اطراف ظرف و نه از وسط آن، در جایی که غذا برای همگان آماده شده است.

ج. نگاه نکردن به لقمه دیگران.

د. رعایت حقوق دیگران در آنچه بر سر سفره است.

ه. آغاز شدن غذا خوردن به‌وسیله صاحب سفره یا بهترین شخص حاضر بر سر سفره.

و. ادامه دادن صاحب سفره به خوردن، تا سیر شدن همه کسانی که بر سر سفره نشسته‌اند.

ز. بلند شدن از سر سفره، قبل از برچیدن آن.

### نُه. آداب پایان غذا و برچیدن سفره

پایان غذا خوردن همانند آغاز آن، آدابی دارد که رعایت آنها برای سلامت جسم و جان، سودمند است. این آداب را به آداب عرفانی، اجتماعی و بهداشتی

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۴

می‌توان تقسیم کرد:

الف. آداب عرفانی، عبارت‌اند از: سپاس‌گزاری از ولی نعمت حقیقی (که خداوند متعال است) و دعا کردن برای برکت یافتن روزی.

ب. آداب اجتماعی، عبارت‌اند از: یادآوری گرسنگان و مسئولیتی که افراد سیر در برابر آنان دارند، و اقدام جهت کاستن فقر و گرسنگی از جامعه در حدّ توان.

ج. آداب بهداشتی، عبارت‌اند از: شستن دست‌ها، خلال کردن و مسواک زدن دندان‌ها، تمیز کردن آنچه زیر سفره ریخته است،

مقداری استراحت بر پشت، و نخوابیدن بلافاصله پس از خوردن غذا.

## ده. آداب خوردن گوشت و میوه

### اشاره

خوردن گوشت و میوه از منظر روایات اسلامی، آداب ویژه‌ای دارد که اجمالاً به آنها اشاره می‌کنیم:

### یکم. آداب خوردن گوشت

- الف. انتخاب گوشت جلوی بدن، بویژه سردست.
- ب. شستن گوشت، قبل از پختن.
- ج. تکه تکه کردن گوشت به وسیله دندان به هنگام خوردن و تکه نکردن آن با چاقو.
- د. نخوردن گوشت خشکیده نمک‌سود.
- ه. نخوردن گوشت خام.
- و. خوردن گوشت، سه روز یک‌بار، یا هفته‌ای یک‌بار، و ترک نکردن آن برای حدّ اکثر چهل روز، و پرهیز از خوردن آن در هر روز.
- ز. پرهیز از پاک کردن کامل استخوان و خوردن مغز قلم.

### دوم. آداب خوردن میوه

- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۵
  - الف. شستن میوه با آب.
  - ب. یاد خدا به هنگام خوردن آن.
  - ج. خواندن دعای ویژه به هنگام دیدن میوه نوبر.
  - د. خوردن میوه در آغاز فصل آن، و نخوردن آن در اواخر فصلش.
  - ه. خوردن میوه با پوست آن.
- آنچه ملاحظه شد، خلاصه‌ای از رهنمودهای ارزشمندی است که در احادیث اسلامی درباره خوردن برای تأمین سلامت جسم و جان، آمده است. گفتنی است در این دانش‌نامه، تنها احادیثی را آورده‌ایم که ارتباط نزدیک‌تری با بهداشت جسم دارند. کسانی که مایل هستند با همه روایاتی که درباره آداب خوردن وارد شده است، آشنا شوند، می‌توانند به موسوعه میزان الحکمه [۲۵۳] (جلد اول، کلمه «أکل») مراجعه نمایند.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۶

الفصل السادس: آداب أكل اللحم

اختیارُ الذَّرَاعِ أَوْ الْمَقَادِيمِ

۱۳۶۵. الإمام علی علیه السلام: كَانَ أَحَبَّ الشَّأِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الذَّرَاعُ. [۲۵۴]

۱۳۶۶. الإمام الباقر علیه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعْجِبُهُ الذَّرَاعُ. [۲۵۵]

۱۳۶۷. مسند ابن حنبل عن يحيى بن أبي إسحاق عن رجل من بنى غفار: حَدَّثَنِي فُلَانٌ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اتَى بِطَعَامٍ

مِنْ خُبْزٍ وَ لَحْمٍ، فَقَالَ: «نَاوِلْنِي الذَّرَاعَ» فَنَوَّلَ ذِرَاعًا فَأَكَلَهَا.

قَالَ يَحْيَى: لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا هَكَذَا.

ثُمَّ قَالَ: «نَاوِلْنِي الذَّرَاعَ» فَنَوَّلَ ذِرَاعًا فَأَكَلَهَا... [۲۵۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۷

## فصل ششم: آداب خوردن گوشت

### ۱ / ۶ انتخاب سردست یا قسمت های جلو

۱۳۶۵. امام علی علیه السلام: دوست داشتنی ترین عضو گوسفند برای پیامبر صلی الله علیه و آله، سردست بود.

۱۳۶۶. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا، سردست را خوش می داشت.

۱۳۶۷. مسند ابن حنبل به نقل از یحیی بن ابی اسحاق، از مردی از بنی غفار: فلان کس برایم نقل کرد که برای پیامبر خدا، غذایی از

نان و گوشت آوردند. فرمود: «سردست آن را به من بده». سردست، به ایشان داده شد و ایشان آن را خورد.

یحیی می گوید: از این خبر فقط به همین صورت، آگاهی دارم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۸

۱۳۶۸. الإمام الصادق علیه السلام: سَمَّتِ الْيَهُودِيَّةُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي ذِرَاعٍ. وَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُحِبُّ الذَّرَاعَ وَ

الْكَيْفَ، وَ يَكْرَهُ الْوَرَكَ، لِقُرْبِهَا مِنَ الْمَبَالِ. [۲۵۷]

۱۳۶۹. دعائم الإسلام: عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ كَانَ يُحِبُّ اللَّحْمَ وَ يَقُولُ: إِنَّا مَعَشَرَ قُرَيْشٍ لَحَمِيُونَ.

وَ كَانَتْ الذَّرَاعُ مِنَ اللَّحْمِ تُعْجِبُهُ، وَ اهْدَيْتَ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَاءَ فَأَهْوَى إِلَى الذَّرَاعِ، فَنَادَتْهُ إِنِّي مَسْمُومَةٌ!

وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَأْكُلُ الْجَزْوَرَ إِلَّا مُؤْمِنٌ. [۲۵۸]

۱۳۷۰. الإمام الرضا علیه السلام لِغُلَامِهِ: اشْتَرِ لَنَا مِنَ اللَّحْمِ الْمَقَادِيمَ وَ لَا تَشْتَرِ لَنَا الْمَآخِرَ؛ فَإِنَّ الْمَقَادِيمَ أَقْرَبُ مِنَ الْمَرَعَى، وَ أَبْعَدُ مِنَ

الْأَذَى. [۲۵۹]

۲ / ۶

غَسَلَ اللَّحْمَ قَبْلَ طَبْخِهِ

۱۳۷۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَرَّ أَخِي عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَدِينَةٍ فَإِذَا وَجَّهَهُمْ صُفْرًا وَ عُيُونَهُمْ زُرْقًا، فَشَكُوا إِلَيْهِ مَا بِهِمْ مِنَ

الْعِلَلِ.

فَقَالَ: دَوَاؤُكُمْ مَعَكُمْ، أَنْتُمْ إِذَا أَكَلْتُمْ اللَّحْمَ طَبَخْتُمُوهُ غَيْرَ مَغْسُولٍ، وَ لَيْسَ يَخْرُجُ شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا بِجَنَابَةٍ.

فَغَسَلُوا بَعْدَ ذَلِكَ لِحْمَهُمْ فَذَهَبَتْ أَمْرَاهُمْ. [۲۶۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۱۹

۱۳۶۸. امام صادق علیه السلام: آن زن یهودی، پیامبر صلی الله علیه و آله را با زهری که در سردست نهاده بود، مسموم کرد. پیامبر

صلی الله علیه و آله، دست و شانه را دوست داشت و بُنِ ران را به دلیل نزدیک بودنش به پیشابگاه، دوست نداشت. ۱۳۶۹. دعائم الإسلام: درباره پیامبر خدا آورده‌اند که گوشت، دوست داشت و می‌فرمود: «ما قرشی‌ها، گوشتی هستیم»؛ امّا از گوشت‌ها، دست، خوشایند او بود.

یک بار، گوسفندی [ذبح شده به ایشان اهدا شد. ایشان، آهنگ برداشتن سردست کرد؛ امّا سردست، ایشان را چنین بانگ داد که: من زهر آگین هستم.

ایشان فرموده است: «جز مؤمن، گوشت شتر نمی‌خورد».

۱۳۷۰. امام رضا علیه السلام خطاب به غلام خود: در [خریدن گوشت برای ما، قسمت‌های جلو [ی لاشه را بخر و قسمت‌های عقب را نخر؛ زیرا بخش‌های جلو به چراگاه، نزدیک‌تر و از آفت، دورترند.

### ۶/۲ شستن گوشت پیش از پختن آن

۱۳۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برادرم عیسی، از شهری گذر کرد و دید که مردمش رنگ چهره‌هایشان زرد و چشم‌هایشان کبود است. آنان از بیماری‌هایی که داشتند، نزد وی اظهار ناراحتی کردند.

گفت: «درماتان همراهتان است. شما هنگامی که گوشت می‌خورید، آن را ناشسته می‌پزید، در حالی که هیچ چیزی بدون نوعی جنابت، از دنیا نمی‌رود».

از آن پس، گوشت‌های مصرفی خود را شستند و در نتیجه بیماری‌هایشان از میان رفت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۰

۳/۶

النَّهْسُ

۱۳۷۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: انْهَسُوا اللَّحْمَ نَهْسًا؛ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ. [۲۶۱]

۱۳۷۳. عنه صلی الله علیه و آله: قَرَّبِ اللَّحْمَ مِنْ فَيْكِكَ؛ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ. [۲۶۲]

۱۳۷۴. سنن أبی داوود عن صفوان بن امیة: كُنْتُ أَكُلُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخَذَ اللَّحْمَ بِيَدِي مِنَ الْعَظْمِ، فَقَالَ:

أَدِنِ الْعَظْمَ مِنْ فَيْكِكَ؛ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ. [۲۶۳]

۱۳۷۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: لَا تَقْطَعُوا اللَّحْمَ بِالسُّكَيْنِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ صَنِيعِ الْأَعَاجِمِ، وَانْهَسُوهُ؛

فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ. [۲۶۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۱

### ۶/۳ گرفتن گوشت با نوک دندان‌ها

۱۳۷۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوشت را کاملاً با نوک دندان‌ها بدرید؛ چرا که این، گواراتر و خوش‌مزه‌تر است.

۱۳۷۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوشت را به دهان، نزدیک کن؛ چرا که این، گواراتر و خوش‌مزه‌تر است.

۱۳۷۴. سنن أبی داوود به نقل از صفوان بن امیة: همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله [غذایی می‌خوردم. من با دستم پاره‌های گوشت را از استخوان، جدا می‌کردم. فرمود: «استخوان را به دهان نزدیک کن؛ چرا که این، گواراتر و خوش‌مزه‌تر است».

۱۳۷۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوشت را با چاقو نبرید؛ چرا که این کار، کار عَجْم‌هاست.

آن را به نرمی بدرید؛ چرا که گواراتر و خوش مزه تر است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۲

۱۳۷۶. عنه صلى الله عليه و آله: إذا أراد أخذكم أن يأكل اللحم فلا يقطع بالسكين، و لكن ليأخذه بيده فلينهشه فيه؛ فإنه أهنأ و أمرأ. [۲۶۵]

۴/۶

اجتنابُ أكلِ القديد

۱۳۷۷. الإمام الصادق عليه السلام: أربعة تُهرم قبل أوان الهرم: أكل القديد، و القعود على الندوة، و الصعود في الدرج، و مجامعة العجوز. [۲۶۶]

۱۳۷۸. عنه عليه السلام: ثلاثة يهدمن البدن و ربما قتلن: أكل القديد الغائب، و دخول الحمام على البطن، و نكاح العجائز. [۲۶۷]

۱۳۷۹. عنه عليه السلام: ثلاث يؤكلن و هن يهزلن... اللحم اليابس، و الجبن، و الطلع. [۲۶۸]

۱۳۸۰. عنه عليه السلام: اثنان يضران من كل شيء و لا ينفعان من شيء... فاللحم اليابس، و الجبن. [۲۶۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۳

۱۳۷۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی از شما بخواد گوشت بخورد، آن را با چاقو تبرد؛ بلکه با دست بگیرد و با دندان بدرد و جدا کند؛ چرا که این، گواراتر و خوش مزه تر است.

#### ۴/۶ پرهیز از خوردن گوشت خشکیده نمکسود

۱۳۷۷. امام صادق علیه السلام: چهار چیز، [انسان را] پیش از فرا رسیدن هنگام پیری، پیر می کند: خوردن گوشت خشک شده، نشستن بر جای مرطوب، بالا رفتن از پلکان، و آمیزش با پیرزنان.

۱۳۷۸. امام صادق علیه السلام: سه چیز، بدن را فرسوده می کند و شاید هم بکشد: خوردن گوشت خشکیده فاسد، حمام رفتن با شکم پر، و همبستری با پیرزنان.

۱۳۷۹. امام صادق علیه السلام: سه نوع از خوردنی ها، موجب لاغری است: گوشت خشک شده، پنیر، و شکوفه خرما.

۱۳۸۰. امام صادق علیه السلام: دو چیز است که از هر جهت، زیان دارد و برای هیچ چیز، فایده ای ندارد...: گوشت خشک شده و پنیر.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۴

۱۳۸۱. الإمام الهادی عليه السلام: القديد لحم سوء؛ لأنه يسترخى في المعدة، و يهيج كل داء، و لا ينفع من شيء، بل يضرة. [۲۷۰]

۱۳۸۲. الكافي عن محمد بن عيسى عن الإمام الهادی عليه السلام: ما أكلت طعاماً أبقى ولا أهيج للداء من اللحم اليابس يعنى القديد. [۲۷۱]

راجع: ج ۱، ص ۱۰۴، ح ۱۰۷.

۵/۶

اجتنابُ أكلِ اللحمِ النيءِ

۱۳۸۳. الإمام الباقر عليه السلام: إن رسول الله صلى الله عليه و آله نهى أن يؤكل اللحم غريضاً، و قال: إنما تأكله السباع، و لكن حتى تغيرة الشمس أو النار. [۲۷۲]

۱۳۸۴. الكافي عن هشام بن سالم: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن أكل لحم النيء [۲۷۳]، فقال: هذا طعام السباع. [۲۷۴]

۱۳۸۵. الإمام الرضا عليه السلام: أكل اللحم النّيء يورث الدود في البطن. [۲۷۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۵

۱۳۸۱. امام هادی علیه السلام: گوشت خشکیده نمک سود، بد چیزی است؛ زیرا در معده شل می شود، هر بیماری ای را تحریک می کند و برای هیچ چیزی سودمند نیست؛ بلکه زیان هم دارد.

۱۳۸۲. الکافی به نقل از محمد بن عیسی، از امام هادی علیه السلام: هیچ خوراکی را سنگین تر و بیماری آورتر از گوشت خشک شده نخورده ام.

ر. ک: ج ۱، ص ۱۰۵، ح ۱۰۷.

### ۶/۵ نهی از خوردن گوشت خام

۱۳۸۳. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا، از این که گوشت، خام خورده شود، نهی کرد و فرمود: «تنها درندگان، چنین گوشتی می خورند.» [گوشت را] هنگامی بخورید که آفتاب یا آتش، آن را دیگرگون ساخته باشد.

۱۳۸۴. الکافی به نقل از هشام بن سالم: از امام صادق علیه السلام درباره خوردن گوشت خام پرسیدم. فرمود: «این، خوراک درندگان است.»

۱۳۸۵. امام رضا علیه السلام: خوردن گوشت خام، در شکم، کرم پدید می آورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۶

۶/۶

اجتناب إدمان أكل اللحم

۱۳۸۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: من أكل اللحم أربعين صباحاً قسا قلبه. [۲۷۶]

۱۳۸۷. الإمام علي عليه السلام: لا تجعلوا بطونكم مقابر الحيوان. [۲۷۷]

۱۳۸۸. الإمام الصادق عليه السلام: كان علي عليه السلام يكره إدمان اللحم و يقول: إن له ضراوة كضراوة الخمر. [۲۷۸]

۱۳۸۹. ربيع الأبرار: في الحديث: من داوم على اللحم أربعين يوماً قسا قلبه، و من تركه أربعين يوماً ساء خلقه. [۲۷۹]

۷/۶

وَجَبَتْ أَكْلِ اللَّحْمِ

۱۳۹۰. الإمام الصادق عليه السلام: كلوا اللحم في كل أسبوع، ولا تعودوه أنفسكم و أولادكم؛ فإن له ضراوة كضراوة الخمر، ولا تمنعوهم فوق الأربعين يوماً؛ فإنه يسيء أخلاقهم. [۲۸۰]

۱۳۹۱. المحاسن عن إدريس بن عبد الله: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فذكر اللحم، فقال: كل يوماً بلحم، و يوماً بلبن، و يوماً

بشيء آخر. [۲۸۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۷

### ۶/۶ پرهیز از اعتیاد به خوردن گوشت

۱۳۸۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس چهل روز گوشت بخورد، سنگ دل می شود.

۱۳۸۷. امام علی علیه السلام: شکم هایتان را گورستان جانوران نکنید.

۱۳۸۸. امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام عادت به خوردن گوشت را بد می‌شمرد و می‌فرمود: «آن را اعتیادی همچون اعتیاد به شراب است».

۱۳۸۹. ربیع الأبرار: در حدیث است که: «هر کس چهل روز پیوسته گوشت بخورد، سنگ‌دل می‌شود و هر کس چهل روز، آن را وا گذارد، بدخوی می‌گردد».

## ۶ / ۷ نوبت‌های خوردن گوشت

۱۳۹۰. امام صادق علیه السلام: در هر هفته، یک بار گوشت بخورید و خود و فرزندان را بدان عادت ندهید؛ زیرا موجب اعتیادی همچون اعتیاد به شراب می‌گردد. نیز آنان را بیش از چهل روز، از آن محروم مدارید؛ چرا که آنان را بدخوی می‌کند.

۱۳۹۱. المحاسن به نقل از ادريس بن عبد الله: نزد امام صادق علیه السلام بودم. از گوشت، سخن به میان آورد و فرمود: «[غذا را] یک روز با گوشت بخور، یک روز با شیر، و یک روز با چیزی دیگر».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۸

۸ / ۶

عَدَمُ تَرْكِ أَكْلِ اللَّحْمِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا

۱۳۹۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، فَكُلُوا اللَّحْمَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ. [۲۸۲]

۱۳۹۳. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِاللَّحْمِ؛ فَإِنَّهُ يُنَبِّئُ اللَّحْمَ، وَ مَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ. [۲۸۳]

۱۳۹۴. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِاللَّحْمِ؛ فَإِنَّ اللَّحْمَ يُنَمِّي اللَّحْمَ، وَ مَنْ مَضَى لَهُ أَرْبَعُونَ صَبَاحًا لَمْ يَأْكُلْ لَحْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، وَ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ فَاطْعَمُوهُ اللَّحْمَ، وَ مَنْ أَكَلَ شَحْمَةً أَنْزَلَتْ مِثْلَهَا مِنَ الدَّاءِ. [۲۸۴]

۱۳۹۵. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِاللَّحْمِ؛ فَإِنَّهُ مَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، وَ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ، وَ مَنْ عَذَّبَ نَفْسَهُ فَأَذَّنُوا فِي أُذُنِهِ. [۲۸۵]

۱۳۹۶. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَتَى عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ، فَلَيْسَتْ قَرْضِ عَلَى اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ وَ لِيَأْكُلَهُ. [۲۸۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۲۹

## تکمله

شهید در الدروس گفته است:

مکروه بودن اعتیاد به خوردن گوشت، روایت شده است و نیز این که اعتیادی همچون اعتیاد به شراب می‌آورد. همچنین مکروه بودن نخوردن گوشت به مدت چهل روز و این که در هر سه روز یک بار خوردن آن، مستحب است، روایت شده است. البته اگر به دلیل بیماری یا به سبب روزه داشتن، دو هفته پیوسته گوشت بخورد، اشکالی ندارد. دو بار خوردن گوشت در یک روز هم مکروه است.

## ۶ / ۸ وا نگذارن گوشت به مدت چهل روز

۱۳۹۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس چهل روز گوشت نخورد، بدخوی می‌شود. گوشت بخورید؛ چرا که بر شنوایی می‌افزاید.



۱۳۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد گوشت؛ چرا که گوشت می‌رویاند. هر کس گوشت را چهل روز وا گذارد، بدخوی می‌شود.

۱۳۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد گوشت؛ چرا که گوشت، گوشت می‌رویاند. هر کس بر او چهل صبح بگذرد و گوشت نخورد، بدخوی می‌شود. هر کس بدخوی شد، به او گوشت بخورانید. هر کس چربی بخورد، آن چربی به اندازه خود برای او بیماری فرود می‌آورد.

۱۳۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد گوشت؛ چرا که هر کس گوشت را چهل روز وا گذارد، بدخوی می‌شود و هر کس بدخوی شود، خویش را می‌آزارد. هر کس خویش را می‌آزارد، در گوش وی اذان بگوید.

۱۳۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بر او چهل روز بگذرد و گوشت نخورد، باید به امید خداوند عز و جل وام بگیرد و گوشت [بخرد و] بخورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۰

۱۳۹۷. الإمام علی علیه السلام: کُلُوا اللَّحْمَ؛ فَإِنَّ اللَّحْمَ مِنَ اللَّحْمِ، وَاللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَ مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، وَإِذَا سَاءَ خُلُقٌ أَحَدِكُمْ مِنْ إِنْسَانٍ أَوْ دَابَّةٍ فَأَذِّنُوا فِي أُذُنِهِ الْأَذَانَ كُلَّهُ. [۲۸۷]

۱۳۹۸. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَرْمًا، وَإِنَّ قَرَمَ الرَّجُلِ اللَّحْمُ؛ فَمَنْ تَرَكَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، وَ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ فَأَذِّنُوا فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى. [۲۸۸]

۱۳۹۹. عنه عليه السلام: اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَ مَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، وَ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ فَأَذِّنُوا فِي أُذُنِهِ. [۲۸۹]

۱۴۰۰. عنه عليه السلام: اللَّحْمُ مِنَ اللَّحْمِ، مَنْ تَرَكَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، كُلُّهُ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَ الْبَصْرِ. [۲۹۰]

۱۴۰۱. عنه عليه السلام: اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَ مَنْ تَرَكَ أَكَلَهُ أَيَّامًا فَسَدَ عَقْلُهُ. [۲۹۱]

۱۴۰۲. الكافي عن الحسين بن خالد: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: إِنَّ مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ سَاءَ خُلُقُهُ.

فَقَالَ: كَذَبُوا، وَ لَكِنْ مَنْ لَمْ يَأْكُلِ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا تَغَيَّرَ خُلُقُهُ وَ بَدَنُهُ؛ وَ ذَلِكَ لِانْتِقَالِ النُّطْفَةِ فِي مِقْدَارِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا [۲۹۲].

[۲۹۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۱

۱۳۹۷. امام علی علیه السلام: گوشت بخورید؛ چرا که گوشت، از گوشت است و گوشت، گوشت می‌رویاند. هر کس چهل روز گوشت نخورد، بدخوی می‌شود. و اگر کسی از شما (خواه از انسان‌ها و خواه از چارپایان) بدخوی شد، در گوشش اذانی کامل بگوید.

۱۳۹۸. امام صادق علیه السلام: هر چیز را دل‌دادگی‌ای است و دل‌دادگی مرد، گوشت است. پس، هر که چهل روز آن را وا گذارد، بدخوی می‌شود. و هر کس بدخوی شد، در گوش راستش اذان بگوید.

۱۳۹۹. امام صادق علیه السلام: گوشت، گوشت می‌رویاند. هر کس گوشت را چهل روز وا گذارد، بدخوی می‌شود. و هر کس بدخوی شد، در گوشش اذان بگوید.

۱۴۰۰. امام صادق علیه السلام: گوشت، از گوشت است. هر کس آن را چهل روز وا گذارد بدخوی می‌شود. آن را بخورید؛ چرا که بر شنوایی و بینایی می‌افزاید.

۱۴۰۱. امام صادق علیه السلام: گوشت، گوشت می‌رویاند و عقل را افزون می‌سازد. هر کس آن را چند روز وا گذارد، عقلش تباہ می‌شود.

۱۴۰۲. الکافی به نقل از حسین بن خالد: به ابو الحسن (امام رضا علیه السلام) گفتم: مردم می گویند که هر کس سه روز گوشت نخورد، بدخوی می شود.

فرمود: «دروغ گفته اند؛ اما هر کس چهل روز گوشت نخورد، خوی و بدن او دیگرگون می شود؛ چرا که نطفه در مدت چهل روز [از حالتی به حالت دیگر] تغییر می یابد». [۲۹۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۲

۹ / ۶

عَدَمَ نَهَيْكَ الْعِظَامَ وَ أَكَلَ نُخَاعِهَا

۱۴۰۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: شِرَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ يَأْكُلُونَ مِخَاخَ الْعِظَامِ. [۲۹۵]

۱۴۰۴. عنه صلی الله علیه و آله: لَا تُمْشَشُوا مُشَاشَ الطَّيْرِ؛ فَإِنَّهُ يورِثُ السُّلَّ. [۲۹۶]

۱۴۰۵. الکافی عن الهيثم: صَيَعَ لَنَا أَبُو حَمْرَةَ طَعَامًا وَ نَحْنُ جَمَاعَةٌ، فَلَمَّا حَضَرْنَا رَأَى رَجُلًا يَنْهَكَ عِظْمًا فَصَاحَ بِهِ، فَقَالَ: لَا تَفْعَلْ، فَإِنِّي سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ:

لَا تَنْهَكُوا الْعِظَامَ؛ فَإِنَّ فِيهَا لِلْجِنِّ نَصِيبًا، وَ إِنْ فَعَلْتُمْ ذَهَبَ مِنَ الْبَيْتِ مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْ ذَلِكَ. [۲۹۷]

۱۴۰۶. المحاسن عن محمد بن مسلم، عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعِظْمِ أَنْهَكَهُ؟

قال: نَعَمْ. [۲۹۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۳

### ۹ / ۶ تمیز نکردن کامل استخوان و نخوردن مغز استخوان

۱۴۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بَدَانِ أُمَّتٍ مِنْ، كَسَانِي هَسْتَنْدَ كَه مَغْزِ اسْتِخْوَانِ رَا مِي خورند.

۱۴۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نَرَمَه سِر اسْتِخْوَانِ هَاي پَرِنْدِگان رَا مَخورید؛ چَرا كَه سِل مِي آورد.

۱۴۰۵. الکافی به نقل از هیثم: ابو حمزه برای ما که گروهی بودیم غذایی آماده ساخت. چون حضور یافتیم، دید که مردی استخوانی را کاملاً تمیز می کند. بر سر او بانگ زد و گفت: مکن! من از امام سجّاد علیه السلام شنیدم که می گوید: «استخوان ها را کاملاً تمیز نکنید؛ زیرا جنیان را هم در آنها بهره ای است و اگر چنین کنید، چیزی از خانه می رود که از این [بهره شما از تمیز کردن استخوان،] بهتر است».

۱۴۰۶. المحاسن به نقل از محمد بن مسلم، در گفتگو با امام باقر علیه السلام: از ایشان پرسیدم که: آیا استخوان را کاملاً تمیز کنم؟ فرمود: «آری».

### توضیح

این پاسخ، [تنها] بر جایز بودن تمیز کردن کامل استخوان دلالت می کند. بنا بر این، با مکروه بودن که روایت های پیشین بر آن دلالت می کردند، منافاتی ندارد.

ر. ک: ج ۲، ص ۴۶۹ (گوشت).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۴

١ / ٧

الغسلُ بالماءِ

١٤٠٧. الكافي عن فرات بن أحنف عن الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ لِكُلِّ ثَمَرَةٍ سِمًا؛ فَإِذَا أَتَيْتُمْ بِهَا فَمَسَّوْهَا بِالمَاءِ أَوْ اغْمِسُوهَا فِي المَاءِ، يَعْنِي اغْسِلُوهَا. [٢٩٩]

٢ / ٧

التَّسْمِيَةُ عِنْدَ الأَكْلِ

١٤٠٨. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَكَلَ الفَاكِهَةَ وَ بَدَأَ بِبِاسْمِ اللّهِ، لَمْ تَضُرَّهُ. [٣٠٠]

٣ / ٧

الدُّعَاءُ عِنْدَ رُؤْيِيهِ الفَاكِهَةِ الجَدِيدَةِ

١٤٠٩. تاريخ بغداد عن عائشة: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله كَانَ إِذَا أَتَى بِالبَاكُورَةِ مِنَ الفَاكِهَةِ وَ وَضَعَهَا عَلَى فِيهِ، ثُمَّ وَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: اللّهُمَّ كَمَا أَطَعَمْتَنَا أَوَّلَهُ، فَأَطْعِمْنَا آخِرَهُ. [٣٠١]  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ١٣٥

### فصل هفتم: آداب خوردن میوه

#### ١ / ٧ شستن میوه با آب

١٤٠٧. الكافي به نقل از فرات بن احنف، از امام صادق عليه السلام: «هر میوه‌ای را زهری است. پس اگر میوه آوردید، آبی به آن بزنید» یا «آن را در آب فرو ببرید» یعنی بشوید.

#### ٢ / ٧ بردن نام خدا به هنگام خوردن

١٤٠٨. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس میوه بخورد و این خوردن را با نام خدا آغاز کند، میوه به او زیانی نمی‌رساند.

#### ٣ / ٧ دعا کردن به هنگام دیدن میوه نوبر

١٤٠٩. تاریخ بغداد به نقل از عایشه: پیامبر صلى الله عليه و آله چون میوه‌ای نوبر می‌آوردند، آن را روی دهانش می‌نهاد و سپس روی چشمانش می‌گذاشت و می‌گفت: «خداوندا! چنان که آغاز این را به ما خوراندی، پایانش را هم به ما بخوران.»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ١٣٦

١٤١٠. الإمام علي عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا رَأَى الفَاكِهَةَ الجَدِيدَةَ قَبَّلَهَا وَ وَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: اللّهُمَّ كَمَا أَرَيْتَنَا أَوَّلَهَا فِي عَافِيَةٍ، فَأَرِنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ. [٣٠٢]

الْأَكْلُ فِي إِقْبَالِهَا وَالتَّرْكُ فِي إِدْبَارِهَا

۱۴۱۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْفَاكِهَةِ فِي إِقْبَالِهَا؛ فَإِنَّهَا مَصِيحَةٌ لِلْأَبْدَانِ مَطْرَدَةٌ لِلْأَحْزَانِ، وَ أَلْقُوها فِي إِدْبَارِهَا [۳۰۳]؛ فَإِنَّهَا دَاءُ الْأَبْدَانِ [۳۰۴]

۱۴۱۲. الدعوات: رُوِيَ... كُلِّ الْفَاكِهَةِ فِي إِقْبَالِ دَوْلَتِهَا، وَ أَفْضَلُهَا الرُّمَانُ وَ الْاِتْرُجُ. [۳۰۵]

تَرْكُ التَّقْشِيرِ

۱۴۱۳. الكافي: عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ تَقْشِيرَ التَّمْرَةِ. [۳۰۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۷

۱۴۱۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، چون میوه ای نو می دید، آن را می بوسید و بر روی چشمان و دهانش می نهاد و سپس می گفت: «خداوندا! چنان که آغاز این را در عافیت به ما نشان دادی، پایان آن را نیز در عافیت به ما بنمایان».

#### ۴ / ۷ خوردن هر میوه در آغاز فصلش و پرهیز از آن در پایان آن فصل

۱۴۱۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد میوه در هنگام روی کردنش؛ چرا که در این هنگام، مایه: سلامت تن و از میان رفتن اندوه است. نیز آن را در هنگام پشت کردن و گذارید؛ که در این هنگام، دردی برای تن است.

۱۴۱۲. الدعوات: روایت شده است که: «... میوه را در ایام دولتش بخور؛ و برترین میوه ها، انار و تریج است».

#### ۵ / ۷ جدا نکردن پوست میوه

۱۴۱۳. الكافي: از ابن القداح درباره امام صادق علیه السلام روایت شده است که ایشان، پوست کردن میوه را دوست نداشت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۸

تَرْكُ الْقِرَانِ بَيْنَ الْفَوَاكِهِ عِنْدَ الْأَكْلِ مَعَ الْآخِرِ

۱۴۱۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ الْفَاكِهَةَ وَتَرَآ لَمْ تَضُرَّهُ. [۳۰۷]

۱۴۱۵. عنه صلى الله عليه وآله: كُلُّوا الثَّمَارَ وَتَرَآ لَا يَضُرُّ. [۳۰۸]

۱۴۱۶. مستدرک الوسائل عن كتاب التعريف: رُوِيَ: لَا يُقْرَنُ بَيْنَ شَيْءٍ مِنَ الْفَوَاكِهِ إِلَّا الْعِنَبَ وَ الرُّمَانَ؛ فَإِنَّهُ قَدْ رُوِيَ: أَنَّهُ لَا بَأْسَ أَنْ

يُقْرَنَ بَيْنَ الْحَبَّتَيْنِ مِنَ الْعِنَبِ وَ الرُّمَانِ. [۳۰۹]

۱۴۱۷. دعائم الإسلام: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَنَّهُ نَهَى عَنِ الْقِرَانِ بَيْنَ التَّمْرَتَيْنِ فِي فَمٍ، وَ مِنْ سَائِرِ الْفَاكِهَةِ كَذَلِكَ. [۳۱۰]

قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا كَانَ مَعَ النَّاسِ فِي طَعَامٍ مُشْتَرَكٍ، فَأَمَّا مَنْ أَكَلَ وَحْدَهُ فَلْيَأْكُلْ كَيْفَ أَحَبَّ. [۳۱۱]

۱۴۱۸. علل الشرائع عن علي بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقِرَانِ بَيْنَ التَّمْرِ وَ سَائِرِ الْفَوَاكِهِ، قَالَ:

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَنِ الْقِرَانِ، فَإِنْ كُنْتَ وَحْدَكَ فَكُلْ كَيْفَ أَحْبَبْتَ، وَ إِنْ كُنْتَ مَعَ قَوْمٍ مُسْلِمِينَ

فَلَا تَقْرُنْ. [۳۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۳۹

۱۴۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس تنها یک نوع میوه را بخورد، آن میوه به او زیان نمی‌رساند.
۱۴۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میوه‌ها را جدا جدا بخورید تا زیان نرساند.
۱۴۱۶. مستدرک الوسائل به نقل از کتاب التعریف: روایت شده است که هیچ دو میوه‌ای را نباید با هم خورد، مگر انگور و انار را؛ زیرا روایت شده است که اشکال ندارد دانه‌های انگور و انار، در کنار هم قرار داده شوند.
۱۴۱۷. دعائم الإسلام: از پیامبر خدا روایت شده که ایشان از جای دادن دو خرما در کنار هم در دهان و یا دو میوه دیگر نهی فرمود. امام صادق علیه السلام فرموده است: «البته این، در صورتی است که شخص با دیگر مردم و بر سفره‌ای مشترک باشد؛ اما اگر کسی به تنهایی می‌خورد، هر گونه که دوست دارد، بخورد».
۱۴۱۸. علل الشرائع به نقل از علی بن جعفر، در گفتگو با برادرش امام کاظم علیه السلام: از ایشان درباره با هم خوردن انجیر و خرما و دیگر میوه‌ها پرسیدم.
- فرمود: «پیامبر خدا، از همراه کردن [دو میوه نهی فرموده است. پس اگر تنها بودی، هر گونه که دوست داری، بخور؛ اما اگر در جمع شماری از مسلمانان بودی، میوه‌ها را با هم نخور».
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۰
۱۴۱۹. المحاسن عن محمد بن المثنیٰ أو غیره رفعه، قال: إذا آكلت أحدا فأردت أن تقرن، فأعلمه بذلك. [۳۱۳]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۱
۱۴۱۹. المحاسن به نقل از محمد بن مثنیٰ یا کسی دیگر، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: اگر همراه کسی بودی و خواستی چند میوه را با هم بخوری، او را به این خواست آگاه کن.

## بیان

ظاهر سه حدیث اخیر، نشان می‌دهد که نهی از خوردن دو میوه با هم، یک ادب اجتماعی است، نه یک توصیه طبّی، و مراعات این ادب، هنگامی لازم است که دو نفر بخواهند با همدیگر میوه بخورند و میوه به اندازه کافی وجود نداشته باشد. [۳۱۴]

بدیهی است که اگر دیگری در آن میوه شریک باشد، مراعات حقّ او، یک ادب و جویی و اگر شریک نباشد، ادبی استجابی است. بنا بر این به نظر می‌رسد که حمل سه حدیث اول بر همین معنا، اولی است، هر چند که با ظاهر آنها (نهی از خوردن دو نوع میوه با هم) مخالف است؛ چرا که سند معتبری ندارند، مگر اینکه با آزمایش علمی مشخص شود که خوردن دو نوع میوه با هم، زیان‌آور است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۲

الفصل الثامن: آداب الشرب

۱۴۲۰. سنن أبی داوود عن أنس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا شَرِبَ تَنَفَّسَ ثَلَاثًا وَقَالَ: هُوَ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ وَأَبْرَأُ. [۳۱۵]

۱۴۲۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ الْمَاءَ وَتَنَفَّسَ ثَلَاثًا كَانَ آمِنًا. [۳۱۶]

ب شُرْبِ الْمَاءِ قَائِمًا بِالنَّهَارِ وَجَالِسًا بِاللَّيْلِ

۱۴۲۲. رسول الله صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، اشْرَبِ الْمَاءَ قَائِمًا؛ فَإِنَّهُ أَقْوَى لَكَ وَأَصْحَحُ. [۳۱۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۳

## فصل هشتم: آداب آشامیدن

### ۸ / ۱ آنچه در آشامیدن، بایسته است

#### الف آشامیدن به سه نفس

۱۴۲۰. سنن أبی داوود به نقل از آنس: پیامبر صلى الله عليه وآله چون می آشامید، [در میان آن،] سه نفس می کشید و می فرمود: «این، گواراتر، خوش تر و پاکیزه تر است».

۱۴۲۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اگر کسی آب بخورد و [در میان آن،] سه نفس بکشد، [از بیماری ناشی از یکجا سر کشیدن در امان است.

#### ب ایستاده آب آشامیدن در روز، و نشسته آشامیدن در شب

۱۴۲۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله خطاب به علی علیه السلام: ای علی! ایستاده آب بخور که برای تو مایه قدرت افزون تر و سلامت بیشتر است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۴

۱۴۲۳. الإمام الصادق عليه السلام: شُرْبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِالنَّهَارِ أَقْوَى وَأَصْحَحُ لِلْبَدَنِ. [۳۱۸]

۱۴۲۴. عنه عليه السلام: شُرْبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِالنَّهَارِ أَدْرُ لِلْعَرَقِ، وَأَقْوَى لِلْبَدَنِ. [۳۱۹]

۱۴۲۵. الإمام الباقر عليه السلام: الشُّرْبُ قَائِمًا أَقْوَى لَكَ وَأَصْحَحُ. [۳۲۰]

۱۴۲۶. الإمام الصادق عليه السلام: شُرْبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِالنَّهَارِ يُمِرُّ الطَّعَامَ، وَشُرْبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ بِاللَّيْلِ، يورث الماء الأصفَرَ. [۳۲۱]

۱۴۲۷. الإمام علي عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَشَرِبَ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ عَلَى أَرْجُلِكُمْ [۳۲۲]؛ فَإِنَّهُ يورث الداء الذي لا دواء له أو يُعافي الله عز و

جل. [۳۲۳]

۱۴۲۸. الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: لا تَشْرَبْ وَأَنْتَ قَائِمٌ، وَلَا تَبِيلُ فِي مَاءٍ نَقِيعٍ، وَلَا تَطْفُ بِقَبْرِ، وَلَا تَخُلُ فِي بَيْتِ

وَحَدِّكَ، وَلَا تَمْشِ فِي نَعْلِ وَاحِدٍ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ أَسْرَعُ مَا يَكُونُ إِلَى الْعَبْدِ إِذَا كَانَ عَلَى بَعْضِ هَذِهِ الْأَحْوَالِ. [۳۲۴]

ج شُرْبِ الْمَاءِ الْفَاتِرِ

۱۴۲۹. الإمام الصادق عليه السلام: شَيْئَانِ صَالِحَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفَ وَاحِدٍ قَطُّ فَاسِدًا إِلَّا أَصْلَحَاهُ، وَشَيْئَانِ فَاسِدَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفًا قَطُّ

صَالِحًا إِلَّا أَفْسَدَاهُ؛

فَالصَّالِحَانِ: الرُّمَانُ، وَالمَاءُ الْفَاتِرُ، وَالفاسدان: الجُبْنُ، وَالقَدِيدُ. [۳۲۵][۳۲۶]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۱۴۴

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۵

۱۴۲۳. امام صادق علیه السلام: ایستاده آشامیدن آب در روز، مایه قدرت افزون تر و تندرستی بیشتر است.

۱۴۲۴. امام صادق علیه السلام: ایستاده آشامیدن آب در روز، موجب عرق کردن بیشتر و توان افزون تر بدن است.

۱۴۲۵. امام باقر علیه السلام: ایستاده آشامیدن، برای تو مایه قدرت افزون تر و سلامت بیشتر است.

۱۴۲۶. امام صادق علیه السلام: ایستاده آشامیدن آب در روز، غذا را گوارا می سازد و ایستاده آشامیدن آب در شب، زرداب می آورد.

۱۴۲۷. امام علی علیه السلام: از این حذر کنید که در حالت ایستاده بر روی پاهایتان، آب بنوشید؛ زیرا این کار، دردی بی درمان می آورد، مگر این که خدای عز و جل خود، عافیت دهد. [۳۲۷]

۱۴۲۸. امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام: در حالت ایستاده، آب میاشام، و در آب برکه، پیشاب مکن، و بر گرد قبر، میچرخ، و در خانه ای تنها ممان، و با یک لنگه پای افزار، راه مرو؛ چرا که چون بنده ای در یکی از این حالت ها باشد، شیطان بسیار زود به سوی او می شتابد.

### ج آشامیدن آب نیم گرم

۱۴۲۹. امام صادق علیه السلام: دو چیز مناسب است که به هیچ درون نادرستی در نمی آیند، مگر این که آن را به درستی می آورند، و دو چیز نامناسب است که به هیچ درون سالمی در نمی آیند، مگر این که آن را نادرست [و ناسالم می کنند].  
آن دو چیز مناسب، عبارت اند از: انار و آب نیم گرم (ولرم)؛ و آن دو چیز نامناسب، عبارت اند از: پنیر و گوشت خشک شده.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۶

۱۴۳۰. مکارم الأخلاق: عنه علیه السلام [۳۲۸]، قال: الماء المغلی [۳۲۹] یَنفَعُ مِنْ كُلِّ شَیْءٍ، وَلَا یَضُرُّ مِنْ شَیْءٍ. [۳۳۰]

۲ / ۸

مَا لَا یَتَّبِعُ فِی الشُّرْبِ

أ النَّفْحُ

۱۴۳۱. مکارم الأخلاق: كَانَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَتَنَفَّسُ فِي الْإِنَاءِ إِذَا شَرِبَ، فَإِنْ أَرَادَ أَنْ يَتَنَفَّسَ أَبْعَدَ الْإِنَاءَ عَيْنِ فِيهِ حَتَّى يَتَنَفَّسَ. [۳۳۱]

۱۴۳۲. سنن أبي داوود عن ابن عباس: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُتَنَفَّسَ فِي الْإِنَاءِ أَوْ يُنْفَخَ فِيهِ. [۳۳۲]

۱۴۳۳. سنن الترمذی عن أبي سعيد الخدری: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى عَنِ النَّفْحِ فِي الشُّرْبِ. فَقَالَ رَجُلٌ: الْقَدَاهُ أَرَاهَا فِي الْإِنَاءِ؟

قال: أهرقها. [۳۳۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۷

۱۴۳۰. مکارم الأخلاق: ایشان فرمود: «آب جوشیده [۳۳۴] سودمند است و هیچ ضرری ندارد».

### ۲ / ۸ آنچه در آشامیدن نابایسته است

۱۴۳۱. مکارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله به گاه آشامیدن، در ظرف نمی دمید و چون می خواست نفس بکشد، ظرف را از دهان خود دور می کرد تا نفس بکشد.

۱۴۳۲. سنن أبی داوود به نقل از ابن عبّاس: پیامبر خدا، از این که کسی بازدم خویش را به ظرف برگرداند یا در آن بدمد، نهی فرمود.

۱۴۳۳. سنن الترمذی به نقل از ابو سعید خدری: پیامبر صلی الله علیه و آله از دمیدن در آشامیدنی، نهی کرد. مردی گفت: خاشاکی در آب می بینم.

فرمود: «آن را بریز».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۸

۱۴۳۴. الطبقات الکبری عن القاسم بن مسلم مولى علی بن ابی طالب علیه السلام عن أبیه: دَعَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَرَابٍ، فَأَتَيْتُهُ بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فَتَفَخْتُ فِيهِ، فَرَدَّهُ وَ أَبِي أَنْ يَشْرَبَهُ، وَقَالَ: اشْرَبْهُ أَنْتَ. [۳۳۵]

## ب العب

۱۴۳۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيُمِصْ مَصًّا وَلَا يَعْْبَ عَبًّا؛ فَإِنَّ الْكُبَادَ مِنَ الْعَبِّ. [۳۳۶]

۱۴۳۶. عنه صلی الله علیه و آله: مُصُّوا الْمَاءَ مَصًّا وَلَا تَعْبُوهُ عَبًّا؛ فَإِنَّهُ يَوْجَدُ مِنْهُ الْكُبَادُ. [۳۳۷]

۱۴۳۷. عنه صلی الله علیه و آله: إِذَا اشْتَهَيْتُمُ الْمَاءَ فَاشْرَبُوهُ مَصًّا، وَلَا تَشْرَبُوهُ عَبًّا. [۳۳۸]

۱۴۳۸. الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: نَهَى عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعَبَّةِ الْوَاحِدَةِ فِي الشُّرْبِ، فَقَالَ: ثَلَاثًا أَوْ اثْنَتَيْنِ. [۳۳۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۴۹

۱۴۳۴. الطبقات الکبری به نقل از قاسم بن مسلم (وابسته علی بن ابی طالب علیه السلام)، از پدرش: علی علیه السلام آبی خواست. برای وی کاسه آبی آوردم و در آن دمیدم. آب را به من برگرداند و از نوشیدن آن خودداری ورزید و فرمود: «تو خود، آن را بنوش».

## ب یکجا سر کشیدن

۱۴۳۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما خواست آب بخورد، جرعه جرعه بنوشد و یکسره سر نکشد؛ چرا که درد جگر، از سر کشیدن یکباره بر می خیزد.

۱۴۳۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آب را بمکید و آن را یکجا سر نکشید؛ چرا که درد جگر، از آن می خیزد.

۱۴۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر آب خواستید، آن را جرعه جرعه بنوشید و یکجا سر نکشید.

۱۴۳۸. امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش عليهم السلام: علی علیه السلام از این که همه آب، به یک جرعه نوشیده شود، نهی کرد و فرمود: «سه یا دو [جرعه باشد]».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۰

## ج شرب الحميم

۱۴۳۹. دعائم الإسلام: عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَنَّهُ نَهَى عَنِ شُرْبِ الْحَمِيمِ. يَعْنِي: الْمَاءَ الْحَارَّ الَّذِي يَنْتَهِي إِلَى غَايَةِ



## د الشرب أثناء الأكل

۱۴۴۰. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا تُؤْذِيَهُ مَعِدَّتُهُ فَلَا يَشْرَبْ عَلَى طَعَامِهِ مَاءً حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهُ، وَ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ رَطَبَ يَدَيْهِ، وَ ضَعْفَ مَعِدَّتِهِ، وَ لَمْ تَأْخُذِ الْعُرُوقُ قُوَّةَ الطَّعَامِ؛ لِأَنَّهُ يَصِيرُ فِي الْمَعِدَّةِ فِجًا [۳۴۱] إِذَا صُبَّ الْمَاءُ عَلَى الطَّعَامِ أَوَّلًا فَأَوَّلًا. [۳۴۲]

ه شرب الماء على اللحم

۱۴۴۱. الإمام علي عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا أَكَلَ اللَّحْمَ لَا يَعْجَلُ بِشُرْبِ الْمَاءِ. فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَقَلَّ شُرْبِكَ لِلْمَاءِ عَلَى اللَّحْمِ! فَقَالَ: لَيْسَ أَحَدٌ يَأْكُلُ هَذَا الْوَدَكِ، ثُمَّ يَكْفُ عَنْ شُرْبِ الْمَاءِ إِلَى آخِرِ الطَّعَامِ إِلَّا اسْتَمْرَأَ. [۳۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۱

## ج آشامیدن آب بسیار داغ

۱۴۳۹. دعائم الإسلام: از پیامبر خدا روایت شده که از آشامیدن «حمیم» (یعنی آبی که به غایت، داغ است)، نهی فرمود.

## د آشامیدن آب در لابه لای غذا خوردن

۱۴۴۰. امام رضا علیه السلام: هر کس می خواهد معده اش او را آزار ندهد، بر روی غذا آب نخورد تا هنگامی که غذا خوردن را به پایان می برد. هر کس چنین کند، بدنش به رطوبت می گراید، معده اش ضعیف می شود و رگ هایش نیروی غذا را به خود نمی گیرند؛ زیرا اگر پشت سر هم روی غذا آب ریخته شود، آن غذا در معده نارس و بدگوارش می گردد.

## ه آشامیدن آب بر روی گوشت

۱۴۴۱. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا چون گوشت می خورد، در آشامیدن آب، شتاب نمی ورزید. یکی از یاران که از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، از ایشان پرسید: ای پیامبر خدا! چه قدر کم بر روی گوشت، آب می آشامی! فرمود: «هیچ کس نیست که این گوشت چرب را بخورد و تا پایان غذا از آشامیدن آب، خودداری ورزد، مگر این که غذا را گوارا می یابد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۲

## و الشرب إثر الدسم

۱۴۴۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: الشرب على أثر الدسم داء في البطن. [۳۴۴]

۱۴۴۳. عنه صلى الله عليه وآله: شرب الماء على أثر الدسم يهيج الداء. [۳۴۵]

۱۴۴۴. المحاسن عن التوفلي بإسناده: كان النبي صلى الله عليه وآله إذا أكل الدسم أقل من شرب الماء. فقيل: يا رسول الله، إنك لتقل من شرب الماء؟ قال: هو أمرًا لطعامي. [۳۴۶]

ز الشرب من عروة الإناء و ثلمته

۱۴۴۵. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يشربن أحدكم الماء من عند عروة الإناء؛ فإنه مجتمع الوسخ. [۳۴۷]

۱۴۴۶. سنن أبی داوود عن أبی سعید الخدری: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الشَّرْبِ مِنْ ثُلْمَةِ الْقَدَحِ، وَ أَنْ يُنْفَخَ فِي الشَّرَابِ. [۳۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۳

### و آشامیدن آب بر روی چربی

۱۴۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آشامیدن در پی چربی، بیماری ای در شکم است.  
 ۱۴۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آشامیدن آب در پی چربی، بیماری را برمی انگیزاند.  
 ۱۴۴۴. المحاسن به نقل از نوفلی: پیامبر صلی الله علیه و آله چون چربی می خورد، از نوشیدن آب می کاست. گفتند: ای پیامبر خدا! کمتر آب می نوشی؟! فرمود: «این کار، غذایم را گوارا تر می سازد».

### ز آشامیدن آب از مجاور دسته ظرف یا لبه شکسته آن

۱۴۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مباد کسی از شما از کنار دسته ظرف، آب بخورد؛ چرا که آنجا جای گرد آمدن آلودگی است.

۱۴۴۶. سنن أبی داوود به نقل از ابو سعید خدری: پیامبر خدا، از این که از لبه شکسته کاسه آب، آشامیده و یا در نوشیدنی، دمیده شود، نهی فرمود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۴

۱۴۴۷. الإمام علی علیه السلام: لَا تَشْرَبُوا الْمَاءَ مِنْ ثُلْمَةِ الْإِنَاءِ وَلَا مِنْ عُرْوَتِهِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَقْعُدُ عَلَى الْعُرْوَةِ وَ الثُّلْمَةِ. [۳۴۹]

۱۴۴۸. الإمام الباقر علیه السلام: لَا يَشْرَبُ مِنْ أذنِ الْكُوْزِ وَلَا مِنْ كَسْرِهِ إِنْ كَانَ فِيهِ فَإِنَّهُ مَشْرَبُ الشَّيَاطِينِ. [۳۵۰]  
 ح الشَّرْبِ فِي الثُّحَاسِ

۱۴۴۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: لَا تَشْرَبُ فِي الثُّحَاسِ؛ فَإِنَّهُ يورِثُ السَّهْلَ يَعْنِي الْوَسْوَاسَ وَ الْحَبَالَ. [۳۵۱]  
 ط الشَّرْبِ عَلَى الرِّيقِ

۱۴۵۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ شَرِبَ الْمَاءَ عَلَى الرِّيقِ، انْتَقَصَتْ قُوَّتُهُ. [۳۵۲]

ی شَرِبَ الْمَاءَ الْبَارِدَ بَعْدَ تَنَاوُلِ الشَّيْءِ الْحَارِّ أَوْ الْحَلَاوَةِ

۱۴۵۱. الإمام الرضا علیه السلام: شَرِبَ الْمَاءَ الْبَارِدَ عَقِيبَ الشَّيْءِ الْحَارِّ وَ عَقِيبَ الْحَلَاوَةِ، يَذْهَبُ بِالْأَسْنَانِ. [۳۵۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۵

۱۴۴۷. امام علی علیه السلام: از لبه شکسته ظرف و از کنار دسته آن، آب نخورید؛ چرا که شیطان بر دسته و لبه شکسته می نشیند.  
 ۱۴۴۸. امام باقر علیه السلام: از دسته کوزه و از شکستگی آن اگر در آن، شکستگی ای باشد نباید آب آشامید؛ چرا که آشامیدن نگاه شیطان هاست.

### ح آشامیدن در ظرف های مسی

۱۴۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در ظرف مسین منوش؛ چرا که «سهل» (یعنی وسواس و پریشان‌عقلی) بر جای می‌نهد.

### ط آشامیدن در حالت ناشتا

۱۴۵۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ناشتا آب بیاشامد، نیرویش کاستی می‌یابد.

### اظهار نظر

گفتنی است که سند این روایت، ضعیف است. این احتمال را هم روا می‌دانیم که مقصود از آن، برخی از مزاج‌ها یا برخی از مناطق گرم مانند حجاز باشد.

به هر روی، برای اظهار نظر قطعی در این باره و نیز در مورد روایاتی که درباره نهی از خوردن زیاد آب خواهد آمد، بررسی‌های علمی، ضروری است.

### ی آشامیدن آب سرد، پس از خوردن شیرینی

۱۴۵۱. امام رضا علیه السلام: آشامیدن آب سرد، پس از خوردن چیز گرم و پس از خوردن شیرینی، دندان‌ها را از بین می‌برد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۶

ك كَثْرَةُ شُرْبِ الْمَاءِ

۱۴۵۲. الإمام الصادق علیه السلام: لا تُكثِرُ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ؛ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاءٍ. [۳۵۴]

۱۴۵۳. عنه علیه السلام: لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَقَلُّوا مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ، لَأَسْتَقَامَتِ أْبْدَانُهُمْ. [۳۵۵]

۱۴۵۴. عنه علیه السلام: مَنْ أَقَلَّ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ، صَحَّ بَدَنُهُ. [۳۵۶]

۱۴۵۵. عنه علیه السلام: أَقَلُّ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ؛ فَإِنَّهُ يَمُدُّ [۳۵۷] كُلَّ دَاءٍ، وَاجْتَنِبِ الدُّوَاءَ مَا احْتَمَلَ بَدَنُكَ الدَّاءَ. [۳۵۸]

ل شُرْبِ الْمَاءِ الْبَارِدِ وَالْفُقَّاعِ فِي الْحَمَامِ

۱۴۵۶. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّاكَ وَشُرْبِ الْمَاءِ الْبَارِدِ وَالْفُقَّاعِ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يُفْسِدُ الْمَعِدَةَ. [۳۵۹]

راجع: ج ۱، ص ۴۵۴ (جهاز الهضم و الدفع / علاجات اخري / العلاج بالماء).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۷

### ک نوشیدن آب فراوان

۱۴۵۲. امام صادق علیه السلام: آب بسیار منوش؛ چرا که سرچشمه هر دردی است.

۱۴۵۳. امام صادق علیه السلام: اگر مردم کمتر آب می‌نوشیدند، بدن‌هایشان به سامان بود.

۱۴۵۴. امام صادق علیه السلام: هر کس کمتر آب می‌نوشد، تندرست است.

۱۴۵۵. امام صادق علیه السلام: کمتر آب بنوش؛ چرا که هر دردی را به سوی خود می‌کشد. از درمان نیز تا هنگامی که بدنت تاب

درد را دارد، بپرهیز.

### ل نوشیدن آب سرد و آب جو در حمام

۱۴۵۶. امام صادق علیه السلام: از نوشیدن آب سرد و آب جو (فُقَاع) [۳۶۰] در حمام، حذر کن؛ چرا که معده را تباه می‌کند.  
 ر. ک: ج ۱، ص ۴۵۷ (دستگاه گوارش / درمان‌های دیگر / آب‌درمانی).  
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۸

## الفصل التاسع: وجبات الأكل

۱ / ۹

الْبُكَرَةُ وَالْعَشِيُّ

الكتاب:

«وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا». [۳۶۱]

الحديث:

۱۴۵۷. الكافي عن شهاب بن عبد ربّه: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَلْقَى مِنَ الْأَوْجَاعِ وَالتُّخْمِ، فَقَالَ لِي: تَعَدَّ وَتَعَشَّ، وَلَا تَأْكُلْ بَيْنَهُمَا شَيْئًا؛ فَإِنَّ فِيهِ فَسَادَ الْبَدَنِ، أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا». [۳۶۲]

۲ / ۹

تَأْكِيدُ الْغَدَاءِ وَالنَّهْيُ عَنِ تَرْكِهِ

۱۴۵۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَلَا بَقَاءَ فَلْيَبَاكِرِ الْغَدَاءَ، وَلِيَجُودِ الْحَدَاءَ، وَلِيَخَفِّفِ الرُّدَاءَ، وَلِيُقِلَّ مُجَامَعَةَ النِّسَاءِ. [۳۶۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۵۹

## فصل نهم: نوبت‌های غذا

### ۱ / ۹ صبحگاهان و شامگاهان

#### قرآن

(و آنان، صبحگاهان و شامگاهان، روزی ویژه خویش را دارند)

#### حدیث

۱۴۵۷. الكافي به نقل از شهاب بن عبد ربّه: نزد امام صادق علیه السلام، از دردها و بدگواری‌هایی که داشتم، اظهار ناراحتی کردم. به من فرمود: «صبحانه بخور و شام بخور و در فاصله میان آنها چیزی نخور؛ چرا که موجب تباهی تن است. مگر نشنیده‌ای که خداوند عز و جل می‌فرماید: (و آنان، صبحگاهان و شامگاهان، روزی ویژه خویش را دارند).

### ۲ / ۹ تأکید بر خوردن ناشتایی و نهی از واگذارن آن

۱۴۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که جاودانگی می‌خواهد و البته [برای غیر خدا]

جاودانگی‌ای نیست باید که چاشت را زودتر بخورد و ردای سبک  
برگیرد و کمتر با زنان بیامیزد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۰

۱۴۵۹. الإمام علی علیه السلام: مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَلَا بَقَاءَ فَلْيَبْكَرِ الْغَدَاءَ، وَ لِيُوَخِّرِ الْعِشَاءَ، وَ لِيُقَلِّ غَشِيَانَ النِّسَاءِ، وَ لِيُخَفِّفِ الرِّدَاءَ. [۳۶۴]

۱۴۶۰. الإمام الصادق علیه السلام: إِذَا صَلَّيْتَ الْفَجْرَ فَكُلْ كِسْرَةً تُطَيِّبُ بِهَا نَكْهَتَكَ، وَ تُطْفِئُ بِهَا حَرَارَتَكَ، وَ تُقَوِّمُ بِهَا أَضْرَاسَكَ، وَ تُشَدُّ بِهَا لِيَتَكَ، وَ تَجَلِبُّ بِهَا رِزْقَكَ، وَ تُحَسِّنُ بِهَا خُلُقَكَ. [۳۶۵]

۱۴۶۱. عنه علیه السلام: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَلَّا يَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى يَطْعَمَ؛ فَإِنَّهُ أَعَزُّ لَهُ. [۳۶۶]

۱۴۶۲. ربيع الأبرار: فِي الْحَدِيثِ: تَرَكَ الْغَدَاءَ مَسْقَمَةً. [۳۶۷]

۳ / ۹

تَأْكِدُ الْعِشَاءِ وَ النَّهْيُ عَنِ تَرْكِهِ

۱۴۶۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: لَا تَدْعُوا الْعِشَاءَ وَ لَوْ بِكَفِّ مِنْ تَمْرٍ؛ فَإِنَّ تَرْكَهُ يُهْرِمُ. [۳۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۱

۱۴۵۹. امام علی علیه السلام: هر که جاودانگی می‌خواهد و البته [برای غیر خدا] جاودانگی‌ای نیست باید چاشت را زود بخورد، شام را دیرتر بخورد، [۳۶۹] کمتر با زنان بیامیزد و ردای سبک برگیرد.

۱۴۶۰. امام صادق علیه السلام: چون نماز صبح را خواندی، پاره نانی بخور تا با آن: دهان خویش را خوش بو سازی، حرارت خود را فرو بنشانی، دندان‌هایت را استوار سازی، لثه‌ات را استحکام بخشی، روزی خویش را به چنگ آوری و خوی خود را نکو سازی.  
۱۴۶۱. امام صادق علیه السلام: مؤمن را بایسته است که تا غذا نخورده، از خانه بیرون نرود؛ چرا که این کار به او استواری بیشتر می‌دهد.

۱۴۶۲. ربيع الأبرار: وا گذاردن ناشتایی، مایه بیماری است.

### ۳ / ۹ تأکید بر خوردن شام و نهی از وا گذاردن آن

۱۴۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن شام را وا مگذارید، هر چند به مشتی خرما باشد؛ زیرا وا گذاشتن آن، انسان را پیر می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۲

۱۴۶۴. عنه صلی الله علیه و آله: لَا تَدْعُوا الْعِشَاءَ وَ لَوْ عَلَى حَشْفَةٍ، إِنِّي أَخْشَى عَلَى أُمَّتِي مِنْ تَرْكِ الْعِشَاءِ الْهَرَمَ؛ فَإِنَّ الْعِشَاءَ قُوَّةُ الشَّيْخِ وَ الشَّابِّ. [۳۷۰]

۱۴۶۵. عنه صلی الله علیه و آله: تَعَشُّوا وَ لَوْ بِكَفِّ مِنْ حَشْفٍ؛ فَإِنَّ تَرْكَ الْعِشَاءِ مَهْرَمَةٌ. [۳۷۱]

۱۴۶۶. الإمام الصادق علیه السلام: لَا تَدْعُ الْعِشَاءَ وَ لَوْ بِثَلَاثِ لُقْمٍ بِمِلْحٍ. [۳۷۲]

۱۴۶۷. الإمام علی علیه السلام: عِشَاءُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بَعْدَ الْعَتَمَةِ فَلَا تَدْعُوهُ؛ فَإِنَّ تَرْكَ الْعِشَاءِ خَرَابُ الْبَدَنِ. [۳۷۳]

۱۴۶۸. الإمام الصادق علیه السلام: أَصْلُ خَرَابِ الْبَدَنِ تَرْكُ الْعِشَاءِ. [۳۷۴]

۱۴۶۹. عنه علیه السلام: لَا خَيْرَ لِمَنْ دَخَلَ فِي السَّنِّ أَنْ يَبِيَّتَ خَفِيفًا، بَلْ يَبِيَّتْ مُمْتَلِنًا خَيْرٌ لَهُ. [۳۷۵]

۱۴۷۰. عنه علیه السلام: يَنْبَغِي لِلشَّيْخِ الْكَبِيرِ أَلَّا يَنَامَ إِلَّا وَ جَوْفُهُ مُمْتَلِيٌّ مِنَ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهُ أَهْدَى

۱۴۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن شام را وا مگذارید، هر چند به خوردن دانه‌ای خرمای خشکیده باشد. من بر امت خویش، از این، بیم دارم که از وا گذاردن شام، پیری (در هم شکستگی) به سراغشان آید؛ چرا که شام، مایه نیرومندی پیر و جوان است.

۱۴۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شام بخورید، هر چند به مشتی خرمای خشکیده باشد؛ چرا که وا گذاردن شام، مایه پیری است.

۱۴۶۶. امام صادق علیه السلام: خوردن شام را وا مگذار، هر چند به سه لقمه [نان با نمک] باشد.

۱۴۶۷. امام علی علیه السلام: شام خوردن پیامبران، پس از تاریکی شب بوده است. آن را وا مگذارید؛ چرا که وا گذاردن آن، ویرانی تن است.

۱۴۶۸. امام صادق علیه السلام: سرچشمه ویرانی تن، وا گذاردن شام است.

۱۴۶۹. امام صادق علیه السلام: برای کسی که پا به سن نهاده، خوب نیست با شکم سبک بخوابد؛ بلکه اگر با شکم پر بخوابد، برایش بهتر است.

۱۴۷۰. امام صادق علیه السلام: برای پیر کهن سال، بایسته است که حتماً به گاه خفتن،

شکمش از غذا پر باشد. این، سبب خواب آرام تر و بوی خوش تر دهان برای اوست.

۱۴۷۱. المحاسن عن المفضل بن عمر: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةً وَ هُوَ يَتَعَشَّى. فَقَالَ: يَا مُفَضَّلُ، ادْنُ وَ كُلْ. قُلْتُ: قَدْ تَعَشَّيْتُ.

فَقَالَ: ادْنُ فَكُلْ؛ فَإِنَّهُ يُسْتَحَبُّ لِلرَّجُلِ إِذَا اكْتَهَلَ أَلَا يَبِيَّتَ إِلَّا وَ فِي جَوْفِهِ طَعَامٌ حَدِيثٌ. فَدَنَوْتُ فَأَكَلْتُ. [۳۷۷]

۱۴۷۲. الإمام الصادق عليه السلام: تَرَكُ الْعِشَاءَ مَهْرَمَةً، وَ يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَسَنَّ أَلَا يَبِيَّتَ إِلَّا وَ جَوْفُهُ مُمْتَلِئٌ مِنَ الطَّعَامِ. [۳۷۸]

۱۴۷۳. الكافي عن علي بن أبي طالب عن الإمام الصادق عليه السلام: مَا تَقُولُ أَطْبَأُكُمْ فِي عِشَاءِ اللَّيْلِ؟ قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ.

قَالَ: لَكِنِّي آمُرُكُمْ بِهِ. [۳۷۹]

۱۴۷۴. الكافي عن زياد بن أبي الحلال: تَعَشَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: الْعِشَاءُ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةُ عِشَاءُ النَّبِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ. [۳۸۰]

۱۴۷۱. المحاسن به نقل از مفضل بن عمر: شبی، در حالی که امام صادق علیه السلام شام می خورد، بر ایشان وارد شدم. فرمود: «ای مفضل! پیش آی و بخور».

گفتم: شام خورده‌ام.

فرمود: «پیش آی و بخور؛ زیرا مستحب است مرد، هنگامی که به میان‌سالی در آمد، شب را در حالی بخوابد که غذایی تازه در شکم اوست».

من نیز پیش رفتم و خوردم.

۱۴۷۲. امام صادق علیه السلام: وا گذاردن شام، مایه پیری است. برای مرد، آن هنگام که پا به سن نهاد، بایسته است که تنها در

حالی بخوابد که درونش از غذا پُر باشد.

۱۴۷۳. الکافی به نقل از علی بن ابی علی لهبی: امام صادق علیه السلام فرمود: «طبیانِ شما درباره شام شب، چه می گویند؟». گفتیم: ما را از آن، باز می دارند.

فرمود: «اما من، شما را بدان، فرمان می دهم».

۱۴۷۴. الکافی به نقل از زیاد بن ابی الحلال: با امام صادق علیه السلام شام خوردم. فرمود: «شام پس از نمازِ خفتن، شام پیامبران است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۶

۱۴۷۵. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ لَيْلَةً مَاتَ عِرْقُ فِي جَسَدِهِ وَلَا يَحْيَا أَبَدًا. [۳۸۱]

۱۴۷۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ لَيْلَةً السَّبَبِ وَ لَيْلَةَ الْأَحَدِ مُتَوَالِيَتَيْنِ، ذَهَبَ عَنْهُ مَا لَا يَرْجِعُ إِلَيْهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. [۳۸۲]

۱۴۷۷. الإمام الصادق علیه السلام: مَنِ تَرَكَ الْعِشَاءَ لَيْلَةَ السَّبَبِ وَ لَيْلَةَ الْأَحَدِ مُتَوَالِيَتَيْنِ، ذَهَبَتْ عَنْهُ قُوَّتُهُ فَلَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. [۳۸۳]

۱۴۷۸. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ نَقَصَتْ مِنْهُ قُوَّةٌ وَلَا تَعُودُ إِلَيْهِ. [۳۸۴]

۱۴۷۹. الکافی عن سليمان بن جعفر الجعفري: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَدْعُ الْعِشَاءَ وَ لَوْ بِكَعْكَةٍ.

وَ كَانَ يَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ قُوَّةٌ لِلْجِسْمِ وَ قَالَ: وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ: وَ صَالِحٌ لِلْجَمَاعِ. [۳۸۵]

۱۴۸۰. الإمام الرضا علیه السلام: إِذَا اكْتَهَلَ الرَّجُلُ فَلَا يَدْعُ أَنْ يَأْكُلَ بِاللَّيْلِ شَيْئًا؛ فَإِنَّهُ أَهْدَى [۳۸۶] لِلنَّوْمِ وَ أَطْيَبُ لِلنَّكْهَةِ. [۳۸۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۷

۱۴۷۵. امام صادق علیه السلام: هر کس شام را وا گذارد، رگی در بدن وی می میرد و هرگز زنده نمی شود.

۱۴۷۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس شام را در شب شنبه و شب یکشنبه، پشت سر هم وا گذارد، چیزی از کف او می رود که تا چهل روز به وی باز نمی گردد.

۱۴۷۷. امام صادق علیه السلام: هر کس شام را در شب شنبه و شب یکشنبه، پشت سر هم وا گذارد، نیروی وی از کف می رود و این نیرو تا چهل روز به وی باز نمی گردد.

۱۴۷۸. امام صادق علیه السلام: هر کس شام خوردن را وا گذارد، نیرویی از او کاسته می شود و به او باز نمی گردد.

۱۴۷۹. الکافی به نقل از سليمان بن جعفر جعفري: امام کاظم علیه السلام شام خوردن را وا نمی گذارد، هر چند به خوردن یک کلوچه بود.

ایشان می فرمود: «آن، نیرویی برای تن است» و نمی دانم دیگر چه چیزی فرمود، جز اینکه دقیقاً این سخن را هم فرمود که: «و کارآمد برای آمیزش است».

۱۴۸۰. امام رضا علیه السلام: مباد که مرد، هنگامی که میان سال می شود، خوردنِ چیزی را در هر شب، وا گذارد؛ زیرا این کار، سبب خواب آرام تر و بوی خوش تر دهان است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۸

۱۴۸۱. الإمام الرضا علیه السلام: إِنَّ فِي الْجَسَدِ عِرْقًا يُقَالُ لَهُ: الْعِشَاءُ؛ فَإِنْ تَرَكَ الرَّجُلُ الْعِشَاءَ لَمْ يَزَلْ يَدْعُو عَلَيْهِ ذَلِكَ الْعِرْقُ إِلَى أَنْ يُصْبِحَ، يَقُولُ: أَجَاعَكَ اللَّهُ كَمَا أَجَعْتَنِي، وَ أَظْمَأَكَ اللَّهُ كَمَا أَظْمَأْتَنِي.

فَلَا يَدْعُنَّ أَحَدُكُمْ الْعِشَاءَ وَ لَوْ بِلُقْمَةٍ مِنْ خُبْزٍ أَوْ شَرِبَةٍ مِنْ مَاءٍ. [۳۸۸]

وَجِبَةُ فِي الْيَوْمِ

۱۴۸۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ فِي الْيَوْمِ مَرَّةً لَمْ يَكُنْ جَائِعًا، وَ مَنْ أَكَلَ مَرَّتَيْنِ لَمْ يَكُنْ عَابِدًا، وَ مَنْ أَكَلَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اِرْبُطُوهُ مَعَ الدَّوَابِّ. [۳۸۹]

۱۴۸۳. شعب الإيمان عن عائشة: رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَنَا أَكُلُ فِي يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ، فَقَالَ: يَا عَائِشَةُ اتَّخَذْتَ الدُّنْيَا بَطْنِكَ! أَكْثَرَ مِنْ أَكْلِهِ كُلِّ يَوْمٍ سَرَفٌ، وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. [۳۹۰]

۵ / ۹

ثَلَاثٌ وَ جِبَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ

۱۴۸۴. الإمام الرضا عليه السلام: الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَكُونَ أَكْلُكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عِنْدَ مَا يَمْضِي مِنَ النَّهَارِ ثَمَانِ [۳۹۱] سَاعَاتٍ أَكْلَةً وَاحِدَةً، أَوْ ثَلَاثَ أَكْلَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ، تَتَعَدَّى بَاكِرًا فِي

أَوَّلِ يَوْمٍ ثُمَّ تَتَعَسَّى، فَإِذَا كَانَ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي عِنْدَ مُضِيِّ ثَمَانِ [۳۹۲] سَاعَاتٍ مِنَ النَّهَارِ أَكَلْتَ أَكْلَةً وَاحِدَةً وَ لَمْ تَحْتَجْ إِلَى الْعِشَاءِ [۳۹۳]، وَ لِيَكُنْ ذَلِكَ بِقَدْرِ لَا يَزِيدُ وَلَا يَنْقُصُ. [۳۹۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۶۹

۱۴۸۱. امام رضا علیه السلام: در بدن، رگی است که آن را «عشاء (شام)» گویند. اگر شخص شام خوردن را وا گذارد، آن رگ تا صبح، او را نفرین می کند و می گوید: «خدا تو را گرسنه بدارد، چنان که مرا گرسنه بداشتی، و تشنه بدارد، چنان که تشنه ام داشتی» [۳۹۵]. پس مباد کسی از شما خوردن شام را وا گذارد، هر چند به یک لقمه نان یا جرعه ای آب باشد.

#### ۴ / ۹ یک وعده در روز

۱۴۸۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس که در روز، یک بار غذا می خورد، گرسنه نمی ماند؛ هر که دو بار می خورد، پرستشگر نیست؛ و هر که سه بار می خورد، او را با چارپایان ببندید.

۱۴۸۳. شعب الإيمان به نقل از عایشه: پیامبر خدا مرا دید که روزی دو بار غذا می خورم. فرمود: «ای عایشه! همه دنیا را شکم خویش گرفته ای! بیشتر از یک بار خوردن در هر روز، اسراف است و خداوند، اسراف کنندگان را دوست ندارد».

#### ۵ / ۹ سه وعده در دو روز

۱۴۸۴. امام رضا علیه السلام: مقدار بایسته در خوراک، آن است که چون هشت ساعت از روز می گذرد، یک بار غذا بخوری، یا

در دو روز، سه وعده غذا میل کنی [، بدین ترتیب که: در پگاه نخستین روز، ناشتایی بخوری، سپس در همان روز، شام بخوری و سپس چون دیگر روز فرا رسید، پس از گذشت هشت ساعت از آغاز روز، یک وعده دیگر بخوری و در آن روز، تو را به شام، نیازی نیست [۳۹۶] این غذا، باید به اندازه باشد و نه بر آن، افزوده و نه از آن، کاسته شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۷۳

#### سخنی درباره احادیث مربوط به وعده های غذا

چنان که ملاحظه شد، احادیث این فصل، به پنج دسته تقسیم می شوند:

۱. احادیثی که با الهام از قرآن کریم آنجا که از غذای بهشتیان، سخن به میان آورده است به دو وعده غذا در هر روز (به هنگام



صبحگاهان و شامگاهان) سفارش می‌کند.

۲. احادیثی که بر خوردن صبحانه تأکید می‌ورزند و از وا گذاردن آن، نهی می‌کنند.

۳. احادیثی که بر خوردن شام، تأکید می‌کنند و از وا گذاردن آن، بویژه از جانب سالمندان، باز می‌دارند.

۴. احادیثی که بر خوردن یک وعده غذا در هر روز، تأکید دارند.

۵. احادیثی که به خوردن سه وعده غذا در دو روز، سفارش می‌کنند.

هر چند این احادیث، در نگاه نخست، متعارض می‌نمایند، امّا تأمّل در آنها روشن می‌سازد که احادیث سه دسته نخست، هیچ تعارضی با یکدیگر ندارند و حتّی هم‌دیگر را تأیید نیز می‌کنند؛ زیرا دسته نخست، به خوردن دو وعده صبحانه و شام، سفارش می‌کند و دسته‌های دوم و سوم، از وا گذاردن صبحانه و شام، نهی می‌نمایند.

دسته چهارم نیز با حدیث‌های پیشین، تعارض ندارد؛ زیرا این دسته به بسنده بودن یک وعده در روز، تصریح دارد و احادیث دسته‌های پیشین هم به دو

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۷۴

وعده، توصیه می‌کنند.

و امّا حدیثی که به سه وعده غذا در دو روز سفارش می‌کند، از آن روی که در کتاب طبّ الإمام الرضا علیه السلام نقل شده و انتساب این کتاب به امام رضا علیه السلام به اثبات نرسیده، دچار ضعف در سند است، چنان که به لحاظ دلالت نیز ضعیف است؛ زیرا مخاطب این حدیث، مأمون عباسی است و شاید اساساً این توصیه، به او اختصاص داشته باشد.

بنا بر این، جمع‌بندی احادیث پیشین، این می‌شود که خوردن دو وعده در صبحگاهان و شامگاهان، برای استمرار تندرستی، سودمند است، چنان که بهشتیان نیز که در سرای سلامت، زندگی جاوید دارند [۳۹۷] در همین دو وقت، غذا میل می‌نمایند: (و آنان، صبحگاهان و شامگاهان، روزی ویژه خویش را دارند). [۳۹۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۷۵

## بخش پنجم: درمان با غذاها و گیاهان دارویی

### اشاره

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۰

### الفصل الأوّل: الاترج

۱ / ۱

تَأْكِدُ أَكْلِ الْاِتْرَجِ

۱۴۸۵. الدعوات: رُوي... كُلِّ الْفَاكِهَةِ فِي اِقْبَالِ دَوْلَتِهَا، وَ اَفْضَلُهَا الرُّمَانُ وَ الْاِتْرَجُ، وَ مِنْ الرِّيَّاحِيْنَ الْوَرْدُ وَ الْبَنْفَسِجُ. [۳۹۹]

۲ / ۱

خَوَاصُّ الْاِتْرَجِ

۱۴۸۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْاِتْرَاجِ؛ فَإِنَّهُ يُبَيِّرُ الْفُؤَادَ، وَ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ. [۴۰۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۱

## فصل یکم: تَرْنِج

### ۱ / ۱ تأکید بر خوردن تَرْنِج

۱۴۸۵. الدعوات: روایت شده است که: «... میوه را در ایام دولتش بخور؛ و برترین میوه‌ها، انار و تَرْنِج است. از سبزی‌ها نیز گل سرخ و بنفشه، برترین هستند».

### ۲ / ۱ خواص تَرْنِج

۱۴۸۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بر شما باد تَرْنِج: چرا که دل را نورانی می‌سازد و بر توان مغز می‌افزاید. [۴۰۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۲

۳ / ۱

أَكْلُ الْاِتْرَاجِ بَعْدَ الطَّعَامِ

۱۴۸۷. الكافي عن عبد الله بن إبراهيم الجعفری عن الإمام الصادق عليه السلام: بِأَيِّ شَيْءٍ يَأْمُرُكُمْ أَطْبَاؤُكُمْ فِي الْاِتْرَاجِ؟

فَقُلْتُ: يَأْمُرُونَنَا أَنْ نَأْكُلَهُ قَبْلَ الطَّعَامِ.

فَقَالَ: إِنِّي أَمُرُّكُمْ بِهِ بَعْدَ الطَّعَامِ. [۴۰۲]

۱۴۸۸. الكافي عن إبراهيم بن عمر اليماني: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ الْاِتْرَاجَ عَلَى الرَّيْقِ أَجْوَدُ مَا يَكُونُ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ كَانَ قَبْلَ الطَّعَامِ خَيْرٌ فَهُوَ بَعْدَ الطَّعَامِ خَيْرٌ، وَ خَيْرٌ وَ أَجْوَدُ. [۴۰۳]

۱۴۸۹. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا الْاِتْرَاجَ بَعْدَ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَفْعَلُونَ ذَلِكَ. [۴۰۴]

۴ / ۱

أَكْلُ الْاِتْرَاجِ بِاللَّيْلِ

۱۴۹۰. الإمام الرضا عليه السلام: أَكْلُ الْاِتْرَاجِ بِاللَّيْلِ، يَقْلِبُ الْعَيْنَ، وَ يورِثُ الْحَوْلَ. [۴۰۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۳

### ۳ / ۱ خوردن تَرْنِج پس از غذا

۱۴۸۷. الكافي به نقل از عبد الله بن ابراهيم جعفری: امام صادق عليه السلام فرمود: «پزشکان شما درباره تَرْنِج چه دستور می‌دهند؟».

گفتم: دستور می‌دهند که آن را پیش از غذا بخوریم.

فرمود: «اما من، شما را به خوردن آن پس از غذا فرمان می‌دهم».

۱۴۸۸. الكافي به نقل از ابراهيم بن عمر یمانی: به امام صادق عليه السلام گفتم: آنان مدعی‌اند که بهترین وضعیت برای خوردن

تَرْنِج، حالت ناشتاست.

امام صادق عليه السلام فرمود: «اگر پیش از غذا خوب باشد، پس از غذا به مراتب بهتر و پسندیده‌تر است».

۱۴۸۹. امام صادق علیه السلام: تَرْنَج را پس از غذا بخورید؛ چرا که خاندان محمّد صلی الله علیه و آله چنین می کنند. [۴۰۶]

### ۱ / ۴ نخوردن تَرْنَج در شب

۱۴۹۰. امام رضا علیه السلام: خوردن تَرْنَج در شب، چشم را برمی گرداند و کزچشمی به جای می گذارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۴

۵ / ۱

ما يَهْضِمُ الْاَتْرَجَ

۱۴۹۱. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الْاَتْرَجَ لِثَقِيلٌ، فَإِذَا أَكَلَ، فَإِنَّ الْخُبْزَ الْيَابِسَ يَهْضِمُهُ مِنَ الْمَعِدَةِ. [۴۰۷]

۱۴۹۲. الإمام الرضا عليه السلام: الْخُبْزُ الْيَابِسُ يَهْضِمُ الْاَتْرَجَ. [۴۰۸]

۱۴۹۳. الكافي عن أبي بصير: كَانَ عِنْدِي ضَيْفٌ فَتَشَّهَى اَتْرَجًا بَعْسَلٍ فَأَطَعَمْتُهُ وَأَكَلْتُ مَعَهُ، ثُمَّ مَضَيْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِذَا الْمَائِدَةُ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَقَالَ لِي: ادْنُ فَكُلْ.

فَقُلْتُ: إِنِّي أَكَلْتُ قَبْلَ أَنْ آتِيكَ اَتْرَجًا بَعْسَلٍ، وَأَنَا أَجِدُ ثِقَلَهُ؛ لِأَنِّي أَكْثَرْتُ مِنْهُ.

فَقَالَ: يَا غُلَامُ! انْطَلِقْ إِلَى الْجَارِيَةِ، فَقُلْ لَهَا: ابْعَثِي إِلَيْنَا بِحَرْفِ رَغِيفِ يَابِسٍ مِنَ الَّذِي تُجَفِّفُهُ فِي التَّنُورِ. فَاتَتْ بِهِ، فَقَالَ لِي: كُلْ مِنْ هَذَا الْخُبْزِ الْيَابِسِ؛ فَإِنَّهُ يَهْضِمُ الْاَتْرَجَ.

فَأَكَلْتُهُ، ثُمَّ قُمْتُ فَكَأَنِّي لَمْ أَكُلْ شَيْئًا. [۴۰۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۵

### ۱ / ۵ آنچه تَرْنَج را هضم می کند

۱۴۹۱. امام باقر علیه السلام: تَرْنَج، سنگین است. چون خورده شود، نان خشک، آن را در معده هضم می کند.

۱۴۹۲. امام رضا علیه السلام: نان خشک، تَرْنَج را هضم می کند. [۴۱۰]

۱۴۹۳. الكافي به نقل از ابو بصير: میهمانی داشتم که به تَرْنَج همراه با عسل، اظهار تمایل کرد. آن را به او دادم و خود نیز با وی خوردم. سپس نزد امام صادق علیه السلام رفتم و دیدیم که سفره‌ای نزد ایشان گشوده است. به من فرمود: «پیش آی و بخور».

گفتم: پیش از آنکه نزد شما بیایم، تَرْنَج و عسل خورده‌ام و اکنون سنگینی آن را احساس می کنم؛ زیرا زیاد خورده‌ام.

[ایشان به یکی از غلامان خود] فرمود: «ای غلام! نزد کنیز برو و به او بگو: "برایمان یک کناره نان خشک، از آنچه در تنور خشک می کنی، بفرست».

آن نان، آورده شد. پس به من فرمود: «از این نان خشک بخور؛ چرا که تَرْنَج را هضم می کند».

من آن را خوردم و سپس از جای برخاستم، گویا که هیچ چیز نخورده‌ام.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۶

۶ / ۱

مَرْبَى الْاَتْرَجِ

۱۴۹۴. طَبُّ الْأَثْمَةِ: عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَسَنِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ:

أَخْبِرُونِي بِأَيِّ شَيْءٍ يَأْمُرُكُمْ بِهِ أَطْبَاؤُكُمْ فِي الْاَتْرَجِ؟

قَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا مُرُونَنَا بِهِ قَبْلَ الطَّعَامِ.

قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ أَرَدَأَ مِنْهُ قَبْلَ الطَّعَامِ، وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَنْفَعَ مِنْهُ بَعْدَ الطَّعَامِ، فَعَلَيْكُمْ بِالمُرَبِّي مِنْهُ؛ فَإِنَّ لَهُ رَائِحَةً فِي الجَوْفِ كَرَائِحَةِ المِسْكِ. [٤١١]

٧ / ١

النَّظَرُ إِلَى الاتْرَجِ

١٤٩٥. المعجم الكبير عن أبي كَبْشَةَ الأَنْمَارِي: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يُعْجِبُهُ النَّظَرُ إِلَى الاتْرَجِ، وَ كَانَ يُعْجِبُهُ النَّظَرُ إِلَى الحَمَامِ الأَحْمَرِ [٤١٢]. [٤١٣]

١٤٩٦. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله كَانَ يُعْجِبُهُ النَّظَرُ إِلَى الاتْرَجِ الأَخْضَرِ وَ التُّفَّاحِ الأَحْمَرِ. [٤١٤]  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ١٨٧

### ١ / ٦ مَرَبَائِ تَرْجِج

١٤٩٤. طَبَّ الأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از ابراهیم بن حسن جعفری: امام صادق علیه السلام به یاران خویش فرمود: «به من بگویند که پزشکانتان درباره تَرْجِج به شما چه دستور می دهند».

[یکی گفت: ای پسر پیامبر خدا! ما را به خوردن آن، پیش از غذا، سفارش می کنند.

فرمود: «هیچ چیز، از آن، در حالتی که پیش از غذا خورده شود، بدتر نیست و هیچ چیز، از آن، در حالتی که پس از غذا خورده شود، سودمندتر نیست. بر شما باد مَرَبَائِ آن، که در درون انسان، بویی چون بوی مُشْک دارد».

### ١ / ٧ نگاه کردن به تَرْجِج

١٤٩٥. المعجم الكبير به نقل از ابو كَبْشَةَ انصاری: پیامبر صلی الله علیه و آله نگرستن به تَرْجِج را دوست داشت و به نگرستن به حَمَامِ احمر [٤١٥] نیز علاقه مند بود. [٤١٦]

١٤٩٦. امام رضا علیه السلام: پیامبر خدا به نگرستن به تَرْجِج سبز و سیب سرخ، علاقه داشت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ١٨٨

### الفصل الثانی: الإِجَاصُ

١٤٩٧. طَبَّ الأَثْمَةِ عن جابر بن يزيد الجعفی: سَكَرَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِرَارًا هَاجَتْ بِهِ حَتَّى كَادَ أَنْ يُجَنَّ [٤١٧]، فَقَالَ لَهُ: سَكَّنُهُ بِالِإِجَاصِ. [٤١٨]

١٤٩٨. الإمام الصادق عليه السلام: الإِجَاصُ عَلَى الرِّيقِ؛ يُسَكِّنُ المِرَارَ، إِلاَّ أَنَّهُ يُهَيِّجُ الرِّيحَ. [٤١٩]

١٤٩٩. طَبَّ الأَثْمَةِ عن الأزرق بن سليمان: سَأَلْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الإِجَاصِ، فَقَالَ:

نَافِعٌ لِلمِرَارِ، وَ يُلَيِّنُ المَفَاصِلَ؛ فَلَا تُكْتَبَرُ مِنْهُ فَيَعْقَبُكَ رِيَا حَا فِي مَفَاصِلِكَ. [٤٢٠]

١٥٠٠. الكافي عن زياد القندی: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الحَسَنِ الأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ تَوْرٌ مَاءٍ فِيهِ إِجَاصٌ أَسْوَدٌ فِي إِبَانِهِ، فَقَالَ: إِنَّهُ هَاجَتْ بِي حَرَارَةٌ، وَ إِنَّ الإِجَاصَ الطَّرِيَّ يُطْفِئُ الحَرَارَةَ وَ يُسَكِّنُ

الصفراء، و إِنَّ الْيَابِسَ مِنْهُ يُسْكِنُ الدَّمَ، وَيُسَلِّ الدَّاءَ الدَّوِيَّ. [۴۲۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۸۹

## فصل دوم: آلو

۱۴۹۷. طَبَّ الْأَثْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از جابر بن یزید جعفی: مردی نزد امام باقر علیه السلام، از تلخه‌ای که در درون او به جوشش آمده بود تا جایی که نزدیک بود دیوانه شود اظهار ناراحتی کرد.

امام علیه السلام به او فرمود: «آن را با آلو فرو بنشان».

۱۴۹۸. امام صادق علیه السلام: آلو در حالت ناشتا تلخه را فرو می‌نشانند، هر چند که بادهای را نیز تحریک می‌کند.

۱۴۹۹. طَبَّ الْأَثْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از ازرق بن سلیمان: از امام صادق علیه السلام درباره آلو پرسیدم. فرمود: «برای تلخه مفید است و مفاصل را نیز نرم می‌کند؛ اما از آن، زیاد مخور که سرانجام، در مفصل‌هایت، بادهایی بر جای می‌نهد».

۱۵۰۰. الکافی به نقل از زیاد قندی: بر امام کاظم علیه السلام در آمدن، در حالی که نزد ایشان ظرف آبی قرار داشت و چند آلوی سیاه که همان زمان، هنگام چیدنش بود در آن دیده می‌شد.

فرمود: «حرارت، در من بالا- گرفته و آلوی تازه حرارت را خاموش می‌کند و صفرا را فرو می‌نشانند. خشک آن نیز خون را آرام می‌کند

و دردهای بی‌درمان را از تن بیرون می‌کشد». [۴۲۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۰

۱۵۰۱. طَبَّ الْأَثْمَةَ عَنْهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِالْإِجْرَاصِ الْعَتِيقِ؛ فَإِنَّ الْعَتِيقَ قَدْ بَقِيَ نَفْعُهُ وَ ذَهَبَ ضَرَرُهُ، وَ كُلُّهُ مُقَشَّرًا؛ فَإِنَّهُ نَافِعٌ لِكُلِّ مَرَارٍ وَ حَرَارَةٍ وَ وَهَجٍ يَهِيحُ مِنْهَا. [۴۲۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۱

۱۵۰۱. طَبَّ الْأَثْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بر شما باد آلوی مانده؛ چرا که در مانده آن، سودش بر جای مانده و زیانش رفته است. آن را پوست‌کنده بخورید؛ چرا که برای هر تلخه و حرارت و فروختگی‌ای که از حرارت برخاسته باشد، سودمند است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۲

## الفصل الثالث: الأرز

۱/۳

سَيِّدُ الْأَطْعِمَةِ

۱۵۰۲. رسول الله صلى الله عليه و آله: الْأَرُزُّ فِي الْأَطْعِمَةِ كَالسَّيِّدِ فِي الْقَوْمِ. [۴۲۴]

۱۵۰۳. عنه صلى الله عليه و آله: سَيِّدُ طَعَامِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّحْمُ، ثُمَّ الْأَرُزُّ. [۴۲۵]

۲/۳

خَوَاصُّ الْأَرُزِّ

۱۵۰۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: نِعَمَ الدَّوَاءِ الْأَرُزُّ، بَارِدٌ صَحِيحٌ سَلِيمٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. [۴۲۶]

## فصل سوم: برنج

## ۳ / ۱ مهتر همه خوراکی‌ها

۱۵۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برنج در میان خوراکی‌ها، به سان مهتر (رئیس) در میان قوم است.
۱۵۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مهتر همه خوراکی‌های ساکنان این سرای و آن سرای، گوشت و سپس برنج است.

## ۳ / ۲ خواص برنج

۱۵۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برنج، نیکو دارویی است: سرد است و سالم و برکنار از هر بیماری.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۴

۱۵۰۵. الإمام الصادق علیه السلام: نِعَمَ الطَّعَامِ الْأُرْزُ، وَ إِنَّا لَنَدَّخِرُهُ لِمَرْضَانَا. [۴۲۷]

۱۵۰۶. عنه علیه السلام: ما يأتينا من ناحيتكم شيء أحب إلي من الأرز و البنفسج، إنني اشتكيت و جعي ذلك الشديد فآلهمت أكل الأرز، فأمرت به... فأذهب الله عز و جل عني بذلك الوجع. [۴۲۸]

راجع: ج ۲، ص ۲۹۶ (خواص خبز الأرز). ج ۲، ص ۳۸۲ (خواص بعض أنواع السويق / سويق الأرز). ج ۱، ص ۴۳۰ (ما ينفع لعلاج بعض أوجاع البطن / الأرز و السماق). ج ۱، ص ۴۳۴ (ما ينفع لعلاج بعض أوجاع البطن / سويق الأرز). ج ۱، ص ۴۴۴ (ما ينفع لعلاج البواسير / الأرز).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۵

۱۵۰۵. امام صادق علیه السلام: برنج، نیکو غذایی است. ما آن را برای بیماران خویش نگه می‌داریم. [۴۲۹]

۱۵۰۶. امام صادق علیه السلام: از جانب شما، چیزی دوست‌داشتنی‌تر از برنج و بنفشه برای ما نمی‌آید. من [یک بار] از دردی سخت در رنج بودم و در این هنگام به من الهام شد که برنج بخورم. گفتم که آن را فراهم آورند.... پس، خداوند عز و جل با آن، دردم را از میان برد.

ر. ک: ج ۲، ص ۲۹۷ (خواص نان برنج). ج ۲، ص ۳۸۳ (خواص برخی از انواع سويق / سويق برنج). ج ۱، ص ۴۳۱ (آنچه برای برخی از دردهای شکم سودمند است / برنج و سماق). ج ۱، ص ۴۳۵ (آنچه برای برخی از دردهای شکم سودمند است / سويق برنج). ج ۱، ص ۴۴۵ (آنچه برای درمان بواسیر، سودمند است / برنج).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۶

## الفصل الرابع: البادروج (الحوك)

۱۵۰۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: الحوك بقلة طيبة، كآني أراها نابتة في الجنة. [۴۳۰]

۱۵۰۸. الإمام عليّ عليه السلام: نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْبَادِرُوجِ [۴۳۱]، فَقَالَ: هَذَا الْحَوْكُ، كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى مَنبِتِهِ فِي الْجَنَّةِ. [۴۳۲]

۱۵۰۹. عنه علیه السلام: ذُكِرَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْحَوْكُ وَ هُوَ الْبَادِرُوجُ، فَقَالَ: بَقَلْتِي وَ بَقَلْتِي الْأَنْبِيَاءَ قَبْلِي، وَ إِنِّي لَأَحِبُّهَا وَ

أَكُلُهَا. [۴۳۳]

**فصل چهارم: بادروج (حوک)**

۱۵۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حوک [۴۳۴]، سبزی پیامبران است. گویا می بینم که در بهشت روییده است.  
 ۱۵۰۸. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا به بادروج نگریست و فرمود: «این، حوک است. گویا که رستگاه آن را در بهشت می نگریم».

۱۵۰۹. امام علی علیه السلام: نزد پیامبر خدا از حوک که همان بادروج است سخن به میان آوردند. فرمود: «سبزی من و سبزی پیامبران پیش از من است و من، آن را دوست دارم و می خورم».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۸

۱۵۱۰. عنه علیه السلام: كَانَ يُعْجِبُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مِنَ الْبُقُولِ الْحَوْكُ. [۴۳۵]

۱۵۱۱. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَحَبَّ الصَّبَاغِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله الْخَلُّ، وَ أَحَبَّ الْبُقُولِ إِلَيْهِ الْحَوْكُ، يَعْنِي: الْبَادْرُوجَ. [۴۳۶]

۱۵۱۲. عنه علیه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُعْجِبُهُ الْبَادْرُوجُ. [۴۳۷]

۱۵۱۳. عنه علیه السلام: الْحَوْكُ بَقْلَةٌ الْأَنْبِيَاءِ، أَمَا إِنَّ فِيهِ ثَمَانَ [۴۳۸] خِصَالٍ: يُمْرِئُ، وَ يَفْتَحُ الشَّدَدَ، وَ يُطَيِّبُ الْجِشَاءَ، وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ [۴۳۹]، وَ يُشْهِئُ الطَّعَامَ، وَ يَسْلُ الدَّاءَ، وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ، إِذَا اسْتَقَرَّ فِي جَوْفِ الْإِنْسَانِ فَمَعَ الدَّاءُ كُلَّهُ. [۴۴۰]

۱۵۱۴. الكافي عن أيوب بن نوح: حَدَّثَنِي مَنْ حَضَرَ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَائِدَةَ فَمَدَعَا بِالْبَادْرُوجِ وَقَالَ: إِنِّي أَحْبُّ أَنْ أَسْتَفْتِحَ بِهِ الطَّعَامَ؛ فَإِنَّهُ يَفْتَحُ الشَّدَدَ، وَ يُشْهِئُ الطَّعَامَ، وَ يَذْهَبُ بِالسَّبَلِ، وَ مَا ابَالِي إِذَا أَنَا افْتَتَحْتُ بِهِ مَا أَكَلْتُ بَعْدَهُ مِنَ الطَّعَامِ فَإِنِّي لَا أَخَافُ دَاءً وَلَا غَائِلَةً.

فَلَمَّا فَرَعْنَا مِنَ الْعَدَاءِ دَعَا بِهِ أَيضًا، وَ رَأَيْتُهُ يَتَّبِعُ وَرَقَهُ عَلَى الْمَائِدَةِ وَ يَأْكُلُهُ وَ يُنَاوِلُنِي مِنْهُ، وَ هُوَ يَقُولُ: اخْتِمَ طَعَامَكَ بِهِ؛ فَإِنَّهُ يُمْرِئُ مَا قَبْلَ كَمَا يُشْهِئُ مَا بَعْدَ، وَ يَذْهَبُ بِالثَّقَلِ، وَ يُطَيِّبُ الْجِشَاءَ وَ النَّكْهَةَ. [۴۴۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۱۹۹

۱۵۱۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا از میان سبزی ها، به حوک، علاقه داشت.

۱۵۱۱. امام صادق علیه السلام: نزد پیامبر خدا، سرکه، دوست داشتنی ترین نانخورش، و حوک (یعنی بادروج)، دوست داشتنی ترین سبزی بود.

۱۵۱۲. امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان که دروهای خدا بر او باد به بادروج، علاقه داشت.

۱۵۱۳. امام صادق علیه السلام: حوک، سبزی پیامبران است. بدانید که در آن، هشت ویژگی است: اشتها آور است، گرفتگی های عروق و مجاری را می گشاید، آروغ را خوش بو می سازد، دهان را بوی خوش می بخشد، غذا را دوست داشتنی می سازد، درد و بیماری را از بدن بیرون می کشد و امان انسان از جذام است. چون در درون انسان جای گیرد، همه بیماری ها را فرو می نشاند.

۱۵۱۴. الكافي به نقل از أيوب بن نوح: یکی از کسانی که با امام کاظم علیه السلام بر سر سفره ای حضور یافته بود، برایم نقل کرد که امام علیه السلام، بادروج خواست و فرمود: «من دوست دارم غذا را با آن آغاز کنم؛ زیرا انسدادها را می گشاید، اشتها آور است، سَبَلِ [۴۴۲] را از میان می برد و اگر غذا را با آن آغاز کنم، پس از آن، هر چه را بخورم، از آن بیمی ندارم؛ چرا که در این صورت، از زیان و عارضه ای نمی ترسم».

چون غذا خوردن را به پایان بردیم، امام علیه السلام باز هم آن را خواست و ایشان را دیدم که دنبال سینی این سبزی می‌رفت و از آن می‌خورد و به من هم می‌داد.

او می‌فرمود: «غذای خود را با آن به پایان ببر؛ چرا که آنچه را پیش‌تر خورده‌ای، می‌گوارد و آنچه را پس از آن می‌خوری، دوست‌داشتنی می‌سازد، و سنگینی را از میان می‌برد و آروغ و دهان را خوش‌بو می‌کند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۲

#### الفصل الخامس: الباذنجان

۱۵۱۵. الدعوات: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دَارِ جَابِرٍ فَقَدَّمَ إِلَيْهِ الْبَاذَنْجَانَ، فَجَعَلَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ، فَقَالَ جَابِرٌ: إِنَّ فِيهِ لَحَرَارَةً.

فقال صلى الله عليه وآله: يا جابرُ مه، إنها أولُ شجرةٍ آمنتُ بالله، اقلوه و أنضجوه و زيتوه و لئنه؛ فإنه يزيدُ في الحكمة. [۴۴۳]

۱۵۱۶. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا الْبَاذَنْجَانَ؛ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. [۴۴۴]

۱۵۱۷. عنه عليه السلام: كُلُوا الْبَاذَنْجَانَ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ الدَّاءَ وَلَا دَاءَ لَهُ. [۴۴۵]

۱۵۱۸. عنه عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْبَاذَنْجَانِ الْبُورَانِيِّ؛ فَهُوَ شِفَاءٌ يُؤْمِنُ مِنَ الْبَرَصِ، وَ كَذَا الْمَقْلِيُّ بِالزَّيْتِ. [۴۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۳

#### فصل پنجم: بادمجان

۱۵۱۵. الدعوات: پیامبر خدا در خانه جابر بود. نزد ایشان بادمجان آوردند و ایشان خوردن آغازید. جابر گفت: این، گرم است. فرمود: «ای جابر! نه! این، نخستین درختی است که به خداوند، ایمان آورد. آن را در آب بجوشانید و بیزید و به روغن بیامیزید و نرم کنید؛ چرا که بر حکمت می‌افزاید». [۴۴۷]

۱۵۱۶. امام صادق علیه السلام: بادمجان بخورید، که شفای هر درد است.

۱۵۱۷. امام صادق علیه السلام: بادمجان بخورید؛ زیرا درد را می‌برد و خود، درد نمی‌آورد.

۱۵۱۸. امام صادق علیه السلام: بر شما باد بادمجان بورانی؛ [۴۴۸] زیرا شفایی است که از پیسی، ایمن می‌سازد. بادمجان سرخ‌شده در روغن نیز چنین است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۴

۱۵۱۹. عنه عليه السلام: الْبَاذَنْجَانُ جَيِّدٌ لِلْمِرَّةِ السُّودَاءِ، وَلَا يَضُرُّ بِالصَّفْرَاءِ. [۴۴۹]

۱۵۲۰. عنه عليه السلام: رُوِيَ أَنَّهُ كَانَ بَيْنَ يَدَيِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بَاذَنْجَانٌ مَقْلُوقٌ بِالزَّيْتِ، وَ عَيْنُهُ رَمِدَةٌ وَ هُوَ يَأْكُلُ مِنْهُ.

قَالَ الرَّوَايُ [۴۵۰]: قُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، تَأْكُلُ مِنْ هَذَا وَ هُوَ نَارٌ؟

فَقَالَ: اسْكُتْ، إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ جَدِّي قَالَ: الْبَاذَنْجَانُ مِنْ شَحْمَةِ الْأَرْضِ، وَ هُوَ طَيِّبٌ فِي كُلِّ شَيْءٍ يَقَعُ فِيهِ. [۴۵۱]

۱۵۲۱. عنه عليه السلام: أَكْثَرُوا مِنَ الْبَاذَنْجَانِ عِنْدَ جَدَادِ النَّخْلِ؛ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَ يَزِيدُ فِي بَهَاءِ الْوَجْهِ، وَ يُلَيِّنُ الْعُرُوقَ، وَ يَزِيدُ

فِي مَاءِ الصُّلْبِ. [۴۵۲]

۱۵۲۲. الإمام الرضا عليه السلام: الْبَاذَنْجَانُ عِنْدَ جَدَاذِ النَّخْلِ لَا دَاءَ فِيهِ. [۴۵۳]



۱۵۲۳. الإمام الهادی علیه السلام لِيُعْضِ قَهَارِمَتِهِ: اسْتَكْتَرُوا لَنَا مِنَ الْبَادَنْجَانِ؛ فَإِنَّهُ حَارٌّ فِي وَقْتِ الْحَرَارَةِ وَ بَارِدٌ فِي وَقْتِ الْبُرُودَةِ، مُعْتَدِلٌ فِي الْأَوْقَاتِ كُلِّهَا جَيِّدٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ. [۴۵۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۵

۱۵۱۹. امام صادق علیه السلام: بادمجان، برای تلخه سیاه، خوب است و به صفرا نیز زیان نمی‌رساند.

۱۵۲۰. امام صادق علیه السلام: روایت شده است که نزد امام سجّاد علیه السلام بادمجانِ سرخ شده در روغن بود. ایشان چشم‌درد داشت و از این بادمجان می‌خورد. [۴۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۲۰۵

به ایشان گفتم: ای پسر پیامبر خدا! از این می‌خوری، در حالی که آتش است؟!!

فرمود: «خموش! پدرم از جدّم برایم نقل کرد که گفته است: بادمجان، از پیه زمین است و در هر چه بیفتد، آن را خوش و خوش بو می‌سازد».

۱۵۲۱. امام صادق علیه السلام: در فصل خرماچینی، بادمجان زیاد بخورید؛ زیرا درمان هر دردی است، فروغ چهره را افزون می‌سازد، رگ‌ها را نرم می‌کند و به آب کمر می‌افزاید.

۱۵۲۲. امام رضا علیه السلام: بادمجان در فصل چیدن خرما، موجب هیچ بیماری‌ای نیست.

۱۵۲۳. امام هادی علیه السلام خطاب به یکی از مردان خود: برای ما، بادمجان فراوان بیاورید؛ چرا که در هنگام گرما، گرم و در هنگام سرما، سرد است. [۴۵۶] آن، در همه اوقات، معتدل و در هر حال، خوب است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۶

۱۵۲۴. الكافي عن عبد الرحمن الهاشمي: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ [۴۵۷] لِيُعْضِ مَوَالِيهِ: أَقْلِلْ لَنَا مِنَ الْبَصْلِ وَ أَكْثِرْ لَنَا مِنَ الْبَادَنْجَانِ.

فَقَالَ لَهُ مُسْتَفْهِمًا: الْبَادَنْجَانِ؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ، الْبَادَنْجَانُ جَامِعُ الطَّعْمِ، مَنْفِيٌّ الدَّاءِ، صَالِحٌ لِلطَّبِيعَةِ، مُنْصِفٌ فِي أَحْوَالِهِ، صَالِحٌ لِلشَّيْخِ وَ الشَّابِّ، مُعْتَدِلٌ فِي حَرَارَتِهِ وَ بُرُودَتِهِ، حَارٌّ فِي مَكَانِ الْحَرَارَةِ وَ بَارِدٌ فِي مَكَانِ الْبُرُودَةِ. [۴۵۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۷

۱۵۲۴. الكافي به نقل از عبد الرحمن هاشمی: ایشان [۴۵۹] به یکی از وابستگان خود گفت: «برای ما پیاز کمتر و بادمجان بیشتر بیاور».

او پرسش‌کنان گفت: بادمجان؟

فرمود: «آری. بادمجان، در بردارنده همه مزه‌ها، بی‌زیان، سازگار با طبع، معتدل در میان گونه‌های خویش، مناسب برای پیر و جوان، میانه در گرما و سرما، و گرم در جای گرم و سرد در جای سرماست».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۸

الفصل السادس: الباقلاء

۱۵۲۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: كَانَ طَعَامُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَاقِلَى حَتَّى رُقِعَ.  
و لَمْ يَأْكُلْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ شَيْئًا غَيْرَهُ النَّارُ حَتَّى رُقِعَ. [۴۶۰]  
۲ / ۶

خَوَاصُّ الْبَاقِلَاءِ

۱۵۲۶. الإمام الصادق عليه السلام: الْبَاقِلَى يَذْهَبُ بِالذَّاءِ وَلَا دَاءَ فِيهِ. [۴۶۱]  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۰۹

### فصل ششم: باقلا

#### ۱ / ۶ خوراک عیسی

۱۵۲۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خوراک عیسی علیه السلام، تا آن هنگام که به آسمان برده شد، باقلا بود. عیسی علیه السلام، تا هنگامی که به آسمان برده شد، هرگز چیزی را که آتش آن را دیگرگون کرده باشد، نخورد.

#### ۲ / ۶ خواص باقلا

۱۵۲۶. امام صادق علیه السلام: باقلا، بیماری را می برد و در آن، بیماری ای نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۰

۱۵۲۷. عنه عليه السلام: الْبَاقِلَاءُ يُمَخِّخُ السَّاقِينَ. [۴۶۲]

۱۵۲۸. عنه عليه السلام: أَكَلَ الْبَاقِلَى يُمَخِّخُ السَّاقِينَ، وَ يَزِيدُ فِي الدَّمَاغِ، وَ يُؤَلِّدُ الدَّمَ الطَّرِيَّ. [۴۶۳]

۱۵۲۹. الإمام الرضا عليه السلام: أَكَلَ الْبَاقِلَى يُمَخِّخُ السَّاقِينَ، وَ يُؤَلِّدُ الدَّمَ الطَّرِيَّ. [۴۶۴]

۳ / ۶

أَكَلَ الْبَاقِلَاءَ بِقَشْرِهَا

۱۵۳۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَكَلَ فَوَلَّهُ بِقَشْرِهَا، أَخْرَجَ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ مِنَ الدَّاءِ مِثْلَهَا. [۴۶۵]

۱۵۳۱. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّوا الْبَاقِلَى بِقَشْرِهَا؛ فَإِنَّهُ يَدْبِغُ الْمَعْدَةَ. [۴۶۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۱

۱۵۲۷. امام صادق علیه السلام: باقلا، استخوان های ساق پا را استحکام می بخشد.

۱۵۲۸. امام صادق علیه السلام: خوردن باقلا، مغز استخوان های ساق پا را تراکم درونی می دهد، توان مغز را افزون می سازد و خون تازه تولید می کند. [۴۶۷]

۱۵۲۹. امام رضا علیه السلام: خوردن باقلا، مغز استخوان های ساق پا را استحکام می بخشد و خون تازه تولید می کند. [۴۶۸]

#### ۳ / ۶ خوردن باقلا با پوست آن

۱۵۳۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس یک دانه باقلا را با پوست آن بخورد، خداوند عز و جلیه همان اندازه، بیماری را از درون او بیرون می برد.

۱۵۳۱. امام صادق علیه السلام: باقلا را با پوستش بخورید؛ چرا که معده را پاک می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۲

### الفصل السابع: البصل

۱۵۳۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا دخلتم بلدةً وبيننا فخفتُم و بآءها فعليكم ببصير لها؛ فإنه يجلي البصر، ويُنقى الشعر، و يزيد في

ماء الصلْب، و يزيد في الخُطى، و يذهب بالحَمَاء و هو السَّوَادُ فِي الْوَجْهِ و الإعياء أيضاً. [۴۶۹]

۱۵۳۳. عنه صلى الله عليه وآله: إذا دخلتم بلاداً فكلوا من بصلها؛ يطرد عنكم و بآءها. [۴۷۰]

۱۵۳۴. الإمام الصادق عليه السلام: البصلُ يذهب بالحُمى. [۴۷۱]

۱۵۳۵. عنه عليه السلام: البصلُ يذهب بالنَّصَبِ، و يَشُدُّ العَصَبَ، و يزيد في الخُطى، و يزيد في الماء، و يذهب بالحُمى. [۴۷۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۳

### فصل هفتم: پیاز

۱۵۳۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اگر به آبادی‌ای وبا زده [۴۷۳] در آمدید و از وبای آن ترسیدید، بر شما باد پیاز آن؛ چرا که

چشم را جلا می‌دهد، مو را تمیز می‌کند، آب کمر را افزون می‌سازد، بر گام‌ها می‌افزاید، و آفتاب‌زدگی (سیاهی چهره) و نیز خستگی را از میان می‌برد.

۱۵۳۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: چون به سرزمینی در آمدید، از پیاز آن بخورید تا وبای آن را از شما دور کند.

۱۵۳۴. امام صادق علیه السلام: پیاز، تب را می‌برد.

۱۵۳۵. امام صادق علیه السلام: پیاز، خستگی را می‌برد، پی را استحکام می‌بخشد، بر گام‌ها می‌افزاید، آب را افزون می‌سازد و تب را می‌برد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۴

۱۵۳۶. الكافي عن عبد الله بن محمد الجعفي: ذكر أبو عبد الله عليه السلام البصل، فقال: يطيب النكهة، و يذهب بالبلغم، و يزيد في

الجماع. [۴۷۴]

۱۵۳۷. الإمام الصادق عليه السلام: كلوا البصل؛ فإن فيه ثلاث خصال: يطيب النكهة، و يشد اللثة، و يزيد في الماء و الجماع. [۴۷۵]

۱۵۳۸. عنه عليه السلام: البصل يطيب النكهة، و يشد الظهر، و يرق البشره. [۴۷۶]

راجع: ج ۲، ص ۲۲۶ (أكل البيض بالبصل و الزيت).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۵

۱۵۳۶. الكافي به نقل از عبد الله بن محمد جعفي: امام صادق علیه السلام از پیاز یاد کرد و فرمود: «بوی دهان را خوش می‌سازد،

بلغم را می‌برد و توان آمیزش را می‌افزاید».

۱۵۳۷. امام صادق علیه السلام: پیاز بخورید؛ چرا که سه ویژگی دارد: بوی دهان را خوش می‌سازد، لثه را استحکام می‌بخشد و آب

و توان آمیزش را افزون می‌کند. [۴۷۷]

۱۵۳۸ امام صادق علیه السلام: پیاز دهان را خوش بو می‌کند و پشت را قوی می‌سازد و پوست را نرمی می‌بخشد.

الفصل الثامن: البَطِيخ

۱ / ۸

خَوَاصُّ البَطِيخِ

۱۵۳۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْبَطِيخِ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ: هُوَ طَعَامٌ، وَ شَرَابٌ، وَ اشْنَانٌ، وَ رِيحَانٌ، وَ يَغْسِلُ المَثَانَةَ، وَ يَغْسِلُ البَطْنَ، وَ يُكَيِّرُ ماءَ الظَّهْرِ، وَ يَزِيدُ فِي الجِمَاعِ، وَ يَقَطَعُ البِرُودَةَ، وَ يُنْقَى البَشْرَةَ. [۴۷۸]

۱۵۴۰. عنه صلى الله عليه و آله: تَفَكَّهُوا بِالْبَطِيخِ؛ فَإِنَّهَا فَاكِهَةٌ الجَنَّةِ، وَ فِيهَا أَلْفُ بَرَكَهٍ وَ أَلْفُ رَحْمَةٍ، وَ أَكَلُهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. [۴۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۷

فصل هشتم: خربزه

۱ / ۸ خَوَاصُّ خربزه

۱۵۳۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بر شما باد خربزه [۴۸۰]؛ چرا که در آن، ده ویژگی است: خوراک است؛ نوشیدنی است؛ شست و شو دهنده است؛ [۴۸۱] خوش بوکننده است؛ مثانه را می شوید؛ شکم را می شوید؛ آب کمر را فراوان می سازد؛ نیروی همبستری را می افزایش؛ سردی مزاج را از میان برمی دارد؛ و پوست را تمیز می کند.

۱۵۴۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: نیاز خود به میوه را با خربزه بر آورید؛ چرا که میوه بهشت است، در آن، هزار برکت و هزار رحمت است و خوردنش شفای هر درد است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۸

۱۵۴۱. عنه صلى الله عليه و آله: تَفَكَّهُوا بِالْبَطِيخِ؛ فَإِنَّ ماءَهُ رَحْمَةٌ، وَ حَلَاوَتُهُ مِنْ حَلَاوَةِ الجَنَّةِ. [۴۸۲]

۱۵۴۲. طَبَّ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله: اهْدَى إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله بَطِيخٌ مِنَ الطَّائِفِ فَشَمَّهُ وَ قَبَّلَهُ، ثُمَّ قَالَ: عَضُّوا البَطِيخِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ حَلَلِ الأَرْضِ، وَ ماؤُهُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَ حَلَاوَتُهُ مِنَ الجَنَّةِ. [۴۸۳]

۱۵۴۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: ما مِنْ امْرَأَةٍ حَامِلَةٍ أَكَلَتِ البَطِيخِ، إِلَّا يَكُونُ مَوْلُودُهَا حَسَنَ الوَجْهِ وَ الخُلُقِ. [۴۸۴]

۱۵۴۴. الإمام عليّ عليه السلام فِي بَيَانِ فَوَائِدِ البَطِيخِ: فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: طَعَامٌ، وَ شَرَابٌ، وَ فَاكِهَةٌ، وَ رِيحَانٌ، وَ اَدَمٌ، وَ حَلَوَاءٌ، وَ اشْنَانٌ، وَ خَطْمِيٌّ، وَ بَقْلٌ، وَ دَوَاءٌ. [۴۸۵]

۱۵۴۵. عنه عليه السلام: البَطِيخُ شَحْمَةُ الأَرْضِ، لا دَاءَ وَ [لا] [۴۸۶] غَائِلَةٌ فِيهِ. [۴۸۷]

۱۵۴۶. الإمام الصادق عليه السلام فِي ذِكْرِ خَوَاصِّ البَطِيخِ: يُذِيبُ الحَصَى فِي المَثَانَةِ. [۴۸۸]

۱۵۴۷. عنه عليه السلام: كُلُّوا البَطِيخِ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ مُجْتَمِعَةٍ: هُوَ سَحْمَةُ الأَرْضِ لا دَاءَ فِيهِ وَ لا غَائِلَةٌ، وَ هُوَ طَعَامٌ، وَ هُوَ شَرَابٌ، وَ هُوَ فَاكِهَةٌ، وَ هُوَ رِيحَانٌ، وَ هُوَ اشْنَانٌ، وَ هُوَ اَدَمٌ، وَ يَزِيدُ فِي البَاهِ، وَ يَغْسِلُ المَثَانَةَ، وَ يُدْرِ البَوْلَ. [۴۸۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۱۹

۱۵۴۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: نیاز خود به میوه را با خربزه بر آورید؛ چرا که آب آن، رحمت، و شیرینی آن، از شیرینی بهشت است.

۱۵۴۲. طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: به پیامبر صلی الله علیه و آله خربزه‌ای از طائف، هدیه دادند. آن را بویید و بوسید و سپس فرمود: «خربزه را دندان بزیند؛ چرا که از زیورهای زمین است: آبش از رحمت خداوند و شیرینی‌اش از بهشت است».

۱۵۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ زن بارداری نیست که خربزه بخورد، مگر این که نوزادش خوش چهره و خوش خوی خواهد شد.

۱۵۴۴. امام علی علیه السلام در بیان فواید خربزه: در آن، ده ویژگی است: خوراک است؛ نوشیدنی است؛ میوه است؛ سبزی است؛ خورش است؛ شیرینی است؛ شست‌وشو دهنده است؛ خطمی [۴۹۰] است؛ سبزی است؛ و داروست.

۱۵۴۵. امام علی علیه السلام: خربزه، دُنْبَلان کوهی است، نه در آن بیماری‌ای هست و نه عارضه‌ای.

۱۵۴۶. امام صادق علیه السلام درباره ویژگی‌های خربزه: سنگ را در مثانه، ذوب می‌کند.

۱۵۴۷. امام صادق علیه السلام: خربزه بخورید؛ چرا که در آن، ده ویژگی است: [مانند] دنبان کوهی است، نه دردی در آن هست و نه فسادی؛ خوراک است؛ نوشیدنی است؛ میوه است؛ خوش بوکننده است؛ شست‌وشو دهنده است؛ خورش است؛ توان جنسی را می‌افزاید؛ مثانه را می‌شوید؛ و ادرار آور است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۰

۱۵۴۸. الإمام الرضا علیه السلام:

أَهْدَتْ لَنَا الْأَيَّامُ بِطَيْخَةٍ مِنْ حُلَلِ الْأَرْضِ وَ دَارِ السَّلَامِ

تَجَمُّعُ أَوْصَافِ عِظَامَا وَ قَدَّ عَدَدْتُهَا مَوْصُوفَةً بِالنُّظَامِ

كَذَاكَ قَالَ الْمُصْطَفَى الْمُجْتَبَى مُحَمَّدٌ جَدِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ

مَاءٌ وَ حَلَوَاءٌ وَ رِيحَانَةٌ فَكَيْهَةٌ حُرْضُ طَعَامٍ إِدَامٌ

تُنْفَى الْمَثَانَةُ وَ تُصَفَّى الْوُجُوهُ تُطَيَّبُ النَّكْهَةُ عَشْرَ تَمَامٍ [۴۹۱]

۲ / ۸

أَكَلَ الْبَطِيخَ قَبْلَ الطَّعَامِ

۱۵۴۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْبَطِيخُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَغْسِلُ الْبَطْنَ غَسْلًا، وَ يَذْهَبُ بِالذَّاءِ أَصْلًا. [۴۹۲]

۳ / ۸

النَّهْيُ عَنِ أَكْلِ الْبَطِيخِ عَلَى الرَّيِّقِ

۱۵۵۰. الإمام الصادق عليه السلام: أَكَلَ الْبَطِيخِ عَلَى الرَّيِّقِ يورثُ الْفَالِجَ. [۴۹۳]

۱۵۵۱. الإمام الرضا عليه السلام: الْبَطِيخُ عَلَى الرَّيِّقِ يورثُ الْفَالِجَ، نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهُ. [۴۹۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۱

۱۵۴۸. امام رضا علیه السلام:

روزگاران به ما خربزه‌ای پیشکش داداز زیورهای زمین و از سرای سلامت.

ویژگی‌هایی بزرگ را در خود جای داده و مناز این جمله، آن را آراسته به سامان‌یافتگی دیدم.

پیامبر ما، بنده برگزیده، چنین گفت (محمد، نیای من، که بر او درود باد):

آب است و شیرینی و سبزی و میوه و شست‌وشو دهنده و خوراک و خورش

مثانه را می‌شوید و چهره را صفا می‌دهد دهان را خوش‌بو می‌سازد و این، همه ده ویژگی آن است.

### ۲ / ۸ خوردن خربزه پیش از غذا

۱۵۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خربزه پیش از غذا، شکم را کاملاً می‌شوید و بیماری را از ریشه می‌کند.

### ۳ / ۸ نهی از خوردن خربزه در حالت ناشتا

۱۵۵۰. امام صادق علیه السلام: خوردن خربزه در ناشتا، سست‌اندami می‌آورد.

۱۵۵۱. امام رضا علیه السلام: خوردن خربزه در حالت ناشتا، سست‌اندami پناه بر خدا بر جای می‌گذارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۲

۱۵۵۲. المناقب عن محمد بن صالح الخثعمی: عَزَمْتُ أَنْ أَسْأَلَ فِي كِتَابِي إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَكْلِ الْبَطِيخِ عَلَى الرَّيْقِ... فَانْسَيْتُ، فَوَرَدَ عَلَيَّ جَوَابُهُ: لَا يُؤْكَلُ الْبَطِيخُ عَلَى الرَّيْقِ؛ فَإِنَّهُ يورثُ الْفَالَجَ. [۴۹۵]

۴ / ۸

### أَدَبُ أَكْلِ الْبَطِيخِ

۱۵۵۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَضَّ الْبَطِيخَ وَلَا- تَقْطَعُهَا قَطْعًا؛ فَإِنَّهَا فَارِكِهَةٌ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ، مُطَهِّرَةٌ الْفَمِ، مُقَدِّسَةٌ الْقَلْبِ، تُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ، وَ تُرَضِّي الرَّحْمَنَ، رِيحُهَا مِنَ الْعَبِيرِ، وَ مَائُهَا مِنَ الْكُوْثَرِ، وَ لَحْمُهَا مِنَ الْفِرْدَوْسِ، وَ لَذَّتُهَا مِنَ الْجَنَّةِ، وَ أَكْلُهَا مِنَ الْعِبَادَةِ. [۴۹۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۳

۱۵۵۲. مناقب آل ابی طالب به نقل از محمد بن صالح خثعمی: تصمیم داشتم در نامه‌ام به امام عسکری علیه السلام، درباره خوردن خربزه در حالت ناشتا ... بپرسم؛ اما این پاسخ از او به من رسید: خربزه را نباید در حالت ناشتا خورد؛ زیرا سست‌اندami می‌آورد.

### ۴ / ۸ آداب خوردن خربزه

۱۵۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خربزه را دندان بزَن و آن را قطعه قطعه مخور؛ چرا که میوه‌ای است خجسته، خوش، مایه پاکی دهان و تقدس‌بخش دل؛ دندان‌ها را سفید می‌کند، خدای را خرسند می‌سازد، بویش از عنبر و آبش از کوثر است، گوشت آن از پردیس، لذت آن از بهشت، و خوردن آن، عبادت است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۴

## خَوَاصُّ الْبَيْضِ

۱۵۵۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ شَكَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الضَّعْفَ، فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ الْبَيْضِ. [۴۹۷]

۱۵۵۵. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ شَكَا إِلَى اللَّهِ قَلَّةَ النَّسْلِ فِي أُمَّتِهِ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَأْمُرَهُمْ بِأَكْلِ الْبَيْضِ، فَفَعَلُوا فَكَثُرَ النَّسْلُ فِيهِمْ. [۴۹۸]

۱۵۵۶. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ عَدِمَ الْوَلَدَ فَلْيَأْكُلِ الْبَيْضَ وَ لِيَكْثِرْ مِنْهُ؛ فَإِنَّهُ يُكْثِرُ النَّسْلَ. [۴۹۹]

۱۵۵۷. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ عَدِمَ الْوَلَدَ، فَلْيَأْكُلِ الْبَيْضَ وَ لِيَكْثِرْ مِنْهُ. [۵۰۰]

۱۵۵۸. الإمام الكاظم عليه السلام: كَثْرَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ تَزِيدُ فِي الْوَلَدِ. [۵۰۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۵

## فصل نهم: تخم مرغ

## ۱ / ۹ خَوَاصُّ تَخْمِ مَرِغٍ

۱۵۵۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: یکی از پیامبران، از «سستی»، به درگاه خداوند عز و جل نالید. خداوند، او را به خوردن تخم مرغ، فرمان داد.

۱۵۵۵. امام علی علیه السلام: یکی از پیامبران، از کمی زاد و ولد در میان امت خویش، به درگاه خداوند عز و جل نالید. خداوند، او را فرمود که مردم را به خوردن تخم مرغ، سفارش کند.

مردم، این کار را کردند و از آن پس، زاد و ولد در میانشان فراوان شد.

۱۵۵۶. امام باقر علیه السلام: هر کس فرزند ندارد، تخم مرغ بخورد و فراوان از آن بهره ببرد؛ چرا که نسل را می‌افزاید.

۱۵۵۷. امام صادق علیه السلام: هر کس فرزند ندارد، تخم مرغ بخورد.

۱۵۵۸. امام کاظم علیه السلام: فراوان خوردن تخم مرغ، فرزند را افزون می‌سازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۶

۱۵۵۹. عنه علیه السلام: أَكثَرُوا مِنَ الْبَيْضِ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْوَلَدِ. [۵۰۲]

۱۵۶۰. الكافي عن مرزم: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَيْضَ، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ خَفِيفٌ؛ يَذْهَبُ بِقَرْمِ اللَّحْمِ، وَ لَيْسَتْ لَهُ غَائِلَةٌ اللَّحْمِ. [۵۰۳]

## أَكْلُ الْبَيْضِ بِالْبَصْلِ وَالزَّيْتِ

۱۵۶۱. مكارم الأخلاق عن بعض أصحاب الإمام الصادق عليه السلام، قال له: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أَشْتَرِي الْجَوَارِيَ فَاجِبٌ أَنْ تُعَلِّمَنِي شَيْئًا أَتَقَوَّى عَلَيْهِنَّ.

قال: خُذْ بَصَلًا وَ قَطِّعْهُ صُغَارًا صُغَارًا وَ أَقْلِهِ بِالزَّيْتِ، وَ خُذْ بَيْضًا فَافْقِصْهُ فِي صَحْفَةٍ وَ ذَرِّ عَلَيْهِ شَيْئًا مِنَ الْمِلْحِ، فَادْرُرْهُ عَلَى الْبَصْلِ وَ الزَّيْتِ وَ أَقْلِهِ شَيْئًا، ثُمَّ كُلْ مِنْهُ.

قال: فَفَعَلْتُ، فَكُنْتُ لَا أَرِيدُ مِنْهُنَّ شَيْئًا إِلَّا وَ قَدَرْتُ عَلَيْهِ. [۵۰۴]

۱۵۶۲. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَكَلَ الْبَيْضَ وَالبَصَلَ وَ الزَّيْتَ زادَ في جماعِهِ. [۵۰۵]

۱۵۶۳. الكافي عن عمر بن أبي حَسَنَةَ الجَمَّال: شَكَوْتُ إلى أَبِي الحَسَنِ عليه السلام قَلَّةَ الوَلَدِ. فَقَالَ لي: اسْتَغْفِرِ اللَّهَ، وَ كُتِلِ البَيْضَ بالبَصَلِ. [۵۰۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۷

۱۵۵۹. امام کاظم عليه السلام: فراوان تخم مرغ بخورید؛ چرا که فرزند را افزون می کند.

۱۵۶۰. الكافي به نقل از مُرازم: امام صادق عليه السلام از تخم مرغ یاد کرد و فرمود: «هان که خوراکی سُبُك است. دل دادگی به گوشت را فرو می نشاند؛ ولی عارضه های گوشت را هم ندارد».

## ۲/۹ خوردن تخم مرغ با پیاز و روغن زیتون

۱۵۶۱. مکارم الأخلاق به نقل از یکی از یاران امام صادق عليه السلام در گفتگو با ایشان: [گفتم:]: فدایت شوم! من، کنیز می خرم. دوست دارم چیزی به من تعلیم فرمایی که بر آنها توانایی یابم.

فرمود: «پیاز را ریز و در روغن زیتون، سرخ کن. تخم مرغی هم بردار و در سینی ای بشکن و قدری نمک بر آن بپاش. آن گاه این تخم مرغ را روی پیاز و روغن زیتون بریز و اندکی بجوشان و سپس از آن بخور».

این کار را انجام دادم و از آن پس، هرگاه قصد آمیزش با آن کنیزان می کردم، بر آن توانایی داشتم.

۱۵۶۲. امام کاظم عليه السلام: هر کس تخم مرغ و پیاز و روغن زیتون بخورد، بر توان جنسی او افزوده می شود.

۱۵۶۳. الكافي به نقل از عمر بن ابی حسنه جَمَّال: نزد امام کاظم عليه السلام، از کمی فرزند، اظهار ناراحتی کردم. به من فرمود: «از خداوند، آمرزش بطلب و تخم مرغ با پیاز بخور».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۸

۳/۹

أَكَلَ البَيْضَ باللَّحْمِ

۱۵۶۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: اللَّحْمُ بالبَيْضِ يَزِيدُ في البَاءَةِ. [۵۰۷]

۱۵۶۵. الإمام الصادق عليه السلام: شَكَا نَبِيٌّ مِنَ الأنبياءِ عليهم السلام إلى الله عز و جل قَلَّةَ النَّسْلِ.

فَقَالَ: كُلِّ اللَّحْمِ بالبَيْضِ. [۵۰۸]

۱۵۶۶. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَكَلَ اللَّحْمَ بالبَيْضِ كَبَّرَ عَظْمٌ وَلَدَهُ. [۵۰۹]

۴/۹

صُفْرَةُ البَيْضِ

۱۵۶۷. الإمام الصادق عليه السلام: مُخٌ [۵۱۰] البَيْضِ خَفِيفٌ، وَ البَيَاضُ ثَقِيلٌ. [۵۱۱]

۱۵۶۸. المحاسن عن حُمران بن أعين: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ أناسا يَزْعُمُونَ أَنَّ صُفْرَةَ البَيْضِ أَحْفُ مِنَ البَيَاضِ.

فَقَالَ: إلى ما يَذْهَبُونَ في ذَلِكَ؟

قُلْتُ: يَزْعُمُونَ أَنَّ الرِّيشَ مِنَ البَيَاضِ، وَ أَنَّ العَظْمَ وَ العَصَبَ مِنَ الصُّفْرَةِ.

فَقَالَ أبو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَالرِّيشُ أَحْفُهُا. [۵۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۲۹



۱۵۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوشت با تخم مرغ، بر توان جنسی می افزاید. [۵۱۳]

۱۵۶۵. امام صادق علیه السلام: یکی از پیامبران، از کمی فرزندان، به درگاه خداوند عز و جل شکایت برد. خداوند فرمود: «گوشت با تخم مرغ بخور».

۱۵۶۶. امام کاظم علیه السلام: هر کس تخم مرغ و پیاز و روغن زیتون بخورد، استخوان فرزندش درشت خواهد شد.

#### ۴/۹ زرده تخم مرغ

۱۵۶۷. امام صادق علیه السلام: زرده تخم مرغ، سبک و سفیده، سنگین است.

۱۵۶۸. المحاسن به نقل از حمران بن اعین: به امام صادق علیه السلام گفتم: کسانی می گویند زرده تخم مرغ، از سفیده آن، سبک تر است.

فرمود: «دلیلشان برای این سخن چیست؟».

گفتم: مدعی اند پَر، از سفیده است و استخوان و پی، از زرده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «پس پَر، سبک ترین آنهاست».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۰

۱۵۶۹. مکارم الأخلاق عن علی بن محمد بن أشیم: شَكَوْتُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَلَّةَ اسْتِمْرَائِي الطَّعَامِ. فَقَالَ: كُلِّ مَحَّحِ الْبَيْضِ. قَالَ: فَفَعَلْتُ فَانْتَفَعْتُ بِهِ. [۵۱۴]

۵/۹

النَّهْيُ عَنِ مُدَاوَمَةِ أَكْلِ الْبَيْضِ

۱۵۷۰. الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يُسَمَّنُ وَ ثَلَاثَةٌ يَهْزِلُنَ... وَ أَمَّا الَّتِي يَهْزِلُنَ: فَإِدْمَانُ أَكْلِ الْبَيْضِ وَ السَّمَكِ وَ الطَّلَعِ. [۵۱۵]

۱۵۷۱. الإمام الرضا عليه السلام: مُدَاوَمَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ يَعْرِضُ مِنْهُ الْكَلْفُ فِي الْوَجْهِ. [۵۱۶]

۱۵۷۲. عنه عليه السلام: كَثْرَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ وَ إِدْمَانُهُ يورثُ الطُّحَالَ، وَ رِيَاحًا فِي رَأْسِ الْمَعِدَةِ، وَ الْإِمْتِلَاءُ مِنَ الْبَيْضِ الْمَسْلُوقِ يورثُ الرَّبْوَ وَ الْإِيْتِهَارَ [۵۱۷]. [۵۱۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۱

۱۵۶۹. مکارم الأخلاق به نقل از علی بن محمد بن اشیم: نزد امام رضا علیه السلام از مشکل گوارش غذا اظهار ناراحتی کردم.

فرمود: «زرده تخم مرغ بخور».

این کار را انجام دادم و از آن، سود بردم.

#### ۵/۹ نهی از افراط در خوردن تخم مرغ

۱۵۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که چاق می کند و سه چیز است که لاغر می کند .... اما آن سه چیز که لاغر می کند، عبارت اند از: اعتیاد به خوردن تخم مرغ، ماهی، و شکوفه خرما.

۱۵۷۱. امام رضا علیه السلام: خوردن همیشگی تخم مرغ، سبب پیدایش کنجدک (کک مک) در صورت می شود. [۵۱۹]

۱۵۷۲. امام رضا علیه السلام: تخم مرغ بسیار خوردن و معتاد شدن به آن، بیماری سیّز می آورد و ایجادکننده بادهایی در سرِ معده است، و زیاد خوردن تخم مرغ آب پز، نفّس تنگی و نفّس بریدگی می آورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۲

۶ / ۹

مَا يَحِلُّ مِنَ الْبَيْضِ وَ مَا يَحْرُمُ مِنْهُ

۱۵۷۳. رسول الله صلى الله عليه و آله في وصاياهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام: يَا عَلِيُّ، كُلْ مِنَ الْبَيْضِ مَا اخْتَلَفَ طَرَفَاهُ. [۵۲۰]

۱۵۷۴. الكافي عن زرارة: وَ اللَّهُ مَا رَأَيْتُ مِثْلَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَام قَطُّ! وَ ذَلِكَ أَنِّي سَأَلْتُهُ فَقُلْتُ: أَصَلَحَكَ اللَّهُ مَا يُؤَكَّلُ مِنَ الطَّيْرِ؟ فَقَالَ: كُلْ مَا دَفَّ وَ لَا تَأْكُلْ مَا صَفَّ.

قُلْتُ: الْبَيْضُ فِي الْأَجَامِ؟

فَقَالَ: مَا اسْتَوَى طَرَفَاهُ فَلَا تَأْكُلُهُ وَ مَا اخْتَلَفَ طَرَفَاهُ فَكُلْ.

قُلْتُ: فَطَيْرِ الْمَاءِ؟

قَالَ: مَا كَانَتْ لَهُ قَانِصَةٌ فَكُلْ، وَ مَا لَمْ تَكُنْ لَهُ قَانِصَةٌ فَلَا تَأْكُلْ. [۵۲۱]

۱۵۷۵. الإمام الباقر و الإمام الصادق عليهما السلام: إِذَا دَخَلْتَ أَجْمَةً فَوَجَدْتَ بَيْضًا فَلَا تَأْكُلْ مِنْهُ إِلَّا مَا اخْتَلَفَ طَرَفَاهُ. [۵۲۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۳

### ۶ / ۹ تخم مرغ های حلال و تخم مرغ های حرام

۱۵۷۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله در سفارش هایی به امام علی علیه السلام: ای علی! از میان تخم ها [ی پرندگان، آنهایی را بخور که دو سرشان، فرق می کند.

۱۵۷۴. الكافي به نقل از زراره: به خداوند سوگند، هرگز همانند امام باقر علیه السلام ندیده ام؛ چرا که از او پرسیدم و گفتم: خدایت به سامان دارد! از پرندگان، کدام ها خورده می شوند؟

فرمود: آن را که [هنگام پرواز کردن،] بال می زند، بخور و آن را که بال های خویش را صاف نگه می دارد (بال نمی زند)، نخور». پرسیدم: تخمی که در نزار است، چه طور؟

فرمود: «آنچه را دو سویش همانند است، مخور و آنچه را دو سویش ناهمگونه است، بخور».

گفتم: پرندگان آب، چه طور؟

فرمود: «آنچه را چینه دان دارد، بخور و آنچه را چینه دان ندارد، مخور».

۱۵۷۵. امام باقر و امام صادق علیهما السلام: اگر به نیزاری در آمدی و تخم پرنده ای یافتی، از آن مخور، مگر آنچه دو سویش ناهمسان است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۴

۱۵۷۶. الإمام الصادق عليه السلام: يُؤْكَلُ مِنَ الْبَيْضِ مَا اخْتَلَفَ طَرَفَاهُ، وَ لَا يُؤْكَلُ مَا اسْتَوَى طَرَفَاهُ. [۵۲۳]

۱۵۷۷. عنه عليه السلام: كُلُّ مَا اخْتَلَفَ طَرَفَاهُ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ، وَ مَا اسْتَوَى طَرَفَاهُ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ. [۵۲۴]

۱۵۷۸. الكافي عن مسعدة بن صدقة: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام يَقُولُ: كُلْ مِنَ الْبَيْضِ مَا لَمْ يَسْتَوِ رَأْسَاهُ.

وَ قَالَ: مَا كَانَ مِنْ بَيْضِ طَيْرِ الْمَاءِ مِثْلَ بَيْضِ الدَّجَاجِ وَ عَلَى خِلْقَتِهِ أَحَدُ رَأْسَيْهِ مُفْرَطِحٌ، وَ إِلَّا فَلَا تَأْكُلْ. [۵۲۵]

۱۵۷۹. الكافي عن أبي الخطاب: سَأَلْتُهُ يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام عَنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ الْأَجْمَةَ فَيَجِدُ فِيهَا بَيْضًا مُخْتَلِفًا لَا يَدْرِي بَيْضُ مَا

هُوَ، أَيْضُ مَا يُكْرَهُ مِنَ الطَّيْرِ أَوْ يُسْتَحَبُّ؟

فَقَالَ: إِنَّ فِيهِ عِلْمًا لَا يَخْفَى، انْظُرْ إِلَى كُلِّ بَيْضَةٍ تَعْرِفُ رَأْسَهَا مِنْ أَسْفَلِهَا فَكُلْ، وَ مَا يَسْتَوِي فِي ذَلِكَ فَدَعُهُ. [۵۲۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۵

۱۵۷۶. امام صادق علیه السلام: از تخم‌های پرندگان، آنچه دو سویش ناهمسان است، خورده می‌شود و آنچه دو سویش همسان است، خورده نمی‌شود.

۱۵۷۷. امام صادق علیه السلام: آنچه دو سویش با هم تفاوت دارد، خوردنش حلال است و آنچه دو سویش همسان است، خوردنش حرام است.

۱۵۷۸. الکافی به نقل از مَسْعَدَةُ بنِ صَدَّاقِ: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «از تخم‌های پرندگان، آنچه را دو سرش ناهمسان است، بخور.»

نیز فرمود: «از تخم‌های پرندگان دریایی، آنچه همانند و هم‌شکل تخم‌مرغ است (یعنی یکی از دو سرش پهن‌تر است)، خوردنی است، و گرنه مخور.»

۱۵۷۹. الکافی به نقل از ابو الخطَّاب: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که: مردی به نيزار درمی‌آید و آنجا تخم‌های پرندگان گوناگونی می‌یابد و نمی‌داند که تخم چه پرنده‌ای است: از آن پرندگان ناخوشایند است و یا پرندگان خوشایند؟ فرمود: «در آنها، نشانه‌ای پنهان‌ناشدنی است. بنگر! هر تخمی را که سر و ته آن را از هم باز شناختی، بخور و هر چه را از این نظر همسان بود، وا گذار.»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۶

## الفصل العاشر: التُّفَّاح

۱ / ۱۰

### خَوَاصُّ التُّفَّاحِ

۱۵۸۰. الإمام علی علیه السلام: كُلُّوا التُّفَّاحَ؛ فَإِنَّهُ يَدْبِغُ الْمَعِدَةَ. [۵۲۷]

۱۵۸۱. الإمام الصادق علیه السلام: التُّفَّاحُ نَضُوحُ الْمَعِدَةِ. [۵۲۸]

۱۵۸۲. المحاسن عن إسحاق بن مطهر عن الإمام الصادق علیه السلام: التُّفَّاحُ يُفَرِّجُ الْمَعِدَةَ. و قَالَ: كُلِّ التُّفَّاحَ؛ فَإِنَّهُ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ، وَ يُبْرِدُ الْجَوْفَ، وَ يَذْهَبُ بِالْحَمَى.

و فِي حَدِيثٍ آخَرَ: يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ. [۵۲۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۷

## فصل دهم: سیب

۱ / ۱۰ خَوَاصُّ سَيْبِ

۱۵۸۰. امام علی علیه السلام: سیب بخورید، که معده را می‌پالاید.

۱۵۸۱. امام صادق علیه السلام: سیب، پالاینده و خوش‌بوکننده معده است.

۱۵۸۲. المحاسن به نقل از اسحاق بن مطهر، از امام صادق علیه السلام: «سیب، معده را گشایش می دهد».

همچنین فرمود: «سیب بخور؛ چرا که حرارت را فرو می نشاند، درون را سرد می کند و تب را می برد».

در حدیث دیگری است که فرمود: «وبا را از میان می برد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۸

۱۵۸۳. الإمام الصادق علیه السلام: أَطْعَمُوا مَحْمُومِيكُمْ التُّفَّاحَ؛ فَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْفَعَ مِنَ التُّفَّاحِ. [۵۳۰]

۱۵۸۴. عنه عليه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي التُّفَّاحِ، مَا دَاوَوْا مَرَضَهُمْ إِلَّا بِهِ، أَلَا - وَ إِنَّهُ أَسْرَعُ شَيْءٍ مَنْفَعَةٍ لِلْفُؤَادِ خَاصَّةً، وَ إِنَّهُ

نَضُوحَةٌ. [۵۳۱]

۱۵۸۵. دعائم الإسلام: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا كَتَبَ إِلَيْهِ مِنْ أَرْضٍ وَ بَيْتُهُ يُخْبِرُهُ بِوَيْبِهَا.

فَكَتَبَ إِلَيْهِ: عَلَيْكَ بِالتُّفَّاحِ فَكُلْهُ. فَفَعَلَ ذَلِكَ فَعُوفِيَ. [۵۳۲]

وَ قَالَ: التُّفَّاحُ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ وَ يُبْرِدُ الْجَوْفَ وَ يَذْهَبُ بِالْحُمَّى.

۱۵۸۶. الكافي عن محمد بن الفيض: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَمْرُضُ مِنَّا الْمَرِيضُ فَيَأْتِيهِ الْمَعَالِجُونَ بِالْحَمِيَّةِ.

فَقَالَ: لَكِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نَحْتَمِي إِلَّا مِنَ التَّمْرِ، وَ تَتَدَاوَى بِالتُّفَّاحِ وَ الْمَاءِ الْبَارِدِ. [۵۳۳]

۱۵۸۷. الكافي عن دُرُوسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ: بَعَثَنِي الْمُفْضَلُ بْنُ عُمَرَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِلُطْفٍ [۵۳۴]، فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فِي يَوْمٍ

صَائِفٍ وَ قُدَامَهُ طَبَقٌ فِيهِ تُفَّاحٌ أَخْضَرٌ، فَوَلَّاهُ إِنْ صَبَرْتُ أَنْ قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَوْ تَأْكُلُ مِنْ هَذَا وَ النَّاسُ يَكْرَهُونَهُ؟

فَقَالَ لِي كَأَنَّهُ لَمْ يَزَلْ يَعْرِفُنِي: وَ عِكَتُ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ فَبَعَثْتُ فَاتِيَتْ بِهِ فَأَكَلْتُهُ، وَ هُوَ يَقْلَعُ الْحُمَّى، وَ يُسَكِّنُ الْحَرَارَةَ، فَاقْدِمْتُ فَأَصَبْتُ أَهْلِي

مَحْمُومِينَ فَأَطْعَمْتُهُمْ، فَأَقْلَعْتُ الْحُمَّى عَنْهُمْ. [۵۳۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۳۹

۱۵۸۳. امام صادق علیه السلام: به تب داران خود، سیب بدهید؛ چرا که هیچ چیز، سودمندتر از سیب نیست.

۱۵۸۴. امام صادق علیه السلام: اگر مردم می دانستند در سیب چیست، بیمارانشان را جز به آن، درمان نمی کردند. بدانید که سیب،

بویژه، سودمندترین چیز برای قلب و مایه شست و شوی آن است.

۱۵۸۵. دعائم الإسلام: درباره امام صادق علیه السلام روایت شده است که: مردی از سرزمینی وبا زده به ایشان نامه نوشت و از وبای

آنجا خبر داد.

امام علیه السلام در پاسخ نوشت: «بر تو باد سیب. آن را بخور».

او هم این کار را انجام داد و عافیت یافت.

و فرمود: «سیب، حرارت را فرو می نشاند و درون را خنک می کند و تب را می برد».

۱۵۸۶. الكافي به نقل از محمد بن فیض: به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی از ما که بیمار می شود، درمانگران، او را به پرهیز،

توصیه می کنند.

امام علیه السلام فرمود: «اما ما خاندان، جز از خرما، پرهیز نمی کنیم و [بیماران خویش را] با سیب و آب سرد، درمان می سازیم».

۱۵۸۷. الكافي به نقل از دُرُوسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ: مَفْضَلُ بْنُ عُمَرَ، مَرَا بِأَهْدِيَةِ هَائِي [۵۳۶] نَزَدَ إِمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَسْتَادَ.

در روزی تابستانی و در حالی که سینی ای از سیب سبز نزد امام صادق علیه السلام بود، بر ایشان وارد شدم. به خداوند سوگند،

بی درنگ به او گفتم: فدایت شوم! آیا در حالی که مردم، این را خوش نمی دارند، از آن می خوری؟

در حالی که گویا مرا از دیرباز می شناخته است، به من فرمود: «همین امشب تب دار شدم. کسی فرستادم و آن را نزد من آوردند و

آن را خوردم. آن، تب را ریشه کن می سازد و حرارت را فرو می نشاند».

من به سوی نزدیکان خویش باز گشتم و دیدم آنان تب دارند. به آنها سیب دادم و تب را از آنان ریشه کن ساختم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۰

۱۵۸۸. الکافی عن الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: ذَكَرَ لَهُ الْحُمَى، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا تَتَدَاوَى إِلَّا بِإِفَاضَةِ الْمَاءِ الْبَارِدِ يُصَبُّ عَلَيْنَا، وَ أَكَلِ التُّفَّاحِ. [۵۳۷]

۱۵۸۹. الإمام الكاظم عليه السلام: التُّفَّاحُ يَنْفَعُ مِنْ خِصَالِ عَدَّةٍ: مِنَ السَّمِّ، وَ السَّحْرِ، وَ اللَّمَمِ يَعْرِضُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ [۵۳۸]، وَ الْبَلْغَمِ الْغَالِبِ، وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ مِنْهُ مَنَفَعَةً. [۵۳۹]

۱۵۹۰. الکافی عن زیاد بن مروان: أَصَابَ النَّاسَ وَ بَاءَ بِمَكَّةَ، فَكَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَكَتَبَ إِلَيَّ: كُلِ التُّفَّاحِ. [۵۴۰]  
راجع: ص ۳۸۴ (سویق التفاح).

۲/۱۰

خَوَاصُّ التُّفَّاحِ عَلَى الرَّيِّقِ وَ بِالْأَسْحَارِ

۱۵۹۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: كُلُوا التُّفَّاحَ عَلَى الرَّيِّقِ؛ فَإِنَّهُ نَضُوحُ الْمَعِدَةِ. [۵۴۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۱

۱۵۸۸. الکافی به نقل از مفضل بن عمر، درباره امام صادق علیه السلام: نزد ایشان از سیب، یاد کردند. فرمود: «ما خاندان، جز به آب سردی که بر بدن ما ریخته می شود و جز به خوردن سیب، درمان نمی کنیم».

۱۵۸۹. امام کاظم علیه السلام: سیب برای چند چیز، سودمند است، برای: زهر، افسون، دیوانگی ای که از سوی ساکنان زمین [۵۴۲] به کسی می رسد، و بلغمی که چیرگی یافته است. هیچ چیزی زودتر از آن، اثر نمی بخشد.

۱۵۹۰. الکافی به نقل از زیاد بن مروان: در مکه، مردم به وبایی گرفتار آمدند. من به امام کاظم علیه السلام نوشتم. ایشان در پاسخ من نوشت: «سیب بخور».

همچنین، ر. ک: ص ۳۸۵ (شوربای سیب).

### ۲/۱۰ خواص خوردن سیب در حالت ناشتا یا در سحرگاهان

۱۵۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سیب را ناشتا بخورید؛ چرا که تمیزکننده معده است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۲

۱۵۹۲. عنه صلی الله علیه و آله: أَرْبَعَةٌ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ...: وَ أَكَلِ التُّفَّاحِ بِالْأَسْحَارِ. [۵۴۳]

۳/۱۰

شَمُّ التُّفَّاحِ قَبْلَ الْأَكْلِ

۱۵۹۳. الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَكَلَ التُّفَّاحِ فَشَمِّهِ ثُمَّ كُلْهُ؛ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ أَخْرَجَ مِنْ جَسَدِكَ كُلَّ دَاءٍ وَ غَائِبَةٍ، وَ يُسَكِّنُ مَا يَوْجَدُ مِنْ قَبْلِ الْأَرْوَاحِ كُلِّهَا. [۵۴۴]

۴/۱۰

كَرَاهَةُ أَكْلِ التُّفَّاحِ الْحَامِضِ

۱۵۹۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: امْنَعِ الْعُرُوسَ فِي اسْبُوعِهَا مِنْ: الْأَلْبَانِ وَ الْخَلِّ وَ الْكُرْبُرَةِ وَ التُّفَّاحِ الْحَامِضِ...؛ لِأَنَّ الرَّحِمَ تَعْقِمُ وَ تَبْرُدُ مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْيَاءِ عَنِ الْوَلَدِ، وَ لَحْصِيرٍ فِي نَاحِيَةِ الْبَيْتِ خَيْرٌ مِنْ امْرَأَةٍ لَا تَلِدُ... وَ التُّفَّاحِ الْحَامِضِ؛ يَقْطَعُ حَيْضَهَا فَيَصِيرُ دَاءً عَلَيْهَا. [۵۴۵]

راجع: ج ۱، ص ۲۵۴ (ما یورث النسیان).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۳

۱۵۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز، عمر را می‌افزاید: ... و خوردن سیب در سحر گاهان. [۵۴۶]

### ۱۰/۳ بوییدن سیب پیش از خوردن

۱۵۹۳. امام باقر علیه السلام: هنگامی که خواستی سیب بخوری، آن را بوی و سپس بخور. اگر این کار را انجام دادی، هر درد و عارضه‌ای از تنت بیرون می‌رود و همه آنچه از سوی ارواح، در انسان ایجاد می‌شود، فرو می‌نشیند.

### ۱۰/۴ مکروه بودن خوردن سیب ترش

۱۵۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عروس را در هفته اولش از: شیر، سرکه، گشنیز، و سیب ترش، باز بدار؛ زیرا از این چهار چیز، زهدان، سترون و سرد می‌شود ... و پلاسی افتاده در گوشه خانه، از زنی که بچه نمی‌آورد، بهتر است .... سیب ترش نیز حیض شدن زن را قطع می‌کند و این برای وی یک بیماری می‌شود.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۵۵ (آنچه فراموشی می‌آورد).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۴

### الفصل الحادی عشر: التلیئه

۱۵۹۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ التَّلِيئَةَ تُجَمُّ فُوَادَ الْمَرِيضِ، وَ تَذَهَبُ بَعْضَ الْحُزَنِ. [۵۴۷]

۱۵۹۶. الإمام الصادق علیه السلام: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله لَوْ أَغْنَى عَنِ الْمَوْتِ شَيْءٌ لَأَغْنَتِ التَّلِيئَةُ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا التَّلِيئَةُ؟

قَالَ: الْحَسُّو بِاللَّبَنِ، الْحَسُّو بِاللَّبَنِ، وَ كَرَّرَهَا ثَلَاثًا. [۵۴۸]

۱۵۹۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيكُمْ بِالْبَغِيضِ النَّافِعِ: التَّلِيئَةُ، وَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، إِنَّهَا لَتَغْسِلُ بَطْنَ أَحَدِكُمْ كَمَا يَغْسِلُ

الْوَسِيخَ عَنِ وَجْهِ الْمَاءِ. [۵۴۹]

۱۵۹۸. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ التَّلِيئَ يَجْلُو الْقَلْبَ الْحَزِينَ، كَمَا تَجْلُو الْأَصَابِعُ الْعَرَقَ مِنَ الْجَبِينِ. [۵۵۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۵

### فصل یازدهم: تلبینه

۱۵۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تلبینه [۵۵۱] دل بیمار را آرامش می‌دهد و بخشی از اندوه را می‌برد.

۱۵۹۶. امام صادق علیه السلام: «اگر چیزی وجود داشت که انسان را در برابر مرگ، سود می‌بخشید، تلبینه سود می‌بخشید». پرسیده

شد: تلبینه چیست؟

فرمود: «شوربای فراهم آمده با شیر. شوربای فراهم آمده با شیر» و این را سه بار تکرار کرد.

۱۵۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد آن ناخوشایندِ سودمند: تلبینه. سوگند به آنکه جان محمد در دست اوست، آن شکم را می‌شوید، چنان که کسی از شما چرک را با آب از صورت خود فرو می‌شوید.

۱۵۹۸. امام صادق علیه السلام: تلبینه، غم را از دلِ غمگین می‌زداید، همچنان که انگشتان، عرق را از پیشانی کنار می‌زنند. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۶

## الفصل الثانی عشر: التمر

۱ / ۱۲

### خَوَاصُّ التَّمْرِ

۱۵۹۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: قَالَ جَبْرِئِيلُ: التَّمْرُ الْبَرْنِيُّ... يَزِيدُ فِي مَاءِ فَقَارِ الظَّهْرِ. [۵۵۲]

۱۶۰۰. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْبَرْنِيِّ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ، وَيُدْفِعُ مِنَ الْقُرِّ، وَيُشْبِعُ مِنَ الْجُوعِ، وَفِيهِ اثْنَانِ وَسَبْعُونَ بَابًا مِنَ الشُّفَاءِ. [۵۵۳]

۱۶۰۱. عنه صلی الله علیه و آله: الْعَجْوَةُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَفِيهَا شِفَاءٌ مِنَ السَّمِّ. [۵۵۴]

۱۶۰۲. الإمام عليّ عليه السلام: كُلُوا التَّمْرَ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنَ الْأَدْوَاءِ. [۵۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۷

## فصل دوازدهم: خرما

### ۱ / ۱۲ خَوَاصُّ خَرْمَا

۱۵۹۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل گفت: «خرمای بزنی [۵۵۶]... آب ستون فقرات را می‌افزاید».

۱۶۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد برنی؛ چرا که خستگی را از میان می‌برد، در برابر سوز سرما گرمی می‌دهد، در برابر گرسنگی سیر می‌کند و در آن، هفتاد و دو باب شفاست.

۱۶۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عَجْوَةٌ مِنْ الْجَنَّةِ؛ فِيهَا شِفَاءٌ مِنَ السَّمِّ وَفِيهَا اثْنَانِ وَسَبْعُونَ بَابًا مِنَ الشُّفَاءِ. [۵۵۷]

۱۶۰۲. امام علی علیه السلام: خرما بخورید؛ چرا که شفای دردها در آن است. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۸

۱۶۰۳. الكافي عن أبي عمرو عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام: خَيْرُ ثَمَرِ الْبَرْنِيِّ؛ يَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَاللَّدَاءِ وَلَا دَاءَ فِيهِ، وَيَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَلَا ضَرَرَ لَهُ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَمَعَ كُلِّ تَمْرَةٍ حَسَنَةٌ.

و فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: يُهْنِي وَيُمِرِّي، وَيَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَيُشْبِعُ. [۵۵۸]

۱۶۰۴. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ وَفَدَ عَبْدَ الْقَيْسِ قَدِمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. قَالَ: فَوَضَعُوا بَيْنَ يَدَيْهِ جُلَّةَ تَمْرٍ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمْ هَدِيَّةٌ؟

قَالُوا: بَلْ هَدِيَّةٌ.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّ تَمْرَاتِكُمْ هَذِهِ؟

قَالُوا: هُوَ الْبَرْنِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ.

فَقَالَ هَذَا جَبْرَيْئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ فِي تَمَرَاتِكُمْ هَذِهِ تِسْعَ خِصَالٍ: تُحْبَلُ الشَّيْطَانَ، وَتُقَوَّى الظُّهْرُ، وَتَزِيدُ فِي الْمُجَامَعَةِ، وَتَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَالبَصْرِ، وَتُقَرَّبُ مِنَ اللَّهِ، وَتُبَاعَدُ عَنِ الشَّيْطَانِ، وَتَهْضِمُ الطَّعَامَ، وَتَذْهَبُ بِالدَّاءِ، وَتُطَيِّبُ النِّكْهَةَ. [۵۵۹]

۱۶۰۵. دعائم الإسلام: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ أَكَلَ عِنْدَهُ طَعَامًا فَلَمَّا رُفِعَ الطَّعَامُ، قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

يَا جَارِيَةَ، ائْتِينَا بِمَا عِنْدَكَ.

فَأَتَتْهُ بِتَمْرٍ.

فَقَالَ الرَّجُلُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! هَذَا زَمَانُ الْفَاكِهَةِ وَالْأَعْنَابِ! وَكَانَ صَيْفًا.

فَقَالَ: كُلْ؛ فَإِنَّهُ خُلِقَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعَجْوَةُ لَا دَاءَ وَلَا غَائِلَةَ. [۵۶۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۴۹

۱۶۰۳. الکافی به نقل از ابو عمرو، از مردی، از امام صادق علیه السلام: «بهترین خرماى شما، خرماى برنى است. دردها را مى برد و خود، بيمارى نمى زايد، خستگى را مى زداید و زيانى در بر ندارد، بلغم را از ميان مى برد و با هر خرمایى، سازگار است.»

در روایتی دیگر است که فرمود: «[غذا را] گوارا و سبک می کند، خستگی را می برد، و سیر می کند.»

۱۶۰۴. امام صادق علیه السلام: هیئت بنی عبد القیس بر پیامبر خدا وارد شدند. پس، ظرف خرمایی بافته از شاخه های خرما پیش روی ایشان نهادند.

پیامبر خدا پرسید: «صدقه است، یا هدیه؟».

گفتند: هدیه است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «این خرماها از کدام نوع است؟».

گفتند: ای پیامبر خدا! از خرماى برنى است.

فرمود: «این، جبرئیل است. به من خبر می دهد که در این خرمایتان، نه ویژگی است: شیطان را به دیوانگی می افکند؛ پشت را قوی می کند؛ بر توان آمیزش می افزاید؛ بینایی و شنوایی را افزون می سازد؛ انسان را به خدا نزدیک می کند؛ انسان را از شیطان، دور می سازد؛ غذا را هضم می کند؛ درد را می برد؛ و دهان را خوش بو می نماید.»

۱۶۰۵. دعائم الإسلام: درباره امام صادق علیه السلام نقل شده که یکی از یارانش نزد

ایشان غذایی خورد. چون سفره غذا را برچیدند، امام علیه السلام گفت: «ای کنیزک! آنچه داری، بیاور.» او نیز خرما آورد.

آن مرد گفت: قربانت شوم! اکنون، هنگام میوه (ی سردرختی) و انگور است! و آن هنگام، تابستان بود.

فرمود: «بخور، که این از خوی پیامبر خداست. پیامبر خدا فرمود: در عَجْوَه، نه بيمارى اى هست و نه عارضه اى.»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۰

۱۶۰۶. الإمام الصادق علیه السلام: نِعَمَ التَّمْرِ الصَّرْفَانُ؛ لَا دَاءَ وَلَا غَائِلَةَ. [۵۶۱]

راجع: ج ۱، ص ۴۰۴ (ما ینفع لعلاج البحر).

۲/۱۲

أَفْضَلُ السَّحُورِ وَالْفَطُورِ

۱۶۰۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: نِعَمَ السَّحُورِ التَّمْرُ. [۵۶۲]

۱۶۰۸. عنه صلی الله علیه و آله: إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ صَائِمًا فَلْيَفِطِرْ عَلَى التَّمْرِ، فَإِنْ لَمْ يَجِدِ التَّمْرَ فَعَلَى الْمَاءِ؛ فَإِنَّ الْمَاءَ طَهُورٌ. [۵۶۳]

۱۶۰۹. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى الْمُسْتَغْفِرِينَ وَ الْمُتَسَحِّرِينَ بِالسَّحَارِ، فَلْيَتَسَحَّرْ أَحَدُكُمْ وَ



لَوْ بَشَرْتَهُ مِنْ مَاءٍ، وَ أَفْضَلَ السَّحُورِ السَّوِيْقُ وَ التَّمْرُ. [۵۶۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۱

۱۶۰۶. امام صادق علیه السلام، صَرَفَان، [۵۶۵] نیکو خرمایی است؛ نه در آن بیماری ای هست و نه عارضه‌ای. ر. ک: ج ۱، ص ۴۰۵ (آنچه برای درمان بوی بد دهان، سودمند است).

## ۲/۱۲ بهترین سحری و افطاری

۱۶۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خرما، چه خوش سحری ای است! [۵۶۶]

۱۶۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما روزه بود، با خرما روزه بگشاید و اگر خرما ندید، با آب؛ چرا که آب، پاک کننده است.

۱۶۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تبارک و تعالی و فرشتگان او، بر استغفارکنندگان

و سحری خوران در سحرگاهان، درود می‌فرستند. پس، بایسته است هر کدامتان سحری بخورید، هر چند به جرعه‌ای آب باشد. اما بهترین سحری‌ها، سَوِيْق [۵۶۷] و خرماست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۲

۱۶۱۰. الإمام الصادق علیه السلام: أَفْضَلُ سَحُورِكُمُ السَّوِيْقُ وَ التَّمْرُ. [۵۶۸]

۳/۱۲

خَوَاصُّ الرُّطَبِ وَ التَّمْرِ لِلْحَامِلِ وَ النَّفْسَاءِ

۱۶۱۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَطْعَمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ، التَّمْرَ؛ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا. [۵۶۹]

۱۶۱۲. عنه صلی الله علیه و آله: أَطْعَمُوا نِسَاءَكُمْ الْوُلْدَ الرُّطَبَ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رُطَبٌ فَالتَّمْرَ، وَ لَيْسَ مِنَ الشَّجَرِ شَجْرَةٌ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَجْرَةٍ نَزَلَتْ تَحْتَهَا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ. [۵۷۰]

۱۶۱۳. عنه صلی الله علیه و آله: إِذَا وَلَدَتِ الْمَرْأَةُ فَلْيَكُنْ أَوَّلُ مَا تَأْكُلُ، الرُّطَبَ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رُطَبٌ فَتَمْرٌ؛ فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامَ حِينَ وَلَدَتْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامَ. [۵۷۱]

۱۶۱۴. عنه صلی الله علیه و آله: أَطْعَمُوا نِسَاءَكُمْ فِي نِفَاسِهِنَّ التَّمْرَ؛ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ طَعَامُهَا فِي نِفَاسِهَا التَّمْرَ خَرَجَ وَلَدُهَا ذَلِكَ حَلِيمًا، فَإِنَّهُ كَانَ طَعَامَ مَرْيَمَ حِينَ وَلَدَتْ عِيسَى، وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ طَعَامًا هُوَ خَيْرٌ لَهَا مِنَ التَّمْرِ أَطْعَمَهَا إِيَّاهُ. [۵۷۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۳

۱۶۱۰. امام صادق علیه السلام: بهترین سحری‌های شما، سَوِيْق و خرماست.

## ۳/۱۲ خواص خرما برای زن باردار و تازه‌زا

۱۶۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زن، در ماهی که فرزند به دنیا می‌آورد، خرما را تازه بدهید؛ چرا که در این صورت، کودک وی بردبار و پاک خواهد بود.

۱۶۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان زائوی خود، خرما را تازه بدهید و اگر خرما را تازه نبود، خرمایی دیگر. نزد خداوند، هیچ درختی عزیزتر از آن درخت که مریم (دختر عمران) در زیر آن فرود آمد، نیست.

۱۶۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون زن فرزند به دنیا آورد، باید نخستین چیزی که می‌خورد، خرما را تازه باشد و اگر

خرمای تازه در اختیار نبود، خرمایی دیگر؛ چرا که اگر چیزی برتر از آن وجود می‌داشت، خداوند آن را به مریم، هنگامی که عیسی علیه السلام را زاد، می‌خوراند.

۱۶۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان خود در دوره نزدیک زایمان، خرما بدهید؛ زیرا هر کس که در دوره نزدیک زایمان غذایش خرما باشد، فرزندش بردبار زاده خواهد شد. خوراک مریم، هنگامی که عیسی را زاد، همین بود، در حالی که اگر خدا غذایی بهتر از خرما برای او سراغ داشت، همان را به وی می‌خوراند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۴

۱۶۱۵. الإمام علی علیه السلام: ما تَأْكُلُ الحَامِلُ مِنْ شَيْءٍ وَلَا تَتِدَاوَى بِهِ أَفْضَلَ مِنَ الرُّطْبِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: «وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكِ رُطْبًا جَنِينًا\* فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا». [۵۷۳]

۱۶۱۶. عنه عليه السلام: خَيْرُ تُمُورِكُمُ الْبَرْنِيُّ؛ فَأَطْعِمُوهُ نِسَاءَكُمْ فِي نِفَاسِهِنَّ تَخْرُجُ أَوْلَادُكُمْ زَكِيَا حَلِيمَا. [۵۷۴]

۱۶۱۷. الإمام الصادق عليه السلام: أَطْعِمُوا نِسَاءَكُمْ التَّمَرَ الْبَرْنِيَّ فِي نِفَاسِهِنَّ، تُجَمِّلُوا أَوْلَادَكُمْ. [۵۷۵]

۱۶۱۸. عنه عليه السلام: أَطْعِمُوا الْبَرْنِيَّ نِسَاءَكُمْ فِي نِفَاسِهِنَّ تَحْلُمُ أَوْلَادُكُمْ. [۵۷۶]

راجع: ج ۱، ص ۶۷۸ (الجنین / غذاء النفساء).

۴ / ۱۲

أَكَلَ الرُّطْبَ بِالْبَطِيخِ وَالْقِنَاءِ

۱۶۱۹. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ الرُّطْبَ بِالْخَرِيزِ. [۵۷۷]

۱۶۲۰. سنن ابن ماجه عن سهل بن سعد: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ الرُّطْبَ بِالْبَطِيخِ. [۵۷۸]

۱۶۲۱. صحيح البخاری عن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ

الرُّطْبَ بِالْقِنَاءِ. [۵۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۵

۱۶۱۵. امام علی علیه السلام: بردار، هیچ خوراکی نمی‌خورد و هیچ دارویی به کار نمی‌گیرد که برتر از خرمای تازه باشد. خداوند عز و جل به مریم فرموده است: (و تنه درخت خرما رای به سوی خود تکان بده تا بر تو خرمای تازه فرو ریزد\* پس، بخور و بیاشام و دیده روشن دار). [۵۸۰]

۱۶۱۶. امام علی علیه السلام: برنی، بهترین خرمای شماست. آن را در دوره نزدیک زایمان، به زنان خویش بدهید تا فرزندان پاک و بردبار [به دنیا] آیند.

۱۶۱۷. امام صادق علیه السلام: به زنان خود در دوران زایمان، خرمای برنی بدهید تا فرزندان خویش را زیبا سازید.

۱۶۱۸. امام صادق علیه السلام: به زنان خود در دوران زایمان، خرمای برنی بدهید تا فرزندان بردبار شوند.

ر. ک: ج ۱، ص ۶۷۹ (جنین / خوراک تازه زا).

## ۴ / ۱۲ خوردن خرما با خربزه و خیار

۱۶۱۹. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، خرمای تازه همراه با خربزه [۵۸۱] می‌خورد.

۱۶۲۰. سنن ابن ماجه به نقل از سهل بن سعد: پیامبر خدا، خرمای تازه با خربزه می‌خورد.

۱۶۲۱. صحيح البخاری به نقل از عبد الله بن جعفر بن ابی طالب: پیامبر صلی الله علیه و آله را

دیدم که خرمای تازه را همراه با خیارچنبر می‌خورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۶

[۵۸۲] ۱۲ / ۵

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۲۵۶

تَحْنِيكُ الْمَوْلُودِ بِالتَّمْرِ

۱۶۲۲. الإمام علي عليه السلام: حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِالتَّمْرِ، هَكَذَا فَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام. [۵۸۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۷

## ۱۲ / ۵ گشودن کام نوزاد با خرما

۱۶۲۲. امام علی علیه السلام: کام کودکان خویش را با خرما بگشایید. پیامبر صلی الله علیه و آله با حسن و حسین، چنین کرد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۸

## الفصل الثالث عشر: التين

۱۶۲۳. مكارم الأخلاق عن أبي ذر: اهْدَى إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَبَقٌ عَلَيْهِ تَيْنٌ، فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: كُلُوا، فَلَوْ قُلْتُ: فَكَيْهَهُ نَزَلَتْ مِنَ

الْجَنَّةِ، لَقُلْتُ هَذِهِ؛ لِأَنَّهَا فَكَيْهَةٌ بِلا عَجْمٍ فَكُلُوها؛ فَإِنَّهَا تَقَطُّعُ البَوَاسِيرَ، وَتَنْفَعُ مِنَ النَّقْرِسِ. [۵۸۴]

۱۶۲۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُوا التَّيْنَ الرَّطْبَ وَاليَابِسَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ، وَيَقَطُّعُ البَوَاسِيرَ، وَيَنْفَعُ مِنَ النَّقْرِسِ وَ

الإِبْرَدَةِ. [۵۸۵]

۱۶۲۵. الإمام علي عليه السلام: أَكَلُ التَّيْنِ يُلَيِّنُ [۵۸۶] الشَّدَدَ وَهُوَ نَافِعٌ لِرِيَّاحِ القَوْلَنْجِ، فَأَكْثَرُوا مِنْهُ بِالنَّهَارِ، وَكَلَوْهُ بِاللَّيْلِ، وَلا تُكْثَرُوا

مِنْهُ. [۵۸۷]

۱۶۲۶. الإمام الرضا عليه السلام: التَّيْنُ يَذْهَبُ بِالبَخْرِ، وَيَشُدُّ العَظْمَ، وَيَذْهَبُ بِالدَّاءِ حَتَّى لا يُحْتَاجَ مَعَهُ إِلَى دَوَاءٍ. [۵۸۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۵۹

## فصل سیزدهم: انجیر

۱۶۲۳. مكارم الأخلاق به نقل از ابو ذر: سینی ای از انجیر به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه شد. به اصحابش فرمود: «بخورید؛

چرا که اگر بنا بود بگویم میوه ای از بهشت است، همین میوه را می گفتم؛ زیرا میوه ای است بدون هسته. آن را بخورید؛ زیرا بواسیر را ریشه کن می سازد و برای نفرس [۵۸۹] سودمند است».

۱۶۲۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انجیر، تازه و خشک، بخورید؛ چرا که بر قدرت همبستری می افزاید، بواسیر را ریشه کن

می کند، و برای درمان نفرس و سردی مزاج، سودمند است.

۱۶۲۵. امام علی علیه السلام: خوردن انجیر، انسدادها را نرم می کند و برای بادهای قولنج، سودمند است. در روز، از آن فراوان

بخورید و آن را در شب هم بخورید؛ اما فراوان، نه.

۱۶۲۶. امام رضا علیه السلام: انجیر، بوی بد دهان را می برد، استخوان ها را استحکام می بخشد، درد را می برد و با وجود آن، دیگر به

دارویی نیاز نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۰

۱۶۲۷. الکافی عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام: التَّيْنُ يَذْهَبُ بِالْبَحْرِ، وَيَشُدُّ الْفَمَ وَالْعَظْمَ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيَذْهَبُ بِالْدَاءِ وَلَا يُحْتَاجُ مَعَهُ إِلَى دَوَاءٍ.

و قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّيْنُ أَشْبَهُ شَيْءٍ نَبَاتٍ الْجَنَّةِ. [۵۹۰]

۱۶۲۸. طَبَّ الْأَثْمَةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرْفَةَ: كُنْتُ بِخُرَّاسَانَ أَيَّامَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْمَأْمُونِ، فَقُلْتُ لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا تَقُولُ فِي أَكْلِ التَّيْنِ؟

قَالَ: هُوَ جَيِّدٌ لِلْقَوْلَنِجِ فَكُلُوهُ. [۵۹۱]

۱۶۲۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرِقَّ قَلْبُهُ، فَلْيَتَدَمَّنْ مِنْ أَكْلِ الْبَلْسِ. [۵۹۲]

راجع: ج ۱، ص ۴۴۶ (ما ينفع لأوجاع الكبد/ لبن التين).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۱

۱۶۲۷. الکافی به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر، از امام رضا علیه السلام: «انجیر، بوی بد دهان را می برد، دهان و استخوان ها را استحکام می بخشد، مو برمی رویاند، درد را می برد و با وجود آن، دیگر به دارویی نیاز نیست».

همچنین فرمود: «انجیر، همانندترین چیز به گیاهان بهشت است».

۱۶۲۸. طَبَّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرْفَةَ: فِي رُوزِ كَارِ أَمَامِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَأْمُونِ، فِي خُرَّاسَانَ بُوْدَمَ. [يَكُ بَارِ] مِنْ أَمَامِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرَسِيْدِمَ: أَيِ پَسَرِ پِيَامِبِرِ خَدَا! دَرِبَارَهٗ اَنْجِيْرِ، چِه مِي گويِي؟

فرمود: «برای قولنج، سودمند است. آن را بخورید».

۱۶۲۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس دوست دارد دلش نازک باشد، بَلَسِ [۵۹۳] بخورد. [۵۹۴]

ر. ک: ج ۱، ص ۴۴۷ (آنچه برای دردهای کبد، سودمند است/ شیر انجیر).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۲

## الفصل الرابع عشر: الثوم

۱۶۳۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُوا الثُّومَ وَ تَدَاوُوا بِهِ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً. [۵۹۵]

۱۶۳۱. عنه صلى الله عليه وآله مِنْ وَصَايَاهُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، كُلِ الثُّومَ؛ فَلَوْ لَا أَنِّي اِنَا جِي الْمَلِكُ لَأَكَلْتُهُ. [۵۹۶]

۱۶۳۲. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «مَنْ أَكَلَ هَذِهِ الْبَقْلَةَ فَلَا يَقْرُبُ مَسْجِدَنَا»، وَ لَمْ يَقُلْ: إِنَّهَا حَرَامٌ. [۵۹۷]

۱۶۳۳. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا يُصِيبَهُ رِيحٌ، فَلْيَأْكُلِ الثُّومَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ. [۵۹۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۳

## فصل چهاردهم: سیر

۱۶۳۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: «سیر [۵۹۹] بخورید و بدان درمان کنید؛ چرا که درمان هفتاد درد در آن هست.

۱۶۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش‌های ایشان امام علی علیه السلام: ای علی! «سیر» بخور. اگر نبود که من با فرشته هم سخن می‌شوم، «سیر» می‌خوردم.

۱۶۳۲. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «هر کس این سبزی را خورد، به مسجد ما نزدیک نشود!» اما فرمود: این، حرام است.

۱۶۳۳. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد بادی دامنگیر او نشود، در هر هفت روز، [یک بار] «سیر» بخورد. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۴

## الفصل الخامس عشر: الجبن

۱/۱۵

### خَوَاصُّ الْجَبَنِ

۱۶۳۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: كُلُوا الْجَبْنَ؛ فَإِنَّهُ يورثُ النُّعَاسَ، وَ يَهْضِمُ الطَّعَامَ. [۶۰۰]

۱۶۳۵. الإمام الصادق علیه السلام: نِعَمَ اللَّقْمَةِ الْجَبَنِ؛ تُعَذِّبُ الفَمَّ، وَ تُطَيِّبُ النِّكْهَةَ، وَ تَهْضِمُ ما قَبْلَهُ، وَ تُشَهِّي الطَّعَامَ، وَ مَنْ يَعْتَمِدُ أَكْلَهُ رَأْسَ الشَّهْرِ أَوْ شَكَ أَنْ لا تُرَدَّ لَهُ حَاجَةٌ. [۶۰۱]

۱۶۳۶. الإمام الصادق علیه السلام: نِعَمَ اللَّقْمَةِ الْجَبَنِ؛ يُطَيِّبُ الشَّرْبَةَ [۶۰۲]، وَ يَهْضِمُ ما قَبْلَهُ، وَ يُمِرُّ ما بَعْدَهُ. [۶۰۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۵

## فصل پانزدهم: پنیر

### ۱/۱۵ خَوَاصُّ پَنِیر

۱۶۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنیر بخورید؛ چرا که خواب می‌آورد و غذا را هضم می‌کند. [۶۰۴]

۱۶۳۵. امام صادق علیه السلام: چه نیکو لقمه‌ای است پنیر! دهان را تر و تازه می‌کند، بوی دهان را خوش می‌سازد، غذای پیشین را هضم می‌کند و برای پس از خود، اشتها آور است. هر کس آن را سر هر ماه بخورد، نزدیک است که هیچ حاجت او بی‌پاسخ نماند.

۱۶۳۶. امام صادق علیه السلام: پنیر، چه نیکو لقمه‌ای است! نوشیدن انسان را خوش بو می‌سازد، آنچه را پیش از آن هست، هضم می‌کند و آنچه را پس از آن باشد، دوست‌داشتنی می‌سازد. [۶۰۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۶

۱۶۳۷. الإمام الصادق علیه السلام: الْجَبْنُ يَهْضِمُ الطَّعَامَ قَبْلَهُ، وَ يُشَهِّي بَعْدَهُ. [۶۰۶]

۲/۱۵

### أَكْلُ الْجَبَنِ بِالْجَوْزِ

۱۶۳۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْجَبْنُ دَاءٌ، فَإِذَا اكْتَلَّ بِالْجَوْزِ فَهُوَ شِفَاءٌ. [۶۰۷]

۱۶۳۹. عنه صلی الله علیه و آله: الْجَبْنُ دَاءٌ، وَ الْجَوْزُ دَاءٌ، فَإِذَا اجْتَمَعَا مَعًا صَارَا دَوَاءً. [۶۰۸]

۱۶۴۰. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ الْجَوْزَ وَ الْجَبْنَ إِذَا اجْتَمَعَا كَانَا دَوَاءً، وَ إِذَا افْتَرَقَا كَانَا دَاءً. [۶۰۹]

۱۶۴۱. عنه علیه السلام: الْجَبْنُ وَ الْجَوْزُ إِذَا اجْتَمَعَا فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا شِفَاءٌ، وَ إِذَا افْتَرَقَا كَانَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا دَاءً. [۶۱۰]

## أَكْلُ الْجُبْنِ بِالْبَطِيخِ

۱۶۴۲. رسول الله عليه السلام: ما من امرأةٍ حاملَةٍ أَكَلَتِ الْبَطِيخَ بِالْجُبْنِ إِلَّا يَكُونُ مَوْلُودُهَا حَسَنَ الْوَجْهِ وَالْحُلُقِ. [۶۱۱]

۱۶۴۳. طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَانَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ الْقِثَاءَ بِالْمِلْحِ، وَيَأْكُلُ الْبَطِيخَ بِالْجُبْنِ. [۶۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۷

۱۶۳۷. امام صادق علیه السلام: پنیر، غذاهای پیش از خود را گوارش می دهد و برای پس از خود، اشتها می آورد.

## ۲/۱۵ خوردن پنیر با گردو

۱۶۳۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنیر، درد است؛ اما چون با گردو خورده شود، درمان است.

۱۶۳۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنیر، درد است، گردو هم درد است؛ اما چون با هم در یک جا جمع گردند، درمان می شوند.

۱۶۴۰. امام صادق علیه السلام: گردو و پنیر، چون با هم یک جا جمع شوند، درمان اند؛ اما اگر از هم جدا باشند، درد می شوند.

۱۶۴۱. امام صادق علیه السلام: پنیر و گردو، چون با هم یک جا جمع شوند، در هر یک از آنها درمان است؛ اما اگر از هم جدا

شوند، در هر یک از آنها درد است.

## بیان

علامه مجلسی می گوید:

شاید این نهی، به پنیر تازه نمک نازده اختصاص داشته باشد که در آن سرزمین ها رواج داشته و دارای طبعی سرد است، که گردو با

حرارت خویش، آن را تعدیل می کند.

## ۳/۱۵ خوردن پنیر با خربزه

۱۶۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ زن بارداری نیست که خربزه با پنیر بخورد، مگر آنکه کودکش خوش روی و

خوش خوی شود.

۱۶۴۳. طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: پیامبر صلی الله علیه و آله خیار را با نمک، و خربزه را با پنیر می خورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۶۸

## مَضَارُّ الْجُبْنِ

۱۶۴۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَشْرُ خِصَالٍ تَوَرَّثَ النَّسِيَانُ: أَكْلُ الْجُبْنِ وَ... [۶۱۳]

۱۶۴۵. الإمام الصادق علیه السلام: لَنْ كَانَ الْجُبْنُ يَضُرُّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَنْفَعُ، فَإِنَّ الشُّكَّرَ يَنْفَعُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَضُرُّ مِنْ شَيْءٍ. [۶۱۴]

۱۶۴۶. الكافي: رُوِيَ أَنَّ مَضْرَّةَ الْجُبْنِ فِي قِشْرِهِ. [۶۱۵]

## الْجُبْنُ فِي الْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ

۱۶۴۷. الكافي: عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ النَّيسَابُورِيِّ عَنِ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْجُبْنِ فَقَالَ: دَاءٌ لَا

دَوَاءَ فِيهِ. فَلَمَّا كَانَ بِالْعِشِيِّ دَخَلَ الرَّجُلُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَظَرَ إِلَى الْجُبْنِ عَلَى الْخِوَانِ، فَقَالَ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! سَأَلْتُكَ بِالْعَدَاةِ عَنِ الْجُبْنِ، فَقُلْتَ لِي: إِنَّهُ هُوَ الدَّاءُ الَّذِي لَا دَوَاءَ لَهُ، وَالسَّاعَةَ أَرَاهُ عَلَى الْخِوَانِ! قَالَ: فَقَالَ لِي: هُوَ ضَارٌّ بِالْعَدَاةِ نَافِعٌ بِالْعِشِيِّ، وَيَزِيدُ فِي مَاءِ الظَّهْرِ. [٦١٦]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ٢٦٩

#### ١٥ / ٤ زیان های پنیر

١٦٤٤. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ده چیز، فراموشی می آورد: خوردن پنیر.... [٦١٧]

١٦٤٥. امام صادق علیه السلام: اگر که پنیر برای هر چیزی زیانبار است و هیچ سودی ندارد، شکر برای هر چیزی سودمند است و برای هیچ چیز، زیانی ندارد.

١٦٤٦. الکافی: روایت شده که زیانباری پنیر، در پوست آن [٦١٨] است.

#### ١٥ / ٥ خوردن پنیر در صبحگاهان و شامگاهان

١٦٤٧. الکافی به نقل از محمد بن فضل نیشابوری، از یکی از مردانش: مردی درباره پنیر از امام صادق علیه السلام پرسید. فرمود: «دردی است. درمانی هم در آن نیست».

چون شامگاهان فرا رسید، همان مرد بر امام صادق علیه السلام وارد شد و نگاه خود را به پنیری که بر سفره بود، افکند و پرسید: قربانت شوم! صبحگاهان، از تو درباره پنیر پرسیدم و به من گفستی: آن، درد است و درمانی در آن نیست؛ امّا اکنون، آن را بر سفره می بینم!؟

فرمود: «پنیر، صبحگاهان، زیانبار و شامگاهان، سودمند است و آب کمر را افزون می سازد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ٢٧٠

#### الفصل السادس عشر: الجرجير

١ / ١٦

ما رَوَى فِي ذِمِّ الْجِرْجِيرِ

١٦٤٨. رسول الله صلی الله علیه و آله: أكره الجرجير، و كأنني أنظرُ إلى شَجَرَتِهَا نَابِتَةً فِي جَهَنَّمَ، و ما تَضَلَّعَ مِنْهَا رَجُلٌ بَعْدَ أَنْ يُصَيِّمَ لِي الْعِشَاءَ إِلَّا بَاتَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ وَ نَفْسُهُ تُنَازِعُهُ إِلَى الْجُدَامِ. [٦١٩]

١٦٤٩. الإمام الباقر عليه السلام: الجرجيرُ شجرةٌ على بابِ النَّارِ. [٦٢٠]

١٦٥٠. الإمام الصادق عليه السلام: لِبْنِي أُمَّيَّةَ مِنَ الْبُقُولِ الْجِرْجِيرُ. [٦٢١]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ٢٧١

#### فصل شانزدهم: جرجير

#### ١ / ١٦ آنچه در نکوهش جرجیر روایت شده

۱۶۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من، جرجیر [۶۲۲] را خوش نمی‌دارم و گویا درخت آن را می‌نگرم که در دوزخ، روییده است. هیچ کس پس از گزاردن نماز عشا، درون را از آن پُر نمی‌سازد، مگر این که آن شب را در حالی به خواب می‌رود که جان او تا صبح با جذام، دست و پنجه نرم می‌کند.

۱۶۴۹. امام باقر علیه السلام: جرجیر، درختی بر درِ دوزخ است.

۱۶۵۰. امام صادق علیه السلام: سهم بنی امیه از سبزی‌ها، جرجیر است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۲

۲ / ۱۶

ما روى فى النهى عن أكلِ الجرجيرِ فى الليلِ

۱۶۵۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَكَلَ الْجَرْجِيرَ ثُمَّ نَامَ، يُنَازِعُهُ عِرْقُ الْجُدَامِ فِي أَنْفِهِ. [۶۲۳]

۱۶۵۲. الإمام الصادق علیه السلام: أَكَلَ الْجَرْجِيرَ بِاللَّيْلِ يورِثُ البَرَصَ. [۶۲۴]

۱۶۵۳. عنه علیه السلام: مَنْ أَكَلَ الْجَرْجِيرَ بِاللَّيْلِ ضَرَبَ عَلَيْهِ عِرْقُ الْجُدَامِ مِنْ أَنْفِهِ وَبَاتَ يُنَزِفُ الدَّمَ. [۶۲۵]

۱۶۵۴. عنه علیه السلام: مَا تَصَلَعَ الرَّجُلُ مِنْ الْجَرْجِيرِ بَعْدَ أَنْ يُصَلِّيَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ، فَبَاتَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ إِلَّا وَنَفْسُهُ تُنَازِعُهُ إِلَى

الْجُدَامِ. [۶۲۶]

۳ / ۱۶

ما يَرُدُّ الْأَخْبَارَ السَّابِقَةَ

۱۶۵۵. الكافي عن نصير مولى أبي عبد الله عن [۶۲۷] مُوَفَّقِ مَوْلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ مَوْلَايَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَمَرَ

بِشِرَاءِ الْبَقْلِ يَأْمُرُ بِالْإِكْتَارِ مِنْهُ وَمِنَ الْجَرْجِيرِ، فَيَشْتَرِي لَهُ، وَكَانَ يَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَا أَحَمَقَ بَعْضُ النَّاسِ! يَقُولُونَ: إِنَّهُ يَنْبُتُ فِي وادٍ فِي جَهَنَّمَ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» [۶۲۸] \* فَكَيْفَ تُنْبِتُ

الْبَقْلَ. [۶۲۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۳

### ۱۶ / ۲ آنچه در نهی از خوردن جرجیر به هنگام شب رسیده است

۱۶۵۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس جرجیر بخورد و بخوابد، رگ جذام در بینی او با آن درمی‌آویزد.

۱۶۵۲. امام صادق علیه السلام: خوردن جرجیر در هنگام شب، پیسی می‌آورد.

۱۶۵۳. امام صادق علیه السلام: هر کس شبانگاه جرجیر بخورد، رگ جذام، از بینی وی بر آن یورش می‌آورد و آن شب را شبِ

خونریزی می‌کند.

۱۶۵۴. امام صادق علیه السلام: هیچ کس پس از گزاردن نماز عشا، درون را از جرجیر پُر نمی‌کند و بر آن نمی‌خوابد، مگر این که

جان وی او را به سوی جذام می‌کشاند.

### ۱۶ / ۳ آنچه احادیث پیشین را رد می‌کند

۱۶۵۵. الكافي به نقل از نصير (خدمتکار امام صادق علیه السلام)، از موفَّق [۶۳۰] (خدمتکار امام کاظم علیه السلام): آقای من، امام

کاظم علیه السلام، چون به خریدن سبزی فرمان می‌داد، می‌فرمود: «از آن و همچنین از جرجیر، فراوان تهیه شود». آنها را برای ایشان



می خریدند و ایشان می فرمود:

«چه قدر سُبُکِ خِرْدَنَد برخی از مردم، که می گویند جرجیر، در یکی از دره‌های جهنم می‌روید، در حالی که خداوند می‌فرماید: (هیزم آن، مردمان و سنگ‌هایند). [۶۳۱] پس چگونه آنجا سبزی می‌روید؟» [۶۳۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۵

## بیان

همان گونه که ملاحظه شد، احادیثی که درباره جرجیر نقل شده، بر سه گونه‌اند:

۱. احادیثی که جرجیر را «گیاه دوزخ» می‌نامند و بر این تصریح می‌کنند که این گیاه، از آن امویان است؛ یعنی دشمنان اهل بیت، آن را می‌خورند.
  ۲. احادیثی که از خوردن جرجیر به هنگام شب یا پیش از خفتن، نهی می‌کنند.
  ۳. حدیثی که در آن، امام علیه السلام به صراحت، نامیده شدن این گیاه را به «گیاه دوزخ»، رد کرده و حتی به تهیه مقدار فراوان‌تری از آن برای خوراک شخصی خود، فرمان داده است.
- به نظر می‌رسد که احادیث دسته نخست، افزون بر ضعف سند، به سبب استدلال موجود در احادیث اخیر، قابل قبول نیستند. وانگهی، اگر فرض کنیم که گیاهی، امکان رویش در کنار دوزخ را دارد، یا غذایی را دشمنان اهل بیت مصرف می‌کنند، آیا چنین گیاه و غذایی، نکوهیده خواهند بود و دوستداران اهل بیت، نباید از آنها بخورند؟
- ایا احادیث دسته دوم، احادیثی هستند که به طور اصولی، درباره سند و دلالت آنها اشکالی وجود ندارد. از همین رو، پرهیز از خوردن این گیاه در هنگام شب یا پیش از خواب، با احتیاط طبی، موافق است، مگر در صورتی که خلاف قطعی این امر، به روش علمی اثبات شود و از این طریق، به عدم صدور این احادیث نیز اطمینان حاصل گردد.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۶

## الفصل السابع عشر: الجزر

۱۶۵۶. الإمام الصادق عليه السلام: الجزرُ أمانٌ مِنَ القَوْلنجِ وَ البواسيرِ، وَ يُعِينُ عَلَى الجِمَاعِ. [۶۳۳]
۱۶۵۷. عنه عليه السلام: أَكَلُ الجزرِ يُسَخِّنُ الكُلَيْتَيْنِ، وَ يُقِيمُ الذَّكْرَ. [۶۳۴]
۱۶۵۸. مكارم الأخلاق عن داوود بن فرقد: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ [۶۳۵] وَ بَيْنَ يَدَيْهِ جَزْرٌ، قَالَ: فَناوَلَنِي جَزْرَةً، وَ قَالَ: كُلْ.

فَقُلْتُ: إِنَّهُ لَيْسَ لِي طَوَاحِنُ!

فَقَالَ: أَمَا لَكَ جَارِيَةٌ؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: مُرَّهَا أَنْ تَسْلُقَهُ لَكَ وَ كُلَّهُ؛ فَإِنَّهُ يُسَخِّنُ الكُلَيْتَيْنِ، وَ يُقِيمُ الذَّكْرَ. [۶۳۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۷

## فصل هفدهم: زردک

۱۶۵۶. امام صادق علیه السلام: زردک، مایه ایمنی از قولنج و بواسیر است و توان نزدیکی را تقویت می کند.

۱۶۵۷. امام صادق علیه السلام: خوردن زردک، کلیه ها را گرم می کند و آلت را راست می گرداند.

۱۶۵۸. مکارم الأخلاق به نقل از داوود بن فرقد: بر امام صادق علیه السلام [۶۳۷] وارد شدم، در حالی که قدری زردک نزد ایشان

بود. امام علیه السلام زردکی به من داد و فرمود: «بخور».

گفتم: من دندان آسیاب ندارم.

فرمود: «آیا کنیز نداری؟».

گفتم: چرا.

فرمود: «به او بگو آن را برایت آب پز کند. سپس آن را بخور؛ چرا که کلیه ها را گرم می کند و آلت را راست می گرداند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۸

۱۶۵۹. الکافی عن داوود بن فرقد: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أَكَلَ الْجَزَرَ يَسِيخُنُ الْكُلَيْتَيْنِ، وَيَنْصِبُ الذَّكَرَ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ:

جُعِلَتْ فِدَاكَ! كَيْفَ أَكَلُهُ وَ لَيْسَ لِي أَسْنَانٌ؟

قَالَ: فَقَالَ لِي: مُرِ الْجَارِيَةَ تَسْلُقُهُ وَ كُلَّهُ. [۶۳۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۷۹

۱۶۵۹. الکافی به نقل از داوود بن فرقد: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می فرمود: «خوردن زردک، کلیه ها را گرم می کند و

آلت را راست می گرداند».

به ایشان گفتم: فدایت شوم! در حالی که دندان ندارم، چگونه آن را بخورم؟

به من فرمود: «به کنیز خود بگو آن را برایت آب پز کند. سپس آن را بخور».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۰

## الفصل الثامن عشر: الجوز

۱۶۶۰. الإمام علي عليه السلام: أَكَلَ الْجَوْزِ فِي شِدَّةِ الْحَرِّ؛ يُهَيِّجُ الْحَرَّ فِي الْجَوْفِ، وَيُهَيِّجُ الْقُرُوحَ عَلَى الْجَسَدِ، وَ أَكَلُهُ فِي الشِّتَاءِ يُسَخِّنُ

الْكُلَيْتَيْنِ، وَ يَدْفَعُ الْبَرَدَ. [۶۳۹]

راجع: ج ۲، ص ۲۶۶ (أكل الجوز بالجوز). ج ۱، ص ۴۳۲ (ما ينفع لعلاج بعض أوجاع البطن / الجوز المشوي). ج ۲، ص ۳۳۲، ح

۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۱

## فصل هیجدهم: گردو

۱۶۶۰. امام علی علیه السلام: خوردن گردو در گرمای شدید، حرارت را در بدن برمی انگیزد و زخم های تن را تحریک می کند؛ اما

خوردن آن در زمستان، کلیه ها را گرم می کند و سرما را می راند.

ر. ک: ج ۲، ص ۲۶۷ (خوردن پنیر با گردو). ج ۱، ص ۴۳۳ (آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است / گردوی تف داده). ج

۲، ص ۳۳۳ ح ۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۲

### الفصل التاسع عشر: الحرمل

۱۶۶۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ شَرِبَ الْحَرْمَلَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا كُلَّ يَوْمٍ مِثْقَالَ، لَاسْتَنَارَ الْحِكْمَةُ فِي قَلْبِهِ، وَ عَوَفِيَ مِنَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَاءً، أَهْوَنُهُ الْجُدَامُ. [۶۴۰]

۱۶۶۲. عنه صلى الله عليه وآله: مَا أَنْبَتَ الْحَرْمَلُ مِنْ شَجَرَةٍ وَلَا وَرَقَةٍ وَلَا ثَمَرَةٍ إِلَّا وَ مَلَكَ مُوَكَّلٌ بِهَا، حَتَّى تَصِلَ إِلَى مَنْ وَصَلَتْ إِلَيْهِ أَوْ تَصِيرَ خُطَامًا. وَ إِنَّ فِي أَصْلِهَا وَ فُرُوعِهَا لَسِرًّا، وَ إِنَّ فِي حَبِّهَا الشِّفَاءَ مِنَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَاءً، فَتَدَاوُوا بِهَا وَ بِالْكُنْدُرِ. [۶۴۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۳

### فصل نوزدهم: هزار اسپند

۱۶۶۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس به مدت چهل روز، هر صبح، یک مثقال هزار اسپند [۶۴۲] حل شده در آب بخورد، نور حکمت در دلش روشن می شود و از هفتاد و دو بیماری که کمترین آنها جذام است، ایمنی می یابد.

۱۶۶۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هزار اسپند، هیچ بوته و برگ و میوه ای نمی رویاند، مگر این که فرشته ای بر آن [بوته و برگ و میوه گماشته شده است، تا زمانی که بدان کس که می رسد، برسد یا خرد شود. در تنه و ریشه های آن، رازی نهفته است و در دانه آن، درمان هفتاد و دو درد است. با آن و با کُنْدُر، درمان کنید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۴

۱۶۶۳. الإمام علي عليه السلام: مَا مِنْ شَجَرَةٍ حَرْمَلٍ نَبَتَتْ إِلَّا وَ مَعَهَا مَلَائِكَةٌ يَحْرُسُونَهَا، حَتَّى تَصِلَ إِلَى مَنْ وَصَلَتْ. وَ فِي أَصْلِ الْحَرْمَلِ نُشْرَةٌ، وَ فِي فَرْعِهِ شِفَاءٌ مِنَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَاءً. [۶۴۳]

۱۶۶۴. الإمام الصادق عليه السلام وَ قَدْ سَبَّلَ عَنِ الْحَرْمَلِ وَ اللَّبَانِ فَقَالَ: أَمَّا الْحَرْمَلُ فَمَا يُقْلَقُ لَهُ عِرْقٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فَرْعٌ فِي السَّمَاءِ، إِلَّا وَ كُلُّ بِهِ مَلَكَ حَتَّى يَصِيرَ خُطَامًا وَ يَصِيرَ إِلَى مَا صَارَتْ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَتَنَكَّبُ سَبْعِينَ دَارًا دُونَ الدَّارِ الَّتِي هُوَ فِيهَا، وَ هُوَ شِفَاءٌ مِنَ سَبْعِينَ دَاءً أَهْوَنُهُ الْجُدَامُ، فَلَا تَغْفَلُوا عَنْهُ. [۶۴۴]

۱۶۶۵. مكارم الأخلاق عن محمد بن الحكم: شَكَا نَبِيُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جُبْنَ أُمَّتِهِ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: مُرَّ أُمَّتِكَ بِأَكْلِ الْحَرْمَلِ.

و فِي رِوَايَةٍ: مُرُّهُمْ فَلْيَسْفُوا الْحَرْمَلَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ الرَّجُلَ شَجَاعَةً. [۶۴۵]

راجع: ج ۱، ص ۵۹۶ (ما ینفع لعلاج تقطیر البول).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۵

۱۶۶۳. امام علی علیه السلام: هیچ بوته ای از بوته های هزار اسپند نمی روید، مگر این که فرشتگانی با آن هستند و آن را تا هنگامی که بدان کس که می رسد، برسد، حفاظت می کنند. ریشه هزار اسپند، نشاط آور و شاخه آن، درمان هفتاد و دو درد است.

۱۶۶۴. امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسشی درباره هزار اسپند و کُنْدُر: اما هزار اسپند، هیچ ریشه ای از آن در زمین فرو نمی رود

و هیچ شاخه‌ای از آن به آسمان بلند نمی‌شود، مگر این که خداوند عز و جل فرشته‌ای را بر آن می‌گمارد، تا آن هنگام که خشک می‌شود یا به سرنوشتی دیگر در می‌آید.

شیطان نیز از خانه‌ای که در آن، هزار اسپند است، هفتاد خانه دور می‌شود. و آن، شفای هفتاد بیماری است که کمترین آنها، جذام است. پس، از آن غفلت نورزید.

۱۶۶۵. مکارم الأخلاق به نقل از محمّد بن حکم: یکی از پیامبران الهی از ترسو بودن امت خود، به درگاه خداوند عز و جل نالید. خداوند عز و جل به او چنین وحی فرستاد: «به امتت فرمان بده که هزار اسپند بخورند».

در روایتی دیگر است: «به آنان بفرما که هزار اسپند بگیرند و بخورند؛ چرا که مرد را شجاعت می‌افزاید».

ر. ک: ج ۱، ص ۵۹۷ (آنچه برای درمان ریزش قطره قطره پیشاب، سودمند است).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۶

### الفصل العشرون: الحلبه

۱۶۶۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيكُمْ بِالْحَلْبَةِ وَ لَوْ بَيْعَ وَ زَنْهَا ذَهَابًا. [۶۴۶]

۱۶۶۷. عنه صلی الله علیه و آله: تَدَاوُوا بِالْحَلْبَةِ؛ فَلَوْ تَعَلَّمْ أُمَّتِي مَا لَهْمُ فِي الْحَلْبَةِ، لَتَدَاوَوْا بِهَا وَ لَوْ يَوْزِنُهَا ذَهَابًا. [۶۴۷]

۱۶۶۸. الإمام الكاظم عليه السلام: مِنَ الرِّيحِ الشَّابِكَةِ وَ الْحَامِّ وَ الْإِبْرِدَةِ فِي الْمَفَاصِلِ، تَأْخُذُ

كَفَّ حَلْبَةٍ وَ كَفَّ تَيْنِ يَابِسٍ تَغْمُرُهُمَا بِالمَاءِ وَ تَطْبُخُهُمَا فِي قِدْرِ نَظِيفَةٍ، ثُمَّ تُصَفَّى ثُمَّ تُبْرَدُ، ثُمَّ تَشْرَبُهُ يَوْمًا وَ تَغُبُّ يَوْمًا، حَتَّى تَشْرَبَ مِنْهُ تَمَامَ أَيَّامِكَ قَدْرَ قَدَحٍ رَوِيٌّ.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۸۷

### فصل بیستم: شنبلیله

۱۶۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد شنبلیله [۶۴۸]، هر چند همسنگ طلا فروخته شود.

۱۶۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به شنبلیله درمان بجوید. اگر امت من می‌دانستند که شنبلیله برایشان چه سودهایی دارد، با آن درمان می‌کردند، هر چند همسنگ آن، طلا می‌دادند!

۱۶۶۸. امام کاظم علیه السلام: برای درمان بادِ شابکه و حام [۶۴۹] و سردی‌ای که مفاصل را در

بر می‌گیرد و بدانها درمی‌پیچد، یک مشت شنبلیله و یک مشت انجیر خشک برمی‌داری و در آب می‌خیسانی و در دیگری تمیز می‌پزی. سپس آن را از صافی می‌گذرانی و آن‌گاه سرد می‌کنی و یک روز در میان، از آن می‌خوری و این کار را تا هنگامی که یک کاسه پُر مصرف شود، ادامه می‌دهی.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۰

### الفصل الحادی و العشرون: الحلواء

۱۶۶۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْمُؤْمِنُ عَذْبٌ يُحِبُّ الْعَذْوَبَةَ، وَ الْمُؤْمِنُ حُلْوٌ يُحِبُّ الْحَلَاوَةَ. [۶۵۰]

۱۶۷۰. عنه صلى الله عليه و آله: قَلْبُ الْمُؤْمِنِ حُلُوٌّ يُحِبُّ الْحَلَاوَةَ. [۶۵۱]

۱۶۷۱. عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ فِي بَطْنِ الْمُؤْمِنِ زَاوِيَةً لَا يَمْلُؤُهَا إِلَّا الْحَلَوَاءُ. [۶۵۲]

۱۶۷۲. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله كَانَ لَا يَرُدُّ الطَّيِّبَ وَ الْحَلَوَاءَ. [۶۵۳]

۱۶۷۳. الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَحْبِ الْحَلَوَاءِ. [۶۵۴]

۱۶۷۴. الكافي عن هارون بن مَوْفَّقِ المديني: بَعَثَ إِلَيَّ المَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا فَأَكَلْتُ عِنْدَهُ، وَ أَكْثَرَ مِنَ الْحَلَوَاءِ، فَقُلْتُ: مَا أَكْثَرَ هَذِهِ

الْحَلَوَاءِ!

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا وَ شِيعَتُنَا خُلِقْنَا مِنَ الْحَلَاوَةِ؛ فَنَحْنُ نَحْبُ الْحَلَوَاءِ. [۶۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۱

### فصل بیست و یکم: شیرینی

۱۶۶۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: مؤمن، نوشین است و نوشین را دوست دارد، و مؤمن، شیرین است و شیرینی را دوست دارد.

۱۶۷۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: دل مؤمن، شیرین است و او شیرینی را دوست دارد.

۱۶۷۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: در دل مؤمن، کنجی است که جز شکرینه، آن را پُر نمی کند.

۱۶۷۲. امام علی علیه السلام: پیامبر صلى الله عليه و آله، عطر و شیرینی را بر نمی گرداند.

۱۶۷۳. امام کاظم علیه السلام: ما خاندانی هستیم که شیرینی را دوست داریم.

۱۶۷۴. الكافي به نقل از هارون بن مَوْفَّقِ مديني: روزی، امام کاظم علیه السلام در پی من فرستاد. من نزد امام علیه السلام غذا

خوردم و ایشان، شکرینه فراوان خورد.

گفتم: چه قدر، این شکرینه فراوان است!

فرمود: «ما و پیروانمان، از شیرینی آفریده شده‌ایم و از همین روی، ما شکرینه را دوست داریم».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۲

### الفصل الثانی و العشرون: الحمص

۱۶۷۵. الإمام الصادق عليه السلام و قد ذَكَرَ عِنْدَهُ الْحِمَّصُ فَقَالَ: هُوَ جَيِّدٌ لَوْجَعِ الظَّهْرِ. [۶۵۶]

۱۶۷۶. الكافي عن نادر الخادم: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْكُلُ الْحِمَّصَ الْمَطْبُوخَ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ. [۶۵۷]

۱۶۷۷. الكافي عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام: الْحِمَّصُ جَيِّدٌ لَوْجَعِ الظَّهْرِ.

وَ كَانَ يَدْعُو بِهِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ. [۶۵۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۳

### فصل بیست و دوم: نخود

۱۶۷۵. امام صادق علیه السلام هنگامی که نزد ایشان از نخود [۶۵۹] نام بردند: برای درد کمر، سودمند است. [۶۶۰].

۱۶۷۶. الکافی به نقل از نادر خدمت گزار: امام کاظم علیه السلام، پیش و پس از غذا، نخود پخته می خورد.

۱۶۷۷. الکافی به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر، از امام رضا علیه السلام: «نخود برای کمردرد، خوب است».

نیز درباره ایشان آمده است که پیش و پس از غذا، نخود می طلبید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۴

### الفصل الثالث والعشرون: الخبز

۱ / ۲۳

#### خَوَاصُّ الْخُبْزِ

۱۶۷۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ، فَلَوْ لَا الْخُبْزُ مَا صِيَمْنَا وَلَا صَلَّيْنَا وَلَا أَدِينَا فَرَائِضَ رَبِّنَا عَزَّ وَجَلَّ. [۶۶۱]

۱۶۷۹. عنه صلى الله عليه وآله: خَيْرُ طَعَامِكُمُ الْخُبْزُ. [۶۶۲]

۱۶۸۰. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّمَا بُنِيَ الْجَسَدُ عَلَى الْخُبْزِ. [۶۶۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۵

### فصل بیست و سوم: نان

#### ۱ / ۲۳ خَوَاصُّ نَانَ

۱۶۷۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوندا! برای ما به نان، برکت بده و میان ما و آن، جدایی ميفکن. اگر نان نبود، نه روزه گرفته بودیم، نه نماز خوانده بودیم و نه واجبات پروردگار خود عز و جل را انجام داده بودیم.

۱۶۷۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: نان، بهترین خوراکی شماست.

۱۶۸۰. امام صادق علیه السلام: تن، بر نان، استوار شده است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۶

۲ / ۲۳

#### خَوَاصُّ خُبْزِ الشَّعِيرِ

۱۶۸۱. كنز العمال عن عائشة: ما أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى لَقِيَ اللَّهَ إِلَّا خُبْزَ شَعِيرٍ. [۶۶۴]

۱۶۸۲. الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِي شَيْءٍ شِفَاءً أَكْثَرَ مِنَ الشَّعِيرِ، مَا جَعَلَهُ غِذَاءَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. [۶۶۵]

۱۶۸۳. الإمام الرضا عليه السلام: فَضْلُ خُبْزِ الشَّعِيرِ عَلَى الْبُرِّ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ، وَ مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَقَدْ دَعَا لِأَكْلِ الشَّعِيرِ وَ بَارَكَ عَلَيْهِ، وَ

مَا دَخَلَ جَوْفًا إِلَّا وَ أَخْرَجَ كُلَّ دَاءٍ فِيهِ، وَ هُوَ قَوْتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ طَعَامُ الْأَبْرَارِ، أَبِي اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَجْعَلَ قَوْتَ أَنْبِيَائِهِ إِلَّا شَعِيرًا. [۶۶۶]

۳ / ۲۳

#### خَوَاصُّ خُبْزِ الْأَرْزِ

۱۶۸۴. الإمام الصادق عليه السلام: أَطْعِمُوا الْمَبْطُونَ خُبْزَ الْأَرْزِ؛ فَمَا دَخَلَ جَوْفَ الْمَبْطُونَ شَيْءٌ أَنْفَعَ مِنْهُ، أَمَا إِنَّهُ يَدْبِغُ الْمَعِدَةَ وَ يَسِيلُ

الدَّاءَ سَلًّا. [۶۶۷]

۱۶۸۵. عنه عليه السلام: لَيْسَ يَبْقَى فِي الْجَوْفِ مِنْ غُدُوهِ إِلَّا خُبْزُ الْأَرْزِ. [۶۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۷

### ۲/۲۳ خواص نان جو

۱۶۸۱. كنز العمال به نقل از عایشه: پیامبر خدا، تا هنگامی که به دیدار خدا شتافت، جز نان جو نخورد.

۱۶۸۲. امام صادق علیه السلام: اگر خداوند در چیزی بیش از جو بهبود دهندگی می‌دید، آن را خوراک پیامبران قرار نمی‌داد.

۱۶۸۳. امام رضا علیه السلام: برتری نان جو بر گندم، همانند برتری ما بر دیگر مردمان است. هیچ پیامبری نیست که برای خورنده

جو دعا نکرده و برای او برکت نخواست باشد و هیچ درونی نیست که جو بدان درآمده و همه دردها از آن بیرون نرفته باشد. آن،

خوراک پیامبران و غذای نیکان است. خداوند متعال، جز این را نخواست است که خوراک پیامبران خویش را جو قرار دهد.

### ۳/۲۳ خواص نان برنج

۱۶۸۴. امام صادق علیه السلام: به کسی که شکم درد دارد، نان برنج بدهید؛ چرا که چیزی سودمندتر از آن، به شکم چنین بیماری

در نیامده است. آن، معده را پاک می‌کند و درد را به کلی از بدن، بیرون می‌کشد.

۱۶۸۵. امام صادق علیه السلام: تنها، نان برنج است که از صبح تا شب در درون انسان می‌ماند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۸

۱۶۸۶. الإمام الرضا عليه السلام: ما دَخَلَ جَوْفَ الْمَسْلُولِ شَيْءٌ أَنْفَعُ لَهُ مِنْ خُبْزِ الْأَرْزِ. [۶۶۹]

۴/۲۳

### خواص خُبزِ الجاؤرسِ

۱۶۸۷. الإمام الصادق عليه السلام في خُبزِ الجاؤرسِ: أما إِنَّهُ لَيْسَ فِيهِ ثِقَلٌ، وَهُوَ بِاللَّبَنِ أَلْيَنُ وَأَنْفَعُ فِي الْمَعِدَةِ. [۶۷۰]

راجع: ج ۱، ص ۴۳۶ (ما ينفع لعلاج بعض اوجاع البطن / سويق الجاؤرس). ج ۲، ص ۵۰۰، ح ۲۰۴۷.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۲۹۹

۱۶۸۶. امام رضا علیه السلام: چیزی سودمندتر از نان برنج، به درون مسلول در نمی‌آید.

### ۴/۲۳ خواص نان گاؤرس

۱۶۸۷. امام صادق علیه السلام درباره خواص نان گاؤرس [۶۷۱]: هان که در آن، سنگینی‌ای نیست و چون با شیر خورده شود، معده

را بهتر نرم می‌کند و بدان سود می‌رساند.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۳۷ (آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است / آرد گاؤرس). ج ۲، ص ۵۰۱، ح ۲۰۴۷.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۰

### الفصل الرابع والعشرون: الخس

۱۶۸۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلِ الْخَسَّ؛ فَإِنَّهُ يورِثُ النَّعَاسَ، وَيَهْضِمُ الطَّعَامَ. [۶۷۲]

۱۶۸۹. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْخَسِّ؛ فَإِنَّهُ يُصَفِّي الدَّمَ. [۶۷۳]  
 ۱۶۹۰. الإمام الرضا عليه السلام فِي الثَّقُولِ: أَفْضَلُهَا... الْهِنْدَبَاءُ، وَ الْخَسُّ. [۶۷۴]  
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۱

### فصل بیست و چهارم: کاهو

۱۶۸۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کاهو بخور؛ چرا که خواب می آورد و غذا را هضم می کند.  
 ۱۶۸۹. امام صادق علیه السلام: بر شما باد کاهو؛ چرا که خون را تصفیه می کند. [۶۷۵]  
 ۱۶۹۰. امام رضا علیه السلام درباره سبزی‌ها: بهترین آنها، کاسنی [۶۷۶] و کاهو است.  
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۲

### الفصل الخامس والعشرون: الخَلّ

۱ / ۲۵

#### خَوَاصُّ الْخَلِّ

۱۶۹۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: نِعَمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ. [۶۷۷]  
 ۱۶۹۲. الإمام علی علیه السلام: نِعَمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ؛ يَكْسِرُ الْمِرَّةَ، وَيُطْفِئُ الصَّفْرَاءَ، وَيُحْيِي الْقَلْبَ. [۶۷۸]  
 ۱۶۹۳. الإمام الصادق عليه السلام: الْخَلُّ يُسَكِّنُ الْمِرَارَ، وَيُحْيِي الْقَلْبَ، وَيَقْتُلُ دَوْدَ الْبَطْنِ، وَيَشُدُّ الْفَمَّ. [۶۷۹]  
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۳

### فصل بیست و پنجم: سرکه

#### ۱ / ۲۵ خَوَاصُّ سِرْكِهِ

۱۶۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سرکه، نیکو خورشی است.  
 ۱۶۹۲. امام علی علیه السلام: خوب خورشی است سرکه. تلخه را می شکند، صفرا را خاموش می کند و دل را زنده می گرداند.  
 ۱۶۹۳. امام صادق علیه السلام: سرکه، تلخه را فرو می نشاند، قلب را زنده می سازد، کرم‌های شکم را می کشد و دهان را استحکام می بخشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۴

۱۶۹۴. عنه عليه السلام: نِعَمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ؛ يَكْسِرُ الْمِرَّةَ، وَيُحْيِي الْقَلْبَ، وَيَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَيَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ. [۶۸۰]  
 ۱۶۹۵. عنه عليه السلام: الْخَلُّ يَشُدُّ الْعَقْلَ. [۶۸۱]  
 ۱۶۹۶. عنه عليه السلام: الْخَلُّ يُنِيرُ الْقَلْبَ. [۶۸۲]  
 ۱۶۹۷. عنه عليه السلام: الْأَصْطَبَاغُ بِالْخَلِّ يَقَطِّعُ شَهْوَةَ الزَّوْنِيِّ. [۶۸۳]

۲ / ۲۵



۱۶۹۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: ما أَقْفَرَ أَهْلَ بَيْتٍ مِنْ أَدَمٍ فِيهِ خَلٌّ، وَ خَيْرُ خَلِّكُمْ خَلُّ خَمْرِكُمْ. [۶۸۴]

۱۶۹۹. الإمام الصادق عليه السلام وَ ذُكِرَ عِنْدَهُ خَلُّ الْخَمْرِ فَقَالَ: إِنَّهُ لَيَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ، وَ يَشُدُّ الْفَمَّ. [۶۸۵]

۱۷۰۰. عنه عليه السلام: خَلُّ الْخَمْرِ يَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَ يَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ، وَ يَشُدُّ الْعَقْلَ. [۶۸۶]

۱۷۰۱. الإمام الكاظم عليه السلام: خَلُّ الْخَمْرِ يَشُدُّ اللَّثَّةَ. [۶۸۷]

راجع: ج ۱، ص ۴۵۰ (ما ينفع لعلاج دواب البطن / خل الخمر).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۵

۱۶۹۴. امام صادق عليه السلام: سرکه، نیکو خورشی است. تلخه را می شکند، قلب را زنده می سازد، لثه را استحکام می بخشد و

جنبندگان شکم را می کشد.

۱۶۹۵. امام صادق عليه السلام: سرکه، عقل را استحکام می بخشد.

۱۶۹۶. امام صادق عليه السلام: سرکه، دل را روشن می کند.

۱۶۹۷. امام صادق عليه السلام: خورش ساختن سرکه، شهوت زنا را ریشه کن می کند.

### ۲/۲۵ خواص سرکه شراب

۱۶۹۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: کسانِ هیچ خانه‌ای که در آن سرکه باشد، نانشان بی خورش نمی ماند. برترین سرکه شما نیز

سرکه شرابان [۶۸۸] است.

۱۶۹۹. امام صادق عليه السلام هنگامی که نزد ایشان از سرکه شراب یاد شد: آن، جنبندگان شکم را می کشد و دهان را استحکام

می بخشد.

۱۷۰۰. امام صادق عليه السلام: سرکه شراب، لثه را تقویت می کند، جنبندگان شکم را می کشد و عقل را استحکام می بخشد.

۱۷۰۱. امام کاظم عليه السلام: سرکه شراب، لثه را استحکام می بخشد.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۵۱ (آنچه برای درمان کرم‌های شکم، سودمند است / سرکه شراب).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۶

۳/۲۵

### افْتِتَاحُ الطَّعَامِ بِالْخَلِّ

۱۷۰۲. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّا لَنَبْدَأُ بِالْخَلِّ عِنْدَنَا، كَمَا تَبْدَوُونَ بِالْمِلْحِ عِنْدَكُمْ؛ فَإِنَّ الْخَلَّ لَيَشُدُّ الْعَقْلَ. [۶۸۹]

۱۷۰۳. الكافي عن محمد بن عليّ الهمداني: إِنَّ رَجُلًا كَانَ عِنْدَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخُرَّاسَانَ، فَقَدِّمَتْ إِلَيْهِ مَائِدَةٌ عَلَيْهَا خَلٌّ وَ مِلْحٌ، فَافْتَتَحَ

عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْخَلِّ، فَقَالَ الرَّجُلُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَمَرْتَنَا أَنْ نَفْتَتِحَ بِالْمِلْحِ!

فَقَالَ: هَذَا مِثْلُ هَذَا يَعْنِي الْخَلَّ وَ إِنَّ الْخَلَّ يَشُدُّ الدَّهْنَ، وَ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ. [۶۹۰]

راجع: ج ۲، ص ۸۰ (آداب اكل الطعام / افتتاح الطعام بالملح و اختتامه به أو بالخل).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۷

### ۳/۲۵ آغاز کردن غذا با سرکه

۱۷۰۲. امام صادق علیه السلام: ما [غذا را] با سرکه آغاز می‌کنیم، چنان که شما با نمک آغاز می‌کنید؛ چرا که سرکه، عقل را استحکام می‌بخشد.

۱۷۰۳. الکافی به نقل از محمد بن علی همدانی: مردی در خراسان نزد امام رضا علیه السلام بود. در این هنگام، نزد امام سفره‌ای گسترده که در آن، سرکه و نمک بود. امام علیه السلام با سرکه آغاز کرد.

آن مرد گفت: فدایت شوم! به ما فرموده‌ای که با نمک، آغاز کنیم! فرمود: «این، همانند آن (یعنی نمک) است. سرکه، ذهن را استحکام می‌بخشد و عقل را افزون می‌کند». ر. ک: ج ۲، ص ۸۱ (آداب غذا خوردن / آغاز کردن غذا با نمک و به پایان بردن آن با نمک یا سرکه). دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۸

## الفصل السادس والعشرون: الرُّمَان

۱ / ۲۶

### سَيِّدُ الْفَوَاكِهِ

۱۷۰۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: الرُّمَانُ سَيِّدُ الْفَاكِهَةِ، وَمَنْ أَكَلَ رُمَانَهُ أَغْضَبَ شَيْطَانَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. [۶۹۱]

۱۷۰۵. الإمام الصادق عليه السلام: الْفَاكِهَةُ مِثَّةٌ وَعِشْرُونَ لَوْنًا، سَيِّدُهَا الرُّمَانُ. [۶۹۲]

۲ / ۲۶

### خَوَاصُّ الرُّمَانِ

۱۷۰۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ رُمَانَهُ حَتَّى يَسْتَتِمَّهَا، نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً. [۶۹۳]

۱۷۰۷. عنه صلى الله عليه وآله: كُلُّوا الرُّمَانَ؛ فَلَيْسَتْ مِنْهُ حَبَّةٌ تَقَعُ فِي الْمَعِدَةِ إِلَّا أَنْارَتْ الْقَلْبَ،

وَأَخْرَجَتِ الشَّيْطَانَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. [۶۹۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۰۹

## فصل بیست و ششم: انار

### ۱ / ۲۶ مهتر میوه‌ها

۱۷۰۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: انار، مهتر همه میوه‌هاست و هر کس یک انار بخورد، چهل پگاه، شیطان خویش را به خشم می‌آورد.

۱۷۰۵. امام صادق علیه السلام: میوه، صد و بیست گونه است و مهتر همه آنها، انار است.

### ۲ / ۲۶ خواص انار

۱۷۰۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس اناری را کامل بخورد، خداوند قلب او را چهل شب، نورانی می‌دارد.

۱۷۰۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: انار بخورید؛ زیرا هیچ دانه‌ای از آن در معده جای نمی‌گیرد،

مگر این که چهل روز، قلب را نورانی می‌سازد و شیطان را برون می‌راند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۰

۱۷۰۸. الإمام علی علیه السلام: فی کُلِّ حَبَّةٍ مِنَ الرُّمَانِ إِذَا اسْتَقَرَّتْ فِی الْمَعِدَّةِ حَیَاةٌ لِلْقَلْبِ، وَ إِنَارَةٌ لِلنَّفْسِ، وَ تُمْرِضُ وَسْوَاسَ الشَّیْطَانِ أَرْبَعِينَ لَیْلَةً. [۶۹۵]

۱۷۰۹. عنه علیه السلام: أَرْبَعَةٌ یَعْدِلُنَ الطَّبَائِعُ: الرُّمَانُ السُّورَانِيُّ، وَ البُسْرُ المَطْبُوعُ، وَ البنَفْسُجُ، وَ الهِنْدَبَاءُ. [۶۹۶]

۱۷۱۰. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ أَكَلَ رُمَانًا عِنْدَ مَنَامِهِ فَهُوَ آمِنٌ فِی نَفْسِهِ إِلَى أَنْ یُصْبِحَ. [۶۹۷]

۱۷۱۱. عنه علیه السلام: عَلَیْكُمْ بِالرُّمَانِ؛ فَإِنَّهُ لَمْ یَأْكُلْهُ جَائِعٌ إِلَّا أَجْزَأَهُ، وَ لَا شَبْعَانٌ إِلَّا أَمْرَأَهُ. [۶۹۸]

۱۷۱۲. عنه علیه السلام: مَنْ أَكَلَ الرُّمَانَ طَرَدَ عَنْهُ شَیْطَانُ الوَسْوَسةِ. [۶۹۹]

۱۷۱۳. عنه علیه السلام: مَنْ أَكَلَ حَبَّةً مِنَ رُمَانٍ، أَمْرَضَتْ شَیْطَانَ الوَسْوَسةِ أَرْبَعِينَ یَوْمًا. [۷۰۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۱

۱۷۰۸. امام علی علیه السلام: در هر دانه انار، چون در معده جای می گیرد، حیاتی برای قلب و فروغی برای نفس است و شیطانی را که «وسواس» نام دارد، چهل شب، بیمار (زمینگیر) می کند.

۱۷۰۹. امام صادق علیه السلام: چهار چیز، طبع را اعتدال می بخشد: انار سورانی، [۷۰۱] خرماي نارس پخته شده، بنفشه، و کاسنی.

۱۷۱۰. امام صادق علیه السلام: هر کس در هنگام خفتن، یک انار بخورد، تا صبح، جانس در امان است.

۱۷۱۱. امام صادق علیه السلام: بر شما باد انار؛ چرا که هیچ گرسنه‌ای آن را نمی خورد، مگر این که وی را بسنده است و هیچ سیری آن را نمی خورد، مگر این که غذا را بر وی گوارا می سازد.

۱۷۱۲. امام صادق علیه السلام: هر کس انار بخورد، انار، شیطان و سوسه را از او دور می سازد.

۱۷۱۳. امام صادق علیه السلام: هر کس یک دانه از انار بخورد، آن یک دانه، شیطان و سوسه را تا چهل روز، بیمار (زمینگیر) می سازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۲

۱۷۱۴. مكارم الأخلاق عن زید الشَّحَام: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَعَا بِالْحَجَّامِ، فَقَالَ لَهُ:

اغْسِلْ مَحَاجِمَكَ وَ عَقْلَهَا، وَ دَعَا بِرُمَانَةٍ فَأَكَلَهَا، فَلَمَّا فَرَّغَ مِنَ الْحِجَامَةِ دَعَا بِرُمَانَةٍ أُخْرَى فَأَكَلَهَا، وَ قَالَ: هَذَا يُطْفِئُ الْمِرَارَ. [۷۰۲]

۱۷۱۵. الكافي عن يزيد بن عبد الملك التوفلي: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ فِي يَدِهِ رُمَانَةٌ، فَقَالَ: يَا مُعْتَبُ، أَعْطِهِ رُمَانَةً؛ فَإِنِّي لَمْ اشْرِكْ فِي شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَيَّ مِنْ أَنْ اشْرَكَ فِي رُمَانَةٍ.

ثُمَّ احْتَجَمَ وَ أَمَرَنِي أَنْ احْتَجِمَ فَاحْتَجَمْتُ، ثُمَّ دَعَا بِرُمَانَةٍ أُخْرَى، ثُمَّ قَالَ:

يَا يَزِيدُ، أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَكَلَ رُمَانَةً حَتَّى يَسْتَوْفِيَهَا؛ أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الشَّيْطَانَ عَنْ إِنْارَةِ قَلْبِهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، وَ مَنْ أَكَلَ اثْنَتَيْنِ؛ أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الشَّيْطَانَ عَنْ إِنْارَةِ قَلْبِهِ مِثْلَ يَوْمٍ، وَ مَنْ أَكَلَ ثَلَاثًا حَتَّى يَسْتَوْفِيَهَا؛ أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الشَّيْطَانَ عَنْ إِنْارَةِ قَلْبِهِ سَنَةً، وَ مَنْ أَذْهَبَ اللَّهُ الشَّيْطَانَ عَنْ إِنْارَةِ قَلْبِهِ سَنَةً لَمْ يُذَنْبْ، وَ مَنْ لَمْ يُذَنْبْ دَخَلَ الْجَنَّةَ. [۷۰۳]

۱۷۱۶. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَكَلَ رُمَانَةً يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى الرِّبْقِ نَوَّرَتْ قَلْبَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، فَإِنْ أَكَلَ رُمَانَتَيْنِ يَوْمًا، فَإِنْ أَكَلَ ثَلَاثًا فَمِثْلَهُ وَ عِشْرِينَ يَوْمًا وَ طُرِدَتْ عَنْهُ وَسْوَسةُ الشَّيْطَانِ، وَ مَنْ طُرِدَتْ عَنْهُ وَسْوَسةُ الشَّيْطَانِ لَمْ يَعِصِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ مَنْ لَمْ يَعِصِ اللَّهَ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ. [۷۰۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۳

۱۷۱۴. مكارم الأخلاق به نقل از زید شحام: نزد امام صادق علیه السلام بودم که حجامتگری را طلبید. پس به او گفتم: «ابزارهای حجامت خود را بشوی و بیاویز» و آن گاه، اناری طلبید و خورد.

چون حجامت را نیز به پایان برد، اناری دیگر طلبید و خورد و فرمود: «این کار، تلخه را فرو می‌نشاند».

۱۷۱۵. الکافی به نقل از یزید بن عبد الملک نوفلی: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم، در حالی که اناری در دست داشت. فرمود: «ای مُعْتَب! یک انار هم به این مرد بده؛ چرا که در [خوردن هیچ چیز، کسی با من شریک نشده است که برایم ناخوشایندتر از شریک شدن در [خوردن انار باشد».

سپس، حجامت کرد و به من فرمود که حجامت کنم. من هم حجامت کردم. آن گاه، اناری دیگر خواست و پس از آن فرمود: «ای یزید! هر مؤمنی که انار بخورد و آن را تمام کند، خداوند عز و جل تا چهل پگاه، شیطان را از [آسیب‌رسانی به فروغ دل او دور می‌سازد؛ [۷۰۵] و هر کس دو انار بخورد، خداوند عز و جل تا صد روز، شیطان را از [آسیب‌رسانی به فروغ دل او دور می‌سازد؛ و هر کس سه انار بخورد، خداوند عز و جل تا یک سال، شیطان را از [آسیب‌رسانی به فروغ دل او دور می‌سازد و هر کس خداوند، شیطان را برای یک سال از [آسیب رساندن به فروغ دل او دور سازد، گناه نمی‌کند و هر کس گناه نکند، به بهشت درمی‌آید».

۱۷۱۶. امام کاظم علیه السلام: هر کس روز جمعه یک انار بخورد، آن انار، دل او را تا چهل پگاه، نورانی می‌دارد؛ اگر دو انار بخورد، تا هشتاد روز؛ و اگر سه انار بخورد، تا صد و بیست روز؛ و نیز وسوسه شیطان از او دور می‌شود و هر کس وسوسه شیطان از او دور شود، خداوند عز و جل را نافرمانی نمی‌کند و هر کس خداوند را نافرمانی نکند، خدائی او را به بهشت درمی‌آورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۴

۱۷۱۷. الإمام الكاظم عليه السلام: مِمَّا أُوصِيَ بِهِ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَّةَ اللَّهِ أَنْ قَالَ لَهُ: عَلَيْكَ بِالرُّمَّانِ؛ فَإِنَّكَ إِنْ أَكَلْتَهُ وَأَنْتَ جَائِعٌ أَجْرَ أَكْ، وَإِنْ أَكَلْتَهُ وَأَنْتَ شَبَعَانُ أَمْرَ أَكْ. [۷۰۶]

۳/۲۶

خَوَاصُّ الرُّمَّانِ الحُلُوِّ

۱۷۱۸. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالرُّمَّانِ الحُلُوِّ فَكُلُوهُ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَتْ مِنْ حَيْثُ تَقَعُ فِي مَعِدَّةِ مُؤْمِنٍ إِلَّا أَبَادَتْ دَاءً، وَأَطْفَأَتْ شَيْطَانَ الوَسْوَسَةِ عَنْهُ. [۷۰۷]

۱۷۱۹. الکافی عن عمرو بن ابراهیم عن الخراسانی: أكل الرُّمَّانِ الحُلُوِّ يَزِيدُ فِي مَاءِ الرَّجْلِ، وَيُحَسِّنُ الوَلَدَ. [۷۰۸]

۱۷۲۰. الإمام العسکری عليه السلام: كُلِ الرُّمَّانَ بَعْدَ الحِجَامَةِ رُمَّانًا حُلُوا؛ فَإِنَّهُ يُسَكِّنُ الدَّمَ، وَيُصْفِي الدَّمَ فِي الجَوْفِ. [۷۰۹]

راجع: ج ۱، ص ۴۲۰، ح ۷۰۴.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۵

۱۷۱۷. امام کاظم علیه السلام: از جمله چیزهایی که آدم به [فرزندش هبه الله سفارش کرد، این بود که به وی فرمود: «بر تو باد انار؛ چرا که اگر گرسنه باشی و آن را بخوری، بسنده‌ات کند، و اگر در حالی که سیری، آن را بخوری، غذا را بر تو گوارا می‌سازد».

### ۳/۲۶ خواص انار شیرین

۱۷۱۸. امام صادق علیه السلام: بر شما باد انار شیرین. آن را بخورید؛ چرا که هیچ دانه‌ای از آن به معده مؤمنی در نمی‌آید، مگر این که بیماری‌ای از آن ریشه کن می‌کند و شیطان وسوسه را از او دور می‌سازد.

۱۷۱۹. الکافی به نقل از عمرو بن ابراهیم، از خراسانی [۷۱۰]: خوردن انار شیرین، آب مرد را افزون می‌کند و فرزند را نکو می‌سازد.

۱۷۲۰. امام عسکری علیه السلام: پس از حجامت، انار بخور، اناری شیرین؛ چرا که خون را فرو می‌نشاند و خون را در درون، تصفیه می‌کند.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۷۰۴.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۶

۴/۲۶

خَوَاصُّ الرُّمَانِ المُرِّ

۱۷۲۱. الکافی عن الولید بن صبیح عن الإمام الصادق علیه السلام، قال: ذَكَرَ الرُّمَانَ الحُلُوَّ فَقَالَ: المُرُّ أَصْلَحُ فِي البَطْنِ. [۷۱۱]

۱۷۲۲. الإمام الرضا علیه السلام: اَمْتَصَّ مِنَ الرُّمَانِ المُرِّ؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّى النَّفْسَ، وَ يُحْيِي الدَّمَ. [۷۱۲]

۵/۲۶

خَوَاصُّ أَكْلِ الرُّمَانِ بِشَحْمِهِ

۱۷۲۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُوا الرُّمَانَ بِقِشْرِهِ؛ فَإِنَّهُ دِبَاغُ البَطْنِ. [۷۱۳]

۱۷۲۴. الإمام على عليه السلام: كُلُوا الرُّمَانَ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ دِبَاغُ المَعِدَةِ، وَ مَا مِنْ حَبَّةٍ اسْتَقَرَّتْ فِي مَعِدَةِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا أَنَارَتْهَا وَ نَفَتِ الشَّيْطَانَ وَ الوَسْوَسةَ عَنْهَا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. [۷۱۴][۷۱۵]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۳۱۶

۱۷۲۵. المحاسن: عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ البَرْقِيِّ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى صَعْصَعَةَ بْنِ صَوْحَانَ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ عَلَى العِشَاءِ فَقَالَ: يَا صَعْصَعَةُ، ادْنُ فَكُلْ.

قَالَ: قُلْتُ: قَدْ تَعَشَيْتُ، وَ بَيْنَ يَدَيْهِ نِصْفُ رُمَانَةٍ، فَكَسَّرَ لِي وَ نَاوَلَنِي بَعْضَهُ، وَ قَالَ:

كُلْهُ مَعَ قِشْرِهِ يُرِيدُ مَعَ شَحْمِهِ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالحَفْرِ، وَ بِالبَحْرِ، وَ يُطَيِّبُ النَّفْسَ [۷۱۶].

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۷

#### ۴/۲۶ خَوَاصُّ اِنَارِ تَرَشٍ وَ شِيرِينَ (مَلَسَ)

۱۷۲۱. الکافی به نقل از ولید بن صبیح: امام صادق علیه السلام از انار شیرین یاد کرد و فرمود: «ترش و شیرین در شکم، سازگارتر است».

۱۷۲۲. امام رضا علیه السلام: انار ترش و شیرین بمک؛ چرا که انسان را نیرو می‌دهد و خون را زنده می‌سازد. [۷۱۷]

#### ۵/۲۶ خَوَاصُّ خورْدَنِ اِنَارِ بَا پِيهِ اَن

۱۷۲۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: انار را با پیه [۷۱۸] آن بخورید؛ چرا که شست‌وشو دهنده معده است.

۱۷۲۴. امام علی علیه السلام: انار را با پیه آن بخورید؛ چرا که معده را پاک می‌کند. و هیچ دانه‌ای [از انار] در معده انسانی مسلمان، جای نمی‌گیرد، مگر این که آن را روشن می‌سازد [۷۱۹] و تا چهل پگاه، شیطان و وسوسه را از آن دور می‌کند.

۱۷۲۵. المحاسن به نقل از محمد بن خالد برقی، از یکی از شیعیان، در حدیثی که سندش را به معصوم رساند: از صعصعه بن صوحان نقل شده است که وی، هنگامی که امیر مؤمنان در حال شام خوردن بود، بر ایشان وارد شد.

امام علیه السلام فرمود: «ای صعصعه! پیش آی و بخور».

[صعصعه می‌گوید: گفتم: شام خورده‌ام.

در این هنگام، نیمه‌ای از یک انار، نزد امام علیه السلام بود. تکه‌ای از آن را شکست و به دستم داد و فرمود: «آن را با پیهش بخور؛ چرا که زردشدگی دندان‌ها و بدبویی دهان را می‌برد و انسان را پاک می‌سازد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۸

۱۷۲۶. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا الرُّمَانَ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ يَدْبِغُ الْمَعْدَةَ، وَيَزِيدُ فِي الذَّهْنِ. [۷۲۰]

راجع: ج ۱، ص ۴۱۸ (ما يدبغ المعدة و يقو بها/ الرمان).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۱۹

۱۷۲۶. امام صادق علیه السلام: انار را با پیه آن بخورید؛ چرا که معده را می‌پالاید و ذهن را افزون می‌کند.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۱۹ (آنچه معده را می‌پالاید و تقویت می‌کند/ انار).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۰

## الفصل السابع والعشرون: الزَّيْب

۱ / ۲۷

### خَوَاصُّ الزَّيْبِ

۱۷۲۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالزَّيْبِ؛ فَإِنَّهُ يُطْفِئُ الْمِرَّةَ، وَيَسِيكُنُّ الْبَلْغَمَ، وَيَشُدُّ الْعَصَبَ، وَيَذْهَبُ النَّصَبَ، وَيُحَسِّنُ الْقَلْبَ. [۷۲۱]

۱۷۲۸. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالزَّيْبِ؛ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْمِرَّةَ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيَشُدُّ الْعَصَبَ، وَيَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ، وَيُحَسِّنُ الْخُلُقَ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ، وَيَذْهَبُ بِالْغَمِّ. [۷۲۲]

۱۷۲۹. الاختصاص عن أبي هند الدَّارِي: اِهْدِي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَبَقُ [۷۲۳] مُعْطَى، فَكَشَفَ الْغِطَاءَ عَنْهُ، ثُمَّ قَالَ:

كُلُوا بِاسْمِ اللَّهِ، نِعَمَ الطَّعَامِ الزَّيْبِ؛ يَشُدُّ الْعَصَبَ، وَيَذْهَبُ بِالْوَصَبِ،

وَيُطْفِئُ الْعَصَبَ، وَيُرْضِي الرَّبَّ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيُصْفِي اللَّوْنَ. [۷۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۱

## فصل بیست و هفتم: مویز

### ۱ / ۲۷ خواص مویز

۱۷۲۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد مویز؛ چرا که تلخه را خاموش می‌کند، بلغم را فرو می‌نشانند، پی را استحکام می‌بخشد، خستگی را می‌برد و قلب را نیکو می‌سازد.

۱۷۲۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد مویز؛ [۷۲۵] چرا که تلخه را می‌زداید، بلغم را می‌برد، پی را استحکام می‌بخشد،

رنجیدگی و خستگی را از میان برمی‌دارد، خوی را خوش می‌سازد، دل را پاک (پیراسته) می‌دارد و اندوه (پریشانی) را می‌برد.

۱۷۲۹. الاختصاص به نقل از ابو هند داری: طَبَقِي رُوِي بِوَشِيْدَةٍ بِهٖ بِبِلْمِ خَدَا اِهْدَا كَرْدَنْد. ايشان، پوشش را از آن برداشت و سپس

فرمود: «به نام خدا

بخورید. مویز، چه نیکو خوراکی است! پی را استحکام می‌بخشد، بیماری را از میان می‌برد، خشم را فرو می‌نشانند، پروردگار را

خشنود می سازد، بلغم را می برد، بوی دهان را خوش می سازد و رنگ را صفا می دهد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۲

۱۷۳۰. الإمام علی علیه السلام: إِنَّ الزَّيْبَ يَشُدُّ الْقَلْبَ وَيَذْهَبُ بِالْمَرَضِ، وَيُطْفِئُ الْحَرَارَةَ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ. [۷۲۶]

۱۷۳۱. الإمام الصادق علیه السلام: الزَّيْبُ يَشُدُّ الْعَصَبَ، وَيَذْهَبُ بِالنَّصَبِ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ. [۷۲۷]

۱۷۳۲. عنه علیه السلام: إِذَا أَصَابَتْكُمْ مَجَاعَةٌ فَاعْبَثُوا بِالزَّيْبِ. [۷۲۸]

۲ / ۲۷

خَوَاصُّ إِدْمَانِ أَكْلِ الزَّيْبِ عَلَى الرَّيْقِ

۱۷۳۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَدْمَنَ أَكَلَ الزَّيْبَ عَلَى الرَّيْقِ، رُزِقَ الْفَهْمَ وَالْحِفْظَ وَالذَّهْنَ، وَنَقَصَ مِنَ الْبَلْغَمِ. [۷۲۹]

۱۷۳۴. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَزِيدَ فِي حِفْظِهِ فَلْيَأْكُلْ سَبْعَ مَثاقِيلَ زَبِيَا بِالْغَدَاةِ عَلَى الرَّيْقِ. [۷۳۰]

راجع: العنوان الآتي (خواص اكل إحدى و عشرين زبیه).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۳

۱۷۳۰. امام علی علیه السلام: مویز، قلب را استحکام می بخشد، بیماری را می برد، حرارت را خاموش می سازد و دل را خوشی

می دهد.

۱۷۳۱. امام صادق علیه السلام: مویز، پی را استحکام می بخشد، خستگی را می برد و دل را خوشی می دهد.

۱۷۳۲. امام صادق علیه السلام: اگر قحطی ای به شما رسید، با مشغول داشتن خویش به مویز، [۷۳۱] خود را سیر کنید.

## ۲ / ۲۷ خواص خوردن مویز در حالت ناشتا

۱۷۳۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس به خوردن مویز در حالت ناشتا عادت کند، فهم و حافظه و ذهن، روزی او می شود و

بلغم وی می کاهد.

۱۷۳۴. امام رضا علیه السلام: هر کس که می خواهد به حافظه اش افزوده شود، صبحگاهان در حالت ناشتا، هفت مثقال مویز بخورد.

ر. ک: عنوان بعدی (خواص خوردن بیست و یک دانه مویز).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۴

۳ / ۲۷

خَوَاصُّ أَكْلِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ زَبِيَّةً

۱۷۳۵. الإمام علی علیه السلام: مَنْ أَكَلَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ زَبِيَّةً حَمْرَاءَ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ كُلَّ مَرَضٍ وَسُقْمٍ. [۷۳۲]

۱۷۳۶. عنه علیه السلام: مَنْ أَكَلَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ زَبِيَّةً حَمْرَاءَ عَلَى الرَّيْقِ، لَمْ يَجِدْ فِي جَسَدِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ. [۷۳۳]

۱۷۳۷. عنه علیه السلام: إِحْدَى وَعِشْرُونَ زَبِيَّةً حَمْرَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَلَى الرَّيْقِ تَدْفَعُ جَمِيعَ الْأَمْرَاضِ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ. [۷۳۴]

۱۷۳۸. عنه علیه السلام: مَنْ اصْطَبَحَ بِإِحْدَى وَعِشْرِينَ زَبِيَّةً حَمْرَاءَ لَمْ يَمْرَضْ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. [۷۳۵]

۱۷۳۹. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ أَدْمَنَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ زَبِيَّةً حَمْرَاءَ، لَمْ يَمْرَضْ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ. [۷۳۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۵

## ۳ / ۲۷ خواص خوردن بیست و یک دانه مویز

۱۷۳۵. امام علی علیه السلام: هر کس در ابتدای روز، بیست و یک مویزِ سرخ بخورد، خداوند هر بیماری و نائن درستی‌ای را از او دور می‌کند.
۱۷۳۶. امام علی علیه السلام: هر کس در حالت ناشتا بیست و یک مویزِ سرخ بخورد، در تن خویش، چیزی ناخوشایند نخواهد یافت. [۷۳۷]
۱۷۳۷. امام علی علیه السلام: [خوردن بیست و یک مویزِ سرخ در هر صبح در حالت ناشتا، همه بیماری‌ها را دور می‌کند، مگر بیماری مرگ را.]
۱۷۳۸. امام علی علیه السلام: هر کس بیست و یک مویزِ سرخ را خورشِ خود بگیرد، به خواست خداوند، به هیچ بیماری‌ای مگر بیماری مرگ، مبتلا نمی‌شود.
۱۷۳۹. امام صادق علیه السلام: هر کس به خوردن بیست و یک مویزِ سرخ عادت کند، به بیماری‌ای جز بیماری مرگ، مبتلا نمی‌شود.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۶

### الفصل الثامن و العشرون: الزیتون

۱ / ۲۸

#### خَوَاصُّ الزَّيْتُونِ

۱۷۴۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: نَعَمَ السَّوَاكُ الزَّيْتُونُ، مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ؛ يُطَيِّبُ الْفَمَ، وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، هُوَ سَوَاكِي وَ سَوَاكُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي. [۷۳۸]
۱۷۴۱. الإمام الصادق عليه السلام: الزَّيْتُونُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ. [۷۳۹]
۱۷۴۲. الكافي عن إبراهيم بن محمد الزارع البصري عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: ذَكَرْنَا عِنْدَهُ الزَّيْتُونَ، فَقَالَ الرَّجُلُ: يَجْلِبُ الرِّيَّاحُ. فَقَالَ: لَا، بَلْ يَطْرُدُ الرِّيَّاحَ. [۷۴۰]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۷

### فصل بیست و هشتم: زیتون

#### ۱ / ۲۸ خَوَاصُّ زَيْتُونِ

۱۷۴۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: چه نیکو مسواکی است زیتون، از درختی خجسته! دهان را خوش بو می‌کند، جرم دندان را می‌برد، و مسواک من و پیامبران پیش از من است.
۱۷۴۱. امام صادق علیه السلام: زیتون، آب (منی) را افزون می‌سازد.
۱۷۴۲. الكافي به نقل از ابراهیم بن محمد زارع بصری، درباره مردی: نزد امام صادق علیه السلام از زیتون، سخن به میان آوردیم. آن مرد گفت: بادها را به بدن درمی‌آورد.
- امام علیه السلام فرمود: «نه؛ بلکه بادها را می‌راند».



دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۸

۱۷۴۳. الکافی عن إسحاق بن عمار أو غيره: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: الزَّيْتُونَ يُهَيِّجُ الرِّيحَ.

فَقَالَ: إِنَّ الزَّيْتُونَ يَطْرُدُ الرِّيحَ. [۷۴۱]

۱۷۴۴. الإمام الكاظم عليه السلام: كان مِمَّا أوصى بِهِ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى هَبَّةِ اللَّهِ ابْنِهِ أَنْ كُلِ الزَّيْتُونَ؛ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ. [۷۴۲]

۲ / ۲۸

خَوَاصُّ الزَّيْتِ

۱۷۴۵. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُوا الزَّيْتِ وَادَّهِنُوا بِالزَّيْتِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ. [۷۴۳]

۱۷۴۶. عنه صلى الله عليه وآله: كُلُوا الزَّيْتِ؛ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ، وَاتَّذِمُوا بِهِ وَادَّهِنُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ يَخْرُجُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ. [۷۴۴]

۱۷۴۷. سنن الترمذی عن زيد بن أرقم: أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ نَتَدَاوَى مِنْ ذَاتِ الْجَنْبِ

بِالْقَسَطِ الْبَحْرِيِّ وَ الزَّيْتِ. [۷۴۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۲۹

۱۷۴۳. الکافی به نقل از اسحاق بن عمار یا کسی دیگر: به امام صادق علیه السلام گفتم: آنان می گویند که زیتون، بادها را

برمی انگیزد.

فرمود: «زیتون، بادها را می راند».

۱۷۴۴. امام کاظم علیه السلام: یکی از چیزهایی که آدم علیه السلام به فرزند خود، هبّه الله، سفارش کرد، این بود که: «زیتون بخور؛

چرا که از درختی خجسته است».

## ۲ / ۲۸ خَوَاصُّ رَوْغِنِ زَيْتُونِ

۱۷۴۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رَوْغِنِ زَيْتُونِ بَخُورِيْدِ وَخُودِ رَا بَا رَوْغِنِ زَيْتُونِ، چرب کنید؛ چرا که آن، از درختی خجسته

است.

۱۷۴۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: رَوْغِنِ زَيْتُونِ بَخُورِيْدِ؛ چَرا که خجسته است. از آن، خورش بسازید و از رَوْغِنِ آن بر خویش

بمالید؛ چرا که از درختی خجسته بیرون می آید.

۱۷۴۷. سنن الترمذی به نقل از زيد بن أرقم: پیامبر خدا به ما فرمود که ذاتِ الْجَنْبِ

را با بُسْتَكِ دریاپی و رَوْغِنِ زَيْتُونِ، درمان کنیم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۰

۱۷۴۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيكُمْ بِزَيْتِ الزَّيْتُونِ، فَكُلُوهُ وَادَّهِنُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ يَنْفَعُ مِنَ الْبَاسُورِ. [۷۴۶]

۱۷۴۹. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيكُمْ بِهَذِهِ الشَّجَرَةِ الْمُبَارَكَةِ زَيْتِ الزَّيْتُونِ، فَتَدَاوُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ مَصْحَةٌ مِنَ الْبَاسُورِ. [۷۴۷]

۱۷۵۰. عنه صلى الله عليه وآله: كُلُوا الزَّيْتِ وَادَّهِنُوا بِهِ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً مِنْهَا الْجُدَامُ. [۷۴۸]

۱۷۵۱. عنه صلى الله عليه وآله: الزَّيْتُ دُهْنُ الْأَبْرَارِ وَ إِدَامُ الْأَخْيَارِ، بَوْرِكٌ فِيهِ مُقْبَلًا وَ بَوْرِكٌ فِيهِ مُدْبِرًا، انْعَمَسَ بِالْقُدْسِ مَرَّتَيْنِ. [۷۴۹]

۱۷۵۲. الإمام علي عليه السلام: ادَّهِنُوا بِالزَّيْتِ وَ اتَّذِمُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ دُهْنُ الْأَخْيَارِ وَ إِدَامُ الْمُصْطَفَيْنِ، مُسِحَتْ بِالْقُدْسِ مَرَّتَيْنِ، بَوْرِكٌ مُقْبَلَةٌ

وَ بَوْرِكٌ مُدْبِرَةٌ، لَا يَضُرُّ مَعَهَا دَاءٌ. [۷۵۰]

۱۷۵۳. الإمام الصادق عليه السلام: شَرِبُ السَّوِيْقِ بِالزَّيْتِ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَ يَشُدُّ الْعَظْمَ، وَ يُرِقُّ الْبَشْرَةَ، وَ يَزِيدُ فِي الْبَاهِ. [۷۵۱]

۱۷۵۴. عنه عليه السلام: إِنْ خَرَجَ بِالرَّجُلِ مِنْكُمْ الْخُرَاجُ أَوْ الدَّمْلُ فَلْيَرْبِطْهُ، وَ لِيَتَدَاوَى بِزَيْتِ أَوْ سَمْنٍ. [۷۵۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۱

۱۷۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد روغن زیتون. آن را بخورید و بدن را با آن، چرب کنید؛ چرا که برای درمان باسور، سودمند است.

۱۷۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد این درخت مبارک، روغن زیتون. با آن، درمان بجوید؛ چرا که مایه سلامت از باسور است.

۱۷۵۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روغن زیتون بخورید و خود را با آن، چرب کنید؛ زیرا در آن، درمان هفتاد درد است که جذام، از جمله آنهاست.

۱۷۵۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روغن زیتون، روغن پاکان و خورش نیکان است. در آن، بدان گاه که روی می کند و نیز بدان گاه که پشت می کند، برکت نهاده شده است و دو بار در پاکی، غوطه ور شده است.

۱۷۵۲. امام علی علیه السلام: با روغن زیتون، بدن را چرب کنید و با آن، خورش بسازید؛ چرا که روغن نیکان و خورش برگزیدگان است، دو بار به پاکی سوده شده، [و] در آن، بدان هنگام که روی می کند و بدان هنگام که پشت می کند، برکت نهاده شده است و با وجود آن، هیچ بیماری ای زیان نمی رساند.

۱۷۵۳. امام صادق علیه السلام: خوردن سویق [۷۵۳] با روغن زیتون، گوشت می رویند، استخوان را استحکام می بخشد، پوست را نازک می کند و بر توان جنسی می افزاید.

۱۷۵۴. امام صادق علیه السلام: اگر از بدن کسی از شما، جوش یا آماسه ای بیرون زد، آن را ببندد و با روغن زیتون یا روغن حیوانی، درمان کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۲

## الفصل التاسع والعشرون: السعتر

۱۷۵۵. الإمام الكاظم عليه السلام: كَانَ دَوَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ السَّعْتَرُ، وَ كَانَ يَقُولُ: إِنَّهُ يَصِيرُ لِلْمَعِدَةِ خَمَلًا كَخَمَلِ الْقَطِيفَةِ. [۷۵۴]

۱۷۵۶. مكارم الأخلاق عن الإمام الصادق عليه السلام: أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَجْلُو الْبَصَرَ وَ يَنْفَعْنَ وَ لَا يَضُرُّنَ.

فَسَيْلَ عَنْهُمْ، فَقَالَ: السَّعْتَرُ وَ الْمِلْحُ إِذَا اجْتَمَعَا، وَ النَّانِخَوَاءُ وَ الْجَوْزُ إِذَا اجْتَمَعَا.

فَقِيلَ لَهُ: وَ لِمَا تَصَلُّحُ هَذِهِ الْأَرْبَعَةَ إِذَا اجْتَمَعَا؟

فَقَالَ: النَّانِخَوَاءُ وَ الْجَوْزُ يُحْرِقَانِ الْبُؤَاسِيرَ، وَ يَطْرُدَانِ الرِّيحَ، وَ يُحَسِّنَانِ اللَّوْنَ، وَ يُخَسِّنَانِ الْمَعِدَةَ، وَ يُسَخِّنَانِ الْكُلَى.

وَ السَّعْتَرُ وَ الْمِلْحُ يَطْرُدَانِ الرِّيحَ مِنَ الْفُؤَادِ، وَ يَفْتَحَانِ الشَّدَدَ، وَ يُحْرِقَانِ

الْبَلْغَمَ، وَ يُدْرِنَانِ الْمَاءَ، وَ يُطَيِّبَانِ النَّكْهَةَ، وَ يَلَيِّنَانِ الْمَعِدَةَ، وَ يُذَهَبَانِ الرِّيحَ الْخَبِيثَةَ مِنَ الْقَمِّ، وَ يُصَلِّبَانِ الذَّكَرَ. [۷۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۳

## فصل بیست و نهم: آویشن

۱۷۵۵. امام کاظم علیه السلام: داروی امیر مؤمنان علیه السلام، آویشن [۷۵۶] بود. او می فرمود: «آویشن برای معده، پُرزی همانند پُرز

پارچه‌های مخمل می‌شود».

۱۷۵۶. مکارم الأخلاق: امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار چیز، چشم را جلا می‌دهد، سودمند است و هیچ زیانی ندارد». درباره آنها از امام علیه السلام پرسیدند.

فرمود: «آویشن و نمک، وقتی با هم باشند، و نانخواه و گردو، وقتی با هم باشند».

به ایشان گفتند: این چهار چیز، وقتی با هم باشند، به چه کار می‌آیند؟

فرمود: «نانخواه و گردو، [چون در بر هم قرار گیرند،] بواسیر را

می‌سوزانند، باد را دور می‌کنند، رنگ پوست را زیبا می‌سازند، معده را سختی (مقاومت) می‌دهند و کلیه‌ها را گرم می‌کنند.

امّا آویشن و نمک، [چون در بر هم قرار گیرند،] بادها را از دل برون می‌رانند، انسدادها را می‌گشایند، بلغم را می‌سوزانند، آب

(منی) را زیاد می‌گردانند، بوی دهان را خوش می‌سازند، معده را نرمی می‌دهند، بوهای بد را از دهان می‌برند و آلت را سفتی

می‌بخشند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۴

۱۷۵۷. المحاسن: رُوِيَ أَنَّ الصَّعْتَرِ يَدْبُغُ المَعِدَةَ. [۷۵۷]

۱۷۵۸. المحاسن: فِي حَدِيثٍ: إِنَّ الصَّعْتَرِ يُنْبِتُ زَبْرَ المَعِدَةَ. [۷۵۸]

راجع: ج ۱، ص ۲۷۶ (ما يؤمن من اللقوة).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۵

۱۷۵۷. المحاسن: روایت شده است که آویشن، معده را می‌پالاید.

۱۷۵۸. المحاسن: در حدیث است که آویشن، پُرز معده را می‌رویاند.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۷۷ (آنچه از کژدهانی ایمنی می‌دهد).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۶

## الفصل الثلاثون: السُّعْدُ

۱۷۵۹. الإمام الصادق عليه السلام: اتَّخَذُوا فِي أَسْنَانِكُمْ السُّعْدَ؛ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الفَمَ، وَ يَزِيدُ فِي الجِمَاعِ. [۷۵۹]

۱۷۶۰. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ اسْتَنْجَى بِالسُّعْدِ بَعْدَ الغَائِطِ، وَ غَسَلَ بِهِ فَمَهُ بَعْدَ الطَّعَامِ، لَمْ تُصِبْهُ عِلَّةٌ فِي فَمِهِ، وَ لَمْ يَخَفْ شَيْئاً مِنْ

أرياح البواسير. [۷۶۰]

۱۷۶۱. مكارم الأخلاق عن إبراهيم بن نظام: أَخَذَنِي اللُّصُوصُ وَ جَعَلُوا فِي فَمِي الفَالُودَجَ الحَارَّ حَتَّى نَضِجَ، ثُمَّ حَسَوُهُ بِالثَّلْجِ بَعْدَ ذَلِكَ

فَتَسَاقَطَتِ أَسْنَانِي وَ أَضْرَاسِي، فَرَأَيْتُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي النَّوْمِ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ ذَلِكَ، فَقَالَ: اسْتَعْمِلِ السُّعْدَ؛ فَإِنَّ أَسْنَانَكَ تَتَّبْتُ.

فَلَمَّا حُمِلَ إِلَى خُرَاسَانَ بَلَغَنِي أَنَّهُ مَارٌّ بِنَا فَاسْتَقْبَلْتُهُ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ،

وَ ذَكَرْتُ لَهُ حَالِي وَ إِنِّي رَأَيْتُهُ فِي المَنَامِ وَ أَمَرَنِي بِاسْتِعْمَالِ السُّعْدِ.

فَقَالَ: وَ أَنَا آمُرُكَ بِهِ فِي اليَقْظَةِ، فَاسْتَعْمَلْتُهُ فَعَادَتِ أَسْنَانِي وَ أَضْرَاسِي كَمَا كَانَتْ [۷۶۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۷

۱۷۵۹. امام صادق علیه السلام: مشکک [۷۶۲] را به لابه‌لای دندان‌های خویش در آورید؛ چرا که دهان را خوش بو می‌کند و بر توان همبستری می‌افزاید.

۱۷۶۰. امام کاظم علیه السلام: هر کس پس از قضای حاجت، آلودگی مقعد را با مُشکک بزدايد و پس از غذا خوردن نیز دهان خویش را با مُشکک بشوید، نه بیماری‌ای از بیماری‌های دهان به او می‌رسد و نه [باید] از باد بواسیر بترسد.

۱۷۶۱. مکارم الأخلاق به نقل از ابراهیم بن نظام: دزدان، مرا گرفتند و در دهانم پالوده داغ ریختند تا آنکه دهانم پخت. پس از آن، دهانم را با یخ، پُر کردند و در نتیجه دندان‌هایم سست شد. [۷۶۳]

پس از چندی، امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم. از این پیشامد به نزد ایشان، اظهار ناراحتی کردم.

فرمود: «از مُشکک، بهره بجوی؛ چرا که، در این صورت، دندان‌هایت ثابت خواهند ماند».

هنگامی که ایشان به خراسان آورده شد، به من خبر رسید که بر ما نیز خواهد گذشت. به استقبال ایشان رفتم و به ایشان سلام کردم و حال خویش را و این که ایشان را در خواب دیده بودم و ایشان مرا به استفاده از مشکک سفارش فرموده بود، با ایشان در میان نهادم.

فرمود: «اکنون در بیداری، تو را بدان سفارش می‌کنم».

من نیز از آن، بهره جستم و دندان‌هایم به وضع پیشین باز گشت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۸

راجع: ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۶۳۵. ج ۱، ص ۴۰۲، ح ۶۷۸ و ۶۷۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۳۹

ر. ک: ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۶۳۵. ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۶۷۸ و ۶۷۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۰

## الفصل الحادی و الثلاثون: السَّفَرَجَل

۱ / ۳۱

### خَوَاصُّ السَّفَرَجَلِ

۱۷۶۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَكَلُ السَّفَرَجَلِ يُذْهِبُ ظِلْمَةَ الْبَصَرِ. [۷۶۴]

۱۷۶۳. عنه صلی الله علیه و آله: أَكَلُ السَّفَرَجَلِ يَذْهَبُ بِطَخَاءِ الْقَلْبِ. [۷۶۵]

۱۷۶۴. عنه صلی الله علیه و آله: كُلُوا السَّفَرَجَلَ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْفُؤَادَ. وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا أَطْعَمَهُ مِنْ سَفَرَجَلِ الْجَنَّةِ، فَيَزِيدُ فِيهِ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ

رَجُلًا. [۷۶۶]

۱۷۶۵. عنه صلی الله علیه و آله: إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ طَخَاءً عَلَى قَلْبِهِ، فَلْيَأْكُلِ السَّفَرَجَلَ. [۷۶۷]

۱۷۶۶. الإمام علی علیه السلام: دَخَلَ طَلْحَةُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ فِي يَدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله

سَفَرَجَلَةً قَدْ جَاءَ بِهَا إِلَيْهِ، وَ قَالَ: خُذْهَا يَا أَبَا مُحَمَّدٍ؛ فَإِنَّهَا تُجِمُّ الْقَلْبَ. [۷۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۱

۱۷۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن به، تیرگی چشم را از میان می برد.

۱۷۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوردن به، سنگینی سینه را از میان می برد.

۱۷۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به بخورید که دل را جلا می دهد. خداوند، هیچ پیامبری را برنگزیده، مگر این که از به بهشت به او خورانده و نیروی چهل مرد را به او افزوده است.

۱۷۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه کسی از شما در قلب خود، سنگینی ای احساس می کند، به بخورد.

۱۷۶۶. امام علی علیه السلام: در حالی که پیامبر خدا یک به در دست داشت، طلحه بن

عبید الله بر ایشان وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله آن به را نزدیک طلحه برد و فرمود: «ای ابو محمد! این را بگیر، که قلب را آرامش و آسایش می دهد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۲

۱۷۶۷. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ الزُّبَيْرَ دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِيَدِهِ سَفْرَجَلَةٌ.

فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا زُبَيْرُ، مَا هَذِهِ بِيَدِكَ؟

فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذِهِ سَفْرَجَلَةٌ.

فَقَالَ: يَا زُبَيْرُ، كُلِّ السَّفْرَجَلِ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ.

قَالَ: وَ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: يُجِمُّ الْفُؤَادَ، وَيُسَخِّي الْبَخِيلَ، وَيُشَجِّعُ الْجَبَانَ. [۷۶۹]

۱۷۶۸. المعجم الكبير عن طلحة: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ وَفِي يَدِهِ سَفْرَجَلَةٌ يُقَلِّبُهَا، فَلَمَّا جَلَسْتُ إِلَيْهِ دَحَا بِهَا نَحْوِي، ثُمَّ قَالَ:

دُونَكهَا أَبَا مُحَمَّدٍ؛ فَإِنَّهَا تُشَدُّ الْقَلْبَ، وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ، وَ تَذَهَبُ بِطَخَاوَةِ الصَّدْرِ. [۷۷۰]

۱۷۶۹. سنن ابن ماجه عن طلحة: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِيَدِهِ سَفْرَجَلَةٌ فَقَالَ: دُونَكهَا يَا طَلْحَةُ؛ فَإِنَّهَا تُجِمُّ الْفُؤَادَ. [۷۷۱]

۱۷۷۰. المحاسن عن طلحة بن عمرو: دَخَلَ طَلْحَةُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِي

يَدِهِ سَفْرَجَلَةٌ، فَأَلْقَاهَا إِلَى طَلْحَةَ، وَقَالَ: كُلْهَا؛ فَإِنَّهَا تُجِمُّ الْفُؤَادَ. [۷۷۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۳

۱۷۶۷. امام صادق علیه السلام: زبیر، در حالی که به در دست داشت، بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله از او پرسید: «ای زبیر! این چیست که در دست توست؟».

گفت: ای پیامبر خدا! این، یک به است.

فرمود: «ای زبیر! به بخور؛ چرا که دارای سه ویژگی است».

پرسید: ای پیامبر خدا! آن ویژگی ها چیست؟

فرمود: «قلب را آسایش و آرامش می دهد، بخیل را گشاده دستی می دهد و ترسو را دلیر می کند».

۱۷۶۸. المعجم الكبير به نقل از طلحه: در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع شماری از یاران خویش بود و یک دانه به در

دست داشت و می چرخاند، نزد ایشان رفتم. چون در بر ایشان نشستم، آن به را به سوی من انداخت و فرمود: «ابو محمد! بگیر؛ چرا

که قلب را تقویت می کند، دل را خوش می دارد و سنگینی سینه را از میان می برد».

۱۷۶۹. سنن ابن ماجه به نقل از طلحه: در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله یک به در دست داشت، بر ایشان وارد شدم. فرمود: «طلحه! بگیر، که قلب را آرامش و آسایش می دهد».

۱۷۷۰. المحاسن به نقل از طلحه بن عمرو: در حالی که پیامبر خدا یک به در دست داشت، طلحه بن عبد الله بر ایشان وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به

سوی طلحه افکند و فرمود: «آن را بخور؛ چرا که قلب را آرامش و آسایش می دهد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۴

۱۷۷۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: کُلُوا السَّفْرَجَلَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدَّهْنِ، وَيَذْهَبُ بِطَخَاءِ الصَّدْرِ، وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ. [۷۷۳]

۱۷۷۲. الإمام الصادق علیه السلام: كَانَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَأَهْدَىٰ إِلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَفْرَجَلٌ، فَقَطَّعَ مِنْهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قِطْعَةً وَنَاوَلَهَا جَعْفَرًا، فَأَبَىٰ أَنْ يَأْكُلَهَا.

فَقَالَ: خُذْهَا وَكُلْهَا؛ فَإِنَّهَا تَذَكِّي الْقَلْبَ، وَتُسَجِّعُ الْجَبَانَ. [۷۷۴]

۱۷۷۳. الإمام الكاظم عليه السلام: كَسَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَفْرَجَلَةً وَأَطْعَمَ جَعْفَرَ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَقَالَ:

كُلْ؛ فَإِنَّهُ يُصَفِّي اللَّوْنَ، وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ. [۷۷۵]

۱۷۷۴. الإمام الرضا عليه السلام: أَهْدَىٰ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَفْرَجَلٌ، فَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى السَّفْرَجَلِ فَقَطَّعَهَا، وَكَانَ يُحِبُّهَا حُبًّا شَدِيدًا، فَأَكَلَهَا وَأَطْعَمَ مَنْ كَانَ بِحَضْرَتِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ.

ثُمَّ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِالسَّفْرَجَلِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْقَلْبَ، وَيَذْهَبُ بِطَخَاءِ الصَّدْرِ. [۷۷۶]

۱۷۷۵. الإمام علي عليه السلام: أَكَلَ السَّفْرَجَلَ يَزِيدُ فِي قُوَّةِ الرَّجُلِ وَيَذْهَبُ بِضَعْفِهِ. [۷۷۷]

۱۷۷۶. عنه عليه السلام: أَكَلَ السَّفْرَجَلَ قُوَّةً لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ، وَيُطَيِّبُ الْمَعِدَةَ، وَيَزِيدُ فِي

قُوَّةِ الْفُؤَادِ، وَيُسَجِّعُ الْجَبَانَ، وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ. [۷۷۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۵

۱۷۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به بخورید؛ چرا که ذهن را افزون می سازد، سنگینی سینه را می برد و فرزند را نکو می کند.

۱۷۷۲. امام صادق علیه السلام: جعفر بن ابی طالب، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود. برای پیامبر صلی الله علیه و آله یک به، هدیه آوردند. پیامبر صلی الله علیه و آله قطعه ای را از آن برید و به جعفر داد. جعفر، از خوردنش خودداری ورزید. فرمود: «بگیر و بخور؛ چرا که قلب را هشیاری می دهد و ترسو را دلیر می کند».

۱۷۷۳. امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا، یک به را شکست و [پاره ای از آن را] به جعفر بن ابی طالب داد و فرمود: «بخور؛ چرا که رنگ را صفا می دهد و فرزند را نکو می سازد».

۱۷۷۴. امام رضا علیه السلام: یک به، به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه شد. پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را بر به زد و آن را قطعه قطعه کرد. ایشان، به را بسیار دوست داشت. آن را خورد و به کسانی از اصحاب که در محضر ایشان بودند نیز داد. سپس فرمود: «بر شما باد به؛ چرا که قلب را جلا می دهد و سنگینی سینه را می برد».

۱۷۷۵. امام علی علیه السلام: خوردن به، بر نیروی مرد می افزاید و سستی او را می برد.

۱۷۷۶. امام علی علیه السلام: خوردن به، نیروی برای قلبی است که ضعیف شده باشد، معده

را پاک می کند، بر توان دل می افزاید، ترسو را دلیر می کند و فرزند را نکو می سازد. [۷۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۶

۱۷۷۷. الإمام الباقر علیه السلام: السَّفْرَجَلُ يَذْهَبُ بِهِمَّ الْحَزِينِ. [۷۸۰]

۱۷۷۸. طَبَّ الْأَثْمَةُ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي السَّفَرَجَلِ خَصْلَةً لَيْسَتْ فِي سَائِرِ الْقَوَائِدِ. قُلْتُ: وَمَا ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟

قَالَ: يُشَجِّعُ الْجَبَانَ، هَذَا وَاللَّهِ مِنْ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. [۷۸۱]

۱۷۷۹. الإمام الصادق عليه السلام: السَّفَرَجَلُ يَذْهَبُ بِهِمُ الْحَزِينَ، كَمَا تَذْهَبُ الْيَدُ بِعَرَقِ الْجَبِينِ.

۱۷۸۰. طَبَّ الْأَثْمَةُ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحِجَامَةِ يَوْمَ السَّبْتِ، قَالَ: يُضَعَّفُ.

قُلْتُ: إِنَّمَا عَلَّتِي مِنْ ضَعْفِي وَقَلَّةِ قُوَّتِي.

قَالَ: فَعَلَيْكَ بِأَكْلِ السَّفَرَجَلِ الْحُلُوِّ مَعَ حَبِّهِ؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّي الضَّعْفَ، وَيُطَيِّبُ المَعِدَّةَ، وَيُرَكِّي المَعِدَّةَ. [۷۸۲]

۱۷۸۱. الإمام الصادق عليه السلام: أَكَلُ السَّفَرَجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ، وَذِكَاؤُهُ لِلْفُؤَادِ، وَيُشَجِّعُ الْجَبَانَ. [۷۸۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۷

۱۷۷۷. امام باقر علیه السلام: به، اندوه اندوهگین را از میان می برد.

۱۷۷۸. طَبَّ الْأَثْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ: إِمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُودُ: «دَرِبُهُ، وَيُزَكِّي أَيُّ اسْتِ كَهْ دَرِ دِيْغَرِ مِيُوَهَا نِيَسْت.»

پرسیدم: ای پسر پیامبر خدا! آن چیست؟

فرمود: «ترسو را دلیر می کند. به خداوند سوگند، این، از دانش پیامبران که درودهای خداوند بر تمامی آنان باد است.»

۱۷۷۹. امام صادق علیه السلام: به، اندوه اندوهگین را از میان می برد، چنان که دست، عرق پیشانی را می برد.

۱۷۸۰. طَبَّ الْأَثْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ: إِمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَرِبَارَه حِجَامَتِ دَرِ رَوْزِ شَنَبِه پَرَسِيدِم.

فرمود: «سستی می آورد.»

گفتم: اصلاً بیماری من، از ضعف و کم قوتی من است.

فرمود: «در این صورت، به شیرین را با دانه اش بخور؛ زیرا ضعف را از بین می برد و معده را خوش بو می کند و آن را پاک می گرداند.»

۱۷۸۱. امام صادق علیه السلام: خوردن به، مایه توان قلب و بیداری دل است و ترسو را دلیر می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۸

۱۷۸۲. المحاسن عن السياري رفعه: عَلَيْكُمْ بِالسَّفَرَجَلِ فَكُلُوهُ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ وَالْمُرُوءَةِ. [۷۸۴]

راجع: ج ۱، ص ۲۳۲ (ما ينفع لسلامة القلب وقوته/ السفرجل). ج ۱، ص ۴۲۰ (ما يدبغ المعدة/ السفرجل).

۲/۳۱

فَوَائِدُ أَكْلِ السَّفَرَجَلِ عَلَى الرَّيِّقِ

۱۷۸۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: كَلُوا السَّفَرَجَلَ عَلَى الرَّيِّقِ؛ فَإِنَّهُ يُذْهِبُ وَعَرَ الصَّدْرِ. [۷۸۵]

۱۷۸۴. الإمام علي عليه السلام: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا وَفِي يَدِهِ سَفَرَجَلَةٌ، فَجَعَلَ يَأْكُلُ وَيُطْعِمُنِي وَيَقُولُ:

كُلْ يَا عَلِيُّ؛ فَإِنَّهَا هَدِيَّةُ الْجَبَّارِ إِلَيَّ وَإِلَيْكَ.

قَالَ: فَوَجَدْتُ فِيهَا كُلَّ لَذَّةٍ.

فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، مَنْ أَكَلَ السَّفَرَجَلَةَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ عَلَى الرَّيِّقِ صَفَا ذَهْنُهُ، وَامْتَلَأَ جَوْفُهُ حِلْمًا وَعِلْمًا، وَوَقِيَ مِنَ كَيْدِ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ. [۷۸۶]

۱۷۸۵. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَكَلَ سَفَرَجَلَةً عَلَى الرَّيِّقِ، طَابَ مَاؤُهُ، وَحَسُنَ وَلَدُهُ. [۷۸۷]

راجع: ج ۲، ص ۴۵۰، ح ۱۹۴۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۴۹

۱۷۸۲. المحاسن به نقل از سیاری، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: بر شما باد به. آن را بخورید، که عقل و مردانگی را افزون می‌سازد.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۳۳ (آنچه برای سلامت قلب و تقویت آن، مفید است/ به). ج ۱، ص ۴۲۱ (آنچه معده را می‌پالاید و تقویت می‌کند/ به).

### ۲/۳۱ فایده‌های ناشتا خوردن به

#### اشاره

۱۷۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ناشتا به بخورید؛ چرا که حرارت سینه را از میان می‌برد.

۱۷۸۴. امام علی علیه السلام: روزی، در حالی که پیامبر خدا یک به در دست داشت، بر ایشان وارد شدم. ایشان به خوردن به و دادن پاره‌هایی از آن به من پرداخت و می‌فرمود: «ای علی! بخور، که این، هدیه خداوند به من و توست». من در آن، همه لذت‌ها را دیدم.

پیامبر صلی الله علیه و آله همچنین فرمود: «ای علی! هر کس سه روز ناشتا به بخورد، ذهنش صفا می‌یابد، درونش از دانش و بردباری می‌آکند و از نیرنگ ابلیس و سپاهیان‌ش ننگه داشته می‌شود».

۱۷۸۵. امام صادق علیه السلام: هر کس ناشتا یک به بخورد، نطفه‌اش پاکیزه می‌شود و فرزندش نیکو می‌گردد. [۷۸۸]

ر. ک: ج ۲، ص ۴۵۱، ح ۱۹۴۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۰

۳/۳۱

#### خَوَاصُّ السَّفَرَجَلِ لِلْحَامِلِ

۱۷۸۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَطْعَمُوا حَبَالَكُمْ السَّفَرَجَلِ؛ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ. [۷۸۹]

۱۷۸۷. عنه صلی الله علیه و آله: رَائِحَةُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رَائِحَةُ السَّفَرَجَلِ، وَ رَائِحَةُ الْحُورِ الْعَيْنِ رَائِحَةُ الْأَسِّ، وَ رَائِحَةُ الْمَلَائِكَةِ رَائِحَةُ الْوَرْدِ، وَ رَائِحَةُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ رَائِحَةُ السَّفَرَجَلِ وَ الْأَسِّ وَ الْوَرْدِ، وَ لَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا وَصِيًّا إِلَّا وَجَدَ مِنْهُ رَائِحَةَ السَّفَرَجَلِ؛ فَكُلُوهَا وَ أَطْعَمُوا حَبَالَكُمْ يُحَسِّنُ أَوْلَادَكُمْ. [۷۹۰]

۱۷۸۸. مكارم الأخلاق عن رسول الله صلی الله علیه و آله: كُلُوا السَّفَرَجَلِ وَ تَهَادَوْهُ بَيْنَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَ يُنَبِّتُ الْمَوَدَّةَ فِي الْقَلْبِ، وَ أَطْعَمُوهُ حَبَالَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَوْلَادَكُمْ.

و فِي رِوَايَةٍ: يُحَسِّنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ. [۷۹۱]

۱۷۸۹. الإمام الصادق علیه السلام لَمَّا نَظَرَ إِلَى غُلَامٍ جَمِيلٍ: يَتَّبِعِي أَنْ يَكُونَ أَبُو هَذَا الْغُلَامِ آكِلَ السَّفَرَجَلِ. [۷۹۲]

۱۷۹۰. الكافي عن سُرْحَبِيلِ بْنِ مُسْلِمٍ: إِنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ [۷۹۳] قَالَ فِي الْمَرَأَةِ الْحَامِلِ: تَأْكُلُ السَّفَرَجَلِ؛ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَكُونُ أَطْيَبَ رِيحًا، وَ أَصْفَى لَوْنًا. [۷۹۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۱



۱۷۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان باردار خود، به بدهید؛ چرا که خوی فرزندانان را نکو می‌سازد.  
 ۱۷۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی پیامبران علیهم السلام، بوی به است؛ و بوی حوریه‌های آهوچشم [بهشت، بوی انگبین؛ و بوی فرشتگان، بوی گل سرخ؛ و بوی دخترم فاطمه زهرا، بوی به و انگبین و گل سرخ.  
 خداوند، هیچ پیامبری را برننگیخته است، مگر این که از او، بوی به می‌آمده است. به بخورید و به زنان باردار خود بدهید تا فرزندانان نکو باشند.

۱۷۸۸. مکارم الأخلاق به نقل از پیامبر خدا: «به بخورید و به همدیگر هدیه دهید؛ چرا که چشم را جلا می‌دهد و دوستی را در دل می‌رویاند. به زنان باردار خود هم از آن بخورانید؛ چرا که فرزندانان را نکو می‌سازد».  
 در روایتی دیگر است که: «خوی فرزندانان را نکو می‌سازد».

۱۷۸۹. امام صادق علیه السلام هنگامی که به پسر بچه‌ای زیبا نگریست: باید پدر این پسر، به‌خور باشد. [۷۹۵]  
 ۱۷۹۰. الکافی به نقل از شرحبیل بن مسلم: ایشان [۷۹۶] درباره زن باردار گفت: «به بخورد. در این صورت، فرزند او، خوش‌بو تر و خوش‌رنگ‌تر خواهد شد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۲

## الفصل الثانی و الثلاثون: الشکر

۱/۳۲

### خواص الشکر

۱۷۹۱. الکافی عن یحیی بن بشیر التّبال: قال أبو عبد الله علیه السلام لأبی: یا بشیر، بأی شیء تُداوونَ مرضاکم؟  
 فقال: بهذه الأدوية المرار.  
 فقال له: لا، إذا مرض أحدکم فخذ الشکر الأبيض فدقّه و صبّ علیهِ الماء البارد و اسقِهِ إیّاه، فإنّ الذی جعل الشفاء فی المرارة قادرٌ أن یجعلهُ فی الحلاوة. [۷۹۷]

۱۷۹۲. الإمام کاظم علیه السلام: تأخذُ للحمی وزنَ عشرة دَراهم شُکراً بماءٍ باردٍ علی الرّیق. [۷۹۸]

۱۷۹۳. الکافی عن إبراهيم الجعفی: دخلتُ علی أبي عبد الله علیه السلام، فقال: ما لی أراک ساهمَ الوجه؟  
 فقلتُ: إنَّ بی حمی الرّبع.

فقال: ما ذا یمنعک من المَبارک الطّیب؟ اسحقِ الشکر، ثمَّ امخضهُ بالماءِ و اشربهُ علی الرّیق و عند المساءِ.  
 ففعلتُ فما عادتُ إلّی. [۷۹۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۳

## فصل سی و دوم: شکر

۱/۳۲ خواص شکر

۱۷۹۱. الکافی به نقل از یحیی بن بشیر تَبَّال: امام صادق علیه السلام از پدرم پرسید: «ای بشیر! با چه چیز، بیمارانتان را درمان می‌کنید؟».

پدرم گفت: با این داروهای تلخ.

امام علیه السلام به وی فرمود: «نه! اگر کسی از شما بیمار شد، قدری شکر سفید بردار، آن را بسای. آب سرد بر رویش بریز و آن را به بیمار بخوران؛ چرا که آن که در دارویی تلخ، درمان نهاده، بر این هم تواناست که درمان را در شکرینه قرار دهد».

۱۷۹۲. امام کاظم علیه السلام: برای تب، به اندازه وزن ده درهم، شکر به آب سرد درمی‌آمیزی و ناشتا می‌خوری. [۸۰۰]

۱۷۹۳. الکافی به نقل از ابراهیم جَعْفی: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. پرسید: «چرا تو را پریده‌رنگ می‌بینم؟»  
گفتم: تب رِبع [۸۰۱] دارم.

فرمود: «چه چیز، تو را از خجسته پاک، باز می‌دارد؟ شکر را بسای و سپس در آب، حل کن و آن را ناشتا و همچنین در شامگاهان بخور».

این کار را انجام دادم و از آن پس، به این حالت، گرفتار نیامدم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۴

۱۷۹۴. الکافی عن الحسن بن علی بن النُّعمان عن بعض أصحابنا: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْوَجَعَ، فَقَالَ لِي: إِذَا أُوتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ فَكُلْ سُكَّرَتَيْنِ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَبَرَأْتُ. [۸۰۲]

۱۷۹۵. الکافی عن ابن أبي عمير رفعه عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ الْوَبَاءَ.

فَقَالَ لَهُ: وَ أَيْنَ أَنْتَ عَنِ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ؟

قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا الطَّيِّبُ الْمُبَارَكُ؟

فَقَالَ: سُلَيْمَانِيكُمْ هَذَا.

قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ اتَّخَذَ السُّكَّرَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. [۸۰۳]

۱۷۹۶. الإمام کاظم علیه السلام: مَنْ أَخَذَ سُكَّرَتَيْنِ عِنْدَ النَّوْمِ، كَانَتْ لَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ. [۸۰۴]

۱۷۹۷. عنه علیه السلام: قَصَبُ السُّكَّرِ يَفْتَحُ السُّدُودَ، وَلَا دَاءَ فِيهِ وَلَا غَائِلَةَ. [۸۰۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۵

۱۷۹۴. الکافی به نقل از حسن بن علی بن نُعمان، از یکی از هم‌مسلمان ما: نزد امام صادق علیه السلام از درد، اظهار ناراحتی کردم.

به من فرمود: «چون به بستر رفتی، دو شکر پاره بخور».

این کار را انجام دادم و بهبود یافتم.

۱۷۹۵. الکافی به نقل از ابن ابی عمیر، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: مردی نزد امام صادق علیه السلام از وبا

اظهار ناراحتی کرد.

امام علیه السلام از او پرسید: «با پاکِ خجسته چگونه‌ای؟».

[من گفتم: پاکِ خجسته چیست؟

فرمود: «این [شکر] سلیمانی شما».

امام صادق علیه السلام همچنین فرمود: «نخستین کسی که شکر ساخت، سلیمان بن داوود بود».

۱۷۹۶. امام کاظم علیه السلام: هر کس در هنگام خفتن، دو شکر پاره بردارد، برای او در برابر هر دردی، مگر درد مرگ، درمان

است.

۱۷۹۷. امام کاظم علیه السلام: نیشکر، انسدادها را می‌گشاید و هیچ بیماری و عارضه‌ای در آن نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۶

۱۷۹۸. عنه علیه السلام: ثَلَاثَةٌ لَا تَصْرُ: الْعَنْبُ الرَّازِقِيُّ، وَقَصْبُ الشُّكْرِ، وَالتَّفَاحُ اللَّبْنَانِيُّ. [۸۰۶]

راجع: ج ۱، ص ۳۴۰ (ما ینفع لعلاج السعال).

۲ / ۳۲

خَوَاصُّ الشُّكْرِ الطَّبْرَزْدِ

۱۷۹۹. الإمام الرضا علیه السلام: الشُّكْرُ الطَّبْرَزْدِيُّ يَأْكُلُ الْبَلْغَمَ أَكْلًا. [۸۰۷]

۱۸۰۰. الإمام الباقر علیه السلام لِرُزَارَةَ: وَيَحِيكَ يَا زُرَارَةَ، مَا أَغْفَلَ النَّاسَ عَنِ فَضْلِ الشُّكْرِ الطَّبْرَزْدِيِّ! وَهُوَ يَنْفَعُ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، وَهُوَ يَأْكُلُ الْبَلْغَمَ أَكْلًا وَيَقْلَعُهُ بِأَصْلِهِ. [۸۰۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۷

۱۷۹۸. امام کاظم علیه السلام: سه چیز است که هیچ زبانی ندارد: انگور رازقی، نیشکر و سیب لبنانی. [۸۰۹]

ر. ک: ج ۱، ص ۳۴۱ (آنچه برای درمان سرفه، سودمند است).

### ۲ / ۳۲ خَوَاصُّ شُكْرِ طَبْرَزْدِ

۱۷۹۹. امام رضا علیه السلام: شکر طبرزد [۸۱۰]، بلغم را به کلی از میان می‌برد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۵۸

۱۸۰۰. امام باقر علیه السلام خطاب به زراره: ای زراره! دریغ از تو! چه قدر مردم از ارزش شکر طبرزد، بی‌خبرند، در حالی که برای هفتاد بیماری، سودمند است و بلغم را کاملاً فرو می‌خورد و ریشه‌کن می‌سازد!

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۰

### الفصل الثالث و الثلاثون: السَّلْجَم

۱۸۰۱. الإمام الصادق علیه السلام: عَلَيْكُمْ بِالسَّلْجَمِ فَكُلُوهُ وَ أَدِيمُوا أَكْلَهُ وَ اكْتُمُوهُ إِلَّا عَنِ أَهْلِهِ؛ فَمَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ بِهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ فَأَذِيبُوهُ بِأَكْلِهِ. [۸۱۱]

۱۸۰۲. عنه علیه السلام: مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ فِيهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، فَأَذِيبُوهُ بِالسَّلْجَمِ. [۸۱۲]

۱۸۰۳. عنه علیه السلام: مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ فِيهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، فَكُلُوا السَّلْجَمَ فِي زَمَانِهِ يَذْهَبُ بِهِ عَنْكُمْ. [۸۱۳]

۱۸۰۴. عنه علیه السلام: مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ بِهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، وَ أَنَّ اللَّفْتَ وَ هُوَ السَّلْجَمُ يُذِيبُهُ، فَكُلُوهُ فِي زَمَانِهِ يَذْهَبُ عَنْكُمْ كُلِّ دَاءٍ. [۸۱۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۱

### فصل سی و سوم: سلجم

۱۸۰۱. امام صادق علیه السلام: بر شما باد شلغم. آن را بخورید و پیوسته خوردنش را استمرار بخشید و آن را از همه کس، جز آنان که اهلش هستند، پنهان بدارید؛ زیرا هیچ کس نیست که در او رگی از جذام نباشد. این رگ را با شلغم بسوزانید.

۱۸۰۲. امام صادق علیه السلام: هیچ کس نیست که در او ریشه‌ای از جذام نباشد. این ریشه را با شلغم بسوزانید. [۸۱۵]

۱۸۰۳. امام صادق علیه السلام: هیچ کس نیست، مگر این که در او رگی از جذام وجود دارد. شلغم را در فصل آن بخورید تا این رگ را از شما ببرد.

۱۸۰۴. امام صادق علیه السلام: هیچ کس نیست، مگر این که در او رگی از جذام وجود دارد. شلغم، این رگ را می‌سوزاند. شلغم را در فصل آن بخورید تا هر دردی را از شما ببرد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۲

۱۸۰۵. الإمام الكاظم عليه السلام: عَلَيْكَ بِاللَّفْتِ فَكُلُهُ يَعْنِي السَّلْجَمَ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ لَهُ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، وَ اللَّفْتُ يُذَيِّبُهُ [۸۱۶]. [۸۱۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۳

۱۸۰۵. امام کاظم علیه السلام: بر تو باد شلغم. آن را بخور؛ زیرا هیچ کس نیست که در او رگی از جذام نباشد، و شلغم، این رگ را می‌سوزاند. [۸۱۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۴

#### الفصل الرابع و الثلاثون: السَّلَق

۱۸۰۶. الإمام الصادق عليه السلام: أَكَلِ السَّلَقِ؛ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُدَامِ. [۸۱۹]

۱۸۰۷. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَفَعَ عَنِ الْيَهُودِ الْجُدَامَ بِأَكْلِهِمُ السَّلَقَ وَ قَلَعِهِمُ الْعُرُوقَ. [۸۲۰]

۱۸۰۸. الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ السَّلَقَ يَقْمَعُ عِرْقَ الْجُدَامِ، وَ مَا دَخَلَ جَوْفَ الْمُبْرَسَمِ مِثْلُ وَرَقِ السَّلَقِ. [۸۲۱]

۱۸۰۹. الإمام الرضا عليه السلام: أَطْعَمُوا مَرْضَاكُمُ السَّلَقَ يَعْنِي وَرَقَهُ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً وَ لَا دَاءَ مَعَهُ وَ لَا غَائِلَمَهُ لَهُ، وَ يُهْدِي نَوْمَ الْمَرِيضِ، وَ اجْتَنِبُوا أَصْلَهُ؛ فَإِنَّهُ يُهَيِّجُ السَّودَاءَ. [۸۲۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۵

#### فصل سی و چهارم: چغندر

۱۸۰۶. امام صادق علیه السلام: خوردن چغندر، در برابر جذام، ایمنی می‌دهد.

۱۸۰۷. امام صادق علیه السلام: خداوند، جذام را از میان یهودیان برداشت، بدان سبب که چغندر می‌خورند و رگ‌ها را بیرون می‌کشیدند. [۸۲۳]

۱۸۰۸. امام کاظم علیه السلام: چغندر، رگ جذام را به کلی از میان می‌برد. هیچ چیز به درون گرفتار به برسام [۸۲۴] درنیامده است که همانند برگ چغندر باشد.

۱۸۰۹. امام رضا علیه السلام: به بیمارانتان، چغندر (یعنی برگ آن را) بدهید؛ چرا که در آن، درمان است و هیچ بیماری‌ای به همراه ندارد و هیچ عارضه‌ای در آن نیست و خواب بیمار را آرام می‌سازد.

اما از خود چغندر بهره‌زید؛ چرا که سودا را تحریک می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۶

۱۸۱۰. عنه عليه السلام في ذكر فوائد السلق: يَشُدُّ الْعَقْلَ، وَيُصْفِي الدَّم. [۸۲۵]

۱۸۱۱. المحاسن عن أحمد بن محمد بن أبي نصر: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَحْمَدُ، كَيْفَ شَهَوْتُكَ الْبَقْلَ؟ فَقُلْتُ: إِنِّي لَأَشْتَهِي عَائَتَهُ.

قال: فإذا كان كذلك فعليك بالسلق؛ فإنه يثبت على شاطئ الفردوس، وفيه شفاء من الأدواء، وهو يغلظ العظم، وينبت اللحم، ولو لا أن تمسه أيدي الخاطئين لكانت الورقة منه تستر رجالاً.

قلت: من أحب البقول إلى.

فقال: أحمد الله على معرفتك به. [۸۲۶]

۱۸۱۲. بحار الأنوار: روى: نعم البقلمة السلق؛ يثبت بشاطئ الفردوس، وفيها شفاء من الأوجاع كلها، وتشد العصب، وتظهر الدم، وتغلظ العظم. [۸۲۷]

راجع: ج ۱، ص ۵۱۲ (ما ينفع لعلاج البرص / أكل لحم البقر بالسلق).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۷

۱۸۱۰. امام رضا علیه السلام در بیان فایده‌های چغندر: عقل را استحکام می‌بخشد و خون را تصفیه می‌کند.

۱۸۱۱. المحاسن به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر: امام رضا علیه السلام پرسید: «ای احمد! علاقه‌ات به سبزی‌ها چگونه است؟». گفتم: همه آنها را دوست دارم.

فرمود: «اگر چنین است، بر تو باد چغندر؛ زیرا بر کرانه‌های فردوس می‌روید و شفای دردها در آن است. استخوان را درشت می‌کند، گوشت می‌رویاند و اگر نبود که دستان گناهکاران به آن می‌رسد، هر برگ از آن برای پوشش چند مرد، بسنده می‌کرد». گفتم: برای من، از دوست‌داشتنی‌ترین سبزی‌هاست.

فرمود: «خدا را بر این که با آن آشنایی، سپاس بگزار».

۱۸۱۲. بحار الأنوار: روایت شده است: «چغندر، نیکو سبزی‌ای است. بر ساحل پردیس می‌روید، شفای همه دردها در آن است، پی را استحکام می‌بخشد، خون را زیاد می‌کند و استخوان را ستر می‌سازد.

ر. ک: ج ۱، ص ۵۱۳ (آنچه برای درمان پیسی سودمند است / خوردن گوشت گاو همراه با چغندر).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۸

## الفصل الخامس والثلثون: السمن

۱/۳۵

### خواص سمن البقر

۱۸۱۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً سَمِينَةً نَزَلَ مِنْهَا مِنَ الدَّاءِ مِنْ جَسَدِهِ، وَلَحْمُ الْبَقْرِ دَاءٌ، وَسَمْنُهَا شِفَاءٌ، وَلَبْنُهَا دَوَاءٌ، وَمَا دَخَلَ الْجَوْفَ مِثْلُ السَّمَنِ. [۸۲۸]

۱۸۱۴. الإمام علي عليه السلام: لَحْمُ الْبَقْرِ دَاءٌ، وَلَبْنُهَا شِفَاءٌ، وَسَمْنُهَا دَوَاءٌ، وَالشَّحْمُ يُخْرِجُ مِثْلَهُ مِنَ الدَّاءِ، وَلَمْ يَسْتَشْفِ النَّاسُ بِشِفَاءِ أَفْضَلِ مِنَ السَّمَنِ. [۸۲۹]

۱۸۱۵. عنه عليه السلام: سُمُونُ الْبَقْرِ شِفَاءٌ. [۸۳۰]

۱۸۱۶. عنه عليه السلام: سَمْنُ الْبَقْرِ دَوَاءٌ. [۸۳۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۶۹

## فصل سی و پنجم: روغن حیوانی

### ۳۵ / ۱ خواص روغن گاو

۱۸۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یک لقمه چرب شده به روغن حیوانی بخورد، به همان اندازه، بیماری از تن او فرو می‌ریزد. گوشت گاو، درد است و روغن آن، شفا و شیرش نیز درمان. هیچ چیز، همانند روغن گاو، به بدن درنیامده است.

۱۸۱۴. امام علی علیه السلام: گوشت گاو، بیماری است و شیر آن، شفاست و روغنش درمان است. پیه هم به اندازه خود، درد را از بدن برون می‌برد و مردم به هیچ چیز، برتر از روغن گاو، درمان نجسته‌اند.

۱۸۱۵. امام علی علیه السلام: روغن گاو، شفاست.

۱۸۱۶. امام علی علیه السلام: روغن گاو، داروست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۰

۱۸۱۷. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَأْمَنَ وَجَعَ السُّفْلِ، وَلَا يَضُرَّهُ شَيْءٌ مِنْ أُرْيَاحِ الْبُؤَاسِ [۸۳۲]، فَلْيَأْكُلْ سَبْعَ تَمَرَاتِ هَيْرُونَ

[۸۳۳] بِسَمْنِ بَقَرٍ، وَيُدْهَنُ انْتِثِيهِ بِزَيْتِ خَالِصٍ. [۸۳۴]

راجع: ج ۲، ص ۴۷۶ (لحم البقر).

۲ / ۳۵

### كَرَاهَةُ السَّمْنِ لِلشَّيْخِ

۱۸۱۸. الإمام الصادق عليه السلام: السَّمْنُ مَا دَخَلَ جَوْفًا مِثْلَهُ، وَإِنِّي لَأَكْرَهُهُ لِلشَّيْخِ. [۸۳۵]

۱۸۱۹. عنه عليه السلام: نِعَمَ الْإِدَامِ السَّمْنُ، وَإِنِّي لَأَكْرَهُهُ لِلشَّيْخِ. [۸۳۶]

۱۸۲۰. عنه عليه السلام: إِذَا بَلَغَ الرَّجُلُ خَمْسِينَ سَنَةً، فَلَا يَبْتَئِنُّ وَفِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِنَ السَّمْنِ. [۸۳۷]

۱۸۲۱. عنه عليه السلام فِي مَعْرُضِ كَلَامٍ لَهُ لِشَيْخٍ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ: اجْتَنِبِ السَّمْنَ؛ فَإِنَّهُ لَا يَلَانِمُ الشَّيْخَ. [۸۳۸] [۸۳۹]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۳۷۰

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۱

۱۸۱۷. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد از درد نشیمنگاه در امان بماند و بادهای بواسیر به او زیان نرساند، هر شب، هفت خرماي هیرون [۸۴۰] با روغن گاو بخورد و بیضه‌های خود را با روغن زنبک خالص، چرب کند.

ر. ک: ج ۲، ص ۴۷۷ (گوشت گاو).

### ۳۵ / ۲ مکروه بودن روغن حیوانی برای پیران

۱۸۱۸. امام صادق علیه السلام: روغن حیوانی، چیزی است که همانند آن، به بدن درنیامده است؛ اما من آن را برای پیر، ناخوشایند می‌دانم.

۱۸۱۹. امام صادق علیه السلام: روغن حیوانی، چه نیکو خورشی است؛ اما من آن را برای پیر، ناخوشایند می‌دانم.  
 ۱۸۲۰. امام صادق علیه السلام: مرد، هرگاه به پنجاه سالگی رسید، مباد در حالی که در درون او چیزی از روغن حیوانی است، شب را به بستر رود.

۱۸۲۱. امام صادق علیه السلام در ضمن سخن خود با پیری از مردمان عراق: از روغن حیوانی، حذر کن؛ چرا که با پیر، سازگاری ندارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۲

#### الفصل السادس و الثلاثون: السنّا

۱۸۲۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: تداووا بالسنّا، فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَرُدُّ الْمَوْتَ لَرَدَّهُ السَّنَا. [۸۴۱]

۱۸۲۳. عنه صلی الله علیه و آله: إِيَّاكُمْ وَ الشُّبْرُمَ؛ فَإِنَّهُ حَارٌّ يَأْرُ، وَ عَلَيْكُمْ بِالسَّنَا فَتَدَاوُوا بِهِ، فَلَوْ دَفَعَ شَيْءٌ الْمَوْتَ لَدَفَعَهُ السَّنَا. [۸۴۲]

۱۸۲۴. الإمام الصادق علیه السلام: لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي السَّنَا لَبَلَّغُوا كُلَّ مِثْقَالٍ مِنْهُ بِمِثْقَالَيْنِ مِنْ ذَهَبٍ! أَمَا إِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْبَهَقِ وَ الْبَرَصِ وَ الْجُدَامِ وَ الْجُنُونِ وَ الْفَالِجِ وَ اللَّقْوَةِ. [۸۴۳]

راجع: ج ۱، ص ۴۸۴ (صحّة الجلد / السنّا).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۳

#### فصل سی و ششم: سیّا (سنا)

۱۸۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با سیّا [۸۴۴] درمان کنید؛ زیرا اگر بنا بود چیزی مرگ را برگرداند، سیّا بود که آن را دفع می‌کرد.

۱۸۲۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از شُبْرُم (گاو کُشک) حذر کنید؛ چرا که سرد و بار [۸۴۵] است، و بر شما باد سیّا. با آن، درمان کنید؛ چرا که اگر بنا بود چیزی مرگ را دور کند، سیّا آن را دور می‌کرد.

۱۸۲۴. امام صادق علیه السلام: اگر مردم از آنچه در گیاه سیّا هست، آگاهی داشتند، هر مِثْقَالِ آن را با دو مِثْقَالِ طلا به چنگ می‌آوردند. زنهار که این گیاه، مایه ایمنی از: بهک، پیسی، جذام، دیوانگی، سست‌اندami و کژدهانی است.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۸۵ (بهداشت پوست / گیاه سنا).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۴

#### الفصل السابع و الثلاثون: السّویق

۱ / ۳۷

#### خَوَاصُّ السّوْقِ؟

۱۸۲۵. الإمام الباقر علیه السلام: مَا أَعْظَمَ بَرَكَةَ السّوْقِ! إِذَا شَرِبَهُ الْإِنْسَانُ عَلَى الشَّبَعِ أَمْرَأَهُ وَ هَضَمَ الطَّعَامَ، وَ إِذَا شَرِبَهُ الْإِنْسَانُ عَلَى

الجَوْعِ أَشْبَعَهُ، وَ نِعَمَ الزَّادِ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضْرِ السّوْقِ. [۸۴۶]

۱۸۲۶. الإمام الصادق عليه السلام: السَّوِيقُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ. [۸۴۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۵

## فصل سی و هفتم: سَوِيق

### ۳۷ / ۱ / خواص سَوِيق

۱۸۲۵. امام باقر عليه السلام: سَوِيق [۸۴۸]

، چه قدر پُربرکت است! اگر انسان در حالی که سیر است، آن را بخورد، غذا را گوارش می‌دهد و اگر در حالی که گرسنه است، بخورد، او را سیر می‌سازد. سَوِيق، چه نیکو توشه‌ای در سفر و در حضر است!

۱۸۲۶. امام صادق عليه السلام: سَوِيق، گوشت می‌رویاند و استخوان را استحکام می‌بخشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۶

۱۸۲۷. عنه عليه السلام: اسقوا صِبْيَانَكُمْ السَّوِيقَ فِي صِعْرِهِمْ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ. [۸۴۹]

۱۸۲۸. المحاسن عن بكر بن محمد الأزدي: دَخَلَتْ عَيْثِمَةُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهَا ابْنُهَا أَظْنُ اسْمُهُ مُحَمَّدًا فَقَالَ لَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لِي أَرَى جِسْمَ ابْنِكَ نَحِيفًا؟

قَالَتْ: هُوَ عَلِيلٌ.

فَقَالَ لَهَا: اسْقِيهِ السَّوِيقَ؛ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ. [۸۵۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۷

۱۸۲۷. امام صادق عليه السلام: به کودکانشان در خردسالی‌شان سَوِيق بدهید؛ چرا که گوشت می‌رویاند و استخوان را استحکام می‌بخشد.

۱۸۲۸. المحاسن به نقل از بكر بن محمد ازدی: عَيْثِمَةُ، در حالی که پسر خویش را به همراه داشت و به گمانم نام او محمد بود بر امام صادق عليه السلام وارد شد.

امام صادق عليه السلام به او فرمود: «چرا می‌بینم تن فرزندت، نحیف است؟». گفت: او بیمار است.

امام عليه السلام به او فرمود: «به او سَوِيق بخوران؛ چرا که گوشت می‌رویاند و استخوان را استحکام می‌بخشد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۸

۱۸۲۹. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ شَرِبَ السَّوِيقَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا امْتَلَأَ كِتْفَاهُ قُوَّةً. [۸۵۱]

۱۸۳۰. عنه عليه السلام: شَرِبُ السَّوِيقِ بِالزَّيْتِ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ، وَيُرِقُّ الْبَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الْبَاهِ. [۸۵۲]

۱۸۳۱. عنه عليه السلام: اَمَلُواوَا جَوْفَ الْمَحْمُومِ مِنَ السَّوِيقِ؛ يُغَسَّلُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ يُسْقَى. [۸۵۳]

۱۸۳۲. عنه عليه السلام: السَّوِيقُ يُجَرِّدُ الْمِرَّةَ وَ الْبَلْغَمَ مِنَ الْمَعِدَةِ جَرْدًا، وَيُدْفَعُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ. [۸۵۴]

۱۸۳۳. الإمام الكاظم عليه السلام: السَّوِيقُ وَ مَرَقُ لَحْمِ الْبَقْرِ يَذْهَبَانِ بِالْوَضْحِ. [۸۵۵]

۱۸۳۴. الخرائج و الجرائح عن أبي هاشم الجعفری: كُنْتُ فِي مَجْلِسِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَطِشْتُ عَطَشًا شَدِيدًا وَ تَهَيَّبْتُ أَنْ أُسْتَسْقَى فِي مَجْلِسِهِ، فَدَعَا بِمَاءٍ فَشَرِبَ مِنْهُ جُرْعَةً، ثُمَّ قَالَ:

يَا أَبَا هَاشِمٍ، اشْرَبْ فَإِنَّهُ بَارِدٌ طَيِّبٌ فَشَرِبْتُ، ثُمَّ عَطِشْتُ عَطَشَهُ أُخْرَى، فَنَظَرَ إِلَيَّ الْخَادِمُ وَقَالَ:

شَرِبْتَهُ مِنْ مَاءٍ وَ سَوِيقٍ وَ سُكَّرٍ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: بُلِّ السَّوِيقَ، وَ انْثُرْ عَلَيْهِ السُّكَّرَ بَعْدَ بَلِّهِ.



و قال: اشرب يا ابا هاشم؛ فَإِنَّهُ يَقَطُّعُ الْعَطَشَ. [۸۵۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۷۹

۱۸۲۹. امام صادق علیه السلام: هر کس چهل روز سوپق بخورد، بازوانش پُر توان می شود.

۱۸۳۰. امام صادق علیه السلام: خوردن سوپق با روغن زیتون، گوشت می رویاند، استخوان را استحکام می بخشد، پوست را نازک می کند و بر توان جنسی می افزاید.

۱۸۳۱. امام صادق علیه السلام: درون تبار را از سوپق، پُر کنید. سه بار در آب شسته شود و آن گاه به او خورانده شود.

۱۸۳۲. امام صادق علیه السلام: سوپق، تلخه را از تن، و بلغم را از معده، کاملاً جدا می کند و هفتاد گونه بلا را دور می سازد.

۱۸۳۳. امام کاظم علیه السلام: سوپق خشک و آب گوشت گاو، پیسی را از میان می برند.

۱۸۳۴. الخرائج و الجرائح به نقل از ابو هاشم جعفری: در محضر امام رضا علیه السلام بودم. به سختی تشنه شدم؛ اما از هیبت ایشان ترسیدم که در مجلس ایشان، آب بطلبم. امام علیه السلام خود، آبی طلبید و جرعه‌ای از آن نوشید و سپس فرمود: «ای ابو هاشم! بنوش؛ چرا که سرد و خوب است». نوشیدم. سپس دیگر بار، تشنه شدم.

امام علیه السلام به خدمتگزار نگریست و فرمود: «نوشابه‌ای از آب و مقداری سوپق و شکر برایش بیاور».

آن گاه فرمود: «سوپق را مرطوب کن و قدری شکر رویش بپاش».

[پس از آن، به من فرمود: «ای ابو هاشم! بنوش؛ چرا که عطش را از میان می برد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۰

۱۸۳۵. الإمام الرضا علیه السلام: نِعَمَ الْقَوْتُ السَّوِيقُ؛ إِنْ كُنْتَ جَائِعًا أَمْسَكَ، وَ إِنْ كُنْتَ شَبَعَانًا [۸۵۷] هَضَمَ طَعَامَكَ. [۸۵۸]

راجع: ج ۱، ص ۴۱۶ (ما ینفع للهضم/ السویق). ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۹۶۴، و ص ۵۶۶، ح ۹۶۹ و ۹۷۰.

۲ / ۳۷

خَوَاصُّ بَعْضِ أَنْوَاعِ السَّوِيقِ؟

أَسْوِيقُ الشَّعِيرِ

۱۸۳۶. الكافي عن سيف التمار: مَرَضَ بَعْضُ رُفَقَاتِنَا بِمَكَّةَ وَ بُرْسَمَ، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْلَمْتُهُ.

فَقَالَ لِي: اسْقِهِ سَوِيقَ الشَّعِيرِ؛ فَإِنَّهُ يُعَافِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَ هُوَ غِذَاءٌ فِي جَوْفِ الْمَرِيضِ.

قَالَ: فَمَا سَقِينَاهُ السَّوِيقَ إِلَّا يَوْمَيْنِ أَوْ قَالَ: مَرَّتَيْنِ حَتَّى عُوْفِيَ صَاحِبُنَا. [۸۵۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۱

۱۸۳۵. امام رضا علیه السلام: سوپق، چه نیکو خوراکی است! اگر گرسنه باشی، سیر می کند و اگر سیر باشی، غذایت را گوارش می دهد.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۱۷ (آنچه برای گوارش، سودمند است/ سوپق). ج ۱، ص ۵۶۵، ح ۹۶۴، ج ۱، ص ۵۶۷، ح ۹۶۹ و ۹۷۰.

## ۲ / ۳۷ خَوَاصُّ بَعْضِ أَنْوَاعِ السَّوِيقِ

### الف سَوِيقُ جَوْ

۱۸۳۶. الكافي به نقل از سيف تمار: یکی از همراهانمان در مکه به بیماری برسام، مبتلا شد. من به حضور امام صادق علیه السلام رفتم و او را آگاهاندم.

به من فرمود: «سویق جو به او بخوران؛ چرا که به خواست خداوند، بهبود خواهد یافت. آن، غذایی در درون تن بیمار است».

ما جز دو روز (یا دو بار) به او سویق ندادیم، مگر این که همراه ما، بهبود یافت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۲

ب سَوِيقِ الْعَدَسِ

۱۸۳۷. الکافی عن محمد بن موسی رفعه عن الإمام الصادق علیه السلام: سَوِيقُ الْعَدَسِ يَقَطُّعُ الْعَطَشَ، وَ يُقَوِّی الْمَعِدَّةَ، وَ فِيهِ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، وَ يُطْفِئُ الصَّفْرَاءَ، وَ يُبْرِدُ الْجَوْفَ.

وَ كَانَ إِذَا سَافَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يُفَارِقُهُ، وَ كَانَ يَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا هَاجَ الدَّمُ بِأَحَدٍ مِنْ حَشَمِهِ قَالَ لَهُ: اشْرَبْ مِنْ سَوِيقِ الْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ يُسَكِّنُ هَيْجَانَ الدَّمِ، وَ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ. [۸۶۰]

راجع: ج ۱، ص ۵۹۴ (ما ینفع لعلاج عدم انقطاع دم الحیض).

ج سَوِيقِ الْأُرْزِ

۱۸۳۸. السرائر: رُوِيَ أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ [أَيِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَكَا إِلَيْهِ اخْتِلَافَ الْبَطْنِ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَّخِذَ مِنَ الْأُرْزِ سَوِيقًا وَ يَشْرَبَهُ، فَفَعَلَ فَعُوفِيَ. [۸۶۱]

۱۸۳۹. دعائم الإسلام: عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ شَكَا إِلَيْهِ اخْتِلَافَ الْبَطْنِ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَتَّخِذَ مِنَ الْأُرْزِ سَوِيقًا وَ يَأْخُذَهُ وَ يَشْرَبَهُ، فَفَعَلَ فَاشْتَدَّ بَطْنُهُ.

وَ قَالَ: مَرَضْتُ سَنَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ فَأَلْهَمَنِي اللَّهُ الْأُرْزَ. فَأَمَرْتُ بِهِ فَعُغِسِلَ وَ جُفِّفَ، ثُمَّ امْسَسَ النَّارَ وَ طَحِنَ، وَ جَعَلْتُ بَعْضَهُ سَوِيقًا وَ بَعْضَهُ حَسَاءً، وَ اسْتَعْمَلْتُهُ فَبُرِّئْتُ. [۸۶۲]

راجع: ج ۱، ص ۴۳۴ (ما ینفع لعلاج بعض أوجاع البطن / سویق الأرز).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۳

### ب سَوِيقِ عَدَسِ

۱۸۳۷. الکافی به نقل از محمد بن موسی، در حدیثی که سَیْنِدِ آن را به امام صادق علیه السلام رسانده است: امام صادق علیه السلام فرمود: «سویق عدس، تشنگی را از میان می برد، معده را تقویت می کند، درمان هفتاد درد در آن است، صفرا را خاموش می کند و درون را سردی می بخشد».

ایشان، چون سفر می کرد، از این سویق، جدایی نداشت و چون در کسی از خدمتگزارانش خون به جوش می آمد، به وی می فرمود: «از سویق عدس بخور؛ چرا که جوش آمدگی خون را فرو می نشاند و حرارت را خاموش می کند».

ر. ک: ج ۱، ص ۵۹۵ (آنچه برای درمان بند نیامدن خون عادت، سودمند است).

### ج سَوِيقِ بَرْنَجِ

۱۸۳۸. السرائر: روایت شده که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام، از شکم روی اش نزد ایشان اظهار ناراحتی کرد. امام علیه السلام به او فرمود که قدری سویق برنج بگیرد و بیاشامد.

او این کار را انجام داد و بهبود یافت.

۱۸۳۹. دعائم الإسلام: درباره امام صادق علیه السلام نقل شده که یکی از یارانش از شکم رُوش (بیرون روی)، نزد ایشان اظهار

ناراحتی کرد. امام علیه السلام به او فرمود که سویقی از برنج فراهم کند و بخورد.

او این کار را کرد و شکمش بست.

همچنین فرمود: «من، دو سال یا بیشتر بیمار شدم. پس خداوند، استفاده از برنج را به من الهام کرد. گفتم تا آن را آوردند، شستند، خشک کردند، سپس روی آتش گرفتند و آن گاه آرد کردند. قدری از آن را سویق و قدری را شوربا کردم و از آن، بهره جستیم و بهبود یافتیم».

ر. ک: ج ۱، ص ۴۳۵ (آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است / آرد برنج).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۴

#### د سَوِيقُ التُّفَّاحِ

۱۸۴۰. الإمام الصادق عليه السلام: ما أَعْرِفُ لِلسُّمُومِ دَوَاءً أَنْفَعُ مِنْ سَوِيقِ التُّفَّاحِ. [۸۶۳]

۱۸۴۱. الكافي عن ابن بكير: رَعَفْتُ سَنَةً بِالْمَدِينَةِ، فَسَأَلَ أَصْحَابُنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ شَيْءٍ يُمَسِّكُ الرُّعَافَ. فَقَالَ لَهُمْ: اسْقَوْهُ سَوِيقَ التُّفَّاحِ.

فَسَقَوْنِي فَأَنْقَطَعَ عَنِّي الرُّعَافُ. [۸۶۴]

۱۸۴۲. الكافي عن زياد القندي: دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ وَمَعِيَ أُخِي سَيْفٌ، فَأَصَابَ النَّاسَ بِرُعَافٍ [۸۶۵]، فَكَانَ الرَّجُلُ إِذَا رَعَفَ يَوْمِينَ مَاتَ، فَرَجَعْتُ إِلَى الْمَنْزِلِ فَإِذَا سَيْفٌ يَرَعُفُ رُعَافًا شَدِيدًا، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقَالَ: يَا زِيَادُ، أَطْعِمِ سَيْفَ التُّفَّاحِ.

فَأَطْعَمْتُهُ إِنَاءَهُ فَبَرَأَ. [۸۶۶]

۱۸۴۳. الكافي عن أحمد بن محمد بن يزيد: كَانَ [۸۶۷] إِذَا لَسَعَ إِنْسَانًا مِنْ أَهْلِ الدَّارِ حَيَّةٌ أَوْ عَقْرَبٌ، قَالَ: اسْقَوْهُ سَوِيقَ التُّفَّاحِ. [۸۶۸]

راجع: ج ۱، ص ۴۳۶ (ما ينفع لعلاج بعض أوجاع البطن / سويق الجاوس).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۸۵

#### د سَوِيقِ سَيْبِ

۱۸۴۰. امام صادق علیه السلام: برای مسمومیت، دارویی سودمندتر از سویق سیب، سراغ ندارم.

۱۸۴۱. الكافي به نقل از ابن بکیر: سالی در مدینه به خون دماغ مبتلا شدم. یارانمان از امام صادق علیه السلام درباره چیزی که مانع خونریزی بینی شود، پرسیدند. به آنان فرمود: «به او سویق سیب بدهید».

آنان به من از این سویق خوراندند و خونریزی بینی ام قطع شد.

۱۸۴۲. الكافي به نقل از زیاد قندی: در حالی که برادرم سیف با من بود، به مدینه درآمدم. آنجا مردم به خون دماغ گرفتار شدند و کسی که خون دماغش دو روز ادامه می یافت، می مُرد.

من به منزل باز گشتم و دیدم سیف، خون دماغ شدیدی دارد. نزد امام کاظم علیه السلام رفتم. فرمود: «ای زیاد! به سیف، سیب [۸۶۹] بخوران».

من آن را به او خوراندم و وی بهبود یافت.

۱۸۴۳. الكافي به نقل از احمد بن محمد بن یزید: ایشان، [۸۷۰] چون کسی از اهل خانه را مار یا کژدم می گزید، می گفت: «به او سویق سیب بخورانید».

ر. ک: ج ۱، ص ۴۳۷ (آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است / سویق گاؤرس).

خَوَاصُّ السَّوِيقِ الْجَافِ

۱۸۴۴. الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثُ رَاحَاتِ سَوِيقٍ جَافٍ عَلَى الرَّيْقِ يُنَشِّفُ الْبَلْغَمَ وَالْمِرَّةَ، حَتَّى لَا يَكَادَ يَدْعُ شَيْئًا. [۸۷۱]

۱۸۴۵. عنه عليه السلام: إِنَّ السَّوِيقَ الْجَافَ إِذَا اخْتَذَ عَلَى الرَّيْقِ أَطْفَأَ الْحَرَارَةَ، وَ سَكَّنَ الْمِرَّةَ، وَ إِذَا لُتُّ ثُمَّ شُرِبَ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ. [۸۷۲]

۱۸۴۶. الكافي عن إبراهيم بن بسطام عن رجلٍ من أهل مرو: بَعَثَ إِلَيْنَا الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ عِنْدَنَا يَطْلُبُ السَّوِيقَ، فَبَعَثْنَا إِلَيْهِ بِسَوِيقٍ مَلْتَوِيٍّ، فَرَدَّهُ وَ بَعَثَ إِلَيْنَا أَنَّ السَّوِيقَ إِذَا شُرِبَ عَلَى الرَّيْقِ وَ هُوَ جَافٌ أَطْفَأَ الْحَرَارَةَ، وَ سَكَّنَ الْمِرَّةَ، وَ إِذَا لُتُّ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ. [۸۷۳]

راجع: ج ۱، ص ۵۱۲ (ما ينفع لعلاج البرص / السويق).

۳ / ۳۷ خَوَاصُّ سَوِيقِ خَشَكِ

۱۸۴۴. امام صادق عليه السلام: [خوردن سه کف دست، سويق خشک در حالت ناشتا، بلغم و تلخه را خشک می کند، تا جایی که تقریباً چیزی را از آن بر جای نمی گذارد.

۱۸۴۵. امام صادق عليه السلام: سويق خشک، چون ناشتا خورده شود، حرارت را خاموش می کند و تلخه را فرو می نشاند؛ اما چون به روغن درآمیخته و خورده شود، این اثر را ندارد.

۱۸۴۶. الكافي به نقل از إبراهيم بن بسطام، از یکی از مردمان مَرُو: امام رضا عليه السلام در روزگاری که در میان ما بود، کسی را نزدمان فرستاد و سويق خواست. ما برای ایشان مقداری سويق مرطوب فرستادیم. امام عليه السلام، آن را برگرداند و برایم پیغام فرستاد که: «سويق، چون خشک باشد و ناشتا خورده شود، حرارت را خاموش می کند و تلخه را فرو می نشاند؛ اما چون تر شود، این اثر را ندارد».

ر. ک: ج ۱، ص ۵۱۳ (آنچه برای درمان پیسی، سودمند است / سويق).

الفصل الثَّامِنُ وَ الثَّلَاثُونَ: الشَّحْمُ

۱۸۴۷. الإمام علي عليه السلام: الشَّحْمُ يُخْرِجُ مِثْلَهُ مِنَ الدَّاءِ، وَ لَمْ يَسْتَشِفِ النَّاسُ بِشِفَاءٍ أَفْضَلَ مِنَ السَّمَنِ، وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ. [۸۷۴]

۱۸۴۸. عنه عليه السلام: ذَكَرَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّحْمُ وَ الشَّحْمُ، فَقَالَ: لَيْسَ مِنْهُمَا بَضْعَةٌ تَقَعُ فِي الْمَعْدَةِ إِلَّا أَنْبَتَ مَكَانَهَا شِفَاءً، وَ أَخْرَجَتْ مِنْ مَكَانِهَا دَاءً. [۸۷۵]

۱۸۴۹. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً شَحْمٍ أَخْرَجَتْ مِثْلَهَا مِنَ الدَّاءِ. [۸۷۶]

۱۸۵۰. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كُنْتُ أَخْدِمُهُ فِي وَجَعِ الَّذِي كَانَ فِيهِ وَ هُوَ الزَّحِيرُ: وَيَحْكُ يَا يُونُسُ! أَعَلِمْتَ أَنِّي الْهَمْتُ فِي مَرَضِي أَكَلَ الْأَرْزُ، فَأَمَرْتُ بِهِ

فَغَسَلْتُ ثُمَّ جَفَفْتُ، ثُمَّ رُضَّ فَطْبِخٌ، فَأَكَلْتُهُ بِالشَّحْمِ، فَأَذْهَبَ اللَّهُ بِذَلِكَ الْوَجَعَ عَنِّي. [۸۷۷]

۱۸۴۷. امام علی علیه السلام: پیه، هم‌اندازه خود، بیماری را از بدن بیرون می‌برد. مردم، به هیچ چیز بهتر از روغن حیوانی و قرائت قرآن، درمان نجسته‌اند.

۱۸۴۸. امام علی علیه السلام: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله از گوشت و پیه یاد شد. فرمود: «هیچ پاره‌ای از این دو در معده جای نمی‌گیرد، مگر این که در جای آن، شفا می‌روید و بیماری‌ای از آن جا می‌رود».

۱۸۴۹. امام صادق علیه السلام: هر کس یک لقمه پیه بخورد، آن لقمه هم‌اندازه خویش، بیماری را از بدن بیرون می‌برد.

۱۸۵۰. طَبَّ الْأَثَمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از یونس بن یعقوب: هنگامی که امام صادق علیه السلام بیمار بود و اسهال خونی داشت و او را خدمت می‌گزاردم، به من فرمود: «ای یونس! چه بی‌خبری! مگر نمی‌دانی به من درباره بیماری، الهام شد که برنج بخورم و من نیز گفتم؛ پس، آن را فراهم آوردند، شستند، خشک کردند، سپس در آب پختند، آن گاه نرم ساییدند و پختند و آن را با پیه خوردم و خداوند با همان، درد و بیماری را از من برد؟».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۰

۱۸۵۱. المحاسن: رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ أَكَلَ لَقْمَةً مِنَ الشَّحْمِ أَنْزَلَتْ مِنَ الدَّاءِ مِثْلَهَا»، فَقَالَ: ذَاكَ شَحْمُ الْبَقْرِ. [۸۷۸]

۱۸۵۲. الکافی عن زرارة: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! الشَّحْمَةُ الَّتِي تُخْرَجُ مِثْلَهَا مِنَ الدَّاءِ أَيُّ شَحْمَةٍ هِيَ؟ قَالَ: هِيَ شَحْمَةُ الْبَقْرِ، وَ مَا سَأَلَنِي يَا زُرَّارَةَ عَنْهَا أَحَدٌ قَبْلَكَ. [۸۷۹]

۱۸۵۳. الکافی عن محمد بن الفیض: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَاءَهُ رَجُلٌ، فَقَالَ لَهُ: إِنَّ ابْنَتِي قَدْ ذَبَلَتْ وَبِهَا الْبَطْنُ. فَقَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْأُرْزُ بِالشَّحْمِ؟ خُذْ حِجَارًا أَرْبَعًا أَوْ خَمْسًا، فَاطْرَحْهَا بِجَنْبِ النَّارِ، وَاجْعَلِ الْأُرْزُ فِي الْقِدْرِ، وَاطْبِخْهُ حَتَّى يُدْرِكَ، وَخُذْ شَحْمَ كَلْبِي طَرِيًّا، فَإِذَا بَلَغَ الْأُرْزُ، فَاطْرَحِ الشَّحْمَ فِي قَصْعَةٍ مَعَ الْحِجَارَةِ، وَكَبِّ عَلَيْهَا قَصْعَةً أُخْرَى، ثُمَّ حَرِّكْهَا تَحْرِيكًا جَيِّدًا، وَاضْبِطْهَا كَيْ لَا يَخْرُجَ بُخَارُهُ، فَإِذَا ذَابَ الشَّحْمُ، فَاجْعَلْهُ فِي الْأُرْزِ، ثُمَّ تَحَسَّاهُ. [۸۸۰]

۱۸۵۴. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَدْخَلَ فِي جَوْفِهِ لَقْمَةً شَحْمٍ أَخْرَجَتْ مِثْلَهَا مِنَ الدَّاءِ. [۸۸۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۱

۱۸۵۱. المحاسن: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که فرموده بود: «هر کس لقمه‌ای از پیه بخورد، آن لقمه هم‌اندازه خود، بیماری را از بدن بیرون می‌راند» پرسیدند.

ایشان فرمود: «مقصود، پیه گاو است».

۱۸۵۲. الکافی به نقل از زراره: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: فدایت شوم! آن پیه که هم‌اندازه خود، بیماری را از بدن بیرون می‌برد، چیست؟

فرمود: «پیه گاو است. ای زراره! هیچ کس پیش از تو، در این باره از من نپرسیده بود».

۱۸۵۳. الکافی علیه السلام به نقل از محمد بن فیض: نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی آمد و به ایشان گفت: دخترم از بیماری شکم‌روش، تکیده و لاغر گشته است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «چه چیزی تو را از پُلوی چرب، باز می‌دارد؟ چهار یا پنج تکه سنگ بردار و در کنار آتش بگذار و برنج را در دیگری قرار بده و خوب بپز و مقداری چربی تازه قلوه‌گاه، در ظرفی بریز و از آن سنگ‌های داغ‌شده، در آن قرار بده و ظرف دیگری را بر روی آن بگذار و خوب بر هم زن و مواظب باش بخار آن، خارج نشود. هنگامی که روغن ذوب شد و برنج هم

خوب پخته شد، روغن آب شده را در برنج بریز و به بیمار (دخترت) بخوران.»

۱۸۵۴. امام کاظم علیه السلام: هر کس لقمه‌ای از پیه را به درون خود ببرد، آن لقمه هم اندازه خود، بیماری را از بدن بیرون می‌برد. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۲

### الفصل التاسع و الثلاثون: العَدَس

۱۸۵۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُكْثِرُ الدَّمْعَةَ، وَلَقَدْ فَدَّسَهُ سَبْعُونَ نَبِيًّا. [۸۸۲]  
 ۱۸۵۶. عنه صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ مُقَدَّسٌ، يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُكْثِرُ الدَّمْعَةَ، وَقَدْ بَارَكَ فِيهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا آخِرُهُمْ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. [۸۸۳]

۱۸۵۷. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ: يَا عَلِيُّ، كُلِّ الْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ مُقَدَّسٌ وَهُوَ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُكْثِرُ الدَّمْعَةَ، وَإِنَّهُ بَارَكَ عَلَيْهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا. [۸۸۴]  
 ۱۸۵۸. الإمام الصادق عليه السلام: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسٌ فِي مُصَلَّاهُ، إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ التَّيْهَانِ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي لَأَجْلِسُ إِلَيْكَ كَثِيرًا وَأَسْمَعُ مِنْكَ كَثِيرًا، فَمَا يَرِقُّ قَلْبِي وَ مَا تُسْرِعُ دَمْعَتِي! فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا ابْنَ التَّيْهَانِ، عَلَيْكَ بِالْعَدَسِ فَكُلْهُ؛ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُسْرِعُ الدَّمْعَةَ، وَقَدْ بَارَكَ عَلَيْهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا. [۸۸۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۳

### فصل سی و نهم: عدس

۱۸۵۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بر شما باد عدس؛ چرا که دل را نازک می‌کند و اشک را افزون می‌سازد. و هفتاد پیامبر، آن را پاک دانسته‌اند.

۱۸۵۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بر شما باد عدس؛ چرا که مبارک و پاک است، دل را نازک می‌کند و اشک را افزون می‌سازد. و هفتاد پیامبر که آخرینشان عیسی بن مریم علیه السلام است، دوام سودمندی آن را از خداوند متعال خواسته‌اند.  
 ۱۸۵۷. امام باقر علیه السلام: از جمله سفارش‌های پیامبر خدا به علی علیه السلام آن بود که فرمود: «ای علی! عدس بخور؛ چرا که مبارک و مقدس است، دل را نازک می‌کند و اشک را افزون می‌سازد، و هفتاد پیامبر، دوام سودمندی آن را از خداوند متعال خواسته‌اند.»

۱۸۵۸. امام صادق علیه السلام: در حالی که پیامبر خدا در جای نماز خویش نشسته بود، مردی از انصار به نام عبد الله بن تیهان نزد ایشان آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من بسیار در محضر تو می‌نشینم و بسیار از تو می‌شنوم؛ اما نه دلم نازک می‌شود و نه اشکم فرو می‌ریزد.

پیامبر صلى الله عليه و آله به او فرمود: «ای پسر تیهان! بر تو باد عدس. آن را بخور؛ چرا که دل را نازک می‌کند و اشک را شتاب می‌دهد. و هفتاد پیامبر، دوام سودمندی آن را از خداوند خواسته‌اند.»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۴

۱۸۵۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ قُدَّسَ عَلَى لِسَانِ سَبْعِينَ نَبِيًّا. [۸۸۶]
۱۸۶۰. عنه صلى الله عليه وآله: شَكَأَ نَبِيُّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَسْوَةَ قُلُوبِ قَوْمِهِ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مُصَلَّاهُ أَنْ مَرُّ قَوْمِكَ أَنْ يَأْكُلُوا الْعَدَسَ؛ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُدْمِعُ الْعَيْنَ، وَيَذْهَبُ بِالْكَبِيرِ، وَهُوَ طَعَامُ الْأَبْرَارِ. [۸۸۷]
۱۸۶۱. الإمام علي عليه السلام: أَكَلُ الْعَدَسِ؛ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُكَيِّرُ الدَّمْعَةَ. [۸۸۸]
۱۸۶۲. الإمام الصادق عليه السلام: شَكَأَ رَجُلٌ إِلَى نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ، فَقَالَ لَهُ: عَلَيْكَ بِالْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَيُسْرِعُ الدَّمْعَةَ. [۸۸۹]
- راجع: ج ۲، ص ۳۸۲ (خواص بعض انواع السويق / سويق العدس).
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۵
۱۸۵۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد عدس؛ چرا که بر زبان هفتاد پیامبر، تقدیس شده است.
۱۸۶۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: یکی از پیامبران، از سنگ دلی قوم خویش، به درگاه خداوند عز و جل شکایت برد. خداوند عز و جل، در حالی که او در نماز گه خویش بود، به او وحی فرستاد که: «به قوم خویش بفرما تا عدس بخورند؛ چرا که دل را نازک می کند، چشم را به اشک می آورد، خودبرتربینی را از میان می برد و خوراک نیکان است».
۱۸۶۱. امام علی علیه السلام: عدس، دل را نازک می کند و اشک را می افزاید.
۱۸۶۲. امام صادق علیه السلام: مردی نزد پیامبر خدا از سنگ دلی، اظهار ناراحتی کرد. به او فرمود: «بر تو باد عدس؛ چرا که دل را نازک می کند و اشک را شتاب می دهد». [۸۹۰]
- ر. ک: ج ۲، ص ۳۸۳ (خواص برخی از انواع سويق / سويق عدس).
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۶

## الفصل الأربعون: العسل

۱ / ۴۰

### الاستشفاء بالعسل

الكتاب:

«وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ \* ثُمَّ كَلَّمِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ». [۸۹۱]

الحديث:

۱۸۶۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: العسل شفاء. [۸۹۲]

۱۸۶۴. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالشِّفَاءِ مِنَ: العسل، وَالْقُرْآنِ. [۸۹۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۷

### فصل چهلم: عسل

۱ / ۴۰ درمان با عسل

(پروردگار تو، به زنبور عسل الهام کرد که: «از کوه، خانه بگیر و نیز از درخت و از آنچه بنا می‌کنند\* سپس از همه میوه‌ها بخور و راه‌های پروردگارت را فرمان‌بردارانه پیوی.» [آن گاه از درونِ [شکمِ آن، شهدی که به رنگ‌های گوناگون است، بیرون می‌آید. در آن، برای مردم، درمانی است. راستی در این [زندگی زنبوران، برای مردمی که تفکر می‌کنند، نشانه [ای از] قدرت الهی است. [۸۹۴]

## حدیث

۱۸۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عسل، درمان است.

۱۸۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد دو درمان: عسل و قرآن.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۸

۱۸۶۵. عنه صلی الله علیه و آله: ما لِلنَّفْسَاءِ عِنْدِي شِفَاءٌ مِثْلُ الرُّطْبِ، وَلَا لِلْمَرِيضِ مِثْلُ الْعَسَلِ. [۸۹۵]

۱۸۶۶. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الْبِرَّكَهَ فِي الْعَسَلِ، وَفِيهِ شِفَاءٌ مِنَ الْأَوْجَاعِ، وَقَدْ بَارَكَ عَلَيْهِ سَبْعُونَ نَبِيًّا. [۸۹۶]

۱۸۶۷. الإمام علي عليه السلام: الْعَسَلُ فِيهِ شِفَاءٌ. [۸۹۷]

۱۸۶۸. عنه عليه السلام: مَا اسْتَشْفَى الْمَرِيضُ بِمِثْلِ شُرْبِ الْعَسَلِ. [۸۹۸]

۱۸۶۹. عنه عليه السلام: الْعَسَلُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَلَا دَاءَ فِيهِ؛ يُقَلُّ الْبَلْغَمَ وَيَجْلُو الْقَلْبَ. [۸۹۹]

۱۸۷۰. عنه عليه السلام: لَعَقُ الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ

لِلنَّاسِ» [۹۰۰] وَهُوَ مَعَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَمَضْغِ اللَّبَانِ يُذِيبُ الْبَلْغَمَ. [۹۰۱]

۱۸۷۱. الإمام الصادق عليه السلام: مَا اسْتَشْفَى النَّاسُ بِمِثْلِ الْعَسَلِ. [۹۰۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۳۹۹

۱۸۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نزد من، برای زن تازه‌زا، درمانی همانند خرما و برای بیمار، درمانی همانند عسل، وجود ندارد.

۱۸۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل برکت را در عسل قرار داده است. درمان دردها، در آن است و هفتاد

پیامبر، دوام سودمندی آن را از خداوند خواسته‌اند.

۱۸۶۷. امام علی علیه السلام: در عسل، درمان است.

۱۸۶۸. امام علی علیه السلام: بیمار، به چیزی همانند خوردن عسل، درمان نجسته است. [۹۰۳]

۱۸۶۹. امام علی علیه السلام: عسل، شفای هر بیماری است و بیماری‌ای هم در آن نیست؛ بلغم را کم می‌کند و دل را جلا می‌دهد.

۱۸۷۰. امام علی علیه السلام: لیسیدن عسل، شفای هر درد است. خداوند عز و جل فرموده است: (از درونِ [شکمِ آن (زنبور)،

شهدی که به رنگ‌های گوناگون است، بیرون می‌آید. در آن، برای مردم، درمانی است). آن، همراه با قرائت قرآن و جویدن

کُنْدَر، بلغم را از بین می‌برد. [۹۰۴]

۱۸۷۱. امام صادق علیه السلام: مردم به چیزی همانند عسل، درمان نجسته‌اند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۰

۱۸۷۲. الإمام الكاظم عليه السلام: الْعَسَلُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِذَا أَخَذَتْهُ مِنْ شَهْدِهِ. [۹۰۵]



## خَوَاصُّ الْعَسَلِ

۱۸۷۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: ما طَلِبَ الدَّوَاءَ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ شَرْبِهِ عَسَلٍ. [۹۰۶]
۱۸۷۴. عنه صلى الله عليه وآله: نِعَمَ الشَّرَابِ الْعَسَلُ؛ يَرَعَى الْقَلْبَ، وَيُذْهِبُ بَرْدَ الصَّدْرِ. [۹۰۷]
۱۸۷۵. عنه صلى الله عليه وآله: الْعَسَلُ شِفَاءٌ؛ يَطْرُدُ الرِّيحَ وَالْحُمَّى. [۹۰۸]
۱۸۷۶. عنه صلى الله عليه وآله: إِنْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ شِفَاءً، فَفِي شَرْطِهِ حَجَّامٌ أَوْ [فِي شَرْبِهِ عَسَلٍ]. [۹۰۹]
۱۸۷۷. عنه صلى الله عليه وآله: مَا تَدَاوَتِ الْعَرَبُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ مَصَّهِ حَجَّامٍ، أَوْ شَرْبِهِ عَسَلٍ. [۹۱۰]
۱۸۷۸. عنه صلى الله عليه وآله: إِنْ كَانَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَدْوِيَتِكُمْ خَيْرٌ فَفِي شَرْبِهِ عَسَلٍ، أَوْ شَرْطُهُ مِحْجَمٌ، أَوْ لَدَعُهُ مِنْ نَارٍ، وَ مَا أَحْبُّ أَنْ أَكْتُوِي. [۹۱۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۱

۱۸۷۲. امام کاظم علیه السلام: عسل، درمان هر درد است، اگر که آن را از شهدش جدا کنی.

## ۲/۴۰ خَوَاصُّ عَسَلِ

۱۸۷۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: به چیزی برتر از یک شربت عسل، درمان جسته نشده است.
۱۸۷۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عسل، چه خوب نوشیدنی ای است! قلب را مراقبت می کند و سردی سینه را از میان می برد. [۹۱۲]
۱۸۷۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عسل، شفای است که باد و تب را دور می کند.
۱۸۷۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اگر در چیزی درمانی باشد، در بیشتر حجامتگر و [در] نوشیدنی ای از عسل است.
۱۸۷۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: تازیان، به چیزی بهتر از مکش حجامتگر یا نوشیدنی ای از عسل، درمان نکرده اند.
۱۸۷۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اگر در چیزی از این داروهایتان خیری باشد، در نوشیدنی ای از عسل، یا بیشتر حجامتگر و یا گزشی از آتش است و البته من، داغ کردن را دوست ندارم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۲

۱۸۷۹. عنه صلى الله عليه وآله: الشِّفَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: شَرْبُهُ عَسَلٍ، وَ شَرْطُهُ مِحْجَمٌ، وَ كَيْفَهُ نَارٌ، وَ أَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الْكَيْ. [۹۱۳]
۱۸۸۰. المعجم الأوسط عن السائب بن يزيد: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَمَرَ بِالْحِجَامَةِ، وَ قَالَ: مَا نَزَعَ النَّاسُ نَزْعَهُ خَيْرًا [۹۱۴] مِنْهُ أَوْ شَرْبَهُ مِنْ عَسَلٍ. [۹۱۵]
۱۸۸۱. تاریخ دمشق عن عامر بن مالك: بَعَثْتُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مِنْ وَعَكٍ بِي أَلْتَمِسُ مِنْهُ دَوَاءً وَ شِفَاءً، فَبَعَثَ إِلَيَّ بِعُكَّةٍ مِنْ عَسَلٍ. [۹۱۶]

۱۸۸۲. تاریخ دمشق عن عبد الله بن بريده: حَدَّثَنِي عَمُّ عَامِرِ بْنِ الطَّفِيلِ العامريُّ أَنَّ عَامِرَ بْنَ الطَّفِيلِ أَهْدَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَرَسًا، وَ كَتَبَ إِلَيْهِ عَامِرٌ: إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَتْ بِي دُبَيْلَةٌ، فَابْعَثْ إِلَيَّ دَوَاءً مِنْ عِنْدِكَ. قَالَ: فَوَدَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله الْفَرَسَ لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَسْلَمَ، وَ أَهْدَى إِلَيْهِ عُكَّةً مِنْ عَسَلٍ، وَ قَالَ: تَدَاوِ بِهَا. [۹۱۷]
۱۸۸۳. الإمام الباقر عليه السلام: طُبُّ الْعَرَبِ فِي سَبْعَةٍ: شَرْطُهُ الْحِجَامَةُ، وَ الْحَقْنَةُ، وَ الْحَمَامُ، وَ السُّعُوطُ، وَ الْقَيْءُ، وَ شَرْبُهُ عَسَلٍ وَ آخِرُ الدَّوَاءِ الْكَيْ، وَ رُبَّمَا يُزَادُ فِيهِ النَّوْرَةُ. [۹۱۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۳

۱۸۷۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درمان، در سه چیز است: نوشیدنی ای از عسل، بیشتر حجامتگر، و گزشتی از آتش. اما من، امت خویش را از داغ کردن، باز می دارم.

۱۸۸۰. المعجم الأوسط به نقل از سائب بن یزید: پیامبر خدا به حجامت، امر کرد و فرمود: «مردم به هیچ چیزی بهتر از این یا نوشیدن عسل نگراییده اند».

۱۸۸۱. تاریخ دمشق به نقل از عامر بن مالک: به سبب تبی که داشتم، کسی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستادم و از ایشان دارو و درمانی جستم. ایشان برایم ظرفی عسل فرستاد.

۱۸۸۲. تاریخ دمشق به نقل از عبد الله بن بریده: عموی عامر بن طفیل برایم نقل کرد که عامر بن طفیل، به پیامبر خدا اسبی هدیه داد. عامر، همچنین برای ایشان نوشت: «در من دُبیله ای [۹۱۹] پدید آمده است. از جانب خویش، برایم دارویی بفرست».

پیامبر صلی الله علیه و آله، از آن روی که عامر، هنوز اسلام نیاورده بود، اسب را برگرداند. همچنین خیکی از عسل به وی اهدا کرد و فرمود: «با این، درمان کن».

۱۸۸۳. امام باقر علیه السلام: طبّ عرب، در هفت چیز است: بیشتر حجامتگر، شیاف، حَمَام، انفیة، قی کردن، نوشیدن قدری عسل، و آخرین درمان هم داغ

کردن است و شاید نوره را هم بدان بیفزایند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۴

۱۸۸۴. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ تَغَيَّرَ عَلَيْهِ مَاءُ الظَّهْرِ، فَإِنَّهُ يَنْفَعُ لَهُ اللَّبَنُ الحَلِيبُ، وَ العَسَلُ. [۹۲۰]

۱۸۸۵. الكافي عن حمزة بن الطيار عن الإمام الكاظم عليه السلام: ما تداوى النَّاسُ بِشَيْءٍ خَيْرٍ مِنْ مَصَّةِ دَمٍ، أَوْ مُزْعَةِ عَسَلٍ.

قَالَ: قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! مَا المَزْعَةُ عَسَلٍ؟

قَالَ: لَعَقَةُ عَسَلٍ. [۹۲۱]

۱۸۸۶. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: قَالَ العَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي العَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. مَنْ لَعَقَ لَعَقَةً عَسَلٍ عَلَى الرِّيقِ يَقَطُّعَ البَلْغَمَ، وَ يَحْسِبُ الصُّفْرَةَ، وَ يَمْنَعُ المِرَّةَ السُّودَاءَ، وَ يُصَفِّي الذُّهْنَ، وَ يُجَوِّدُ الحِفْظَ إِذَا كَانَ مَعَ اللَّبَانِ الذَّكْرِ. [۹۲۲]

۱۸۸۷. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ دَفْعَ الزُّكَامِ فِي الشِّتَاءِ أَجْمَعَ، فَلْيَأْكُلْ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثَ لُقْمٍ شَهْدٍ. [۹۲۳]

۱۸۸۸. الإمام الهادي عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَنِ الحُمَّى العَبِّ الغَالِيَةِ: يُؤْخَذُ العَسَلُ وَ الشُّونِيزُ، وَ يُلَعَقُ مِنْهُ ثَلَاثُ لَعَقَاتٍ؛ فَإِنَّهَا تَنْقَلِعُ، وَ هُمَا

المُبَارَكَانِ، قَالَ اللهُ تَعَالَى فِي العَسَلِ: «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ». [۹۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۵

۱۸۸۴. امام کاظم علیه السلام: هر کس آب کمرش بر وی دیگرگون شود، شیر تازه همراه با عسل برایش سودمند است.

۱۸۸۵. الكافي به نقل از حمزة بن طيار، از امام کاظم علیه السلام: «مردم به هیچ چیزی بهتر از مکش خون یا مزعه عسل، درمان نکرده اند».

گفتم: فدایت شوم! مزعه عسل چیست؟

فرمود: «یک انگشت لیسیدن از آن».

۱۸۸۶. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: امام رضا عليه السلام فرمود: «در عسل، درمان هر دردی است. هر کس ناشتا یک

انگشت از آن را بلیسد، این عسل، بلغم [وی را پایان می دهد، صفرا را فرو می نشاند، تلخه سیاه (زرداب) را مانع می شود، ذهن را صفا می بخشد و اگر که همراه با کُنْدُر خورده شود، حافظه را نکو می سازد».

۱۸۸۷. امام رضا علیه السلام: هر که می‌خواهد در همه زمستان از سرما خوردگی دور بماند، هر روز، سه لقمه شهد بخورد.  
 ۱۸۸۸. امام هادی علیه السلام هنگامی که درباره تب پیوسته یک روز در میان از ایشان پرسیدند: قدری عسل و شونیز (سیاه‌دانه)، برداشته و سه لیسه انگشت از آن خورده شود. در این صورت، تب، ریشه‌کن خواهد شد، و این هر دو، مبارک هستند. خداوند متعال، درباره عسل فرموده است: (از درون شکم آن زنبور)، شهدی که به رنگ‌های گوناگون است، بیرون می‌آید. در آن، برای مردم، درمانی است).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۶

۱۸۸۹. عنه علیه السلام: خَيْرُ الْأَشْيَاءِ لِحَمَى الرَّبِيعِ أَنْ يُؤْكَلَ فِي يَوْمِهَا الْفَالْوَدَجُ الْمَعْمُولُ بِالْعَسَلِ وَ يُكْتَرُ زَعْفَرَانُهُ، وَلَا يُؤْكَلُ فِي يَوْمِهَا غَيْرُهُ. [۹۲۵]

راجع: ج ۱: ص ۹۶ ۹۴، ح ۸۸ ۸۶. ج ۱، ص ۲۵۲ (ما یورث الحفظ / العسل). و ص ۲۵۶ (ما ینفع لدفع النسیان). ج ۱، ص ۴۳۰ (ما ینفع لِعلاجِ بعض أوجاع البطن / العسل و الشونیز). ج ۱، ص ۴۴۸ (ما ینفع لِعلاجِ ریح البطن / الحَبَّةُ السَّوْدَاءُ). ج ۱: ص ۵۶۸ (ما ینفع لوجع الخاصرة).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۷

۱۸۸۹. امام هادی علیه السلام: بهترین چیز برای تب ربيع [۹۲۶] آن است که در روز غلبه تب، فالوده‌ای که با عسل ساخته شده و زعفران فراوانی دارد، خورده شود و در آن روز، چیزی دیگر خورده نشود.

ر. ک: ج ۱، ص ۹۷ ۹۵، ح ۸۸ ۸۶. ج ۱، ص ۲۵۳ (آنچه حافظه را تقویت می‌کند / عسل). ج ۱، ص ۲۵۷ (آنچه برای پیشگیری از فراموشی، سودمند است). ج ۱، ص ۴۳۱ (آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است / عسل و شونیز). ج ۱، ص ۴۴۹ (آنچه برای درمان بادهای شکم، سودمند است / سیاه‌دانه). ج ۱، ص ۵۶۹ (آنچه برای درد پهلو، سودمند است).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۸

## الفصل الحادی و الأربعون: العنب

۱ / ۴۱

دَوْرُ الْعِنَبِ فِي ذَهَابِ الْهَمِّ

۱۸۹۰. الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا حَسَرَ الْمَاءُ عَنْ عِظَامِ الْمَوْتَى، فَرَأَى ذَلِكَ نُوحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ جَزَعًا شَدِيدًا وَ اغْتَمَّ لِذَلِكَ.

فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: هَذَا عَمَلُكَ بِنَفْسِكَ، أَنْتَ دَعَوْتَ عَلَيْهِمْ!

فَقَالَ: يَا رَبِّ، إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ.

فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ كُلِّ الْعِنَبِ الْأَسْوَدَ لِيُذْهِبَ غَمَّكَ. [۹۲۷]

۱۸۹۱. عنه عليه السلام: شَكَأ نَبِيُّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الْغَمَّ، فَأَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَكْلِ الْعِنَبِ. [۹۲۸]

۱۸۹۲. عنه عليه السلام: إِنَّ نُوحًا شَكَأ إِلَى اللَّهِ الْغَمَّ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ:

كُلِّ الْعِنَبِ الْأَسْوَدَ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْغَمِّ. [۹۲۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۰۹

۱۸۹۰. امام صادق علیه السلام: هنگامی که آب فرو نشست و استخوان‌های مردگان، پدیدار شد، نوح، این را بدید و بدین سبب، بسیار آشفته و اندوهگین شد.

سپس خداوند عز و جل به او وحی کرد: «این، کاری است که خود با خویش کرده‌ای! تو خود، آنان را نفرین کردی!». گفت: پروردگارا! من از تو آمرزش می‌طلبم و به درگاه تو، توبه می‌کنم.

سپس خداوند عز و جل به او وحی فرستاد: «انگور سیاه بخور تا اندوهت از میان برود» [۹۳۰].

۱۸۹۱. امام صادق علیه السلام: پیامبری از پیامبران، به درگاه خداوند عز و جل از اندوه، شکایت برد. خداوند عز و جل او را به خوردن انگور، امر فرمود.

۱۸۹۲. امام صادق علیه السلام: نوح، از اندوه، به درگاه خداوند، شکایت برد. خداوند به او

چنین وحی فرستاد: «انگور سیاه بخور؛ چرا که اندوه را می‌برد». [۹۳۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۰

۲ / ۴۱

أَدَبُ أَكْلِ الْعِنَبِ

۱۸۹۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: كُتِلُوا الْعِنَبَ حَبَّةً حَبَّةً؛ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ. [۹۳۲]

۱۸۹۴. مکارم الأخلاق: كَانَ [النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] رُبَّمَا أَكَلَ الْعِنَبَ حَبَّةً حَبَّةً، وَكَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رُبَّمَا أَكَلَهُ خَرَطًا حَتَّى تُرَى رُؤَالٌ [۹۳۳] عَلَى لِحْيَتِهِ كَتَحَدُّرِ اللَّؤْلُؤِ.

وَالرُّؤَالُ: الْمَاءُ الَّذِي يَخْرُجُ مِنْ تَحْتِ الْقَشْرِ. [۹۳۴]

۱۸۹۵. الکافی عن عیسی بن عبد الرحمن عن أبیه: دَخَلَ ابْنُ عُكَّاشَةَ بْنِ مُحْصَنِ الْأَسَدِيِّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَائِمًا عِنْدَهُ، فَقَدَّمَ إِلَيْهِ عِنَبًا، فَقَالَ:

حَبَّةً حَبَّةً يَأْكُلُهُ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَالصَّبِيُّ الصَّغِيرُ، وَثَلَاثَةٌ وَارْبَعَةٌ يَأْكُلُهُ مَنْ يَظُنُّ أَنَّهُ لَا يَشْبَعُ، وَكُلُّ حَبَّتَيْنِ حَبَّتَيْنِ؛ فَإِنَّهُ يُسْتَحَبُّ. [۹۳۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۱

## ۴۱ / ۲ آداب خوردن انگور

۱۸۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انگور، را دانه دانه بخورید؛ چرا که گواراتر و خوش تر است. [۹۳۶]

۱۸۹۴. مکارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله، گاه، انگور را دانه دانه می‌خورد و گاه خوشه را به دهان می‌برد و دانه‌ها را در دهان فرو می‌ریخت تا جایی که قطره‌های آب، به سان دانه‌ای مروارید، بر ریش ایشان می‌غلتید.

۱۸۹۵. الکافی به نقل از عیسی بن عبد الرحمن، از پدرش: ابن عکاشه بن مُحْصَنِ اسَدِي، بر امام باقر علیه السلام وارد شد، در حالی که امام صادق علیه السلام نیز در حضور ایشان ایستاده بود.

امام باقر علیه السلام، انگوری پیش او نهاد و فرمود: «انگور را پیر کهن سال و کودک خردسال، دانه دانه می‌خورند و کسانی که گمان می‌کنند سیر نخواهند شد، سه دانه سه دانه و چهار دانه چهار دانه می‌خورند؛ اما تو، دو دانه دو دانه بخور، که همین مستحب است».

است».

به نظر می‌رسد که اختلاف احادیث در چگونگی خوردن انگور، ناظر به اختلاف در اندازه دانه‌های آن است. بنا بر این، معیار کلی در خوردن انگور، رعایت مقداری است که مانع گوارایی و هضم آن نگردد، چنان که حدیث نبوی شریف، بر این حکمت، تأکید ورزیده است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۲

#### الفصل الثانی و الأربعون: العناب

۱۸۹۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: العناب يذهب بالحُمى. [۹۳۷]

۱۸۹۷. مكارم الأخلاق عن أبي الحُصَيْن: كانت عيني قد ابيضت و لم أكن ابصرُ شيئاً، فرأيتُ أمير المؤمنين عليه السلام في المنام فقلتُ: يا سيدي، عيني قد آلت إلى ما ترى. فقال:

خُذِ العنابَ فدَقَّهُ وَاكْتَحِلْ بِهِ.

فَأَخَذْتُهُ و دَقَقْتُهُ بِنَوَاهُ و كَحَلْتُهَا بِهِ، فَنَجَلتْ عَن عَيْنِي الظلمةُ، و نَظَرْتُ أَنَا إِلَيْهَا فَإِذَا هِيَ صَاحِحَةٌ. [۹۳۸]

۱۸۹۸. الإمام الصادق عليه السلام: فضلُ العنابِ على الفاكهة، كفضلنا على سائر الناس. [۹۳۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۳

#### فصل چهل و دوم: عَنَاب

۱۸۹۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: عَنَاب [۹۴۰]، تب را می‌برد.

۱۸۹۷. مكارم الأخلاق به نقل از ابو الحُصَيْن: چشمانم سفید شده بود و چیزی نمی‌دیدم. امیر مؤمنان را در خواب دیدم و گفتم: سرورم! چشمانم به وضعی که می‌بینی، درآمده است.

فرمود: «عَنَاب را نرم کن و با آن، سرمه بکش».

من، عَنَاب را همراه با هسته‌اش نرم کردم و با آن، سرمه کشیدم و در پی آن، تاریکی از چشمانم رخت بر بست و دیدم که چشمانم سالم است.

۱۸۹۸. امام صادق علیه السلام: برتری عَنَاب بر دیگر میوه‌ها، به سان برتری ما بر دیگر مردمان است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۴

#### الفصل الثالث و الأربعون: الغبيراء

۱۸۹۹. الإمام الحسين عليه السلام: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ مَحْمُومٌ، فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ

الغَبِيرَاءِ. [۹۴۱]

۱۹۰۰. الإمام الصادق عليه السلام: الغَبِيرَاءُ لِحُمِّهِ يُنَبِّتُ اللَّحْمَ، وَ عَظْمُهُ يُنَبِّتُ العَظْمَ، وَ جِلْدُهُ يُنَبِّتُ الجِلْدَ، وَ مَعَ ذَلِكَ؛ فَإِنَّهُ يُسَيِّخُنُ

الْكَلْبَيْنِ، وَ يَدْبُغُ الْمَعْدَةَ، وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْبُؤَاسِ وَ التَّقْتِيرِ [٩٤٢]، وَ يُقْوِي السَّاقَيْنِ، وَ يَقْمَعُ عِرْقَ الْجُدَامِ. [٩٤٣]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ٤١٥

### فصل چهل و سوم: سنجد

١٨٩٩. امام حسین علیه السلام: پیامبر خدا بر علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد، در حالی که وی تب داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله او را به خوردن سنجد، سفارش کرد.

١٩٠٠. امام صادق علیه السلام: سنجد، گوشتش گوشت می‌رویاند، استخوانش استخوان را رشد می‌دهد و پوستش پوست را می‌پرورد. علاوه بر این، سنجد، کلیه‌ها را گرم می‌کند، معده را پاک می‌سازد، مایه ایمنی از بواسیر و تقطیر البول [٩٤٤] است، ساق پا را قوی می‌کند و رگ جدام را به کلی قطع می‌نماید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ٤١٦

### الفصل الرابع والأربعون: الفجل

١٩٠١. الإمام الصادق علیه السلام: الفجل أصله يقطع البلغم، وئبه يهضم، وورقه يحدُر البول حدرا. [٩٤٥]

١٩٠٢. الكافي عن حنان: سمعت أبا عبد الله عليه السلام و كنت معه على المائدة فناولني فجله، و قال:

يا حنان، كل الفجل؛ فإن فيه ثلاث خصال: ورقه يطرد الرياح، وئبه يسربل البول، و أصله يقطع البلغم. [٩٤٦]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ٤١٧

### فصل چهل و چهارم: توب

١٩٠١. امام صادق علیه السلام: توب، بیخس، بلغم را از میان می‌برد، قسمت میانی اش هضم کننده است، و برگش ادرار آور است.

١٩٠٢. الكافي به نقل از حنان: در حالی که با امام صادق علیه السلام بر سر سفره‌ای نشسته بودم، او توبی به دست من داد و گفت: «ای حنان! توب بخور؛ چرا که در آن، سه ویژگی است: برگش باده‌ها را دور می‌کند، قسمت میانی اش پیشاب را به جریان می‌اندازد [٩٤٧] و بیخس، بلغم را از میان می‌برد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ٢، ص: ٤١٨

### الفصل الخامس والأربعون: الفرفخ

١٩٠٣. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْفَرْخِ؛ فَهِيَ الْمَكِيسَةُ، فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ فَهِيَ. [٩٤٨]

١٩٠٤. الإمام الصادق علیه السلام: وَطَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الرَّمْضَاءَ [٩٤٩] فَأَحْرَقْتَهُ، فَوَطَى عَلَى الرَّجَلِ؛ وَ هِيَ الْبَقْلَةُ

الْحَمْقَاءُ، فَسَكَنَ عَنْهُ حَرُّ الرَّمْضَاءِ، فَدَعَا لَهَا وَ كَانَ يُجْبُّهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ يَقُولُ: مِنْ بَقْلَةٍ مَا أَبْرَكَهَا. [٩٥٠]

١٩٠٥. الدعوات: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَجَدَ حَرَارَةً، فَعَضَّ عَلَى رِجْلِهِ فَوَجَدَ لِذَلِكَ رَاحَةً.

فَقَالَ: اللَّهُمَّ بَارِكْ فِيهَا! إِنَّ فِيهَا شِفَاءً مِنْ تَسَعَةٍ وَ تِسْعِينَ دَاءً، اثْبَتِي حَيْثُ شِئْتِ. [۹۵۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۱۹

### فصل چهل و پنجم: خُرفه

۱۹۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد خُرفه؛ [۹۵۲] چرا که زیرکی می‌دهد و اگر تنها یک چیز باشد که عقل را افزون می‌کند، همان است.

۱۹۰۴. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا بر زمین سوخته‌ای پا نهاد و آن زمین، پایش را سوزاند. پس، پای خویش را بر خُرفه نهاد و در نتیجه، سوزش حاصل از زمین سوخته، فرو نشست. از آن پس، پیامبر صلی الله علیه و آله خُرفه را دوست داشت، برای آن دعا می‌کرد و می‌گفت: «چه گیاه پُربرکتی است!». [۹۵۳]

۱۹۰۵. الدعوات: پیامبر صلی الله علیه و آله حرارتی یافت. بر خُرفه‌ای دندان فشرد و از آن احساس راحتی کرد. سپس گفت: «خداوندا! در آن برکت ینه. در آن، شفای نود و نه درد است. [ای خُرفه!] در هر جا می‌خواهی، بروی».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۰

۱۹۰۶. الإمام الصادق علیه السلام: لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ بَقْلَةٌ أَشْرَفُ وَلَا أَنْفَعُ مِنَ الْفَرْخِ؛ وَ هُوَ بَقْلَةٌ فَاطِمَةٌ عَلَيْهَا السَّلَامُ. [۹۵۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۱

۱۹۰۶. امام صادق علیه السلام: در روی زمین، گیاهی والاتر و سودمندتر از خُرفه نیست، و آن، سبزی فاطمه علیها السلام است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۲

### الفصل السادس و الأربعون: القِثَاء

۱ / ۴۶

#### خَوَاصُّ الْقِثَاءِ

۱۹۰۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْقِثَاءِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ فِيهِ الشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. [۹۵۵]

۲ / ۴۶

#### آدَابُ أَكْلِ الْقِثَاءِ

۱۹۰۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا أَكَلْتُمُ الْقِثَاءَ فَكُلُوهُ مِنْ أَسْفَلِهِ. [۹۵۶]

۱۹۰۹. الإمام الصادق علیه السلام: إِذَا أَكَلْتُمُ الْقِثَاءَ فَكُلُوهُ مِنْ أَسْفَلِهِ؛ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ لِبَرَكَتِهِ. [۹۵۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۳

### فصل چهل و ششم: خیار

#### ۱ / ۴۶ خَوَاصُّ خِيَارٍ

۱۹۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد خیار؛ چرا که خداوند متعال، درمان هر دردی را در آن نهاده است.

۱۹۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به گاه خوردن خیار، آن را از ته بخورید.
۱۹۰۹. امام صادق علیه السلام: چون خیار می‌خورید، آن را از ته بخورید؛ چرا که برکتش افزون‌تر است. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۴
۱۹۱۰. عنه علیه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ الْقِثَاءَ بِالْمِلْحِ. [۹۵۸]
۱۹۱۱. صحيح البخاری عن عبد الله بن جعفر: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ الرُّطَبَ بِالْقِثَاءِ. [۹۵۹]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۵
۱۹۱۰. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، خیار را با نمک می‌خورد.
۱۹۱۱. صحيح البخاری به نقل از عبد الله بن جعفر: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که خرما را با خیار می‌خورد.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۶

#### الفصل السابع والأربعون: القرع

۱۹۱۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْقُرْعِ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ. [۹۶۰]
۱۹۱۳. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْقُرْعِ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَيُكَبِّرُ الدِّمَاغَ. [۹۶۱]
۱۹۱۴. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالذُّبَابِ؛ فَإِنَّهُ يَزْكِي الْعَقْلَ، وَيَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ. [۹۶۲]
۱۹۱۵. عنه صلی الله علیه و آله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلِّ الْيَقُطِينَ؛ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْلِهَا حَسَنٌ خُلُقُهُ، وَنَصْرَ وَجْهِهِ، وَهِيَ طَعَامُ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي. [۹۶۳]
۱۹۱۶. الإمام الكاظم عليه السلام: كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ، عَلَيْكَ بِالذُّبَابِ فَكُلْهُ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ وَالْعَقْلِ. [۹۶۴]
۱۹۱۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: كُلُوا الْيَقُطِينَ فَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّ شَجَرَةَ أَحْفَ مِنْ هَذِهِ لَأَنْبَتَهَا عَلَيَّ أَخِي يُونُسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
- إِذَا اتَّخَذَ أَحَدُكُمْ مَرَقًا فَلْيَكْثِرْ فِيهِ مِنَ الذُّبَابِ، فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ وَفِي الْعَقْلِ. [۹۶۵]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۷

#### فصل جهل و هفتم: کدو

۱۹۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کدو؛ چرا که مغز را افزون می‌سازد.
۱۹۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کدو؛ چرا که عقل را افزون می‌سازد و مغز را بزرگ می‌کند.
۱۹۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کدو؛ چرا که عقل را می‌بالاید و مغز را می‌افزاید.
۱۹۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام: کدو بخور؛ زیرا هر کس آن را بخورد، خویش نیکو و رویش شاداب می‌شود. آن، خوراک من و پیامبران پیش از من است.



۱۹۱۶. امام کاظم علیه السلام: از جمله سفارش‌هایی که پیامبر خدا به علی علیه السلام کرد، این بود که به وی فرمود: «ای علی! بر تو باد کدو. آن را بخور؛ چرا که مغز و عقل را افزون می‌سازد».

۱۹۱۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کدو بخورید، که اگر خداوند می‌دانست درختی سبک‌تر از این وجود دارد، آن را برای برادرم یونس می‌رویاند.

هرگاه کسی از شما خورشی می‌سازد، در آن کدوی بسیار بریزد؛ چرا که آن مغز و عقل را می‌افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۸

۱۹۱۸. کنز العمال عن أنس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُكْتَبُ مِنَ أَكْلِ الدُّبَاءِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ لَتُحِبُّ الدُّبَاءَ! فَقَالَ: الدُّبَاءُ يُكْتَبُ الدَّمَاعَ، وَيَزِيدُ فِي الْعَقْلِ. [۹۶۶]

۱۹۱۹. الكافي عن السياري رفعه: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعْجِبُهُ الدُّبَاءُ، وَكَانَ يَأْمُرُ نِسَاءَهُ إِذَا طَبَخْنَ قَدْرًا يُكْتَبُ مِنَ الدُّبَاءِ، وَهُوَ الْقَرَعُ. [۹۶۷]

۱۹۲۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا طَبَخْتُمْ فَأَكْتَبُوا الْقَرَعُ؛ فَإِنَّهُ يَسْرُّ [۹۶۸] قَلْبَ الْحَزِينِ. [۹۶۹] [۹۷۰]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۴۲۸

۱۹۲۱. الإمام علي عليه السلام: كُلُوا الدُّبَاءَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدَّمَاعِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعْجِبُهُ الدُّبَاءُ. [۹۷۱]

۱۹۲۲. طب الأئمة عن ذريح: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَدِيثُ الْمَرْوِيُّ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الدُّبَاءِ أَنَّهُ قَالَ: كُلُوا الدُّبَاءَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدَّمَاعِ.

فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ، وَأَنَا أَقُولُ: إِنَّهُ جَيِّدٌ لَوَجَعِ الْقَوْلَجِ. [۹۷۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۲۹

۱۹۱۸. کنز العمال به نقل از انس: پیامبر خدا، فراوان کدو می‌خورد.

گفتم: ای پیامبر خدا! گویا خیلی کدو دوست داری!؟

فرمود: «کدو، مغز را زیاد می‌کند و بر عقل می‌افزاید».

۱۹۱۹. الكافي به نقل از سیاری، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: پیامبر صلی الله علیه و آله به کدو علاقه داشت و به زنان خود می‌فرمود: «اگر در دیگ، چیزی طبخ می‌کنید، در آن، کدو بسیار بریزید».

۱۹۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر خواستید چیزی بپزید، از کدو زیاد بهره بجوید؛ چرا که دل اندوهگین را شاد می‌کند.

۱۹۲۱. امام علی علیه السلام: کدو بخورید؛ چرا که مغز را افزون می‌کند. پیامبر خدا به کدو علاقه داشت.

۱۹۲۲. طب الأئمة عليهم السلام به نقل از ذريح: به امام صادق علیه السلام گفتم: از امیر مؤمنان علیه السلام حدیثی درباره کدو روایت شده که فرموده است: «کدو بخورید؛ چرا که مغز را افزون می‌سازد».

امام صادق علیه السلام فرمود: «آری. من نیز می‌گویم که برای درد قولنج، خوب است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۰

الفصل الثامن و الأربعون: الكباب

۱۹۲۳. الكافي عن موسى بن بكر: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْنِي الْأَوَّلَ: مَا لِي أَرَاكَ مُصَفَّرًا؟

فَقُلْتُ لَهُ: وَعَكَ أَصَابِنِي.

فَقَالَ لِي: كُلِّ اللَّحْمِ، فَأَكَلْتُهُ، ثُمَّ رَأَى بَعْدَ جُمُعَةٍ وَأَنَا عَلَى حَالِي مُصَفَّرًا، فَقَالَ لِي:

أَلَمْ أَمُرَكَ بِأَكْلِ اللَّحْمِ؟

قُلْتُ: مَا أَكَلْتُ غَيْرَهُ مُنْذُ أَمَرْتَنِي.

فَقَالَ: وَكَيْفَ تَأْكُلُهُ؟

قُلْتُ: طَيِّخًا.

فَقَالَ: لَا، كُلَّهُ كَبَابًا، فَأَكَلْتُهُ، ثُمَّ أُرْسِلَ إِلَيَّ فَدَعَانِي بَعْدَ جُمُعَةٍ وَإِذَا الدَّمُ قَدَ عَادَ فِي وَجْهِ، فَقَالَ لِي: الْآنَ نَعَمْ. [۹۷۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۱

### فصل چهل و هشتم: کباب

۱۹۲۳. الکافی به نقل از موسی بن بکر: امام کاظم علیه السلام به من فرمود: «چرا تو را زردروی می بینم؟».

گفتم: تب، رنجورم کرده است.

به من فرمود: «گوشت بخور».

گوشت خوردم. پس از جمعه‌ای، امام علیه السلام دیگر بار مرا دید، در حالی که همچنان بر همان وضع پیشین (زردچهره) بودم. به

من فرمود: «مگر تو را به خوردن گوشت، فرمان نداده بودم؟».

گفتم: از همان روز که فرموده‌ای، جز آن نخورده‌ام.

پرسید: «آن را چگونه می خوری؟».

گفتم: پخته [در آب].

فرمود: «نه؛ آن را کباب شده بخور».

پس از جمعه‌ای، دیگر بار در پی من فرستاد. این بار دید که خون، دوباره به چهره‌ام باز گشته است. به من فرمود: «اکنون، خوب

است». [۹۷۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۲

۱۹۲۴. الکافی عن موسی بن بکر: اشْتَكَيْتُ بِالْمَدِينَةِ شَكَاةً ضَعُفْتُ مَعَهَا، فَأَتَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لِي:

أَرَاكَ ضَعِيفًا.

قُلْتُ: نَعَمْ.

فَقَالَ لِي: كُلِّ الْكَبَابِ، فَأَكَلْتُهُ فَبَرَأْتُ. [۹۷۵]

۱۹۲۵. الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: أَكَلْتُ الْكَبَابَ يَذْهَبُ بِالْحُمَى. [۹۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۳

۱۹۲۴. الکافی به نقل از موسی بن بکر: در مدینه به عارضه‌ای گرفتار آمدم و در نتیجه آن، ضعیف شدم. نزد امام کاظم علیه السلام

رفتم.

به من فرمود: «تو را ضعیف می بینم!».

گفتم: آری.

فرمود: «کباب بخور».

من هم کباب خوردم و بهبود یافتم.

۱۹۲۵. امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام: خوردن کباب، تب را می‌برد. [۹۷۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۴

## الفصل التاسع والأربعون: الكُرَاتِ

۱ / ۴۹

### خَوَاصُّ الكُرَاتِ

۱۹۲۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: الكُرَاتُ فِي البُقُولِ بِمَنْزِلَةِ الخُبْزِ فِي الطَّعَامِ. [۹۷۸]

۱۹۲۷. الكافي عن حماد بن زكريا عن الإمام الصادق عليه السلام: ذُكِرَتِ البُقُولُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: كُلُوا

الكُرَاتِ؛ فَإِنَّ مَثَلَهُ فِي البُقُولِ كَمَثَلِ الخُبْزِ فِي سَائِرِ الطَّعَامِ أَوْ قَالَ: الإِدَامِ. [۹۷۹]

۱۹۲۸. الكافي عن فرات بن أحمد: سئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الكُرَاتِ، فَقَالَ: كُلُّهُ؛ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعَ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النِّكْهَةَ، وَ يَطْرُدُ

الرِّيَاحَ، وَ يَقَطِّعُ البِوَاسِيرَ، وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الجُدَامِ لِمَنْ أَدْمَنَ عَلَيْهِ. [۹۸۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۵

## فصل چهل و نهم: تره

### اشاره

۱ / ۴۹

### خَوَاصُّ تره

۱۹۲۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: تره [۹۸۱] در میان سبزی‌ها، همانند نان در میان خوراکی‌هاست.

۱۹۲۷. الكافي به نقل از حماد بن زكريا، از امام صادق عليه السلام: در محضر پیامبر خدا از سبزی‌ها یاد شد. فرمود: «تره بخورید؛

چرا که حکایت آن در میان سبزی‌ها، حکایت نان در میان همه خوراکی‌ها یا خورش‌ها [۹۸۲] است».

۱۹۲۸. الكافي به نقل از فرات بن احمد: از امام صادق عليه السلام درباره تره پرسیدند. فرمود: «آن را بخور؛ چرا که در آن، چهار

ویژگی است: بوی دهان را خوش می‌سازد؛ بادها را [از بدن می‌راند؛ بواسیر را ریشه کن می‌کند؛ و برای کسی که بدان مداومت

می‌ورزد، مایه ایمنی از جذام است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۶

۱۹۲۹. الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ذَكَرَ البُقُولَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: سَيَنَامُ البُقُولُ وَ رَأْسُهَا الكُرَاتُ، وَ

فَضْلُهُ عَلَى البُقُولِ كَفَضْلِ الخُبْزِ عَلَى سَائِرِ الأَشْيَاءِ، وَ فِيهِ بَرَكَةٌ، وَ هِيَ بَقْلَتِي وَ بَقْلَةُ الأنْبِيَاءِ قَبْلِي، وَ أَنَا احْتَبُهُ وَ آكُلُهُ، وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى

نَبَاتِهِ فِي الجَنَّةِ يَبْرِقُ وَرَقُهُ خُضْرَةً وَ حُسْنًا. [۹۸۳]

۱۹۳۰. الكافي عن موسى بن بكر: اشتكى غلامٌ لأبي الحسن عليه السلام فَسَأَلَ عَنْهُ، فَقِيلَ: بِهِ طَحَالٌ.

فَقَالَ: أَطْعَمُوهُ الْكَرَاثَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ.

فَأَطْعَمْنَاهُ فَقَعَدَ الدَّمُّ، ثُمَّ بَرَأَ. [۹۸۴]

۱۹۳۱. المحاسن عن سلمة: اشتكيت بالمدينة شكاة شديدة، فأتيت أبا الحسن عليه السلام، فقال لي: أراك مُصَفَّرًا؟  
قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلِّ الْكَرَاثَ.

فَأَكَلْتُهُ فَبَرَأْتُ. [۹۸۵]

۱۹۳۲. مكارم الأخلاق عن موسى بن بكر: أتيت إلى أبي الحسن عليه السلام، فقال لي: أراك مُصَفَّرًا؟ كُلِّ الْكَرَاثَ.  
فَأَكَلْتُهُ فَبَرَأْتُ. [۹۸۶]

راجع: ج ۱، ص ۴۶۶ (ما ينفع لعلاج وجع الطحال).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۷

۱۹۲۹. امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام: نزد پیامبر خدا از سبزی‌ها یاد شد. فرمود: «تره، مهتر و سرآمد همه سبزی‌هاست و برتری آن بر دیگر سبزی‌ها، همانند برتری نان بر دیگر چیزهاست. در آن، برکت است و آن، سبزی من و سبزی پیامبران پیش از من است. من آن را دوست دارم و می‌خورم. گویا بوته آن را می‌نگرم که برگ‌هایش از سرسبزی و زیبایی در بهشت می‌درخشند».

۱۹۳۰. الکافی به نقل از موسی بن بكر: یکی از غلامان امام کاظم علیه السلام بیمار شد. امام علیه السلام از حال او پرسید.  
گفتند: بیماری طحال گرفته است.

فرمود: «سه روز به او تره بخورانید».

آن را به او خوراندیم. پس خون، فرو نشست [۹۸۷] و سپس بهبود یافت.

۱۹۳۱. المحاسن به نقل از سلمه: در مدینه به دردی سخت، گرفتار آمدم. نزد امام کاظم علیه السلام رفتم. به من فرمود: «تو را زردچهره می‌بینم؟».

گفتم: آری.

فرمود: «تره بخور».

تره خوردم و بهبود یافتم.

۱۹۳۲. مکارم الأخلاق به نقل از موسی بن بكر: نزد امام کاظم علیه السلام رفتم. به من فرمود: «تو را زردروی می‌بینم! تره بخور».  
من نیز خوردم و بهبود یافتم.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۶۷ (آنچه برای درمان درد طحال، سودمند است).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۸

۲/۴۹

أَكَلُ الْكَرَاثِ الطَّازِجِ

۱۹۳۳. الکافی عن موسی بن بكر: حَدَّثَنِي مَنْ رَأَى أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْكُلُ الْكَرَاثَ فِي الْمَشَارَةِ وَيَغْسِلُهُ بِالْمَاءِ وَيَأْكُلُهُ. [۹۸۸]

۱۹۳۴. الکافی: عَنْ دَاوُودَ بْنِ أَبِي دَاوُودَ عَنْ رَجُلٍ رَأَى أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخُرَّاسَانَ يَأْكُلُ الْكَرَاثَ مِنَ الْبُسْتَانِ كَمَا هُوَ، فَقِيلَ لَهُ: إِنَّ فِيهِ السَّمَادَ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَعْلُقْ بِهِ مِنْهُ شَيْءٌ [۹۸۹]، وَهُوَ جَيِّدٌ لِلْبَوَاسِيرِ. [۹۹۰]

۱۹۳۵. المحاسن عن يحيى بن سليمان: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخُرَّاسَانَ فِي رَوْضَةٍ وَهُوَ يَأْكُلُ الْكَرَاثَ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ

فِدَاكَ! إِنَّ النَّاسَ يَرَوْنَ أَنَّ الْهِنْدَبَاءَ يَقَطُرُ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ قَطْرَةً مِنَ الْجَنَّةِ؟  
فَقَالَ: إِنْ كَانَ الْهِنْدَبَاءُ يَقَطُرُ عَلَيْهِ قَطْرَةً مِنَ الْجَنَّةِ، فَإِنَّ الْكُرَّاتَ مُنْعَمَسٌ فِي الْمَاءِ فِي الْجَنَّةِ.  
قُلْتُ: فَإِنَّهُ يُسَمِّدُ؟

فَقَالَ: لَا يَلْعَقُ بِهِ شَيْءٌ. [۹۹۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۳۹

### ۲/۴۹ خوردن تره تازه

۱۹۳۳. الکافی به نقل از موسی بن بکر: یکی از کسانی که امام کاظم علیه السلام را دیده، برایم نقل کرد که ایشان تره را در گرت کشتزار می خورد. البته آن را با آب می شست و آن گاه می خورد.

۱۹۳۴. الکافی به نقل از داوود بن ابی داوود: مردی، امام رضا علیه السلام را در خراسان دیده که تره را از باغ، همان گونه که هست، می چیند و می خورد. چون به ایشان گفتند: این، ممکن است فضولاتی به همراه داشته باشد، فرمود: «چیزی از آنها به این نمی چسبد» [۹۹۲] و این سبزی، برای درمان بواسیر، خوب است.

۱۹۳۵. المحاسن به نقل از یحیی بن سلیمان: امام رضا علیه السلام را در خراسان در باغی دیدم، در حالی که تره می خورد. به ایشان گفتم: فدایت شوم! مردم بر این باورند که هر روز یک قطره از بهشت، بر کاسنی فرو می ریزد. فرمود: «اگر هر روز از بهشت بر کاسنی یک قطره فرو می ریزد، تره، در آب بهشت، یکسره غوطه ور است». گفتم: به آن کود می دهند.

فرمود: «چیزی از این کود، بدان نمی چسبد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۰

۳/۴۹

أَكَلُ الْكُرَّاتِ بِالْمِلْحِ

۱۹۳۶. الکافی عن أحمد بن أبي عبد الله عن بعض أصحابه رفعه، قال: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْكُلُ الْكُرَّاتَ بِالْمِلْحِ الْجَرِيشِ. [۹۹۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۱

### ۳/۴۹ خوردن تره همراه با نمک

۱۹۳۶. الکافی به نقل از احمد بن ابی عبد الله، از یکی از هم مسلکانش، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: امیر مؤمنان علیه السلام تره را همراه با نمک بلغور شده می خورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۲

الفصل الخمسون: الكرفس

۱۹۳۷. رسول الله صلى الله عليه و آله: الْكَرْفَسُ بَقْلَةُ الْأَنْبِيَاءِ. [۹۹۴]

۱۹۳۸. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْكَرْفَسِ؛ فَإِنَّهُ طَعَامُ إِيَّاسَ، وَالْيَسَعَ، وَ يَوْشَعَ بْنِ نُونٍ. [۹۹۵]
۱۹۳۹. عنه صلى الله عليه وآله لِلْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنِيَّ، كُلِّ الْكَرْفَسِ؛ فَإِنَّهَا بَقْلَةٌ الْأَنْبِيَاءِ مَغْفُولٌ عَنْهَا، وَ هُوَ طَعَامُ الْخَضِرِ وَ إِيَّاسَ، وَ الْكَرْفَسُ يَفْتَحُ الشَّدَدَ، وَ يُدَكِّي الْقَلْبَ، وَ يَرْتُ الْحِفْظَ، وَ يَطْرُدُ الْجُنُونَ وَ الْجُدَامَ وَ الْبَرَصَ وَ الْجُبْنَ. [۹۹۶]
۱۹۴۰. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْكَرْفَسِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ فَهُوَ هُوَ. [۹۹۷]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۳

### فصل پنجاهم: کرفس

۱۹۳۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کرفس، سبزی پیامبران است.
۱۹۳۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد کرفس؛ چرا که خوراک ایاس، یسع و یوشع بن نون بوده است. [۹۹۸]
۱۹۳۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله خطاب به امام حسین علیه السلام: فرزندم! کرفس بخور؛ چرا که سبزی پیامبران است، که فراموش شده است و خوراک خضر و ایاس علیهما السلام است. کرفس، انسدادها را می‌گشاید، دل را طراوت می‌دهد، حافظه می‌آورد، و دیوانگی، جذام، پیسی و ترس را دور می‌کند.
۱۹۴۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد کرفس؛ زیرا اگر چیزی باشد که بر عقل بیفزاید، همان است.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۴

### الفصل الحادى و الخمسون: الكمأة

۱۹۴۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْكَمَاءُ مِنْ نَبْتِ الْجَنَّةِ، وَ مَاؤُهَا نَافِعٌ مِنْ وَجَعِ الْعَيْنِ. [۹۹۹]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۵

### فصل پنجاه و یکم: قارچ

۱۹۴۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: قارچ [۱۰۰۰] از گیاهان بهشت است و آب آن برای درد چشم، سودمند است.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۶
۱۹۴۲. عنه صلى الله عليه وآله: الْكَمَاءُ مِنَ الْمَنْ [۱۰۰۱] وَالْمَنْ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ مَاؤُهَا شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ. [۱۰۰۲]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۷
۱۹۴۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: قارچ، از «مَنْ» [۱۰۰۳] است و «مَنْ» از بهشت است. آب آن نیز درمانی برای چشم است [۱۰۰۴]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۸
۱۹۴۳. عنه صلى الله عليه وآله: الْكَمَاءُ مِنَ الْمَنْ الَّذِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَ هِيَ شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ. [۱۰۰۵]
۱۹۴۴. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْكَمَاءِ الرُّطْبَةِ؛ فَإِنَّهَا مِنَ الْمَنْ، وَ مَاؤُهَا شِفَاءٌ لِلْعَيْنِ. [۱۰۰۶]
۱۹۴۵. الكافى عن امامة بنت أبى العاص بن الربيع و أمها زينب بنت رسول الله صلى الله عليه وآله قالت: أتانى أمير المؤمنين علي عليه السلام فى شهر رمضان فاتى بعشاء [۱۰۰۷] و تمر و كمأة فأكل عليه السلام، و كان يحب الكمأة. [۱۰۰۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۴۹

۱۹۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قارچ، از همان «مَنْ» است که خداوند بر بنی اسرائیل نازل کرد، و آن، شفایی برای چشم است.

۱۹۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد قارچ تازه؛ چرا که از همان «مَنْ» است و آبش، شفایی برای چشم است.

۱۹۴۵. الکافی به نقل از امامه دختر ابو العاص بن ربیع (همان بانویی که مادرش زینب دختر پیامبر خداست): در ماه رمضان، امیر مؤمنان علی علیه السلام، نزد من آمد. شامی و [۱۰۰۹] خرمایی و قارچی آوردند و ایشان خورد. ایشان قارچ را دوست داشت. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۰

### الفصل الثانی و الخمسون: الکتثری

۱۹۴۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: الکتثری یحیی القلب. [۱۰۱۰]

۱۹۴۷. الإمام علی علیه السلام: الکتثری یجلو القلب، و یسکن أوجاع الجوف. [۱۰۱۱]

۱۹۴۸. الإمام الصادق علیه السلام: کُلُوا الکتثری؛ فَإِنَّهُ یجلو القلب، و یسکن أوجاع الجوف بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. [۱۰۱۲]

۱۹۴۹. عنه علیه السلام: الکتثری یدبغ المَعِدَةَ و یقویها، هُوَ وَ السَّفَرَجَلُ سَوَاءٌ، وَ هُوَ عَلَى الشَّعْبِ أَنْفَعُ مِنْهُ عَلَى الرَّبِیْقِ، وَ مَنْ أَصَابَهُ طَحَاءٌ فَلْيَأْكُلْهُ یَعْنَى عَلَى الطَّعَامِ. [۱۰۱۳]

۱۹۵۰. طب الأئمة عن الحلبي: قال أبو عبد الله عليه السلام لِرَجُلٍ شَكَا إِلَيْهِ وَجَعًا يَجِدُهُ فِي قَلْبِهِ: كُلِ الکتثری. [۱۰۱۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۱

### فصل پنجاه و دوم: گلابی

۱۹۴۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گلابی، قلب را زنده می‌سازد.

۱۹۴۷. امام علی علیه السلام: گلابی، قلب را جلا می‌دهد و دردهای درون را تسکین می‌بخشد.

۱۹۴۸. امام صادق علیه السلام: گلابی بخورید؛ که به اذن خداوند عز و جل دل را جلا می‌دهد و دردهای درون را تسکین می‌بخشد.

۱۹۴۹. امام صادق علیه السلام: «گلابی، معده را می‌پالاید و تقویت می‌کند و با به، در [، خواص]، همگون است. خوردنش روی

غذا، سودمندتر است تا چاشت ناخورده. هر کس هم که احساس سنگینی می‌کند، از آن بخورد» یعنی روی غذا بخورد. [۱۰۱۵]

۱۹۵۰. طب الأئمة عليهم السلام به نقل از حلبی: امام صادق علیه السلام به مردی که از دردی در قلب خود نزد ایشان اظهار ناراحتی کرد، فرمود: «گلابی بخور».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۲

### الفصل الثالث و الخمسون: اللبان

## خَوَاصُّ اللَّبَّانِ

۱۹۵۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيكُمْ بِاللَّبَّانِ؛ فَإِنَّهُ يَمَسُّحُ الْحَرَّ عَنِ الْقَلْبِ كَمَا يَمَسُّحُ [۱۰۱۶] الإِصْبَعُ الْعَرَقَ عَنِ الْجَبِينِ، وَيَشُدُّ الظَّهْرَ، وَيَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَيُدَكِّي الذَّهْنَ، وَيَجْلُو البَصَرَ، وَيُذْهِبُ النَّسِيَانَ. [۱۰۱۷]

۱۹۵۲. عنه صلى الله عليه وآله: ادَّهِنُوا بِاللَّبَّانِ؛ فَإِنَّهُ أَحْطَى لَكُمْ عِنْدَ نِسَائِكُمْ. [۱۰۱۸]

۱۹۵۳. عنه صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، ثَلَاثَةٌ يَزِدْنَ فِي الْحِفْظِ وَيُذْهِبْنَ الْبَلْغَمَ: اللَّبَّانُ، وَالسَّوَاكُ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ. [۱۰۱۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۳

## فصل پنجاه و سوم: کُنْدُر

## ۵۳ / ۱ خَوَاصُّ كُنْدُر

۱۹۵۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد کُنْدُر [۱۰۲۰]؛ زیرا آن سان که انگشتان، عرق را از پیشانی پاک می کنند، پشت را محکم می کند، عقل را افزون می کند، ذهن را ذکاوت می دهد، چشم را جلا می بخشد و فراموشی را از میان می برد.

۱۹۵۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: با کُنْدُر، بدن را چرب کنید؛ چرا که این بهره ای بیشتر برای شما نزد زنانان ایجاد می کند.

۱۹۵۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله خطاب به امام علی علیه السلام: ای علی! سه چیز بر حافظه می افزاید و بلغم را می برد: کُنْدُر، مسواک و قرائت قرآن. [۱۰۲۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۴

۱۹۵۴. الإمام عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَضَعُ اللَّبَّانِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ، وَيَنْفِي الْبَلْغَمَ، وَيَذْهِبُ بِرِيحِ الْفَمِ. [۱۰۲۲]

۱۹۵۵. كُنز الْعَمَالِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَشْتَكِي إِلَيْهِ النَّسِيَانَ. فَقَالَ:

عَلَيْكَ بِاللَّبَّانِ؛ فَإِنَّهُ يُشَجِّعُ الْقَلْبَ، وَيُذْهِبُ النَّسِيَانَ. [۱۰۲۳]

۱۹۵۶. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ الْعَسَلَ وَيَقُولُ:

آيَاتٌ مِنَ الْقُرْآنِ وَمَضَعُ اللَّبَّانِ يُذِيبُ الْبَلْغَمَ. [۱۰۲۴]

۱۹۵۷. الإمام الرضا عليه السلام: اسْتَكْتَرُوا مِنَ اللَّبَّانِ وَاسْتَبَقُوهُ وَامْضَعُوهُ، وَأَحْبَبُهُ إِلَيَّ الْمَضْعُ؛ فَإِنَّهُ يَنْزِفُ بَلْغَمَ الْمَعِدَةِ وَيُنْظِفُهَا، وَيَشُدُّ الْعَقْلَ، وَيَمْرِئُ الطَّعَامَ. [۱۰۲۵]

راجع: ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۶۳۹.

۲ / ۵۳

## فَوَائِدُ اللَّبَّانِ لِلْحَامِلِ

۱۹۵۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَطْعَمُوا نِسَاءَكُمْ الْحَوَامِلَ اللَّبَّانَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي عَقْلِ الصَّبِيِّ. [۱۰۲۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۵

۱۹۵۴. امام علی علیه السلام: جویدن کُنْدُر، دندانها را استحکام می بخشد، بلغم را می راند و بوی دهان را می برد.

۱۹۵۵. كُنز الْعَمَالِ بِه نَقْلُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ: مَرَدِي نَزِدَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ آمِدًا مِنْ فَرَامُوشِي، أَظْهَرَ نَارَاحَتِي كَرْدًا. فَرَمُودُ: «بِر تُو بَاد كُنْدُر؛ چَرا كِه دَل رَا شَجَاعَت مِي بَخْشَد وَ فَرَامُوشِي رَا از مِيان مِي بَرَد.»

۱۹۵۶. امام صادق عليه السلام: پیامبر صلى الله عليه وآله غسل می خورد و می فرمود: «[قرائت آیاتی از قرآن و جویدن کُنْدُر، بلغم



را از میان می برد».

۱۹۵۷. امام رضا علیه السلام: فراوان کُنْدُر بخورید. آن را در دهان نگه دارید و نیک بجوید، برای من، جویدن آن، دوست داشتنی تر است؛ چرا که آن بلغم معده را پاک می کند، عقل را استحکام می بخشد و غذا را گوارا می سازد.  
ر. ک: ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۶۳۹.

### ۵۳ / ۲ فایده های کُنْدُر برای زنان باردار

۱۹۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان باردار خود، کُنْدُر بدهید؛ چرا که عقل کودک را افزون می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۶

۱۹۵۹. الإمام الرضا علیه السلام: أَطْعَمُوا حَبَالًا كَمُ ذَكَرَ [۱۰۲۷] اللَّبَانِ، فَإِنَّ يَكُ فِي بَطْنِهَا غُلَامٌ خَرَجَ ذَكِيَّ الْقَلْبِ عَالِمًا شَجَاعًا، وَإِنْ تَكُ جَارِيَةً حَسَنَ خَلْقِهَا وَخُلُقِهَا، وَعَظُمَتِ عَجِيزَتُهَا، وَحَظِيَّتِ عِنْدَ زَوْجِهَا. [۱۰۲۸]  
راجع: ج ۱: ص ۶۵۸ (ما ينفع الجنين من الأغذية).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۷

۱۹۵۹. امام رضا علیه السلام: به زنان باردارتان، کندر نر [۱۰۲۹] بدهید. در این صورت، اگر آنچه در شکم زن است، پسر باشد، بیدار دل، آگاه و دلیر می گردد، و اگر دختر باشد، روی و خوی وی نکو می شود و سرین او سترگ می گردد و نزد همسرش بهره می یابد.

ر. ک: ج ۱، ص ۶۵۹ (غذاهایی که برای جنین، سودمند است).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۸

### الفصل الرابع والخمسون: اللبن

۱ / ۵۴

#### خَوَاصُّ اللَّبَنِ

۱۹۶۰. الإمام علي عليه السلام: حَسُو اللَّبَنِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا الْمَوْتَ. [۱۰۳۰]

۱۹۶۱. الكافي عن أبي الحسن الأصبهاني: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ وَ أَنَا أَسْمَعُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أَجِدُ الضَّعْفَ فِي بَدَنِي.

فَقَالَ لَهُ: عَلَيْكَ بِاللَّبَنِ؛ فَإِنَّهُ يُنَبِّئُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ. [۱۰۳۱]

۱۹۶۲. الإمام الصادق عليه السلام: مَا وَجَدْنَا لَوْجِعِ الْحَلْقِ مِثْلَ حَسْوِ اللَّبَنِ. [۱۰۳۲]

راجع: ج ۲، ص ۴۷۲ (خواص اللحم باللبن). ج ۲، ص ۲۴۴ (التلبينة).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۵۹

### فصل پنجاه و چهارم: شیر

۵۴ / ۱ خَوَاصُّ شِير

۱۹۶۰. امام علی علیه السلام: نوشیدن شیر، شفایی برای هر درد است، مگر مرگ.

۱۹۶۱. الکافی به نقل از ابو الحسن اصفهانی: نزد امام صادق علیه السلام بودم. در حالی که من نیز می‌شنیدم، مردی به ایشان گفت: فدایت شوم! من در بدنم احساس ضعف می‌کنم.

امام علیه السلام به او فرمود: «بر تو باد شیر؛ چرا که گوشت می‌رویانند و استخوان را استحکام می‌بخشد».

۱۹۶۲. امام صادق علیه السلام: برای گلودرد، چیزی چون نوشیدن شیر نیافته‌ایم.

ر. ک: ج ۲، ص ۴۷۳ (گوشت، خواص گوشت همراه با شیر). ج ۲، ص ۲۴۵ (تلبینه).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۰

۲/۵۴

الاستشفاء بِالْبَابِ الْبَقَرِ

۱۹۶۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: ما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ دَاءٍ إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَ لَهُ شِفَاءً، وَ فِي أَلْبَانِ الْبَقَرِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. [۱۰۳۳]

۱۹۶۴. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْبَابِ الْبَقَرِ؛ فَإِنَّهَا تَرُمُّ مِنْ كُلِّ شَجَرٍ، وَ هُوَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. [۱۰۳۴]

۱۹۶۵. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلَّا وَضَعَ لَهُ شِفَاءً، وَ عَلَيْكُمْ بِالْبَابِ الْبَقَرِ؛ فَإِنَّهَا تَرُمُّ مِنْ كُلِّ الشَّجَرِ. [۱۰۳۵]

۱۹۶۶. عنه صلی الله علیه و آله: تَدَاوُوا بِالْبَابِ الْبَقَرِ؛ فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهَا شِفَاءً؛ فَإِنَّهَا تَأْكُلُ مِنَ الشَّجَرِ. [۱۰۳۶]

۱۹۶۷. الإمام الباقر علیه السلام عن جابر بن عبد الله: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أُنْتَدَاوِي؟

فَقَالَ: نَعَمْ، تَدَاوُوا؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُنْزِلْ دَاءً إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَ لَهُ دَوَاءً. عَلَيْكُمْ بِالْبَابِ الْبَقَرِ؛ فَإِنَّهَا تَرُمُّ مِنْ كُلِّ الشَّجَرِ. [۱۰۳۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۱

## ۲/۵۴ درمان با شیر گاو

۱۹۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هیچ دردی فرو نفرستاده، مگر این که برای آن، درمانی هم فرستاده است. در شیر گاو، درمان هر درد هست.

۱۹۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد شیر گاو؛ چرا که گاو از هر درختی می‌خورد و شیر آن، درمانی برای هر درد است.

۱۹۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هیچ دردی ننهاد، مگر این که برایش درمانی نیز نهاده است. بر شما باد شیر گاو، چرا که از هر شجری [۱۰۳۸] می‌خورد.

۱۹۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با شیر گاو درمان کنید. من امیدوارم خداوند در آن، شفایی نهاده باشد؛ چرا که گاو، از شجر می‌خورد.

۱۹۶۷. امام باقر علیه السلام به نقل از جابر بن عبد الله: گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا درمان کنیم؟

فرمود: «آری، درمان کنید؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی هیچ دردی فرو نفرستاده، مگر این که برایش درمانی نیز فرستاده است. بر شما باد شیر گاو؛ چرا که آن، از هر شجری می‌خورد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۲

۱۹۶۸. الإمام علی علیه السلام: أَلْبَانُ الْبَقَرِ دَوَاءٌ. [۱۰۳۹]

۱۹۶۹. عنه علیه السلام: لَبَنُ الْبَقَرِ شِفَاءٌ. [۱۰۴۰]

۱۹۷۰. الکافی عن أبي البلاد: شَكُوْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَرْبًا وَجَدْتُهُ، فَقَالَ لِي: مَا يَمْنَعُكَ مِنْ شُرْبِ أَلْبَانِ الْبَقَرِ؟

فَقَالَ لِي: أَسَرِبْتَهَا قَطُّ؟

فَقُلْتُ لَهُ: نَعَمْ، مِرَارًا.

فَقَالَ: كَيْفَ وَجَدْتَهَا؟

فَقُلْتُ: وَجَدْتُهَا تَدْبِغُ الْمَعِدَّةَ، وَتَكْسُو الْكَلَيْتَيْنِ الشَّحْمَ، وَتُسَهِّي الطَّعَامَ.

فَقَالَ لِي: لَوْ كَانَتْ أَيَّامُهُ لَخَرَجْتُ أَنَا وَ أَنْتَ إِلَى يَبْنَعٍ حَتَّى نَشْرَبَهُ. [۱۰۴۱]

۳ / ۵۴

أَلْبَانُ الْإِبِلِ

۱۹۷۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: في ألبان الإبل... دواءٌ لِدَرَبِكُمْ. [۱۰۴۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۳

۱۹۶۸. امام علی علیه السلام: شیر گاو، دارو است.

۱۹۶۹. امام علی علیه السلام: شیر گاو، درمان است.

۱۹۷۰. الکافی به نقل از ابو البلاد: از عارضه‌ای که در معده احساس می‌کردم، نزد امام باقر علیه السلام اظهار ناراحتی نمودم.

به من فرمود: «چه چیز، تو را از نوشیدن شیر گاو، باز می‌دارد؟». آن گاه از من پرسید: «آیا هرگز نوشیده‌ای؟».

گفتم: آری؛ بارها.

پرسید: «آن را چگونه یافته‌ای؟».

گفتم: دیده‌ام که معده را می‌پالاید و به کلیه‌ها پوششی از چربی می‌دهد و اشتها به غذا می‌آورد.

پس به من فرمود: «اگر اکنون زمانش بود، من و تو با همدیگر به یبْنَعٍ می‌رفتیم تا شیر بخوریم».

### ۳ / ۵۴ شیر شتر

۱۹۷۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: در شیر شتر... درمان بیماری ذَرَبٍ [۱۰۴۳] است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۴

۱۹۷۲. عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ فِي... أَلْبَانِهَا شِفَاءً لِلذَّرْبَةِ بَطُونُهُمْ. [۱۰۴۴]

۴ / ۵۴

شیرازُ الأتَنِ

۱۹۷۳. الکافی عن العيص بن القاسم عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: تَغْدِيَتْ مَعَهُ، فَقَالَ لِي:

أَتَدْرِي مَا هَذَا؟

قُلْتُ: لَا.

قال: هذا شیرازُ الأتَنِ اتَّخَذْنَاهُ لِمَرِيضٍ لَنَا، فَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَأْكُلَ مِنْهُ فَكُلْ. [۱۰۴۵]

۱۹۷۴. الکافی عن يحيى بن عبد الله: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَتَيْنَا بِسُكَّرٍ جَاتٍ، فَأَشَارَ بِيَدِهِ نَحْوَ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ، وَقَالَ:

هذا شیرازُ الأتَنِ اتَّخَذْنَاهُ لِعَلِيلٍ عِنْدَنَا، وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَأْكُلْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَدَعِ. [۱۰۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۵

۱۹۷۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: شیر شتر... برای کسانی که به ناراحتی معده (سوء هاضمه) مبتلا هستند، درمان است.

۱۹۷۳. الکافی به نقل از عیص بن قاسم: همراه با امام صادق علیه السلام ناهار خوردم. به من فرمود: «آیا می‌دانی این چیست؟». گفتم: نه.

فرمود: «این، ماست چکیده ماده الاغ است. آن را برای یکی از بیماران خود، فراهم ساخته‌ایم. اگر دوست داری از آن بخوری، بخور».

۱۹۷۴. الکافی به نقل از یحیی بن عبد الله: نزد امام صادق علیه السلام بودم که چند پیاله برایمان آوردند. ایشان با دست، به یکی از آنها اشاره کرد و فرمود: «این، ماست چکیده ماده الاغ است. آن را برای یکی از بیماران خود، فراهم ساخته‌ایم. هر کس می‌خواهد، بخورد و هر کس هم نمی‌خواهد، وا گذارد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۶

۵/۵۴

الْحَلِيبُ بِالْعَسَلِ

۱۹۷۵. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ تَغَيَّرَ عَلَيْهِ مَاءُ الظَّهْرِ، فَإِنَّهُ يَنْفَعُ لَهُ اللَّبَنُ الْحَلِيبُ، وَالْعَسَلُ. [۱۰۴۷]

۶/۵۴

الماسِ وَ النَّانِخَوَاءُ

۱۹۷۶. الکافی عن محمد بن یحیی رفعه عن الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَكَلَ الماسِ وَ لَا يَضُرُّهُ، فَلْيَضَبْ عَلَيْهِ الهاضومَ.

قُلْتُ لَهُ: وَ مَا الهاضومُ؟

قَالَ: النَّانِخَوَاءُ. [۱۰۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۷

#### ۵/۵۴ شیر با عسل

۱۹۷۵. امام کاظم علیه السلام: هر کس که آب کمرش دیگرگون می‌شود، شیر تازه همراه با عسل برایش سودمند است. [۱۰۴۹]

#### ۶/۵۴ ماست و نانخواه

۱۹۷۶. الکافی به نقل از محمد بن یحیی، در حدیثی که سَیِّد آن را به امام کاظم علیه السلام رسانده است: امام کاظم علیه السلام فرمود: «هر کس می‌خواهد ماست بخورد و ماست، او را زیان نرساند، روی آن، هضم‌کننده‌ای هم بخورد».

گفتم: هضم‌کننده چیست؟

فرمود: «نانخواه [۱۰۵۰]».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۸

الفصل الخامس و الخمسون: اللحم

۱۹۷۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّحْمُ سَيِّدُ الطَّعَامِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. [۱۰۵۱]
۱۹۷۸. عنه صلى الله عليه وآله: خَيْرُ الْإِدَامِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّحْمُ. [۱۰۵۲]
۱۹۷۹. عنه صلى الله عليه وآله: سَيِّدُ طَعَامِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّحْمُ، ثُمَّ الْأَرْزُ. [۱۰۵۳]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۶۹

## فصل پنجاه و پنجم: گوشت

## ۱/۵۵ مهتر همه خوراک‌ها

۱۹۷۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: گوشت، مهترِ غذاها در دنیا و آخرت است.
۱۹۷۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بهترین خورش دنیا و آخرت، گوشت است.
۱۹۷۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: مهترِ غذاهاى ساکنان دنیا و آخرت، گوشت و سپس برنج است.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۰

۲/۵۵

## خَوَاصُّ اللَّحْمِ

۱۹۸۰. الإمام على عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِاللَّحْمِ؛ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ. [۱۰۵۴]
۱۹۸۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَكُلِ اللَّحْمَ يُحَسِّنُ الْوَجْهَ، وَ يُحَسِّنُ الْخُلُقَ. [۱۰۵۵]
۱۹۸۲. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلْقَلْبِ فَرْحَةً عِنْدَ أَكْلِ اللَّحْمِ. [۱۰۵۶]
۱۹۸۳. عنه صلى الله عليه وآله: اللَّحْمُ بِالْبَيْضِ يَزِيدُ فِي الْبَاءَةِ. [۱۰۵۷]
۱۹۸۴. الإمام على عليه السلام: كُلُوا اللَّحْمَ؛ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، كُلُّهُ؛ فَإِنَّهُ جِلَاءٌ لِلْبَصْرِ. [۱۰۵۸]
۱۹۸۵. عنه عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِهَذَا اللَّحْمِ فَكُلُوهُ؛ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ الْخُلُقَ، وَ يُصَفِّي اللَّوْنَ، وَ يَخْمُصُ الْبَطْنَ. [۱۰۵۹]
۱۹۸۶. الإمام الباقر عليه السلام: أَكُلِ اللَّحْمَ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَ الْبَصْرِ وَ الْقُوَّةِ. [۱۰۶۰]
۱۹۸۷. الإمام الصادق عليه السلام: اللَّحْمُ مِنَ اللَّحْمِ، مَنْ تَرَكَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَاءَ خُلُقُهُ، كُلُّهُ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَ الْبَصْرِ. [۱۰۶۱]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۱

## ۲/۵۵ خواص گوشت

۱۹۸۰. امام على عليه السلام: بر شما باد گوشت؛ چرا که [خوردن گوشت، گوشت می‌روياند.
۱۹۸۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خوردن گوشت، روی را نکو می‌سازد و خوی را هم نکو می‌سازد.
۱۹۸۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هنگام خوردن گوشت، قلب را شادی‌ای است.
۱۹۸۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: گوشت با تخم‌مرغ، بر توان جنسی می‌افزاید. [۱۰۶۲]
۱۹۸۴. امام على عليه السلام: گوشت بخورید؛ چرا که گوشت می‌روياند. آن را بخورید؛ چرا که جلای دیده است.
۱۹۸۵. امام على عليه السلام: بر شما باد این گوشت. آن را بخورید؛ چرا که خوی را خوش می‌سازد، رنگ را صفا می‌دهد و شکم

را کوچک می کند.

۱۹۸۶. امام باقر علیه السلام: خوردن گوشت، شنوایی و بینایی و قدرت را افزون می کند.

۱۹۸۷. امام صادق علیه السلام: گوشت، از گوشت است. هر کس چهل روز آن را وا گذارد،

بدخوی می شود. [۱۰۶۳] آن را بخورید؛ چرا که بر شنوایی و بینایی می افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۲

۱۹۸۸. الإمام العسکری علیه السلام لِأَبِي هَاشِمِ الْجَعْفَرِيِّ: يَا أَبَا هَاشِمٍ، إِذَا أَرَدْتَ الْقُوَّةَ فَكُلِ اللَّحْمَ. [۱۰۶۴]

راجع: ج ۲، ص ۴۳۰ (الکباب).

۳/۵۵

خَوَاصُّ اللَّحْمِ بِاللَّبَنِ

۱۹۸۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: شَكَا نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ ضَعْفَ يَدَيْهِ، فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ اطْبِخِ اللَّحْمَ

بِاللَّبَنِ فَكُلْهَا؛ فَإِنِّي جَعَلْتُ الْقُوَّةَ وَ الْبَرَكَهَ فِيهِمَا. [۱۰۶۵]

۱۹۹۰. الدعوات: رَأَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله رَجُلًا سَمِينًا، فَقَالَ: مَا تَأْكُلُ؟

قَالَ: لَيْسَ بِأَرْضِي حَبًّا، وَ إِنَّمَا أَكُلُ اللَّحْمَ وَ اللَّبَنَ.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: جَمَعْتَ بَيْنَ اللَّحْمِ وَ اللَّبَنِ. [۱۰۶۶]

۱۹۹۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّحْمُ وَ اللَّبَنُ؛ يُنْبِتَانِ اللَّحْمَ، وَ يَشُدُّانِ الْعِظَامَ، وَ اللَّحْمُ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَ الْبَصِيرِ، وَ اللَّحْمُ بِالْبَيْضِ

يَزِيدُ فِي الْبَاءَةِ. [۱۰۶۷]

۱۹۹۲. عنه صلى الله عليه وآله: شَكَا نَبِيُّ قَبْلِي إِلَى اللَّهِ ضَعْفًا فِي بَدَنِهِ، فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ اطْبِخِ

اللَّحْمَ وَ اللَّبَنَ؛ فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُ الْبَرَكَهَ وَ الْقُوَّةَ فِيهِمَا. [۱۰۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۳

۱۹۸۸. امام عسکری علیه السلام خطاب به ابو هاشم جعفری: ای ابو هاشم! اگر توان می خواهی، گوشت بخور.

ر. ک: ج ۲، ص ۴۳۱ (کباب).

### ۳/۵۵ خواص گوشت همراه با شیر

۱۹۸۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: نوح عليه السلام از ضعف بدن، به درگاه پروردگار خویش عز و جل شکایت برد. خداوند به

او وحی فرستاد که: «گوشت را همراه با شیر، طبخ کن و بخور؛ چرا که من، قدرت و برکت را در آنها نهاده‌ام».

۱۹۹۰. الدعوات: پیامبر خدا، مردی چاق دید. پرسید: «چه می خوری؟».

گفت: در سرزمین من، غله نیست. من تنها گوشت و شیر می خورم.

فرمود: «دو گوشت را یکجا جمع کرده‌ای».

۱۹۹۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: گوشت و شیر، گوشت می رویانند و استخوان‌ها را استحکام می بخشد. و گوشت، شنوایی و

بینایی را افزون می کند و گوشت همراه با تخم مرغ، بر نیروی جنسی می افزاید.

۱۹۹۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: یکی از پیامبران پیش از من، از ضعف بدن، به درگاه خداوند، شکایت برد. خداوند عز و جل

به او وحی کرد که: «گوشت و شیر را بپز؛

چرا که من، برکت و قدرت را در آنها نهاده‌ام».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۴

۱۹۹۳. الإمام علی علیه السلام: إِذَا ضَعَّفَ الْمُسْلِمُ، فَلْيَأْكُلِ اللَّحْمَ بِاللَّبَنِ. [۱۰۶۹]

۱۹۹۴. الکافی عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام: شَدَاكَ نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الضَّعْفَ، فَقِيلَ لَهُ: اطْبِخِ اللَّحْمَ بِاللَّبَنِ؛ فَإِنَّهُمَا يَشُدُّانِ الْجِسْمَ.  
قَالَ: فَقُلْتُ: هِيَ الْمَضِيرَةُ.

قَالَ: لَا، وَ لَكِنَّ اللَّحْمَ بِاللَّبَنِ الْحَلِيبِ. [۱۰۷۰]

۱۹۹۵. الإمام الصادق عليه السلام: اللَّحْمُ بِاللَّبَنِ مَرَقُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. [۱۰۷۱]

۱۹۹۶. الکافی عن زیاد بن أبي الحلال: تَعَشَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِلَحْمٍ بَلْبَنِ، فَقَالَ: هَذَا مَرَقُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. [۱۰۷۲]  
۴/۵۵

لَحْمُ الْإِبِلِ

۱۹۹۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِأَكْلِ لُحُومِ الْإِبِلِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَأْكُلُ لُحُومَهَا إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ مُخَالِفٍ لِلْيَهُودِ أَعْدَاءِ اللَّهِ. [۱۰۷۳]  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۵

۱۹۹۳. امام علی علیه السلام: اگر ضعیف شد، گوشت با شیر بخورد.

۱۹۹۴. الکافی به نقل از عبد الله بن سنان: امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبری از پیامبران، از ضعف، به درگاه خداوند عز و جل شکایت برد. پس به او گفته شد: گوشت را در شیر بپز؛ چرا که این دو، جسم را استحکام می دهند».

گفتم: این، همان غذایی است که «مَضِيرَةُ» [۱۰۷۴] نام دارد؟

فرمود: «نه؛ بلکه گوشت همراه با شیر تازه است».

۱۹۹۵. امام صادق علیه السلام: گوشت با شیر، خورش پیامبران است.

۱۹۹۶. الکافی به نقل از زیاد بن ابی حلال: همراه با امام صادق علیه السلام، شام، گوشت و شیر خوردم. پس فرمود: «این، خورش پیامبران است».

#### ۴/۵۵ گوشت شتر

۱۹۹۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد خوردن گوشت شتر؛ زیرا این گوشت را تنها مؤمنان مخالف یهود (که دشمنان خدایند) می خورند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۶

۱۹۹۸. عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَأْكُلُ الْجَزُورَ إِلَّا مُؤْمِنٌ. [۱۰۷۵]

۱۹۹۹. المحاسن عن السياري رفعه، قال: أَكَلَ لَحْمَ الْجَزُورِ؛ يَذْهَبُ بِالْقَرَمِ. [۱۰۷۶]

۵/۵۵

لَحْمُ الْبَقَرِ

۲۰۰۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْبَانَ الْبَقَرِ وَ سِمَانِهَا وَ إِيَّاكُمْ وَ لُحُومَهَا؛ فَإِنَّ أَلْبَانَهَا وَ سِمَانَهَا دَوَاءٌ وَ شِفَاءٌ، وَ لُحُومَهَا دَاءٌ. [۱۰۷۷]

۲۰۰۱. عنه صلى الله عليه وآله: لَحْمُ الْبَقَرِ دَاءٌ وَ لَبْنُهَا دَوَاءٌ، وَ لَحْمُ الْغَنَمِ دَوَاءٌ وَ لَبْنُهَا دَاءٌ. [۱۰۷۸]

۲۰۰۲. الإمام علی علیه السلام: لُحُومُ الْبَقَرِ دَاءٌ. [۱۰۷۹]

۲۰۰۳. عنه عليه السلام: لُحُومُ الْبَقَرِ دَاءٌ، وَ أَلْبَانُهَا دَوَاءٌ، وَ أَسْمَانُهَا شِفَاءٌ. [۱۰۸۰]

راجع: ج ۱: ص ۵۱۴ (أكل لحم البقر بالسلق). ج ۱، ص ۵۱۲ (مرق لحم البقر). ج ۲، ص ۳۶۸ (خواص سمن البقر).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۷

۱۹۹۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شتر را جز مؤمن نمی خورد.

۱۹۹۹. المحاسن به نقل از سیاری، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: خوردن گوشت شتر، دل دادگی به گوشت را

فرو می نشانند.

## ۵/۵۵ گوشت گاو

۲۰۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد شیر و روغن گاو؛ اما از گوشت آن، حذر کنید؛ چرا که شیر و روغنش دارو و درمان، و گوشتش بیماری است.

۲۰۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوشت گاو، درد است و شیرش، درمان؛ اما گوشت گوسفند، درمان است و شیرش، درد.

۲۰۰۲. امام علی علیه السلام: گوشت گاو، بیماری است.

۲۰۰۳. امام علی علیه السلام: گوشت گاو، درد و بیماری، شیرش دارو، و روغنش درمان است.

ر. ک: ج ۱، ص ۵۱۳ (آنچه برای درمان پیسی سودمند است/ خوردن گوشت گاو همراه با چغندر). ج ۱، ص ۵۱۳ (آب گوشت

گاو). ج ۲، ص ۳۶۹ (خواص روغن گاو).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۸

۶/۵۵

## لَحْمُ الضَّانِ

۲۰۰۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ اخْتَارَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئًا... وَ مِنَ الْغَنَمِ الضَّانَ. [۱۰۸۱]

۲۰۰۵. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ أَصَابَهُ ضَعْفٌ فِي قَلْبِهِ أَوْ بَدَنِهِ فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الضَّانِ بِاللَّبَنِ؛ فَإِنَّهُ يُخْرِجُ مِنْ أَوْصَالِهِ كُلَّ دَاءٍ وَ غَائِلَةٍ،

وَ يَقْوَى جِسْمَهُ، وَ يَشُدُّ لِسْتَهُ. [۱۰۸۲]

۲۰۰۶. الكافي عن سعد بن سعد: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي لَا يَأْكُلُونَ لَحْمَ الضَّانِ.

قَالَ: فَقَالَ: وَ لِمَ؟

قَالَ: قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّهُ يَهَيِّجُ بِهِمُ الْمِرَّةَ السَّوْدَاءَ وَ الصُّدَاعَ وَ الْأَوْجَاعَ.

فَقَالَ لِي: يَا سَعْدُ.

فَقُلْتُ: لَبَّيْكَ!

قَالَ: لَوْ عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ شَيْئًا أَكْرَمَ مِنَ الضَّانِ لَفَدَى بِهِ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. [۱۰۸۳]

۲۰۰۷. الكافي عن سهل بن زياد عن بعض أصحابه أَظُنُّهُ مُحَمَّدَ بْنَ إِسْمَاعِيلَ: ذَكَرَ بَعْضُنَا اللَّحْمَانَ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ،

فَقَالَ: مَا لَحْمٌ بِأَطْيَبَ مِنْ لَحْمِ الْمَاعِزِ.

قَالَ: فَتَنَظَّرَ إِلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ قَالَ:

لَوْ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مُضَعَّغَةً هِيَ أَطْيَبُ مِنَ الضَّانِ لَفَدَى بِهَا إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. [۱۰۸۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۷۹



۲۰۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل از هر چیز، چیزی را برگزید... و از [میان انواع گوسف ۱۰۸۵] ند، میش را.  
 ۲۰۰۵. امام صادق علیه السلام: هر کس در قلب یا بدن خود به ضعفی گرفتار آمد، گوشت میش با شیر بخورد؛ چرا که در این صورت، هر بیماری و عارضه‌ای، از بند بند تن او برون می‌رود، بدنش نیرو می‌گیرد و لثه‌اش استحکام می‌یابد. [۱۰۸۶]

۲۰۰۶. الکافی به نقل از سعد بن سعد: به امام کاظم علیه السلام گفتم: خانواده من، گوشت میش نمی‌خورند.  
 پرسید: «چرا؟».

گفتم: آنان می‌گویند این گوشت، تلخه سیاه و سردرد و دیگر دردها را در آنان تحریک می‌کند.  
 به من فرمود: «ای سعد!».

گفتم: لیبک!

فرمود: «اگر خداوند عز و جل چیزی را ارزشمندتر از میش می‌دانست، آن را فدیه اسماعیل علیه السلام می‌ساخت».  
 ۲۰۰۷. الکافی به نقل از سهل بن زیاد، از یکی از هم‌مسلمانانش (به گمان، محمد بن اسماعیل): یکی از ما نزد امام رضا علیه السلام، از گوشت، یاد کرد و گفت: هیچ گوشتی خوش‌تر از گوشت بز نیست.  
 پس، امام رضا علیه السلام به او نگریست و فرمود: «اگر خداوند، گوشتی خوش‌تر از گوشت میش آفریده بود، همان را فدیه اسماعیل علیه السلام می‌ساخت».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۰

۷ / ۵۵

لَحْمُ الْقَبَاجِ

۲۰۰۸. الإمام کاظم علیه السلام: أَطْعَمُوا الْمَحْمُومَ لَحْمَ الْقَبَاجِ؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّي السَّاقِينَ، وَ يَطْرُدُ الْحُمَى طَرْدًا. [۱۰۸۷]

۸ / ۵۵

لَحْمُ الْحُبَّارِي

۲۰۰۹. الإمام کاظم علیه السلام: لا- أَرَى بِأَكْلِ الْحُبَّارِي بَأْسًا، وَ إِنَّهُ جَيِّدٌ لِلْبَوَاسِيرِ، وَ وَجَعِ الظَّهْرِ، وَ هُوَ مِمَّا يُعِينُ عَلَى كَثْرَةِ الْجِمَاعِ. [۱۰۸۸]

۹ / ۵۵

لَحْمُ الدَّجَاجِ

۲۰۱۰. الإمام علی علیه السلام: الإِبْوَزُ جَامُوسُ الطَّيْرِ، وَ الدَّجَاجُ خَنْزِيرُ الطَّيْرِ، وَ الدَّرَاجُ حَبَشُ الطَّيْرِ، وَ أَيْنَ أَنْتَ عَنْ فَرَحِينَ نَاهِضَيْنِ رَبَّتَهُمَا امْرَأَةٌ مِنْ رَبِيعَةَ بِفَضْلِ قَوْتِهَا؟ [۱۰۸۹]. [۱۰۹۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۱

۲۰۰۸. امام کاظم علیه السلام: به تبار، گوشت کبک بخورانید؛ چرا که پاها را نیرو می‌دهد و تب را کاملاً دور می‌کند. [۱۰۹۱]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۴۸۱

## ۸/۵۵ گوشت هویره

۲۰۰۹. امام کاظم علیه السلام: در خوردن هویره، اشکالی نمی‌بینم. برای بواسیر و درد کمر، خوب است و از چیزهایی است که انسان را بر فراوانی آمیزش، یاری می‌رساند.

## ۹/۵۵ گوشت مرغ

۲۰۱۰. امام علی علیه السلام: غاز، گاو میش پرنده‌گان است و مرغ، خوک پرنده‌گان است و کبکنجیر، بوقلمون پرنده‌گان است. چرا تو از دو جوجه نوپایی که زنی از ربیعه آنها را با زیادی غذای خویش پرورانده است [۱۰۹۲]، استفاده نمی‌کنی؟  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۲

۲۰۱۱. الکافی عن السیاری رفعه، قال: إِنَّهُ ذُكِرَتِ اللَّحْمَانُ بَيْنَ يَدَيِ عُمَرَ، فَقَالَ عُمَرُ: إِنَّ أَطْيَبَ اللَّحْمَانِ لَحْمَ الدَّجَاجِ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَلَّا، إِنَّ ذَلِكَ خَنَازِيرُ الطَّيْرِ، وَ إِنَّ أَطْيَبَ اللَّحْمَانِ لَحْمُ فَرَّخٍ قَدْ نَهَضَ، أَوْ كَادَ أَنْ يَنْهَضَ. [۱۰۹۳]  
۱۰/۵۵

## لَحْمُ الدَّرَاجِ

۲۰۱۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَقِلَّ غَيْظُهُ، فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدَّرَاجِ. [۱۰۹۴]  
۲۰۱۳. عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ اشْتَكَى فُؤَادَهُ وَ كَثُرَ غَمُّهُ، فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدَّرَاجِ. [۱۰۹۵]  
۲۰۱۴. الإمام الصادق علیه السلام: إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ غَمًّا أَوْ كَرْبًا لَا يَدْرِي مَا سَيَبْتُهُ، فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدَّرَاجِ؛ فَإِنَّهُ يَسْكُنُ عَنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. [۱۰۹۶]

۱۱/۵۵

## لَحْمُ الْقَطَاةِ

۲۰۱۵. الکافی عن علی بن مهزیار: تَعَدَّيْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَتَانِي بِقَطَاةٍ فَقَالَ: إِنَّهُ مُبَارَكٌ، وَ كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يُعْجِبُهُ، وَ كَانَ يَأْمُرُ أَنْ يُطْعَمَ صَاحِبَ الْبِرْقَانِ يُشْوِي لَهُ فَإِنَّهُ يَنْفَعُهُ. [۱۰۹۷]  
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۳  
۲۰۱۱. الکافی به نقل از سیاری، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است: در حضور عمر، از گوشت، یاد شد. عمر گفت: خوش‌ترین گوشت، گوشت مرغ است.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «نه؛ مرغ‌ها خوک‌های پرنده‌گان هستند. اما بهترین گوشت، گوشت جوجه تازه از تخم درآمده‌ای است که تازه برخاسته یا نزدیک است که برخیزد». [۱۰۹۸]

## ۱۰/۵۵ گوشت کبکنجیر

۲۰۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دوست دارد خشمش کاستی بگیرد، گوشت کبکنجیر (کبک‌انجیر) بخورد.  
۲۰۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از بیماری روحی، رنج می‌برد و اندوهش بسیار است، گوشت کبکنجیر بخورد.  
۲۰۱۴. امام صادق علیه السلام: هر گاه کسی از شما، اندوه یا گرفتاری‌ای دارد و نمی‌داند علتش چیست، گوشت کبکنجیر بخورد. در این صورت، به خواست خداوند متعال، این اندوه و گرفتاری، فرو خواهد نشست.

## ۱۱/۵۵ گوشت سنگخوارک

۲۰۱۵. الکافی به نقل از علی بن مهزیار: همراه با امام باقر علیه السلام ناهار خوردم. ایشان مرغ سنگخواری آورد و فرمود: «این، مبارک است. پدرم به آن

علاقه داشت و می فرمود: هر کس یرقان دارد، برایش از گوشت این مرغ، کباب کنند. او را سودمند خواهد افتاد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۴

۱۲/۵۵

لَحْمُ السَّمَكِ

۱۱۲/۵۵

أَكَلَ لَحْمَ السَّمَكِ

۲۰۱۶. الإمام الصادق علیه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَكَلَ السَّمَكَ قَالَ:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ، وَابْدِلْنَا بِهِ خَيْرًا مِنْهُ. [۱۰۹۹]

۲۰۱۷. الإمام الكاظم علیه السلام: عَلَيْكُمْ بِالسَّمَكِ؛ فَإِنَّكَ إِنْ أَكَلْتَهُ بِغَيْرِ خُبْرٍ أَجْزَأَكَ، وَإِنْ أَكَلْتَهُ بِخُبْرٍ أَمْرَأَكَ. [۱۱۰۰]

راجع: ج ۱، ص ۴۶۲ (ما ینفع لعلاج أمراض الدم/ أكل السمك الطري بعد الحجامة).

۲۱۲/۵۵

إِتْبَاعُ السَّمَكِ بِالتَّمْرِ أَوْ العَسَلِ

۲۰۱۸. الکافی عن سعید بن جناح عن مولیّ للإمام الصادق علیه السلام، قال: دَعَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِتَمْرٍ

فَأَكَلَهُ، ثُمَّ قَالَ: مَا بِي شَهْوَةٌ، وَلَكِنِّي أَكَلْتُ سَمَكًا، ثُمَّ قَالَ:

مَنْ بَاتَ وَفِي جَوْفِهِ سَمَكٌ لَمْ يُتْبِعْهُ بِتَمْرَاتٍ أَوْ عَسَلٍ، لَمْ يَزَلْ عِرْقُ الفَالِحِ يَضْرِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يُصْبِحَ. [۱۱۰۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۵

## ۱۲/۵۵ گوشت ماهی

## ۱۱۲/۵۵ خوردن گوشت ماهی

۲۰۱۶. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، چون ماهی می خورد، می گفت: «خداوندا! برای ما در این، برکت قرار بده و بهتر از این را برایمان جایگزین ساز».

۲۰۱۷. امام کاظم علیه السلام: بر شما باد ماهی. اگر آن را بدون نان خوردی، بسنده ات می کند و اگر با نان خوردی، گوارایت می افتد.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۶۳ (آنچه برای درمان بیماری های خون، سودمند است/ خوردن ماهی تازه پس از حجامت).

## ۲۱۲/۵۵ خوردن خرما یا عسل، پس از خوردن ماهی

۲۰۱۸. الکافی به نقل از سعید بن جناح، از یکی از وابستگان امام صادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام خرما یا عسل و تناول کرد و سپس فرمود: «اشتهایی نداشتم»؛

اما ماهی خورده بودم». سپس فرمود: «هر کس شب، ماهی بخورد و در پی آن، چند دانه خرما یا مقداری عسل نخورد و بخوابد، تا

صبح، رگِ فلجِ در او می‌جنبد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۶

۳۱۲/۵۵

النَّهْيُ عَنِ الْجَمْعِ بَيْنَ الْبَيْضِ وَالسَّمَكِ

۲۰۱۹. الإمام الرضا عليه السلام: يَنْبَغِي أَنْ تَحْذَرَ... أَنْ تَجْمَعَ فِي جَوْفِكَ الْبَيْضَ وَالسَّمَكَ فِي حَالٍ وَاحِدَةٍ؛ فَإِنَّهُمَا إِذَا اجْتَمَعَا وَلَّدَا

الْقَوْلَجَ، وَرِيَّاحَ الْبُوَاسِيرِ، وَوَجَعَ الْأَضْرَاسِ. [۱۱۰۲]

۴۱۲/۵۵

النَّهْيُ عَنِ إِدْمَانِ أَكْلِ السَّمَكِ

۲۰۲۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَكُلِ السَّمَكِ، يَذْهَبِ بِالْجَسَدِ. [۱۱۰۳]

۲۰۲۱. عنه صلى الله عليه وآله: إِدْمَانُ أَكْلِ السَّمَكِ الطَّرِيُّ، يُذِيبُ اللَّحْمَ. [۱۱۰۴]

۲۰۲۲. الإمام علي عليه السلام: السَّمَكُ الطَّرِيُّ يُذِيبُ اللَّحْمَ. [۱۱۰۵]

۲۰۲۳. عنه عليه السلام: لَا تُدْمِنُوا أَكْلَ السَّمَكِ؛ فَإِنَّهُ يُذِيبُ الْجَسَدَ. [۱۱۰۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۷

### ۳۱۲/۵۵ نهی از خوردن تخم مرغ و ماهی با همدیگر

۲۰۱۹. امام رضا علیه السلام: باید از این پرهیزی که... تخم مرغ و ماهی را همزمان در معده گرد آوری؛ چرا که هرگاه این دو با یکدیگر گرد آیند، قولنج، باد بواسیر و دندان درد به وجود می‌آورند.

### ۴۱۲/۵۵ نهی از اعتیاد به خوردن ماهی

۲۰۲۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: [پیوسته خوردن ماهی، بدن را از میان می‌برد.

۲۰۲۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: پیوسته خوردن ماهی تازه، گوشت را ذوب می‌کند.

۲۰۲۲. امام علی علیه السلام: [پیوسته خوردن ماهی تازه، گوشت را ذوب می‌کند.

۲۰۲۳. امام علی علیه السلام: به خوردن ماهی، مداومت مکنید؛ زیرا تن را ذوب می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۸

۲۰۲۴. عنه عليه السلام: أَقْلُوا مِنْ أَكْلِ الْحَيْتَانِ؛ فَإِنَّهَا تُذِيبُ الْبَدْنَ، وَتُكَثِّرُ الْبَلْغَمَ، وَتُعَلِّطُ النَّفْسَ. [۱۱۰۷]

۲۰۲۵. عنه عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَ أَكَلَ السَّمَكِ؛ فَإِنَّ السَّمَكَ يُسِلُّ الْجِسْمَ. [۱۱۰۸]

۲۰۲۶. عنه عليه السلام: أَقْلُوا مِنْ أَكْلِ السَّمَكِ؛ فَإِنَّ لَحْمَهُ يُذِيبُ الْبَدْنَ، وَ يُكَثِّرُ الْبَلْغَمَ، وَ يُعَلِّطُ النَّفْسَ. [۱۱۰۹]

۲۰۲۷. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ هَذَا السَّمَكَ لَرَدِيٌّ لِعِشَاوَةِ الْعَيْنِ. [۱۱۱۰]

۲۰۲۸. الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يُسَمَّنُ وَ ثَلَاثَةٌ يَهْزِلُنَ:

... وَ أُمَّا الَّتِي يَهْزِلُنَ: فَادْمَانُ أَكْلِ الْبَيْضِ وَالسَّمَكِ وَالطَّلْعَ. [۱۱۱۱]

۲۰۲۹. عنه عليه السلام: أَكَلَ الْحَيْتَانِ يُذِيبُ الْجِسْمَ. [۱۱۱۲]

۲۰۳۰. الإمام الكاظم عليه السلام: السَّمَكُ الطَّرِيُّ يُذِيبُ الْجَسَدَ. [۱۱۱۳]

۲۰۳۱. عنه عليه السلام: السَّمَكُ الطَّرِيُّ يُذِيْبُ شَحْمَ الْعَيْنَيْنِ. [۱۱۱۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۸۹

۲۰۲۴. امام علی علیه السلام: کمتر ماهی بخورید؛ چرا که بدن را ذوب می کند، بلغم را افزون می سازد و نَفَس را سنگین می نماید.

۲۰۲۵. امام علی علیه السلام: از [مداومت بر] خوردن ماهی، حذر کنید؛ چرا که ماهی، بدن را به سل، گرفتار می سازد.

۲۰۲۶. امام علی علیه السلام: کمتر ماهی بخورید؛ چرا که گوشتش بدن را نحیف می کند، بلغم را افزون می سازد و نَفَس را سنگین می نماید.

۲۰۲۷. امام باقر علیه السلام: این ماهی برای پرده چشم، بد است.

۲۰۲۸. امام صادق علیه السلام: سه چیز، چاق کننده اند و سه چیز، لاغر کننده: ... و اما آن سه چیز که لاغر می کنند، عبارت اند از: اعتیاد به خوردن تخم مرغ و ماهی و شکوفه خرما.

۲۰۲۹. امام صادق علیه السلام: [پیوسته خوردن ماهی، بدن را ذوب می کند.

۲۰۳۰. امام کاظم علیه السلام: [پیوسته خوردن ماهی تازه، بدن را ذوب می کند.

۲۰۳۱. امام کاظم علیه السلام: [پیوسته خوردن ماهی تازه، بیه چشمان را ذوب می کند. [۱۱۱۵]

### اظهار نظر

با آنکه سند احادیث نهی کننده از «پیوسته خوردن گوشت ماهی»، ضعیف است، اما نقل فراوان این مضمون، به گونه ای است که می تواند برای پژوهشگران، نوعی گمان را به صدور این دسته از احادیث، به وجود آورد. با وجود این، برای اظهار نظر قطعی در این باره، بررسی علمی و آزمایشگاهی ضرورت دارد.

ر. ک: ج ۲، ص ۱۱۷ (آداب خوردن گوشت).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۰

الفصل السادس و الخمسون: اللویا

۲۰۳۲. الإمام الصادق علیه السلام: اللُّویَا یَطْرُدُ الرِّیَاحَ المُسْتَبِطَنَةَ. [۱۱۱۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۱

### فصل پنجاه و ششم: لویا

### اشاره

۲۰۳۲. امام صادق علیه السلام: لویا، بادهای نهفته درون را دور می کند.

### بیان

صاحب بحر الجواهر گفته است:

لویبا از دانه‌های معروف، در طبع خود، گرم، و دارای یبوستی معتدل است. برخی نیز گفته‌اند: سرد و خشک است. از خونِ نفاس پاک می‌کند، خونِ قاعدگی و پیشاب را به جریان می‌اندازد، بدن را رطوبت و خرمی می‌دهد و جنین و جفت را می‌اندازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۲

الفصل السابع و الخمسون: الماش

۲۰۳۳. مکارم الأخلاق عن الإمام الرضا عليه السلام و قد سأله بعض أصحابه عن البهق: خذ الماش الرطب في أيامه، و دقه مع ورقه، و اعصر الماء و اشربه على الرقيق، و اطله على البهق.

قال: ففعلت، فعوفيت. [۱۱۱۷]

۲۰۳۴. الكافي عن أحمد بن الحسن الجلاب عن بعض أصحابنا، قال: شككنا رجلاً إلى أبي الحسن عليه السلام البهق، فأمره أن يطبخ الماش و يتحساه، و يجعله في طعامه. [۱۱۱۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۳

## فصل پنجاه و هفتم: ماش

### اشاره

۲۰۳۳. مکارم الأخلاق به نقل از یکی از یاران امام رضا علیه السلام که از ایشان درباره بَهک [بَهک ۱۱۱۹] پرسید: امام رضا علیه السلام فرمود: «قدری ماش تازه را در فصل برداشت آن بردار و همراه با برگش بکوب و سپس بفشرد تا آبش گرفته شود. این آب را در حالت ناشتا بخور و بر قسمت‌های بَهک زده پوست نیز بمال.»

این کار را انجام دادم و بهبود یافتم.

۲۰۳۴. الکافی به نقل از احمد بن حسن بن جلاب، از یکی از هم‌مسلمانان ما: مردی نزد امام کاظم علیه السلام از بَهک، اظهار ناراحتی کرد.

امام علیه السلام به او فرمود که ماش را بیزد و از آن، نوشاکی بسازد و آن را در غذای خویش بریزد.

### بیان

علامه مجلسی می‌گوید:

[فیروزآبادی در قاموس گفته است: ماش، دانه‌ای است شناخته‌شده با طبعی معتدل و ستوده. برای تب‌دار و سرماخورده، سودمند است، مُلین است و چون در سرکه پخته شود، برای گری‌های چرکین، سودمند است. پماد حاصل از آن، اندام‌های گرفتار به ضعف و سستی را تقویت می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۴

۲۰۳۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ أَنْ: اِبْدَأْ بِالْمِلْحِ وَ اخْتِمِ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّ فِي الْمِلْحِ دَوَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، أَهْوَنُهَا الْجُنُونُ، وَ الْجُدَامُ، وَ الْبَرَصُ، وَ وَجَعُ الْحَلْقِ وَ الْأَضْرَاسِ، وَ وَجَعُ الْبَطْنِ. [۱۱۲۰]

۲۰۳۶. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ فِيهِمَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ: يَا عَلِيُّ، افْتَتِحْ طَعَامَكَ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، مِنْهَا: الْجُنُونُ، وَ الْجُدَامُ، وَ الْبَرَصُ، وَ وَجَعُ الْحَلْقِ وَ الْأَضْرَاسِ، وَ وَجَعُ الْبَطْنِ. [۱۱۲۱]

۲۰۳۷. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَكَلَ الْمِلْحَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، رَفَعَهُ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ، أَهْوَنُهَا الْجُدَامُ. [۱۱۲۲]

۲۰۳۸. الكافي عن محمد بن مسلم [عن الإمام الباقر عليه السلام ۱۱۲۳]: إِنَّ الْعَقْرَبَ لَسَعَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَقَالَ: لَعَنَكَ اللَّهُ! فَمَا تَبَالَيْنَ مُؤْمِنًا آذَيْتِ أُمَّ كَافِرًا. ثُمَّ دَعَا بِالْمِلْحِ فَدَلَّكَهُ فَهَدَّأَتْ. [۱۱۲۴]

ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا بَغَوْا مَعَهُ دِرْيَاقًا. [۱۱۲۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۵

### فصل پنجاه و هشتم: نمک

۲۰۳۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خداوند عز و جل به موسی بن عمران وحی کرد که: «با نمک، آغاز کن و با نمک، پایان ده؛ چرا که درمان هفتاد درد، در نمک است و کمترین این دردها دیوانگی، جذام، پیسی، گلودرد، دندان درد و شکم درد است».

۲۰۳۶. امام باقر علیه السلام: از سفارش‌های پیامبر خدا به علی علیه السلام این بود که فرمود: «ای علی! غذای خویش را با نمک، آغاز کن؛ چرا که درمان هفتاد درد، در نمک است و دیوانگی، پیسی، گلودرد، دندان درد و شکم درد، از جمله این دردهاست».

۲۰۳۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس پیش از هر چیز و پس از هر چیز، نمک بخورد، خداوند سیصد و سی نوع بلا را که کمترینش جذام است، از او برمی‌دارد.

۲۰۳۸. الكافي به نقل از محمد بن مسلم، از امام باقر علیه السلام: کژدمی، پیامبر خدا را نیش زد. پیامبر علیه السلام فرمود: «خدایت لعنت کند که هیچ برایت تفاوتی نمی‌کند که مؤمنی را بگری یا کافری را!».

سپس قدری نمک خواست و بر جای گزیش مالید و در نتیجه درد، فرو نشست.

اگر مردم از آنچه در نمک هست، آگاهی داشتند، با وجود آن، دیگر هیچ پادزهری نمی‌جستند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۶

۲۰۳۹. الإمام علی علیه السلام: مَنْ ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ؛ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً وَ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. [۱۱۲۶]

۲۰۴۰. الكافي عن سعد الإسكاف عن الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ فِي الْمِلْحِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، أَوْ قَالَ: سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْأَوْجَاعِ.

ثُمَّ قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا تَدَاوَوْا إِلَّا بِهِ. [۱۱۲۷]

۲۰۴۱. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ ذَرَّ عَلَى أَوَّلِ لُقْمَةٍ مِنْ طَعَامِهِ الْمِلْحَ؛ ذَهَبَ عَنْهُ بِنَمَشِ الْوَجْهِ. [۱۱۲۸]

۲۰۴۲. عنه عليه السلام: إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانُوا يَسْتَفْتِحُونَ بِالْخَلِّ وَيَخْتَمُونَ بِهِ، وَنَحْنُ نَسْتَفْتِحُ بِالْمِلْحِ وَنَخْتِمُ بِالْخَلِّ. [۱۱۲۹]

راجع: ج ۱: ص ۲۷۰ (ما يمنع الجنون/الملح). ج ۱، ص ۴۸۰ (صحة الجلد/افتتاح الطعام بالملح). ج ۲، ص ۸۰ (آداب أكل الطعام/افتتاح الطعام بالملح والاختتام به أو بالخل). ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۱۷۵۷.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۷

۲۰۳۹. امام علی علیه السلام: هر کس غذای خود را با نمک آغاز کند، هفتاد درد و دردهای بسیار دیگری که کسی جز خداوند عز و جل آنها را نمی‌داند از وی دور می‌شوند.

۲۰۴۰. الکافی به نقل از سعد اسکاف: امام باقر علیه السلام فرمود: «همانا در نمک، شفای هفتاد درد است» یا فرمود: «هفتاد نوع از انواع درد».

سپس فرمود: «اگر مردم می‌دانستند که در نمک چه خواصی هست، خود را جز به آن، مداوا نمی‌کردند».

۲۰۴۱. امام صادق علیه السلام: هر کس بر نخستین لقمه از غذای خود نمک بپاشد، کک مک صورت او از میان می‌رود.

۲۰۴۲. امام صادق علیه السلام: بنی اسرائیل، [غذای خود را] با سرکه آغاز می‌کردند و با همان نیز به پایان می‌بردند؛ ولی ما با نمک آغاز می‌کنیم و با سرکه به پایان می‌بریم.

[۱۱۳۰]

ر. ک: ج ۱، ص ۲۷۱ (آنچه مانع دیوانگی می‌شود/نمک). ج ۱، ص ۴۸۱ (پوست/بهداشت پوست/آغاز کردن غذا با نمک). ج ۲، ص ۸۱ (آداب غذا خوردن/آغاز کردن غذا با نمک و به پایان بردن آن با نمک یا سرکه). ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۱۷۵۷.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۸

## الفصل التاسع والخمسون: الهريسة

۲۰۴۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: أتاني جبرئيل عليه السلام فأمرني بأكل الهريسة، ليشئت ظهري، وأقوى بها على عبادة ربي. [۱۱۳۱]

۲۰۴۴. الإمام علي عليه السلام: عليكم بالهريسة؛ فإنها توشط للعبادة أربعين يوماً، وهي من المائدة التي أنزلت على رسول الله صلى الله عليه وآله. [۱۱۳۲]

۲۰۴۵. الإمام الصادق عليه السلام: إن رسول الله صلى الله عليه وآله شكاً إلى ربه عز وجل وجع الظهر، فأمره بأكل الحب باللحم، يعنى الهريسة. [۱۱۳۳]

۲۰۴۶. عنه عليه السلام: إن نبياً من الأنبياء شكاً إلى الله الضعف وقلة الجماع، فأمره بأكل الهريسة. [۱۱۳۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۴۹۹

## فصل پنجاه و نهم: هَلِيم

۲۰۴۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: جبرئیل، نزد من آمد و مرا به خوردن هَلِيم [۱۱۳۵]، فرمان داد تا پُشتم قوی شود و با آن، توان بندگی پروردگار خویش بیابم.

۲۰۴۴. امام علی علیه السلام: بر شما باد هَلِيم؛ چرا که تا چهل روز، نشاط عبادت می‌دهد. آن خود، جزئی از سفره آسمانی‌ای است



که بر پیامبر خدا فرو فرستاده شد.

۲۰۴۵. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، از درد پشت، به درگاه پروردگار خویش عز و جل نالید. خداوند، او را به خوردن گندم همراه با گوشت (یعنی همان هَلیم) فرمان داد.

۲۰۴۶. امام صادق علیه السلام: یکی از پیامبران، از ضعف و کمی توان آمیزش، به درگاه خداوند عز و جل اظهار ناراحتی کرد. خداوند، او را به خوردن هَلیم، فرمان داد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰۰

۲۰۴۷. الکافی عن أيوب بن نوح: حَدَّثَنِي مَنْ أَكَلَ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَرِيصَةً بِالْجَاوَرِسِ، وَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ طَعَامٌ لَيْسَ فِيهِ ثَقَلٌ وَلَا لَهُ غَائِلَةٌ، وَإِنَّهُ أَعْجَبَنِي، فَأَمَرْتُ أَنْ يُتَّخَذَ لِي، وَهُوَ بِاللَّبَنِ أَنْفَعُ وَاللَّيْنُ فِي الْمَعِدَةِ. [۱۱۳۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰۱

۲۰۴۷. الکافی به نقل از ایوب بن نوح: یکی از کسانی که با امام کاظم علیه السلام هَلیم گاورس [۱۱۳۷] خورده بود، برای من نقل کرد که امام علیه السلام فرمود: «هان که آن، غذایی است بدون سنگینی و عارضه. بدان علاقه دارم و خواسته‌ام تا برایم آماده کنند. آن، همراه با شیر، سودمندتر و در معده نیز نرم‌تر است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰۲

#### الفصل السُّتُونَ: الهِنْدَبَاءُ

۲۰۴۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: الهِنْدَبَاءُ سَيِّدُ الْبَقُولِ. [۱۱۳۸]

۲۰۴۹. الإمام علي عليه السلام: كُلُوا الْهِنْدَبَاءَ، فَمَا مِنْ صَبَاحٍ إِلَّا وَتَنْزَلُ عَلَيْهَا قَطْرَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ، فَإِذَا أَكَلْتُمُوهَا فَلَا تَنْفُسُوهَا. [۱۱۳۹]

۲۰۵۰. الإمام الصادق عليه السلام: نِعَمَ الْبَقُولِ الْهِنْدَبَاءُ، وَلَيْسَ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا وَعَلَيْهَا قَطْرَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ، فَكُلُوهَا وَلَا تَنْفُسُوهَا عِنْدَ أَكْلِهَا. وَكَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْهَانَا أَنْ نَنْفُسَهُ إِذَا أَكَلْنَاهُ. [۱۱۴۰]

۲۰۵۱. عنه عليه السلام: مَنْ بَاتَ وَفِي جَوْفِهِ سَبْعُ طَاقَاتٍ مِنَ الْهِنْدَبَاءِ، أَمِنَ مِنَ الْقَوْلَجِ لَيْتَهُ تِلْكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. [۱۱۴۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰۳

#### فصل شصتم: كَاسِنِي

۲۰۴۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: كَاسِنِي [۱۱۴۲] مهتر همه سبزی‌هاست.

۲۰۴۹. امام علی علیه السلام: کاسنی بخورید، که هیچ صبحی نیست، مگر این که قطره‌ای از بهشت بر آن، فرو می‌افتد. چون خواستید آن را بخورید، قطره‌های آب را از رویش فرو متکانید.

۲۰۵۰. امام صادق علیه السلام: کاسنی، نکو سبزی‌ای است. هیچ برگی از آن نیست که قطره‌ای از بهشت بر آن نباشد. آن را بخورید و به گاه خوردن، متکانید. پدرم علیه السلام ما را نهی می‌فرمود که به هنگام خوردن کاسنی، آن را بتکانیم.

۲۰۵۱. امام صادق علیه السلام: هر کس در حالی بخوابد که در درون او، هفت تا که کاسنی باشد، به خواست خداوند، آن شب از قولنج، در امان است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰۴

۲۰۵۲. عنه عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْهِنْدَبَاءِ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ، وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ، وَهُوَ حَارٌّ لَيِّنٌ يَزِيدُ فِي الْوَلَدِ الذَّكُورَةَ. [۱۱۴۳]

۲۰۵۳. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكْثُرَ مَأْوُهُ وَوَلَدُهُ؛ فَلْيَدْمِنْ أَكْلَ الْهِنْدَبَاءِ. [۱۱۴۴]

۲۰۵۴. الكافي عن محمد بن الفيض: تَعَدَّيْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى الْخِوَانِ بَقْلًا، وَمَعَنَا شَيْخٌ فَجَعَلَ يَتَنَكَّبُ الْهِنْدَبَاءَ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا أَنْتُمْ فَتَرَعُمُونَ أَنَّ الْهِنْدَبَاءَ بَارِدَةٌ، وَلَيْسَتْ كَذَلِكَ وَلَكِنَّهَا مُعْتَدِلَةٌ، وَفَضْلُهَا عَلَى الْبُقُولِ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ. [۱۱۴۵]

۲۰۵۵. الإمام الرضا عليه السلام: الْهِنْدَبَاءُ شِفَاءٌ مِنْ أَلْفِ دَاءٍ، مَا مِنْ دَاءٍ فِي جَوْفِ ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَمَعَهُ الْهِنْدَبَاءُ. [۱۱۴۶]  
راجع: ج ۱، ص ۲۶۶ (ما ينفع للصداع/الهندباء). ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۶۷۶.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْ خَلَقْتَ فَسُوتَ، وَ أُمَّتَ وَ أَحْيَيْتَ، وَ أَمْرَضْتَ وَ شَفَيْتَ وَ عَافَيْتَ وَ أَبْلَيْتَ.

اللَّهُمَّ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ نَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ، عَافِيَةً تَتَّبِعُهَا عَافِيَةٌ، شَافِيَةٌ كَامِلَةٌ، عَافِيَةُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

وَ تَقْبَلُ مِنَّا بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۰۵

۲۰۵۲. امام صادق علیه السلام: بر تو باد کاسنی؛ چرا که آب (منی) را افزون می‌سازد و فرزند را نکو می‌کند. گرم و ملین است و پسرزایی را بیشتر می‌کند. [۱۱۴۷]

۲۰۵۳. امام صادق علیه السلام: هر کس دوست دارد آب (منی) او و فرزندانش فراوان شود، بر خوردن کاسنی، مداومت ورزد.

۲۰۵۴. الكافي به نقل از محمد بن فیض: همراه با امام صادق علیه السلام ناهار می‌خوردم و قدری سبزی نیز بر سفره بود. در کنار ما پیرمردی بود که از کاسنی، دوری می‌گزید. امام علیه السلام فرمود: «گویا گمان می‌کنید که کاسنی، سرد است، در حالی که چنین نیست؛ بلکه معتدل است و برتری آن بر دیگر سبزی‌ها، به سان برتری ما بر دیگر مردمان است».

۲۰۵۵. امام رضا علیه السلام: کاسنی، درمان هزار درد است. هیچ دردی در درون آدمی زاده نیست، مگر این که کاسنی، آن را در هم می‌کوبد.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۶۷ (آنچه برای سردرد، سودمند است/ کاسنی). ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۶۷۶.

خداوندا! تو را سپاس که آفریدی و به اعتدال داشتی، میراندی و زنده ساختی، بیمار کردی و درمان نمودی، آسودگی بخشیدی و گرفتاری دادی.

خداوندا، ای خداوندگار آسایش! از تو آسایش می‌طلبیم؛ آسایشی که در پی خود، همچنان آسایش بیاورد و خود، کامل و همه‌جاگیر باشد؛ آسایشی در هر دو سرای.

به حقّ محمد و خاندان محمد، از ما به بهترین پذیرش، بپذیر، ای آنکه بدی‌ها را به نیکی بدل می‌کنی، ای مهربان‌ترین مهربانان!

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۳۹

## فهرست منابع و مآخذ

۱. القرآن الکریم.

۲. إتحاف السادة المتقين بشرح إحياء علوم الدين. لأبي الفيض محمد بن محمد الزبيدي) ت ۱۲۰۵ هـ (، دار الفكر- بيروت.

۳. الاحتجاج على أهل اللجاج. لأبي منصور أحمد بن علي بن أبي طالب الطبرسي) ت ۶۲۰ هـ (، تحقيق: إبراهيم البهادرى و محمد هادى به، دار الاسوه- طهران، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ.

۴. إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل. للشهيد القاضى نور الله بن السيد شريف الشوشترى) ت ۱۰۱۹ هـ (، مع تعليقات السيد شهاب الدين

المرعشى، مكتبة آية الله المرعشى - قم، الطبعة الاولى ١٤١١ هـ.

٥. الاحكام النبوية فى الصناعة الطبية. لآبى الحسن على بن عبد الكريم بن طرخان الحموى الكحال) ت ٧٢٠ ق (، تحقيق: عبد السلام هاشم حافظ، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابى الحلبي و اولاده- مصر، ١٣٧٤ ق.

٦. إحياء علوم الدين. لآبى حامد محمد بن محمد الغزالي) ت ٥٠٥ هـ (، دار الهادى - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٢ هـ.

٧. الاختصاص. المنسوب إلى أبى عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادي المعروف بالشيخ المفيد) ت ٤١٣ هـ (، تحقيق: على أكبر الغفارى، مؤسسة النشر الإسلامى - قم، الطبعة الرابعة ١٤١٤ هـ.

دانشنامه احاديث پزشكى، ج ٢، ص: ٥٤٠

٨. الاخوان. لآبى بكر عبد الله بن محمد بن ابى الدنيا) ت ٢٨١ ق (، تحقيق و تعليق: محمد عبد الرحمن طوالبه، دار الاعتصام - قاهره.

٩. الأدب المفرد. لآبى عبد الله محمد بن إسماعيل البخارى) ت ٢٥٦ هـ (، تحقيق: محمد بن عبد القادر عطا، دار الكتب العلميه - بيروت.

١٠. الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد. لآبى عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادي المعروف بالشيخ المفيد) ت ٤١٣ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت - قم، الطبعة الاولى ١٤١٣ هـ.

١١. إرشاد القلوب. لآبى محمد الحسن بن أبى الحسن الديلمى) ت ٧١١ هـ (، مؤسسة الأعلمى - بيروت، الطبعة الرابعة ١٣٩٨ هـ.

١٢. الاستبصار فيما اختلف من الأخبار. لآبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى) ت ٤٦٠ هـ (، تحقيق: حسن الموسوى الخرسان، دار الكتب الإسلاميه - طهران، الطبعة الاولى.

١٣. اسد الغابه فى معرفة الصحابه. لآبى الحسن عز الدين على بن أبى الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيبانى المعروف بابن الأثير الجزرى) ت ٦٣٠ هـ (، تحقيق: على محمد معوض و عادل أحمد عبد الموجود، دار الكتب العلميه - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٥ هـ.

١٤. الإصابه فى تمييز الصحابه. لآبى الفضل أحمد بن على بن الحجر العسقلانى) ت ٨٥٢ هـ (، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود و على محمد معوض، دار الكتب العلميه - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٥ هـ.

١٥. الاصول الستة عشر. عدّه من الرواه، دار الشبسترى - قم، الطبعة الثانيه، ١٤٠٥ هـ.

١٦. الاعتقادات. لآبى جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق) ت ٣٨١ هـ (، تحقيق: عاصم عبد السيد، المؤتمر العالمى لألفيه الشيخ المفيد - قم، الطبعة الاولى ١٤١٣ هـ.

١٧. أعلام الدين فى صفات المؤمنين. لآبى محمد الحسن بن محمد الديلمى) ت ٧١١ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام - قم.

١٨. إعلام الورى بأعلام الهدى. لآبى على الفضل بن الحسن الطبرسى) ت ٥٤٨ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت - قم، الطبعة الاولى ١٤١٧ هـ.

دانشنامه احاديث پزشكى، ج ٢، ص: ٥٤١

١٩. الأمالى للطوسى. لآبى جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسى) ت ٤٦٠ هـ (، تحقيق: مؤسسة البعثه، دار الثقافه - قم، الطبعة الاولى ١٤١٤ هـ.

٢٠. الأمالى للمفيد. لآبى عبد الله محمد بن النعمان العكبرى البغدادي المعروف بالشيخ المفيد) ت ٤١٣ هـ (، تحقيق: حسين استاد ولى و على أكبر الغفارى، مؤسسة النشر الإسلامى - قم، الطبعة الثانيه ١٤٠٤ هـ.

٢١. بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام. للعلامة محمد باقر بن محمد تقى المجلسى) ت ١١١٠ هـ (، مؤسسة

الوفاء - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٣ هـ.

٢٢. البداية و النهاية. لأبي الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير (دمشق) ت ٧٧٤ هـ (، تحقيق و نشر: مكتبة المعارف - بيروت.

٢٣. بشارة المصطفى لشيعه المرتضى. لأبي جعفر محمد بن محمد بن علي الطبري) ت ٥٢٥ هـ (، المطبعة الحيدريه - النجف الأشرف، الطبعة الثانية ١٣٨٣ هـ.

٢٤. البلد الأمين و الدرع الحصين. لتقي الدين إبراهيم بن زين الدين الكفعمي) ت ٩٠٥ هـ (.

٢٥. البيان و التبيين. لأبي عثمان عمرو بن بحر الكناني الليثي المعروف بالجاحظ) ت ٢٥٥ هـ (، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، مكتبة الخانجي - قاهره، الطبعة الخامسة ١٤٠٥ هـ.

٢٦. تاج العروس من جواهر القاموس. للسيد محمد بن محمد مرتضى الحسيني الزبيدي) ت ١٢٠٥ هـ (، تحقيق: علي شيري، دار الفكر - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٤ هـ.

٢٧. تاريخ أصبهان. لأبي نعيم أحمد بن عبد الله الإصفهاني) ت ٤٣٠ هـ (، تحقيق: سيد كسروي حسن، دار الكتب العلميه - بيروت.

٢٨. تاريخ بغداد أو مدينة السلام. لأبي بكر أحمد بن علي الخطيب البغدادي) ت ٤٦٣ هـ (، المكتبة السلفيه - المدينة المنوره.

٢٩. تاريخ دمشق. لأبي القاسم علي بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساكر الدمشقي) ت ٥٧١ هـ (، تحقيق: علي الشيري، دار الفكر - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٥ هـ.

٣٠. تاريخ الطبري) تاريخ الامم و الملوك (، لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري) ت ٣١٠ هـ (، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار المعارف - مصر.

٣١. التاريخ الكبير. لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري) ت ٢٥٦ هـ (، دار الفكر - بيروت.

دانشنامه احاديث پزشكي، ج ٢، ص: ٥٤٢

٣٢. تحرير الوسيله. للامام روح الله الموسوي الخميني) ت ١٣٥٨ (، دار الكتب العلميه، مؤسسه اسماعيليان - قم.

٣٣. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله. لأبي محمد الحسن بن علي الحزاني المعروف بابن شعبه) ت ٣٨١ هـ (، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مؤسسه النشر الإسلاميه - قم، الطبعة الثانية ١٤٠٤ هـ.

٣٤. الترغيب و التهيب من الحديث الشريف. لزكي الدين عبد العظيم بن عبد القوي المنذري) ت ٦٥٦ ق (، ضبط احاديثه و علق عليه مصطفى محمد عماره، بيروت - دار احياء التراث العربي، ١٤٠٨ ق.

٣٥. تصحيح الاعتقاد) مصنفات الشيخ المفيد (، لأبي عبد الله محمد بن محمد بن نعمان العكبري المعروف بالشيخ المفيد) ت ٤١٣ هـ (، تحقيق: حسين درگاهي، المؤتمر العالمي لألفيه الشيخ المفيد - قم، الطبعة الاولى ١٤١٣ هـ.

٣٦. تفسير التبيان. لشيخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي) ت ٤٦٠ هـ (، مكتبة الأمين - النجف الأشرف، ١٣٨١ هـ.

٣٧. تفسير العياشي. لأبي النضر محمد بن مسعود السلمى السمرقندي المعروف بالعياشي) ت ٣٢٠ هـ (، تحقيق: السيد هاشم الرسولي المحلّاتي، المكتبة العلميه - طهران، الطبعة الاولى ١٣٨٠ هـ.

٣٨. تفسير القرطبي) الجامع لأحكام القرآن (، لأبي عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي) ت ٦٧١ هـ (، تحقيق: محمد عبد الرحمن المرعشلي، دار احياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٥ هـ.

٣٩. تفسير القمي. لأبي الحسن علي بن إبراهيم بن هاشم القمي) ت ٣٠٧ هـ (، إعداد: السيد الطيب الموسوي الجزائري، مطبعة النجف الأشرف.

٤٠. تفسير مجمع البيان. لأبي علي الفضل بن الحسن الطبرسي) ت ٥٤٨ هـ (تحقيق: السيد هاشم الرسولي المحلّاتي و السيد فضل الله الزبيدي الطباطبائي، دار المعرفه - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٨ هـ.

٤١. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام. تحقيق و نشر: مدرسة الإمام المهدي - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ.  
دانشنامه احاديث پزشکی، ج ٢، ص: ٥٤٣
٤٢. التمهيص. لأبي علي محمد بن همام الاسكافي) ت ٣٣٦ هـ (، تحقيق و نشر: مدرسة الإمام المهدي) عج (- قم).
٤٣. تنبيه الخواطر و نزهة النواظر) مجموعة ورام (. لأبي الحسين ورام بن أبي فراس) ت ٦٠٥ هـ (، دار التعارف و دار صعب - بيروت.
٤٤. التوحيد. لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق) ت ٣٨١ هـ (، تحقيق: هاشم الحسيني الطهراني، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، الطبعة الأولى ١٣٩٨ هـ.
٤٥. تهذيب الأحكام في شرح المقنعة. لأبي جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي) ت ٤٦٠ هـ (، تحقيق: سيد حسن الموسوي الخراسان، دار التعارف - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠١ هـ.
٤٦. تهذيب التهذيب. لأبي الفضل أحمد بن علي بن حجر العسقلاني) ت ٨٥٢ هـ (، تحقيق: خليل مأمون شيحا و عمر السلاحى و علي بن مسعود، دار المعرفة - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٧ هـ.
٤٧. تهذيب الكمال في أسماء الرجال. ليونس بن عبد الرحمن المرزى) ت ٧٤٢ هـ (، تحقيق: الدكتور بشار عواد معروف، مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ.
٤٨. الثاقب في المناقب. لأبي جعفر محمد بن علي بن حمزة الطوسي) ت ٥٦٠ هـ (، تحقيق: رضا علوان، مؤسسة أنصاريان - قم، الطبعة الثانية ١٤١٢ هـ.
٤٩. الثقات. لأبي حاتم محمد بن حبان البستي) ت ٣٥٤ هـ (، مؤسسة الكتب الثقافية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ.
٥٠. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. لأبي جعفر محمد بن علي القمي المعروف بالصدوق) ت ٣٨١ هـ (، تحقيق: علي أكبر الغفاري، مكتبة الصدوق - تهران.
٥١. جامع الأحاديث. لأبي محمد جعفر بن أحمد بن علي القمي المعروف بابن الرازي) القرن الرابع (، تحقيق: السيد محمد الحسيني النيسابوري، مؤسسة الطبع و النشر التابعة للحضرة الرضوية المقدسة - مشهد، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ.  
دانشنامه احاديث پزشکی، ج ٢، ص: ٥٤٤
٥٢. جامع الأحاديث. لجلال الدين عبد الرحمن بن ابى بكر السيوطي) ت ٩١١ ق (، جمع و ترتيب: عباس احمد صقر و احمد عبد الموجود، دار الفكر - بيروت، ١٤١٤ ق.
٥٣. جامع الأخبار أو معارج اليقين في اصول الدين. لمحمد بن محمد الشعيري السيزواري) القرن السابع (، تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت - قم، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ.
٥٤. الجامع الصغير في أحاديث البشير النذير. لجلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطي) ت ٩١١ هـ (، دار الفكر - بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠١ هـ.
٥٥. الجامع لاخلق الراوى و آداب السامع. لابي بكر احمد بن علي الخطيب البغدادي) ت ٤٦٣ ق (، تحقيق: محمد عجاج الخطيب، مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٢ ق.
٥٦. حلية الأولياء و طبقات الأصفياء. لأبي نعيم أحمد بن عبد الله الإصبهاني) ت ٤٣٠ هـ (، دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة الثانية ١٣٨٧ هـ.
٥٧. حياة الحيوان الكبرى. لكمال الدين محمد بن موسى الدميري) ت ٨٠٨ هـ (، دار إحياء التراث العربي - بيروت.
٥٨. الخرائج و الجرائح. لأبي الحسين سعيد بن عبد الله الراوندى المعروف بقطب الدين الراوندى) ت ٥٧٣ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسة الإمام المهدي) عج (- قم، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ.

٥٩. الخصال. لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق) ت ٣٨١ هـ (، مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة الرابعة ١٤١٤ هـ.
٦٠. خصائص الأئمة عليهم السلام) خصائص أمير المؤمنين عليه السلام (، لأبي الحسن الشريف الرضي محمد بن الحسين بن موسى الموسوي) ت ٤٠٦ هـ (، تحقيق: محمد هادي الأميني، مجمع البحوث الإسلامية التابع للحضرة الرضوية المقدسة - مشهد، سنة ١٤٠٦ هـ.
٦١. الدر المنثور في التفسير المأثور. لجلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي) ت ٩١١ هـ (، دار الفكر - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٤ هـ.
٦٢. الدروس الشرعية في فقه الإمامية. لشمس الدين محمد بن مكى العاملى المعروف بالشهيد الأول) ت ٧٨٦ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسة النشر الإسلامي - قم.
٦٣. الدرر الواقية. لأبي القاسم علي بن موسى بن طاووس الحلبي) ت ٦٦٤ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت - قم، الطبعة الاولى ١٤١٤ هـ.
- دانشنامه احاديث پزشكى، ج ٢، ص: ٥٤٥
٦٤. دستور معالم الحكم و مأثور مكارم الشيم. لأبي عبد الله بن محمد بن سلامة القضاعى) ت ٤٥٤ هـ (، دار الكتاب العربى - بيروت، الطبعة الاولى ١٤٠١ هـ.
٦٥. الدعاء. لأبي القاسم سليمان بن أحمد الطبراني) ت ٣٦٠ هـ (، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٣ هـ.
٦٦. دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام. لأبي حنيفة النعمان بن محمد بن منصور بن أحمد بن حيون التميمي المغربي) ت ٣٦٣ هـ (، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضى، دار المعارف - مصر، الطبعة الثالثة ١٣٨٩ هـ.
٦٧. الدعوات. لأبي الحسين سعيد بن عبد الله الراوندى المعروف بقطب الدين الراوندى) ت ٥٧٣ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسة الإمام المهدي) عج ( - قم، الطبعة الاولى ١٤٠٧ هـ.
٦٨. الديوان المنسوب إلى الإمام علي. لأبي الحسن محمد بن الحسين الكيدري) ت قرن ٦ هـ (، ترجمة: أبو القاسم إمامي، النشر الاسوة - طهران،
٦٩. ربيع الأبرار و نصوص الأخبار. لأبي القاسم محمود بن عمر الزمخشري) ت ٥٣٨ هـ (، تحقيق: سليم النعيمي، منشورات الرضى - قم، الطبعة الاولى ١٤١٠ هـ.
٧٠. رجال الكشي) اختيار معرفة الرجال (، لأبي جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي) ت ٤٦٠ هـ (، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، مؤسسة آل البيت - قم، الطبعة الاولى ١٤٠٤ هـ.
٧١. الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإمامية. لمير محمد باقر الحسيني المرعشى الداماد) ت ١٠٤١ هـ (، مكتبة آية الله المرعشى - قم، الطبعة الاولى ١٤٠٥ هـ.
٧٢. روضة الواعظين. لمحمد بن الحسن بن علي القتال النيسابوري) ت ٥٠٨ هـ (، تحقيق: حسين الأعلمي، مؤسسة الأعلمي - بيروت، الطبعة الاولى ١٤٠٦ هـ.
٧٣. الزهد. لأبي عبد الرحمن بن عبد الله بن المبارك الحنظلي المروزي) ت ١٨١ هـ (، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، دار الكتب العلمية - بيروت.
٧٤. سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد. لمحمد بن يوسف الصالحى الشامى) ت ٩٤٢ ق (، تحقيق: مصطفى عبد الواحد، المجلس الاعلى للشؤون الاسلامية، لجنة احياء التراث الاسلامية، ١٤١٤ ق.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴۶

۷۵. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. لأبی جعفر محمّد بن منصور بن أحمد بن إدريس الحلّی) ت ۵۹۸ هـ (، تحقیق و نشر: مؤسسه النشر الإسلامی - قم، الطبعة الثانية ۱۴۱۰ هـ.

۷۶. سنن ابن ماجه. لأبی عبد الله محمّد بن يزيد بن ماجه القزوينی) ت ۲۷۵ هـ (، تحقیق: محمّد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الاولى ۱۳۹۵ هـ.

۷۷. سنن أبي داود. لأبی داود سليمان بن أشعث السجستاني الأزدي) ت ۲۷۵ هـ (، تحقیق: محمّد محيى الدين عبد الحميد، دار احیاء السنة النبویة - بيروت.

۷۸. سنن الترمذی) الجامع الصحيح (. لأبی عيسى محمّد بن عيسى بن سورة الترمذی) ت ۲۹۷ هـ (، تحقیق: أحمد محمّد شاکر، دار إحياء التراث - بيروت.

۷۹. سنن الدار قطنی. لأبی الحسن علی بن عمر البغدادي المعروف بالدار قطنی) ت ۲۸۵ هـ (، تحقیق: أبو الطیب محمّد آبادی، عالم الكتب - بيروت، الطبعة الرابعة ۱۴۰۶ هـ.

۸۰. سنن الدارمی. لأبی محمّد عبد الله بن عبد الرحمن الدارمی) ت ۲۵۵ هـ (، تحقیق: مصطفى ديب البغا، دار القلم - بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۲ هـ.

۸۱. السنن الكبرى. لأبی بكر أحمد بن الحسين بن علی البيهقي) ت ۴۵۸ هـ (، تحقیق: محمّد عبد القادر عطا، دار الكتب العلمیة - بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۴ هـ.

۸۲. السنن الكبرى. لأبی عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي، تحقیق: عبد الغفار سليمان البنداري، دار الكتب العلمیة - بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۱ هـ.

۸۳. سنن النسائي). بشرح الحافظ جلال الدين السيوطی و حاشیة الإمام السندی (، لأبی عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي) ت ۳۰۳ هـ (، دار الجيل - بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۷ هـ.

۸۴. سير أعلام النبلاء. لأبی عبد الله محمّد بن أحمد الذهبي) ت ۷۴۸ هـ (، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسه الرسالة - بيروت، الطبعة العاشرة ۱۴۱۴ هـ.

۸۵. السيرة النبویة. لأبی محمّد عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري) ت ۲۱۸ هـ (، تحقیق: مصطفى السقا و إبراهيم الأبياري، مكتبة المصطفى - قم، الطبعة الاولى ۱۳۵۵ هـ.

۸۶. شرح اسماء العقار. لابی عمران موسى بن عبيد الله القرطبي) ت (، صححه: ماكس مايرهوف، مكتبة الثقافة الدينیة - بی جا، ۱۴۱۹ ق.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۴۷

۸۷. شرح نهج البلاغة. لعزّ الدين عبد الحميد بن محمّد بن أبي الحديد المعتزلي المعروف بابن أبي الحديد) ت ۶۵۶ هـ (، تحقیق: محمّد أبو الفضل إبراهيم، دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الثانية ۱۳۸۷ هـ.

۸۸. شعب الإيمان. لأبی بكر أحمد بن الحسين البيهقي) ت ۴۵۸ هـ (، تحقیق: محمّد السعيد بسيوني زغلول، دار الكتب العلمیة - بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۰ هـ.

۸۹. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربيّة. لأبی نصر إسماعيل بن حماد الجوهري) ت ۳۹۸ هـ (تحقیق: أحمد بن عبد الغفور عطار، دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة الرابعة ۱۴۱۰ هـ.

۹۰. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان. لعلاء الدين علي بن بلبان الفارسي) ت ۷۳۹ هـ (، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسه الرسالة -

- بيروت، الطبعة الثانية ١٤١٤ هـ.
٩١. صحيح ابن خزيمة. لأبي بكر محمد بن إسحاق السلمى النيسابورى المعروف بابن خزيمة) ت ٣١١ هـ (، تحقيق: محمد مصطفى الأعظمى، المكتب الإسلامى - بيروت، الطبعة الثالثة ١٤١٢ هـ.
٩٢. صحيح البخارى. لأبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخارى) ت ٢٥٦ هـ (، تحقيق: مصطفى ديب البغا، دار ابن كثير - بيروت، الطبعة الرابعة ١٤١٠ هـ.
٩٣. صحيح مسلم. لأبي الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابورى) ت ٢٦١ هـ (، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار الحديث - القاهرة، الطبعة الاولى ١٤١٢ هـ.
٩٤. صحيفة الإمام الرضا عليه السلام. المنسوبة إلى الإمام الرضا عليه السلام، تحقيق و نشر: مؤسسة الإمام المهدي) ع ( - قم، الطبعة الاولى ١٤٠٨ هـ.
٩٥. الصحيفة السجادية. المنسوب إلى الإمام علي بن الحسين عليه السلام، تصحيح: علي أنصاريان، المستشارية الثقافية للجمهورية الإسلامية الإيرانية - دمشق، ١٤٠٥ هـ.
٩٦. طب الامام الرضا) ع (. المنسوب الى الامام على بن موسى) ع (، تحقيق: محمد مهدي نجف، مكتبة الامام الحكيم العامة -
٩٧. طب الائمة. برواية عبد الله و الحسين ابني بسطام بن سابور الزيات النيسابوريين) ت قرن ٤ هه (، شرح و تعليق: محسن عقيل، منشورات الرضى - قم.
٩٨. طب النبي. لمحمود بن محمد الجعفي) ت (، چاپ سنگى.
- دانشنامه احاديث پزشكى، ج ٢، ص: ٥٤٨
٩٩. الطبقات الكبرى. لمحمد بن سعد كاتب الواقدي) ت ٢٣٠ هـ (، دار صادر - بيروت.
١٠٠. عده الداعي و نجاح الساعي. لأبي العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلبي الأسدي) ت ٨٤١ هـ (، تحقيق: أحمد الموحدي، مكتبة وجداني - طهران.
١٠١. علل الشرائع. لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق) ت ٣٨١ هـ (، دار إحياء التراث - بيروت، الطبعة الاولى ١٤٠٨ هـ.
١٠٢. عوالي اللآلئ العزيزية في الأحاديث الدينية. لمحمد بن علي بن إبراهيم الأحسائي المعروف بابن أبي جمهور) ت ٩٤٠ هـ (، تحقيق: مجتبي العراقي، مطبعة سيد الشهداء عليه السلام - قم، الطبعة الاولى ١٤٠٣ هـ.
١٠٣. عيون الأخبار. لأبي محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري) ت ٢٧٦ هـ (، دار الكتب المصرية - القاهرة، سنة ١٣٤٣ هـ.
١٠٤. عيون أخبار الرضا. لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق) ت ٣٨١ هـ (، تحقيق: السيد مهدي الحسيني اللاجوردى، منشورات جهان - طهران.
١٠٥. عيون الحكم و المواعظ. لأبي الحسن علي بن محمد الليثي الواسطي) قرن ٦ هـ (، تحقيق: حسين الحسنى البيرجندى، دار الحديث - قم، الطبعة الاولى ١٣٧٦ هـ ش.
١٠٦. غريب الحديث. لأبي محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري) ت ٢٧٦ هـ (، دار الكتب العلمية - بيروت، ١٤٠٨ هـ.
١٠٧. الغيبة. لأبي جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسى) ت ٤٦٠ هـ (، تحقيق: عباد الله الطهراني و علي أحمد ناصح، مؤسسة المعارف الإسلامية - قم، الطبعة الاولى ١٤١١ هـ.
١٠٨. الغيبة. لأبي عبد الله محمد بن إبراهيم بن جعفر الكاتب النعماني) ت ٣٥٠ هـ (، تحقيق: علي أكبر الغفارى، مكتبة الصدوق - طهران.



۱۰۹. الفائق في غريب الحديث. لأبي القاسم محمود بن عمر الزمخشري) ت ۵۸۳ هـ (، تحقيق: عليّ محمّد البجاوي، دار الفكر- بيروت، ۱۴۱۴ هـ.
۱۱۰. فتح الباري) شرح صحيح البخاري (. لأبي الفضل أحمد بن عليّ بن حجر العسقلاني) ت ۸۵۲ هـ (، تحقيق: عبد العزيز بن عبد اللّه بن باز، دار الفكر- بيروت، الطبعة الاولى ۱۳۷۹ هـ.
- دانشنامه احاديث پزشكي، ج ۲، ص: ۵۴۹
۱۱۱. الفرج بعد الشدة. لأبي بكر عبد الله بن محمّد القرشي المعروف بابن أبي الدنيا) ت ۲۸۱ هـ (، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، مؤسسه الكتب الثقافية- بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ.
۱۱۲. فرج المهموم في تاريخ علماء النجوم. لأبي القاسم عليّ بن موسى بن طاووس الحلّي) ت ۶۶۴ هـ (منشورات الرضى- قم.
۱۱۳. الفردوس بمأثور الخطاب. لأبي شجاع شيرويه بن شهردار الديلمي الهمداني) ت ۵۰۹ هـ (، تحقيق: السعيد بن بسيوني زغلول، دار الكتب العلميّة- بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۶ هـ.
۱۱۴. فرهنگ صبا. محمد بهشتي، انتشارات صبا- تهران، ۱۳۷۰.
۱۱۵. الفصول المختارة من العيون و المحاسن. لأبي القاسم عليّ بن الحسين الموسوي المعروف بالشيخ المرتضى و علم الهدى) ت ۴۳۶ هـ (، المؤتمر العالمي بمناسبة ذكرى أئمة الشيعيّة المفيد- قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ.
۱۱۶. الفضائل. لأبي الفضل شاذان بن جبرئيل القميّ) ت ۶۶۰ هـ (، الطبعة الحيدريّة- نجف، ۱۳۳۸ هـ.
۱۱۷. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام. تحقيق مؤسسه آل البيت، المؤتمر العالمي للإمام الرضا عليه السلام- مشهد.
۱۱۸. فيض القدير. لزين الدين محمّد عبد الرؤوف المناوي) قرن ۱۰ هـ (، دار الفكر- بيروت.
۱۱۹. القاموس المحيط. للشيخ أبي طاهر مجد الدين محمّد بن يعقوب الفيروزآبادي) ت ۸۱۷ هـ (، دار الفكر- بيروت.
۱۲۰. قرب الإسناد. لأبي العباس عبد الله بن جعفر الحميمي القميّ) ت بعد ۳۰۴ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسه آل البيت- قم، الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ.
۱۲۱. قصص الأنبياء. لأبي الحسين سعيد بن عبد الله المعروف بقطب الدين الراوندي) ت ۵۷۳ هـ (تحقيق: غلام رضا عرفانيان، مجمع البحوث الإسلاميّة التابع لمؤسسه الآستانه الرضويّة- مشهد، الطبعة الاولى ۱۴۰۹ هـ.
۱۲۲. الكافي. لأبي جعفر ثقة الإسلام محمّد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي) ت ۳۲۹ هـ (، تحقيق: عليّ أكبر الغفّاري، دار صعب و دار التعارف- بيروت، الطبعة الرابعة ۱۴۰۱ هـ.
- دانشنامه احاديث پزشكي، ج ۲، ص: ۵۵۰
۱۲۳. كشف الخفاء و مزيل الإلباس عمّا اشتهر من الأحاديث على ألسنة الناس. لإسماعيل بن محمّد العجلوني الجراحي) ت ۱۱۶۲ هـ (دار الكتب العلميّة- بيروت، ۱۴۰۸ هـ.
۱۲۴. كشف الغمّة في معرفة الأئمة. لعليّ بن عيسى الإربلي) ت ۶۸۷ هـ (، تصحيح: السيّد هاشم الرسولي المحمّلاتي، دار الكتاب الإسلامي- بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۱ هـ.
۱۲۵. كفاية الأثر في النصّ على الأئمة الإثني عشر. لأبي القاسم عليّ بن محمّد بن عليّ الخزّاز القميّ) القرن الرابع (، تحقيق: السيّد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى، انتشارات بيدار قم، سنه ۱۴۰۱ هـ.
۱۲۶. كمال الدين و تمام النعمة. لأبي جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن بابويه القميّ المعروف بالشيخ الصدوق) ت ۳۸۱ هـ (، تحقيق: عليّ أكبر الغفّاري، مؤسسه النشر الإسلامي- قم، الطبعة الاولى ۱۴۰۵ هـ.
۱۲۷. كنز العمّال في سنن الأقوال و الأفعال. لعلاء الدين عليّ المتقيّ بن حسام الدين الهندي) ت ۹۷۵ هـ (، تصحيح: صفوة السقا،

مكتبة التراث الإسلامي - بيروت، الطبعة الأولى ١٣٩٧ هـ.

١٢٨. كنز الفوائد. للشيخ أبي الفتح محمد بن علي بن عثمان الكراجكي الطرابلسي) ت ٤٤٩ هـ (، إعداده: عبد الله نعمة، دار الذخائر - قم، الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ.

١٢٩. لسان العرب. لأبي الفضل جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور المصري) ت ٧١١ هـ (، دار صادر - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ.

١٣٠. لغت نامه دهخدا. على أكبر دهخدا) ت ١٣٣٤)، مؤسسه لغت نامه دهخدا - تهران، ١٣٧٢.

١٣١. مائة كلمة للإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب) ع (. لابي عثمان عمرو بن بحر الجاحظ) ت ٢٥٥ ق (، تحقيق: رياض مصطفى العبد الله، دار الحكمة - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٦ ق.

١٣٢. المجازات النبوية. لأبي الحسن محمد بن الحسين الموسوي المعروف بالشريف الرضي) ت ٤٠٦ هـ (، تحقيق و شرح: طه محمد الزيني، مكتبة بصيرتي - قم.

١٣٣. مجمع البحرين. لفخر الدين الطريحي) ت ١٠٨٥ هـ (، تحقيق و نشر: قسم الدراسات الإسلامية، مؤسسة البعثة - قم، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ.

١٣٤. مجمع الزوائد و منبع الفوائد. لنور الدين علي بن أبي بكر الهيثمي) ت ٨٠٧ هـ (، تحقيق: عبد الله محمد درويش، دار الفكر - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ.

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ٢، ص: ٥٥١

١٣٥. المحاسن. لأبي جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقي) ت ٢٨٠ هـ (، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، المجمع العالمي لأهل البيت - قم، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ.

١٣٦. المحجزة البيضاء في تهذيب الأحياء. لمولا - محسن الفيض الكاشاني) ت ١٠٩١ هـ (مع حاشية: علي أكبر الغفاري، جماعة المدرسين في حوزة العلمية - قم، ١٣٨٣ هـ.

١٣٧. المحيط في اللغة. لأبي القاسم إسماعيل بن عباد الطالقاني) ت ٣٨٥ هـ (، تحقيق: محمد حسن آل ياسين، عالم الكتب - بيروت.

١٣٨. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول. للعلامة محمد باقر بن محمد تقي المجلسي) ت ١١١١ هـ (، تحقيق: هاشم الرسولي المحلاتي، دار الكتب الإسلامية - تهران، الطبعة الثالثة ١٣٧٠ هـ ش.

١٣٩. المراسيل مع الاسانيد. لابي داود سليمان بن الاشعث السجستاني) ت ٢٧٥ ق (، تحقيق: عبد العزيز السيروان، دار القلم - بيروت، ١٤٠٦ ق.

١٤٠. المرض و الكفارات. لابي بكر عبد الله بن محمد بن ابي الدنيا) ت ٢٨١ ق (، تحقيق: عبد الوكيل الندوي، الدارالسلفية - هند، ١٤١١ ق.

١٤١. مسائل علي بن جعفر و مستدركاتهما. لأبي الحسن علي بن جعفر الحسيني العلوي الهاشمي الثريضي) ت ٢١٠ هـ (تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، المؤتمر العالمي للإمام الرضا عليه السلام في مشهد، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ.

١٤٢. المستدرک علی الصحیحین. لأبي عبد الله محمد بن عبد الله الحاكم النيسابوري) ت ٤٠٥ هـ (، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ.

١٤٣. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. لميرزا حسين النوري الطبرسي) ت ١٣٢٠ هـ (، مؤسسة آل البيت - قم، الطبعة الأولى ١٤٠٧ هـ.

١٤٤. مستطرفات السرائر. لابي عبد الله محمد بن احمد بن ادريس الحلبي) ت ٥٩٨ ق (، تحقيق و نشر: مدرسه الامام المهدي) ع (.

١٤٥. مسند ابن جعد. لأبي الحسن علي بن الجعد بن عبيد الجوهري) ت ٢٣٠ هـ (مؤسسة ناور- بيروت. ١٤١٠.
- دانشنامه احاديث پزشکی، ج ٢، ص: ٥٥٢
١٤٦. مسند أبي يعلى الموصلي. لأبي يعلى أحمد بن علي بن المثنى التميمي الموصلي) ت ٣٠٧ هـ (، تحقيق: إرشاد الحق الأثري، دار القبلة- جدة، الطبعة الاولى ١٤٠٨ هـ.
١٤٧. مسند اسحاق بن راهويه. لاسحاق بن ابراهيم بن مخلد المروزي) ت ٢٣٨ ق (، تحقيق: عبد الغفور عبد الحق و حسين برالبوشي، مكتبة الايمان- مدينه، ١٤١٢ ق.
١٤٨. مسند الإمام زيد) مسند زيد (. المنسوب إلى زيد بن علي بن الحسين عليهما السلام (١٢٢ هـ)، منشورات دار مكتبة الحياة- بيروت، الطبعة الاولى ١٩٦٦ م.
١٤٩. مسند البزار) البحر الزخار (. لأبي بكر أحمد بن عمرو العتكي البزار) ت ٢٩٢ هـ (، تحقيق: محفوظ الرحمن زين الله، مؤسسة علوم القرآن- بيروت، الطبعة الاولى ١٤٠٩ هـ.
١٥٠. مسند الحميدي. لأبي بكر عبد الله بن الزبير الحميدي) ت ٢١٩ هـ (، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، المكتبة السلفية- المدينة المنورة.
١٥١. مسند الشاميين. لابي القاسم سليمان بن احمد الطبراني) ت ٣٦٠ ق (، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، مؤسسة الرسالة- بيروت.
١٥٢. مسند الشهاب. لمحمد بن سلامة القضاعي) ت ٤٥٤ هـ (مؤسسة الرسالة- بيروت، ١٤٠٥ هـ.
١٥٣. المسند لأحمد بن حنبل. لأحمد بن محمد بن حنبل الشيباني) ت ٢٤١ هـ (، تحقيق: عبد الله محمد الدرويش، دار الفكر- بيروت، الطبعة الثانية ١٤١٤ هـ.
١٥٤. مشكاة الأنوار في غرر الأخبار. لأبي الفضل علي الطبرسي) القرن السابع (، تحقيق: مهدي هوشمند، دار الحديث- قم، الطبعة الاولى ١٤١٨ هـ.
١٥٥. مصادقة الاخوان. لابي جعفر محمد بن ابي الحسن علي بن بابويه القمي المعروف بالصدوق) ت ٣٨١ ق (، عراق: مكتبة الامام صاحب الزمان العامه، ١٤٠٢ ق.
١٥٦. مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة. المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام، شرح: عبد الرزاق گيلاني، نشر صدوق- طهران، الطبعة الثالثة ١٤٠٧ هـ. ش.
١٥٧. المصباح في الأدعية و الصلوات و الزيارات. للشيخ تقي الدين ابراهيم بن علي بن الحسن العاملي الكفعمي) ت ٩٠٠ هـ (، منشورات الشريف الرضي- قم.
١٥٨. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي. لأبي العباس أحمد بن محمد بن علي الفيومي) ت ٧٧٠ هـ (، مؤسسة دار الهجرة- قم، الطبعة الثانية ١٤١٤ هـ.
- دانشنامه احاديث پزشکی، ج ٢، ص: ٥٥٣
١٥٩. المصنف. لأبي بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني) ت ٢١١ هـ (، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، منشورات المجلس العلمي- بيروت.
١٦٠. المصنف في الأحاديث و الآثار. لأبي بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العبسي الكوفي) ت ٢٣٥ هـ (، تحقيق: سعيد محمد اللحام، دار الفكر- بيروت.
١٦١. معاني الأخبار. لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق) ت ٣٨١ هـ (، تحقيق: علي أكبر

الغفّارى، مؤسسه النشر الإسلامى - قم، الطبعة الاولى ١٣٦١ هـ ش.

١٦٢. المعجم الأوسط. لأبى القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني) ت ٣٦٠ هـ (، تحقيق: طارق بن عوض الله و عبد الحسن بن إبراهيم الحسيني، دار الحرمين - القاهرة، الطبعة الاولى ١٤١٥ هـ.

١٦٣. معجم البلدان. لأبى عبد الله شهاب الدين ياقوت بن عبد الله الحموي الرومي) ت ٦٢٦ هـ (، دار إحياء التراث العربى - بيروت، الطبعة الاولى ١٣٩٩ هـ.

١٦٤. معجم السفر. لآبى طاهر احمد بن محمد السلفي) ت ٥٧٦ ق (، تحقيق: عبد الله عمر البارودي، دار الفكر - بيروت، ١٤١٤ ق.

١٦٥. المعجم الصغير. لأبى القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني) ت ٣٦٠ هـ (، تحقيق: محمّد عثمان، دار الفكر - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠١ هـ.

١٦٦. المعجم الكبير. لأبى القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني) ت ٣٦٠ هـ (، تحقيق: حمدى عبد المجيد السلفي، دار إحياء التراث العربى - بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٤ هـ.

١٦٧. المعجم الوسيط. لمصطفى ابراهيم و احمد حسن الزيات و حامد عبد القادر و محمد على النجار، المكتبة الاسلامية - استانبول، ١٣٩٢ ق.

١٦٨. معدن الجواهر و رياضة الخواطر. لأبى الفتح محمّد بن على الكراجكي) ت ٤٤٩ ق (، تحقيق: أحمد الحسيني، المكتبة المرتضوية - تهران، ١٣٤٩ ق.

١٦٩. مفردات ألفاظ القرآن. لأبى القاسم الحسين بن محمّد الراغب الأصفهاني) ت ٤٢٥ هـ (، تحقيق: صفوان عدنان داودي، دار القلم - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٢ هـ.

دانشنامه احاديث پزشكى، ج ٢، ص: ٥٥٤

١٧٠. المقنعة. لأبى عبد الله محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادي المعروف بالشيخ المفيد) ت ٤١٣ هـ (، تحقيق و نشر: مؤسسه النشر الإسلامى - قم، الطبعة الثانية ١٤١٠ هـ.

١٧١. مكارم الأخلاق. لأبى على الفضل بن الحسن الطبرسي) ت ٥٤٨ هـ (، تحقيق: علاء آل جعفر، مؤسسه النشر الإسلامى - قم، الطبعة الاولى ١٤١٤ هـ.

١٧٢. مناقب آل أبى طالب) المناقب لابن شهر آشوب (، لأبى جعفر رشيد الدين محمّد بن على بن شهر آشوب المازندراني) ت ٥٨٨ هـ (، المطبعة العلميه - قم.

١٧٣. منتخب كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال. لعلاء الدين على المتقى بن حسام الدين الهندي) ت ٩٧٥ هـ (، دار احياء التراث العربى - بيروت، الطبعة الاولى ١٤١٠ هـ.

١٧٤. المنتخب من مسند عبد بن حميد. لأبى محمّد عبد بن حميد) ت ٢٤٩ هـ (، تحقيق: السيد صبوحى البدرى السامرائى و محمود محمّد خليل الصعدي، مكتبة السنّة - القاهرة، الطبعة الاولى ١٤٠٨ هـ.

١٧٥. من لا يحضره الفقيه. لأبى جعفر محمّد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق) ت ٣٨١ هـ (، تحقيق: على أكبر الغفّارى، مؤسسه النشر الإسلامى - قم، الطبعة الثانية.

١٧٦. منية المرید. لزين الدين على العاملى المعروف بالشهيد الثانى) ت ٩٦٥ هـ (مكتب الإعلام الإسلامى - قم، ١٤١٥ هـ.

١٧٧. المواعظ العددية. للحاج الميرزا على المشكينى الأردبيلى) معاصر (، تحقيق: على الأحمدي الميانجى، دفتر نشر الهادى - قم، الطبعة الرابعة ١٤٠٦ هـ.

١٧٨. الموطأ. لمالك بن أنس) ت ١٥٨ هـ (، تحقيق: محمّد فؤاد عبد الباقي، دار احياء التراث العربى - بيروت، الطبعة الاولى ١٤٠٦ هـ.

۱۷۹. المؤمن. لحسين بن سعيد الكوفي (الاهوازي) ت قرن ۳ ق (، تحقيق و نشر: مدرسة الامام المهدي) ع (-قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۸۰. مهج الدعوات و منهج العبادات. لأبي القاسم بن موسى الحلّي المعروف بابن طاووس) ت ۶۶۴ ه (تحقيق: حسين الأعلمی، مؤسسه الأعلمی - بيروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۴ ه.
۱۸۱. نثر الدرّ. لأبي سعيد منصور بن الحسين الأبي) ت ۴۲۱ ه (، تحقيق: محمد عليّ قرنه، الهيئة المصريّة العامّة - مصر، الطبعة الاولى ۱۹۸۱ م.
- دانشنامه احاديث پزشکي، ج ۲، ص: ۵۵۵
۱۸۲. زهه الناظر و تنبيه الخواطر. لأبي عبد الله الحسين بن محمد الحلواني) من أعلام القرن الخامس (تحقيق و نشر: مؤسسه الإمام المهدي) ع (-قم، الطبعة الاولى ۱۴۰۸ ه.
۱۸۳. نصب الراية. لأبي محمد عبد الله بن يوسف الحنفي الزيلعي) ت ۷۶۲ ه (دار الحديث - قاهره، ۱۴۱۵ ه.
۱۸۴. النوادر. لفضل الله بن عليّ الحسنی الراوندي) ت ۵۷۱ ه (، تحقيق: سعيد رضا عليّ عسكري، مؤسسه دار الحديث - قم، الطبعة الاولى ۱۳۷۷ ه ش.
۱۸۵. النهاية في غريب الحديث و الأثر. لأبي السعادات مبارك بن مبارك الجزري المعروف بابن الأثير) ت ۶۰۶ ه (، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي، مؤسسه إسماعيليان - قم، الطبعة الرابعة ۱۳۶۷ ه ش.
۱۸۶. نهج البلاغه. ما اختاره أبو الحسن الشريف الرضي محمد بن الحسين بن موسى الموسوي من كلام الإمام أمير المؤمنين عليه السلام) ت ۴۰۶ ه (.
۱۸۷. الوافي. لملاً محسن بن مرتضى الفيض الكاشاني) ت ۱۰۹۱ ه (، تحقيق: ضياء الدين حسين اصفهاني، مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام - اصفهان، ۱۴۰۶ ه.
۱۸۸. ينابيع المودة لذوى القربى. لسليمان بن إبراهيم القندوزي الحنفي) ت ۱۲۹۴ ه (، تحقيق: عليّ جمال أشرف الحسيني، دار الاسوه - طهران، الطبعة الاولى ۱۴۱۶ ه.
- دانشنامه احاديث پزشکي، ج ۲، ص: ۵۵۷

## فهرست تفصيلی

- (۱) بخش چهارم: تأثیر خوردن و آشامیدن در سلامت و بیماری\*\*\* ۹ ( / ۱)
- (۲) فصل یکم: کم خوری\*\*\* ۱۱ ( / ۲)
- (۱) ۱ / ۳ تشویق به کم خوری\*\*\* ۱۱ ( / ۳)
- (۱) ۲ / ۳ فایده های ظاهری کم خوری\*\*\* ۱۳ ( / ۳)
- (۴) الف سلامت تن\*\*\* ۱۳ ( / ۴)
- (۴) ب شادابی چهره\*\*\* ۱۵ ( / ۴)
- (۴) ج طول عمر\*\*\* ۱۷ ( / ۴)
- (۱) ۳ / ۳ فایده های باطنی کم خوری\*\*\* ۱۷ ( / ۳)
- (۴) الف صفای اندیشه\*\*\* ۱۷ ( / ۴)
- (۴) ب فروغ دل\*\*\* ۱۷ ( / ۴)
- (۴) ج رهایی از شیطان\*\*\* ۱۷ ( / ۴)

- (۴) د در آمدن به ملکوت آسمانها\*\*\* ۱۹ (۴ /)
- (۴) ه تقرّب به درگاه خداوند\*\*\* ۱۹ (۴ /)
- (۴) و مجموعه‌ای از منافع کم‌خوری\*\*\* ۱۹ (۴ /)
- (۲) فصل دوم: پرهیز\*\*\* ۲۳ (۲ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۵۸
- (۲) ۱ / ۳) معنای پرهیز\*\*\* ۲۳ (۳ /)
- (۲) ۲ / ۳) تشویق به پرهیز\*\*\* ۲۵ (۳ /)
- (۲) ۳ / ۳) آنچه درباره مدّت پرهیز بیمار، روایت شده است\*\*\* ۲۷ (۳ /)
- (۲) فصل سوم: گرسنگی کشیدن\*\*\* ۲۹ (۲ /)
- (۳) ۱ / ۳) تشویق به گرسنگی کشیدن\*\*\* ۲۹ (۳ /)
- (۳) ۲ / ۳) فایده‌های جسمی گرسنگی کشیدن\*\*\* ۳۱ (۳ /)
- (۴) الف سلامت تن\*\*\* ۳۱ (۴ /)
- (۴) ب خوش مزگی غذا\*\*\* ۳۳ (۴ /)
- (۳) ۳ / ۳) فایده‌های روحی گرسنگی کشیدن\*\*\* ۳۳ (۳ /)
- (۴) الف دامن در کشیدن از گناه\*\*\* ۳۳ (۴ /)
- (۴) ب رهایی از شیطان\*\*\* ۳۳ (۴ /)
- (۴) ج تقرّب به درگاه خداوند\*\*\* ۳۵ (۴ /)
- (۴) د [رسیدن به علم و حکمت]\*\*\* ۳۵ (۴ /)
- (۴) ه دیدن خداوند با دیده دل\*\*\* ۳۷ (۴ /)
- (۲) فصل چهارم: پُرخوری\*\*\* ۳۹ (۲ /)
- (۴) ۱ / ۳) نکوهش پُرخوری\*\*\* ۳۹ (۳ /)
- (۴) ۲ / ۳) نکوهش خوردن غذاهای رنگارنگ\*\*\* ۴۳ (۳ /)
- (۴) ۳ / ۳) زیان‌های ظاهری پُرخوری\*\*\* ۴۵ (۳ /)
- (۴) الف انواع ناتن درستی‌ها\*\*\* ۴۵ (۴ /)
- (۴) ب کاهش تندرستی\*\*\* ۴۷ (۴ /)
- (۴) ج گندبویی\*\*\* ۴۷ (۴ /)
- (۴) ۴ / ۳) زیان‌های باطنی پُرخوری\*\*\* ۴۹ (۳ /)
- (۴) الف تباهی پاک‌دامنی\*\*\* ۴۹ (۴ /)
- (۴) ب تباهی نفس\*\*\* ۴۹ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۵۹
- (۴) ج پوشیده ماندن تیزهوشی\*\*\* ۵۱ (۴ /)
- (۴) د ظلمت دل\*\*\* ۵۱ (۴ /)
- (۴) ه آشفتگی خواب‌ها\*\*\* ۵۳ (۴ /)

- (۴) و کمی عبادت\*\*\* ۵۳ (۴ /)
- (۴) ز دوری از خداوند\*\*\* ۵۷ (۴ /)
- (۴) ح گرسنگی در روز قیامت\*\*\* ۶۱ (۴ /)
- (۴) ۵ مجموعه‌ای از زیان‌های پُرخوری\*\*\* ۶۳ (۳ /)
- (۴) ۶ زیان‌های خوردن پس از سیری\*\*\* ۶۵ (۳ /)
- (۲) فصل پنجم: آداب غذا خوردن\*\*\* ۶۷ (۲ /)
- (۵) ۱ شستن دست‌ها پیش و پس از غذا\*\*\* ۶۷ (۳ /)
- (۵) ۲ گذاردن سبزی در سفره\*\*\* ۷۳ (۳ /)
- (۵) ۳ در آوردن کفش‌ها\*\*\* ۷۵ (۳ /)
- (۵) ۴ بر زبان آوردن نام خدا\*\*\* ۷۵ (۳ /)
- (۵) ۵ خوردن با دست راست\*\*\* ۸۱ (۳ /)
- (۵) ۶ آغاز کردن غذا با نمک و به پایان بردن آن با نمک یا سرکه\*\*\* ۸۱ (۳ /)
- (۵) ۷ خوردن غذا به هنگام گرسنگی و اشتها\*\*\* ۸۵ (۳ /)
- (۵) ۸ آغاز کردن با سُبُک‌ترین غذا\*\*\* ۸۷ (۳ /)
- (۵) ۹ خوردن غذای گرم، پیش از سرد شدن\*\*\* ۸۷ (۳ /)
- (۵) ۱۰ برداشتن لقمه‌های کوچک و جویدن کامل غذا\*\*\* ۸۷ (۳ /)
- (۵) ۱۱ دست کشیدن از غذا پیش از سیری\*\*\* ۸۹ (۳ /)
- (۵) ۱۲ دست کشیدن بر چهره و دعا کردن پس از شستن دستان\*\*\* ۹۱ (۳ /)
- (۵) ۱۳ به پشت دراز کشیدن پس از غذا\*\*\* ۹۵ (۳ /)
- (۵) ۱۴ پرهیز از زیاده‌روی\*\*\* ۹۵ (۳ /)
- (۵) ۱۵ پرهیز از دمیدن در غذا\*\*\* ۹۷ (۳ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۰
- (۵) ۱۶ پرهیز از خوردن با دست چپ\*\*\* ۹۷ (۳ /)
- (۵) ۱۷ پرهیز از خوردن پس از سیری\*\*\* ۹۹ (۳ /)
- (۵) ۱۸ پرهیز از خوردن غذای داغ\*\*\* ۱۰۱ (۳ /)
- (۵) ۱۹ پرهیز از خوردن در حالت جنابت، مگر با وضو\*\*\* ۱۰۵ (۳ /)
- (۵) ۲۰ پرهیز از خفتن، بلافاصله پس از خوردن غذا\*\*\* ۱۰۵ (۳ /)
- (۳) رهنمودهای اسلام درباره خوردن\*\*\* ۱۰۷ (۳ /)
- (۴) یک. مهم‌ترین رهنمود\*\*\* ۱۰۸ (۴ /)
- (۴) دو. دو وعده غذا خوردن در شبانه‌روز\*\*\* ۱۰۹ (۴ /)
- (۴) سه. توصیه به کم‌خوری\*\*\* ۱۰۹ (۴ /)
- (۴) چهار. خطر پُرخوری\*\*\* ۱۰۹ (۴ /)
- (۴) پنج. مقدار خوراک مفید\*\*\* ۱۱۰ (۴ /)

- (۴) شش. برترین خوراکی و بهترین سفره\*\*\* ۱۱۰ (۴ /)
- (۴) هفت. آداب سفره\*\*\* ۱۱۰ (۴ /)
- (۴) هشت. آداب غذا خوردن\*\*\* ۱۱۱ (۴ /)
- (۴) نه. آداب پایان غذا و برچیدن سفره\*\*\* ۱۱۳ (۴ /)
- (۴) ده. آداب خوردن گوشت و میوه\*\*\* ۱۱۴ (۴ /)
- (۲) فصل ششم: آداب خوردن گوشت\*\*\* ۱۱۷ (۲ /)
- (۶) ۱ / ۳) انتخاب سردست یا قسمت‌های جلو\*\*\* ۱۱۷ (۳ /)
- (۶) ۲ / ۳) شستن گوشت پیش از پختن آن\*\*\* ۱۱۹ (۳ /)
- (۶) ۳ / ۳) گرفتن گوشت با نوک دندان‌ها\*\*\* ۱۲۱ (۳ /) [۱۱۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۲؛ ص ۵۶۰

- (۶) ۴ / ۳) پرهیز از خوردن گوشت خشکیده نمک‌سود\*\*\* ۱۲۳ (۳ /)
- (۶) ۵ / ۳) نهی از خوردن گوشت خام\*\*\* ۱۲۵ (۳ /)
- (۶) ۶ / ۳) پرهیز از اعتیاد به خوردن گوشت\*\*\* ۱۲۷ (۳ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۱
- (۶) ۷ / ۳) نوبت‌های خوردن گوشت\*\*\* ۱۲۷ (۳ /)
- (۶) ۸ / ۳) وا نگذاردن گوشت به مدت چهار روز\*\*\* ۱۲۹ (۳ /)
- (۶) ۹ / ۳) تمیز نکردن کامل استخوان و نخوردن مغز استخوان\*\*\* ۱۳۳ (۳ /)
- (۲) فصل هفتم: آداب خوردن میوه\*\*\* ۱۳۵ (۲ /)
- (۷) ۱ / ۳) شستن میوه با آب\*\*\* ۱۳۵ (۳ /)
- (۷) ۲ / ۳) بردن نام خدا به هنگام خوردن\*\*\* ۱۳۵ (۳ /)
- (۷) ۳ / ۳) دعا کردن به هنگام دیدن میوه نوبر\*\*\* ۱۳۵ (۳ /)
- (۷) ۴ / ۳) خوردن هر میوه در آغاز فصلش و پرهیز از آن در پایان آن فصل\*\*\* ۱۳۷ (۳ /)
- (۷) ۵ / ۳) جدا نکردن پوست میوه\*\*\* ۱۳۷ (۳ /)
- (۷) ۶ / ۳) پرهیز از خوردن چند میوه با هم\*\*\* ۱۳۹ (۳ /)
- (۲) فصل هشتم: آداب آشامیدن\*\*\* ۱۴۳ (۲ /)
- (۸) ۱ / ۳) آنچه در آشامیدن، بایسته است\*\*\* ۱۴۳ (۳ /)
- (۴) الف آشامیدن به سه نفس\*\*\* ۱۴۳ (۴ /)
- (۴) ب ایستاده آب آشامیدن در روز، و نشسته آشامیدن در شب\*\*\* ۱۴۳ (۴ /)
- (۴) ج آشامیدن آب نیم‌گرم\*\*\* ۱۴۵ (۴ /)
- (۸) ۲ / ۳) آنچه در آشامیدن نابایسته است\*\*\* ۱۴۷ (۳ /)
- (۴) الف دمیدن\*\*\* ۱۴۷ (۴ /)
- (۴) ب یکجا سر کشیدن\*\*\* ۱۴۹ (۴ /)



- (۴) ج آشامیدن آب بسیار داغ\*\*\* ۱۵۱ (۴ /)
- (۴) د آشامیدن آب در لابه‌لای غذا خوردن\*\*\* ۱۵۱ (۴ /)
- (۴) ه آشامیدن آب بر روی گوشت\*\*\* ۱۵۱ (۴ /)
- (۴) و آشامیدن آب بر روی چربی\*\*\* ۱۵۳ (۴ /)
- (۴) ز آشامیدن آب از مجاور دسته ظرف یا لبه شکسته آن\*\*\* ۱۵۳ (۴ /)
- (۴) ح آشامیدن در ظرف‌های مسی\*\*\* ۱۵۵ (۴ /)
- (۴) ط آشامیدن در حالت ناشتا\*\*\* ۱۵۵ (۴ /)
- (۴) ی آشامیدن آب سرد، پس از خوردن شیرینی\*\*\* ۱۵۵ (۴ /)
- (۴) ک نوشیدن آب فراوان\*\*\* ۱۵۷ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۲
- (۴) ل نوشیدن آب سرد و آب جو در حمام\*\*\* ۱۵۷ (۴ /)
- (۲) فصل نهم: نوبت‌های غذا\*\*\* ۱۵۹ (۲ /)
- (۹) ۱ / ۳ صبحگاهان و شامگاهان\*\*\* ۱۵۹ (۳ /)
- (۹) ۲ / ۳ تأکید بر خوردن ناشتایی و نهی از وا گذاردن آن\*\*\* ۱۵۹ (۳ /)
- (۹) ۳ / ۳ تأکید بر خوردن شام و نهی از وا گذاردن آن\*\*\* ۱۶۱ (۳ /)
- (۹) ۴ / ۳ یک وعده در روز\*\*\* ۱۶۹ (۳ /)
- (۹) ۵ / ۳ سه وعده در دو روز\*\*\* ۱۶۹ (۳ /)
- (۳) سخنی درباره احادیث مربوط به وعده‌های غذا\*\*\* ۱۷۳ (۳ /)
- (۱) بخش پنجم: درمان با غذاها و گیاهان دارویی\*\*\* ۱۷۵ (۱ /)
- (۲) فصل یکم: تُرنج\*\*\* ۱۸۱ (۲ /)
- (۱) ۱ / ۳ تأکید بر خوردن تُرنج\*\*\* ۱۸۱ (۳ /)
- (۱) ۲ / ۳ خواص تُرنج\*\*\* ۱۸۱ (۳ /)
- (۱) ۳ / ۳ خوردن تُرنج پس از غذا\*\*\* ۱۸۳ (۳ /)
- (۱) ۴ / ۳ نخوردن تُرنج در شب\*\*\* ۱۸۳ (۳ /)
- (۱) ۵ / ۳ آنچه تُرنج را هضم می‌کند\*\*\* ۱۸۵ (۳ /)
- (۱) ۶ / ۳ مَرَبای تُرنج\*\*\* ۱۸۷ (۳ /)
- (۱) ۷ / ۳ نگاه کردن به تُرنج\*\*\* ۱۸۷ (۳ /)
- (۲) فصل دوم: آلو\*\*\* ۱۸۹ (۲ /)
- (۲) فصل سوم: برنج\*\*\* ۱۹۳ (۲ /)
- (۳) ۱ / ۳ مهتر همه خوراکی‌ها\*\*\* ۱۹۳ (۳ /)
- (۳) ۲ / ۳ خواص برنج\*\*\* ۱۹۳ (۳ /)
- (۲) فصل چهارم: بادروج (حوک)\*\*\* ۱۹۷ (۲ /)
- (۲) فصل پنجم: بادمجان\*\*\* ۲۰۳ (۲ /)

- (۲) فصل ششم: باقلا\*\*\* ۲۰۹ (۲ /)
- ۶) ۱ / ۳ خوراک عیسی\*\*\* ۲۰۹ (۳ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۳
- ۶) ۲ / ۳ خواص باقلا\*\*\* ۲۰۹ (۳ /)
- ۶) ۳ / ۳ خوردن باقلا با پوست آن\*\*\* ۲۱۱ (۳ /)
- (۲) فصل هفتم: پیاز\*\*\* ۲۱۳ (۲ /)
- (۲) فصل هشتم: خربزه\*\*\* ۲۱۷ (۲ /)
- ۸) ۱ / ۳ خواص خربزه\*\*\* ۲۱۷ (۳ /)
- ۸) ۲ / ۳ خوردن خربزه پیش از غذا\*\*\* ۲۲۱ (۳ /)
- ۸) ۳ / ۳ نهی از خوردن خربزه در حالت ناشتا\*\*\* ۲۲۱ (۳ /)
- ۸) ۴ / ۳ آداب خوردن خربزه\*\*\* ۲۲۳ (۳ /)
- (۲) فصل نهم: تخم مرغ\*\*\* ۲۲۵ (۲ /)
- ۹) ۱ / ۳ خواص تخم مرغ\*\*\* ۲۲۵ (۳ /)
- ۹) ۲ / ۳ خوردن تخم مرغ با پیاز و روغن زیتون\*\*\* ۲۲۷ (۳ /)
- ۹) ۳ / ۳ خوردن تخم مرغ با گوشت\*\*\* ۲۲۹ (۳ /)
- ۹) ۴ / ۳ زرده تخم مرغ\*\*\* ۲۲۹ (۳ /)
- ۹) ۵ / ۳ نهی از افراط در خوردن تخم مرغ\*\*\* ۲۳۱ (۳ /)
- ۹) ۶ / ۳ تخم مرغ های حلال و تخم مرغ های حرام\*\*\* ۲۳۳ (۳ /)
- (۲) فصل دهم: سیب\*\*\* ۲۳۷ (۲ /)
- ۱۰) ۱ / ۳ خواص سیب\*\*\* ۲۳۷ (۳ /)
- ۱۰) ۲ / ۳ خواص خوردن سیب در حالت ناشتا یا در سحرگاهان\*\*\* ۲۴۱ (۳ /)
- ۱۰) ۳ / ۳ بوییدن سیب پیش از خوردن\*\*\* ۲۴۳ (۳ /)
- ۱۰) ۴ / ۳ مکروه بودن خوردن سیب ترش\*\*\* ۲۴۳ (۳ /)
- (۲) فصل یازدهم: تلپینه\*\*\* ۲۴۵ (۲ /)
- (۲) فصل دوازدهم: خرما\*\*\* ۲۴۷ (۲ /)
- ۱۲) ۱ / ۳ خواص خرما\*\*\* ۲۴۷ (۳ /)
- ۱۲) ۲ / ۳ بهترین افطاری و سحری\*\*\* ۲۵۱ (۳ /)
- ۱۲) ۳ / ۳ خواص خرما برای زن باردار و تازه زاده\*\*\* ۲۵۳ (۳ /)
- ۱۲) ۴ / ۳ خوردن خرما با خربزه و خیار\*\*\* ۲۵۵ (۳ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۴
- ۱۲) ۵ / ۳ گشودن کام نوزاد با خرما\*\*\* ۲۵۷ (۳ /)
- (۲) فصل سیزدهم: انجیر\*\*\* ۲۵۹ (۲ /)
- (۲) فصل چهاردهم: سیر\*\*\* ۲۶۳ (۲ /)

- (۲) فصل پانزدهم: پنیر\*\*\* ۲۶۵ (۲ /)
- (۱۵) ۱ / ۳) خواص پنیر\*\*\* ۲۶۵ (۳ /)
- (۱۵) ۲ / ۳) خوردن پنیر با گردو\*\*\* ۲۶۷ (۳ /)
- (۱۵) ۳ / ۳) خوردن پنیر با خربزه\*\*\* ۲۶۷ (۳ /)
- (۱۵) ۴ / ۳) زیان‌های پنیر\*\*\* ۲۶۹ (۳ /)
- (۱۵) ۵ / ۳) خوردن پنیر در صبحگاهان و شامگاهان\*\*\* ۲۶۹ (۳ /)
- (۲) فصل شانزدهم: جرجیر\*\*\* ۲۷۱ (۲ /)
- (۱۶) ۱ / ۳) آنچه در نکوهش جرجیر روایت شده\*\*\* ۲۷۱ (۳ /)
- (۱۶) ۲ / ۳) آنچه در نهی از خوردن جرجیر به هنگام شب رسیده است\*\*\* ۲۷۳ (۳ /)
- (۱۶) ۳ / ۳) آنچه احادیث پیشین را رد می‌کند\*\*\* ۲۷۳ (۳ /)
- (۲) فصل هفدهم: زردک\*\*\* ۲۷۷ (۲ /)
- (۲) فصل هجدهم: گردو\*\*\* ۲۸۱ (۲ /)
- (۲) فصل نوزدهم: هزار اسپند\*\*\* ۲۸۳ (۲ /)
- (۲) فصل بیستم: شنبلیله\*\*\* ۲۸۷ (۲ /)
- (۲) فصل بیست و یکم: شیرینی\*\*\* ۲۹۱ (۲ /)
- (۲) فصل بیست و دوم: نخود\*\*\* ۲۹۳ (۲ /)
- (۲) فصل بیست و سوم: نان\*\*\* ۲۹۵ (۲ /)
- (۲۳) ۱ / ۳) خواص نان\*\*\* ۲۹۵ (۳ /)
- (۲۳) ۲ / ۳) خواص نان جو\*\*\* ۲۹۷ (۳ /)
- (۲۳) ۳ / ۳) خواص نان برنج\*\*\* ۲۹۷ (۳ /)
- (۲۳) ۴ / ۳) خواص نان گاوَرَس\*\*\* ۲۹۹ (۳ /)
- (۲) فصل بیست و چهارم: کاهو\*\*\* ۳۰۱ (۲ /)
- (۲) فصل بیست و پنجم: سرکه\*\*\* ۳۰۳ (۲ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۵
- (۲۵) ۱ / ۳) خواص سرکه\*\*\* ۳۰۳ (۳ /)
- (۲۵) ۲ / ۳) خواص سرکه شراب\*\*\* ۳۰۵ (۳ /)
- (۲۵) ۳ / ۳) آغاز کردن غذا با سرکه\*\*\* ۳۰۷ (۳ /)
- (۲) فصل بیست و ششم: انار\*\*\* ۳۰۹ (۲ /)
- (۲۶) ۱ / ۳) مهتر میوه‌ها\*\*\* ۳۰۹ (۳ /)
- (۲۶) ۲ / ۳) خواص انار\*\*\* ۳۰۹ (۳ /)
- (۲۶) ۳ / ۳) خواص انار شیرین\*\*\* ۳۱۵ (۳ /)
- (۲۶) ۴ / ۳) خواص انار ترش و شیرین (مَلَس)\*\*\* ۳۱۷ (۳ /)
- (۲۶) ۵ / ۳) خواص خوردن انار با پیه آن\*\*\* ۳۱۷ (۳ /)

- (۲) فصل بیست و هفتم: مویز\*\*\* (۲ /) ۳۲۱
- (۲۷) ۱ / (۳) ۳۲۱ مویز\*\*\* (۳ /)
- (۲۷) ۲ / (۳) ۳۲۳ حالت ناشتا\*\*\* (۳ /)
- (۲۷) ۳ / (۳) ۳۲۵ خورده مویز\*\*\* و یک دانه مویز\*\*\* (۳ /)
- (۲) فصل بیست و هشتم: زیتون\*\*\* (۲ /) ۳۲۷
- (۲۸) ۱ / (۳) ۳۲۷ زیتون\*\*\* (۳ /)
- (۲۸) ۲ / (۳) ۳۲۹ روغن زیتون\*\*\* (۳ /)
- (۲) فصل بیست و نهم: آویشن\*\*\* (۲ /) ۳۳۳
- (۲) فصل سی‌ام: مُشکک\*\*\* (۲ /) ۳۳۷
- (۲) فصل سی و یکم: به\*\*\* (۲ /) ۳۴۱
- (۳۱) ۱ / (۳) ۳۴۱ به\*\*\* (۳ /)
- (۳۱) ۲ / (۳) ۳۴۹ فایده‌های ناشتا خوردن به\*\*\* (۳ /)
- (۳۱) ۳ / (۳) ۳۵۱ به\*\*\* برای زنان باردار\*\*\* (۳ /)
- (۲) فصل سی و دوم: شکر\*\*\* (۲ /) ۳۵۳
- (۳۲) ۱ / (۳) ۳۵۳ شکر\*\*\* (۳ /)
- (۳۲) ۲ / (۳) ۳۵۷ شکر طَبْرَزَد\*\*\* (۳ /)
- (۲) فصل سی و سوم: شلغم\*\*\* (۲ /) ۳۶۱
- (۲) فصل سی و چهارم: چغندر\*\*\* (۲ /) ۳۶۵
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۶
- (۲) فصل سی و پنجم: روغن حیوانی\*\*\* (۲ /) ۳۶۹
- (۳۵) ۱ / (۳) ۳۶۹ گاو\*\*\* (۳ /)
- (۳۵) ۲ / (۳) ۳۷۱ مکروه بودن روغن حیوانی برای پیران\*\*\* (۳ /)
- (۲) فصل سی و ششم: سیا (سنا)\*\*\* (۲ /) ۳۷۳
- (۲) فصل سی و هفتم: سَویق\*\*\* (۲ /) ۳۷۵
- (۳۷) ۱ / (۳) ۳۷۵ سَویق\*\*\* (۳ /)
- (۳۷) ۲ / (۳) ۳۸۱ انواع سَویق\*\*\* (۳ /)
- (۴) الف سَویق جو\*\*\* (۴ /) ۳۸۱
- (۴) ب سَویق عدس\*\*\* (۴ /) ۳۸۳
- (۴) ج سَویق برنج\*\*\* (۴ /) ۳۸۳
- (۴) د سَویق سیب\*\*\* (۴ /) ۳۸۵
- (۳۷) ۳ / (۳) ۳۸۷ سَویق خشک\*\*\* (۳ /)
- (۲) فصل سی و هشتم: پیّه\*\*\* (۲ /) ۳۸۹
- (۲) فصل سی و نهم: عدس\*\*\* (۲ /) ۳۹۳

- (۲) فصل چهلیم: عسل \*\*\* ۳۹۷ (۲ /)
- (۳) ۴۰ (۱ / ۳) درمان با عسل \*\*\* ۳۹۷ (۳ /)
- (۳) ۴۰ (۲ / ۳) خواص عسل \*\*\* ۴۰۱ (۳ /)
- (۲) فصل چهل و یکم: انگور \*\*\* ۴۰۹ (۲ /)
- (۳) ۴۱ (۱ / ۳) تأثیر انگور در از میان رفتن اندوه \*\*\* ۴۰۹ (۳ /)
- (۳) ۴۱ (۲ / ۳) آداب خوردن انگور \*\*\* ۴۱۱ (۳ /)
- (۲) فصل چهل و دوم: عُنَاب \*\*\* ۴۱۳ (۲ /)
- (۲) فصل چهل و سوم: سِنَجِد \*\*\* ۴۱۵ (۲ /)
- (۲) فصل چهل و چهارم: تُّرْب \*\*\* ۴۱۷ (۲ /)
- (۲) فصل چهل و پنجم: خُرفه \*\*\* ۴۱۹ (۲ /)
- (۲) فصل چهل و ششم: خیار \*\*\* ۴۲۳ (۲ /)
- (۳) ۴۶ (۱ / ۳) خواص خیار \*\*\* ۴۲۳ (۳ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۷
- (۳) ۴۶ (۲ / ۳) آداب خوردن خیار \*\*\* ۴۲۳ (۳ /)
- (۲) فصل چهل و هفتم: کدو \*\*\* ۴۲۷ (۲ /)
- (۲) فصل چهل و هشتم: کباب \*\*\* ۴۳۱ (۲ /)
- (۲) فصل چهل و نهم: تره \*\*\* ۴۳۵ (۲ /)
- (۳) ۴۹ (۱ / ۳) خواص تره \*\*\* ۴۳۵ (۳ /)
- (۳) ۴۹ (۲ / ۳) خوردن تره تازه \*\*\* ۴۳۹ (۳ /)
- (۳) ۴۹ (۳ / ۳) خوردن تره همراه با نمک \*\*\* ۴۴۱ (۳ /)
- (۲) فصل پنجاهم: کَرَفَس \*\*\* ۴۴۳ (۲ /)
- (۲) فصل پنجاه و یکم: قارچ \*\*\* ۴۴۵ (۲ /)
- (۲) فصل پنجاه و دوم: گلابی \*\*\* ۴۵۱ (۲ /)
- (۲) فصل پنجاه و سوم: کُنْدُر \*\*\* ۴۵۳ (۲ /)
- (۳) ۵۳ (۱ / ۳) خواص کُنْدُر \*\*\* ۴۵۳ (۳ /)
- (۳) ۵۳ (۲ / ۳) فایده‌های کُنْدُر برای زنان باردار \*\*\* ۴۵۵ (۳ /)
- (۲) فصل پنجاه و چهارم: شیر \*\*\* ۴۵۹ (۲ /)
- (۳) ۵۴ (۱ / ۳) خواص شیر \*\*\* ۴۵۹ (۳ /)
- (۳) ۵۴ (۲ / ۳) درمان کردن با شیر گاو \*\*\* ۴۶۱ (۳ /)
- (۳) ۵۴ (۳ / ۳) شیر شتر \*\*\* ۴۶۳ (۳ /)
- (۳) ۵۴ (۴ / ۳) ماست چکیده ماده الاغ \*\*\* ۴۶۵ (۳ /)
- (۳) ۵۴ (۵ / ۳) شیر با عسل \*\*\* ۴۶۷ (۳ /)
- (۳) ۵۴ (۶ / ۳) ماست و نانخواه \*\*\* ۴۶۷ (۳ /)

- (۲) فصل پنجاه و پنجم: گوشت\*\*\* ۴۶۹ (۲ / )
- (۳ / ) ۵۵ (۱ / ۳) مهتر همه خوراکیها\*\*\* ۴۶۹ (۳ / )
- (۳ / ) ۵۵ (۲ / ۳) خواص گوشت\*\*\* ۴۷۱ (۳ / )
- (۳ / ) ۵۵ (۳ / ۳) خواص گوشت همراه با شیر\*\*\* ۴۷۳ (۳ / )
- (۳ / ) ۵۵ (۴ / ۳) گوشت شتر\*\*\* ۴۷۵ (۳ / )
- (۳ / ) ۵۵ (۵ / ۳) گوشت گاو\*\*\* ۴۷۷ (۳ / )
- (۳ / ) ۵۵ (۶ / ۳) گوشت میش\*\*\* ۴۷۹ (۳ / )
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۲، ص: ۵۶۸
- (۳ / ) ۵۵ (۷ / ۳) گوشت کبک\*\*\* ۴۸۱ (۳ / )
- (۳ / ) ۵۵ (۸ / ۳) گوشت هوبره\*\*\* ۴۸۱ (۳ / )
- (۳ / ) ۵۵ (۹ / ۳) گوشت مرغ\*\*\* ۴۸۱ (۳ / )
- (۳ / ) ۵۵ (۱۰ / ۳) گوشت کبکنجیر\*\*\* ۴۸۳ (۳ / )
- (۳ / ) ۵۵ (۱۱ / ۳) گوشت سنگخوارک\*\*\* ۴۸۳ (۳ / )
- (۳ / ) ۵۵ (۱۲ / ۳) گوشت ماهی\*\*\* ۴۸۵ (۳ / )
- (۴ / ) ۵۵ (۱۲ / ۴) خوردن گوشت ماهی\*\*\* ۴۸۵ (۴ / )
- (۴ / ) ۵۵ (۱۲ / ۴) خوردن خرما یا عسل، پس از خوردن ماهی\*\*\* ۴۸۵ (۴ / )
- (۴ / ) ۵۵ (۱۲ / ۴) نهی از خوردن تخم مرغ و ماهی با همدیگر\*\*\* ۴۸۷ (۴ / )
- (۴ / ) ۵۵ (۱۲ / ۴) نهی از اعتیاد به خوردن ماهی\*\*\* ۴۸۷ (۴ / )
- (۲ / ) ۴۹۱ (۲) فصل پنجاه و ششم: لوبیا\*\*\* ۴۹۱ (۲ / )
- (۲ / ) ۴۹۳ (۲) فصل پنجاه و هفتم: ماش\*\*\* ۴۹۳ (۲ / )
- (۲ / ) ۴۹۵ (۲) فصل پنجاه و هشتم: نمک\*\*\* ۴۹۵ (۲ / )
- (۲ / ) ۴۹۹ (۲) فصل پنجاه و نهم: هلیم\*\*\* ۴۹۹ (۲ / )
- (۲ / ) ۵۰۳ (۲) فصل شصتم: کاسنی\*\*\* ۵۰۳ (۲ / )
- (۲) فهرست منابع و مآخذ\*\*\* ۵۳۹ (۲ / ) [۱۱۴۹]

[۱] (۱) المعجم الأوسط، ج ۵، ص ۲۲۹، ح ۵۱۶۵ عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۹۱، ح ۷۰۹۳.

[۲] (۲) تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۱۶.

[۳] (۳) شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۳، ح ۸۲۴.

[۴] (۴) شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۷۲، ح ۱۴۹.

[۵] (۱) المواعظ العددية، ص ۲۱۳.

[۶] (۲) غرر الحكم، ح ۶۷۶۸، عيون الحكم و المواعظ، ص ۳۷۰، ح ۶۲۴۸.

- [۷] (۳) غرر الحكم، ح ۲۳۳۶.
- [۸] (۴) غرر الحكم، ح ۸۴۰۹، عيون الحكم و المواعظ، ص ۴۵۵، ح ۸۲۲۰.
- [۹] (۵) غرر الحكم، ح ۶۸۱۹، عيون الحكم و المواعظ، ص ۳۷۰، ح ۶۲۴۰.
- [۱۰] (۶) غرر الحكم، ح ۸۸۰۳، عيون الحكم و المواعظ، ص ۴۳۷، ح ۷۵۵۹.
- [۱۱] (۷) تحف العقول، ص ۱۷۲، بشاره المصطفى، ص ۲۵ كلاهما عن كميل بن زياد، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۲۵، ح ۴۱.
- [۱۲] (۸) مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۲۴۶۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۲۱، ح ۱۶۶۶ عن أبي الحسن عليه السلام عن عمرو بن إبراهيم وفيه «قصدوا» بدل «قصروا»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۲، ح ۹.
- [۱۳] (۹) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۱۰ نحوه.
- [۱۴] (۱) في المصدر: «تشبعين»، والتصويب من بحار الأنوار و قصص الأنبياء.
- [۱۵] (۲) علل الشرائع، ص ۴۹۷، ح ۱ عن عمر بن علي عن أبيه الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام، قصص الأنبياء، ص ۲۷۳، ح ۳۲۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۲۰، ح ۲۶.
- [۱۶] (۱) المواعظ العددية، ص ۷۱.
- [۱۷] (۲) غرر الحكم، ح ۸۴۶۲، عيون الحكم و المواعظ، ص ۴۵۶، ح ۸۲۳۶.
- [۱۸] (۳) الفردوس، ج ۱، ص ۲۹۰، ح ۱۱۳۸ عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۴، ح ۴۰۷۷۲.
- [۱۹] (۴) في المصدر: «فليذيب»، والصواب ما أثبتناه.
- [۲۰] (۵) الفردوس، ج ۳، ص ۵۳۶، ح ۵۶۷۲ عن ابن عباس.
- [۲۱] (۶) تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲.
- [۲۲] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۷۵۰؛ الفردوس، ج ۱، ص ۱۰۲، ح ۳۳۸ عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۰۲، ح ۴۱۱۲۰.
- [۲۳] (۲) تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۰ عن ابن عباس.
- [۲۴] (۳) تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۱۹.
- [۲۵] (۴) كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۱، ح ۴۰۸۶۹، جامع الأحاديث للسيوطي، ج ۱، ص ۱۰۶، ح ۵۶۵ كلاهما نقلًا عن الفردوس عن ابن عباس.
- [۲۶] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۱۷۰۷ وفيه «جاف» بدل «خف» و كلاهما عن أبي بصير، جامع الأحاديث للقمي، ص ۱۹۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۵.
- [۲۷] (۶) تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۲۲۹، الدعوات، ص ۷۷، ح ۱۸۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۸، ح ۳۵.
- [۲۸] (۱) در المحاسن ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۱۷۰۷، به جای «سبک»، واژه «خالی» آمده است.
- [۲۹] (۱) غرر الحكم، ح ۶۱۵۳، عيون الحكم و المواعظ، ص ۳۴۱، ح ۵۸۳۳.
- [۳۰] (۲) مصباح الشريعة، ص ۲۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۷، ح ۳۳.
- [۳۱] (۱) الكافي، ج ۸، ص ۲۹۱، ح ۴۴۳ عن موسى بن بكر، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۲، ح ۱۱.
- [۳۲] (۲) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۳۰۹، ح ۷۲، معاني الأخبار، ص ۲۳۸، ح ۱ كلاهما عن إسماعيل الخراساني، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۲۴۶۷ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۰، ح ۱.
- [۳۳] (۳) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۱، ح ۴.

- [۳۴] (۱) الکافی، ج ۸، ص ۲۷۳، ح ۴۰۹ عن عثمان الأحول، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۸، ح ۱۸.
- [۳۵] (۲) الدعوات، ص ۸۱، ح ۲۰۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۹، ح ۵۹.
- [۳۶] (۳) طبّ النبیّ صلی الله علیه و آله، ص ۲.
- [۳۷] (۴) الأحکام النبویّه، ج ۲، ص ۷، الدرّ المنثور، ج ۳، ص ۴۴۵ نقلًا عن أبي محمّد الخلال عن عائشه؛ عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۳۰، ح ۷۲ کلاهما نحوه.
- [۳۸] (۵) الدعوات، ص ۷۷، ح ۱۸۶، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۲۴۶۸ عن العالم علیه السلام نحوه و لیس فیہ «لا صحّٰه مع النهم»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۸، ح ۲.
- [۳۹] (۶) الخصال، ص ۵۱۲، ح ۳، علل الشرائع، ص ۹۹، ح ۱، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۰ کلّها عن الربیع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۵، ح ۹.
- [۴۰] (۱) در مکارم الأخلاق، به همین مضمون، با این تفاوت که در این منبع جمله آخر متن، وجود ندارد.
- [۴۱] (۱) غرر الحکم، ح ۹۲۱۰، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۳۱، ح ۷۴۰۶.
- [۴۲] (۲) غرر الحکم، ح ۵۷۹۳، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۰۳، ح ۵۳۸۸.
- [۴۳] (۳) غرر الحکم، ح ۱۰۶۰۵، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۳۳، ح ۹۷۵۰.
- [۴۴] (۴) معانی الأخبار، ص ۲۳۸، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۱، ح ۱.
- [۴۵] (۵) فی المصدر: «إحدى»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۴۶] (۶) فی المصدر: «دنیا»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۴۷] (۷) طبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۵۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۲، ح ۸.
- [۴۸] (۸) الکافی، ج ۸، ص ۲۹۱، ح ۴۴۲، طبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۵۹ کلاهما عن الحلبي، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۱، ح ۷.
- [۴۹] (۱) علامه مجلسی می گوید: در این جا، نسخه‌ها اختلاف بسیار دارند: در برخی، دال و باء (دبق) آمده، در برخی دیگر به جای دال، یاء (یبق) آمده، و در برخی، راء و سپس باء (ربق) آمده است. در طبّ الأئمّة علیهم السلام نیز «دین» آمده است. در هیچ یک از منابعی که ما در اختیار داریم، هیچ کدام از این واژه‌ها به این معنا در زبان عربی به کار نرفته است و این، یک واژه رومی (لاتینی) است (بحار الأنوار: ج ۶۲ ص ۱۴۱).
- [۵۰] (۱) تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۰؛ إتحاف السادة المتّقین، ج ۷، ص ۳۸۷ مع اختلاف یسیر و زاد فیہ «یوم القیامة».
- [۵۱] (۲) الجعفریات، ص ۱۶۵ عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۶۲، ح ۱۷ نقلًا عن الإمامة و التبصرة.
- [۵۲] (۳) تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۲ عن أنس؛ إتحاف السادة المتّقین، ج ۷، ص ۳۹۱.
- [۵۳] (۱) غرر الحکم، ح ۹۹۱۸، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۹۴، ح ۹۱۱۴.
- [۵۴] (۲) تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۱؛ إتحاف السادة المتّقین، ج ۷، ص ۳۹۰ عن عائشه.
- [۵۵] (۳) الدعوات، ص ۷۶، ح ۱۷۹، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۴۲ عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله، عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۷۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۴۵؛ کنز العمال، ج ۸، ص ۴۵۰، ح ۲۳۶۰۵ نقلًا عن ابن السنّی و أبی نعیم فی الطبّ عن أبی هریره.
- [۵۶] (۴) شعب الإيمان، ج ۳، ص ۴۱۲، ح ۳۹۲۳ عن أبی إسحاق الهمدانی عن الإمام علیّ علیه السلام، الفردوس، ج ۱، ص ۱۴۳، ح ۵۱۲ عن أبی الدرداء نحوه، کنز العمال، ج ۸، ص ۴۴۷، ح ۲۳۵۸۷.



- [۵۷] (۵) غرر الحكم، ح ۱۶۸۳.
- [۵۸] (۶) غرر الحكم، ح ۹۰۳، عيون الحكم و المواعظ، ص ۵۱، ح ۱۳۲۱.
- [۵۹] (۱) غرر الحكم، ح ۱۰۵۶۹، عيون الحكم و المواعظ، ص ۵۳۳، ح ۹۷۳۹.
- [۶۰] (۲) نزهة الناظر، ص ۱۴۱، ح ۱۸، أعلام الدين، ص ۳۱۱، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۹، ح ۴.
- [۶۱] (۳) غرر الحكم، ح ۹۹۲۳، عيون الحكم و المواعظ، ص ۴۹۳، ح ۹۱۰۳ و فيه «الفتوح» بدل «التجوع».
- [۶۲] (۴) غرر الحكم، ح ۹۹۴۲، عيون الحكم و المواعظ، ص ۴۹۴، ح ۹۱۱۳ و فيه «أسر» بدل «أشر».
- [۶۳] (۵) الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام، ص ۳۴۴، ح ۲۶۹.
- [۶۴] (۶) عوالي اللآلي، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۹۷ و ص ۳۲۵، ح ۶۶، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۴۲.
- [۶۵] (۱) در عيون الحكم و المواعظ، به جای «گرسنگی کشیدن»، واژه «قناعت کردن» آمده است.
- [۶۶] (۱) ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.
- [۶۷] (۲) إرشاد القلوب، ص ۱۹۹ و ۲۰۰، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۲، ح ۶.
- [۶۸] (۳) تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۱۹.
- [۶۹] (۱) كنز العمال، ج ۹، ص ۳۷، ح ۲۴۸۱۸ نقلًا عن الحاكم في تاريخ نيشابور و الديلمي عن ابن عمر.
- [۷۰] (۲) عوالي اللآلي، ج ۴، ص ۶۱، ح ۱۱.
- [۷۱] (۳) في المصدر: «يطلبونها»، و التصويب من بحار الأنوار.
- [۷۲] (۴) عدّة الداعي، ص ۱۶۶، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۴۵۳، ح ۲۱.
- [۷۳] (۵) مشكاة الأنوار، ص ۴۴۸، ح ۱۵۰۳ عن الحسن بن محمد الصوفي السروي عن شيوخه.
- [۷۴] (۶) المحجّة البيضاء، ج ۵، ص ۱۴۸ و قال في ذيله: و روى ذلك أيضاً عن نبيّنا صلى الله عليه و آله.
- [۷۵] (۷) إتحاف السادة المتّقين، ج ۷، ص ۳۸۸.
- [۷۶] (۱) نگارنده می گوید: این گونه توصیه‌ها، اشاره به ریاضت شرعی در خوردن و پوشیدن لباس است و مجوّزی برای ریاضت‌های نامشروع نیست.
- [۷۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۲، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۹۲، ح ۳۹۴ كلاهما عن أبي بصير، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۱۷۰۴ عن يونس بن عمّار، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۶، ح ۱۰۱۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۵، ح ۲۲.
- [۷۸] (۲) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۱۱، ح ۳۳۴۹، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۵۹۰، ح ۲۳۸۰، مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۹۳، ح ۱۷۱۸۶، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۳۵، ح ۷۱۳۹ کلّها عن المقدم بن معدیکرب نحوه، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۱، ح ۴۰۸۷۰؛ المحاسن، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۱۶۶۸ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۵، ح ۱۹.
- [۷۹] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۱۷۱۳، المجازات النبویة، ص ۳۷۶، ح ۲۹۱ و ليس فيه صدره، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۲۵، ح ۱.
- [۸۰] (۱) صحيح البخاری، ج ۵، ص ۲۰۶۱، ح ۵۰۷۸، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۶۶، ح ۱۸۱۸، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۸۴، ح ۳۲۵۷ کلّها عن ابن عمر، كنز العمال، ج ۱، ص ۱۵۶، ح ۷۸۰ نقلًا عن المعجم الكبير عن سمره و فيه «المنافق» بدل «الكافر»؛ الخصال، ص ۳۵۱، ح ۲۹ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، جامع الأخبار، ص ۲۱۷، ح ۵۴۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۲۵، ح ۱.
- [۸۱] (۲) مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۳۵۰، ح ۲۷۲۹۵ و راجع صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۳۲، ح ۱۸۶ و التاريخ الكبير، ج ۸، ص

۱۱۹، ح ۲۴۱۵ و کنز العمال، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۱۶۰۸.

[۸۲] (۳) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۳۵، ح ۷۱۴۱.

[۸۳] (۱) در کنز العمال، به جای «کافر»، واژه «منافق» آمده است.

[۸۴] (۱) غرر الحکم، ح ۷۱۱۰، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۹۰، ح ۶۶۰۸.

[۸۵] (۲) إرشاد القلوب، ص ۱۹۹ و ۲۰۱، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۳، ح ۶.

[۸۶] (۳) الأمالی للطوسی، ص ۵۳۸، ح ۱۱۶۲، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۸۰، ح ۲۶۶۱، تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۶۶ کلها عن أبي ذر، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۹۰، ح ۳.

[۸۷] (۴) المعجم الكبير، ج ۸، ص ۱۰۷، ح ۷۵۱۲ و ح ۷۵۱۳، المعجم الأوسط، ج ۳، ص ۲۴، ح ۲۳۵۱، مسند الشاميين، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۱۴۵۸، حلیة الأولیاء، ج ۶، ص ۹۰، کلها عن أبي امامة، کنز العمال، ج ۳، ص ۵۶۱، ح ۷۹۱۱.

[۸۸] (۵) المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۶۵۷، ح ۶۴۱۸، المعجم الأوسط، ج ۷، ص ۳۷۲، ح ۷۷۶۱، و ليس فيه من «و يلبسون» إلى «الدوابّ ألواناً» و كلاهما عن عبد الله بن جعفر، شعب الإيمان، ج ۵، ص ۳۳، ح ۵۶۶۹ عن فاطمة عليها السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه، کنز العمال، ج ۳، ص ۵۶۱، ح ۷۹۱۳. راجع: موسوعة ميزان الحكمة/ الأمة/ شرار امتی / المترفون.

[۸۹] (۱) مداینی می گوید: عربها با غذاهای رنگارنگ، آشنایی نداشتند و خوراکیشان قدری گوشت بود که با آب و نمک پخته می شد، تا آن که روزگار معاویه فرا رسید. او از غذاهای رنگارنگ استفاده کرد و غذا را زینت داد. البته وی به رغم همه رنگارنگی خوراکیش، هرگز سیر نشد تا زمانی که مُرد؛ چرا که پیامبر خدا او را نفرین کرده و فرموده بود: خداوند، هرگز شکمت را سیر نکند! (تنبیه الخواطر: ج ۱ ص ۴۸).

[۹۰] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۷، ح ۸ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۱۴۵۳ عن السکونی عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۴، ح ۱۸.

[۹۱] (۲) غرر الحکم، ح ۹۲۱۹، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۲۶، ح ۷۲۱۹.

[۹۲] (۳) غرر الحکم، ح ۱۳۶۳.

[۹۳] (۴) غرر الحکم، ح ۶۸۱۴، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۷۰، ح ۶۲۳۶.

[۹۴] (۵) غرر الحکم، ح ۹۱۲، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۱، ح ۱۳۲۲.

[۹۵] (۶) غرر الحکم، ح ۲۶۸۱، عیون الحکم و المواعظ، ص ۹۷، ح ۲۲۴۸.

[۹۶] (۱) غرر الحکم، ح ۶۷۴۹، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۷۱، ح ۶۲۶۱.

[۹۷] (۲) نهج البلاغة، الحکمة ۱۷۱، خصائص الأئمة عليهم السلام، ص ۱۱۰، غرر الحکم، ح ۶۹۳۳، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۶۶، ح ۲۹.

[۹۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۸ المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۱۷۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۶، ح ۲۹.

[۹۹] (۴) غرر الحکم، ح ۸۹۰۳، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۳۴، ح ۷۵۰۰.

[۱۰۰] (۵) مائة كلمة للجاحظ، ص ۳۲، ح ۱۶، ینابیع المودّة، ج ۲، ص ۴۱۳، ح ۱۰۳؛ الدعوات، ص ۷۷، ح ۱۸۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۸، ح ۵۲.

[۱۰۱] (۶) غرر الحکم، ح ۱۰۵۷۰، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۳۳، ح ۹۷۳۵.

[۱۰۲] (۷) مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۱۳، ح ۱۹۶۳۲ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

[۱۰۳] (۸) غرر الحکم، ح ۷۱۲۱، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۹۰، ح ۶۶۱۲.

[۱۰۴] (۱) الرّغيب: الواسع (النهاية، ج ۲، ص ۲۳۷).

[۱۰۵] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۳ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۰، ح ۱۷۰۲ عن النوفلي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۵، ح ۲۰؛ تاريخ دمشق، ج ۴۷، ص ۱۸۷ عن أبي الدرداء نحوه، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۵۳، ح ۴۴۳۴۴.

[۱۰۶] (۳) غرر الحكم، ح ۹۹۲۲، عيون الحكم و المواعظ، ص ۴۹۳، ح ۹۱۰۶.

[۱۰۷] (۴) غرر الحكم، ح ۶۵۹، عيون الحكم و المواعظ، ص ۲۵، ح ۲۴۹.

[۱۰۸] (۵) غرر الحكم، ح ۱۳۶۴، عيون الحكم و المواعظ، ص ۲۵، ح ۲۴۹ و ليس فيه «يورث الأشر».

[۱۰۹] (۶) غرر الحكم، ح ۴۴۰۸، عيون الحكم و المواعظ، ص ۱۹۳، ح ۳۹۷۲.

[۱۱۰] (۷) الكافي، ج ۶، ص ۲۷۰، ح ۱۰ عن أبي عبيدة، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۱۷۰۵ عن الحسين بن مختار عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۶، ح ۴۲۵۵ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۶، ح ۲۳.

[۱۱۱] (۸) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۱۰۲۵، جامع الأخبار، ص ۵۱۵، ح ۱۴۵۳، تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۴۶، روضة الواعظين، ص ۵۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۷.

[۱۱۲] (۱) عدّة الداعي، ص ۲۹۴، أعلام الدين، ص ۳۳۹ عن أبي هريرة، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۸۲، ح ۱۰ و ج ۱۰۳، ص ۲۷، ح ۴۰.

[۱۱۳] (۲) طبّ النبي صلى الله عليه وآله، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۳.

[۱۱۴] (۳) غرر الحكم، ح ۷۱۲۰، عيون الحكم و المواعظ، ص ۳۸۹، ح ۶۵۷۲.

[۱۱۵] (۴) غرر الحكم، ح ۸۴۵۸ و ۸۴۵۹، عيون الحكم و المواعظ، ص ۴۲۰، ح ۷۱۱۷.

[۱۱۶] (۵) غرر الحكم، ح ۱۰۵۲۸، عيون الحكم و المواعظ، ص ۵۳۲، ح ۹۷۰۱.

[۱۱۷] (۶) غرر الحكم، ح ۶۵۲ و ۳۴۵، عيون الحكم و المواعظ، ص ۳۹، ح ۸۷۵.

[۱۱۸] (۷) غرر الحكم، ح ۱۰۵۷۲.

[۱۱۹] (۸) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۱۰۲۶، جامع الأخبار، ص ۵۱۵، ح ۱۴۵۲، روضة الواعظين، ص ۵۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۷.

[۱۲۰] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگي دار الحديث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۱۲۱] (۱) شرح نهج البلاغة، ج ۲۰، ص ۳۲۵، ح ۷۲۳.

[۱۲۲] (۲) غرر الحكم، ح ۴۱۳۹.

[۱۲۳] (۳) غرر الحكم، ح ۲۶۳۹، عيون الحكم و المواعظ، ص ۹۶، ح ۲۲۱۲.

[۱۲۴] (۴) فی الطبعة المعتمدة: «لا تجتمع»، و التصویب من طبعة بیروت و طهران و عيون الحكم و المواعظ.

[۱۲۵] (۵) غرر الحكم، ح ۱۰۵۶۸، عيون الحكم و المواعظ، ص ۵۳۳، ح ۹۷۴۰.

[۱۲۶] (۶) مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۶۹۵۵ نقلًا عن القطب الراوندي فی لبّ اللباب.

[۱۲۷] (۷) المحاسن، ج ۲، ص ۲۲۲، ح ۱۶۶۷ عن حفص بن غياث، جامع الأخبار، ص ۵۱۵، ح ۱۴۵۴ من دون إسناد إلى المعصوم و ليس فيه من «ثم قال أبو عبد الله عليه السلام: يا حفص...» بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۱۶، ح ۵۲.

- [۱۲۸] (۱) عبارت «امام صادق عليه السلام سپس فرمود: ای حفص! ...» به بعد، نیامده است.
- [۱۲۹] (۱) ربيع الأبرار، ج ۲، ص ۶۷۳، شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۱۸۸؛ تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۴۷.
- [۱۳۰] (۲) حلیة الأولیاء، ج ۸، ص ۱۴۸، تاریخ دمشق، ج ۶۴، ص ۲۰۵، حیاة الحیوان الکبری، ج ۱، ص ۲۶۵ نحوه و لیس فیہ من «فقال له یحیی: علی ذلك...»؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۶۵، ح ۱۵۰.
- [۱۳۱] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۱۰۲۴، جامع الأخبار، ص ۵۱۵، ح ۱۴۵۲، روضة الواعظین، ص ۵۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۷؛ الفردوس، ج ۴، ص ۲۴۷، ح ۶۷۳۰ عن أبی هريرة.
- [۱۳۲] (۲) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶، ح ۸۹ عن أحمد بن عامر الطائی، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۱۰۹، ح ۶۶ کلاهما عن الإمام الرضا عن آباءه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۳، ح ۱۴.
- [۱۳۳] (۳) تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۰.
- [۱۳۴] (۴) کنز العمال، ج ۱۶، ص ۸۷، ح ۴۴۰۲۹ نقلًا عن الدیلمی عن أبی هريرة.
- [۱۳۵] (۵) الأمالی للمفید، ص ۱۹۲، ح ۲۱ عن أبی حفص العطار، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۱۷۰۸ عن أبی جعفر العطار نحوه مختصرًا و کلاهما عن الإمام الصادق عن أبیه عن جدّه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۸، ح ۳۴.
- [۱۳۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۲۷۰، ح ۱۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۱۷۰۹ کلاهما عن أبی الجارود، جامع الأحادیث للقمی، ص ۲۰۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۵ و ص ۳۳۶، ح ۲۷.
- [۱۳۷] (۲) جامع الأحادیث للقمی، ص ۲۰۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۵.
- [۱۳۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۱۷۰۳ کلاهما عن صالح النیلی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۵، ح ۲۱.
- [۱۳۹] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۱۷۰۷ و فیہ «جاف» بدل «خفّ» و کلاهما عن أبی بصیر، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۵ و ص ۳۳۶، ح ۲۵ و راجع: جامع الأحادیث للقمی، ص ۱۹۹.
- [۱۴۰] (۱) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۱۲، ح ۳۳۵۱، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۶۹۹، ح ۶۵۴۵ کلاهما عن سلمان، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۶۴۹، ح ۲۴۷۸ عن ابن عمر و کلاهما نحوه، کنز العمال، ج ۳، ص ۱۹۸، ح ۶۱۵۵.
- [۱۴۱] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۵، تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۹۲، ح ۳۹۵ کلاهما عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام عن أبی ذرّ، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۱۷۱۵ عن السکونی عن الإمام الصادق عن أبیه علیهما السلام عن أبی ذرّ، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۱۰۰۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۹، ح ۳ و ج ۷۶، ص ۵۷، ح ۴.
- [۱۴۲] (۳) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۸، ح ۱۱۳ عن أحمد بن عامر الطائی، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۳۲، ح ۱۳۰ کلاهما عن الإمام الرضا عن آباءه علیهم السلام، روضة الواعظین، ص ۵۰۰ و لیس فیہ «فما ملأ أبو جحيفة...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۱۲؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۳۵، ح ۷۱۴۰، شعب الإیمان، ج ۵، ص ۲۶، ح ۵۶۴۳، التاریخ الکبیر (کتاب الکنی)، ج ۸، ص ۳۱، ح ۲۶۹، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۲۷، ح ۳۲۷ کلّها نحوه، کنز العمال، ج ۳، ص ۲۰۰، ح ۶۱۶۲.
- [۱۴۳] (۴) الأمالی للطوسی، ص ۳۴۶، ح ۷۱۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۳، ح ۱۳ و ج ۷۳، ص ۹۹، ح ۸۴؛ المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۲۳۶، ح ۶۰۸۷ عن زید بن وهب و ص ۲۶۹، ح ۶۱۸۳ عن عامر بن عطیة، شعب الإیمان، ج ۵، ص ۲۷، ح ۵۶۴۵ عن عقبه بن عامر و کلّها نحوه، حلیة الأولیاء، ج ۱، ص ۱۹۸ و فیہ «أطولهم» بدل «أكثرهم»، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۴۲۴، ح ۳۷۱۲۶ نقلًا عن العسکری فی الأمثال.

- [۱۴۴] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۱۷۱۶ عن السكوني، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۹، ح ۲.
- [۱۴۵] (۲) الدعوات، ص ۷۴، ح ۱۷۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۸، ح ۳۵ و ج ۶۲، ص ۲۶۶، ح ۴۱.
- [۱۴۶] (۳) غرر الحكم، ح ۲۷۴۲، عيون الحكم و المواعظ، ص ۱۰۱، ح ۲۳۰۵.
- [۱۴۷] (۴) شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۲۰، ح ۶۷۴.
- [۱۴۸] (۱) تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۲، جامع الأخبار، ص ۵۱۶، ح ۱۴۵۶.
- [۱۴۹] (۲) مصباح الشريعة، ص ۲۵۳، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۹، ح ۱۸.
- [۱۵۰] (۳) مصباح الشريعة، ص ۲۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۷، ح ۳۳.
- [۱۵۱] (۴) الأملی للصدوق، ص ۶۳۶، ح ۸۵۴ عن عبد الحميد بن عواض الطائي عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام، الكافي، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۷، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۹۳، ح ۳۹۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۱۷۱۰ کلها عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۸.
- [۱۵۲] (۵) الدعوات، ص ۸۱، ح ۲۰۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۹، ح ۵۹ و ج ۶۶، ص ۴۱۲، ح ۹.
- [۱۵۳] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۱۵۹۱ عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۵۶، ح ۱۷.
- [۱۵۴] (۲) في الدعوات و مسند الشهاب و بحار الأنوار: «اللمم» بدل «الهّم». و اللمم: طرف من الجنون، و أصله في كلامهم المقاربة للشيء (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۴).
- [۱۵۵] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۱، ح ۹۵۰، الدعوات، ص ۱۴۲، ح ۳۶۴ و ليس فيه «و يصحّ البصر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۴، ح ۴۲؛ مسند الشهاب، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۳۱۰ عن سهل بن إبراهيم المروزي عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله.
- [۱۵۶] (۴) الأملی للطوسی، ص ۵۹۰، ح ۱۲۲۵، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۹۷، ح ۴۲۳ عن القّداح عن الإمام الصادق عليه السلام، الكافي، ج ۶، ص ۲۹۰، ح ۱ عن ابن القّداح كلاهما نحوه و ح ۴ عن السكوني و كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۴۲۶۴ و فيهما صدره إلى «طعامه» و ح ۴۲۶۵ نحوه، المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۱۵۸۸ عن ابن القّداح عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۴، ح ۴۰.
- [۱۵۷] (۱) در متن عربی، واژه «وضو» به کاررفته است که در اصل، به معنای تمیزی و پاکی است. می گویی: وَضُوءٌ، يَوْضُؤُ وَضَاءَةً. البتّه در شرع، «وضو»، نامی برای «طهارت جستن و آماده شدن برای نماز» شده است و می گویی: تَوَضَّأْتُ (وضو گرفتم). نیز واژه «وضوء» به معنای آبی است که شخص با آن وضو می گیرد.
- در این حدیث، واژه «وضوء» به همان معنای لغوی خود، یعنی پاکیزگی و تمیزی، به کار رفته و کنایه از شستن دست هاست (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۳۶۴). همچنین، ر. ک: ح ۱۲۸۵.
- [۱۵۸] (۲) در الدعوات، مسند الشهاب و بحار الأنوار، به جای «الهّم (اندوه)» واژه «اللمم» آمده که به معنای «نوعی دیوانگی» است. اصل این واژه در زبان عربی، برای دلالت بر «نزدیک شدن یا نزدیک بودن به چیزی» به کار رفته است (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۳۶۴).

[۱۵۹] (۱) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۹۶، ح ۳۲۹۶ عن فاطمة عليها السلام، كتر العمّال، ج ۱۵، ص ۲۴۲، ح ۴۰۷۵۹.

[۱۶۰] (۲) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۹۶، ح ۳۲۹۷، مسند ابن حنبل، ج ۳، ص ۲۵۱، ح ۵۸۳۹، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۸۹، ح ۱۸۵۹ و ۱۸۶۰، سنن الدارمی، ج ۱، ص ۵۳۷، ح ۱۹۹۱ و فيه «فعرض له عارض» بدل «فأصابه شيء» و کلها عن أبي هريرة و ليس

فيها» فلم يغسل يده»، كثر العمّال، ج ١٥، ص ٢٤٣، ح ٤٠٧٦٨.

[١٦١] (٣) كثر العمّال، ج ١٥، ص ٢٤٤، ح ٤٠٧٧٠ نقلًا عن الكامل في ضعفاء الرجال عن ابن عمر.

[١٦٢] (٤) مسند أبي يعلى، ج ٥، ص ٢٢٦، ح ٥٥٤٢، المعجم الأوسط، ج ٧، ص ١٤٦، ح ٧١١٥ و ليس فيه «من ربح...» و كلاهما عن سالم عن أبيه، كثر العمّال، ج ١٥، ص ٢٤٧

[١٦٣] (٥) كثر العمّال، ج ١٥، ص ٢٦٣، ح ٤٠٨٨٧ نقلًا عن شُعب الإيمان.

[١٦٤] (٦) دعائم الإسلام، ج ٢، ص ١٢١، ح ٤١١، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٦٥، ح ٤٣.

[١٦٥] (١) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ٦٩، ح ٣٢٠ عن دارم بن قبيصة بن نهشل بن مجمع النهشلي الصنعاني عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٤٧٨، ح ١٦٥٢ عن الإمام الرضا عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، الخصال، ص ٦٣٢، ح ١٠ عن أبي بصير و محمد بن مسلم، علل الشرائع، ص ٥٥٧، ح ١ عن أبي بصير و كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ١٢١ و الثلاثة الأخيرة عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١٨٨، ح ١٠.

[١٦٦] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٢٩٠، ح ٣ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ٦١٢، ح ١٠ عن أبي بصير و محمد بن مسلم، المحاسن، ج ٢، ص ٢٠١، ح ١٥٨٩ عن أبي بصير و كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عنهم السلام و فيهما «الرزق» بدل «العمر»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٥٣، ح ٦ و راجع الدعوات، ص ١٤٢، ح ٣٦٥.

[١٦٧] (٣) دعائم الإسلام، ج ٢، ص ١٢١، ح ٤١٢، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٦٥، ح ٤٣.

[١٦٨] (٤) المحاسن، ج ٢، ص ٢٠٢، ح ١٥٩٤، الدعوات، ص ١٤٢، ح ٣٦٥ عن الإمام عليّ عليه السلام و فيه «غسل اليدين قبل الطعام و بعده زيادة في الرزق و يجلو البصر و يذهب الفقر»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٥٦، ح ٢٠.

[١٦٩] (٥) الكافي، ج ٦، ص ٢٩٨، ح ١٣، المحاسن، ج ٢، ص ٢٠٦، ح ١٦١١ و زاد فيه «فلم يغسلها» بعد «نظيفه»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٥٩، ح ٣٠.

[١٧٠] (١) در الخصال و المحاسن، به جای «عمر»، واژه «روزی» آمده است.

[١٧١] (٢) در الدعوات از امام علی علیه السلام چنین آمده است: «شستن دستان پیش و پس از غذا، موجب فزونی روزی است، دیده را جلا می دهد و فقر را از میان می برد».

[١٧٢] (١) طبّ النبّی صلی الله علیه و آله، ص ١١، مکارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٨٢، ح ١٢٧٨ و فيه «فی الحدیث: خَصَرُوا...»، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٠٠ و ج ٦٦، ص ١٩٩، ح ٣؛ الفردوس، ج ٢، ص ٢٩٢، ح ٣٣٣٣ عن أبي امامة، كثر العمّال، ج ١٥، ص ٢٤٦، ح ٤٠٧٨١.

[١٧٣] (٢) الأُمالي للطوسي، ص ٣٠٤، ح ٦٠٦ عن أبي قتادة، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٨٢، ح ١٢٨٠، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٩٩، ح ١.

[١٧٤] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٣٦٢، ح ٢، المحاسن، ج ٢، ص ٣٠٩، ح ٢٠٣١ و زاد فيه «و الفطور» بعد «بطبق»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٩٩، ح ٤.

[١٧٥] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٣٦٢، ح ١، المحاسن، ج ٢، ص ٣٠٩، ح ٢٠٣٠ و فيه «و حسنی» بدل «فأجلسنی»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٩٩، ح ٢ و ص ٤٢٥، ح ٤٤.

[١٧٦] (١) طَبَّقَ، مُعَرَّبٌ است. اصلش تَبَوَّكٌ و فارسی است: ظرفی که می خورند بر آن. (ر. ک: لغت نامه دهخدا).

[١٧٧] (٢) علّامه مجلسی در این باره می نویسد: سبز است، یعنی نورانی است به نوری سبز، و از همین روی، به همانند خویش می گردد؛ یا این عبارت، کنایه از آن است که دل های مؤمنان به حکمت ها و معارف، آباد است و این سرسبزی معنوی را با سبز

بودن دل، مناسبتی است که ما به آن ناآگاهیم؛ یا معنای این عبارت، آن است که چون دل‌های مؤمنان به کشتزارهای حکمت، سرسبز شده است، به آنچه در آن جنبه‌ای از حُسن و سودمندی وجود دارد، تمایل می‌یابد و سبزی هم یکی از همین چیزهاست» (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۰۰).

[۱۷۸] (۱) المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۹۵، ح ۵۴۹۶ عن أنس، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۳۵، ح ۴۰۷۲۵؛ المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۱۷۲۲ عن النوفلی یاسناده، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۷۰، ح ۸۱۷ و فيه «إذا أكلتم فاخلعوا نعالكم فإنه أروح للقدمين و...» بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۹، ح ۲۹.

[۱۷۹] (۲) سنن الدارمی، ج ۱، ص ۵۴۲، ح ۲۰۰۷، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۳۳، ح ۷۱۲۹ و فيه «لأبدانكم» بدل لأفدامكم، المعجم الأوسط، ج ۳، ص ۲۹۵، ح ۳۲۰۲ و فيهما «أكلتم» بدل «وضع الطعام» و كلها عن أنس، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۳۵، ح ۴۰۷۲۸؛ الأملی للطوسی، ص ۳۱۱، ح ۶۳۲ و فيه «أكلتم» بدل «وضع» عن أنس، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۶، ح ۱۷.

[۱۸۰] (۳) مسند أبی یعلی، ج ۴، ص ۱۷۹، ح ۴۱۷۲ عن أنس، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۳۵، ح ۴۰۷۲۷.

[۱۸۱] (۴) تاریخ دمشق، ج ۶۰، ص ۳۲۵ عن عقبه بن عامر، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۳۸، ح ۴۰۷۴۱.

[۱۸۲] (۱) در المستدرک علی الصحیحین، به جای «پاهایتان»، واژه «بدن‌هایتان» آمده است.

[۱۸۳] (۱) تحف العقول، ص ۱۷۱، بشاره المصطفی، ص ۲۵ عن کمیل، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۲۵، ح ۴۱.

[۱۸۴] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۹، ح ۹۸۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۸۰، ح ۴۷.

[۱۸۵] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۲۹۵، ح ۱۸، المحاسن، ج ۲، ص ۲۱۸، ح ۱۶۵۵ کلاهما عن داوود بن فرقد، کتاب من لا یحضره

القیه، ج ۳، ص ۳۵۵، ح ۴۲۵۳، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۸، ح ۳۹۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۹، ح ۶.

[۱۸۶] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۱۶۵۸ عن عبد الله الأزرجانی عن الإمام الصادق علیه السلام عن آبائه علیهم السلام،

الدعوات، ص ۸۰، ح ۱۹۹، کتاب من لا یحضره القیه، ج ۳، ص ۳۵۶، ح ۴۲۵۴ عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه، بحار الأنوار،

ج ۶۶، ص ۳۷۹، ح ۴۱ و ص ۴۱۲، ح ۹.

[۱۸۷] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۱۶۵۶ و ص ۲۰۹، ح ۱۶۲۳ عن مسمع أبی سَیّار نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۷۸، ح ۳۹

و ص ۳۷۰، ح ۸.

[۱۸۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۲۹۵، ح ۱۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۱۶۵۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۷۸، ح ۴۰.

[۱۸۹] (۳) طَبَّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۶۰ عن جابر عن الإمام الباقر علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۸۰، ح ۴۶ و راجع:

الإساک قبل الشیع، ح ۱۳۲۹.

[۱۹۰] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۵۲۵، ح ۲۵۴۲۸، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۵۲۷، ح ۴۲۰۳۸ نقلًا عن ضیاء المقدسی فی المختار

و فيه «لوضوئه» بدل «لحاجته».

[۱۹۱] (۲) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۰۵۶، ح ۵۰۶۱، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۹۹، ح ۱۰۸، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۸۷، ح

۳۲۶۷، المعجم الكبير، ج ۹، ص ۲۷، ح ۸۲۹۹ و ليس فيها «فما زالت تلك طعمتي بعد»، مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۵۰۳، ح ۱۶۳۳۲ و

۱۶۳۳۰ کلاهما نحوه.

[۱۹۲] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۳۷۷، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۴، ح ۲۴۸۲ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام،

الجعفریات، ص ۲۴۳ عن الإمام الکاظم عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام، الدعوات، ص ۱۴۵، ح ۳۷۸ عن الإمام علیّ علیه

السلام و کلها نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۷، ح ۱۲.

[۱۹۳] (۱) الخصال، ص ۶۲۳، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، الکافی، ج ۶، ص

- ٣٢٦، ح ٤، المحاسن، ج ٢، ص ٤٢٢، ح ٢٤٧٨ كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٣٥٧، ح ٤٢٥٩ و ليس في الثلاثة الأخيرة «من ابتدأ...»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٩٧، ح ١٣.
- [١٩٤] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٣٢٦، ح ٦، المحاسن، ج ٢، ص ٤٢٣، ح ٢٤٨١ كلاهما عن فروة، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٩٦، ح ٨.
- [١٩٥] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٣٣٠، ح ١٢ عن سليمان الديلمي، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٣٥٧، ح ٤٢٥٨ نحوه، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٠٧، ح ٩٧٨ و ليس فيه صدره، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٩٩، ح ٢٤.
- [١٩٦] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٣٢٦، ح ٥، المحاسن، ج ٢، ص ٤٢٣، ح ٢٤٧٩ كلاهما عن الجعفرى، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٩٦، ح ٧.
- [١٩٧] (١) معرّب ترياك است و آن، دوايى مرگب است و معروف، كه چند ادويه را كوفته و بيخته در شهد آميزند و آن، دافع اقسام زهرهاى نباتى و حيوانى باشد (ر. ك: لغت نامه دهخدا: ج ٤ ص ٥٨٥٥).
- [١٩٨] (١) الفردوس، ج ٣، ص ٣٠٦، ح ٤٩٢٠ عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال، ج ١٦، ص ٨٠، ح ٤٤٠١١.
- [١٩٩] (٢) كنز العمال، ج ١٦، ص ٥٩، ح ٤٣٩٣٢ نقلًا عن الديلمي عن أنس.
- [٢٠٠] (٣) طب الأئمة لابنى بسطام، ص ٢٩ و ص ٦٠ و ليس فيه «و تنقى معدته» و كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٨٠، ح ٤٦.
- [٢٠١] (٤) مشكاة الأنوار، ص ٥٦٤، ح ١٩٠١ عن عنوان البصرى، بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢٦، ح ١٧.
- [٢٠٢] (٥) المحاسن، ج ٢، ص ٢٣٣، ح ١٧١٢، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٣٧، ح ٣٠.
- [٢٠٣] (١) فى المصدر «تغذى بها» و التصحيح ما فى بحار الأنوار: «التي يغتذى».
- [٢٠٤] (٢) فى بعض النسخ و بحار الأنوار: «طقتك» بدل «وطنك».
- [٢٠٥] (٣) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ١٥، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣١١.
- [٢٠٦] (٤) المحاسن، ج ٢، ص ١٧٢، ح ١٤٨٠، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٠٢، ح ٦.
- [٢٠٧] (٥) المحاسن، ج ٢، ص ١٧٢، ح ١٤٨١، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٠٢، ح ٧.
- [٢٠٨] (٦) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٥٥، ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو و أنس بن محمد عن أبيه، الخصال، ص ٤٨٦، ح ٦١ عن أنس بن محمد عن أبيه، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ٣٢١، ح ٢٦٥٦ كلها عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤١٥، ح ١٤.
- [٢٠٩] (١) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٣٥٩، ح ٤٢٧٠، الخصال، ص ٤٨٥، ح ٦٠ كلاهما عن إبراهيم الكرخى، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٠٦، ح ٩٦٩ كلها عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المحاسن، ج ٢، ص ٢٤٨، ح ١٧٧٣، روضة الواعظين، ص ٣٤١ و فيها «المضغ الشديد» بدل «تجويد المضغ»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤١٣، ح ١٣ و ص ٤٢٠، ح ٣٥.
- [٢١٠] (٢) طب النبى صلى الله عليه و آله، ص ٢، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٩٠.
- [٢١١] (٣) فى المصدر: «و لي جيد»، و الصواب ما أثبتناه كما فى بحار الأنوار.
- [٢١٢] (٤) طب الأئمة لابنى بسطام، ص ٢٩ و ص ٦٠ نحوه و كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٨٠، ح ٤٦ و ص ٤١٠، ح ٥.
- [٢١٣] (٥) تحف العقول، ص ١٧٢، بشاره المصطفى، ص ٢٥ عن كميل بن زياد، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٢٥، ح ٤١.
- [٢١٤] (١) إبان كل شىء: وقته و حينه الذى يكون فيه (لسان العرب، ج ١٣، ص ٤). و فى بحار الأنوار: «كفايتك فى أيامه» بدل «من كل صنف منه فى إبان».



- [۲۱۵] (۲) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۱۱ نحوه.
- [۲۱۶] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۴، ح ۱۶۰۳، الدعوات، ص ۱۴۳، ح ۳۶۹ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۵۹، ح ۲۷.
- [۲۱۷] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۹۶۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۳، ح ۳۸.
- [۲۱۸] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۲۹۲، ح ۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۷، ح ۴۷.
- [۲۱۹] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۲۹۱، ح ۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۶، ح ۴۶.
- [۲۲۰] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۹۵۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۳، ح ۳۸.
- [۲۲۱] (۴) كشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۷۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۸، ح ۱۹.
- [۲۲۲] (۱) الدعوات، ص ۸۰، ح ۲۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۲، ح ۹.
- [۲۲۳] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۲۹۹، ح ۲۱، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۰۰، ح ۴۳۵ كلاهما عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۶، ح ۱۰۱۳.
- [۲۲۴] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۱۷۲۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۹، ح ۳۰.
- [۲۲۵] (۴) الأعراف: ۳۱.
- [۲۲۶] (۵) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۱۲، ح ۳۳۵۲، شعب الإيمان، ج ۵، ص ۴۶، ح ۵۷۲۱ كلاهما عن أنس، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۳، ح ۴۰۸۸۶.
- [۲۲۷] (۱) الدعوات، ص ۷۵، ح ۱۷۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۴۲.
- [۲۲۸] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۹، ح ۴۹۶۸، الأمل للصدوق، ص ۵۱۲، ح ۷۰۷ كلاهما عن الحسين بن زيد، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۱۰، ح ۲۶۵۵ كلّها عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۰، ح ۱ و ج ۷۶، ص ۳۳۱، ح ۱.
- [۲۲۹] (۳) الخصال، ص ۶۱۳، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۸، ح ۱ و ج ۷۹، ص ۲۱۲، ح ۸.
- [۲۳۰] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگي دار الحديث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۲۳۱] (۴) صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۶۱، ح ۷۰، الموطأ، ج ۲، ص ۹۲۲، ح ۵، مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۵۰۵، ح ۱۳۶۶۶ عن أنس؛ دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۹، ح ۳۹۹ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۸۹، ح ۲۶.
- [۲۳۲] (۵) الجعفریات، ص ۱۶۲ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.
- [۲۳۳] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۲۷۲، ح ۳ و ح ۱ عن جراح المدائني نحوه، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۹۳، ح ۴۰۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۴۳، ح ۱۷۵۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۸۷، ح ۱۳ و راجع كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۳، ح ۴۲۴۱.
- [۲۳۴] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۳۵۵، ح ۲۴۵۳۳، المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲۹۲ كلاهما عن عائشة، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۲، ح ۴۰۸۷۶ و راجع: سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۵۷، ح ۱۷۹۹ و ص ۲۵۸، ح ۱۸۰۰.
- [۲۳۵] (۲) صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۹۸، ح ۱۰۴، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۸۸، ح ۳۲۶۸، مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۹۱، ح ۱۴۵۹۳ كلّها عن جابر، صحيح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۳۴، ح ۵۲۲۹ عن سالم بن عبد الله عن أبيه نحوه، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۱، ح ۴۰۸۷۲.

- [۲۳۶] (۳) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۳، ح ۵۷۶۲ عن حمّاد بن عمرو و أنس بن محمّد عن أبيه، الخصال، ص ۲۶۴، ح ۱۴۳ عن حمّاد بن عمرو و كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۱۱.
- [۲۳۷] (۴) الخصال، ص ۲۶۳، ح ۱۴۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۱۰ و راجع: تحف العقول، ص ۹.
- [۲۳۸] (۱) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۰۳، ح ۱۴۴۴، الخصال، ص ۸۹، ح ۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۹ و ج ۷۶، ص ۵۸، ح ۴.
- [۲۳۹] (۲) اسد الغابّة، ج ۱، ص ۴۲۲ الرقم ۵۰۵ عن خطّاب بن محمّد بن بولی عن أبيه عن جدّه، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۳۳، ح ۴۰۷۱۳ نقلًا عن عبدان عن بولاء.
- [۲۴۰] (۳) الجامع الصغير، ج ۱، ص ۴۸۴، ح ۳۱۳۴، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۳۳، ح ۴۰۷۱۴ كلاهما نقلًا عن الكامل في ضعفاء الرجال عن عائشة.
- [۲۴۱] (۴) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۳۲، ح ۷۱۲۵ عن جابر، المعجم الأوسط، ج ۶، ص ۲۰۹، ح ۶۲۰، الفردوس، ج ۱، ص ۹۹، ح ۳۲۷ كلاهما عن أبي هريرة نحوه، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۴۹، ح ۴۰۸۰۲؛ الكافي، ج ۶، ص ۳۲۲، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۱۴۸۶ كلاهما عن محمّد بن حكيم عن الإمام الصادق عليه السلام و ليس فيهما «أبردوا الطعام الحارّ».
- [۲۴۲] (۵) كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۴۹، ح ۴۰۸۰۰ نقلًا عن مسند ابن حنبل و الطبراني في المعجم الكبير و صحيح ابن حبان و المستدرک للحاكم عن أسماء بنت أبي بكر.
- [۲۴۳] (۶) شعب الإيمان، ج ۵، ص ۹۴، ح ۵۹۱۲، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۵۹، ح ۴۰۸۵۶ و فيه «يمكن» بدل «يسكن».
- [۲۴۴] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۱، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۴۸۵، كلاهما عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۱۳، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۳، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۴، ح ۱۰۰۱، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۲۴ عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۳۸، ح ۱۴۲ كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عنه عليهم السلام و الثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۱، ح ۳ و ۴ و ص ۴۱۰، ح ۷.
- [۲۴۵] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۲، ح ۴ عن ابن القدّاح، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۴۸۲ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۷۰، ح ۸۷ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۲، ح ۸.
- [۲۴۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۲، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۴۸۳ كلاهما عن السكوني، الجعفریات، ص ۱۶۰ كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۷، ح ۳۸۸ من دون إسناد إلى الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۲، ح ۹.
- [۲۴۷] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۱۴۸۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۳، ح ۱۳.
- [۲۴۸] (۱) الخصال، ص ۲۷۰، ح ۹ عن ابن عباس، روضة الواعظين، ص ۳۳۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۴، ح ۱۶.
- [۲۴۹] (۲) سنن النسائي، ج ۱، ص ۱۳۹، مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۴۰۱، ح ۲۴۷۶۸ و زاد فيه «وضوءه للصلاة» بعد «توضأ»، صحيح ابن حبان، ج ۴، ص ۲۰، ح ۱۲۱۸، المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۱، ص ۸۰، ح ۲، المعجم الأوسط، ج ۶، ص ۲۲۰، ح ۶۲۴۰ و زاد فيه «وضوء الصلاة» بعد «توضأ»، وفيه «توضأ» بدل «غسل يديه»، المعجم الكبير، ج ۲۳، ص ۴۰۸، ح ۹۸۰ عن أم سلمة نحوه.
- [۲۵۰] (۳) المعجم الأوسط، ج ۵، ص ۱۶۳، ح ۴۹۵۲، شعب الإيمان، ج ۵، ص ۱۲۴، ح ۶۰۴۴ كلاهما عن عائشة، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۴۵، ح ۴۰۷۷۳؛ الدعوات، ص ۷۶، ح ۱۷۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۲، ح ۹.
- [۲۵۱] (۱) مريم: آية ۶۲.

[۲۵۲] (۱) ممکن است توصیه روایات به «خوردن نمک در آغاز و پایان غذا» برای مناطقی باشد که به دلیل عرق‌ریزی فراوان، نمک بدن کاسته می‌شود و یا برای ضد عفونی کردن دهان باشد. البته ظاهر روایات فراوانی که به این معنا توصیه کرده‌اند، این است که خوردن اندکی نمک قبل و پس از غذا، برای کسانی که بیمارند، مفید است.

[۲۵۳] (۱) موسوعه میزان الحکمه، دائرة المعارفی است گسترده‌تر از میزان الحکمه، از همان مؤلف، همراه با تحلیل و تحقیق در زمینه‌های مختلف معارف اسلامی. جلد اول و دوم این اثر که با همکاری محققان مرکز تحقیقات دار الحدیث به انجام رسیده، منتشر گردیده است و به فضل خداوند منان بقیه مجلدات آن نیز به تدریج، منتشر خواهد شد.

[۲۵۴] (۱) التاریخ الکبیر، ج ۶، ص ۳۹۱ عن عمر بن علی بن ابی طالب، مسند الشامیین، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۱۹۱۲ و ح ۱۹۱۳ کلاهما عن ابی هریره من دون إسناده إلى المعصوم.

[۲۵۵] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۲، ح ۱۸۳۰ کلاهما عن زرارة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۱، ح ۶۰؛ سنن أبی داود، ج ۳، ص ۳۵۰، ح ۳۷۸۱ عن عبد الله بن مسعود، مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۲۲۸، ح ۲۳۹۲۰ عن أبی رافع، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۳۳۶، ح ۸۴۲ عن أبی عیید و الثلاثة الأخيرة من دون إسناده إلى الإمام الباقر علیه السلام، کنز العمال، ج ۷، ص ۱۰۳، ح ۱۸۱۷۰.

[۲۵۶] (۳) مسند ابن حنبل، ج ۲، ص ۳۰۵، ح ۵۰۸۹، البداية و النهایة، ج ۶، ص ۱۲۱.

[۲۵۷] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۳ عن ابن القداح، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۲، ح ۱۸۳۱ عن ابن القداح عن الإمام الباقر علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۱، ح ۶۱.

[۲۵۸] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۰، ح ۳۵۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.

[۲۵۹] (۳) الدعوات، ص ۱۴۰، ح ۳۵۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۵، ح ۷۰.

[۲۶۰] (۴) قصص الأنبياء، ص ۲۷۴، ح ۳۳۰ عن ابن سنان عن الإمام الصادق علیه السلام، علل الشرائع، ص ۵۷۵، ح ۱ عن عمر بن علی عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۲۱، ح ۲۸ و ج ۶۲، ص ۱۶۱، ح ۶.

[۲۶۱] (۱) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۷۶، ح ۱۸۳۵، المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۴۸، ح ۷۳۳۱ و ص ۴۹، ح ۷۳۳۲ و فیهما «انتهشوا» و «نهشاً» بدل «انهسوا» و «نهساً» و کلها عن صفوان بن امیة، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۳۶، ح ۴۰۷۳۲.

[۲۶۲] (۲) مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۴۵۲، ح ۲۷۷۱۴، المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۴۹، ح ۷۳۳۳ کلاهما عن صفوان بن امیة، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۲۶، ح ۷۱۰۳ عن صفوان بن ابی امیة، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۶، ح ۴۰۸۸۳.

[۲۶۳] (۳) سنن أبی داود، ج ۳، ص ۳۵۰، ح ۳۷۷۹، مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۴۵۲، ح ۲۷۷۱۴، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۲۶، ح ۷۱۰۳، السنن الکبری، ج ۷، ص ۴۵۶، ح ۱۴۶۲۵ و الثلاثة الأخيرة نحوه، المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۴۹، ح ۷۳۳۳ و فیها «قرب اللحم» بدل «أدن العظم»، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۴۶، ح ۴۰۸۸۳ و ص ۲۵۱، ح ۴۰۸۱۵.

[۲۶۴] (۴) سنن أبی داود، ج ۳، ص ۳۴۹، ح ۳۷۷۸، السنن الکبری، ج ۷، ص ۴۵۶، ح ۱۴۶۲۶، سنن النسائی، ج ۴، ص ۱۷۲ نحوه و کلها عن عائشة، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۳۶، ح ۴۰۷۳۱؛ الدعوات، ص ۱۵۴، ح ۴۱۹ و فیها «وانهشه» بدل «وانهسوه» و فی صدره «لأمیر المؤمنین علیه السلام: لا تقطع...»، طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴ و ج ۶۶، ص ۴۲۷، ح ۶ و راجع المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۴، ح ۱۸۳۸.

[۲۶۵] (۱) المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۸۵، ح ۶۲۴، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۳، ح ۴۰۸۸۴، نقلًا عن شعب الإيمان و کلاهما عن أم سلمة.

[۲۶۶] (۲) تحف العقول، ص ۳۱۷، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۳۰، ح ۱۵.

- [۲۶۷] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۱۷۹۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۸، ح ۱۱۳۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۵، ح ۱۹.
- [۲۶۸] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۱۷۹۸، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۱۴۵۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۸.
- [۲۶۹] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۱۷۹۸، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۱۴۵۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۸. انظر تمام الحديث في: ج ۱، ص ۹۶، ح ۹۲.
- [۲۷۰] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۴ عن محمد بن عيسى، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۸۰ نقلًا عن الشهيد الأوّل نحوه.
- [۲۷۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۳.
- [۲۷۲] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۳، ح ۱، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۰، ح ۴۳۳۲ و زاد فيه «يعنى نيئاً» بعد «غريضاً»، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۳، ح ۱۸۳۴ وفيهما «قال حريز يعنى» بدل «و لكن» و كلّها عن زرارة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۱، ح ۶۴.
- [۲۷۳] (۴) و في المحاسن و بحار الأنوار: «اللحم النيء».
- [۲۷۴] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۳، ح ۱۸۳۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۱، ح ۶۳.
- [۲۷۵] (۶) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.
- [۲۷۶] (۱) طب النبي صلى الله عليه و آله، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.
- [۲۷۷] (۲) شرح نهج البلاغة، ج ۱، ص ۲۶.
- [۲۷۸] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۱، ح ۱۸۲۷ عن عبد الرحمن العزرمي، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۹، ح ۵۷.
- [۲۷۹] (۴) ربيع الأبرار، ج ۲، ص ۷۰۶.
- [۲۸۰] (۵) الاصول الستة عشر، ص ۱۲ عن زيد الزرّاد.
- [۲۸۱] (۶) المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۲، ح ۱۸۲۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۰، ح ۵۹.
- [۲۸۲] (۱) الفردوس، ج ۳، ص ۶۲۷، ح ۵۹۶۰ عن الإمام عليّ عليه السلام.
- [۲۸۳] (۲) صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۴۳، ح ۱۴۹ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۰۹، ح ۳۵۴، الدعوات، ص ۱۵۳، ح ۴۱۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۱۸۰۵ عن ابن سنان و أبي البختري عن الإمام الصادق عليه السلام، قرب الإسناد، ص ۱۰۷، ح ۳۶۷ عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام عليّ عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۶، ح ۱ و ص ۵۸، ح ۶.
- [۲۸۴] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۱۸۰۷ عن أبي اسامة عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۷، ح ۴۳.
- [۲۸۵] (۴) جامع الأحاديث للقمي، ص ۹۹، الدعوات، ص ۱۵۳، ح ۴۱۴ و ليس فيه من «و من ساء...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۵، ح ۷۱.
- [۲۸۶] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۱۷۹۹ كلاهما عن أبي اسامة زيد الشحام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۶، ح ۱۱۲۰ كلّها عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۵، ح ۳۶.
- [۲۸۷] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۷، ح ۱۸۰۹ عن أبي حفص الأبّان عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۹۱۲ عن الإمام الصادق عليه السلام و فيه من «من لم يأكل...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۷، ح ۴۵ و ج ۸۴، ص ۱۵۱، ح ۴۶.
- [۲۸۸] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۱۸۰۸ عن الواسطي، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۷، ح ۴۴ و ج ۸۴، ص ۱۵۱، ح ۴۵.

- [۲۸۹] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۱ عن هشام بن سالم، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۱۸۰۸ عن أبان الواسطي، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۸۶، ح ۱۶۸۵، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۹ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۳.
- [۲۹۰] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۸۰۰ عن غياث بن إبراهيم، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۶، ح ۳۷ و راجع دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱.
- [۲۹۱] (۵) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۲، ح ۶۸.
- [۲۹۲] (۶) قال العلامة المجلسي قدس سره: «لانتقال النطفة» هذا شاهد للأربعين، فإن انتقال النطفة إلى العلقه يكون أربعين يوماً، وكذا المراتب بعدها، فانتقال الإنسان من حال إلى حال يكون في أربعين يوماً، كما ورد أن شارب الخمر لا تُقبل صلاته و توبته أربعين يوماً (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۷).
- [۲۹۳] (۷) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۷، ح ۱۸۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۷، ح ۴۶.
- [۲۹۴] (۱) علامه مجلسي در شرح اين حديث گفته است: عبارت «نطفه تغيير می يابد» گواهی است بر چهل روز؛ زیرا تغيير نطفه از اين حالت به حالت علقه، چهل روز به درازا می انجامد و در ديگر مراحل نیز چنین است؛ زیرا نقل يافتن انسان از يك حالت به حالت ديگر، در چهل روز صورت می پذيرد. به همین دليل است که در حديث نیز آمده است که نماز و روزه شرابخوار، به مدت چهل روز، پذيرفته نمی شود (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۶۷).
- [۲۹۵] (۱) طب النبي صلى الله عليه و آله، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۳.
- [۲۹۶] (۲) كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۴، ح ۴۰۸۸۹ نقلًا عن ابن النجار في تاريخه عن مرثد بن عبد الله الزني، الثقات لابن حبان، ج ۹، ص ۱۷۰، سير أعلام النبلاء، ج ۹، ص ۹۵ كلاهما عن عقبه بن عامر و ليس فيهما «لا تمششوا».
- [۲۹۷] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۲، ح ۱، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۰، ح ۴۲۳۰ عن أسباط، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۴، ح ۱۸۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۲، ح ۶۶.
- [۲۹۸] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۵، ح ۱۸۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۲، ح ۶۷ و ص ۴۲۷، ح ۷.
- [۲۹۹] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۴، ح ۲۳۰۸ و فيه «سماماً» بدل «سمّاً»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۸، ح ۷.
- [۳۰۰] (۲) مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۶۱، ح ۲۰۵۴۷ نقلًا عن مكارم الأخلاق عن ابن عباس.
- [۳۰۱] (۳) تاريخ بغداد، ج ۱۴، ص ۲۱۷، المراسيل، ص ۲۳۱، ح ۲ عن ابن شهاب نحوه.
- [۳۰۲] (۱) الأمالی للصدوق، ص ۳۳۸، ح ۳۹۶ عن وهب بن وهب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۱۰۰۴ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۹، ح ۱۰.
- [۳۰۳] (۲) في المصدر: «الإدبارها»، والتصويب من بحار الأنوار.
- [۳۰۴] (۳) طب النبي صلى الله عليه و آله، ص ۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.
- [۳۰۵] (۴) الدعوات، ص ۱۵۹، ح ۴۳۶.
- [۳۰۶] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۴، ح ۲۳۰۷ و فيه «عن أبي عبد الله عليه السلام عن أبيه عليه السلام...» بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۸، ح ۶.
- [۳۰۷] (۱) طب النبي صلى الله عليه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۳، ح ۱۵؛ الفردوس، ج ۳، ص ۵۸۸، ح ۵۸۴۴ عن ابن عباس.
- [۳۰۸] (۲) جامع الأحاديث للقمي، ص ۱۰۸.

[۳۰۹] (۳) مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۲۷، ح ۲۰۰۴۷.

[۳۱۰] (۴) فی المصدر: «و كذلك»، و التصویب من بحار الأنوار.

[۳۱۱] (۵) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۴۰۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۰، ح ۱۲ و فيه «قال أبو جعفر عليه السلام».

[۳۱۲] (۶) علل الشرائع، ص ۵۱۹، ح ۱، مسائل علی بن جعفر، ص ۱۵۳، ح ۲۰۶ و زاد فی آخره «إلما یاذنهم»، المحاسن، ج ۲، ص

۲۲۵، ح ۱۶۸۱، قرب الإسناد، ص ۲۷۲، ح ۱۰۸۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۸، ح ۲.

[۳۱۳] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۲۶، ح ۱۶۸۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۸، ح ۳.

[۳۱۴] (۱) در النهایه ابن اثیر (ج ۴ ص ۵۲) آمده است: از همین قبیل است حدیثی که می گوید: «ایشان از خوردن چند میوه با هم

نهی فرمود، مگر آنکه هر کسی از همراه خود اجازه بخواهد». در احادیث، واژه «قران» و گاه واژه «اقران» روایت شده، که روایت

نخست، درست تر است و آن، بدین معناست که شخص، خرما را دوتا دوتا با هم بخورد. پیامبر صلی الله علیه و آله از آن روی از

چنین کاری نهی فرموده که کاری آزمندانه و موجب نادیده انگاشتن حق فرد یا افراد همراه و هم سفره و یا موجب ضرر و زیان آنان

می شود.

و نیز گفته شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله از آن روی از این کار نهی فرموده که مردم در سختی زندگی می کردند و غذای

کمی در اختیار داشتند و در چنین وضعی، با اندک، روزگار می گذرانند. بنا بر این، چون برای خوردن غذایی گرد هم می آمدند،

برخی خود را بر دیگران مقدم می داشتند و در این میان، امکان داشت کسانی که گرسنه ترند، دو تا دوتا خرما بردارند یا لقمه های

بزرگ بگیرند. بدین سبب، مردم را چنین راهنمایی فرمود که برای این کار، اجازه بگیرند تا دیگران رضایت داشته باشند.

از همین قبیل است حدیث جبله، که در آن می گوید: «در جمع هیئت عراقیان در مدینه بودیم و ابن زبیر به ما خوراک خرما می داد.

گاه ابن عمر از کنار ما می گذشت و می گفت: خرماها را دوتا دوتا مخورید، مگر آنکه هر کس از برادر خویش اجازه بگیرد».

این، بدان سبب بود که آنان بر آن خرما ملکیتی مشترک داشتند و چنین کاری از سوی هر یک از آنان، موجب ضرر و زیان بر

دیگری بود.

همانند این حدیث، درباره اصحاب صُفّه نیز (از ابو هریره) روایت شده است (ر. ک: بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۱۲۰ ۱۲۲).

[۳۱۵] (۱) سنن أبی داوود، ج ۳، ص ۳۳۸، ح ۳۷۲۷، مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۲۳۸، ح ۱۲۱۸۷، المستدرک علی الصحیحین، ج

۴، ص ۱۵۴، ح ۷۲۰۵ و فيه «أروى» بدل «أهنا»، المصنّف لابن أبی شیبّه، ج ۵، ص ۵۲۱، ح ۱ و لیس فيه ذیله، الطبقات الکبری، ج ۱،

ص ۳۸۴، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۱۰ الرقم ۴۲۲۹، حلیه الأولیاء، ج ۹، ص ۵۷ و لیس فيه «ثلاثاً».

[۳۱۶] (۲) طبّ النبّی صلی الله علیه و آله، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۳.

[۳۱۷] (۳) الجعفریات، ص ۱۶۲، النوادر للراوندی، ص ۲۱۳، ح ۴۲۰ کلاهما عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام.

[۳۱۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۱ عن السکونی.

[۳۱۹] (۲) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۳، ح ۴۲۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۹، ح ۲.

[۳۲۰] (۳) تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۹۴، ح ۴۰۹ عن إسماعیل بن أبی زیاد عن الإمام الصادق علیه السلام.

[۳۲۱] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۸۳، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۹، ح ۲۳۹۳ و لیس فيه «من قیام» فی المورد الثانی، کتاب من لا

یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۳، ح ۴۲۴۴ و لیس فيه صدره، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۷۱، ح ۴۹.

[۳۲۲] (۵) قال الصدوق قدس سره: یعنی باللیل، أما النهار فإنّ شرب الماء من قیام أدّرّ للعروق و أقوى للبدن كما قال الصادق علیه

السلام (علل الشرائع، ص ۴۶۵).

[۳۲۳] (۶) الخصال، ص ۶۳۴، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمّد بن مسلم، علل الشرائع، ص ۴۶۴، ح ۱۴ عن أبی بصیر و کلاهما عن

- الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۸، ح ۱.
- [۳۲۴] (۷) الكافي، ج ۶، ص ۵۳۴، ح ۸ عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۶۱، ح ۱۳۹.
- [۳۲۵] (۸) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۱۷۹۶، الأمل للطوسي، ص ۳۶۹، ح ۷۹۰ عن علي بن علي بن رزين عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام زين العابدين عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۴، ح ۳۲ و ص ۶۵، ح ۳۵.
- [۳۲۶] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۳۲۷] (۱) شیخ صدوق رحمه الله درباره این حدیث می گوید: مقصود، نهی در هنگام شب است؛ اما در روز، چنان که امام صادق علیه السلام فرموده، ایستاده آشامیدن آب، مایه تعریق بیشتر و تندرستی افزون تر است (علل الشرائع: ص ۴۶۵).
- [۳۲۸] (۱) هكذا جاء مضمراً. و فی مستدرک الوسائل نقلًا عن مكارم الأخلاق نسبه إلى النبي صلى الله عليه و آله.
- [۳۲۹] (۲) الظاهر أن المراد به ما فتر بعد غليانه.
- [۳۳۰] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۰۹۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۱، ح ۱۶، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۴۶ نحوه.
- [۳۳۱] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۷۶، ح ۱۱۴، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۶.
- [۳۳۲] (۵) سنن أبي داود، ج ۳، ص ۳۳۸، ح ۳۷۲۸، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۰۴، ح ۱۸۸۸، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۹۴، ح ۳۲۸۸ نحوه، كنز العمال، ج ۷، ص ۱۰۶، ح ۱۸۱۸۸ و راجع مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۶۶۲، ح ۲۸۱۸ و ص ۷۶۵، ح ۳۳۶۶ و كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۹، ح ۴۹۶۸.
- [۳۳۳] (۶) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۰۴، ح ۱۸۸۷.
- [۳۳۴] (۱) ظاهراً مقصود، آبی است که پس از جوش آمدن، سرد شده باشد.
- [۳۳۵] (۱) الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۳۷، المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۵۲۲، ح ۷ عن القاسم بن مسلم مولى الحسن بن عليّ عليهما السلام نحوه.
- [۳۳۶] (۲) السنن الكبرى، ج ۷، ص ۴۶۴، ح ۱۴۶۵۹، المصنّف لعبد الرزاق، ج ۱۰، ص ۴۲۸، ح ۱۹۵۹۴ كلاهما عن ابن أبي حسين، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۹۵، ح ۴۱۰۷۵؛ نثر الدرّ، ج ۱، ص ۲۲۵ و فيه «الكباد من العبّ» فقط، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۷۶، ح ۱۱۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۷۲.
- [۳۳۷] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۱ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۱۰۳، المحاسن، ج ۲، ص ۴۰۲، ح ۲۴۰۴ عن ابن القدّاح و فيه « يأخذ» بدل « يوجد»، الجعفریات، ص ۱۶۱ كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۳۰، ح ۴۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶۶، ح ۲۳.
- [۳۳۸] (۴) طبّ النبيّ صلى الله عليه و آله، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۳.
- [۳۳۹] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۴۰۳، ح ۲۴۰۷ عن مسعدة بن اليسع، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۱۱۰۴ و فيه « عن عليّ عليه السلام: نهى ...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶۷، ح ۲۶.
- [۳۴۰] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۵۴۲.
- [۳۴۱] (۲) في المصدر: «فجأ» و التصويب من بحار الأنوار.
- [۳۴۲] (۳) طبّ الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۳ نحوه.
- [۳۴۳] (۴) الجعفریات، ص ۱۶۱ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.

[۳۴۴] (۱) الفردوس، ج ۲، ص ۳۶۲، ح ۳۶۱۶ عن الإمام علي عليه السلام.

[۳۴۵] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۸، ح ۲۳۹۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۶، ح ۴۱.

[۳۴۶] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۸، ح ۲۳۸۹، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۱۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۶، ح ۴۰.

[۳۴۷] (۴) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴، ح ۴۹۶۸، الأمل للصدوق، ص ۵۰۹، ح ۷۰۷ كلاهما عن الحسين بن زيد،

مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۲۶۵۵ كلها عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۲۹، ح ۴۵۰ عن

الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶۰، ح ۷.

[۳۴۸] (۵) سنن أبي داود، ج ۳، ص ۳۳۷، ح ۳۷۲۲، مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۱۶۰، ح ۱۱۷۶۰، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۹۳، ح

۴۱۰۶۴.

[۳۴۹] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۸۵، ح ۵ عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۴۰۶، ح ۲۴۱۹ عن

غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام وليس في آخره «و الثلمة»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶۹، ح ۳۷.

[۳۵۰] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۸۵، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۴۰۵، ح ۲۴۱۸ كلاهما عن سالم بن مكرم عن الإمام الصادق عليه

السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۱۰۳۸ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام وليس فيه «ولا من كسره»، بحار الأنوار، ج

۶۶، ص ۴۶۹، ح ۳۶ وراجع: كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۹۶، ح ۴۱۰۸۴.

[۳۵۱] (۳) الفردوس، ج ۵، ص ۶۹، ح ۷۴۸۴ عن أنس.

[۳۵۲] (۴) المعجم الأوسط، ج ۵، ص ۵۲، ح ۴۶۴۶ عن أبي سعيد الخدري وج ۶، ص ۳۳۴، ح ۶۵۵۷ وفيه «انتقضت» بدل

«انتقصت»، تاريخ دمشق، ج ۲۴، ص ۴۵۶، ح ۵۳۱۸ كلاهما عن أبي هريرة وفيه «ذهب بنصف» بدل «انتقضت»، كنز العمال، ج ۱۶،

ص ۸۲، ح ۴۴۰۱۶.

[۳۵۳] (۵) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.

[۳۵۴] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۷، ح ۲۳۸۴، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۰۹۸ وفيهما

«إياك و الإكثار» بدل «لا تُكثر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۵، ح ۳۶.

[۳۵۵] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۷، ح ۲۳۸۵، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۰۹۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۵، ح ۳۶.

[۳۵۶] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۸، ح ۲۳۸۸ عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۶، ح ۳۹.

[۳۵۷] (۴) قال العلامة المجلسي قدس سره: يمدُّ من المدِّ بمعنى الجذب، أو من الإمداد بمعنى الإعانة، و على التقديرين الضمير في

قوله: «فإنه» راجع إلى شرب الماء؛ أي إكثاره (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۶).

[۳۵۸] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۷، ح ۲۳۸۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۵، ح ۳۸ و راجع: الفقه

المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۴۰ و مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۲۴۶۴.

[۳۵۹] (۶) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۲۳۲، الأمل للصدوق، ص ۴۴۵، ح ۵۹۵ كلاهما عن محمد بن حرمان،

روضة الواعظين، ص ۳۳۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۰، ح ۳.

[۳۶۰] (۱) احتمالاً مراد از «فَقَاع» در حدیث، نوع حلال آب جو که امروزه به «ماء الشعير» شناخته می شود است نه آب جویی که

نوشیدن آن حرام است، مگر گفته شود که نوشیدن آن در حرام بودن و ایجاد مستی، معده را بیش از پیش از بین

می برد.

[۳۶۱] (۱) مریم: ۶۲.

[۳۶۲] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۱۵۶۵، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۵۹ عن علي بن أبي



صلب ابن أخی شهاب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۲، ح ۵.

[۳۶۳] (۳) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵، ح ۴۹۰۲، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۳۱، ح ۱۲۸ عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام عن صلی الله علیه و آله و لیس فیہ من «و لیقلّ...»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۱۵۵۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۱، ح ۱؛ غریب الحدیث لابن قتیبه، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳ نحوه.

[۳۶۴] (۱) الدعوات، ص ۷۵، ح ۱۷۶، الأمالی للطوسی، ص ۶۶۶، ح ۱۳۹۵ عن أبی غندر عن الإمام الصادق علیه السلام، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۸، ح ۱۱۲ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام و زاد فیہ «و لیجود الحذاء»، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۲۹ عن حریر عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام و فیها «الغذاء» بدل «الغذاء» و لیس فیها «و لیؤخر العشاء» و کلها عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۴۳ و ص ۲۶۲، ح ۱۹؛ عیون الأخبار لابن قتیبه، ج ۳، ص ۲۷۱ و زاد فیہ «و لیلبس الحذاء»، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۲۴ کلاهما نحوه، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۸۷، ح ۲۸۴۷۲ عن النزال بن سبرة.

[۳۶۵] (۲) الدعوات، ص ۱۴۰، ح ۳۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۲۱.

[۳۶۶] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۱۷۲۷ عن حسین بن نعیم، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۱، ح ۳.

[۳۶۷] (۴) ربیع الأبرار، ج ۲، ص ۷۴۷.

[۳۶۸] (۵) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۱۳، ح ۳۳۵۵ عن جابر بن عبد الله، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۹۰.

[۳۶۹] (۱) همان طور که از روایت ۱۴۶۸ استفاده می شود، مقصود از «دیرتر خوردن»، «خوردن پس از تاریک شدن شب» است.

[۳۷۰] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۱۵۷۱ عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۳، ح ۱۰.

[۳۷۱] (۲) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۸۷، ح ۱۸۵۶، مسند أبی یعلی، ج ۴، ص ۲۴۰، ح ۴۳۳۶، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۳۹۶، ح ۱۵۲۰، مسند الشهاب، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۷۳۵ کلها عن أنس، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۹.

[۳۷۲] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۱۴۴۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

[۳۷۳] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۱۵۶۶ کلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق علیه السلام، الخصال، ص ۶۱۹، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۱۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۱۴۴۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۲، ح ۶.

[۳۷۴] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۲ عن هشام بن حکم، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۱۵۷۰ عن الإمام الباقر علیه السلام و فیہ «أول» بدل «أصل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۳، ح ۹.

[۳۷۵] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۷۶ کلاهما عن الولید بن صبیح، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۴، ح ۱۵.

[۳۷۶] (۷) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۹، ح ۴۲۷۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۱۰۰۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

[۳۷۷] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۱۵۷۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۴، ح ۱۴.

[۳۷۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۳ عن جمیل بن صالح، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۱۵۷۴، عن حمّاد، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۴، ح ۱۳.

[۳۷۹] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۷، ح ۲۴.

[۳۸۰] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۱۵۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۲، ح ۷.

- [۳۸۱] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۱۴۴۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۲۰.
- [۳۸۲] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۱۴۴۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۲۰.
- [۳۸۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۷۸ کلاهما عن جمیل بن درّاج، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۱۷.
- [۳۸۴] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۷۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۱۸.
- [۳۸۵] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۱۵۸۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۱۹.
- [۳۸۶] (۶) فی المحاسن: «أهدأ» بدل «أهدی».
- [۳۸۷] (۷) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۷۷ کلاهما عن سعید بن جناح، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۴، ح ۱۶.
- [۳۸۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۷، ح ۲۶.
- [۳۸۹] (۲) المواعظ العدیّیة، ص ۱۲۷.
- [۳۹۰] (۳) شعب الإیمان، ج ۵، ص ۳۲، ح ۵۶۶۵، الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۱۴۰، ح ۱۴، کنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۶۳، ح ۴۰۸۸۵ و ص ۴۳۳، ح ۴۱۷۱۴ نقلًا عن الدیلمی.
- [۳۹۱] (۴). کذا فی المصدر، و القیاس «ثمانی».
- [۳۹۲] (۵). کذا فی المصدر، و القیاس «ثمانی».
- [۳۹۳] (۶) زاد فی بعض نسخ المصدر و بحار الأنوار هنا: «و کذا أمر جدی محمّد صلی الله علیه و آله علینا علیه السلام فی کلّ یوم وجبة و فی غده وجبتین».
- [۳۹۴] (۷) طبّ الإمام الرضا علیه السلام، ص ۱۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۱۱.
- [۳۹۵] (۱) علّامه مجلسی می گوید: این دعا، یک مثل است برای بیان زیان دیدن آن رگ و در نتیجه رسیدن زیان دیدگی آن به بدن، گویا که آن رگ، دعا می کند و دعایش هم برآورده می شود (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۳۴۷).
- [۳۹۶] (۲) در برخی از نسخه های طبّ الإمام الرضا علیه السلام و در بحار الأنوار، در این قسمت، چنین افزوده ای هست: «جدّ من محمّد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را چنین فرمود که: [از هر دو روز،] در یک روزش، یک وعده و در روز دیگرش، دو وعده باشد».
- [۳۹۷] (۱) اشاره است به: «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ E؛ آنان را نزد پروردگارشان سرای عافیت است» (انعام: آیه ۱۲۷).
- [۳۹۸] (۲) مریم: آیه ۶۲.
- [۳۹۹] (۱) الدعوات، ص ۱۵۹، ح ۴۳۶.
- [۴۰۰] (۲) طبّ النبی صلی الله علیه و آله، ص ۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۷؛ الفردوس، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴۰۶۲ عن عبد الرحمن بن دلهم و فی «یشد» بدل «ینیر»، کنز العمّال، ج ۱۰، ص ۴۰، ح ۲۸۲۵۷.
- [۴۰۱] (۱) در الفردوس، به جای «نورانی می سازد»، «نیرو می بخشد» آمده است.
- [۴۰۲] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۳، ح ۲۳۰۴ و ح ۲۳۰۶ نحوه و کلاهما عن الإمام أبی الحسن علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۲، ح ۴.
- [۴۰۳] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۵.
- [۴۰۴] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۲۳۰۲ کلاهما عن أبی بصیر، الخصال، ص ۶۳۲، ح ۱۰ عن

- أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، غرر الحكم، ح ٧٢٤٥ و فيهما « قبل الطعام و بعده»، تحف العقول، ص ١٢٢ نحوه و الثلاثة الأخيرة عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٩١، ح ٢.
- [٤٠٥] (٤) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ٢٧، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٢١ و فيه « يوجب» بدل « يورث».
- [٤٠٦] (١) در الخصال و غرر الحكم، عبارت، به صورت « تُرْجِعْ را پیش از غذا و پس از آن بخورید ...» آمده است.
- [٤٠٧] (١) الأُمالي للطوسي، ص ٣٦٩، ح ٧٨٦ عن علي بن علي بن رزين عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٩١، ح ١.
- [٤٠٨] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٣٦٠، ح ٤ عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، طب الأئمة لابني بسطام، ص ١٣٦ عن إبراهيم بن الحسن الجعفری عن الإمام الصادق عليه السلام و فيه « الجبن اليابس» بدل « الخبز اليابس»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٢٧٥، ح ٨.
- [٤٠٩] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٣٥٩، ح ١، المحاسن، ج ٢، ص ٣٧٣، ح ٢٣٠٥، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٩٢، ح ٥.
- [٤١٠] (١) در طب الأئمة، به جای « نان»، واژه « پنیر» آمده است.
- [٤١١] (١) طب الأئمة لابني بسطام، ص ١٣٥، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٩٢، ح ٧.
- [٤١٢] (٢) في النهاية لابن الأثير: قال أبو موسى: قال هلال بن العلاء: هو التفاح. قال: وهذا التفسير لم أره لغيره (النهاية، ج ١، ص ٤٤٦).
- [٤١٣] (٣) المعجم الكبير، ج ٢٢، ص ٣٣٩، ح ٨٥٠، تاريخ دمشق، ج ٤٣، ص ٣٤٤، ح ٩٢٠٩، تهذيب التهذيب، ج ١، ص ٤٩٦، ح ١٣٠٥ و ليس فيه « و كان يعجبه النظر إلى الحمام الأحمر»، تاريخ أصبهان، ج ١، ص ٣٩٧، ح ٧٤٥ عن طاووس و فيه « الأخضر» بدل « الأحمر»، كنز العمال، ج ٧، ص ١٥٠، ح ١٨٤٦٠؛ بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ٢٦.
- [٤١٤] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٣٦٠، ح ٦ عن سليمان بن جعفر الجعفری، بحار الأنوار، ج ١٦، ص ٢٦٧، ح ٧٢.
- [٤١٥] (١) در النهاية آمده است: ابو موسى گفته: « هلال بن علاء می گفت که: مقصود از حمام احمر، سیب است؛ اما من این تفسیر را از کسی دیگر ندیده‌ام (النهاية: ج ١ ص ٤٤٦).
- [٤١٦] (٢) در تاریخ أصبهان، به جای « سرخ»، واژه « سبز» آمده است.
- [٤١٧] (١) في المصدر: « تحنّ»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [٤١٨] (٢) طب الأئمة لابني بسطام، ص ١٣٦، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٨٩، ح ١.
- [٤١٩] (٣) طب الأئمة لابني بسطام، ص ١٣٦، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٨٩، ح ١.
- [٤٢٠] (٤) طب الأئمة لابني بسطام، ص ١٣٦، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٨٩، ح ١.
- [٤٢١] (٥) الكافي، ج ٦، ص ٣٥٩، ح ١، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٧٩، ح ١٢٦٧ نحوه و فيه « دخلت على الرضا عليه السلام»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٨٩، ح ٢.
- [٤٢٢] (١) در مكارم الأخلاق به همین مضمون و با این تفاوت که در آن، عبارت « بر امام رضا عليه السلام در آمدم...» آمده است.
- [٤٢٣] (١) طب الأئمة لابني بسطام، ص ١٣٦، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٨٩، ح ١.
- [٤٢٤] (١) طب النبي صلى الله عليه و آله، ص ٦، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٩٤؛ الفردوس، ج ١، ص ١٢٧، ح ٤٤٠ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله.
- [٤٢٥] (٢) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ٣٥، ح ٧٩ عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ١٠٦، ح ٥٦ كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٣٥، ح ١٠٧٩ عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله و ليس فيهما « أهل»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٥٨، ح ٥ و ص ٢٦٢، ح ٧؛ سنن ابن ماجه، ج

- ۲، ص ۱۰۹۹، ح ۳۳۰۵ عن أبي الدرداء وفيه «أهل الجنة» بدل «الآخرة» و ليس فيه «ثم الأرز»، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۹۱، ح ۴۱۰۵۴ نقلًا عن الحاكم في تاريخ نيشابور عن صهيب.
- [۴۲۶] (۳) الفردوس، ج ۴، ص ۲۶۷، ح ۶۷۸۵ عن أنس؛ مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۰۷۸ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۲، ح ۷.
- [۴۲۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۴ و ح ۵ وفيه «لنداوی به مرضانا» بدل «لندخره لمرضانا»، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۳، ح ۲۰۰۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۰، ح ۲.
- [۴۲۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۱، ح ۱ عن يونس بن يعقوب.
- [۴۲۹] (۱) در الكافي، عبارت، به صورت «ما بیماران خویش را با آن درمان می کنیم» آمده است.
- [۴۳۰] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۴.
- [۴۳۱] (۲) الباذرُوج: بقله معروفه يقوى جدًّا و يقبض إلّا أن يصادف فضله فيسهل. و المشهور أنه الريحان الجبلى و شبهه بالريحان البستاني، إلّا أن ورقه أعرض (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۳).
- [۴۳۲] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۹، ح ۲۰۷۵ عن عبد الله العلوي عن أبيه، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۱۰، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۳۷۵ كلاهما عن رسول الله صلى الله عليه و آله نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۳، ح ۲.
- [۴۳۳] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۱۳۰۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۴، ح ۱۳.
- [۴۳۴] (۱) این گیاه، نام‌های بسیار زیادی دارد و ما در این جا به بخشی از آنها اشاره می کنیم و از لغت نامه دهخدا شرح مختصری درباره آنها می آوریم و برای توضیح بیشتر، خوانندگان محترم را به نشانی‌های کتاب مذکور که در زیر خواهیم آورد، ارجاع می دهیم:
- لغت نامه مذکور، در لغت «باذروج» آورده: گیاهی معطر است و باذروج، ریحان کوهی، بادرنجبویه، بارنگک، حوک، ریحان جبلی، باذروق، باذرو، نام‌های دیگر آن است.
- در «باذرو» آورده: همان باذرو باشد؛ باذروج.
- در «باذرنجبویه» آورده: باذرنجبویه باشد؛ باذرنجبویه (لغت نامه دهخدا: ج ۳ ص ۳۴۵).
- همچنین در لغت «حوک» می نویسد: باذروج که ریحان کوهی باشد؛ بورنگک، باذروج و آن هبق است. پادرو، بارنگک بویه، باذرننگ بویه. سبزی ای است مثل سپرغم که آن را بونیک گویند و نازبو نیز نامند (لغت نامه دهخدا: ج ۶ ص ۸۱۱۴).
- در «باذرنبویه» آورده: یک قسم ریحان است که معرب آن، باذرنجبویه است.
- در «باذرنجبویه» هم می نویسد: معرب باذرنجبویه است (لغت نامه دهخدا: ج ۳ ص ۳۴۱۹).
- در کلمه «باذرنجبویه» آورده: گیاهی است خوش بوی و از جمله ریاحین و آن را باذرو و باذرونه نیز گفته اند و مُهلک عقرب است و دافع سم و آن، امراض سوداوی و بلغمی را نافع است (لغت نامه دهخدا: ص ۳۴۲۰).
- و در «باذرو» هم آورده است: ریحانی است که آن را باذرنجبویه گویند. تره خراسانی که ریحان کوهی نیز گویند و باذروج، معرب آن است (لغت نامه دهخدا: ص ۳۴۲۱).
- [۴۳۵] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۱ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۰۸ و ليس فيه «من البقول».
- [۴۳۶] (۲) جامع الأحاديث للقمي، ص ۲۲۷، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۰، ح ۲۰۷۷ عن الشعيري من دون إسناد إلى المعصوم وفيه «كان أحب البقول إلى رسول الله صلى الله عليه و آله الباذرُوج»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۴، ح ۱۸.

- [۴۳۷] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۲ عن حمّاد بن عثمان، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۰۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۳.
- [۴۳۸] (۴) کذا فی المصادر، و القیاس «ثمانی».
- [۴۳۹] (۵) النّکّهة: ریحُ القمّ (الصّحاح، ج ۶، ص ۲۲۵۳).
- [۴۴۰] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۰۹ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۳.
- [۴۴۱] (۷) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۳، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۹، ح ۱۳۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۴.
- [۴۴۲] (۱) جوهری در کتاب الصحاح (ج ۵، ص ۱۷۲۴) «سَبَل» را بیماری چشمی دانسته که مانند پرده است، چنان که رگ‌های قرمز به صورت تارهای عنکبوت درمی‌آیند. در مکارم الأخلاق، به جای «سَبَل»، واژه «سَلّ» آمده است و علامه مجلسی آن را توجیه کرده است (ر. ک: بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۱۶).
- [۴۴۳] (۱) الدعوات، ص ۱۵۸، ح ۴۳۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۳۵۴ عن أنس و فیه «کلوا الباذنجان و أكثروا منها؛ فإنّها أوّل شجرة آمنت بالله عز و جل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۴، ح ۹.
- [۴۴۴] (۲) طَبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۱۳۹ عن ابن أبی یعقوب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۳، ح ۶.
- [۴۴۵] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۱ عن جعفر بن یحیی عن أبیه، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۲۱۴۶ عن جعفر بن یحیی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۲، ح ۳.
- [۴۴۶] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۳۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۳، ح ۷.
- [۴۴۷] (۱) در مکارم الأخلاق، عبارت، چنین آمده است: «بادمجان بخورید و فراوان هم بخورید؛ زیرا نخستین درختی است که به خداوند عز و جل ایمان آورده است».
- [۴۴۸] (۲) علامه مجلسی می‌گوید: [فیروزآبادی در قاموس گفته است: «بورانی، خوراکی است که به بوران، دختر حسن بن سهل (همسر مأمون) نسبت داده می‌شود» (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۲۴).
- [۴۴۹] (۱) طَبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۱۳۹ عن ابن أبی یعقوب، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۲۱۴۷، الأمالی للطوسی، ص ۶۶۸، ح ۱۴۰۳، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۵۰ و لیس فیه «ولا یضرب بالصفراء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۳، ح ۶.
- [۴۵۰] (۲) هکذا فی المصدر.
- [۴۵۱] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۳۵۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۴، ح ۷.
- [۴۵۲] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۳۵۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۳، ح ۷.
- [۴۵۳] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۲۱۴۵ عن موسی بن هارون، الأمالی للطوسی، ص ۶۶۸، ح ۱۴۰۲ عن الحسین عن الإمام الکاظم و الإمام الرضا علیهما السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۲، ح ۲.
- [۴۵۴] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۲۱۴۸، طَبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۱۳۹ عن الإمام الرضا علیه السلام و فیه «حاز فی وقت البرد بارد فی وقت الحرّ»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۲، ح ۵.
- [۴۵۵] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۴۵۶] (۱) در طب الأئمّة، از امام رضا علیه السلام و با این تفاوت آمده است که: «در هنگام سرما، گرم، و در هنگام گرما، سرد است».
- [۴۵۷] (۱) هکذا ورد مضمراً.

- [۴۵۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۳.
- [۴۵۹] (۱) این حدیث، در منبع، به همین شکل، «مضمراً بدون ذکر نام معصوم» آمده است.
- [۴۶۰] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۵ عن أنس، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۵؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۷۲، ح ۴۸۱۴ عن أنس، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۵۰۴، ح ۳۲۳۵۷.
- [۴۶۱] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۵.
- [۴۶۲] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۲۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۲.
- [۴۶۳] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۲۸ و ليس فيه «الطری» و كلاهما عن محمّد بن عبد الله، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۸ و فيه «كلوا الباقلي فإنه يمتخ...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۳.
- [۴۶۴] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۸، ح ۲۰۲۶ كلاهما عن أحمد بن محمّد بن أبي نصر، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۷ و ليس فيه «أكل» بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۵، ح ۱.
- [۴۶۵] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۵؛ الفردوس، ج ۳، ص ۵۸۸، ح ۵۸۴۳ عن عائشة.
- [۴۶۶] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۲۹ كلاهما عن صالح بن عقبه، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۷ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۴.
- [۴۶۷] (۱) در المحاسن، واژه «تازه» وجود ندارد.
- [۴۶۸] (۲) در مکارم الأخلاق، واژه «خوردن» وجود ندارد.
- [۴۶۹] (۱) بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۲، ح ۲۱ نقلًا عن الفردوس عن أبي الدرداء.
- [۴۷۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۷ كلاهما عن عبد الرحمن بن زيد بن أسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۵، ح ۱۳۳۸ عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۵۳۳ عن الإمام الباقر عليه السلام و فيه «أرضاً وبيئته» بدل «بلاداً»، طبّ النبي صلى الله عليه وآله، ص ۱۱ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۹، ح ۸.
- [۴۷۱] (۳) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۹، ح ۱۸ نقلًا عن المحاسن عن جابر.
- [۴۷۲] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۹، ح ۲۱۲۳ كلاهما عن جابر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۷، ح ۵.
- [۴۷۳] (۱) مقصود از وبا، طاعون یا هر بیماری واگیردار دیگری است (القاموس المحيط: ج ۱ ص ۳۱).
- [۴۷۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۸، ح ۷.
- [۴۷۵] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۳، الخصال، ص ۱۵۸، ح ۲۰۰ كلاهما عن ميسر بن زياد الزطّي، روضة الواعظين، ص ۳۴۰، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۶ و ليس فيه «والجماع»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۳۴۲ و ليس فيه «الماء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۶، ح ۲.
- [۴۷۶] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۴ كلاهما عن درست، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۵، ح ۱۳۴۱ و فيهما «الغم» بدل «النكهة»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۸، ح ۶.
- [۴۷۷] (۱) در المحاسن واژه و توان آمیزش نیامده است و در مکارم الأخلاق عبارت و آب وجود ندارد.
- [۴۷۸] (۱) طبّ النبي صلى الله عليه وآله، ص ۸ عن ابن عباس، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۷؛ الفردوس، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۴۳۷۱ عن ابن عباس نحوه، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۸.

- [۴۷۹] (۲) طَبِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.
- [۴۸۰] (۱) در متن عربی، واژه «البَطِيخ» آمده است. در فرهنگ‌های واژگان عربی، این واژه را گاه به هندوانه و گاه به خربزه ترجمه کرده‌اند. بر اساس برداشت مترجم، این واژه در متون قدیمی، ناظر به «گونه» هندوانه و خربزه بوده است؛ اما به نظر مؤلف، با عنایت به فوایدی که در احادیث برای آن ذکر شده، مقصود، خربزه است، چنان که در لغت‌نامه دهخدا نیز «بَطِيخ» (بدون قید)، به معنای خربزه آمده است. از این رو در همه موارد، ترجمه این واژه مطابق با نظر مؤلف، تغییر داده شد. م.
- [۴۸۱] (۲) در متن حدیث، «اشنان» آمده و آن، نام گیاهی است که در شست و شو به عنوان ماده کمکی، از آن استفاده می‌شده است. این واژه، اساساً پارسی است که به زبان عربی درآمده و شکل و تلفظ پیشین خود را نیز حفظ کرده است. م.
- [۴۸۲] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۳۵۹ عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۴، ح ۸؛ الفردوس، ج ۲، ص ۵۷، ح ۲۳۲۵.
- [۴۸۳] (۲) طَبِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۸.
- [۴۸۴] (۳) طَبِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۹.
- [۴۸۵] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۱۳۶۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۴، ح ۸.
- [۴۸۶] (۵) ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.
- [۴۸۷] (۶) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۱۳۶۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۴، ح ۸.
- [۴۸۸] (۷) الخصال، ص ۴۴۳، ح ۳۶.
- [۴۸۹] (۸) الخصال، ص ۴۴۳، ح ۳۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۱۳۶۴، روضة الواعظين، ص ۳۴۱ و ليس فيه «و هو إشنان»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۶، ح ۱۲.
- [۴۹۰] (۱) خطمی، گیاهی است از تیره پنیرکیان، دارای گونه‌های یک‌ساله و دائمی، که در مناطق خشک خاورمیانه می‌روید. گل، ریشه و برگ آن، کاربرد پزشکی دارد. گل آن را خشک کرده، می‌سایند و به عنوان سرشوی به کار می‌برند. جوشانده آن نیز مُلْتین است. (دائرة المعارف فارسی).
- [۴۹۱] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۱۳۶۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۴، ح ۸.
- [۴۹۲] (۲) تاریخ دمشق، ج ۶، ص ۱۰۲ و ج ۳۶، ص ۱۴۱، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۷؛ طَبِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۱۰ و ليس فيه «غسلًا»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۹.
- [۴۹۳] (۳) الخصال، ص ۴۴۳، ح ۳۶، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۱۳۶۱، روضة الواعظين، ص ۳۴۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۶، ح ۱۴.
- [۴۹۴] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۲۳۱۶ کلاهما عن ياسر الخادم، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۱۳۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰۳، ح ۳.
- [۴۹۵] (۱) المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۸، كشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۱۴ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۷، ح ۱۷.
- [۴۹۶] (۲) طَبِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.
- [۴۹۷] (۱) شعب الإيمان، ج ۵، ص ۱۰۲، ح ۵۹۵۰ عن ابن عمر، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۳، ح ۲۸۲۲۷.
- [۴۹۸] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۵، ح ۱۸۸۲ عن الأصْبَغ، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶، ح ۸.
- [۴۹۹] (۳) طَبِّ الْأُئِمَّةِ لِابْنِي بَسْطَام، ص ۱۳۰.
- [۵۰۰] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱۸۸۷ عن محمّد بن إبراهيم الجعفی، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۲، ح ۱۱۴۸، بحار

الأُنوار، ج ٦٦، ص ٤٨، ح ٢١.

[٥٠١] (٥) الكافي، ج ٦، ص ٣٢٥، ح ٤، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٣٥١، ح ٤٢٣٥ كلاهما عن موسى بن بكر.

[٥٠٢] (١) المحاسن، ج ٢، ص ٢٧٦، ح ١٨٨٦ عن موسى بن بكر، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٦، ح ١٢.

[٥٠٣] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٣٢٤، ح ١، المحاسن، ج ٢، ص ٢٧٦، ح ١٨٨٨ عن يونس بن مرازم وفيه «ذكر عند أبي عبد الله عليه السلام البيض...» وص ٢٧٧، ح ١٨٨٩، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٦، ح ١٤ و ١٥.

[٥٠٤] (٣) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٤٢٥، ح ١٤٥٢، طب الأئمة لابني بسطام، ص ١٣٠ عن محمد بن مسلم نحوه، بحار الأنوار، ج ١٠٤، ص ٨٣، ح ٣٣.

[٥٠٥] (٤) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٤٢٥، ح ١٤٥١، بحار الأنوار، ج ١٠٤، ص ٨٤، ح ٤١.

[٥٠٦] (٥) الكافي، ج ٦، ص ٣٢٤، ح ٢، المحاسن، ج ٢، ص ٢٧٦، ح ١٨٨٥ عن محمد بن عمر بن أبي حسنة الجمال، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٦، ح ١١.

[٥٠٧] (١) دعائم الإسلام، ج ٢، ص ١٤٥، ح ٥١١، السرائر، ج ٣، ص ١٣٨ وفيه «روى أن أكل اللحم...»، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٧٣.

[٥٠٨] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٣٢٥، ح ٣، المحاسن، ج ٢، ص ٢٧٦، ح ١٨٨٤ وص ٢٧٥، ح ١٨٨٣ نحوه وكلها عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٦، ح ١٠.

[٥٠٩] (٣) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٤٢٥، ح ١٤٥١، بحار الأنوار، ج ١٠٤، ص ٨٤، ح ٤١.

[٥١٠] (٤) في المحاسن و بحار الأنوار: «مُخَّ» بدل «مُخَّ». و المُخَّ: صُفْرَةُ البَيْضِ (القاموس المحيط، ج ١، ص ٢٤٨).

[٥١١] (٥) الكافي، ج ٦، ص ٣٢٥، ح ٥ عن محمد بن عيسى عن أبيه عن جده وقيس بن عبد العزيز، المحاسن، ج ٢، ص ٢٧٧، ح ١٨٩٠ عن ميسر بن عبد العزيز، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٧، ح ١٦.

[٥١٢] (٦) المحاسن، ج ٢، ص ٢٧٧، ح ١٨٩١، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٧، ح ١٧.

[٥١٣] (١) در السرائر، حديث، چنین آغاز می شود: «روایت شده است که خوردن گوشت...».

[٥١٤] (١) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٥٢، ح ١١٤٧، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٨، ح ٢١.

[٥١٥] (٢) الخصال، ص ١٥٥، ح ١٩٤ عن معاوية بن عمارة، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٢٧، ح ٣٠٩، روضة الواعظين، ص ٣٣٦، طب الأئمة لابني بسطام، ص ٤ وفيها «الضلع» بدل «الطلع»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٥، ح ٥ و ٧٦، ص ٧٣، ح ١٠.

[٥١٦] (٣) بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٢١ نقلًا عن طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ٦٣ وفيه «إدامة أكل البصل يوئد الكلف في الوجه».

[٥١٧] (٤) في بحار الأنوار: «والانبهار». مرّ معنى الربو والابتهاج في ص ٢١٣.

[٥١٨] (٥) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ٢٨، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٢١.

[٥١٩] (١) در طب الرضا عليه السلام، به جای «تخم مرغ»، «پیاز» آمده است.

[٥٢٠] (١) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٦٦، ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو و أنس بن محمد عن أبيه، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ٣٣٠، ح ٢٦٥٦ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جده عن الإمام عليّ عليهم السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ٢٩٥ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٤٧، ح ١٨.

[٥٢١] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٢٤٨، ح ٣، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٣٢١، ح ٤١٤٦، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٥٥، ح ١١٥٧، الفصول المختارة، ص ١٠٧ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٥، ص ١٨٢، ح ٢٥.



[۵۲۲] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۲۴۸، ح ۱ عن محمد بن مسلم وص ۲۴۹، ح ۲ عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۵، ح ۵۷ عن محمد بن مسلم، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۰۴ عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه و راجع الخصال، ص ۱۴۰، ح ۱۵۹.

[۵۲۳] (۱) الخصال، ص ۶۱۰، ح ۹ عن الأعمش، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵، ح ۴.

[۵۲۴] (۲) تحف العقول، ص ۳۳۸ و ص ۴۲۲ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵، ح ۶.

[۵۲۵] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۲۴۹، ح ۴، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۶، ح ۶۱، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۲۲، ح ۴۱۵۱ عن عبد الله بن سنان نحوه، قرب الإسناد، ص ۴۹، ح ۱۶۰ وفيه «سئل عن بيض طير الماء فقال: ما كان...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳، ح ۱.

[۵۲۶] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۲۴۹، ح ۳، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۵، ح ۵۸ و راجع: دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۲۳، ح ۴۱۸ و المقنعة، ص ۵۷۷.

[۵۲۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱۱ عن مسمع بن عبد الملك عن الإمام الصادق عليه السلام.

[۵۲۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۲۲۹۵ كلاهما عن إسماعيل بن جابر و ح ۲۲۹۴ عن الحسن بن راشد، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱ و فيهما «أكل التفاح نضوح للمعدة»، الجعفریات، ص ۲۴۴ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۳۷۳ و فيهما «عليكم بأكل التفاح فإنه نضوح للمعدة» و الخمسة الأخيرة عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۸، ح ۶.

[۵۲۹] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۲۸۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۳، ح ۱ و ج ۶۶، ص ۱۷۱، ح ۲۰.

[۵۳۰] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱۰، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۲۸۷، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۶۳ عن سماعة و فيه «محموميكم» بدل «محموميكم»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۳، ح ۳.

[۵۳۱] (۲) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۵ عن محمد بن مسلم وص ۵۳، الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱۰، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۲۸۶ و ليس فيها «ألا و إنه أسرع شيء منفعة للفؤاد خاصة و إنه نضوحه»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۵، ح ۳۳.

[۵۳۲] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۵۲۵.

[۵۳۳] (۴) الكافي، ج ۸، ص ۲۹۱، ح ۴۴۱ و ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۲۸۵ كلاهما عن المفضل بن عمر نحوه، علل الشرائع، ص ۴۶۴، ح ۱۱، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۵۹ عن محمد بن العيص، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۲۴۷ عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۰، ح ۲.

[۵۳۴] (۵) قوله: «بلطف» بضم اللام و فتح الطاء: جمع لطفة بالضم بمعنى الهدية كما ذكره الفيروز آبادي، أو بضم اللام و سكون الطاء؛ أي بعثني لطلب لطف و برّ و إحسان. و الأول أظهر (مرآة العقول، ج ۲۲، ص ۱۹۶).

[۵۳۵] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۲۸۸ و ۲۲۸۹، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۲۴۵ كلاهما عن سليمان بن درستويه الواسطي نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۳، ح ۵.

[۵۳۶] (۱) [در متن عربی، واژه «لطف» آمده است که درباره آن، دو احتمال وجود دارد: یکی، «لُطْف» که جمع «لُطْفَه» به معنای هدیه است (چنان که فیروز آبادی آورده است)، و دیگری، «لُطْف» است و در حدیث مذکور، بدین معنا که امام علیه السلام مرا در پی لطف (نیکی و احسان) فرستاد. از این دو احتمال، احتمال نخست، ظهور بیشتری دارد (مرآة العقول: ج ۲۲ ص ۱۹۶).

[۵۳۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۲۸۵، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۲۴۷ عن الإمام

الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧١، ح ٢١.

[٥٣٨] (٢) من أهل الأرض: أي الجحَن (مرآة العقول، ج ٢٢، ص ١٩٥).

[٥٣٩] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٣٥٥، ح ٢ عن الجعفری.

[٥٤٠] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٣٥٦، ح ٥، المحاسن، ج ٢، ص ٣٦٩، ح ٢٢٩٠ عن القندی مضمراً، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٣، ح

٢٦.

[٥٤١] (٥) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٧٥، ح ١٢٤٨، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٧، ح ٣٧.

[٥٤٢] (١) مقصود، جَنِياناند (مرآة العقول: ج ٢٢ ص ١٩٥).

[٥٤٣] (١) المواعظ العددية، ص ٢١١. انظر الحديث بتمامه في: ج ١، ص ١٠٠ إرشادات طيبة متفرقة / أسباب طول العمر.

[٥٤٤] (٢) طَب الأئمة لابني بسطام، ص ١٣٥ عن أبي بصير، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٥، ح ٣٣.

[٥٤٥] (٣) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٥٢، ح ٤٨٩٩، علل الشرائع، ص ٥١٥، ح ٥، الاختصاص، ص ١٣٢ كلّها عن أبي

سعيد الخدری، بحار الأنوار، ج ١٠٣، ص ٢٨٠، ح ١.

[٥٤٦] (١) برای دیدن متن کامل این حدیث، ر. ک: ج ١، ص ١٠١ (توصیه‌های طیبی / عوامل طول عمر).

[٥٤٧] (١) صحيح البخاری، ج ٥، ص ٢١٥٤، ح ٥٣٦٥، ص ٢٠٦٧، ح ٥١٠١، صحيح مسلم، ج ٤، ص ١٧٣٦، ح ٢٢١٦، السنن

الكبرى، ج ٩، ص ٥٨١، ح ١٩٥٧٣، المعجم الأوسط، ج ٩، ص ١٩، ح ٩٠٠١، الفردوس، ج ٢، ص ٧٦، ح ٢٤٢٦ كلّها عن عائشة.

[٥٤٨] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٣٢١، ح ٣ عن مسمع بن عبد الملك، المحاسن، ج ٢، ص ١٧١، ح ١٤٧٦ عن الإمام الصادق عن آبائه

عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله وليس فيه «و كزرها ثلاثا»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٩٦، ح ٧.

[٥٤٩] (٣) السنن الكبرى للنسائي، ج ٤، ص ٣٧٢، ح ٧٥٧٥، مسند ابن حنبل، ج ١٠، ص ٨٥، ح ٢٦١٠٩، المستدرک علی

الصحيحين، ج ٤، ص ٢٢٨، ح ٧٤٥٥، السنن الكبرى، ج ٩، ص ٥٨١، ح ١٩٥٧٤ كلّها عن عائشة، كنز العمال، ج ١٠، ص ٣٧، ح

٢٨٢٤٥.

[٥٥٠] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٣٢٠، ح ٢، المحاسن، ج ٢، ص ١٧١، ح ١٤٧٧، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٩٦، ح ٦.

[٥٥١] (١) آشی که از سبوس و شیر و غسل سازند (لغت نامه دهخدا: ج ٤ ص ٦٠٧٢).

ابن اثیر در النهایة (ج ٤ ص ٢٢٩) آورده است: تلین و تلین، شوربایی است که از آرد یا سبوس فراهم می‌سازند و گاه نیز قدری

غسل بدان می‌آمیزند. این شوربا به سبب شباهت به شیر (لبن) و نیز غلظت کم آن، «تلین» نام گرفته که اسم مَرّه است از «تلین»،

مصدر «لَبَّنَ القوم» به معنای: به آنان شیر نوشاند.

در قاموس (ج ٤ ص ٢٦٥) نیز آمده است: «تلین» و همین واژه با افزوده «هاء» در آخر آن، شوربایی است فراهم آمده از: سبوس، شیر

و غسل و یا فقط از سبوس.

[٥٥٢] (١) المحاسن، ج ٢، ص ٣٤٥، ح ٢١٨٩، بحار الأنوار، ج ١٠٤، ص ٨٢، ح ٣١.

[٥٥٣] (٢) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٦٥، ح ١٢٠٣، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٤١، ح ٥٨.

[٥٥٤] (٣) المحاسن، ج ٢، ص ٣٤٢، ح ٢١٧٨ عن عبد الرحمن بن زيد بن أسلم، دعائم الإسلام، ج ٢، ص ١٤٧، ح ٥١٨، مكارم

الأخلاق، ج ١، ص ٣٦٤، ح ١١٩٥ عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «السحر» بدل «السم»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٣٣، ح ٢٩؛

سنن الترمذی، ج ٤، ص ٤٠١، ح ٢٠٦٦ عن أبي هريرة، السنن الكبرى للنسائي، ج ٤، ص ١٦٥، ح ٦٧١٥ عن أبي سعيد الخدری و

جابر بن عبد الله، كنز العمال، ج ١٠، ص ٢٨، ح ٢٨٢٠٢ نقلًا عن ابن النجار عن ابن عباس.

[٥٥٥] (٤) الخصال، ص ٦١٥، ح ١٠ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص

۱۰۶، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۹۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۱، ح ۵۸.

[۵۵۶] (۱) بَرْنِي، نوعی از خرماي مرغوب است که به شکل دایره و به رنگ سرخ مایل به زرد است (المعجم الوسيط: ج ۱ ص ۵۲).

[۵۵۷] (۲) عَجْوَه، نوعی از خرماي مدینه است، بزرگتر از خرمايی به نام صیحانی، و رنگ آن، سرخ تیره مایل به سیاه و از کاشته‌های پیامبر صلی الله علیه و آله است (النهاية: ج ۳ ص ۱۸۸).

[۵۵۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۵، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۳، ح ۲۱۸۴ و لیس فیہ ذیلہ، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۳۳، ح ۳۳ و راجع: المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲۷، ح ۷۴۵۱.

[۵۵۹] (۲) المحاسن، ج ۱، ص ۷۶، ح ۳۷ و ج ۲، ص ۳۴۴، ح ۲۱۸۸ کلاهما عن الحسين بن علوان، الخصال، ص ۴۱۶، ح ۸ عن الإمام الصادق عن الإمام علیّ علیهما السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۱۲۰۷، مشکاة الأنوار، ص ۲۶۲، ح ۷۷۷ کلّها نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۸، ح ۱۱.

[۵۶۰] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۱، ح ۳۶۴.

[۵۶۱] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۲۲۰۳ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۳۸، ح ۴۹.

[۵۶۲] (۲) المعجم الكبير، ج ۷، ص ۱۵۹، ح ۶۶۸۹ عن السائب بن يزيد، كنز العمال، ج ۸، ص ۵۲۶، ح ۲۳۹۸۱ نقلًا عن صحيح ابن حبان و السنن الكبرى عن أبي هريرة و فيه «سحور المؤمن» بدل «السحور»؛ طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۷ و فيه «للمؤمن» بعد «السحور»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.

[۵۶۳] (۳) سنن أبي داود، ج ۲، ص ۳۰۵، ح ۲۳۵۵، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۹۷، ح ۱۵۷۵ کلاهما عن سلمان بن عامر، السنن الكبرى للنسائي، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۳۳۲۴ عن سليمان بن عامر من دون إسناده إليه صلى الله عليه و آله، كنز العمال، ج ۸، ص ۵۰۹، ح ۲۳۸۷۴.

[۵۶۴] (۴) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۱۹۶۱ عن الإمام علیّ علیه السلام، روضة الواعظین، ص ۳۷۴ نحوه.

[۵۶۵] (۱) صَيْرْفَان، نوعی خرماست. به سان خرماي بَرْنِي، سرخ رنگ است، با این تفاوت که جویدن آن، قدری سخت تر است و حالتی سقزمانند دارد (لسان العرب: ج ۹، ص ۱۹۳).

[۵۶۶] (۲) در طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، پس از واژه «سحری ای»، «برای مؤمن» آمده است.

[۵۶۷] (۳) معنای سويق در صفحه ۳۷۵ خواهد آمد.

[۵۶۸] (۱) تهذيب الأحكام، ج ۴، ص ۱۹۸، ح ۵۶۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۰، ح ۱۹۴۹ کلاهما عن حفص بن البختري، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۹، ح ۱۴۲۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۰، ح ۲۱.

[۵۶۹] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۱۲۰۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۱، ح ۵۸.

[۵۷۰] (۳) مسند أبي يعلى، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۴۵۱ عن عروة بن رويم عن الإمام علیّ علیه السلام، كنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۳۸، ح ۳۵۳۰۰ نقلًا عن أبي نعيم في الطب عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلى الله عليه و آله.

[۵۷۱] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۰۸، ح ۱۷۶۴، طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۷ و فيه «الرطب الحلو و التمر» بدل «الرطب، فإن لم يكن رطب فتمر»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۵.

[۵۷۲] (۵) تاريخ بغداد، ج ۸، ص ۳۶۶ الرقم ۴۴۶۵، تاريخ دمشق، ج ۷۰، ص ۹۳، ح ۱۳۷۹۰ کلاهما عن سلمة بن قيس، كنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۴۰، ح ۳۵۳۱۳.

[۵۷۳] (۱) الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص

۱۲۴ و فيه «ولا تبدأ» بدل «ولا تتداوی»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۸، ح ۱۰.

[۵۷۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۲۲، ح ۳ عن زرارة عن الإمام الصادق عليه السلام.

[۵۷۵] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۱۲۰۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۱، ح ۵۸.

[۵۷۶] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۲۲، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۲۱۹۰ کلاهما عن صالح بن عقبه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص

۱۳۴، ح ۳۸ وج ۱۰۴، ص ۱۱۵، ح ۳۹.

[۵۷۷] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۵، ح ۲۳۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۳، ح ۳.

[۵۷۸] (۶) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۰۴، ح ۳۳۲۶، السنن الكبرى للنسائي، ج ۴، ص ۱۶۶، ح ۶۷۲۲ عن عائشة، كنز العمال، ج ۷،

ص ۱۰۶، ح ۱۸۱۹۰ نقلًا عن المعجم الأوسط و المستدرک علی الصحیحین و أبی نعیم فی الطب عن أنس نحوه؛ بحار الأنوار، ج ۶۲،

ص ۲۸۴.

[۵۷۹] (۷) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۰۷۳، ح ۵۱۲۴، المصنّف لابن أبی شیبّه، ج ۵، ص ۵۷۰، ح ۴، مسند الحمیدی، ج ۱، ص

۲۴۸، ح ۵۴۰؛ مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۷۲، ح ۹۶ عن أنس و فيه «القتاء بالرطب» بدل «الرطب بالقتاء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص

۲۵۳، ح ۳.

[۵۸۰] (۱) مریم: آیه ۲۵ و ۲۶.

[۵۸۱] (۲) ظاهراً این کار، به دلیل شیرین نبودن خربزه‌های آن سامان بوده است.

[۵۸۲] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ:

ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۵۸۳] (۱) الکافی ج ۶ ح ۵ عن ابی بصیر عن الامام الصادق علیه السلام تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۳۷، ح ۱۷۴۱ عن أبی بصیر،

الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۴،

بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۸، ح ۱۰.

[۵۸۴] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۲۵۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ح ۴؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۴۷۱۶ نحوه،

کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۴، ح ۲۸۲۸۰.

[۵۸۵] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۲۵۴ عن كعب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ح ۶.

[۵۸۶] (۳) فی المصدر: «تلتین»، و التصویب من بحار الأنوار.

[۵۸۷] (۴) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ح ۳.

[۵۸۸] (۵) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۲۵۲.

[۵۸۹] (۱) نقرس، ورمی است همراه با درد که در مفاصل پایین پا و انگشتان، بروز می کند (مجمع البحرين: ج ۳ ص ۱۸۲۳).

[۵۹۰] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۲۲۹۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۵، ح ۲.

[۵۹۱] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۵، ح ۳.

[۵۹۲] (۳) غریب الحدیث لابن قتیبّه، ج ۲، ص ۳۰۳ عن ابن عبّاس؛ مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۲۵۳ و فيه «فی الحدیث:

من أراد أن یرقّ قلبه فلیدمن من أكل البلس و هو التین»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۷، ح ۷ نقلًا عن الفردوس عن ابن عبّاس عنه

صلی الله علیه و آله و زاد فی آخره «یعنی التین» و ص ۱۸۶، ح ۶.

[۵۹۳] (۱) علّامه مجلسی می گوید: جوهری می گوید: «بلّس»، چیزی است همانند انجیر که در یمن، فراوان یافت می شود». در

قاموس آمده است: «میوه‌ای است همانند انجیر، و خود انجیر است». در النهایه آمده است: «در حدیث است که: هر کس دوست

دارد دلش نازک باشد، پیوسته بلس بخورد. و بلس، همان انجیر است. نیز گفته شده: چیزی است همانند انجیر که در یمن یابیده می‌شود. همچنین گفته‌اند: همان عدس است. برخی نیز گفته‌اند: بلس، (با ضمه باء و لام) خوانده شود. از همین قبیل است حدیث ابن جریر که در آن گفته: از عطاء درباره زکات غلات پرسیدم. گفت: همه آنها زکات دارند. او پس از آن، از: ذرت، تنباکو، بلس و کنجد، نام برد. برخی هم به جای آن، بلس گفته‌اند».

می‌گویم: گویا در اینجا مقصود از بلس، همان عدس است؛ چرا که این مضمون، به روایت‌هایی دیگر نیز نقل شده است. نیز دور نیست که به جای «بلس»، واژه «بلسن» باشد. [فیروزآبادی در قاموس گفته است: «بلسن» [بر وزن کُنْدُر] همان عدس، یا دانه‌ای دیگر همانند عدس است (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۱۸۶).

[۵۹۴] (۲) در مکارم الأخلاق آمده است: «در حدیث است که هر کس می‌خواهد دلش نازک باشد، پیوسته بلس که همان انجیر است بخورد». در بحار الأنوار (ج ۶۶ ص ۱۸۷ ح ۷) با افزوده «یعنی انجیر» در آخر آن، آمده است.

[۵۹۵] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۴، ح ۱۳۳۵؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۵، ح ۴۷۲۱ کلاهما عن الإمام علی علیه السلام، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۷۱، ح ۴۰۹۳۹.

[۵۹۶] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۴، ح ۱۳۳۶ عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۱، ح ۱۴؛ تاریخ دمشق، ج ۶۴، ص ۳۰۴، ح ۱۳۱۴۵ عن حنیة، الفردوس، ج ۵، ص ۳۳۰، ح ۸۳۴۱ نحوه و زاد فیه «نیثا» بعد «الثوم» و کلاهما عن الإمام علی علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۴۴۰، ح ۴۱۷۴۸.

[۵۹۷] (۳) علل الشرائع، ص ۵۲۰، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۱، ح ۲۱۳۲ کلاهما عن داوود بن فرقد، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۵۰ و لیس فیه ذیل، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۷، ح ۳.

[۵۹۸] (۴) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۵.

[۵۹۹] (۱) علامه مجلسی می‌گوید: سیر، بر دو گونه است: بیابانی و باغی. جالینوس می‌گوید: «گرم و خشک و در زمره طبع سوم است و برخی هم گفته‌اند از چهارم». برای رفع تیرگی رنگ خون، سودمند است. شپش و تخم شپش را می‌کشد و از آن روی که حل‌کنندگی و خشک‌کنندگی قوی‌ای دارد، چنانچه بیش از اندازه پیاز مصرف شود، سردرد می‌آورد و به چشم زیان می‌رساند. برای درد پشت و سرین، سودمند است و در برابر گاز گرفتن درندگان، برای افرادی که دارای طبع سرد هستند، کار تریاک را می‌کند. در کل، برای حفظ سلامت سرد طبعان و پیران، بسیار مفید است؛ حرارت غریزی آنان را تقویت می‌کند، بادهای سخت را از بدن می‌برد و برای بهبود ریزش قطره‌قطره‌ای پیشاب پیران، سودمند است. بهترین روش آماده کردن آن، این است که در آب و نمک جوشانده، سپس از آب، بیرون آورده و با روغن بادام پخته و آن گاه خورده شود و پس از آن هم انار و سیب، مکیده شود. اگر هم آن را بسوزانند و بسایند و با عسل، خمیر کنند و بر روی محلّ مارگزیدگی بگذارند، بهبود می‌بخشد. سیر، در گشتن کرم کدو هم منفعت شگفت‌آوری دارد (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۵۱).

[۶۰۰] (۱) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۰، مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۷۶، ح ۲۰۲۳۶ و فیه «یذهب» بدل «یورث».

[۶۰۱] (۲) الدرر الوقیة، ص ۴۲ عن سماعه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۵، ح ۱۱.

[۶۰۲] (۳) فی بحار الأنوار: «یطیب النکهة».

[۶۰۳] (۴) الدعوات، ص ۱۵۲، ح ۴۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۵، ح ۱۰.

[۶۰۴] (۱) در مستدرک الوسائل، به جای «خواب می‌آورد»، «خواب را می‌برد» آمده است.

[۶۰۵] (۲) در بحار الأنوار، به جای «نوشیدن»، «بوی دهان» آمده است.

- [۶۰۶] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۱۹۸۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۱۳۹۰ و ليس فيه «الطعام»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۵، ح ۹.
- [۶۰۷] (۲) تاريخ بغداد، ج ۷، ص ۴۰۳ الرقم ۳۹۴۷ عن ابن عباس؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.
- [۶۰۸] (۳) طبّ النبي صلى الله عليه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.
- [۶۰۹] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۳ عن زرارة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۶، ح ۱۴.
- [۶۱۰] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۵، ح ۱۹۷۴ و ص ۲۹۸، ح ۱۹۸۳ كلّها عن عبد العزيز العبدی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۸، ح ۳.
- [۶۱۱] (۶) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۹ نقلًا عن طبّ النبي صلى الله عليه و آله.
- [۶۱۲] (۷) طبّ النبي صلى الله عليه و آله، ص ۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۹.
- [۶۱۳] (۱) طبّ النبي صلى الله عليه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۵. انظر تمام الحديث في: ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۳۸۳.
- [۶۱۴] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۳، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۲، ح ۲۰۰۱ كلاهما عن عبد العزيز العبدی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۹، ح ۵.
- [۶۱۵] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۰ ذیل ح ۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۶، ح ۱۲.
- [۶۱۶] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۶، ح ۱۲.
- [۶۱۷] (۱) برای دیدن متن کامل این حدیث، ر. ک: ج ۱، ص ۲۵۵ ح ۳۸۳.
- [۶۱۸] (۲) شاید مقصود از پوست پنیر، لایه‌ای باشد که به هنگام خشک شدن، روی آن قرار می‌گیرد؛ چرا که در زبان عربی، واژه «قشر» به معنای پوسته هر چیز است، خواه در خلقت اولیه آن باشد و خواه به پدید آمدن بعد (الوافی: ج ۱۹ ص ۳۵۶).
- در حاشیه نسخه چاپی منبع، آمده است: همان گونه که فرموده‌اند، مقصود از پوست پنیر، همان قسمتی است که با دست، تماس می‌گیرد. این احتمال هم وجود دارد که مقصود از آن، پوسته پنیرمایه باشد (حاشیه منبع).
- [۶۱۹] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۴، ح ۲۰۹۷ عن حماد بن زكريّا عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۶، ح ۲.
- [۶۲۰] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۴، ح ۲۰۹۶ عن جابر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۶، ح ۱.
- [۶۲۱] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۵، ح ۲۱۰۲ عن علی بن ابي حمزة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۷، ح ۴.
- [۶۲۲] (۱) جرجیر، گیاهی است که بر آب می‌روید، دارای برگ‌های بریده‌بریده و ساقه سفید است و نوعی از آن، دشتی و نوع دیگر، بستانی (باغی) است (القانون فی الطب: ص ۵۶).
- گیاهی است دارای گل‌های سفید ریز و برگ‌های مرگب و سبز پُررنگ. در خشکی، در مناطق معتدل اروپا و آسیا در نزدیک چشمه‌ها و آبگیرها می‌روید. در سالاد از آن استفاده می‌شود و به آن، مزه‌ای لذیذ می‌دهد (المنجد: ص ۸۴).
- عَلَمَه مجلسی می‌گوید: آنچه از کتاب‌های بیشتر اطبّا برمی‌آید، این است که آنچه در فارس به نام تره‌تیزک یا شاهی شناخته شده، همان «جرجیر» عربی نیست؛ بلکه «رشاد» عربی است. ابن بیطار گوید: «جرجیر، دارای دو نوع است: بستانی (باغی) و دشتی، و هر یک از آنها نیز برای خود، دو نوع دارد. یکی از دو نوع جرجیر بستانی، دارای برگ‌های پهن و پسته‌ای‌رنگ است، تندی کمتری دارد و نرم و خوش بو است؛ اما نوع دیگر آن، دارای برگ‌های نازک است و طعم بسیار تندی دارد».
- [ بدیعی در الاختیارات گفته است: «جرجیر، دارای دو نوع: دشتی و باغی است. جرجیر دشتی را ایهقان، و جرجیر باغی را در زبان فارسی، گیگر گویند. جرجیر دشتی را خردل بزی هم می‌گویند و از بذلر آن، به جای خردل استفاده می‌کنند». همو گفته است: ]

رشاد، همان حُرْفِ عربی است که در فارسی، آن را سپندان و تره تیزک نیز می گویند» (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۳۸).

[۶۲۳] (۱) الدعوات، ص ۱۶۰، ح ۴۴۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۷، ح ۷.

[۶۲۴] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۷، ح ۷.

[۶۲۵] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۲ عن السکونی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۴، ح ۲۰۹۸ من دون إسنادٍ إلى المعصوم، مکارم

الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۵ و ليس فيه « و بات ينزف الدم»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۶، ح ۲.

[۶۲۶] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۱ عن حمّاد بن زکریّا.

[۶۲۷] (۵) فی المحاسن، « عن نصیر مولى أبی عبد الله علیه السلام أو موفق مولى أبی الحسن علیه السلام». و فی بحار الأنوار: « أو عن

موفق».

[۶۲۸] (۶) البقرة: ۲۴، التحريم: ۶.

[۶۲۹] (۷) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۵، ح ۲۱۰۳ و فيه « كان إذا أمر بشيء من البقل يأمرنا بالإكثار من

الجرجير...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۷، ح ۵.

[۶۳۰] (۱) در المحاسن آمده است: « از نصیر (خدمتکار امام صادق علیه السلام) یا موفق (خدمتکار امام کاظم علیه السلام) ... و در

بحار الأنوار آمده است: «... یا از موفق...».

[۶۳۱] (۲) بقره: آیه ۲۴، تحريم: آیه ۶.

[۶۳۲] (۳) در المحاسن، آمده است: « هنگامی که دستور خریدن سبزی ای می داد، به ما می فرمود که جریر فراوان بگیریم».

[۶۳۳] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۳۵۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۹، ح ۳.

[۶۳۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۱ عن داوود بن فرقد.

[۶۳۵] (۳) فی المحاسن، « دخلت علیه»، و يفهم من سياقه أن الضمير يرجع إلى الإمام الكاظم عليه السلام.

[۶۳۶] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۳۵۷، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۲۱۳۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۹، ح ۲.

[۶۳۷] (۱) در کتاب المحاسن، عبارت « دَخَلْتُ عَلَيْهِ (بر او وارد شدم)» آمده و از سیاق آن، چنین فهمیده می شود که ضمیر در

علیه، به امام کاظم علیه السلام برمی گردد.

[۶۳۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۲۱۳۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۸، ح ۱ و ج ۱۰۴، ص ۸۲

ح ۲۸.

[۶۳۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۱ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۱۹۸۲ عن

السکونی عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۱۳۹۱ عن الإمام الصادق علیه السلام و

ليس فيه « يهَيِّج الحرّ في الجوف»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۸۱ و ج ۶۶، ص ۱۹۸، ح ۲.

[۶۴۰] (۱) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۵، ح ۵ نقلًا عن الفردوس.

[۶۴۱] (۲) طَبَّ الْأَنْثَمَةُ لابن بسطام، ص ۶۷ عن زيد بن عليّ رفعه إلى آبائه عليهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۴، ح ۱۳۷۵

نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۳، ح ۱.

[۶۴۲] (۱) هزار اسپند: حرمل، اسفند، سفند، اسپند و سپند سوختنی. چیزی است که سوزند دفع چشم زخم را. حمد الله مستوفی

گوید: « حرمل: سپند و در دفع چشم بد، سپند سوختن، مجرّب است» و صاحب الاختیارات گوید: « ابن سمحون گوید: دو نوع است:

سرخ و سفید؛ و نوع سفید، که حرمل عربی خوانند و به یونانی مولى و در پارسی، صندل و انج، و ورق آن، مانند ورق بید بُود و

کوچک تر، و گل وی، مانند یاسمن، مطلق و سفید و خوش بوی بُود و به سریانی بسباسا خوانند. و نوع دیگر، سرخ که حرمل عامی

خوانند و در پارسی، اسپند گویند و به شیرازی نیوند و هزار اسپند نیز گویند» (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا: ج ۶ ص ۷۷۹۰).

[۶۴۳] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۵۳۵، الجعفریات، ص ۲۴۴ عن الإمام الكاظم عن آبائه عنه عليهم السلام وفيه «سيرة» بدل «نشرة».

[۶۴۴] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۶۸، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۴، ح ۱۳۷۷ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۴، ح ۲.

[۶۴۵] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۴، ح ۱۳۷۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۴، ح ۳.

[۶۴۶] (۱) جامع الأحاديث للقمي، ص ۱۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۳، ح ۱.

[۶۴۷] (۲) الجعفریات، ص ۲۴۵ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱۳۸۰، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۵۳۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۳، ح ۳.

[۶۴۸] (۱) شنبلیله گیاهی است دارای دانه‌های زرد. برای درمان، از آن استفاده می‌گردد و کاشته و خورده می‌شود. برای درد سینه، سرفه، نفس‌تنگی، بلغم، بواسیر و درد: پشت، کبد و مثانه، و برای تقویت توان جنسی سودمند است (تاج العروس: ج ۱ ص ۴۳۹).

[۶۴۹] (۲) علامه مجلسی در شرح این حدیث، چنین آورده است: گویا مقصود از «شابکه»، بادی است که میان پوست و گوشت، رخ می‌نماید و آنها را به هم پیوند می‌زند، یا مقصود، بادی است همانند قولنج که در پشت و جاهای دیگر، رخ می‌نماید و در نتیجه انسان نمی‌تواند حرکت کند.

برای واژه «حام»، معنایی سراغ نداریم. گویا این واژه، «خام» (با حرف خ) است، به معنای بلغم خام که هنوز به پختگی نرسیده است. شاید هم مقصود از آن، بادی است که پیوسته در بدن شخص جای گرفته باشد، برگرفته شده از «حام الطیر علی الشیء»، یعنی پرند در جایی مسکن گرفت.

درباره «ابرده»، فیروزآبادی می‌گوید: «سردی‌ای در درون است». نیز در النهایه گفته است: «ابرده (با کسره همزه و راء) بیماری‌ای است شناخته شده که از چیرگی برودت و رطوبت بر طبع، حاصل می‌آید و انسان را از آمیزش، ناتوان می‌سازد».

در القانون آمده است: «شنبلیله در آخر فصل نخست، گرم و در طول فصل نخست، خشک است؛ از رطوبتی شگفت، تهی نیست؛ نضج‌دهنده و نرم‌کننده است؛ ورم‌های بلغمی و پستی را از میان می‌برد؛ شکم کلن‌ها را نرم می‌کند و به آستانه باز شدن می‌رساند؛ سینه و حلق را نرم می‌کند و بویژه هنگامی که با عسل یا خرما و یا انجیر پخته شود، سرفه و نفس‌تنگی را فرو می‌نشاند. بهتر، آن است که شنبلیله را با قدری خرما بیامیزند و بفشردند و عصاره آن را بگیرند و سپس با مقدار زیادی عسل درآمیزند و آن‌گاه بر روی حرارتی معتدل، گرم کنند و قبل از غذا (با فاصله زیاد) آن را بخورند. پخته آن در سرکه، برای ضعف معده، سودمند است و آب‌پز شده آن نیز برای دل‌پیچه و شکم‌زوی، خوب است» (بحار الأنوار: ج ۶۲ ص ۱۸۷ ح ۳).

[۶۵۰] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۱۴۹۲ عن أبي الحسن الأحمسی عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۵، ح ۲.

[۶۵۱] (۲) تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۱۳، ح ۱۱۲۲ عن أبي موسى، كنز العمال، ج ۱، ص ۱۴۶، ح ۷۱۴؛ طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۵.

[۶۵۲] (۳) مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۶۵، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۱۳.

[۶۵۳] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۵۱۳، ح ۴ عن عیسی بن عبد الله عن ابيه عن جدّه.

[۶۵۴] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۱۴۹۶ عن علی بن ابي حمزة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۶، ح ۵.

[۶۵۵] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۱، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۱۴۹۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۵، ح ۳.

[۶۵۶] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۱۳۸۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۴، ح ۴، وفيه «الصدر» بدل «الظهر».



[۶۵۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۲۰۲۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۳، ح ۲.

[۶۵۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۳، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۲۰۲۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۳، ح ۱.

[۶۵۹] (۱) علامه مجلسی در این باره آورده است: صاحب بحر الجواهر گفته: «نخود، دارای انواع: سفید، سرخ و سیاه است». بقراط گفته: «در طبع نخست، گرم و مرطوب است»؛ اما اسحاق می گوید: «در طبع نخست، گرم و خشک است». اگر با گوشت پخته شود، به پخت بهتر آن کمک می کند. اگر لکه خون با آن شسته شود، این لکه از پارچه پاک می شود. اگر آن را آرد کنند و با گلاب گرم بیامینند و پمادی از آن بر کمر بمالند، برای کمردرد سودمند است. پیشاب و خون قاعدگی را به جریان می اندازد، با سینه و ریه سازگار است، نیروی جنسی را برمی انگیزد، شکم را نرم می کند؛ اما برای زخم های کلیه و مثانه زیان دارد. بیشتر از هر چیز، ریه را تقویت می کند و پخته آن، برای کمردرد، استسقا و یرقان، سودمند است.

بدان که توان آمیزش جنسی به سه چیز، نیازمند است و این هر سه، در نخود، یکجا گرد آمده است: نخست، خوراکی که در آن، حرارتی افزون بر حرارت طبیعی بدن وجود داشته باشد و بتواند نیروی انسان را برای آمیزش برانگیزد؛ دوم، غذایی که از چنان تغذیه کنندگی و رطوبتی برخوردار باشد که بتواند به بدن رطوبت دهد و منی را افزون سازد؛ و سوم، غذایی که در آن از بادها و نفخ باشد که بتواند تهی گاه ها و اندام های آلت را پُر کند. اینها همه در نخود وجود دارند (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۶۴).

[۶۶۰] (۲) در بحار الأنوار، به جای «کمر»، واژه «سینه» آمده است.

[۶۶۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۷، ح ۶ و ۵، ص ۷۳، ح ۱۳، المحاسن، ج ۲، ص ۴۱۶، ح ۲۴۶۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۱۰۷۱.

[۶۶۲] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۲۵۸ عن عائشه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۹، ح ۱۲؛ الفردوس، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۲۸۸۳ عن عائشه، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۸۴، ح ۴۱۰۱۹.

[۶۶۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۶، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۴۱۵، ح ۲۴۵۶ کلاهما عن الولید بن صبیح، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۱۰۷۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۰، ح ۳.

[۶۶۴] (۱) کنز العمال، ج ۷، ص ۱۸۸، ح ۱۸۶۱۳ نقلًا عن الخطیب فی المتفق و المفترق.

[۶۶۵] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۱۰۷۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۵، ح ۱.

[۶۶۶] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۴، ح ۱ عن یونس، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۱۰۷۴ و فيه «قوت الأنبياء للأشقياء» بدل قوت أنبيائه إلاً شعيراً، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۴، ح ۱.

[۶۶۷] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۴، ح ۲.

[۶۶۸] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۳، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۰۸۰ و فيه «ما من شيء أنفع ولا أبقى في الجوف...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۵، ح ۳ و ۴.

[۶۶۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۱ عن یونس، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۰۷۷ نحوه و زاد فيه «إنه يسئل الداء سللاً»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۴، ح ۳.

[۶۷۰] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۰۸۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۵، ح ۵.

[۶۷۱] (۱) معنای گاوژس در صفحه ۵۰۱ گذشت. همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۴۳۹ (پاورقی ۲).

[۶۷۲] (۱) مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۳۹۶ ح ۱۳۴۴ عن الامام علی علیه السلام بحار الانوار ج ۶۶ ص ۲۳۹ ح ۲؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۴، ح ۴۷۱۷ عن الإمام علی علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله.

[۶۷۳] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۲۰۸۴ و فيه «یطفئی» بدل «یصفئی» و کلاهما عن أبی حفص

الأبّار، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۳۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۹، ح ۱ و ۲.

[۶۷۴] (۳) الدعوات، ص ۱۵۹، ح ۴۳۶.

[۶۷۵] (۱) در المحاسن، به جای «تصفیه می کند»، «فرو می نشاند» آمده است.

[۶۷۶] (۲) کاسنی، دارای دو گونه دشتی و باغی است و خود، بر دو نوع است: پهن برگ و نازک برگ. حکم کاهو را دارد)

القانون فی الطب: ص ۶۸.

[۶۷۷] (۱) سنن ابی داوود، ج ۳، ص ۳۶۰، ح ۳۸۲۱، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۷۸، ح ۱۸۳۹، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۰۲، ح

۳۳۱۷ کلّها عن جابر بن عبد الله، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۸۳، ح ۴۲۰۱۱؛ المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۱۹۲۰ عن جابر بن عبد الله،

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۷.

[۶۷۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۱۹۲۴ كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام،

الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص

۴۱۳، ح ۱۴۰۰ عن الإمام الصادق عليه السلام و ليس فيها «و يطفئ الصفراء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۵، ح ۲۲.

[۶۷۹] (۳) السرائر، ج ۳، ص ۱۴۱، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۵۳۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۵.

[۶۸۰] (۱) الدعوات، ص ۱۴۶، ح ۳۸۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۴، ح ۱۷.

[۶۸۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۲، ح ۱۹۱۳ كلاهما عن سليمان بن خالد، مكارم الأخلاق، ج ۱،

ص ۴۱۳، ح ۱۳۹۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۱، ح ۱.

[۶۸۲] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۴، ح ۱۹۲۵ عن رفاعه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۲، ح ۹.

[۶۸۳] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۱۰.

[۶۸۴] (۵) السنن الكبرى، ج ۶، ص ۶۳، ح ۱۱۲۰۳ عن جابر، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۸۴، ح ۴۱۰۱۳.

[۶۸۵] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۸ عن حنّان عن أبيه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۲، ح ۱۰.

[۶۸۶] (۷) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۱۹۲۷ كلاهما عن سماعه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۲، ح

۱۱.

[۶۸۷] (۸) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۲، ح ۷.

[۶۸۸] (۱) علامه مجلسی می گوید: گفته شده: مقصود از سرکه شراب، آن شرابی است که با عمل آوری، به سرکه تبدیل می شود،

یا مقصود، هر سرکه‌ای است که در اصل، شراب بوده است، البته مشروط به آنکه تبدیل انگور به سرکه، بدون آنکه تبدیل به شراب

شود، امکان پذیر باشد، چنان که این گونه بسیار ادعا می شود.

[فیروزآبادی در القاموس گفته است: «سرکه، حالت اسیدی شده آب انگور و مانند آن است. بهترین نوع آن هم سرکه شراب است،

ترکیب یافته از دو جوهر: گرم و سرد، و سودمند برای: معده، لثه، زخم‌های بدخیم، خارش، نیش زردگی گزندگان،] درمان

افیون خواری، سوختگی با آتش، دندان درد، بخارهای داغ درونی حاصل از استسقا، و سرانجام درمان دشواری شنوایی، پیچیدن

صدا در گوش، و وزوز کردن آن».

ظاهراً مقصود از سرکه شراب، سرکه‌ای است که از شراب انگور حاصل می آید؛ چرا که آن را غالباً به همین نام «شراب» می خوانند.

صاحب بحر الجواهر گفته است: «سرکه شراب، آن است که در تهیه اش، از شراب، افشرده‌ای بسازند و از صافی بگذرانند و به هر ده

رطل از صد رطل، یک رطل سرکه انگور درجه یک بیفزایند و آن گاه آن را در خمره‌ای قیراندود، در آفتاب بگذارند». (بحار

الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۲)

- [۶۸۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۳، ح ۱۹۱۵ کلاهما عن إسماعیل بن جابر، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۱۳۹۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۱۶.
- [۶۹۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۶، ح ۱۹۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۳، ح ۱۴.
- [۶۹۱] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۲۲۴۹ عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۱۲۲۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۳، ح ۴۳.
- [۶۹۲] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۲ عن مسعدة بن زياد.
- [۶۹۳] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۱۲۲۴ عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۵، ح ۵۰.
- [۶۹۴] (۴) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۵، ح ۸۰ عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۰۶، ح ۵۷، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۱۲۲۶ وفيهما «أخرست الشيطان» وكلها عن الإمام الرضا عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۴، ح ۱؛ كنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۸۷، ح ۳۸۳۱۹ نقلًا عن علي بن الفرج الصقلي في فوائده عن أسد عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه.
- [۶۹۵] (۱) الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۴ عن إسماعيل بن جابر وفيه «تقرض» بدل «تمرض» و «صباحا» بدل «ليلة» و كلاهما عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۶، ح ۸.
- [۶۹۶] (۲) الخصال، ص ۲۴۹، ح ۱۱۳، روضة الواعظين، ص ۳۴۰ وفيه «السوادى» بدل «السوراني»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۱، ح ۱ و ج ۶۶، ص ۱۲۴، ح ۱.
- [۶۹۷] (۳) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۴، ح ۴۹.
- [۶۹۸] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۱ عن إبراهيم بن عبد الحميد.
- [۶۹۹] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۲۲۴۷ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۳، ح ۴۱.
- [۷۰۰] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۳، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۳ وفيه «صباحا» بدل «يوما» و كلاهما عن منصور بن حازم، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۰، ح ۲۸.
- [۷۰۱] (۱) سوراني، منسوب است به سورا: جایی در عراق در سرزمین بابل و نزدیک حله. ابراهيم بن نصر سوراني به همین جا نسبت داده می شود (معجم البلدان: ج ۳ ص ۲۷۸).
- [۷۰۲] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۰، ح ۴۹۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۴، ح ۶۱.
- [۷۰۳] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۳، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۲۲۴۳، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۱۲۲۰ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۲، ح ۳۸.
- [۷۰۴] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۱۶، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۲۲۴۴ کلاهما عن زياد بن مروان، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۱۲۲۲ عن الإمام الصادق عن أبيه عن علي بن الحسين عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۲، ح ۳۹.
- [۷۰۵] (۱) علامه مجلسی در این باره می گوید: «از فروغ دل او (عن إنارة قلبه)»، یعنی آنکه خداوند، شیطان را [از زیان رساندن به روشنگری دل (یا از باز داشتن دل از روشنگری و اخلاص رساندن به آن دور می سازد]. هم گفته شده است: مقصود، آن است که دور شدن شیطان، حاصل فروغ دل است؛ یعنی خداوند، دل او را روشن می کند تا شیطان از آن برون رود. این وجه را نمی توان بعید ندانست. در بیشتر نسخه های مکارم الأخلاق، این عبارت با «إثارة» (با ثاء) نقل شده که به معنای برانگیختن است و خود، به وسوسه باز می گردد (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۲).
- [۷۰۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۱، ح ۲۲۱۳ کلاهما عن إبراهيم بن عبد الحميد، بحار الأنوار، ج

۶۶، ص ۱۵۶، ح ۱۱.

[۷۰۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۰، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۲۲۴۶ و فيه «أنارتها» بدل «أبادت داء» و كلاهما عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۳، ح ۴۱.

[۷۰۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۱۷ عن عمرو بن إبراهيم.

[۷۰۹] (۴) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۵۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۳، ح ۵۲.

[۷۱۰] (۱) علامه مجلسی می گوید: ظاهراً خراسانی، کنایه از امام رضا علیه السلام است و به سبب تقیّه، با این نام از ایشان یاد شده است (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۱۶۴).

[۷۱۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۰، ح ۲۹.

[۷۱۲] (۲) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۰ نقلًا عن طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۶۱ و فيه «الإمليسی» بدل «المزّ».

[۷۱۳] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۰، ح ۳۱.

[۷۱۴] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۱۲۱۷ عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۵، ح ۲۲۳۱ عن النوفلی بإسناده و فيه «و أمرضت شیطان و سوستها» بدل «و نفت الشيطان و الوسوسة عنها»، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۶ عن إسماعیل بن جابر عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام نحوه و فيه «و فی کلّ حبة منها إذا استقرت فی المعدة حياة للقلب و إنارة للنفس»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۶، ح ۸.

[۷۱۵] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۷۱۶] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۱، ح ۳۲.

[۷۱۷] (۱) در طب الإمام الرضا علیه السلام، به جای «المزّ (ترش و شیرین)»، واژه «الإمليسی (ملس)» آمده است.

[۷۱۸] (۲) پیه انار، سپیدی ای است که در درون انار است و دانه ها بر آن تعبیه شده است (لغت نامه دهخدا).

[۷۱۹] (۳) علامه مجلسی می گوید: گویا نسبت «روشن ساختن» و «وسوسه» به معده، مجاز است و مقصود اصلی، روشن ساختن دل و همچنین وسوسه دل است، بدان اعتبار که درستی دل و صلاح قلب، وابسته به صلاح معده است (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۱۶۰).

[۷۲۰] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۲ عن صالح بن عقبه، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۰، ح ۲۷.

[۷۲۱] (۱) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۸.

[۷۲۲] (۲) الخصال، ص ۳۴۳، ح ۹ عن أحمد الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، روضة الواعظین، ص ۳۴۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۲۷۲ نحوه و فيه «... و یصحّ الجسم و...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۱، ح ۱؛ كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۱، ح ۲۸۲۶۵ نقلًا عن أبي نعيم عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله.

[۷۲۳] (۳) فی المصدر: «طبقا»، و التصویب من بحار الأنوار و تاریخ دمشق.

[۷۲۴] (۴) الاختصاص، ص ۱۲۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۵، ح ۱۶۰۶ نحوه، و فيه «الزیت» بدل «الزیب»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۳، ح ۱۱؛ تاریخ دمشق، ج ۲۱، ص ۶۰، ح ۴۷۲۴ و ليس فيه «و یرضی الربّ»، الفردوس، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۶۷۸۰، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۱، ح ۲۸۲۶۶ نقلًا عن غیر واحد.

[۷۲۵] (۱) این حدیث، در: عیون أخبار الرضا علیه السلام (ج ۲ ص ۳۵ ح ۸۱)، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام (ص ۱۰۷ ح ۵۸)، مکارم الأخلاق (ج ۱ ص ۴۱۵ ح ۱۴۰۵)، و الدعوات (ص ۱۴۷ ح ۳۸۶) هم وجود دارد؛ لیکن در آنها به جای «زیب (مویز)»، واژه

زیت (روغن زیتون) آمده که با توجه به نزدیک بودن نگارش این دو کلمه به همدیگر در زبان عربی، احتمال تصحیف در یکی از آن دو، وجود دارد و چون خواص و آثار ذکرشده در این حدیث، کم و بیش در احادیث دیگر درباره مویز هم وارد شده، ما نسخه زیب را ترجیح داده، حدیث را در این فصل آوردیم و در فصل زیتون نیاوردیم.

[۷۲۶] (۱) الأُمالی للطوسی، ص ۳۶۲، ح ۷۵۱ عن علی بن علی بن رزین عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عن النّزال بن سبرة، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۲۷۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۲، ح ۵.

[۷۲۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۴، ح ۲۲۶۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۳، ح ۸.

[۷۲۸] (۳) الکافی، ج ۵، ص ۳۰۸، ح ۱۸، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۶۳، ح ۷۲۳ و فيه «فاعتوا» بدل «فاعبثوا» و کلاهما عن الحسين بن ثوير.

[۷۲۹] (۴) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۱، ح ۷۰ نقلًا عن کتاب الجنّة للكفعمی عن ابن مسعود.

[۷۳۰] (۵) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴.

[۷۳۱] (۱) عبارت عربی، «فاعبثوا بالزیب» است. علامه مجلسی، در این باره می گوید: «فاعبثوا»، کنایه از خوردن اندک اندک و تدریجی مویز است؛ زیرا با اندکی مویز، شدت گرسنگی، فروکش می کند. در برخی از نسخه ها نیز «فاعتوا» از مصدر «اعتناء» به معنای اهتمام و توجه آمده است. کسانی نیز این واژه را «فاعبثوا» خوانده اند که به همین معنای اخیر است (مرآة العقول، ج ۱۹، ص ۴۲۴).

[۷۳۲] (۱) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۷ عن المفضّل عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۳، ح ۹.

[۷۳۳] (۲) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۱، ح ۱۳۳ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، الأُمالی للطوسی، ص ۳۶۱، ح ۷۵۰ عن علی بن علی بن رزین عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عن النّزال بن سبرة، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۲۶۹ و ليس فيهما «على الريق»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۱، ح ۳؛ كنز العمّال، ج ۱۰، ص ۸۶، ح ۲۸۴۷۲ نقلًا عن المصنّف لعبد الرزّاق.

[۷۳۴] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۲ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱، الأُمالی للطوسی، ص ۳۶۰، ح ۷۴۹ عن علی بن علی بن رزین عن الإمام الرضا عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۲، ح ۶.

[۷۳۵] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۱ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۴، ح ۲۲۶۷ عن السکونی عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۲، ح ۷.

[۷۳۶] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۳، ح ۲۲۶۶ عن ابن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۱، ح ۴.

[۷۳۷] (۱) در الأُمالی و مکارم الأخلاق، عبارت «در حالت ناشتا» وجود ندارد.

[۷۳۸] (۱) المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۶۷۸، مسند الشاميين: ج ۱، ص ۵۰، ح ۴۶، تفسير القرطبي: ج ۲۰، ص ۱۱۰، الفردوس، ج ۴، ص ۲۶۰، ح ۶۷۶۷ کلّها عن معاذ بن جبل، كنز العمّال، ج ۹، ص ۳۲۱، ح ۲۶۲۲۸؛ مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۲۶۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۵، ح ۴۸.

[۷۳۹] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۰، ح ۱۹۰۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۲، ح ۱۵.

[۷۴۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۰، ح ۱۹۰۲ و فيه «الزرّاع» بدل «الزارع»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۱، ح ۱۵.

- [۷۴۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۰، ح ۱۹۰۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۱، ح ۱۶ و فيه «الزیت» بدل «الزیتون» فی المورد الأوّل.
- [۷۴۲] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۰، ح ۱۹۰۴ کلاهما عن إبراهيم بن عبد الحمید، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۲، ح ۱۴.
- [۷۴۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۱ عن ابن القدّاح، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۵، ح ۱۴۰۸ کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۹۰۶ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۲، ح ۱۶؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۸۵، ح ۱۸۵۱ عن عمر، مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۴۳۳، ح ۱۶۰۵۴، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۳۵۰۴، التاریخ الکبیر (کتاب الکنی)، ج ۸، ص ۶، ح ۳۱، اسد الغابۀ، ج ۶، ص ۱۱ و الأربعة الأخيرة عن أبي أسيد.
- [۷۴۴] (۴) سنن الدارمی، ج ۱، ص ۵۳۴، ح ۱۹۸۰ عن أبي اسيد الأنصاری، المصنّف لعبد الرزّاق، ج ۱۰، ص ۴۲۲، ح ۱۹۵۶۸ عن زيد بن أسلم عن أبيه و ليس فيه «كلوا الزيت فإنّه مبارك»، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۷۹، ح ۴۰۹۸۴.
- [۷۴۵] (۵) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۰۷، ح ۲۰۷۹، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲۴، ح ۷۴۴۳، المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۲۰۲، ح ۵۰۹۰ نحوه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۴، ح ۲۸۱۸۷.
- [۷۴۶] (۱) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۷، ح ۲۸۲۹۵ نقلًا عن ابن السنی عن عقبه بن عامر.
- [۷۴۷] (۲) المعجم الکبیر، ج ۱۷، ص ۲۸۱، ح ۷۷۴ عن عقبه بن عامر، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۷، ح ۲۸۲۹۶.
- [۷۴۸] (۳) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۸، ح ۲۸۲۹۹ نقلًا عن أبي نعيم فی الطبّ عن أبي هريرة.
- [۷۴۹] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۲، ح ۱۹۱۲ کلاهما عن عبد المؤمن الأنصاری عن الإمام الباقر علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۳، ح ۲۱.
- [۷۵۰] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۴ عن أبي داوود النخعی عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۹۰۷ عن أبي داوود النخعی عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۲، ح ۱۷.
- [۷۵۱] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۱۹۳۷ کلاهما عن عبد الله بن مسکان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۶، ح ۶.
- [۷۵۲] (۷) الکافی، ج ۴، ص ۳۵۹، ح ۶، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۲۶۵۷ و فيه «بالمحرم» بدل «بالرجل» و «فلیطه» بدل «فلیربطه» و کلاهما عن هشام بن سالم.
- [۷۵۳] (۱) معنای سَوِيق، در صفحه ۳۷۵ خواهد آمد.
- [۷۵۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۵، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲۴۹۳ کلاهما عن زياد بن مروان القندی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۴، ح ۲.
- [۷۵۵] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۱۴۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۸، ح ۴.
- [۷۵۶] (۱) آویسن (سَعَتَر که گاه برای جلوگیری از اشتباه شدن با شعیر، با حرف صاد نوشته می شود)، نام گیاهی است. گفته اند: انواع فراوانی دارد که از آن جمله است: دشتی، باغی، کوهی، بلندبرگ، گردبرگ، نازک برگ، و پهن برگ. بیشتر این انواع نیز شناخته شده اند.
- گیاهی است دارای طبع گرم و خشک در طبع سوم، تلطیف کننده و حلال است، بادها و نفخ را از میان می برد، غذاهاى سخت گوار را هضم می کند، رطوبت را از معده می گیرد، پیشاب و خون قاعدگی را روان می سازد، چشمان کم سو را پُرسو می کند و استفاده از

آن به صورت نوشیدن و نیز به صورت پماد، برای درد سرین، سودمند است.

[۷۵۷] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۳، ح ۱.

[۷۵۸] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۳، ح ۱.

[۷۵۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۹، ح ۴ عن أبي عزيز المرادی، الخصال، ص ۶۳، ح ۹۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۱۶۰۱ کلاهما

عن فضیل بن عثمان، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۹۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۵، ح ۳.

[۷۶۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۵، ح ۵.

[۷۶۱] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۱۴۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۵، ح ۱.

[۷۶۲] (۱) مُشکک یا مُشکک زمین، گیاهی است از تیره جگن‌ها که دارای ساقه زیرزمینی بسیار خوش‌بوی و معطر است و به طور

خودرو در مزارع می‌روید؛ شُعبه، شُعبه کوفی، طِیلاق، تِیلاق، مُشت مُشکک، قرقرون و مُشکک زیرزمین نام‌های دیگر آن هستند[

فرهنگ معین].

[۷۶۳] (۲) در منبع «فتساقطت (دندان‌هایم ریخت)» آمده است. ظاهراً مقصود، آن است که دندان‌هایش در آستانه ریختن قرار

گرفت. آنچه در برخی از دیگر چاپ‌های کتاب مکارم الأخلاق آمده نیز گواه این معناست؛ چرا که در برخی از چاپ‌ها به جای

«فتساقطت»، عبارت «فتخلخت» آمده که خود به معنای سست شدن پایه‌های یک چیز است.

[۷۶۴] (۱) طَبُّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.

[۷۶۵] (۲) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۰، ح ۲۸۲۶۱ نقلًا عن القالی فی أمالیه عن أنس.

[۷۶۶] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۱۲۴۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۷.

[۷۶۷] (۴) نثر الدرّ، ج ۱، ص ۲۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۹؛ النهایة فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۱۱۶.

[۷۶۸] (۵) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۱، ح ۱۳۲ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام،

الدعوات، ص ۱۵۱، ح ۴۰۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۸.

[۷۶۹] (۱) الخصال، ص ۱۵۷، ح ۱۹۹ عن شهاب بن عبد ربّه، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۲۲۷۹، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۱،

ح ۱۲۲۹، روضة الواعظین، ص ۳۴۰ کلاهما عن رسول الله صلى الله عليه وآله و فیهما من «كُلُّ السَّفَرِ جَل...»، بحار الأنوار، ج ۶۶،

ص ۱۶۶، ح ۲.

[۷۷۰] (۲) المعجم الكبير، ج ۱، ص ۱۱۷، ح ۲۱۹، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۱، ح ۲۸۲۶۲.

[۷۷۱] (۳) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۱۸، ح ۳۳۶۹، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۵۶، ح ۸۲۶۵، ربيع الأبرار، ج ۱، ص

۲۶۱، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۱، ح ۲۸۲۶۳.

[۷۷۲] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۲۲۷۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۱، ح ۱۶.

[۷۷۳] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۲۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۷.

[۷۷۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۲ عن السکونی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۲۲۷۱ عن النوفلی بإسناد من دون إسنادٍ إلى

الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۹، ح ۹.

[۷۷۵] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۲۲۷۲ عن سلیمان بن جعفر الجوهري، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۰، ح ۱۰؛ ربيع الأبرار، ج

۱، ص ۲۶۲ من دون إسنادٍ إلى المعصوم.

[۷۷۶] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۴، ح ۲۲۷۰ عن إبراهيم بن عبد الحميد و زياد بن مروان، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۲، ح

۱۲۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۹، ح ۸.

- [۷۷۷] (۵) طَبُّ الْأَثَمَةِ لابنِ بسطام، ص ۱۳۶ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۵، ح ۳۵.
- [۷۷۸] (۶) الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱ و فيه «و يذكي الفؤاد» بدل «و يزيد في قوة الفؤاد»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۸، ح ۶.
- [۷۷۹] (۱) در تحف العقول، به جای «بر توان دل می افزاید»، عبارت «دل را تذکیه می کند» آمده است.
- [۷۸۰] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۱۲۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۶، ح ۳۷.
- [۷۸۱] (۲) طَبُّ الْأَثَمَةِ لابنِ بسطام، ص ۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۶، ح ۳۶.
- [۷۸۲] (۳) طَبُّ الْأَثَمَةِ لابنِ بسطام، ص ۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۵، ح ۳۶.
- [۷۸۳] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۲۲۷۶ عن أبي بصير، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۰، ح ۱۴.
- [۷۸۴] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۲۲۸۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۱، ح ۱۹.
- [۷۸۵] (۲) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۰، ح ۲۸۲۵۹ نقلًا عن ابن السنی و أبي نعیم، الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۲، ح ۴۷۱۲ و ليس فيه «فإنه يذهب و غير الصدر» و كلاهما عن أنس.
- [۷۸۶] (۳) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۷۳، ح ۳۳۸ عن دارم بن قبيصة عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۲۴۴ و فيه من «قال صلى الله عليه و آله: من أكل السفرجلة...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۷، ح ۴.
- [۷۸۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۲۲۷۳، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۱۲۳۷ و فيه «وجهه» بدل «ولده»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۰، ح ۱۱.
- [۷۸۸] (۱) در مكارم الأخلاق، به جای «فرزندش»، «صورتش» آمده است.
- [۷۸۹] (۱) الدعوات، ص ۱۵۱، ح ۴۰۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۸.
- [۷۹۰] (۲) جامع الأحاديث للقمي، ص ۸۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۹ نقلًا عن كتاب الإمامة و التبصرة و راجع: مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۱۲۳۹.
- [۷۹۱] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۲۳۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۶، ح ۳۷.
- [۷۹۲] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۲۲، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۲۲۷۴ و زاد في ذيله «السفرجل يُحسن الوجه، و يجمّ الفؤاد» و كلاهما عن محمد بن مسلم، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۱۲۴۱ و فيه «... أكل سفرجلًا ليلة الجماع»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۰، ح ۱۲.
- [۷۹۳] (۵) كذا في المصدر مضمرا.
- [۷۹۴] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۲۲، ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۳۹، ح ۱۷۵۵.
- [۷۹۵] (۱) در المحاسن، در ذيل حديث، اين افزوده وجود دارد: «بِهْ، صورت را نكو می سازد و دل را آسایش و آرامش می دهد».
- در مكارم الأخلاق، آمده است: «... در شب آمیزش، يك بِهْ خورده باشد».
- [۷۹۶] (۲) در منبع نیز به همین صورت، «مضمرا (بدون ذکر نام معصوم)» آمده است.
- [۷۹۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۴، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۲، ح ۲۰۰۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۰، ح ۹.
- [۷۹۸] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۸۹، طَبُّ الْأَثَمَةِ لابنِ بسطام، ص ۵۰ و فيه «عن اسامة الشحام قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ما اختار جدنا صلوات الله عليه للحمي إلّا وزن...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۰، ح ۱۲.
- [۷۹۹] (۳) الكافي، ج ۸، ص ۲۶۵، ح ۳۸۴، طَبُّ الْأَثَمَةِ لابنِ بسطام، ص ۵۱ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۳، ح ۳۳.



- [۸۰۰] (۱) در طَبِّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَام، چنین آمده است: «از اسامه شَحَام، نقل شده که گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: جدّ ما که درودهای خدا بر او باد برای شب، جز به اندازه وزن ... برنگزید».
- [۸۰۱] (۲) مقصود، تَبی است که وقتی در یک روز عارض می‌شود، دو روز بعد از آن، برطرف می‌شود و در روز چهارم، دوباره برمی‌گردد (الصّحاح: ج ۳، ص ۱۲۱۲، ذیل «ربع»).
- [۸۰۲] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۳، ح ۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۸۶ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۰، ح ۱۳.
- [۸۰۳] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۳، ح ۷، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۲، ح ۱۱۸۵ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۸، ح ۳.
- [۸۰۴] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۸۷ عن علی بن یقظین، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۰، ح ۱۲.
- [۸۰۵] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۹۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۹، ح ۲.
- [۸۰۶] (۱) الخصال، ص ۱۴۴، ح ۱۶۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۶، ح ۲۱۵۳ کلاهما عن منصور بن یونس، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۹۰ و لیس فیهما «اللبنانی»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۸، ح ۵.
- [۸۰۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۳، ح ۴ و ص ۴۳۴، ح ۱۰ عن یاسر، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۳، ح ۲۰۰۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۷، ح ۱.
- [۸۰۸] (۳) طَبِّ الْأَثْمَةِ لابنی بسطام، ص ۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۰، ح ۱۱.
- [۸۰۹] (۱) در المحاسن و مکارم الأخلاق، واژه «لبنانی» نیامده است.
- ناگفته نماند که علامه مجلسی لبنان را کوهی در شام دانسته است (ر. ک: بحار الأنوار: ج ۶۶، ص ۱۴۷).
- [۸۱۰] (۲) [فیروزآبادی در القاموس گفته است: «شِکْر، معرّب واژه "شِکْر" پارسی است و اسم واحد آن را سُکْره گویند. خرماي خوب یا انگوری را که آبی بدان هست و در نتیجه فرو می‌پاشد که خود، از بهترین انواع شکرینه است نیز شکر گویند».
- در المصباح هم آمده است: «شِکْر، چیزی شناخته شده است. برخی گفته‌اند: نخستین بار، شِکْر در طبرزد، ساخته شد و از همین روی، شکر طبرزدی گفته می‌شود».
- صاحب المصباح، همچنین افزوده است: «طبرزد (بر وزن سِیْفَرَجَل) واژه‌ای معرّب است و سه تلفّظ دارد: به حرف دال (طبرزد)، به حرف نون (طبرزن) و به حرف لام (طبرزل). از هری، تلفّظ نون و لام را روایت کرده؛ اما تلفّظ به دال را روایت نکرده است».
- ابن جوایقی گفته است: «اصل پارسی این واژه، تبرزد بوده است، یعنی آنچه از اطراف، با تبر، تراشیده شده است. بنا بر این، طبرزد، صفتی است که در اعراب، از واژه «سُکْر» تبعیت می‌کند. برخی از عالمان هم گفته‌اند: طبرزد، همان سُکْر بلوچ است».
- در بحر الجواهر نیز آمده است: «ابلوچ به معنای شکر سفید است».
- ابن بیطار نیز گفته است: «طبرزد، معرّب است، به معنای چیزی سخت، نه سست و نرم».
- او همچنین افزوده است: «نمک طبرزد، نمکی است سخت که دارای شفافیت نیست».
- [علامه مجلسی در ادامه می‌گوید: می‌گویم: «از برخی از سخنان عالمان، چنین برمی‌آید که مقصود از طبرزد، همان چیزی است که به نبات، نامور شده است؛ اما از بیشتر سخنان عالمان، این گونه به دست می‌آید که مقصود، همان قند است».
- بغدادی نیز در الجامع خویش گفته است: «شکر در اوایل، خشک، و در نخست، مرطوب است. ممکن است تلخه را تصفیه کند. گونه‌های مختلفی از آن، ساخته می‌شود که روشن‌ترین، شفاف‌ترین و پاکیزه‌ترین آنها را در اصطلاح، نبات گویند. نوع پایین‌تر را که تیره‌رنگ، خشن‌تر و پاکیزه، اما غیر شفاف است، ابلوچ گویند. نوع پایین‌تر را که شیره باشد، قلم نامند؛ زیرا به صورت رشته‌های دراز به مانند انگشت، ساخته می‌شود.
- نبات، کمترین حرارت را می‌طلبد، پس از آن، ابلوچ، پس از آن، قلم، و پس از آن، شیره پخته.

- لطیف‌ترین انواع شکر نیز همان نبات است، در درجه بعد، ابلوج، و فروتر از آن، قلمی که سفیدی کمتری داشته باشد. نوع سخت همین ابلوج را طبرزد می‌نامند.
- [۸۱۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۲۱۴۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۱۳۲۹ و فیه» و أخذوه» بدل «أدیموا أكله»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۰، ح ۳.
- [۸۱۲] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۲ و ح ۳ عن علی بن حمزة و فیه «... بأكل السلجم»، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۲۱۴۳ عن زیاد بن بلال، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۰۵ عن الإمام الباقر علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۱، ح ۴.
- [۸۱۳] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۲۱۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۰، ح ۱.
- [۸۱۴] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۲۱۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۰، ح ۱.
- [۸۱۵] (۱) در الکافی، پایان حدیث، چنین است: «... با خوردن شلغم بسوزانید».
- [۸۱۶] (۱) زاد فی طب الأئمة: «قال: نینا أو مطبوخا؟ قال: كلاهما».
- [۸۱۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۱، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۰۵ كلاهما عن علی بن المسیب، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۳، ح ۱۱.
- [۸۱۸] (۱) طب الاثمه عليهم السلام (ص ۱۰۵) با این افزوده در پایان حدیث: پرسید: خام یا پخته؟ فرمود: هر دو. علامه مجلسی، در شرح این حدیث، چنین آورده است: گویا رنگ جذام، کنایه از سوداست؛ چرا که با غلبه سودا، جذام پیش می‌آید. اما طبع شلغم، از آن روی که در حالت دوم (پخته)، خشک است و در حالت نخست (خام)، مرطوب است، با طبع سودا مخالفت دارد و بدین ترتیب، مانع طغیان سودا می‌شود (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۱).
- [۸۱۹] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۹.
- [۸۲۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۲۱۰۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۶، ح ۲.
- [۸۲۱] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۷ عن الإمام الرضا علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۱۱.
- [۸۲۲] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۴ عن محمد بن عیسی، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۶ و لیس فیه ذیله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۱۰.
- [۸۲۳] (۱) علامه مجلسی در شرح این حدیث می‌نویسد: مقصود از «قلع عروق (بیرون کشیدن رگ‌ها)» که در این حدیث آمده، بیرون کشیدن رگ از میان گوشت است، چنان که یهودیان، اکنون نیز این کار را انجام می‌دهند. در برخی از روایت‌های ما هم نهی از خوردن رگ آمده است (بحار الأنوار: ج ۶۲ ص ۲۱۱).
- [۸۲۴] (۲) برسام، التهابی است که در پرده میان کبد و قلب، عارض می‌شود. فارسی مرکب است، به معنای التهاب سینه و بیماری سینه است. مورث هذیان. معرب از برسام فارسی است؛ زیرا «بر» به معنای سینه است و سام، به معنای بیماری، چنانچه برسام، بیماری سر است. و آن را به اصطلاح طب، ذات الجنب گویند (لغت‌نامه دهخدا).
- [۸۲۵] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۲۱۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۷.
- [۸۲۶] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۲۱۰۹، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۶.
- [۸۲۷] (۳) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۸۵.
- [۸۲۸] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۱، ح ۳۶۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۷ و ص ۸۹، ح ۷.

- [۸۲۹] (۲) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۸۶ ح ۲۸۴۷۲ نقلًا عن ابن السنی و أبی نعیم معا فی الطب.
- [۸۳۰] (۳) الكافی، ج ۶، ص ۳۳۵، ح ۱ عن السكونی عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۹، ح ۱۹۸۷ عن السكونی عن الإمام الصادق عن أبیه عنه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۸ ح ۴.
- [۸۳۱] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۹، ح ۱۹۸۸ عن أبی حفص الأبار عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۸ ح ۵.
- [۸۳۲] (۱) فی بحار الأنوار: «ولا يظهر به وجع البواسیر».
- [۸۳۳] (۲) الهیرون کزیتون: ضربت من التمر، جید (تاج العروس، ج ۱۸، ص ۵۸۷).
- [۸۳۴] (۳) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴ نحوه.
- [۸۳۵] (۴) الكافی، ج ۶، ص ۳۳۵، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۸، ح ۱۹۸۵ كلاهما عن أبی حفص الأبار، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۸ ح ۲.
- [۸۳۶] (۵) الدعوات، ص ۱۵۲، ح ۴۰۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۸ ح ۶.
- [۸۳۷] (۶) الكافی، ج ۶، ص ۳۳۵، ح ۴ عن حمّاد بن عثمان.
- [۸۳۸] (۷) الكافی، ج ۶، ص ۳۳۵، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۸، ح ۱۹۸۶ كلاهما عن حمّاد بن عثمان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۸ ح ۳.
- [۸۳۹] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۸۴۰] (۱) هیرون (بر وزن زیتون)، نوعی خرماى مرغوب است (تاج العروس: ج ۱۸ ص ۵۸۷). در بحار الأنوار، به جای این واژه، «برنی» آمده که آن نیز نوعی مرغوب از خرماست.
- [۸۴۱] (۱) قرب الإسناد، ص ۱۱۰، ح ۳۷۹ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبیه علیهما السلام عن جابر بن عبد الله.
- [۸۴۲] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۵۴۳، السرائر، ج ۳، ص ۱۴۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۱۳۸۶ و لیس فی صدره، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۹، ح ۴ و ص ۲۷۴.
- [۸۴۳] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۱۳۸۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۸، ح ۳.
- [۸۴۴] (۱) سیا: سینا را گویند و آن، دارویی است که در مُسهلات به کار برند. اسم فارسی سناسن و گفته‌اند عصاره آن است، و گفته‌اند عصاره نبات دیگر است (لغت‌نامه دهخدا).
- سنا، چوبی باشد که بیدان، مسواک کنند. گیاهی است مُسهل و بهترین آن، مکی است. گیاهی است از تیره پروانه‌داران که دارای چند گونه است و از گیاهان بومی نواحی گرم سودان و آسیای صغیر و عربستان و جنوب ایران می‌باشد. برگ‌هایش متناوب و مرکب، بدون برگچه انتهایی است. گل‌هایش زردرنگ و میوه‌اش نیاک و محتوی چند دانه است (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا).
- [۸۴۵] (۲) در متن، چنین آمده است؛ اما محدث نوری، معتقد است شاید چنان که در النهایة ابن اثیر و در حدیث ام سلمه آمده، این واژه «جار» باشد (مستدرک الوسائل: ج ۱۶ ص ۴۶۰). در چنین صورتی، معنا، «جریان‌یابنده» خواهد بود.
- اما علامه مجلسی، به نقل از الفائق، این واژه را «یار» و از نوع توابع لفظی دانسته است که معنایی جز تأکید همان واژه پیشین ندارد. همین گونه است در مستدرک سفینه البحار (ج ۵ ص ۳۳۷).
- [۸۴۶] (۱) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۸، ح ۱۳.
- [۸۴۷] (۲) الكافی، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۱۹۳۶ كلاهما عن بكر بن محمد الأزدي، دعائم الإسلام، ج

۲، ص ۱۵۰، ح ۵۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۶، ح ۵.

[۸۴۸] (۱). سویق: به آن در فارسی قدیم، «پست» گفته می‌شد. امروزه به آن «قاووت» یا «پوره» می‌گویند. گفتنی است که لغت‌نامه دهخدا لفظ «قاووت» را ترکی می‌داند که غالباً به معنای آرد حبوبات بریان‌شده است؛ لیکن این واژه، گاه در مورد غیر حبوبات (مانند برخی میوه‌ها یا تره‌بار) نیز کاربرد دارد.

علم‌نامه مجلسی می‌گوید: از [گفته کلینی چنین برمی‌آید که «سویق»، در صورتی که در روایات، همراه با قیدی مانند جو] نباشد، به معنای «سویق گندم» است؛ چراکه می‌گوید: «باب انواع سویق‌ها و برتری سویق گندم» و سپس در ذیل این عنوان، حدیث‌هایی را می‌آورد که در آنها واژه «سویق»، بدون صفت یا مضاف الیه، آمده است.

شهید در الدروس گفته است: «درباره سویق و سود آن، روایت‌های فراوانی رسیده و کلینی، سویق را به معنای سویق گندم، دانسته است». مؤلف بحر الجواهر گفته است: «از هفت چیز، سویق می‌سازند: گندم، جو، کنار، سیب، کدو، دانه انار و شلغم. همه این انواع، طبع را مهار می‌کند، قی و دلشوره‌ای را که از صفرا زاده می‌شود، از میان می‌برد، رطوبت معده را خشک می‌کند، و اگر قدری سویق جو با آب و مقدار اندکی شیر برداشته و خشخاش بوداده ساییده با آن مخلوط شود، برای شکم‌روی، سودمند است، نیش‌زدگی‌ها را تسکین می‌دهد و خواب می‌آورد».

ابن بیطار، به نقل از رازی گفته است: «هر سویقی با چیزی که از آن ساخته می‌شود، تناسب دارد. برای نمونه، سویق جو، از سویق گندم، سردتر است، به همان اندازه که خود جو، طبعی سردتر از گندم دارد. این سویق، همچنین نفخ بیشتری پدید می‌آورد. از میان همه سویق‌ها، استفاده از سویق گندم و سویق جو، بیشتر است و این هر دو، نفخ آور و موجب کندتر شدن حرکت غذا از معده به پایین‌اند. البته، اگر این دو نوع سویق، کاملاً با آب جوشانده و سپس از پارچه‌ای درشت‌باف گذرانده شوند و بدین ترتیب، آب آنها جدا شود و به صورت لقمه‌هایی فشرده در آیند و سپس همراه با آب سرد و شکر، نوشیده شوند، از نفخ آنها کاسته می‌گردد و چنانچه در تابستان در اوّل صبح، مصرف شوند، برای اشخاص حرارتی و برافروخته مزاج، سودمند خواهند بود و مانع تب‌ها و بیماری‌های ناشی از گرم مزاجی می‌شوند و همین، از بالا-ترین منافع آن است. کسی که این نوع سویق را بخورد، در آن روز نباید میوه تر، خیار و سبزی بخورد، یا دست‌کم نباید از این چیزها زیاد بخورد؛ اما سرمادیدگان و کسانی که به نفخ‌هایی در شکم یا دردهایی مزمن در پشت و مفاصل مبتلا- هستند و همچنین پیران و کسانی که مزاجی کاملاً- سرد دارند، نباید از این سویق هیچ بخورند. اگر هم به خوردن آن ناچارند، آن را پس از چند بار شستن در آب گرم و همراه با پانید و عسل، پس از درآمیختگی با زیتون و روغن وندانه و همچنین روغن گردو، با طبع خود مناسب سازند.

هر چند سویق جو از سویق گندم، سردتر است، امّا از آن روی که گندم نسبت به جو آب بیشتری مصرف می‌کند، سویق گندم سردکنندگی بیشتری برای بدن دارد و بویژه رطوبت‌بخشی آن به طبع انسان، بیشتر است. به همین دلیل، برای کسانی که به رطوبت‌بخشی به بدن نیاز دارند، سودمندی بیشتری دارد. برعکس، سویق جو، برای کسانی که به خشک کردن طبع نیاز دارند، مناسب‌تر است. چنین کسانی، معمولاً دارای بدن‌هایی سست، پر گوشت و پر خون هستند، درحالی که گروه نخست، بدن‌هایی تکیده، کم گوشت و زردرنگ دارند.

از این دو نوع سویق که بگذریم، دیگر انواع سویق، به عنوان غذا مصرف نمی‌شوند و [تنها] مصرف دارویی دارند، آن گونه که سویق کنار، سویق سیب و انار ترش، برای مهار کردن شکم و حرارت دادن بیشتر به آن، به کار می‌روند، یا از سویق خرنوب و سنجد، برای مهار کردن طبع، استفاده می‌شود (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۸۳).

[۸۴۹] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۱۹۴۱ عن عیثمۃ امّ ولد عبد السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۹، ح ۱۴۲۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۷، ح ۱۰.

- [۸۵۰] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۱۹۴۰، قرب الإسناد، ص ۱۴، ح ۴۴ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۷، ح ۹.
- [۸۵۱] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۱۲ عن خيثمة، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۱۹۴۱ عن عيثة أم ولد عبد السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۹، ح ۱۴۲۲ وفيه «كعبه» بدل «كتفاه»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۷، ح ۱۰.
- [۸۵۲] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۱۹۳۷ كلاهما عن عبد الله بن مسكان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۶، ح ۶.
- [۸۵۳] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۱۹۴۷ عن حماد بن عثمان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۰، ح ۲۰ و راجع الأمالي للطوسي، ص ۳۶۶، ح ۷۷۵.
- [۸۵۴] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۱۱ عن يحيى بن مساور، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۱۹۴۴ عن صفوان بن يحيى و ليس فيه «من المعدة»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۹، ح ۱۸.
- [۸۵۵] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۷ عن يحيى بن مساور.
- [۸۵۶] (۶) الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۶۰، ح ۳، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۴۸، ح ۴۷.
- [۸۵۷] (۱) كذا في المصدر، و القياس: «شبعان».
- [۸۵۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۱ عن سليمان الجعفری، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۰، ح ۱۹۵۱ عن محمد بن عمرو، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۰، ح ۲۳.
- [۸۵۹] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۱۴، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۹، ح ۱۴۲۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۱، ح ۲۶.
- [۸۶۰] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۱۴۲۷ وفيه «الحرارة» بدل «الصفراء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۲، ح ۲۷.
- [۸۶۱] (۲) السرائر، ج ۳، ص ۱۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۴.
- [۸۶۲] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۵۳۶.
- [۸۶۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۷.
- [۸۶۴] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۶.
- [۸۶۵] (۳) في بحار الأنوار و المحاسن، «الرعاف».
- [۸۶۶] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۹، ح ۲۲۹۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۵، ح ۱۲۵۰ و فيهما «أبي عبد الله» بدل «أبي الحسن»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۳، ح ۲۷.
- [۸۶۷] (۵) كذا في المصدر مضمرا.
- [۸۶۸] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۸، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۰، ح ۱۴۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۱، ح ۲۵.
- [۸۶۹] (۱) در این روایت، کلمه «سویق» وجود ندارد؛ اما به قرینه روایت قبلی، ممکن است این کلمه از آن، افتاده باشد. نیز شاید هم سیب و هم سویق سیب، برای خون دماغ، نافع باشند و شاید برای برخی مزاجها سیب، و برای برخی سویق آن، نافع باشد. به هر حال، آنچه می تواند به این سؤالها پاسخ دهد، بررسی علمی و آزمایشگاهی است.
- [۸۷۰] (۲) در منبع، روایت به همین صورت، «مضمرا (بدون ذکر نام راوی)» آمده است.
- [۸۷۱] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۱۹۴۲ كلاهما عن قتيبة الأعشى، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۸، ح ۱۱.
- [۸۷۲] (۲) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۶۷ عن أبي يعفور، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۸، ح ۱۲.

- [۸۷۳] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۸، ح ۱۲.
- [۸۷۴] (۱) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۸۶، ح ۲۸۴۷۲ نقلًا عن المصنّف لعبد الرزّاق عن النّزال بن سبرة.
- [۸۷۵] (۲) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۴۱، ح ۱۳۰، عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۴۴، ح ۱۵۱ كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۱۱۰۵، عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، الدعوات، ص ۱۵۳، ح ۴۱۵ وفيه «مضغّه» بدل «بضعه»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۸، ح ۸.
- [۸۷۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۵، عن محمد بن سوقة، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۴، ح ۱۱۱۲، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۱، ح ۴۲۳۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۸۰۱ كلاهما عن موسى بن بكر عن الإمام الكاظم وفيهما «من أدخل جوفه» بدل «من أكل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۶، ح ۳۹.
- [۸۷۷] (۴) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۶، ح ۱۱.
- [۸۷۸] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۸۰۴، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۱۱۱۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۶، ح ۴۰.
- [۸۷۹] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۸۰۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۶، ح ۴۰.
- [۸۸۰] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۱، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۵، ح ۲۰۱۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۳، ح ۴ وراجع: طب الأئمة لابني بسطام، ص ۹۹.
- [۸۸۱] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۴، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۱، ح ۴۲۳۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۸۰۱ كلاهما عن موسى بن بكر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۶، ح ۳۸.
- [۸۸۲] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۲، ح ۳۷۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۹، ح ۹.
- [۸۸۳] (۲) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۴۱، ح ۱۳۶، عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۴۴، ح ۱۵۰ كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، الدعوات، ص ۱۴۸، ح ۳۹۲، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۵۴، ح ۴۸؛ تفسير القرطبي، ج ۱، ص ۴۲۷.
- [۸۸۴] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۲۰۱۹، عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۸، ح ۵.
- [۸۸۵] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۶، ح ۲۰۱۸، عن عبد الرحمن بن زيد بن أسلم التبوكي، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۱۳۸۳، عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۸، ح ۴.
- [۸۸۶] (۱) المعجم الكبير، ج ۲، ص ۶۳، ح ۱۵۲، مسند الشاميين، ج ۱، ص ۲۶۴، ح ۴۵۷ كلاهما عن واثله، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۴، ح ۲۸۲۷۵.
- [۸۸۷] (۲) الفردوس، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۳۶۴۳، عن أبي هريرة؛ مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۱۳۸۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۹، ح ۸.
- [۸۸۸] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۳، ح ۱، عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۶، ح ۲۰۱۷، عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام وفيه «يسرع» بدل «يكثر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۸، ح ۳.
- [۸۸۹] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۳، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۶، ح ۲۰۱۶، و زاد في آخره «وقد بارك عليه سبعون نبيا» وكلاهما عن عبد الرحمن بن زيد، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۸، ح ۲.
- [۸۹۰] (۱) در المحاسن، با این افزوده در پایان حدیث آمده: «و هفتاد پیامبر، آن را تحسین کرده اند».
- [۸۹۱] (۱) النحل: ۶۸ و ۶۹.
- [۸۹۲] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۵۲۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۴، ح ۱۹.

[۸۹۳] (۳) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۴۲، ح ۳۴۵۲، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲۲، ح ۷۴۳۵، السنن الکبری، ج ۹، ص ۵۷۹، ح ۱۹۵۶۵، الفردوس، ج ۳، ص ۲۵، ح ۴۰۵۱ کلها عن عبد الله بن مسعود، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۸، ح ۲۸۱۰۲؛ مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۷، ح ۱۱۶۲ عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۲.

[۸۹۴] (۱) نحل: آیه ۶۸ و ۶۹.

[۸۹۵] (۱) کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۴، ح ۲۸۲۷۹ نقلًا عن أبي الشيخ و أبي نعيم في الطب عن أبي هريرة.

[۸۹۶] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۹، ح ۱۱۷۳ عن الإمام الرضا علیه السلام، الدعوات، ص ۱۵۱، ح ۴۰۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۴، ح ۱۸.

[۸۹۷] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۱۹۹۱ عن إسماعيل بن جعفر عن أبيه، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۵۲۶ عن الإمام الصادق علیه السلام وفيه «قال الله عز وجل: فيه شفاء للناس»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۱، ح ۶.

[۸۹۸] (۴) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۵۲۶، الكافي، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۵، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۱، ح ۴۲۳۵ كلاهما عن موسى بن بكر عن الإمام الكاظم علیه السلام وليس فيهما «شرب»، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۱۹۹۳ عن ابن سنان و أبي البختری عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۲، ح ۸.

[۸۹۹] (۵) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۹، ح ۱۱۷۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۴، ح ۱۸.

[۹۰۰] (۶) النحل: ۶۹.

[۹۰۱] (۷) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۹، ح ۱۹۸۹ كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق علیه السلام، الخصال، ص ۶۲۳، ح ۲ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۷، ح ۱۱۶۳ عن الإمام الصادق علیه السلام وليس فيه من «و هو مع قراءة القرآن...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۱، ح ۴.

[۹۰۲] (۸) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۱۹۹۴ كلاهما عن محمد بن سوقه، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۱۶۵ وفيه «لحق العسل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۲.

[۹۰۳] (۱) در الكافي و كتاب من لا يحضره الفقيه، از امام كاظم علیه السلام و با این تفاوت كه در آنها، واژه «خوردن» نیامده است.

[۹۰۴] (۲) در مکارم الأخلاق، از امام صادق علیه السلام و با این تفاوت كه، ذیل حدیث، نیامده است.

[۹۰۵] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۱۹۹۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۲، ح ۷.

[۹۰۶] (۲) کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۰، ح ۲۸۱۶۸ نقلًا عن أبي نعيم في الطب عن عائشة.

[۹۰۷] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۱۶۸، طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۵؛ الفردوس، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۶۷۸۰ عن عائشة و فيه «بوحر» بدل «برد».

[۹۰۸] (۴) جامع الأحادیث للقمی، ص ۱۰۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۴، ح ۱۹ نقلًا عن الإمامة و التبصرة عن إسماعيل بن موسى بن جعفر عن أبيه عن آبائه عليهم السلام عنه صلی الله علیه و آله.

[۹۰۹] (۵) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵، ح ۸۳ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۹، ح ۱۱۷۰، الدعوات، ص ۱۵۱، ح ۴۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۳.

[۹۱۰] (۶) المصنّف لعبد الرزّاق، ج ۱۱، ص ۳۰، ح ۱۹۸۱۹.

[۹۱۱] (۷) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۵۷، ح ۵۳۷۵، مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۱۰۹، ح ۱۴۷۰۷، السنن الکبری، ج ۹، ص ۵۷۳، ح ۱۹۵۴۲ کلها عن جابر، المصنّف لابن أبي شیبة، ج ۵، ص ۴۶۰، ح ۸ عن يزيد بن أبي حبيب عن رجل من الأنصار و کلها نحوه،

کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۱، ح ۲۸۱۷۲.

- [۹۱۲] (۱) در الفردوس، به جای «سردی سینه را از میان می برد»، عبارت «کینه و حالت دل چرکینی را از میان می برد» آمده است.
- [۹۱۳] (۱) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۵۱، ح ۵۳۵۶ عن ابن عباس، تاریخ دمشق، ج ۵۹، ص ۱۶، ح ۱۲۲۲۱ عن معاویة بن حُدیج و فی صدره «إن كان فی شیء شفاء...» و فی ذیله «و ما احبَّ أن أکتوی»، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۱، ح ۲۸۱۷۱؛ عوالی اللالی، ج ۱، ص ۱۷۵، ح ۲۱۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۳۵ نقلًا عن الخطابی فی کتاب أعلام الحدیث.
- [۹۱۴] (۲) فی المصدر «خیر» و الصحیح ما أثبتناه.
- [۹۱۵] (۳) المعجم الأوسط، ج ۸، ص ۵۳، ح ۷۹۴۴.
- [۹۱۶] (۴) تاریخ دمشق، ج ۲۶، ص ۹۸، الإصابه، ج ۳، ص ۴۸۵ و لیس فی «و شفاء»، اسد الغابه، ج ۳، ص ۱۳۸ نحوه، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۸۷، ح ۲۸۴۷۵.
- [۹۱۷] (۵) تاریخ دمشق، ج ۲۶، ص ۹۹، ح ۵۵۰۶، اسد الغابه، ج ۶، ص ۳۶۲، الإصابه، ج ۵، ص ۱۳۳ نحوه و لیس فی «و قال: تداوی بها»، کنز العمال، ج ۵، ص ۸۲۲، ح ۱۴۴۸۳.
- [۹۱۸] (۶) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۵۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۸، ح ۳۵.
- [۹۱۹] (۱) ورم کلان مدور. آبله بزرگ و سیاه که برآید. نزد پزشکان، هر ورم عارضی را اگر در اندرون آن، موضعی باشد که ماده در آن جمع شود ذبيله گویند (لغت نامه دهخدا).
- [۹۲۰] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۳، ح ۱۹۶۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۱۶۴ و فی «الحلب بالعسل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۲.
- [۹۲۱] (۲) الکافی، ج ۸، ص ۱۹۴، ح ۲۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۳، ح ۸.
- [۹۲۲] (۳) الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۴۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۳، ح ۱۶.
- [۹۲۳] (۴) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴.
- [۹۲۴] (۵) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۵۱ عن أبی جعفر، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۰، ح ۲۳.
- [۹۲۵] (۱) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۵۱ عن أبی جعفر، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۰، ح ۲۴.
- [۹۲۶] (۱) معنای آن در ص ۳۵۵ گذشت.
- [۹۲۷] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۳، ح ۲۲۶۴ و لیس فی «من فأوحى الله» إلى «أتوب إليك» و كلاهما عن موسى بن العلاء، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۹، ح ۱۱.
- [۹۲۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۲، ح ۲۲۶۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۲۵۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۹، ح ۹.
- [۹۲۹] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۲۵۵، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۳، ح ۲۲۶۳ عن فرات بن أحنف و لیس فی «الأسود»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۹، ح ۱۰.
- [۹۳۰] (۱) در المحاسن، بخشی از وسط حدیث، نیامده است.
- [۹۳۱] (۲) در المحاسن، واژه «سیاه» نیامده است.
- [۹۳۲] (۱) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵، ح ۸۲ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۱۲۶۰، الدعوات، ص ۱۴۸، ح ۳۸۸، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۲، ح ۲۲۶۱ عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق علیه السلام و فی صدره «إذا أكلتم العنب فكلوه...»، طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۸ و لیس فی «و أمراً»، بحار



الأُنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۳، ح ۱۵؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۴۷۱۵ عن الإمام علیّ علیه السلام.

[۹۳۳] (۲) فی بحار الأُنوار: «حتّی نری رواله» و هو المناسب للسیاق.

[۹۳۴] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۷۲، ح ۹۹، بحار الأُنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۹، ح ۱۰.

[۹۳۵] (۴) الکافی، ج ۱، ص ۴۷۶، ح ۱ و ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۶ عن عیسی بن عبد الرحمن عن أبیه عن جدّه و لیس فیّه «و کان أبو

عبد الله علیه السلام قائماً عنده»، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲۰، بحار الأُنوار، ج ۶۶، ص ۱۱۹، ح ۹ نقلًا عن المحاسن.

[۹۳۶] (۱) در المحاسن از امام صادق علیه السلام و با این تفاوت که در آغاز حدیث، چنین آمده است: «اگر خواستید انگور بخورید...».

[۹۳۷] (۱) طَبّ النَّبِیِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله، ص ۹، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۲۷۳ عن الإمام علیّ علیه السلام، بحار الأُنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۲، ح ۱.

[۹۳۸] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۲۷۴، بحار الأُنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۲، ح ۲.

[۹۳۹] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۲۷۵، بحار الأُنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۲، ح ۳.

[۹۴۰] (۱) عُنَّاب، درختی است مشهور، و چنان که ادعا کرده‌اند، برگ آن برای چشم‌دردهای گرم، سودمند است و میوه‌اش نیز رطوبت را از خون می‌گیرد. حتّی گفته‌اند که دست زدن به عُنَّاب نیز همین اثر را دارد. از همین روی، هرگاه بخواهند آن را از شهری به شهر دیگر ببرند، هر روز، آن را بر پشت یک مَرکَب می‌نهند تا یک مرکب، به تنهایی آن را حمل نکند و خوش خشک نشود.

جالینوس، درباره آن گفته است:

خون را خشک نمی‌کند. تنها بر غلظت آن می‌افزاید.

ابن بیطار، به نقل از مسیح علیه السلام آورده است:

گرم و مرطوب و در میانه درجه نخست است و در آن، حرارت، بیش از رطوبت است. چون خود عُنَّاب یا آبش خورده شود، خلطی خوب می‌آورد. این میوه، همچنین، تندی و سوزندگی خون را تسکین می‌دهد و برای سرفه، نَفَس‌تنگی، درد کلیه و مثانه و درد سینه، سودمند است. نوع برگزیده آن، عُنَّابی است که هسته‌اش نیز بزرگ باشد. اگر پیش از غذا خورده شود، مناسب‌تر است.

[۹۴۱] (۱) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۳، ح ۱۵۲ عن أحمد بن عامر الطائی، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص

۲۵۲، ح ۱۷۵، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۲۷۶ کلّها عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، الدعوات، ص ۱۵۷، ح ۴۳۱،

بحار الأُنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۸، ح ۱.

[۹۴۲] (۲) فی مکارم الأخلاق و الوافی: «التقطیر» بدل «التقتیر». و التقطیر: أن لا یستمسک بوله (الوافی، ج ۱۹، ص ۴۱۱).

[۹۴۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۲۷۷ کلاهما عن ابن بکیر، بحار الأُنوار، ج ۶۶، ص

۱۸۸، ح ۲.

[۹۴۴] (۱) در مکارم الأخلاق و الوافی به جای «تقتیر (تضییق)»، «تقطیر (قطره قطره آمدن بی اراده ادرار)»، آمده است و ما این را برگزیدیم.

[۹۴۵] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۲۱۳۶ کلاهما عن درست بن أبی منصور، الأمالی للطوسی،

ص ۳۶۲، ح ۷۵۸ عن النّزال بن سبره عن الإمام علیّ علیه السلام و فیّه «یهضم الطعام» بدل «لَبه یهضم»، بحار الأُنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۰،

ح ۲.

[۹۴۶] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۱، الخصال، ص ۱۴۴، ح ۱۶۸، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۲۱۳۵، مکارم الأخلاق، ج ۱،

ص ۳۹۳، ح ۱۳۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۰، ح ۱.

[۹۴۷] (۱) علّامه مجلسی در شرح عبارت «و لُبّه يُسَرِّبِلُ البول؛ قسمت میان‌اش پیشاب را به جریان می‌اندازد»، چنین می‌گوید: سَرْبَلُهُ، یعنی شلوار بر او پوشاند. این معنا با این جا سازگار نیست، مگر با مجاز گویی و تکلفی بسیار دور. در برخی از نسخه‌های الکافی، به جای این واژه، «یسَهِّل: آسان می‌کند» و در برخی «یسیل: روان می‌کند» آمده که این دو واژه، درست‌ترند (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۰).

[۹۴۸] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۴ عن حمّاد بن زکریّا، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۴ و لیس فیهِ «فهی المکیسه» و کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۴، ح ۳.

[۹۴۹] (۲) الرّمضاء: الأرض الشدیدة الحرارة (القاموس المحيط، ج ۲، ص ۳۳۲).

[۹۵۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۳ و لیس فیهِ «و یقول...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۴، ح ۱.

[۹۵۱] (۴) الدعوات، ص ۱۵۵، ح ۴۲۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۵، ح ۵.

[۹۵۲] (۱) خُرفه: نام گیاهی است و آن را به پارسی، پَرِبَهَن گویند و معرّب آن، فَرَفَخ است و آن در عربی به «البقله الحّمقاء» سبزه کودن» معروف است. (لغت‌نامه دهخدا).

[۹۵۳] (۲) در المحاسن، جمله آخر حدیث، وجود ندارد.

[۹۵۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۵ کلاهما عن فرات بن أحنف، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۵، ح ۴.

[۹۵۵] (۱) كنز العَمّال، ج ۱۰، ص ۴۵، ح ۲۸۲۸۱ نقلًا عن ابن السنی و أبی نعیم عن أبی هریره.

[۹۵۶] (۲) الفردوس، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱۰۶۹ عن وابصه.

[۹۵۷] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۲۳۱۷ کلاهما عن عبد الله بن سنان، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۱۳۶۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۲، ح ۱.

[۹۵۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۲۳۱۸، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۱۳۶۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۲، ح ۲.

[۹۵۹] (۲) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۰۷۳، ح ۵۱۲۴، المصنّف لابن أبی شیبّه، ج ۵، ص ۵۷۰، ح ۴، مسند الحمیدی، ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۵۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۳ و فیهِ «روی العائمة فی صحاحهم أنّ النبیّ صلی الله علیه و آله...».

[۹۶۰] (۱) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶، ح ۸۶ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۴۵، ح ۱۵۴ عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام، الدعوات، ص ۱۴۸، ح ۳۹۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۵، ح ۳؛ المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۶۳، ح ۱۵۲، مسند الشامیین، ج ۱، ص ۲۶۴، ح ۴۵۷ کلاهما عن وائله، كنز العَمّال، ج ۱۰، ص ۴۴، ح ۲۸۲۷۵.

[۹۶۱] (۲) شُعب الإيمان، ج ۵، ص ۱۰۲، ح ۵۹۴۷ عن عطاء، كنز العَمّال، ج ۱۰، ص ۴۴، ح ۲۸۲۷۶.

[۹۶۲] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۳۷۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۹، ح ۱۸.

[۹۶۳] (۴) الدعوات، ص ۱۵۴، ح ۴۱۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۹، ح ۱۷.

[۹۶۴] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۸، ح ۲۱۱۷ عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۷، ح ۱۰.

- [۹۶۵] (۶) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۳، ح ۱۲۸۳ عن الإمام الحسين عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۸، ح ۱۶؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۴، ح ۴۷۱۹ عن الإمام الحسن عليه السلام، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۸۰، ح ۴۰۹۹۰.
- [۹۶۶] (۱) كنز العمال، ج ۱۵، ص ۴۵۵، ح ۴۱۸۰۸ نقلًا عن الديلمي.
- [۹۶۷] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۹، ح ۲۱۲۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۸، ح ۱۴.
- [۹۶۸] (۳) في المصدر: «يسل»، و التصويب من بحار الأنوار و المصادر الاخرى.
- [۹۶۹] (۴) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۶، ح ۸۵ عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۰۸، ح ۶۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۳، ح ۱۲۸۵ كَلَّمَا عَنْ الْإِمَامِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، الدعوات، ص ۱۴۸، ح ۳۹۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۵، ح ۲.
- [۹۷۰] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۹۷۱] (۵) الخصال، ص ۶۳۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۵، ح ۱.
- [۹۷۲] (۶) طَبُّ الْأَثَمَةِ لِابْنِ بَسْطَامٍ، ص ۱۳۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۸، ح ۱۵.
- [۹۷۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۱۸۲۲، رجال الكشي، ج ۲، ص ۷۳۷، ح ۸۲۶ و في أوله «أرسل إليّ أبو الحسن عليه السلام فأتيته فقال لي...»، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۴، ح ۱۱۵۶ عن يونس بن بكر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۷، ح ۱.
- [۹۷۴] (۱) در رجال الكشي، در آغاز حدیث، این عبارت آمده است: «امام كاظم عليه السلام در پی من فرستاد. من نزد او رفتم. به من فرمود...».
- [۹۷۵] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۱۸۲۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۸، ح ۲.
- [۹۷۶] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۴ عن حسين بن حنظلة، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۱۸۲۴ عن محمد بن سوقة عن الإمام الصادق عليه السلام و ليس فيه «أكل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۸، ح ۳.
- [۹۷۷] (۱) در المحاسن، واژه «خوردن» نیامده است.
- [۹۷۸] (۱) الفردوس، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۴۴۰ عن الإمام علي عليه السلام.
- [۹۷۹] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۲۰۶۹، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۱۳۰۵ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۳، ح ۱۵.
- [۹۸۰] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۴، الخصال، ص ۲۴۹، ح ۱۱۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۵، ح ۲۰۵۸ و فيه «يقمع» بدل «يقطع»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۰، ح ۱.
- [۹۸۱] (۱) علماء مجلسی می گویند: در القانون آمده است: «تره، دارای نوع: شامی، نبطی و نوعی دیگر است که آن را تره دشتی می گویند. این تره، میان تره معمولی و سیر است و به دارو، شباهت بیشتری دارد تا به غذا. نبطی آن هم بیش از شامی در معالجات به کار می آید...» تا جایی که می گویند: «به صورت آب پز، خواه خوردنی و خواه به عنوان پماد، سودمند است، نیروی جنسی را تحریک می کند و تخم آب پز آن همراه با دانه آس، برای اسهال و خونریزی مقعدی به کار می رود» (بحار الأنوار: ج ۶۲ ص ۱۹۶ ح ۲).
- [۹۸۲] (۲) تردید، از راوی است.

[۹۸۳] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۲۰۷۱ عن وهب بن وهب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۴، ح ۱۷.

[۹۸۴] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۶، ح ۱۳۰۰ و فيه «فقد» بدل «فقعد»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۲، ح ۸.

[۹۸۵] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۲۰۶۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۲، ح ۷.

[۹۸۶] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۱۳۰۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۵، ح ۲۰.

[۹۸۷] (۱) علامه مجلسی می گوید: ظاهراً مقصود از فرو نشستن خون، آن است که در هنگام تخلی (دفع)، خون از او دفع می شود. طیبیان گفته اند: تره، مجاری طحال را باز می کند و به سبب گرمای فراوان بدن و باز شدن مجاری طحال، خون سرازیر می شود، چونان که به گاه عادت ماهانه، خونریزی صورت می پذیرد. اما سود این خونریزی برای ورم طحال، آن است که ممکن است این ورم، از مزاج خون یا از سودا سرچشمه گرفته باشد (بحار الانوار: ج ۶۶، ص ۲۰۲).

[۹۸۸] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۷، ح ۲۰۶۵ عن أبي سعيد الآدمي، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۳، ح ۱۲.

[۹۸۹] (۲) في المحاسن: «لا يعلقُ به منه شيء». قال العلامة المجلسي قدس سره: قوله عليه السلام: «لا يعلق منه شيء» إمام مبنی علی الاستحالة، أو علی أنه لا يعلم ملاقات شيء منه للنابت، فالغسل في الخبر السابق محمول على الاستحباب و النظافة (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۳).

[۹۹۰] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۷، ح ۲۰۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۹۷، ح ۳ و ج ۶۶، ص ۲۰۳، ح ۱۳.

[۹۹۱] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۲۰۷۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۶، ح ۱۸.

[۹۹۲] (۱) علامه مجلسی می گوید: این سخن، یا بر این مبتنی است که آن فضولات، استحاله شده اند و یا بر این که به چسبیدن فضولات به گیاه، یقین نداریم. از همین روی، شستنی که در روایت پیشین از آن سخن به میان آمده، باید کاری مستحب باشد و به معنای نظافت، تفسیر شود (بحار الأنوار: ج ۶۶، ص ۲۰۳).

[۹۹۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۶، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۷، ح ۲۰۶۴، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۶، ح ۱۳۰۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۲، ح ۱۱.

[۹۹۴] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۲۰۸۵ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۸، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۳۷۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۷ و ج ۶۶، ص ۲۳۹، ح ۱.

[۹۹۵] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۶، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۲۰۸۶ كلاهما عن حماد بن زكريا عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۷ عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «كُل الكرفس فإنها...» بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۰، ح ۳.

[۹۹۶] (۳) الفردوس، ج ۵، ص ۳۷۰، ح ۸۴۶۸ عن الإمام الحسين عليه السلام.

[۹۹۷] (۴) طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۰.

[۹۹۸] (۱) در مكارم الأخلاق، حدیث، چنین آغاز شده است: «كرفس بخور؛ چرا که...».

[۹۹۹] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۲۱۴۹ عن إبراهيم بن علي الرافعي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۲، ح ۳.

[۱۰۰۰] (۱) علامه مجلسی می گوید: قارچ یا «كَمْء» که مفرد غیر قیاسی «كَمْء» است گیاهی شناخته شده است. طیبیان گفته اند: نه

ریشه‌ای دارد و نه برگی، و رنگ آن، به قرمز متمایل است. در فصل بهار و به هنگام فراوانی برف و یخ، دیده می‌شود. آن را پخته و خام می‌خورند.

قارچ دارای گونه‌هایی با نام‌های مختلف است: یکی از انواع آن را «فطر» گویند. در قاموس آمده است: «فطر (با ضمه فاء یا به ضمه فاء و طا) نوعی کشنده از قارچ است».

ابن بیطار به نقل از دیسکوریدس گفته است: «برخی از انواع فطر، قابل خوردن هستند و برخی دیگر از انواع آن، قابل خوردن نیستند و کشنده‌اند، از آن روی که در نزدیکی میخ‌های زنگ‌زده یا پارچه‌ای متعفن، یا لانه‌های برخی از درندگان زیان‌رسان و یا نزدیک برخی درختان (که خاصیت آنها مسمومیت‌بخشی به فطر، در صورت رویدن در نزدیکی آنهاست) رویده‌اند. ممکن است این نوع از فطر، پوشش لغزنده و مرطوب داشته باشد و چون این پوشش، برداشته و این نوع از قارچ در جایی نهاده شود، بسیار زود فاسد می‌شود و بو می‌گیرد».

امّا نوع دیگر از همین قارچ، در آب گوشت استفاده می‌شود. خوش مزه است و در صورتی که از آن زیاد مصرف شود، زیان می‌رساند و از آن، نوعی احساس خفگی و بدگواری پدید می‌آید».

جالینوس نیز گفته است: «نیروی فطر، نیرویی سرد و بسیار مرطوب است و از همین روی به داروهای کشنده، نزدیک است و چیزی در آن وجود دارد که می‌کشد، بویژه در آن نوعی که در نهاد آنها چیزی از عفونت در آمیخته است».

یکی دیگر از انواع آن، «فَقْع» است. فیروزآبادی در این باره گفته است: «فَقْع (با فتحه فاء و کسره آن) قارچ سفید و نرم است و جمع آن بر وزن عِبَّه است».

ابن بیطار گفته است: «چیزی است که در زیر زمین و نزدیک آب‌ها شکل می‌گیرد. دایره‌ای و سفید و بزرگ‌تر از کماة (قارچ دنبالان) است و در روی زمین نیز دیده می‌شود. چتر هر یک از این قارچ‌ها دارای سه یا چهار پاره است، هر چند که این پاره‌ها به همدیگر چسبیده‌اند. این قارچ از فطر، سالم‌تر است و بر خلاف فطر، چیزی کشنده در آن وجود ندارد و طبع آن سرد، مرطوب و غلیظ است. برخی از همین انواع را در فارسی، کشنج یا گل‌کنده نامند. در ماسه‌زار می‌روید و در خراسان و ماوراء النهر، بیشتر دیده می‌شود. گفته‌اند: مست‌کننده است. درون تهی است و رطوبت آن، هم‌اندازه یک گردوی بزرگ است. همچنین گفته‌اند: این نوع نیز سرد و غلیظ و دارای گوارشی کُند است».

یکی دیگر از انواع قارچ، «غرشنه» است. ابن بیطار گفته است: این نوع، در سرزمین بیت المقدس بسیار است و آنجا با نام «کرشته» شناخته می‌شود.

ابن سینا گفته است: «این خود یکی از انواع: کماة و فطر است. شکلی همانند یک کاسه کوچک دارد، مایه تبسم و تشنج است، و در هنگام لمس، نرم احساس می‌شود. جامه را با آن می‌شویند و آن را همراه با چیزهای ترش می‌خورند».

ابن بیطار به نقل از برخی، درباره قارچ آورده است: قارچ سرخ، کشنده است. خوش مزه‌ترین قارچ‌ها نیز قارچی است که نرم‌تر و به رنگ سفید، متمایل تر باشد. نوع خال‌خال و سست آن، کاملاً نامرغوب است و در معده گرم، بسیار مفید است. اگر به دلیل زیاد خوردن از آن یا به دلیل ضعف معده، هضم نشود، مانده آن در دستگاه گوارش، بسیار غلیظ می‌گردد و دردهایی را در قسمت‌های تحتانی پشت و سینه بر جای می‌گذارد.

از این ماسه نقل شده که در این باره گفته است: سرد و مرطوب و در درجه دوم است.

از مسیح علیه السلام نقل شده است: اگر خورده شود، انسداد پدید می‌آورد؛ اما اگر با آن سر مه کشیده شود، دیده را جلا می‌دهد. از غافقی در این باره چنین نقل شده است: یکی از خواص قارچ، آن است که اگر کسی آن را بخورد و در حالی که هنوز این قارچ در معده وی است، گزنده‌ای او را نیش بزند، از آن نیش می‌میرد و هیچ دارویی او را سود نمی‌افتد؛ اما آب قارچ، یکی از بهترین

- درمان‌های چشم است، البته در صورتی که به سنگ سرمه مالیده و آن گاه با آن، سرمه کشیده شود. این کار، مژه‌ها را تقویت می‌کند و حس بینایی را توان و دقت می‌افزاید و آبریزش را از چشم، دور می‌کند (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۲۳۲).
- [۱۰۰۱] (۱) المَنّ: شئیء حلو كان يسقط من السماء على الشجر فيجتونه (مجمع البحرين، ج ۳، ص ۱۷۲۵).
- [۱۰۰۲] (۲) الكافی، ج ۶، ص ۳۷۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۲۱۵۰ كلاهما عن عبد الرحمن بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام، طبّ الأئمة لابن بسطام، ص ۸۲ عن جابر بن يزيد الجعفی عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۵۲، ح ۲۸؛ صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۶۲۷، ح ۴۲۰۸، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۱۹، ح ۱۵۷ كلاهما عن سعيد بن زيد و ليس فيهما «و المَنّ من الجنّة»، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۸، ح ۲۸۲۰۱.
- [۱۰۰۳] (۱) اشاره به آیاتی است که بر فرود آمدن «مَنّ» بر بنی اسرائیل دلالت دارند، چنان‌که در مجمع البحرين (ج ۲ ص ۱۷۲۵) آمده است: «مَنّ، چیزی شیرین بوده که از آسمان برای بنی اسرائیل بر روی درخت می‌افتاده و آنها آن را می‌چیده‌اند».
- [۱۰۰۴] (۲) در صحیح البخاری و صحیح مسلم، عبارت «و مَنّ، از بهشت است» نیامده است.
- [۱۰۰۵] (۱) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۵، ح ۳۴۹ عن دارم بن قبيصة عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۱، ح ۱.
- [۱۰۰۶] (۲) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۰، ح ۲۸۳۱۱ نقلًا عن ابن السنی و أبي نعیم عن صهیب.
- [۱۰۰۷] (۳) فی بحار الأنوار: «بقّاء».
- [۱۰۰۸] (۴) الكافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۶، ح ۲۱۵۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۲، ح ۵.
- [۱۰۰۹] (۱) در بحار الأنوار، به جای واژه «عشا (شام)»، واژه «قّاء» آمده که به معنای خیار است.
- [۱۰۱۰] (۱) مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۰۵، ح ۲۰۳۴۵ نقلًا عن طبّ النبیّ صلى الله عليه وآله.
- [۱۰۱۱] (۲) الخصال، ص ۶۳۲، ح ۱۰ عن أبي بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۲ و فيه «أوجاعه» بدل «أوجاع الجوف»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۲۶۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۸، ح ۶.
- [۱۰۱۲] (۳) الكافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۲۲۹۶ كلاهما عن أبي بصیر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۴، ح ۳۲.
- [۱۰۱۳] (۴) الكافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۲۶۶ و فيه إلى «و السفرجل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۷.
- [۱۰۱۴] (۵) طبّ الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۵.
- [۱۰۱۵] (۱) در مکارم الأخلاق، فقط صدر حدیث، آمده است.
- [۱۰۱۶] (۱) فی المصدر: «يلسح»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۱۰۱۷] (۲) طبّ النبیّ صلى الله عليه وآله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۲۱، ح ۴.
- [۱۰۱۸] (۳) الفردوس، ج ۱، ص ۹۱، ح ۲۹۵ عن الإمام علیّ علیه السلام، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۷، ح ۱۷۲۱۴.
- [۱۰۱۹] (۴) من لا يحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۵، ح ۵۷۶۲ عن حمّاد بن عمرو و أنس بن محمد عن أبيه، الخصال، ص ۱۲۶، ح ۱۲۲ عن أنس بن محمد عن أبيه و فيه «السقم» بدل «البلغم»، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۲۸، ح ۲۶۵۶ کلّها عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علیّ عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۳، ح ۳.
- [۱۰۲۰] (۱) کُنْدَر: صمغی است که آن را مصطکی خوانند و بعضی گویند مصطکی هم نوعی کندر است و کندر، همان بُبان باشد. و بعضی گویند کندر، درختی است شبیه به درخت پسته؛ لیکن باری و میوه‌ای و تخمی ندارد. صمغ آن را به نام آن درخت

خوانند (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا: ج ۱۱ ص ۱۶۴۲۳).

[۱۰۲۱] (۲) در الخصال، به جای «بلغم»، واژه «سُقِم» به معنای بیماری آمده است.

[۱۰۲۲] (۱) الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص

۱۰۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۴۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۳، ح ۲.

[۱۰۲۳] (۲) كنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۸۶، ح ۳۸۳۱۸ عن ابن السنّي و نعيم معاً في الطبّ و عن الخطيب في الجامع.

[۱۰۲۴] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۴ عن سكين، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۲، ح ۱۲.

[۱۰۲۵] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۴۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۴، ح ۸.

[۱۰۲۶] (۵) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۴، ح ۸؛ الفردوس، ج ۱، ص ۱۰۱، ح ۳۳۱ عن

ابن عمر.

[۱۰۲۷] (۱) في تهذيب الأحكام و مکارم الأخلاق: «أطعموا جبالاًكم اللبان».

[۱۰۲۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۲۳، ح ۷، تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۴۰، ح ۱۷۵۸ كلاهما عن محمد بن سنان، مکارم الأخلاق، ج

۱، ص ۴۲۴، ح ۱۴۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۴، ح ۸؛ تاريخ دمشق، ج ۵۴، ص ۲۲۹، ح ۱۱۴۷۴ عن أبي هريرة نحوه.

[۱۰۲۹] (۱) در تهذيب الأحكام و مکارم الأخلاق، کلمه «نر» نیامده است.

[۱۰۳۰] (۱) الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶،

ص ۹۵، ح ۱.

[۱۰۳۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۲، ح ۱۹۶۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۲، ح ۲۳.

[۱۰۳۲] (۳) طبّ الأئمة لابن بسطام، ص ۸۹ عن الحلبي، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۲، ح ۴.

[۱۰۳۳] (۱) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۱۸، ح ۷۴۲۳ عن عبد الله، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۱، ح ۲۸۱۶.

[۱۰۳۴] (۲) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۴۶، ح ۸۲۲۴ عن عبد الله بن مسعود، مسند ابن الجعد، ص ۳۰۷، ح ۲۰۷۲ عن

طارق بن شهاب و فيه «دواء» بدل «شفاء»، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۰، ح ۲۸۲۱۲ نقلًا عن ابن عساکر و راجع: الكافي، ج ۶، ص ۳۳۷،

ح ۳ و المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۱۹۶۷.

[۱۰۳۵] (۳) السنن الكبرى للنسائي، ج ۴، ص ۱۹۴، ح ۶۸۶۴، مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۱۸۸۵۳ كلاهما عن طارق بن

شهاب، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۱۸، ح ۷۴۲۵ عن عبد الله يرفعه إليه صلى الله عليه و آله نحوه، كنز العمال، ج ۱۰،

ص ۳۰، ح ۲۸۲۱۳.

[۱۰۳۶] (۴) المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۴، ح ۹۷۸۸، تاريخ بغداد، ج ۷، ص ۳۵۶ كلاهما عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال، ج

۱۰، ص ۲۹، ح ۲۸۲۰۸.

[۱۰۳۷] (۵) قرب الإسناد، ص ۱۱۰، ح ۳۸۰ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۹۹، ح ۱۲؛ مسند ابن الجعد، ص

۳۰۷، ح ۲۰۷۳ عن ابن مسعود.

[۱۰۳۸] (۱) شجر، عبارت است از گیاهان با ساق و بی ساق.

[۱۰۳۹] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۱ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۲، ح ۱۴۳۴،

الدعوات، ص ۱۵۲، ح ۴۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۳، ح ۳۵.

[۱۰۴۰] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۱۹۶۸ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص

۱۰۳، ح ۳۰.

- [۱۰۴۱] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۱۹۶۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۳، ح ۳۱.
- [۱۰۴۲] (۴) المصنّف لعبد الرزّاق، ج ۹، ص ۲۵۹، ح ۱۷۱۳۵، كنز العمّال، ج ۱۰، ص ۳۱، ح ۲۸۲۱۹.
- [۱۰۴۳] (۱) ذرّب، بیماری معده است که مانع هضم و جذب غذا شده، در نتیجه موجب شکم‌رُوش می‌گردد.
- [۱۰۴۴] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۶۲۹، ح ۲۶۷۷، المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۱۸۴، ح ۱۲۹۸۶ کلاهما عن ابن عباس، كنز العمّال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۶.
- [۱۰۴۵] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۸، ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۰۱، ح ۴۳۸، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۵، ح ۱۹۷۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۳، ح ۳۴.
- [۱۰۴۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۹، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۵، ح ۱۹۷۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۹۵، ح ۴.
- [۱۰۴۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۳، ح ۱۹۶۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۱۶۴ و فيه «الحليب بالعسل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۲، ح ۲۴ و ص ۲۹۰، ح ۲.
- [۱۰۴۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۸، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۷، ح ۱.
- [۱۰۴۹] (۱) علامه مجلسی می‌گوید: در قاموس آمده است: حليب یعنی شیر دوشیده‌شده، یا حليب یعنی آنچه هنوز مزه‌اش تغییر نیافته است. همچنین دیگرگون شدن آب کمر، کنایه از عدم انعقاد نطفه فرزند از آن است (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۱۰۲).
- [۱۰۵۰] (۲) نانخواه: دانه‌ای است زرد رنگ، خوش‌بو و با طعمی نسبتاً تند و تلخ، و گاه روی نان می‌ریزند (فرهنگ صبا: ص ۱۰۸۵).
- [۱۰۵۱] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۸، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۴۸، ح ۱۷۷۴ کلاهما عن عيسى بن عبد الله العلوي عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۱۱۰۷ عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۹، ح ۱۲.
- [۱۰۵۲] (۲) طبّ النبيّ صلى الله عليه وآله، ص ۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۳؛ الفردوس، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۲۹۰۹، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۸۱، ح ۴۱۰۰۰ نقلًا عن المعجم الأوسط و أبي نعيم في الطبّ و كلاهما عن بريده الأسمي.
- [۱۰۵۳] (۳) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۵، ح ۷۹ عن أحمد بن عامر الطائي، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۰۶، ح ۵۶ کلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۰۷۹ عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله و ليس فيهما «أهل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۸، ح ۵ و ص ۲۶۲، ح ۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۹۹، ح ۳۳۰۵ عن أبي الدرداء و فيه «أهل الجنّة» بدل «الآخرة» و ليس فيه «ثم الأرز»، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۹۱، ح ۴۱۰۵۴ نقلًا عن الحاكم في تاريخ نيشابور عن صهيب.
- [۱۰۵۴] (۱) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۴۱، ح ۱۲۹ عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۱۸۰۷ عن أبي اسامه عن الإمام الصادق عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله و فيه «فإنّ اللحم ينمي» بدل «فإنّه ينبت»، قرب الإسناد، ص ۱۰۷، ح ۳۶۷ عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، الدعوات، ص ۱۵۳، ح ۴۱۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۸، ح ۶.
- [۱۰۵۵] (۲) تاريخ دمشق، ج ۴۹، ص ۳۲۳، ح ۱۰۵۵۶ عن ابن عباس، كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۸۲، ح ۴۱۰۰۵.
- [۱۰۵۶] (۳) كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۲۸۲، ح ۴۱۰۰۶ نقلًا عن شعب الإيمان عن سلمان.
- [۱۰۵۷] (۴) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۳ نقلًا عن كتاب السرائر.
- [۱۰۵۸] (۵) كنز العمّال، ج ۱۵، ص ۴۵۵، ح ۴۱۸۰۶ نقلًا عن أبي نعيم.



[۱۰۵۹] (۶) كنز العمال، ج ۱۵، ص ۴۵۵، ح ۴۱۸۰۵ نقلًا عن أبي نعیم.

[۱۰۶۰] (۷) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۰۹، ح ۳۵۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.

[۱۰۶۱] (۸) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۸۰۰ عن غیاث بن إبراهيم، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۶، ح ۳۷ و راجع: دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱.

[۱۰۶۲] (۱) در السرائر، حدیث، چنین آغاز می‌شود: «روایت شده است که خوردن گوشت ...».

[۱۰۶۳] (۲) نگارنده می‌گوید: ظاهراً نقش نخوردن گوشت در بد اخلاقی، اقتضاست (در مواردی است که نخوردن گوشت، به ضعف اعصاب، منتهی گردد)، نه علت تاّمه. بنا بر این، ممکن است کسی گوشت نخورد و اخلاقش هم بد نباشد.

[۱۰۶۴] (۱) الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۸۳، ح ۲، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۳۹ کلاهما عن أبي هاشم الجعفری، بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۵۵، ح ۱۰.

[۱۰۶۵] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۶۴ عن السكونی عن الإمام الصادق عن أبيه علیهما السلام.

[۱۰۶۶] (۳) الدعوات، ص ۱۵۳، ح ۴۱۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۵، ح ۷۰.

[۱۰۶۷] (۴) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.

[۱۰۶۸] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۷، ح ۱۸۱۲ عن جعفر بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۸، ح ۴۷.

[۱۰۶۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۹، ح ۱۸۱۷ کلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق علیه السلام، تحف العقول، ص ۱۰۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۹، ح ۵۲.

[۱۰۷۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۸، ح ۱۸۱۴، الدعوات، ص ۱۵۲، ح ۴۱۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۸، ح ۴۹.

[۱۰۷۱] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۷، ح ۱۸۱۱ کلاهما عن هشام بن سالم، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۸، ح ۴۶.

[۱۰۷۲] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۱۸۲۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۹، ح ۵۶.

[۱۰۷۳] (۵) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۸، ح ۱۱۲۹ عن معاذ بن جبل، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۴، ح ۶۹؛ الفردوس، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴۰۶۴ عن معاذ بن جبل.

[۱۰۷۴] (۱) مَضِیْرَةٌ، غذایی است پختنی که از شیر مانده و ترش شده درست می‌شود (مجمع البحرین: ج ۳ ص ۱۷۰۲).

[۱۰۷۵] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۰، ح ۳۵۶، جامع الأحادیث للقمی، ص ۱۳۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.

[۱۰۷۶] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۱۸۴۶، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۸۲، ح ۲۹.

[۱۰۷۷] (۳) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۴۸، ح ۸۲۳۲ عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۱، ح ۲۸۲۱۸.

[۱۰۷۸] (۴) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.

[۱۰۷۹] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۲، ح ۱۷۹۳ عن أبي بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۳، ح ۲۹.

[۱۰۸۰] (۶) الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰ عن أبي بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۴ و فيه «و ألبانها شفاء و كذلك أسمانها»، الکافی، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۳ عن إسماعیل بن أبي زیاد مع تقدیم و تأخیر، مکارم

الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۱۱۲۳ کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۶، ح ۲.

[۱۰۸۱] (۱) الغیبة للنعمانی، ص ۶۷، ح ۷ عن أبي بصیر عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام.

- [۱۰۸۲] (۲) طَبُّ الْأَنْثَمَةِ لِابْنِي بَسْطَامٍ، ص ۶۴ عن عبد الرحيم بن عبد المجيد القصير، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۹، ح ۱۸۱۹ عن عبد الله بن سنان، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۴، ح ۱۱۱۴ و ليس فيهما من «فإنه يخرج...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۱، ح ۱۷.
- [۱۰۸۳] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۹، ح ۱۸۱۸، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۶، ح ۱۱۲۲ كلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۹، ح ۵۳.
- [۱۰۸۴] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۰، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۱۳۱، ح ۱۳.
- [۱۰۸۵] (۱) ميش: گوسفند، گوسپند. مطلق گوسفند باشد، خواه ماده و خواه نر ... گویا در قدیم، میش، به جنسی می گفته اند که امروز گوسفند می گوئیم و اعم از نر و ماده و پشم دار است؛ و گوسفند، اطلاق می شده است هم بر میش (یعنی گوسفند در معنای امروزی که پشم دارد) و هم بر بز، اعم از نر و ماده (ر. ک: لغت نامه دهخدا: ج ۱۳ ص ۱۹۴۲۷).
- [۱۰۸۶] (۲) در المحاسن و مکارم الأخلاق، بخش دوم حدیث، وجود ندارد.
- [۱۰۸۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۴ عن محمد بن حكيم، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۴۳، ح ۱.
- [۱۰۸۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۳، ح ۶ عن نسيط بن صالح، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۹، ح ۱۱۳۵ و ليس فيه «كثرة»، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۸۵، ح ۵۱.
- [۱۰۸۹] (۳) قال العلامة المجلسي قدس سره: في حياة الحيوان: الإوز: البط، انتهى. و لعلّه عليه السلام إنّما شبّه بالجاموس لأنسه بالحماة و أكله منها ... و إنّما شبّه الدجاج بالخنزير لأكله العذرة ... و لعلّ وجه التخصيص بريعه؛ لأنّ فرخ مكانهم أحسن، أو لوجود تربيتهم لها (مرآة العقول، ج ۲۲، ص ۱۳۳).
- [۱۰۹۰] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۱۸۴۹، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۵، ح ۱۱.
- [۱۰۹۱] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه. ش.
- [۱۰۹۲] (۱) درباره این تشبیه ها چنین گفته اند شاید امام علیه السلام از آن روی غاز را به گاو میش تشبیه کرده است که هر دو با لجنزار انس دارند و از آن جا می خورند. نیز مرغ را از آن روی به خوک تشبیه کرده است که هر دو مدفوع می خورند ... شاید علت نام بردن از ربیع از میان همه قبایل نیز آن است که جوجه های سرزمین این قوم، بهتر بوده و یا آنان عنایت و توجه افزون تری به جوجگان داشته اند (مرآة العقول: ج ۲۲ ص ۱۳۳).
- [۱۰۹۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۱۸۵۱ و فيه «فرخ حمام» بدل «فرخ»، عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۰، ح ۱۴ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۶، ح ۱۰.
- [۱۰۹۴] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۳ عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۸، ح ۱۸۵۲ و فيه «يقتل» بدل «يقلّ»، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۱۳۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۵، ح ۶۹.
- [۱۰۹۵] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۴، ح ۶۹.
- [۱۰۹۶] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۱۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۵، ح ۶۹.
- [۱۰۹۷] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۴.
- [۱۰۹۸] (۱) در المحاسن، به جای «جوجه»، تعبیر «جوجه کبوتر» آمده است.
- [۱۰۹۹] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۸، ح ۱۸۵۵، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۱۴۱، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۵۳۹ من دون إسنادٍ إلى الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۱۷، ح ۷۴.
- [۱۱۰۰] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۸، ح ۱۸۵۳ كلاهما عن إبراهيم بن عبد الحميد، بحار الأنوار، ج

۶۵، ص ۲۰۷، ح ۳۶.

[۱۱۰۱] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۱۸۶۶، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۰۸، ح ۴۸.

[۱۱۰۲] (۱) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۶۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ نحوه.

[۱۱۰۳] (۲) الفردوس، ج ۱، ص ۴۲۰، ح ۱۷۰۵ عن أبي امامة.

[۱۱۰۴] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۵۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۹۰، ح ۱.

[۱۱۰۵] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۱۸۶۱ عن مسعدة بن اليسع عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۰۸،

ح ۴۳.

[۱۱۰۶] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۵ عن ابن اليسع عن الإمام الصادق عليه السلام.

[۱۱۰۷] (۱) الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص

۱۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۷، ح ۲.

[۱۱۰۸] (۲) قرب الإسناد، ص ۱۰۷، ح ۳۶۷ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص

۵۶، ح ۱.

[۱۱۰۹] (۳) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۷ عن الإمام الباقر عليه السلام.

[۱۱۱۰] (۴) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۸۴ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۷، ح ۱۴ و ج ۶۵، ص ۲۱۵،

ح ۶۶.

[۱۱۱۱] (۵) الخصال، ص ۱۵۵، ح ۱۹۴ عن معاوية بن عمار، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۰۹، روضة الواعظين، ص ۳۳۶،

طب الأئمة لابني بسطام، ص ۴ وفيها «الضلع» بدل «الطلع»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۳، ح ۱۰ و ج ۶۶، ص ۴۵، ح ۵.

[۱۱۱۲] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۹، ح ۱۸۵۸ كلاهما عن عبد الله بن سنان و ح ۱۸۵۹ عن الإمام

علي عليه السلام، وفيهما «الجسد» بدل «الجسم».

[۱۱۱۳] (۷) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۷ عن موسى بن بكر، المحاسن، ج ۲، ص ۲۶۹، ح ۱۸۵۶ عن أبي البختري، مكارم الأخلاق،

ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۱۴۰ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۰۷، ح ۳۸.

[۱۱۱۴] (۸) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۹ عن موسى بن بكر، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۱۸۶۲ و ح ۱۸۶۳ عن مسمع عن الإمام

الصادق عليه السلام وفيه «يذيب بمخ العين»، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۰۸، ح ۴۴.

[۱۱۱۵] (۱) در المحاسن، از امام صادق عليه السلام و با عبارت «مخ چشمان را ذوب می کند» آمده است.

[۱۱۱۶] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۴.

[۱۱۱۷] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۱۳۷۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۶، ح ۱.

[۱۱۱۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۱۳۷۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۶، ح ۲.

[۱۱۱۹] (۱) معنای آن در ج ۱، صفحه ۵۱۵ گذشت.

[۱۱۲۰] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۵، ح ۲۴۹۰ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۲۱.

[۱۱۲۱] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۵، ح ۲۴۸۸ عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۷، ح ۹۷۵

من دون إسناد إلى الإمام الباقر عليه السلام و زاد فيه «و اختتم به» بعد «بالمخ»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۲۰.

[۱۱۲۲] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۲، ح ۱۳۹۵ عن عائشة، طب النبي صلى الله عليه و آله، ص ۴؛ الفردوس، ج ۳، ص ۵۸۹،

ح ۵۸۴۵ عن عائشة.

- [۱۱۲۳] (۴) ما بین المعقوفین أثبتناه من المحاسن.
- [۱۱۲۴] (۵) فی المصدر: «فهدت»، و التصویب من مرآة العقول و بحار الأنوار.
- [۱۱۲۵] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۷، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۲، ح ۲۴۷۷، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۷۳، ح ۴۱.
- [۱۱۲۶] (۱) الخصال، ص ۶۲۳، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۴، ح ۲۴۸۳ عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۷، ح ۱۳.
- [۱۱۲۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۱، ح ۲۴۷۴ عن سعد الإسکاف عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۴، ح ۲.
- [۱۱۲۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲۴۹۱ و فیهِ «ذهب الله عنه» بدل «ذهب عنه»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۹، ح ۲۲.
- [۱۱۲۹] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۱۲ عن سلیمان الدیلمی، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۷، ح ۴۲۵۸ نحوه، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۷، ح ۹۷۸ و لیس فی صدره، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۹، ح ۲۴.
- [۱۱۳۰] (۱) در مکارم الأخلاق، صدر حدیث، وجود ندارد.
- [۱۱۳۱] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱۴۷۰ عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۶، ح ۲.
- [۱۱۳۲] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱۴۷۱ کلاهما عن صالح بن رزین عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۶، ح ۳.
- [۱۱۳۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۰، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱۴۶۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۶، ح ۱ و ص ۱۷۴، ح ۱۶.
- [۱۱۳۴] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱۴۶۸ کلاهما عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۶، ح ۱.
- [۱۱۳۵] (۱) هَلِیم یا همان هَرِیسه که به غلط با املای «حَلِیم» نوشته می شود، غذایی است که از پختن گندم و گوشت و کوبیدن آنها به دست می آید (ر. ک: فرهنگ معین).
- [۱۱۳۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۷، ح ۴.
- [۱۱۳۷] (۱) معنای گاورس در ج ۱، ص ۴۳۷ گذشت.
- عَلَّامه مجلسی می گوید: در بحر الجواهر آمده است: «جاورس، معرَّب گاورس است. این گیاه در همه احوال، از دخن، بهتر است، هر چند از آن، قابض تر است. سرد است در نخست و خشک در دوم. قابض و خشک کننده است. درد را تسکین می دهد. چون در آب پخته شود و در حالتی که همچنان گرم است بر موضع نهاده شود، نفخها را می گشاید و خون تازه تولید می کند. اگر با شیو پخته شود، زیانش کمتر است. ارزش غذایی کمی دارد و دیرهضم است».
- ابن بیطار گفته است: «نزد طبیبان، گاورس، یکی از دو گونه دخن است؛ نوعی با دانه های ریزتر، سفت تر و خاکی رنگ که نزد همه راویان، همان دخن است، هر چند از میان آنها تنها ابو حنیفه دینوری گفته است: دخن، دو گونه است: یکی دارای رنگ روشن و دانه های ریزتر، و دیگری نوعی صاف پهلوی و سنگین تر که به هنگام جابه جایی صدای کمتری ایجاد می کند». همو گفته است: «گاورس، پارسی، و دخن، معادل عربی آن است».
- ابن ماجه گفته است: «چون با شیر، پخته و از آن، آردی تهیه شود و به نوشاکی بدل گردد و قدری چربی نیز بدان افزوده شود، بدن را به خوبی تغذیه می کند. آن، از دخن، بهتر، تغذیه کننده تر و دارای گوارشی سریع تر است و در مقایسه با آن، طبع را کمتر محبوس

می‌دارد» (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۵۷).

[۱۱۳۸] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۳، ح ۲۰۴۹ عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۵ عن زياد عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۸، ح ۱۶.

[۱۱۳۹] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۸ عن أبي بصير، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۱، ح ۲۰۳۷ عن مثنى بن زياد و كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۷ عن محمد بن أبي زينب و كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۱۲۹۰ كلها نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۷، ح ۶.

[۱۱۴۰] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۱، ح ۲۰۴۰ كلاهما عن السكوني، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۷، ح ۹.

[۱۱۴۱] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۲، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۳، ح ۲۰۴۸ و فيه «ورقات» بدل «طاقات» و كلاهما عن المثنى بن الوليد، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۸، ح ۱۵.

[۱۱۴۲] (۱) این گیاه، دارای دو نوع: دشتی و باغی است، و خود، دو گونه است: پهن برگ و باریک برگ، و حکم کاهو را دارد) القانون فی الطب: ص ۶۸.

[۱۱۴۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۳، ح ۲۰۴۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۵، ح ۱۲۹۵، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۰ و فيه «يحسن اللون»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۹، ح ۲۳ و ج ۱۰۴، ص ۸۳، ح ۳۸.

[۱۱۴۴] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۲، ح ۲ عن سفيان بن السمط، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۲، ح ۲۰۴۲ عن الإمام الرضا عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۱۲۹۰ و فيه «فليكثر» بدل «فليدمن» و فيهما «ماله» بدل «ماؤه»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۷، ح ۱۰.

[۱۱۴۵] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۳، ح ۲۰۵۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۸، ح ۱۷.

[۱۱۴۶] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۹ عن محمد بن إسماعيل، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۵، ح ۱۲۹۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۹، ح ۲۳.

[۱۱۴۷] (۱) در طب الأئمة عليهم السلام، عبارت «رنگ را نکو می‌کند» آمده است.

[۱۱۴۸] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۱۱۴۹] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.